بسم الله الرحمن الرحیم

... او لوئی ز لول کر

... لمه ار بار تهیم صلاح ...

... بچاه دار بن ... بشه

... ز قار ز نو کار زنو ...

اگر خواهی ... هوا
به بینی به بینی چه طوبیست





بسم الله الرحمن الرحیم

هو الباقی

هر کس این کتاب را طمع کند لعنت خدا و نفرین رسول گرفتار شود و هر کس کتاب را دزد کند از نار جهنم خلاص نیابد

و هر کس با حق متصرف کند روسیاه دارین باشد

[illegible] کند [illegible] گرفتار [illegible]

[illegible]

شهر محرم الحرام سنه ۱۱۲۳



[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

جواهر خزاین ثنائی که زیب و زینت بر دوش شاهد از جمال ملکوت بوده باشد و درر کنوز
محامدی که آویزه گوش معتکفان صوامع جبروت کردد سپاس و ستایش جناب قدس
الجاجائی است که قدسیان سما و ساکنان ملأ اعلی از تسبیح و تقدیس و تمجید ذاتش پوسته در
خروش و از مشاهده اشعه جلال و کبریاء و پرتو انوار طور سینای اسماء حسنی همواره بیخود
و مدهوش و ساکنان معابد سموات و قاطنان مساجد سرادقات بمقتضای منهم رکوع لا یسجدون
و سجود لا یرکعون و صافون لا یزایلون هر یک بعبارت خاص شرف امتیاز و اختصاص یافته
مجیب الدعواتی که کف دست دعا بلند را آشیانه مرغ اجابت و انامل ایدی دعاگویان قفس طایر استجابت
ساخته و طوطیان تحیات زاکیات در شکرستان نعت خاتم پیغمبران شکرخا و عندلیبان صلوات
نامیات در مدیح اشرف رسل مترنم و بنغمات جانفزا در وجد و اهتزازات رفیع جنابی که ضیاء ملت
بیضایش رشک فزای ید بیضای موسی و نور مصباح شریعت غراش روشنی بخش جیب المعمور عالم بالا دو کوا
نیره عترت ابرار و اهل بیت اخیارش از مطالع بروج اثنی عشر طالع و ساطع کشته اذا صفوا قلوب کافه مؤمنان
و بواطن خواطر عامه متقیان را بنور هدایت و ارشاد روشن ساخته افضل صلوات بر ایشان مفتاح فلاح
دنیا و عقبی و سلام بر ایشان منهاج صلاح آخرت و اولی و موالات ایشان زاد معاد و مودت ایشان ذریعه
نجاح و سداد و اختیار متابعت ایشان جنة الامان طریق رشاد و جنة الایمان هدایت و سداد و
مشاهد مشرفه ایشان بلد الامین رستکاری و زیارت ایشان درع حصین پرهیزکاری و برائت از اعدا ایشان
باعث خلاصی از عقاب و شفاعت ایشان موجب نجات یوم یقوم الحساب است صلوات الله علیه و علیهم
اجمعین و لعنة الله علی اعدائهم الی یوم الدین اما بعد چنین کوید الفقیر الی عفو الله الغنی محمد حسین
بن محمد صالح الحسینی اوتیا کتابهما عن الیمین یوم الدین و وقاهما یوم الفتنة مواقف الامین که بر ارباب
دانش و اصحاب بینش واضح و روشن و مدلل و مبرهن است که غرض اصلی از ایجاد انسان که نخبه نتایج
ارکان است معرفت خدا و ذکر صفات و عبادت حکیم علی الاطلاق است جل شانه و بمقتضای ادعونی

ان الشهور عند الله اثنا عشر شهرا فی کتاب الله ایام و لیالی شهور اثنی عشر و اصل شهور با یکدیگر بجهت تفاوت
و برای هر یک وظایف متعدده از صلوات و صیام و اذکار و اوراد و ادعیه بسیار وارد شده و علماء امامیه
رضوان الله علیهم درین باب کتب متعدده تالیف نموده اند و لیکن اکثر آنها بلغت عربی و غالب خلق از عمل
بمضمون آنها باین جهت محروم اند و بعضی که بلغت فارسی تالیف شده اکثر آنها در نهایت اختصارات لهذا این فقیر
حسب الامر بعضی که اطاعت ایشان بر این فقیر متحتم بود بتالیف این کتاب اقدام نمود و آنچه در این باب از کتب اصحاب
بنظر رسیده در این کتاب درج نمود و آنچه از مسایل شرعیه که متعلق به هر ماهی بود بتفصیل آنرا با بعضی از فواید
که از کتب اصحاب استفاده نموده با آنچه بخاطر فاتر این شکسته خاطر رسید اضافه نمود و این کتاب را مسمی کردانید
بمخزن الجواهر سلطانی و مرتب ساخت بر فاتحه و دوازده خزینه و خاتمه **فاتحه** در بیان آداب دعا و شرایط آن
و شرح مطالب متعلقه بآن و کیفیت و آداب دید ماه و ذکر ادعیه ماهها و ذکر نمازها و اول ماه و ادعیه آنها و آن مشتمل
بر دو باب **باب اول** در بیان آداب دعا و شرایط آن و مطالب متعلقه بآن و آن بچند مفتاح مفتوح می شود
مفتاح اول در بیان معنی حقیقت دعا و ذکر بدانکه دعا در اصل لغت بمعنی خواندن و ندا کردن دیگران است و در
اصطلاح عبارت است از طلب نمودن مطالب و مقاصد خود از درگاه حق تعالی از روی تضرع و خشوع و خضوع
و ذکر در اصل لغت بمعنی حضور معنی است در نفس و اهل لغت گاهی آنرا مجازا بر قول اطلاق نموده اند بجهت آنکه
از شان قول اینست که معنی در نفس در آید و در دل حاضر شود و در اصطلاح عبارت است از کلامی که دلالت کند بر ثنای
الهی و حمد او با اتصاف او بصفات کمالیه یا افعال او و چون این کمال مستلزم حضور حق تعالی و صفات کمالیه
او در دل میباشد و آدمی باشد که جناب الهی میکرد اند لهذا آنرا ذکر نامیده اند و بدانکه در این مقام اشکالی می
شود که تنبیه بر آن و جواب آن ضرور است اما اشکال پس آنست که در معنی اصطلاحی دعا چنانچه مذکور شده
طلب نمودن مقاصد و مطالب معتبر است و این معنی منافی است با آنچه در روایات و اخبار وارد شده است که دعا
بر اذکار مشتمله بر حمد و ثنای الهی یا اوصاف کمالیه و افعال او اطلاق شده چنانچه در کتاب مجالس از اصبغ بن نباته روایت
نموده که گفت بر در خانه حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه من بر کوع رفته بودم و دعا میکردم ناگاه آنحضرت
بیرون آمد و فرمود که ای اصبغ گفتم لبیک فرمود که چه کار میکردی گفتم مشغول رکوع بودم و دعا میکردم
فرمود که میخواهی ترا تعلیم نمایم دعائی که آنرا از رسول خدا شنیده ام گفتم بلی فرمود بگو الحمد لله علی ما
کان و الحمد لله علی کل حال بعد از آن دست راست خود را بر دوش چپ من زد و فرمود ای اصبغ اگر
نعمت ثابت باشد بر دین حق و ولایت کامل باشد و دست گشاده باشد حق تعالی بتو رحیم خواهد بود و آن
خوبست و از رسول خدا منقولست که آنحضرت در حدیث عرفه فرمود که اکثر دعا من و دعاء پیغمبران پیش از من
این دعاست لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک و له الحمد و هو علی کل شیء قدیر و مخفی
نماند که لفظ دعا در این حدیث شریف بر آنها اطلاق شده مجرد ذکرات و مشتمل بر خواستن مطلبی نیست
و مثل این دعا خودی اصلا نیست و نظایر این در روایات و اخبار بسیار است چنانچه از تتبع ظاهر میشود و جواب

از این اشکال بچند وجه میتوان گفت وجه اول بعضی از علما گفته اند که چون این اذکار باعتبار اشتمال بر حمد و ثنا و طلب
نیز مانند دعا موجب اجر و ثواب است لهذا اسم دعا بر آن مجازا اطلاق شده وجه دوم بعضی دیگر گفته اند
که چون اذکار مشتمل بر حمد و ثناء الهی از مقدمات دعاست زیرا که هر دعائی البته مسبوق بحمد و ثناء میباشد
لهذا اسم دعا بر آن اطلاق شده وجه سیم بخاطر قاصر این شکسته میرسد که چون تلفظ بجمیع اذکار و تهلیلات
و تحمیدات و تقدیسات حق تعالی موجب ثواب و اجر و باعث مزید قرب و منزلت میگردد و آدمی بهریک از
آنها که تلفظ مینماید البته بقصد توقع اجر و ثواب یا طلب مزید منزلت و قرب میخواند پس طلب در مفهوم هریک
البته معتبر است و لفظی که دلالت بر طلب چیزی کند در آن صریحا مذکور نباشد و باین حیث لفظ دعا که در مفهوم
عرفی آن طلب و سؤال معتبر است بر آن اطلاق شده است و مخفی نماناد که این جواب اظهر از دو جواب سابق است
زیرا که بنا بر این جواب اطلاق لفظ دعا بعنوان حقیقت خواهد بود و بنا بر دو جواب اول بعنوان مجاز و تسبیح
در عرف اصطلاح اهل شرع بمعنی گفتن سبحان الله و تحمید بمعنی گفتن الحمد لله و تهلیل گفتن لا اله الا الله و
تکبیر گفتن الله اکبر است چنانچه تسمیه و بسمله بمعنی گفتن بسم الله و حمدله نیز بمعنی گفتن الحمد لله و حوقله بمعنی
گفتن لا حول و لا قوة الا بالله است و بعضی از آنها مانند تهلیل و بسمله و حمدله و حوقله از قبیل اشتقاقات
جعلیه است و سر در این باب آنست که کلامی که ظاهرا مشتمل بر دو کلمه و زیاده بوده باشد هرگاه کثیر الدوران بر السنه
عرب گردد از برای سهولت و آسانی لفظی را که مشتمل بر بعضی از حروف هریک از این کلمها بوده باشد از آن اشتقاق
و بر آن اطلاق مینمایند و الله تعالی یعلم **مفتاح دویم** در بیان فضیلت دعا و ثمرات و برکات آن بر عاقل خبیر و هوشمند
بصیر مخفی و مستتر نیست که هریک از افراد بنی نوع انسانی مبتلی بنقایص امکانی و پیوسته در تحصیل ما یحتاج زندگانی
[illegible] و اکتساب سعادات جاودانی که باعث نجات از اهوال شدید و فوز بدرجات عالیه نشاه باقیه است
محتاج بلطف و احسان ایزد کریم منان میباشد و کلید این خزاین بیکران و مفتاح این گنج بیپایان طریقه دعا و مسئلت
و مناجات است چه هرگاه مولی بنده خود را بیند که بغیر او ملجای و پناهی ندارد و جمیع ما یحتاج خود را از او مسئلت مینماید
او نیز البته متوجه تمشیت او کما ینبغی میگردد و اهمال و مساعی در هیچ جزئی از جزئیات امور او روا نمیدارد و قطع نظر
از مزید وجه فواید و منافع دیگر نیز بر دعا مترتب میشود زیرا که بکثرت دعا و مناجات یقین بذات و صفات کمالیه الهی زیاده
میگردد و توکل و توسل بجناب مقدس او بیشتر میشود و علاقه ها و طمعها از خلق بریده میشود و رشته آمال و امانی او
از غیر منقطع میگردد و ترک دنیا که اعظم عبادات است بسبب آن حاصل میشود بلکه تحلیه بجمیع صفات حسنه و اخلاق
حمیده و تخلیه از ملکات ذمیمه بد و بذل دعا و تضرع دست بهم میدهد و لهذا رسول خدا و ائمه هدی علیهم التحیة و الثنا
که اشرف مخلوقات و اکمل مکونات اند پیوسته این طریقه انیقه و شیوه مرضیه را مسلوک میداشته اند خصوصا
حضرت سید الساجدین و قبلة الزاهدین امام زین العابدین صلوات الله علیه که همیشه بدعا و تضرع و مناجات
و گریه و زاری بوده و صحیفه کامله که در فصاحت الفاظ و بلاغت مضمون تحت کلام خالق و فوق کلام مخلوق است
و مشتمل بر ادعیه جمیع مقاصد دنیا و آخرت است فی الحقیقه عروة الوثقی مطالب دنیا و حبل المتین مآرب نشأتین است

از آن

منقول

از آن امام عالیمقام است و بالجمله ثمرات و برکات دعا لا تعد و لا تحصی است و زبان قلم و بیان در تقریر و
تحریر تتمه آن عاجز و ناتوان است و برای اهتمام بشأن آن همین قدر کافیست که خداوند حمید در
چندین موضع از قرآن مجید کافه بندگان را بر وجه ابلغ و اکمل تحریص و ترغیب بآن فرموده چنانچه
میفرماید وَقَالَ رَبُّكُمُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ
جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ یعنی گفت پروردگار شما که بخوانید مرا در جمیع مطلبها تا مستجاب گردانم دعای
شما را بدرستی که جماعتی که تکبر و سرکشی مینمایند از عبادت من بزودی داخل جهنم میشوند با خفت
و خواری و این آیه کریمه از چند وجه بر فضیلت دعا دلالت میکند **اول** آنکه حق تعالی بآن امر فرموده
دویم وعده استجابت نموده **سیم** دعا را عبادت نام کرده **چهارم** ترک دعا را تکبر خوانده و بر ترکش
وعده دخول جهنم فرموده و در موضع دیگر میفرماید وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ
أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ و ترجمه اش اینست
که هرگاه سؤال نمایند از تو بندگان من از من یعنی از صفت من یا از نزدیکی و دوری من یا از کیفیت
دعا کردن من که آهسته دعا کنند یا بلند پس بگو با ایشان که من نزدیکم با ایشان بعلم و احاطه و لطف و
رحمت مستجاب میگردانم دعای هر دعا کننده را در هنگامی که میخواند مرا پس باید که بندگان اجابت کنند
مرا در دعا کردن که از ایشان طلبیده ام یا آنکه من چون اجابت میکنم دعای ایشان را باید که ایشان نیز مرا
اجابت نمایند در جمیع تکالیف من و باید که ایمان آورند بوعده من در اجابت دعا و در ایمان خود ثابت
باشند شاید که راه راست ببرند و صلاح خود پی برند و این آیه نیز مانند آیه سابق بر فضیلت دعا
از وجوه شتی دلالت دارد چنانکه بعد از اندک تاملی ظاهر میشود یعنی این دو آیه و آیات کریمه دیگر نیز
بسیار است که تفسیر بعضی از آنها در ضمن احادیث و اخبار این مطلب مذکور است و روایات این مطلب جسیم
که از ائمه اطهار علیهم صلوات الله الملک الغفار مروی و ماثورست از حد احصا بیرونست و ما
در این کتاب بجهة مزید رغبت اولی الالباب معظم آنها را ذکر مینمائیم بسند معتبر منقولست که از حضرت
امام محمد باقر ع پرسیدند که کدام عبادت بهتر و افضل است حضرت فرمود که هیچ عبادتی نزد حق تعالی
بهتر نیست از آنکه از او سؤال نمایند و از خزینهای غیر متناهی که نزد اوست طلب نمایند و هیچکس نزد
خدا دشمن تر و بدتر نیست از کسی که تکبر کند از عبادت الهی که دعاست و از عطاها و رحمتهای الهی سؤال
نماید و ایضا از زراره از آنحضرت روایت کرده است که آنحضرت آیه کریمه إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي
سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ را خواند و فرمود که مراد از عبادت در این آیه کریمه دعاست و دعا افضل
عبادات است و زراره گفت آیه کریمه إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ که ترجمه اش اینست که بدرستی که حضرت
ابرهیم اواه و بسیار حلم کننده است پرسیدم حضرت فرمود که اواه بمعنی بسیار دعا کننده است و از میسر بن
عبد العزیز منقولست که حضرت صادق ع فرمود که ای میسر دعا بکن و مگو که هرچه مقدر شده است واقع میشود

بدرستی که نزد خدا منزلتی هست که بآن نمیتوان رسید مگر بدعا و مسئلت و اگر کسی دهان خود را ببندد و دعا نکند
و سؤال ننماید از خدا چیزی باو نمیدهد پس طلب تا عطا کند ای میسر هر که دری را بسیار میکوبد البته
برویش میگشاید و در حدیث دیگر فرمود که هر که از فضل خدا سؤال ننماید فقیر میشود و فرمود که بر شما
باد بدعا بدرستی که شما را قرب بخدا حاصل نمیشود بمانند دعا و ترک مکنید طلب کردن حاجت
کوچکی را برای خوردی آن حاجت بدرستی که حاجت کوچک و بزرگ همه بدست خداست و ایضا از آنحضرت
ماثور است که حماد بن عیسی فرمود که دعا کن و مگو که آنچه مقدر شده است خواهد شد بدرستی که دعا عبادت
حق تعالی است زیرا که میفرماید که اِنَّ الَّذِینَ یَستَکبِرُونَ عَن عِبادَتی سَیَدخُلُونَ جَهَنَّمَ داخِرِینَ و در جای
دیگر میفرماید اُدعُونی اَستَجِب لَکُم و در حدیث دیگر فرمود که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
میفرمود که محبوبترین اعمال نزد خدا در زمین دعاست و فرمود که حضرت امیر المؤمنین ع دعا بسیار میکرد
و بسند معتبر از حضرت رسول صلعم منقول است که دعا حربه مؤمن است برای دفع دشمنان و عمود دین است
که بآن دین مؤمن است و نور آسمان و زمین است و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که بصحابه فرمود
که میخواهید دلالت کنم شما را بر حربه و سلاحی که نجات دهد شما را از شر دشمنان شما و روزی شما را زیاد کرداند
گفتند بلی یا رسول الله فرمود که دعا کنید و بخوانید پروردگار خود را در شب و روز بدرستی که حربه مؤمن دعاست
و از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است که فرمود که دعا سپر مؤمن است و هرگاه دری را بسیار بکوبی گشوده
میشود و از حضرت امام رضا ع منقول است که فرمود که بر شما باد بحربه پیغمبران گفتند آن چیست فرمود دعاست و از حضرت
صادق ع منقول است که فرمود که دعا از نیزه تند کارگرتر است و در حدیث دیگر فرمود که دعا رد میکند
قضا را هر چند از آسمان نازل شده باشد و محکم کرده باشد و در روایت دیگر فرمود که دعا رد میکند
قضا را هر چند مبرم شده باشد پس بسیار دعا کنید که دعا کلید جمیع رحمتهاست و موجب فیروزی یافتن
بهمه حاجتهاست و بمرتبه های الهی نمیتوان رسید مگر بدعا و هر دری را که بسیار میکوبند البته بروی
آدمی میگشاید و در حدیث دیگر فرمود که بر تو باد بدعا که شفای جمیع دردهاست و از حضرت امام موسی
کاظم صلوات الله علیه منقول است که هر بلائی که بر بنده مؤمن نازل شود و حق تعالی دعا را باو الهام فرماید
آن بلا بزودی از او زایل میشود البته و هر بلائی که بر مؤمن نازل شود و توفیق دعا نیابد و ترک دعا نماید
البته آن بلا بطول می انجامد پس بر شما باد بدعا و تضرع بسوی حق تعالی و از حضرت رسول صلعم منقول است
که فرمود که دوا کنید بیماران خود را بتصدق و دفع کنید انواع بلاها را بدعا و حفظ نمایید مالهای
خود را بزکوة دادن بدرستی که هیچ مرغی بدام نمی افتد مگر آنکه تسبیح خود را ترک نماید و از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه منقول است که فرمود که دفع کنید موجهای بلا را از خود بدعا پیش از آنکه بلا نازل شود بحق
خداوندی که دانه را شکافته و انواع گیاه را از آن بیرون آورده و خلایق را خلق نموده است که بلا بسوی
مؤمن تندتر می آید از سیلی که از بالای کوه بپائین آید و از دویدن اسبان تندرو و هیچ نعمتی و طراوت عیشی

از بندگان

از بندگان برطرف نمیشود مگر بسبب گناهان ایشان و اگر استقبال کنند بلا را بدعا و تضرع و انابت و
توبه بر ایشان نازل نخواهد شد و اگر وقتی که بلا نازل شود و نعمت از ایشان زایل کرده بدعا پناه برند
و تضرع نمایند بنیتهای درست و سستی نورزند در عبادت و بندگی و گناهان را ترک نمایند البته حق تعالی
هر فاسدی را برای ایشان باصلاح میاورد و هر نعمتی که از ایشان سلب نموده باشد بایشان رد میفرماید و از
حضرت صادق ع منقول است که فرمود که سه چیز است که با آنها هیچ چیز ضرر نمیرساند دعا کردن در هنگام بلاها
و شدتها و استغفار کردن بعد از گناه و شکر کردن در وقت نعمت و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی
روزیهای مؤمنان را از جای چند مقرر فرموده که گمان نداشته باشند زیرا که بنده هرگاه نداند که روزیش
از کجا میرسد دعا بسیار میکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که را چهار چیز عطا فرمایند او را از چهار چیز محروم
نگردانند هر که را دعا دادند از اجابت محرومش نمیسازند و هر که را استغفار کرامت کردند توبه او را قبول
میفرمایند و هر که را شکر عطا کردند نعمتش را زیاده میکنند و هر که را صبر دادند از اجر و ثوابش محروم نمیسازند
و ایضا از آنحضرت منقول است که هیچ بنده دست خود را بدرگاه خداوند عزیز جبار بر نمیدارد مگر آنکه حق تعالی
حیا میکند که او را دست خالی برگرداند تا آنکه از فضل رحمت خود هر چند که خواهد بدست او بگذارد
پس هرگاه یکی از شما که دعا کند دست خود را بر نگرداند تا آنکه آنرا بر سر و روی خود بکشد و از رسول خدا صلعم ماثور است
که در روز قیامت داخل بهشت میکنند دو شخصی را که در عمل مانند یکدیگر بوده اند پس یکی از آن دو شخص درجه رفیق
خود را بلندتر می بیند پس میگوید پروردگارا بچه جهت درجه این شخص را رفیع تر گردانیده و حال آنکه عمل من و او مساوی
است پس حق تعالی در جواب میفرماید که او از من سؤال نمود و تو سؤال نکردی باین جهت درجه او را بلندتر
نمودم پس حضرت فرمود که سؤال کنید از حق تعالی و امور بسیار عظیم را از او بخواهید بدرستی که هیچ چیز نزد
خدا عظیم نیست و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که از برای خدا بندگان چند هستند که عمل صالح میکنند و حق
تعالی جزای اعمال ایشان را بایشان عطا میفرماید و بندگان دیگر هستند که از روی صدق و راستی از حق تعالی مسئلت
مینمایند و بایشان نیز عطا میفرماید پس هر دو گروه را در بهشت جمع میکنند پس گروه اول میگویند که پروردگارا
ما عمل نیکو کردیم و بما عطا فرمودی بعضی از آنها که بآن گروه دیگر عطا فرمودی پس حق تعالی در جواب ایشان فرماید
که جزای عملهای شما را بشما دادم و بی آنکه چیزی از آنرا ناقص کنم و این عطا را بغیر از من سؤال کردند پس من هم بایشان عطا
کردم و غنی ساختم ایشان را و این فضل من است بهر که خواهم عطا میکنم و ایضا از آنحضرت منقول است که عاجزترین
مردم کسی است که از دعا عاجز باشد و بخیل ترین مردم کسی است که بسلام کردن بمردم بخل نماید و از حضرت امام
جعفر صادق ع منقول است که حق تعالی بحضرت آدم ع وحی فرمود که من برای تو جمع میکنم همه خیرها را در چهار کلمه کلمه اول
برای من است و کلمه دویم برای تو است و کلمه سیم میان من و تو است و کلمه چهارم میان تو و مردم است اما کلمه اول
که برای من است آنست که مرا بپرستی و شریک برای من قرار ندهی و کلمه که برای تو است آنست که جزا میدهم ترا بر عمل
صالحی که بکنی بهتر چیزی که محتاج باو باشی و کلمه که میان من و تو است که تو دعا کنی و من مستجاب نمایم آنرا و کلمه که

میانه تو و مردم است آنست که راضی باشی برای مردم آنچه را برای خود راضی هستی و ایضا از آنحضرت منقولست
که بسیف تمار فرمود که بر شما باد بدعا بدرستی که بدرگاه خدا تقرب نمی توانید جست بچیزی مانند دعا
و هیچ حاجت کوچکی را وا مگذارید که از حق تعالی نطلبید بدرستی که آن خدائی که حاجتهای کوچک
را میدهد همان خدائیست که حاجات عظیمه بزرگ را عطا میفرماید و از رسول خدا صلعم منقولست که
که حق تعالی یک چیزی را دوست میدارد که آنرا برای خلق دشمن میدارد سوال کردن از خلق را دشمن
میدارد و سوال نمودن از خود را دوست میدارد و هیچ چیز نزد خدا محبوبتر از سوال کردن از او نیست
پس هیچیک از شما حیا نکند در سوال کردن از فضل حق تعالی هر چند بند نعلین او باشد که آنرا نیز
از خدا سوال کند و از دیگری نطلبد و در حدیث قدسی وارد شده است که حق تعالی بحضرت موسی عم
فرمود که ای موسی سوال کن از من هر چه را محتاج باشی تا آن علف گوسفند و نمک خمیر خود را نیز از من
سوال کن اینست اکثر روایات وارده در این باب و در اهتمام ذکر بعضی از فواید ضرور و لازم است
و آنها در ضمن دو فصل ایراد میشود انشاء الله تعالی **فصل اول** در انواع دعا بدانکه چنانچه
از تتبع آیات و اخبار منقوله از ائمه اطهار علیهم السلام ظاهر میشود آنست که ادعیه بر چند نوع است **نوع اول**
ادعیه ماثوره که در خصوص بعضی از مطالب واقع شده مانند آنکه در حدیث وارد شده که هر که خواهد
عمرش دراز شود فلان دعا بخواند و هر که خواهد توانگر و بی نیاز گردد فلان دعا بخواند و امثال اینها از ادعیه
مخصوصه که از برای مطالب معینه وارد شده است و در این نوع از ادعیه ضرور نیست قصد نمودن مطالب و
کافیست خواندن دعا زیرا که خواندن آن دعا این خاصیت می بخشد که آن مطلب حاصل میشود هر چند قصد
نموده باشد و از مدلول بعضی از اخبار و احادیث مستنبط میشود که قصد آن مطلب نمودن و دعا را
بجهت حصول آن خواندن ادخل است در وقوع مطلب مدعا **نوع دویم** ادعیه وارده که عموما در اخبار و احادیث
وارد شده که هر که حاجتی و مطلبی داشته باشد این دعا بخواند که حاجت او برآورده میشود و در این نوع لازم
است قصد حاجت داشتن و تعیین حاجت نمودن تا خواندن دعا سبب حصول آن حاجت شود و هرگاه
حوایج متعدده داشته باشد اولی آنست که آن دعا را مکرر بخواند و در هر خواندنی قصد حاجت معینی
کند چنانچه هرگاه ده حاجت داشته باشد ده مرتبه آن دعا را بخواند و دور نیست که یکمرتبه کافی باشد در
حصول همه آن مطالب هرگاه همه آنها را قصد نماید **نوع سیم** ادعیه مرویه که در اخبار و احادیث وارد شده
که هر که این دعا را بخواند حق تعالی هفتاد حاجت یا هزار حاجت او را مثلا بر میآورد و در این نوع لازم نیست قصد
حوایج نمودن بلکه حق تعالی بهمان عدد معین که وعده فرموده حوایجی را که مصلحت داعی را در حصول آنها میداند
برمیآورد هر چند قصد نکرده باشد و اگر قصد کند حاجت معینی یا حوایج معینه چند را ظاهرا بحسب بعضی
از اخبار اولی و ادخل است در حصول آن حوایج **نوع چهارم** ادعیه منقوله که وارد شده که هر که این دعا
را بخواند حق تعالی همه حوایج او را بر میآورد و این نوع نیز حکم نوع سابق دارد و اگر حوایج خود را بخصوص

قصد نماید و منظور نظر سازد باجابت اقرب خواهد بود **نوع پنجم** دعائی که ماثور و مروی نباشد
بلکه خود انشا کند و حاجات خود را خصوصا یا عموما قصد نماید و از حق تعالی طلب کند
بهر لغتی و عبارتی که خواهد خواه بلغت عربی یا فارسی یا بلغات دیگر و این نوع از دعا موجب اجابت
میشود و لیکن در مرتبه انواع سابقه که بالفاظ و عبارات ماثوره است نیست و خواص عظیمه که بر
آنها مترتب است بر این مترتب نیست اینست حاصل انواع ادعیه نظر بحاجات و مطالب مقصوده و از
تتبع کتب احادیث و کتب دعوات علما نوعی دیگر نیز ورای انواع سابقه معلوم میشود و آن نوع
ادعیه ایست که در احادیث وارد شده که رسول خدا و ائمه هدی علیهم السلام میخوانده اند یا دیگری را
بخواندن آن ادعیه امر میفرموده اند بدون تعیین وقت معینی یا با تعیین اوقات مخصوصه بدون
آنکه وعده حصول مطلبی عموما یا خصوصا در خواندن آن ادعیه فرموده باشند و این نوع از
ادعیه بسیار است و اکثر ادعیه صحیفه کامله از این نوع است و در این نوع ضرور نیست قصد نمودن
حاجتی بلکه خواندن این ادعیه سبب حصول مطالبی که در آنها مذکور و آن ادعیه بر آنها مشتملست
میگردد خواه آن مطالب را قصد کند یا نکند بلی هرگاه خواندن آن دعا از روی تذکر یا فهم
مضامین آن باشد حصول آن مطالب اقرب خواهد بود **فصل دویم** در بیان نتایج و ثمراتی
که بر خواندن ادعیه مترتب میشود و تفصیل آنها **بدانکه** ثمراتی که از برای داعی حاصل میشود و بر دعا
مترتب میگردد چنانچه از ادله عقلیه و دلایل نقلیه از آیات کریمه و احادیث معتبره مفهوم و مستفاد
میگردد بسیار است و ما در اینجا بمعظم آن ثمرات اشاره مینمائیم **اول** آنکه ثواب عظیم از برای او حاصل
میشود زیرا که دعا از افضل عبادات است چنانچه بسند معتبر منقولست که از حضرت امام محمد باقر
عم پرسیدند که کدام عبادت افضل و بهتر است فرمود هیچ عبادتی نزد حق تعالی بهتر نیست از اینکه
از او سوال کنند از رحمتهای نامتناهی که در نزد اوست طلب نمایند و هیچکس نزد خدا دشمن تر و بدتر
نیست از آن کسی که تکبر کند و عبادت خدا را که دعاست ترک کند و عطایا و رحمتهای خدا را از او
سوال ننماید **مولف عفی عنه گوید** که احادیث در باب اینکه کدام عبادت افضل عبادات است مختلف وارد شده
و از بعضی احادیث ظاهر میشود که بهترین اعمال نماز است و از بعضی معرفت یعنی شناختن حق تعالی
و از این حدیث شریف معلوم میشود که دعا افضل عبادات است و در حدیث دیگر از حضرت امام جعفر
صادق عم منقولست که رسول خدا صلعم از اصحاب پرسید که کدام یک از عروه های ایمان اوثق و محکمتر
است صحابه گفتند خدا و رسول خدا بهتر میدانند پس بعضی از صحابه گفتند نماز چنین است که فرمودید
و بعضی گفتند زکوة و بعضی گفتند روزه و بعضی گفتند حج و عمره و بعضی گفتند جهاد پس آن
حضرت بعد از این سخنان فرمود که هر یک از این عبادات را که نام بردید فضیلتی هست و لیکن اوثق و
محکمترین عروه های ایمان محبت و دوستی در راه خدا و بغض از دشمنی در راه خدا و تولی دوستی کردن

با دوستان خدا و تبرّی و بیزاری جستن از دشمنان خداست و خود در جمیع مطالب این اخبار مختلفه آن که
گوییم که چون هر یک از این عبادات در حصول رستگاری و فوز بسعادات ابدی مدخلیت عظیم
هست باین جهت آنرا افضل فرموده‌اند و نظیر این آنست که همچنانکه هر یک از ادویه را خاصیتی هست
که به آن خاصیت دوای مرضی و دردی از دردهای جسمانی است و صاحبان امراض جسمانی در رفع امراض
مختلفه و دفع آلام متنوعه خود محتاجند باستعمال آن ادویه و بعد از آنکه طبیب مداوا مینماید ایشان
را بیکی از آن ادویه و مشاهده مینماید آثار عظیمه آن دوا را حکم میکند به نیکی آن دوا ملکه آن دوا را
به همه ادویه ترجیح میدهد همچنین اصحاب امراض روحانی گناهان و معاصی در ازاله امراض روحانی
خود و تحصیل سعادات جاودانی که عافیت حقیقی است محتاجند باستشفاء باین عبادات تا بوسیله
آنها ایشان را شفای حقیقی از آن امراض مهلکه حاصل شود و پیغمبران و اوصیای عالیشان ایشان
که حکیمان و طبیبان نفوس خلایق اند و بر ثمرات عظیمه هر یک از آن عبادات خبیر و مطلع اند هر یک
از آن عبادات را نظر باین خاصیت که از آن حاصل میشود آنرا افضل فرموده‌اند و این مطلب
طولی دارد و تنقیح آن موقوفست بر مقدمات بسیار که در این مقام مناسب نیست و از آنچه تقریر
نمودیم مستفاد میگردد نیز سرّ اختلاف اخبار در باب افضلیت دعا بر تلاوت قرآن و افضلیت
تلاوت بر دعا والله تعالی یعلم دویم آنکه موجب قرب بجناب اقدس حق تعالی میگردد چنانچه در حدیث
وارد شده که بر شما باد بدعا زیرا که شما را بخدا قربی حاصل نمیشود مانند قربی که بسبب دعا حاصل میشود
سیم آنکه موجب قضای مطالب دنیویه و مآرب اخروی میگردد زیرا که حق تعالی فرموده ادعونی استجب
لکم یعنی دعا کنید و بخوانید مرا تا مستجاب کنم از برای شما و حاجت شما را برآورم مفتاح سیم در بیان
شرایط و آداب دعاست که بسبب رعایت آنها تیر دعا بفلک قبول بالا و بهدف استجابت آشنا میگردد
و آنها چنانچه از تتبع روایات و اخبار ظاهر میشود چند چیز است اول آنکه نیت داعی صحیح باشد و
دل خود را از ریا پاک سازد و برای شهرت در میان مردم بصلاح و تقوی دعا نکند بلکه غرضش خالص
و قصدش صحیح باشد و تفصیل این معنی آنست که دعا بر دو قسم است قسم اول دعا کردن برای مطالب
اخروی که باید قصد او حصول آن مطلب باشد و برای خدا مانند آمرزش گناهان و نجات از عقوبات
نیران و فایز گردیدن به بهشت و درجات عالیه آن و رسیدن بمرتبه رضوان و خوشنودی خداوند عالمیان
که اعلای مراتب و اسنای درجات سعادتمندانست و این مطالب اهم مطالبی است که آدمی بانها محتاج
است چه معلوم است که بغیر پیغمبران و اوصیای عالیشان که معصوم اند از معاصی و گناهان سایر
مردمان همگی مبتلا بخطایا و اجرام و اسیر ذنوب و آثام اند و اگر حق تعالی با ایشان بعدالت سلوک نماید
و بگناهان و معاصی مؤاخذه نماید مستحق دخول جهنم و عقوبات اخروی نعوذ بالله منه خواهد بود
پس اهم مطالب و اوجب حاجات و مآرب طلب مغفرت و عفو از گناهان است لهذا در احادیث و اخبار

تأکید

تأکید بسیار و تحریص بیشمار واقع شده در باب استغفار زیرا که استغفار در حقیقت نوعی از دعاست
که مقصود از آن آمرزش گناهان است قسم دویم مطالب دنیوی و اموری که آدمی در زندگانی
دنیا راغب است بحصول آنها و از آنها تمتع و بهره میبرند و این مطالب نسبت باشخاص مردمان مختلف
میشود و ما در اینجا بیشتر آنها که اکثر ناس باینها راغب اند اشاره مینماییم اول طول عمر و ادعیه
این مطالب بسیار است [illegible] و بعضی از آن ادعیه مجرّب علماست که مداومت بر آن موجب طول عمر
میگردد دویم صحت و تندرستی و ادعیه این مطلب بر دو نوع است نوع اول ادعیه که ثمره آنها
حفظ صحت است و هر که مداومت بر آنها نماید پیوسته صحیح و تندرست میباشد و بیماری و خستگی
او را عارض نمیشود مگر بیماری که منتهی بموت او شود و آنها را ادعیه حفظ صحت مینامند و بعضی
در این مقام اشکالی ایراد نموده‌اند و آن اینست که جمعی که بر این مداومت مینمایند مگر بیمار میشوند
و شفا نمی‌یابند و این مخالف آن چیزی است که در حدیث وارد شده است و جواب آن چنانکه بعضی از
علما گفته‌اند اینست که ممکن است که بیماری که عارض ایشان شود مرض موت باشد و بسبب دعا یا
صله رحم یا تصدق و امثال آن حق تعالی عمر ایشان را دراز کرده اند و از آن مرض شفا یابند نوع
دویم ادعیه که ثمره آنها زوال مرضی است که حادث شده باشد و آنها را ادعیه شفای امراض مینامند
و این ادعیه در اخبار و احادیث و کتب دعوات علما بدو وجه وارد شده اول ادعیه که در
مطلق امراض وارد شده که هر که آنها را بخواند شفا یابد از مرضی که عارض او شده باشد دویم
ادعیه که در حصول امراض معینه وارد شده مانند آنکه هر که تب داشته باشد فلان دعا بخواند
و هر که درد چشم داشته باشد فلان دعا بخواند و امثال آنها سیم از مطالب دنیوی عافیت از
بلایا و مصایب است و ادعیه این مطلب نیز مانند مطلب دویم بر دو نوع است نوع اول ادعیه که از
برای طلب عافیت و ایمن شدن از بلاهای متوقعه واقع شده مانند آنکه وارد شده که هر که مواظبت
نماید بر فلان دعا محفوظ باشد از بلایا و هیچ بلائی باو نرسد و از این قبیل است دعای صحیفه کامله
که حضرت سید الساجدین صلوات الله و سلامه علیه بجهت طلب عافیت میخوانده است نوع دویم
ادعیه که از برای دفع بلایای خاص که واقع شده خواه بطریق عموم مانند آنکه وارد شده که
هر که مبتلا به بلائی شده باشد فلان دعا بخواند تا حق تعالی آن بلا را از او دفع نماید و از این
قبیل است دعای صحیفه کامله که آنحضرت میخوانده است در حین عروض حادثه و در حینی
که آنحضرت را اندوهی عارض میشده است یا در خصوص بلاهای مخصوصه مانند آنکه وارد
شده که هر که بفلان بلا مبتلا شده باشد فلان دعا بخواند یا کسی که کار او بسته شده باشد فلان
دعا بخواند و از قبیل این دو نوع است ادعیه که وارد شده است از برای ایمن شدن از ستمی که ترسد
که از خلق باو رسد یا خلاصی یافتن از ستمی که از ظالمی باو رسیده باشد مانند دعای صحیفه کامله

که آنحضرت میخوانده است در هنگامی که ستمی بآنحضرت میرسیده یا از ستمکاران میدیده آنچه آنحضرت را
خوش نمی‌آمده چهارم طلب وسعت یعنی حصول توسعه در معاش و توانگری چنانچه ادعیهٔ بسیار
از برای این مطلب وارد شده زوال تنگی معاش مانند دعای صحیفهٔ کامله که هرگاه روزی
بر آنحضرت تنگ می‌شده آن دعا را میخوانده یا ادای دیون مانند دعای قضای دین صحیفهٔ کامله که
هرگاه آنحضرت قرضی بهم میرسانیده آنرا میخوانده و ادعیهٔ دیگر که برای ادای دین وارد شده پنجم
طلب فرزند خواه فرزند نداشته باشد و طلب نماید یا کثرت اولاد یا فرزند ذکور طلب نماید و ادعیهٔ
این مطلب بسیار است ششم طلب رفعت و عزت که در میان خلق ذلیل و مغلوب نباشد و عزیز و غالب
باشد و از این قبیل است طلب جاه و اعتبار هفتم طلب لذات دیگر دنیا مانند زن جمیلهٔ صالحه و
خانه‌های وسیع و خادمان و مرکوب و ماکولات لذیذه و ملبوسات فاخره و امثال آنها از اسباب
تعیش دنیا که آدمی در تعیش دنیا از آنها لذت میبرد دویم آنکه معنی دعا را بفهمد و بداند که
چه میگوید و دلش در فکر دیگر نباشد و رعایت این معنی از مهمات است زیرا که اگر کسی حاجت خود را
بامیر بزرگی از مخلوقین عرض کند و از روی سستی و بیخبری سخن گوید و دلش از آنچه بزبان او جاری میشود خبر
اگر آن بزرگ بر این معنی مطلع شود اگر این شخص را سیاست کند بخشش نیز اعتبار نخواهد کرد
و بر این دعای او اثری مترتب نخواهد شد پس در هنگام مناجات با خداوند قاضی الحاجات بطریق اولی باید
که خبردار و هشیار باشد و بداند که چه میگوید و تمام رو و حواسش در خیال آن مطلب باشد و تهدید و
تاکید در این باب در احادیث وارد شده است چنانچه از حضرت رسول ص منقول است که در وصیت خود
بحضرت امیر المؤمنین ع فرمود که یا علی حق تعالی قبول نمیفرماید دعای دل فراموشکار را و از حضرت امام جعفر
صادق ع منقول است که خدای عز و جل مستجاب نمیفرماید دعائی را که از روی دل فراموشکار برخیزد پس
هرگاه دعا کنید دل خود را با خدا دارید پس یقین کنید که دعای شما مستجاب است و از حضرت امیر المؤمنین
ع منقول است که حق تعالی قبول نمیفرماید دعائی را که از دل غافل صادر شود و فرمود که چون برای میت
خود دعا کنید چنین دعا مکنید که دل شما از آن غافل باشد و خبر نداشته باشد ولیکن باید که جد و جهد
سعی کنید از برای او در دعا و از حضرت صادق ع منقول است که هرگاه دعا کنی پس بدل خود رو کن
بدرگاه الهی و حاجت خود را بر در خانهٔ خود گمان کن مؤلف گوید که رعایت این معنی بر عوام از عجم که عارف
بلغت عربی نیستند متعسر بلکه متعذر است پس بهتر آنست که ایشان هر مطلبی که خواهند بلغت خود از
درگاه حق تعالی طلب نمایند و اگر خواهند که ادعیهٔ منقوله تلاوت نمایند و از برکات الفاظ صادره
از معادن وحی و الهام که در حقیقت کلام حضرت ملک علام است بالمره محروم نباشند باید که در حین
خواندن دل خود را مشغول بجناب حق تعالی نمایند و صفات کمالیهٔ او را منظور دارند و عظمت و
جلال او را در برابر خود متمثل سازند و در فکر امور دنیا و تدبیر معاش که اکثر اوقات در حین عبادات

اگر مردم در فکر آنها نباشند و بالجمله از یاد خدا غافل و از اهل خود نباشند و در فکر آن مطلبی
که دعا را برای آن میخوانند بوده باشد هرگاه چنین نباشد ظاهر آنست که عمل باین شرط نموده باشد و
داخل در فراموشکاران و غافلان که در احادیث مذکوره وارد شده است نبوده باشند و اگر خواندن
دعا مترجم که الحال شایع و متعارف است برای این طایفه میسر شود بهتر است و اگر دعا را شخصی دیگر
که معنی آنرا نفهمد بخواند و ایشان آمین بگویند نیز خوب است و در ثواب با یکدیگر شریک خواهند بود
چنانچه از حضرت صادق ع منقول است که دعا کننده و آمین گوینده در ثواب و اجر با یکدیگر شریک اند
و ایضا از آنحضرت مرویست که رسول خدا ص فرمود که حضرت موسی ع دعا کرد و هرون برادر
او تا مینکه آمین گفتند پس حق تعالی وحی فرمود که دعای هر دو مستجاب کردید و ایضا از آنحضرت
مرویست که فرمود پدرم هرگاه محزون و غمگین میشد از امری زنان و اطفال را می‌طلبید پس خود دعا کرده
و ایشان آمین میگفتند و بدانکه اگر داعی از جماعت حاضرین التماس نماید که ایشان بگویند آمین بر
ایشان لازم است چنانچه از علی بن جعفر رض مرویست که گفت از برادرم حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
پرسیدم از مردی که دعا میکند و برادران او بر گرد او حاضرند آیا بر ایشان واجبست آمین گفتن آن
حضرت فرمود که اگر خواهند میگویند و اگر خواهند ساکت میشوند پس اگر او از ایشان التماس نماید
بر ایشان واجب است که آمین بگویند والله تعالی هو الموفق سیم آنکه داعی لحن در دعا ننماید و الفاظ
و اعراب آنرا هرگاه بلفظ عربی باشد غلط نخوانند زیرا که غرض از دعا مناجات با قاضی الحاجات و عرض
مطلب و حاجت بدرگاه احدیت و سؤال انجاح مطالب و مآرب دنیویه و اخرویه است و هرگاه تغییر و تبدیل
در کلمات و حرکات دعا واقع شود معنی منقلب و خلاف مدعی بلکه فاسد و مستلزم نتیجهٔ عکس مطلوب
می‌شود مثلا در زیارات خطاب بمعصوم میکنند و میگویند اشهد انک قُتِلتَ و ظُلِمتَ و غُصِبتَ
بضم تاء و کسر ظاء و عین بنا بر آنکه افعال مذکوره مبنی از برای مفعول باشد و مراد آنست که تو مقتول گشتی و
مظلوم و مغصوب شدی پس هرگاه افعال مذکوره را بفتح حروف ثلثه بخوانند بنا بر آنکه مبنی از برای فاعل باشد
معنی ظاهر آن بد است زیرا که اسناد قتل و ظلم و غصب را بمعصوم داده و لحن عبارت از این است و این
معنی آنچه در بعض اخبار وارد شده که دعائی که در آن لحن باشد مقبول نیست و دعای ملحون را خدای تعالی
قبول نمیکند و از حضرت صادق ع منقول است که فرمود ما جماعت فصحائیم هرگاه روایتی از ما بکنید اعراب
آنرا خوب ظاهر سازید و از حضرت امام محمد تقی ع مرویست در ضمن حدیثی که فرمودند افضل و اعلم نزد
خدای تعالی کسی است که داناتر باشد بقرائت قرآن بنحوی که نازل شده و دعای او بر وجهی باشد که لحن در
آن نکند و لحن خطای در اعراب است و لوازم آن و این جهت آنست که دعائی که در آن لحن باشد
بالا نمیرود بجانب حق جل و علا و در این مقام اشکال کرده اند و جوابها گفته اند و در دین و حدیث تاویل
کرده اند که طولی دارد که مناسب مقام نیست چهارم آنکه باید داعی معرفت کامل داشته باشد بمرتبهٔ

حق تعالی و بیقین داند که قضای حوایج دنیا و آخرت همه بدست اوست و بغیر او نفع و ضرر بدست کسی
نیست و هر نعمتی که با آدمی میرسد از جانب اوست و هرچند معرفت او در این باب کامل است
امید اجابت دعا در حق او بیشتر است و در حدیث معتبر منقولست که از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلم پرسیدند که چه سبب دارد که ما دعا میکنیم و دعای ما مستجاب نمی شود فرمود از برای آنکه
شما کسی را میخوانید و حاجت خود را از کسی میطلبید که او را نمی شناسید و در حدیث دیگر
فرمود که هرگاه احدی از شما خواهد که هر حاجتی که از خدای تعالی سؤال نماید با و عطا
فرماید باید که از همه مردم مایوس و نا امید باشد و از غیر خدا امیدی نداشته باشد زیرا که
حق تعالی چون این حالت را در دل او یابد هر حاجتی که سؤال کند البته با و عطا فرماید پنجم
آنکه توبه کند و حقوقی که در ذمه او باشد ادا نماید و از محرمات و شبهات اجتناب کند
و اعمال صالحه و عبادات مقبوله بجا آورد و از کثافات معنوی که صفات ذمیمه نفس است نفس خود
را منزه و پاک کرده باشد و بصفات حسنه و اخلاق حمیده آنرا محلی و مزین سازد و در حدیث معتبر منقول
است که شخصی بحضرت امام جعفر صادق علیه السلم عرض نمود که حق تعالی میفرماید که دعا کنید تا دعای شما
را مستجاب کردانم و ما دعا میکنیم و مستجاب نمی شود فرمود که دعای شما برای این مستجاب نمیشود
که وفا نمیکنید به پیمانها که حق تعالی از شما گرفته از عمل نمودن باوامر و ترک نمودن مناهی و حق تعالی
میفرماید که وفا کنید بعهد و پیمان من تا وفا کنم بعهد و پیمان شما والله که اگر شما وفا کنید از برای خدا او
نیز وفا میکند از برای شما و در حدیث دیگر مرویست که هر که خواهد که دعای او مستجاب شود باید
که کسب خود را حلال کند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود
که بهترین دعاها آن دعائی است که صادر شود از سینه که پاک و پاکیزه باشد از عیوب و صفات ذمیمه
و دلی که پرهیزکار باشد و بروایت دیگر فرمود که حق تعالی وحی نمود بحضرت عیسی ع م که بگو بنی اسرائیل که داخل
از خانهای من داخل نشوید مگر با دلهای طاهر و دیدهای خاشع و دستهای پاکیزه از کثافت حرام و شبهه
و با ایشان بگو که بدانید که از هیچیک از شما دعائی مستجاب نمیکنم هرگاه مظلمه کسی در نزد او باشد و مالی
کسی بظلم در ذمه او باشد و حضرت امام جعفر صادق علیه السلم فرمود که حق تعالی مستجاب نمیکند دعائی را که
با دل سخت و با قساوت دعا کند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلعم فرمود که دعای بی عمل صالح
از بابت تیر انداختن از کمان بی زه است ششم آنکه دعا عادت او شده باشد و در احوال رخا و عافیت
نیز دعا میکرده باشد و در حدیث وارد شده که هر که خواهد دعای او در حالت شدت مستجاب شود باید
که در حالت رخا و نعمت نیز دعا بسیار کند و در حدیث دیگر وارد شده که شخصی که پیش از نزول بلا دعا
میکند چون بلائی برا او نازل میشود دعای او مستجاب است و ملائکه چون صدای او را می شنوند میگویند
این صدای آشنائی است و دعای او را از آسمان منع نمینمایند و شخصی که دعا نمیکند پیش از نزول بلا چون

بلائی برا او نازل شود دعای او مستجاب نیست و ملائکه میگویند ما این صدا را نمی شناسیم و بروایت دیگر میگویند
پیش از امروز کجا بودی هفتم آنکه پیش از شروع بدعا تصدقی بکند و در حدیث است که حضرت امام جعفر
صادق ع م فرمود که اگر احدی از شما بیمار شود طبیب را میطلبید و با او چیزی میدهید و اگر حاجتی
بپادشاهی داشته باشد بدربان او رشوه میدهید پس هرگاه حاجتی بخدا داشته باشد باید تصدق
بکند خواه کم و خواه بسیار هشتم آنکه چون شروع کند بدعا افتتاح کند دعای خود را بحمد و ثنای
الهی و صلوات بر محمد و آل محمد و در حدیث وارد شده که حضرت امام جعفر صادق ع م فرمود که هرگاه
یکی از شما خواهد که از خداوند خود حاجتی از حاجتهای دنیا و آخرت سؤال نماید باید که ابتدا کند
بثنا و مدح خداوند عالمیان و صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیهم اجمعین آنگاه حاجت خود را
طلب نماید و بروایت دیگر فرمود که هرگاه حاجتی داشته باشید حمد و ثنای پروردگار خود بگوئید
زیرا که هر کسی که از پادشاهی حاجتی طلب مینماید مهیا میکند از برای او از ستایش بهترین سخنانی که قدرت
دارد که او را ستایش پس آنحضرت فرمود که شخصی داخل مسجد حضرت رسول صلعم شد و دو رکعت نماز
کرد و از خدای تعالی حاجتی سؤال نمود حضرت فرمود که این بنده تعجیل کرد بر خداوند خود و دیگری آمد
و دو رکعت نماز کرد و بعد از آن خدا را ثنا گفت و صلوات بر پیغمبر فرستاد حضرت فرمود که حاجت خود
را طلب کن که حق تعالی عطا میفرماید و بروایت دیگر فرمود که دعا محجوبست از آسمان و مستجاب نمی
شود تا صلوات بر محمد و آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین نفرستد و بروایت دیگر هرگاه دعا کند
و پیغمبر را یاد نماید دعا بر بالای سر او ایستاده باشد و چون صلوات بفرستد بالا میرود نهم
آنکه دعای خود را ختم کند نیز بصلوات و در حدیث وارد شده که هر که را بخدای تعالی حاجتی باشد
صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلم بفرستد و حاجت خود را طلب نماید پس باز دعای خود را ختم کند
بصلوات بر محمد و آل محمد صلوات الله علیهم بدرستی که خدا کریم است از آنکه دو طرف دعا را قبول
فرماید و میان را رد کند زیرا که صلوات بر محمد و آل محمد البته مقبول است و رد نمیشود دهم آنکه
در حین دعا کردن در سجود در رود و در حالت سجود حاجت خود را طلب نماید و در حدیث است که حضرت
امام جعفر صادق ع م براوی فرمود که بر تو باد بدعا کردن در وقتی که در سجود باشی زیرا که بنده در
حالت سجود بحق تعالی نزدیکتر است از احوال دیگر خود یازدهم آنکه سعی کند که رقت نماید و با حالت
رقت دعا کند و در حدیث است که حضرت امام جعفر صادق ع م فرمود که هرگاه شما را رقت حاصل شود
دعا کنید زیرا که دل آدمی را رقت حاصل نمیشود مگر در هنگامی که از برای حق تعالی [illegible] گردیده باشد
و متوجه خدا شده باشد و آن علامت استجابت است و بروایت دیگر فرمود چون بدن تو قشعریره درآید
و لرزه و دیدهای تو گریان شود در دعا اهتمام کن که در آن حالت رحمت الهی متوجه تو گردیده و هنگام
اجابت است دوازدهم آنکه حاجتی که داشته باشد از برای برادر مؤمن خود طلب نماید تا بجهت او

مستجاب نشود و در حدیث وارد شده که حضرت رسول صلعم فرمود که هیچ دعائی زودتر مستجاب نمی‌شود از
دعای غایب از برای غایب و در حدیث دیگر مرویست که حضرت امام محمد باقر ع فرمود که نزدیکترین دعاها
باجابت دعای مؤمنیست که از برای برادر مؤمن خود غایبانه کند زیرا که ملکی موکل است برای این دعا
که میگوید آمین حق تعالی بتو عطا میفرماید دو برابر آنچه برای برادر خود دعا کردی و در حدیث دیگر از
ابرهیم بن هاشم منقولست که گفت عبد الله بن جندب را در عرفات دیدم که هیچکس وقوف عرفات را
بهتر از او بجا نیاورده بود پیوسته دست بآسمان بلند کرده بود و آب دیده بر دو طرف روی او جاری
بود و بر زمین میریخت چون مردم از وقوف عرفات فارغ شدند و برگشتند باو گفتم هرگز من وقوفی
بخوبی وقوف تو ندیده بودم گفت والله که درین موقف دعا نکردم مگر برای برادر مؤمن خود زیرا که از
حضرت امام موسی کاظم ع شنیدم که هر که برای برادر مؤمن خود دعا کند در غایبانه او از عرش او را
ندا کنند که از برای تو باد صد هزار برابر آنچه دعا کردی نخواستم که صد هزار برابر محقق مضمون را از برای
یکی که ندانم که مستجاب میشود یا نه و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلعم فرمود که هر مؤمنی که از
برای مؤمنین و مؤمنات دعا کند ثمره اش آن باشد که در حدیث اخیر مذکور است والله تعالی اعلم
بدانکه در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که هر که چهل مؤمن را مقدم دارد و از برای
ایشان دعا کند دعای او مستجاب است و در حدیث دیگر مرویست که حضرت رسول صلعم فرمود که چون
یکی از شما دعا کند دعای خود را عام کند و مخصوص خود نسازد تا باجابت نزدیکتر باشد مؤلف گوید که
از جمع بین الاخبار مفهوم میشود که اولی و سزاوار آنست که داعی یکی از دو طریق را اختیار نماید تا دعا
او باجابت نزدیک شود اول آنکه مطلب خود را بجهت برادر مؤمن خود طلب نماید خواه یک مؤمن یا بیشتر
و اولی آنست که چهل مؤمن باشد یا بجهت مؤمنین و مؤمنات عموما آنگاه همان مطلب را برای خود طلب
کند یا بدعائی که بجهت ایشان کرده است اکتفا نماید دویم آنکه برای خود و دیگران عموما طلب کند
خواه جمعی مخصوص یا مطلق اقارب و خویشان یا صاحبان حقوق و امثال ایشان یا مطلق مؤمنین و
مؤمنات سیم آنکه حاجت خود را صریح نام برد و بدرگاه حق تعالی عرض نماید و در حدیث وارد شده
که حق تعالی میداند که آنچه بنده خود را میداند در هنگامی که دعا میکند و لیکن دوست میدارد که بندگان
حاجتهای خود را نزد او جاری سازند و بدرگاه خدا عرض نمایند چهارم آنکه الحاح کند در دعا و مبالغه
نماید در اجابت و در حدیث وارد شده که حضرت امام محمد باقر ع فرمود بخدا سوگند که هیچ بنده مؤمن
نزد حق تعالی الحاح نمینماید در حاجت خود مگر آنکه حاجت او را برمیآورد و حضرت صادق ع فرمود که
حق تعالی مکروه و دشمن دارد الحاح مردم را در سؤال از یکدیگر و از برای خود این الحاح را پسندیده و
دوست میدارد که از او سؤال نمایند و از آنچه نزد اوست طلب کنند و حضرت رسول صلعم فرمود که حق تعالی
رحم میکند بنده را اگر طلب کند از حق تعالی حاجتی را و در دعا الحاح نماید خواه دعای او را استجابت کند یا نکند

پنجم

پنجم آنکه جمعی را نیز در دعا کردن با خود شریک گردانند و از حضرت امام جعفر صادق ع منقول
است که چهار نفر جمع نمیشوند از برای دعا مگر آنکه در هنگامی که متفرق میشوند دعای ایشان مستجاب
گردیده پس فرمود که چون پدرم را حاجتی بود میبداد زنان و کودکان را جمع میفرمود و خود دعا میکرد
و ایشان آمین میگفتند و در روایت دیگر فرمود هرگاه چهل نفر جمع شوند و دعا کنند البته دعای
ایشان مستجاب است و اگر چهل نفر نباشند چهار نفر چون هر یک ده نوبت خدا را در حاجتی بخوانند
البته دعای ایشان را مستجاب میسازد و اگر چهار نفر نباشند یکنفر چون خدا را در حاجتی چهل نوبت
بخواند البته خداوند عزیز جبار دعای او را مستجاب میکند بدانکه در حدیث وارد شده که حضرت
امام رضا ع فرمود که یک دعای مخفی که بکنی بهتر است از هفتاد دعا که اظهار نمائی و علانیه کنی و مراد
از این حدیث شریف مبالغه است در خلوص دعا و احتراز از ریا پس اگر ایمن باشد از ریا شریک دیگری
با او در دعا اولی است و باجابت اقرب است ششم آنکه بعد از فراغ از دعا امید عظیم [illegible]
حق تعالی و در حدیث وارد شده که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که چون دعا کنی گمان
کن که حاجت تو بر در خانه تو حاضر است و حضرت امام جعفر صادق ع فرمود که حق تعالی مستجاب نمی
کند دعائی را که با دل غافل فراموشکار باشد پس چون دعا کنید دل خود را با خدا داشته باشید و یقین خود را
محکم کنید که دعای شما مستجاب است مفتاح چهارم در بیان کیفیت خواندن ادعیه و توضیح آنکه ثوابی که
بجهت آنها وارد شده چگونه بر آنها مترتب میشود و در چه وقت حاصل میشود و بوقوع میرسد بدانکه
ادعیه که در اخبار و احادیث وارد شده بر دو نوع است نوع اول ادعیه که ثمره معینه از برای آنها
در اخبار وارد نشده و ثمرات این ادعیه ثمرات اخروی است که از عبادت دعا حاصل میشود و بجهت استجابت
مطالبی که در این ادعیه مذکور است و ثمرات دیگر که بر دعا مطلقا مترتب میشود نوع دویم ادعیه که ثمرات
معینه از برای آنها در اخبار و روایات وارد شده خواه ثمرات اخروی یا ثمرات دنیوی یا هر دو و حصول ثمرات
اخروی ظاهر است زیرا که این ادعیه بعضی مخصوص است بوقت معینی و بعضی مخصوص بوقتی نیست و برخی
معین است بعدد معینی و بعضی مقید بعددی نیست پس ادعیه این نوع بر چند قسم است و هر یک از آن
اقسام حکمی دارد قسم اول ادعیه که چنین وارد شده که هر که فلان دعا را در طرف صبح مثلا بخواند در آن
روز از فلان بلا یا از همه بلاها سالم باشد یا فلان نعمت از برای او حاصل شود یا هر که فلان دعا را در طرف شام
بخواند چنان و چنان خواهد بود و حکم این قسم آنست که در هر روز و هر شب که آن دعا را میخواند بمقتضای
وعده که در آن حدیث شده آن ثمره برای او حاصل میشود و اگر [illegible] ترک نماید عمل بمضمون حدیث
نکرده است و آن وعده نسبت باو واقع نشده و اگر حق تعالی خواهد آن ثمره را باو عطا میفرماید و اگر نخواهد
عطا نمیفرماید قسم دویم ادعیه که وارد شده که هر که فلان دعا را در اول ماه بخواند در آن ماه از مرض و
بیماری مثلا سالم باشد یا فلان دعا را در اول سال بخواند در آن سال چنان خواهد بود و این قسم [illegible]

حکم

دوم است و هرگاه خواهد که آن ثمرهٔ موعوده برای او حاصل شود باید که ترک ننماید و بدانکه در بعضی و
لازم نیست تکرار خواندن آن ادعیه و بخواندن یک مرتبه عمل بمضمون حدیث حاصل میشود و اگر مکرر بخواند
الحاح در دعا کرده در احادیث امر بآن شده بعمل میآید و باین جهت اولی است چنانچه بعد از این بیان خواهیم
نمود قسم سیم دعائی که مقید بوقت معینی نشده و عدد معینی نیز برای او واقع نشده مثل آنکه وارد
شده که هر که فلان دعا بخواند فلان ثمره برای او حاصل میشود و این قسم از دعا وقت معینی نیز
برای او حاصل میشود و این قسم از دعا وقت معینی ندارد و در هر وقت از اوقات روز و شب که
خواهد میتواند بخواند و اگر اوقات استجابت دعا را که در اخبار و احادیث وارد شده اختیار نماید
اولی و باجابت اقرب خواهد بود و همچنین این قسم از دعا عدد معینی ندارد پس اگر یکمرتبه بخواند عمل بحدیث
نموده است و آن ثمره حاصل میشود و اگر مکرر بخواند عمل باحادیث الحاح در دعا نموده و باین جهت امید
استجابت در باره او بیشتر خواهد بود قسم چهارم ادعیه که مقید بوقت معینی نیست و لیکن عدد معینی
برای آنها واقع شده مانند آنکه وارد شده که هر که فلان دعا را ده مرتبه بخواند مثلا فلان ثمره میبخشد
و در این قسم هرگاه عمل بحدیث نماید و آن دعا را بهمان عدد بخواند بمقتضای وعدهٔ الهی بعد از قرائت
آن عدد ثمرهٔ موعود مترتب میشود و بدانکه در این قسم هرگاه آن عدد را کم و زیاد مرعی دارد معین عمل
بحدیث نموده است و از کلام بعضی از علما ظاهر میشود که اگر زیاده بخواند نیز خوب است زیرا که در اذکار و
ادعیه زیاده مضر نیست و قصوری ندارد و این سخن در صورتی که ادعیه و اذکار مطلقه وارد شده و فرموده
باشند که فلان ذکر را ده مرتبه و ذکر دیگر را ده مرتبه بخوان محل تامل است زیرا که محتمل است که خصوص آن
عدد معین و مراعات ترتیب بطریقی که وارد شده دخیل باشد در حصول آن ثمره چنانچه در باب تسبیح
حضرت فاطمهٔ زهرا صلوات الله علیها گفته اند که باید عدد الله اکبر و الحمد لله و سبحان الله مضبوط باشد
و بهمان عدد و همان ترتیب این اذکار گفته شود بلی در صورتی که یک ذکر و یک دعا باشد یا متعدد باشد و باتمام
رسیده باشد ظاهر آنست که زیاده مخل نباشد زیرا که بعد از اتمام آن عدد عمل بحدیث کرده است و زیادهٔ
که بعد از اتمام عمل بجا آورده باشد قصوری ندارد چنانچه در مثال تسبیح هرگاه از اتمام کند و سی و سه مرتبه
سبحان الله بگوید اگر دو مرتبه سبحان الله را بگوید چون آن عمل را بوضعی که ماثور است تمام کرده است آن
زیاده مخل نیست و باذکار در تسبیح محسوب نمیشود بلکه ذکر بیست علیحده که بعد از فراغ از تسبیح بجا آورده
است قسم پنجم ادعیه که مقید بوقت معین و عدد معین شده باشد مانند دعائی که وارد شده که
هر که آن دعا را چهل شب جمعه مثلا بخواند فلان ثمره دارد و این قسم نیز مانند قسم سابق است و زیادهٔ
خواندن آن دعا ضرری ندارد و منافی عمل بمضمون این حدیث نیست و ظاهر آنست که در این قسم توالی شرط
نیست پس اگر در لیالی جمعه ترک نموده باشد مضر نیست خصوصا هرگاه بسببی مانعی باشد
بلی اگر در حدیث قید توالی شده باشد و بدون مانع ترک نموده باشد عمل بمضمون حدیث ننموده است و باید

علما

عمل را از سر گیرد و بدانکه در بعضی از اعمال که توالی در آنها شرط شده مانند روزهٔ دو ماه پیاپی در کفارهٔ
افطار روزهٔ ماه مبارک رمضان هرگاه آن عمل از نصف تجاوز نموده باشد و بی رخصت یکروز روزه نداشته
باشد آن عمل موافق فتاوی علما و احادیث مجزی نیست و بعد از تجاوز از نصف مراعات توالی در بقیه آن واجب
نیست و هرگاه در اعمال واجبه چنین باشد که اکتفا توان نمود بتجاوز نصف پس دور نیست که در اعمال
مستحبه مانند دعا بطریق اولی مجزی باشد و خداوند کریم بر بنده در این صورت وفا بوعده خود فرماید و الله
تعالی یعلم قسم ششم ادعیه که وارد شده که هر که در شب جمعه فلان دعا بخواند فلان ثمره دارد یا هر که
هر روز فلان دعا را بعد از هر نماز فریضه فلان دعا بخواند چنان شود و قریب باین ادعیه که بلفظ مداومت
و مواظبت وارد شده که هر که مداومت یا مواظبت بر فلان دعا نماید فلان ثمره برای او حاصل میشود در این
قسم هرگاه بطریقی که در حدیث وارد شده عمل نماید و تخلف نکند آن ثمرات حاصل میشود و اگر گاهی عمل
آورد و گاهی ترک نماید پس اگر آن ترک نادر و قلیل باشد و بحدی رسیده باشد که قرائت آن دعا که در عرف
و عادت گویند که آن عمل را مستمر دارد و مداومت و مواظبت مینماید عمل بحدیث نموده و آن ثمره حاصل
میشود و اگر ترک خواندن دعا را بسیار کند و قرائت دعا بحدی نرسیده باشد که بحسب عرف آنرا مداومت
و مواظبت گویند عمل بمضمون حدیث ننموده است و حصول آن ثمره بمقتضای وعده لازم نیست این حکم
این قسم در باب حصول ثمره و اما اینکه در چه وقت آن ثمره حاصل میشود پس آن خالی از غموض و اشکالی
نیست زیرا که مقتضای احادیث آنست که قرائت آن ادعیه در همه لیالی جمعه در مثال اول و در همه ایام
و در اعقاب همه صلوات خمس یا همه فرایض در مثالهای دیگر یا بعد از حصول مداومت و مواظبت در حیوة
اخیره موجب وقوع آن ثمرات است و معلوم است که این معنی تحقق بهم نمیرساند و وقوع نمی یابد مگر در حینی
که در تمام عمر خود چنان میکرده باشد و عمل باین احادیث حاصل نمیشود مگر باتمام عمر با این حال هرگاه ترتب
ثمره موقوف بر اتمام عمر باشد باید که ثمرات آن ادعیه بعد از زوال حیات و انقضای ایام عمر حاصل شود
و این معنی در ثمرات اخروی اگر چه محذوری و قصوری ندارد زیرا که آن ثمرات بعد از موت و در نشاة آخرت
حاصل میشود اما ثمرات دنیوی چگونه میتواند بود که بعد از موت و انقضای ایام حیوة بوده باشد مثلا در
حدیث وارد شده است که هر که هر روز بعد از نماز صبح فلان دعا بخواند حق تعالی او را از کوری و نابینائی
و از تنگدستی و پریشانی نگاه دارد و ظاهر است که حصول این ثمره بعد از موت و انقضای ایام زندگانی
بی وجه و بی صورت است و حل این اشکال بچند وجه میتوان نمود و وقوع ثمره در این مثال چند احتمال دارد اول
آنکه مراد این باشد که در هر روزی که این عمل را بجا آورد و آن دعا را بخواند در آن روز از کوری و تنگدستی
بلا و از پریشانی و منع روزی ایمن خواهد بود و این احتمال مبتنی بر آنست که آن عمل در حقیقت اعمال متعدد
و ثمرهٔ آن ثمرات متعدده باشد و هر یک از آن اعمال هرگاه واقع شود ثمرهٔ آن نیز بوقوع رسد دوم آنکه
مقصود این باشد که مادام که مداومت بر این عمل مینماید این ثمره از برای او حاصل است و در این صورت حصول

ثمره موقوف است بر آنکه عملی مکرر شود و عادتی شده باشد که در عرف گویند که فلان شخص امید نماز بعد از هر
نماز صبح میخواند و بدون حصول این معنی آن ثمره لازم نیست پس در هنگام شروع باین عمل چون هنوز
مکرر نشده و در عرف او را مواظب بر آن عمل نمیدانند وقوع ثمره لازم نیست و بعد از حصول مواظبت
هرگاه نادراً و احیاناً آنرا ترک نماید مخل نیست چنانچه اشاره باو نمودیم و بنابراین احیاناً ممکن است که
غفلت شود احوال دعا و ثمره نظر بایام عمر او مماتست آنکه یکسال بر آن دعا مداومت نماید و ثمره آنرا
نیابد و سالی دیگر ترک نماید و از دعا و ثمره بهره مند نشده باشد سیم آنکه منظور این باشد که هرگاه
در تمام عمر مداومت نماید این ثمره برای او حاصل است و علم باین معنی از برای حق تعالی که عالم بهمه چیز
است حاصل است پس اگر در علم الهی چنان باشد که این شخص مادام حیات باین عمل مداومت مینماید
بمجرد شروع در این عمل آن ثمره را باو عطا میفرماید و اگر بر خلاف این باشد و در علم الهی چنین نباشد
و حق تعالی داند که مداومت نخواهد کرد براو لازم نیست که آن ثمره را باو کرامت فرماید والله تعالی یعلم
حقایق الامور مفتاح پنجم در بیان از منه شریفه و امکنه متبرکه و بعضی از وظایف و آداب خیر بعد
از ادعیه بدانکه مراعات این امور موید اجابت و سبب سرعت استجابت میگردد خصوصا هرگاه مطلب
عظیم و حاجت عمده باشد و چون این امور را در اجابت دعا مدخلیت عظیم هست معرفت آنها
مهم و فواید عظیمه دارد مناسب دانست که اکثر از آنها را مفصلا مذکور سازد و اهتمام در تحصیل چند
مطلب ایراد مینماید مطلب اول در ساعات شریفه شب و روز که حق تعالی آنها را شریف و محل استجابت
دعا کرده اند و آنها بر دو قسم اند قسم اول ساعاتی که اختصاص بشب یا روز دارد اما ساعات شب
و آنها بر دو نوع است نوع اول در ذکر ساعات شب عموما که اختصاص بشب خاصی ندارد و آنها چند
ساعت است اول بعد از نماز شام هر شبی چنانچه در حدیث وارد شده که دعا در چهار محل مستجاب
است و یکی از آنها بعد از نماز شام فرموده اند دویم بعد از نصف شب از هر شبی تا بعد از آنکه سدس
شب بگذرد چنانچه در حدیث واقع شده که در شب ساعتی هست که هر که در آن ساعت نمازی بگذارد
و حاجتی از حق تعالی بخواهد البته دعای او مستجاب میشود در هر شبی که بوده باشد و آن ساعت بعد از
نصف شب است تا آنکه سدس شب بگذرد سیم در قنوت مفرده نماز وتر و بعد از فارغ شدن از آن
و بعد از هشت رکعت از نماز شب و بهتر آنست که دعائی که در صحیفه کامله مذکور است بعد از
مفرده وتر بخواند و اگر بعد از هشت رکعت بخواند نیز خوبست و هر دعا از دعاهای مناجات صحیفه
کامله یا غیر آن خصوصا مناجاتهای پانزده گانه را که بخواند مناسب است و حوائج دنیا و آخرت خود
و برادران مؤمن را در این وقت طلب نماید که وقت استجابت دعاست چهارم در سحر و ثلث آخر شب در حدیث
وارد شده که بهترین وقتها که حق تعالی را بخوانند سحرهاست و از حضرت رسول صلعم منقولست که در آخر
شب منادی ندا میکند که آیا سائلی هست تا حاجتش را روا کنم آیا توبه کننده هست که توبه اش را قبول کنم آیا کسی

هست

هست که طلب آمرزش نماید تا بیامرزم او را و از حضرت امیر المؤمنین ع مرویست که فرمود که هرگاه ترا بسوی پروردگار خود
حاجتی باشد در سه ساعت طلب نماید یکی از آنها یکساعت آخر شب قریب بطلوع صبح را فرموده پس فرموده
که بدرستیکه در سحر دو ملک از جانب حق تعالی ندا میکنند پس مذکور فرموده ملک قریب بآنچه در حدیث سابق
گذشت و از حضرت امام رضا ع مرویست که حق تعالی ملکی را در ثلث آخر هر شبی باسمان دنیا
میفرستد و امر میکند او را که ندا کند که آیا سؤال کننده هست تا مطلب او را عطا کنم آیا توبه
کننده هست تا توبه او را قبول کنم آیا طلب آمرزش کننده هست تا گناهانش را بیامرزم ای
طلب کننده خیر روی آور ای طلب کننده شر باز ایست پس آن ملک باین طریق ندا میکند تا صبح طلوع کند
و هرگاه صبح طالع شد باز میگردد بمکان خود از ملکوت آسمانها نوع دویم ساعات مخصوص
بعضی از شبها و آنها چند ساعت است اول شب جمعه چنانچه از امام محمد باقر ع مرویست که
پروردگار جل شانه از بالای عرش خود در هر شب جمعه از اول شب تا آخر شب ندا میکند که آیا
نیست بنده مؤمنی که دعا کند مرا از برای دین خود یا دنیای خود پیش از طلوع صبح تا دعای او را
مستجاب کنم آیا نیست بنده مؤمنی که روزی او را تنگ کرده باشم پس زیادتی روزی خود را
از من سؤال کند پیش از طلوع صبح تا روزی او را زیاده کرده او را توسعه دهم آیا نیست بنده مؤمنی
که بیمار باشد و سؤال کند از من که او را شفا دهم آیا نیست بنده مؤمنی که محبوس و غمگین باشد
و سؤال کند از من که او را از زندان خلاص گردانم یا او را از حبس رهائی دهم آیا نیست بنده مؤمنی
که مظلوم باشد و سؤال کند از من پیش از طلوع صبح که حق او را از ظالم بگیرم تا انتقام او را از ظالم
بکشم و حق او را از ظالم بستانم پس حضرت امام محمد باقر ع فرمودند که حق تعالی پیوسته در شب جمعه ندا
میکند بآنچه مذکور شد تا طلوع صبح کند دویم لیالی ثلثه قدر که شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست
و سیم ماه رمضان است چنانچه احادیث فضیلت و استجابت دعا در آنها بتفصیل در این کتاب بعد از
این مذکور میشود انشاء الله تعالی و همچنین اکثر شبهای ماه مبارک رمضان بلکه همه آنها چنانکه
بعد از این مذکور خواهد شد سیم لیالی اربعه یعنی شب اول ماه رجب و شب نیمه شعبان و شب عید
فطر و شب عید اضحی که دعا در آنها مستجاب است البته و بتفصیل خواهد آمد انشاء الله و همچنین
اکثر از شبهای ماه رجب و شعبان خصوصا شب نیمه رجب و اول شعبان و لیالی بیض و شب آخر این دو
ماه و شب جمعه اول رجب که آنرا لیلة الرغائب مینامند و شب بیست و هفتم ماه رجب که روز آن
مبعث پیغمبر است صلعم و بعد از این همه اینها بتفصیل مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی چهارم
دم بعضی از شبهای که در ظرف سال بخصوص فضیلت داشته باشد غیر شبهای که گذشته مانند شبهای
ذی القعده و غیر آن و همچنین شبهائی که روز آنها شرافتی دارد مانند شب ترویه و شب عرفه و
شب عید غدیر و شب مولود و شب مبعث حضرت رسول صلعم و غیر آن چنانچه در این کتاب بتفصیل مذکور

میشود ان شاء الله تعالی اما ساعات روز و آنها نیز بر دو نوع است نوع اول ساعاتی است که عموماً
که تخصیص بروز خاصی ندارد و آن چند ساعت است اول وقت زوال آفتاب است از هر روزی
یعنی اول ظهر هر روز چنانچه از حضرت امام محمد باقر عم مرویست که از پدر بزرگوار خود نقل کرده است
که هرگاه او را حاجتی بود که آنرا از حق تعالی طلب مینمود در اول وقت ظهر تخصیص وقت زوال روز جمعه
تا یکساعت که از حضرت رسول خدا صلعم منقولست که آنحضرت فرموده است که سؤال نمیکند کسی در آن
ساعت از حق تعالی چیزی را مگر آنکه باو عطا میکند دویم بعد از عصر هر روزی خصوصاً بعد از نماز
عصر روز جمعه چنانچه در حدیث وارد شده که هرگاه حاجتی داشته باشی ختم نما قرآن را بعد از نماز عصر و قرآن را ابتدا
بکن از اول تا آخر قرآن را باز کن بعد از آن دست خود را با قرآن بلند کن بسوی آسمان بعد برای که تو آن
و بخوان اللهم انی اتوجه الیک بالقرآن العظیم من فاتحته الی خاتمته
این دعا را
وفیه اسمک الاکبر وکلماتک التامات کلها واسألک بما تخاف
منه وترجوا یا سامع کل صوت ویا باری النفوس بعد الموت بامر لا تغشاه
الظلمات ولا تشتبه علیه الاصوات ان تصلی علی محمد وآل محمد وان

تعطی محمداً افضل ما سئلت له وافضل ما انت مسئول له الی یوم القیمة
یا ذا الجلال والاکرام وان تغفر لی وترحمنی وتدخلنی الجنة سیم وقت طلوع
و غروب آفتاب است
هر روزی و بخصوص ده مرتبه تهلیل و دعاهای دیگر وارد شده و بعضی قائل بوجوب تهلیل شده اند
در این دو وقت و علما حمل بر تاکید استحباب نموده اند نوع دویم آنکه وارد شده است تقسیم هر روز از روزهای
سال بدوازده ساعت و هر ساعتی منسوب بیکی از ائمه علیهم السلم و از برای هر ساعتی از آن دعای مخصوص
بآن ساعت مذکور نموده اند چنانچه شیخ طوسی قدس الله روحه در کتاب مصباح و شیخ بهاء الدین محمد ره در
مفتاح الفلاح نقل نموده اند و ما از جهت طول کلام و مناسب نبودن این مقام ادعیه این ساعات را
مذکور نساختیم محول بمصباح و مفتاح الفلاح مینمائیم مناسب دانست که آن ساعات مذکوره باشد تا
شیعیان توسل جویند بحق سبحانه و تعالی در آن اوقات به پیشوایان دین خود و در هر ساعتی از آن ساعات
با یکی از ائمه علیهم السلم متوسل شوند و بخوانند دعائی را که مخصوص آن ساعت است و حاجت خود را تمنا

قاضی الحاجات مسئلت نماید که مستجاب است ان شاء الله تعالی اما ساعت اول میان طلوع صبح تا
طلوع آفتاب است و آن منسوبست بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و دعا در این ساعت
اینست اللهم رب الظلام والفلق الخ ساعت دویم ما بین طلوع آفتاب است تا بر طرف شدن
سرخی و این ساعت منسوبست بحضرت امام حسن مجتبی عم و میخوانی در آن ساعت این دعا را
اللهم یا خالق السموات والارض الخ ساعت سیم بعد از بر طرف شدن سرخی آفتاب است
تا بلند شدن روز و این منسوبست بحضرت امام حسین عم پس بخوان در این ساعت این دعا را
اللهم رب الارباب الخ ساعت چهارم از بلند شدن روز است تا چاشت و این ساعت منسوب
است بحضرت علی بن الحسین عم و دعای مخصوص آن ساعت اینست اللهم انت الملک المبدی الخ
ساعت پنجم از زوال آفتاب است تا گذشتن مقدار چهار رکعت و آن منسوبست بحضرت امام محمد
باقر عم و دعای در آن ساعت اینست اللهم انت الله الذی لا اله الا هو الخ ساعت ششم
از زوال آفتاب است از گذشتن مقدار چهار رکعت از زوال تا نماز ظهر و این منسوبست بحضرت
امام جعفر صادق عم میخوانی در آن ساعت این دعا را اللهم انت انزلت الغیث الخ ساعت هفتم
پس از نماز ظهر است تا گذشتن مقدار چهار رکعت پیش از عصر و این ساعت منسوبست بحضرت امام
موسی کاظم عم و دعا در آن ساعت اینست اللهم انت المرجو الخ ساعت هشتم پس از گذشتن
چهار رکعت پیش از عصر تا نماز عصر و این منسوبست بحضرت امام رضا عم پس بخوان در آن ساعت این
دعا را اللهم انت الکاشف للبلیات الخ ساعت نهم پس از نماز عصر است تا آنکه بگذرد دو ساعت
و این منسوب بحضرت امام محمد تقی عم است و دعا در آن ساعت اینست اللهم یا خالق الانوار الخ
ساعت دهم پس از دو ساعت بعد از نماز عصر تا زردی آفتاب است و این ساعت منسوب بحضرت امام
علی نقی عم است و دعای در آن ساعت اینست اللهم انت الولی الحمید الخ ساعت یازدهم پس از زرد
زردی آفتاب است تا زردی آن و این منسوب بحضرت امام حسن عسکری عم است و دعای در آن ساعت
اینست اللهم انک منزل القرآن الخ ساعت دوازدهم پس از زرد شدن آفتاب است تا غروب آن و آن
منسوب بحضرت خلف و حجت بر خلق است صلوات الله علیه و علی آبائه الطاهرین و عجل فرجه و دعا
در آن ساعت اینست اللهم یا خالق السقف الخ نوع دویم اوقات مخصوص روزها و آن چند وقت است
اول روز جمعه هر اوقات آن و احادیث آن را حبر علامه مولانا محمد باقر مجلسی قدس الله روحه در ربیع
الاسابیع ذکر نموده دویم وقت طلوع آفتاب روز جمعه در بعضی از روایات وارد شده که هرگاه در
وقت طلوع آفتاب روز جمعه کسی هفت مرتبه سوره قل یا ایها الکافرون را بخواند و بعد از آن دعا کند
دعای او مستجاب میشود سیم خصوص وقت عصر روز جمعه چنانچه منقولست که دعای بسیار در عصر جمعه
بخوانند و غیر آن از ادعیه که وارد شده که بعد از عصر مطلقا یا بعد از نماز عصر واقع شده چنانچه در ربیع

الاسابیع مذکور است چهارم وقت ما بین ظهر و عصر روز چهارشنبه چنانچه منقولست از جابر بن عبد
الله انصاری که حضرت پیغمبر صلعم در مسجد احزاب در روز دوشنبه و سه‌شنبه برای شکست کافران
دعا کرد و در ما بین وقت ظهر و عصر در روز چهارشنبه مستجاب شد و جابر گفته است که هر گاه نازل میشد
بمن چیزی که مرا غمگین میکرد در ساعت مذکوره متوجه دعا میشدم و استجابت را مییافتم پنجم ایام
متبرکه و اعیاد شریفه مانند روز عید فطر و اضحی و عرفه و غدیر و مبعث و مباهله و استفتاح و غیر آنها از ایام
و همچنین روزهائی که شب آنها شرافتی دارد مانند ایام لیالی قدر مثلا که وارد شده که روز اینها مانند شب آنها
فضیلت و شرافت دارد قسم دویم اوقاتی که اختصاص بشب یا روز ندارد و دعا در آنها مستجابست و
آنها چند وقت است اول وقت وزیدن بادهاست و وقت آمدن باران و وقتی است که مومنی را مظلوم بقتل
رسانند و اول قطره از خون او بر زمین بریزد چنانکه از حضرت امام جعفر صادق عم منقولست که طلب دعا
کنید در چهار ساعت نزد وزیدن بادها و نزد گردیدن سایه‌ها یعنی وقت ظهر و نزد فرود آمدن
باران و نزد اول قطره از خون کسی که مومن باشد و کشته شود پس بدرستیکه درهای
آسمان گشوده میشود دویم بعد از قراءت قرآن و میان اذان و اقامه و وقتی که از کسی ظلمی بکسی
برسد و دل او بسوزد و دل سوخته داشته باشد و او را رقت قلب حاصل شود و اشکی از دیده
او فرو ریزد چنانکه از حضرت صادق عم مرویست که هر گاه رقت کند احدی از شما پس دعا کنید که
مستجابست زیرا که رقت نمیشود دل کسی تا خالص نباشد سیم وقتی است که قرآن مجید را ختم نماید
بعد از آن هر دعائی که بکند مستجاب است چهارم وقتی است که روزه دارد و روزه اش را تمام کند و خواهد
افطار کند قبل از افطار هر دعائی که بکند مستجاب میشود انشاء الله پنجم در عقب هر نماز واجب
دعا مستجابست چنانکه از امیرالمومنین صلوات الله علیه مرویست که رسول خدا صلعم فرمود
که هر گاه آدمی بجا آورد نماز فریضه را هر دعائی که بعد از آن بکند مستجابست پس ابن حجام گوید
که در خواب دیدم آنحضرت را و سوال کردم که چنین حدیثی از شما بما رسیده فرمود چنین است هر گاه
فارغ شوی از نماز واجب خود پس بگو در حالت سجده اللهم بحق من رواه و بحق من روی عنه
صل علی جماعتهم و هر حاجتی که داری از حق تعالی بخواه که برآورده است و ایضا از آنحضرت
روایت شده که نباید بنده از جای نماز خود برخیزد تا آنکه سوال کند از خدای تعالی بهشت را و پناه بجوید
از او از آتش جهنم و آنکه تزویج نماید او را حور العین و احادیث در این باب بسیار است از ائمه هدی علیهم السلام
مبین فلهذا اکتفا شد ششم دعای شخصی که حج خانه خدا کرده و همچنین زیارت رسول خدا و ائمه هدی علیهم السلام
نموده و شخصی که جهاد در راه خدا کرده و کسی که بیمار باشد و احادیث در این باب بسیار است خصوصا مریض
و دعای همه مستجابست هفتم دعای سائل است برای معطی نزد عطا چنانچه از حضرت امام زین
العابدین عم مرویست که فرمود بخادم خود وقتی که چیزی بسائل میداد که اندکی نگاه دار تا او دعا کند و ایضا

از آنحضرت

از آنحضرت مرویست که میفرمود بخادم خود که هر گاه چیزی بسائل میدهی بگو تا دعا کند بخیر که مستجابست در حق شما
و غیر این از احادیث وارده در این باب و دیگر مواقع استجابت دعا بسیار است باین قدر اکتفا نمود
مطلب دویم در مکانهای استجابت دعا و آن چند مکانست اول در تحت قبه منوره سید الشهدا
ابا عبدالله الحسین صلوات الله و سلامه علیه است چنانکه در احادیث وارد شده است که حق تعالی
بآنحضرت در عوض شهادت چهار چیز عطا کرده اول آنکه تربت شریفه او را شفا کرده است دویم آنکه
دعا را در تحت قبه او مستجاب کرده است سیم آنکه ائمه را از ذریه او قرار داده چهارم آنکه ایام زیارت
او را از جمله عمر زیارت کننده او حساب ننموده و اگر کسی را حاجتی باشد و خود در تحت قبه منوره
آنحضرت حاضر نتواند شد دیگری را اجیر میتواند نمود تا بآن مکان شریف رفته نیابت او دعا کند چنانکه
دلالت کرده است آنچه روایت شده است که حضرت امام جعفر صادق عم را درد چشم عارض شده پس امر
فرمود که کسی را اجیر نمایند و نزد قبر منور حضرت امام حسین عم فرستند تا برای آنحضرت دعا کند پس یکی
شیعیان از خانه حضرت بیرون آمد و آن اجیر را در در خانه دید و حکایت را شنید پس گفت که من باز
میگردم بخدمت آنحضرت و میگویم که چنانکه حضرت امام حسین عم امام واجب الاطاعه است آنحضرت
نیز امام واجب الاطاعه است پس چرا باید که نایب آنحضرت بکربلا رود و بجهة آنحضرت دعا کند پس آن مرد
شیعه باز گردید و آن سخن را بخدمت آنحضرت عرض نمود آنحضرت فرمود که چنین است که گفتی لیکن نداند
که حق تعالی را مکانهاست که دعا در آنها مستجابست و نزدیک قبر سید الشهدا از جمله آن مکانهاست
دویم در حضر مقدس حضرت رسول و حضرت امیرالمومنین و باقی مشاهد مشرفه اهل بیت طاهرین
صلوات الله علیهم اجمعین چنانچه احادیث آن در محلش مذکور است سیم موقف عرفات و مشعر الحرام
چنانچه در حدیث وارد شده که حق تعالی در آن روز در موقف عرفات بملائکه خطاب میفرماید که ای فرشتگان
من آیا نظر میکنید بسوی بندگان من که آمده اند از اطراف شهرهای دور هم گرد آلود و ترک کرده و [illegible]
آزارها و مشقتهای بسیار متحمل شده هیچ میدانید که حاجتهای ایشان چیست ملائکه میگویند که ای
پروردگار ما ایشان از تو طلب آمرزش از گناهان خود میکنند حق سبحانه و تعالی میفرماید که ای ملائکه
گواه باشید که من آمرزیدم ایشان را و در حدیث دیگر وارد شده که بعضی از گناهانست که آمرزیده
نمیشود مگر بعرفات و مشعر الحرام چنانچه حق تعالی میفرماید که فاذا افضتم من عرفات فاذکروا الله
عند المشعر الحرام یعنی چون برگردید از عرفات پس خدا را یاد کنید نزد مشعر الحرام که موضعی
معینی که در آن محل دعا مستجابست چهارم در حرم کعبه و افضل کعبه مرویست از حضرت امام رضا
علیه السلام که بما رسید کسی در کوهی از کوههای مکه و دعا کند مگر آنکه مستجاب میشود دعای ایشان اما
مومنان دعائی که بجهت دنیا و آخرت خود میکنند هر دو مستجاب میشود و اما کافران دعای دنیای ایشان
مستجاب میشود و همچنین در سایر مواضع شریفه دعا مستجابست مانند حطیم و تحت میزاب و مقام

حضرت ابراهیم ع و ثنی و حجر الاسود و غیره چهار جا در محل خود مذکور است پنجم مسجد الحرام و مسجد مدینه که مسجد حضرت رسول صلعم است و مسجد کوفه و مسجد سهله که از مساجد اقدس کوفه و غیر آنکه بخصوص وارد شده که دعا در آن مستجاب است و سایر مساجد مطلقا خصوصا مساجد جامعه زیرا که مسجد خانه خداست و قصد کننده بجانب مسجد قصد کننده است بسوی حق تعالی و زیارت حق تعالی کرده است و در حدیث قدسی وارد شده است که بدانید و آگاه باشید که خانهای من در زمین مساجد است پس خوشا حال آن بنده که خود را پاک و پاکیزه و خوشبو کرده در خانه خود پس بیاید بزیارت من در خانه من و خدای تعالی کریم است از آنکه نا امید کند زایر و قاصد خود را مطلب سیم در آداب قبل از شروع بدعا و اذکار و آداب وارده نزد شروع بدعا و آن در دو فصل بیان میشود فصل اول در آداب قبل از شروع بدعا بدانکه داعی هرگاه آداب و شرایط مذکوره را بعمل آورد و رعایت نماید و خواهد شروع نماید در دعا و اظهار حاجات خود نزد قاضی الحاجات نماید ابتدا نماید بتحمید و تمجید پروردگار تعالی شانه یعنی ذکر کند اسما و صفاتی را که دلالت کند بر بزرگواری حق تعالی و ثنا و ستایش او را بجا آورد و در احادیث بجهة این مطلب عبارات متعدده وارد شده و ما در اینجا اکتفا مینمایم بذکر سه عبارت و اگر دعا کننده هر سه را پیش از دعا بخواند بهتر است اول مرویست که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرموده که هر دعائی که نباشد پیش از آن تحمید آن دعا ناقص است راوی گوید که من عرض کردم که نمیدانم که چه چیز کافی است از تحمید و تمجید آنحضرت فرموده که میگوئی

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْاَوَّلُ فَلَیْسَ قَبْلَکَ شَیْءٌ وَاَنْتَ الْاٰخِرُ فَلَیْسَ بَعْدَکَ شَیْءٌ وَاَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَیْسَ فَوْقَکَ شَیْءٌ وَاَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَیْسَ دُوْنَکَ شَیْءٌ وَاَنْتَ الْعَزِیْزُ الْحَکِیْمُ

دویم منقولست که کسی سؤال کرد از حضرت امام جعفر صادق ع که چیست کمتر چیزی که مجزیست از تحمید پیش از دعا آنحضرت فرمود که میگوئی

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ عَلَا فَقَهَرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ بَطَنَ فَخَبَرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ یُحْیِی الْمَوْتٰی وَهُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ

سیم منقولست که حضرت امام جعفر صادق ع فرموده است که در کتاب علی ع مسطور است که پیش از سؤال مدح و ستایش باید کرد هرگاه طلب حاجتی کنی از حق تعالی پس تمجید کن او را و او را وصف کن آنچنانکه سزاوار است چگونه تمجید او کنم آنحضرت فرموده است که میگوئی

یَا مَنْ هُوَ اَقْرَبُ اِلَیَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِیْدِ یَا فَعَّالًا لِمَا یُرِیْدُ یَا مَنْ یَحُوْلُ بَیْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهٖ یَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلٰی یَا مَنْ لَیْسَ کَمِثْلِهٖ شَیْءٌ

بعد از آن تحمید و تسبیح و تهلیل کند باین طریق که بگوید سُبْحَانَ اللّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ چنانکه در بعضی احادیث وارد شده و بعد از آن نعمتهائی را که حق تعالی باو عطا کرده ذکر کند باین طریق که بلغت عربی یا لغتی دیگر که داند بگوید خداوندا بمن فلان نعمت و فلان نعمت را تفضل و انعام کرده و کیفیت از نعمتهای الهی را که در آن وقت بخاطر او برسد و وقت یکیک آنها را فکر کند بزبان آورد و اگر خواهد که زود فارغ شود نعمتها را بطریق اجمال ذکر کند و بعد از آن شکر کند حق تعالی را بر آن نعمتها و بعد از آن صلوات فرستد بر حضرت سید المرسلین و اهل بیت طاهرین او صلوات الله علیهم اجمعین باین طریق که بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ منقولست از حضرت امام جعفر صادق ع که دعا همیشه در پرده است تا وقتی که دعا کننده صلوات فرستد بر حضرت پیغمبر و آل او و نیز از آنحضرت منقولست که هر که دعا کند و حضرت پیغمبر صلعم را مذکور نسازد آن دعا باسمان رفع نمیشود و مانند کبوتری که پرواز نتواند کرد بر دور صاحبش بال برهم میزند پس هرگاه دعا کننده یاد کرد آنحضرت را و بر او صلوات فرستاد دعای او باسمان رفع میشود و بعد از صلوات گناهان خود را مذکور سازد و هر یک از گناهان را که در آن وقت بخاطر تواند آورد و وقت گنجایش گفتن آن داشته باشد بتفصیل بزبان آورد و اقرار بانها نماید و اگر خواهد که زود فارغ شود بطریق اجمال گناهان خود را ذکر کند و اقرار بانها کند و بعد از آن بخدای جل شانه از گناهان پناه برد باین طریق که بعربی یا لغتی دیگر که داند بگوید که خداوندا پناه میبرم بتو از گناهان و بعد از آن حاجت خود را ذکر کند و بر آمدن آنرا از جناب اقدس الهی سؤال نماید و چنانچه قبل از این مذکور شد الحاح نماید و سعی کند در گریستن و ذکر مطلب را طول دهد و تعجیل در فارغ شدن از دعا ننماید چنانکه منقولست که حضرت امام جعفر صادق ع فرموده است که هرگاه کسی تعجیل نماید در دعا و خود را بزودی فارغ سازد و از پی کار خود رود حق تعالی میفرماید آیا نمیدانند بنده من که منم آن کسی که حوائج خلق را بر میآورم و دور و اینچنین دیگر هست که حق تعالی میفرماید که تعجیل کرده بنده من گویا گمان میکند که حوائج او بدست کسی است غیر من و دلالت میکند بر بعضی از مقدمات مذکوره و آنچه منقولست که مردی بخدمت حضرت امام جعفر صادق ع آمد و عرض نمود که دو آیه است در کتاب خدا که مضمون آنها را طلب میکنم و نمییابم پس آنحضرت فرمود که کدام است آن دو آیه گفت یکی قول حق تعالی است که فرموده اُدْعُوْنِیْ اَسْتَجِبْ لَکُمْ

بعد دعا کنید تا مستجاب کنم از برای شما و ما دعا میکنیم و حاجات خود را از حق تعالی سؤال میکنیم و
نمی بینیم اجابت را آنحضرت فرمود که آیا چنین میدانی که حق تعالی وعدهٔ خود را خلف
کرده آن مرد گفت که نمیدانم پس آنحضرت فرمود که لیکن خبر دهم ترا هر کسی که اطاعت حق
تعالی کند در آنچه امر کرده و بعد از آن دعا کند و حاجت خود را از حق تعالی سؤال کند
بطریقی که آن طریق دعا باید که حق تعالی دعای او را مستجاب میکند آن مرد گفت که طریق دعا
چیست حضرت فرمود که ابتدا میکنی پس حمد خدا میکنی و ذکر میکنی نعمتهای او را که نزد تو است
بعد از آن شکر او را بجا میآوری بعد از آن صلوات میفرستی بر پیغمبر و بر آل او و بعد از آن
گناهان خود را ذکر میکنی و اقرار بآنها میکنی بعد از آن استعاذه میکنی از گناهان پس دعا
میکنی بآنچه میخواهی که مستجاب است انشاء الله تعالی فصل دویم در اذکار وارده نزد
شروع بدعا از حضرت امام جعفر صادق ع مرویست که هر که ده مرتبه یا الله بگوید یا ده مرتبه یا رب
بگوید در جواب او گفته میشود که لبیک حاجت تو چیست و از حضرت امیر المؤمنین صلوات
الله علیه مرویست که هر که صد آیه از آیات قرآن مجید را که خود اختیار کند بخواند بعد از آن
هفت مرتبه یا الله بگوید و بعد از آن دعا کند دعای او مستجاب میشود حتی که اگر سنگی
نفرین کند حق تعالی آن سنگ را میشکافد و مرویست که هر که در حال سجده یا الله یا رباه یا
سیداه را سه مرتبه بگوید باو ندا میرسد که لبیک حاجت خود را بگو تا داده شود و از حضرت
امام موسی کاظم ع منقولست که هرگاه اللّهمّ انّی أسألک بحقّ محمّد و علیّ فانّ
ترا از حق تعالی حاجتی باشد پس بگو
لهما عندک شأنا من الشّأن و قدرا من القدر فبحقّ ذلک الشّأن و بحقّ ذلک
القدر أن تصلّی علی محمّد و آل محمّد و أن تفعل بی کذا و کذا و بجای کذا و کذا حاجت خود
را بگو و آنحضرت فرموده
که هرگاه روز قیامت شود نماند ملک مقربی و نه پیغمبر مرسلی و نه بندهٔ مؤمنی که حق تعالی او را
بجهة ایمان امتحان کرده باشد مگر اینکه محتاج است در آن روز بمحمد و علی صلوات الله علیهما
و علی ذریتهما و از حضرت سید المرسلین ص منقولست که حق تعالی فرموده است که من حیا
میکنم که بندهٔ من دست خود را بجانب من بلند کرده باشد و در دست او انگشتر فیروزه باشد
و من او را ناامید برگردانم و در احادیث اهل بیت صلوات الله علیهم از برای طلب حوائج
طریقهای بسیار وارد شده است و بعضی از آنها مشتمل است بر نماز حاجت و بعضی بر روزه
داشتن چنانچه در کتب علما رضوان الله تعالی علیهم مسطور است از جهة احتراز از طول کلام

همین قدر اکتفا نمود مفتاح ششم در آداب بعد از دعا و آن چند امر است اول صلوات بر حضرت
پیغمبر و آل او چنانچه مرویست از حضرت امام محمد باقر یا امام جعفر صادق علیهما السلام که هر که را
حاجتی باشد باید ابتدا کند بصلوات بر محمد و آل محمد و بعد از آن حاجت خود را سؤال کند و
بعد از آن نیز صلوات فرستد بر محمد و آل او پس بدرستی که حق تعالی کریمتر از آنست که اول و آخر
آن را قبول کند و وسط آن را رد کند زیرا که صلوات بر محمد و آل او البته مستجابست دویم از
حضرت رسول ص مرویست که هرگاه دعا کند کسی پس بعد از دعا بگوید ما شاء الله لا قوة الا بالله
حق تعالی فرماید که بندهٔ من روی از خلق گردانیده و روی بمن آورده حاجت او را برآورید سیم
بعد از دعا بخواند ذکری را که از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت شده و آنحضرت فرموده
است که هر که دوست دارد که مستجاب شود دعای او پس بخواند این ذکر را بعد از آنکه از دعا کردن
فارغ شود و آن ذکر اینست ما شاء الله استکانة لله ما شاء الله تضرعا الی الله ما
شاء الله توجها الی الله ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
چهارم مداومت نمودن بر دعا و الحاح در آن و مکرر نمودن طلب حاجت و سؤال را هرگاه تأخیر
در اجابت آن بعمل آید و لیکن این امور در مفتاح دویم گذشت پنجم آنکه بعد از فراغ از دعا
مسح کند و دست بکشد بر رو و دست بر روی خود چنانچه از حضرت صادق ع مرویست که نمیدارد
بنده دست خود را بسوی خداوند عزیز جبار مگر آنکه شرم میدارد که خالی باز گرداند دست او را تا
آنکه پر میکند دست او را از فضل و رحمت خود پس هرگاه چنین باشد پس دست خود را بر سر و روی
خود بکشد تا فضل و رحمت خدای تعالی شامل حال بنده شود و در حدیث دیگر مرویست که بر روی
و سینهٔ خود بکشد ششم آنکه می باید حال دعا کننده بعد از دعا بهتر باشد از حال او قبل از دعا
زیرا که گناهان بسبب دعا آمرزیده میشود و چون روی بخدا آورده و دست از خلق برداشته پس باید که
بنده یقین کامل بحق تعالی بهم رساند و اینکه او کافی است در قضای حوائج و در هر باب
احتیاج باو است و این معنی را داند که خدای تعالی خیر او را بهتر از خود میداند پس هرگاه تأخیر
در قضای حاجت او نماید و آثار استجابت دعای او دیر ظاهر شود یقین داند که آنچه شده خیر او
و البته مصلحت این بنده در اینست که دعای او دیر مستجاب شود و هر وقت که خدای تعالی خود صلاح
او را داند مستجاب میگرداند یا اینکه صلاح این بنده در عدم استجابت آنست و عوض آن را خدا
باین بنده ثوابهای غیر متناهی میدهد و از این معنی ملال بدل خود راه ندهد و راضی بقضای خدای
خود باشد و ترک سؤال از درگاه او هرگز ننماید رزقنا الله الرضا بالقضاء و وفقنا لما یحبه و
یرضی و دیگر از آداب و شرایط استجابت دعا بسیار است و زیاده بر این مناسب این مقام نیست
همین قدر اکتفا نمود باب دویم در بیان کیفیت دیدن هلال هر ماهی از ماههای دوازده

كاندنسا انكه اختصاص بما و مخصوص بماه رمضان ندارد بدانكه احكامی كه مذكور خواهد شد بهتر آنست كه
در شب اول در وقت دیدن هلال بعمل آید و اگر در شب اول میسر نشود تا سر شب سوم بنابر قول
بعضی از فقها این میتوان بعمل آورد و اگر در سر شب این میسر نشود بقول بعضی از متاخرین
تا هفت شب بقصد احتیاط میتوان بعمل آورد و اما احكام آن پس در ضمن دو مطلب بیان
میشود مطلب اول در بیان اعمالی كه در وقت دیدن هلال وارد شده است و آنها چند چیز
است اول محمد بن یعقوب كلینی و ابن بابویه و شیخ طوسی قدس الله اسرارهم از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه روایت نموده اند كه فرمود كه چون ماه را ببینی از جای خود حركت مكن و
این دعا را بخوان اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ خَیْرَ هٰذَا الشَّهْرِ وَفَتْحَهُ وَنُورَهُ وَنَصْرَهُ
وَبَرَكَتَهُ وَطَهُورَهُ وَرِزْقَهُ وَاَسْأَلُكَ خَیْرَ مَا فِیهِ وَخَیْرَ مَا بَعْدَهُ
وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِیهِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهُ اَللّٰهُمَّ اَدْخِلْهُ عَلَیْنَا بِالْاَمْنِ وَ
الْاِیمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْاِسْلَامِ وَالْبَرَكَةِ وَالتَّوْفِیقِ لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَی
دوم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت كرده است كه آنحضرت از پدران بزرگوار خود روایت
فرمود كه رسول خدا صلی الله علیه و آله چون
هلال را میدید این دعا میخواند اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنَا خَیْرَهُ وَنَصْرَهُ وَبَرَكَتَهُ وَفَتْحَهُ
وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهُ مولف گوید كه چون دعای سابق مشتمل بر این دعا هست
ظاهرا خواندن آن از این مجزی باشد و اگر هر دو خوانده شود
شاید بهتر باشد سیم ابن بابویه رحمه الله در كتاب عیون اخبار الرضا از حضرت امام رضا ع روایت كرده
است كه آنحضرت از پدران بزرگوار خود روایت فرمود اَیُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِیعُ الدَّائِبُ السَّرِیعُ
كه رسول خدا ص هرگاه هلال را میدید این دعا را میخواند
الْمُتَصَرِّفُ فِی مَلَكُوتِ الْجَبَرُوتِ بِالتَّقْدِیرِ رَبِّی وَرَبُّكَ اللّٰهُ اَللّٰهُمَّ اَهِلَّهُ
عَلَیْنَا بِالْاَمْنِ وَالْاِیمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْاِسْلَامِ وَالْاِحْسَانِ وَكَمَا بَلَّغْتَنَا

اَوَّلَهُ فَبَلِّغْنَا آخِرَهُ وَاجْعَلْهُ شَهْرًا مُبَارَكًا تَمْحُو فِیهِ السَّیِّئَاتِ وَتُثْبِتُ لَنَا
فِیهِ الْحَسَنَاتِ وَتَرْفَعُ لَنَا فِیهِ الدَّرَجَاتِ یَا عَظِیمَ الْخَیْرَاتِ چهارم شیخ طوسی قدس
الله روحه در كتاب مصباح المتهجد
از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت كرده است كه رسول خدا ص چون نظر بهلال میفرمود دستها
مبارك را بالا میبرد بِسْمِ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اَهِلَّهُ عَلَیْنَا بِالْاَمْنِ وَالْاِیمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْاِسْلَامِ
و این دعا را میخواند
رَبِّی وَرَبُّكَ اللّٰهُ پنجم ایضا در كتاب مذكور از حضرت امام محمد باقر ع روایت كرده است كه آنحضرت
از پدران بزرگوار خود روایت نمود كه رسول خدا ص هرگاه هلال را میدید رو بقبله میكرد و
تكبیر میگفت اَللّٰهُمَّ اَهِلَّهُ عَلَیْنَا بِیُمْنٍ وَاِیمَانٍ وَسَلَامَةٍ وَاِسْلَامٍ وَهُدًی وَمَغْفِرَةٍ
و این دعا را میخواند
وَعَافِیَةٍ وَرِزْقٍ وَاسِعٍ اِنَّكَ عَلَی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ راوی گوید كه من این دعا را در وقت دیدن
هلال خواندم پس خیر تحویلم در آن ماه دیدم
ششم قطب راوندی در كتاب دعوات از حضرت امیر المؤمنین صلوات اَللّٰهُمَّ اِنَّ النَّاسَ اِذَا
الله علیه روایت كرده است كه آنحضرت چون هلال را میدید این دعا میخواند
نَظَرُوا اِلَی الْهِلَالِ نَظَرَ بَعْضُهُمْ فِی وُجُوهِ بَعْضٍ وَرَجَا بَعْضُهُمْ بَرَكَةَ بَعْضٍ اَللّٰهُمَّ
اِنِّی اَنْظُرُ اِلَی وَجْهِكَ جَلَّ ثَنَاؤُهُ وَوَجْهِ نَبِیِّكَ وَوَجْهِ اَوْلِیَائِكَ اَهْلِ بَیْتِ نَبِیِّكَ
صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِمْ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَعْطِنِی مَا اُحِبُّ اَنْ تُعْطِیَنِیهِ مِنَ
الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ وَاصْرِفْ عَنِّی مَا اُحِبُّ اَنْ تَصْرِفَهُ عَنِّی مِنَ الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ وَاَحْیِنَا
عَلَی طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ اَوْلِیَائِكَ وَطَاعَةِ وَلِیِّكَ صَلَوَاتُكَ وَرَحْمَتُكَ عَلَیْهِمْ وَ
التَّسْلِیمِ لِاَمْرِكَ وَتَوَفَّنَا عَلَیْهِ وَلَا تَسْلُبْنَاهُ وَتَفَضَّلْ عَلَیْنَا بِرَحْمَتِكَ پس ده مَا شَاءَ
مرتبه
اللّٰهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ و ده مرتبه اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ میفرمود پس بیست مبارك
الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ

تبارك بكرة وابد ربي وربك الله رب العالمين اللهم ثبتنا على السلام والإسلام
ومیفرمود
والأمن والإيمان ودفع الأسقام والمساءة عنا فيما نحب وترضى من طاعتنا لك

هفتم در کتاب مکارم الاخلاق گفته که مستحب در وقت دیدن هلال آنست که بانگشت سبابهٔ دست راست
خود بر دست چپ بنویسد محمد علی فاطمه الحسن الحسین علی بن الحسین
محمد بن علی جعفر بن محمد موسی بن جعفر علی بن موسی محمد بن علی علی بن محمد
حسن بن علی حجة بن الحسن پس سورهٔ قل هو الله احد را بنویسد پس این دعا را بخواند
اللهم إن الناس إذا نظروا إلى الهلال نظر بعضهم إلى وجوه بعض وتبرك
بعضهم ببعض وإني نظرت إلى أسمائك واسم نبيك ووليك وأوليائك
عليهم السلام وإلى كتابك فأعطني كل الذي أحب أن تصرف عني من الشر
وزدني من فضلك ما أنت أهله ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم

مؤلف گوید که ظاهر اینست که این دعا مخصوص زمان غیبت حضرت صاحب الامر است و دعای سابق مخصوص زمان
حضور ایشان باشد و چون حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه از عترت طاهره و حضرت فاطمه و حسنین
صلوات الله علیهم در زمان او در حیات بودند حضرت ما را بر روی ایشان سید بدن باشند و در این اعصار
که خورشید سپهر امامت در تحت سحاب احتجاب مستور شده اسامی مقدسهٔ ایشان باید بر کف دست نوشته
شود و در وقت دیدن هلال نظر بآن کرده شود و این دو حدیث اشعاری دارد که دیدن ماه بر روی نیکان
خصوصاً صلحا و عبّاد از ایشان نیکو باشد هشتم دعای صحیفهٔ کامله از دعای چهل وسیم است و دعا اینست
أيها الخلق المطيع الدائب السريع المتردد في منازل التقدير المتصرف



في فلك التدبير آمنت بمن نور بك الظلم وأوضح بك البهم وجعلك آية
من آيات ملكه وعلامة من علامات سلطانه وامتهنك بالزيادة والنقصان

والطلوع

والطلوع والأفول والإنارة والكسوف في كل ذلك أنت له مطيع و
إلى إرادته سريع سبحانه ما أعجب ما دبر في أمرك وألطف ما صنع
في شأنك جعلك مفتاح شهر حادث لأمر حادث فأسأل الله ربي
وربك وخالقي وخالقك ومقدري ومقدرك ومصوري ومصورك
أن يصلي على محمد وآله وأن يجعلك هلال بركة لا تمحقها الأيام
وطهارة لا تدنسها الآثام هلال أمن من الآفات وسلامة من السيئات
هلال سعد لا نحس فيه ويمن لا نكد معه ويسر لا يمازجه عسر وخير
لا يشوبه شر هلال أمن وإيمان ونعمة وإحسان وسلامة وإسلام
اللهم صل على محمد وآله واجعلنا من أرضى من طلع عليه وأزكى من
نظر إليه وأسعد من تعبد لك فيه ووفقنا فيه للتوبة واعصمنا
فيه من الحوبة واحفظنا فيه من مباشرة معصيتك وأوزعنا فيه
شكر نعمتك وألبسنا فيه جنن العافية وأتمم علينا باستكمال
طاعتك فيه المنة إنك المنان الحميد وصلى الله على محمد وآله
الطيبين الطاهرين نهم ملا محسن کاشانی ره در کتاب خلاصة الاذکار اللهم
ذکر نموده که در وقت دیدن هلال این دعا را بخواند

عَرِّفْنَا قَدْرَ هٰذَا الشَّهْرِ الْمُبَارَكِ وَاَكْرِمْنَا بِاغْتِنَامِ اَوْقَاتِهِ وَوَفِّقْنَا لِلْجِدِّ وَ
الْاِجْتِهَادِ فِي طَاعَاتِهِ وَارْزُقْنَا صِيَامَهُ وَقِيَامَهُ صَبْرًا وَاحْتِسَابًا وَرَجَاءً لِاِدْرَاكِ
مَثُوبَاتِهِ وَاَعِذْنَا مِنَ السَّآمَةِ وَالْكَسَلِ خَوْفًا لِفَوَاتِ دَرَجَاتِهِ وَاَسْعِدْنَا لِلْقِيَامِ بِسَاعَاتِهِ
وَاَفِضْ عَلَيْنَا مِنْ عَوَائِدِ بَرَكَاتِهِ وَزَيِّنَّا بِجَمِيعِ حَسَنَاتِهِ وَخَيْرَاتِهِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

سید بن طاوس طاب ثراه در کتاب دروع واقیه روایت کرده است که هر که در وقت دیدن هلال هفت مرتبه سورهٔ
حمد بخواند در آن ماه آزار درد چشم نرسد **یازدهم** علما گفته اند که خوردن اندکی از پنیر در وقت دیدن
هلال مستحب است و از حضرت صادق ع مرویست که پنیر لقمه ایست که دهان را خوشبو و شیرین میکند و
اشتهای طعام میآورد و باعث هضم طعام می‌شود و هر که در اول ماه بخورد حاجت او رد نشود مؤلف
گوید که این حدیث بر خصوص خوردن پنیر در وقت دیدن هلال دلالت ندارد بلکه مطلق است و شامل
روز اول نیز هست چنانچه مخفی نیست **دوازدهم** در بعضی از کتب از حضرت رسالت پناه ص روایت کرده
اند که هرگاه از کسی ترسی و خواهی از شر او ایمن باشی پس در شب اول ماه نگاه بهلال کن و دست خود
بجانب آن شخص اشاره کن و این آیه را بخوان أَيَوَدُّ اَحَدُكُمْ اَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ
وَاَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَاَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ
ضُعَفَاءُ فَاَصَابَهَا اِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ پس این دعا را بخوان اَللّٰهُمَّ طُمَّهُ بِالْبَلَاءِ
طَمًّا وَغُمَّهُ بِالْبَلَاءِ غَمًّا وَارْمِهِ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ كَطَيْرِكَ الْاَبَابِيلِ يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ پس
در شب دویم و سیم نیز این عمل را بجا آورد پس اگر دشمن هلاک شود بمقصود خود رسیده و اگر
اثر نکند در ماه سیم نیز بکن که البته شر او از تو دفع می‌شود **مطلب دویم** در بیان و آداب دیدن
هلال و آنها چند امر است **اول** آنکه در همان مکانی که ماه دیده می‌شود باید ادعیهٔ مذکوره خوانده
شود قبل از آنکه از آن مکان حرکت واقع شود چنانچه در حدیث دعای اول مذکور شد **دویم** آنکه اشاره
بماه نکند بسر و دست و نه بچشم و نه بسایر جوارح و اعضا **سیم** آنکه رو بجانب ماه نایستد بلکه رو بقبله کند
و هر دو دست را بلند سازد و ادعیهٔ مذکوره را بخواند چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقولست که
چون هلال ماه رمضان را ببینی اشاره بسوی آن مکن و لیکن روی خود را بجانب قبله بگردان و دستهای
خود را بلند کن و فلان دعا را بخوان و این حدیث اگرچه مخصوص دیدن هلال ماه مبارک رمضان است
لیکن از فحوای کلام امام ع مفهوم می‌شود که در دیدن هلال سایر ماهها نیز بایستی این امور را رعایت نمود

ششم آنکه از حضرت صادق ع منقولست که هر که در شب اول ماه دو رکعت نماز بکند و در هر رکعتی بعد از
حمد سورهٔ انعام بخواند و از حق تعالی مسألت نماید که او را از ترسها و دردها ایمن گرداند البته برسد
امر بد از آنکه مکروه خاطر او باشد و از حضرت امام محمد تقی ع منقولست که چون ماه تازه داخل شود
در روز اول آن دو رکعت نماز بکن در رکعت اول بعد از حمد سی نوبت قل هو الله احد و در رکعت
دویم بعد از حمد سی نوبت سورهٔ انا انزلناه را بخوان و بعد از نماز تصدق بکن چون چنین کنی سلامتی
تمام آن ماه را از حق تعالی خریده و در روایتی هر یک از سورهٔ توحید و قدر یک نوبت وارد شده **مؤلف گوید**
که ظاهر آنست که محمول باشد بر صورتی که ضرورتی باشد که بجا آوردن این نماز بطریق اول امر مهمی از او فوت
شود یا ضرری باو برسد یا آدمی وقتی بخاطرش آید که زمان وسعت کردن بطریق اول را نداشته باشد یا
غیر آن پس در این صورت بروایت دیگر عمل نماید تا بالمره از ثواب این نماز محروم نباشد و فی الجمله سلامتی خود
را خریده باشد و محتمل است که روایت یکمرتبه بر مرتبهٔ اقل و روایت سی مرتبه بر اکثر و اکمل محمول باشد
و بالجمله هرگاه وقت وسعت داشته باشد و مانعی نداشته باشد بهتر آنست که طریق اول را اختیار نماید
و ترک نکند و در روایت دیگر وارد شده است که بعد از دو رکعت این دعا را بخواند بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْاَرْضِ اِلَّا عَلَى اللّٰهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا
كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَاِنْ يَمْسَسْكَ اللّٰهُ بِضُرٍّ
فَلَا كَاشِفَ لَهُ اِلَّا هُوَ وَاِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ
بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
سَيَجْعَلُ اللّٰهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ حَسْبُنَا
اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَاُفَوِّضُ اَمْرِي اِلَى اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ
لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ رَبِّ اِنِّي لِمَا اَنْزَلْتَ
اِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَاَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ خیر ما قل
از کتاب خزائن الجواهر

سلطانی در بیان فضایل و اعمال ماه مبارک رجب و آن بچند باب مفتوح میشود باب اول
در بیان فضیلت و ثواب عبادت در آن بدانکه اینماه از جملهٔ اشهر حُرُم و ماهی است بسیار عزیز
و محترم و باین جهت آنرا رجب مینامند زیرا که رجب بمعنی بزرگی است و بعضی وجوه بعیدهٔ دیگر گفته
اند و عرب آنرا اصم نیز میگویند زیرا که مردم همگی در اینماه بقسط و عدالت و تقوی و پرهیزکاری
سلوک مینموده اند و بر یکدیگر ظلم و ستم نمیکرده اند و باین جهت صدای استغاثهٔ مظلومی
بگوش احدی نمیرسیده و آنرا اصب نیز میگویند بجهة آنکه حق تعالی رحمتهای بی‌نهایت خود را
در اینماه بر بندگان خود فرو میریزد و باین جهت عبادت در آن ثواب عظیم دارد و در روزه
داشتن اینماه و ماه شعبان هر دو مستحب است و ثواب بسیار دارد و لیکن روزهٔ ماه شعبان
از جملهٔ سنن و ثواب آن بیشتر و روزهٔ اینماه از جملهٔ تطوعات و ثواب آن کمتر است و توضیح
این مطلب و تنقیح این مدعا چنانچه والد علامه‌ام ادام الله ظلاله در بعضی از مؤلفات خود تحقیق
نموده اینست که عبادت صوم از جملهٔ عبادات عظیمه است و در حدیث وارد شده است که
حق تعالی میفرماید الصوم لی و انا اجزی به یعنی روزه از برای من است و من جزا میدهم آنرا
و این روزه بر سه نوع است نوع اول روزهٔ واجب که حق تعالی آنرا در سالی یکماه واجب کرده است
و آن روزهٔ ماه مبارک رمضان است نوع دویم روزه که در بعضی از احیان بر مکلفان
واجب میشود مانند روزهٔ کفاره و روزهٔ بدل قربانی که در حج واجب میشود و روزهٔ
نذر و عهد و یمین که مکلف بر خود واجب میسازد نوع سیم روزهٔ سنت که واجب نیست
و ترک آن موجب عقاب نیست و هرگاه مکلفی اتیان بآن نماید ثواب عظیم از برای او حاصل
میشود و قرب خاصی او را بجناب اقدس حق تعالی بهم میرسد و این نوع از روزه بر دو قسم است
قسم اول روزه که از جملهٔ سنن است و مراد از سنن عبادات مستحبه اینست که رسول خدا
مداومت مینموده اند و مواظبت بر آنها داشته است و تا حین رفتن از دنیا ترک نمیفرموده
و این روزه چنانچه از احادیث معتبره مفهوم و مستفاد میگردد روزهٔ تمام ماه شعبان و
روزهٔ سه روز از هر ماه بقیهٔ سال است که باین وضع روزه دارند که پنجشنبهٔ دههٔ
دویم و پنجشنبهٔ دههٔ سیم ماه را روزه دارند و در حدیث صحیح از حضرت صادق منقول
است که رسول خدا در اول بعثت آنقدر روزه پی در پی گرفت که مردم گفتند که دیگر
ترک نخواهد فرمود پس مدتی ترک روزه کرد که گفتند روزه نخواهد گرفت پس مدتی
یک روز روزه میداشت و یک روز افطار میفرمود بطریق حضرت داود پس این طریقه را
نیز ترک فرمود و در هر ماهی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم را روزه میداشت و طریقه
را نیز ترک فرمود و سنتش بر آن قرار یافت که در هر ماه پنجشنبهٔ اول ماه و پنجشنبهٔ آخر ماه

چهارشنبه

و چهارشنبهٔ اول از دههٔ وسط ماه را روزه میداشت و بر این طریق میبود تا بجوار رحمت ایزدی
پیوست و ماه شعبان را تمام روزه میداشت و این قسم از مستحبات تالی واجبات است
و در اخبار و احادیث تاکید بسیار در اتیان بآنها وارد شده است و در حدیث وارد شده است
که هرگاه یکی از سنن فوت شود سنت است که آنرا قضا کنند و حکمت در این تاکید آنست که حق
تعالی این سنن را مکمّل واجبات کرده است که اگر در آنها نقصی باشد تدارک آن باین سنن بشود
و بعضی از محققان گفته اند که حق تعالی این سنت را که متمم فریضه است ضعف فریضه و
دو مثل آن مقرر فرموده است چنانچه نمازهای واجب هفده رکعت است و نوافل آنها که در
عرض شبانروز بجا میآورند سی و چهار رکعت و سرّ این جهت آنست که اکثر نمازها که طالب
حضور باشند یک ثلث عبادتشان را با حضور قلب واقع میسازند لهذا سنت را دو مثل فریضه
قرار داده اند که از مجموع واجب و سنت ثلثی که معادل واجب است خالی از خلل و با حضور
قلب از مکلف صادر شود و باین جهت است که روزه که از جملهٔ سنن و در حکم نافلهٔ روزهٔ ماه
رمضان است شصت روز است یعنی روزهٔ ماه شعبان و از ده ماه دیگر نیز سی روز که در هر ماه سه روز
باشد قسم دویم روزه که از جملهٔ تطوعات است و مراد از تطوع آنست که هر که آن عبادت
را کند طاعتی از طاعات بر کرده است و ثواب دارد و لیکن از طاعات حتم و مکمل فریضه نیست و تاکید عظیم
که در باب سنن واقع است در آن واقع نیست و باین جهت است که آنحضرت مواظبت بر آن ننموده است و
اتیان آن میفرموده و گاه ترک مینموده است و روزهای تطوع بسیار است مانند روزهٔ ایام سال غیر
واجب که ایام ماه رمضان است و بغیر از سنن که آن ایامی است که ذکر شد و این ایام مشترک اند با یکدیگر
در ثواب فی الجمله و بعضی ثوابش بیشتر است مانند ایام ماه رجب خصوصا بعضی ایام چنانچه از احادیث که
در فضیلت آن روزها واقع شده بعد از این مذکور میسازیم معلوم میشود و مانند روز دحو الارض
در ماه ذی قعده و بعضی از ایام ماه ذی حجه خصوصا روز عید غدیر و روز مباهله و مانند روز
مولد حضرت در ماه ربیع الاول و ایام دیگر که بجهة خصوصیتی فضیلت روزهٔ آن ایام زیاده باشد چنانچه
هر یک بتفصیل در محل خود ان شاء الله تعالی مذکور میشود و بدانکه علما از اخبار و شواهد ضابطهٔ کلی
استنباط نموده اند و آن اینست که هر عبادت واجبی ثوابش زیاده از عبادات مستحبه است مگر در
چند صورت که از این ضابطهٔ کلیه استثنا نموده اند و بعضی از متاخرین علما بنا بر مراعات این
ضابطه هر روزی که روزه میداشته اند روزهٔ آن روز را بطریق نذر بر خود واجب میساختند
تا ثواب آن بیشتر باشد و باید دانست که اگر روزهٔ قضا در ذمهٔ کسی بوده باشد و در ماه رجب و شعبان
یا سایر ایام متبرکه آن روزه را بگیرد فضیلت روزهٔ آن روز را در یافته و بری الذمه از روزهٔ واجب
نیز شده است و اما اخباری که در باب فضیلت روزهٔ اینماه و سایر عبادات در آن وارد شده است

پس شیخ بزرگوار عالم فقیه محمد بن علی بن بابویه قدس الله روحه در کتاب ثواب الاعمال و امالی از حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و آله روایت نموده است که فرمود بدرستی که رجب شهر الله الاصم است و آن ماهی است بزرگ
و بدرستی که اصم نامیده شده است برای آنکه نمیرسد بان ماه ماه دیگر در حرمت و فضیلت نزد حق تعالی
و اهل جاهلیت آنرا تعظیم میکردند و چون اسلام آمد تعظیم و فضیلت آن زیاده شد بدرستی که
رجب ماه خداست و شعبان ماه من است و ماه رمضان ماه امت من است هر که یک روز از رجب را
روزه بدارد از روی ایمان و طلب ثواب مستوجب شود خوشنودی و رضوان اکبر حق تعالی را و خاموش
کرد این روزه او غضب حق تعالی را و ببندد بر روی او دری از درهای جهنم را و اگر عطا کنند به او پری
از طلا بقدر آنچه از روی زمین را پر کند بهتر نباشد ثواب آن از ثواب روزه و چیزی از چیزهای دنیا
مزد او تمام نشود بلکه حسنات و ثوابهای آخرت مزد او باشد هرگاه نیت خود را خالص کرده باشد
و چون آن روز را بشب آورد برای او ده دعا مستجاب باشد اگر دعا کند بامری از امور دنیا باو عطا
فرماید و اگر عطا نکند ذخیره فرماید برای او نیکوتر از آنچه دعا کرده باشد و صفت نموده باشد او را
دعا کننده از اولیا و دوستان خدا و هر که دو روز از ایام رجب را روزه بدارد وصف نکنند وصف کنندگان
از اهل آسمان و زمین آنچه او را باشد نزد حق تعالی از کرامت و بنویسند برای او مثل مزد و ثواب ده نفر از صادقان
که بوده باشند در مدت عمر خود با صدق و راستی باشد هر قدر که رسیده باشد عمرهای ایشان و شفاعت کند در
قیامت و مثل آنچه شفاعت کنند ایشان و محشور گردد در زمره ایشان و داخل بهشت شود با ایشان و
در بهشت از رفیقان ایشان باشد و هر که سه روز از ایام رجب روزه دارد بگرداند حق تعالی میان او و آتش
جهنم خندقی و حجابی که طول آن هفتاد ساله راه باشد و حق تعالی در وقت افطار با او خطاب فرماید
که واجب است حق تو بر من و لازم است برای تو محبت و ولایت من گواه میگیرم شما را ای ملائکه من که آمرزیدم
گناهان گذشته و آینده او را و هر که چهار روز از ایام رجب را روزه دارد ایمن باشد از همه بلاها و دیوانگی
و خوره و پیسی و فتنه که در هنگام خروج دجال در میان مردم ظاهر خواهد شد و پناه داده شود از عذاب
قبر و نوشته شود برای او مثل ثواب گروهی که از صاحبان عقل و خرد باشند و بدرگاه حق تعالی رجوع و
بازگشت نموده در زمره توابان داخل شده باشند و داده شود نامه عمل او بدست راست او در زمره گروهی که
بر سایر عابدان سبقت و پیشی گرفته باشد و هر که پنج روز از ایام رجب روزه دارد بر حق تعالی لازم باشد
که در قیامت او را راضی و خوشنود گرداند و مبعوث گردد در قیامت در حالتی که روی او چون ماه شب
چهارده باشد و بنویسند برای او از حسنات بعدد ریگ بیابان عالج و او را داخل بهشت گردانند بی حساب
و با او گویند که سؤال کن از پروردگار خود آنچه خواهی و هر که شش روز از ایام رجب روزه دارد چون مبعوث
شود بیرون آید از قبر روی او نورانی باشد درخشان که سفیدتر و روشن تر بوده باشد از نور آفتاب
و حق تعالی باو نور دیگر کرامت فرماید که همه اهل محشر بان نور روشنی یابند تا آنکه عبور کند از پل صراط بی حساب

وحق

وحق تعالی نگاه دارد او را از عقوق والدین و قطع رحم و هر که هفت روز از ایام رجب را روزه دارد حق تعالی ببندد
بعدد روزه داشتن هر روزی بر روی او دری از درهای جهنم را و حرام فرماید جسد او را بر آتش جهنم
و هر که هشت روز از ایام رجب را روزه دارد حق تعالی بگشاید برو بعدد روزه داشتن هر روزی بر روی او دری
از درهای هشتگانه بهشت را و با او گویند که از هر دری که خواهی داخل شو و هر که نه روز از ایام رجب را روزه
دارد چون از قبر بیرون آید بگوید لا اله الا الله و نگرداند روی خود را بسوی غیر بهشت و او را نوری
باشد که بدرخشد برای اهل محشر تا آنکه گمان کنند که او پیغمبر برگزیده ایست از پیغمبران خدا و کمتر عطائی
که حق تعالی با او کند این باشد که داخل بهشت فرماید او را بی حساب و هر که ده روز از ایام رجب را روزه دارد حق
تعالی باو عطا کند دو بال سبز مرصع بدر و یاقوت که پرواز کند بان بالها و بگذرد از پل صراط چون برق جهنده
بسوی بهشت و حق تعالی سیئات او را بحسنات مبدل کرده باشد و بنویسد او را از مقربان که ایستاده باشند
به قسط و عدالت برای خدا و چنان باشد که هزار سال در عبادت و بندگی خدا ایستاده باشد با صبر و
شکیبائی و نیت خالص و هر که یازده روز از ایام رجب را روزه دارد هیچ بنده وفا بعهدهای حق تعالی نکرده باشد
در قیامت نیکوتر از او مگر بنده که مثل او یازده روز از ایام رجب را روزه داشته باشد و هر که دوازده روز از
ایام رجب را روزه دارد حق تعالی در قیامت با او بپوشاند دو حله سبز از سندس و استبرق بهشت که اگر یک حله
آن در دنیا باشد روشن کند ما بین مشرق و مغرب را و بگرداند تمام دنیا را خوشبوتر از مشک و هر که
سیزده روز از ایام رجب را روزه دارد حق تعالی در روز قیامت برای او بگستراند مائده از یاقوت در سایه عرش
خود که فراخی آن از دنیا باشد و از دنیا هفتصد برابر بزرگتر باشد و بر آن مائده ظرفها از در و یاقوت باشد
و در هر ظرفی هفتاد هزار لون باشد که هیچ لونی بلون دیگر شبیه نباشد و بوی هیچیک بدیگری نماند و بخورد
کند او از آن مائده و اهل محشر در شدت و بلاء عظیم گرفتار باشند و هر که چهارده روز از ایام رجب را روزه
دارد حق تعالی عطا فرماید با او از ثواب آنچه هیچ چشمی ندیده باشد و گوشی نشنیده باشد و در خاطر کسی
خطور نکرده باشد از قصرهای بهشت که بنا شده باشد از در و یاقوت و هر که پانزده روز از ایام رجب را
روزه دارد بایستد در قیامت در موقف ایمنان نگذرد بر او هیچ ملکی و نه پیغمبری و نه رسولی مگر آنکه با او گویند
خوشا حال تو که تو ایمنی و مقرب درگاه الهی با شرافت و کرامت و رتبه بلند و عطا کرده شده و
ساکن گشته در مراتب عالیه بهشت و هر که شانزده روز از ایام رجب را روزه دارد در آن گروه باشد که
سوار شوند بر مرکبهای نور و پرواز کنند با آن مرکبها در عرصه محشر بسوی خانه کرامت خدای رحمن و هر که
هفده روز از ایام رجب را روزه دارد بگذارند برای او در قیامت بر سر پل صراط هفتاد هزار چراغ از نور
تا بگذرد از صراط بنور آن چراغها و بشتابد بسوی مراتب عالیه بهشت و مشایعت کنند او را گروه ملائکه
در حالتی که بر او سلام کنند و مرحبا باو گویند و هر که هیجده روز از ایام رجب را روزه دارد با حضرت ابراهیم
باشد در قبه او در جنة الخلد بر بالای کرسیهای در و یاقوت و هر که نوزده روز از ایام رجب را روزه دارد

پس شیخ بزرگوار عالم فقیه ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه قدس الله روحه در کتاب ثواب الاعمال و امالی از حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و آله روایت نموده است که فرمود بدرستی که رجب شهر الله الاصم است و آن ماهی است بزرگ
و بدرستی که اصم نامیده شده است برای آنکه نمی‌رسد باین ماه ماهی دیگر در حرمت و فضیلت نزد حق تعالی
و اهل جاهلیت آنرا تعظیم میکردند و چون اسلام آمد تعظیم و فضل آن زیاده شد بدرستی که
رجب ماه خداست و شعبان ماه منست و ماه رمضان ماه امت منست هر که یک روز از رجب را
روزه بدارد از روی ایمان و طلب ثواب مستوجب شود خوشنودی بزرگ حق تعالی را و خاموش
کرداند این روزه او غضب حق تعالی را و ببندد بر روی او دری از درهای جهنم را و اگر عطا کنند بوزن
از طلا بقدر آنچه از روی زمین را پر کند بهتر نباشد ثواب آن از ثواب روزه و چیزی از چیزهای دنیا
مزد او نتواند شد مگر حسنات و ثوابهای آخرت مزد او باشد هرگاه نیت خود را خالص کرده باشد
و چون آن روز را شب آورد برای او ده دعا مستجاب باشد اگر دعا کند بامری از امور دنیا او را عطا
فرماید و اگر عطا نکند ذخیره فرماید برای او نیکوتر از آنچه دعا کرده باشد و مثل نموده باشد او را
دعا کنند از اولیاء و دوستان خدا و هر که دو روز از ماه رجب روزه بدارد وصف نکنند وصف کنندگان
از اهل آسمان و زمین آنچه او را باشد نزد حق تعالی از کرامت و نوشته شود برای او مثل مزد ثواب ده نفر از صادقان
که بوده در تمام عمر خود با صدق و راستی باشند هر قدر که رسیده باشد عمرهای ایشان و شفاعت کند در
قیامت در مثل آنچه شفاعت کنند ایشان و محشور گردد در زمره ایشان و داخل بهشت شود با ایشان و
در بهشت از رفیقان ایشان باشد و هر که سه روز از ماه رجب روزه دارد بگرداند حق تعالی میان او و آتش
جهنم خندقی و حجابی که طول آن هفتاد ساله راه باشد و حق تعالی در وقت افطار با او خطاب فرماید
که واجب است حق تو بر من و لازم است برای تو محبت و ولایت من گواه میکنم شما را ای ملائکه من که آمرزیدم
گناهان گذشته و آینده او را و هر که چهار روز از ماه رجب روزه دارد ایمن باشد از همه بلاها و دیوانگی
و خوره و پیسی و فتنه که در هنگام خروج دجال رو نماید مردم ظاهر خواهد شد و پناه داده شود از عذاب
قبر و نوشته شود برای او مثل ثواب گروهی که از صاحبان عقل و خرد باشند و بدرگاه حق تعالی رجوع
بازگشت نموده و در زمره توابان داخل شده باشد و داده شود نامه عمل او بدست راست او در زمره گروهی که
بر سایر عابدان سبقت و پیشی گرفته باشد و هر که پنج روز از ماه رجب روزه دارد بر حق تعالی لازم باشد
که در قیامت او را راضی و خوشنود گرداند و مبعوث گردد در قیامت در حالتی که روی او چون ماه شب
چهارده باشد و نوشته شود برای او از حسنات بعدد ریگ بیابانهای عالج و او را داخل بهشت کرداند بی حساب
و باو گویند که سؤال کن از پروردگار خود آنچه خواهی و هر که شش روز از ماه رجب روزه دارد چون مبعوث
شود بیرون آید از قبر و روی او نور داشته باشد درخشان که سفیدتر و روشن‌تر بوده باشد از نور آفتاب
و حق تعالی باو نوری دیگر کرامت فرماید که همه اهل محشر از آن نور روشنی یابند تا آنکه عبور کند از پل صراط بی حساب

و حق تعالی نگاه دارد او را از عقوق والدین و قطع رحم و هر که هفت روز از ماه رجب روزه دارد حق تعالی
بعدد روزه داشتن هر روزی ببندد بروی او دری از درهای جهنم را و حرام فرماید جسد او را بر آتش جهنم
و هر که هشت روز از ماه رجب روزه دارد حق تعالی بگشاید بعدد روزه داشتن هر روزی بر روی او دری
از درهای هشتگانه بهشت را و باو گویند که از هر دری که خواهی داخل شو و هر که نه روز از ماه رجب روزه
دارد چون از قبر بیرون آید بگوید لا اله الا الله و نگرداند روی خود را بسوی غیر بهشت و او را نوری
باشد که بدرخشد برای اهل محشر تا آنکه گمان کنند که او پیغمبر یا کریمی است از پیغمبران خدا و کمتر عطائی
که حق تعالی باو کند این باشد که داخل بهشت فرماید او را بی حساب و هر که ده روز از ماه رجب روزه دارد حق
تعالی او را عطا کند دو بال سبز مرصع بدر و یاقوت که پرواز کند بآن بالها و بگذرد از پل صراط چون برق جهنده
بسوی بهشت و حق تعالی سیئات او را بحسنات مبدل کرداند و نوشته شود او را از مقربان که ایستاده باشند
بقسط و عدالت برای خدا و چنان باشد که هزار سال در عبادت و بندگی خدا ایستاده باشد با صبر و
شکیبائی و نیت خالص و هر که یازده روز از ماه رجب روزه دارد هیچ بنده از بندهای حق تعالی نکرده باشد مثل
در قیامت نیکوتر از او مگر بنده که مثل او یا زیاده از او این ماه را روزه داشته باشد و هر که دوازده روز از
این ماه را روزه دارد حق تعالی در قیامت او را بپوشاند دو حله سبز از سندس و استبرق بهشت که اگر یکی از حله
آن در دنیا باشد روشن کند ما بین مشرق و مغرب را و بگرداند تمام دنیا را خوشبوتر از مشک و هر که
سیزده روز از ماه رجب روزه دارد حق تعالی در روز قیامت برای او بگسترانند مائده از یاقوت در سایه عرش
خود که تا بخورند آن از دو آن باشد و از ده یا هفتصد برابر بزرگتر باشد و بر آن مائده ظرفها از در و یاقوت باشد
و در هر ظرفی هفتاد هزار لون باشد که هیچ لونی بلون دیگر شبیه نباشد و بوی هیچیک بدیگری نماند تناول
کنند او را از آن مائده و اهل محشر در شدت و بلاء عظیم گرفتار باشند و هر که چهارده روز از ماه رجب روزه
دارد حق تعالی عطا فرماید او را از ثواب آنچه هیچ چشمی ندیده باشد و گوشی نشنیده باشد و بخاطر کسی
خطور نکرده باشد از قصرهای بهشت که بنا شده باشد از در و یاقوت و هر که پانزده روز از ماه رجب
روزه دارد باشد در قیامت در مواقف ایمان که نگذرد بر او هیچ ملک و نه نبی و نه رسولی مگر آنکه باو گویند
خوشا حال تو که تو از نعمت و مغفرت درگاه الهی که با شرافت و کرامت و رتبه بلند رسیده و عطا کرده شده و
سکنی کننده در مراتب عالیه بهشت و هر که شانزده روز از ماه رجب روزه دارد در آیند از آنهایی که
سوار شوند بر مرکبهای نور و پرواز کنند بآن مرکبها در عرصهٔ جنان بسوی خانه کرامت خدای رحمن و هر که
هفده روز از ماه رجب روزه دارد بگذرد برای او در قیامت بر سر پل صراط هفتاد هزار چراغ از نور
تا بگذرد از صراط بنور آن چراغها تا برسد بسوی مراتب عالیه بهشت و مشایعت کنند او را ملائکه
در حالتی که بر او سلام کنند و مرحبا باو گویند و هر که هجده روز از ماه رجب روزه دارد با حضرت ابراهیم
باشد در قبه او در بهشت الخلد بر بالای کرسیهای در و یاقوت و هر که نوزده روز از ماه رجب روزه دارد

حق تعالی برای او شهرها از مروارید و یاقوت بنا کند در بهشت و نزد قصر آدم و ابراهیم علیهما السلام در جنت عدن و او بر ایشان
کند و ایشان بر او سلام کنند بجهت کرامت او و لازم داشتن حق او و بنویسد حق تعالی برای او بهر
روزی که روزه داشته باشد روزه هزار سال را و هرکه بیست روز از ایام رجب روزه دارد چنان باشد
که حق تعالی را بیست هزار سال عبادت کرده باشد و هرکه بیست و یک روز از ایام رجب روزه دارد حق تعالی
او را شفیع گرداند در قیامت در مانند قبیله ربیعه و مضر کرده و قبیله عظیم از قبایل عرب بلکه همه
از گناهکاران باشند و هرکه بیست و دو روز از ایام رجب روزه دارد منادی از آسمان ندا کند که بشارت
باد ترا ای دوست خدا از جانب خدا بکرامتی بزرگ و رفاقت کردن که حق تعالی انعام کرده بر ایشان از
پیغمبران و صدیقان و شهدا و صالحان و چه نیکو رفیقانند ایشان و هرکه بیست و سه روز از
ایام رجب روزه دارد منادی از آسمان ندا کند که خوشا حال تو ای بنده خدا از آنکه تعب کشیدی و
نعمت بی پایان رسید خوشا حال تو هنگامی که پرده از روی کار تو برخیزد و برسی بثواب عظیم پروردگار
که پرخود و در جوار ابرهیم خلیل علیه السلام در دار السلام رب جلیل قرار گیری و هرکه بیست و چهار روز
از ایام رجب روزه دارد چون فرود آید ملک موت بقبض روح او بصورت جوانی باشد ساده روی
و پوشیده باشد حله از دیبای سبز و سوار باشد بر اسبی از اسبهای بهشت و با خود داشته باشد
حریر سبزی معطر بمشک خوشبو و در کف داشته باشد قدحی از طلا پر از شراب بهشت پس بیاشامد
از آن قدح با او در نزد بیرون آمدن روح او و آسان شود بر او سختی سکرات مرگ و قبض کند روح
او را در این حریر بر ظاهر کرده از آن رایحه که استشمام کنند او را اهل آسمانهای هفتگانه و چون او
در قبر گذارند آشامیده در قبر سیراب از آن شراب بهشت که آشامیده باشد و مبعوث گردد سیراب تا
هنگامی که برسد بحوض کوثر حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و هرکه بیست و پنج روز از ایام رجب روزه دارد چون بیرون
آید از قبر ملاقات کنند او را هفتاد هزار ملک و در دست هر ملکی علمی باشد از در و یاقوت و با خود
داشته باشد حلیه و حله پاکیزه و باو گویند که ای دوست خدا ترا است نجات و رستگاری بدرگاه
پروردگار خود و او از کسی باشد که داخل جنات عدن شود با مقربان که خدا از ایشان خوشنود
و ایشان از خدا خوشنود باشند و اینست فوز و رستگاری عظیم و هرکه بیست و شش روز از ایام
رجب روزه دارد حق تعالی برای او در سایه عرش خود بنا کند صد قصر از در و یاقوت و بر سر هر قصری
خیمه سرخی باشد از حریر بهشت و با آرام در آن قصرها با نعمت و فراغت ساکن گردد و همه اهل
محشر در موقف قیامت بحساب گرفتار باشند و هرکه بیست و هفت روز از ایام رجب روزه دارد حق تعالی
فراخ کند قبر او را بقدر چهار صد ساله راه و پر از مشک و عنبر و هرکه
بیست و هشت روز از ایام رجب روزه دارد بگرداند حق تعالی میان او و آتش جهنم هفت خندق که
هر خندقی مابین آسمان و زمین با مقدار پانصد ساله راه باشد و هرکه بیست و نه روز از ایام رجب روزه

دارد حق تعالی او را بیامرزد و اگرچه عشار باشد یا زنی باشد که هفتاد مرتبه زنا کرده باشد بعد
که هر گاه غرض او از آن روزه رضای الهی و خلاصی از جهنم باشد حق تعالی بیامرزد آن زن را و هرکه
سی روز از ایام رجب روزه دارد منادی از آسمان ندا کند که ای بنده خدا اما گذشته پس آمرزیده
شد برای تو پس سر گیر عمل را در آینده و عطا کند حق تعالی باو در بهشتها و در هر بهشتی چهل
هزار شهر از طلا و در هر شهری چهل هزار قصر و در هر قصری چهل هزار خانه و در هر خانه
چهل هزار مایده از طلا و بر هر مایده چهل هزار ظرف و بر هر ظرفی چهل هزار لون طعام
و شراب که لون هر یک غیر لون دیگری باشد و در هر خانه چهل هزار کرسی از طلا که طول هر یک
دو هزار ذراع و عرض دو هزار ذراع باشد و بر هر کرسی جاریه باشد از حوریان بهشت که
سیصد هزار گیسو داشته باشد از نور و هر گیسوی از گیسوها را هزار هزار کنیز برداشته
باشند معطر کرده باشند آنرا بمشک و عنبر تا آنکه بیاورند او را برای کسی که تمام ماه رجب را
روزه داشته باشد پس یکی از اصحاب عرض نمود که یا رسول الله کسی که بجهت ضعفی یا مرضی
که او را عارض شده باشد هر گاه نتواند که ایام رجب را روزه دارد یا زنی که حایض باشد چه
عمل کند تا برسد بثوابی که وصف فرمودی فرمود که تصدق کند بجهت هر روزی یک گرده نان
بر مساکین بحق آنکه نفس من در قبضه قدرت اوست که هرگاه هر روز این صدقه را بدهد
بثواب آنچه وصف کردم برسد و بیشتر و اگر همه خلایق از اهل آسمان و زمین جمع شوند که تقدیر
نمایند و باندازه در آورند ثواب آنرا نتوانند رسید بنهایت آنچه با و عطا میکنند در مراتب
عالیه بهشت از فضایل و درجات پس عرض کرد که یا رسول الله کسی که قادر نباشد بر تصدق چه
کند تا برسد بآن ثوابها فرمود که در هر روز از ماه رجب تا آخر ماه این تسبیح را صد نوبت بگوید
سُبْحَانَ الْإِلَهِ الْجَلِيلِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ الْأَعَزِّ
الْأَكْرَمِ سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَهُوَ لَهُ أَهْلٌ مؤلف گوید که در بعضی از روایات
معتبره وارد شده است که بدل روزه
مستحب یک درهم تصدق کند و درهم موافق این زمان هفتاد دینار است تقریبا و در
روایت دیگر وارد شده است که بعوض روزه سنت یک مد از گندم یا جو تصدق کند و مد
چهار یک تبریزی و چهار مثقال است که تخمینا بر مشهور میان علما و ظاهرا صد و دوم کهنه است
باشد و صد درهم شاهی احوط است و در خصوص روزه ماه رجب چنانچه در این حدیث شریف
مذکور است گرده نان واقع شده است و این اختلاف ممکن است که از راه تفاوت حال مردم
پریشانی و توانگری باشد و محتمل است که باعتبار مراتب فضل و ثواب باشد با آنکه تصدق

بودن بدرهم و غالب افضل باشد از مد و مد افضل باشد از کر و نماز و شیخ طوسی ره در
کتاب مصباح [illegible] آنرا این حدیث را که مشتمل بر ذکر تسبیحات است ذکر نموده و در بعضی از نسخ
مصباح بعد از سبحان الاعز الاکرم این تسبیح نیز موجود است سبحان من تعطف بالمجد و
تکرم به و بدانکه آنچه [illegible] این حدیث شریف مذکور است از انکه اهل جاهلیت این ماه
را تعظیم مینمودند و اسلام شرافت [illegible] آنرا زیاده نموده تکذیب احمد حنبل علیه اللعنه است که از اعاظم
اهل سنت است و گفته است که روزه داشتن [illegible] این ماه مکروه است مگر نسبت بکسی که تمام سال را روزه
دارد و بعضی احادیث که از طریق اهل سنت وارد [illegible] متمسک شده است اول از خرشه بن الحر روایت
کرده که گفت دیدم عمر علیه [illegible] را که تازیانه میزد بر کف دست جماعتی که ماه رجب را روزه میداشتند
تا آنکه دست بطعام دراز کنند و از آن تناول نمایند و میگفت که طعام بخورید که این ماه را اهل
جاهلیت تعظیم مینمودند و در اسلام حرمتی ندارد دویم از ابن عمر روایت کرده است که او
چون میدید که مردم برای روزه ماه رجب تهیه میکنند خوش نمی‌آمد او را و میگفت که بعضی
از این ماه روزه بدارید و بعضی را افطار کنید سیم از ابوبکر [illegible] روایت کرده است که او
داخل شد [illegible] خانه خود دید که نزد ایشان سبوها و کوزه‌ها گذاشته است پرسید که
اینها چیست گفتند که چون ماه رجب داخل شده اینها از جهت روزه داشتن این ماه مهیا نموده
ایم ابوبکر گفت آیا رجب را رمضان کرده‌اید پس سبوها را ریخت و کوزه‌ها را شکست
و بر خبیر و بصیر پوشیده نیست که قول این سه کس دلیل و حجت بر امری نمیشود چه ایشان جاهل
بمسایل شریعت و احکام کتاب و سنت بوده‌اند و عادت عمر بوده که هر گاه در مسایلی که از او سؤال
مینمودند عاجز میشد از حضرت امیر المؤمنین عم سؤال مینمود حتی آنکه در حضور مردم
گفت که لولا علی لهلک عمر یعنی اگر علی عم نمیبود هر آینه عمر هلاک میشد و این سخن
نیز بزبان او جاری [illegible] دید که کل الناس افقه من عمر حتی المخدرات فی الحجال
یعنی همه کس داناتر است از عمر حتی زنانی که در حجله‌ها مستورند و با وجود این جهل او اهل [illegible]
اکثر آنها را در کتب خود ایراد نموده‌اند چگونه سخن ایشان حجت میشود با آنکه در باب فضیلت
این ماه از طریق اهل سنت نیز روایات بسیار وارد شده است و الله تعالی یهدی الی سواء السبیل
و در کتاب مسار الشیعه از حضرت امیر المؤمنین عم منقولست که آنحضرت تمام این ماه را روزه
میداشت و میفرمود که رجب ماه من است و شعبان ماه رسول خدا است و ماه رمضان ماه
حق تعالی است مؤلف گوید که این حدیث شریف بحسب ظاهر منافی با حدیث سابق است زیرا که ماه [illegible]
در حدیث سابق بجناب مقدس الهی منسوب کرده بود و ماه رمضان با امت حضرت رسالت صلعم
و گویا جهت اشعار بکمال شرافت ماه رجب است در حدیث سابق آنرا بحق تعالی نسبت داده اند

وماه

وماه مبارک رمضان چون محل عبادت مشقت است و مشقات این امت در این ماه از آتش جهنم
آزاد و باین سبب سعادتمند و رستگار میشوند لهذا آنرا با امت منسوب کرده‌اند و شیخ طوسی
ره در کتاب تهذیب از کثیر نوا روایت کرده است که گفت شنیدم از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام که فرمود که حضرت نوح عم صدای کشتی را شنید چون کشتی بر جودی قرار گرفت پس ترسید
از آن صدا و سر خود را از جانب کشتی بیرون آورد و دست خود را بلند کرده اند و اشاره بانگشت
خود نمود و گفت رهبا ان اتقن و معنی این کلام بزبان عربی یا رب احسن است یعنی یا رب خدایا
نیکو کن و بدرستی که نوح عم در روز اول رجب بر کشتی سوار شد و امر فرمود جماعتی را که با او در کشتی
کرده بودند از جن و انس بروزه داشتن این روز پس حضرت فرمود که هر که روزه دارد این روز را
از او دور شود آتش جهنم بقدر یکساله راه و هر که هفت روز از رجب را روزه دارد درهای هفت
گانه جهنم بر او بسته شود و هر که هشت روز از این ماه را روزه دارد هشت در بهشت برای او گشوده
شود و هر که پانزده روز از این ماه را روزه دارد حق تعالی حاجات او را باو عطا فرماید و هر که زیاده
از این را روزه دارد حق تعالی زیاده فرماید برای او و شیخ مفید و ابن بابویه نیز همین مضمون را با اندک
تفاوتی بسندهای بسیار روایت نموده‌اند و ابن طاوس ره در کتاب اقبال بسند خود از حضرت صادق
عم روایت کرده است که رسول خدا صلعم فرمود که هر که سه روز از رجب را روزه دارد حق تعالی برای او
بعوض هر روزه روزه سالی بنویسد و هر که هفت روز از این ماه را روزه دارد ببندد بر روی او هفت
در جهنم را و هر که هشت روز از این ماه را روزه دارد بگشاید برای او هشت در بهشت را و هر که پانزده
روز از این ماه را روزه دارد حساب را برای او آسان گرداند و هر که تمام این ماه را روزه دارد بنویسد
برای او رضوان و خوشنودی خود را و کسی که خدا رضای خود را برای او بنویسد دیگر او را عذاب نفرماید
و ابن بابویه ره در کتاب مجالس از حضرت امام محمد باقر عم روایت کرده است که فرمود که هر که روزه بدارد
یک روز از رجب را از اول آن یا وسط آن یا آخر آن حق تعالی بهشت را برای او واجب گرداند و بگرداند
او را در روز قیامت با ما در درجه ما و کسی که دو روز از این ماه را روزه دارد باو گویند که از سر گیر عمل را
بدرستی که آمرزیده شد گناهان گذشته تو و کسی که سه روز از این ماه را روزه دارد باو گویند که آمرزیده شد
گناهان گذشته و آینده تو پس شفاعت کن برای هر گناهکاری از برادران و اهل بیت خود و کسی که هفت
روز از این ماه را روزه دارد بسته شود بر روی او هفت در جهنم و کسی که هشت روز از این ماه را روزه
دارد گشوده شود بر روی او هشت در بهشت پس داخل شود از هر دری که خواهد و ابن بابویه در کتاب فضایل
شهر رجب از حضرت امام رضا عم روایت کرده است که هر که روز اول ماه رجب را روزه دارد حق تعالی
در قیامت از او خوشنود باشد و هر که دو روز از این ماه را روزه دارد خدا نیز از او خوشنود و راضی
کرده و او را خوشنود گرداند و هر که سه روز از این ماه را روزه دارد خدا [illegible] کرده در خصومتهای

اورا از او راضی کرداند در قیامت و هرکه هفت روز از این ماه را روزه دارد چون بمیرد درهای هفت
آسمان برای روح او گشوده شود تا باسکون اعلی برسد و هرکه هشت روز از این ماه را روزه دارد
هشت در بهشت برای او گشوده شود و هرکه پانزده روز از این ماه را روزه دارد هر حاجت
که از حق تعالی طلبد برآورد مگر آنکه سؤال او برای گناهی باشد یا متضمن قطع رحم باشد
و هرکه تمام این ماه را روزه دارد از گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد
شده باشد و از آتش جهنم آزاد کرده و داخل بهشت شود با برگزیدگان و نیکوکاران و شیخ
طوسی در مصباح بسند معتبر روایت کرده است که هرکه روزه بدارد از اول ماه رجب هفت روز
پس درهای جهنم بسته شود بر روی او هفت در جهنم و اگر روزه بدارد هشت روز را گشوده شود
برای او هشت در بهشت و اگر پانزده روز را روزه بدارد مسئلت او با وعطا شود و اگر
تمام ماه را روزه دارد ندا آید فرماید خداوند کریم او را از آتش و برآورده شود حوایج دنیا
و آخرت او و نوشته شود در میان صدیقان و شهیدان و غیر آن بدانکه در اکثر روایات
سابقه مذکور است که هرکه هفت روز از ماه رجب را روزه دارد هفت در جهنم بر روی او
بسته شود و هرکه هشت روز از این ماه را روزه بدارد هشت در بهشت بر روی او گشوده شود
و در احادیث بسیار وارد شده است که حق تعالی برای جهنم هفت در و برای بهشت هشت در
قرار داده است و بعضی از محققین علما در بیان سر این معنی گفته اند که چنانچه برای جهنم
هفت در ظاهر میباشد که از آن درها گناهکاران را داخل جهنم میکنند همچنین در انسان
هفت در میباشد که بسبب آنها داخل جهنم میشود و آن درها گوش و چشم و زبان و شکم و فرج
و دست و پاست و این اعضا را حق تعالی با انسان عطا فرموده و برای هریک وظیفه مقرر فرموده
که از آن تجاوز ننماید پس هرگاه این اعضا معصیت الهی نماید این اعضا معصیت الهی نمایند
و انسان این اعضا را در غیر وظیفه مقرره استعمال نماید مستوجب جهنم میشود و چون عدد این
اعضا هفت است لهذا عدد درهای ظاهری جهنم را نیز هفت کرده اند و هرگاه آدمی هفت روز
از این ماه را روزه بدارد حق تعالی قوای شهوانی او را منکسر کرده اند و او را توفیق میدهد که
این اعضای هفتگانه را در وظایف مقرره ایشان از طاعات استعمال نماید مثل آنکه گوش او را
شنیدن مواعظ و نصایح و شنیدن آیات قرآنی و احادیث نبوی نه استماع لهو و لعب مصروف دارد و چشم
را در دیدن آیات آفاقی و انفسی و امثال آنها نه در دیدن نامحرم و امثال آنها استعمال نماید
و زبان را بسوی صرف اذکار و اوراد و امثال آنها نموده بکلمه غیبت و لهو و باطل تلفظ
ننماید و شکم را در خوردن ماکولات حلال بجهة قوت عبادت مشغول ساخته از حرام
اجتناب نماید و فرج را بمحرم و طرف حلال بجهة تحصیل فرزند صالح نموده از حرام محض اجتناب باشد

و دست

و دست و پا را در تحصیل عبادات و مکاسب مباحه استعمال نموده از تحصیل امور دنیویه مضره محترز
باشد و هرگاه آدمی این درهای باطنی جهنم را مسدود نماید حق تعالی درهای ظاهری جهنم را بر روی او
میبندد و همچنین برای بهشت چنانچه هشت در ظاهر میباشد که از آن درها نیکوکاران را داخل بهشت
میکنند همچنین در انسان هشت در میباشد که بسبب آنها داخل بهشت میشود و آن
و آن درها همین اعضای هفتگانه مذکوره است با دل که دل که آن اعظم از همه است پس هرگاه
کسی هشت روز از این ماه را روزه دارد حق تعالی او را توفیق این معنی میدهد که اعضای سبعه را در
مصارف مقرره مصروف سازد و دل را که مکان قرب حق تعالی است مملو از آن نموده غیر خدا را در آن
راه ندهد و باین جهت هشت در بهشت در آخرت بر روی او مفتوح کرده و الله تعالی یعلم و ابن بابویه
در کتاب ثواب الاعمال و دیگران از حضرت امام موسی کاظم ع روایت نموده اند که رجب نهریست از شیر
سفیدتر پس هرکه یکروز از رجب را روزه دارد حق تعالی از آن نهر او را بیاشاماند و در کتاب مجالس از ابن
روایت کرده است که گفت شنیدم از رسول خدا ص که هرکه روزه دارد یکروز از رجب از روی ایمان
و توقع ثواب بگرداند حق تعالی میان او و آتش جهنم هفتاد خندق که عرض هر خندق بقدر ما بین آسمان و زمین
باشد و در کتاب فضایل رجب از حضرت امام محمد باقر ع روایت کرده است که هرکه روزه دارد هفت روز
از این ماه را حق تعالی او را از صراط بگذراند و از آتش پناه دهد و واجب کرده برای او غرفهای
بهشت را و ایضا از آنحضرت روایت کرده است که چون روز قیامت شود منادی از میان عرش ندا کند
که کجایند رجبیون پس گروهی برخیزند که نور روهای ایشان جمیع محشر را روشن سازد و تاج پادشاهی
بر سر ایشان باشد که مکلل بجواهر و یاقوت باشد و با هر یک از ایشان هزار ملک از جانب راست و هزار
ملک از جانب چپ باشد و همه ندا کنند او را که گوارا باد تو را گرامی داشتن حق تعالی ای بنده خدا پس حق و
رحمن ندا فرماید ایشان را که ای بندگان و کنیزان من بعزت و جلال خودم سوگند که شما را در مأوای نیکو
ساکن کردانم و عطاهای شما را عظیم کردانم و در بهشت غرفه چند بشما عطا کنم که در زیر آنها نهرها
جاری باشد و همیشه در آن غرفها باشید و نیکو مزد عمل کنندگانی برای من با آنکه بر شما واجب
کردانم روزه داشتید برای من در زمانی که حرمت آنرا عظیم نموده بودم و حق آنرا واجب ساخته بودم
ای گروه ملائکه بندگان و کنیزان مرا داخل بهشت کنید پس فرمود که این همه ثوابها برای کسی است که چیزی
از ماه رجب را روزه دارد اگرچه یکروز از اول یا وسط یا آخر این ماه باشد و از حضرت امام موسی کاظم
یا حضرت امام رضا علیهما السلام روایت کرده است که رجب ماه عظیمی است حق تعالی مضاعف میکند
در آن حسنات را و محو میفرماید در آن سیئات را و هرکه روزه بدارد یکروز از آنرا دور شود آتش از او
بقدر یکساله راه و کسی که سه روز از آنرا روزه بدارد بهشت برای او واجب شود و در بعضی از کتب منقولست
که روزی رسول خدا ص بقبرستانی گذشت و با آنحضرت دو کس همراه بود ناگاه حضرت در آن مقبره ایستاد

وگریست و روی مبارک را بآن دو گیسو کرد و فرمود که این مرد کان معذب بوده بذنوب و تقصیرهای خود پس من
و ... بودم از خدا سؤال نمودم تا عذاب ایشان را تخفیف داد و اگر ایشان یک روز از ماه رجب را
روزه میداشتند و یک شب از شبهای آنرا بعبادت بر پا میداشتند البته خدا ایشان را در قبرهاشان
عذاب نمیفرمود و سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال از حضرت رسالت صلعم روایت نموده است
که حق تعالی را در آسمان هفتم ملکی هست که او را داعی میگویند و چون ماه رجب داخل شود هر شب
تا طلوع صبح ندا میکند که خوشا حال ذکر کنندگان خوشا حال اطاعت کنندگان و حق تعالی میفرماید که
من همنشین کسی ام که با من همنشینی کند و اطاعت کننده کسی ام که اطاعت من نماید و آمرزنده کسی ام
که طلب آمرزش از من کند ماه ماه من است و بنده بنده من و رحمت رحمت من است پس هر که سؤال کند
عطا میکنم و هر که طلب هدایت کند او را هدایت مینمایم و گردانیده ام این ماه را رشته میان خود و میان
بندگان خود پس هر که چنگ در آن زند برحمت و مغفرت من میرسد و شیخ مفید ره در کتاب مقنعه از
رسول خدا صلعم روایت کرده است که هر که روزه بدارد تمام ماه رجب را مینویسد حق تعالی برای او رضا
و خوشنودی خود را و کسی که خدا رضا و خشنودی خود را برای او نوشت دیگر او را عذاب نمیفرماید و شیخ طبرسی ره
در کتاب احتجاج از محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری روایت کرده است که او عریضه نوشت بحضرت صاحب
الامر عم نوشت که نزد ما جمعی از مردم این ... هستند که مدت ده سال و زیاده است که ماه
رجب را روزه میدارند و آنرا بماه رمضان وصل میکنند و بعضی از اصحاب ما روایت میکنند که روزه
ماه رجب معصیت است حضرت در جواب نوشت که هر که فقیه ما باشد پانزده روز از ماه
رجب را روزه میدارد و بعد از آن قطع میکند مگر آنکه بقیه ماه را بقصد قضا آنچه سه روز اگر از او
فوت شده باشد روزه دارد که در وقت روزه داشتن بقیه ماه رجب بگوید بجهت حدیثی که
وارد شده که ماه رجب نیکو است بجهت حدیثی که وارد شده که ماه رجب نیکو ماهی است برای روزه قضا
مؤلف گوید که علما این حدیث را بر نفی تاکد استحباب روزه تمام این ماه حمل نموده اند زیرا که احادیث بسیار
تا احادیثی که دلالت بر فضیلت روزه تمام ماه میکند و ظاهر اراده از نفس روزه در این حدیث صوم
روزی است که در ده ماه غیر شعبان و ماه رمضان سنت است روزه گرفتن آنها و از این حدیث ظاهر
میشود که روزه مستحب را قضا میتوان نمود بلکه اگر کسی روزه واجب قضا داشته باشد و در این ماه
بگیرد ثواب آن عظیم خواهد بود و الله تعالی یعلم و بدانکه بغیر احادیث مذکوره احادیث دیگر در باب
فضیلت این ماه و ثواب عبادت در آن و تصدق نمودن و احیا داشتن لیالی آن در کتب علما مسطور است
و چون بعضی احادیث مذکوره متحد المضمون و اکثر آنها بعد از این در ضمن بیان اعمال مذکور میشود
لهذا در این مقام باین قدر اکتفا شد حکایت عجیبه بدانکه از خصایص این ماه آنست که دعا در آن
مستجاب میشود و سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال نقل نموده است که چند نفر با یکدیگر رفیق بودند

ناگاه

ناگاه گذشتند بر مردی کور و زمین گیری یکی از این جماعت گفت که چرا این مرد از حق تعالی سؤال نمیکند عافیت
خود را اگر از این آزار خلاصی یابد دیگری از رفقا باو گفت که آیا این مرد را نمیشناسی این مردیست
که عیاض او را نفرین کرد پس آن شخص عیاض را طلبید و حقیقت حال را از او پرسید عیاض
گفت که قصه این شخص امریست که در زمان جاهلیت واقع شده است و دانستن او نفعی ندارد
او گفت که قصه زمان جاهلیت سزاوارتر است بنقل نمودن برای ما این قصه را نقل کن عیاض
گفت که این مرد کور زمین گیر با نه برادر دیگر از فرزندان ... بودند و خواهر ایشان در حباله
من بود و ایشان خواستند که خواهر خود را از من بگیرند پس من ایشان را سوگند دادم بخدا و قرابت
و رحم و خویشی فایده نبخشید و خواهر خود را از من ... صبر کردم تا ماه رجب داخل
شد و ایشان را نفرین کردم و گفتم خداوندا نفرین میکنم من بر فرزندان ... پس همه ایشان را
هلاک کن و یکنفر از ایشان را زنده بدار و پای او را بشکن و او را زمین گیر و نابینا گردان پس حق
تعالی چنانچه ذکر کردم من خواسته بودم و این مرد کور زمین گیر از جمله ایشان است پس آن شخص گفت که
والله که چنین امر عجیبی ... بودم دیگری از جماعت رفقا گفت که آیا میخواهی نقل کنم برای تو
حکایتی از این عجیبتر آن شخص گفت که نقل کن تا همگی رفقا بشنوند او گفت که من بودم از قبیله از قبایل
عرب و آن قبیله همه مردند و اموال ایشان بمیراث بمن رسید و رفتم بمیان قبیله دیگر که ایشان را بنی مؤمل
میگفتند و مدتی مدید در آنجا بودم در آخر کار آن قبیله خواستند که اموال مرا بگیرند من ایشان را بخدا
قسم دادم و قبول نکردند و از جمله آن قبیله مردی بود که رباح نام داشت او نیز با ایشان گفت که ای بنی
مؤمل این مرد همسایه شماست ... سزاوار نیست که مال او را بگیرید ایشان قبول ننمودند و
فایده نبخشید و اموال مرا گرفتند پس ایشان را مهلت دادم تا ماه رجب داخل شد بر ایشان نفرین کردم
و گفتم بار خدایا مال های مرا از بنی مؤمل بگیر و ... بر عقب ایشان ... یا شکر و عظیم مکن
رباح را که او با من بدی نکرد پس در همان ایام روزی آن قبیله در دامن کوهی میرفتند ناگاه قطعه
از آن کوه جدا شد و بر سر ایشان فرود آمد و همه هلاک شدند بغیر رباح پس آن شخص گفت که تا امروز
حکایتی از این عجیبتر نشنیده بودم پس دیگری از رفقا گفت که آیا نقل کنم قصه از این قصه ها عجیبتر
آن شخص گفت بگو تا همگی بشنویم گفت که پدر و عموی من از پدر خود میراث بردند و بعد از وفات پدر
مال او بمیراث بمن رسید و عموی من مال خود را تلف نمود و بعد از وفات او پسران او خواستند که اموال
مرا بگیرند و هر چند آنکه ایشان را بخدا و حق قرابت و رحم سوگند دادم فایده نبخشید و اموال مرا گرفتند
من نیز ایشان را مهلت دادم تا ماه رجب داخل شد بر ایشان نفرین کردم و گفتم ای پروردگار ...
خایف و ترسان ... این جماعت حق مرا برده اند و با من انصاف ننمودند ایشان را جزا بده
و ایشان ده نفر بودند و برای حاجتی بجانب چاهی رفته بودند که ناگاه چاه بر سر ایشان خراب شد و همه

هلاک شدند و آن چاه قبر ایشان شد پس آن شخص گفت که والله تا اکنون چنین حدیث عجیبی نشنیده
بودم پس آن جماعت گفتند که هرگاه ماه رجب در زمان جاهلیت باعتقاد حرمت داشته باشند
و دعا با این ذلّ و بی در آن مستجاب شود چرا در زمان اسلام چنین نیست و با این ذلّ و بی دعا
در آن مستجاب نمی‌شود پس یکی از ایشان گفت که سبب این آنست که اهل جاهلیت بر دین حق
نبودند و باین جهت حق تعالی جزای اعمال ایشان را در دنیا بزودی با ایشان میداد تا بر یکدیگر
ظلم نکنند و اهل اسلام چون بر دین حق ثابت و راسخ اند حق تعالی جزای اعمال ایشان را با آخرت
گذاشته است پس سید گوید که ناقل این قصه حکایات بسیار دیگر در باب استجابت دعا در این
ماه نقل نموده است و ما بهمین قدر اکتفا نمودیم مؤلف گوید که آنچه در آخر این قصه مذکور است
که دعای اهل اسلام لازم نیست که در این ماه مستجاب شود در صورتی است که منافی حکمتی و مصلحتی
باشد و اگر کسی از روی خلوص نیت و صفای طویت در این ماه دعا نماید و مطلب او منافی مصالح و
حکم الهی نباشد البته مستجاب میشود و از جمله آنها که در عهد قریب بعصر ما واقع شده است
حکایتی است که جدّ علامه ام مولانا محمد باقر مجلسی قدس الله روحه در کتاب بحار الانوار ذکر نموده
و گفته است که این قصه از متواترات است و شعرا نیز آن را بنظم در آورده اند و فی الحقیقه از
معجزات مرقد مطهر حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه است و کیفیت این قصه چنانچه آن مرحوم با
از ثقات استماع نموده آنست که در سنه هزار و هفتاد و دو هجری ضعیفه [illegible] زنی بود
که نام آن مریم و معروف بصلاح و تقوی بوده بهیاری ضعف مبتلا گردید و آزار او طول کشید
تا آنکه مقعد و زمین گیر گردید [illegible] بد و سال بر این حالت ماند پس در شب نهم ماه رجب مشغول دعا
و تضرع بدرگاه حق تعالی گردید و توسل بحضرت امیر المؤمنین عم جسته شکایت احوال خود بآن حضرت
نمود و استدعای شفا نموده بخواب رفت در خواب دید که سه زن که یکی از آنها [illegible] صفاتها
تا شب چهاردهم بود بر او داخل شدند و با او گفتند که دلگیر مباش که در شب دوازدهم از ماه
مبارک فرج تو میرسد پس از فرح [illegible] بیدار شد و خواب خود را بمردم نقل نمود و انتظار شب دوازدهم
ماه رجب را میکشید و در آن شب اثری ظاهر نشد پس انتظار شب دوازدهم ماه شعبان را کشید
باز اثری ظاهر نشد تا شب نهم ماه مبارک رمضان داخل شد و در آن شب نیز آن سه زن را در خواب
دید که او را بشارت شفا دادند و گفتند که در شب دوازدهم این ماه برو بروضه مطهره و سه نفر
از زنان معروفه سکنه آن بلده طیبه را نام بردند که با خود همراه ببر پس مریم از خواب بیدار شد
و در شب دوازدهم جامها و بدن خود را تطهیر نمود و آن سه زن را خبر نموده ایشان او را بردوش
گرفته داخل روضه مطهره شدند و چون قریب به نیم از شب گذشت یکی از آن سه زن [illegible]
او طلب نموده بیرون رفت و دو زن دیگر با او در روضه منوره ماندند و سایر مردم همگی بجاهای خود [illegible]

نمودند

نمودند و در ها را بستند و بغیر ایشان کسی در روضه نماند و چون وقت سحر شد آن دو زن را بعزم خوردن
سحور با کشیدند [illegible] رفتند بجانب درگاهی که در پشت سر مبارک بصحن مفتوح میشود و در عقب آن
شبکه هست و داخل شبکه شدند و در را بستند و آن زن را در پیش روی ضریح مبارک در سمت قبله
گذاشتند و بعد از قضاء حاجت خود مراجعت نمودند او را در آن موضع نیافتند پس از جانب بالا سر
ضریح مطهر تفحص نمودند دیدند که در زاویه صحن [illegible] اعتدال راه میرود و شفا یافته است از سبب آن
پرسیدند گفت که چون شما بجانب شبکه رفتید آن سه زن که من در خواب دیده بودم نزد من آمدند
و مرا بر داشتند و داخل قبر منوره کردند و من ندانستم که چگونه داخل شدم و از چه راه با ایشان
رفتم و چون بضریح مقدس رسیدیم صدائی شنیدیم از قبر مبارک که حرکت دهید این زن صالحه را
و او را سه مرتبه بر دور قبر طواف دهید پس آن زنان سه مرتبه مرا دور قبر طواف فرمودند پس
صدای دیگر از قبر شنیدیم که بیرون برید زن صالحه را از در فرج پس مرا از جانب [illegible]
تا بینی در [illegible] پائین پای مبارک بیرون بردند و در عقب آن در جوانان بسیار ایستاده بودند
آن درگاه [illegible] معروف بود پس گفتند که الحال آن زنان رفتند و شما آمدید
و من اصلا از آزار و ضعف در خود اثری نمی‌بینم و چون آخر شب شد کلیددار آمد و در روضه
مقدس را گشود آن سه زن را دید که هر سه راه میروند و معلوم نیست که زمین گیر کدام یک از این
سه زن است و جد علامه ام در کتاب مذکور گفته است که در وقت تحریر این قصه در این کتاب آن سه زن
که با آن زمین گیر بروضه مقدسه رفته اند در حیات هستند و من از مولانا محمد طاهر کلیددار و جمعی دیگر
از صلحا چنین شنیدم که در آن شب بروضه مقدسه رفته بودند شنیدیم که گفتند که او را در آن
شب زمین گیر دیدیم که بردوش گرفته بروضه آوردند و در آخر شب در نهایت صحت بپای خود راه میرفت
[illegible] قطب راوندی در کتاب قصص الانبیاء روایت کرده است بسند خود از ابن بابویه و سند
را متصل نموده بحضرت امام جعفر صادق صلوات الله و سلامه علیه که آنحضرت فرمود که در کتاب
حضرت دانیال پیغمبر ع نوشته است که هر سالی که در ماه رجب ماه بگیرد زمین معمور و آبادان شود
و در کوهستانها و ناحیه مشرق باران بسیار ببارد و در ناحیه فارس ملخ فرود آید اما ضرر با ایشان
نرساند و در هر سالی که در ماه رجب ماه بگیرد در ناحیه مغرب [illegible] قحط ظاهر شود و در زمینها
باران بسیار ببارد و در [illegible] چشم درد [illegible] بسیار باشد [illegible] چنانکه در روایت
معتبره وارد شده است که هر که [illegible] روزه [illegible] کرده باشد
و او را طعامی حاضر سازد و او را تکلیف افطار نماید ثواب افطار کردن زیاده از ثواب روزه داشتن
است بهفتاد برابر و اگر اظهار نکند که روزه ام ثوابش بیشتر [illegible]
داشتن زن بی رخصت شوهر و غلام و کنیز بی رخصت آقا و فرزند بی رخصت پدر و مادر [illegible]

[illegible] آفتاب و ماه در ماه رجب

[illegible]

صاحبخانه و صاحبخانه بی رخصت مهمان روزهٔ سنت از حدیث ظاهر می شود که خوب نیست و مشهور میان علما آنست
که روزهٔ سنت بنده بی اذن آقا صحیح نیست و همچنین روزهٔ سنت زن بی اذن شوهر صحیح نیست و در فرزند
مشهور آنست که روزهٔ سنت او بی اذن پدر و مادر مکروه است نه باطل نیست و بعضی گفته اند که
باطل است و احوط آنست که از زن و فرزند تحصیل نماید و در روزهٔ سنت مهمان بی اذن صاحبخانه نیز
خلافست و احوط آنست که مهمان و صاحبخانه هیچیک بی رخصت دیگری روزهٔ سنت ندارند ان شاء الله تعالی
باب دوم در بیان آداب دیدن ماه رجب بدانکه ادعیه و آدابی که مخصوص دیدن
این ماهاست سه چیز است اول سید جلیل نبیل سید بن طاوس رحمه الله در کتاب اقبال از رسول
خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که آنحضرت هرگاه هلال ماه رجب را میدید این دعا را میخواند
اللّٰهُمَّ أَهِلَّهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ رَبِّي وَرَبُّكَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ

دوم ایضا سید در کتاب مذکور از آنحضرت روایت کرده است که آنحضرت در وقت دیدن هلال این ماه این دعا را میخواند
اللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي رَجَبٍ وَشَعْبَانَ وَبَلِّغْنَا شَهْرَ رَمَضَانَ وَأَعِنَّا عَلَى الصِّيَامِ
وَالْقِيَامِ وَحِفْظِ اللِّسَانِ وَغَضِّ الْبَصَرِ وَلَا تَجْعَلْ حَظَّنَا مِنْهُ الْجُوعَ وَالْعَطَشَ

سیم سید جلیل سید ابن باقی قدس الله روحه در بعضی از مصنفات خود گفته که از آثار منقول
است که در وقت دیدن هلال ماه رجب باید بخط قرآن مجید و صورت خود نگاه کند مؤلف گوید
که این معنی در حدیثی و روایتی بنظر نرسیده و در کتب معتبره هیچیک از علما مذکور نیست و بدانکه
تفصیل ادعیه و آداب دیدن هلال در آخر کتاب در بیان اعمال مطلق ماه عربی بتفصیل مذکور میشود
ان شاء الله تعالی اگر کسی خواهد که آنها را بعمل آورد رجوع بآن مقام نماید باب سیم در بیان
بعضی از اعمال مشترکه میان ماه رجب و ماه شعبان و ماه رمضان و آنها سه چیز است اول دیلمی رحمه الله
در کتاب اعلام الدین و کفعمی رحمه الله در کتاب بلد الامین از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت
نموده اند که رسول خدا فرمود که هر که بخواند در هر روز و هر شب از ماه رجب و ماه شعبان و ماه مبارک رمضان
هر یک از سورهٔ حمد و آیة الکرسی و قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ
برب الفلق را سه نوبت سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ وَلَا
بخواند پس سه نوبت بگوید
حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و سه نوبت اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و سه
نوبت

اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ و چهار نوبت أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ
نوبت
بگوید بحق آنکه نفس من در قبضهٔ قدرت اوست که هر که این اعمال را بجا آورد و چیزی از اینها از او فوت
نشود حق تعالی گناهان او را بیامرزد اگرچه مانند قطرات باران و برگ درختان و کف دریاها باشد
و در روز عید فطر از جانب حق تعالی ندا کند که ای بندهٔ من توئی دوست من و دوست من حقا و از برای تو
هست نزد من بسبب کرامت تو بیش از بهرهٔ شفاعت برادران و خواهران خود بحق آنکه مرا بحق براستی
به پیغمبری فرستاده است که هر که بخواند این سوره ها را و بعمل آورد این اعمال را در روزها و شبهای این سه ماه
اگرچه در تمام عمر یکمرتبه باشد حق تعالی باو عطا فرماید بهر حرفی هفتاد هزار حسنه که هر حسنه سنگین تر
باشد نزد خدا از کوههای دنیا و برآورد برای او هفتاد حاجت در قبر و هفتاد حاجت در وقت
بیرون آمدن از قبر و هفتاد حاجت در وقت پرواز نمودن نامهای عمل و هفتاد حاجت در وقت
گذشتن از صراط و هفتاد حاجت در وقت بر پا شدن میزان و او را در سایهٔ عرش خود جا دهد
و حساب او را آسان کند و او را هفتاد هزار ملک مشایعت نمایند تا به بهشت داخل شود و در آنجا
مهیا شده باشد برای او چیزی چند که هیچ دیده ندیده باشد و گوشی نشنیده باشد مؤلف گوید که کفعمی
در حواشی کتاب جنة الامان نیز این حدیث را ذکر نموده و سه نوبت اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْ
را نقل نکرده است و ظاهرا سهو نموده است والله تعالی یعلم فایده بدانکه مشهور میان محققین
شیعه رضوان الله علیهم آنست که مراد از آیة الکرسی هر جا مطلق وارد شده باشد و روایات
تا العلی العظیم است و والد علامه ام مولانا محمد تقی قدس الله روحه تصریح نموده که از تتبع روایات
و احادیث ظاهر میشود که تا هم فیها خالدون است و بنابراین در جائی که مطلق وارد شده باشد
احوط آنست که تا هم فیها خالدون خوانده شود والله تعالی یعلم دوم سید بن طاوس قدس الله روحه
در کتاب اقبال بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که حق تعالی سه ماه را
بامت عطا فرموده که هیچیک از امتهای گذشته را نداده و آن ماه رجب و شعبان و ماه رمضان است
و سه شب را نیز بامت کرامت فرموده که بامتهای دیگر نداده و آن شب سیزدهم و شب چهاردهم و شب پانزدهم
از هر ماهی است و سه سوره را بامت عطا فرموده که بامتهای دیگر نداده و آن سورهٔ یس و تبارک الملک و
قل هو الله احد است پس هر که جمع کند میان این سه فضیلت جمع کرده خواهد بود افضل آنچه را که با
امت عطا شده است پس کسی عرض نمود که چگونه جمع کند فرمود که در شب سیزدهم هر یک از این سه ماه
دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از حمد این سه سوره را بخواند و در شب چهاردهم چهار رکعت
بگذارد هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد این سه سوره را بخواند و در شب پانزدهم شش
رکعت بجا آورد هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد این سه سوره را بخواند چون این عمل را بجا آورد

فضیلت این سه ماه وارد شده و مطلع او آمرزیده شود بغیر از شرک بخدا سیم در بعضی از
کتب از ابن عباس مرویست که رسول خدا صلعم فرمود که هر که در ماه رجب و شعبان و ماه رمضان
ما بین نماز عصر و نماز شام ایستد و بخواند حق تعالی وحی فرماید بآن دو ملکی که بر او موکل اند که
محو کنید بر او سیئات او را بدرستیکه من آمرزیدم سیئات او را و دعا اینست أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ
غَفَّارُ الذُّنُوبِ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ تَوْبَةَ عَبْدٍ ظَالِمٍ لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ مَوْتاً وَلَا
حَيٰوةً وَلَا نُشُوراً مؤلف گوید که ظاهر میشود از حدیث آنست که این استغفار در هر روز از این
ماهها باید گفته شود **باب چهارم** در بیان اعمالی که در همه اوقات این ماه
متبرکه بجا آورده و اختصاص بروز و شب مخصوصی ندارد و اعمال مذکوره بر دو قسم است **قسم اول**
سوره قرآنی و ادعیه و اذکار و آنها چند چیز است **اول** خواندن سوره قل هو الله احد سید بن طاوس
در کتاب اقبال از حضرت رسالت صلعم روایت کرده است که هر که در مدت عمر خود ده هزار نوبت سوره
قل هو الله احد را در ماه رجب با نیت خالص بخواند بیاید در روز قیامت در حالتی که از گناهان خود
بیرون آمده باشد مثل روزی که از مادر متولد شده باشد پس استقبال او کنند هفتاد هزار ملک که بشارت
دهند او را به بهشت و در حدیث دیگر از آنحضرت روایت نموده است که هر که هزار نوبت سوره قل
هو الله احد بخواند بیاید در روز قیامت با عمل هزار پیغمبر و هزار ملک و کسی از او نزدیکتر بجناب حق
نباشد مگر کسی که زیاده از او این سوره را خوانده باشد پس فرمود که ثواب خواندن این سوره در ماه
مضاعف است و در حدیث دیگر از آنحضرت روایت نموده است که هر که سوره قل هو الله احد را
صد نوبت بخواند حق تعالی برکت دهد برای او و فرزندان او و همسایگان او و هر که این سوره را در
ماه رجب صد نوبت بخواند حق تعالی برای او در بهشت بنا کند دوازده قصر که مکلل باشد بیاقوت یا
و بنویسید برای او هزار هزار حسنه پس ملائکه را امر کند که ببینید این بنده مرا و بنمائید آنچه را برای او مهیا
ساخته ام پس بنمایند او را ده هزار قهرمان و ایشان ملکی چند اند موکل بر مسکنها و خانهای او در
بهشت پس بگشایند برای او هزار هزار قصر از در و هزار هزار قصر از یاقوت سرخ که همه آنها مکلل باشد
بزبرجد و یاقوت و حلی و حلل آنقدر که وصف نتوان کرد و وصف کنندگان را خاطر نتواند کرد با
مگر علم خدا و ملائکه او و چون ببیند این قصرها و مراتب عالیه را در بهشت بر هشت کند و متحیر
شود و گوید که اینها برای کیست پس خواندن سوره قل هو الله احد **دویم** گفتن لا اله الا الله
سید بن طاوس در کتاب اقبال از رسول خدا صلعم روایت نموده است که رسول خدا صلعم فرمود که رجب
استغفار است برای امت من پس بسیار استغفار نمائید در این ماه بدرستیکه حق تعالی آمرزنده و مهربان است

ده در ماه رجب بسیار بگوئید أستغفر الله و سؤال کنید از حق تعالی توبه را در کذر از گناهان شما و قبول
توبه شما را در گناهانی که گذشته و نگاهداری شما را از گناهان در بقیه اجلهای شما و سید بن طاوس
در کتاب اقبال از جناب مقدس نبوی صلعم روایت نموده است که هر که در ماه رجب صد نوبت بگوید أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ وَحْدَهُ
لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ پس تصدق کند حق تعالی بگذارد و اجر رحمت و آمرزش ختم نماید و هر که
چهار صد نوبت این استغفار را بگوید حق تعالی بنویسد برای او ثواب صد
شهید پس چون خدا را در روز قیامت ملاقات نماید بآو فرماید که بدرستیکه تو در دنیا اقرار کردی بملک
و پادشاهی من پس امروز آرزو کن آنچه را خواهی تا بتو عطا نمایم بدرستیکه هیچ صاحب قدرتی غیر از من
نیست بغیر من و ایضا سید در کتاب مذکور از آنحضرت روایت کرده است که هر که در ماه رجب هفتاد
نوبت در صبح و هفتاد نوبت در شام بگوید أَسْتَغْفِرُ اللهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ پس دستهای خود را بلند
کند و بگوید اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي وَتُبْ عَلَيَّ اگر در این ماه بمیرد حق تعالی از او راضی باشد و آتش جهنم
باو مس نکند ببرکت این ماه و ابن بابویه در کتاب عیون اخبار الرضا روایت کرده است که حق تعالی در شب معراج
حضرت رسالت صلعم خطاب فرمود که ای محمد هر که در ماه رجب هزار نوبت بگوید أَسْتَغْفِرُ اللهَ ذَا الْجَلَالِ
وَالْإِكْرَامِ مِنْ جَمِيعِ الذُّنُوبِ وَالْآثَامِ او را بیامرزم و سر نوشته فرمود
که اگر نیامرزم پس من پروردگار شما نباشم **چهارم** سید بن طاوس
در کتاب اقبال السید معتبر از یونس بن ظبیان روایت کرده است که گفت نزد مولای خود حضرت امام جعفر صادق
صلعم بودم در ماه رجب که داخل شد بر او معلی بن خنیس پس در آن مجلس مذکور شد دعای در ماه رجب پس
معلی بن آنحضرت پرسید کرد که ای سید من تعلیم فرما مرا دعائی که جامع همه دعاها باشد که شیعیان در
کتابهای خود درج کرده اند اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ صَبْرَ الشَّاكِرِينَ لَكَ وَعَمَلَ الْخَائِفِينَ
پس حضرت فرمود که بگو ای معلی
مِنْكَ وَيَقِينَ الْعَابِدِينَ لَكَ اَللّٰهُمَّ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ وَأَنَا عَبْدُكَ الْبَائِسُ
الْفَقِيرُ وَأَنْتَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ وَأَنَا الْعَبْدُ الذَّلِيلُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَامْنُنْ بِغِنَاكَ عَلَىٰ فَقْرِي وَبِحِلْمِكَ عَلَىٰ جَهْلِي وَبِقُوَّتِكَ عَلَىٰ ضَعْفِي
يَا قَوِيُّ يَا عَزِيزُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ وَاكْفِنِي

فضیلت این سه ماه وارد شده و جمیع گناهان او آمرزیده شود بغیر از شرک بخدا سیم در بعضی از
کتب از ابن عباس مرویست که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هرکه در ماه رجب و شعبان و ماه رمضان
ما بین نماز عصر و نماز شام این استغفار بخواند حق تعالی وحی فرماید بآن دو ملکی که بر او موکل اند که
منویسید برای او سیئات بدرستیکه استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم
من آمرزیدم سیئات او را و دعا اینست
غفار الذنوب و اتوب الیه توبة عبد ظالم لا یملک لنفسه موتا و لا
حیوة و لا نشورا مولف گوید که ظاهر بیان حدیث آنست که این استغفار در هر روز از این
ماهها باید گفته شود باب چهارم در بیان اعمالی که در همه اوقات این ماه
میتوان بجا آورد و اختصاص بروز و شب بخصوصی ندارد و اعمال مذکور بر دو قسم است قسم اول
سور قرآنی و ادعیه و اذکار و آنها چند چیز است اول خواندن سورة قل هو الله احد سید بن طاوس
در کتاب اقبال از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله روایت کرده است که هرکه در مدت عمر خود ده هزار نوبت سورة
قل هو الله احد را در ماه رجب با نیت خالص بخواند بیاید در روز قیامت در حالتی که از گناهان خود
بیرون آمده باشد مثل روزی که از مادر متولد شده باشد پس استقبال او کنند هفتاد ملک که بشارت
دهند او را به بهشت و در حدیث دیگر از آنحضرت روایت نموده است که هرکه هزار نوبت سورة قل
هو الله احد بخواند بیاید در روز قیامت با عمل هزار پیغمبر و هزار ملک و کسی از او نزدیکتر بجناب الهی
نباشد مگر کسی که زیاده از او این سوره را خوانده باشد پس فرمود که ثواب خواندن این سوره در ماه
مضاعف است و در حدیث دیگر از آنحضرت روایت نموده است که هرکه سورة قل هو الله احد را
صد نوبت بخواند حق تعالی برکت دهد برای او و فرزندان او و همسایگان او و هرکه این سوره را در
ماه رجب صد نوبت بخواند حق تعالی برای او در بهشت بنا کند ده قصر که مکلل باشد بیاقوت
و بنویسد برای او هزار هزار حسنه پس ملکی را امر کند که ببین برای این بنده مرا و ببین آنچه برای او مهیا
ساخته ام پس بیاید نزد او ده هزار قهرمانان و ایشان ملکی چند اند موکل بر مسکنها و خانهای او در
بهشت پس بگشاید برای او هزار هزار قصر از در و هزار هزار قصر از یاقوت سرخ که همه آنها مکلل باشد
بمروارید و یاقوت و حلی و حلل آنقدر که وصف نتوانند کرد و صفت کنندگان را خاطر نتوانند کرد
مگر علم خدا و نعمتهای ایشان و او چون ببیند این قصرها و مراتب عالیه را در بهشت دهشت کند و متحیر
شود و گویند که اینها برای تواست بسبب خواندن سورة قل هو الله احد دوم گفتن لا اله الا الله
سید بن طاوس ره در کتاب اقبال از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده است که رسول خدا فرمود که رجب ماه
استغفار است برای امت من پس بسیار استغفار نمائید در این ماه بدرستیکه حق تعالی آمرزنده و رحیم

در ماه رجب بسیار بگوئید استغفر الله و سؤال کنید از حق تعالی که در گذرد از گناهان شما و قبول فرماید
توبه شما را در گناهان گذشته و نگاه دارد شما را از گناهان در بقیه اجلهای شما و سید بن طاوس
ره در کتاب اقبال از جناب مقدس نبوی صلی الله علیه و آله استغفر الله الذی لا اله الا هو وحده
روایت نموده است که هرکه در ماه رجب صد نوبت بگوید
لا شریک له و اتوب الیه پس تصدق کند حق تعالی ختم کند کار او را برحمت و آمرزش ختم نماید و هرکه
چهار صد نوبت این استغفار را بگوید حق تعالی بنویسد برای او ثواب صد
شهید پس چون خدا را در روز قیامت ملاقات نماید او را فرماید که بدرستیکه تو در دنیا اقرار کردی بملک
و پادشاهی من پس امروز آرزو کن آنچه را خواهی تا بتو عطا فرمایم بدرستیکه هیچ صاحب قدرتی و توانائی
نیست بغیر من و ایضا سید در کتاب مذکور از آنحضرت روایت کرده است که هرکه در ماه رجب هفتاد
نوبت در صبح و هفتاد نوبت در شام بگوید استغفر الله و اتوب الیه پس دستهای خود را بلند
کند و بگوید اللهم اغفر لی و تب علی اگر در این ماه بمیرد حق تعالی از او راضی باشد و آتش جهنم
با او مس نکند ببرکت ماه رجب و ابن بابویه ره در کتاب عیون اخبار الرضا روایت کرده است که حق تعالی در شب معراج
بحضرت رسالت صلی الله علیه و آله خطاب فرمود که ای محمد هرکه در ماه رجب هزار نوبت بگوید استغفر الله ذا الجلال
و الاکرام من جمیع الذنوب و الآثام او را بیامرزم و صد نوبت فرمود
که اگر نیامرزم پروردگار شما نباشم چهارم سید بن طاوس ره
در کتاب اقبال السید معتبر از معلی بن خنیس روایت کرده است که گفت از مولای خود حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام که بودم در ماه رجب که داخل شد بر ما معلی بن خنیس پس در آن مجلس مذکور شد دعای در ماه رجب پس
معلی بحضرت آنحضرت عرض کرد که ای سید من تعلیم فرما مرا دعائی که جامع همه دعاها باشد که شیعیان در
کتابهای خود روایت کرده اند اللهم انی اسئلک صبر الشاکرین لک و عمل الخائفین
پس حضرت فرمود که بگو ای معلی
منک و یقین العابدین لک اللهم انت العلی العظیم و انا عبدک البائس
الفقیر و انت الغنی الحمید و انا العبد الذلیل اللهم صل علی محمد
و آل محمد و امنن بغناک علی فقری و بحلمک علی جهلی و بقوتک علی ضعفی
یا قوی یا عزیز اللهم صل علی محمد و آل محمد الاوصیاء المرضیین و اکفنی

سلامتی من امر الدنیا والآخرة یا ارحم الراحمین پس فرمود که ای معلّی و الله که
این دعا برای تو جمع کرده است
آنچه را از زمان ابرهیم خلیل تا زمان محمد صلی الله علیه و آله بوده است مؤلف گوید که شیخ طوسی ره نیز این حدیث
را در کتاب مصباح روایت نموده است با این عنوان که حضرت صادق ع بمعلّی بن خنیس فرمود که در
ماه رجب این دعا را بخوان و ظاهر حدیث آنست که این دعا را در همه اوقات این ماه توان خواند
خواه روز و خواه شب و خواه یکمرتبه و خواه زیاده و لیکن علما مانند سید بن طاوس و کفعمی
این دعا را از جملهٔ ادعیهٔ هر روزهٔ ماه نقل کرده اند والله تعالی یعلم بحقیقته سید بن طاوس ره در
کتاب اقبال روایت نموده است که از ناحیهٔ مقدسه بر دست ابی القسم حسین بن روح قدس الله روحه
که یکی از نواب حضرت صاحب الامر صلوات الله و سلامه علیه است این دعا برای ایام ماه رجب بیرون آمد
اللّهمّ انّی اسالک بالمولودین فی رجب محمّد بن علیّ الثانی وابنه علیّ
بن محمّد المنتجب واتقرّب بهما الیک خیر القرب یا من الیه المعروف
طلب وفیما لدیه رغب اسالک سؤال معترف مذنب قد اوبقته ذنوبه
واوثقته عیوبه فطال علی الخطایا دؤوبه ومن الرزایا خطوبه یسالک
التوبة وحسن الاوبة والنزوع عن الحوبة ومن النار فکاک رقبته
والعفو عمّا فی ربقته فانت مولای اعظم امله وثقته اللّهمّ واسالک
بمسائلک الشریفة ووسائلک المنیفة ان تتغمّدنی فی هذا الشهر برحمة
منک واسعة ونعمة وازعة ونفس بما رزقتها قانعة الی نزول الحافرة
ومحلّ الآخرة وما هی الیه صائرة مؤلف گوید که علما از این حدیث چنین الیها ..
فهمیده اند که این دعا را هر روز از ماه رجب
باید خواند و عبارت حدیث چنین است که در ایام ماه رجب باید این دعا خوانده شود و این عبارت

صریح نیست در آنکه هر روز از این ماه باید این دعا خوانده شود بلکه ظاهر آنست که اگر در بعضی از ایام
این ماه خوانده شود کافی باشد و مؤید این احتمال آنکه جد علامه مرحوم مولانا محمد تقی مجلسی طاب ثراه
ذکر نموده که در کتاب معتبری دیدیم که احمد بن محمد بن عیاش از حسین بن عبیدالله روایت نموده که گفت
نوشتم از توقیع مبارکی که از ناحیهٔ مقدسه بسوی حسین بن روح رضی الله عنه بیرون آمده بود
که بخوان در روزها از روزهای ماه رجب این دعا را [illegible] سید بن طاوس ره در کتاب اقبال از
محمد بن ابی الرواد رواسی روایت نموده است که گفت روزی از روزهای ماه رجب با محمد بن جعفر
دهان بمسجد سهله رفتیم پس محمد بن جعفر گفت که بیا تا بمسجد صعصعه برویم که آن مسجد مبارکی است
و حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه در آن نماز گذارده است و حجتهای خدا قدم مبارک خود
بآن رسانیده اند پس رفتیم داخل مسجد شدیم و در آنجا نماز میگذاردیم ناگاه مردی را دیدیم که از ناقهٔ خود فرود
آمد و آنرا در موضع سایه عقال کرد و داخل مسجد شد و دو رکعت نماز طولانی بجا آورد و دستهای
خود را بلند کرد و دعائی که مذکور خواهد شد خواند و چون فارغ شد بر ناقهٔ خود سوار شد و
خواست که برود محمد بن جعفر گفت که بیا برخیزیم و سؤال کنیم از این مرد که کیست پس رفتیم نزد او
و او را سوگند بخدا دادیم که تو کیستی فرمود که من شما را بخدا سوگند میدهم که مرا چه کس گمان دارید
محمد بن جعفر گفت که تو را خضر گمان میبریم پس بمن فرمود که تو نیز چنین گمان داری گفتم بلی فرمود
که والله من آن کسم که خضر محتاج است بدیدن او برگردید که منم امام زمان شما و شیخ شهید
محمد بن المشهدی قدس الله روحهما از محمد بن عبدالله شوشتری این حدیث را چنین روایت نموده اند
که گفت که گشتم بطایفهٔ بنی رواس یکی از ایشان گفت که بیا برویم بمسجد صعصعه و در آنجا
نماز کنیم که امشب ماه رجب است و سنت است در این ماه زیارت این مواضع مشرفه که امامان ما
قدمهای مبارک خود را بآنها رسانیده و در آنها نماز کرده اند و مسجد صعصعه از آنهاست پس رفتیم
بسوی آن مسجد دیدیم ناقه که در مسجد عقال کرده اند چون داخل شدیم مردی را دیدیم که
جامه و عمامه مثل اهل حجاز پوشیده و نشسته است و دعائی که مذکور خواهد شد میخواند
پس سجدهٔ طولانی کرد و برخاست و بر ناقه سوار شد و رفت رفیقم گفت که این حضرت خضر ع بود
چرا با او سخن نگفتیم گویا زبان ما از سخن بسته بود پس چون بیرون آمدیم ابن ابی رواد رواسی را دیدیم
و پرسید که از کجا آمدید گفتیم از مسجد صعصعه و خبر را با او نقل نمودیم گفت این سواره
هر دو روز یا سه روز یکمرتبه باین مسجد میاید و با کسی سخن نمیگوید پس پرسید که شما او را
که گمان دارید گفتیم گمان ما آنست که خضر ع باشد گفت والله من نمیدانم او را مگر کسی که خضر بسوی
او محتاج است بدیدن او یعنی حضرت صاحب اللّهمّ یا ذا المنن السابغة والآلاء الوازعة
الامر صلوات الله و سلامه علیه و دعا اینست

والرحمة الواسعة والقدرة الجامعة والنعم الجسيمة والمواهب
العظيمة والأيادي الجميلة والعطايا الجزيلة يا من لا ينعت بتمثيل
ولا يمثل بنظير ولا يغلب بظهير يا من خلق فرزق وألهم فأنطق
وابتدع فشرع وعلا فارتفع وقدر فأحسن وصور فأتقن واحتج
فأبلغ وأنعم فأسبغ وأعطى فأجزل ومنح فأفضل يا من سما في العز
ففات خواطر الأبصار ودنا في اللطف فجاز هواجس الأفكار
يا من توحد بالملك فلا ند له في ملكوت سلطانه وتفرد بالكبرياء بالمجد
والآلاء فلا ضد له في جبروت شأنه يا من حارت في كبرياء
هيبته دقائق لطائف الأوهام وانحسرت دون إدراك عظمته هويته
خطائف أبصار الأنام يا من عنت الوجوه لهيبته وخضعت
الرقاب لعظمته ووجلت القلوب من خيفته أسألك
بهذه المدحة التي لا تنبغي إلا لك وبما وأيت به على نفسك
لداعيك من المؤمنين وبما ضمنت الإجابة فيه على نفسك
للداعين يا أسمع السامعين وأبصر المبصرين ويا أنظر

الناظرين

الناظرين ويا أسرع الحاسبين ويا أحكم الحاكمين ويا أرحم الراحمين
صل على محمد خاتم النبيين وعلى أهل بيته الطاهرين الأخيار
وأن تقسم لنا في شهرنا هذا خير ما قسمت وأن تحتم لي في قضائك خير
خير ما حتمت وتختم لي بالسعادة فيمن ختمت وأحيني ما أحييتني
موفورا وأمتني مسرورا ومغفورا وتول أنت نجاتي من مسائلة البرزخ
وادرأ عني منكرا ونكيرا وأر عيني مبشرا وبشيرا واجعل لي إلى وارض عني ، وأرعني
رضوانك وجنانك مصيرا وعيشا قريرا وملكا كبيرا وصلى الله
على محمد وآله بكرة وأصيلا يا أرحم الراحمين وسید در کتب کرام ابن دعا را
منقول از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله وسلامه علیه اللهم إني أسألك بمعقد عزك على أركان عرشك ومنتهى
و ابن فهد بعد از آن مذکور بود
الرحمة من كتابك واسمك الأعظم وذكرك الأعلى وكلماتك التامات الأعظم ، الأعلى
كلها أن تصلي على محمد وآله وأسألك ما كان أوفى بعهدك وأقضى لحقك
وأرضى لنفسك وخيرا لي في المعاد عندك والمعاد إليك أن تعطيني
جميع ما أحب وتصرف عني جميع ما أكره إنك على كل شيء قدير برحمتك
يا أرحم الراحمين مؤلف گوید که علما این دعا را از ادعیه ساعات از دعوات هر روز ایضا
نقل کرده اند و عبارت حدیث اصلا دلالت برین ندارد ملکه در وقت کر مطلقا

این دعا اختصاص بماه رجب ندارد [و] اشتمال ... مضمون و فصاحت الفاظ و شمول بر
مطالب دنیا و آخرت است حضرت آنرا درین ماه مبارک در آن مکان شریف خوانده باشد و بنا براین
خواندن این دعا در اوقات دیگر خصوصا اوقات شریفه و امکنه دیگر خصوصا امکنه متبرکه مناسب خواهد
بود ان شاء الله تعالی عمل هفتم شیخ طوسی در مصباح و سید بن طاوس در اقبال رضوان الله علیهما از حضرت
امام زین العابدین صلوات الله و سلامه علیه روایت نموده اند که آنحضرت در ماه رجب بجهت عمره بمکه
معظمه داخل شده بود و در اکثر اوقات شب و روز نزد کعبه نماز میکرد و بسجده میرفت و در سجده میفرمود
عَظُمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ فَلْيَحْسُنِ الْعَفْوُ مِنْ عِنْدِكَ و در بعضی اوقات در مکه زیاده از
این میکرد هشتم بجا آوردن عمره
ابن بابویه از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت نموده است که از آنحضرت سوال کردند
که عمره در ماه رجب افضل است یا ماه رمضان حضرت فرمود که در ماه رجب افضل است و احادیث در
فضیلت عمره درین ماه بسیار است و ذکر جمیع آنها موجب اطناب است نهم شیخ طوسی در کتاب مصباح و
سید بن طاوس در کتاب اقبال از حسین بن روح روایت کرده اند که گفت بخوان ... در ماه رجب
زیارتی که مرا از مشاهد مشرفه [زیارت کنی] اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اَشْهَدَنَا مَشْهَدَ اَوْلِيَائِهِ فِي رَجَبٍ
که حاضر شوی ...
وَاَوْجَبَ عَلَيْنَا مِنْ حَقِّهِمْ مَا قَدْ وَجَبَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ الْمُنْتَجَبِ وَعَلٰى
اَوْصِيَائِهِ الْحُجُبِ اَللّٰهُمَّ فَكَمَا اَشْهَدْتَنَا مَشَاهِدَهُمْ فَاَنْجِزْ لَنَا مَوْعِدَهُمْ
وَاَوْرِدْنَا مَوْرِدَهُمْ غَيْرَ مُحَلَّئِينَ عَنْ وِرْدٍ فِي دَارِ الْمُقَامَةِ وَالْخُلْدِ وَالسَّلَامُ
عَلَيْكُمْ اِنِّي قَصَدْتُكُمْ وَاعْتَمَدْتُكُمْ بِمَسْأَلَتِي وَحَاجَتِي وَهِيَ فَكَاكُ رَقَبَتِي
مِنَ النَّارِ وَالْمَقَرُّ مَعَكُمْ فِي دَارِ الْقَرَارِ مَعَ شِيعَتِكُمُ الْاَبْرَارِ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ
بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ اَنَا سَائِلُكُمْ وَآمِلُكُمْ فِيمَا اِلَيْكُمُ التَّفْوِيضُ
فَبِكُمْ يُجْبَرُ الْمَهِيضُ وَيُشْفَى الْمَرِيضُ وَمَا تَزْدَادُ الْاَرْحَامُ وَمَا تَغِيضُ اِنِّي بِسِرِّكُمْ

المهیض

ثواب عمره در ماه رجب

زیارت مشاهد مشرفه در ماه رجب

مُوقِنٌ وَلِقَوْلِكُمْ مُسَلِّمٌ وَعَلَى اللّٰهِ بِكُمْ مُقْسِمٌ فِي رَجْعِي بِحَوَائِجِي وَقَضَائِهَا وَاِمْضَائِهَا
وَاِنْجَاحِهَا وَاِبْرَاحِهَا وَبِشُؤُونِي لَدَيْكُمْ وَصَلَاحِهَا وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ سَلَامَ
مُوَدِّعٍ وَلَكُمْ حَوَائِجَهُ مُودِعٌ يَسْأَلُ اللّٰهَ اِلَيْكُمُ الْمَرْجِعَ وَسَعْيُهُ اِلَيْكُمْ
غَيْرُ مُنْقَطِعٍ وَاَنْ يُرْجِعَنِي مِنْ حَضْرَتِكُمْ خَيْرَ مَرْجِعٍ اِلٰى جَنَابٍ مُمْرِعٍ وَ
خَفْضِ عَيْشٍ مُوَسَّعٍ وَدَعَةٍ وَمَهَلٍ اِلٰى حِينِ الْاَجَلِ وَخَيْرِ مَصِيرٍ وَمَحَلٍّ فِي
النَّعِيمِ الْاَزَلِ وَالْعَيْشِ الْمُقْتَبَلِ وَدَوَامِ الْاُكُلِ وَشُرْبِ الرَّحِيقِ وَ
السَّلْسَلِ وَعَلٍّ وَنَهَلٍ لَا سَأَمَ مِنْهُ وَلَا مَلَلَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ وَ
تَحِيَّاتُهُ عَلَيْكُمْ حَتَّى الْعَوْدِ اِلٰى حَضْرَتِكُمْ وَالْفَوْزِ فِي كَرَّتِكُمْ وَ
الْحَشْرِ فِي زُمْرَتِكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ وَصَلَوَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ
وَهُوَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ دهم زیارت حضرت امام رضا صلوات الله و سلامه علیه
شیخ طوسی قدس الله روحه در کتاب مصباح از سهل بن سلیمان
دیلمی روایت کرده است که گفت عرض کردم بخدمت حضرت امام محمد تقی علیه السلام که کسی که توفیق حجة الاسلام بیابد
و بعد از آنکه فارغ از حج و عمره شود بیاید بزیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله بمدینه منوره برود و بعد از آن بزیارت
پدر بزرگوارت امیر المؤمنین علیه السلام بیاید در حالتی که عارف بحق او باشد و داند که آن جناب حجت حق تعالی است
بر خلق او و باب رحمت اوست پس بر او سلام کند و بعد از آن بزیارت حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام رفته
بر او سلام کند و بعد از آن ببغداد رود و بر حضرت امام موسی کاظم علیه السلام سلام کند و به بلاد خود رود
پس چون سال آینده وقت رفتن حج شود حق تعالی روزی کند باو آنقدر که تواند بحج رود و حج مستحب
بکند کدام افضل است آیا بحج سنت برود یا بخراسان بزیارت پدر بزرگوارت علی بن موسی الرضا علیه السلام
برود حضرت فرمود بخراسان رود و آنحضرت را زیارت کند و باید که این زیارت در ماه رجب بوده باشد

رجعتی ها

وخفض موسع

ثواب زیارت حضرت امام رضا در ماه رجب

مؤلف گوید که سید جلیل نبیل میر محمد باقر داماد طاب ثراه در بعضی از مؤلفات خود گفته است که زیارت جامعه
که در اول رجب امام رضا علیه السلام را بآن زیارت کنند اینست و زیارت سابق را که الحمد لله الذی اشهدنا مشهد
اولیائه فی رجب است تا آخر نقل نموده و در آخر آن تتمه نیز هست نعم المولی و نعم النصیر

غُفْرانَکَ رَبَّنا وَ اِلَیْکَ الْمَصیرُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْاَوْصِیاءِ
الْمَرْضِیّینَ وَ اجْعَلْنی مَعَهُمْ فِی الدُّنْیا وَ الْاٰخِرَةِ وَ لا تُفَرِّقْ بَیْنی وَ بَیْنَهُمْ طَرْفَةَ
عَیْنٍ اَبَداً وَ اَوْرِدْنی حِیاضَهُمْ وَ ارْزُقْنی لِقاءَهُمْ یَوْمَ الْوِرْدِ الْمَوْرُودِ وَ السَّلامُ
عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَکاتُهُ اَسْتَوْدِعُکُمُ اللّٰهَ وَ اَقْرَأُ عَلَیْکُمُ السَّلامَ
اٰمَنّا بِاللّٰهِ وَ بِالرَّسُولِ وَ بِما جِئْتُمْ بِهِ وَ دَلَلْتُمْ عَلَیْهِ فَاکْتُبْنا مَعَ الشّاهِدینَ

و اختصاص این زیارت بآنحضرت در خصوص این روز در روایتی بنظر نرسید و ظاهر این زیارت چون
خصوص ایام ماه وارد شده و زیارت آنحضرت در این ماه فضیلت بسیار دارد چنانچه دانستی و در میان ایام
این ماه روز اول بمزید فضیلت ممتاز است لهذا سید این زیارت را در خصوص این روز بجهة آن ذکر فرموده
بوده و بدانکه غیر از زیارتها زیارت مخصوصی برای آنحضرت در روز اول وارد نشده بلکه خصوص ایام
نیز زیارت مخصوصی در کتب علما مذکور نیست و لیکن جد علامه ام مولانا محمد باقر مجلسی قدس الله روحه در کتاب
بحار الانوار گفته که در کتاب کهنه که از مؤلفات قدمای علمای شیعه رضوان الله علیهم بوده و تاریخ کتابت
آن کتاب پانصد و چهل و شش هجری بوده دیدم که زیارتی برای آنحضرت نقل نموده و گفته است که آن
حضرت در همه اوقات باین زیارت ... زیارت شود و در ماه رجب افضل است و این زیارت از خلف
آنحضرت که حضرت امام محمد تقی علیه السلام است روایت شده و زیارت اینست
اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وَلِیَّ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّةَ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا نُورَ اللّٰهِ فی
ظُلُماتِ الْاَرْضِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا عَمُودَ الدّینِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ آدَمَ
صِفْوَةِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ اِبْرٰهیمَ خَلیلِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا

وارث

یا وارِثَ مُوسیٰ کَلیمِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ عیسیٰ رُوحِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ
عَلَیْکَ یا وارِثَ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ
عَلِیِّ بْنِ اَبی طالِبٍ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ سَیِّدَیْ شَبابِ
اَهْلِ الْجَنَّةِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ سَیِّدِ الْعابِدینَ
اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ باقِرِ عِلْمِ الْاَوَّلینَ وَ الْاٰخِرینَ اَلسَّلامُ
عَلَیْکَ یا وارِثَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصّادِقِ الْبَرِّ التَّقِیِّ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ
یا وارِثَ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ الْعالِمِ الْحَفِیِّ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا الصِّدّیقُ الشَّهیدُ
اَلسَّلامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا الْوَصِیُّ الْبَرُّ التَّقِیُّ اَشْهَدُ اَنَّکَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلوٰةَ
وَ اٰتَیْتَ الزَّکوٰةَ وَ اَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ عَبَدْتَ اللّٰهَ مخلصا
حَتّیٰ اَتاکَ الْیَقینُ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ مِنْ اِمامٍ غَصیبٍ وَ اِمامٍ نَجیبٍ وَ
بَعیدٍ قَریبٍ وَ مَسْمُومٍ غَریبٍ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا الْعالِمُ النَّبیهُ وَ الْقَدْرُ
الْوَجیهُ النّازِحُ عَنْ تُرْبَةِ جَدِّهِ وَ اَبیهِ اَلسَّلامُ عَلیٰ مَنْ اَمَرَ اَوْلادَهُ وَ عِیالَهُ
بِالنِّیاحَةِ عَلَیْهِ قَبْلَ وُصُولِ الْقَتْلِ اِلَیْهِ اَلسَّلامُ عَلیٰ دِیارِکُمُ الْمُوحِشاتِ
کَمَا اسْتَوْحَشَتْ مِنْکُمْ مِنیً وَ عَرَفاتٌ اَلسَّلامُ عَلیٰ ساداتِ الْعَبیدِ وَ عُدَّةِ

الوعيد والبئر المعطلة والقصر المشيد السلم على غوث اللهفان
ومن صارت به ارض خراسان السلم على قليل الزائرين وقرة
عين فاطمة سيدة نساء العالمين السلم على البهجة الرضوية و
الاخلاق الرضية والغصون المنفرع عن الشجرة الاحمدية
السلم على من انتهى اليه رياسة الملك الاعظم وعلم كل شيء
لتمام الامر المحكم السلم على من اسماؤهم وسيلة السائلين
وهياكلهم امان المخلوقين وحججهم ابطال شبه الملحدين
السلم على من كثرت له وسائد والد امير المؤمنين حتى خصم
اهل الكتب وثبت قواعد الدين السلم على علم الاعلام ومن كسر
قلوب شيعته بغربته الى يوم القيام السلم على السراج الوهاج
والبحر العجاج الذي صارت تربته مهبط الاملاك والمعراج
السلم على امراء الاسلام وملوك الاديان وطاهري الولادة ومن
اطلعهم الله على الغيب والشهادة وجعلهم اهل السادة
السلم على كهوف الكائنات وظلها ومن ابتهجت بمعالم طوس

حيث حل بربعها شعر يا قبر طوس سقاك الله رحمته ماذا ضمنت ارض
من الخيرات يا طوس طابت بقاعك في الدنيا وطاب بها شخص ثوى
بها بدار موس شخص عزيز على الاسلام مصرعه في رحمة الله مغمور
ومرموس يا قبره انت قبر قد تضمنه حلم وعلم وتطهير وتقديس
فخرا بانك مغبوط بجثته وبالملائكة الاطهار محروس في كل عصر
لنا منكم امام هدى وربعه اهل منكم ومأنوس امست نجوم سماء
الدين افلة وظل اسد الثرى قد ضمها الخيس غاب ثمانية منكم
واربعة ترجى مطالعها ما حنت العيس حتى متى يزهر الحق المبين لكم
فالحق في غيركم داج ومطموس السلم على منتجب الابرار وثاني الزوار
وشرط دخول الجنة والنار السلم على من لم يقطع الله عنهم صلواته
في اناء الساعات وبهم سكنت السواكن وتحركت المتحركات السلم
على من جعل الله طاعتهم مميزة بين الفريقين كما تعبد بولايتهم
اهل الخافقين السلم على من احيا الله به داثر حكم النبيين وتعبدهم حكم
بولايته لتمام كلمة الله رب العالمين السلم على شهور الحول وعدد الساعات

وحروف لا اله الا الله في الرقوم المسطرات السلام على اقبال الدنيا
وسعودها ومن سئلوا عن كلمة التوحيد فقالوا نحن والله من شروطها
السلام على من تعلل وجود كل مخلوق بلولاهم ومن خطب لهم
الخطباء بنبعة ابائهم ماهم هم افضل من يشرب صوب الغمام
السلام على علي مجدهم وبنائهم ومن اشتد في فخرهم وعلائهم بوجوب
الصلوة عليهم وطهارة ثيابهم السلام على قمر الاقمار المتكلم مع
كل لغة بلسانهم القائل لشيعته ما كان الله ليولي اماما على امة
حتى يعرفه بلغاتهم السلام على فرحة المغلوب وفرج المكروب و
شريف الاشراف ومفخر عبد مناف يا ابن النبي من الطائفين بعرصته
وحضرته مستشهد الهجر مؤانسه اطوف ببابكم في كل حين كان ببابكم
جعل الطواف السلام على الامام الرؤف الذي هيج احزان يوم الطفوف
بابي انتم وبابائك الاطهار وبابنائك المنتجبين الابرار لولا بعد
الشقة حيث شطت بكم الدار لقضيت بعض واجبكم بتكرار المزار و
السلام عليكم يا حماة الدين واولاد النبيين وسادة المخلوقين و

ورحمة الله وبركاته پس نماز زیارت بگذار و تسبیح فاطمه زهرا صلوات الله علیها بگو و ثواب
نماز و تسبیح را بجهت آنحضرت هدیه بکن پس این دعا را بخوان
اللهم اني اسئلك الدائم في ملكه القائم في عزه المطاع في
سلطانه المتفرد في كبريائه المتوحد في ديمومية بقائه العادل
في بريته العالم في قضيته الكريم في تاخير عقوبته الهي حاجاتي مصروفة
اليك وامالي موقوفة لديك وكلما وفقتني بخير فانت دليلي
عليه وطريقي اليه يا قديرا لا تؤده المطالب يا مليا يلجا اليه كل
راغب ما زلت مصحوبا منك بالنعم جاريا على عادات الاحسان و
الكرم اسئلك بالقدرة النافذة في جميع الاشياء وقضائك المبرم
الذي تحجبه بايسر الدعاء وبالنظرة التي نظرت بها الى الجبال فتشامخت
والى الارضين فتسطحت والى السموات فارتفعت والى البحار فتفجرت
يا من جل عن ادوات لحظات البشر ولطف عن دقائق خطرات الفكر لا تحمد
يا سيدي الا بتوفيق منك يقتضي حمدا ولا تشكر على اصغر منة
الا استوجبت بها شكرا فمتى تحصى نعماؤك يا الهي وتجازى الاؤك يا
مولاي وتكافى صنائعك يا سيدي ومن نعمك يحمد الحامدون و

من شكرك تشكر الشاكرون وأنت المتعهد للذنوب في عفوك والناشر
على الخاطئين جناح سترك وأنت الكاشف للضر بيدك فكم من
سيئة أخفاها حلمك حتى دخلت وحسنة ضاعفها فضلك حتى
عظمت عليها مجازاتك جللت أن يخاف منك إلا العدل وأن يرجى
منك إلا الإحسان والفضل فامنن علي بما أوجبه فضلك ولا تخذلني
بما يحكم به عدلك سيدي لو علمت الأرض بذنوبي لساخت بي
أو الجبال لهدتني أو السموات بها لاختطفتني أو البحار لأغرقتني
سيدي سيدي سيدي مولاي مولاي مولاي قد تكرر وقوفي لضيافتك
فلا تحرمني ما وعدت المتعرضين لمسألتك يا معروف العارفين
يا معبود العابدين يا مشكور الشاكرين يا جليس الذاكرين يا محمود
من حمده يا موجود من طلبه يا موصوف من وحده يا محبوب
من أحبه يا غوث من أراده يا مقصود من أناب إليه يا من لا يعلم
الغيب إلا هو يا من لا يصرف السوء إلا هو يا من لا يدبر الأمر
إلا هو يا من لا يغفر الذنب إلا هو يا من لا يخلق الخلق إلا هو

يا من لا ينزل الغيث إلا هو صل على محمد وآل محمد واغفر لي يا خير
الغافرين رب إني أستغفرك استغفار رجاء وأستغفرك استغفار
إنابة وأستغفرك استغفار رغبة وأستغفرك استغفار رهبة
وأستغفرك استغفار طاعة وأستغفرك استغفار إيمان و
أستغفرك استغفار إقرار وأستغفرك استغفار إخلاص
وأستغفرك استغفار تقوى وأستغفرك استغفار توكل
وأستغفرك استغفار ذلة وأستغفرك استغفار عامل لك هارب
منك إليك فصل على محمد وآل محمد وتب علي وعلى والدي
بما تبت وتتوب على جميع خلقك يا أرحم الراحمين يا من تسمى بالغفور
الرحيم صل على محمد وآل محمد واقبل توبتي وزك عملي واشكر
سعيي وارحم ضراعتي ولا تحجب صوتي ولا تخيب مسألتي يا غوث
المستغيثين وأبلغ أئمتي سلامي ودعائي وشفعهم في جميع ما
سألتك وأوصل هديتي إليهم كما ينبغي لهم وزدهم من
ذلك ما ينبغي لك بأضعاف لا يحصيها غيرك ولا حول ولا قوة إلا

لله العلي العظيم وصلى الله على طيب المرسلين محمد وآله الطاهرين

قسم دوم نمازی چند که مستحب است بجا آوردن آنها در این ماه و آنها چند چیز است اول
سید بن طاوس قدس الله روحه از سلمان فارسی رض روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله
فرمود که هر که در شبی از شبهای ماه رجب ده رکعت نماز بگذارد هر دو رکعت بیک سلام
و در هر رکعت بعد از حمد سوره قل یا ایها الکافرون یکنوبت و سوره قل هو الله احد سه نوبت بخواند
حق تعالی گناهان که کرده است او را بیامرزد و بهر رکعتی برای او عبادت شصت سال بنویسد و بهر سوره
قصری از مروارید در بهشت باو عطا فرماید و بنویسد برای او ثواب کسی را که در آن سال روزه داشته
باشد و نماز گذارده باشد و حج و عمره بجا آورده باشد و در راه خدا جهاد نموده باشد و بازنویسد
برای او هر روز تا سال آینده حج و عمره و از نماز فارغ نشود مگر آنکه حق تعالی بیامرزد او را و چون
فارغ شود ملکی از زیر عرش او را ندا کند که ای دوست خدا عمل خود را از سر گیر که خدا ترا از آتش جهنم
آزاد کرد و بنویسد او را حق تعالی از نمازگذارندگان در تمامی آن سال و اگر در آن سال بمیرد شهید
مرده باشد و حق تعالی دعای او را مستجاب کرداند و حوایج او را بر آورد و نامه عمل او را بدست راست او
دهد و روی او را سفید کرداند و بگرداند میان او و آتش جهنم هفت خندق دوم سید بن طاوس رح
از حضرت رسالت صلعم روایت کرده است که هر که در شبی از شبهای ماه رجب صد نوبت قل هو الله احد
در دو رکعت نماز بخواند چنان باشد که صد سال در راه خدا روزه داشته باشد و عطا فرماید حق
تعالی باو صد قصر در بهشت که هر قصری در جوار پیغمبری از پیغمبران علیهم السلام باشد مؤلف گوید که
مقتضای عبارت حدیث آنست که صد مرتبه قل هو الله احد باید در تمام این دو رکعت خوانده شود
و ظاهر سیاق کلام آنست که در هر رکعتی پنجاه نوبت خوانده شود پس اگر باین کیفیت خوانده شود پس
اگر باین کیفیت نماز را بگذارد احوط است سیم سید بن طاوس رح از ابن عباس رض روایت کرده است
که جناب مقدس رسالت پناهی صلعم فرمود که هر که روزه بگیرد روزی از ماه رجب را و در آن روز چهار
رکعت نماز بگذارد هر دو رکعت بیک سلام و در رکعت اول هر یک بعد از حمد آیة الکرسی صد نوبت و در رکعت
دوم هر یک قل هو الله احد دویست مرتبه بخواند نمیرد تا نموده شود باو جای او در بهشت

باب پنجم در بیان اعمالی که در هر روز یا در هر شب یا در هر روز و هر شب از این ماه وارد
شده است اما اعمال هر روز پس آنها چند چیز است اول سید بن طاوس علیه الرحمه در کتاب
اقبال از حضرت امام جعفر صادق ع روایت نموده است که چون ماه رجب داخل می شد آنحضرت در
هر روز از روزهای آن خاب الوافدون على غيرك وخسر المتعرضون الا لك
آنگاه این دعا را میخواند

وضاع الملمون الا بك واجدب المنتجعون الا من انتجع فضلك بابك
مفتوح للراغبين وخيرك مبذول للطالبين وفضلك مباح للسائلين
ونيلك متاح للآملين ورزقك مبسوط لمن عصاك وحلمك معترض لمن
ناواك عادتك الاحسان الى المسيئين وسبيلك الابقاء على المعتدين
اللهم فاهدني هدى المهتدين وارزقني اجتهاد المجتهدين ولا تجعلني
من الغافلين المبعدين واغفر لي يوم الدين دوم شیخ طوسی و سید بن طاوس نور الله
مرقدهما از خیر بن عبد الله روایت کرده اند
که گفت من نوشتم از توقیع مبارک که از ناحیه مقدسه بسوی محمد بن عثمان بن سعید رح بیرون آمده بود
بسم الله الرحمن الرحیم بخوان در هر روز از ماه رجب این دعا را اللهم اني اسألك
بمعاني جميع ما يدعوك به ولاة امرك المأمونون على سرك المستبشرون
بامرك الواصفون لقدرتك المعلنون لعظمتك اسألك بما نطق فيهم من
مشيتك فجعلتهم معادن لكلماتك واركانا لتوحيدك وآياتك و
مقاماتك التي لا تعطيل لها في كل مكان يعرفك بها من عرفك لا فرق
بينك وبينها الا انهم عبادك وخلقك فتقها ورتقها بيدك بدؤها
منك وعودها اليك اعضاد واشهاد ومناة واذواد وحفظة و
رواد فبهم ملأت سماءك وارضك حتى ظهر ان لا اله الا انت فبذلك

اسألك وبمواقع العز من رحمتك وبمقاماتك وعلاماتك ان تصلي على محمد

وآله وان تزيد في ايماناً وتثبيتاً يا باطناً في ظهوره وظاهراً في بطونه و ترزقني

مكنونه يا مفرقاً بين النور والديجور يا موصوفاً بغير كنهه ومعروفاً

بغير شبهه حادّ كل محدود وشاهد كل مشهود وموجد كل موجود

ومحصي كل معدود وفاقد كل مفقود ليس دونك من معبود اهل

الكبرياء والجود يا من لا يكيف بكيف ولا يؤين باين يا محتجباً عن كل

عين يا ديموم يا قيوم وعالم كل معلوم صل على عبادك المنتجبين و

بشرك المحتجبين وملائكتك المقربين والبهم الصافين الحافين وبارك والبهم

لنا في شهرنا هذا المرجب المكرم وما بعده من الاشهر الحرم واسبغ علينا

فيه النعم واجزل لنا فيه القسم وابرر لنا فيه القسم باسمك الاعظم الاجل

الاكرم الذي وضعته على النهار فاضاء وعلى الليل فاظلم واغفر

لنا ما تعلم منا ولا نعلم واعصمنا من الذنوب خير العصم واكفنا كوافي

قدرك وامنن علينا بحسن نظرك ولا تكلنا الى غيرك ولا تمنعنا من خيرك

وبارك لنا فيما كتبته لنا من اعمارنا واصلح لنا خبيئة اسرارنا

اعطنا

واعطنا منك الامان واستعملنا بحسن الايمان وبلغنا شهر الصيام وما

بعده من الايام والاعوام يا ذا الجلال والاكرام سیم شیخ طوسی

در کتاب مصباح وکفعمی فرموده اند که در جنة الامان از ... دعا ها هر روز از ماه ... نقل نموده اند

يا من يملك حوائج السائلين ويعلم ضمير

الصامتين لكل مسألة منك سمع حاضر وجواب عتيد اللهم و

مواعيدك الصادقة واياديك الفاضلة ورحمتك الواسعة فاسألك

ان تصلي على محمد وآل محمد وان تقضي حوائجي للدنيا والآخرة انك على كل

شيء قدير چهارم سید جلیل نبیل میر محمد باقر داماد طاب ثراه در بعضی از مؤلفات خود ذکر نموده است که از حضرت امام محمد جواد صلوات الله علیه منقولست که برای طلب حوائج ... از اول ماه رجب شروع کن و هر روز صد نوبت

سبحان الاله الجليل سبحان من لا ينبغي التسبيح

تسبیح اینها ... تا آخر

الا له سبحان الاعز الاكرم سبحان من لبس العز وهو له اهل و بعد از آن

چهار صد نوبت سوره قل هو الله احد بخوان

اللهم صل على النبي الامي محمد وآل محمد وسلم

و بعد از آن صد و سی و چهار نوبت بگو

و بعد از آن دوازده نوبت این مناجات را بخوان تا آخر ماه و اگر ماه رجب ... نباشد که در ماه شعبان داخل کن تا سی روز تمام شود و مناجات اینست

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم ارسل على سجال رزقك مدراراً وامطر علي سحائب افضالك غزاراً

وادم غيث نيلك الي سجالاً واسبل مزيد نعمك على خلتي اسبالاً وافقرني

بجودك اليك واغنني عمن يطلب ما لديك وداو داء فقري بدواء فضلك

وانعش صرعة عيلتي بطولك واجبر كسر خلتي بنوالك وتصدق على إقلالي
بكثرة عطائك وعلى إخلالي بكريم حبائك وسهل رب سبيل الرزق إلي
وثبت قواعده لدي وبجس لي عيون سعته برحمتك وفجر أنهار رغد
العيش قبلي برأفتك ورحمتك وأجدب أرض فقري وأخصب جدب
ضري واصرف عني في الرزق العوائق واقطع عني من الضيق العلائق
وارمني من سعة الرزق اللهم بأخصب سهامه واحبني من رغد العيش
بأكثر دوامه واكسني اللهم رب سرابيل السعة وجلابيب الدعة فإني
يا رب منتظر لإنعامك بحذف الضيق ولتطولك بقطع التعويق ولتفضلك
بإزالة التقتير ولوصول حبلي بكرمك بالتيسير وأمطر اللهم علي سماء رزقك
بسجال الديم وأغنني عن خلقك بعوائد النعم وارم مقاتل الإقتار مني و
احمل كشف الضر عني على مطايا الإعجال واضرب عني الضيق بسيف
الاستيصال وأتحفني رب منك بسعة الإفضال وامددني بنمو الأموال
واحرسني من ضيق الإقلال واقبض عني سوء الجدب وابسط لي بساط الخصب
واسقني من ماء رزقك غدقا وانهج لي من عميم بذلك طرقا وفاجئني بالثروة

والمال

والمال وانعشني به من الإقلال وصحبني بالاستظهار ومسني بالتمكن من صحیحی
اليسار إنك ذو الطول العظيم والفضل الجسيم العميم وأنت الجواد الكريم الملك
الغفور الرحيم پس سید گفته است که مستحب است که بعد از آنکه صد نوبت يا من يملك حوائج السائلين
تسبیح امام را بخواند سه نوبت این دعا را بخواند و اگر بتواند یکبار بخواند
ويعلم ضمير الصامتين لكل مسألة منك سمع حاضر وجواب عتيد اللهم
ومواعيدك الصادقة وأياديك الفاضلة ورحمتك الواسعة فأسألك
أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تقضي لي حوائج الدنيا والآخرة و مؤلف گوید که تسبیح
ایشان همان تسبیحی
که در باب اول مذکور شد که اگر کسی قادر بر روزه داشتن و تصدق کردن نباشد باید در هر روز این تسبیح را
صد مرتبه بگوید و دعای آخر دعائی است که در عمل سابق مذکور شد و باقی خصوصیات این عمل در دعای
حدیثی منظور نشده و در کتب مشهوره علما نیز مذکور نیست و چون سید این عمل را بروایت منسوب نموده اگر کسی این
عمل را بجا آورد شاید بهتر باشد و بدانکه فقره آخر تسبیح چنانچه سید نقل نموده اگر با آنچه سابق مذکور شد اندک
تفاوتی دارد چه آنچه در سابق مذکور شد و هو اهل الجود ضعیف است و آنچه سید نقل نموده و هو اهل
با ضعیف است و همچنین فقره دعای آخر با آنچه در عمل سیم مذکور شد اندک تفاوتی دارد چنانچه مخفی نیست و ظاهرا
سید سهو در نقل نموده است والله یعلم و اما اعمال هر شب پس آن نیز چند چیز است اول سید بن طاوس ره
نقل کرده است که عبد الرحمن بن محمد بن علی حلوانی در کتاب خود از حضرت رسالت صلعم روایت کرده است که هر که
ماه رجب شصت رکعت نماز بگذارد در هر شبی دو رکعت و در هر رکعتی حمد لا إله إلا الله وحده لا
یکنوبت و قل یا ایها الکافرون سه نوبت و قل هو الله یکنوبت بخواند پس چون سلام گوید دستها را
شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت وهو حي لا يموت بيده الخير وهو
على كل شيء قدير وإليه المصير ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم اللهم
صل على محمد وآل محمد النبي الأمي وآله و بعد از آن دستها را بر روی خود بکشد پس حق تعالی
دعای او را مستجاب نماید و با او عطا فرماید ثواب

تصحیح و ثواب بسیار عظیم دارد ایضاً سید ره در کتاب اقبال الاعمال شب اول ماه از کتاب مختصر از کتاب
منتخب نماز و دعائی در شب اول نقل کرده چنانچه بعد از این مذکور خواهد شد و بعد از آن
گفته که بعد از آن دعا در این شب و در هر شبی از شبهای این ماه هزار مرتبه لا اله الا الله بگو و
اما اعمال هر روز و هر شب پس سید بن طاوس ره از محمد بن سجاد روایت کرده است که گفت بخدمت
حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه عرض کردم که فدای تو شوم این ماه رجب است مرا دعائی
تعلیم فرما که حق تعالی مرا به آن نفع بخشد حضرت فرمود که در هر روز ماه رجب در صبح و پسین و بعد از
هر نمازها در شب و روز این دعا را بخوان یَا مَنْ اَرْجُوهُ لِکُلِّ خَیْرٍ وَ آمَنُ سَخَطَهُ عِنْدَ
کُلِّ شَرٍّ یَا مَنْ یُعْطِی الْکَثِیرَ بِالْقَلِیلِ یَا مَنْ یُعْطِی مَنْ سَأَلَهُ یَا مَنْ یُعْطِی
مَنْ لَمْ یَسْأَلْهُ وَ مَنْ لَمْ یَعْرِفْهُ تَحَنُّناً مِنْهُ وَ رَحْمَةً اَعْطِنِی بِمَسْأَلَتِی اِیَّاکَ
جَمِیعَ خَیْرِ الدُّنْیَا وَ جَمِیعَ خَیْرِ الْآخِرَةِ وَ اصْرِفْ عَنِّی بِمَسْأَلَتِی اِیَّاکَ جَمِیعَ
شَرِّ الدُّنْیَا وَ شَرِّ الْآخِرَةِ فَاِنَّهُ غَیْرُ مَنْقُوصٍ مَا اَعْطَیْتَ وَ زِدْنِی مِنْ فَضْلِکَ
یَا کَرِیمُ راوی گوید که پس حضرت ریش مبارک خود را بدست چپ گرفت و انگشت سبابه دست
راست خود را بجانب راست و چپ حرکت میداد و این دعا را خواند بعد از آن فرمود
یَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْاِکْرَامِ یَا ذَا النَّعْمَاءِ وَ الْجُودِ یَا ذَا الْمَنِّ وَ الطَّوْلِ حَرِّمْ شَیْبَتِی عَلَی النَّارِ

و بروایت دیگر پس دست مبارک را بر ریش گرفت و بر نداشت تا کف مبارکش از آب دیده اش تر شد باب
ششم در بیان اعمال شب جمعه و روز جمعه و آنها چنانچه از تتبع روایات ظاهر میشود چند چیز است
اول شب رغائب و آن شب جمعه اول این ماه است و آن شبی است بسیار عظیم و مترتب میشود حق تعالی مواهب
عطاهای بسیار که آن خود در این شب کرامت میفرماید باین جهت آنرا لیلة الرغائب می نامند زیرا که
رغائب جمع رغیبه و آن بمعنی بخشش بسیار است و سید بن طاوس قدس الله روحه از حضرت مقدس حضرت
رسالت پناهی صلی الله علیه و آله روایت نموده است که فرمودند که غافل مشوید از شب جمعه اول ماه رجب بدرستیکه آن
شبی است که ملائکه آنرا لیلة الرغائب می نامند و چون ثلث اول از آن شب بگذرد هیچ ملکی در آسمانها
و زمین نماند مگر آنکه در کعبه و حوالی آن جمع شوند و حق تعالی با ایشان خطاب فرماید که ای ملائکه من
طلب کنید از من آنچه خواهید پس ملائکه گویند که پروردگارا حاجت ما آنست که بیامرزی روزه داران ماه

رجب را پس حق تعالی فرماید که آمرزیدم ایشان را پس آنحضرت فرمود که هر که روزه دارد پنجشنبه اول رجب را و چون
شب شود میانه نماز شام و خفتن دوازده رکعت نماز بگذارد هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد
سوره انا انزلناه فی لیلة القدر سه نوبت و قل هو الله احد دوازده نوبت بخواند چون از تمام رکعات نماز
فارغ شود هفتاد نوبت صلوات بفرستد باین طریق که اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ الْاُمِّیِّ وَ عَلٰی آلِهِ پس سجده
کند و هفتاد نوبت بگوید سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلٰئِکَةِ وَ الرُّوحِ پس سر بردارد و بگوید هفتاد نوبت رَبِّ
اغْفِرْ وَ ارْحَمْ وَ تَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ اِنَّکَ اَنْتَ الْعَلِیُّ الْاَعْظَمُ پس باز بسجده رود و هفتاد نوبت
بگوید آنچه را در سجده اول گفته بود و از حق تعالی حاجت خود را طلب نماید البته حاجت او برآورده شود
ان شاء الله تعالی پس فرمود بحق آنکه نفس من در قبضه قدرت اوست که هیچ مرد و زنی این نماز
را نکند مگر آنکه حق تعالی بیامرزد همه گناهان او را اگر چه بعدد کف دریاها و برگ درختان و عدد ریگ بیابانها و
وزن کوهها باشد و شفاعت کند روز قیامت در هفتصد نفر از اهل بیت خود را که همه
مستوجب جهنم شده باشند و بر انگیزاند حق تعالی برای او در شب اول قبر ثواب این نماز را به بهترین صورتی
که آید نزد او با روی گشاده و زبان نیکو و گوید ای دوست من بشارت باد ترا که نجات یافتی از هر شدتها
پس آن کس گوید که تو کیستی که ندیده ام روئی نیکوتر از روی تو و نشنیده ام بوئی خوشبوتر از بوی تو پس آن
گوید که ای دوست من من ثواب آن نمازم که کرده بودی در فلان شب در فلان ماه در فلان
سال اکنون آمده ام تا قضای حق تو کنم و مونس تنهائی تو باشم و وحشت را از تو دور گردانم و چون
صور دمیده شود در عرصه قیامت سایه افکنم بر سر تو و بدرستیکه تو هرگز از خیر و ثواب پروردگار خود دور
و محروم نخواهی بود مؤلف گوید که سید بن باقی ره در مصباح و علامه حلی طاب ثراه در منهاج الصلاح نیز این
عمل را ذکر نموده اند و صلوات بعد از نماز را باین عبارت ذکر نموده اند اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ
و کفعمی در جنة الامان با آنکه این عمل را از مصباح سید بن باقی نقل نموده لیکن عبارت مخصوصی برای
این صلوات ذکر ننموده بلکه گفته است که بعد از سلام صلوات بر آنحضرت و آل او بفرست و اگر
باین عبارت بگوید که اَللّٰهُمَّ سَلِّمْ وَ صَلِّ عَلَی النَّبِیِّ الْاُمِّیِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلٰی آلِهِ شاید بهر دو عمل نموده
باشد و الله تعالی یعلم فایده بدانکه سید بن طاوس و دیگران ذکر نموده اند که هرگاه غره ماه
روز جمعه باشد آن شب رغائب است و از بعضی از متاخرین علمای شیعه منقول است که در این صورت
شب جمعه دوم شب رغائب است و بعضی از علمای عامه تصریح باین معنی نموده اند و آنچه در حدیث
شریف مذکور است از روزه داشتن پنجشنبه اول ماه رجب ظاهراً منافاتی است و میتوان این را
حمل بر غالب الاحوال نمود تا موافق شود با فهم سید و سایر علمای شیعه و اگر در حین صوم این عمل
مذکور را در شب جمعه آورد شاید اولی و احوط باشد و بدانکه حدیث این عمل از طرق اهل السنة
از رواة احادیث اهل سنت منقول است و در کتب ایشان مسطور است و علمای شیعه رضوان الله علیهم

منقول است و در اعمال مستحبه باحادیث ضعیفه عمل نمودن تجویز ملکه مستحسن است لهذا اولی
آنست که ترک نشود و الله تعالی یعلم تکمله بدانکه از سید جلیل نبیل امیر محمد باقر داماد طاب
ثراه منقولست که هرکه در روز پنجشنبه اول ماه رجب بر روی نگین نقره انگشتری این کلمات را نقش کند و آن
انگشتر را درست کند اگر بدوستان و خاینان باشد ایمن گردد و اگر بر پادشاه داخل شود در نظر او عزیز
شود و حوایج او برآورد و اگر در میان آب باران بیندازد و آن آب را بیاشامد از هر درد شفا یابد
گردد و اگر زنی که شوهر نداشته باشد این انگشتر را درست کند شوهر نماید و اگر این انگشتر را بر
روی مصروعی بگذارند بهوش آید و صرع از او زایل شود و اگر این کلمات را بر روی کسی بکند که دیوانه
باشد بنویسند چنانچه دود آن برسد بکسی که او را سحر نموده باشد آن سحر را اثر نکند و اگر چیزی نقش
کنند و آن را در آب حل کند و کسی که او را مار یا عقرب یا امثال آن گزیده باشد یا سم خورده باشد از
آن آب را بخورد شفا یابد بحول و قوت الهی و کلمات اینست وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ
سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ الم المص الر المر كهيعص حمعسق طه يس ص
حم ق ن و در نسخه مصححه بعد از ذکر آیه حروف مقطعه مذکوره را از خط سید مذکور طاب ثراه
چنین نقل نموده اند و این انسب بنظر ترتیب واقع در اوایل سور قرآن درست تر است و آن اینست
الم المص الر المر كهيعص طه طسم طس يس ص حمعسق ق ن مؤلف گوید که نقش کردن این
کلمات بر کندن یا بر چیزی که در میان آب حل کنند ظاهرا اختصاص بماه رجب ندارد و در هر وقت که
لیکن افضل نقش نمودن این کلمات بر نگین نقره و غیر آن در روایتی و حدیثی بنظر نرسیده والله تعالی یعلم ذکر بعض
اعمالی که در روز جمعه ماه وارد شده است و این اعمال را در هر جمعه از جمعهای این ماه میتوان واقع ساخت
و آنها دو چیز است اول سید بن طاوس ره در کتاب اقبال بسند خود از ابن عباس روایت کرده است که
حضرت رسالت ص فرمود که هرکه در روز جمعه ماه رجب میان نماز ظهر و عصر چهار رکعت نماز بگذارد
هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعتی بعد از حمد آیة الکرسی هفت نوبت و قل هو الله احد پنج نوبت بخواند
و بعد از فراغ ده نوبت بگوید أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَأَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ حق تعالی
بنویسد برای او از روزی که این نماز را گذارده باشد تا روزی که از دنیا برود در هر روز هزار
و عطا فرماید باو بهر آیه که خوانده باشد در این نماز شهری در بهشت از یاقوت سرخ و بهر حرفی قصری
از در سفید و تزویج فرماید باو از حور العین و خوشنود شود از او و خوشنود شدنی که بعد از آن
هرگز بر او خشمناک نشود و بنویسد او را از عابدان و آخر کار او را بسعادت و مغفرت ختم نماید
و بنویسد برای او بهر رکعتی چهار هزار نماز و بگذارد بر سر او هزار تاج و ساکن بهشت شود با صدیقان
و از دنیا نرود تا ببیند جای خود را در بهشت دوم ایضا سید در کتاب مذکور گفته که در حدیثی
دیدم که هرکه در روز جمعه ماه رجب سوره قل هو الله احد را صد نوبت بخواند در موقف قیامت

با او نوری باشد که پیشاپیش او رود تا داخل بهشت شود مؤلف گوید که سید بعد از ذکر این حدیث گفته
که اگر روز اول ماه رجب روز جمعه اتفاق افتد بین یادده بر آن عمل نماز دیگر در آن هست و کیفیت
آن نماز نقل نموده است و در این صورت اگر کسی بعد از حمد قل هو الله احد و در رکعت نماز
سنت بکند شاید بد نباشد والله تعالی یعلم تتمیم بدانکه شیخ مفید طاب ثراه روایت کرده
که هرکه در یکی از ماههای حرام روز پنجشنبه و جمعه و شنبه را روزه دارد حق تعالی برای او ثواب
عبادت نهصد سال را بنویسد مؤلف گوید که مراد از ماههای حرام ماه رجب و ذی قعده و ذی حجه
و محرم است سیم عمل روز جمعه آخر این ماه جمعی از علما ذکر نموده اند که هرکه مرسال در جمعه
آخر ماه رجب دوازده رکعت نماز بگذارد هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد آیة الکرسی
و سوره انا انزلناه و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس هر یک یک مرتبه و بعد از هر دو رکعت
که سلام گوید این دعا را بخواند و بخواند یَا أَجَلَّ مِنْ كُلِّ جَلِيلٍ وَيَا أَكْرَمَ مِنْ كُلِّ كَرِيمٍ
عمر او را دراز گرداند و دعا اینست
وَيَا أَعْظَمَ مِنْ كُلِّ عَظِيمٍ وَيَا أَعَزَّ مِنْ كُلِّ عَزِيزٍ أَغِثْنِي يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ
وَبِرَحْمَتِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ مَتِّعْنَا بِالْعَافِيَةِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

باب هفتم در بیان اعمال شبها و روزهای این ماه بترتیب شب اول بدانکه شب اول این ماه شبی است
با فضیلت و برکت و عبادت در آن موجب ثواب جزیل و اجر جمیل است و از جمله لیالی اربع متبرکه است و یکی از
لیالی متبرکه ماه مبارک رمضان شبی با فضیلت این چهار شب نیست و آنها این شب و شب نیمه شعبان و شب
عید ماه رمضان و شب عید قربان است و اعمال آن چند چیز است اول احیا و اشتغال بعبادت
شیخ طوسی طاب ثراه در کتاب مصباح از حضرت امام جعفر صادق از پدران او علیهم السلام روایت کرده
است که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه میفرمود که خوش می آید مرا از فارغ ساختن خود در سال
چهار شب برای عبادت و این چهار شب را ذکر فرمود و ایضا شیخ ره در کتاب مذکور از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه روایت کرده است که آنحضرت بحارث بن عبد الله فرمود که اگر توانی محافظت نمائی بر شب
عید فطر و شب عید قربان و شب اول محرم و شب عاشورا و شب اول رجب و شب نیمه شعبان پس محافظت
کن و در این شبها دعا و نماز و تلاوت قرآن بسیار بکن دوم غسل سید بن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال
از رسول خدا ص روایت کرده است که هرکه دریابد ماه رجب را پس غسل کند در اول و وسط و آخر آن
بیرون آید از گناهان خود مانند روزی که از مادر متولد شده باشد مؤلف گوید که لفظ اول و وسط
و آخر در عبارت حدیث احتمال روز و شب هر دو دارد اگرچه احتمال اول اظهر است پس اگر غسل در

اعمال روز جمعه آخر ماه رجب

اعمال شب اول ماه رجب

فضیلت احیای شب اول رجب

غسل در شب اول ماه رجب

وشب هردو واقع شود احوط است **سیم** سید بن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال از حضرت رسالت
روایت کرده است که هیچ مرد مؤمن و زن مؤمنه نیست که در شب اول ماه رجب سی رکعت نماز بکند
هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعتی حمد یکنوبت و سوره قل یا ایها الکافرون یکنوبت و قل هو الله
احد را سه نوبت بخواند مگر آنکه حق تعالی بیامرزد همه گناهان صغیره و کبیره او را و او را در زمره نماز
گذارندگان تا سال آینده بنویسد و بری شود از نفاق **مؤلف** گوید که این حدیث حدیث طویل است
مشتمل بر سی نماز هر نمازی برای شبی از شبهای ماه و سید در اقبال این حدیث را متفرق نموده و در هر
شبی جزوی از آن را که مشتمل بر نماز آن شب است نقل نموده و کفعمی ره در جنة الایمان تمام این حدیث
را یکجا نقل نموده و در بعضی مواضع با اقبال مخالفت دارد و تا حال احدی از علما باین معنی متنقل
نشده است و ما بجهة مزید اهتمام در ضبط اعمال در هر مقام اشاره بمواضع اختلاف مینمائیم
و از غرایب آنست که کفعمی ره گفته که این حدیث طولانی در کتاب مصباح الزائر سید بن طاوس مذکور
است و جد علامه مولانا محمد تقی مجلسی ره دیدم که این حدیث را نقل نموده و نسبت بکتاب
الزائر سید داده و در کتاب مصباح الزائر بغیر نماز شب اول و شب نیمه ماه نماز دیگر مذکور
نیست و ذکر صلوات باقی شبهای ماه بکتاب مصباح الزائر مناسبت ندارد زیرا که موضوع آن
کتاب زیارات ائمه علیهم السلم است و چون در دو شب زیارت حضرت امام حسین ع وارد شده است
سید بتقریب زیارت اکثر اعمال این دو شب را در آن کتاب مذکور ساخته و باین جهت این دو نماز را ذکر کرده
است و ممکن است که کفعمی ره اقبال را بمصباح الزائر اشتباه نموده باشد و مولانا محمد تقی ره از
کفعمی نقل نموده باشد بهانه نقل مولانا محمد تقی ره با نقل کفعمی نیز در چند موضع اختلاف دارد
چنانچه اشاره بآن نیز میشود و محتمل است که این اختلاف از جهة اختلاف نسخ جنة الایمان باشد
زیرا که اکثر نسخ آن کتاب مغلوط و غیر صحیح است لیکن نسخه که نزد فقیر است اصح نسخهای آن کتاب
است و چون کفعمی و مولانا محمد تقی علیهما الرحمة هر دو این حدیث را نسبت بسید بن طاوس داده اند
که در اسم کتاب اشتباه شده باشد لهذا اعتماد بر نقل سید بیشتر است و جد علامه مولانا محمد
باقر مجلسی ره نیز در کتاب زاد المعاد این صلوات را نقل نموده و نقل او با نقل والد او مولانا محمد تقی
مطابق است و گویا از خط او نقل نموده است و از جمله مواضع اختلاف این موضع است زیرا که
در جنة الایمان سوره قل یا ایها الکافرون نیست سوره قل هو الله احد سه مرتبه است و اگر
هر دو سوره سه مرتبه خوانده شود شاید بهر دو عمل کرده باشد والله تعالی یعلم **تحقیق** بدانکه
جد علامه مولانا محمد باقر مجلسی ره در کتاب زاد المعاد گفته است که سند معتبری برای این حدیث
بنظر نرسید لیکن بسیار مشهور و در کتب علما مسطور است و اگر کسی بقصد آنکه مطلق نماز خوب
است بکند بد نیست و بگمان فقیر آنست که چون در اعمال مستحبه باحادیث ضعیفه عمل نمودن تجویز

است و اکثر علما این حدیث را ذکر نموده اند و ثوابهای بسیار برای آن در آن حدیث مذکور است بهتر آنست که
حسب المقدور ترک نشود والله تعالی یعلم **چهارم** سید بن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال از کتاب
روضة العابدین نقل نموده که از حضرت رسالت ص منقولست که آنحضرت باصحاب خود فرمود که هر که
در شب اول رجب بعد از نماز مغرب بیست رکعت نماز بگذارد هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت
بعد از حمد سوره قل هو الله احد یکنوبت بخواند آیا ثواب آن را میدانید گفتند خدا و رسول او دانا ترند
پس حضرت فرمود که جبرئیل تعلیم کرد مرا ثواب آن را پس حضرت ذراع دستهای مبارک خود را
برهنه کرد و فرمود که بخدا سوگند که محفوظ کرده او و اهل و مال و ولد او و امن کرده از عذاب قبر
بگذرد از صراط چون برق جهنده **مؤلف** گوید که این عمل مشکل است که پیش از دخول نماز خفتن
واقع شود و جد علامه مولانا محمد باقر مجلسی طاب ثراه در کتاب زاد المعاد گفته است که بعضی از
نمازها که طولی دارد و میان نماز شام و خفتن واقع شده و باید که بعد از داخل شدن وقت
خفتن واقع شود که نیز خالی از اشکالی نیست و بگمان فقیر آنست که بعضی از اعمال که عجب نیست معتبر
باشد که نیز بهتر است والله تعالی یعلم **پنجم** ایضا سید در کتاب مذکور از کتاب روضة
الواعظین نقل نموده است که از جناب مقدس خاتم المرسلین ص منقولست که هر که در این شب
بعد از نماز عشا دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت اول بعد از حمد سوره الم نشرح یکنوبت و قل
هو الله احد سه نوبت و در رکعت دوم بعد از حمد سوره الم نشرح و قل هو الله احد و قل اعوذ برب
الفلق و قل اعوذ برب الناس هر یک را یکنوبت بخواند و چون سلام گوید سی نوبت لا اله الا الله
و سی نوبت صلوات بر حضرت رسالت ص بفرستد حق تعالی گناهان گذشته او را بیامرزد و
او را بیرون آورد از گناهان مانند روزی که از مادر متولد شده باشد **ششم** سید بن طاوس
قدس الله سره بسند معتبر از حضرت امام محمد تقی ع روایت نموده است که آنحضرت بیکی از اصحاب
خود فرمود که بخوان در شب اول ماه رجب بعد از نماز خفتن این دعا را اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِاَنَّکَ مَلیکٌ وَ اَنَّکَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ ملیک ن‌د
مُقْتَدِرٌ وَ اَنَّکَ ما تَشاءُ مِنْ اَمْرٍ یَکُونُ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَتَوَجَّهُ اِلَیْکَ بِنَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ
نَبِیِّ الرَّحْمَةِ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ یا مُحَمَّدُ یا رَسُولَ اللّٰهِ اِنّی اَتَوَجَّهُ اِلَی اللّٰهِ رَبّی
وَ رَبِّکَ لِیُنْجِحَ بِکَ طَلِبَتی اَللّٰهُمَّ بِنَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ وَ الْاَئِمَّةِ مِنْ اَهْلِ بَیْتِهِ اَنْجِحْ طَلِبَتی
پس حوائج خود را سؤال نمائی **مؤلف** گوید که سید بن باقی در مصباح و علامه حلی در منهاج الصلاح

وکفعمی در جنة الامان این دعا را از دعوات شب اول این ماه نقل نموده اند و در بعضی از این کتب
مذکور نیست که باید این دعا بعد از نماز خفتن خوانده شود و همچنین شیخ طوسی در مصباح نیز
چنین نقل نموده و در اکثر نسخ این خصوصیت مذکور نیست بلی در بعضی از نسخ مصباح مذکور
است که باید بعد از نماز خفتن خوانده شود و رعایت این معنی اولی است هشتم ایضا سید بن طاوس
قدس الله روحه در کتاب اقبال الاعمال مختصرا از کتاب منتخب نقل نموده که در شب اول ماه رجب دو رکعت
نماز میگذاری هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعتی حمد یکنوبت و سوره قل هو الله احد صد نوبت میخوانی
پس میخوانی اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْتَغْفِرُكَ لِما تُبْتُ اِلَیْكَ مِنْهُ ثُمَّ عُدْتُ فیهِ وَاَسْتَغْفِرُكَ
مرتبه میگوئی
لِما اَعْطَیْتُكَ مِنْ نَفْسی ثُمَّ لَمْ اَفِ لَكَ بِهِ وَاَسْتَغْفِرُكَ لِما اَرَدْتُ بِهِ وَجْهَكَ
الْكَریمَ فَخالَطَهُ ما لَیْسَ لَكَ وَاَسْتَغْفِرُكَ لِلذُّنُوبِ الَّتی قَوِیتُ عَلَیْها
بِنِعْمَتِكَ وَسَتْرِكَ وَاَسْتَغْفِرُكَ لِلذُّنُوبِ الَّتی بارَزْتُكَ بِها دُونَ خَلْقِكَ
وَاَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُ وَلِكُلِّ سُوءٍ عَمِلْتُ وَاَسْتَغْفِرُ اللهَ
الَّذی لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ ذُو الْجَلالِ وَالْاِكْرامِ غافِرُ الذَّنْبِ وَ
قابِلُ التَّوْبِ اسْتِغْفارَ مَنْ لا یَمْلِكُ لِنَفْسِهِ نَفْعاً وَلا ضَرّاً وَلا مَوْتاً وَلا حَیٰوةً
وَلا نُشُوراً اِلّا ما شاءَ اللهُ پس میگوئی سُبْحانَكَ بِما تَعْلَمُ وَلا اَعْلَمُ وَسُبْحانَكَ
بعد از این
بِما تَبْلُغُهُ اَحْكامُكَ وَلا اَبْلُغُهُ وَسُبْحانَكَ بِما اَنْتَ مُسْتَحِقُّهُ وَلا یَبْلُغُهُ
الْحَیَوانُ مِنْ خَلْقِكَ وَسُبْحانَكَ بِالتَّسْبیحِ الَّذی یُوجِبُ عَفْوَكَ وَرِضاكَ
وَسُبْحانَكَ بِالتَّسْبیحِ الَّذی لَمْ تُطْلِعْ عَلَیْهِ اَحَداً مِنْ خَلْقِكَ وَسُبْحانَكَ بِما عَلَّمْتَنی

فی خَلْقِكَ كُلِّهِمْ وَلَوْ عَلَّمْتَنی اَكْثَرَ مِنْ هٰذا لَقُلْتُهُ اَللّٰهُمَّ لا خَرابَ عَلیٰ ما عَمَرْتَ
وَلا فَقْرَ عَلیٰ ما اَغْنَیْتَ وَلا خَوْفَ عَلیٰ ما آمَنْتَ وَاَنَا بَیْنَ یَدَیْكَ وَاَنْتَ عالِمٌ بِحَوائِجی
فَاقْضِها یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ اَللّٰهُمَّ یا رافِعَ السَّماءِ فِی الْهَواءِ وَكابِسَ الْاَرْضِ عَلَی
الْماءِ وَمُنْبِتَ الْخُضَرِ وَبِالْاَیْری صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَعَلیٰ آلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بی ما اَنْتَ
اَهْلُهُ وَلا تَفْعَلْ بی ما اَنَا اَهْلُهُ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ اَللّٰهُمَّ اِنّی عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ
ناصِیَتی بِیَدِكَ ماضٍ فِیَّ حُكْمُكَ عَدْلٌ فِیَّ قَضاؤُكَ اَسْاَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ
سَمَّیْتَ بِهِ نَفْسَكَ اَوْ اَنْزَلْتَهُ فی كِتابِكَ اَوْ عَلَّمْتَهُ اَحَداً مِنْ خَلْقِكَ اَنْ
تَجْعَلَ الْقُرْآنَ رَبیعَ قَلْبی وَجَلاءَ حُزْنی وَذَهابَ هَمّی وَغَمّی اَللّٰهُمَّ رَحْمَتَكَ
اَرْجُو یا اَللهُ یا رَحْمٰنُ یا ذَا الْجَلالِ وَالْاِكْرامِ اَللّٰهُمَّ خَشَعَتِ الْاَصْواتُ لَكَ
وَضَلَّتِ الْاَحْلامُ فیكَ وَضاقَتِ الْاَشْیاءُ دُونَكَ وَمَلَاَ كُلَّ شَیْءٍ نُورُكَ
وَوَجِلَ كُلُّ شَیْءٍ مِنْكَ وَهَرَبَ كُلُّ شَیْءٍ اِلَیْكَ وَتَوَكَّلَ كُلُّ شَیْءٍ عَلَیْكَ
اَنْتَ الرَّفیعُ فی جَلالِكَ وَاَنْتَ الْبَهِیُّ فی جَمالِكَ وَاَنْتَ الْعَظیمُ فی قُدْرَتِكَ وَاَنْتَ
الَّذی لا یَؤُودُكَ شَیْءٌ وَاَنْتَ الْعَلِیُّ الْعَظیمُ یا قاضِیَ حاجَتی وَیا مُفَرِّجَ كُرْبَتی وَ
یا وَلِیَّ نِعْمَتی اَعْطِنی مَسْاَلَتی لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اَصْبَحْتُ وَاَمْسَیْتُ عَلیٰ عَهْدِكَ

وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ أَعُوذُ بِكَ مِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِي وَأَسْتَغْفِرُكَ مِنَ الذُّنُوبِ

الَّتِي لَا يَغْفِرُهَا غَيْرُكَ فَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا مَنْ هُوَ

فِي عُلُوِّهِ دَانٍ وَفِي دُنُوِّهِ عَالٍ وَفِي إِشْرَاقِهِ مُنِيرٌ وَفِي سُلْطَانِهِ عَزِيزٌ أَغْنِنِي بِرِزْقٍ

مِنْ عِنْدِكَ لَا تَجْعَلْ لِأَحَدٍ عَلَيَّ فِيهِ مِنَّةً وَلَا لَكَ فِي الْآخِرَةِ عَلَيَّ تَبِعَةً إِنَّكَ أَرْحَمُ

الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْحَرِيقِ وَالشَّرِيقِ وَالْهَدْمِ وَالرَّدْمِ وَأَنْ

أُقْتَلَ فِي سَبِيلِكَ مُدْبِرًا أَوْ أَمُوتَ لَدِيغًا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ مَلِكٌ

وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُقْتَدِرٌ وَمَا تَشَاءُ مِنْ أَمْرٍ يَكُونُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي وَتَكْشِفَ ضُرِّي وَتُبَلِّغَنِي أُمْنِيَّتِي وَتُسَهِّلَ لِي مَحَبَّتِي وَ محبتي خ

تُيَسِّرَ لِي إِرَادَتِي وَتُوصِلَنِي إِلَى بُغْيَتِي سَرِيعًا عَاجِلًا وَتَجْمَعَ لِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَ

الْآخِرَةِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وميگويي بعد از اين و در هر شبي از شبهاي ايام هزار
مرتبه لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مؤلف گويد كه نماز و دعا
بطريقي كه مذكور شد مخصوص شب اول است و در ساير شبها هزار مرتبه لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ را
بدون نماز و دعا بايد خواند و در اعمال هر شب ايما و اشاره بآن شد هشتم شيخ طوسي و
سيد بن طاوس طاب ثراهما بسند معتبر از علي بن حديد روايت كرده اند كه حضرت موسى بن جعفر
صلوات الله عليهما بعد از فراغ از نماز شب بسجده ميرفت و اين دعا را در سجده ميخواند
لَكَ الْحَمْدُ إِنْ أَطَعْتُكَ وَلَكَ الْحُجَّةُ إِنْ عَصَيْتُكَ لَا صُنْعَ لِي وَلَا لِغَيْرِي فِي

إِحْسَانٍ إِلَّا بِكَ يَا كَائِنًا قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَيَا مُكَوِّنَ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ كائنا خ

اللهم

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَدِيلَةِ عِنْدَ الْمَوْتِ وَمِنْ شَرِّ الْمَرْجِعِ فِي الْقُبُورِ وَمِنَ

النَّدَامَةِ يَوْمَ الْآزِفَةِ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَنْ تَجْعَلَ عَيْشِي عيشتي خ

عِيشَةً نَقِيَّةً وَمِيتَتِي مِيتَةً سَوِيَّةً وَمُنْقَلَبِي مُنْقَلَبًا كَرِيمًا غَيْرَ مُخْزٍ وَلَا فَاضِحٍ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَئِمَّةِ يَنَابِيعِ الْحِكْمَةِ وَأُولِي النِّعْمَةِ وَمَعَادِنِ

الْعِصْمَةِ وَاعْصِمْنِي بِهِمْ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَلَا تَأْخُذْنِي عَلَى غِرَّةٍ وَلَا غَفْلَةٍ

وَلَا تَجْعَلْ عَوَاقِبَ أَعْمَالِي حَسْرَةً وَارْضَ عَنِّي فَإِنَّ مَغْفِرَتَكَ لِلظَّالِمِينَ وَأَنَا

مِنَ الظَّالِمِينَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا لَا يَضُرُّكَ وَأَعْطِنِي مَا لَا يَنْقُصُكَ

فَإِنَّكَ الْوَسِيعُ رَحْمَتُهُ الْبَدِيعُ حِكْمَتُهُ وَأَعْطِنِي السَّعَةَ وَالدَّعَةَ وَ

الْأَمْنَ وَالصِّحَّةَ وَالْبُخُوعَ وَالْقُنُوعَ وَالشُّكْرَ وَالْمُعَافَاةَ وَالتَّقْوَى وَ

الصَّبْرَ وَالصِّدْقَ عَلَيْكَ وَعَلَى أَوْلِيَائِكَ وَالْيُسْرَ وَالشُّكْرَ وَاعْمُمْ بِذَلِكَ

يَا رَبِّ أَهْلِي وَوَلَدِي وَإِخْوَانِي فِيكَ وَمَنْ أَحْبَبْتُ وَأَحَبَّنِي وَوَلَدْتُ وَوَلَدَنِي

مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُؤْمِنِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ پس [illegible] ابن هاشم نقل نموده اند والمؤمنات والمسلمات خ
كه او گفته كه چون هشت ركعت نماز شب را
گذاردي و دعائي كه سابق گذشت خواندي پس در ركعت الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا تَنْفَدُ خَزَائِنُهُ
نماز شفع و وتر را بگذار و چون سلام بگويي نشسته اين دعا را بخوان
وَلَا يَخَافُ آمِنُهُ رَبِّ إِنِ ارْتَكَبْتُ الْمَعَاصِيَ فَذَلِكَ ثِقَةٌ مِنِّي بِكَرَمِكَ إِنَّكَ تَقْبَلُ

التوبة عن عبادك وتعفو عن سيئاتهم وتغفر الزلل فانك مجيب لداعيك و

منه قريب فانا تائب اليك من الخطايا وراغب اليك في توفير حظي من العطايا (و نورها)

يا خالق البرايا يا منقذي من كل شديد يا مجيري من كل محذور وفر (شدة)

علي السرور واكفني شر عواقب الامور فانك الله على نعمائك و (فانت)

جزيل عطائك مشكور ولكل خير مذخور مؤلف گويد که نماز شب گاهی بهشت
رکعت وگاهی بیازده رکعت که بضمیمه
(یا اولی)
شفع و وتر است وگاهی بر سیزده رکعت که با نافله فجر است اطلاق می شود وآنچه در اول حدیث مذکور
است که بعد از نماز شب باید خوانده شود مراد معنی اول است چنانچه ابن هاشم تصریح بآن نموده بهشت
وظاهر عبارت شیخ وسید آنست که دعای آخر در روایت علی بن حدید مذکور نباشد وممکن است که آن
روایتی که بنظر شیخ وسید رسیده ساقط شده باشد وابن هاشم دعا از روایت یا روایت دیگر نیمه را
دیده باشد والله تعالی یعلم نهم ایضا شیخ وسید طاب ثراهما از حضرت امام علی نقی صلوات الله وسلامه
علیه روایت کرده اند که آنحضرت در این ساعت یعنی بعد از فراغ از نماز وتر این دعا را می خواندند

یا نور النور یا مدبر الامور یا مجری البحور یا باعث من في القبور یا کهفي حین تعییني

المذاهب وکنزي حین تعجزني المکاسب وموئلي حین تجفوني الاباعد

وتملني الاقارب ومنزهي بمجالسة اولیائه ومرافقة احبائه في ریاضه

وساقي بمؤانسته من نمیر حیاضه ورافعي بمجاورته من ورطة الذنوب الی

ربوة التقرب ومبدلي بولایته عزة العطایا من ذلة الخطایا اسألك یا

مولای بالفجر واللیالي العشر والشفع والوتر واللیل اذا یسر وبما جری به

ظلم الاقلام بغیر کف ولا ابهام وباسمائك العظام وتجلیك على جمیع الانام

علیهم منك افضل السلام وبما استحفظتهم من اسمائك الکرام ان تصلي

علیهم وترحمنا في شهرنا هذا وما بعده من الشهور والایام وان تبلغنا

شهر الصیام في عامنا هذا وفي کل عام یا ذا الجلال والاکرام و

المنن الجسام وعلی محمد وآله منا افضل السلام مؤلف گوید که محتمل است که
این عمل وعملها بیرا[...]
هر شب باشد واختصاص بشب اول نداشته باشد بلکه ممکن است که عملهای مخصوص بیرا[...]
بوده باشد لیکن شیخ هر دو عمل را در ذیل اعمال شب اول نقل نموده وسید از عبارت او چنین فهمید
که مخصوص شب اول است ودر عبارت لفظی که منافی این معنی بوده باشد مذکور نیست لهذا این دو عمل را
از جمله اعمال هر شب این ماه مذکور نساختیم والله تعالی یعلم دهم بعضی از علما زیارت حضرت امام
حسین صلوات الله علیه را در این شب نقل نموده اند چنانچه در روز آن وارد شده وکفعمی
در جنة الامان زیارت مخصوصی برای شب اول در روز اول نقل نموده چنانچه بعد از این
مذکور خواهیم نمود وحدیثی وروایتی در این باب بنظر نمیرسد لیکن بمقتضای اخبار بسیار
که زیارت آن بزرگوار در اوقات متبرکه فضیلت بسیار دارد واین شب از لیالی متبرکه است
پس اگر کسی توفیق حضور مشهد مشرف آنحضرت را دریابد بزیارات مطلقه که در کتب مزار
مذکور است یا بزیارت روز اول این ماه که بعد از این مذکور میشود یا بزیارت جامعه که در
خصوص ماه رجب واقع شده ودر عمل نهم از باب چهارم مذکور شد زیارت نماید واگر
دور باشد بیکی از زیارات بعیده که وارد شده زیارت نماید واین حقیر همگی زیارات بعیده را
در رساله وسیلة النجاة ذکر نموده ام ودر این کتاب بذکر یکی از آنها که مختصر ومعتبر است اکتفا
مینمایم بسندهای معتبر از سدیر صیرفی منقولست که گفت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بمن
فرمود که چه مانع است ترا از اینکه زیارت کنی قبر حضرت امام حسین را در هر هفته پنج مرتبه یا در
هر روز یکمرتبه گفتم فدای تو شوم میان من وآنحضرت فرسخهای بسیار است فرمود که بالای بام
خانه خود برو ملتفت میشوی بجانب راست وجانب چپ خود پس سر خود را بجانب آسمان بلند
میکنی ورو بجانب قبر آنحضرت میکنی ومیگوئی السلام علیك یا ابا عبد الله السلام علیك

یا ابن رسول الله السلام علیک و رحمة الله و برکاته تا نوشته شود برای تو ثواب حجی و عمره‌ای سدیر گوید که
بسیار است که مرد در روزی زیاده از بیست مرتبه چنین زیارت میکنم **روز اول** شیخ طوسی و ابن شهرآشوب و
دیگران روایت کرده‌اند که ولادت موفور السعادة حضرت امام محمد باقر علیه السلام در این روز که مصادف جمعه بود
سرشته بوده واقع شده و بعضی سیم ماه صفر گفته‌اند در مدینه طیبه در سال پنجاه و هفتم از هجرت نبویه
و بعضی ولادت حضرت صادق علیه السلام را نیز در این روز نقل کرده‌اند و اشهر هفدهم ماه ربیع الاول است و در
این روز نوح علیه السلام بکشتی سوار شد چنانچه در باب اول مذکور شد و روزه این روز مخصوص فضیلت عظیم
دارد چنانچه سید بن طاوس ره در کتاب اقبال از شیخ جعفر بن محمد دوریستی در کتاب حسنی نقل نموده که
که او بسند خود از حضرت امام محمد باقر علیه السلام از پدر بزرگوارش از جد بزرگوارش روایت نموده که رسول
خدا صلعم فرمود که هر که روزه دارد روز اول ماه رجب را بهشت برای او واجب شود و ابن بابویه ره در کتاب
امالی و عیون اخبار الرضا علیه السلام روایت کرده است که هر که روزه دارد روز اول ماه رجب را از روی رغبت
ثواب الهی واجب شود برای او بهشت و کسی که روزه دارد یک روز از وسط این ماه را رخصت شفاعت دهند با او
در مثل قبیله ربیعه و مضر کسی که روزه دارد یک روز از آخر این ماه را بگرداند حق تعالی او را از پادشاهان
بهشت و رخصت شفاعت دهد با او در باره پدر و مادر و پسر و دختر و برادر و خواهر و عمو و عمه و خالو
و خاله او و آشنایان و همسایگان او هر چند این جماعت مستوجب آتش جهنم شده باشند و ایضا در کتاب
مجالس و کتاب فضایل رجب از حضرت صادق علیه السلام روایت نموده است که آنحضرت از آبای کرام خود از
حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیهم اجمعین روایت فرموده است که هر که یک روز از اول ماه رجب
یا آخر یا وسط آنرا روزه بدارد گناهان گذشته او آمرزیده شود و هر که سه روز از اول و سه روز از وسط
و سه روز در آخر این ماه را روزه بدارد گناهان گذشته و آینده او آمرزیده شود و هر که شبی از شبهای این
ماه را احیا کند حق تعالی او را از آتش جهنم آزاد کرده اند و قبول شفاعت او در باره هفتاد هزار نفر
گناهکار نماید و هر که تصدق نماید در این ماه برای خدا کند حق تعالی گرامی دارد او را در قیامت در بهشت به
ثوابی چند که هیچ دیده ندیده باشد و گوشی نشنیده و بخاطر کسی خطور نکرده باشد **فایده** بدانکه
علامه ره در کتاب منتهی گفته است که روزه داشتن سه روز اول این ماه سنت موکد است و روز اول
تاکید بیشتر زیاده است و گویا این معنی را از احادیث مذکوره استنباط نموده باشد بعد از احادیث که
ظاهر میشود که روزه سه روز وسط و سه روز آخر نیز سنت موکد و روز وسط و روز آخر تاکید بیشتر
زیاده است چنانچه بر متامل خبیر پوشیده نیست و احادیث دیگر درین باب در باب اول مذکور شد
و اعمال این روز چند چیز است **اول** غسل بنابر احتمال اظهر و تفصیل آن در شب گذشته مذکور شد
دویم شیخ طوسی ره و سید بن طاوس و دیگران از سلمان فارسی ره روایت نموده اند که گفت داخل شدم
بر رسول خدا صلعم در روز آخر ماه جمادی الاخره در وقتی که داخل نشده بودم بر آنحضرت در آن وقت

پس

ولادت امام محمد باقر

از حضرت امام رضا

پس از آن روز پیر فرمود که ای سلمان تو از ما اهل بیتی میخواهی که از برای تو حدیثی بگویم گفتم بلی فدایت
تو باد پدر و مادرم یا رسول الله فرمود که ای سلمان هر مرد مومن و زن مومنه که در این ماه سی رکعت نماز
بگذارد و در هر رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون را هر یک سه نوبت
بخواند حق تعالی محو کند از او هر گناهی را که در کودکی و بزرگی کرده باشد و عطا کند باو ثواب کسی را
که تمام این ماه را روزه داشته باشد و او را از نمازگزاران نویسند تا سال آینده و برای او در هر
روزی از روزهای آن ماه تا سال آینده بالا برند ثواب عمل شهیدی از شهیدان بدر و او بهره مند گردد [illegible]
دارد از این ماه عبادت سالی برای او نویسند و هزار درجه برای او بلند کرده است و آخر تمام این ماه
را روزه دارد حق تعالی او را از آتش جهنم نجات دهد و بهشت را برای او واجب کرده اند ای سلمان
مرا باین نماز خبر داد جبرئیل و گفت ای محمد این علامتی است میان شما و منافقان زیرا که منافقان این نماز را
نمیکنند پس سلمان گفت بخدمت حضرت عرض نمودم که یا رسول الله خبر ده مرا که چگونه این نماز را [illegible]
وقت بجا آورم آنگاه حضرت فرمود که ای سلمان در روز اول این ماه ده رکعت نماز بکن هر دو رکعت [illegible]
سلام و در هر رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون هر یک را سه نوبت بخوان و
بعد از هر سلام دستها را لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک و له الحمد [illegible]
بسوی آسمان بلند کن و بگو
و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر اللهم لا مانع
لما اعطیت و لا معطی لما منعت و لا ینفع ذا الجد منک الجد [illegible]
[illegible]
و در وسط ماه [illegible] بجا آور لا اله الا الله وحده لا شریک له [illegible]
و بعد از هر [illegible] بسوی آسمان بردار و بگو
و له الحمد [illegible] و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل [illegible]
الها واحدا [illegible] لم یتخذ صاحبة و لا ولدا پس دستها را بر روی خود بکش
و در روز آخر ماه [illegible]
بهمان طریق بجا آور و [illegible] الا الله وحده لا شریک له [illegible]
دستهای خود را بسوی آسمان بردار
یحیی و یمیت و هو حی لا یموت [illegible] الخیر و هو علی کل شیء قدیر و صلی الله علی

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ پس دست‌ها را برده
خود بکش و حاجت

خود را طلب کن که حق تعالی بر آورد از او میان تو و جهنم هفت خندق که عرض هر خندقی بعد میان
آسمان و زمین باشد و مستوجب بهشت شوی و برای تو ثواب هزار هزار رکعت و مستوجب جهت تو براتی از
آتش جهنم و گذشتن از صراط گفت سلمان که چون این حدیث را از حضرت رسول صلعم شنیدم
بروی در افتادم و خدا را سجده کردم و با گریه و زاری شکر الهی بجا آوردم مؤلف گوید که سید جلیل
ابن طاووس ... و علامه قدس الله روحه این نماز را در بعضی از مؤلفات خود ذکر نموده و نقل او متضمن چند امر
که تفسیر آنها ضرورات اوّل آنکه لفظ اول و وسط و آخر را بر عشر وسط و عشر آخر حمل نموده اند و سایر
علما بر روز اوّل و روز وسط و روز آخر حمل نموده اند و این معنی اظهر و احوط است بلکه احوط آنست که
ده رکعت آخر در روز بیست و نهم ماه رجب کرده شود و اگر ماه تمام باشد در روز سیم نیز کرده شود
تا به هر تقدیر عمل باین حدیث شده باشد دوم سید گفته که در منتهی مذکور است که سورهٔ توحید
مقدم دارد و بعضی گفته اند که سورهٔ جحد را مقدم دارد زیرا که در روایات وارد است که سورهٔ
توحید در صلوات مؤخر باید خواند که آن متصل بقنوت باشد و در ترتیب قرآنی نیز جحد مقدم
است و بجا آنان این حقیر تقدیم سورهٔ توحید بر جحد درین نماز متعین است زیرا که متابعت لفظ
حدیث لازم است و در حدیث چنانچه اکثر علما مانند شیخ طوسی و ابن طاووس و ابن باقی رضوان الله
علیهم و دیگران ضبط نموده اند سورهٔ توحید بر جحد مقدم است چنانچه ما ذکر نمودیم و بعضی
از روایات در روایت دیگر درین باب در کتب علما بنظر نرسید و آنچه سید گفته که در روایات وارد
است که سورهٔ توحید را در صلوات مؤخر باید خواند نیز در محل اشکال است ممکن است که
ماخذ کلام سید این باشد که ابن بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه گفته که افضل آنست که
در نمازهای شبانه روزی در رکعت اوّل انا انزلناه و در رکعت دوم توحید خوانده شود
مگر در نماز عشاء شب جمعه زیرا که انا انزلناه سورهٔ رسول خدا صلعم و اهل بیت او علیهم السلام است
و چون مصلی بواسطهٔ آن بزرگواران متوسل بمعرفت حق تعالی شده است در رکعت اوّل
نماز نیز ایشان را وسیله بسوی حق تعالی نماید و سورهٔ توحید چون دعا در عقب آن
مستجاب است در رکعت دوم بخوانند و بعد از آن قنوت نماز را بخوانند تا هر دعا که کرده
قنوت بخوانند مستجاب شود و صاحب کتاب مدارک الاحکام قدس الله روحه گفته که
مؤید قول ابن بابویه است این حدیث شریف که محمد بن یعقوب کلینی از علی بن راشد روایت
کرده است که عرض کردم بخدمت حضرت ابی الحسن علیه السلام که فدای تو شوم تو نوشته بودی محمد بن
فرج که افضل در نمازهای واجب سورهٔ انا انزلناه و قل هو الله احد است و سینه‌ام تنگ

و سوم بقراءت این دو سوره در نماز صبح پس حضرت فرمود که دلتنگ مشو که والله که فضیلت
در این دو سوره است و مخفی نماناد که قول صدوق و این حدیث شریف مخصوص نمازهای واجب
شبانه روزی است بلکه در همه نمازهای شبانه روزی نیز جاری نیست زیرا که در روایات بسیار وارد
شده است که سورهٔ طولانی در بعضی از صلوات و متوسطه در بعضی و قصیره در بعضی سنت است و
بعضی از اوقات مخصوصه سورهٔ مخصوصه نیز وارد شده است و تفصیل این معنی در کتب فقها مذکور است
و بالجمله قول صدوق و این حدیث شریف اگر بر عموم باقی باشد مخالف مشهور میان علما و اخبار است
و لهذا بعضی از متأخرین اختیار کرده اند که هر نمازهای واجب سورهٔ قدر و توحید میخوانند اند سوره
را مقدم میداشته اند و علاوه آنکه در نمازهای نافله متابعت کیفیتی که در روایات آنها وارد شده
متعین و لازم است و آنچه سید رحمه الله گفته که در ترتیب قرآنی سورهٔ جحد مقدم است نیز دلالت ندارد
بر آنکه در این نماز که در روایت سورهٔ توحید مقدم مذکور است سورهٔ جحد مقدم خواند و شاید
حدیث بعمل نیاید با آنکه ترتیب قرآنی ترتیبی نیست که حضرت رسالت صلعم یا حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
باشد بلکه عمر علیه ما علیه قرآن مجید را باین نحو ترتیب داده و تفصیل این معنی از کتب احادیث
می‌شود و الله تعالی یعلم سیم ایضا سید گفته که در بعضی از روایات چنان است که
دست را برداشته در دعا را بخواند زیرا که مجموع بمنزلهٔ یک نماز است و تو دانستی که روایت دیگر
این نماز بنظر فقیر نرسید و لفظ این روایت این بود و احتمال میرود و احتمال آخر اظهر و معمول است
والله تعالی یعلم چهارم سید بن طاووس در کتاب اقبال از سلمان فارسی رضی الله عنه روایت کرده است که
رسول خدا صلعم فرمود که ای سلمان آیا میخواهی تعلیم نمایم ترا از گنجهای غیب را
فرمود که چون روز اوّل ماه رجب داخل شود ده رکعت نماز بکن هر دو رکعت بیک سلام
بعد از حمد سورهٔ قل هو الله احد سه نوبت بخوان یعنی که چون این نماز را بجا آوری حق تعالی
جمیع گناهانی را از روزی که قلم تکلیف بر تو جاری شده تا امشب و نگاه دارد ترا از
روز قیامت و صرف شود از تو مرض خوره و پیسی و ذات الجنب مؤلف گوید که آنچه در این حدیث
وارد شده است از آمرزش گناهان از روز تکلیف تا امشب حضور روز تکلیف نیست اوّل
نیست بلکه مراد اوّل زمان تکلیف تا وقت کردن نماز است و در میان عرب شایع است که لفظ یوم
را بر مطلق زمان اطلاق میکنند و ممکن است که مراد از شب بعد از آن باشد یعنی گناهانی که
نماز سرایت میکند بتمام این دو روز تا شب بعد والله تعالی یعلم پنجم ایضا سید در کتاب اقبال
گفته در دست بعضی از اصحاب کتابی از کتب عبادات دیدم که در آن کتاب ...
صلعم روایت نموده که در روز اوّل ماه رجب چهار رکعت نماز میکنی بیک سلام ... بعد از
حمد سورهٔ قل هو الله احد ده مرتبه و الهیکم التکاثر یک مرتبه ... سلام

بعد مجموع آیة الکرسی سه مرتبه میخواند مؤلف گوید که این حدیث مخالف مشهور میان علماست زیرا که
مشهور آنست که نمازهای نافله همگی دو رکعتی است بغیر نماز اعرابی ششم ایضا سید قدس الله
روحه در کتاب مذکور بسند خود از ابی حمزه ثمالی [illegible] بوده که کسی [illegible] سالی که ابن زبیر بر مکه
معظمه مستولی شده بود دیدیم جناب مقدس [illegible] صلوات الله علیه را در حجر اسمعیل
که دو رکعت نماز گزارد و بعد از آن این دعا را میخواند یا من یملک حوائج السائلین ویعلم ضمیر الصامتین لکل
مسألة منک سمع حاضر وجواب عتید اللهم ومواعیدک الصادقة
وایادیک الفاضلة ورحمتک الواسعة اسألک ان تصلی علی محمد
وآل محمد وان تقضی حوائجی للدنیا والآخرة انک علی کل شیء قدیر

[illegible] که این دعا را حضرت آدم میخوانده من نشنیدم مؤلف گوید که شیخ طوسی و سید
ابن طاوس و کفعمی علیهم الرحمة این دعا را
[illegible] کرده و عبارات این حدیث چنانچه باید
[illegible] حدیث دیگر در این باب بایشان رسیده باشد لیکن شیخ
[illegible] هفتم ایضا سید رحمه الله در کتاب مذکور [illegible] اللهم انی اسألک یا الله یا الله یا
[illegible] از کتاب [illegible] نقل نموده که میخواند [illegible] بعد از نماز
[illegible] الله القدیم الازلی الملک العظیم انت الله الحی القیوم المولی
السمیع البصیر یا من له العز والجلال والکبریاء والعظمة والقوة
والقدرة والنور والروح والمشیة والحنان والرحمة والملک
[illegible] له کل نور وخمدة له کل [illegible]
کل [illegible] اسألک باسمک الذی اشتققته من قدمک وازلک و

نورک

نورک وبالاسم الاعظم الذی اشتققته من کبریائک وجبروتک و
عظمتک وعزک وبجودک الذی اشتققته من رحمتک وبرحمتک
التی اشتققتها من رأفتک وبرأفتک التی اشتققتها من جودک وبجودک
الذی اشتققته من غیبک وبغیبک واحاطتک وبقائک ودوامک
وقدمک واسألک بجمیع اسمائک الحسنی لا اله الا انت الواحد
الفرد الصمد الحی الاول الآخر الظاهر الباطن ولک کل اسم
عظیم وکل نور وغیب وعلم ومعلوم وملک وشأن ولا اله الا
انت تقدست وتعالیت علوا کبیرا اللهم انی اسألک بکل اسم
هو لک طاهر مطهر طیب مبارک مقدس انزلته فی کتبک واخترته
فی الذکر عندک وتسمیت به لمن شئت من خلقک او سألک به
احد من ملائکتک وانبیائک ورسلک بخیر تعطیه فاعطیته او شر
تصرفه فصرفته ینبغی ان اسألک به فاسألک یا رب ان تنصرنی علی
اعدائی وتغلب ذکری علی نسیانی اللهم اجعل العقل علی هوای سلطانا
مبینا واقرن اختیاری بالتوفیق واجعل صاحبی التقوی واوزعنی

شكرك على مواهبك واهدنا اللهم بهداك الى سبيلك المقيم
وصراطك المستقيم ولا تملك زمامي الشهوات فتحملني على طرفي
الحد ولين وحل بيني وبين المنكرات واجعل لي علما نافعا واغرس
في قلبي حب المعروف ولا تأخذني بغتة وتب علي انك انت التواب
الرحيم وعرفني بركة هذا الشهر ويمنه وارزقني خيره واصرف
عني شره ووفني الحدود فيه واعني على ما احبه من القيام بحقه
ومعرفة فضله واجعلني فيه من الفائزين يا ارحم الراحمين اللهم
اني اسئلك باسمك المقـ[illegible] المجيب [illegible] وباسمك الواحد الصمد
وباسمك العزيز الاعلى وباسمائك الحسنى كلها يا من خشعت له
الاصوات وخضعت له الرقاب وذلت له الاعناق ووجلت
منه القلوب ودان له كل شيء وقامت به السموات والارض
اشهد انك لا تدركك الابصار وانت تدرك الابصار وانت
اللطيف الخبير يا رب جبرئيل وميكائيل واسرافيل وجميع الملئكة
المقربين والكروبيين والكرام الكاتبين وجميع الملئكة المسبحين

بحقك

بحقك ورب آدم وشيث وادريس ونوح وهود وصالح وابرهيم واسمعيل
واسحق ولوط ويعقوب ويوسف والاسباط وايوب وموسى وهرون
وشعيب وداود وسليمن وارميا وعزير وحزقيا وشعيا والياس و
اليسع ويونس وذي الكفل وزكريا ويحيى وجرجيس ومحمد صلى الله وحزقيل
عليهم اجمعين وعلى ملئكة الله المقربين والكرام الكاتبين وجميع
الاملاك المسبحين وسلم تسليما كثيرا انت ربنا الاول الاخر الظاهر
الباطن الذي خلقت السموات والارضين ثم استوى على العرش المجيد
باسمائك الحسنى سيدي وبعيد وتغشي الليل النهار يطلبه حثيثا
والشمس والقمر والنجوم والفلك والدهور والخلق مسخرون
بامرك تباركت وتعاليت يا رب العالمين لا اله الا انت الحنان المنان
بديع السموات والارض ذو الجلال والاكرام لو كان البحر مدادا
لكلمات ربي لنفد البحر قبل ان تنفد كلمات ربي ولو جئنا بمثله
مددا نعلم مثاقيل الجبال ومكاييل البحار وعدد الرمال وقطر
الامطار وورق الاشجار ونجوم السماء وما اظلم عليه الليل واشرق

عليه النهار لا يواري منك سماء سماء ولا ارض ارضا ولا بحر متطابق
ولا ما بين سد الرتوق ولا ما في القرار من الهباء المبثوث اسألك باسمك
المخزون المكنون النور المنير الحق المبين الذي هو نور من نور
ونور على نور ونور فوق كل نور ونور مع كل نور وله كل
نور منك يا رب النور واليك يرجع النور وبنورك الذي تضيء به
كل ظلمة وتبطل به كيد كل شيطان مريد وتذل به كل
جبار عنيد ولا يقوم له شيء من خلقك ويتصدع لعظمته
البر والبحر وتستقل الملائكة حين يتكلم به وترعد من خشيته
حملة العرش العظيم الى تخوم الارضين السابعة الذي انفلقت السبع
به البحار وجرت به الانهار وتفجرت به العيون وسارت به النجوم
وارتكم به السحاب الاجري واعتدل به الضباب وهالت
به الرمال ورست به الجبال واستقرت به الارضون ونزل
به القطر وخرج به الحب وتفرقت به جبلات الخلق وخفقت به
الرياح وانتشرت ونفخت به الارواح يا الله انت المسمى بالالهية

باسمك

باسمك الكبير الاكبر العظيم الاعظم الذي عنت له الوجوه يا ذا الطول و
الالاء لا اله الا انت يا قريب انت الغالب على كل شيء اسألك اللهم
بجميع اسمائك كلها ما علمت منها وما لم اعلم وبكل اسم هو لك
ان تصلي على محمد وال محمد كما صليت ورحمت وباركت وترحمت على
ابرهيم وال ابرهيم انك حميد مجيد اللهم اعط محمدا الوسيلة والشرف
والرفعة والفضيلة على خلقك واجعل في المصطفين محبته وفي
العليين درجته وفي المقربين منزلته اللهم صل على جميع ملائكتك
وانبيائك ورسلك واهل طاعتك اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات
والمسلمين والمسلمات الاحياء منهم والاموات والف بين قلوبنا و
قلوبهم على الخيرات اللهم اجز محمدا صلى الله عليه واله افضل ما جزيت نبيا
عن امته كما تلا اياتك وبلغ ما ارسلته به ونصح لامته وعبدك حتى اتاه اليقين
صلى الله عليه وعلى اله الطيبين [illegible] تبارك الله رب العالمين تبارك الله
احسن الخالقين تبارك الذي نزل الفرقان على عبده ليكون للعالمين نذيرا
الذي له ملك السموات والارض ولم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك في الملك وخلق

كُلِّ شَيْءٍ فَقَدَّرَهُ تَقْدِيرًا تَبَارَكَ الَّذِي إِنْ شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِنْ ذَلِكَ جَنَّاتٍ

تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَيَجْعَلْ لَكَ قُصُورًا تَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَ

الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي

الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَوةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ

الْغَفُورُ تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا

وَسَكُونِي أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللهِ كُلِّهَا الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ مِنْ شَرِّ إِبْلِيسَ وَ

جُنُودِهِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ وَسُلْطَانٍ وَسَاحِرٍ وَكَاهِنٍ وَشَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ نَفْسِي وَدِينِي وَسَمْعِي وَبَصَرِي وَجَسَدِي وَجَمِيعَ جَوَارِحِي

وَأَهْلِي وَمَالِي وَأَوْلَادِي وَجَمِيعَ مَنْ يَعْنِينِي أَمْرُهُ وَخَوَاتِيمَ عَمَلِي وَسَائِرَ مَا

مَلَّكْتَنِي وَخَوَّلْتَنِي وَرَزَقْتَنِي وَأَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ وَجَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

يَا خَيْرَ مُسْتَوْدَعٍ وَيَا خَيْرَ حَافِظٍ وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

اللهُ اللهُ اللهُ اللهُ اللهُ اللهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ أَنْ

تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي يَا رَبَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرَضِينَ

وَمَنْ فِيهِنَّ

وَمَنْ فِيهِنَّ وَمُجْرِيَ الْبِحَارِ وَرَازِقَ مَنْ فِيهِنَّ وَفَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَأَطْبَاقِهَا وَ

مُسَخِّرَ السَّحَابِ وَمُجْرِيَ الْفُلْكِ وَجَاعِلَ الشَّمْسِ ضِيَاءً وَالْقَمَرِ نُورًا وَخَالِقَ

آدَمَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمُنْشِئَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ وَ

مُعَلِّمَ إِدْرِيسَ عَدَدَ النُّجُومِ وَالْحِسَابِ وَالسِّنِينَ وَالشُّهُورِ وَمُكَلِّمَ مُوسَى وَ

جَاعِلَ عَصَاهُ ثُعْبَانًا وَمُنْزِلَ التَّوْرَيةِ فِي الْأَلْوَاحِ عَلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَمُجْرِيَ

الْفُلْكِ لِنُوحٍ وَفَادِيَ إِسْمَعِيلَ مِنَ الذَّبْحِ وَالْمُبْتَلِي يَعْقُوبَ بِفَقْدِ يُوسُفَ وَرَادَّ

يُوسُفَ عَلَيْهِ بَعْدَ أَنِ ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْبُكَاءِ فَفَرَّجَ قَلْبَهُ مِنَ الْحُزْنِ

وَالشَّجَا وَرَازِقَ يَحْيَى زَكَرِيَّا عَلَى الْكِبَرِ بَعْدَ الْإِيَاسِ وَمُخْرِجَ النَّاقَةِ لِصَا مج

وَمُرْسِلَ الصَّيْحَةِ عَلَى مُكَذِّبِي هُودٍ وَكَاشِفَ الْبَلَاءِ عَنْ أَيُّوبَ وَمُنْجِيَ

لُوطٍ مِنَ الْقَوْمِ الْفَاحِشِينَ وَوَاهِبَ الْحِكْمَةِ لِلُقْمَانَ وَمُلْقِيَ رُوحِ الْقُدُسِ

بِكَلِمَاتٍ عَلَى مَرْيَمَ وَخَالِقًا مِنْهَا عِيسَى عَبْدَكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالْمُنْتَقِمَ

مِنْ قَتَلَةِ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَأَسْئَلُكَ بِرَفْعِكَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ

إِلَى سَمَائِكَ وَبِإِبْقَائِكَ لَهُ إِلَى أَنْ تَنْتَقِمَ لَهُ مِنْ أَعْدَائِكَ وَيَا مُرْسِلَ مُحَمَّدٍ

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ خَاتَمَ أَنْبِيَائِكَ إِلَى أَشَرِّ عِبَادِكَ بِشَرَائِعِكَ

وإظهارك دينه يا الحنيفة ودينك القيم وملة إبراهيم خليلك عليه السلم وإظهار دينه
وإعلائك كلمته يا ذا الجلال والإكرام يا من لا تأخذه سنة ولا نوم
يا أحد يا صمد يا عزيز يا قادر يا قاهر يا ذا القوة والسلطان والجبروت
والكبرياء يا علي يا قدير يا قريب يا مجيب يا حليم يا معيد يا مبدئ يا بعيد
يا رؤوف يا رحيم يا كريم يا غفور يا ذا الصفح يا مغيث يا مطعم يا شافي يا
كافي يا كاسي يا معافي يا شافي الضر يا عليم يا حكيم يا ودود يا غفور يا رحيم
يا رحمن الدنيا والآخرة يا ذا المعارج يا ذا القدس يا خالق يا عليم يا مفرج
يا تواب يا ذا الطول يا خبير يا من خلق ولم يخلق يا من لم يلد ولم يولد
يا من بان من الأشياء وبانت الأشياء منه بقهره لها وخضوعها و
يا من خلق البحار وأجرى الأنهار وأنبت الأشجار وأخرج منها النار
من يابس الأرضين النبات والأعناب وسائر الثمار يا فالق البحر لعبده موسى
عليه السلم ومكلمه ومغرق فرعون وحزبه ومهلك نمرود وأشياعه
وملين الحديد لخليفته داود عليه السلم ومسخر الجبال معه يسبحن
بالغدو والآصال ومسخر الطير والهوام والرياح والجن والإنس لعبدك

سليمان

سليمان عليه السلم وأسألك بالاسم الذي اهتز له عرشك وفرحت
به ملائكتك فلا إله إلا أنت خالق النسمة وبارئ النوى وفالق
الحبة وباسمك العزيز الجليل الكبير المتعال وباسمك الذي ينفخ به
عبدك وملكك إسرافيل عليه السلم في الصور فيقوم به أهل
القبور سراعا إلى المحشر ينسلون وباسمك الذي رفعت به السموات
من غير عماد وجعلت به للأرضين أوتادا وباسمك الذي سطحت به
الأرضين فوق الماء المحبوس وباسمك الذي حبست به ذلك الماء وباسمك
الذي حكمت به الأرضين من أخرته لحملها وجعلت له من القوة ما
ما استعان به على حملها وباسمك الذي تجري به الشمس والقمر وباسمك
الذي سلخت به النهار من الليل وباسمك الذي إذا دعيت أنزلت
أرزاق العباد وجميع خلقك وأرضك وبحارك وسكان البحار و
الهوام والجن والإنس وكل دابة أنت آخذ بناصيتها وإنك
على كل شيء قدير وباسمك الذي جعلت به لجعفر عليه السلام
جناحا يطير به مع الملائكة وباسمك الذي دعاك به يونس في بطن

ضيق الحوت أسألك أن تصلي على محمد عبدك ورسولك وعلى آله
الطيبين وأن تفرج عني وتكشف ضري وتستنقذني من ورطتي
وتخلصني من محنتي وتقضي عني ديوني وتؤدي عني أماناتي وتكبت
عدوي ولا تشمت بي حسادي ولا تبتليني بما لا طاقة لي به وأن   أعدائي
تبلغني أمنيتي وتسهل لي محبتي وتيسر لي إرادتي وتوصلني
إلى بغيتي وتجمع لي خير الدارين وتحرسني وكل من يعنيني
أمره بعينك التي لا تنام في الليل والنهار يا ذا الجلال والإكرام
والأسماء العظام اللهم يا رب أنا عبدك وابن عبدك وابن
أمتك ومن أولياء أهل بيت نبيك صلى الله عليه وآله وعليهم
الذين باركت عليهم ورحمتهم وصليت عليهم كما صليت وباركت
على إبراهيم وآل إبراهيم إنك حميد مجيد وبحقك وطولك أسألك
يا رباه يا رباه يا رباه يا رباه يا رباه يا رباه يا رباه يا رباه يا رباه
يا رباه بحق محمد عبدك ورسولك صلى الله عليه وعلى آله وبحقك
على نفسك إلا خصمت أعدائي وحسادي وخذلتهم وانتقمت لي منهم

واظهرتني

وأظهرتني عليهم وكفيتني أمرهم ونصرتني عليهم وحرستني منهم   حرستني
ووسعت علي في رزقي وبلغتني غاية أملي إنك سميع مجيب مؤلف
گوید که
ناقل این دعا اگرچه آن را نسبت بمعصوم داده لیکن در نهایت فصاحت و بلاغت و مشتمل بر مضامین
عالیه و محتوی بر مطالب دنیا و آخرت است و باین جهت باید که از ائمه علیهم السلام منقول باشد
بنابراین بهتر آنست که بحسب المیسور ترک نشود والله تعالی یعلم سیم زیارت حضرت امام
حسین ع شیخ طوسی و سید بن طاوس قدس الله روحهما و دیگران از حضرت امام جعفر
صادق ع روایت نموده اند که هر که زیارت کند حضرت امام حسین ع را در روز اول رجب
حق تعالی البته او را بیامرزد مؤلف گوید که باین جهت علما زیارت آنحضرت را در روز مذکور
سنت میدانند واما کیفیت زیارت آنحضرت درین روز پس شیخ مفید طاب ثراه در بعضی
از کتب خود و سید بن طاوس قدس الله روحه در کتاب مصباح الزائر و اقبال گفته اند که
هرگاه اراده کنی زیارت حضرت امام حسین صلوات الله وسلامه علیه را در روز اول رجب
و شب نیمه شعبان پس غسل کن و پاکیزه ترین جامهای خود را بپوش و برو در روضه و بقبله بایست
و سلام کن بر رسول خدا ص و حضرت امیر المؤمنین و حضرت فاطمه و حضرت امام حسن
و امام حسین و سایر ائمه علیهم السلام پس داخل شو و نزد ضریح مبارک بایست و صد مرتبه الله اکبر
بگو پس این زیارت السلام علیک یا ابن رسول الله السلام علیک یا ابن خاتم
را بخوان
النبيين السلام عليك يا ابن سيد المرسلين السلام عليك يا ابن
سيد الوصيين السلام عليك يا أبا عبد الله السلام عليك يا حسين
بن علي السلام عليك يا ابن فاطمة سيدة نساء العالمين السلام عليك
يا ولي الله وابن وليه السلام عليك يا صفي الله وابن صفيه السلام
عليك يا حجة الله وابن حجته السلام عليك يا حبيب الله وابن حبيبه

السلام عليك يا سفير الله وابن سفيره السلام عليك يا خازن الكتاب
المسطور السلام عليك يا وارث التورية والانجيل والزبور السلام
عليك يا امين الرحمن السلام عليك يا شريك القرآن السلام عليك يا
عمود الدين السلام عليك يا باب حكمة رب العالمين السلام
عليك يا عيبة علم الله السلام عليك يا موضع سر الله السلام
عليك يا ثار الله وابن ثاره والوتر الموتور السلام عليك وعلى
الارواح التي حلت بفنائك واناخت برحلك بابي انت وامي ونفسي
يا ابا عبد الله لقد عظمت المصيبة وجلت الرزية بك علينا و
على جميع اهل الاسلام فلعن الله امة اسست اساس الظلم والجور
عليكم اهل البيت ولعن الله امة دفعتكم عن مقامكم وازالتكم
عن مراتبكم التي رتبكم الله فيها بابي انت وامي ونفسي يا ابا عبد الله
لقد اقشعرت لدمائكم اظلة العرش مع اظلة الخلائق وبكتكم
السماء والارض وسكان الجنان والبر والبحر صلى الله عليك عدد
ما في علم الله لبيك داعي الله ان كان لم يجبك بدني عند استغاثتك

ولساني

ولساني عند استنصارك فقد اجابك قلبي وسمعي وبصري سبحان
ربنا ان كان وعد ربنا لمفعولا اشهد انك طهر طاهر مطهر
من طهر طاهر مطهر طهرت وطهرت بك البلاد وطهرت ارض
انت فيها وطهر حرمك اشهد انك قد امرت بالقسط والعدل و
دعوت اليهما وانك صادق صديق صدقت فيما دعوت اليه
وانك ثار الله في الارض واشهد انك قد بلغت عن الله وعن جدك
رسول الله وعن ابيك امير المؤمنين وعن اخيك الحسن ونصحت و
جاهدت في سبيل الله وعبدت الله مخلصا حتى اتيك اليقين فجزاك (ربك خ)
الله خير جزاء السابقين وصلى الله عليك وسلم تسليما اللهم صل
على محمد وال محمد وصل على الحسين المظلوم الشهيد الرشيد قتيل
العبرات واسير الكربات صلوة نامية زاكية مباركة يصعد اولها
ولا ينفد اخرها افضل ما صليت على احد من اولاد انبيائك المرسلين
يا اله العالمين پس ضريح مبارك را ببوس وجانب راست وچپ روی خود را بر آن بمال
و برو دور ضريح بگرد و چهار جانب آن را ببوس و شيخ مفيد طاب ثراه گفته
كه پس برو بجانب ضريح علی بن السلام عليك ايها الصديق الطيب الزكي الحبيب
الحسين ع و بايست و بگو

المقرب وابن ريحانة رسول الله السلام عليك من شهيد محتسب ورحمة الله
وبركاته ما اكرم مقامك واشرف منقلبك اشهد لقد شكر الله
سعيك واجزل ثوابك والحقك بالذروة العالية حيث الشرف كل
الشرف وفي الغرف كما من عليك من قبل وجعلك من اهل البيت
الذين اذهب الله عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا صلوات الله عليك و
رحمة الله وبركاته ورضوانه فاشفع ايها السيد الطاهر الى ربك
في حط الاثقال عن ظهري وتخفيفها عني وارحم ذلي وخضوعي لك
وللسيد ابيك صلى الله عليكما پس خود را بر روى قبر بينداز و بگو زاد الله في شرفكم في
الآخرة كما شرفكم في الدنيا واسعدكم كما اسعد بكم واشهد
انكم اعلام الدين ونجوم العالمين والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته
پس متوجه شو بجانب شهدا رضوان الله عليهم و بگو السلام عليكم يا انصار الله وانصار رسوله وانصار
علي بن ابي طالب عليه السلام وانصار فاطمة وانصار الحسن والحسين و
انصار الاسلام اشهد لقد نصحتم لله وجاهدتم في سبيله فجزاكم الله — الله ان
عن الاسلام واهله افضل الجزاء فزتم والله فوزا عظيما يا ليتني كنت معكم — عن

فافوز

فافوز فوزا عظيما اشهد انكم احياء عند الله يرزقون اشهد
انكم الشهداء والسعداء وانكم الفائزون في درجات العلى والسلام
عليكم ورحمة الله وبركاته پس عود كن بجانب سر حضرت امام حسين ع و نماز
زيارت كن و بجهد خود بپدر و مادر و برادران دعا
كن و سيد بن طاوس ره گفته كه برو بجانب ضريح علي بن الحسين عليهما السلام و روبقبله بايست و بگو السلام من الله والسلام من ملائكة الله المقربين
وانبيائه المرسلين وعباده الصالحين وجميع اهل طاعته من اهل السموات
والارضين على ابي عبد الله الحسين ورحمة الله وبركاته السلام على — عليك يا اول
اول قتيل من نسل خير سليل من سلالة ابراهيم الخليل صلى الله عليك
وعلى ابيك اذ قال فيك قتل الله قوما قتلوك يا بني ما اجراهم على الرحمن
وعلى انتهاك حرمة الرسول على الدنيا بعدك العفا اشهد انك ابن
حجة الله وابن امينه حكم الله لك على قاتليك واصلاهم جهنم وساءت
مصيرا وجعلنا الله يوم القيمة من ملاقيك ومرافقيك ومرافق جدك
وابيك وعمك واخيك المظلومة الطاهرة المطهرة وابرأ الى الله ممن — وامك م
قتلك وقاتلك واسئل الله مرافقتكم في دار الخلود والسلام عليك ورحمة — وممن نصب لكم العداوة
الله وبركاته السلام على العباس بن امير المؤمنين السلام على جعفر بن

أمير المؤمنين السلام على عبد الله بن أمير المؤمنين السلام على أبي بكر بن أمير
المؤمنين السلام على عثمان بن أمير المؤمنين السلام على القاسم
الحسن بن أمير المؤمنين السلام على أبي بكر بن الحسن السلام على عبد الله
بن الحسن السلام على محمد بن عبد الله بن جعفر بن أبي طالب السلام الحسين
على جعفر بن عقيل السلام على عبد الرحمن بن عقيل السلام على عبد عبيد بن
الله بن مسلم بن عقيل السلام على محمد بن أبي سعيد بن عقيل السلام
على عون بن عبد الله بن جعفر بن أبي طالب السلام عليكم أهل
بيت المصطفى السلام عليكم أهل الذكر والرضا السلام عليكم
يا أنصار الله ورجاله من أهل الحق والسلوى والمجاهدين على بصيرة
في سبيله أشهد أنكم كما قال الله عز وجل وكأين من نبي قاتل
معه ربيون كثير فما وهنوا لما أصابهم في سبيل الله وما ضعفوا
وما استكانوا والله يحب الصابرين فما ضعفتم وما استكنتم حتى قاتل
لقيتم الله على سبيل الحق ونصرته وكلمة الله التامة صلى الله
عليكم وعلى أزواجكم وأبنائكم وسلم تسليما فزتم والله ولوددت

أني كنت معكم فأفوز فوزا عظيما أبشروا بموعد الله الذي لا خلف له
أنتم إنه لا يخلف الميعاد أشهد أنكم النجباء وسادة الشهداء في
الدنيا والآخرة وأشهد أنكم جاهدتم في سبيل الله وقتلتم على
منهاج رسول الله وأنكم السابقون المجاهدون أشهد أنكم
أنصار الله وأنصار رسوله الحمد لله الذي صدقكم وعده وأراكم
ما تحبون والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته پر عجایب شهدا
ملقن شونکو
السلام على سعيد بن عبد الله الحنفي السلام على حر بن يزيد الرياحي السلام
مظهر على زهير بن القين السلام على حبيب بن مظاهر السلام على مسلم بن عوسجة
حصين السلام على عقبة بن سمعان السلام على برير بن خضير السلام على
عبد الله بن عمير السلام على نافع بن هلال السلام على منذر بن المفضل
الجعفري الجعفي السلام على عمرو بن قرظة الأنصاري السلام على أبي ثمامة
عون الصائدي السلام على جون مولى أبي ذر الغفاري السلام على عبد الرحمن
بن عبد الله الأزدي السلام على عبد الرحمن وعبد الله ابني عروة
السلام على سيف بن الحارث السلام على مالك بن عبد الله الحائري

السلام على حنظلة بن اسعد الشامي السلام على القسم بن الحارث الكاهلي
السلام على بشير بن عمرو الحضرمي السلام على عابس بن شبيب الشاكري
السلام على حجاج بن مسروق الجعفي السلام على عمرو بن خلف و سعيد مولاه
السلام على حبان بن الحارث السلام على مجمع بن عبد الله العائذي
السلام على نعيم بن عجلان السلام على عبد الرحمن بن يزيد السلام على
عمر بن ابي كعب السلام على سليمان بن عوف الحضرمي السلام على
قيس بن مسهر الصيداوي السلام على عثمن بن عروة الغفاري السلام
على غيلان بن عبد الرحمن السلام على قيس بن عبد الله الهمداني السلام
على عمر بن كناد السلام على جبلة بن عبد الله السلام على مسلم بن كناد
السلام على سليمن بن سليمن الازدي السلام على حماد بن حماد الخزاعي
المرادي السلام على عامر بن مسلم و مولاه مسلم السلام على بدر بن رقيط
و ابنيه عبد الله و عبيد الله السلام على رميث بن عمرو السلام على عُمير خ ل
سفيان بن مالك السلام على زهير بن سيار السلام على قاسط و كرش شابث خ ل
ابني زهير السلام على كنانة بن عتيق السلام على عامر بن مالك السلام على

صبيح

صبيح بن زياد السلام على نعمان بن عمرو السلام على جلاس بن عمرو السلام على عامر بن
جليدة السلام على زائدة بن مهاجر السلام على شبيب بن عبد الله النهشلي
السلام على حجاج بن يزيد السلام على جوين بن مالك السلام على ضبيعة
بن عمرو السلام على زهير بن بشير السلام على مسعود بن الحجاج السلام على
عمار بن حسان السلام على جندب بن حجير السلام على سليمن بن كثير
السلام على زهير بن سليمن السلام على قاسم بن حبيب السلام على انس بن
الكاهل الاسدي السلام على الحر بن يزيد الرياحي السلام على ضرغامة
بن مالك السلام على زاهر مولى عمرو بن الحمق السلام على عبد الله بن يقطر
رضيع الحسين عليه السلام السلام على منجح مولى الحسين عليه السلام السلام
على سويد مولى شاكر السلام عليكم ايها الربانيون انتم خيرة اختاركم
الله لابي عبد الله عليه السلام و انتم خاصة اختصكم الله اشهد انكم
قتلتم على الدعاء الى الحق و نصرتم و وفيتم و بذلتم مهجكم مع ابن رسول
الله صلى الله عليه و اله هنيئا لكم ما اعطيتم و هنيئا لكم ما حييتم جُنيتم خ ل
طافت عليكم من الله الرحمة و بلغتم بها شرف الاخرة وسيد درمصبا
الزاير كفته كرعه

شهدا و اسامی ایشان در این زیارت مخالفت دارد با آنچه در زیارت عاشورا وارد شده و آنچه را
درین مقام ذکر نمودیم موافقست با آنچه در روایات دیده ایم یا از کتب علما نقل نموده ایم و چون
فارغ شدی از آنچه ذکر کردیم پس برگرد بجانب سر حضرت امام حسین ع و نماز زیارت و هر نماز
که خواهی بکن و دعا برای خود و پدر و مادر و برادران بسیار بکن که ان شاء الله تعالی مستجاب می شود
پس چون خواهی که آنحضرت را وداع نمائی یکی از وداعها که در عقب زیارات آنحضرت وارد
شده وداع کن و در اقبال گفته که چون خواهی وداع کنی باین وداع کن و در بعضی از وداعهای
آنحضرت دیده ام اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللهِ اَلسَّلامُ
وداع کن
عَلَيْكَ يا صِفْوَةَ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خالِصَةَ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا قَتيلَ
اَلظَّماءِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا غَريبَ الْغُرَباءِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ سَلامَ مُوَدِّعٍ عزیز بود
لا سائِمٍ وَلا قالٍ فَاِنْ اَمْضِ فَلا عَنْ مَلالَةٍ وَاِنْ اُقِمْ فَلا عَنْ سُوءِ ظَنٍّ بِما
وَعَدَ اللهُ الصّابِرينَ لا جَعَلَهُ اللهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنّي لِزِيارَتِكَ وَرَزَقَنِيَ
اللهُ الْعَوْدَ اِلى مَشْهَدِكَ وَالْمَقامَ بِفِنائِكَ وَالْقِيامَ في حَرَمِكَ وَاِيّاهُ
اَسْئَلُ اَنْ يُسْعِدَني بِكُمْ وَيَجْعَلَني مَعَكُمْ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ و کفعمی
در جنة الامان
برای حضرت امام حسین ع زیارت اول را ذکر نموده و بعد از آن گفته که زیارت کن علی بن الحسین
و شهدا و عباس را بزیارت روز عرفه و در زیارت روز عرفه آنرا ایرا د خواهیم نمود مؤلف گوید
که جد علامه ام مولانا محمد باقر مجلسی طاب ثراه در کتاب تحفة الزائر زیارت مخصوصی برای روز اول
رجب و شب نیمه شعبان ذکر نکرده و گفته است که آنچه را علما در خصوص این دو روز ذکر نموده اند
چون بروایت نیافته بودند ما ایراد نمودیم و ظاهر کلام سید بن طاوس در مصباح الزائر آنست
که همه این زیارت یا بعضی از آن منقول باشد چنانچه مخفی نیست و بالجمله چون علما این زیارت را در
خصوص این دو وقت ذکر نموده اند متابعت ایشان اولی است و اگر زیارت جامعه مخصوصه ائمه
که سابق مذکور شد نیز خوانده شود اتم و افضل است و بدانکه اینها همه نظر بجائی است که قبر

حضور کربلای معلی مشرف باشد و اگر در بلاد بعیده باشد بزیارت بعیدی که سابق مذکور شد یا سایر
زیارات بعیده زیارت نماید و الله تعالی یعلم **اکمال** بدانکه جد علامه ام مولانا محمد باقر مجلسی طاب ثراه
در کتاب بحار الانوار گفته است که زیارت هر یک از ائمه علیهم السلام در روزهای متبرکه و اوقات
مخصوصه بآن امام مانند روز ولادت یا وفات یا روزی که فضیلتی از فضایل آن امام در آن
روز ظاهر شده باشد فضیلت دارد و چون سابق براین مذکور شد که ولادت حضرت امام محمد
باقر ع بنابر قول اشهر و ولادت حضرت صادق ع بقولی درین روز واقع شده زیارت آن دو
بزرگوار در این روز فضیلت دارد و اگر کسی نزد مرقد مطهر ایشان حاضر باشد بزیارت جامعه
یعنی حضرت امام حسین و حضرت صاحب الامر علیهما السلام
مخصوص ایشان که سابق گذشت یا سایر زیارات مطلقه ایشان را زیارت نماید و اگر دور باشد
بربام خانه بالا رود و دو رکعت نماز کند و بهر لفظی که خود انشا نماید زیارت کند زیرا که زیارت
مخصوصی از دور برای هر یک از ائمه علیهم السلام منقول نیست بلکه زایر خود انشا مینماید چنانچه بسند
صحیح از حضرت صادق ع منقولست که هر که ناحیه اش دور باشد از ما بالا رود بربام خانه خود
و دو رکعت نماز بکند و اشاره کند بسوی قبرهای ما که آن سلام بما میرسد و الله تعالی هو الموفق
شب نهم سید بن طاوس قدس الله روحه در کتاب اقبال از رسول خدا ص روایت کرده است که
هر که در این شب ده رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد سوره قل یا ایها
الکافرون یکمرتبه بخواند حق تعالی همه گناهان صغیره و کبیره او را بیامرزد و بنویسد او را از نمازکنندگان
تا سال آینده و بری شود از نفاق **روز نهم** بروایت ابن عیاش چنانچه شیخ طوسی در مصباح از او
نقل نموده و قول بعضی دیگر از علما ولادت با سعادت حضرت امام علی نقی ع درین روز بوده و
بعضی پنجم ایضا و بعضی سه شنبه پنجم ایضا و بعضی سه شنبه سیزدهم ایضا و بعضی بیست و هفتم ذی حجه
و بعضی پانزدهم ذی حجه گفته اند و قول آخر مشهور میان علماست و فقره اوراد عامی که در عمل پنجم از
باب چهارم گذشت دلالت بر صحت یکی از سه قول اول میکند و بنابر قول اول زیارت آنحضرت در
این روز فضیلت دارد اگر نزد قبر مطهر آن سرور کسی حاضر باشد بزیارت جامعه مخصوص ایشان
که گذشت یا بزیارت مطلقه آنحضرت را زیارت نماید و اگر دور باشد بربام خانه رود و دو رکعت
نماز بکند و هر لفظی که خواهد زیارت نماید و روزه این روز سنت مؤکد است چنانچه گذشت
شب سیم سید بن طاوس ره در کتاب مذکور از حضرت رسالت ص روایت کرده است که هر که در این شب
ده رکعت نماز بگذارد هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد سوره اذا جاء نصر الله را پنج
نوبت بخواند حق تعالی بنا کند برای او قصری در بهشت که طول و عرض آن وسیعتر از دنیا باشد
بهفت برابر و منادی ندا کند از آسمان که بشارت دهید اینرا دوست خدا را بکرامت عظمی و رفاقت
انبیا و صدیقان و شهدا و صالحان **روز سیم** بروایت سید بن طاوس ره در اقبال ولادت شریف

حضرت امام علی نقی علیه السلام در این روز بوده و بروایت ابرهیم بن هاشم قمی رحمه و قول بعضی دیگر از علما وفات
آنحضرت نیز در روز دوشنبه سیم ایشان بوده و اقوال دیگر در باب وفات آنحضرت هست که در محل
خود مذکور خواهد شد و چون این روز بنا بر این دو روایت روز ولادت و وفات آن بزرگوار است
زیارت او از نزدیک و دور مانند روز سابق فضیلت دارد و روزه این روز سنت مؤکد بلکه
تاکیدش زیاده از روز سابق است چنانچه گذشت و سید بن طاوس ره در کتاب اقبال
گفته که در بعضی از کتب عبادات یافتم این حدیث را که مروی بود از رسول خدا صلعم که هر که در این
روز چهار رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد این آیات را بخواند
وَإِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَٰنُ الرَّحِيمُ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ
اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ
السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَاحِ
وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ
دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا
إِذْ يَرَوْنَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ حق تعالی باو عطا کند
اجر و ثواب آنقدر که وصف نتوانند نمود آنرا وصف کنندگان شب چهارم سید در کتاب مذکور
از رسول خدا صلعم روایت نموده که هر که در این شب صد رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در رکعت
اول هریک بعد از حمد سوره قل اعوذ برب الفلق یکنوبت و در رکعت دویم هریک بعد از حمد سوره
قل اعوذ برب الناس یکنوبت بخواند از هر آسمانی ملکی فرود آید و بنویسد برای او ثواب این نماز را تا روز
قیامت و بیاید در موقف قیامت و حال آنکه روی او مانند ماه شب چهارده باشد و نامه عمل او را
بدست راست او دهند و حساب او را بر او آسان کنند شب پنجم سید در کتاب مذکور از جناب مقدس
رسالت پناه صلعم روایت نموده است که هر که در این شب شش رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام
و در هر رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله احد بیست و پنج نوبت بخواند حق تعالی باو عطا کند ثواب
چهل پیغمبر و چهل صدیق و چهل شهید و بگذرد بر صراط چون برق لامع در حالتی که سوار باشد بر
اسبی از نور روز پنجم بروایت ابن عیاش چنانچه در مصباح نقل نموده ولادت با سعادت حضرت امام
علی نقی ع در این روز بوده است مؤلف گوید که شیخ ره در کتاب مذکور ایضا از ابن عیاش روایت نموده که
مولد آنحضرت در روز دویم ماه رجب بوده چنانچه سابقا مذکور شد و ممکن است که هر دو روایت ابن عیاش صحیح
باشد و بعضی وفات حضرت امام موسی کاظم ع را نیز در این روز گفته اند و مشهور بیست و پنجم این ماه است
و قول دیگر در این باب هست که در محل خود مذکور میشود و زیارت این بزرگوار در این روز از نزدیک
و دور مناسب است شب ششم سید در کتاب مذکور از رسول خدا صلعم روایت نموده که هر که در این شب

دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی حمد یکنوبت و آیة الکرسی هفت نوبت منادی از آسمان ندا کند که ای بنده
خدا تو بحق دوست خدائی حقا و برای تست بعوض هر حرفی که قرائت کرده در این نماز شفاعت کردن از
مسلمانان و برای تست هفتاد هزار حسنه که ثواب هر حسنه نزد حق تعالی گرانتر باشد از کوههای
دنیا روز ششم کفعمی ره در جنة الامان وفات حضرت امام موسی کاظم ع را در این روز نقل نموده است
و باین جهت زیارت آنحضرت از نزدیک و دور در این روز مناسب است شب هفتم سید در کتاب مذکور
از رسول خدا صلعم روایت نموده است که هر که در این شب چهار رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در
هر رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله احد را سه نوبت و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس را
هریک یکنوبت بخواند و چون فارغ شود ده نوبت صلوات بر رسول خدا صلعم و آل آنحضرت بفرستد و ده نوبت
باقیات صالحات را بخواند و باقیات صالحات سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَٰهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ
أَكْبَرُ است حق تعالی او را در سایه عرش خود جا دهد و عطا فرماید باو ثواب کسی را که ماه رمضان را
روزه داشته باشد و استغفار کنند برای او ملائکه تا از آن نماز فارغ شود و آسان شود بر او جان کندن
و فشار قبر و از دنیا بیرون نرود تا منزل خود را در بهشت مشاهده نماید و ایمن گرداند حق تعالی او را از فزع اکبر
روز قیامت مؤلف گوید که کفعمی ره در جنة الامان چنین نقل نموده توحید و معوذتین سه مرتبه و محتمل است
که مراد او خواندن سوره توحید و معوذتین هریک سه مرتبه باشد یا خواندن توحید یک مرتبه و هریک از معوذتین
سه مرتبه بوده باشد و بر هر تقدیر با نقل سید مخالف و اعتماد بر نقل سید بیشتر است والله تعالی یعلم شب
هشتم سید در کتاب مذکور از حضرت رسالت صلعم روایت کرده است که هر که در این شب بیست رکعت نماز بکند
هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون و قل اعوذ برب الفلق
و قل اعوذ برب الناس را هریک سه نوبت بخواند حق تعالی عطا فرماید باو ثواب شکر کنندگان و صبر
کنندگان و نام او را ثبت کرده اند در میان صدیقان و بعوض هر حرفی برای او ثواب هر صدیقی و شهیدی
باشد و چنان باشد که قرآن را ختم نموده باشد در ماه رمضان و چون از قبر بیرون آید ملائکه ملاقات کنند
او را هفتاد صف که بشارت دهند او را به بهشت و مشایعت نمایند او را تا به بهشت داخل شود شب نهم
سید ره در کتاب مذکور از رسول خدا صلعم روایت کرده که هر که در این شب دو رکعت نماز بکند و در هر رکعتی
بعد از حمد سوره الهکم التکاثر پنج نوبت از جای خود بر نخیزد مگر آنکه حق تعالی او را بیامرزد و عطا
فرماید باو ثواب صد حج و صد عمره و نزول صد فرشته برای او هزار هزار رحمت و ایمن میسازد او را از آتش
و اگر تا هفتاد روز دیگر بمیرد شهید مرده باشد شب دهم سید قدس الله روحه در کتاب مذکور از
حضرت رسالت صلعم روایت کرده است که هر که در این شب بعد از نماز مغرب دوازده رکعت نماز بگذارد هر
دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله احد را سه نوبت بخواند حق تعالی بلند کرده است
برای او قصری در بالای عمودی از یاقوت سرخ پس صحابه گفتند یا رسول الله چه قدر است این عمود فرمود

مثل ما بین مشرق و مغرب و در آن عمود هفتصد غرفه باشد که هر غرفه وسیع تر از دنیا باشد و این غرفها همگی
از طلا و نقره و یاقوت و زبرجد باشد و در آن قصر خانها باشد بعدد ستارهای آسمان و در آن خانها
چیزی چند باشد که هیچ بشری وصف آن نتواند نمود روز دهم بروایت سید بن طاوس در اقبال و روایت
ابن عیاش چنانچه شیخ در مصباح نقل نموده و قول کفعمی در جنة الامان ولادت با سعادت حضرت امام
محمد تقی عم درین روز بوده و اشهر میان علما یازدهم یا نوزدهم ماه مبارک رمضان است و فقره اول دعائی
که در عمل پنجم از باب چهارم گذشت فی الجملة شهادت بر حقیت قول او میدهد و وفات آنحضرت بقول
کفعمی ره در جنة الامان نیز درین روز بوده و اشهر میان علما آخر ماه ذی الحجة است و اقوال دیگر هست
که در مواضع خود مذکور خواهد شد و چون این روز اختصاصی با آنحضرت دارد زیارت آنحضرت از
نزدیک یا زیارت جامعه مخصوص امام نهم یا زیارات مطلقه مناسب است و اگر دور باشد بر بام خانه بالا
رود و دو رکعت نماز کند و بهر لفظی که انشا نماید زیارت نماید و سید ره در اقبال العمد مرسل روایت کرده
است که از برای حق تعالی در هر سالی در روز دهم از اشهر حرمت امر عظیمی هست در روز دهم ماه ذی
حجه واقع میشود و در روز دهم ماه محرم روز عاشورا است که قضیه واهیه شهادت در آن روز
واقع شده و هر سال مصیبت آنحضرت در آن روز بر مسلمانان تازه میشود و در روز دهم ماه رجب ماه
محرم سفر باید و اثبات سفر باید آنچه را میخواهد و دهم ماه ذیقعدة الحرام در آن حدیث مذکور نیست
سید گوید که در روز دهم ماه ذیقعدة الحرام در کتاب جامع الدعوات که تالیف نصر بن یعقوب دینوری است
دیدم حدیثی از رسول خدا صلعم که شب دهم ماه ذی قعده حق تعالی بسوی بندهاش نظر رحمت میفرماید مولف گوید که
چون در حدیث آخر شب دهم ذی قعده واقع شده مناسب با حدیث اول ندارد چه در حدیث اول روز دهم
از اشهر حرم وارد شده و ظاهرا روز دهم ذیقعده از حدیث اول ساقط شده است والله تعالی اعلم شب یازدهم
سید طاب ثراه در کتاب مذکور از حضرت رسالت صلعم روایت نموده است که هر که در این شب دوازده رکعت
نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد آیة الکرسی دوازده نوبت حق تعالی عطا فرماید باو
ثواب کسی را که خوانده باشد توریة و انجیل و زبور و قرآن مجید و هر کتابی که فرو فرستاده بر پیغمبران و منادی
از عرش ندا کند که عمل را از سر گیر که آمرزیده شدی روز یازدهم سید جلیل نبیل امیر محمد باقر داماد طاب ثراه در
بعضی از مولفات خود گفته که روز یازدهم ماه رجب نحس است چنانچه هر طفلی که بوجود آید درین روز نماند و
هر که بیمار شود معالجه نپذیرد و خوب نشود و درختی که بنشانند مختل شود و اگر کسی درین روز بحبس
رود کشته شود و اگر بسفر رود باز نیاید و هر کاری که در این ایام بکند باتمام نرسد مولف گوید که این معنی
در روایتی و حدیثی بنظر نرسید شب دوازدهم سید ره در کتاب مذکور از حضرت خاتم المرسلین صلعم روایت کرده است
که هر که در این شب دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد آیه آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا اُنْزِلَ اِلَیْهِ
مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ کُلٌّ آمَنَ بِاللهِ وَمَلٰئِکَتِهِ وَکُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَیْنَ اَحَدٍ مِنْ

رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَاَطَعْنَا غُفْرَانَکَ رَبَّنَا وَاِلَیْکَ الْمَصِیرُ لَا یُکَلِّفُ اللهُ نَفْسًا اِلَّا
وُسْعَهَا لَهَا مَا کَسَبَتْ وَعَلَیْهَا مَا اکْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا اِنْ نَسِینَا اَوْ اَخْطَاْنَا رَبَّنَا
وَلَا تَحْمِلْ عَلَیْنَا اِصْرًا کَمَا حَمَلْتَهُ عَلَی الَّذِینَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا
بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا اَنْتَ مَوْلَانَا فَانْصُرْنَا عَلَی الْقَوْمِ الْکَافِرِینَ را ده نوبت
بجا آورد حق تعالی عطا فرماید باو ثواب امر کنندگان بمعروف و نهی کنندگان از منکر و ثواب آزاد نمودن
هفتاد بنده از فرزندان اسمعیل عم را و هفتاد درجه در جنت باو عطا فرماید روز دوازدهم جد علامه امام
مولانا محمد باقر مجلسی قدس الله روحه در کتاب بحار الانوار ذکر نموده که در بعضی از کتب از حضرت امام
حسن عسکری عم روایت شده است که روز دوازدهم ماه رجب روز نحسی است و نیکو نیست مرتکب
شدن هیچ عملی از اعمال دنیا در آن مگر خلوت گزیدن از مردم و عبادت کردن پروردگار و غافل نبودن و
روزه داشتن شب سیزدهم و اعمال آن چند چیز است اول احیا داشتن آن بعبادت و حدیث آن اعمال شب سیزدهم ماه رجب
در فضیلت روز این شب مذکور میشود دویم سید ره در کتاب مذکور از رسول خدا صلعم روایت کرده
است که هر که در این شب ده رکعت نماز کند هر دو رکعت بیک سلام و در رکعت اول هر یک بعد از حمد
سوره والعادیات و در رکعت دویم هر یک بعد از حمد سوره الهیکم التکاثر بجا آرد حق تعالی گناهان
او را بیامرزد اگر چه عاق والدین خود شده باشد و راضی شود حق تعالی از او و منکر و نکیر نزد او نیایند
و او را نترسانند و بگذرد از صراط چون برق جهنده و نامه عملش را بدست راست او دهند و میزان
عملش ثقیل و سنگین باشد و در جنة الفردوس هزار شهر باو عطا کنند سیم دو رکعت نماز و در هر
رکعت بعد از حمد سوره یس و تبارک و قل هو الله احد و در اعمال مشترکه ماه رجب و شعبان و ماه
رمضان مذکور میشود روز سیزدهم مشهور میان محدثین و مورخین خاصه و عامه آنست که حضرت
امیر المومنین عم در روز جمعه سیزدهم همین ماه بعد از سی سال از عام الفیل در میان کعبه معظمه متولد
شد و در آن وقت عمر شریف حضرت رسالت صلعم بیست و هشت سال بود و دوازده سال و بقولی ده سال
پیش از بعثت آنحضرت بوده و اقوال دیگر در این باب هست که در مواضع مناسب مذکور میشود و
بروایت ابراهیم بن هاشم چنانچه شیخ در مصباح نقل نموده ولادت حضرت امام علی نقی عم در روز
سه شنبه سیزدهم این ماه است و چون این روز اختصاصی باین دو بزرگوار دارد زیارت ایشان از
نزدیک و دور مناسب است و سید جلیل نبیل امیر محمد باقر داماد قدس الله روحه در بعضی از مولفات
خود گفته که روز سیزدهم ماه رجب مانند روز یازدهم نحس است چنانچه هر طفلی که متولد شود در این
روز نماند و هر که بیمار شود معالجه نپذیرد و درختی را که بنشانند مختل شود و هر که بحبس رود در
این روز کشته شود و هر که بسفر رود باز نیاید و کاری که در این روز شروع شود باتمام نرسد مولف
گوید که این معنی در روایتی بنظر نرسید بلکه از احادیث ظاهر میشود که این روز مزید فضیلتی دارد

در روزهٔ آن بخصوص فضیلت عظیم دارد چنانچه در اعمال روز اول مذکور شد و آن روز از جملهٔ ایام البیض است و ایام البیض هر ماه فضیلت بسیار دارد و روزه داشتن آنها ثواب عظیم دارد و در آخر کتاب مذکور خواهد شد و ایام بیض ماه رجب و لیالی آنها بخصوص میان سایر ماهها نیز بمزید فضیلت ممتاز است چنانچه سید بن طاوس در اقبال از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله روایت نموده است که هر که روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم رجب را روزه دارد و در شبها آنرا بعبادت قسم باکه حق و راستی مرا مبعوث کرده است که چنین کسی از دنیا نرود مگر بتوبهٔ نصوح و بعوض هر روزی که روزه داشته هفتاد گناه کبیرهٔ او آمرزیده شود و هفتاد حاجت او بر آورده شود در نزد فزع اکبر و هفتاد حاجت چون داخل قبر شود و هفتاد حاجت چون از قبر بیرون آید و هفتاد حاجت چون میزان عمل نصب شود و هفتاد حاجت نزد صراط و بعوض هر روزی که روزه داشته چنان باشد که هفتاد بنده از فرزندان اسمعیل را آزاد کرده و هفتاد هزار مرتبه قرآن را ختم نموده و هفتاد سال در راه خدا مرابطه کرده و هفتاد پل در راه خدا ساخته باشد و شفاعت او در حق هفتاد نفر از اهل بیت او که مستوجب جهنم شده باشند مقبول شود و حق تعالی بنا کند برای او در جنات فردوس هفتاد هزار شهر که در هر شهری هفتاد هزار قصر و در هر قصری هفتاد هزار حوریه و هر حوریه هفتاد هزار خادم داشته باشد و شیخ در مصباح و سید در اقبال از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت نموده اند که هر که ایام البیض ماه رجب را روزه دارد حق تعالی برای او بعوض هر روزی ثواب روزهٔ یکسال و عبادت یکسال را بنویسد و در روز قیامت بایستد در محل ایمنان که هیچ بیم و خوفی نداشته باشد شب چهاردهم و در این شب چند چیز سنت است اول احیا داشتن آن بعبادت چنانچه در شب سیزدهم مذکور شد دوم سید در کتاب مذکور از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که هر که در این شب سی رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد سورهٔ قل هو الله احد و الکوثر و آیهٔ آخر سورهٔ کهف قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا بحق آن خدائی که جان من در قبضهٔ قدرت اوست که اگر گناهان او زیاده از ستارهای آسمان باشد فارغ نشود از این نماز مگر آنکه طاهر و مطهر باشد از همه گناهان و چنان باشد که خوانده باشد هر کتابی که حق تعالی فرو فرستاده است سیم چهار رکعت نماز هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد سورهٔ یس و تبارک و قل هو الله احد هر یک یکمرتبه و دعاهای مشترکهٔ رجب و شعبان و ماه رمضان که گذشت روز چهاردهم روزه از روز مستحبه که گذشت چنانچه گذشت شب پانزدهم این شب در میان لیالی بیض این ماه بمزید فضیلت و برکت امتیاز دارد سید بن طاوس رحمه الله در اقبال از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله روایت کرده است که

فضیلت ایام البیض ماه رجب

اعمال شب چهاردهم ماه رجب

اعمال روز چهاردهم ماه رجب

چون شب نیمهٔ رجب داخل شود حق تعالی امر فرماید خازنان دیوان خلایق و کاتبان اعمال ایشان را که نظر کنید در دیوان بندگان من و هر گناهی را که بیابید محو کنید و بجای آن حسنات را بنویسید و اعمال این شب بسیار است اول احیا داشتن آن بعبادت چنانچه گذشت در شب سیزدهم و بخصوص این شب فضیلت آن زیاده است چنانچه صاحب تنبیه الغافلین از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده است که هر که احیا کند شب نیمهٔ ماه رجب را حق تعالی بذات مقدس خود سوگند یاد کرده که در این شب هیچ سائلی را از درگاه خود رد نکند پس هر که از شما که در این شب دعا کند طلب نکند از خدا امر حرامی را و در این شب بسیار استغفار کنید که هر که در شب نیمهٔ رجب یا روز نیمهٔ آن هزار نوبت استغفار کند حق تعالی بیامرزد گناهان او را و در میانهٔ انبیا و ماه رجب آینده یا ماه رجب گذشته و او را در وقت مرگ از عذاب قبر نگاه دارد دوم غسل بنابر احتمالی و در اعمال شب اول مذکور شد سیم بسیار استغفار از گناهان خود کردن در این شب و اگر هزار نوبت استغفار کرده شود ثواب عظیم است و در عبارت استغفار اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ کافی است و اگر بگوید اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَ اَتُوبُ اِلَیْهِ بهتر است و اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّی وَ اَتُوبُ اِلَیْهِ افضل و کاملتر است چهارم سید رحمه الله در کتاب مذکور از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که هر که در این شب سی رکعت نماز بگذارد هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد سورهٔ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ را ده نوبت بخواند فارغ نشود از این نماز مگر آنکه عطا کرده شود ثواب هفتاد شهید و بیاید روز قیامت در حالی که نور او روشنی دهد گروهی را از اهل محشر که مجتمع شده باشند در موقفی مانند مابین مکه و مدینه و عطا فرماید او را حق تعالی برائتی از آتش جهنم و برائتی از نفاق و رفع نماید از او عذاب قبر را و ایضا در اقبال این نماز را بسند دیگر از آن حضرت روایت کرده و در آن حدیث چنین است که هر که در این شب این نماز را بکند حق تعالی او را از آتش جهنم آزاد کند و برای او بعوض هر رکعتی عبادت چهل شهید را بنویسد و عطا فرماید بعوض هر آیه دوازده نور و بعوض هر سوره از قل هو الله که خوانده باشد دوازده شهر از مشک و عنبر و بنویسد برای او ثواب هر که را که روزه داشته و نماز کذارده باشد در این ماه از مرد و زن و اگر بمیرد تا سال آینده شهید مرده باشد و حفظ کرده شود از فتنهٔ قبر مؤلف گوید که سید در مصباح الزائر بترتیب زیارت نیمهٔ رجب بقیهٔ اعمال شب نیمه و روز آنرا ذکر نموده و از جملهٔ اعمال شب نیمه این نماز را ذکر نموده و سورهٔ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ را یازده مرتبه نقل نموده و کفعمی نیز در جنة الامان سورهٔ قل هو الله احد را یازده مرتبه نقل نموده و ظاهرا آنچه در اقبال است اصح است و سید در مصباح الزائر و کفعمی سهو نموده اند و گویا منشاء سهو آنست که عبارت حدیث چنانست قل هو الله احد عشر مرات و سید و کفعمی لفظ احد را جزو قل هو الله گمان کرده اند با لفظ عشر ترکیب نموده احد عشر خوانده اند و جد علامه ام مولانا محمد تقی مجلسی در مفتاح مطابق اقبال نقل نموده است و الله تعالی یعلم پنجم شش رکعت نماز هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد

بنا کند برای او

اعمال شب نیمهٔ رجب

سوره تبت و تبارک و قل هو الله احد و در اعمال مشترکه رجب و شعبان و ماه رمضان مذکور شد مستغفر

شیخ طوسی ره در مصباح بسند صحیح از حضرت امام جعفر صادق ع روایت نموده که آنحضرت فرمود
سرجان فرمود که در شب نیمهٔ رجب دوازده رکعت نماز میکنی هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعتی بعد از
حمد هر سوره که خواهی و چون فارغ شدی از نماز هر یک از سورهٔ حمد و معوذتین و قل هو الله احد و
آیة الکرسی را چهار نوبت بخوانی سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ
و بعد از آن چهار نوبت میگویی
پس میگویی اَللهُ اَللهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَمَا شَاءَ اللهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
و در شب بیست و هفتم
ایام نیز این عمل را بجا میآوری و شیخ بعد از نقل این روایت میگوید که ابن ابی عمیر گفته که در روایت دیگر وارد
شده که بعد از دوازده رکعت سورهٔ حمد و معوذتین و قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون را هر یک
هفت نوبت بخوانی و اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ
بعد از آن میگویی
لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا پس میگویی اَللّٰهُمَّ بِمَعْقِدِ عِزِّكَ عَلَى أَرْكَانِ
بعد از این
عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ وَ
ذِكْرِكَ الْأَعْلَى الْأَعْلَى الْأَعْلَى وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ كُلِّهَا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
آلِهِ وَأَسْأَلُكَ مَا كَانَ أَوْفَى بِعَهْدِكَ وَأَقْضَى لِحَقِّكَ وَأَرْضَى لِنَفْسِكَ وَخَيْرًا لِي
فِي الْمَعَادِ عِنْدَكَ وَالْمَعَادِ إِلَيْكَ أَنْ تُعْطِيَنِي السَّاعَةَ كَذَا وَكَذَا و بجای
کذا و کذا
حوائج خود را مطلب و هر دعا که خواهی میکنی مؤلف گوید که در روایت ابن ابی عمیر مذکور نیست که این عمل
مخصوص شب نیمه است یا در شب بیست و هفتم نیز باید کرده شود و در عبارت هر دو احتمال میرود و
احوط آنست که در شب بیست و هفتم نیز این عمل کرده شود و سید بن طاوس قدس الله روحه در کتاب
اقبال طریق اول این عمل را مخصوص شب نیمه ذکر نموده و در کتاب مصباح الزائر هر دو طریق را مخصوص شب
نیمه نقل نموده است لیکن طریق اول را مطابق نقل نموده با آنچه خود در اقبال و شیخ در مصباح ذکر نموده
است زیرا که در طریق اول گفته که بعد از آنکه سوره مذکوره و آیة الکرسی را چهار نوبت بخوانی بگو

باب سهو شیخ ره در مصباح الزائر

لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسُبْحَانَ اللهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ
الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و ظاهرا در مصباح الزائر سهو نموده زیرا که در شب بیست و هفتم دوازده
رکعت نماز بطریق دیگر منقول است که سید در اقبال ذکر نموده و ما بعد از این ایراد خواهیم نمود و بعد
از آن نماز این اذکار باین کیفیت وارد شده و چون عادت سید بوده که در تالیفات کاهی از حفظ املا
مینموده و کاتب می نوشته است چنانچه خود در چند موضع از کتاب اقبال و غیر آن تصریح باین معنی نموده
است بنا بر این ظاهر آنست که در این موضع از مصباح الزائر نیز چنین شده باشد و الفاظ این دو ذکر
بیکدیگر اشتباه شده باشد و علامه سید جلیل نبیل میرزا محمد باقر داماد ره نیز در بعضی از مؤلفات
طریق اول این عمل را ذکر نموده و تسبیحات اربع را مطلقا نقل نموده و ذکر آخر را که الله الله ربی تا آخر
است یکمرتبه نقل نموده و گفته است که اگر چهار نوبت خوانده شود بهتر است و گویا او از حفظ این عمل را
نقل کرده و باین سبب سهو نموده است والله تعالی یعلم هفتم بعضی گفته اند که زیارت حضرت امام

باب زیارت حضرت امام حسین ع در نیمهٔ رجب

حسین ع در این شب مستحب است و روایتی که صریح در این باب باشد بنظر نرسید و تفصیل این معنی
در اعمال و زیارت شب مذکور میشود لیکن چون این شب از لیالی متبرکه است اگر زایر در کربلای معلی حاضر باشد
زیارت کند و در غیر این شب مذکور میشود یا زیارت جامعه کرده عمل نماید از باب چهارم مذکور شد یا بغیر
زیارات بعیده منقوله زیارت نماید روز دهم شیخ طوسی طاب ثراه در مصباح گفته است که در این
روز رسول خدا صلعم از شعب ابو طالب بیرون آمد و در این روز بعد از پنج ماه از هجرت حضرت فاطمه
صلوات الله علیها را حضرت امیر المؤمنین صلعم تزویج فرمود و بعضی گفته اند که در شانزدهم و ستم تزویج حضرت
فاطمه صلوات الله علیها در آن وقت سیزده ساله بروایتی و نه ساله بروایتی بوده و روایات دیگر
در باب سن شریف آنحضرت نیز وارد شده است و در این روز قبله از بیت المقدس بسوی کعبه راجع شد
و مردم در نماز عصر بودند بعضی که دو رکعت را بسوی بیت المقدس و بعضی از نماز ایشان بجانب بیت
المقدس و بعضی بجانب بیت الحرام واقع شد مؤلف گوید که شیخ طوسی ره در کتاب امالی زفاف حضرت امیر
المؤمنین و فاطمه علیهما السلام را در ماه شوال نقل نموده و بعضی سر شب ششم ماه ذی حجه گفته اند
و صاحب کشف الغمه از حضرت صادق ع روایت کرده است که تزویج در ماه مبارک رمضان و زفاف
در ذی حجه بوده و بعضی از مخالفین در ماه صفر گفته اند و اکثر اعاظم علما از شیخ کثیر التبهیر را در شب
بیست و یکم ماه محرم از سال سیم هجرت نقل نموده اند و بعضی وفات حضرت صادق ع نیز در پانزدهم رجب نقل
نموده اند و اشهر آنست که در ماه شوال واقع شده و بر هر تقدیر زیارت آنحضرت را از دور و در این روز
و دور مناسب است و روز دوازدهم [illegible] و بعضی از روایات [illegible]
معنی مناسب مذکور شد و بعضی بعد از این در ضمن بیان اعمال مذکوره میشود و اعمال این روز [illegible]
اول عمل بنا بر احتمال اظهر چنانچه در اعمال شب اول مذکور شد و بعد از این نیز مذکور میشود دوم

آنچه در این حدیث شریف وارد شده است سید بن طاوس قدس الله روحه در کتاب اقبال از ابن عباس روایت نموده است
که حضرت آدم ع از حق تعالی مسئلت نمود که پروردگارا خبر ده مرا بمحبوبترین روزها و شبها نزد تو پس وحی
نمود حق تعالی بسوی او که ای آدم محبوبترین اوقات بسوی من روز بیست و هفتم رجب است ای آدم تقرب جو بسوی من
در روز بیست و هفتم رجب بقربانی و ضیافت نمودن و روزه داشتن و دعا و استغفار و گفتن لا اله الا الله ای آدم
بدرستی که قضا کرده ام در آنچه قضا کرده ام و نوشته ام در آنچه نوشته ام آنکه مبعوث کردانم از فرزندان تو
پیغمبری که غلیظ القلب و سنگین دل نباشد و آواز او در بازارها بلند نکردد و بردبار و مهربان و صاحب کرم و صاحب
برکت عظیم باشد و مخصوص کردانم او را و امت او را بروز بیست و هفتم رجب پس سؤال نکنند ایشان در آن روز از من
چیزی مکر آنکه عطا کنم آنرا بایشان و طلب آمرزش نکنند مکر آنکه بیامرزم ایشان را و طلب روزی نکنند
مکر آنکه روزی دهم ایشان را و از گناهان توبه نکنند مکر آنکه توبه ایشان را قبول نمایم و طلب رحمت نکنند
مکر آنکه رحمت کنم برایشان ای آدم بدرستی که هر که صبح کند روز بیست و هفتم رجب را در حالتی که روزه باشد و
مشغول ذکر الهی با خشوع باشد و محافظت نماید فرج خود را در این روز و از مال خود چیزی تصدق کند
نباشد جزای او نزد من مکر بهشت ای آدم بکو بفرزندان خود که نکاه دارند خود را در ماه رجب از گناهان
بدرستی که گناه در این ماه بسیار بزرگ و عظیم است مؤلف گوید که مخفی نماند که از این حدیث شریف هشت
عمل در این روز مستفاد می شود اول تقرب جستن بقربانی عبادتی است و لفظ قربانی در لغت عرب بمعنی هر
چیزیست که بآن قصد قرب و نزدیکی برحمت الهی کنند از اعمال خیر و گاهی بر قربانی که کشتن گوسفند یا
امثال آنست در راه خدا نیز اطلاق می کنند و در این مقام هر دو محتمل است و بنا بر معنی اول شامل نماز و دعا
و تصدق و سایر اعمال خیر می گردد دوم ضیافت نمودن سیم روزه داشتن و مخفی نیست که روزه بودن
با ضیافت نمودن جمع نمی شود و ظاهر آنست که مراد از ضیافت کردن طلبیدن مؤمنان برای افطار باشد
چهارم دعا و هر لفظی که واقع شود خوب است و اگر ادعیه منقوله خوانده شود بهتر است پنجم استغفار
و آن لفظی است که دلالت بر طلب مغفرت کند مانند أستغفر الله و اگر ربی و أتوب الیه اضافه شود
تمامتر است و اگر هزار مرتبه گفته شود ثواب آن عظیم است چنانچه در حدیثی که از مشیر القلوب در
فضیلت احیای شب این روز نقل شده مذکور است ششم گفتن لا اله الا الله هفتم محافظت نمودن
فرج از همه انواع تمتعات حرام و حلال خواه بطریق مجامعت باشد یا غیر آن و مراد از محافظت نمودن فرج
در این حدیث این معنی است نه خصوص مجامعت چه روزه داشتن این معنی مستلزم ترک مجامعت است هشتم
تصدق نمودن والله تعالی یعلم سیم خواندن سوره قل هو الله احد هزار نوبت صاحب کتاب مشیر القلوب
از ابو سعید خدری روایت کرده که گفت داخل شدم بر رسول خدا ص در روز اول ماه رجب چون نظر مبارکش
بر من افتاد فرمود که ای ابو سعید چه نیکو ماهی است این ماه و چه بسیار است خیر و نیکی این ماه و چه با برکت است
روزهای این ماه گفتم که چگونه است نیکی این ماه یا رسول الله فرمود که خبر داد مرا جبرئیل که چون شب اول ماه

رجب شود منادی ندا کند در آسمانها که اینک ماه توبه داخل شد پس خوشا حال کسی که طلب آمرزش کند از خدا
در این ماه ای ابو سعید هیچ بنده در این ماه طلب آمرزش نکند مکر آنکه حق تعالی بیامرزد او را ای ابو سعید
در این ماه روز بزرکی هست عرض کردم که کدام روز است آن روز یا رسول الله فرمود که آن روز بیست و هفتم رجب
است گفتم فدای تو شود پدر و مادرم یا رسول الله چه ثواب است برای آن روز فرمود که بدرستی که حق
تعالی در بیست و هفتم مطلع می شود بر همه اهل زمین و هیچ مرد مؤمن و زن مؤمنه نماند مکر آنکه حق تعالی او را بیامرزد
ای ابو سعید هر که روز بیست و هفتم رجب را روزه دارد روزه او کفاره گناه دویست سال او باشد و عبادت
شب آن روز برابر باشد با عبادت هزار شب و اگر توقف در بالای آن ورزد و بخواهی بیافت پس در آن روز هزار
نوبت سوره قل هو الله احد را بخواند زیرا که هر که در این روز هزار نوبت قل هو الله احد بخواند هر آینه حق تعالی
برای او در بهشت هزار قصر و در هر قصری هزار خانه و در هر خانه هزار صفه و در هر صفه هزار حجره و در هر حجره
هزار کرسی و در هر کرسی هزار فرش و در هر فرشی هزار حوری که بهتر از ماه باشد و موکل کرداند حق تعالی باو
چهل هزار ملک که صلوات بر او فرستند تا روز قیامت و هر که زیاده از این بخواند حق تعالی ثواب بر او زیاده
بدهد چهارم ده رکعت نمازی که سلمان رض از رسول خدا ص روایت کرده است و کیفیت آن در اعمال روز
اول مذکور شد پنجم سید بن طاوس طاب ثراه در اقبال بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع روایت
کرده است که فرمود که عدی بن ثابت انصاری در روز بیست و هفتم رجب داخل شد بر حضرت امیر المؤمنین ع در حالتی
که آنحضرت مشغول نماز بود و چون حضرت دانست که او داخل شده بدست مبارک خود اشاره فرمود که
یا ابیت عدی بن ثابت گوید که پس ایستادم و دیدم که حضرت چهار رکعت نماز کرد و من احدی را ندیدم پیش از آنحضرت
و بعد از آن که این نماز را کرد و چون سلام نماز گفت فرمود اللّهمّ یا مذلّ کلّ جبّار و معزّ المؤمنین
دست مبارک را کشود و این دعا را خواند

أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُعْيِينِي الْمَذَاهِبُ وَأَنْتَ بَارِئُ خَلْقِي رَحْمَةً بِي وَقَدْ كُنْتَ عَنْ خَلْقِي
غَنِيّاً وَلَوْلَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ وَأَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ عَلَى أَعْدَائِي وَلَوْلَا
نَصْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ يَا مُرْسِلَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَعَادِنِهَا وَمُنْشِئَ الْبَرَكَةِ
مِنْ مَوَاضِعِهَا يَا مَنْ خَصَّ بِالشُّمُوخِ وَالرِّفْعَةِ فَأَوْلِيَاؤُهُ بِعِزِّهِ يَتَعَزَّزُونَ يَا مَنْ
وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَذَلَّةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ أَسْأَلُكَ

المفضوحين ن د

بِکَیْنُونِیَّتِکَ الَّتِی اشْتَقَقْتَهَا مِنْ کِبْرِیَائِکَ وَأَسْأَلُکَ بِکِبْرِیَائِکَ الَّتِی اشْتَقَقْتَهَا
مِنْ عِزَّتِکَ وَأَسْأَلُکَ بِعِزَّتِکَ الَّتِی اسْتَوَیْتَ بِهَا عَلَی عَرْشِکَ فَخَلَقْتَ بِهَا جَمِیعَ
خَلْقِکَ فَهُمْ لَکَ مُذْعِنُونَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَیْتِهِ پس آنحضرت [illegible]
فرمود که من آنرا نشنید

و بعد از آن بمن التفات فرمود و گفت ای عدی آیا شنیدی گفتم بلی فرمود آیا حفظ کردی گفتم بلی فرمود که حفظ
کن این دعا را و اعراب کن پس بآن خدائی که دانه را شکافته و کعبه را نصب کرده و خلایق را خلق کرده است
که بخواند این دعا را احدی از اهل زمین و بخواند است این دعا را هیچ مکروب و غمگینی مگر آنکه حق تعالی کرب
و اندوه او را زایل کرده است مؤلف گوید که نماز مذکور باید بعد و سلام واقع شود و در هر رکعتی حمد و هر سوره
که خواهد بخواند و از سیاق حدیث معلوم میشود که دعای مذکور لازم نیست که بعد از این نماز خوانده شود
بلکه در هر وقتی برای هر مطلبی اگر خوانده شود بانجاح مقرون میگردد بلکه دور نیست که نماز مذکور نیز
اختصاص بروز عید نداشته باشد و در سایر اوقات نیز توان بجا آورد والله تعالی یعلم ششم
ایضا سید در اقبال از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله روایت نموده است که هر که در روز عید رجب در وقت
ارتفاع آفتاب چهار رکعت نماز بگذارد هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی بعد از حمد سوره قل هو الله احد
و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس هر یک یکنوبت بیرون آید از گناهان خود مانند روزی که از
مادر متولد شده باشد و محشور شود از قبر با شهیدان و داخل بهشت شود با پیغمبران و متعلق شود در قبر
تنگی قبر و تاریکی آن از او برداشته شود و بیرون آید از قبر و حال آنکه روی او درخشنده باشد هفتم
شیخ طوسی رحمه الله در مصباح بسند خود از ریان بن الصلت روایت کرده است که گفت حضرت امام محمد تقی
در وقت اقامت بغداد روز نیمه ماه رجب و روز بیست و هفتم آنرا روزه داشت و جماعتی که با حضرت
همراه بودند همگی نیز روزه داشتند و امر فرمود ما را که بجا آوریم دوازده رکعت نماز را و کیفیتش است
که هر دو رکعت را بیک سلام میکنی و در هر رکعتی بعد از حمد هر سوره که خواهی میخوانی پس چون فارغ شدی سوره حمد
و سوره قل هو الله احد و معوذتین هر یک را چهار نوبت میخوانی پس چهار نوبت میگوئی لا اله الا الله و
الله اکبر و سبحان الله و الحمد لله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و چهار
نوبت الله الله ربی لا اشرک به شیئا و چهار نوبت لا اشرک بربی احدا مؤلف گوید که شیخ
طوسی در مصباح و سید بن طاوس در اقبال و علامه حلی در منهاج الصلاح و سید بن باقی در مصباح
این عمل را در روز بیست و هفتم نقل نموده اند و گویا از عبارت حدیث چنین فهمیده اند که این نماز مخصوص
روز بیست و هفتم است چون در عبارت ذکر نماز متصل بروزه آن روز مذکور است و ظاهر سیاق حدیث

چنانچه

چنانچه بر متامل پوشیده نیست آنست که این عمل در هر دو روز باشد والله تعالی یعلم ششم عمل مشهور بعمل
استفتاح که مشتمل است بر دعای ام داود و ابن بابویه و شیخ طوسی و سید بن طاوس و علامه حلی و کفعمی
قدس الله ارواحهم و دیگران بسندهای معتبر روایت کرده اند که حضرت امام جعفر صادق صلوات
الله علیه این عمل را بام داود تعلیم فرمود بجهت تخلیص داود پسرش از حبس و روایات سید متعدد است
و بعضی بحضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه و بعضی بام داود منتهی میشود و صورت حکایت
این عمل چنانچه از مجموع روایات مستفاد و مضمون اکثر است سید در اقبال ذکر نموده آنست که ام داود
مادر داود بن الحسن بن الحسن بن امیر المؤمنین علیهم السلام که پسرزاده حضرت امام حسن علیه السلام است
دایه حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بوده و شیر او در آن حضرت را شیر داده بود و چون محمد بن عبد الله
بن الحسن در مدینه خروج کرد و منصور دوانیقی علیه اللعنه لشکری فرستاد و او را کشتند و ابراهیم
برادر محمد را نیز شهید کردند و عبد الله بن الحسن پدر ایشان را با جمعی از سادات گرفته با غل و
زنجیر از مدینه بعراق بردند و داود نیز در میان آنها بود ام داود گوید که چون مدتی از حبس
فرزندم گذشت از او خبری بمن نرسید پیوسته دعا و تضرع میکردم و از برادران مومنین و دیانت شعار
و صلحا و متعبدان و زهاد التماس دعا مینمودم و مطلقا اثر استجابت نمی یافتم و گاهی خبر
بمن میرسید که داود را کشتند و گاهی میگفتند که او را با پسران عم او در زیر عمارت زنده گذاشتند و روز
بروز مصیبت من عظیم تر و اندوه من بیشتر میشد تا آنکه از غم گداخته و پیر شدم و از ملاقات او مایوس
گردیدم تا آنکه روزی شنیدم که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام را آزاری عارض شده است بعیادت آنحضرت
رفتم چون احوال آن حضرت را پرسیدم و او را دعا کردم و خواستم برگردم حضرت فرمود که از داود چه خبر
داری و من شیر داود را با آنحضرت داده بودم چون نام داود را شنیدم گریستم و گفتم فدای تو شوم
داود کجاست او در عراق محبوس است و من قطع امید از او کرده ام و از شما التماس میکنم که او را دعا
کنید او برادر رضاعی شماست حضرت فرمود چرا غافلی از دعای استفتاح و دعای اجابت و نجاح
و آن دعائی است که درهای آسمان بآن گشوده میشود و ملائکه استقبال میکنند کسی را که آنرا بخواند
و بشارت میدهند او را باجابت و آن دعائی است که از حجب الدعوات محجوب نمیگردد و خواننده آن
را جزائی بغیر بهشت نمیباشد ام داود گفت ای فرزند پاکیزگان قدرت کو آن چگونه است این دعا
حضرت فرمود که ای ام داود ماه محرم یعنی ماه رجب نزدیک شده است و آن ماهی است مبارک و
حرمت آن عظیم است و دعاها در آن مستجاب است چون آن ماه در آید روز سیزدهم و چهاردهم و
پانزدهم آنرا که ایام البیض آن ماه اند روزه بدار پس حضرت کیفیت آن عمل را باو تعلیم نمود و فرمود که این
دعا را حفظ کن و بهر کس تعلیم مکن که میترسم بدست کسی افتد که برای امر باطل و نامشروعی بخواند پس حق
که این دعای بسیار شریفی است و مشتمل است بر اسم اعظم الهی که البته برآورده میشود و اگر در دعا یعنی

آسمان و زمین همه بسته شوند یا دریاها حایل باشد میان تو و حاجت تو چون این دعا را بخوانی البته حق تعالی
آسان میکرداند رسید را بمطلب تو و حاجت ترا بر میآورد و هر که این دعا را بخواند خدا مستجاب میکرد
خواه مرد و خواه زن و اگر جمع اهل انس و جن دشمن فرزند تو باشند خداوند قادر کفایت شر ایشان میکند
و زبان ایشان را می‌بندد و ایشان را منقاد فرزند تو میکرداند ام داود گفت که نوشتم این دعا را و
دعا نمی‌کنم تا چون ماه رجب داخل شد آنچه حضرت فرموده بود بعمل آوردم و در شب پانزدهم نماز
شام و خفتن را ادا کردم و از روزه افطار نمودم و قدری عبادت کردم و بخواب رفتم و آخر شب رسول خدا
دیدم حضرت رسالت صلعم را با جمیع آن جماعتی که دراین دعا بر ایشان صلوات فرستاده بودم از ملئکه
پیغمبران و حضرت رسول صلعم بمن خطاب فرمود که ای مادر داود بشارت باد ترا که این جماعت که می‌بینی برادران
و یاوران و شفیعان تو اند و از برای تو طلب آمرزش میکنند و بشارت میدهند ترا بآنکه حاجت تو میسر
آورده است پس بشارت باد ترا بآمرزش خدا و خدا ترا جزای خیر دهد و شاد باش که حق تعالی حفظ میکند
ترا و فرزند ترا و او را بتو بر میگرداند ان شاء الله تعالی ام داود گفت که از خواب بیدار شدم و بعد از آن
نگذشت زمانی مگر بقدر آنکه سوار شد کسی از عراق بمدینه آید که داود بسوی من آمد پس سؤال کردم
از حال او گفت ای مادر من در عراق محبوس بودم در زندان بسیار تنگی و بند و زنجیر بسیار سنگین بود
و از خلاصی نا امید بودم تا روز نیمه رجب چون شب شد در خواب دیدم که بلندیهای زمین پست شد
و ترا دیدم که بر روی حصیرهای خود نشسته بودی و بر دور تو مردی چند بودند که سرهای ایشان در آسمان
و پاهای ایشان در زمین بود و تسبیح و تحمید خدا میکردند پس یکی از ایشان که از همه خوشروتر و خوشبوتر
بود و جامهای بسیار پاکیزه در بر داشت و گمان کردم که جدم حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله است
خطاب کرد با من که بشارت باد ترا ای فرزند عجوزه صالحه که حق تعالی دعای مادر ترا در حق تو مستجاب
کرد چون بیدار شدم دیدم که رسولان منصور و ابیقی بر در زندان حاضر شده مطلب من آمده بودند
در میان شب مرا نزد او بردند پس امر کرد که زنجیرها را از من برداشتند و ده هزار درهم که زیاده از
هزار تومان بوده عجالت آن زمان بمن عطا کرد و امر کرد که مرا بر چهارپای رهواری سوار کردند و در
نهایت سرعت بمدینه آوردند ام داود گفت که پس من داود را بخدمت حضرت صادق عم بردم حضرت
یاد فرمود که سبب خلاصی تو آن بود که منصور حضرت امیر المؤمنین عم را در خواب دید که با او فرمود که
رها کن فرزند مرا و اگر نکنی ترا در این آتش میاندازم چون نظر کرد دریای آتشی در زیر پای خود دید
پس از دهشت بیدار شد و از کرده خود پشیمان گردید و ترا رها کرد و اما کیفیت این عمل: چنانچه
در روایت [illegible] طاوس مذکور و در اقبال نقل نموده آنست که ام داود گوید که حضرت امام جعفر صادق
عم فرمود که در ماه رجب روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم را روزه بدار و روز پانزدهم در وقت
زوال غسل بکن پس هشت رکعت نافله ظهر را بجا آور و بعد از آن هشت رکوع و سجود آنها را نیکو بکن پس

نماز ظهر را بگذار و بعد از نماز ظهر دو رکعت نماز بکن بهر سوره که خواهی و بعد از آن صد مرتبه بگو یا
قاضی حوائج الطالبین پس هشت رکعت نافله عصر را بکن و بروایتی در هر رکعت از این هشت رکعت
بعد از حمد سوره قل هو الله احد را سه نوبت و سوره انا اعطیناک الکوثر یک نوبت بخوان پس نماز
عصر را بکن و باید که نماز تو در جامه پاکیزه باشد و بروایتی چون از نماز عصر فارغ شوی بپوش پاکیزه
ترین جامهای خود را و بنشین در حجره پاکیزه بر روی حصیر پاکی و سعی کن که داخل نشود بر تو کسی که ترا
مشغول کرداند پس رو بقبله کن و سوره حمد و قل هو الله احد را هر یک صد نوبت و آیة الکرسی را ده
نوبت بخوان پس سوره انعام و بنی اسرائیل و کهف و لقمن و یس و صافات و حم سجده و حمعسق
و حم دخان و انا فتحنا و اذا وقعت و تبارک الذی بیده الملک و ن و القلم و اذا السماء انشقت
تا آخر قرآن را بخوان و اگر نیکو ندانی این سوره‌ها را از قرآن نیز نیکو نتوانی خواند سوره قل هو الله احد
را هزار مرتبه بخوان پس سید گوید که شیخ ما شیخ مفید ره گفته است که هرگاه نیکو نتوانی خواند
این سورهای مخصوص را یا طاقت خواندن آنها نداشته باشی پس سوره حمد را صد نوبت و آیة
الکرسی را ده نوبت و قل هو الله احد را هزار نوبت بخوان و منقول است در بعضی از روایات دیدم که سوره
قل هو الله احد را صد مرتبه بخوان و این دعا برای حاجت و رفع یا سفر یا مهمی دیگر از مهمات مجرب است
پس حضرت امام جعفر صادق عم در یکی از روایات فرمود که چون فارغ شدی از خواندن آنها بخوان این دعا را و بگو
بسم الله الرحمن الرحیم صدق الله العظیم الذی لا اله الا هو الحی القیوم
ذو الجلال و الاکرام الرحمن الرحیم الحلیم الکریم الذی لیس کمثله شیء
و هو السمیع العلیم البصیر الخبیر شهد الله انه لا اله الا هو و الملئکة
و اولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم و بلغت رسله الکرام
و انا علی ذلک من الشاهدین اللهم لک الحمد و لک المجد و لک العز
و لک القهر و لک النعمة و لک العظمة و لک الرحمة و لک المهابة و لک
السلطان و لک البهاء و لک الامتنان و لک التسبیح و لک التقدیس

ولك التهليل ولك التكبير ولك ما يرى ولك ما لا يرى ولك ما فوق السموات
العلى ولك ما تحت الثرى ولك الارضون السفلى ولك الآخرة والاولى
ولك ما ترضى به من الثناء والحمد والشكر والنعماء اللهم صل على
جبرئيل امينك على وحيك والقوي على امرك والمطاع في سمواتك و
محال كراماتك المتحمل لكلماتك الناصر لانبيائك المدمر
لاعدائك اللهم صل على ميكائيل ملك رحمتك والمخلوق لرأفتك
احد حملة ؛ والمستغفر المعين لاهل طاعتك اللهم صل على اسرافيل حامل
عرشك وصاحب الصور المنتظر لامرك والوجل المشفق من خيفتك
جميع خلقك ؛ اللهم صل على عزرائيل قابض ارواح عبادك اللهم صل على
عرشك ؛ حملة العرش الطاهرين وعلى السفرة الكرام البررة الطيبين وعلى
ملئكتك الكرام الكاتبين وعلى ملئكة الجنان وخزنة النيران و
ملك الموت والاعوان يا ذا الجلال والاكرام اللهم صل على
اكرمته ؛ ابينا آدم بديع فطرتك الذي كرمته بسجود ملئكتك وابحته
جنتك اللهم صل على امنا حواء المطهرة من الرجس المصفاة

من الدنس

من الدنس المفضلة من الانس المترددة بين محال القدس اللهم صل على هابيل — اللبس ؛
وشيث وادريس ونوح وهود وصالح وابرهيم واسمعيل واسحق و
يعقوب ويوسف والاسباط ولوط وشعيب وايوب وموسى وهرون
ويوشع وميشا والخضر وذي القرنين ويونس والياس واليسع وذي
الكفل وطالوت وداود وسليمن وزكريا وشعيا ويحيى وتور — خ
ومتى وارميا وحيقوق ودانيال وعزير وعيسى وشمعون وجر — جيس
والحواريين والاتباع وخالد وحنظلة اللهم صل على محمد وآل محمد — ولقمن ؛
وارحم محمدا وآل محمد وبارك على محمد وآل محمد كما صليت ورحمت و
باركت على ابرهيم وآل ابرهيم انك حميد مجيد اللهم صل على
الاوصياء والسعداء والشهداء وائمة الهدى اللهم صل على الابدال
والاوتاد والسياح والعباد والمخلصين والزهاد واهل الجد و
الاجتهاد واخصص محمدا واهل بيته بافضل صلواتك واجزل
كراماتك وبلغ روحه وجسده مني تحية وسلاما وزده فضلا و
شرفا وكرما حتى تبلغه اعلى درجات اهل الشرف من النبيين — اكراما ؛

والمرسلين والأفاضل المقربين اللهم وصل على من سميت ومن لم أسم
من ملائكتك وأنبيائك ورسلك وأهل طاعتك وأوصل صلواتي إليهم
وإلى أرواحهم واجعلهم إخواني فيك وأعواني على دعائك اللهم إني
أستشفع بك إليك وبكرمك إلى كرمك وبجودك إلى جودك وبرحمتك
إلى رحمتك وبأهل طاعتك إليك وأسألك اللهم بكل ما سألك به
أحد منهم من مسألة شريفة غير مردودة وبما دعوك به من دعوة
مجابة غير مخيبة يا الله يا رحمن يا رحيم يا حليم يا كريم يا عظيم يا جليل
يا منيل يا جميل يا كفيل يا وكيل يا مقيل يا مجير يا خبير يا منير يا مبير
يا منيع يا مديل يا محيل يا كبير يا قدير يا بصير يا شكور يا بر يا طهر يا
طاهر يا قاهر يا ظاهر يا باطن يا ساتر يا محيط يا مقتدر يا حفيظ يا متجبر متجبر ن د
يا قريب يا ودود يا حميد يا مجيد يا مبدئ يا معيد يا شهيد يا محسن
يا مجمل يا منعم يا مفضل يا قابض يا باسط يا هادي يا مرسل يا مرشد
يا مسدد يا معطي يا مانع يا دافع يا رافع يا باقي يا واقي يا خلاق يا وهاب
يا تواب يا فتاح يا نفاح يا مرتاح يا من بيده كل مفتاح يا نفاع

يا رؤوف يا عطوف يا كافي يا شافي يا معافي يا مكافي يا وفي يا مهيمن يا عزيز
يا جبار يا متكبر يا سلام يا مؤمن يا أحد يا صمد يا نور يا مدبر يا فرد
يا وتر يا قدوس يا ناصر يا مونس يا باعث يا وارث يا عالم يا حاكم يا
بادي يا بادي يا متعالي يا مصور يا مسلم يا متحبب يا قائم يا دائم يا
هادي ن د
عليم يا حكيم يا جواد يا بارئ يا بار يا سار يا عدل يا فاصل يا ديان
يا حنان يا منان يا سميع يا بديع يا خفير يا مغير يا معين يا ناشر
يا غافر يا قديم يا مسهل يا ميسر يا مميت يا محيي يا نافع يا رازق يا مقتدر
يا رزاق يا مقتدر ن د
يا مسبب يا مغيث يا مغني يا مقني يا خالق يا راصد يا واحد يا حاضر
يا جابر يا حافظ يا شديد يا غياث يا عائد يا قابض در بعضي [illegible] يا منيب
اين يا دني نيز هست
يا مبين يا طاهر يا محب يا متفضل يا مستجيب يا عادل يا بصير يا موئل
مبين ن د
يا منذي يا أواب يا والي يا راصد يا مالك يا رب يا مذل يا معز يا ماجد
مبدئ ن د
راشد ن د
يا رازق يا ولي يا فاضل يا سبحان يا من علا فاستعلى فكان بالمنظر
الأعلى يا من قرب فدنا وبعد فنأى وعلم السر وأخفى يا من
إليه التدبير وله المقادير يا من العسير عليه سهل يسير

يا من هو على ما يشاء قدير يا مرسل الرياح يا فالق الإصباح يا باعث الأرواح
يا ذا الجود والسماح يا رادّ ما قد فات يا ناشر الأموات يا جامع الشتات
يا رازق من يشاء وبغير حساب و يا فاعل ما يشاء كيف يشاء يا ذا الجلال والإكرام
يا حيّ يا قيوم يا حيّ حين لا حيّ يا حيّ يا محيي الموتى يا حيّ لا إله إلا
أنت يا بديع السموات والأرض يا إلهي وسيدي صلّ على محمد وآل محمد وارحم
محمداً وآل محمد وبارك على محمد وآل محمد كما صليت وباركت وترحمت ورحمت
على إبراهيم وآل إبراهيم إنك حميد مجيد وارحم ذلي وفاقتي وفقري وانفرادي
ووحدتي وخضوعي بين يديك واعتمادي عليك وتضرعي إليك أدعوك
دعاء الخاضع الذليل الخاشع الخائف المشفق البائس المهين الحقير
الجائع الفقير العائذ المستجير المقرّ بذنبه المستغفر منه المستكين
لربه دعاء من أسلمته ثقته ورفضته أحبته وعظمت فجيعته دعاء
حرق حزين ضعيف مهين بائس مستكين بك مستجير اللهم وأسألك بأنك
ما تشاء من أمر يكن مليك وأنك ما تشاء من أمر يكون وأنك على ما تشاء قدير وأسألك
بحرمة هذا الشهر الحرام والبلد الحرام والركن والمقام والمشعر الحرام

والمشاعر العظام وبحق نبيك محمد عليه وآله السلام يا من وهب لآدم شيثاً
ولإبراهيم إسمعيل وإسحق ويا من ردّ يوسف على يعقوب ويا من
كشف بعد البلاء ضرّ أيوب يا رادّ موسى على أمه ويا زائد الخضر
في علمه ويا من وهب لداود سليمن ولزكريا يحيى ولمريم عيسى
أمه ويا حافظ بنت شعيب ويا كافل ولد موسى عن والديه أسألك أن
تصلي على محمد وآل محمد وأن تغفر لي ذنوبي كلها وتجيرني من
عذابك وتوجب لي رضوانك وأمانك وإحسانك وغفرانك وجنانك
حلقة ضيق وأسألك أن تفك عني كل حلقة بيني وبين من يؤذيني وتفتح لي
كل باب وتلين لي كل صعب وتسهل لي كل عسير وتخرس عني كل
لي ببؤس ناطق بشر وتكف عني كل باغ وتكبت عني كل عدو وحاسد وتمنع
حاجتي بيني عني كل ظالم وتكفيني كل عائق يحول بيني وبين ولدي ويحاول أن
يفرق بيني وبين طاعتك ويثبطني عن عبادتك يا من ألجم الجن المتمردين
وقهر عتاة الشياطين وأذل رقاب المتجبرين وردّ كيد المتسلطين
عن المستضعفين أسألك بقدرتك على ما تشاء وتسهيلك لما تشاء

تعجل:

كَيْفَ تَشَاءُ اَنْ تَجْعَلَ قَضَاءَ حَاجَتِي فِيمَا تَشَاءُ پس سجده کن بر خاک و پهلوهای روی خود را بر خاک بگذار و بگو اَللّٰهُمَّ

لَكَ سَجَدْتُ وَبِكَ آمَنْتُ فَارْحَمْ ذُلِّي وَفَاقَتِي وَاجْتِهَادِي وَتَضَرُّعِي وَمَسْكَنَتِي وَفَقْرِي

اِلَيْكَ يَا رَبِّ و سعی کن که آب از دیدها بیرون آید اگرچه بقدر سر مگس باشد که این علامت اجابت دعاست پس سید گوید که این دعای سجده در یکی از روایات وارد شده است و هرگاه محل استجابت دعا سجده باشد پس سزاوار آنست که احتیاط در دعای این سجده بعمل آید و از کارهای که برای این سجده در روایات دیگر وارد شده است نیز خوانده شود پس در روایت دیگر وارد شده است که حضرت امام داود فرمود که بعد از دعا سجده کن بر خاک و پهلوهای روی خود را بر خاک بگذار و بگو

اَللّٰهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ فَارْحَمْ ذُلِّي وَكَبْوَتِي

لِحُرِّ وَجْهِي وَفَقْرِي وَفَاقَتِي و سعی کن در دعا که آب از چشمهایت بیرون آید اگرچه بقدر سر سوزن باشد که این علامت اجابت است و در روایت دیگر وارد شده است که امام داود فرمود که پس سجده کن بر خاک و پهلوهای روی خود را بر خاک بگذار و بگو

اَللّٰهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَبِكَ آمَنْتُ فَارْحَمْ ذُلِّي وَخُضُوعِي بَيْنَ يَدَيْكَ وَفَقْرِي وَفَاقَتِي اِلَيْكَ وَارْحَمِ انْفِرَادِي وَخُشُوعِي وَاجْتِهَادِي بَيْنَ يَدَيْكَ وَتَوَكُّلِي عَلَيْكَ اَللّٰهُمَّ بِكَ اَسْتَفْتِحُ وَبِكَ اَسْتَنْجِحُ وَبِمُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ اَللّٰهُمَّ سَهِّلْ لِي كُلَّ حُزُونَةٍ وَذَلِّلْ لِي كُلَّ صُعُوبَةٍ وَاَعْطِنِي مِنَ الْخَيْرِ اَكْثَرَ مِمَّا اَرْجُو وَعَافِنِي مِنَ الشَّرِّ وَاصْرِفْ عَنِّي السُّوءَ پس صد مرتبه بگو يَا قَاضِيَ حَوَائِجِ الطَّالِبِينَ اقْضِ حَاجَتِي بِلُطْفِكَ يَا خَفِيَّ الْاَلْطَافِ

پس حضرت فرمود که سعی کن که قطرات اشک از دیدهایت جاری شود اگرچه بقدر سر سوزن بوده باشد بدرستی که علامت استجابت این دعا سوزش دل و ریختن اشک است و در روایت دیگر چنین است که

پس سجده

پس سجده بر خاک کن و پهلوهای روی بر خاک بگذار و در سجده بگو اَللّٰهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَلَكَ صَلَّيْتُ وَبِكَ آمَنْتُ

وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَارْحَمْ ذُلِّي وَفَاقَتِي وَخُضُوعِي وَذُلِّي وَانْفِرَادِي

وَمَسْكَنَتِي وَفَقْرِي وَكَبْوَتِي لِوَجْهِكَ وَاِلَيْكَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ و سعی کن که قطرات اشک از دیدهایت جاری شود اگرچه بقدر سر مگسی باشد که علامت اجابت این دعا سوزش دل و ریختن اشک است مؤلف گوید که آنچه در بیان کیفیت این عمل شریف مذکور شد موافق و مطابق است با روایات سید که در اقبال ذکر نموده و چون بعضی دیگر از علما مانند شیخ طوسی و کفعمی و علامه حلی رضی الله تعالی عنهم و غیر ایشان این عمل شریف را بطریق دیگر در کتب خود ایراد کرده اند و روایات سید بعضی با بعضی مخالف و با روایات سایر علما در بعضی از خصوصیات مخالفت تمام دارد لهذا لازم شد است که سوای جمیع اختلافها را بطریق احتیاط در آنها و بعضی از فواید متعلقه باین مقام را مذکور نماید تا کسی که این عمل شریف بجا آورد عارف بحقیقت احتیاط بوده از خصوصیات این موهبت کبری محروم نگردد و امور مذکوره چند چیز است اول وقت غسل این عمل که در روایت سید وقت زوال واقع شده چنانچه مذکور شد و در روایت دیگر قریب بزوال مذکور است و احوط آنست که قبل از ظهر متصل بظهر واقع شود تا عمل بهر دو روایت شده باشد و با آنکه ظاهر حال آنست که این غسل مجزی باشد از غسل روز جمعه بنا بر احتمال اظهر چنانچه مذکور شد والله تعالی یعلم دویم وقت پوشیدن جامه پاک در روایات سید مختلف است در بعضی قبل از نمازها و در بعضی بعد از نماز عصر است و ظاهر این دو روایت تخییر و اولی افضل باشد و اگر جمع میان هر دو شود که دو جامه پوشد یکی بعد از غسل و قبل از نمازها و یکی بعد از نماز عصر احوط است سیم وقت رفتن بجانب خلوت در روایات سید بعد از نماز عصر واقع شده و شیخ در مصباح و کفعمی در جنة الامان بعد از غسل ذکر نموده اند و روایت سید اصح است زیرا که ادای فرایض بجماعت خصوصا در مساجد که محل اجتماع مسلمانان است افضل است چهارم در جنة الامان کفعمی و اکثر نسخ مصباح شیخ زیاده از نماز ظهر و عصر نماز دیگری مذکور نیست حتی نوافل ظهرین نیز ذکر نشده است و ممکن است که ایشان بنوافل مراد باشد و عدم ذکر از راه ظهور آن باشد زیرا که نوافل فرایض از لوازم است و ورع و تقوی مقتضی آنست که بی جهت شرعی ترک نشود و اگر ترک شود قضا شود چنانچه در احادیث بسیار تاکید در این باب وارد شده است پس ایشان نیز نوافل بجا آورد تصریح نمیشود و در بعضی از نسخ مصباح چنین است که بعد از نماز ظهر هشت رکعت نافله عصر را بجا میآوری و بعد از آن دو رکعت نماز میکنی و در هر رکعت بعد از حمد یک مرتبه آیه شَهِدَ اللّٰهُ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَاُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ
بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ را میخوانی و صد نوبت یا
قاضی حوائج الصالحین میگوئی بعد از آن گفته که در روایت دیگر چنین است که هفت نوبت آیة
الکرسی و صد نوبت یا قاضی حوائج السائلین میگوئی بعد از آن نماز عصر را بجا میاوری و مخفی نماناد
که عبارت این نسخه مصباح مشتبه و چند احتمال در آن میرود زیرا که صد نوبت خواندن یا قاضی حوائج
الصالحین ممکن است که در دو رکعت نماز بعد از تسبیح و بجهت آیة شهد الله باشد یا بعد از تمام نماز
باید صد نوبت خوانده شود و احتمال آخر اظهر است بقرینه روایت اقبال چنانچه گذشت و همچنین در روایت
آخر که نقل نموده ممکن است که هفت نوبت آیة الکرسی و صد نوبت یا قاضی حوائج السائلین در دو رکعت نماز
مذکور بعوض آیة شهد الله و یا قاضی حوائج الصالحین باشد یا هر دو بعد از نماز یا آیة الکرسی در نماز
و صد نوبت یا قاضی حوائج السائلین بعد از نماز باشد و علامه مجلسی رحمه الله در کتاب منهاج الصلاح در
کیفیت عمل مذکور از حضرت صادق علیه السلام چنین روایت کرده است که نزد زوال آفتاب غسل کن و هشت رکعت
نافله ظهر را بکن با رکوع و سجود و قنوت نیکو و در رکعت اول بعد از حمد سوره قل هو الله احد و در رکعت
دوم بعد از حمد سوره قل یا ایها الکافرون و در رکعات دیگر بعد از حمد یکی از سورهای کوچک را
بخوان پس نماز ظهر را بجا آور با حضور و شرایطش و رکوع و سجودش را نیکو بکن پس هشت رکعت نافله عصر
را بکن با رکوع و سجود و قنوت نیکو و بعد از آن دو رکعت نماز بکذار و در هر رکعت بعد از حمد آیة شهد الله
را تا آخر بخوان و بجهت بخوان و صد نوبت یا قاضی حوائج السائلین بگو پس نماز عصر را بکن و این کیفیت
… دلیل است بکیفیتی که در نسخه آخر مصباح مذکور است و صد مرتبه یا قاضی حوائج السائلین نیز ممکن است
که در نماز باشد یا بعد از نماز و احتمال آخر اظهر است و بدانکه عمل بجمیع روایات با کثرت اختلاف فایده
رغائب جمیع مشغول و احتمالات متعسر و … بعضی از اعمال است که وقت آن وفا نمینماید
ظاهرا بنابر اختلافات مذکوره بر تخییر باشد پس بهتر است که عمل شود بیکی لیکن روایت سید اصح و مواضع اختلاف
آنها کم است پس بهتر آنست که عمل بروایت سید شود و اگر این عمل را بتمام نتواند بجا آورد که متصل بظهر غسل کند و جامه
پاکی بپوشد و هشت رکعت نافله ظهر را با رکوع و سجود و قنوت بکند و در رکعت اول بعد از حمد سوره قل هو الله
و در رکعت دوم قل یا ایها الکافرون و در باقی سوره کوچکی و بعد از آن نماز ظهر را با آداب و شرایط و بعد از آن
دو رکعت نماز با حمد و هر سوره که خواهد پس صد نوبت یا قاضی حوائج الطالبین پس هشت رکعت نافله عصر
با رکوع و سجود و قنوت بکند پس دو رکعت نماز دیگر در هر رکعت بعد از حمد آیة شهد الله … و بجهت
و بعد از نماز صد مرتبه یا قاضی حوائج السائلین و صد مرتبه یا قاضی حوائج الصالحین و هفت نوبت
آیة الکرسی و بعد از آن نماز عصر را بجا آورد و خاتمه با دعای دیگری مشغول شود در خانه تنهائی … حصیر پاکی
رو بقبله بنشیند و صد مرتبه سوره حمد و صد مرتبه قل هو الله ده مرتبه آیة الکرسی بخواند پس سوره انعام

با بانو سوره‌ها چنانچه سید ذکر نموده بخواند و چون در بعضی از نسخ اقبال بعد از سوره لقمان سوره
الم سجده و در بعضی از نسخ مصباح بعد از سوره ن و القلم چنین است که در بعضی از روایات سوره
هل اتی نیز وارد شده است اگر اینها و سوره … نیز خوانده شود بهتر است و بعد از آن تمام دعا را بخواند
در سجده نیز همه دعاهائی که در روایت سید وارد شده بخواند عمل باکثر روایات و احتمالات ظاهر کرده
خواهد بود و الله تعالی یعلم تتمه بدانکه در آخر حکایت ام داود موافق بعضی از روایات مذکور است
که ام داود عرض نمود بحضرت صادق علیه السلام که ای سید و آقای من آیا این دعا را در غیر ماه رجب میتوان
خواند حضرت فرمود بلی در روز عرفه خواندن آن نیکوست و اگر روز عرفه با روز جمعه موافق افتد تا
فارغ نمی‌شود مگر آنکه خدا او را میامرزد و در هر ماه که باشد اگر ایام البیض آن ماه را روزه دارد و روز سیم
این دعا را بخواند بنحوی که ذکر کردم خاصیتش بر آورده می‌شود و در روایت دیگر وارد شده که در روز عرفه
و هر روز که این دعا را بخواند بر آورده می‌شود مؤلف گوید که از این احادیث ظاهر می‌شود که این عمل از
اعمال مخصوصه ماه رجب نیست بلکه در ایام البیض هر ماه و سایر ایام متبرکه مانند عرفه بلکه سایر ایام
میتوان بجا آورد و در زمانی که بدون روزه خوب باشد بلکه خواندن این دعا تنها هم بدون سایر اعمال
خوب باشد و علامه مجلسی طاب ثراه در کتاب زاد المعاد ذکر نموده که هر گاه در
غیر اشهر حرم که ذی القعده و ذی الحجه و محرم و رجب است این دعا را بخوانند بجای بحرمة هذا الشهر الحرام
بگویند بحرمة الشهر الحرام و هذا را بیندازند بهتر است والله تعالی یعلم فایده بدانکه در روایت … عکری
از حضرت صادق علیه السلام چنانچه علامه مجلسی در کتاب منهاج الصلاح نقل نموده مذکور است که مادر داود
فاطمه بنت عبدالله بن ابرهیم بوده است و کفعمی در حواشی جنة الامان نیز چنین نقل نموده است و
سید بن طاوس طاب ثراه در اقبال از جمعی از علمای انساب نقل نموده که او کنیز ام ولدی بوده است معروف بام
خالد و بربریه بوده است بعضی از طوایف اهل مغرب بوده است و در مصباح الزائر گفته است که او کنیز ام
ولد حسن مثنی رض بوده و اسم او حبیبه و کنیه او ام خالد و بربریه بوده و بعضی گفته‌اند که رومیه بوده است
و چون ام داود جده سید بن طاوس چنانچه در اقبال و مصباح الزائر مذکور است و سید … از
باب بوده شاید قول سید اصح باشد والله تعالی یعلم تتمه زیارت حضرت امام حسین علیه السلام
سید بن طاوس قدس الله روحه و دیگران بسندهای صحیح و غیر صحیح از ابن ابی نصر روایت کرده‌اند که از
حضرت امام رضا علیه السلام سوال نمود که زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در چه وقت بهتر است فرمود که
در نصف رجب و نصف شعبان مؤلف گوید که محتمل است که روز نصف رجب و نصف شعبان یا شب نصف
مراد باشد و اگر چه احتمال اول نزدیکتر است … و اما کیفیت زیارت پس شیخ مفید قدس
روحه در بعضی از مؤلفاتش ذکر نموده است که از زیارات مخصوصه زیارت نصف رجب است که در فضیلت
میباشد پس چون این زیارت اراده نمائی غسل کن … و سه مرتبه الله اکبر بگو و بر قبر … بایست

السلام عليكم يا آل الله السلام عليكم يا صفوة الله السلام عليكم يا سادة
السادات السلام عليكم على ليوث الغابات السلام عليكم يا سفن النجاة يا ليوث
السلام عليك يا أبا عبد الله الحسين السلام عليك يا وارث علم الأنبياء ورحمة
الله وبركاته السلام عليك يا وارث إسمعيل ذبيح الله السلام عليك يا وارث
موسى كليم الله السلام عليك يا وارث عيسى روح الله السلام عليك يا وارث
محمد حبيب الله السلام عليك يا ابن محمد المصطفى السلام عليك يا ابن علي
المرتضى السلام عليك يا ابن فاطمة الزهراء السلام عليك يا ابن خديجة الكبرى
السلام عليك يا شهيد ابن الشهيد السلام عليك يا قتيل ابن القتيل السلام عليك
يا ولي الله وابن وليه السلام عليك يا حجة الله وابن حجته على خلقه



أشهد أنك أقمت الصلوة وآتيت الزكوة وأمرت بالمعروف ونهيت عن المنكر
وبررت بوالديك وجاهدت عدوك وأشهد أنك تسمع الكلام وترد
الجواب وأنك حبيب الله وخليله ونجيبه وصفيه وابن صفيه يا مولاي
زرتك مشتاقا فكن لي شفيعا إلى الله يا سيدي وأستشفع إلى الله بجدك
سيد النبيين وبأبيك سيد الوصيين وبأمك فاطمة سيدة نساء العالمين

ألا

ألا لعن الله قاتليك ولعن الله ظالميك ولعن الله سالبيك ومبغضيك
من الأولين والآخرين وصلى الله على سيدنا ونبينا محمد وآله الطيبين
الطاهرين پس ضریح مبارک را ببوس و متوجه شو ببوی علی بن الحسین علیهما السلام و او را باین زیارت بگو السلام عليك يا مولاي وابن
مولاي لعن الله قاتليك ولعن الله ظالميك إني أتقرب إلى الله بزيا رتكم
ومحبتكم وأبرأ إلى الله من أعدائكم والسلام عليك يا مولاي ورحمة
الله وبركاته پس برو نزد قبور شهدا و باین زیارت بگو السلام على الأرواح المنيخة بقبر أبي
عبد الله الحسين عليه السلام السلام عليكم يا طاهرين من الدنس
السلام عليكم يا مهديون السلام عليكم يا أبرار الله السلام عليكم
وعلى الملائكة الحافين بقبوركم أجمعين جمعنا الله وإياكم في
مستقر رحمته وتحت عرشه إنه أرحم الراحمين والسلام عليكم ورحمة
الله وبركاته پس برو بجانب قبر عباس بن امیر المؤمنین علیهما السلام و برو بر قبه باین زیارت بگو سلام الله وسلام ملائكته
المقربين وأنبيائه المرسلين وعباده الصالحين وجميع الشهداء و
الصديقين والزاكيات الطيبات فيما تغتدي وتروح عليك يا ابن
أمير المؤمنين أشهد لك بالتسليم والتصديق والوفاء والنصيحة

مخالف النبي صلى الله عليه وآله المرسل والسبط المنتجب والدليل العالم
والوصي المبلغ والمظلوم المهتضم فجزاك الله عن رسوله وعن
امير المؤمنين وعن الحسن والحسين صلوات الله عليهم افضل الجزاء
بما صبرت واحتسبت واعنت فنعم عقبى الدار لعن الله من قتلك
ولعن الله من جهل حقك واستخف بحرمتك ولعن الله من حال
بينك وبين ماء الفرات اشهد انك قتلت مظلوما وان الله
منجز لكم ما وعدكم جئتك يا بن امير المؤمنين وافدا اليكم وقلبي
مسلم لكم وتابع وانا لكم تابع ونصرتي لكم معدة حتى يحكم الله
وهو خير الحاكمين فمعكم معكم لا مع عدوكم اني بكم وباياكم
من المؤمنين وبمن خالفكم وقتلكم من الكافرين قتل الله امة
قتلتكم بالايدي والالسن مؤلف گوید که این زیارت را عقیده میامند بحریه
انکه اکثر مردم از فضیلت و ثواب آن غافل شدند
وباین جهت از این موهبت کبری و عطیه عظمی محروم میکردند و بنابکه ظاهر کلام شیخ مفید آنست که
این زیارت برای خصوص این روز منقول باشد و کفعمی در جنة الامان زیارت طولانی اول رجب را
که سابق مذکور شد برای این روز نیز نقل نموده و سید بن طاوس طاب ثراه در مصباح الزائر و اقبال گفته
که واقف نشدم بر زیارت مخصوصی برای این روز پس بهتر آنست که زیارت جامعه مخصوصه ماه رجب یا
سایر زیارات مطلقه منقوله خوانده شود و قول سید اصح و اقوی است زیرا که زیارتی که شیخ مفید
ذکر نموده زیاده از آنست که جابر بن عبدالله انصاری رضه در روز اربعین آنحضرت را بآن زیارت نموده

وظاهرا

وظاهرا چون اصل زیارت در این روز ثواب عظیم دارد چنانچه مذکور شد و زیارت مخصوصی نقل نشده
و این زیارت با وجود اختصار فصاحت و بلاغت دارد شیخ آنرا اختیار نموده است والله تعالی یعلم
واگر کسی در بلاد بعیده باشد زیارت تعیینی با سایر زیارات بعیده زیارت نماید شب پانزدهم و شب شانزدهم
سید در کتاب مذکور از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله سی رکعت نماز هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعت
بعد از حمد سورهٔ قل هو الله احد ده نوبت روایت نموده مانند شب پانزدهم در کیفیت و ثواب مؤلف
گوید که کفعمی در جنة الامان نیز در این شب سورهٔ قل هو الله احد را ده مرتبه نقل نموده و گویا سهو
نموده و حسب سهو در شب پانزدهم مذکور شد و بخط جد علامه مولانا محمد تقی ره سورهٔ ایزد و موضع
با اقبال موافق است شب هفدهم سید در کتاب مذکور از حضرت رسالت صلعم روایت نموده است که هر که
در این شب دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از حمد سورهٔ قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق
و قل اعوذ برب الناس را هر یک ده نوبت بخواند چون فارغ شود حق تعالی ملکه فرماید که اگر گناهان
این مرد زیاده از گناهان عشار دین باشد که او را باین نماز آمرزیدیم و بگردانید میانه او و آتش جهنم
هفت خندق که هر خندق میان آسمان و زمین باشد مؤلف گوید که کفعمی ره در جنة الامان سورهٔ
قل هو الله احد را یکمرتبه ذکر نموده است روز هفدهم شیخ طوسی طاب ثراه در کتاب مصباح گفته است
که وفات ابرهیم پسر رسول خدا صلعم و لعن بر آنها کرده در این مصیبت شماتت کردند مناسب است خصوصا
عایشه علیها اللعنة شب نوزدهم سید در کتاب مذکور از حضرت رسول صلعم روایت کرده است که هر که در این
شب چهار رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعتی بعد از حمد آیة الکرسی و سورهٔ قل هو الله
احد را هر یک پانزده نوبت بخواند عطا فرماید حق تعالی باو ثواب با ثواب حضرت موسی عم و از برای او
بعوض هر حرفی ثواب شهیدی باشد و حق تعالی با ملکه سر بشارت برای او فرستد اول آنکه روا
بکند او را در موقف قیامت دوم حساب نفرماید او را سیم داخل بهشت کرده او را بی حساب و چون
در برابر حق تعالی در موقف قیامت بایستد باو خطاب فرماید که ای بندهٔ مؤمن من بر تو اندوهی نیست
که من از تو خوشنودم و بهشت از برای تو مباح است شب بیستم سید در کتاب مذکور از حضرت رسالت
روایت نموده است که هر که در این شب دو رکعت نماز کند و در هر رکعتی بعد از حمد سورهٔ انا انزلناه
پنج نوبت بخواند عطا فرماید باو حق تعالی ثواب حضرت ابرهیم و موسی و یحیی و عیسی علیهم السلام را و هر که
این نماز را بکند مضرتی نرساند باو هیچیک از جن و انس و حق تعالی باو نظر رحمت کند شب بیست و یکم
سید در کتاب مذکور از رسول خدا صلعم روایت نموده است که هر که در این شب شش رکعت نماز بگذارد
هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعتی بعد از حمد سورهٔ انا اعطینا و قل هو الله احد را هر یک ده مرتبه
بخواند حق تعالی امر فرماید ملکه کرام کاتبین اعمال را که تا یکسال برای او هیچ گناهی ننویسند و حسنات
بنویسند برای او قریب بود قسم بخداوندی که نفس من در قبضهٔ قدرت اوست و امر او راستی بر پیغمبری

فرستاده است که هر که دوست دارد مرا و خدا را و این نماز را بجا آورد و اگر ایستاده عاجز باشد نشسته بکند پس حق تعالی مباهات میفرماید باو با ملئکه خود و میگوید که آمرزیدم او را روز بیست و یکم شیخ طوسی در مصباح از ابن عیاش نقل نموده است که در این روز حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها بعالم بقا ارتحال نمود و جد علامه مرحوم قدس الله سره در کتاب زاد المعاد گفته که این قول اگر چه خلاف مشهور است اما لعن بر ظالمان و قاتلان آن جگر گوشه حضرت رسالت صلعم که [illegible] الخطابات علیهم اللعن والعذاب است و زیارت آنحضرت احتیاطا مناسب است مؤلف گوید که این قول بعید است و وجه بعد آن است که اکثر علمای شیعه را اعتقاد آنست که حضرت رسالت صلعم در بیست و هشتم صفر بعالم بقا ارتحال نمود و احادیث معتبره بسیار دلالت میکند بر آنکه حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها هفتاد و پنج روز بعد از حضرت رسالت صلعم در حیات بود بنا بر این باید که قضیه هائله حضرت فاطمه علیها السلام در اوایل ماه جمادی الاولی واقع شده باشد و اکثر علمای امامیه سیم ماه جمادی الثانیه گفته اند و اقوال دیگر نیز هست که در موضع خود مذکور خواهد شد و هر بعید است شب بیست و دوم سید در کتاب مذکور از حضرت خاتم المرسلین صلعم روایت کرده است که هر که در این شب هشت رکعت نماز کند هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی بعد از حمد سوره قل یا ایها الکافرون هفت نوبت و بعد از نماز ده مرتبه صلوات بر آنحضرت و آل او بفرستد و ده نوبت استغفار کند بیرون نرود از دنیا تا جای خود را در بهشت ببیند و بر مذهب اسلام بمیرد و برای او ثواب هفتاد پیغمبر باشد مؤلف گوید که کفعمی ره در جنة الامان بعد از نماز ده مرتبه صلوات و سلام بر آنحضرت و آل او هر دو را ذکر نموده است پس اگر اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَلِّمْ یا امثال آن که مشتمل بر صلوات و سلام هر دو باشد گفته شود بهتر است و در استغفار لفظ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ کافی و اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّی وَ اَتُوبُ اِلَیْهِ اکمل است روز بیست و دوم شیخ مفید و شیخ طوسی علیهما الرحمة گفته اند که در این روز معویه علیه اللعنة بجهنم واصل شد و والد علامه مرحوم در کتاب ربیع الحجاج و جد علامه مرحوم در کتاب زاد المعاد گفته که باین جهت سزاوار است که این روز را روز عید و سرور خود دانسته شکر از هلاک آن ملعون ازل و ابد و منظور در درگاه احد صمد این روز مبارک میمون را روزه بدارند شب بیست و سیم سید در کتاب مذکور از حضرت خاتم الانبیاء علیه و آله التحیة و الثناء روایت کرده است که هر که در این شب دو رکعت نماز بجا آورد در هر رکعت بعد از حمد سوره والضحی پنج نوبت عطا فرماید باو حق تعالی بعدد هر حرفی که خوانده است بعدد هر مرد کافر و زن کافره که در دنیا بوجود آمده درجه در بهشت و آزاد بدهد باو ثواب هفتاد حج و ثواب کسی که تشییع هزار جنازه کرده باشد و ثواب کسی که عیادت هزار مریض رفته باشد و ثواب کسی که هزار حاجت برادران مؤمن را بر آورده باشد روز بیست و سیم شیخ طوسی در مصباح و دیگران گفته اند که در این روز خارجیان خنجر زهر آلود بر ران مبارک حضرت امام

حسن

حسن مجتبی ع زدند و جد علامه مرحوم طاب ثراه در زاد المعاد گفته است که باین جهت در این روز لعن بر ظالمان آن مظلوم آنحضرت مناسب است شب بیست و چهارم سید در کتاب مذکور از رسول خدا صلعم روایت کرده است که هر که در این شب چهل رکعت نماز کند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد آیه آمَنَ الرَّسُولُ یکنوبت و سوره قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ یکنوبت عفو الله حق تعالی بنویسد برای او هزار حسنه و محو کند از او هزار سیئه و بلند گرداند برای او هزار درجه و فرود آیند از آسمان هزار ملک که دستها را برداشته صلوات بر او فرستند و دعا کنند او را اسلامی در دنیا و آخرت داده و چنان باشد که شب قدر را دریافته باشد مؤلف گوید که در این موضع نیز کفعمی ره در جنة الامان سهو نموده و اکتفا بسوره قل هو الله احد نموده و آیه آمن الرسول را نقل نموده است و جد علامه مرحوم مولانا محمد تقی ره بآنچه سید مطابق نقل نموده است روز بیست و چهارم شیخ طوسی در مصباح و سید بن طاوس ره در اقبال و دیگران نقل نموده اند که در این روز فتح خیبر بدست معجز نمای اسد الله الغالب علی بن ابی طالب صلوات الله علیه جاری شد و مرحب یهودی بر دست آنحضرت کشته شد و جد علامه مرحوم طاب ثراه در زاد المعاد گفته که علما گفته اند که روزه این روز بجهت شکر این نعمت و زیارت آنحضرت مستحب است شب بیست و پنجم سید در کتاب مذکور از حضرت رسالت صلعم روایت کرده است که هر که در این شب بیست رکعت نماز ما بین مغرب و عشا بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد آیه آمن الرسول یک نوبت و سوره قل هو الله احد یکنوبت حق تعالی حفظ کند او را در نفس و اهل و دین و مال و دنیا و آخرت او و برنخیزد از جای خود تا او را بیامرزد مؤلف گوید که کفعمی ره در جنة الامان در این موضع بر عکس سابق اکتفا بآیه آمن الرسول نموده و سوره قل هو الله احد را ذکر نکرده است روز بیست و پنجم مشهور میان علما چنانچه شیخ در مصباح و دیگران نقل نموده اند آنست که وفات حضرت امام موسی کاظم ع در این روز بوده است و باین جهت زیارت آنحضرت در این روز از نزدیک و دور مناسب است و سید بن طاوس ره در اقبال گفته که ابن بابویه رض در کتاب مقنع و کتاب مرشد و صاحب کتاب دستور المذکرین گفته اند که در این روز حضرت رسالت صلعم مبعوث برسالت گردید پس هر که روزه دارد این روز را کفاره دویست سال گناه او باشد و این قول ضعیف است چه تمام علمای شیعه رضوان الله علیهم روز بیست و هفتم را روز بعثت میدانند چنانچه در احادیث معتبره بسیار وارد شده است و بعد از این مذکور خواهد شد و سید ره جمع میان این دو قول کرده است که ممکن است که بشارت به بعثت آنحضرت در این روز واصل شده و بعثت در روز بیست و هفتم باشد و بهر تقدیر روزه این روز فضیلت عظیم دارد چنانچه ابن بابویه و دیگران نیز نقل نموده اند و شیخ در مصباح نیز گفته است که در روایتی وارد شده است که هر که روزه دارد این روز را کفاره دویست سال گناه او باشد و سید در اقبال بسند بسیار معتبر از حضرت امام رضا صلوات الله علیه روایت کرده است که هر که این

روزه دار روزه بدارد حق تعالی روزه او را کفارهٔ هفتاد سال گناه گرداند و علامه ره در کتاب
عدة النجاح گفته است که ممکن است که اختلاف عدد در سال گناه از اشتباه یکی از رواة یا نساخ
شده باشد یا باعتبار اختلاف حال مردم در رعایت آداب و شرایط روزه و اختلاف مراتب
خلوص نیت مردم باشد پس حدیث اول نسبت بجمعی و حدیث دوم نسبت بجماعتی دیگر باشد یا آنکه
عدد هفتاد در حدیث دوم کنایه از کثرت باشد و خصوص عدد در آن مراد نباشد چنانچه مفسرین
در آیه کریمه ان تستغفر لهم سبعین مرة گفته اند یا گوئیم که در حدیث اول منع از زیاده
نشده پس منافات با حدیث ثانی ندارد و این خالی از بعدی نیست والله تعالی یعلم شب بیست و ششم
سید در کتاب مذکور از سید کائنات صلی الله علیه وآله روایت کرده است که هر که در این شب دوازده رکعت نماز
بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعتی بعد از حمد سورهٔ قل هو الله احد چهل نوبت ملائکه با
او مصافحه کنند و کسی که ملائکه با او مصافحه نمایند ایمن گردد از وقوف بر صراط و حساب و میزان و
بفرستد بسوی او حق تعالی هفتاد ملک که استغفار نمایند برای او و بنویسند ثواب او را و تهلیل
کنند برای او و هر وقت که از مکان خود حرکت کند تا صبح آن هفتاد ملک گویند که خداوندا این بنده را بیامرز
مؤلف گوید که در جنة الامان سورهٔ حمد در این نماز مذکور نیست و گویا ترک آن از راه ظهور باشد چون در
هر نمازی خواندن سورهٔ حمد البته لازم است و بخط جد علامه ام مولانا محمد تقی مجلسی طاب ثراه چنانکه
است که در روایتی سورهٔ قل هو الله احد چهار مرتبه در این نماز وارد شده است والله تعالی یعلم روز بیست و ششم
شیخ طوسی ره در مصباح از ابن عیاش نقل نموده است که در این روز حضرت ابو طالب ع از دنیا رحلت نمود
و روزه این روز فضیلت عظیم دارد چنانچه سید بن طاوس ره در اقبال از حضرت امام رضا علیه السلام
روایت کرده است که هر که روزه دارد این روز را حق تعالی روزه او را کفارهٔ هشتاد سال گناه او گرداند
شب بیست و هفتم این شبی است بسیار متبرک و عبادت در آن ثواب عظیم دارد و ابن فهد ره در کتاب عدة
الداعی گفته است که دعا در این شب مستجاب است و بعضی معراج حضرت رسالت صلی الله علیه وآله را در این شب نقل کرده اند
و احادیث بسیار در باب عظم شان و فضیلت آن وارد شده است و در ضمن اعمال ایشان خواهد شد
و اعمال آن چند چیز است اول شیخ طوسی ره در مصباح و علامه طاب ثراه در منهاج الصلاح و سید بن
در مصباح گفته اند که غسل در این شب سنت است مؤلف گوید که در این باب حدیثی بنظر نرسید لهذا سید بن
طاوس ره و دیگران نقل نکرده اند دوم سید در کتاب مذکور از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت کرده است که هر که در این
شب دوازده رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعتی بعد از حمد سورهٔ سبح اسم ربک الاعلی
و انا انزلناه را هر یک ده نوبت بخواند و چون فارغ شود صد نوبت صلوات بر آنحضرت و آل او بفرستد
و صد نوبت استغفار کند حق تعالی بنویسد برای او ثواب ملائکه را مؤلف گوید که در جنة الامان صلوات
و سلام بر آنحضرت و آل او هر دو مذکور است پس بهتر آنکه لفظی مشتمل بر صلوات و سلام هر دو گفته شود

سیم

سیم سید بن طاوس ره در اقبال بسندهای معتبر از حضرت امام محمد باقر ع روایت کرده اند که در ماه رجب شبی
هست که بهتر است برای مردم از آنچه آفتاب بر آن تابیده است و آن شب بیست و هفتم این ماه است و در صبح
آن شب حضرت رسالت صلی الله علیه وآله برسالت مبعوث شده و برای عمل کننده در این شب از شیعیان ما ثواب عمل شصت
سال است پرسیدند که عمل این شب چیست فرمود که چون نماز عشا را بکنی و بخوابگاه خود استراحت کنی پس بیدار
شوی در هر ساعتی از ساعتهای شب که باشد پیش از نصف شب یا بعد از نصف شب دوازده رکعت نماز
بگذار و در هر رکعت بعد از حمد سوره کوچکی از سوره های مفصل که ما بعد یس تا آخر قرآن است بخوان پس بهر دو
سلام بگو پس بعد از هر دو رکعت بنشین و بخوان حمد و معوذتین و قل یا ایها الکافرون و انا انزلناه و آیة الکرسی را
هر یک هفت نوبت الحمد لله الذی لم یتخذ صاحبة و لا ولدا و لم یکن له شریک فی الملک
و بعد از آن این دعا بخوان
و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا اللهم انی اسئلک بمعاقد عزک
علی ارکان عرشک و منتهی الرحمة من کتابک و باسمک الاعظم الاعظم الاعظم
و ذکرک الاعلی الاعلی الاعلی و بکلماتک التامات التی تمت صدقا و
عدلا ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تفعل بی ما انت اهله پس هر حاجت که خواهی
طلب کن که هر چه طلبی
مستجاب می شود مگر آنکه حرامی بطلبی یا قطع رحمی یا هلاک جمعی از مؤمنان را طلب کنی و در صبح آن روزه بدار
که از برای تو حساب می شود روزهٔ شصت سال مؤلف گوید که شیخ طوسی در مصباح و کفعمی در جنة الامان و سید
باقی در مصباح نیز این روایت را بسند مرسل نقل نموده اند و در روایت ایشان پیش از نصف شب وارد شده
و بعد از معوذتین سوره قل هو الله احد نیز هفت نوبت واقع شده و سید در مصباح الزائر نیز این روایت را
با ایشان مطابق نقل نموده و ظاهر عبارت کفعمی آنست که سوره های مذکوره با دعای مذکور بعد از
تمام دوازده رکعت خوانده شود نه بعد از دو رکعت و روایت اول اصح است لیکن اگر کسی این نماز را قبل
از نصف شب بکند و بعد از هر دو رکعت سوره های مذکوره را با دعای مذکور بخواند و قل هو الله احد را نیز هفت
نوبت بعد از معوذتین بخواند عمل بهر طریق کرده خواهد بود چهارم شیخ طوسی ره در مصباح و سید بن طاوس
در اقبال از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه و علامه ره در منهاج الصلاح مرسلا روایت کرده اند که در
شب بیست و هفتم رجب هر وقت شب که باشد دوازده رکعت نماز بکن هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد
هر یک از سوره قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد را چهار نوبت بخوان و چون از دوازده

رکعت فارغ شوی ده لا اله الا الله و الله اکبر و الحمد لله و سبحان الله و لا حول و
همان مکان چهار مرتبه بگو
لا قوة الا بالله العلی العظیم پس هر حاجت که خواهی بطلب **بخیر** ایضا دوازده رکعت نماز
با بعضی از سور قرآنی و اذکار بعد از آن که شیخ طوسی در مصباح از
حضرت صادق عم روایت نموده که داود بن سرحان تعلیم فرمود که در شب بیست و هفتم رجب بجا آورد و آخر آن
مذکورات که در شب بیست و هفتم ایضا نیز این عمل را همین نحو بجا میآورد و این روایت در شب نیمه مذکور شد
مؤلف گوید که شیخ در مصباح بعد از نقل روایت داود بن سرحان گفته که ابن ابی عمیر گفته است که در آن
روایت دیگر سور قرآنی و اذکار بعد از دوازده رکعت بنحو دیگر وارد شده و ما آنرا در عمل شب نیمه این ماه
مذکور ساختیم و ذکر نمودیم که در روایت دویم مذکور نیست که این عمل مخصوص شب نیمه باشد در شب بیست و هفتم
نیز باید کرده شود و احوط آنست که در هر دو شب کرده شود و بدانکه سید بن طاوس در اقبال در شب نیمه
روایت داود بن سرحان را ذکر نموده و آنچه در آخر آن مذکورات که در شب بیست و هفتم نیز این عمل را
همین نحو بجا میآورد در روایت سید مذکور نیست و در شب بیست و هفتم در اقبال گفته است که ما در شب نیمه
رجب ذکر نمودیم حدیثی که حریز بن عبد الله از حضرت صادق عم روایت کرده است که در شب نیمه رجب دوازده
رکعت نماز باید کرد بنحوی که ما ذکر نمودیم و محمد بن علی طرازی گفته است که در شب بیست و هفتم رجب این نماز را ایضا میکرد
و گفته است که چون فارغ شوی در همان مکان که نشسته سورهٔ حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل هو الله احد
را هر یک چهار نوبت بخوان پس چهار نوبت بگو الله الله ربی لا اشرک به شیئا پس دعا کن با آنچه خواهی
و مخفی نماناد که سید در این مقام در اشتباه نموده است **اول** آنکه در شب نیمه بغیر روایت داود بن سرحان
روایتی که مشتمل بر دوازده رکعت نماز باشد ذکر ننموده و در آن روایت اصلا نام حریز بن عبد الله مذکور نیست
دویم آنکه بر فرضی که سید اسم راوی را سهو نموده باشد سور و اذکار بعد از دوازده رکعت را که از محمد بن
علی طرازی نقل نموده مخالفست با آنچه در روایت داود بن سرحان مذکور است و ممکن است که بنا بر کلام سید
بر این باشد که آنچه در مصباح در روایت داود مذکور است که در شب بیست و هفتم نیز این عمل بجا میآوردی
این تتمه جزو روایت داود نباشد بلکه از محمد بن علی طرازی نقل کرده باشد و سور و اذکار بعد را غافلا
روایت داود نقل نموده باشد هذا سید کلام محمد بن علی طرازی را در مقام ذکر نموده و این نهایت توجیه کلام
سید است در این مقام و تکلف و تعسف آن پوشیده نیست بر ذوی الافهام و الله تعالی یعلم حقایق الاحکام
تنبیه بدانکه دوازده رکعت نماز به پنج شش طریق در این شب در روایات وارد شده چنانچه دانستی و ظاهر
حال آنست که یکطریق از آنها را معصوم فرموده باشد و اختلافات مذکوره از اشتباه روات و عدم ضبط
ایشان ناشی باشد یا آنکه مخیر باشد میان این چند طریق و بهر یک که عمل نماید نیکو باشد و چون روایتی که
سید و شیخ و کفعمی علیهم الرحمه از حضرت امام محمد تقی عم روایت کرده اند اصح طرق است اگر بعمل آورد شاید

بهتر باشد

بهتر باشد و اگر کسی قبل از نصف شب بیدار شود دوازده رکعت نماز دهد و در رکعت بیک سلام در هر
رکعتی حمد یکمرتبه و سورهٔ سبح اسم و انا انزلناه هر یک ده مرتبه و معوذتین و قل هو الله
احد هر یک را چهار مرتبه بخواند و بعد از هر دو رکعت که سلام گوید سورهٔ حمد و معوذتین
و قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون و انا انزلناه و آیة الکرسی را هر یک هفت نوبت بخواند
بعد از سلام آخر بعد از نوبت هفتم آیة الکرسی در همان مکان که نشسته است صد نوبت صلوات
و سلام بر رسول خدا صلی الله علیه و آله بفرستد و صد نوبت استغفار کند پس این دعا را یکنوبت بخواند
الحمد لله الذی لم یتخذ صاحبة و لا ولدا و لم یکن له شریک فی الملک
و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا اللهم انی اسئلک بمعاقد
عزک علی ارکان عرشک و منتهی الرحمة من کتابک و باسمک الاعظم
الاعظم الاعظم و بذکرک الاجل الاعلی الاعلی الاعلی و بکلماتک
التامات التی تمت صدقا و عدلا ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تفعل
بی ما انت اهله و اسئلک ما کان اوفی بعهدک و اقضی لحقک و ارضی
لنفسک و خیرا لی فی المعاد عندک و المعاد الیک ان تعطینی الساعة
الساعة کذا و کذا و بجای کذا و کذا حاجات خود را ذکر کند پس چهار نوبت بگوید لا اله الا الله و الله اکبر و
الحمد لله و سبحان الله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و باز
خواجه
خود را بطلبد سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و چهار نوبت
پس چهار نوبت
الله الله ربی لا اشرک به شیئا و بگوید ما شاء الله لا قوة الا بالله العلی العظیم

بگوید و با مطالب خود را سؤال کند عمل بجمیع طرق که در روایات سابقه مذکور است کرده خواهد بود و چون
سند دوازده رکعت نمازی که در عمل دویم مذکور شد ضعیف است و سایر طرق از آن معتبرتر است اگر کسی
این نماز ده مرتبه سوره سبح اسم و انا انزلناه را ترک نماید و صد مرتبه صلوات و سلام و صد مرتبه
استغفار را بعد از نماز نیز ترک کند و سایر اعمال را چنانچه مذکور شد بعمل آورد آسان‌تر و عمل بهمه طرق
معتبر کرده خواهد بود و الله تعالی و رسوله و اهل بیته اعلم بحقایق الامور ششم سید بن طاوس در کتاب مصباح
الزائر و کفعمی در جنة الامان و سید بن باقی در مصباح گفته‌اند که در این شب مستحب است که این دعا را بخوانند

اللهم إني أسألك بالتجلي الأعظم في هذه الليلة من الشهر المعظم والمرسل — بالتجلي
المكرم أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تغفر لنا ما أنت به منا — وآله
أعلم يا من يعلم ولا يعلم اللهم وبارك لنا في ليلتنا هذه التي بشرف
الرسالة فضلتها وبكرامتك جللتها وبالمحل الشريف أحللتها اللهم — أحللتها
إنا نسألك بالمبعث الشريف والسيد اللطيف والعنصر العفيف أن تصلي
على محمد وآله وأن تجعل أعمالنا في هذه الليلة وفي سائر الليالي مقبولة
وذنوبنا مغفورة وحسناتنا مشكورة وسيئاتنا مستورة وقلوبنا
بحسن القبول مسرورة وأرزاقنا من لدنك باليسر مدرورة اللهم إنك — القول / اليسر
ترى ولا ترى وأنت بالمنظر الأعلى وأن إليك الرجعى والمنتهى وأن لك — أنّ
الممات والمحيا وأن لك الآخرة والأولى اللهم إنا نعوذ بك أن نذل
ونخزى وأن نأتي ما عنه نهيت اللهم إنا نسألك الجنة برحمتك ونستعيذ بك — الخير

من النار فأنقذنا منها بقدرتك ونسألك من الحور العين فارزقنا بعزتك — فأعذنا
واجعل أوسع أرزاقنا عند كبر سننا وأحسن أعمالنا عند اقتراب
آجالنا وأطل في طاعتك وما يقرب إليك ويحظي عندك ويزلف
لديك أعمارنا وأحسن في جميع أحوالنا وأمورنا معرفتنا ولا تكلنا
إلى أحد من خلقك وتفضل علينا بجميع حوائجنا للدنيا والآخرة و — فمنّ علينا
وابدأ بآبائنا وأمهاتنا وجميع إخواننا المؤمنين في جميع ما سألناك — أبنائنا
لأنفسنا يا أرحم الراحمين اللهم إنا نسألك باسمك العظيم وملكك
القديم أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تغفر لنا الذنب العظيم
إنه لا يغفر العظيم إلا العظيم اللهم وهذا رجب المكرم الذي
أكرمتنا به من بين الأمم فلك الحمد يا ذا الجود والكرم اللهم فإنا نسألك — فأسألك به
به وباسمك الأعظم الأعظم الأجل الأكرم الذي خلقته فاستقر — الأعظم
في ملكك فلا يخرج منك إلى غيرك فأسألك أن تصلي على محمد وأهل — ظلك
بيته الطاهرين وأن تجعلنا من العاملين فيه بطاعتك والآملين فيه
بشفاعتك اللهم واهدنا إلى سواء السبيل واجعل مقيلنا عندك خير مقيل

بظل ظليل وملك جزيل فانك حسبنا ونعم الوكيل اللهم اقلبنا مفلحين

منجحين غير مغضوب علينا ولا ضالين برحمتك يا ارحم الراحمين و در جنة الامان

ومصباح سید بن باقی اللهم انی اسألك بعزائم مغفرتك وبواجب رحمتك

این زیادتی نیز هست

السلامة من كل اثم والغنيمة من كل بر والفوز بالجنة والنجاة من النار

اللهم دعاك الداعون ودعوتك وسألك السائلون وسألتك وطلب

اليك الطالبون وطلبت اليك اللهم انت الثقة والرجاء واليك

منتهى الرغبة والدعاء اللهم فصل على محمد وآله واجعل اليقين في

قلبي والنور في بصري والنصيحة في صدري وذكرك بالليل والنهار على

لساني ورزقا واسعا غير ممنون ولا محظور فارزقني وبارك لي فيما

رزقتني فاجعل غناي في نفسي ورغبتي فيما عندك برحمتك يا ارحم الراحمين

پس سجده برود و بگو الحمد لله الذي هداني لمعرفته وخصني بولايته ووفقني لطاعته

شكرا شكرا صد مرتبه تمام شود و سید بن طاوس گفته که حاجت خود را سؤال کن و هر دعائی که خواهی

بکن و کفعمی و سید بن باقی گفته اند که پس سر از سجده بردار و بگو

اللهم انی قصدتك بحاجتي واعتمدت عليك بمسألتي وتوجهت اليك بائمتي و

سادتي اللهم انفعنا بحبهم واوردنا موردهم وارزقنا مرافقتهم وادخلنا الجنة

فی زمرتهم

زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله در شب مبعث

فضیلت روز مبعث

في زمرتهم برحمتك يا ارحم الراحمين **مقصد** بدانکه شیخ طوسی و سید بن طاوس و شیخ
شهید قدس الله ارواحهم زیارت مخصوصی برای حضرت امیر المؤمنین ع نقل کرده اند چنانچه
بعد از این ایراد خواهیم نمود و ظاهر بعضی از عبارات ایشان آنست که آن زیارت برای شب
و روز هر دو است پس اگر زائر در نزد مرقد منور حاضر باشد همان زیارت یا زیارات مطلقه یا
زیارت جامعه مخصوص ایشان که گذشت زیارت نماید و اگر دور باشد به لفظی که خود انشا نماید
زیارت نماید و بدانکه بعضی از علما زیارت رسول خدا صلعم را نیز در روز این شب نقل نموده اند
چنانچه مذکور خواهد شد و کلام بعضی مشعر بآنست که زیارت آن بزرگوار در این شب نیز
نیکوست بنا بر این اگر کسی در مدینه منوره حاضر باشد به زیارات مطلقه یا به زیارت جامعه
که گذشت زیارت نماید و اگر دور باشد به لفظی که خود تالیف نماید زیارت کند والله تعالی یعلم
روز بیست و هفتم این روز در میان روزهای ایام ماه تمام سال بمزید فضیلت ممتاز است و همین
معنی در باب فضیلت آن کافی است که رسول خدا صلعم در آن برسالت مبعوث گردید و جن و انس به
برکت این عطیه عظمی و موهبت کبری از بیابان موحش ضلالت بساحل هدایت رسیدند و بانی
روزه آن اجر عظیم دارد و شیخ طوسی ره در کتاب مصباح از اسحق بن عبد الله عریضی روایت نموده
است که گفت پدر و عموهایم اختلاف نمودند در ایام اربعه سال که روزه آنها فضیلت بسیار
دارد پس سوار شدند و رفتند بخدمت حضرت امام علی نقی صلوات الله و سلامه علیه و حضرت
در صریا اقامت فرموده بود قبل از آنکه بسر من رای تشریف ارزانی دارد پس عرض کردند که ای
سید ما آمده ایم بخدمت تو از جهت امری که اختلاف در آن نموده ایم حضرت ارشاد فرمود
که از من سؤال کنید از ایام اربعه سال که روزه آنها فضیلت دارد ایشان عرض کردند که بلی آمده
ایم مگر برای این مطلب پس حضرت فرمود که آن چهار روز هفدهم ربیع الاول است که در آن رسول
خدا صلعم متولد شد و بیست و هفتم رجب که آنحضرت برسالت مبعوث شد و بیست و پنجم ذی قعده
که زمین در آن روز پهن شد و کشتی نوح بر جودی قرار گرفت و روزه آن کفاره هفتاد ساله گناه است
و روز هیجدهم ذی الحجه که حضرت رسالت صلعم حضرت امیر المؤمنین ع را بامامت و خلافت نصب کرد
و روزه آن کفاره گناهان شصت ساله است و ابن بابویه ره در کتاب امالی از حضرت صادق ع
روایت کرده است که هر که روز بیست و هفتم رجب را روزه دارد حق تعالی برای او ثواب روزه
هفتاد ساله بنویسد و همین مضمون را سید در اقبال از جعفر بن محمد دوریستی در کتاب حسنی نقل
نموده که او از حضرت صادق ع روایت نموده است و از شیخ مفید ره نقل نموده که روز بیست
و هفتم رجب روز بعثت حضرت رسالت صلعم است هر که آن روز را روزه دارد حق تعالی برای او
ثواب روزه شصت ساله بنویسد و ایضا سید از کتاب حسنی نقل نموده که حضرت صادق ع فرمود

کرد لیکن روزهٔ روز مبعث و هفتم رجب را که درین روز نبوت بر رسول خدا صلی الله علیه وآله نازل شد و ثواب آن مثل ثواب
شصت ماه است برای شما مؤلف گوید که کیفیت ثواب روزهٔ این روز در روایات مذکوره مختلف وارد شده
چنانچه دانستی و وجوهی که جمع بین الاخبار روز مبعث و بعضی از ذریعة النجاح نقل نمودیم همگی در نیمهٔ ماه جاری
میشود و سید در اقبال در جمع میان حدیث هفتاد سال و خصوص روزه وارد شده و ممکن است که مراد از شصت
ماه مطلق عبادت در شصت ماه باشد یا باعتبار اختلاف احوال مردم در خلوص نیت باشد و ابن بابویه
نقل نموده که او در کتاب مرشد حدیث شصت ماه را چنین روایت نموده که ثواب آن کفارهٔ گناهان شصت ماه
است و بنابراین احتیاج بتأویل ندارد و بدانکه حدیثی وارد شده است که بعثت آنحضرت در روز بیست و هفتم
و آن روایتی است که ابن بابویه رحمه الله در کتاب فضایل رجب از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که حق تعالی
محمد صلی الله علیه وآله را مبعوث گردانید وقتی که سه روز از ماه رجب گذشته بود پس ابن بابویه گفته که پدرم علی بن
بابویه از سعد بن عبدالله رحمه الله نقل نموده که این غلط از کاتب ناشی شده و عبارت حدیث چنانست
است که آنحضرت مبعوث شد وقتی که سه روز از ماه رجب باقی مانده بود والله تعالی یعلم و اخبار دیگر در
فضیلت این روز وارد شده و در ضمن اعمال ماه مذکور میشود ان شاء الله تعالی و اعمال آن چند چیز است اول
غسل چنانچه شیخ و سید و علامه و کفعمی قدس الله ارواحهم و دیگران در کتب خود نقل نموده اند مؤلف
گوید که روایتی در این باب بنظر نرسید دوم سید ره در اقبال گفته که در این روز مستحب است تصدق
نمودن بر فقرا و اتیان بخیرات و ادخال سرور بر اهل ایمان مؤلف گوید که این معنی اگرچه بخصوص روایتی
وارد نشده است لیکن این روز چون مبعث حضرت رسالت صلی الله علیه وآله و اعظم اعیاد ما است اتیان باعمال
در آن ثواب عظیم دارد سیم بسیار صلوات فرستادن بر مبعوث این روز و آل او صلی الله علیهم اجمعین
چنانچه شیخ در مصباح و سید در اقبال از حسن بن راشد روایت کرده اند که گفت عرض کردم بخدمت حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام که آیا در میان اعیاد روزی هست که از همه بهتر باشد فرمود بلی اشرف و افضل آنها
روزی است که در آن حضرت رسالت صلی الله علیه وآله به پیغمبری مبعوث شد گفتم کدام روز است آن فرمود که روز
میکرد و آن روز شنبه بیست و هفتم رجب بود گفتم چه کار کنم در آن روز فرمود که روزه بداری و
بسیار صلوات بر آنحضرت و آل او علیهم السلام بفرست چهارم شیخ طوسی و سید بن طاوس در مصباح
و اقبال از ریان بن الصلت روایت کرده اند که گفت حضرت امام محمد تقی علیه السلام در وقت اقامت بغداد در
روز نیمهٔ رجب و روز بیست و هفتم آن را روزه داشت و جماعتی که با حضرت همراه بودند همگی روزه داشتند
و امر فرمود ما را که بجا آوریم دوازده رکعت نماز را که کیفیتش این است که هر دو رکعت را بیک سلام میکنی و در
هر رکعت بعد از حمد هر سوره که خواهی چون فارغ شدی سورهٔ حمد و قل هو الله احد و معوذتین هر یک
را چهار نوبت میخوانی پس چهار نوبت میگوئی لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ
لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و چهار نوبت اللّٰهُ اللّٰهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا و چهار نوبت لَا أُشْرِكُ

عمل روز مبعث

به ربی

بِرَبِّي أَحَدًا مؤلف گوید که این روایت در روز نیمه نیز مذکور میشود و بجهت طول فاصله در مقام اعاده
و از غرایب آنست که سید بن باقی ره در حاشیهٔ مصباح این روایت را در عمل روز مبعث نقل کرده و کیفیت
عمل را خلط نموده با آنچه در نسخهٔ شیخ نقل نموده است و در نسخهٔ روایت داود بن سرحان را که ما نیز ایراد
نمودیم ذکر نموده و کیفیت عمل در این دو روایت با یکدیگر مخالف است چنانچه پوشیده نیست بر کسی که دو روایت
را با یکدیگر ملاحظه نماید والله تعالی یعلم پنجم شیخ طوسی در مصباح و سید بن طاوس در مصباح
الزائر و اقبال و سید بن باقی در مصباح از ابی القاسم بن روح روایت کرده اند که در این روز دوازده
رکعت نماز میکنی هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی بعد از حمد هر سوره که خواهی و بعد از هر دو رکعت
بعد از سلام میخوانی الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ
و این دعا را میخوانی
لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا يَا عُدَّتِي فِي مُدَّتِي وَيَا صَاحِبِي فِي
شِدَّتِي وَيَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي يَا غِيَاثِي فِي رَغْبَتِي يَا نَجَاحِي فِي حَاجَتِي يَا حَافِظِي فِي غَيْبَتِي
يَا كَالِئِي فِي وَحْدَتِي يَا أُنْسِي فِي وَحْشَتِي أَنْتَ السَّاتِرُ عَوْرَتِي فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنْتَ الْمُقِيلُ
عَثْرَتِي فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنْتَ الْمُنْعِشُ صَرْعَتِي فَلَكَ الْحَمْدُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ
اسْتُرْ عَوْرَتِي وَآمِنْ رَوْعَتِي وَأَقِلْنِي عَثْرَتِي وَاصْفَحْ عَنْ جُرْمِي وَتَجَاوَزْ عَنْ سَيِّئَاتِي
فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ وَعْدَ الصِّدْقِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ پس چون فارغ شدی از نماز
و دعا هر یک از سورهٔ حمد و قل
هو الله احد و معوذتین و قل یا ایها الکافرون و انا انزلناه و آیة الکرسی را هفت نوبت میخوانی
پس هفت نوبت لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ
و هفت نوبت اللّٰهُ اللّٰهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا میگوئی پس دعا میکنی بآنچه خواهی مؤلف
گوید که سید در اقبال این روایت را از محمد بن علی طرازی نیز نقل نموده و چهار نوبت لَا إِلٰهَ
إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ تا آخر در آن مذکور نیست و سورهٔ قل یا ایها الکافرون قبل از معوذتین
مذکور است و ظاهرا طرازی سهو در نقل نموده است و بدانکه ظاهر عبارت این حدیث آنست
سور قرآنی و اذکار بعد از آن بعد از تمام دوازده رکعت خوانده شود و محتمل است که بعد از هر رکعت

وحشتی بعد از انسی

اول دعای الحمد لله الذی تا آخر خوانده شود و بعد از آن سوره قرآن و اذکار بعد خوانده شود لیکن بعید است
والله تعالی یعلم ششم محمد بن یعقوب کلینی قدس الله ارواحهم در کافی از حضرت امام محمد تقی علیه السلام روایت
کرده است که روز بیست و هفتم ماه رجب روز بعثت حضرت رسول صلی الله علیه و آله است هر که در
این روز هر وقتی از اوقات آن که خواهد دوازده رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر
رکعتی بعد از حمد سوره یس را بخواند و چون فارغ شود بر جای خود بنشیند و سوره حمد را
چهار نوبت بخواند پس چهار نوبت لا اله الا الله و الله اکبر و الحمد لله و سبحان
الله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و چهار نوبت الله الله ربی لا اشرک به
شیئا را بگوید پس دعا کند البته مستجاب می شود مگر آنکه بر قومی نفرین کند یا قطع رحمی را سؤال نماید
هفتم سید در اقبال از کتاب مقنعه شیخ مفید قدس الله روحه نقل نموده است که حق تعالی در روز
بیست و هفتم رجب حضرت رسالت پناه را برسالت مبعوث گردانیده و باین جهت بزرگ و شریف گردانیده
و ثوابهای عظیم زیاد در آن بر بندگان خود قسمت فرموده و از آنها زیاده از کارهای عظیم ایمن
کرده اند است و از آل رسول صلی الله علیهم اجمعین وارد شده که هر که در این روز دوازده رکعت نماز
بگذارد هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی بعد از حمد سوره یس بخواند و چون فارغ شود در جای خود بنشیند
و سوره حمد و قل هو الله احد و معوذتین هر یک را چهار مرتبه بخواند پس چهار مرتبه الحمد لله و
لا اله الا الله و الله اکبر و سبحان الله و لا حول و لا قوة الا بالله و چهار مرتبه سبحان الله
و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر الله الله ربی لا اشرک به شیئا بگوید پس
حوائج خود را سؤال نماید البته برآورده می شود مگر آنکه نفرین کند قومی را یا قطع رحمی سؤال نماید
هشتم ایضا سید و شیخ مفید قدس الله روحهما نقل نموده که در کتاب تواریخ شرعیه همین نماز را ذکر
کرده لیکن سور و اذکار بعد را مخالف ذکر نموده باین طریق که چون از نماز فارغ شود سوره حمد را هفت نوبت
و معوذتین و قل هو الله احد را هر یک چهار نوبت بخواند و چهار نوبت سبحان الله و الحمد لله و لا اله
الا الله و الله اکبر و چهار نوبت الله الله ربی لا اشرک به شیئا را بگوید پس مطالب خود را سؤال
کند که البته مستجاب میشود مگر آنکه نفرین کند بر قومی یا قطع رحمی را سؤال نماید مؤلف گوید که
دوازده رکعت نماز بجمیع این طریق چنانچه مذکور شد در این روز منقول است و ظاهر حال آنست که هر یک
عمل باشد و اختلافات مذکوره از اشتباه روات ناشی باشد یا آدمی مخیر باشد میان این طرق و هر یک
عمل نماید خوب باشد و اگر خواهد که عمل بجمیع طرق نماید دوازده رکعت را با سوره یس بجا آورد و بعد از
هر سلامی نشسته دعای الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا را تا آخر که در روایت ابو القاسم بن روح مذکور است
بخواند و بعد از سلام آخر چون از دعا فارغ شود سوره حمد و قل هو الله احد و معوذتین و قل یا ایها
الکافرون و انا انزلناه و آیة الکرسی را هر یک هفت نوبت بخواند و لا اله الا الله و الله اکبر

وسبحان

و سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و سبحان الله و لا حول و لا قوة
الا بالله و چهار نوبت سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و هفت نوبت
الله الله ربی لا اشرک به شیئا و چهار نوبت لا اشرک بربی احدا بخواند پس حاجات خود را سؤال
کند تکمله بدانکه اکثر روایات سابقه چون مطلق وارد شده دوازده رکعت را بهر طریق که اختیار نماید
در هر وقتی از اوقات این روز که خواهی می توانی کرد و در روایت کلینی تصریح باین معنی شده لیکن سید در اقبال
از شیخ مفید در رساله عزیه نقل نموده که نماز روز مبعث در اول روز باید کرده شود و از شیخ سلیمان
بن الحسن در کتاب بدایه نقل نموده که قبل از ظهر باید کرده شود و ممکن است که در واقع در این باب بایشان رسیده
باشد و الله تعالی یعلم نهم سید بن طاوس در اقبال از محمد بن علی طرازی روایت نموده است که حضرت
امام موسی کاظم صلوات الله و سلامه علیه را ببغداد آوردند ماه رجب از سال [illegible] از هجرت بود و
آنحضرت در روز بیست و هفتم ایشان که مبعث حضرت رسالت صلی الله علیه و آله است این دعا را خواندند
و این دعا از جمله ادعیه مکتوبه ماه رجب است و در منهاج الصلاح و جنة الامان و بلد الامین و مصباح
و مصباح ابن باقی و اکثر نسخ مصباح یا من امر بالعفو و ضمن نفسه العفو و التجاوز
شیخ نیز این دعا مذکور است و دعا اینست

یا من عفى و تجاوز اعف عنی و تجاوز یا کریم اللهم و قد اکدی الطلب
و اعیت الحیلة و المذهب و درست الآمال و انقطع الرجاء الا منک وحدک
لا شریک لک اللهم انی اجد سبل المطالب الیک مشرعة و مناهل الرجا
لدیک مترعة و ابواب الدعاء لمن دعاک مفتحة و الاستعانة لمن استعان
بک مباحة و اعلم انک لداعیک بموضع اجابة و للصارخ الیک بمرصد
اغاثة و ان فی اللهف الی جودک و الضمان بعدتک عوضا من منع الباخلین
و مندوحة عما فی ایدی المستأثرین و انک لا تحتجب عن خلقک الا ان
تحجبهم الاعمال دونک و قد علمت ان افضل زاد الراحل الیک عزم ارادة

و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم [illegible] و چهار نوبت الحمد لله

الجنة

عنه سنى اللهم انا نسئلك الخير برحمتك ونستعيذك من النار فانقذنا منها

بقدرتك ونسألك من الحور العين فارزقنا بعزتك واجعل اوسع ارزاقنا

عند كبر سننا واحسن اعمالنا عند اقتراب آجالنا واطل في طاعتك

وما يقرب اليك ويحظي عندك ويزلف لديك اعمارنا واحسن في

جميع احوالنا وامورنا ولا تكلنا الى احد من خلقك وتفضل علينا بجميع

حوائجنا للدنيا والآخرة وابدأ بآبائنا وامهاتنا وجميع اخواننا المؤمنين

في جميع ما سألناك لانفسنا يا ارحم الراحمين اللهم انا نسألك

باسمك العظيم وملكك القديم ان تصلي على محمد وآل محمد وان تغفر

لنا الذنب العظيم انه لا يغفر العظيم الا العظيم اللهم وهذا رجب

المكرم الذي اكرمتنا به اول اشهر الحرم اكرمتنا به من بين الامم

فلك الحمد يا ذا الجود والكرم اللهم فانا نسألك به وباسمك الاعظم

الاعظم الاجل الاكرم الذي خلقته فاستقر في ظلك فلا يخرج

منك الى غيرك ان تصلي على محمد واهل بيته الطاهرين وان

تجعلنا من العاملين فيه بطاعتك والآملين فيه برعايتك اللهم

واهدنا الى سواء السبيل واجعل مقيلنا عندك خير مقيل في ظل ظليل و

ملك جزيل فانك حسبنا ونعم الوكيل اللهم اقلبنا مفلحين منجحين غير

مغضوب علينا ولا ضالين برحمتك يا ارحم الراحمين پس بگو الحمد لله الذي

بر و د بگو

هدانا لمعرفته وخصني بولايته ووفقني لطاعته شكراً شكراً صد مرتبه

وحاجت خود

را سؤال كن وهر دعا كه خواهى بكن مؤلف گويد كه سيد در مصباح الزائر و ابن باقى و كفعمى اين دعا را با دعاى

كوچكى كه بعد از سجده بايد خوانده شود از اعمال شب مبعث نقل نموده اند چنانچه در اعمال شب ما از ايشان

نقل نموديم و ممكن است كه در هر دو وقت منقول باشد ليكن اگر در روز خوانده شود در مواضعى كه لفظ

ليله يا ليالى مذكور است بايد تبديل بيوم و ايام شود با رعايت تذكير و تانيث ضماير راجعه چنانچه سيد

مرعى داشته است لهذا در اينجا نيز ذكر نموده خواندن آن را تجويز نموديم زيارت سيد بن طاوس ره

در اقبال گفته كه سزاوار است در اين روز زيارت كنى رسول خدا را و اين زيارتى كه در روز مولد آنحضرت

هفدهم ماه ربيع الاول است وارد شده مؤلف گويد كه روايتى در اين باب بنظر نرسيده ليكن چون زيارت آن

بزرگوار از امور متبركه و اوقات مخصوصه با آنحضرت نيكو است چنانچه سابق مذكور شد پس اگر در مدينه

منوره حاضر باشد بزيارت مطلقه منقوله زيارت جامعه مخصوصه ايشان كه سابق مذكور شد زيارت نمايد

اگر دور باشد بزيارت مولد كه مخصوص اماكنه بعيده است و بعد از اين در اعمال ماه ربيع الاول ايراد خواهيم

نمود زيارت كه خود انشا نمايد زيارت نمايد والله العالم دعا زيارت حضرت امير المؤمنين صلوات الله

وسلامه عليه شيخ مفيد و سيد بن طاوس و شيخ شهيد قدس الله اسرارهم گفته اند كه هرگاه اراده زيارت

آنحضرت نمائى در اين وقت پس بگو اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد

نزد قبر شريف مقابل ضريح منور آنحضرت بايست و بگو

ان محمداً عبده ورسوله وان علي بن ابي طالب عبد الله واخو رسوله وان

الائمة الطاهرين من ولده حجج الله على خلقه پس داخل قبه مباركه شو نزد ضريح مطهر

و رو بضريح و پشت بقبله بايست و بگو

الله اكبر السلام عليك يا وارث آدم خليفة الله السلام عليك يا وارث نوح صفوة

بگو و بعد از آن بگو

الله السلام عليك يا وارث ابرهيم خليل الله السلام عليك يا وارث موسى كليم الله
السلام عليك يا وارث عيسى روح الله السلام عليك يا وارث محمد سيد رسل
الله السلام عليك يا امير المؤمنين السلام عليك يا امام المتقين السلام
عليك يا سيد الوصيين السلام عليك يا وصي رسول رب العالمين
السلام عليك يا وارث علم الاولين والاخرين السلام عليك ايها النبأ العظيم
السلام عليك ايها الصراط المستقيم السلام عليك ايها المهذب الكريم
السلام عليك ايها الوصي التقي السلام عليك ايها الرضي الزكي السلام
عليك ايها البدر المضيء السلام عليك ايها الصديق الاكبر السلام
عليك ايها الفاروق الاعظم السلام عليك ايها السراج المنير السلام
عليك يا امام الهدى السلام عليك يا علم التقى السلام عليك يا حجة الله
الكبرى السلام عليك يا خاصة الله وخالصته وامين الله وصفوته
وباب الله وحجته ومعدن حكم الله وسره وعيبة علم الله وخازنه
وسفير الله في خلقه اشهد انك اقمت الصلوة واتيت الزكوة
وامرت بالمعروف ونهيت عن المنكر واتبعت الرسول وتلوت الكتاب

حق تلاوته وبلغت عن الله ووفيت بعهد الله وتمت بك كلمات الله و بعهده
جاهدت في الله حق جهاده ونصحت لله ولرسوله صلى الله عليه واله
وجدت بنفسك صابرا محتسبا مجاهدا عن دين الله موقيا لرسول الله
صلى الله عليه واله طالبا ما عند الله راغبا فيما وعد الله ومضيت
للذي عليه شهيدا وشاهدا ومشهودا فجزاك الله عن رسوله كنت
وعن الاسلام واهله من صديق افضل الجزاء اشهد انك كنت اول
القوم اسلاما واخلصهم ايمانا واشدهم يقينا واخوفهم لله واعظمهم
عناء واحوطهم على رسول الله صلى الله عليه واله وافضلهم
مناقب واكثرهم سوابق وارفعهم درجة واشرفهم منزلة
واكرمهم عليه فقويت حين وهنوا ولزمت منهاج رسول الله صلى غلبة
الله عليه واله اشهد انك كنت خليفته حقا لم تنازع برغم
المنافقين وغيظ الكافرين وضغن الفاسقين وقمت بالامر حين
فشلوا ونطقت حين تتعتعوا ومضيت بنور الله اذ وقفوا فمن اتبعك
فقد اهتدى كنت اقلهم كلاما واشدهم خصاما واصوبهم منطقا

وأسدّهم رأياً وأشجعهم قلباً وأكثرهم يقيناً وأحسنهم عملاً وأعرفهم
بالأمور كنت للمؤمنين رحيماً إذ صاروا عليك عيالاً فحملت أثقال أباً :
ما عنه ضعفوا وحفظت ما أضاعوا ورعيت ما أهملوا وشمّرت
إذ جبنوا وعلوت إذ هلعوا وصبرت إذ جزعوا كنت على الكافرين
عذاباً صبّاً وغلظةً وغيظاً وللمؤمنين غيثاً وخصباً وعلماً لم تفلل
حجّتك ولم يزغ قلبك ولم تضعف بصيرتك ولم تجبن نفسك كنت
كالجبل لا تحرّكه العواصف ولا تزيله القواصف كنت كما قال
رسول الله صلى الله عليه وآله قويّاً في بدنك متواضعاً في نفسك عظيماً
عند الله كبيراً في الأرض جليلاً في السماء لم يكن لأحد فيك مهمز
ولا لقائل فيك مطمع ولا لأحد عندك هوادة يوجد الضعيف الذليل في مثالك :
ذليلاً
عندك قويّاً عزيزاً حتى تأخذ له بحقّه والقويّ العزيز عندك ضعيفاً
حتى تأخذ منه الحقّ القريب والبعيد عندك في ذلك سواء شأنك
الحقّ والصدق والرفق وقولك حكم وحتم وأمرك حلم وعزم اعتدل
بك الدين وسهل بك العسير وأطفئت بك النيران وقوي بك الإيمان وثبت

بك الإسلام وهدّت مصيبتك الأنام فإنّا لله وإنّا إليه راجعون
لعن الله من قتلك ولعن الله من خالفك ولعن الله من افترى
عليك ولعن الله من ظلمك وغصبك حقّك ولعن الله من بلغه
ذلك فرضي به إنّا إلى الله منهم براء لعن الله أمّةً خالفتك وجحدت
ولايتك وتظاهرت عليك وقتلتك وحادت عنك وخذلتك
الحمد لله الذي جعل النار مثواهم وبئس الورد المورود
أشهد لك يا وليّ الله ووليّ رسوله صلى الله عليه وآله بالبلاغ
والأداء وأشهد أنّك جنب الله وبابه وأنّك حبيب الله و والنصيحة :
وجهه الذي منه يؤتى وأنّك سبيل الله وأنّك عبد الله و
أخو رسوله صلى الله عليه وآله أتيتك زائراً لعظيم حالك ومنزلتك جلالتك :
عند الله وعند رسوله متقرّباً إلى الله بزيارتك راغباً إليك في
الشفاعة أبتغي بشفاعتك خلاص نفسي متعوّذاً بك من النار هارباً من
ذنوبي التي احتطبتها على ظهري فزعاً إليك رجاء رحمة ربّي أتيتك أستشفع
بك يا مولاي إلى الله وأتقرّب بك إليه ليقضي بك حوائجي فاشفع لي يا

امير المؤمنين الى الله فانى عبد الله ومولاك وزائرك ولك عند الله المقام
المعلوم والجاه العظيم والشان الكبير والشفاعة المقبولة اللهم
صل على محمد وال محمد وصل على عبدك وامينك الاوفى وعروتك الادنى نـ
الوثقى ويدك العليا وكلمتك الحسنى وحجتك على الورى وصديقك
الاكبر سيد الاوصياء وركن الاولياء وعماد الاصفياء امير
المؤمنين ويعسوب المتقين وقدوة الصديقين وامام الصالحين
المعصوم من الزلل والمفطوم من الخلل والمهذب من العيب المطهر
من الريب اخي نبيك ووصي رسولك والبائت على فراشه والمواسي له بنفسه
وكاشف الكرب عن وجهه الذي جعلته سيفا لنبوته ومعجزا لرسالته و
دلالة واضحة لحجته وحاملا لرايته ووقاية لمهجته وهاديا لامته ويدا
لبأسه وتاجا لرأسه وبابا لنصره ومفتاحا لظفره حتى هزم جنود الشرك
بايدك واباد عساكر الكفر بامرك وبذل نفسه في مرضاة رسولك وجعلها
وقفا على طاعته ومجنا دون نكبته حتى فاضت نفسه صلى الله عليه
واله في كفه واستلب بردها ومسحه على وجهه واعانته ملائكتك

على غسله وتجهيزه وصلى عليه وواری شخصه وقضى دينه وانجز وعده و
لزم عهده واحتذى مثاله وحفظ وصيته وحين وجد انصارا
نهض مستقلا باعباء الخلافة مضطلعا باثقال الامامة فنصب راية الهدى
في عبادك ونشر ثوب الامن في بلادك وبسط العدل في بريتك وحكم
بكتابك في خليقتك واقام الحدود وقمع الجحود وقوم الزيغ وسكن
القصرة نـ الغمرة واباد الفترة وسد الفرجة وقتل الناكثة والقاسطة والمارقة
ولم يزل على منهاج رسول الله صلى الله عليه واله وتيرته ولطف شاكلته
وجمال سيرته مقتديا بسنته متعلقا بهمته مباشرا لطريقته وامثلته
نصب عينيه يحمل عبادك عليها ويدعوهم اليها الى ان خضبت شيبته
من دم رأسه اللهم فكما لم يؤثر في طاعتك شكا على يقين ولم يشرك بك طرفة
عين صل عليه صلوة زاكية نامية يلحق بها درجة النبوة في جنتك وبلغه
منا تحية وسلاما واتنا من لدنك في موالاته فضلا واحسانا ومغفرة ورضوانا
انك ذو الفضل الجسيم برحمتك يا ارحم الراحمين پس ضريح مبارك را ببوس و [illegible]
راست وچپ روی را برا او بمال و
بجانب قبله ميل كن و نماز زيارت و هرچه خواهى بكن و بگو اللهم انك بشرتني على لسان
فاطمه زهرا صلوات الله عليها را بگو و بعد از آن اين دعا را بخوان

نبيك ورسولك محمد صلواتك عليه وآله فقلت وبشر الذين آمنوا أن لهم قدم
صدق عند ربهم اللهم إني مؤمن بجميع أنبيائك ورسلك صلواتك عليهم وإلي بك
فلا تقفني بعد معرفتهم موقفاً تفضحني فيه على رؤوس الأشهاد بل قفني معهم
وتوفني على التصديق بهم اللهم وأنت خصصتهم بكرامتك وأمرتني باتباعهم
اللهم إني عبدك وزائرك متقرباً إليك بزيارة أخي رسولك على كل
مأتي ومزور حق لمن أتاه وزاره وأنت خير مأتي وأكرم مزور فأسألك
يا الله يا رحمن يا رحيم يا جواد يا ماجد يا أحد يا صمد يا من لم يلد ولم يولد
ولم يكن له كفواً أحد ولم يتخذ صاحبة ولا ولداً أن تصلي على محمد وآل
محمد وأن تجعل تحفتك إياي من زيارتي أخا رسولك فكاك رقبتي من النار
وأن تجعلني ممن يسارع في الخيرات ويدعوك رغباً ورهباً وتجعلني لك من
الخاشعين اللهم إنك مننت علي بزيارة مولاي علي بن أبي طالب وولايته و
معرفته فاجعلني ممن ينصره وينتصر به ومن علي بنصرك لدينك اللهم و
اجعلني من شيعته وتوفني على دينه اللهم أوجب لي من الرحمة والرضوان و
المغفرة والإحسان والرزق الواسع الحلال الطيب ما أنت أهله يا أرحم الراحمين

والحمد لله رب العالمين پس چون خواهی آنحضرت را وداع نمائی نزد ضریح مقدس بایست و بگو السلام عليك يا أمير المؤمنين
السلام عليك يا تاج الأوصياء السلام عليك يا وارث علم الأنبياء السلام عليك
يا رأس الصديقين السلام عليك يا باب الأحكام السلام عليك يا ركن
المقام أستودعك الله وأسترعيك وأقرأ عليك السلام آمنا بالله وبالر سول
وبما جاء به ودعا إليه ودل عليه اللهم فاكتبنا مع الشاهدين
اللهم فلا تجعله آخر العهد من زيارتي إياه ولا تحرمني ثواب من زاره و
استعملني بالذي افترضت له علي وارزقني العود إليه فإن توفيتني قبل
ذلك فإني أشهد أنهم أعلام الهدى والعروة الوثقى والكلمة العليا و
الحجة العظمى والنجوم العلى والعذر البالغ بينك وبين خلقك وأشهد
أن من رد ذلك في أسفل درك من الجحيم اللهم واجعلني من وفد المباركين
وزواره المخلصين وشيعته الصادقين وموالية الميامين وأنصاره
المكرمين وأصحابه المؤيدين اللهم اجعلني أكرم وافد وأفضل وارد
وأنبل قاصد قصدك إلى هذا الحرم الكريم والمقام العظيم والمنهل الجليل
الذي أوجبت فيه غفرانك ورحمتك اللهم إني أشهدك وأشهد من

حَضَرَ مِنْ مَلٰئِكَتِكَ اَنَّ الَّذي مَنْ سَكَنَ هٰذَا الرَّمْسَ وَحَلَّ هٰذَا الضَّريحَ طُهْراً
مُقَدَّسٌ مُنْتَجَبٌ رَضِيٌّ مَرْضِيٌّ طُوبىٰ لَكَ مِنْ تُرْبَةٍ ضَمِنَتْ كَنْزاً مِنَ الْخَيْرِ وَشِهاباً وصيّ د
مِنَ النُّورِ وَيَنْبُوعَ الْحِكْمَةِ وَعَيْناً مِنَ الرَّحْمَةِ وَمُبَلِّغَ الْحُجَّةِ اَنَا اَبْرَأُ اِلَى اللّٰهِ مبلّغ د
مِنْ قاتِلِكَ وَالنّاصِبينَ لَكَ وَالْمُعْتَدينَ عَلَيْكَ وَالْمُحارِبينَ لَكَ اَللّٰهُمَّ ذَلِّلْ قُلُوبَنا عليك د
لَهُمْ بِالطّاعَةِ وَالْمُناصَحَةِ وَالْمُوالاةِ وَحُسْنِ الْمُوازَرَةِ وَالتَّسْليمِ حَتّىٰ نَسْتَكْمِلَ لك د
بِذٰلِكَ طاعَتَكَ وَنَبْلُغَ بِهِ مَرْضاتَكَ وَنَسْتَوْجِبَ بِهِ ثَوابَكَ وَرَحْمَتَكَ اَللّٰهُمَّ
وَفِّقْنا لِكُلِّ مَقامٍ مَحْمُودٍ وَاَقْلِبْني مِنْ هٰذَا الْحَرَمِ بِكُلِّ خَيْرٍ مَوْجُودٍ يا ذَا
الْجَلالِ وَالْاِكْرامِ اُوَدِّعُكَ يا مَوْلايَ يا اَميرَ الْمُؤْمِنينَ وِداعَ مَحْزُونٍ عَلىٰ
فِراقِكَ لا جَعَلَهُ اللّٰهُ آخِرَ عَهْدي مِنْكَ وَلا زِيارَتي لَكَ اِنَّهُ قَريبٌ مُجيبٌ اَلسَّلامُ
عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ پس وداع کن و اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
دست‌ها را بردار و بگو
وَاَبْلِغْ عَنَّا الْوَصِيَّ الْخَليفَةَ وَالدّاعِيَ اِلَيْكَ وَاِلىٰ دارِ السَّلامِ صِدّيقَكَ الْاَكْبَرَ داريك د
فِي الْاِسْلامِ وَفارُوقَكَ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْباطِلِ وَنُورَكَ الزّاهِرَ وَلِسانَكَ النّاطِقَ
بِاَمْرِكَ بِالْحَقِّ الْمُبينِ وَعُرْوَتَكَ الْوُثْقىٰ وَكَلِمَتَكَ الْعُلْيا وَوَصِيَّ رَسُولِكَ
الْمُرْتَضىٰ عَلَمَ الدّينِ وَمَنارَ الْمُسْلِمينَ وَخاتَمَ الْوَصِيّينَ وَسَيِّدَ الْمُؤْمِنينَ

عَلِيَّ بْنَ اَبي طالِبٍ اَميرَ الْمُؤْمِنينَ وَاِمامَ الْمُتَّقينَ وَقائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلينَ صَلَوٰةً
تَرْفَعُ بِها ذِكْرَهُ وَتُحْيي بِها اَمْرَهُ وَتُظْهِرُ بِها دَعْوَتَهُ وَتَنْصُرُ بِها
ذُرِّيَّتَهُ وَتُفْلِجُ بِها حُجَّتَهُ وَتُعْطيهِ بِها بَصيرَتَهُ اَللّٰهُمَّ وَاجْزِهِ عَنّا نصرته د
خَيْرَ جَزاءِ الْمُكْرَمينَ وَاَعْطِهِ سُؤْلَهُ يا رَبَّ الْعالَمينَ فَاِنّا نَشْهَدُ
اَنَّهُ قَدْ نَصَحَ لِرَسُولِكَ وَهَدىٰ اِلىٰ سَبيلِكَ وَقامَ بِحَقِّكَ وَصَدَعَ بِاَمْرِكَ
وَلَمْ يَجُرْ في حُكْمِكَ وَلَمْ يَدْخُلْ في ظُلْمٍ وَلَمْ يَتَّبِعْ في اِثْمٍ وَاَنَّهُ اَخُو رَسُولِكَ
وَاَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِهِ وَصَدَّقَهُ وَاتَّبَعَهُ وَنَصَرَهُ وَاَنَّهُ وَصِيُّهُ وَوارِثُ
عِلْمِهِ وَمَوْضِعُ سِرِّهِ وَاَحَبُّ الْخَلْقِ اِلَيْهِ فَاَبْلِغْهُ عَنَّا السَّلامَ وَرُدَّ عَلَيْنا
مِنْهُ السَّلامَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ مؤلف گوید که این زیارت را سید در مصباح الزائر نقل نموده
و از کلام او و کلام شیخ مفید و شیخ شهید مستفاد می‌شود
که این زیارت برای خصوص این وقت منقول باشد و در اول گفته که در این روز زیارت کن آنحضرت را
و زیارتی که در روز مولد رسول خدا صلعم برای آنحضرت وارد شده و از این کلام مستفاد می‌شود که این
زیارت از زیارات مطلقه باشد و جدّ علامه‌ام مولانا محمد باقر علیه طاب ثراه در کتاب بحار الانوار گفته
که من مطلع نگردیدم بر سندی این زیارت بلکه استحباب زیارت آنحضرت را در خصوص این روز در روایات
ندیدم لیکن در میان شیعه مشهور و معروف است و زیارت آنحضرت را اوقات متبرکه و ازمنه مخصوصه با آن
حضرت فضیلت عظیم دارد و چون این روز روز بسیار شریف است زیارت آنحضرت در آن نیکوست بلکه نهایت
اختصاص با آنحضرت نیز دارد جهت آنکه آنحضرت بمنزله نفس مقدس رسول خدا صلعم است چنانچه آیه کریمه
مباهله شهادت بآن میدهد و لهذا در روز مولد نیز زیارت وارد شده است و چون این زیارت
مختصر قریب است پس در بلاد بعیده بهتر یا زیارتی که خود انشا نماید زیارت نماید و الله تعالی هو الموفق
شب بیست و ششم سید در کتاب مذکور از حضرت رسالت صلعم روایت کرده است که هر که در این شب دوازده

رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعتی بعد از حمد سوره سبح اسم ربک و انا انزلناه را هر یک ده نوبت
بخواند و چون فارغ شود صد نوبت صلوات بر آنحضرت و آل او بفرستد و صد نوبت استغفار نماید
حق تعالی بنویسد برای او ثواب بسیار مؤلف گوید که این نماز مطابق است با نمازی که سید همین
در شب سابق نقل کرده چنانچه مذکور شد و در جنة الامان صلوات و سلام هر دو مذکور
است پس بهتر آنست که لفظ مشتمل بر هر دو گفته شود **روز بیست و ششم** روزه این روز بخصوص
فضیلت عظیم دارد چنانچه سید در کتاب اقبال از کتاب حسنی که تالیف جعفر بن محمد دوریستی
نقل نموده که او از حضرت امام رضا صلوات الله علیه روایت نموده که هر که روزه دارد بیست
هشتم این ماه را روزه او کفاره نود سال گناه باشد و ایضا فضیلت روزه سه روز آخر این ماه زیاده
از سایر ایام است چنانچه بعضی از روایات آن در فضیلت روزه اول مذکور شد و ابن بابویه
در کتاب مجالس بسند معتبر از سالم روایت کرده است که گفت رفتم بخدمت حضرت صادق ع
در اواخر ماه رجب که چند روز از آن باقی بود و چون نظر مبارک آنحضرت بر من افتاد فرمود که
آیا روزه گرفته در این ماه گفتم نه والله ای فرزند رسول خدا فرمود که آنقدر از ثواب فوت شده است
که قدر آنرا بغیر از خدا کسی نمیداند بدرستی که این ماهی است که خدا آنرا بر ماههای دیگر فضیلت داده
و حرمت آنرا عظیم گردانیده و بر خود واجب گردانیده است که اکرام نماید کسی را که روزه دارد آنرا گفتم
یا ابن رسول الله اگر در بقیه این ماه روزه بدارم آیا بعضی از ثواب روزه داران آن فایز میگردم
فرمود که ای سالم هر که یک روز از آخر این ماه را روزه بدارد خدا او را ایمن گرداند از شدت سکرات مرگ
و از هول بعد از مرگ و عذاب قبر و هر که دو روز آخر این ماه را روزه بدارد بر صراط بآسانی بگذرد
و هر که سه روز آخر این ماه را روزه دارد او را ایمن گرداند از ترس عظیم روز قیامت و شدتها و هولهای آنروز
و برات نجات از آتش جهنم را باو عطا کند **شب بیست و نهم** سید در کتاب مذکور از رسول خدا ص
در این شب دوازده رکعت نماز مانند نماز دو شب سابق در کیفیت و ثواب روایت کرده است و در جنة
الامان با صلوات سلام را نیز ذکر کرده است **مؤلف** گوید که در اعمال شب اول مذکور شد که احوط
آنست که در شب اول و شب وسط و شب آخر و روز آنها هم غسل واقع شود و چون محتمل است
که ماه ناقص و این شب شب آخر باشد پس غسل در این شب و روز آن نیز احوط است **روز بیست و نهم**
روزه این روز بخصوص فضیلت بسیار دارد چنانچه در روز سابق مذکور شد و سید در کتاب اقبال
از کتاب حسنی نقل نموده است که از حضرت امام رضا ع منقول است که هر که روزه دارد روز بیست
و نهم این ماه را روزه او کفاره صد سال گناه واقع شود **مؤلف** گوید که غسل در این روز احتیاطا باید
واقع شود چنانچه دانستی ده رکعت نماز سلمان فارسی که از رسول خدا ص روایت کرده که باید
در روز آخر این ماه کرده شود بطریق خاصی که در اعمال روز اول مذکور شد احوط آنست که در این روز

کرده شود

کرده شود بطریق خاصی که در اعمال روز اول مذکور شد احوط آنست که در این روز کرده شود بعلت احتمال نقصان ماه
شب سیم ماه سید در کتاب مذکور از حضرت رسالت ص روایت کرده است که هر که در این شب ده رکعت
نماز بکند و در هر رکعتی بعد از حمد سوره قل هو الله احد ده مرتبه بخواند حق تعالی عطا فرماید باو
در جنة الفردوس هفت شهر و چون از قبر بیرون آید روی او مانند ماه شب چهارده درخشنده باشد
و بگذرد از صراط مانند برق جهنده و نجات یابد از آتش جهنم **مؤلف** گوید که کفعمی ره در جنة الامان
در این موضع نیز اشتباه نموده و سوره قل هو الله احد را یازده مرتبه نقل نموده است و سبب این
اشتباه سابق بر این مذکور شد و کردن غسل در این شب احوط است چنانچه مکرر مذکور شد **روز**
سیوم روزه این روز بخصوص نیز فضیلت دارد و تاکید آن زیاده از دو روز سابق است و صاحب
کتاب حسنی چنانچه سید در اقبال از او نقل نموده است بسند خود از حضرت امام رضا ع روایت
نموده است که هر که روزه دارد روز سیم این ماه را حق تعالی گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد
و اعمال این روز غسل است بنا بر احتمال اقرب و ده رکعت نماز سلمان که کیفیت آن در اعمال روز اول
مذکور شد والله تعالی هو الموفق **خزینه دویم از کتاب خزائن الجواهر السلطانی در بیان**
فضائل و اعمال ماه مبارک شعبان و آن بچند باب مفتوح میشود **باب اول** در بیان
فضیلت و ثواب عبادت در آن **بدانکه** شرافت و فضیلت و برکت این ماه زیاده از ماه سابق است
و عبادت در آن ثوابش بیشتر و لطف الهی بحظ فیوضات الهی بر کرده بندگان وارد میشود و باین
جهت این ماه شعبان نامیده میشود زیرا که خیرهای مؤمنان را در این ماه منشعب میسازد و می
افزاید و برکات بسیار بر ایشان افاضه میشود و فضیلت روزه این ماه زیاده از ماه سابق است
چنانچه ابن بابویه ره در کتاب فضائل شهر شعبان از زید بن اسلم روایت کرده است که از حضرت
رسالتپناه ص پرسیدند از فضیلت روزه ماه رجب فرمود که شما کجائید از روزه ماه شعبان یعنی
روزه ماه شعبان افضل است و ایضا روزه ماه رجب از جمله تطوعات و روزه این ماه از
جمله سنن است و فضیلت سنن و ثواب آن و تاکید در اتیان آن زیاده از تطوعات است و تحقیق
این معنی بتفصیل در مفتتح باب اول از خزینه اول سبق ذکر یافت و از بعضی روایات ظاهر میشود
که در زمان سابق نیز روزه این ماه را ضایع کرده اند پس شما مخالفت کنید ایشان را و احادیث فضیلت
این ماه بسیار و بعضی بتقریب در بیان فضیلت ماه سابق مذکور شد و ابن بابویه ره در کتاب فضائل
و ثواب الاعمال از ابن عباس روایت کرده است که صحابه در خدمت رسول خدا ص فضائل ماه شعبان
را مذکور میساختند پس آنحضرت فرمود که آن ماهی است شریف و آن ماه من است و حاملان عرش آنرا
تعظیم مینمایند و حق آنرا میشناسند و آن ماهی است که روزیهای مؤمنان در آن زیاده میشود برای ماه
مبارک رمضان و زینت میکنند بهشت را در این ماه و بدرستی که آنرا شعبان مینامند برای آنکه

خزینه دویم در فضائل شعبان

منشعب و فراخ میکرد در آن روزها برای مؤمنان و آن ماه عملهاست بدرستی که حسنات در آن ماه ثوابش
هفتاد برابر مضاعف میکرد و سیئات کم می‌شود و اعمال حسنه مقبول میکرد و خداوند جبار
جل جلاله در آن ماه بندگان خود مباهات مینماید و از عرش عظمت و جلالش بروزه داران و عبادت
کنندگان آن نظر ملاطفت میفرماید پس حضار ملائکه عرش آلهی بایشان مباهات میکند پس برخاست حضرت
امیرالمؤمنین ع و فرمود که فدای تو باد پدر و مادرم یا رسول الله قدری از فضایل آنرا برای ما بیان فرما
تا رغبت ما در روزه داشتن و عبادت کردن آن زیاده گردد و از برای جد و اهتمام عبادت خداوند
جلیل نمائیم در آن پس جناب مقدس نبوی ص فرمود که هر که روزه دارد روز اول ماه شعبان را بنویسد
حق تعالی برای او هفتاد حسنه که هر حسنه برابر باشد با عبادت یکسال و هر که دو روز از این ماه را روزه
دارد دفع کند حق تعالی از او گناهان مهلکه او را و هر که سه روز از این ماه را روزه دارد بلند کند
حق تعالی برای او هفتاد درجه در بهشت از در و یاقوت و هر که چهار روز از این ماه را روزه دارد
فراخ کند حق تعالی روزی او را و هر که پنج روز از این ماه را روزه دارد محبوب بندگان گردد و
هر که شش روز از این ماه را روزه دارد دفع کند حق تعالی از او هفتاد نوع بلا را و هر که هفت روز
این ماه را روزه دارد حفظ کند حق تعالی او را در تمام عمرش از شر شیطان و لشکرهای او و هر که هشت
روز این ماه را روزه دارد بیرون نرود از دنیا تا آنکه از حوضهای قدس سیراب گردد و هر که نه روز از
این ماه را روزه دارد منکر و نکیر مهربانی کنند با او در قبر چون از او سؤال نمایند و هر که ده روز از این
ماه را روزه دارد حق تعالی وسیع گرداند قبر او را هفتاد ذراع در هفتاد ذراع و هر که یازده روز از آن
ماه را روزه دارد حق تعالی یازده مناره از نور بر قبر او بزند و هر که دوازده روز از این ماه را روزه دارد ملائکه
زیارت نمایند او را در قبر او هر روز نود هزار ملک تا نفخ صور و هر که سیزده روز از این ماه را روزه
دارد استغفار کنند برای او ملائکه آسمانهای هفتگانه و هر که چهارده روز از این ماه را روزه دارد حق
تعالی الهام فرماید بجمیع حیوانات و درندگان حتی ماهیان دریاها که استغفار نمایند برای او و هر که
پانزده روز از این ماه را روزه دارد خداوند رب العزة او را ندا کند که بعزت و جلال خود سوگند یاد
کردم که ترا با آتش جهنم نسوزانم و هر که شانزده روز از این ماه را روزه بدارد خاموش کرداند حق تعالی
از او هفتاد دریا از آتش جهنم را و هر که هفده روز از این ماه را روزه دارد بسته شود برای او همه
درهای جهنم و هر که هجده روز از این ماه را روزه دارد گشوده شود برای او همه درهای بهشت و هر که
نوزده روز از این ماه را روزه دارد عطا کند باو در بهشت هفتاد هزار قصر از در و یاقوت و هر که
بیست روز از این ماه را روزه دارد هفتاد هزار زن از حور العین با او تزویج کند و هر که بیست و یک روز
از این ماه را روزه دارد مرحبا گویند او را ملائکه و بال خود را باو بمالند برای برکت و هر که بیست و دو
روز از این ماه را روزه دارد بپوشانند باو هفتاد هزار حله از سندس و استبرق بهشت و هر که بیست

سه روز از این ماه را روزه دارد برای او بنا کنند در وقتی که بیرون آید از قبر چهارپائی از نور و بر او سوار شود
و پرواز کند داخل بهشت شود و هر که بیست و چهار روز از این ماه را روزه دارد قبول کند شفاعت او را
در حق هفتاد هزار کس که خدا از یگانگی پرستیده باشد و هر که بیست و پنج روز از این ماه را روزه دارد
برات بیزاری از نفاق را باو عطا کند و هر که بیست و شش روز از این ماه را روزه دارد گذشتن از پل
صراط را حق تعالی برای او بنویسد و هر که بیست و هفت روز از این ماه را روزه دارد برات نجات از
آتش جهنم را حق تعالی برای او بنویسد و هر که بیست و هشت روز از این ماه را روزه دارد روی او
در روز قیامت مانند ماه نورانی شود و هر که بیست و نه روز از این ماه را روزه دارد برسد برضوان
اکبر حق تعالی و هر که سی روز از این ماه را روزه دارد ندا کند او را جبرئیل از پیش عرش که ای فلان عمل را
از سر گیر بدرستی که آمرزیده شد گناهان گذشته تو و پروردگار جلیل میفرماید که اگر گناهان تو
بعدد ستارگان آسمان و قطرهای باران و برگ درختان و ریگ بیابانها و ایام دنیا باشد که همه
آنها را آمرزیدیم برای تو پس حضرت فرمود که این بمعنی از خداوند عالمیان عجیب نیست بعد از
آنکه ماه شعبان را روزه داشته باشی و شیخ طوسی طاب ثراه در مصباح و سید بن طاوس ره
در اقبال از صفوان بن مهران جمال روایت کرده اند که گفت که حضرت صادق صلوات الله
و سلامه علیه بمن فرمود که ترغیب کن جماعتی را که در ناحیه تو میباشند بروزه داشتن ماه
شعبان پس عرض کردم که فدای تو شوم آیا فضیلتی میدانی در آن فرمود بلی بدرستی که رسول خدا
چون هلال ماه شعبان را میدید منادی را امر میفرمود که در مدینه ندا کند که ای اهل یثرب
بدرستی که من از جانب رسول خدا ام بسوی شما رسولم و میفرماید که شعبان ماه من است خدا
رحمت کند کسی را که یاری کند بر ماه من پس حضرت صادق ع فرمود که حضرت امیرالمؤمنین
صلوات الله علیه فرمود که از روزی که ندای منادی آنحضرت را شنیدم فوت نشد از من
روزه آن ماه و فوت نخواهد شد انشاء الله تعالی پس حضرت صادق ع فرمود که روزه دو ماه پی
در پی توبه ایست از جانب حق تعالی و شیخ مفید قدس الله روحه در کتاب مقنعه از حضرت امام
محمد باقر ع روایت کرده است که هر که روزه بدارد ماه شعبان را پاک کرده است این روزه او را
از هر لغزش و هر وصمه و هر بادره پس حضرت فرمود که روزه ماه شعبان روزه پیغمبران و
پیروان ایشان است پس کسی که روزه دارد این ماه را دریافته است او را دعوت رسول خدا ص
زیرا که آنحضرت فرموده که رحمت کند خدا کسی را که یاری کند مرا بر ماه من و ابن بابویه ره در
کتاب من لا یحضره الفقیه از ابو حمزه ثمالی روایت کرده است که گفت آنحضرت فرمود که هر که
ماه شعبان را روزه بدارد این روزه پاک کرده اند او را از هر لغزش و هر وصمه و هر بادره پس عرض
کردم که وصمه چیست فرمود که سوگند یاد نمودن و نذر کردن در معصیت پس عرض کردم که چیست

بادره فرمود سوگند خوردن در وقت غضب و توبه از آن پشیمان شدن از آنست و در کتاب
فضایل شهر شعبان از حضرت صادق عم روایت کرده است که آنحضرت از پدر بزرگوار خود از
حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت فرمود که هر که روزه بدارد ماه شعبان را از
روی محبت رسول خدا صلعم و تقرب جستن بحق تعالی حق تعالی او را محبوب خود کرده اند و او را
در روز قیامت بکرامت خود نزدیک کرده اند و بهشت را برای او واجب کرده اند و ایضا در کتاب
مذکور باسانید معتبره از عایشه روایت کرده است که گفت ندیدم رسول خدا صلعم را که روزه
دارد در ماهی زیاده از ماه شعبان و ایضا در کتاب مذکور از حضرت امام رضا صلوات الله
علیه روایت کرده است که حضرت رسالت صلعم بسیار روزه میداشت در ماه شعبان و میفرمود
که ماه شعبان ماه من است آن بهترین ماههاست بعد از ماه مبارک رمضان پس هر که یک روز
از این ماه را روزه بدارد من شفیع او خواهم بود در روز قیامت و سید بن طاوس ره در اقبال
از حضرت صادق صلوات الله علیه روایت نموده است که آنحضرت از پدران بزرگوار خود
روایت فرمود که حضرت رسالت صلعم فرمود که شعبان ماه من است و رمضان ماه خداست هر که
یک روز از ماه مرا روزه دارد در قیامت شفیع او باشم و هر که دو روز از آنرا روزه دارد گناهان
گذشته او آمرزیده شود و هر که سه روز از آنرا روزه دارد باو گویند که عمل را از سر گیر مؤلف
گوید که احادیث بسیار وارد شده است که ماه شعبان منسوب است بحضرت رسالت صلعم و ماه
رمضان بخداوند عالمیان منسوب است و ماه رجب بحضرت امیر المؤمنین عم منسوب است و در بعضی
روایات ماه رجب بحق تعالی نسبت داده شده و در بعضی ماه رمضان بآنحضرت رسالت صلعم
منسوب گردیده است و وجه جمع بین الاخبار در باب اول از خزینه اول مذکور شد و ابن بابویه
در کتاب ثواب الاعمال از انس بن مالک روایت کرده است که از رسول خدا صلعم پرسیدند که
کدام روزه افضل است حضرت فرمود که روزه ماه شعبان از جهت تعظیم ماه رمضان و ایضا
در کتاب مذکور از ابی سعید روایت کرده است که گفت از اسامة بن زید شنیدم که گفت که
حضرت رسالت صلعم گاهی آنقدر روزه میداشت که مردم میگفتند که دیگر افطار نخواهد فرمود
و گاهی آنقدر افطار میفرمود که مردم میگفتند که دیگر روزه نخواهد داشت پس از او پرسیدم
که هیچیک از ماهها را آنقدر روزه میداشت که در باقی ماههای دیگر بقدر آن روزه ندارد
گفت بلی گفتم آن کدام ماه است گفت ماه شعبان و آن ماهی است که غافلند مردم از فضیلت
آن و آن ماه میان ماه رجب و ماه مبارک رمضان است و آن ماهی است که بالا میرود در آن عملهای
مردم بسوی خداوند عالمیان پس دوست میدارم که عملم بالا رود در حالتی که من روزه باشم
و ایضا در کتاب مذکور از حضرت صادق عم روایت کرده است که در خدمت آنحضرت

مذکور

مذکور شد فضیلت ماه شعبان پس حضرت فضیلت و ثواب بسیار برای آن فرمود و در آخر فرمود
که اگر کسی در خون ناحقی داخل شده باشد روزه بدارد ماه شعبان را این روزه نفع میرساند
باو و آمرزیده میشود ببرکت این روزه و در کتاب مجالس از آنحضرت روایت کرده است که روزه ماه
شعبان و ماه رمضان توبه ایست بدرگاه خداوند عالمیان از گناهان هر چند خون حرام باشد
و ایضا در کتاب مذکور از آنحضرت روایت کرده است که روزه شعبان ذخیره است برای
بنده در روز قیامت و هیچ بنده نیست که بسیار روزه بدارد در ماه شعبان مگر آنکه حق تعالی
باصلاح آورد امر معیشت او را و کفایت نماید شر دشمن او را و کمتر چیزی که میباشد برای کسی که
یک روز از این ماه را روزه دارد آنست که بهشت برای او واجب شود و شیخ مفید قدس الله روحه
در کتاب مقنعه از زید شحام روایت کرده است که گفت بخدمت حضرت صادق عم عرض کردم
که آیا احدی از پدران بزرگوارت ماه شعبان را روزه داشته است فرمود بلی پدران بزرگوارم
روزه میداشتند آنرا و من نیز روزه میدارم آنرا و امر میکنم شیعیان خود را بروزه داشتن
آن پس هر که از شما روزه دارد ماه شعبان را تا آنکه وصل کند آنرا بماه مبارک رمضان سزاوار
است بر حق تعالی که عطا فرماید باو در بهشت و ندا کند او را ملکی از زیر عرش در وقت افطار
او در هر شب که ای فلان زکی رستی که تو خوشنود نمودی رسول خدا صلعم را بعد از رحلت آنحضرت
از دنیا و محمد بن یعقوب کلینی و ابن بابویه و شیخ مفید قدس الله اسرارهم و دیگران بسندهای
معتبر از حضرت صادق عم روایت کرده اند که بعضی از اصحاب آنحضرت از آنحضرت پرسیدند
که هیچیک از پدران بزرگوارت ماه شعبان را روزه داشته اند فرمود که بهترین پدران من رسول
خدا صلعم آنرا روزه داشته است مؤلف گوید که کلینی و شیخ طوسی طاب ثراهما بعد از ذکر این
روایت گفته اند که در بعضی از روایات وارد شده است که از آنحضرت پرسیدند که پدران بزرگوارت
آیا ماه شعبان را روزه داشته اند حضرت فرمود که نه رسول خدا صلعم آنماه را روزه نداشته است
و همچنین از پدرانم نیز آنرا روزه نداشته اند و بعضی از آنها در جمع بین الاخبار گفته اند که مراد از
حدیث آخر آنست که رسول خدا و ائمه علیهم السلام ماه شعبان را بقصد وجوب روزه نداشته اند
بلکه بقصد استحباب روزه داشته اند و منظور حضرت رد ابی الخطاب و اتباع اوست چه
ایشان قایل شده اند که روزه تمام ماه شعبان واجب است و اگر کسی یک روز از آنرا افطار نماید
کفاره بر او واجب میشود و شیخ طوسی قدس الله روحه در کتاب تهذیب الاحکام از حضرت امام
جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده است که حضرت امام زین العابدین عم وصل میفرمود
روزه شعبان را بماه مبارک رمضان و روزه دو ماه پی در پی توبه ایست از جانب حق تعالی
در کتاب خصال از حضرت صادق عم روایت کرده است که روزه ماه شعبان نیکوست برای کسی که

آنرا روزه بدارد زیرا که بعضی کاران روزه داشته اند آنرا و رغبت بروزه داشتن آن نموده اند و
رسول خدا صلعم وصل میفرموده روزه ماه شعبان را بماه مبارک رمضان و در کتاب ثواب الاعمال
از ابی سلمه روایت کرده است که رسول خدا صلعم از ماههای سال هیچ ماهی را تمام روزه نمیداشت که ماه شعبان را
که تمام آنرا روزه میداشت و وصل میفرمود روزه آنرا بماه مبارک رمضان و شیخ طوسی طاب الله
ثراه در کتاب تهذیب الاحکام و ابن بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه از حضرت امام محمد باقر عم روایت
کرده اند که رسول خدا صلعم ماه شعبان و ماه مبارک رمضان را روزه میداشت و هر دو را بیکدیگر
وصل میفرمود و مردم را نهی میکرد از اینکه ماه شعبان را بماه مبارک رمضان وصل نمایند و
میفرمود که این دو ماه ماه خداوند عالمیان اند و روزه این دو ماه کفاره گناهانی است که پیش از این
دو ماه واقع شده باشد و بعد از آن واقع شود تحقیق بدانکه آنچه در آخر این حدیث شریف مذکور
است که رسول خدا صلعم نهی میفرمود مردم را از وصل نمودن روزه ماه شعبان بماه مبارک رمضان
مخالف است با چند امر اول آنچه در صدر حدیث نیز اول مذکور شد که روزه تمام ماه شعبان از
جمله سنن است و تاکید زیاد در آن واقع شده است دویم مخالف است با اکثر روایات که در

تحقیق وصل نمودن روزه ماه شعبان بماه مبارک رمضان و فصل از آن

فضیلت روزه تمام ماه شعبان و فضیلت وصل نمودن آن بماه مبارک رمضان چنانچه مذکور شد
سیم مخالف است با روایاتی که وارد شده است در خصوص فضیلت روزه سه روز آخر این ماه چنانچه بعد از این
در محل خود مذکور میشود انشاء الله تعالی و علمای ما رضوان الله علیهم در بیان جمع بین الروایات چند وجه گفته اند
اول ابن بابویه رحمه در کتاب من لا یحضره الفقیه گفته که مراد از نهی کردن رسول خدا صلعم مردم را از وصل نمودن
معنی حقیقی نهی نیست بلکه کلام محمول بر استفهام انکاری است و مراد آنست که هرگاه رسول خدا صلعم خود هر دو
ماه را بیکدیگر وصل میفرموده باشد چگونه مردم را نهی از وصل نمودن میفرماید و این توجیه بسیار بعید است
دویم شیخ طوسی طاب ثراه گفته که مراد از وصل نمودن ماه شعبان بماه مبارک رمضان آنست که در روز
آخر ماه شعبان افطار واقع نشود و بماه مبارک رمضان وصل شود و این روز را روزه وصال مینامند و
گرفتن آن حرام است و لهذا رسول خدا صلعم نهی از آن فرموده و این توجیه اگرچه مانند توجیه سابق بعید است
لیکن مؤید این توجیه است حدیثی که شیخ طوسی و شیخ مفید و دیگران روایت کرده اند از سلیمان که گفت عرض
کردم بخدمت حضرت صادق عم که چه میفرمائید در باب کسی که ماه شعبان و ماه مبارک رمضان را روزه
بدارد فرمود که این دو ماه همان دو ماهند که حق تعالی در باره آنها فرموده که روزه دو ماه پی در پی
توبه ایست از جانب خدا پس عرض کردم که [illegible] دو ماه فصلی نکند حضرت فرمود که هرگاه شب افطار
نماید پس آن فصل است و بدرستیکه رسول خدا صلعم فرمود که وصال در صیام حرام است و مراد حضرت
آنست که کسی که روزه وصال بگیرد [illegible] روزه میدارد که در میان آن دو روز افطار نکند و چون مشتمل است
برای بنده که صوم [illegible] پس ماه شعبان را بماه مبارک رمضان وصل نکرده است سیم سید بن

طاوس

طاوس ره در کتاب اقبال گفته که رسول خدا صلعم تمام ماه شعبان را روزه میداشت و نهی آنحضرت مخصوص
امتان است بجهت آنکه مردم از وصل تسهیل امر و تخفیف بر مردم و گفته است که در روایاتی که دلالت بر فضیلت
روزه سه روز آخر این ماه میکند نسبت بکسی است که تمام ماه شعبان را روزه نداشته باشد و در این صورت
نظر باو سه روز آخر فضیلت عظیم دارد و مؤید این چند حدیث نقل نموده اول حدیثی که از حضرت
صادق عم روایت کرده است که فرمود که پدرم فصل میفرمود میان ماه شعبان و ماه مبارک رمضان بیک روز
دویم ایضا از آنحضرت روایت نموده که علی عم فرمود که روزه ماه شعبان نیکوست و لیکن فصل کن میان
این دو ماه بیک روز یا دو روز و این توجیه ظاهرا مناسبت ندارد با احادیثی که دلالت میکند بر فضیلت روزه
تمام این ماه خصوصا اینکه ائمه علیهم السلام تمام این ماه را روزه داشته اند و در آخر حدیث اول که ذکر
نموده این فقره نیز هست که حضرت امام زین العابدین عم تمام این ماه را روزه میداشت و میفرمود که
روزه دو ماه پی در پی توبه ایست از جانب حق تعالی و سید از جهت عدم ملایمت این جزو با مدعای
خود آنرا نقل ننموده است و بعضی از متاخرین علما این دو حدیث را بر تخییر حمل کرده اند و گفته اند
که وصل نمودن این دو ماه بیکدیگر و فصل نمودن میان آنها با فطار نمودن یک روز یا دو روز هر دو فضیلت
دارد و آدمی مخیر است میان این دو شق هر یک را که عمل نماید نیکوست و در فصل نمودن احتمال تقیه نیز
داده است بجهت آنکه اهل سنت روزه یوم الشک را حرام میدانند و این دو احتمال ظاهرا منافات دارد
با آنچه در حدیث سابق مذکور است که رسول خدا صلعم خود وصل میفرمود و مردم را نهی میفرمود از وصل
کردن و تحقیق این مقام چنانچه بخاطر قاصر این شکسته میرسد آنست که رسول خدا صلعم مردم را نهی
از وصل نفرموده باشد بلکه نهی آنحضرت نظر بجمعی باشد که روزه بر ایشان شاق باشد و مانع حضور
قلب و خلوص نیت ایشان میشود و باین سبب ائمه علیهم السلام بعضی از اصحاب را در مقام جواب بخصوص
حال ایشان بوده فرموده اند که اکثر ایشان طاقت روزه داشتن دو ماه پی در پی را داشته اند و این بعضی
مانع رغبت ایشان میشده فضیلت و ثواب آنرا بیان فرموده اند و اگر بعلت ضعف مزاج یا امثال آن طاقت
روزه گرفتن دو ماه را نداشته اند امر بفصل و افطار فرموده اند و لهذا در بعضی از روایات امر
بفصل در آخر ماه واقع شده چنانچه در دو روایتی است که سید نقل نموده و آن نظر بحال کسی است که
طاقت روزه داشتن اکثر ماه را داشته باشد و در بعضی از روایات امر بفصل بعد از پانزدهم واقع
شده است و آن نظر بکسی است که طاقت او کمتر باشد چنانچه در کتاب نوادر احمد بن محمد بن عیسی از محمد بن
سماعه روایت کرده است که گفت سؤال کردم از حضرت صادق عم از ماه شعبان که آیا رسول خدا صلعم
آنرا روزه داشته است یا نه حضرت فرمود که بلی و لیکن تمام آنرا روزه نداشت عرض کردم که چه قدر را از آن
افطار میفرمود که افطار نمود و بیان نفرمود که چه قدر آنرا افطار فرموده پس من سؤال را اعاده نمودم
سه مرتبه و حضرت همان جواب مجمل را فرموده پس سال آینده باز همین سؤال را از آنحضرت کردم و حضرت

بپایان نخواهد جواب فرمود پس پرسیدیم که آیا وصل کنم ماه شعبان را بماه مبارک رمضان یا فصل نمایم فرمود
که فصل کن عرض کردم که چه وقت فصل کنم فرمود که چون خیر ماه بگذرد و بعد از آن یکروز را
آنرا افطار نما پس وصل کرده و در کتاب قرب الاسناد از بکر بن محمد روایت کرده است که گفت
عرض کردم بخدمت حضرت صادق علیه السلام که چه میفرمائی در روزهٔ ماه شعبان فرمود که روزه مبارک آنرا
عرض کردم که آیا فصل کنم روزهٔ آنماه را با افطار فرمود که یکروز بعد از نیمه را افطار کن و بعد از
آن وصل کن و در بعضی از روایات امر بفصل مطلقا واقع شده خواه در اول و خواه در وسط و
خواه در آخر چنانچه سماعه از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه روایت کرده است که آنحضرت
فرمود که هرگاه افطار کنی از ماه شعبان یکروز را خواه در اول و خواه در وسط و خواه در آخر پس فصل کرده
خواهی بود و همچنین ائمه علیهم السلام اگر بر ایشان صعوبت نداشته تمام دو ماه را روزه داشته اند
و اگر بجهتی صعوبت داشته افطار فرموده اند و اینست سر آنچه از بعضی احادیث شافعه ظاهر میشود
که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فصل میفرموده و یکروز آخر را افطار میفرموده زیرا که آنحضرت جسیم و بطین
بوده و در هواهای گرم مانند مدینه طیبه روزه بر آنحضرت شاق بوده لهذا در بعضی از سنوات فصل
با افطار میفرموده و گاهی که مزاج شریف آن بزرگوار طاقت روزه داشته تمام ماه را روزه میداشته
چنانچه ابن بابویه در کتاب ثواب الاعمال از عنبسهٔ عابد روایت کرده است که حضرت امام محمد باقر و
امام جعفر صادق علیهما السلام تمام ماه شعبان را روزه میداشتند و چون این عذر در باقی ائمه نباشند
حضرت سید الساجدین و حضرت صادق علیهما السلام بوده همیشه وصل میفرموده اند و اما رسول
خدا صلی الله علیه و آله پس از روایات چنین ظاهر میشود که در اوایل اسلام ماه شعبان را روزه نمیداشته بلکه
بعضی از آنرا روزه میداشته و بر این معنی محمول است حدیثی که از کتاب نوادر احمد بن محمد بن عیسی
نقل شده که آنحضرت تمام ماه شعبان را روزه نداشته بلکه بعضی از آنرا افطار فرموده و همچنین
احادیثی که سابق بر این نقل شده که روزهٔ آنحضرت در ماه شعبان زیاده از ماههای دیگر بوده است و
در اواخر عمر شریف تمام ماه را روزه میداشته و وصل میفرموده است چنانچه ابن بابویه در کتاب ثواب
الاعمال از عنبسهٔ عابد روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفتند در حالتی که تمام ماه شعبان و
ماه مبارک رمضان را و سه روز از هر ماه یکی که پنجشنبهٔ اول و آخر و چهارشنبهٔ وسط بوده روزه
میداشت و بعضی احادیث را که بر این معنی حمل اول از اخبار اول مذکور شد والله تعالی هو الموفق
تتمیم بدانکه نظر بر این مشهور در اما افضل آنست که در ماه مبارک رمضان بعلتی خون حیض افطار
نموده قضای آنرا تا ماه شعبان تاخیر نماید که مبادا اشتهار یابد مفارقت با او داشته باشد و روزه
مانع نشود چنانچه محمد بن یعقوب کلینی و شیخ طوسی و ابن بابویه رضی الله عنهم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
روایت کرده اند که زنان رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگاه قضای روزه داشتند تاخیر میفرمودند تا ماه شعبان که مبادا

مانع آنحضرت شوند پس چون ماه شعبان داخل میشد ایشان روزه میداشتند و آنحضرت نیز با ایشان روزه
میداشت و میفرمود که ماه شعبان ماه من است و بعضی روایات دیگر در باب فضیلت این ماه واقع شده
و بعد از این در ضمن بیان اعمال مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی ختام قطب راوندی در کتاب قصص انبیاء
بسند خود از ابن بابویه رحمه الله روایت کرده است که نوشتند بحضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که فصل
کن دانسته که آنحضرت فرموده که در کتاب انبیا پیغمبر نوشته است که هر سالی که در ماه شعبان آفتاب گیرد
حکم مردم از شر پادشاه ستان آمان باشند و پادشاه ظفر یابد بر دشمنان خود در مغرب و در آخر سال در کوهها
طاعون و وبا بهم رسد و بزرگی بر طرف شود و هر سالی که در ماه شعبان ماه بگیرد پادشاه کشته شود یا بمیرد
و بر پادشاه شود و نرخها گران شود و باین سبب جمعی مردم تمام شوند والله یعلم باب دوم در بیان
آداب دیدن هلال ماه شعبان و آنها چند چیز است اول سید علی بن طاوس باسند معتبر از امام محمد تقی علیه السلام
در بعضی از مؤلفات خود گفته است که هلال ماه شعبان را برای صالحان بزرگان به عید دوم سید
ابن طاوس رحمه الله در کتاب اقبال گفته که اگر در وقت دیدن هلال ماه شعبان دعائی منقول نشده باشد این دعا

اللّٰهُمَّ هٰذَا هِلَالُ شَهْرٍ جَدِيدٍ قَدْ وَرَدَ مِنَ الْإِحْسَانِ فَاجْعَلْهُ هِلَالَ بَرَكَاتٍ وَسَعَادَاتٍ
كَامِلَةِ الْأَمَانِ وَالْغُفْرَانِ وَالرِّضْوَانِ وَمَاحِيَةِ الْأَخْطَارِ فِي الْأَحْيَانِ وَ
الْأَزْمَانِ وَحَامِيَةٍ مِنْ أَذَى أَهْلِ الْعِصْيَانِ وَالْبُهْتَانِ وَشَرِّفْنَا بِامْتِثَالِ
مَرَاسِمِهِ وَإِحْيَاءِ مَوَاسِمِهِ وَأَلْحِقْنَا بِشُمُولِ مَرَاحِمِهِ وَمَكَارِمِهِ وَطَهِّرْنَا فِيهِ
تَطْهِيراً نَصْلُحُ بِهِ لِلدُّخُولِ عَلَى شَهْرِ رَمَضَانَ مُطَهَّرِينَ بِأَفْضَلِ مَا طَهَّرَ بِهِ
أَحَداً مِنْ أَهْلِ الْإِسْلَامِ وَالْإِيمَانِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ مؤلف گوید که آنچه را
والامامد نقل نموده در مرتبه

و حدیثی بنظر نرسید و دعائی را که ابن طاوس ذکر نموده منقول نیست و چنانچه عادت سید است که خود
ادعیه میساخته این دعا را نیز خود تالیف نموده بهتر آنست که ادعیهٔ منقولهٔ مطلقه را بخوانند و شود و
فاتحه کتاب بتفصیل مذکور شد و بعد از این ان شاء الله تعالی نیز بعضی از آنها در ادعیهٔ دیدن هلال ماه
مبارک رمضان مذکور میشود خواهد شد والله تعالی هو الموفق باب سیم در بیان اعمال
صلوات و ادعیه شبها که میتوان بجا آورد و اختصاص بروز مخصوصی ندارد و اعمال آن مذکور میشود چند چیز است اول

اللهم هذا

تصدق نمودن سید بن طاوس ره در کتاب اقبال بسند خود از داود رقی روایت کرده است که گفت سؤال نمودم از
حضرت صادق ع از روزه ماه رجب فرمود که کجا اید شما از روزه ماه شعبان پس گفتم یا ابن رسول الله
چه چیز است ثواب کسی که یک روز از ماه شعبان را روزه بدارد فرمود بخدا قسم که ثواب او بهشت است
پس گفتم یا ابن رسول الله بهترین چیزی که در این ماه کرده شود چه چیز است فرمود صدقه و استغفار
و هر که تصدق کند در ماه شعبان بصدقه حق تعالی تربیت فرماید آن صدقه را چنانچه یکی از شما
شتر بچه خود را تربیت میفرمایید تا آنکه برساند آن صدقه را بروز قیامت و حال آنکه آن صدقه
بمرتبه کوه احد شده باشد و ابن بابویه ره در کتاب خصال و عیون اخبار الرضا از حضرت امام
رضا صلوات الله علیه روایت کرده است که آنحضرت در حدیث طولانی فرمود که هر که تصدق کند
در ماه شعبان بصدقه اگرچه بنصف خرما باشد حق تعالی جسد او را بر آتش جهنم حرام گرداند
صلوات فرستادن در کتاب حسین بن سعید و نوادر احمد بن محمد بن عیسی از حضرت امام جعفر صادق ع
منقولست که رسول خدا ص فرمود که شعبان ماه من است پس در این ماه بسیار بفرستید صلوات بر من و
بر آل من و شعبان را ماه شفاعت میگویند زیرا که پیغمبر شما شفاعت میکند کسی را که در این ماه
صلوات بر او و بر آل او بفرستد تسبیح سید بن طاوس ره در کتاب اقبال از رسول خدا ص روایت
کرده است که هر که در ماه شعبان هزار مرتبه بگوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَلَا نَعْبُدُ اِلَّا اِیَّاهُ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ وَلَوْ کَرِهَ
الْمُشْرِکُونَ حق تعالی برای او ثواب عبادت هزار سال بنویسد و گناه هزار ساله او را محو
فرماید و بیرون آید از قبر در روز قیامت و حال آنکه روی او مانند ماه شب چهارده
درخشان باشد و نزد حق تعالی از جمله صدیقان نوشته شود مناجات سید بن طاوس ره
در اقبال بسند معتبر از ابن خالویه که از اعاظم علماء و محدثین شیعه است و در شهر حلب ساکن
بوده است و از اطراف و نواحی آفاق مردم بدیدن او می آمده حدیث از او فرا میگرفته روایت
نموده که او گفت که این دعا از جمله مناجاتهای حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب ع
و امامان از فرزندان او است علیهم السلام که در ماه شعبان میخواندند و دعا این است
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاسْمَعْ دُعَائِی اِذَا دَعَوْتُکَ وَاسْمَعْ نِدَائِی
اِذَا نَادَیْتُکَ وَاَقْبِلْ عَلَیَّ اِذَا نَاجَیْتُکَ فَقَدْ هَرَبْتُ اِلَیْکَ وَوَقَفْتُ بَیْنَ یَدَیْکَ
مُسْتَکِینًا لَکَ مُتَضَرِّعًا اِلَیْکَ رَاجِیًا لِمَا لَدَیْکَ ثَوَابِی وَتَعْلَمُ مَا فِی نَفْسِی وَتَخْبُرُ (margin: مسکینا)

(margin: فضیلت صلوات فرستادن در ماه شعبان)

حَاجَتِی وَتَعْرِفُ ضَمِیرِی وَلَا یَخْفٰی عَلَیْکَ اَمْرُ مُنْقَلَبِی وَمَثْوَایَ وَمَا اُرِیدُ اَنْ
اُبْدِءَ بِهِ مِنْ مَنْطِقِی وَاَتَفَوَّهَ بِهِ مِنْ طَلِبَتِی وَاَرْجُوهُ لِعَاقِبَتِی وَقَدْ جَرَتْ
مَقَادِیرُکَ عَلَیَّ یَا سَیِّدِی فِیمَا یَکُونُ مِنِّی اِلٰی آخِرِ عُمْرِی مِنْ سَرِیرَتِی
وَعَلَانِیَتِی وَبِیَدِکَ لَا بِیَدِ غَیْرِکَ زِیَادَتِی وَنَقْصِی وَنَفْعِی وَضَرِّی اِلٰهِی
اِنْ حَرَمْتَنِی فَمَنْ ذَا الَّذِی یَرْزُقُنِی وَاِنْ خَذَلْتَنِی فَمَنْ ذَا الَّذِی یَنْصُرُنِی
اِلٰهِی اَعُوذُ بِکَ مِنْ غَضَبِکَ وَحُلُولِ سَخَطِکَ اِلٰهِی اِنْ کُنْتُ غَیْرَ
مُسْتَأْهِلٍ لِرَحْمَتِکَ فَاَنْتَ اَهْلٌ اَنْ تَجُودَ عَلَیَّ بِفَضْلِ سَعَتِکَ اِلٰهِی کَاَنِّی (margin: بفضلک وسعتک)
بِنَفْسِی وَاقِفَةٌ بَیْنَ یَدَیْکَ وَقَدْ اَظَلَّهَا حُسْنُ تَوَکُّلِی عَلَیْکَ فَقُلْتَ (margin: فعلت)
مَا اَنْتَ اَهْلُهُ وَتَغَمَّدْتَنِی بِعَفْوِکَ اِلٰهِی اِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ اَوْلٰی مِنْکَ بِذٰلِکَ
وَاِنْ کَانَ قَدْ دَنَا اَجَلِی وَلَمْ یُدْنِنِی مِنْکَ عَمَلِی فَقَدْ جَعَلْتُ الْاِقْرَارَ
بِالذَّنْبِ اِلَیْکَ وَسِیلَتِی اِلٰهِی قَدْ جُرْتُ عَلٰی نَفْسِی فِی النَّظَرِ لَهَا فَلَهَا الْوَیْلُ
اِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَهَا اِلٰهِی لَمْ یَزَلْ بِرُّکَ عَلَیَّ اَیَّامَ حَیَاتِی فَلَا تَقْطَعْ بِرَّکَ عَنِّی
فِی مَمَاتِی اِلٰهِی کَیْفَ آیَسُ مِنْ حُسْنِ نَظَرِکَ لِی بَعْدَ مَمَاتِی وَاَنْتَ لَمْ تُوَلِّنِی اِلَّا
الْجَمِیلَ فِی حَیَاتِی اِلٰهِی تَوَلَّ مِنْ اَمْرِی مَا اَنْتَ اَهْلُهُ وَعُدْ بِفَضْلِکَ

مذنب قد غمره جهله الهي قد سترت على ذنوباً في الدنيا وانا احوج الى سترها
على منك في الاخرى الهي قد احسنت الي اذ لم تظهرها لاحد من عبادك الآخرة خ
الصالحين فلا تفضحني يوم القيمة على رؤس الاشهاد الهي جودك بسط
املي وعفوك افضل من عملي الهي فسرني بلقائك يوم تقضي فيه بين عبادك
الهي اعتذاري اليك اعتذار من لم يستغن عن قبول عذره فاقبل عذري
يا كريم يا اكرم من اعتذر اليه المسيئون الهي لا ترد حاجتي ولا تخيب
طمعي ولا تقطع منك رجائي واملي الهي لو اردت هواني لم تهدني ولو اردت
فضيحتي لم تعافني الهي ما اظنك تردني في حاجة قد افنيت عمري في فنى خ
طلبها منك الهي فلك الحمد ابدا ابدا دائما سرمدا يزيد ولا يبيد كما تحب
وترضى الهي ان اخذتني بجرمي اخذتك بعفوك وان اخذتني بذنوبي
اخذتك بمغفرتك واذا ادخلتني النار اعلمت اهلها اني احبك الهي ان
كان صغر في جنب طاعتك عملي فقد كبر في جنب رجائك املي الهي
كيف انقلب من عندك بالخيبة محروما وقد كان حسن ظني بجودك
ان تقلبني بالنجاة مرحوما الهي وقد افنيت عمري في شرة السهو عنك

الهي

وابليت شبابي في سكرة التباعد منك الهي فلم استيقظ ايام اغتراري بك
وركوني الى سبيل سخطك الهي وانا عبدك وابن عبدك قائم بين يديك عبدك خ
متوسل بكرمك اليك الهي انا عبد اتنصل اليك مما كنت اواجهك به من
قلة استحيائي من نظرك واطلب العفو منك اذ العفو نعت لكرمك من كرمك خ
الهي لم يكن لي حول فانتقل به عن معصيتك الا في وقت ايقظتني لمحبتك
وكما اردت ان اكون كنت فشكرتك بادخالي في كرمك ولتطهير قلبي من
اوساخ الغفلة عنك الهي انظر الي نظر من ناديته فاجابك واستعملته
بمعونتك فاطاعك يا قريبا لا يبعد عن المغتر به ويا جوادا لا يبخل عمن
رجا ثوابه الهي هب لي قلبا يدنيه منك شوقه ولسانا يرفع اليك صدقه يرفعه خ
ونظرا يقربه منك حقه الهي ان من تعرف بك غير مجهول ومن لاذ
بك غير مخذول ومن اقبلت عليه غير مملول الهي ان من انتهج بك
لمستنير وان من اعتصم بك لمستجير وقد لذت بك يا الهي فلا تخيبني سيدي خ
من رحمتك ولا تحجبني عن رافتك الهي اقمني في اهل ولايتك مقام
من رجا الزيادة من محبتك الهي والهمني ولها بذكرك الى ذكرك وهمة

الى ٤ همّتي في رَوح نجاح أسمائك ومحلّ قدسك إلهي بك عليك إلّا ألحقتني
بمحلّ أهل طاعتك والمثوى الصالح من مرضاتك فإنّي لا أقدر لنفسي
دفعاً ولا أملك لها نفعاً إلهي أنا عبدك الضعيف المذنب ومملوكك
المنيب المعيب فلا تجعلني ممّن صرفت عنه وجهك وحجبه سهوه
عن عفوك إلهي هب لي كمال الانقطاع إليك وأنر أبصار قلوبنا بضياء
نظرها إليك حتّى تخرق أبصار القلوب حجب النور فتصل إلى معدن
العظمة وتصير أرواحنا معلّقة بعزّ قدسك إلهي واجعلني ممّن ناديته
فأجابك ولاحظته فصعق لجلالك فناجيته سرّاً وعمل لك جهراً
أقطع ٤ إلهي لم أسلّط على حسن ظنّي قنوط الإياس ولا انقطع رجائي من جميل
كرمك إلهي إن كانت الخطايا قد أسقطتني لديك فاصفح عنّي بحسن توكّلي
عليك إلهي إن حطّتني الذنوب من مكارم لطفك فقد نبّهني اليقين
إلى كرم عطفك إلهي إن أنامتني الغفلة عن الاستعداد للقائك
فقد نبّهتني المعرفة بكرم آلائك إلهي إن دعاني إلى النار عظيم عقابك
فقد دعاني إلى الجنّة جزيل ثوابك إلهي فلك أسأل وإليك أبتهل و

ارغب

أرغب وأسألك أن تصلّي على محمّد وآل محمّد وأن تجعلني ممّن يديم ذكرك ولا
ينقض عهدك ولا يغفل عن شكرك ولا يستخفّ بأمرك إلهي وألحقني الحقني ٤
بنور عزّك الأبهج فأكون لك عارفاً وعن سواك منحرفاً ومنك خائفاً
مراقباً يا ذا الجلال والإكرام وصلّى الله على محمّد رسوله وآله الطاهرين وسلّم تسليماً كثيراً ٤

اعمال هر روز و هر شب ماه شعبان

باب چهارم در بيان اعمالى كه در هر روز يا هر روز و هر شب از اين ماه بايد كرده شود و اعمال مذكوره چند چيز است **اوّل** استغفار ابن بابويه رض در كتاب خصال و عيون اخبار الرضا از حضرت امام رضا صلوات الله عليه روايت كرده است كه آن حضرت در حديث طولانى فرموده كه هر كه در هر روز از ماه شعبان شصت مرتبه استغفار نمايد محشور شود در روز قيامت در زمرهٔ رسول خدا صم و واجب شود براى او اكرام حق تعالى كرامت كند او را **مؤلف گويد** كه بعضى از احاديث كه بعد از اين مذكور ميشود ظاهر آنست كه حضرت استغفار را هفتاد مرتبه فرموده باشد و چون صورت شصت و هفتاد در عربى نزديك بيكديگر است نساخ و كتّاب شصت مرتبه ضبط نموده باشند والله يعلم **و ايضا** ابن بابويه در كتاب امالى از آن حضرت روايت كرده است كه هر كه در ماه شعبان هفتاد مرتبه استغفار نمايد بيامرزد حق تعالى گناهان او را هر چند بعدد ستارهاى آسمان باشد **مؤلف** گويد كه در اين حديث نيز گويا سهوى از كتّاب واقع شده زيرا كه در احاديث كه بعد از اين مذكور ميشود استغفار در هر روز از ايام ماه هفتاد مرتبه واقع شده و لفظ هر روز از اين حديث ساقط شده است والله تعالى يعلم **و ايضا** ابن بابويه در كتاب امالى و عيون اخبار الرضا از آن حضرت روايت كرده است كه هر كه در هر روز از ماه شعبان هفتاد نوبت بگويد أستغفر الله وأسأله التوبة حق تعالى براى او برات بيزارى از آتش جهنم و گذشتن از صراط را بنويسد و او را در دار السلام بهشت جاى دهد **و ايضا** ابن بابويه در كتاب خصال و ثواب الاعمال و شيخ طوسى در مصباح از حضرت صادق عم روايت نموده اند كه هر كه در هر روز از ماه شعبان هفتاد نوبت بگويد أستغفر الله الذي لا إله إلّا هو الرحمن الرحيم الحيّ القيّوم وأتوب إليه نوشته شود حق تعالى نام او را در افق مبين راوى گويد پرسيدم كه كدام است افق مبين فرمود كه صحرائى هموار در پيش عرش كه در آن صحرا نهرها جارى شده و بر لب آن نهرها قدحها نهاده شده است بعدد ستارهاى آسمان و نيز اين روايت را از كتاب محمد بن الحسن الصفار روايت نموده و در روايت او چنين است أستغفر الله الذي لا إله

[illegible]

هو الحی القیوم الرحمن الرحیم و اتوب الیه دویم شیخ طوسی در مصباح و سید بن طاوس در اقبال
وکفعمی در جنة الامان و علامه حلی در منهاج الصلاح و سید بن باقی در مصباح ... روایت
نموده اند که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در هر روز از ماه شعبان در وقت زوال آفتاب و در شب نیمه
آن دعا میخوانده اند و صلوات بر رسول خدا و آل او صلی الله علیه وعلیهم باین صلوات میفرستاده اند

اللهم صل علی محمد وآل محمد شجرة النبوة وموضع الرسالة ومختلف
الملائکة ومعدن العلم واهل بیت الوحی اللهم صل علی محمد وآل محمد
الفلک الجاریة فی اللجج الغامرة یأمن من رکبها ویغرق من ترکها المتقدم
لهم مارق والمتأخر عنهم زاهق واللازم لهم لاحق اللهم صل علی
محمد وآل محمد الکهف الحصین وغیاث المضطر المستکین وملجأ
الهاربین ومنجا الخائفین وعصمة المعتصمین اللهم صل علی محمد وآل محمد
صلوة کثیرة طیبة تکون لهم رضی ولحق محمد وآل محمد اداء وقضاء بحول
منک وقوة یا رب العالمین اللهم صل علی محمد وآل محمد الطیبین الابرار الاخیار
الذین اوجبت حقوقهم وفرضت طاعتهم وولایتهم اللهم صل علی محمد وآل محمد
واعمر قلبی بطاعتک ولا تخزنی بمعصیتک وارزقنی مواساة من قترت علیه من
رزقک بما وسعت علی من فضلک ونشرت علی من عدلک واحییتنی تحت
ظلک وهذا شهر نبیک سید رسلک شعبان الذی حففته منک بالرحمة

(margin: ومهبط الامین ن — المضطرین والمساکین ن — حقوقهم ن د — صلوات الله علیه وآله)

والرضوان الذی کان رسول الله صلی الله علیه وآله یدأب فی صیامه وقیامه
فی لیالیه وایامه بخوعا لک فی اکرامه واعظامه الی محل حمامه اللهم فاعنا
علی الاستنان بسنته فیه ونیل الشفاعة لدیه اللهم فاجعله لی شفیعا مشفعا
وطریقا الیک مهیعا واجعلنی له متبعا حتی القاک یوم القیامة عنی راضیا
وعن ذنوبی غاضیا قد اوجبت لی منک الرحمة والرضوان وانزلتنی دار القرار
ومحل الاخیار سیم در هر روز و هر شب این ماه هر یک از سوره حمد و آیة الکرسی و قل یا ایها الکافرون
و قل هو الله احد و معوذتین را سه نوبت بخوان پس سه مرتبه بگوید سبحان الله
والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
وسه نوبت اللهم صل علی محمد وآل محمد وسه نوبت اللهم اغفر لی ولوالدی وللمؤمنین والمؤمنات
وچهارم صد نوبت استغفر الله واتوب الیه بگو و این عمل فضیلت وثواب عظیم دارد چنانچه در باب سیم
از اعمال ماه رجب که در بیان اعمال مشترکه ماه رجب و
شعبان و ماه رمضان است مذکور شد پنجم هر روز ما بین نماز عصر و نماز شام این ماه این استغفار را بخواند
استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم غفار الذنوب واتوب الیه توبة
عبد ظالم لا یملک لنفسه موتا ولا حیوة ولا نشورا و روایت این عمل نیز در باب سیم از [illegible]
اول مذکور شد باب پنجم در بیان
فضیلت روز پنجشنبه و روز دوشنبهٔ ماه شعبان و اعمال آنها سید بن طاوس رحمه الله در کتاب اقبال از حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود که زینت کرده میشود آسمانها
در هر روز پنجشنبهٔ ماه شعبان پس ملائکه میگویند که ای خدا ونیز بیامرز روزه داران این روز را و دعای
ایشان را مستجاب گردان پس هر که در این روز دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت حمد یک نوبت و سوره
قل هو الله احد صد نوبت بخواند و چون سلام گوید صد مرتبه صلوات بر رسول خدا و آل او صلی الله علیه

(margin: مغضیا ن د)

علیهم فرستد حق تعالی همه حاجات دنیا و آخرت او را برآورد و کسی که روزه دارد در این ایام یک روز حق تعالی
حرام کرده اند جسد او را بر آتش مؤلف گوید که والد علامه ام ره در کتاب ربیع الفلاح ذکر نموده که
گویا مراد حضرت از روزه داشتن روزی از ایام روز مخصوصی نباشد و احتمال دارد که مراد خصوص
روز پنجشنبه باشد و ایضا سید از رسول خدا ص روایت نموده است که فرمود که بدرستی که هرکه روزه
دارد دوشنبه و پنجشنبه ماه شعبان را حق تعالی نصیب دهد از کامل یا و عطا فرماید بیست کسی که این
دو روز را روزه دارد بیست حاجت از حوائج دنیا و بیست حاجت از حوائج آخرت او برآورده شود

باب ششم در بیان اعمال شبها و روزهای ایام به ترتیب شب اول و اعمال آن چند چیز است

اول سید بن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله روایت نموده که
هرکه در این شب صد رکعت نماز بگذارد هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعتی بعد از حمد سوره قل
هو الله احد را یکنوبت بخواند و چون فارغ شود سوره حمد را پنجاه نوبت بخواند قسم بآن خداوندی
که مرا براستی به پیغمبری فرستاده است که هرگاه بنده این نماز را بجا آورد و روزه بدارد حق تعالی دفع
نماید از او شر اهل آسمان و زمین و شر شیاطین و شر سلاطین را و هفتاد هزار گناه کبیره او را
بیامرزد و عذاب قبر را از او بردارد و نترساند او را منکر و نکیر و چون بیرون آید از قبر و خیال اکبر
او نمایند ماه شب چهارده باشد و مانند برق از صراط بگذرد و نامه عمل او را بدست راست او دهند
مؤلف گوید که ظاهر مراد از روزه در این حدیث روزه روز اول ایام است اگرچه محتمل است که
روزه تمام ماه مراد باشد و بدانکه این حدیث حدیث طولانی است مشتمل بر بسیاری از نمازها برای شبهای
ایام و سید در اقبال این حدیث را متفرق نموده و برای هر شبی جزوی از آن را که مشتمل بر نمازهای
شب است نقل نموده و کفعمی ره در جنة الامان تمام حدیث را یکجا نقل نموده و نقل کفعمی با نقل سید
در بعضی از مواضع مخالفت دارد چنانچه در هر مقام اشاره بآن میشود و بخط جد علامه مولانا
محمد تقی قدس سره نیز تمام این حدیث را دیدم و ظاهر حال آنست که او از جنة الامان نقل نموده باشد
ولیکن در بعضی از مواضع با او مخالفت دارد و در زاد المعاد علامه مولانا محمد باقر مجلسی قده
و حضرتی تمام این صلوات مذکور است و با نقل والد ره مطابق است مگر در این موضع که سوره حمد را
بعد از نماز پنجاه مرتبه نقل نموده و ظاهرا سهو در نقل واقع شده است والله تعالی یعلم دوم ایضا
سید ره در کتاب مذکور از رسول خدا ص روایت کرده است که هرکه در این شب دوازده رکعت نماز بکند
و در هر رکعتی حمد یکنوبت و سوره قل هو الله احد یازده نوبت حق تعالی ثواب دوازده هزار شهید را
باو عطا فرماید و ثواب عبادت دوازده سال را برای او بنویسد و بیرون رود از گناهان مانند
روزی که از مادر متولد شده باشد و عطا فرماید باو بعدد هر آیه از قرآن مجید قصری در بهشت سیم
ایضا سید ره در کتاب مذکور از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله روایت کرده که هرکه د

دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعتی سوره حمد یکمرتبه و سوره قل هو الله احد سی مرتبه و چون سلام
دهد بگوید اللهم هذا عهدی عندک الی یوم القیمة محفوظ کرده از شر شیطان و
لشکرهای او و حق تعالی عطا فرماید باو ثواب صدیقان را چهارم ایضا سید ره در کتاب
مذکور از سید کاینات ص روایت کرده که هرکه در این شب دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعتی
سوره حمد یکمرتبه و سوره قل هو الله احد را سه مرتبه و چون سلام دهد بگوید اللهم هذا عهدی
عندک الی یوم القیمة و در روز ده رکعت بعد از آن بعد از حمد سوره قل هو الله احد را یازده نوبت بخواند
و در باقی رکعات بعد از حمد سوره قل هو الله احد را یکنوبت بخواند و چون از همه فارغ شود پنجاه
نوبت سوره قل هو الله احد را بخواند ظاهر حال آنست که عمل به روایات مذکوره نموده باشد والله تعالی یعلم
روز اول روزه این روز و روز دوم و روز سیم این ماه فضیلت عظیم دارد چنانچه در حدیث سابق
مذکور شد در باب خصوص روزه روز اول ماه نیز روایات وارد شده است چنانچه بعضی از
آنها در باب اول مذکور شد ابن بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه و ثواب الاعمال از حضرت
صادق ع روایت کرده است که هرکه روزه بدارد روز اول ماه شعبان را بهشت برای او واجب شود
البته و هرکه دو روز از ایام را روزه بدارد حق تعالی در دنیا در هر روز و هر شب نظر رحمت باو
نماید و در بهشت پیوسته نظر رحمت باو کند و هرکه سه روز از ایام را روزه بدارد در بهشت
هر روز زیارت حق تعالی را در عرش نماید مؤلف گوید که آنچه در این حدیث شریف وارد شده
از زیارت حق تعالی در عرش بحسب ظاهر منطبق است بر قول طایفه مشبهه از اهل سنت که حق تعالی
را جسم میدانند و میگویند که در عرش میباشد و باین جهت علمای شیعه متوجه حل این حدیث شده
چند وجه گفته اند اول ابن بابویه ره بعد از نقل این حدیث گفته که مراد از زیارت حق تعالی
زیارت انبیا و اوصیا علیهم التحیة و الثنا است و هرکه ایشان را زیارت کند گویا حق تعالی را زیارت کرده
و مراد زیارت حق تعالی نیست چنانچه مشبهه میگویند و این توجیه بعید است زیرا که انبیا و اوصیا
در بهشت میباشند نه در عرش مگر آنکه گوئیم که گاهی بالا میروند بعرش و مؤید اینست احادیثی که وارد
شده که در معراج مقدس رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم اجمعین پیش از خلق دنیا بعرش
آویخته بودند و تسبیح و تقدیس خدا و تعظیم او میکردند دوم سید بن طاوس طاب ثراه در اقبال
بعد از نقل این روایت گفته که ممکن است که طایفه ای از اهل بهشت در عرش جا داشته باشند و مراد
این باشد که هرکه سه روز از ایام را روزه بدارد حق تعالی او را از جمله این طایفه میگرداند و در
عرش خود جا میدهد او را و عرش چون مزید اختصاصی بحق تعالی دارد مانند خانه کعبه پس هرکه
در آن داخل شود گویا حق تعالی را زیارت کرده است سیم و محتمل که بخاطر قاصر این شکسته میرسد
آنست که کلام محمول بر تشبیه باشد و مراد این باشد که هرکه این عمل را بجا آورد آنقدر سعادت و کرامت

برای او هست که گویا حق تعالی را در عرش زیارت نموده است و این معنی مستلزم این نیست که حق تعالی عیاذاً
بالله جسم باشد و در عرش قرار گرفته باشد بلکه مقصود اینست که اگر حق تعالی را مکانی می‌بود و
در عرش قرار میداشت زیارت او ممکن می‌بود هر آینه این عمل در ثواب مستلزم آن مرتبه می‌بود والله
تعالی اعلم و بدانکه معصیت خداوند عالمیان در این روزها گناه عظیم دارد چنانچه در بعضی از روایات
از سید کائنات ص منقول است که فرمود که بحق آن خداوندی که مرا به پیغمبری فرستاده است که هر که
در روز اول ماه شعبان دری از درهای شر و معصیت را بگشاید بدرستی که بشاخی از شاخهای درخت
زقوم چسبیده و آن شاخ البته او را بجهنم میرساند و سید جلیل نبیل امیر محمد باقر داماد طاب ثراه
در بعضی از مؤلفات خود عمل طولانی جهت طلب روزی نقل نموده که از اول رجب باید شروع نمود
تا سی روز تمام و اگر ماه رجب صالح نداشته باشد روز اول ماه شعبان نیز آن عمل را باید بجا آورد تا سی روز
تمام شود و کیفیت این عمل در باب پنجم از جزء اول مذکور میشد شب دویم سید در کتاب مذکور
از حضرت رسالت ص روایت کرده که هر که در این شب صد رکعت نماز بکند در هر رکعتی سوره حمد و سوره
قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس هر یک را یکنوبت بخواند حق تعالی امر فرماید که
کاتبین اعمال را که منویسید برای این بنده گناهی را اگر سال را بگذراند و بگرداند حق تعالی برای او نصیبی
در عبادت اهل آسمان و زمین پس فرمود بآن خدائی که بحق و راستی مرا به پیغمبری فرستاده است که
کسی ترک نمیکند بر پا داشتن این شب را بعبادت مگر شقی و منافق یا فاجر و فضائل بسیار دیگر برای این شب
بیان فرموده مؤلف گوید که در این شب دو رکعت نماز در هر رکعتی حمد یکنوبت و سوره قل هو الله احد
پانزده نوبت سنت است چنانچه در حدیث سابق که در عمل چهارم از شب اول گذشت مذکور است
و احیا داشتن این شب بعبادت نیز فضیلت عظیم دارد چنانچه از حدیث سابق و از این حدیث شریف
مفهوم میشود روز دویم این روز چون از جمله سه روز اول این ماه است روزه داشتن آن فضیلت
عظیم دارد چنانچه در حدیث عمل چهارم از شب اول مذکور است شب سیم سید در کتاب مذکور
از رسول خدا ص روایت نموده که هر که در این شب دو رکعت نماز بجا آورد در هر رکعتی حمد یکنوبت و
سوره قل هو الله احد سی نوبت بخواند حق تعالی برای او در قیامت هشت در بهشت را بگشاید
و هفت در جهنم را بروی او ببندد و بپوشاند باو هزار حله و هزار تاج مؤلف گوید که احیای این شب
نیز نهایت فضیلت دارد چنانچه در حدیث عمل چهارم از شب اول مذکور است روز سیم این روز
چون از سه روز اول ایام است روزه آن فضیلت عظیم دارد و بخصوص این روز تاکید شدید دارد
زیرا که اشهر میان علمای شیعه مطابق روایات معتبره بسیار آنست که ولادت با سعادت حضرت سید
الشهداء ابی عبدالله الحسین صلوات الله علیه و علی آبائه و ابنائه الطاهرین در این روز در روز پنجشنبه
سال چهارم از هجرت واقع شده و این قول خلاف مشهور است و شیخ طوسی و ابن طاوس و دیگران

روایت

روایت نموده اند که فرمان حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه بیرون آمد بنزد قاسم بن علاء همدانی
وکیل حضرت امام حسن عسکری ع که مولای ما حضرت امام حسین ع در روز پنجشنبه سیم ماه شعبان
متولد شده است پس روزه دار آن روز را و بخوان این دعا را اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْاَلُکَ بِحَقِّ هٰذَا الْمَوْلُودِ فی هٰذَا الْیَوْمِ الْمَوْعُودِ
بِشَهادَتِهِ قَبْلَ اسْتِهْلالِهِ وَ وِلادَتِهِ بَکَتْهُ السَّماءُ وَ مَنْ فیها وَ الْاَرْضُ وَ مَنْ
عَلَیْها وَ لَمّا یَطَأْ لابَتَیْها قَتیلِ الْعَبْرَةِ وَ سَیِّدِ الْاُسْرَةِ الْمَمْدُودِ بِالنُّصْرَةِ
یَوْمَ الْکَرَّةِ الْمُعَوَّضِ مِنْ قَتْلِهِ اَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ نَسْلِهِ وَ الشِّفاءَ فی تُرْبَتِهِ وَ
الْفَوْزَ مَعَهُ فی اَوْبَتِهِ وَ الْاَوْصِیاءَ مِنْ عِتْرَتِهِ بَعْدَ قائِمِهِمْ وَ غَیْبَتِهِ حَتّی
یُدْرِکُوا الْاَوْتارَ وَ یَثْاَرُوا الثّارَ وَ یُرْضُوا الْجَبّارَ وَ یَکُونُوا خَیْرَ اَنْصارٍ صَلَّی اللهُ
عَلَیْهِمْ مَعَ اخْتِلافِ اللَّیْلِ وَ النَّهارِ اَللّٰهُمَّ فَبِحَقِّهِمْ اِلَیْکَ اَتَوَسَّلُ وَ اَسْاَلُ سُؤالَ
مُقْتَرِفٍ مُعْتَرِفٍ مُسیءٍ اِلی نَفْسِهِ مِمّا فَرَّطَ فی یَوْمِهِ وَ اَمْسِهِ یَسْاَلُکَ الْعِصْمَةَ
اِلی مَحَلِّ رَمْسِهِ اَللّٰهُمَّ وَ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ عِتْرَتِهِ وَ احْشُرْنا فی زُمْرَتِهِ وَ بَوِّئْنا مَعَهُ
دارَ الْکَرامَةِ وَ مَحَلَّ الْاِقامَةِ اَللّٰهُمَّ وَ کَما اَکْرَمْتَنا بِمَعْرِفَتِهِ فَاَکْرِمْنا
بِزُلْفَتِهِ وَ ارْزُقْنا مُرافَقَتَهُ وَ سابِقَتَهُ وَ اجْعَلْنا مِمَّنْ یُسَلِّمُ لِاَمْرِهِ وَ یُکْثِرُ الصَّلٰوةَ
عَلَیْهِ عِنْدَ ذِکْرِهِ وَ عَلی جَمیعِ اَوْصِیائِهِ وَ اَهْلِ اَصْفِیائِهِ الْمَمْدُودینَ مِنْکَ
بِالْعَدَدِ الْاِثْنَیْ عَشَرَ النُّجُومِ الزُّهَرِ وَ الْحُجَجِ عَلی جَمیعِ الْبَشَرِ اَللّٰهُمَّ وَ هَبْ لَنا فی

هٰذَا الْيَوْمِ خَيْرَ مَوْهِبَةٍ وَ اَنْجِحْ لَنَا كُلَّ طَلِبَةٍ كَمَا وَهَبْتَ الْحُسَيْنَ لِمُحَمَّدٍ جَدِّهِ وَ

عَاذَ فُطْرُسُ بِمَهْدِهِ فَنَحْنُ عَائِذُونَ بِقَبْرِهِ مِنْ بَعْدِهِ نَشْهَدُ تُرْبَتَهُ وَ نَنْتَظِرُ اَوْبَتَهُ

اٰمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ پس شیخ و سید گفته اند که میخوانی بعد از این دعا دعای حضرت امام حسین علیه السلام را و این آخر دعائی است که آنحضرت خوانده در روزی که مغلوب گردید

الثانی: اَللّٰهُمَّ اَنْتَ مُتَعَالِي الْمَكَانِ عَظِيمُ الْجَبَرُوتِ شَدِيدُ الْمِحَالِ غَنِيٌّ عَنِ الْخَلَائِقِ

عَرِيضُ الْكِبْرِيَاءِ قَادِرٌ عَلَى مَا تَشَاءُ قَرِيبُ الرَّحْمَةِ صَادِقُ الْوَعْدِ سَابِغُ النِّعْمَةِ

حَسَنُ الْبَلَاءِ قَرِيبٌ اِذَا دُعِيتَ مُحِيطٌ بِمَا خَلَقْتَ قَابِلُ التَّوْبَةِ لِمَنْ تَابَ اِلَيْكَ

بیدک من: قَادِرٌ عَلَى مَا اَرَدْتَ وَ مُدْرِكٌ مَا طَلَبْتَ وَ شَكُورٌ اِذَا شُكِرْتَ وَ ذَاكِرٌ اِذَا ذُكِرْتَ

اَدْعُوكَ مُحْتَاجًا وَ اَرْغَبُ اِلَيْكَ فَقِيرًا وَ اَفْزَعُ اِلَيْكَ خَائِفًا وَ اَبْكِي اِلَيْكَ مَكْرُوبًا

وَ اَسْتَعِينُ بِكَ ضَعِيفًا وَ اَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ كَافِيًا اُحْكُمْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ قَوْمِنَا

بِالْحَقِّ فَاِنَّهُمْ غَرُّونَا وَ خَذَلُونَا وَ خَدَعُونَا وَ غَدَرُوا بِنَا وَ قَتَلُونَا وَ نَحْنُ عِتْرَةُ

نَبِيِّكَ وَ وُلْدُ حَبِيبِكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ الَّذِي اصْطَفَيْتَهُ بِالرِّسَالَةِ

وَ ائْتَمَنْتَهُ عَلَى وَحْيِكَ فَاجْعَلْ لَنَا مِنْ اَمْرِنَا فَرَجًا وَ مَخْرَجًا بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

پس گفته اند که ابن عیاش گفته که شنیدم از حسین بن علی از حضرت صادق علیه السلام که در این روز این دعا را میخوانده میفرمود که از دعاهای روز سیم ماه شعبان است که روز مولد حضرت امام حسین علیه السلام است مؤلف گوید که ظاهر آنست که دعای اول بر تنهائی از ناحیه مقدسه بیرون آمده و دعای ثانی را به تنهائی ابن عیاش روایت کرده پس اگر هر یک از دعاها به تنهائی خوانده شود یا دعای ثانی قبل از اول خوانده شود نیز خوبست

و لازم نیست که دعای ثانی البته بعد از دعای اول خوانده شود چنانچه شیخ و سید گفته اند و مؤید این است که علامه در منهاج الصلاح اکتفا به دعای اول نموده و دعای ثانی را نقل نکرده است و بنا بر این فقرات آخر دعای ثانی مخصوص اهل بیت رسالت است صلوات الله علیهم اجمعین و والد علامه ام ادام الله ظلاله در حاشیه ذریعة النجاح گفته که بنا بر این دور نیست که هرگاه غیر ایشان این دعا را خوانند باید این نحو خوانند فَاِنَّهُمْ غَرُّوا اَئِمَّتَنَا وَ خَدَعُوهُمْ وَ غَدَرُوا بِهِمْ وَ قَتَلُوهُمْ وَ هُمْ عِتْرَةُ نَبِيِّكَ و در آخر وَ اجْعَلْ لَهُمْ مِنْ اَمْرِهِمْ فَرَجًا خوانند و محتمل است که به همان نحوی که ایشان میخوانده اند دیگران نیز تعبداً بخوانند و چون آن بزرگواران ید و حقیقی این امت مرحومه و عترت جاریه نفس شیعیانند و مصائبی که بر ایشان واقع شده چنانست که فی الحقیقه بر شیعیان واقع شده باشد پس ایشان میتوانند بگویند که بر ما ظلم کرده اند و ما را کشته اند و بخاطر این قاصر چنان میرسد که اگر یکی از سادات خصوصاً سادات حسینی این دعا را بخوانند تغییر فقرات احتیاج نباشد و الله تعالی یعلم و سید جلیل نبیل امیر محمد باقر داماد قدس الله روحه در بعضی از مؤلفات خود گفته که در روز سیم ماه شعبان این دعا بخوانند بَشَّارًا وَ النَّارَ وَ بَشَّارًا وَ النَّارَ وَ بَشَّارًا و در روز سیم ابناء عرب چنانچه هر طفلی که در این روز بوجود آید نامند و هر که بیمار شود معالجه نشود و هر چیزی که بنا نهند خلل شود و اگر کسی در این روز بجنگ رود کشته شود و اگر بسفر رود برنگردد و هر کاری اگر بکند با تمام نرسد مؤلف گوید که الفاظ دعای مذکور رسیده سندی برای آن و برای نحوست این روز هیچ یک بنظر نرسیده و الله تعالی یعلم تکمیل باید که روز بیست اول مذکور شد که هر روزی که ولادت یا وفات یکی از ائمه علیهم السلام در آن روز واقع شده باشد فضیلتی از فضایل ایشان در آن روز ظاهر شده باشد یا اندوهی و مصیبتی بر ایشان واقع شده باشد زیارت ایشان در آن روز مناسب است لهذا این روز چون مولد حضرت سید الشهداء است زیارت آنحضرت در آن مناسب است و دعائی که مذکور شد اگرچه خواندن آن بمنزله زیارت است لیکن اگر این دعا را با زیارت که جمع نماید اولی و افضل است پس اگر در روز در مرقد مطهر حاضر باشد بزیارات مطلقه زیارت نماید و اگر دور باشد بر بام خانه یا بصحرا رود و نظر بجانب راست و چپ کند و بعد از آن باسمان نظر کند و رو بقبر مبارک نماید و بگوید اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهُ شب چهارم سید در کتاب مذکور از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله روایت نموده که هر که در این شب چهل رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی حمد یکنوبت و سوره قل هو الله احد بیست و پنج نوبت بخواند حق تعالی برای او بعوض هر رکعتی ثواب عبادت هزار هزار سال قرار دهد و بنا کند برای او بعوض هر سوره هزار هزار شهر و عطا فرماید باو ثواب هفتاد شهید شب پنجم سید در کتاب مذکور از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده که هر که در این شب دو رکعت نماز بکند در هر رکعتی حمد یکنوبت و سوره قل هو الله احد پانصد نوبت و چون سلام دهد هفتاد

نوبت صلوات بر رسول خدا و آل او صلوات الله علیه و علیهم اجمعین بفرستد حق تعالی هزار حاجت
از حوایج دنیا و آخرت او را بر آورد و عطا فرماید باو بعدد ستارهای آسمان شهری در بهشت
روز پنجم بروایت شیخ طوسی در تهذیب و مصباح ولادت حضرت امام حسین علیه السلام در این
روز واقع شده و این قول خلاف مشهور و اقوی سیم ماه است چنانچه گذشت و شیخ طوسی در مصباح
روایات این قول را ذکر نموده و متوجه ترجیح احدی از روایتین نشده است شیخ شهید ره گفته است که
حضرت سید الساجدین صلوات الله علیه نیز در روز شنبه پنجم این ماه متولد شده و اشهر پانزدهم ماه جمادی
الاولی است و اقوال دیگر نیز هست که در محل خود مذکور میشود و چون احتمال ولادت این دو بزرگوار
در این روز میرود زیارت ایشان از نزدیک و دور مناسب است شب ششم سید در کتاب مذکور از حضرت
رسالت پناه صلعم روایت نموده که هر که در این شب چهار رکعت نماز بگذارد در هر رکعتی حمد یکنوبت و سوره
قل هو الله احد پنجاه نوبت حق تعالی قبض روح او فرماید در حالتی که سعادتمند و نیکوکار باشد و قبر او را
وسیع گرداند و بیرون آید از قبر و حال آنکه روی او مانند ماه باشد و میگفته باشد اشهد ان لا اله
الا الله و ان محمدا عبده و رسوله یعنی گواهی میدهم که خدایی نیست بغیر حق تعالی و آنکه محمد صلعم
بنده او و پیغمبر اوست مؤلف گوید که کفعمی در جنة الامان سوره قل هو الله احد را ده نوبت نقل نموده
و اگر عمل بروایت اقبال شود شاید بهتر و طریق عمل شده باشد والله تعالی یعلم روز ششم سید جلیل
نبیل امیر محمد باقر داماد طاب ثراه در بعضی از مؤلفات خود گفته که روز ششم این ماه نیز نحس است چنانچه هر
طفلی که در آن متولد شود بمیرد و هر که بیمار شود معالجه نشود و در رنجی که باشد خشک شود
و کسی که بجایی رود کشته شود و هر که بسفر رود بر نگردد و کاری که در آن شروع کند باتمام نرسد مؤلف
گوید که این معنی در روایتی بنظر نرسید شب هفتم سید طاب ثراه در کتاب مذکور از رسول خدا
صلی الله علیه و آله روایت کرده که هر که در این شب دو رکعت نماز کند و در رکعت اول حمد یکنوبت و قل
هو الله احد صد نوبت و در رکعت دوم حمد یکنوبت و آیة الکرسی صد نوبت بخواند بدرستی که هر مؤمن
و مؤمنه که این نماز را بجا آورد حق تعالی دعای او را مستجاب کرداند و حوایج او را برآورد و نوشته شود
برای او هر روز ثواب شهیدی و او را در درگاه خدا گناهی نباشد مؤلف گوید که کفعمی در جنة الامان
در رکعت دوم بعد از حمد آیة الکرسی را یکمرتبه نقل نموده است و بخط جد علامه ام مولانا محمد تقی
طاب ثراه در هر دو رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله احد صد مرتبه است و روایت اقبال
اصح است والله تعالی یعلم روز هفتم شیخ طوسی ره در مصباح از صفوان جمال روایت
کرده است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در روز یکشنبه هفتم
ماه شعبان متولد شد و اشهر سیزدهم ماه رجب است چنانچه گذشت لیکن سند این روایت چون
صحیح است اگر هر دو روز را احترام نمایند بهتر است و باین جهت زیارت آنحضرت در این روز از نزدیک

و دور مناسب است والله تعالی یعلم شب هشتم سید طاب ثراه در کتاب مذکور از حضرت رسول صلعم روایت
نموده که هر که در این شب دو رکعت نماز بجا آورد در هر رکعت اول حمد یکنوبت و آیه امن الرسول تا آخر
سوره یکنوبت و سوره قل هو الله احد را پانزده نوبت و در رکعت دوم حمد یکنوبت و آیه قل انما
انا بشر مثلکم تا آخر یکنوبت و سوره قل هو الله احد را پانزده نوبت بخواند اگر گناهان او زیاده از
کف دریاها باشد حق تعالی او را از دنیا بیرون نبرد مگر طاهر و پاک و چنان باشد که خوانده باشد
توریة و انجیل و زبور و فرقان را مؤلف گوید که در این موضع کفعمی در جنة الامان در رکعت اول آیه
امن الرسول را نقل کرده و ظاهرا سهو نموده یا از قلم نساخ ساقط شده است و آیه امن الرسول در
آخر سوره بقره است و آیات اینست امن الرسول بما انزل الیه من ربه والمؤمنون کل امن
بالله وملئکته وکتبه ورسله لا نفرق بین احد من رسله وقالوا سمعنا واطعنا
غفرانک ربنا والیک المصیر لا یکلف الله نفسا الا وسعها لها ما کسبت وعلیها ما
اکتسبت ربنا لا تؤاخذنا ان نسینا او اخطأنا ربنا ولا تحمل علینا اصرا کما حملته
على الذین من قبلنا ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف عنا واغفر لنا وارحمنا
انت مولنا فانصرنا على القوم الکافرین و آیه قل انما انا بشر آیه آخر سوره کهف است و آیه اینست
قل انما انا بشر مثلکم یوحى الی انما الهکم اله واحد فمن کان یرجوا لقاء ربه فلیعمل
عملا صالحا ولا یشرک بعبادة ربه احدا روز هشتم بعضی ولادت با سعادت حضرت صاحب الامر
علیه السلام را در این روز نقل کرده اند و اشهر و اقوی شب پانزدهم این ماه است و لیکن باعتبار رعایت این قول زیارت
آن بزرگوار از نزدیک و دور یکبعضی که در اعمال شب نیمه مذکور خواهد شد مناسب است شب نهم سید
در کتاب مذکور از حضرت رسالت صلعم روایت نموده که هر که در این شب چهار رکعت نماز کند در هر رکعتی
حمد یکنوبت و سوره اذا جاء نصر الله والفتح ده نوبت حق تعالی بدن او را بر آتش جهنم حرام کرداند
و عطا فرماید باو بعوض هر آیه ثواب دوازده شهید از شهدای بدر و ثواب علما روز نهم بعضی
از علما ولادت موفور السعادة حضرت امام زین العابدین علیه السلام را در این روز نقل نموده و این قول اگرچه
خلاف مشهور است لیکن چون احتمال میرود زیارت آنحضرت در این روز از نزدیک و دور مناسب است
شب دهم سید در کتاب مذکور از جناب حضرت سید الانبیاء صلعم روایت نموده که هر که در این شب چهار
رکعت نماز بکند در هر رکعتی حمد یکنوبت و سوره انا اعطیناک الکوثر بخواند حق تعالی ملائکه را میفرماید
که بنویسید برای او صد هزار حسنه و هر گناه از دیوان او بردارید و بیامرزد او را و پدر و مادر او را سه نوبت م
و همسایگان او را مؤلف گوید که کفعمی ره در جنة الامان آیة الکرسی را نیز سه نوبت نقل نموده و ظاهرا
سهو در نقل نموده لیکن مناسبت آن شاید احوط باشد و شاید که مراد از کشودن هزار در کشودن هزار در
بهشت است و این منافات ندارد با آنچه در روایات معتبره مستفیضه وارد شده است که برای بهشت

دیگر بابا دعا میکرد وما آمین میگفتیم و در حصه دیگر استغفار میکرد و بهشت را از حق تعالی سؤال میفمود تا صبح طالع میشد مؤلف گوید که آنچه در این حدیث وارد شده است که در یکحصه شب با ما نماز میفرمود ظاهرا مراد در فاقت در اصل نماز کردن است نه کردن نماز بجماعت زیرا که نافله را بجماعت نمیتوان کرد و از این حدیث شریف مفهوم میشود که جمع نمودن اتباع و اولاد و ترغیب نمودن ایشان بعبادات در این شب فضیلت عظیم دارد و آنکه عبادات موظفه در این شب در مجامع بهتر است از خلوات زیرا که باعث استجابت دعا میشود والله تعالی یعلم **پنجم** سید در کتاب اقبال از رسول خدا صلعم روایت نموده است که هر که در این شب میان نماز شام و خفتن چهار رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیکسلام و در هر رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله احد ده نوبت بخواند و چون فارغ شود ده نوبت یا رب اغفر لنا و ده نوبت یا رب ارحمنا و ده نوبت یا رب تب علینا و بعد از آن سوره قل هو الله احد را بیست و یکنوبت بخواند و ده مرتبه سبحان الذی یحیی الموتی و یمیت الاحیاء و هو علی کل شیء قدیر بگوید حق تعالی دعای او را مستجاب کرده اند و حوائج دنیا و آخرت او را بر آورد و نامه او را بدست راست او دهد و در حفظ الهی باشد تا سال آینده مؤلف گوید که سید در کتاب مذکور روایت دیگر نیز نقل نموده کرده در آن روایت بعد از حمد سوره قل هو الله احد یازده نوبت وارد شده و کفعمی ره در جنة الامان بعوض یا رب اغفر لنا اللهم اغفر لنا نقل نموده و ده نوبت یا رب تب لنا یا بیست و یکنوبت قل هو الله احد را نقل نموده است **ششم** شش رکعت نماز هر دو رکعت بیکسلام و در هر رکعتی بعد از حمد هر یک از سوره یس و تبارک و قل هو الله احد یکنوبت و این نماز ثواب عظیم دارد و در باب سیم اعمال ماه رجب کذشت **هفتم** دعائی که حضرت سید الساجدین صلوات الله علیه هر روز نزد زوال آفتاب و در شب نیمه اینماه میخوانده و آن دعا اللهم صل علی محمد و آل محمد شجرة النبوة است تا آخر آن و در باب چهارم در اعمال هر روز و نیز هر روز و هر شب اینماه کذشت **هشتم** سید ره در اقبال بسند خود از هرون بن موسی تلعکبری رض روایت کرده است که در شب نیمه ماه شعبان چهار رکعت نماز بکن هر دو رکعت بیکسلام در هر رکعتی حمد یکنوبت و قل هو الله احد صد نوبت بخوان اللهم انی الیک فقیر و من عذابک خائف و بک مستجیر و چون فارغ شوی این دعا بخوان

رب لا تبدل اسمی و لا تغیر جسمی رب لا تجهد بلائی رب لا تشمت بی اعدائی

اعوذ بعفوک من عقابک و اعوذ برحمتک من عذابک و اعوذ برضاک من سخطک

۱۹۴

واعوذ بک منک جل ثناؤک انت کما اثنیت علی نفسک و فوق ما یقول القائلون فیک

پس دعا کن بآنچه خواهی **مؤلف** گوید که این نماز و دعا اصح اعمال وارده در این شب است و شیخ طوسی قدس سره در مصباح نیز این عمل را نقل نموده و شیخ از ابو یحیی صنعانی روایت کرده که او از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام این عمل را روایت کرده اند و بعد از آن گفته که سی نفر از ثقات اصحاب این دو بزرگوار این عمل را از ایشان روایت نموده اند **نهم** سید بن طاوس ره در کتاب اقبال از کتاب محمد بن علی طرازی نقل نموده است که در شب نیمه شعبان چهار رکعت نماز بکن هر دو رکعت بیکسلام در هر رکعتی حمد یکنوبت و سوره قل هو الله احد پنجاه نوبت و اگر خواهی قل هو الله احد را صد نوبت بخوان و اگر خواهی دویست و پنجاه اللهم انی الیک فقیر و من عذابک خائف و بک مستجیر نوبت بخوان و چون سلام گوئی این دعا بخوان

و علامه مجلسی ره در کتاب منهاج الصلاح و ابن باقی در مصباح

رب لا تبدل اسمی و لا تغیر جسمی و لا تجهد بلائی و لا تشمت بی اعدائی اللهم انی اعوذ

رب لا ...

بعفوک من عقوبتک و اعوذ برضاک من سخطک و اعوذ برحمتک من عذابک و اعوذ

بک منک لا اله الا انت جل ثناؤک لا احصی مدحتک و لا الثناء علیک انت کما

اثنیت علی نفسک و فوق ما یقول القائلون ان تصلی علی محمد و آل محمد و افعل بی کذا و

و بجای کذا و کذا حاجات خود را بطلب **مؤلف** گوید که شیخ طوسی طاب ثراه در مصباح بسند خود از حضرت امام موسی کاظم ع این عمل را روایت نموده و در روایت او سوره قل هو الله احد دویست و پنجاه مرتبه وارد شده و تخییر میان پنجاه و صد و دویست و پنجاه در آن مذکور نیست و حضرت علامه امام مولانا محمد باقر مجلسی قدس الله روحه در کتاب زاد المعاد گفته که اگر پنجاه مرتبه را اختیار نماید موافق میشود با نماز حضرت امیر المؤمنین ع که در فضیلت آن احادیث بسیار است و بدانکه ظاهر کلام شیخ و سید آنست که این عمل غیر عمل سابق است و ظاهر حال چنانچه از توافق عدد رکعات نماز و تطابق عبارات دعای بعد ظاهر میشود آنست که این عمل با عمل سابق متحد باشد و آنکه در سوره قل هو الله احد مخیر میان پنجاه و صد و دویست و پنجاه بوده باشد و اگر دویست و پنجاه را اختیار نماید افضل و شاید بجمیع مراتب عمل نموده باشد والله تعالی یعلم **دهم** سید بن طاوس ره در اقبال ذکر نموده که در کتاب محمد بن علی طرازی اللهم انت الحی القیوم بعد از ذکر عمل سابق مذکور است که از جمله دعاهای شب نیمه شعبان این دعا است

دیگر با ما دعا میکرد و ما آمین میگفتیم و در حضرت دیگر استغفار میکرد و بهشت را از حق تعالی سؤال
مینمود تا صبح طالع میشد مؤلف گوید که آنچه در این حدیث وارد شده است که در یک حصه شب با
ما نماز میفرمود ظاهر مراد در فاقت در اصل نماز کردن است نه کردن نماز بجماعت زیرا که نافله را
بجماعت نمیتوان کرد و از این حدیث شریف مفهوم میشود که جمع نمودن اتباع و اولاد و ترغیب
نمودن ایشان بعبادات در این شب فضیلت عظیم دارد و آنکه عبادات موظفه در این شب در
مجامع بهتر است از خلوات زیرا که باعث استجابت دعا میشود والله تعالی یعلم تحفه سید در
کتاب اقبال از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده است که هر که در این شب میان نماز شام و خفتن
چهار رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله احد ده
نوبت بخواند و چون فارغ شود ده نوبت یا رب اغفر لنا و ده نوبت یا ربنا ارحمنا و ده نوبت
یا رب تب علینا و بعد از آن سوره قل هو الله احد را بیست و یک نوبت بخواند و ده مرتبه
سبحان الذی یحیی الموتی و یمیت الاحیاء و هو علی کل شیء قدیر بگوید حق تعالی
دعای او را مستجاب کرداند و حوائج دنیا و آخرت او را بر آورد و نامه او را بدست راستش دهد
و در حفظ الهی باشد تا سال آینده مؤلف گوید که سید در کتاب مذکور روایت دیگر نیز نقل نموده
که در آن روایت بعد از حمد سوره قل هو الله احد یازده نوبت وارد شده و کفعمی ره در جنة
الامان بعوض یا رب اغفر لنا اللهم اغفر لنا نقل نموده و ده نوبت یا رب تب لنا با بیست و
یک نوبت قل هو الله احد را نقل نموده است ششم شش رکعت نماز هر دو رکعت بیک سلام و در
هر رکعتی بعد از حمد هر آیه که از سوره تبارک و قل هو الله احد یکنوبت و این نماز ثواب عظیم دارد
و در باب سیم اعمال ماه رجب گذشت هفتم دعائی که حضرت سید الساجدین صلوات الله علیه
هر روز نزد زوال آفتاب و در شب نیمه ماه میخوانده و آن دعا اللهم صل علی محمد و آل محمد
شجرة النبوة است تا آخر آن و در باب چهارم در اعمال هر روز یا هر روز و هر شب این ماه گذشت
هشتم سید ره در اقبال بسند خود از هرون بن موسی تلعکبری ره روایت کرده است که در شب
نیمه ماه شعبان چهار رکعت نماز بکن هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی حمد یکنوبت و قل هو الله
احد صد نوبت بخوان اللهم انی الیک فقیر و من عذابک خائف و بک مستجیر
و چون فارغ شوی این دعا بخوان
رب لا تبدل اسمی و لا تغیر جسمی رب لا تجهد بلائی رب لا تشمت بی اعدائی
اعوذ بعفوک من عقابک و اعوذ برحمتک من عذابک و اعوذ برضاک من سخطک

و اعوذ بک منک جل ثناؤک انت کما اثنیت علی نفسک و فوق ما یقول القائلون فیک

پس دعا کن بآنچه خواهی مؤلف گوید که این نماز و دعا اصح اعمال وارده در این شب است و شیخ طوسی
قدس سره در مصباح نیز این عمل را نقل نموده و شیخ از ابو یحیی صنعانی روایت کرده که او از
حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام این عمل را روایت کرده اند و بعد از آن گفته که سی نفر
از ثقات اصحاب این دو بزرگوار این عمل را از ایشان روایت نموده اند نهم سید بن طاوس ره در کتاب
اقبال از کتاب محمد بن علی طرازی نقل نموده است که در شب نیمه شعبان چهار رکعت نماز بکن هر دو رکعت
بیک سلام در هر رکعتی حمد یکنوبت و سوره قل هو الله احد پنجاه نوبت و اگر خواهی قل هو الله احد را صد
نوبت بخوان و اگر خواهی دویست و بعد از آن اللهم انی الیک فقیر و من عذابک خائف و بک مستجیر
نوبت بخوان و چون سلام گوئی این دعا بخوان
وعلامه ره در کتاب منهاج الصلاح و ابن باقی ره در مصباح
رب لا تبدل اسمی و لا تغیر جسمی و لا تجهد بلائی و لا تشمت بی اعدائی اللهم انی اعوذ
بعفوک من عقوبتک و اعوذ برضاک من سخطک و اعوذ برحمتک من عذابک و اعوذ
بک منک لا اله الا انت جل ثناؤک لا احصی مدحتک و لا الثناء علیک انت کما
اثنیت علی نفسک و فوق ما یقول القائلون ان تصلی علی محمد و آل محمد و افعل بی کذا و کذا

و بجای کذا و کذا حاجات خود را طلب مؤلف گوید که شیخ طوسی طاب ثراه در مصباح بسند خود از حضرت امام
موسی کاظم علیه السلام این عمل را روایت نموده و در روایت او سوره قل هو الله احد دویست و پنجاه مرتبه وارد شده
و تخییر میان پنجاه و صد و دویست و پنجاه در آن مذکور نیست و حضرت علامه مولانا محمد باقر مجلسی قدس الله
روحه در کتاب زاد المعاد گفته که اگر پنجاه مرتبه را اختیار نماید بهتر است و با تمام حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
و در فضیلت آن احادیث بسیار است و بدانکه ظاهر کلام شیخ و سید آنست که این عمل غیر عملی سابق است
و ظاهر حال چنانچه از توافق عدد رکعات نماز و تطابق عبارات دعای بعد ظاهر میشود آنست که این عمل
با عمل سابق متحد باشد و آنچه در سوره قل هو الله احد مخیر میان پنجاه و صد و دویست و پنجاه بوده با
و اگر دویست و پنجاه را اختیار نماید افضل و شاید بجمیع روایات عمل نموده باشد والله تعالی یعلم
دهم سید بن طاوس ره در اقبال ذکر نموده که در کتاب محمد بن علی طرازی اللهم انت الحی القیوم
بعد از ذکر عمل سابق مذکور است که از جمله دعاهای شب نیمه شعبان این دعا است

العلي العظيم الخالق البارئ المحيي المميت البدئ البديع لك الكرم و لك
الفضل و لك الحمد و لك المن و لك الجود و لك الامر وحدك لا شريك
لك يا واحد يا احد يا صمد يا من لم يلد و لم يولد و لم يكن له كفوا احد
اللهم صل على محمد و آل محمد و اغفر لي و ارحمني و اكفني ما اهمني و اقض
ديني و وسع علي في رزقي فانك في هذه الليلة كل امر يفرق و من تشاء
من خلقك ترزق فارزقني و انت خير الرازقين فانك قلت و انت خير
القائلين الناطقين و اسئلوا الله من فضله فمن فضلك اسئل و اياك
قصدت و ابن نبيك اعتمدت و لك رجوت فارحمني يا ارحم الراحمين

مؤلف گوید که شیخ و علامه مرد و ابن فهد و کفعمی قدس الله اسرارهم نیز این دعا را نقل نموده اند بر این که
است که در کربلای معلی حاضر باشد چنانچه از فقره آخر دعا که و ابن نبیک اعتمدت است ظاهر می
شود والله تعالی یعلم یازدهم و دوازدهم شیخ طوسی و سید بن طاوس قدس سرهما در مصباح و اقبال
بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده اند که فرمود از پدرم امام محمد باقر علیه السلام پرسیدند
از فضیلت شب نصف شعبان فرمود که این شب بعد از شب قدر افضل شبهاست و حق تعالی
فضل خود را در این شب بر بندگان عطا میفرماید و باحسان خود گناهان ایشان را می آمرزد پس
سعی کنید در تقرب جستن بسوی خداوند عالمیان در این شب که این شبی است که حق تعالی بذات مقدس
خود سوگند یاد کرده که سائلی را از درگاه خود رد نکند مگر آنکه معصیتی از خدا طلب نماید و این
شب را خدا برای ما اهل بیت قرار داده است بازای شب قدر که از برای پیغمبر ما قرار داده است
پس اهتمام نمائید در این شب در دعا و ثنا کردن بر خداوند عالمیان که هر که در این شب صد مرتبه سبحان الله
و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه لا اله الا الله بگوید حق تعالی
گناهان گذشته او را بیامرزد و حاجتهای دنیا و آخرت او را برآورد آنچه را طلب نماید و آنچه حق

داند که او احتیاج بآن دارد اگرچه طلب نکرده باشد راوی گوید که عرض کردم که بهترین دعاها در این شب کدام است
فرمود که چون از نماز عشا فارغ شدی دو رکعت نماز بکن و در رکعت اول حمد و سوره قل یا ایها الکافرون
و در رکعت دوم حمد و سوره قل هو الله احد بخوان و چون سلام گفتی سی و سه نوبت سبحان الله
و سی و سه نوبت الحمد لله و سی و چهار نوبت الله اکبر بگو پس این دعا را بخوان

ملجأ العباد

يا من اليه يلجأ العباد في المهمات و اليه يفزع الخلق في الملمات يا عالم
الجهر و الخفيات و يا من لا يخفى عليه خواطر الاوهام و تصرف الخطرات
يا رب الخلائق و البريات يا من بيده ملكوت الارضين و السموات انت الله

امنت [illegible]

لا اله الا انت امت اليك بلا اله الا انت فيا لا اله الا انت اجعلني في هذه
الليلة ممن نظرت اليه فرحمته و سمعت دعاءه فاجبته و علمت
استقالته فاقلته و تجاوزت عن سالف خطيئته و عظيم جريرته فقد
استجرت بك من ذنوبي و لجأت اليك في ستر عيوبي اللهم فجد علي بكرمك
و فضلك و احطط خطاياي بحلمك و عفوك و تغمدني في هذه الليلة
بسابغ كرامتك فاجعلني فيها من اوليائك الذين اجتبيتهم لطاعتك

في هذه الليلة

و اخترتهم لعبادتك و جعلتهم خالصتك و صفوتك اللهم اجعلني
ممن سعد جده و توفر من الخيرات حظه و اجعلني ممن سلم فنعم و فاز
فغنم و اكفني شر ما اسلفت و اعصمني من الازدياد في معصيتك

وَحَبِّبْ اِلَيَّ طاعَتَكَ وَما يُقَرِّبُنى مِنْكَ وَيُزْلِفُنى عِنْدَكَ سَيِّدى اِلَيْكَ
يَلْجَأُ الْهارِبُ وَمِنْكَ يَلْتَمِسُ الطّالِبُ وَعَلى كَرَمِكَ يُعَوِّلُ الْمُسْتَقيلُ
التّائِبُ اَدَّبْتَ عِبادَكَ بِالتَّكَرُّمِ وَاَنْتَ اَكْرَمُ الْاَكْرَمينَ وَ
اَمَرْتَ بِالْعَفْوِ عِبادَكَ وَاَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحيمُ اَللّٰهُمَّ فَلا تَحْرِمْنى ما رَجَوْتُ
مِنْ كَرَمِكَ وَلا تُؤْيِسْنى مِنْ سابِغِ نِعَمِكَ وَلا تُخَيِّبْنى مِنْ جَزيلِ قِسَمِكَ
فى هٰذِهِ اللَّيْلَةِ لِاَهْلِ طاعَتِكَ وَاجْعَلْنى فى جُنَّةٍ مِنْ شِرارِ خَلْقِكَ رَبِّ   بريّتك ن‌د
اِنْ لَمْ اَكُنْ مِنْ اَهْلِ ذٰلِكَ فَاَنْتَ اَهْلُ الْكَرَمِ وَالْعَفْوِ وَالْمَغْفِرَةِ
جُدْ عَلَيَّ بِما اَنْتَ اَهْلُهُ لا بِما اَسْتَحِقُّهُ فَقَدْ حَسُنَ ظَنّى بِكَ وَتَحَقَّقَ رَجائى
لَكَ وَعَلِقَتْ نَفْسى بِكَرَمِكَ فَاَنْتَ اَرْحَمُ الرّاحِمينَ وَاَكْرَمُ الْاَكْرَمينَ
اَللّٰهُمَّ وَاخْصُصْنى مِنْ كَرَمِكَ بِجَزيلِ قِسَمِكَ وَاَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ
وَاغْفِرْ لِيَ الذَّنْبَ الَّذى يَحْبِسُ عَنِّى الْخُلُقَ وَيُضَيِّقُ عَلَيَّ الرِّزْقَ حَتّى اَقُومَ   عليّ ن‌د
بِصالِحِ رِضاكَ وَاَنْعَمَ بِجَزيلِ عَطائِكَ وَاَسْعَدَ بِسابِغِ نَعْمائِكَ فَقَدْ لُذْتُ   عطاياك ن‌د
بِحَرَمِكَ وَتَعَرَّضْتُ لِكَرَمِكَ وَاسْتَعَذْتُ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ وَبِحِلْمِكَ
مِنْ غَضَبِكَ فَجُدْ بِما سَأَلْتُكَ وَاَنِلْ مَا الْتَمَسْتُ مِنْكَ اَسْأَلُكَ بِكَ لا بِشَيْءٍ هُوَ

اعظم

اَعْظَمُ مِنْكَ پس بسجده میرود و میگوید یا رَبِّ بیست مرتبه یا اللّٰه هفت مرتبه لا حَوْلَ وَ
لا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰه هفت مرتبه ما شاءَ اللّٰهُ لا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰه ده مرتبه لا قُوَّةَ اِلّا
بِاللّٰه ده مرتبه پس صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله میفرستی و حاجت خود را از خدا تعالی
سؤال میکنی پس بخدا سوگند که اگر بعدد قطرات باران حاجت بطلبی حق تعالی ترا بآنها میرساند
بکرم و فضل خود مؤلف گوید که این روایت را شیخ طوسی ره در مصباح کبیر و مصباح صغیر
و علامه ره در منهاج الصلاح و کفعمی در جنة الامان ذکر نموده اند لیکن اذکار سجده را
ضبط نموده اند و نقل علامه با روایت اقبال اوفق است زیرا که او مطابق اقبال نقل کرده مگر
آنکه در ما شاء الله لا قوة الا بالله که باید ده مرتبه گفته شود لا قوة الا بالله را نقل نموده
و اکتفا بما شاء الله کرده است و کفعمی بیست مرتبه یا ربّ یا ربّ هفت مرتبه لا حول و لا قوة
الا بالله هفت مرتبه ما شاء الله لا قوة الا بالله ده مرتبه لا قوة الا بالله نقل نموده و شیخ
طوسی در مصباح کبیر مطابق نسخه که جد علامه ام مولانا محمد تقی طاب ثراه مقابله و تصحیح نموده
بیست مرتبه یا ربّ هفت مرتبه یا الله ده مرتبه لا حول و لا قوة الا بالله هفت مرتبه ما شاء الله
نقل نموده و در مصباح صغیر مطابق نسخه که بعضی از فضلا با نسخه که بخط علی بن السکون قدس الله
روحه که از اعاظم محدثین علمای شیعه است بوده مقابله و تصحیح نموده بیست مرتبه یا ربّ هفت
مرتبه یا الله ده مرتبه لا قوة الا بالله نقل نموده است و ظاهر حال آنست که اختلافات مزبوره از
راه عدم اعتنا در ضبط ناشی شده باشد زیرا که همگی یک روایت را که روایت ابو یحیی صنعانی است نقل
نموده اند و بدانکه سید در اقبال نیز بعد از آنکه این روایت را ذکر نموده گفته است که محمد بن علی طرازی
در کتاب این عمل را بطریق دیگر که فی الجمله مخالف با این طریق دارد ذکر نموده است اول آنکه در
سجده بیست مرتبه یا ربّ محمد هفت مرتبه لا حول و لا قوة الا بالله هفت مرتبه   صلّ علی محمد و آل محمد
ما شاء الله ده مرتبه لا قوة الا بالله میگوئی پس صلوات بر رسول خدا و اهل بیت او صلی الله علیه
و علیهم میفرستی هر قدر که خواهی پس بعد از این نماز و پیش از اول نماز شب چهار رکعت نمازی که مراد از قل
هو الله احد کرده می شود میکنی و گویا مراد طرازی چهار رکعت نماز با هزار قل هو الله نماز شب که
در عملهم بروایت طرازی و شیخ طوسی مذکور شد و در روایت طرازی اگرچه مشتمل بر تخییر میان پنجاه
و صد مرتبه و دویست و پنجاه مرتبه قل هو الله است لیکن طرازی در پیغام بنا دارد دویست و پنجاه مرتبه
که فرد اکمل تخییر است گذاشته است و چون طرازی از اعاظم محدثان شیعه است و ظاهر حال آنست که
در باب تقدیم و تأخیر این دو عمل نظر بیکدیگر حدیثی دیده باشد لهذا اولی آنست که این عمل را قبل از
عمل هفتم چنانچه او گفته است بجا آورند دوم طرازی در کتاب روایت کرده است که مولای ما حضرت
امام جعفر صادق صلوات الله علیه این نماز را در شب نیمه شعبان بجا آورد و بعد از آن خواند دعائی

که مذکور شد پس بسجده رفت و در سجده بیست مرتبه یا رَبّ هفت مرتبه یا اَللّٰه هفت مرتبه یا ربّ محمّد ده مرتبه
لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰه فرمود و چون در روایت اوّل سید یاد و در روایت طرازی عجب سید مختلف
است ظاهر حال آن است که اختلاف میان آنها محمول بر تخییر باشد و اگر در سجده بیست مرتبه یا رَبّ هفت
مرتبه یا اَللّٰه هفت مرتبه یا ربّ محمّد صَلِّ علی محمّدٍ و آل محمّد ده مرتبه لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰه ده مرتبه
ما شاءَ اللّٰه لا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰه ده مرتبه ما شاء اللّٰه ده مرتبه لا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰه گفته شود شاید عمل
بهمه طریق کرده باشد سید محمد شیخ طوسی در مصباح و علامه حلی در منهاج الصلاح بعد از ذکر عمل
سابق را ذکر نموده اند اِلٰهی تَعَرَّضَ لَکَ فی هٰذَا اللَّیْلِ الْمُتَعَرِّضُونَ وَ قَصَدَکَ
کفعمی اینکه این دعا را بیخوانی
الْقاصِدُونَ وَ اَمَّلَ فَضْلَکَ وَ مَعْرُوفَکَ الطّالِبُونَ وَ لَکَ فی هٰذَا
اللَّیْلِ نَفَحاتٌ وَ جَوائِزُ وَ عَطایا وَ مَواهِبُ تَمُنُّ بِها عَلیٰ مَنْ تَشاءُ مِنْ
عِبادِکَ وَ تَمْنَعُها مَنْ لَمْ تَسْبِقْ لَهُ الْعِنایَةُ مِنْکَ وَ ها اَنَا ذا عُبَیْدُکَ — عبدك
الْفَقیرُ اِلَیْکَ الْمُؤَمِّلُ فَضْلَکَ وَ مَعْرُوفَکَ فَاِنْ کُنْتَ یا مَوْلایَ تَفَضَّلْتَ
فی هٰذِهِ اللَّیْلَةِ عَلیٰ اَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ وَ عُدْتَ عَلَیْهِ بِعائِدَةٍ مِنْ عَطْفِکَ
فَصَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الطَّیِّبینَ الطّاهِرینَ الْخَیِّرینَ الْفاضِلینَ وَ جُدْ
عَلَیَّ بِطَوْلِکَ وَ مَعْرُوفِکَ یا رَبَّ الْعالَمینَ وَ صَلَّی عَلیٰ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِیّینَ — صلّى الله
وَ آلِهِ الطّاهِرینَ وَ سَلَّمَ تَسْلیماً اِنَّ اللّٰهَ حَمیدٌ مَجیدٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَدْعُوکَ کَما
اَمَرْتَ فَاسْتَجِبْ لی کَما وَعَدْتَ اِنَّکَ لا تُخْلِفُ الْمیعادَ مؤلف گوید که سید نیز در اقبال
این دعا را از شیخ در مصباح
نقل نموده است و از کلام شیخ فهمیده است که این دعا تتمه عمل سابق است و ظاهر حال آن است که
عمل بر اسر باشد چنانچه حق علامه قدس الله روحه مراد المقا گفته که این دعای قیام خواست

وازدعای

و از دعاهای این شب است اما ظاهر اجزء عمل سابق نیست و از غرایب آنست که سید بن باقی رحمه الله
در مصباح عمل سابق را نقل کرده و گفته است که بعد از دعای یا مَنْ اِلَیْهِ یَلْجَأُ الْعِبادُ بسجده میرود
و در سجده دعای الٰهی تعرّض لک را میخواند و مطلقا اذکار سابقه را نقل نکرده است با آنکه او دعا
را از کتاب مصباح متهجد شیخ طوسی نقل نموده و شیخ اذکار را نقل نموده بلکه سایر علما
هم که در این عمل اذکار را نقل نموده هر چند در کیفیت با یکدیگر مختلف است چنانکه دانستی
والله تعالی یعلم **عمل دیگر** سید بن طاوس رض در کتاب اقبال از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله
روایت کرده که هر که در شب نیمه شعبان وضو بسازد و اعمال وضو را نیکو بجا آورد و جامه پاک
بپوشد و بجای نماز خود رود و دو نماز خفتن را بجا آورد و بعد از آن دو رکعت نماز بکند و در رکعت
اوّل حمد یک مرتبه و سه آیه از اول سوره بقره و بعد از آن آیة الکرسی و بعد از آن سه آیه از آخر سوره
بقره بخواند و در رکعت دویم حمد یکمرتبه و قل اعوذ برب الفلق هفت مرتبه و قل اعوذ برب الناس
هفت مرتبه و قل هو الله احد هفت مرتبه بخواند و چون سلام بگوید چهار رکعت دیگر بکند هر
دو رکعت بیک سلام و در رکعت اول بعد از حمد سوره یس و در رکعت دویم بعد از حمد حم دخان
و در رکعت سیم بعد از حمد الٓمٓ سجده و در رکعت چهارم بعد از حمد تبارک بخواند پس بعد از آن
صد رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی حمد یکمرتبه و سوره قل هو الله احد ده
مرتبه بخواند حق تعالی سه حاجت او را یا در دنیا یا در آخرت بر آورد پس اگر از خدا سؤال نماید
که مراد در آن شب در خواب ببیند خواهد دید **مؤلف** گوید که مراد از نیکو بجا آوردن افعال
وضو آنست که رعایت مقدّمات وضو باشد مسواک و مضمضه و استنشاق و شستن دستها
و ادعیه وارده در هر باب بکند و مراد از دو جامه پوشیدن یکی پیراهن و یکی دواتی چون در میان
عرب شایع بوده است که هیند و جامه را میپوشیده اند و در بلاد عجم اگر چنانچه همان جامه‌های پاک
متعارف را بپوشد شاید مجزی باشد و اگر ردائی بر روی آنها بر دوش گیرد افضل است و مراد
از سه آیه اوّل سوره بقره بغیر بسم است و احوط آنست که بسم الله را بعد از حمد بگوید و بعد از آن
این آیات را بخواند و آیات اینست الٓمٓ ذٰلِکَ الْکِتابُ لا رَیْبَ فیهِ هُدیً لِلْمُتَّقینَ اَلَّذینَ
یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ وَ یُقیمُونَ الصَّلٰوةَ وَ مِمّا رَزَقْناهُمْ یُنْفِقُونَ وَ الَّذینَ یُؤْمِنُونَ بِما
اُنْزِلَ اِلَیْکَ وَ ما اُنْزِلَ مِنْ قَبْلِکَ وَ بِالْآخِرَةِ هُمْ یُوقِنُونَ اُولٰئِکَ عَلیٰ هُدیً مِنْ رَبِّهِمْ
وَ اُولٰئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ و سه آیه آخر سوره بقره این آیات است آمَنَ الرَّسُولُ بِما اُنْزِلَ اِلَیْهِ
مِنْ رَبِّهِ وَ الْمُؤْمِنُونَ کُلٌّ آمَنَ بِاللّٰهِ وَ مَلٰئِکَتِهِ وَ کُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ لا نُفَرِّقُ بَیْنَ اَحَدٍ مِنْ
رُسُلِهِ وَ قالُوا سَمِعْنا وَ اَطَعْنا غُفْرانَکَ رَبَّنا وَ اِلَیْکَ الْمَصیرُ لا یُکَلِّفُ اللّٰهُ نَفْساً اِلّا
وُسْعَها لَها ما کَسَبَتْ وَ عَلَیْها مَا اکْتَسَبَتْ رَبَّنا لا تُؤاخِذْنا اِنْ نَسینا اَوْ اَخْطَأْنا رَبَّنا وَ لا تَحْمِلْ

عَلَيْنَا إِصْراً كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ و بدانکه شیخ طوسی طاب ثراه نیز این روایت را در مصباح نقل نموده و در رکعت دویم در رکعت اول سوره قل اعوذ برب الناس را مقدم بر قل اعوذ برب الفلق نقل نموده و اعتماد بر نقل سید بیشتر است و صد رکعت نماز کرد آخر این روایات مذکور است بعد از این روایات متعدده معتبره مذکور میشود یازدهم سید طاوس در کتاب اقبال از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت نموده است که حضرت فرمود که در شب نیمه شعبان در خواب بودم که جبرئیل علیه السلام بر من نازل شد و گفت ای محمد آیا بخوابی در این شب گفتم این چه شب است گفت شب نیمه شعبان است برخیز ای محمد پس برخیزانید مرا و با خود به بقیع برد و گفت بالا کن سر خود را بدرستی که این شبی است که درهای آسمانها در آن گشوده میشود پس باز میشود درهای رحمت و درگاه خوشنودی خدا و درگاه آمرزش و درگاه تفضل و درگاه توبه و درگاه نعمت و درگاه جود و بخشش و درگاه احسان حق تعالی در این شب از آتش جهنم آزاد میفرماید از بندگان بعدد موهای چهارپایان و پشمهای ایشان و اجلهای مردم و روزیهای ایشان را تا سال آینده حواله میکند در این سال میشود تقدیر میفرماید ای محمد هر که احیا کند این شب را بگفتن الله اکبر و سبحان الله و لا اله الا الله و دعا خواندن و نماز کردن و تلاوت قرآن و طلب آمرزش از گناهان بهشت منزل و محل استراحت او باشد و گناهان گذشته و آینده او آمرزیده شود ای محمد هر که در این شب صد رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعتی حمد یکمرتبه و سوره قل هو الله احد ده مرتبه بخواند و چون از نماز فارغ شود ده مرتبه آیة الکرسی و ده مرتبه سوره حمد بخواند و صد مرتبه سبحان الله بگوید حق تعالی صد گناه کبیره هلاک کننده او را که بسبب آنها مستوجب جهنم شده باشد بیامرزد و بعدد هر سوره و تسبیحی قصری در بهشت باو عطا فرماید و شفاعت او را در حق صد نفر از اهل بیت او قبول نماید و او را در ثواب شهدا و ثواب روزه داران انبیاء و عبادت کنندگان این شب شریک گرداند بی آنکه از ثواب ایشان چیزی کم شود پس احیا کن این شب را ای محمد و امر کن امت خود را که احیا کنند آن را و تقرب جویند بسوی خدا بعبادت آن که این شبی است بسیار شریف و بدرستی که من آمدم نزد تو و حال آنکه در آسمان ملکی نبود مگر آنکه قدمهای خود را صف کرده بودند پس بعضی در رکوع و بعضی ایستاده و بعضی در سجود و بعضی مشغول بودند بدعا و بعضی بتکبیر و بعضی باستغفار و بعضی بتسبیح ای محمد بدرستی که حق تعالی در این شب بسوی بندگان خود نظر رحمت میافکند و میآمرزد هر مؤمنی را که ایستاده مشغول نماز باشد یا نشسته تسبیح کند یا برکوع رفته باشد یا در سجود باشد یا مشغول ذکر باشد و این شبی است که دعا نمیکند احدی مگر آنکه مستجاب میشود و سؤال

نمیکند احدی مگر آنکه مستجاب میشود و سؤال نمیکند احدی مگر آنکه عطا کرده میشود و استغفار نمیکند احدی مگر آنکه آمرزیده میشود و توبه نمیکند احدی مگر آنکه توبه اش مقبول میشود محروم کسی است که از خیر این شب محروم گردد و ایضا سید در کتاب مذکور روایت دیگر در باب فضیلت این صد رکعت نقل نموده که راوی گوید که سی نفر از صحابه رسول خدا صلعم حدیث کردند مرا که آنحضرت فرمود که هر که این صد رکعت نماز را در این شب بجا آورد حق تعالی هفتاد نظر رحمت باو بیندازد و در هر نظری هفتاد حاجت او را بر آورد که کمترش آمرزش گناهان او باشد و اگر از جمله اشقیا باشد و طلب سعادت نماید هر آینه او را حق تعالی سعادتمند نماید پس این آیه را تلاوت فرمود يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثْبِتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ یعنی محو میفرماید حق تعالی آنچه را خواهد و ثبت میفرماید آنچه را خواهد و نزد اوست ام الکتاب و اگر پدر و مادر او از اهل جهنم باشند دعا کند برای ایشان از جهنم بیرون آیند اگر شرک بخدا نیاورده باشند و کسی که این نماز را بکند حق تعالی بر آورد برای او هر حاجتی که طلب کند و مهیا فرماید برای او در بهشت چیزی چند که هیچ چشمی ندیده باشد و هیچ گوشی نشنیده باشد سوگند بآن خدائی که مرا بحق مبعوث فرموده است که هر که این نماز را بکند برای محض رضای خدا حق تعالی قرار دهد برای او بهره از ثواب هر که عبادت کند خدا را در این شب و امر فرماید ملائکه کرام کاتبین اعمال را که حسنات را برای او بنویسند و سیئات را از نامه او محو نمایند تا آنکه هیچ سیئه باقی نماند و از دنیا بیرون نرود تا منزل خود را در بهشت ببیند و حق تعالی ملکی چند را بفرستد که با او مصافحه نمایند و سلام کنند بر او و در قیامت محشور شود با گروه نیکوکاران پس اگر بمیرد پیش از سال آینده شهید مرده باشد و شفاعت او در حق هفتاد هزار کس از اهل توحید مقبول شود و تقصیر نمیکند از احیاء این شب بعبادت مگر کسی که شقی باشد مؤلف گوید که از این حدیث و حدیثی که سابق در فضیلت احیاء این شب مذکور شد و بعضی از احادیث که بعد از این مذکور خواهد شد ظاهر میشود که تقدیر آجال و ارزاق و وقایع سال در این شب واقع میشود و در احادیث متواتره و روایات مستفیضه وارد شده است که همه تقدیرات در شب قدر واقع میشود و سید در جمع بین الاخبار چند وجه گفته است اول آنکه تقدیرات محتومه در شب قدر مقدر میشود و غیر محتومه که بدا در آنها واقع تواند شد در این شب مقدر گردد دوم آنکه تقدیر این امور و تعیین آنها در علم الهی در این شب و تعیین در میان ملائکه در شب قدر مقدر میشود سیم آنکه تقدیر آنها در لوح محفوظ در این شب و اعلام آنها بامام زمان در شب قدر میشود چهارم آنکه وعده تقدیرات در این شب و اصل تقدیر در شب قدر میشود و الله تعالی یعلم و ایضا سید در کتاب مذکور از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده است که حضرت رسالت صلعم فرمود که هر که در شب نیمه شعبان صد رکعت نماز بکند بهزار قل هو الله احد یعنی در هر رکعتی ده مرتبه نمیرد دل او در روزی که دلها میمیرند و نمیرد تا آنکه صد ملک را ببیند که او را ایمن گردانند از عذاب الهی

سه نفر ایشان بشارت دهند او را به بهشت و سه نفر از آنها باشند که گناه میان شب او را و دو نیا از شر شیطان و سه نفر آنها باشند که در ساعات شب و روز برای او استغفار میکرده باشند و دو نفر از آنها باشند که او را حفظ میکرده اند از شر دشمنان و شیخ طوسی در مصباح از حضرت امام محمد باقر ع روایت کرده است که رسول خدا صلعم فرمود که هر که در شب نیمه شعبان صد رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی حمد یکمرتبه و سوره قل هو الله احد ده مرتبه نمیرد تا جای خود را در بهشت ببیند مؤلف گوید که چون روایات صد رکعت نماز بسیار و ثوابهای عظیم برای آن وارد شده است بهتر آنست که ترک نشود و اگر کسی بعد از عمل چهارم صد سوره را که گذشت که در روایت اول عمل یازده مرتبه گذشت بجا آورد عمل بجمیع روایات صد رکعت کرده خواهد بود والله تعالی یعلم

شانزدهم سید ره در اقبال در طی ذکر این اعمال آورده است که حضرت رسالت صلعم در این شب این دعا را میخواند اَللّٰهُمَّ اقْسِمْ لَنَا مِنْ خَشْيَتِكَ مَا يَحُولُ بَيْنَنَا وَبَيْنَ مَعْصِيَتِكَ وَمِنْ طَاعَتِكَ مَا تُبَلِّغُنَا بِهِ رِضْوَانَكَ وَمِنَ الْيَقِينِ مَا يَهُونُ عَلَيْنَا بِهِ مُصِيبَاتُ الدُّنْيَا اَللّٰهُمَّ اَمْتِعْنَا بِاَسْمَاعِنَا وَاَبْصَارِنَا وَقُوَّتِنَا مَا اَحْيَيْتَنَا وَاجْعَلْهُ الْوَارِثَ مِنَّا وَاجْعَلْ ثَارَنَا عَلَى مَنْ ظَلَمَنَا وَانْصُرْنَا عَلَى مَنْ عَادَانَا وَلَا تَجْعَلْ مُصِيبَتَنَا فِي دِينِنَا وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا اَكْبَرَ هَمِّنَا وَلَا مَبْلَغَ عِلْمِنَا وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا مَنْ لَا يَرْحَمُنَا بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ مؤلف گوید که این دعای جامع کاملی است و متضمن مطالب دنیا و آخرت است چنانچه از فقرات آن ظاهر و لائح است بهتر آنست که ترک نشود والله الموفق

(حاشیه: وَاجْعَلْهَا ن)

هفدهم شیخ طوسی ره در کتاب مصباح از حسن بصری روایت کرده است که او از عایشه در حدیث طولانی در باب شب نیمه شعبان روایت نموده است که رسول خدا صلعم فرمود که جبرئیل در این شب بر من نازل شد و گفت ای محمد امر کن امت خود را که در شب نیمه شعبان ده رکعت نماز بکنند هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی حمد یکنوبت و سوره قل هو الله احد ده نوبت پس بسجده روند و در سجده بگویند اَللّٰهُمَّ لَكَ سَجَدَ سَوَادِي وَخَيَالِي وَبَيَاضِي يَا عَظِيمَ كُلِّ عَظِيمٍ اغْفِرْ

لی ذنبی

لِي ذَنْبِيَ الْعَظِيمَ فَاِنَّهُ لَا يَغْفِرُهُ غَيْرُكَ پس هر که این عمل را بجا آورد محو کند حق تعالی از او هفتاد و دو هزار سیئه و مثل آن حسنه در نامه عمل او بنویسد و محو فرماید از پدر و مادر او هفتاد و دو هزار سیئه را هجدهم شیخ طوسی و سید بن طاوس قدس الله روحهما در مصباح و اقبال از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که فرمود که رسول خدا صلعم در شب نیمه شعبان در حجره عایشه تشریف داشت و چون نصف شب شد حضرت برخاست از فراش او و عایشه چون بیدار شد و حضرت را ندید گمان کرد که حضرت بحجره زن دیگر تشریف برده و غیرت زنان او را گرفت پس برخاست و جامه خود را بر خود پیچید و بخدا سوگند که آن جامه از کتان و پنبه نبود بلکه تار آن از مو و پود آن از پشم شتر بود و بطلب حضرت در سایر حجرهای زنان دیگر میگردید ناگاه نظرش بر حضرت افتاد که مانند جامه که بر زمین افتاده باشد بسجده در آمده پس نزدیک حضرت رفت و شنید که حضرت در سجود این دعا را میخواند سَجَدَ لَكَ سَوَادِي وَخَيَالِي وَآمَنَ بِكَ فُؤَادِي هٰذِهِ يَدَايَ وَمَا جَنَيْتُهُ عَلَى نَفْسِي يَا عَظِيمُ يُرْجَى لِكُلِّ عَظِيمٍ اغْفِرْ لِيَ الْعَظِيمَ فَاِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ اِلَّا الرَّبُّ الْعَظِيمُ پس سر از سجده برداشت و باره دیگر بسجده رفت و این دعا را خواند اَعُوذُ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي اَضَاءَتْ لَهُ السَّمٰوَاتُ وَالْاَرَضُونَ وَانْكَشَفَتْ لَهُ الظُّلُمَاتُ وَصَلَحَ عَلَيْهِ اَمْرُ الْاَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ مِنْ فُجَاءَةِ نَقِمَتِكَ وَمِنْ تَحْوِيلِ عَافِيَتِكَ وَمِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي قَلْبًا تَقِيًّا نَقِيًّا وَمِنَ الشِّرْكِ بَرِيًّا لَا كَافِرًا وَلَا شَقِيًّا پس روهای مبارک را بر خاک گذاشت و فرمود عَفَّرْتُ وَجْهِي فِي التُّرَابِ وَحُقَّ لِي اَنْ اَسْجُدَ لَكَ و چون حضرت اراده فرمود که برگردد عایشه شتابان آمد بفراش خود و حضرت بفراش تشریف برده دید که او نفس تند میزند فرمود که چه میشود ترا آیا میدانی که چه شب است این شب نیمه شعبان است در این شب روزیها قسمت میشود و اجلها نوشته میشود و حاجیان بیت الله نوشته میشوند و حق تعالی در این شب میامرزد از خلایق زیاده از عدد موی بزهای قبیله کلب و میفرستد ملائکه خود را از آسمان بزمین در مکه معظمه

وبدانکه شیخ و سید رحمهما الله در کتاب مذکور ایضا از عایشه روایت کرده اند که او گفت که
رسول خدا صلی الله علیه و آله در شبی که آن شب نیمهٔ شعبان بود در حجرهٔ من تشریف داشت
که ناگاه از لحاف من بیرون آمد و من بیدار شدم و گمان کردم که بحجرهٔ زن دیگر رفته و غیرت که بر زنان
غالب است مرا گرفت پس برخاستم و بطلب حضرت رفتم دیدم که مانند جامهٔ که بر زمین افتاده باشد
حضرت بسجود در آمده و اطراف انگشتان قدمهای مبارک را بر زمین گذاشته این دعا را میخواند
اَضْحَیْتُ اِلَیْکَ فَقِیراً خائِفاً مُسْتَجِیراً فَلا تُبَدِّلْ اِسْمِی وَلا تُغَیِّرْ جِسْمِی وَلا تَجْهَدْ
بَلائِی وَاغْفِرْ لِی پس سر مبارک را از سجده برداشت و بسجدهٔ دوم رفت و این دعا را خواند سَجَدَ لَکَ سَوادِی وَخَیالِی وَ
آمَنَ بِکَ فُؤادِی هذِهِ یَدایَ بِما جَنَیْتُ عَلی نَفْسِی یا عَظِیمُ تُرْجی لِکُلِّ
عَظِیمٍ اغْفِرْ لِی ذَنْبِیَ الْعَظِیمَ فَاِنَّهُ لا یَغْفِرُ الْعَظِیمَ اِلَّا الْعَظِیمُ پس سر برداشت
و بسجود سیم رفت و این دعا را خواند اَعُوذُ بِعَفْوِکَ مِنْ عِقابِکَ وَاَعُوذُ بِرِضاکَ مِنْ سَخَطِکَ
وَاَعُوذُ بِمُعافاتِکَ مِنْ عُقُوبَتِکَ وَاَعُوذُ بِکَ مِنْکَ اَنْتَ کَما اَثْنَیْتَ عَلی
نَفْسِکَ وَفَوْقَ ما یَقُولُ الْقائِلُونَ پس سر برداشت و بسجدهٔ چهارم رفت و این دعا را خواند اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوذُ
بِنُورِ وَجْهِکَ الَّذِی اَشْرَقَتْ لَهُ السَّمٰواتُ وَالْاَرْضُ وَانْقَشَعَتْ بِهِ الظُّلُماتُ تنقشع
وَصَلَحَ بِهِ اَمْرُ الْاَوَّلِینَ وَالْآخِرِینَ اَنْ یَحُلَّ عَلَیَّ غَضَبُکَ اَوْ یَنْزِلَ عَلَیَّ سَخَطُکَ یحلل
اَعُوذُ بِکَ مِنْ زَوالِ نِعْمَتِکَ وَفُجاءَةِ نِقْمَتِکَ وَتَحْوِیلِ عافِیَتِکَ وَجَمِیعِ
سَخَطِکَ لَکَ الْعُتْبی فِیمَا اسْتَطَعْتُ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِکَ عایشه گوید که چون این را بالله
دیدم بمنزل خود برگشتم و شنیدم نفس میزدم پس حضرت از سجده بر آمده فرمود که چرا نفس میزنی

گفتم

گفتم که در نزد تو بودم یا رسول الله فرمود که آیا میدانی که این چه شب است این شب نیمهٔ شعبان است که
نسخ اعمال و قسمت ارزاق و کتابت آجالها در این شب میشود و حق تعالی میآمرزد همه کس را مگر کسی که
مشرک بخدا یا دشمن خدا باشد یا قطع رحم کرده باشد یا شرابخوار یا مصر بر گناه باشد یا شاعر یا
کاهن باشد مؤلف گوید که ظاهر حال آنست که این حدیث با حدیث سابق یک واقعه باشد و اختلاف
الفاظ و زیاده و کم بعضی از ادعیه از اشتباه روات ناشی شده باشد و چون سند روایت اولی اصح
است عمل کردن بآن نیکوست ولیکن چون روایت ثانیه اتم و مشتمل بر روایت اولی است با زیادتی اگر بآن
عمل شود شاید افضل باشد و اختلاف قلیل که در بعضی از الفاظ ادعیه مشترکه است شاید مخل نباشد
و اگر این سجدات بعد از ده رکعت که در عمل سابق مذکور شد یا بعد از صد رکعت که در عمل یازدهم
گذشت واقع شود اولی و عمل بهر دو روایت شده خواهد بود لیکن دور نیست که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله
پیش از سجدات مذکوره ده رکعت یا صد رکعت نماز را بکیفیتی که گذشت بجا آورده باشد و
عایشه مطلع نشده باشد والله تعالی یعلم دوازدهم دعای مشهور بدعای کمیل شیخ طوسی
در مصباح و علامه در منهاج الصلاح از کمیل بن زیاد نخعی که از اصحاب اسرار حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام است روایت کرده اند که گفت دیدم آنحضرت را در شب نیمهٔ شعبان که بسجود در آمده
این دعا را میخواند و سید بن طاوس در اقبال بعد از ذکر این روایت گفته که من در این باب روایتی
دیگر نیز یافتم منقول از کمیل که گفت من با جماعتی از اصحاب امیر المؤمنین علیه السلام در خدمت آنحضرت
در مسجد بصره نشسته بودیم که یکی از ما از آنحضرت سؤال کرد از معنی این آیهٔ کریمه فیها یفرق کل امر
حکیم یعنی هر امر محکمی را در آن شب معین میکرده پس فرمود که این شب نیمهٔ شعبان است و بآن خدائی
که جان من در قبضهٔ قدرت اوست سوگند که هیچ بنده نیست مگر آنکه هر امر خیر و شری که بر او جاری
کردند تا سال آینده در این شب مقدر میشود و هیچ بنده نیست که احیا کند این شب را و بخواند
دعای خضر را مگر آنکه دعای او مستجاب است و چون حضرت بمنزل مراجعت فرمود شب بخدمت او
شتافتم چون مرا دید فرمود که بچه کار آمدهٔ ای کمیل عرض کردم که یا امیر المؤمنین بطلب دعای خضر
آمده ام فرمود که بنشین ای کمیل چون این دعا را حفظ نمائی در هر شب جمعه یا در ماهی یکمرتبه یا در
سالی یکبار یا در عمری یکبار بخوان تا کفایت شر دشمنان از تو بشود و یاری کرده شوی و روزی
داده شوی والبته آمرزیده شوی ای کمیل طول صحبت و خدمت تو باعث آنست که عطا کنیم بتو
آنچه را خواهی پس فرمود که بنویس و دعا را قرائت فرمود و دعا اینست
اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِرَحْمَتِکَ الَّتِی وَسِعَتْ کُلَّ شَیْءٍ وَبِقُوَّتِکَ
الَّتِی قَهَرْتَ بِها کُلَّ شَیْءٍ وَخَضَعَ لَها کُلُّ شَیْءٍ وَذَلَّ لَها کُلُّ شَیْءٍ

فضیلت دعای کمیل

دعای کمیل

وبجبروتك التي غلبت بها كل شيء وبعزتك التي لا يقوم لها شيء وبعظمتك
التي ملأت كل شيء وبسلطانك الذي علا كل شيء وبوجهك الباقي
بعد فناء كل شيء وبأسمائك التي غلبت أركان كل شيء وبعلمك الذي
أحاط بكل شيء وبنور وجهك الذي أضاء له كل شيء يا نور يا قدوس
يا أول الأولين ويا آخر الآخرين اللهم اغفر لي الذنوب التي تهتك العصم
اللهم اغفر لي الذنوب التي تنزل النقم اللهم اغفر لي الذنوب التي
تغير النعم اللهم اغفر لي الذنوب التي تحبس الدعاء اللهم اغفر
لي الذنوب التي تنزل البلاء اللهم اغفر لي كل ذنب أذنبته وكل
خطيئة أخطأتها اللهم إني أتقرب إليك بذكرك وأستشفع بك
إلى نفسك وأسألك بجودك أن تدنيني من قربك وأن توزعني شكرك و
أن تلهمني ذكرك اللهم إني أسألك سؤال خاضع متذلل خاشع أن تسامحني
وترحمني وتجعلني بقسمك راضيا قانعا وفي جميع الأحوال متواضعا
اللهم وأسألك سؤال من اشتدت فاقته وأنزل بك عند الشدائد حاجته
وعظم فيما عندك رغبته اللهم عظم سلطانك وعلا مكانك وخفي

ملأت

واغفر لي الذنوب التي تقطع الرجاء

ذليل

مكرك وظهر أمرك وغلب قهرك وجرت قدرتك ولا يمكن الفرار
من حكومتك اللهم لا أجد لذنوبي غافرا ولا لقبائحي ساترا
ولا لشيء من عملي القبيح بالحسن مبدلا غيرك لا إله إلا أنت
سبحانك وبحمدك ظلمت نفسي وتجرأت بجهلي وسكنت إلى قديم
ذكرك لي ومنك علي اللهم مولاي كم من قبيح سترته و
كم من فادح من البلاء أقلته وكم من عثار وقيته وكم
من مكروه دفعته وكم من ثناء جميل لست أهلا له نشرته
اللهم عظم بلائي وأفرط بي سوء حالي وقعدت بي أغلالي وحبسني
عن نفعي بعد أمالي وخدعتني الدنيا بغرورها ونفسي بجنايتها و
مطالي يا سيدي فأسألك بعزتك أن لا يحجب عنك دعائي سوء عملي
وفعالي ولا تفضحني بخفي ما اطلعت عليه من سري ولا تعاجلني بالعقوبة
على ما عملته في خلواتي من سوء فعلي وإساءتي ودوام تفريطي وجهالتي
وكثرة شهواتي وغفلتي وكن اللهم بعزتك لي في الأحوال
كلها رؤوفا وعلي في جميع الأمور عطوفا إلهي وربي من لي غيرك

وقصرت بي أعمالي

آمالي
بخيانتها

اما لو كشف ضري والنظر في امري الهي ومولاي اجريت علي حكما
اتبعت فيه هوى نفسي ولم احترس فيه من تزيين عدوي فغرني بما اهوى
ساعده واسعده على ذلك القضاء فتجاوزت بما جرى علي من ذلك بعض حدودك
الحمد وخالفت بعض اوامرك فلك الحمد علي في جميع ذلك ولا حجة لي فيما جرى
علي فيه قضاؤك والزمني حكمك وبلاؤك وقد اتيتك يا الهي
بعد تقصيري واسرافي على نفسي معتذرا نادما منكسرا مستقيلا مستغفرا
منيبا مقرا مذعنا معترفا لا اجد مفرا مما كان مني ولا مفزعا اتوجه
اليه في امري غير قبولك عذري وادخالك اياي في سعة من رحمتك
الهي اللهم فاقبل عذري وارحم شدة ضري وفكني من شد وثاقي
يا رب ارحم ضعف بدني ورقة جلدي ودقة عظمي يا من بدا خلقي و
ذكري وتربيتي وبري وتغذيتي هبني لابتداء كرمك وسالف
برك بي يا الهي وسيدي وربي اتراك معذبي بنارك بعد توحيدك و
بعد ما انطوى عليه قلبي من معرفتك ولهج به لساني من ذكرك واعتقده
ضميري من حبك وبعد صدق اعترافي ودعائي خاضعا لربوبيتك هيهات

انت

انت اكرم من ان تضيع من ربيته او تبعد من ادنيته او تشرد من اويته
او تسلم الى البلاء من كفيته ورحمته وليت شعري يا سيدي والهي تسلم
ومولاي اتسلط النار على وجوه خرت لعظمتك ساجدة وعلى
السن نطقت بتوحيدك صادقة وبشكرك مادحة وعلى قلوب
اعترفت بالهيتك محققة وعلى ضمائر حوت من العلم بك حتى صارت
خاشعة وعلى جوارح سعت الى اوطان تعبدك طائعة واشارت
باستغفارك مذعنة ما هكذا الظن بك ولا اخبرنا بفضلك عنك
يا كريم يا رب وانت تعلم ضعفي عن قليل من بلاء الدنيا وعقوباتها
وما يجري فيها من المكاره على اهلها على ان ذلك بلاء ومكروه قليل
مكثه يسير بقاؤه قصير مدته فكيف احتمالي لبلاء الآخرة وحلول جليل
وقوع المكاره فيها وهو بلاء تطول مدته ويدوم مقامه ولا يخفف
عن اهله لانه لا يكون الا عن غضبك وانتقامك وسخطك وهذا
ما لا تقوم له السموات والارض يا سيدي فكيف بي وانا عبدك
الضعيف الذليل الحقير المسكين المستكين يا الهي وربي وسيدي

ومولاي لأي الأمور إليك أشكو ولما منها أضج وأبكي لأليم العذاب و
شدته أم لطول البلاء ومدته فلئن صيرتني في العقوبات مع أعدائك
وجمعت بيني وبين أهل بلائك وفرقت بيني وبين أحبائك وأوليائك
فهبني يا إلهي وسيدي ومولاي وربي صبرت على عذابك فكيف يا إلهي وربي صبرت
أصبر على فراقك وهبني صبرت على حر نارك فكيف أصبر عن النظر
إلى كرامتك أم كيف أسكن في النار ورجائي عفوك فبعزتك يا
سيدي ومولاي أقسم صادقاً لئن تركتني ناطقاً لأضجن
إليك بين أهلها ضجيج الآملين ولأصرخن إليك صراخ المستصرخين
ولأبكين عليك بكاء الفاقدين ولأنادينك أين كنت أنت
يا ولي المؤمنين يا غاية آمال العارفين يا غياث المستغيثين يا
حبيب قلوب الصادقين ويا إله العالمين أفتراك سبحانك يا
إلهي وبحمدك تسمع فيها صوت عبد مسلم سجن فيها بمخالفته بجرمه
وذاق طعم عذابها بمعصيته وحبس بين أطباقها بجرمه و
جريرته وهو يضج إليك ضجيج مؤمل لرحمتك ويناديك بلسان

أهل توحيدك ويتوسل إليك بربوبيتك يا مولاي فكيف يبقى
في العذاب وهو يرجو ما سلف من حلمك ورأفتك ورحمتك من حلمك أم كيف
أم كيف تؤلمه النار وهو يأمل فضلك ورحمتك أم كيف
يحرقه لهيبها وأنت تسمع صوته وترى مكانه أم كيف يشتمل لهيبها
عليه زفيرها وأنت تعلم ضعفه أم كيف يتقلقل بين أطباقها يتغلغل
وأنت تعلم صدقه أم كيف تزجره زبانيتها وهو يناديك يا ربه
أم كيف يرجو فضلك في عتقه منها فتتركه فيها هيهات ما
ذلك الظن بك ولا المعروف من فضلك ولا مشبه لما عاملت يشبه
به الموحدين من برك وإحسانك فباليقين أقطع لولا ما حكمت
به من تعذيب جاحديك وقضيت به من إخلاد معانديك لجعلت
النار كلها برداً وسلاماً وما كان لأحد فيها مقراً ولا مقاماً
لكنك تقدست أسماؤك أقسمت أن تملأها من الكافرين من
الجنة والناس أجمعين وأن تخلد فيها المعاندين وأنت جل
ثناؤك قلت مبتدئاً وتطولت بالإنعام متكرماً أفمن كان

مؤمناً كمن كان فاسقاً لا يستوون الهي وسيدي فأسألك بالقدرة
التي قدرتها وبالقضية التي حتمتها وحكمتها وغلبت من عليه
أجريتها أن تهب لي في هذه الليلة وفي هذه الساعة كل جرم
أجرمته وكل ذنب أذنبته وكل قبيح أسررته وكل
جهل عملته كتمته أو أعلنته أخفيته أو أظهرته وكل
سيئة أمرت بإثباتها الكرام الكاتبين الذين وكلتهم
بحفظ ما يكون مني وجعلتهم شهوداً علي مع جوارحي وكنت أنت
الرقيب علي من ورائهم والشاهد لما خفي عنهم وبرحمتك أخفيته فبعطفك
وبفضلك سترته وأن توفر حظي من كل خير أنزلته أو إحسان تنزله
فضلته أو بر نشرته أو رزق بسطته أو ذنب تغفره أو خطأ تستره تفصله
يا رب يا رب يا الهي وسيدي ومولاي ومالك رقي يا من
بيده ناصيتي يا عليماً بضري ومسكنتي يا خبيراً بفقري وفاقتي يا رب
يا رب أسألك بحقك وقدسك وأعظم صفاتك وأسمائك أن
تجعل أوقاتي في الليل والنهار بذكرك معمورة وبخدمتك موصولة من

واعمالي

وأعمالي عندك مقبولة حتى تكون أعمالي وأورادي كلها ورداً ارادتي
واحداً وحالي في خدمتك سرمداً يا سيدي يا من عليه معولي
يا من إليه شكوت أحوالي يا رب يا رب يا رب قو على خدمتك
جوارحي واشدد على العزيمة جوانحي وهب لي الجد في خشيتك
والدوام في الاتصال بخدمتك حتى أسرح إليك في ميادين ميدان
السابقين وأسرع إليك في المبادرين وأشتاق إلى قربك في البادرين
المشتاقين وأدنو منك دنو المخلصين وأخافك مخافة الموقنين
وأجتمع في جوارك مع المؤمنين اللهم ومن أرادني بسوء
فأرده ومن كادني فكده واجعلني من أحسن عبادك نصيباً عبيدك
عندك وأقربهم منزلة منك وأخصهم زلفة لديك فإنه لا
ينال ذلك إلا بفضلك وجد لي بجودك واعطف علي بمجدك
واحفظني برحمتك واجعل لساني بذكرك لهجاً وقلبي بحبك
متيماً ومن علي بحسن إجابتك وأقلني عثرتي واغفر زلتي فإنك لي
قضيت على عبادك بعبادتك وأمرتهم بدعائك وضمنت لهم

الاجابة فالیک یا رب نصبت وجهی والیک یا رب مددت یدی
فبعزتک استجب دعائی وبلغنی مناى ولا تقطع من فضلک رجائی
واکفنی شر الجن والانس من اعدائی یا سریع الرضا اغفر
لمن لا یملک الا الدعاء فانک فعال لما تشاء یا من اسمه دواء و
ذکره شفاء وطاعته غنی ارحم من راس ماله الرجاء و
سلاحه البکاء یا سابغ النعم یا دافع النقم یا نور المستوحشین
فی الظلم یا عالما لا یعلم صل علی محمد وآل محمد وافعل بی ما انت اهله
وصلی الله علی محمد والائمة المیامین من آله وسلم تسلیما

رسوله

ثواب نماز جعفر طیار

ششم نماز جعفر بن ابی طالب علیهما السلم شیخ طوسی قدس الله روحه در مصباح و دیگران از ابن فضال روایت کرده اند که پرسیدم از حضرت امام رضا علیه السلم از فضیلت شب نیمه شعبان فرمود که این شبی است که حق تعالی بندگان را از آتش جهنم آزاد میفرماید و گناهان بزرگ را می آمرزد عرض کردم که آیا در این شب نمازی زیاده بر شبهای دیگر هست فرمود که امر موظفی در این شب نیست ولیکن اگر خواهی که تطوعی بکنی نماز جعفر بن ابی طالب علیهما السلم را بکن و ذکر الهی و استغفار و دعا را در این شب بسیار بکن بدرستی که پدرم علیه السلم میفرمود که دعا در این شب مستجاب است عرض کردم که مردم بعضی اهل سنت میگویند که این شب لیلة الصک است یعنی شب نوشتن تقدیرات است فرمود که آن شب قدر است که در ماه رمضان میباشد مؤلف گوید که علامه ام ره در رساله بعینه النجاح ذکر نموده که ممکن است مراد او آنکه در این شب امر موظفی نیست آنست باشد که در آن چیزی از سنن مقرره نیست و اعمال وارده در این شب که اکثر آنها از شب و بعضی بعد از این مذکور میشود از جمله تطوعات باشد و بخاطر این قاصر شکسته چنان میرسد که ممکن است که مراد این باشد که در این شب امر موظفی نیست که مخصوص آن باشد و در غیر آن نتوان بجا آورد

ثواب نماز جعفر و کیفیت آن

مانند نماز عید بلکه نماز عید غدیر که کردن آنها در غیر آن اوقات مخصوصه بدعت است ثانی بن محتمل است که دعاهای وارده در این شب بلکه نمازهای این شب را نیز در سایر اوقات سیما اوقات متبرکه بجا توان آورد و موید این است آنچه در شرح دعای کمیل وارد شده که در هر شب یا ماهی یا در سالی یکمرتبه آنرا بخوان بلکه در بسیاری از ادعیه و غیر آن وارد شده است که در غیر آن وقت نیز میتوان خواند ثالث بن محتمل است که اکثر اعمال وارده در اوقات مخصوصه از این قبیل بوده باشد والله تعالی یعلم فایده چون نماز جعفر از عبادات جلیله و در روایات عظیمة مثوبات جزیله برای آن وارد شده است لهذا ما در این مقام بعضی از فضایل و کیفیت آنرا مذکور میسازیم بدانکه این نماز از جمله متواترات است و خاصه و عامه بسندهای بسیار آنرا روایت کرده اند و اهل سنت نیز این نماز را مستحب میدانند مگر نادری از ایشان اما اکثر ایشان باعتبار عداوتی با علی که با حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه و اقارب آنحضرت داشتند این نماز را بعباس عم پیغمبر ص منسوب نموده اند و بعد از نوافل یومیه هیچ نمازی بحسب صحت سند و کثرت ثواب باین نماز نمیرسد و بسند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین ع منقول است که چون جعفر از هجرت حبشه مراجعت نمود روزی آمد که فتح خیبر بدست معجز نمای حضرت امیرالمؤمنین ع شده بود حضرت رسول ص بقدر مسافت یک تیر پرتاب باستقبال او شتافت چون جعفر نظرش بر جمال عدیم المثال آنحضرت افتاد مشتاقانه بجانب آنحضرت شتافت حضرت او را در بر گرفت و دست در گردن او در آورد و ساعتی با او سخن گفت پس بر ناقه غضبا سوار شد و جعفر را در پیش خود ساخت و چون ناقه براه افتاد حضرت فرمود که ای جعفر ای برادر میخواهی بخشش بزرگی کنم بتو میخواهی عطیه گرانبهائی بدهم میخواهی ترا برگزینم مردم گمان کردند که مال جزیلی از غنایم خیبر باو عطا خواهد فرمود جعفر گفت بلی پدر و مادرم فدای تو باد پس حضرت نماز تسبیح را باو تعلیم نمود و از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقول است که در روز فتح خیبر خبر قدوم جعفر را برای حضرت خیر البشر صلی الله علیه و آله آوردند پس حضرت فرمود که بخدا سوگند که نمیدانم بکدام یک خوشحال گردیده ام آیا بقدوم جعفر یا بفتح قلعه خیبر پس اندک زمانی نگذشت که جعفر آمد پس حضرت نشاط کنان برخواست و دوازده گام استقبال فرمود و چون خود را باو رسانید او را در بغل گرفت و میان دو چشمهای او را بوسید پس فرمود که ای جعفر میخواهی بخشش بزرگی کنم بتو تا آخر روایت سابق و بروایت دیگر حضرت صادق ع فرمود که صفت این نماز آنست که چهار رکعت است بدو سلام و در رکعت اول بعد از حمد سوره اذا زلزلت میخواند و در رکعت دوم سوره والعادیات و در رکعت سیم سوره اذا جاء و در رکعت چهارم سوره قل هو الله احد و با ثواب سورهائی که در این نماز باید خواند اقوال دیگر هست که مذکور خواهد شد و در هر رکعت

امام زین العابدین ع منقول است که چون نماز جعفر طیار را در حضرت

بعد از فراغ از قرائت پانزده مرتبه میگوید سُبْحانَ اللّهِ وَالْحَمْدُ لِلّهِ وَلا اِلهَ اِلّا اللّهُ وَاللّهُ
اَکْبَرُ و در رکوع همین تسبیحات را ده مرتبه میگوید و چون سر از رکوع برمیدارد ده مرتبه
و در سجدهٔ اولی ده مرتبه و بعد از سر برداشتن ده مرتبه و در سجدهٔ دویم ده مرتبه و در سر برداشتن
[illegible] آنکه برخیزد ده مرتبه و در هر چهار رکعت چنین میکند که در هر رکعتی هفتاد و پنج تسبیح
[illegible] پس مجموع چهار رکعت سیصد مرتبه میشود و چون هر یک از آن تسبیحات چهار است
[illegible] دویست تسبیح میشود و هر تسبیحی را ده حسنه میدهد که مجموع دوازده هزار حسنه باشد
که هر حسنه از کوه احد بزرگتر باشد و این ثواب برای شیعیان ثابت و بس و در روایتی وارد شده
که راوی از حضرت صادق علیه السلام پرسید که آیا این ثوابی که رسول خدا صلعم از برای نماز جعفر بیان
فرموده مارا نیز هست حضرت فرمود که آری والله و بروایت معتبره دیگر حضرت رسول صلعم فرمود
که اگر هر روز بکنی بهتر است از برای تو از دنیا و آنچه در آن هست و اگر در هر روزی یکبار بکنی گناهی که
در میان دو نماز کرده آمرزیده شود و اگر در هر جمعه بکنی یا در ماهی یکمرتبه یا در سالی یکمرتبه بکنی هر
گناهی که در میان دو نماز کرده آمرزیده شود و بروایات معتبره دیگر اگر بعدد ریگ دریاها و ریگ
بیابان گناه بر تو باشد خدا بیامرزد و اگر از جنگ گریخته باشی که بدترین گناهان است و بروایت
دیگر اگر توانی هر روز بکن و اگر نتوانی هفته یکبار و اگر نتوانی ماهی یکبار و اگر نتوانی سالی یکبار و
اگر نتوانی در عمر خود یکبار بکن تا خدا گناهان صغیره و کبیره و تازه و کهنه و عمد و خطا ترا بیامرزد
و اما دعاهایی که در این نماز مستحب است دعایی در سجدهٔ آخر این نماز کلینی بسند معتبر از حضرت
صادق علیه السلام روایت کرده است که در سجدهٔ آخر نماز جعفر چون از تسبیحات فارغ شوی بگو
سُبْحانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَکَرَّمَ بِهِ سُبْحانَ مَنْ لا یَنْبَغِی التَّسْبیحُ اِلّا لَهُ
سُبْحانَ مَنْ اَحْصی کُلَّ شَیْءٍ عِلْمُهُ سُبْحانَ ذِی الْمَنِّ وَالنِّعَمِ سُبْحانَ
ذِی الْقُدْرَةِ وَالْاَمْرِ اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِمَعاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِکَ وَمُنْتَهَی
الرَّحْمَةِ مِنْ کِتابِکَ وَاسْمِکَ الْاَعْظَمِ وَکَلِماتِکَ التّامّاتِ الَّتی تَمَّتْ
صِدْقاً وَعَدْلاً صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهِ پس حاجت خود را ذکر کند و شیخ در
مصباح این دعا را روایت کرده تا اینجا
سُبْحانَ ذِی الْقُدْرَةِ وَالْکَرَمِ سُبْحانَ ذِی الْعِزَّةِ وَالْفَضْلِ سُبْحانَ ذِی الْقُوَّةِ وَ

الطول

الطَّوْلِ اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ تا آخر دعا دعای دیگر در سجدهٔ آخر سید بن طاوس رحمه الله بسند خود
از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که در آخر رکعت نماز جعفر
این دعا بخوان یعنی در سجدهٔ آخر نماز سُبْحانَ اللّهِ الْواحِدِ الْاَحَدِ الصَّمَدِ سُبْحانَ اللّهِ الَّذی
لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً اَحَدٌ سُبْحانَ اللّهِ الَّذی لَمْ یَتَّخِذْ
صاحِبَةً وَلا وَلَداً سُبْحانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَالْوَقارَ سُبْحانَ مَنْ تَعَظَّمَ تعطف [illegible]
بِالْمَجْدِ وَتَکَرَّمَ بِهِ سُبْحانَ مَنْ اَحْصی کُلَّ شَیْءٍ عِلْمُهُ سُبْحانَ ذی
الْفَضْلِ وَالطَّوْلِ سُبْحانَ ذِی الْمَنِّ وَالنِّعَمِ سُبْحانَ ذِی الْقُدْرَةِ وَالْاَمْرِ
سُبْحانَ ذِی الْمُلْکِ وَالْمَلَکُوتِ سُبْحانَ ذِی الْعِزَّةِ وَالْجَبَرُوتِ سُبْحانَ
الْحَیِّ الَّذی لا یَمُوتُ سُبْحانَ مَنْ سَبَّحَتْ لَهُ السَّماءُ بِاَکْنافِها سُبْحانَ
مَنْ سَبَّحَتْ لَهُ الْاَرَضُونَ وَمَنْ عَلَیْها سُبْحانَ مَنْ سَبَّحَتْ لَهُ الطَّیْرُ فی
اَوْکارِها سُبْحانَ مَنْ سَبَّحَتْ لَهُ السِّباعُ فی آجامِها سُبْحانَ مَنْ سَبَّحَتْ
لَهُ حیتانُ الْبَحْرِ وَهَوامُّهُ سُبْحانَ مَنْ لا یَنْبَغِی التَّسْبیحُ اِلّا لَهُ سُبْحانَ مَنْ
اَحْصی کُلَّ شَیْءٍ عِلْمُهُ یا ذَا النِّعْمَةِ وَالطَّوْلِ یا ذَا الْمَنِّ وَالْفَضْلِ یا ذَا
الْقُوَّةِ وَالْکَرَمِ اَسْئَلُکَ بِمَعاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِکَ وَمُنْتَهَی الرَّحْمَةِ مِنْ
کِتابِکَ وَبِاسْمِکَ الْاَعْظَمِ الْاَعْلی وَکَلِماتِکَ التّامّاتِ کُلِّها اَنْ

تصلّی علی محمّد و آل محمّد پس حاجات خود را از حق تعالی طلب نماید دعای دیگر از
شیخ و سیّد از مفضّل بن عمر روایت کرده اند که گفت دیدم
روزی حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نماز جعفر را بجا آورد و بعد از آن این دعا را خواند یا ربّ یا ربّ
بعد از آن که یک نفس وفا کند یا ربّاه یا ربّاه بعد از یک نفس یا ربّ یا ربّ بعد از یک نفس ربّ
ربّ باز بعد از یک نفس یا الله یا الله باز بعد از یک نفس یا رحیم یا رحیم بعد از یک نفس یا
رحمن یا رحمن هفت مرتبه یا ارحم الرّاحمین هفت مرتبه پس این دعا خواند اللّهمّ
انّی افتتح القول بحمدك و انطق بالثّناء علیك و امجّدك و لا غایة لمدحك
و اثنی علیك و من یبلغ غایة ثنائك و امد مجدك و انّی لخلیقتك كنه
معرفة مجدك و ایّ زمن لم تكن ممدوحا بفضلك موصوفا بمجدك عوّادا
على المذنبين بحلمك تخلّف سكّان ارضك عن طاعتك فكنت عليهم
عطوفا بجودك جوادا بفضلك عوّادا بكرمك يا لا اله الّا انت المنّان ذا
الجلال و الاكرام پس حضرت فرمود که ای مفضّل هر گاه ترا حاجت ضروری بوده باشد
نماز جعفر را بکن و این دعا را بخوان و حوائج خود را از خدا طلب کن
که بر آورده می شود ان شاء الله تعالی سبحان من لبس العزّ و تردّی به سبحان من
دعای دیگر بعد از این نماز بروایت شیخ و سیّد رحمهما الله
تعطّف بالمجد و تكرّم به سبحان من لا ينبغي التّسبيح الّا له جلّ جلاله
سبحان من احصى كلّ شيء بعلمه و خلقه بقدرته سبحان ذي المنّ
و النّعم سبحان ذي القدرة و الكرم اللّهمّ انّی اسألك بمعاقد
العزّ من عرشك و منتهى الرّحمة من كتابك و باسمك الاعظم و كلماتك

الثّامات الّتي تمّت صدقا و عدلا ان تصلّي على محمّد و آل محمّد الطّيّبين
الطّاهرين و ان تجمع لي خير الدّنيا و الآخرة بعد عمر طويل اللّهمّ انت
الحيّ القيّوم العليّ العظيم الخالق الرّازق المحيي المميت البدئ البديع
لك الكرم و لك المجد و لك المنّ و لك الجود و لك الامر وحدك لا شريك
لك يا واحد يا احد يا صمد يا من لم يلد و لم يولد و لم يكن له كفوا احد
يا اهل التّقوى و يا اهل المغفرة يا ارحم الرّاحمين يا عفوّ يا غفور يا
ودود يا شكور انت ابرّ بي من ابي و امّي و ارحم بي من نفسي و من النّاس
اجمعين يا كريم يا جواد اللّهمّ انّي صلّيت هذه الصّلوة ابتغاء
مرضاتك و طلب نائلك و معروفك و رجاء ما ارجو منك فكاك رقبتي
من النّار و الفوز بالجنّة و ما جمعت من انواع النّعيم و من حسن الحور
العين و اجعل جائزتي منك العتق من النّار و غفران ذنوبي و ذنوب
والديّ و ما ولدا و جميع اخواني و اخواتي المؤمنين و المؤمنات
و المسلمين و المسلمات الاحياء منهم و الاموات و ان تستجيب دعائي
و ترحم صرختي و ندائي و لا تردّني خائبا خاسرا و اقلبني منجحا مفلحا

مرحوماً مستجاباً دعائي مغفوراً لي يا ارحم الراحمين يا عظيم يا عظيم يا عظيم
من عندك قد عظم الذنب من عبدك فليحسن العفو منك يا حسن التجاوز
يا واسع المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة يا مفتاح الخيرات يا معطي
السؤلات المسئولات يا فكاك الرقاب من النار صل على محمد وآل محمد وفك
رقبتي من النار واعطني سؤلي واستجب دعائي وارحم صرختي و
تضرعي وندائي واقض لي حوائجي كلها للدنيا والآخرة ودنيي ما
ذكرت منها وما لم اذكر واجعل لي في ذلك الخيرة ولا تردني
خائباً خاسراً واقلبني مفلحاً منجحاً مستجاباً لي دعائي مغفوراً لي مرحوماً
يا ابا الحسن يا ارحم الراحمين يا محمد يا رسول الله يا علي يا امير المؤمنين انا
خاشع عبدكما ومولاكما غير مستنكف ولا مستكبر بل خاضع ذليل معترف عندكما
مستمسك متمسك بحبلكما معتصم من ذنوبي بولايتكما اتقرب الى الله تعالى بكما واتوسل اتقرب
الى الله بكما واقدمكما بين يدي حوائجي الى الله جل وعز فاشفعا لي
في فكاك رقبتي من النار وغفران ذنوبي واجابة دعائي اللهم فصل
المحمد على محمد وآله وتقبل دعائي يا ارحم الراحمين دعای دیگر
بعد از این نماز

یا نوری

يا نوري في كل ظلمة ويا انسي في كل وحشة ويا ثقتي في كل شدة
ويا رجائي في كل كربة ويا دليلي في الضلالة اذا انقطعت دلالة
الادلاء فان دلالتك لا تنقطع عند كل خير ولا يضل من هديت تحيراً
انعمت علي فاسبغت ورزقتني فوفرت وعودتني فاحسنت واعطيتني دعوتني فاحسنت
فاجزلت بلا استحقاق مني لذلك بفعل ولكن ابتداء منك بكرمك
وجودك وانفقت رزقك في معاصيك وتقويت بنعمتك على سخطك
وافنيت عمري فيما لا تحب ولم يمنعك جرأتي عليك وركوبي ما
نهيتني عنه ودخولي فيما حرمت علي ان عدت علي بفضلك واظهرت
مني الجميل وسترت علي القبيح ولم يمنعني عودك علي بفضلك ان
عدت في معاصيك فانت العواد بالفضل وانا العواد بالمعاصي فيا
اكرم من اقر له بذنب واعز من خضع له بذل لكرمك اقررت بذنبي
ولعزك خضعت بذلي فما انت صانع بي في كرمك باقراري بذنبي و
عزك وخضوعي بذلي صل على محمد وآل محمد وافعل بي ما انت اهله يا ارحم
الراحمين دعای دیگر بعد از این نماز وارد شده است سید بن طاوس از حسن بن قاسم روایت کرده
است که رفتم بخدمت حضرت امام موسی علیه السلام در بغداد در چاشت روز جمعه

دیدم که حضرت نماز جعفر میکرد پس چون از نماز فارغ شد دست بجانب آسمان برداشت و این دعا را خواند

يَا مَنْ لَا تَخْفَى عَلَيْهِ اللُّغَاتُ
وَلَا تَتَشَابَهُ عَلَيْهِ الْاَصْوَاتُ وَيَا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ
شَأْنٌ عَنْ شَأْنٍ يَا مُدَبِّرَ الْاُمُورِ يَا بَاعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ يَا مُحْيِيَ الْعِظَامِ
وَهِيَ رَمِيمٌ يَا بَاطِشُ يَا ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ يَا فَعَّالًا لِمَا يُرِيدُ يَا رَازِقَ مَنْ يَشَاءُ
بِغَيْرِ حِسَابٍ يَا رَازِقَ الْجَنِينِ وَالطِّفْلِ الصَّغِيرِ وَيَا رَاحِمَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ وَ
يَا جَابِرَ الْعَظْمِ الْكَسِيرِ يَا مُدْرِكَ الْهَارِبِينَ وَيَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ يَا مَنْ يَعْلَمُ
مَا فِي الضَّمِيرِ وَمَا تُكِنُّ الصُّدُورُ يَا رَبَّ الْاَرْبَابِ وَسَيِّدَ السَّادَاتِ وَاِلٰهَ
الْاٰلِهَةِ وَجَبَّارَ الْجَبَابِرَةِ وَمَلِكَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَا مُجْرِيَ الْمَاءِ فِي النَّبَاتِ	مالك خ ل
وَيَا مُكَوِّنَ طَعْمِ الثِّمَارِ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي لَا يَقُومُ لَهُ شَيْءٌ وَلَا تَقُومُ لَهُ
اَرْضٌ وَلَا سَمَاءٌ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي اشْتَقَقْتَهُ مِنْ عَظَمَتِكَ وَاَسْئَلُكَ
بِعَظَمَتِكَ الَّتِي اشْتَقَقْتَهَا مِنْ كَيْنُونِيَّتِكَ وَاَسْئَلُكَ بِكَيْنُونِيَّتِكَ الَّتِي	شققتها خ ل
اشْتَقَقْتَهَا مِنْ جُودِكَ وَاَسْئَلُكَ بِجُودِكَ الَّذِي اشْتَقَقْتَهُ مِنْ عِزِّكَ وَاَسْئَلُكَ	شققته خ ل
بِعِزِّكَ الَّذِي اشْتَقَقْتَهُ مِنْ كَرَمِكَ وَاَسْئَلُكَ بِكَرَمِكَ الَّذِي اشْتَقَقْتَهُ
مِنْ رَحْمَتِكَ وَاَسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي اشْتَقَقْتَهَا مِنْ حِلْمِكَ وَاَسْئَلُكَ بِحِلْمِكَ

الذي

الَّذِي اشْتَقَقْتَهُ مِنْ لُطْفِكَ وَاَسْئَلُكَ بِلُطْفِكَ الَّذِي اشْتَقَقْتَهُ مِنْ قُدْرَتِكَ	شققته
وَاَسْئَلُكَ بِاَسْمَائِكَ كُلِّهَا وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْمُهَيْمِنِ الْعَزِيزِ الْقَدِيرِ
عَلَى مَا تَشَاءُ مِنْ اَمْرِكَ يَا مَنْ سَمَكَ السَّمَاءَ بِغَيْرِ عَمَدٍ وَاَقَامَ الْاَرْضَ بِغَيْرِ
سَنَدٍ وَخَلَقَ الْخَلْقَ مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ بِهِ اِلَيْهِمْ اِلَّا اِفَاضَةً لِاِحْسَانِهِ وَنِعَمِهِ
وَاِبَانَةً لِحِكْمَتِهِ وَاِظْهَارًا لِقُدْرَتِهِ اَشْهَدُ يَا سَيِّدِي اَنَّكَ لَمْ تَأْنَسْ
بِاِبْدَاعِهِمْ لِاَجْلِ وَحْشَةٍ بِتَفَرُّدِكَ وَلَمْ تَسْتَعِنْ بِغَيْرِكَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ اَمْرِكَ	بابداعهم خ ل
تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَاَهْلِ بَيْتِهِ الْاَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ وَاَنْ
تَجْعَلَ لِعَبْدِكَ الذَّلِيلِ بَيْنَ يَدَيْكَ مِنْ اَمْرِهِ فَرَجًا وَمَخْرَجًا يَا سَيِّدِي صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْزُقْنِي الْخَوْفَ مِنْكَ وَالْخَشْيَةَ لَكَ اَيَا مَحْبُوبِي سَيِّدِي
ارْحَمْ عَبْدَكَ الْاَسِيرَ بَيْنَ يَدَيْكَ سَيِّدِي ارْحَمْ عَبْدَكَ الْمُرْتَهَنَ
بِعَمَلِهِ يَا سَيِّدِي اَنْقِذْ عَبْدَكَ الْغَرِيقَ فِي بَحْرِ الْخَطَايَا يَا سَيِّدِي ارْحَمْ
عَبْدَكَ الْمُقِرَّ بِذَنْبِهِ وَجُرْاَتِهِ عَلَيْكَ يَا سَيِّدِي الْوَيْلُ قَدْ حَلَّ بِي
اِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي يَا سَيِّدِي هٰذَا مَقَامُ الْمُسْتَجِيرِ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ
هٰذَا مَقَامُ الْمِسْكِينِ الْمُسْتَكِينِ هٰذَا مَقَامُ الْفَقِيرِ الْبَائِسِ الْحَقِيرِ الْمُحْتَاجِ

ويلي: الى ملك كريم رحيم يا ويلتي ما اغفلني عما يراد مني يا سيدي هذا
مقام المذنب المستجير بعفوك من عقوبتك هذا مقام من انقطعت
حيلته وخاب رجاؤه الا منك هذا مقام العاني الاسير هذا مقام
الطريد الشريد يا سيدي اقلني عثراتي يا مقيل العثرات يا سيدي اعطني
سؤلي سيدي ارحم بدني الضعيف وجلدي الرقيق الذي لا قوة
له على حر النار يا سيدي ارحمني فاني عبدك وابن عبدك وابن
امتك بين يديك وفي قبضتك لا طاقة لي بالخروج من سلطانك سيدي
بالنجاة ولا تصاب الا لديك وكيف لي وكيف لي بالرحمة ولا تصاب الا من عندك يا اله الانبياء وولي الاتقياء
منذ وبديع مزيد الكرامة اليك قصدت وبك انزلت حاجتي والى اليك
استغثت: شكوت اسرافي على نفسي وبك استغثت فاغثني وانقذني برحمتك مما
اجترات عليك يا سيدي يا ويلي اين اهرب ممن الخلائق كلهم في قبضته
والنواصي كلها بيده يا سيدي منك هربت اليك ووقفت بين يديك
لديك: متضرعا اليك راجيا لما عندك يا الهي وسيدي حاجتي التي ان
اعطيتنيها لم يضرني ما منعتني وان منعتنيها لم ينفعني سائر ما اعطيتني

اسالك فكاك رقبتي من النار سيدي قد علمت وايقنت بانك اله
الخلق والملك الحق الذي لا شبيه له ولا شريك له سيدي انا عبدك
معترف لك بوحدانيتك وبوجود ربوبيتك انت الله الذي خلقت
خلقك بلا مثال ولا تعب ولا نصب انت المعبود وباطل كل معبود
غيرك اسالك باسمك الذي تحشر به الموتى الى المحشر يا من لا يقدر على
ذلك احد غيره اسالك باسمك الذي تحيي به العظام وهي رميم ان تغفر
لي وترحمني وتعافيني وتعطيني وتكفيني ما اهمني اشهد انه لا يقدر
على ذلك احد غيرك يا من اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون امره:
يا من احاط بكل شيء علما واحصى كل شيء عددا اسالك ان
تصلي على محمد عبدك ورسولك ونبيك وخاصتك وخالصتك و
صفيك وخيرتك من خلقك وامينك على وحيك وموضع سرك
ورسولك الذي ارسلته الى عبادك وجعلته رحمة للعالمين
ونورا استضاء به المؤمنون فبشر بالجزيل من ثوابك وانذر بالاليم
من عقابك اللهم فصل عليه بكل فضيلة من فضائله وبكل منقبة

من مناقبه وبكل حال من حالاته وبكل موقف من مواقفه صلوة
تكرم بها وجهه واعطه الدرجة والوسيلة والفضيلة
اللهم شرف في القيمة مقامه وعظم بنيانه واعل درجته و
تقبل شفاعته في امته واعطه سؤله وارفعه في الفضيلة
الى غايتها اللهم صل على اهل بيته ائمة الهدى ومصابيح الدجى
وامنائك في خلقك واصفيائك من عبادك وحججك في ارضك و
منارك في بلادك الصابرين على بلائك الطالبين رضاك الموفين — الموفين بعهدك
بوعدك غير شاكين فيك ولا جاحدين عبادتك واوليائك و
سلائل اوليائك وخزان علمك الذين جعلتهم مفاتيح الهدى ونور — مصابيح خ ل
الدجى عليهم صلواتك ورحمتك ورضوانك اللهم صل على محمد وال
محمد وعلى منارك في عبادك الداعي اليك باذنك القائم بامرك
المؤدي عن رسولك عليه وآله السلم اللهم اذا اظهرته فانجز له
ما وعدته وسق اليه اصحابه وانصره وقو ناصريه وبلغه افضل — ان يصل امله خ ل
امله واعطه سؤله وجدد به عز محمد واهل بيته بعد الذل الذي

قد نزل بهم بعد نبيك فصاروا مقتولين مطرودين مشردين خائفين
غير آمنين لقوا في جنبك الاذى ابتغاء مرضاتك وطاعتك و — ابتغاء مرضاتك وطاعتك الاذى خ ل
التكذيب فصبروا على ما اصابهم فيك راضين بذلك مسلمين
لك في جميع ما ورد عليهم وما يرد اليهم اللهم عجل فرج قائمهم
بامرك وانصره وانصر به دينك الذي غير وبدل وجدد به ما
امتحى منه وبدل بعد نبيك صلى الله عليه وآله اللهم صل على
جميع النبيين والمرسلين الذين بلغوا عنك الهدى واعتقدوا
لك المواثيق بالطاعة اللهم صل عليهم وعلى ارواحهم واجسادهم
والسلم عليهم ورحمة الله وبركاته اللهم صل على محمد وعلى
ملئكتك المقربين واولي العزم من انبيائك المرسلين وعبادك
الصالحين اجمعين واعطني سؤلي في دنياي واخرتي يا ارحم
الراحمين اللهم كما دعوتك لنفسي لعاجل الدنيا واجل الاخرة
فاعطه جميع اهلي واخواني فيك وجميع شيعة آل محمد
المستضعفين في ارضك بين عبادك الخائفين منك الذين

الذین صبروا علی الاذی والتکذیب فیک وبرسولک واهل بیته علیهم
السلم افضل ما یاملون واکفهم ما اهمهم یا ارحم الراحمین اللهم
اجزهم عنا جناتک النعیم واجمع بیننا وبینهم برحمتک یا ارحم الراحمین
دعای دیگر بروایت دیگر اللهم انی اسالک توفیق اهل الهدی واعمال
اضافه دعای اول
اهل التقوی ومناصحة اهل التوبة وعزم اهل الصبر وحذر التقوی ن د
اهل الخشیة وطلب اهل الرغبة وعرفان اهل العلم وفقه
اهل الورع حتی اخافک اللهم مخافة تحجزنی عن معاصیک و
حتی اعمل بطاعتک عملا استحق به کریم کرامتک وحتی
اناصحک فی التوبة خوفا لک وحتی اخلص لک فی النصیحة حبا لک
وحتی اتوکل علیک فی الامور کلها حسن ظن بک سبحان
خالق النور سبحان الله وبحمده اللهم صل علی محمد وآله
وتفضل علی فی اموری کلها بما لا یملکه غیرک ولا یقف
علیه سواک واسمع ندائی واجب دعائی واجعله من شانک
فانه علیک یسیر وهو عندی عظیم برحمتک یا ارحم الراحمین

و شیخ زاده

وشیخ زاده در مصباح هر دو دعا را روایت کرده است اما احکام این نماز را در چند مقصد بیان
مینمایم اول بدانکه بعضی گفته اند که چهار رکعت را بیک سلام میکند چون در اکثر اخبار
تصریح بدو سلام نشده است لیکن مشهور آنست که این نماز را بدو سلام میباید کرد چنانچه در
روایت ابی حمزه ثمالی از حضرت امام محمد باقر علیه السلام و حدیث رجاء بن ابی الضحاک از حضرت
امام رضا علیه السلام مذکور است و در فقه رضوی نیز تصریح بدو سلام شده و از حدیث صحیح که
بعد از این مذکور میشود در جواز تفریق این نماز معلوم میشود که این دو نماز است با آنکه در
احادیث وارد شده که نوافل همه دو رکعت بیک سلام است پس اقوی و احوط عمل بمشهور است بلکه
متعین است دویم خلافست در تعیین سورهائی که مستحب است در نماز خوانده شود و مشهور
آنست که در رکعت اول اذا زلزلت و در دویم والعادیات و در سیم اذا جاء و در چهارم قل هو الله
میخوانند و ابن بابویه و سید مرتضی در رکعت اول والعادیات و در دویم اذا زلزلت گفته اند و در
روایتی در اول اذا زلزلت و در دویم اذا جاء و در سیم انا انزلناه و در چهارم توحید وارد
شده است و در روایت صحیح وارد شده است که در هر رکعت قل یا ایها الکافرون و قل هو الله
هر دو را بخوانند و در روایتی وارد شده است که هر سوره که خواهند بخوانند و ابن بابویه گفته
است که همه را با سوره توحید میتوان خواند و ظاهرا همه خوبست اگرچه اول و سیم افضل است
سیم مشهور در ترتیب تسبیح این نماز آنست که بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله
الا الله والله اکبر چنانچه در روایات صحیحه و معتبره وارد شده است و ابن بابویه مره
گفته که مصلی اختیار دارد میخواهد بترتیب مذکور بگوید یا بگوید الله اکبر و سبحان الله و
الحمد لله ولا اله الا الله چنانچه در روایت ابی حمزه وارد است و هر دو جایز است و عمل بمشهور
اولی است بلکه متعین است چون روایات قول مشهور بیشتر و صحیحتر است و مخالف مذهب عامه
و ترتیب وارد در روایت ابی حمزه موافق مذهب عامه است چهارم مشهور آنست که در رکعت دویم
و رکعت چهارم پانزده تسبیح را بعد از قرائت میخوانند چنانچه روایات معتبره دلالت بر آن میکند
لیکن در روایت ابی حمزه مذکور است که تسبیح را قبل از قرائت بخوانند و ابن بابویه قائل بتخییر شده
و عمل بهر دو را نیکو میدانند و اولی عمل بمشهور است هرچند تخییر خالی از قوتی نیست پنجم
مشهور آنست که تسبیحات بعد از سجده دویم را در رکعت اول و سیم نشسته میخوانند و بعضی
گفته اند بعد از برخاستن برکعت دیگر پیش از قرائت میخوانند و عمل بمشهور اولی است ششم
اکثر از اصحاب متعرض قنوت این نماز نشده و در بیشتر از روایات نیز مذکور نیست لیکن شیخ
طبرسی در کتاب احتجاج حدیثی ذکر کرده است که حضرت صاحب الامر علیه السلام در جواب عریضه
حمیری نوشتند که در نماز جعفر دو قنوت مقرر است یکی در رکعت دویم قبل از آنکه برکوع رود و دویمی

در رکعت چهارم بعد از رکوع و در حدیث رجاء بن ابی ضحاک مذکور است که حضرت امام رضا عم
چون نماز جعفر را بجا می آوردند بعد از هر دو رکعت سلام می گفتند و در رکعت دویم و چهارم
قنوت میخواندند بعد از تسبیح پیش از آنکه برکوع میرفتند و عمل بهر یک از این دو روایت که بکند
خوب است ششم روایت معتبری از حضرت قائم عم وارد شده که کسی که تسبیحات نماز جعفر
را فراموش کند در هر وقت که بخاطرش آید بخواند و در فقه رضوی نیز تصریح باین شده و از
علما کسی متعرض این حکم نشده و اگر باین روایت عمل کنند ظاهرا بد نباشد هفتم اکثر علما
گفته اند و در روایات نیز وارد شده است که کسی که ضرورتی و تعجیلی داشته باشد میتواند نماز
جعفر را بدون تسبیحات بجا آورد و بعد از آن قضا کند تسبیحات را و در راه بخواند هشتم
در حدیث صحیح وارد شده است که کسی که دو رکعت نماز جعفر را بکند و او را امر ضروری رو دهد
میتواند پی آن کار برود و دو رکعت دیگر را در وقت دیگر بکند و اگر بدون عذر چنین نکند
و هر دو را باهم بکند بهتر است دهم بدانکه مشهور میان علما و اقوی آنست که نماز جعفر را بجای
نوافل شبانه روزی میتوان کرد که بهر دو حساب شود و همچنین بنیت قضای نافله میتوان
کرد و احادیث براین مضامین وارد شده است و بعضی تجویز کرده اند که نماز فریضه را ادا
و قضا بکند و خالی از قوتی نیست ولیکن احوط ترک است یازدهم شیخ شهید در کتاب بکیفیت نماز جعفر
ذکری نقل کرده که نماز جعفر را در سفر و حضر هر دو میتوان کرد و در سفر در کجاوه جایز است
و حدیثی از حضرت قائم عم مرویست که این نماز در سفر جایز است و در حدیث صحیح وارد شده
که هرگاه در سفر باشی این نماز را در محمل بجا آور و محقق و علامه عمل باین روایت کرده اند و
این اولی است با آنکه در روایات وارد شده که مطلق نافله را در حضر و سفر پیاده و سواره
میتوان کرد پس این حدیث محمول بر فضل این نماز است که بر هر حالی که باشد ترک نشود اگرچه سواره
و در کجاوه باشد دوازدهم بدانکه نماز جعفر را در جمیع اوقات سال در شب و روز بلکه در
هر شب و روز میتوان بجا آورد و از حضرت صادق عم مرویست که این نماز را بکن در هر وقت که
خواهی در شب یا روز مادام که در وقت نماز واجب نباشد و نیز در همین حدیث مذکور است
که آنحضرت فرمود بابی بصیر که اگر در هر روز نتوانی بجا آوری این نماز را پس در هر جمعه بجا آور
و اگر نتوانی در هر ماه و اگر نه در هر سال و ایضا در حدیث طویلی وارد شده که رسول خدا صلعم
بجعفر فرمودند که عطا میکنم بتو چیزی را که اگر هر روز بجا آوری بهتر باشد از برای تو از
دنیا و آنچه در آنست و اگر در هر دو روز یکبار بکنی آمرزیده شود گناهانی که در میان این دو روز
کرده باشی و اگر در هر جمعه یا در هر ماه یا در هر سال بجا آوری آمرزیده شود گناهان ما بین آنها
و بجا آوردن این نماز در اوقات شریفه افضل است مانند شب نیمه شعبان که بخصوص وارد شده

چنا

چنانکه گذشت و در شب جمعه و روز جمعه بخصوص فضیلت دارد و اول روز جمعه افضل است از
سایر اوقات روز چنانچه حمیری عریضه بحضرت قائم عم نوشت و سؤال چند در باب نماز جعفر نمود
از آنجمله آنکه نماز جعفر در کدام وقت افضل است در جواب فرمودند اول روز جمعه افضل است
از سایر اوقات بعد از آن هر روزی از روزها و هر وقت از اوقات از شب و روز که خواهی بکنی
خوبست و جمعی از اصحاب نقل کرده اند و در روایات نیز وارد شده است که هرگاه نوافل یومیه
بلکه مطلق نوافل را بطریق نماز جعفر بجا آورند بهره و محسوب میشود و هر دو ثواب را میبرد خصوصا
نماز شب که در حدیث رجا مذکور است که حضرت امام رضا عم هرگاه دو رکعت از نماز شب را میفرمودند
چهار رکعت دیگر از آنرا بطریق نماز جعفر بجا میآوردند و ایضا مرویست که هرگاه نماز زیارات
ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین را بطریق نماز جعفر بجا آورند افضل و هم و ثواب
برای او خواهد بود سیزدهم شیخ طوسی و سید بن طاوس طاب ثراهما در مصباح و اقبال و
دیگر از ذکر نموده اند که در شب نیمه شعبان هرگاه خواهی نماز بکنی اللهم صل علی محمد و آل
پس دو رکعت اول را بکن و بعد از آن این دعا را بخوان
دعای بعد از دو رکعت اول
مُحَمَّدٍ شَجَرَةِ النُّبُوَّةِ وَ مَوْضِعِ الرِّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَ مَعْدِنِ الْعِلْمِ
اَهْلِ بَيْتِ الْوَحْيِ وَ اَعْطِنِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ اُمْنِيَّتِي وَ تَقَبَّلْ وَسِيلَتِي فَاِنِّي بِمُحَمَّدٍ
دعوة وَ عَلِيٍّ وَ اَوْصِيَائِهِمَا اِلَيْكَ اَتَوَسَّلُ وَ عَلَيْكَ اَتَوَكَّلُ وَ لَكَ اَسْئَلُ يَا مُجِيبَ
الْمُضْطَرِّينَ يَا مَلْجَأَ الْهَارِبِينَ وَ مُنْتَهَى رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ وَ نَيْلِ الطَّالِبِينَ اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلٰوةً كَثِيرَةً طَيِّبَةً تَكُونُ لَكَ رِضًا وَ لِحَقِّهِمْ قَضَاءً
اَللّٰهُمَّ اعْمُرْ قَلْبِي بِطَاعَتِكَ وَ لَا تُخْزِنِي بِمَعْصِيَتِكَ وَ ارْزُقْنِي مُوَاسَاةَ مَنْ قَتَّرْتَ
بعد از دو رکعت دویم
عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ بِمَا وَسَّعْتَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ فَاِنَّكَ وَاسِعُ الْفَضْلِ وَ وَازِعُ
الْعَدْلِ لِكُلِّ خَيْرٍ اَهْلٌ پس دو رکعت دیگر را بکن اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْمَدْعُوُّ وَ اَنْتَ
و بعد از آن این دعا را بخوان

المرجوّ لرزق الخير وكاشف السوء الغفار ذو العفو الرفيع والدعاء السميع

أسألك في هذه الليلة الإجابة وحسن الإنابة والتوبة والأوبة وخير ما

قسمت فيها وفرقت من كل أمر حكيم فأنت بحالي رحيم عليم وليّ

رحيم امنن عليّ بما مننت به على المستضعفين من عبادك واجعلني

من الوارثين وفي جوارك من اللابثين في دار القرار ومحل الأخيار پس دو ركعت

ديگر بگزارد و بعد از آن اين دعا بخواند سبحان الواحد الذي لا إله غيره القديم الذي لا بدء له

الدائم الذي لا نفاد له الدائب الذي لا فراغ له الحيّ الذي لا يموت وخالق

ما يرى وما لا يرى عالم كل شيء بغير تعليم السابق في علمه ما لا يختلج المرء

في وهمه سبحانه وتعالى عما يشركون اللهم إني أسألك سؤال معترف

بجلالك القديم ونعمائك أن تصلي على محمد خير أنبيائك وأهل بيته

أصفيائك وأحبائك وأن تبارك لي في لقائك پس دو ركعت ديگر بگزارد و بعد از آن اين دعا بخواند يا كاشف

الكرب ومذلل كل صعب ومبدئ النعم قبل استحقاقها ويا من

مفزع الخلق إليه وتوكلهم عليه أمرت بالدعاء وضمنت الإجابة

فصلّ على محمد وآل محمد وابدأ بهم في كل خير وافرج همي وغمّي وارزقني برد

عفوك وحلاوة ذكرك وشكرك وانتظار أمرك انظر إليّ نظرة رحيمة من

نظراتك وأحيني ما أحييتني موفوراً مستوراً واجعل الموت لي حبوراً و

سروراً وأقدرني ولا تقترني في حيوتي إلى حين وفاتي حتى ألقاك من العيش

سئيماً وإلى الآخرة قرماً إنك على كل شيء قدير پس دو ركعت ديگر بگزارد و بعد از آن دو ركعت پيش از آنكه نماز وتر بخواند اين دعا بخواند

اللهم رب الشفع والوتر والليل إذا يسر بحق هذه الليلة المقسوم فيها بين

عبادك ما تقسم والمحتوم فيها ما تحتم أجزل فيها قسمي ولا تبدل اسمي ولا

تغير جسمي ولا تعم الرشد عني واختم لي بالسعادة والقبول يا خير

مرغوب إليه ومسئول پس برخيزد و نماز وتر بگزارد و چون فارغ شد از دعا پيش از آنكه بركوع رود و ... اين دعا بخواند اللهم

يا من شأنه الكفاية وسرادقه الرعاية يا من هو الرجاء والأمل وعليه

في الشدائد المتكل متى الضر وأنت أرحم الراحمين وضاقت عليّ المذاهب

وأنت خير الرازقين كيف أخاف وأنت رجائي وكيف أضيع وأنت لشدتي

رخائي اللهم إني أسألك بما وارت الحجب من جلالك وجمالك وبما أطاف

العرش من بهاء كمالك وبمعاقد العز من عرشك الثابت الأركان وبما

تحيط به قدرتك من ملكوت السلطان يا من لا رادّ لأمره ولا معقب لحكمه

اضرب بيني وبين اعدائي سترا من سترك وكافية من امرك يا من لا تخرق

قدرته عواصف الرياح ولا تقطعه بواتر الصفاح ولا تنفذ فيه

عوامل الرماح يا شديد البطش يا عالي العرش اكشف ضري يا كاشف

ضر ايوب واضرب بيني وبين من يرميني بنوائبه ويسري الي

طوارقه بكافية من كوافيك وواقية من دواعيك وفرج همي وغمي ودوافعك

يا فارج هم يعقوب واغلب لي من غلبني يا غالبا غير مغلوب ورد الله همّ

الذين كفروا بغيظهم لم ينالوا خيرا وكفى الله المؤمنين القتال

وكان الله قويا عزيزا فايدنا الذين آمنوا على عدوهم فاصبحوا ظاهرين

يا من نجى نوحا من القوم الظالمين يا من نجى لوطا من القوم الفاسقين

يا من نجى هودا من القوم العادين يا من نجى محمدا من القوم المستهزئين صلى الله عليه وآله

اسئلك بحق شهرنا هذا وايامه كان رسول الله صلى الله عليه وآله يدأب رسول الله

في صيامه مدى سنيه واعوامه ان تجعلني فيه من المقبولين اعمالهم وقيامه

البالغين آمالهم والقاضين في طاعتك آجالهم وان تدركني

صيام الشهر المفترض شهر الصيام على التكملة والتمام واسلخها واسلخه

عني

عني بانسلاخي من الآثام فاني مختص بك ذو اعتصام باسمائك العظام

وموالاة اوليائك الكرام اهل النقض والابرام امام منهم بعد امام

مصابيح الظلام وحجج الله على جميع الانام عليهم منك افضل

الصلوة والسلام اللهم واني اسألك بحق البيت الحرام والركن

والمقام والمشاعر العظام ان تهب لي الليلة الجزيلة من عطائك

والاعاذة من بلائك اللهم صل على محمد واهل بيته الاوصياء الهداة المحمدين

الرعاة الدعاة وان لا تجعل حظي من هذا الدعاء تلاوته واجعل حظي

منه اجابته انك على كل شيء قدير مؤلف گوید که نماز وتر را گاهی بمفرده وتر گویند
که یک رکعت بعد از شفع است اطلاق می‌کنند
وگاهی بر مجموع شفع و وتر که تمام سه رکعت است اطلاق می‌کنند و مراد درین حدیث معنی ثانی است
و مراد از دعای وتر دعاهائی است که در قنوت وتر وارد شده است و این دعای آخر در قنوت مفرده
وتر بعد از فراغ از ادعیه وارده در آن باید خوانده شود و سید طاب ثراه در اقبال گفته است که
کتابی که نزد درین اشرف دیدم حدیثی که نماز شب مطلقا خواه در شب نیمه شعبان و خواه غیر آن
با این کیفیت از حضرت امام زین العابدین ع منقول بود لیکن دعای آخر در آن حدیث بعد از فراغ
از مفرده وتر وارد شده بود والله تعالی یعلم بیست و دوم شیخ طوسی و سید بن طاوس رحمهما الله
در مصباح و اقبال ذکر نموده اند که چون در شب ولادت باسعادت حضرت صاحب الامر
صلوات الله و سلامه علیه واقع شده است مستحب است که این دعا خوانده شود

اللهم بحق ليلتنا هذه ومولودها وحجتك وموعودها التي قرنت

الى فضلها فضلا فتمت كلمتك صدقا وعدلا لا مبدل لكلماتك

بآياتك وَلا معقِّبَ لِحُكْماتِ نُورِكَ الْمُتَأَلِّقُ وَضِياؤُكَ الْمُشْرِقُ وَالْعَلَمُ النُّورُ فِي

طَخْياءِ الدَّيْجُورِ الْغائِبُ الْمَسْتُورُ جَلَّ مَوْلِدُهُ وَكَرُمَ مَحْتِدُهُ وَالْمَلائِكَةُ

شُهَّدُهُ وَاللهُ ناصِرُهُ وَمُؤَيِّدُهُ إِذا آنَ مِيعادُهُ وَالْمَلائِكَةُ أَمْدادُهُ سَيْفُ

اللهِ الَّذِي لا يَنْبُو وَنُورُهُ الَّذِي لا يَخْبُو وَذُو الْحِلْمِ الَّذِي لا يَصْبُو مَدارُ

الدَّهْرِ وَنَوامِيسُ الْعَصْرِ وَوُلاةُ الْأَمْرِ وَالْمُنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الذِّكْرُ وَما

يَنْزِلُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَأَصْحابُ الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ تَراجِمَةُ وَحْيِهِ وَوُلاةُ

أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ خاتَمِهِمْ وَقائِمِهِمُ الْمَسْتُورِ عَنْ عَوالِمِهِمْ

وَأَدْرِكْ بِنا أَيّامَهُ وَظُهُورَهُ وَقِيامَهُ وَاجْعَلْنا مِنْ أَنْصارِهِ وَاقْرِنْ

ثارَنا بِثارِهِ وَاكْتُبْنا فِي أَعْوانِهِ وَخُلَصائِهِ وَأَحْيِنا فِي دَوْلَتِهِ ناعِمِينَ

وَبِصُحْبَتِهِ غانِمِينَ وَبِحَقِّهِ قائِمِينَ وَمِنَ السُّوءِ سالِمِينَ يا أَرْحَمَ

الرّاحِمِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِينَ وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيِّينَ

وَالْمُرْسَلِينَ وَعَلىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ الصّادِقِينَ وَعِتْرَتِهِ النّاطِقِينَ وَالْعَنْ

جَمِيعَ الظّالِمِينَ وَاحْكُمْ بَيْنَنا وَبَيْنَهُمْ يا أَحْكَمَ الْحاكِمِينَ

مؤلف گوید که کفعمی در جُنّة الامان بعد از ذکر این دعا دعای دیگر نیز نقل نموده که بعضی از آنها اصحاب ما از جملهٔ زیارات بعیده نقل نموده اند و بعضی از ادعیهٔ مطلقه که مشتمل

لعن بر آن است از اعادی اهل بیت رسالت و غاصبین حقوق خاندان عصمت و جلالت است و اکثر مهجیات از این ادعیه در خصوص این شب وارد نشده لیکن چون خواندن آنها در این شب مناسب دیده و کفعمی و غیره از جملهٔ اعمال این شب نقل نموده و غرض اصلی از تالیف این کتاب استیفاء تمام اعمال است لهذا بذکر آنها بترتیب مبادرت نموده و آنها چند دعاست اوّل کفعمی در کتاب مذکور و شیخ در مصباح گفته اند که بعد از دعای سابق صلوات معروفه بر رسول خدا و ائمه علیهم السلام یا این صلوات که از حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه منقول و صلوات این است بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَخاتَمِ النَّبِيِّينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعالَمِينَ الْمُنْتَجَبِ فِي

الْمِيثاقِ الْمُصْطَفىٰ فِي الظِّلالِ الْمُطَهَّرِ مِنْ كُلِّ آفَةٍ الْبَرِيءِ مِنْ كُلِّ عَيْبٍ الْمُؤَمَّلِ لِلنَّجاةِ

الْمُرْتَجىٰ لِلشَّفاعَةِ الْمُفَوَّضِ إِلَيْهِ دِينُ اللهِ اَللّٰهُمَّ شَرِّفْ بُنْيانَهُ وَعَظِّمْ بُرْهانَهُ

وَأَفْلِجْ حُجَّتَهُ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ وَأَضِئْ نُورَهُ وَبَيِّضْ وَجْهَهُ وَأَعْطِهِ الْفَضْلَ وَالْفَضِيلَةَ وَالْوَسِيلَةَ

وَالدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ وَابْعَثْهُ مَقاماً مَحْمُوداً يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ وَ

صَلِّ عَلىٰ عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَقائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَسَيِّدِ

الْوَصِيِّينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعالَمِينَ وَصَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ

وارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعالَمِينَ وَصَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمامِ الْمُؤْمِنِينَ

وَوارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَصَلِّ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ إِمامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوارِثِ الْمُرْسَلِينَ

وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَصَلِّ عَلىٰ جَعْفَرِ بْنِ

مُحَمَّدٍ إِمامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَصَلِّ عَلىٰ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ إِمامِ

المؤمنين ووارث المرسلين وصل على علي بن موسى امام المؤمنين ووارث
المرسلين وصل على محمد بن علي امام المؤمنين ووارث المرسلين وصل على النبيين
علي بن محمد امام المؤمنين ووارث المرسلين وصل على الحسن بن علي امام
المؤمنين ووارث المرسلين وصل اللهم على الخلف الهادي المهدي امام المؤمنين النبيين
ووارث المرسلين وحجة رب العالمين اللهم صل على محمد واهل بيته الائمة
الهادين العلماء الصادقين الابرار المتقين دعائم دينك واركان توحيدك الصادقين
وحججك على خلقك وخلفائك في ارضك الذين اخترتهم لنفسك واصطفيتهم
على عبادك وارتضيتهم لدينك وخصصتهم بمعرفتك وجللتهم بكرامتك و
غشيتهم برحمتك وربيتهم بنعمتك وغذيتهم بحكمتك والبستهم نورك و
رفعتهم في ملكوتك وحففتهم بملائكتك وشرفتهم بنبيك صلواتك عليه وآله
اللهم صل عليه وعليهم صلوة كثيرة دائمة طيبة لا يحيط بها الا انت ولا
يسعها الا علمك ولا يحصيها احد غيرك اللهم صل على وليك المحيي سنتك
القائم بامرك الداعي اليك الدليل عليك حجتك على خلقك وخليفتك
في ارضك وشاهدك على عبادك اللهم اعز نصره ومد في عمره وزين

الارض

الارض بطول بقائه اللهم اكفه بغي الحاسدين واعذه من شر الكائدين
وازجر عنه ارادة الظالمين وخلصه من ايدي الجبارين اللهم اعطه
في نفسه وذريته وشيعته ورعيته وخاصته وعامته وعدوه و
جميع اهل الدنيا ما تقر به عينه وتسر به نفسه وبلغه ما بدل من
كتابك واظهر به ما غير من حكمك حتى يعود دينك به وعلى يديه غضا
جديدا خالصا مخلصا لا شك فيه ولا شبهة معه ولا باطل عنده ولا
بدعة لديه اللهم نور بنوره كل ظلمة وهد بركنه كل بدعة و
اهدم بعزته كل ضلالة واقصم به كل جبار واخمد بسيفه كل
نار واهلك بعدله كل جور واجر حكمه على كل حكم واذل
بسلطانه كل سلطان اللهم اذل كل من ناواه واهلك كل من
عاداه وامكر بمن كاده واستاصل من جحد حقه واستهان
بامره وسعى في اطفاء نوره واراد اخماد ذكره اللهم صل على محمد
المصطفى وعلي المرتضى وفاطمة الزهراء والحسن الرضا والحسين المصفى
وجميع الاوصياء مصابيح الدجى واعلام الهدى ومنار التقى والعروة

الوثقى والحبل المتين والصراط المستقيم وصلّ على وليك وولاة عهده والائمة من ولده ومدّ في اعمارهم وزد في آجالهم وبلّغهم اقصى آمالهم دنيا وآخرة انك على كل شيء قدير مؤلف گوید که این دعا اگرچه در خصوص این شب

وارد نشده لیکن چون بر طلب ظهور و استدعاء

خروج آن امام عالی‌مقام و رفع بدع و دفع ظلمها که در زمان غیبت [illegible] امامت در عین اختفا

بر شیعیان و موالیان واقع شده مشتمل است خواندن آن نهایت مناسبت دارد [illegible] سید [illegible] گفته اند

که یونس بن عبدالرحمن از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت شیعیان را امر میفرمود که از برای صاحب الامر دعا کنند باین دعا

در این شب

اللهم ادفع عن وليك وخليفتك وحجتك على خلقك ولسانك المعبر عنك الناطق بحكمتك وعينك الناظرة باذنك وشاهدك على عبادك الجحجاح المجاهد العائذ بك العابد لك وأعذه من شر جميع ما خلقت وبرأت وانشأت وصوّرت واحفظه من بين يديه ومن خلفه وعن يمينه وعن شماله ومن فوقه ومن تحته بحفظك الذي لا يضيع من حفظته به واحفظ فيه رسولك وآباءه ائمتك ودعائم دينك واجعله في وديعتك التي لا تضيع وفي جوارك الذي لا يخفر وفي منعك وعزك الذي لا يقهر وآمنه بأمانك الوثيق الذي لا يخذل من آمنته به واجعله في كنفك الذي لا يرام من كان فيه وانصره بنصرك العزيز وأيده بجندك الغالب وقوّه بقوتك وأردفه بملائكتك ووال من والاه وعاد من عاداه وألبسه درعك الحصينة

العابد عندك

آباءه ائمتك ودعائم دينك

وحفّه

وحفّه بالملائكة حفّاً اللهم اشعب به الصدع وارتق به الفتق وأمِت به الجور وأظهر به العدل وزيّن بطول بقائه الارض وأيّده بالنصر وانصره بالرعب وقوّ ناصريه واخذل خاذليه ودمدم على من نصب له ودمّر على من غشّه واقتل به جبابرة الكفر وعمده ودعائمه واقصم به رؤوس الضلالة وشارعة البدع ومميتة السنة ومقوية الباطل وذلّل به الجبارين وأبِر به الكافرين وجميع الملحدين في مشارق الارض ومغاربها وبرها وبحرها وسهلها وجبلها حتى لا تدع منهم ديّاراً ولا تبقي لهم آثاراً اللهم طهّر منهم بلادك واشف منهم عبادك وأعزّ به المؤمنين وأحي به سنن المرسلين ودارس حكم النبيين وجدّد به ما امتحى من دينك وبدّل من حكمك حتى تعيد دينك به وعلى يديه جديداً غضّاً محضاً صحيحاً لا عوج فيه ولا بدعة معه وحتى تنير بعدله ظلم الجور وتطفئ به نيران الكفر وتوضح به معاقد الحق ومجهول العدل فإنه عبدك الذي استخلصته لنفسك واصطفيته على غيبك وعصمته من الذنوب وبرّأته من العيوب وطهّرته من الرجس و

الكفر

صدور عبادك

سلمته من الدنس اللهم فانا نشهد له يوم القيمة ويوم حلول الطامة
انه لم يذنب ذنبا ولا اتى حوبا ولم يرتكب معصية ولم يضيع
لك طاعة ولم يهتك لك حرمة ولم يبدل لك فريضة ولم يغير
لك شريعة وانه الهادي المهدي الطاهر التقي النقي الرضي
المرضي الزكي اللهم اعطه في نفسه واهله وولده وذريته
وامته وجميع رعيته ما تقر به عينه وتسر به نفسه وتجمع له
ملك الممالك قريبها وبعيدها وذليلها حتى تجري حكمه على
كل حكم وتغلب بحقه على كل باطل اللهم اسلك بنا على يديه منهاج
الهدى والمحجة العظمى والطريقة الوسطى التي يرجع اليها الغالي
ويلحق بها التالي وقونا على طاعته وثبتنا على متابعته وامنن علينا
بمتابعته واجعلنا في حزبه القوامين بامره والصابرين معه بمبايعته
الطالبين رضاك بمناصحته حتى تحشرنا يوم القيمة في انصاره
واعوانه ومقوية سلطانه اللهم واجعل ذلك لنا خالصا من كل
شك وشبهة ورياء وسمعة حتى لا نعتمد به غيرك ولا نطلب نعتمد له

به الا وجهك وحتى تحلنا محله وتجعلنا في الجنة معه واعذنا من
السامة والكسل والفترة واجعلنا ممن تنتصر به لدينك وتعز
به نصر وليك ولا تستبدل بنا غيرنا فان استبدالك بنا غيرنا عليك
يسير وهو علينا كبير اللهم صل على ولاة عهده والائمة من
بعده وبلغهم امالهم وزد في اجالهم واعز نصرهم وتمم
لهم ما اسندت اليهم من امرك لهم وثبت دعائمهم واجعلنا
لهم اعوانا وعلى دينك انصارا فانهم معادن كلماتك وخزان
علمك واركان توحيدك ودعائم دينك وولاة امرك وخالصتك
من عبادك وصفوتك من خلقك واولياؤك وسلائل اوليائك
وصفوة اولاد نبيك والسلام عليهم ورحمة الله وبركاته مؤلف عليه و :
گوید که سید ابن طاوس ره در کتاب مصباح الزائر گفته که هر گاه خواهی از سر من رای بیرون آیی
پس بسرداب منور آنحضرت عود کن و هر قدر که خواهی نماز بکن پس رو بقبله بایست و این
دعا را بخوان وهمین دعا را نقل نموده تا بفقده وهو علینا کبیر بعد از آن ابن مشهدی نقل نمود
اللهم نور به كل ظلمة وهد بركنه
كل بدعة واهدم بعزه كل ضلالة واقصم به كل جبار و
اخمد بسيفه كل نار واهلك بعدله جور كل جائر واجر حكمه

عَلَىٰ كُلِّ مُنْكَرٍ وَاَذِلَّ بِسُلْطَانِهِ كُلَّ سُلْطَانٍ اَللّٰهُمَّ اَذِلَّ كُلَّ مَنْ نَاوَاهُ وَ

اَهْلِكْ كُلَّ مَنْ عَادَاهُ وَامْكُرْ بِمَنْ كَادَهُ وَاسْتَاْصِلْ مَنْ جَحَدَ حَقَّهُ

وَاسْتَهَانَ بِاَمْرِهِ وَسَعىٰ فِي اِطْفَاءِ نُورِهِ وَاَرَادَ اِخْمَادَ ذِكْرِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

عَلىٰ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفىٰ وَعَلِيٍّ الْمُرْتَضىٰ وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَخَدِيجَةَ الْكُبْرىٰ

وَالْحَسَنِ الزَّكِيِّ الرِّضَيِّ وَالْحُسَيْنِ الْمُصَفّىٰ وَجَمِيعِ الْاَوْصِيَاءِ

مَصَابِيحِ الدُّجىٰ وَاَعْلَامِ الْهُدىٰ وَمَنَارِ التُّقىٰ وَالْعُرْوَةِ الْوُثْقىٰ وَالْحَبْلِ

الْمَتِينِ وَالصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ وَصَلِّ عَلىٰ وَلِيِّكَ وَوُلَاةِ عَهْدِكَ وَ

الْاَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ وَمُدَّ فِي اَعْمَارِهِمْ وَزِدْ فِي اٰجَالِهِمْ وَبَلِّغْهُمْ اَقْصىٰ

اٰمَالِهِمْ دِيناً وَدُنْيَا وَاٰخِرَةً اِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وگفته که بر دعای بسیار بکن و بگرد

در حالی که سعادتمند باشی انشاء الله تعالی و از کلام سید مفهوم میشود که این دعا مخصوص سرداب مقدس باشد و ظاهر عبارت کفعمی آنست که در اماکن بعیده نیز این دعا را میتوان خواند و ممکن است که در این باب دو روایت وارد شده باشد و اختلاف نسخ آخر دعا مؤید این معنی است و بر هر تقدیر در خصوص این شب وارد نشده لیکن چون مشتمل بر طلب ظهور و نصرت آن بزرگوار برا عادی و استدعای تشرف بشرف بیعت و قرب ساحت خدمت و ادراک معاونت آنحضرت است در این شب که مولد آن جناب است انسب است و بدانکه در روایت کفعمی عجب ظاهر اشکالی دارد زیرا که این دعا را حضرت امام رضا علیه السلام که امام هشتم است بشیعیان خود تعلیم فرموده و چگونه میتواند بود که در زمان امام هشتم شیعیان انتظار ظهور و خروج امام دوازدهم را داشته باشند با آنکه زمان طویلی در میان فاصله است و جواب این اشکال آنست که چون در زمان ائمه علیهم السلام تقیه شدید بوده و شیعیان

چو سر و رشدت و تعب و خوف بوده منتظر فرج و خروج قایم آل محمد میبوده اند و همیشه از ائمه علیهم السلام استدعای خروج مینموده اند آن بزرگواران از راه ضعف یقین اکثر اصحاب و مصالح دیگر به هر کس صریح نمیفرموده اند که امام دوازدهم قایم آل محمد خواهد بود و بخواص اصحاب که بقوت ایمان و یقین ممتاز بوده اند گاهی اظهار میفرموده اند که قایم ما امام دوازدهم است و او مدتی غایب خواهد بود و هر وقت که مشیت الهی اقتضا نماید ظاهر خواهد شد و بنابر سبب بسیاری از شیعیان امید فرج از امام زمان خود میداشته اند و منتظر خروج او می بوده اند بنابر این ممکن است که حضرت امام رضا علیه السلام این دعا را بجمعی از اصحاب که گمان میبرده اند که آنحضرت قایم آل محمد است تعلیم فرموده باشد و محتمل است که بخواص اصحاب نیز تعلیم فرموده است و چون در زمان حضرت صاحب الامر علیه السلام مطابق روایات معتبره مؤمنان خالص زنده میشوند و در خدمت آنحضرت جهاد مینمایند طلب این دعا در این دعا طلب ادراک خدمت آن حضرت را در زمان رجعت مینموده باشند والله تعالی یعلم

اَللّٰهُمَّ رَبَّ النُّورِ

وگفته که میخوانی دعا عهد را که از حضرت صادق علیه السلام منقولست و دعا اینست

الْعَظِيمِ وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ وَرَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ وَمُنْزِلَ التَّوْرٰيةِ

وَالْاِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَرَبَّ الظِّلِّ وَالْحَرُورِ وَمُنْزِلَ الْفُرْقَانِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ الْقُرْآنِ

الْمَلٰئِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالْاَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

الْكَرِيمِ وَبِنُورِ وَجْهِكَ الْمُنِيرِ وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ وَبِاسْمِكَ

الَّذِي اَشْرَقَتْ بِهِ السَّمٰوَاتُ وَالْاَرَضُونَ يَا حَيّاً قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ يَا حَيّاً

بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ يَا حَيّاً لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْاِمَامَ الْهَادِيَ

الْمَهْدِيَّ الْقَائِمَ بِاَمْرِكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلىٰ آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ

عَنِّي وَعَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْاَرْضِ وَمَغَارِبِهَا

يوجهك

صلوات الله

١٨٠

سهلها وجبلها وبرها وبحرها عني وعن والديّ وولدي وإخواني من الصلوات
زنة عرشك ومداد كلماتك وما أحصاه كتابك وأحاط به علمك اللهم
إني أجدد له في صبيحة يومي هذا وما عشت فيه من أيامي عهداً
وعقداً وبيعة له في عنقي لا أحول عنها ولا أزول أبداً اللهم اجعلني
من أنصاره وأعوانه والذابين عنه والمسارعين في حوائجه والممتثلين
لأوامره ونواهيه والساعين إلى إرادته والمحامين عنه والمستشهدين
بين يديه اللهم فإن حال بيني وبينه الموت الذي جعلته على عبادك
حتماً مقضياً فأخرجني من قبري مؤتزراً كفني شاهراً سيفي مجرداً
قناتي ملبياً دعوة الداعي في الحاضر والبادي اللهم أرني الطلعة
الرشيدة والغرة الحميدة واكحل مرهي بنظرة مني وعجل فرجه وسهل
مخرجه وأوسع منهجه واسلك بي محجته وأنفذ أمره واشدد أزره
وقوّ ظهره واعمر اللهم به بلادك وأحي به عبادك فإنك قلت وقولك
الحق ظهر الفساد في البر والبحر بما كسبت أيدي الناس فأظهر اللهم
لنا وليك وابن بنت نبيك المسمى باسم رسولك صلواتك عليه وآله

عرشك ومداد كلماتك وما أحصاه كتابك وأحاط به علمك

المسارعين إليه في قضاء حوائجه

ناظري

في الدنيا والآخرة وحتى لا يظفر بشيء من الباطل إلا مزقه ويحق الله الحق
ويحققه اللهم واجعله مفزعاً للمظلوم من عبادك وناصراً لمن لا
يجد له ناصراً غيرك ومجدداً لما عطل من أحكام كتابك ومشيداً
لما ورد من أعلام دينك وسنن نبيك صلى الله عليه وآله واجعله
اللهم ممن حصنته من بأس المعتدين اللهم وسر نبيك صلى الله
عليه وآله برؤيته ومن تبعه على دعوته وارحم استكانتنا
من بعده اللهم اكشف هذه الغمة عن هذه الأمة بحضوره وعجل
اللهم لنا ظهوره إنهم يرونه بعيداً ونراه قريباً برحمتك يا أرحم الراحمين

ويحق الحق ويحققه

پس سه مرتبه دست بر ران راست خود میزنی و میگویی الْعَجَلَ الْعَجَلَ يا مولاي يا صاحب الزمان مؤلف گوید که
سید در مصباح الزائر نیز از حضرت صادق ع این دعا را روایت کرده و در روایت او چنین
است که حضرت فرمود که هر که چهل صباح این دعا را بخواند از انصار قائم ما میگردد و اگر
قبل از خروج قائم ع بمیرد حق تعالی او را در زمان آنحضرت زنده میکند و از قبر بیرون می
آورد و بهر کلمه از این دعا هزار حسنه باو عطا میفرماید و هزار سیئه را از او محو مینماید
مخفی نماناد که اشکال سابق با دو جواب که مذکور شد در این حدیث نیز جاریست و آنچه در
این روایت مذکور است که اگر قبل از خروج بمیرد حق تعالی او را زنده خواهد کرد مؤید جواب
ثانی است چهارم ایضا در کتاب مذکور گفته که پس بخوان اللهم صل على محمد وآل محمد
این دعا را که از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقول است
اللهم العن صنمي قريش وجبتيهما وطاغوتيهما وإفكيهما وابنتيهما

والعن

اللذين خالفا امرك وانكرا وحيك وجحدا انعامك وعصيا رسولك
وقلبا دينك وحرفا كتابك واحبا اعداءك وجحدا الاءك
وعطلا احكامك وابطلا فرائضك والحدا في اياتك وعاديا
اولياءك ووا ليا اعداءك وخربا بلادك وافسدا عبادك اللهم
العنهما واتباعهما واولياءهما واشياعهما ومحبيهما فقد
اخربا بيت النبوة وردما بابه ونقضا سقفه والحقا سماءه
بارضه وعاليه بسافله وظاهره بباطنه واستاصلا اهله
وابادا انصاره وقتلا اطفاله واخليا منبره من وصيه ووارث
علمه وجحدا امامته واشركا بربهما فعظم ذنبهما وخلدهما
في سقر وما ادريك ما سقر لا تبقي ولا تذر اللهم العنهم بعدد
كل منكر اتوه وحق اخفوه ومنبر علوه ومؤمن ارجوه ومنافق
ولوه وولي اذوه وطريد اووه وصادق طردوه وكافر نصروه
وامام قهروه وفرض غيروه واثر انكروه وشر اثروه و
دم اراقوه وخبر بدلوه وكفر نصبوه وارث غصبوه وفيء

اقتطعوه

اقتطعوه وسحت اكلوه وخمس استحلوه وباطل اسسوه وجور بسطوه
ونفاق اسروه وغدر اضمروه وظلم نشروه ووعد اخلفوه وامان
خانوه وعهد نقضوه وحلال حرموه وحرام احلوه وبطن فتقوه
وضلع دقوه وصك مزقوه وشمل بددوه وعزيز اذلوه و
حق منعوه وكذب دلسوه وحكم قلبوه اللهم العنهم بكل
اية حرفوها وفريضة تركوها وسنة غيروها ورسوم منعوها
واحكام عطلوها وبيعة نكثوها ودعوى ابطلوها وبينة
انكروها وحيلة احدثوها وخيانة اوردوها وعقبة ارتقوها
ودباب دحرجوها وازياف لزموها وشهادات كتموها ووصية
ضيعوها اللهم العنهما في مكنون السر وظاهر العلانية لعنا
كثيرا ابدا دائما دائبا سرمدا لا انقطاع لامده ولا نفاد لعدده
لعنا يعود اوله ولا يروح اخره لهم ولاعوانهم وانصارهم
ومحبيهم ومواليهم والمسلمين لهم والمائلين اليهم والناهضين
باحتجاجهم والمقتدين بكلامهم والمصدقين باحكامهم پس چهار
مرتبه بگو

اللّهمّ عذّبهم عذابًا يستغيث منه أهل النار آمين ربّ العالمين مؤلف
گوید که

این دعا بدعای صنمی قریش مشهور بوده واکثر کتب دعوات مذکور است وکفعمی در حاشیه کتاب
مذکور گفته که این دعا از غوامض اسرار وکرایم اوراد است وحضرت امیر المؤمنین عم در
اکثر اوقات لیل ونهار خصوصا اسحار که محل استجابت دعوات است براین دعا مواظبت
میفرموده ودر روایتی وارد شده که هرکه این دعا را از روی اخلاص بخواند حق تعالی حوایج او
را بر آورد بنابراین خواندن این دعا اگرچه در همه اوقات نیکوست لیکن چون مشتمل بر لعن بر اعدای
ائمه علیهم السلام خصوصا ابوبکر وعمر است وانکه ایشان غصب حقوق آن بزرگواران وتحریف
کتاب خدا وشریعت نموده اند وفی الحقیقه این معنی باعث امام زمان گردیده پس خواندن این غیبت م
دعا در این شب که مولد قائم آل محمد علیهم السلام است انسب از سایر اوقات است ونیز ایضا
در کتاب مذکور گفته که از جمله ادعیه که بعد از این دعا خواندن آن مناسب است دعائی
که سید بن طاوس ره در کتاب مهج الدعوات از حضرت امام رضا صلوات الله علیه روایت
کرده است که هرکه این دعا را در سجده شکر بخواند مانند کسی است که در رکاب بدر واحد
حنین با رسول خدا صلی الله علیه وآله هزار هزار تیر بر اعادی دین انداخته باشد ودعا این است

اللّهمّ العن اللّذين بدّلا دينك وغيّرا نعمتك واتّهما رسولك كتابك نذ
صلّى الله عليه وآله وخالفا ملّتك وصدّا عن سبيلك وكفرا
آلاءك وردّا عليك كلامك واستهزءا برسولك وقتلا ابن نبيّك
وحرّفا كتابك وجحدا آياتك وسخرا بآياتك واستكبرا عن عبادتك بإمامك نذ
وقتلا أولياءك وجلسا في مجلس لم يكن لهما بحقّ وحملا الناس على
أكتاف آل محمّد اللّهمّ العنهما لعنا يتلو بعضه بعضا واحشرهما
إلى جهنّم زرقا اللّهمّ إنّا نتقرّب إليك باللعنة عليهما والبراءة منهما

في الدنيا

في الدنيا والآخرة اللّهمّ العن قتلة أمير المؤمنين وقتلة الحسين بن عليّ
عليهما السلام ابن بنت رسول الله صلّى الله عليه وآله اللّهمّ زدهما
عذابا فوق العذاب وهوانا فوق هوان وذلّا فوق ذلّ وخزيا فوق
خزي اللّهمّ دعّهما إلى النار دعّا وأركسهما في أليم عذابك ارتكسهما عقابك
ركسا اللّهمّ احشرهما وأتباعهما إلى جهنّم زمرا اللّهمّ فرّق جمعهم
وشتّت أمرهم وخالف بين كلمتهم وبدّد جماعتهم والعن أئمّتهم
واقتل قادتهم وسادتهم والعن رؤساءهم وكبراءهم واكسر
رايتهم وألق البأس بينهم ولا تبق منهم ديّارا اللّهمّ العن أبا جهل
والوليد لعنا يتلو بعضه بعضا ويتبع بعضه بعضا اللّهمّ العنهما
لعنا يلعنهما به كلّ ملك مقرّب وكلّ نبيّ مرسل وكلّ مؤمن
امتحن قلبه للإيمان اللّهمّ العنهما لعنا يتعوّذ أهل النار منه من أهل النار من عذابهما
ومن عذابهما اللّهمّ العنهما لعنا لم يخطر لأحد ببال اللّهمّ العنهما
في مستتر سرّك وظاهر علانيتك وعذّبهما عذابا في التقدير
وفوق التقدير وشارك معهما ابنتيهما وأشياعهما ومحبّيهما

وَمَنْ شَايَعَهُمَا إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ

مؤلف گوید که این دعا نیز مانند دعای سابق مشتمل بر لعن اعادی و قاتلین ائمه علیهم السلام است و بانی جهت خواندن این دعا در این شب انسب از سایر اوقات است ششم در خاتمه کتاب مذکور گفته که ابن بابویه رحمه در کتاب غیبت از عبد الله بن سنان روایت کرده است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که زود باشد که شما مبتلا شوید به شبهه‌ها پس بمانید بی پیشوائی که ظاهر باشد و امام راهنمائی که شما را هدایت نماید و در آن زمان نجات نیابد مگر کسی که دعای غریق را بخواند عرض کردم که دعای غریق کدام است فرمود که میگوئی یَا اَللهُ یَا رَحْمٰنُ یَا رَحِیمُ یَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِی عَلٰی دِینِکَ عرض کردم که یَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْاَبْصٰارِ فرمود که حق تعالی مقلب القلوب والابصار است ولیکن چنان بخوان که من گفتم و ایضا دعا کتاب مذکور گفته که سید بن طاوس رحمه در مهج الدعوات گفته که در خواب دیدم کسی را که مرا تعلیم نمود این دعا اگر در زمان غیبت یَا مَنْ فَضَّلَ آلَ اِبْرٰاهِیمَ وَآلَ اِسْرٰائِیلَ عَلَی الْعٰالَمِینَ امام علیه السلام خوانده شود

بِاخْتِیٰارِهِ وَاَظْهَرَ فِی مَلَکُوتِ السَّمٰوٰاتِ وَالْاَرْضِ عِزَّةَ اقْتِدٰارِهِ وَ عِزَّةَ وَاقْتِدٰارَهُ

اَوْدَعَ مُحَمَّدًا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَاَهْلَ بَیْتِهِ غَرٰائِبَ اَسْرٰارِهِ صَلِّ عَیْبَتَهُ

عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنِی مِنْ اَعْوٰانِ حُجَّتِکَ عَلٰی عِبٰادِکَ وَاَنْصٰارِهِ

مؤلف گوید که این دو دعا نیز مانند ادعیه سابق مشتمل بر طلب ظهور آنحضرت و ادراک سعادت خدمت اوست خواندن آنها در این شب انسب از سایر اوقات است و بدانکه زیارت آنحضرت در این شب اگرچه بخصوص وارد نشده است لیکن چون زیارت ائمه علیهم السلام در اوقات مخصوص با ایشان فضیلت دارد پس اگر کسی در سر من رای باشد در سرداب مقدس به زیارات منقوله مبسوطه که در کتب مزارات مذکور است زیارت نماید و اگر در سایر بلاد باشد یا دعای مذکور که بعضی از آنها از علما از جمله زیارات بعیده آنحضرت نقل نموده اند مانند دعای دوم و سیم اکتفا نماید و اگر بر بام خانه خود بر آید دو رکعت نماز کند و بر آنحضرت سلام کند به هر عبارت و لفظی که خود انشا نماید اتم و افضل است والله تعالی هو الموفق فصل دوم در اعمالی که مخصوص کربلای معلی است و آنها چند چیز است اول زیارت حضرت امام

حسین

حسین صلوات الله و سلامه علیه شیخ بزرگوار ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی و ابن بابویه و شیخ مفید و شیخ طوسی قدس الله اسرارهم از حضرت صادق صلوات الله و سلامه علیه روایت کرده اند که چون شب نیمه شعبان شود منادی از افق اعلی ندا کند که ای زایران قبر حسین برگردید که گناهان شما آمرزیده و ثواب شما بر پروردگار شما و پیغمبر شماست و سید بن طاوس به سند معتبر از آنحضرت روایت کرده است که چون روز اول ماه شعبان داخل شود منادی از زیر عرش ندا کند که ای گروه مهمانان حسین خالی مکنید شب نیمه این ماه را از زیارت آنحضرت و اگر بدانید که چه قدر ثواب در آنحضرت هر آینه از بسیاری انتظار سال بر شما دیر بگذرد تا شب نیمه شعبان در آید و ایضا سید از ابو حمزه ثمالی روایت کرده است که گفت شنیدم از حضرت امام زین العابدین علیه السلام که فرمود که هر که خواهد که مصافحه کند با او صد و بیست و چهار هزار پیغمبر باید که زیارت کند قبر امام حسین علیه السلام را در شب نیمه شعبان بدرستی که ملائکه و پیغمبران علیهم السلام رخصت می طلبند در زیارت آنحضرت و رخصت می یابند پس خوشا حال کسی که مصافحه کند با ایشان و ایشان با او مصافحه کنند و از جمله این پیغمبران پنج نفر اولوا العزم اند که آنها حضرت نوح و ابرهیم و موسی و عیسی و محمد صلی الله علیه و آله و علیهم اجمعین اند ابو حمزه گوید که پرسیدم چرا ایشان را اولوا العزم می نامند فرمود جهت آنکه ایشان بر مشرق و مغرب و جن و انس مبعوث گردیده اند و ایضا سید از یونس بن یعقوب روایت کرده است که حضرت صادق علیه السلام با او فرمود که ای یونس در شب نیمه شعبان آمرزیده می شود گناهان گذشته هر که زیارت کند حضرت امام حسین علیه السلام را از مؤمنین و با ایشان میگویند که عمل را از سر گیرید یونس گوید که گفتم که این همه ثواب برای کسی است که آنحضرت را در شب نیمه شعبان زیارت کند فرمود که ای یونس اگر خبر دهم مردم را به ثواب زیارت آنحضرت در این شب هر آینه بسیاری از مردم را بر دار خواهند کشید مؤلف گوید که سید ره فال گفته که ظاهر مراد آنحضرت آنست که مردم را بر دار خواهند کشید از جهت آنکه فضیلت زیارت آنحضرت را بسیار روایت خواهند نمود و اظهر آنست که مردم چون رغبت زیاد خواهند نمود به زیارت آنحضرت باین جهت ایشان را بر دار خواهند کشید و بعضی گفته اند که مراد آنست که از راه زیادتی ثواب این زیارت مردم بر چوب سوار خواهند شد و به زیارت خواهند رفت اگرچه پا نداشته باشند و این وجه بعید است و وجوه دیگر نیز بعضی گفته اند والله تعالی یعلم و ایضا سید از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که پرسیدند از آنحضرت از ثواب زیارت امام حسین علیه السلام در نیمه شعبان حضرت فرمود که هر که زیارت قبر آنحضرت نماید در نیمه شعبان از برای رضای حق تعالی و ثوابهای خدا او را از برای مردم حق تعالی گناهان او را بیامرزد هرچند بعدد موی بزهای قبیله کلب باشد راوی تعجب کرد که همه گناهان او آمرزیده می شود فرمود که آیا این ثواب را برای زیارت کننده حسین بسیار میدانی چگونه خدا او را نیامرزد و او بمنزله کسی است

که خدا او را در عرش زیارت کرده باشد و بروایت دیگر خدای آمرزد برای زیارت کنندگان حسین عم در نیمه
شعبان گناهان گذشته و آینده او را و ابن بابویه ره در کتاب امالی از حضرت صادق عم روایت کرده است
که هر که زیارت کند قبر حسین بن علی علیهما السلام را در یکی از سه شب حق تعالی گناهان گذشته و آینده او
بیامرزد راوی گوید که عرض کردم که آن سه شب کدام است فرمود شب عید رمضان و شب عید قربان و شب نیمه
شعبان و بدانکه اگر در یکسال در این سه شب و شب عید رمضان و شب عرفه کسی بزیارت آنحضرت فایز شود
ثواب عظیم دارد چنانچه ابن بابویه ره در امالی از حضرت صادق عم روایت کرده است که آنحضرت
فرمود که هر که زیارت کند حسین بن علی علیهما السلام را در شب نیمه شعبان و شب عید رمضان و شب عرفه
در یکسال حق تعالی برای او ثواب هزار حج مبرور و هزار عمره مقبول بنویسد و هزار حاجت از حوایج
دنیا و آخرت او را بر آورد و اگر دو سال متوالی کسی بزیارت آنحضرت موفق شود نیز ثواب عظیم دارد
و اگر سه سال متوالی او را این نعمت عظمی میسر شود ثوابش اعظم است چنانچه در حدیث معتبر از حضرت
امام محمد باقر عم منقولست که زیارت کننده حسین عم در نصف شعبان گناهانش آمرزیده میشود
و در آن سال گناهی برا و نوشته نمیشود تا سال دیگر و سال دیگر زیارت کند باز گناهانش آمرزیده شود
و در حدیث معتبر از حضرت صادق عم مرویست که هر که سه سال متوالی در نصف شعبان
آنحضرت را زیارت کند گناهانش آمرزیده میشود البته و از بعضی روایات ظاهر میشود که
زیارت آنحضرت در نیمه رجب و نیمه شعبان افضل از سایر اوقاتست چنانچه سید بن طاوس
و دیگران بسندهای صحیح و غیر صحیح از ابن ابی نصر روایت کرده اند که گفت عرض کردم بخدمت حضرت
امام رضا عم که کدام وقت افضل است که ما زیارت کنیم در آن حضرت امام حسین عم را فرمود
که در نصف رجب و نصف شعبان و بدانکه بعضی از روایات که بلفظ نصف واقع شده
احتمال شب نیمه و روز نیمه هر دو دارد بهتر آنست که در روز و شب هر دو زیارت کرده شود اما
کیفیت زیارت آنحضرت پس در نیمه اول در اعمال روز اول رجب سبق ذکر یافت که شیخ مفید
و سید بن طاوس قدس الله روحهما زیارت مخصوصی برای اول رجب و نیمه شعبان ذکر کرده اند
و حضرت علامه امام مولانا محمد باقر مجلسی طاب ثراه گفته که ظاهر حال آنست که زیارات مذکوره مخصوص
این دو وقت نباشد و لهذا در کتاب تحفة الزائر هیچیک از آنها را ذکر ننموده و لیکن چون
ظاهر عبارات شیخ مفید و سید آنست که این زیارات در این اوقات وارد شده باشد متابعت
ایشان اولی است پس بهتر آنست که در این زیارات زیارت نماید و چون در نیمه اول
مذکور شده در اینمقام ایراد ننمود پس و بدانکه کفعمی ره در جنة الامان گفته که در زیارت
شب نیمه شعبان و روز شعبان بعد از آنکه غسل کرده و استیذان نموده باشد الحمد لله
و صد مرتبه الله اکبر گفته باشی این زیارت را بخوان که از حضرت صادق عم منقولست

الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الزَّكِيُّ أُودِعُكَ
شَهَادَةً مِنِّي لَكَ يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ فِي يَوْمِ شَفَاعَتِكَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قُتِلْتَ
وَلَمْ تَمُتْ بَلْ بِرَجَاءِ حَيَوتِكَ حَيِيَتْ قُلُوبُ شِيعَتِكَ وَبِضِيَاءِ نُورِكَ
اهْتَدَى الطَّالِبُونَ إِلَيْكَ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ نُورُ اللهِ الَّذِي لَمْ يُطْفَأْ أَبَداً ولا يطفؤ
أَبَداً وَأَنَّكَ وَجْهُ اللهِ الَّذِي لَمْ يُهْلَكْ وَلَا يُهْلَكُ أَبَداً وَأَشْهَدُ أَنَّ
هَذِهِ التُّرْبَةَ تُرْبَتُكَ وَهَذَا الْحَرَمَ حَرَمُكَ وَهَذَا الْمَصْرَعَ مَصْرَعُ بَدَنِكَ
لَا ذَلِيلَ وَاللهُ مُعِزُّكَ وَلَا مَغْلُوبَ وَاللهُ نَاصِرُكَ هَذِهِ شَهَادَةٌ
لِي عِنْدَكَ إِلَى يَوْمِ قَبْضِ رُوحِي بِحَضْرَتِكَ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ
پس این زیارت را بخوان که از حضرت امام علی نقی عم منقولست
اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ
اللهِ فِي أَرْضِهِ وَشَاهِدَهُ عَلَى خَلْقِهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ
اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ
أَشْهَدُ أَنَّكَ أَقَمْتَ الصَّلَوةَ وَآتَيْتَ الزَّكَوةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ
وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللهِ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ
صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ حَيّاً وَمَيِّتاً
پس طرف راست روی خود را بر قبر بگذار و بگو
أَشْهَدُ أَنَّكَ عَلَى بَيِّنَةٍ

مِنْ رَبِّكَ جِئْتُكَ مُقِرّاً بِالذُّنُوبِ لِتَشْفَعَ لِي عِنْدَ رَبِّكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ

پس بر ائمه علیهم اَشْهَدُ اَنَّكُمْ حُجَّةُ اللهِ فَاكْتُبْ لِي يَا مَوْلَايَ عِنْدَكَ
سلام بکن و بگو
مِيثَاقاً وَعَهْداً اَنِّي اَتَيْتُكَ اُجَدِّدُ الْمِيثَاقَ فَاشْهَدْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ اِنَّكَ

اَنْتَ الشَّاهِدُ پس بعد از این اعمال زیارت کن آنحضرت را بزیارتی که در اول رجب کذشت پس
بعد از آن زیارت کن علی بن الحسین و شهدا و عباس را بزیارتی که برای ایشان
در روز عرفه وارد شده است و ما در آن مقام اراده خواهیم نمود بعد سر مبارک حضرت امام حسین
دو رکعت نماز بکن و بعد از نماز بکو آنچه را در زیارت عاشورا بعد از نماز زیارت یا میخوانند
و در محل خود مذکور خواهد شد این است عبارت کفعمی و ظاهر آن این است که این اعمال را باید ادا
کرد در این وقت نقل نموده از اعمال مطلقه باشد و خصوصیت به نیمه شعبان نداشته باشد
و چون نقل کفعمی متضمن نقل سید و شیخ مفید نیز هست اکر بآن عمل شود مثاب محکی
شده خواهد بود و بدانکه هر این زیارات نسبت بقریب است و در بلاد بعیده بزیارت بعید
آنحضرت که سابق مذکور شد یا بسایر زیارات بعیده زیارت نماید والله تعالی هو الموفق
دوم سید بن طاوس ره در اقبال از محمد بن علی طرازی نقل کرده است که او از خط محمد بن هرون
نقل کرده است که از نماز شب نیمه شعبان نزد قبر سید ما ابی عبدالله الحسین صلوات الله علیه
چهار رکعت است که در هر رکعت پنجاه مرتبه فاتحة الکتاب و پنجاه مرتبه قل هو الله احد بخوانند
و هر یک از حمد و قل هو الله را در رکوع ده مرتبه و بعد از سر برداشتن از رکوع ده مرتبه و در
هر یک از سجده ها و در میان سجده ها ده مرتبه بخوانند که در نماز جعفر و بعد از نماز این دعا بخوانند
اَنْتَ اللهُ الَّذِي اسْتَجَبْتَ لِآدَمَ وَحَوَّاءَ حِينَ قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا اَنْفُسَنَا

وَاِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ وَنَادَاكَ نُوحٌ

فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَنَجَّيْتَهُ وَاَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ وَاَطْفَأْتَ نَارَ نُمْرُودَ

عَنْ خَلِيلِكَ اِبْرٰهِيمَ فَجَعَلْتَهَا عَلَيْهِ بَرْداً وَسَلَاماً وَاَنْتَ الَّذِي اسْتَجَبْتَ

لایوب

لِاَيُّوبَ حِينَ نَادَاكَ اَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فَكَشَفْتَ مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ

وَآتَيْتَهُ اَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِكَ وَذِكْرَى لِاُولِي الْاَلْبَابِ وَاَنْتَ

الَّذِي اسْتَجَبْتَ لِذِي النُّونِ حِينَ نَادَاكَ فِي الظُّلُمَاتِ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ

اِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَنَجَّيْتَهُ مِنَ الْغَمِّ وَاَنْتَ الَّذِي اسْتَجَبْتَ لِمُوسٰى وَهٰرُونَ

دَعْوَتَهُمَا حِينَ قُلْتَ قَدْ اُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا وَاَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَقَوْمَهُ

وَغَفَرْتَ لِدَاوُدَ ذَنْبَهُ وَنَبَّهْتَ قَلْبَهُ وَاَرْضَيْتَ خَصْمَهُ مِنْكَ وَاَنْتَ الَّذِي وَتُبْتَ عَلَيْهِ

فَدَيْتَ الذَّبِيحَ بِذِبْحٍ عَظِيمٍ حِينَ اَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ فَنَادَيْتَهُ بِالْفَرَجِ وَ

الرَّوْحِ وَاَنْتَ الَّذِي نَادَاكَ زَكَرِيَّا نِدَاءً خَفِيّاً فَقَالَ رَبِّ اِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ

مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّاْسُ شَيْباً وَلَمْ اَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيّاً وَقُلْتَ يَدْعُونَنَا

رَغَباً وَرَهَباً وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ وَاَنْتَ الَّذِي اسْتَجَبْتَ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

الصَّالِحَاتِ لِتَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِكَ رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي اَهْوَنَ الرَّاغِبِينَ اِلَيْكَ وَ

اسْتَجِبْ لِي كَمَا اسْتَجَبْتَ لَهُمْ بِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ طَهِّرْنِي وَتَقَبَّلْ صَلَوَاتِي وَ

حَسَنَاتِي وَطَيِّبْ بَقِيَّةَ حَيَاتِي وَطَيِّبْ وَفَاتِي وَاخْلُفْنِي فِيمَنْ اَخْلُفُ وَ

احْفَظْهُمْ رَبِّ بِدُعَائِي وَاجْعَلْ ذُرِّيَّتِي ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً تَحُوطُهَا بِحِيَاطَتِكَ

من كل ما حطت منه ذرية اوليائك برحمتك يا رحيم يا من هو على كل
شيء قدير وعلى كل شيء رقيب ومن كل سائل قريب ولكل داع من
خلقه مجيب انت الله لا اله الا انت الحي القيوم الاحد الصمد لم يلد
ولم يولد ولم يكن له كفوا احد تملك القدرة التي علوت بها فوق
عرشك ورفعت بها سمواتك وارسيت بها جبالك وفرشت بها ارضك واجريت
بها الانهار وسخرت بها السحاب والشمس والقمر والليل والنهار
وخلقت بها الخلائق اسألك بعظمة وجهك الكريم الذي اشرقت به
السموات واضاءت به الظلمات ان تصلي على محمد وآل محمد وان
تكفيني امر من يعاديني وامر معادي ومعاشي واصلح يا رب شاني
ولا تكلني الى نفسي طرفة عين واصلح امر ولدي وعيالي واغنني
واياهم من خزائنك وسعة رزقك وفضلك وارزقني الفقه في العفة
دينك وانفعني بما نفعت به من ارتضيت من عبادك واجعلني
للمتقين اماما كما جعلت ابرهيم فان بتوفيقك يفوز المتقون
ويتوب التائبون ويعبدك العابدون وبتسديدك وارشادك

نجي

نجي الصالحون من النار اللهم آت نفسي تقواها وانت وليها ومولاها
وانت خير من زكاها اللهم بين لها رشادها وتقواها ونزلها
من الجنان اعلاها وطيب وفاتها ومحياها واكرم منقلبها ومثواها
ومستقرها وماواها انت ربها ومولاها اللهم اسمع واستجب
برحمتك ومنزلة لمحمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين وعلي بن
الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلي بن
موسى ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن بن علي والحجة القائم
صلوات الله عليه وعليهم عندك وبمنزلتهم لديك يا ارحم الراحمين

مؤلف گوید که ظاهر عبارت حدیث آنست که این نماز را در اصل روضهٔ مطهره کرده میشود نه غیر و
از سایر مواضع کربلای معلی والله تعالی یعلم سید ابن طاووس به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام
روایت کرده است که هر که در شب نیمهٔ شعبان از اول تا آخر شب در زمین کربلا باشد و هزار مرتبه
قل هو الله احد بخواند و هزار مرتبه استغفار کند و هزار مرتبه الحمد لله بگوید پس برخیزد و
چهار رکعت نماز بگذارد هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعتی بعد از حمد هزار مرتبه آیة الکرسی بخواند
حق تعالی موکل گرداند با او دو ملک را که حفظ نمایند او را از هر بدی و از هر شیطانی و سلطانی
و حسنات او را بنویسند و گناهی برای او ننویسند و تا با او باشند برای او استغفار نمایند
مؤلف گوید که ظاهر عبارت این حدیث آنست که هر که در اصل بلدهٔ طیبهٔ کربلای معلی باشد تواند این
عمل را بجا آورد و لازم نباشد که در اصل روضهٔ مطهره واقع شود ولیکن چون روضهٔ منوره اشرف
بقاع روی زمین است بهتر آنست که در روضه واقع شود والله تعالی هو الموفق روز نیمه روزهٔ
این روز بخصوص فضیلت دارد سید ابن طاووس ره در اقبال از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده است
که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که چون شب نیمهٔ شعبان شود شب را بپا دارید بعبادت و روزش را روزه بدا

مرتبه سبحان الله و ... آخر این شب از جانب حق تعالی ندا میرسد که آیا استغفار کننده هست که بیامرزم او را
آیا طلب کننده روزی هست که روزی او را فراخ کردانم و از اعمال مخصوصه این شب زیارت
حضرت امام حسین علیه السلام است بتفصیلی که گذشت چیزی بنظر نرسید شب شانزدهم سید بن طاوس ره
در کتاب مذکور از حضرت رسول صلعم روایت کرده که هر که در این شب دو رکعت نماز بکند در هر
رکعتی حمد یک مرتبه و آیة الکرسی یک مرتبه و سورهٔ قل هو الله احد پانزده مرتبه بدرستی که حق تعالی میفرماید
که من عطا میکنم باو مثل آنچه بتو عطا کرده ام در عوض پیغمبری تو و بنا می شود برای او هزار قصر
در بهشت مؤلف گوید که شاید مراد از مثل آنچه به پیغمبر عطا فرموده است در عوض پیغمبری چیزی باشد
که فی الجمله شباهتی بآن داشته باشد نه از آن عالی تر باشد والله تعالی یعلم شب هفدهم سید
در کتاب مذکور از حضرت رسالت پناه صلعم روایت نموده است که هر که در این شب دو رکعت نماز بکند و در
هر رکعتی حمد یک مرتبه و سورهٔ قل هو الله احد هفتاد مرتبه بخواند و چون فارغ شود هفتاد مرتبه
استغفار نماید برنخیزد از جای خود تا حق تعالی او را بیامرزد و گناهان پدر و مادرش آمرزیده شود مؤلف
گوید که کفعمی در جنة الامان سورهٔ قل هو الله احد هفتاد مرتبه نقل نموده است و ظاهر آنست
که سید در نقل سهو نموده باشد لیکن متابعت روایت سید احوط است والله یعلم شب
هجدهم سید در کتاب مذکور از حضرت رسالت پناه صلعم روایت نموده است که هر که در این شب
ده رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعتی حمد یک نوبت و سورهٔ قل هو الله احد
پنج نوبت بخواند حق تعالی بر آورد هر حاجتی که در این شب طلبد و اگر شقی باشد او را سعادتمند
کرداند و اگر در آن سال بمیرد شهید مرده باشد مؤلف گوید که کفعمی در جنة الامان سورهٔ قل
هو الله احد پنجاه مرتبه نقل نموده و ظاهرا سهو نموده باشد والله تعالی یعلم شب نوزدهم
سید در کتاب مذکور از رسول خدا صلعم روایت نموده که هر که در این شب دو رکعت نماز بکند
و در هر رکعتی حمد یک مرتبه و آیهٔ قل اللهم مالک الملک تا آخر یک مرتبه بخواند حق تعالی گناهان
گذشته و آینده او را بیامرزد و قبول فرماید هر نمازی که بعد از این بکند و اگر پدر و مادر او
در آتش باشند ایشان را از آتش بیرون آورد مؤلف گوید که آیهٔ ملک این آیه است
قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَ
تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ
تُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ شب بیستم سید در کتاب
مذکور از حضرت رسالت صلعم روایت کرده است که هر که در این شب چهار رکعت نماز بکند هر دو رکعت
بیک سلام و در هر رکعتی حمد یک نوبت و سورهٔ اذا جاء نصر الله پانزده مرتبه بخواند قسم بخداوندی

که او را بجهت ... مبعوث گرداند و اینهم است که از دنیا بیرون نرود تا آنکه در خواب منزل خود را در بهشت ببیند و
با کرامتها نیکو کاران محشور گرداند سید رحمه الله علیه ... اما در بعضی از مؤلفات ... که اگر
کسی خواهد که خوف و خشیت آن حضرت در دل او بهم رسد و آنرا از جهنم ... از شب بیستم ماه شعبان
تا آخر ماه مبارک رمضان که چهل شب باشد هر شب دو وقت سحر بعد از نماز شب در دو شب شعبان و بعد
از دعای سحر در ماه مبارک رمضان قبل از طلوع فجر صد نوبت بخواند یا الله یا رب یا بارئ و صد نوبت
یا مَخْشِيَّ الْبَطْشِ وَالْعِقَابِ یا مَطْبُوعَ الْفَضْلِ وَالرَّحْمَةِ بگوید مؤلف گوید که این بگوید
در روایتی و حدیثی بنظر نرسید شب بیست و یکم سید در کتاب مذکور از رسول خدا صلعم روایت
نموده که هر که در این شب هشت رکعت نماز بگذارد هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت حمد یک نوبت و
و هر یک از سورهٔ قل هو الله احد و معوذتین را یکنوبت بخواند حق تعالی بعدد ستارهای آسمان
جای او حسنات بنویسد و بهمین عدد درجات او را بلند گرداند و بهمین عدد سیئات را از او محو
فرماید شب بیست و دوم سید در کتاب مذکور از حضرت رسالت صلعم روایت کرده که هر که در این شب
دو رکعت نماز بکند و در هر رکعتی حمد یک مرتبه و سوره قل یا ایها الکافرون یک مرتبه و قل هو الله احد پانزده
بنویسد حق تعالی نام او را در جملهٔ نامهای صدیقان و محشور شود در قیامت در زمرهٔ مرسلین و در حفظ و
حمایت حق تعالی باشد مؤلف گوید که کفعمی در جنة الامان سورهٔ قل یا ایها الکافرون را ده مرتبه نقل
نموده و ظاهرا سهو نموده باشد شب بیست و سوم سید در کتاب مذکور از رسول خدا صلعم روایت کرده
که هر که در این شب سی رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعتی حمد یک مرتبه و سورهٔ اذا زلزلت
یک مرتبه بخواند حق تعالی غل و غش را از دل او دور کرداند و از کروهی باشد که حق تعالی سینهٔ ایشان را
برای اسلام شکافته باشد و مبعوث کرداند او را و حال آنکه روی او مانند ماه شب چهاردهم باشد
مؤلف گوید که کفعمی در جنة الامان اکتفا بذکر سی رکعت نموده و سورهٔ مخصوصی نقل نکرده و
ظاهرا از قلم نساخ ساقط شده باشد و عمل بروایت سید ... عمل بروایت کفعمی نیز هست والله
یعلم شب بیست و چهارم سید در کتاب مذکور از حضرت رسالت صلعم روایت کرده که هر که در این شب دو
رکعت نماز بکند در هر رکعتی حمد یک مرتبه و سورهٔ اذا جاء نصر الله ده نوبت حق تعالی او را گرامی دارد و
آزاد کند از آتش جهنم و نجات یابد از عذاب آخرت و عذاب قبر و آسان شود حساب او و زیارت آدم و نوح و
سایر پیغمبران و شفاعت ... روز قیامت او را ... شود شب بیست و پنجم سید در کتاب
مذکور از رسول خدا صلعم روایت کرده که هر که در این شب ده رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و
در هر رکعتی حمد یک مرتبه و سورهٔ الهیکم التکاثر یک مرتبه حق تعالی عطا فرماید باو ثواب امر کنندگان
بمعروف و نهی کنندگان از منکر را و ثواب هفتاد پیغمبر شب بیست و ششم سید در کتاب مذکور
از حضرت رسالت صلعم روایت کرده که هر که در این شب ده رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر

رکعتی حمد یکمرتبه وآیهٔ آمن الرسول تا آخر سوره ده مرتبه حق تعالی عافیت دهد او را از آفات
دنیا و آخرت و در روز قیامت شش نور باو عطا فرماید روز بیست و ششم جناب علامهٔ امام مولانا
محمد باقر مجلسی قدس الله روحه در کتاب بحار الانوار ذکر نموده که در بعضی از کتب از حضرت امام
حسن عسکری عم روایت شده که روز بیست و ششم ماه شعبان روز عظیمی است و مرتکب شدن
اعمال دنیوی در آن روز نیکو نیست مگر خلوت گزیدن از خلق و عبادت نمودن خالق و روزه
داشتن شب بیست و هفتم سید در کتاب مذکور از رسول خدا صلعم روایت کرده که هر که در این شب
دو رکعت نماز بکند در هر رکعتی حمد یکمرتبه و سورهٔ سبح اسم ربک الاعلی ده مرتبه بنویسد
حق تعالی برای او هزار هزار حسنه و محو فرماید از او هزار هزار سیئه و رفیع کرد اند برای او هزار
هزار درجه و بر سر او تاجی از نور بگذارد شب بیست و هشتم سید در کتاب مذکور از حضرت رسالت صلعم
روایت کرده که هر که در این شب چهار رکعت نماز کند بدو سلام در هر رکعتی حمد یکمرتبه و هر یک از
سورهٔ قل هو الله احد و معوذتین یکمرتبه مبعوث کرد اند حق تعالی او را از قبر و حال آنکه روی
او مانند ماه شب چهارده باشد و دفع کند از او اهوال روز قیامت را روز بیست و هشتم
روزهٔ این روز و دو روز بعد از این که سه روز آخر ماه باشد بخصوص فضیلت عظیم دارد
ابن بابویه رحمه از حضرت صادق عم روایت کرده است که فرمود که هر که سه روز آخر شعبان را
روزه دارد و وصل نماید آنرا بماه رمضان حق تعالی ثواب روزهٔ دو ماه پی در پی برای او
بنویسد مؤلف گوید که سید گفته است که ظاهر اگر فتن این سه روز نسبت بکسی است که تمام
ماه را روزه نداشته باشد و آنچه در احادیث دیگر وارد شده از نهی از وصل نمودن ماه شعبان
بماه رمضان وامر بفصل بیک روز یا دو روز نسبت بکسی است که تمام ماه را روزه داشته باشد
و در بیان سر این معنی گفته که کسی که تمام ماه را روزه نداشته هرگاه سه روز آخر را روزه بدارد
قدری از لوث گناهان پاک میشود و مستعد و قابل دخول ماه رمضان میگردد و کسی که تمام ماه
روزه داشته باطن خود را قدری صفا داده و مستعد و قابل شده هذا اصلح آنست که یک روز
یا دو روز آخر را افطار نماید تا او را برای روزهٔ ماه مبارک رمضان قوتی بهم رسد و تحقیق
انتقام و وجه جمع این روایات و روایات دالّه بر فضیلت روزهٔ تمام ایام شعبان در باب اول
سبق ذکر یافت شب بیست و نهم سید در اقبال از حضرت رسول صلعم روایت کرده است که هر که در
این شب ده رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی حمد یکمرتبه و سورهٔ الهیکم التکاثر
و معوذتین و قل هو الله احد هر یک ده نوبت حق تعالی باو ثواب مجتهدین را عطا فرماید و میزان
عمل او سنگین شود و حساب بر او آسان کرده و بگذرد بر صراط مانند برق جهنده مؤلف گوید
که کفعمی در جنة الامان سورهٔ قل هو الله احد را مقدم بر معوذتین نقل نموده است و بهر یک عمل شود

شاید

شاید نیکو باشد شب سی ام اعمال این شب دو چیز است اول سید در کتاب مذکور از حضرت
رسالت صلعم روایت کرده که هر که در این شب ده رکعت نماز کند در هر رکعتی حمد یکمرتبه و سورهٔ سبح
اسم ربک الاعلی ده مرتبه و چون فارغ شود صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیهم اجمعین
بفرستد عطا کرده شود هزار شهر در جنة الماوی و هزار شهر در جنة النعیم و اگر جمیع شوند خلایق
بر احصای ثواب آن هر آینه عاجز شوند دوم شیخ طوسی و سید بن طاوس قدس الله روحهما از حضرت
امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده اند که آنحضرت در شب آخر شعبان و شب اول ماه رمضان
این دعا را میخواندند اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا الشَّهْرَ الْمُبَارَكَ الَّذِي اُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى وَجَعَلْتَهُ
لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ قَدْ حَضَرَ فَسَلِّمْنَا فِيهِ وَسَلِّمْنَا مِنْهُ
وَسَلِّمْهُ لَنَا وَتَسَلَّمْهُ مِنَّا فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ يَا مَنْ اَخَذَ الْقَلِيلَ
وَشَكَرَ وَسَتَرَ الْكَثِيرَ وَغَفَرَهُ اغْفِرْ لِيَ الْكَثِيرَ مِنْ مَعْصِيَتِكَ
وَاقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ مِنْ طَاعَتِكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ اَنْ تَجْعَلَ لِي اِلَى فِيهِ
كُلِّ خَيْرٍ سَبِيلًا وَمِنْ كُلِّ مَا لَا تُحِبُّ مَانِعًا يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
يَا مَنْ عَفَى عَنِّي وَعَمَّا خَلَوْتُ بِهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ يَا مَنْ لَا يُؤَاخِذُنِي بِارْتِكَابِ
الْمَعَاصِي عَفْوَكَ عَفْوَكَ عَفْوَكَ يَا كَرِيمُ اِلٰهِي وَعَظْتَنِي فَلَمْ اَتَّعِظْ وَزَجَرْتَنِي
عَنِ الْمَعَاصِي فَلَمْ اَنْزَجِرْ فَمَا عُذْرِي فَاعْفُ عَنِّي يَا كَرِيمُ عَفْوَكَ عَفْوَكَ عَنْ مَحَارِمِكَ
اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَالْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ عَظُمَ
الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ فَلْيَحْسُنِ الْعَفْوُ مِنْ عِنْدِكَ يَا اَهْلَ التَّقْوَى وَيَا اَهْلَ الْمَغْفِرَةِ

عفوك عفوك اللهم إني عبدك وابن عبدك ابن أمتك ضعيف
قادر خ م — فقير إلى رحمتك وأنت منزل الغنى والبركة على العباد قاهر
مقتدر أحصيت أعمالهم وقسمت أرزاقهم وجعلتهم مختلفة
ألسنتهم وألوانهم خلقاً من بعد خلق لا يعلم العباد علمك ولا
عني وجهك — يقدر العباد قدرك وكلنا فقير إلى رحمتك فلا تصرف وجهك
عني واجعلني من صالح خلقك في العمل والأمل والقضاء والقدر
إلهي خ — اللهم أبقني خير البقاء وأفنني خير الفناء على موالاة أوليائك و
الوفاء خ — معاداة أعدائك والرغبة إليك والرهبة منك والخشوع والوقار
نبيك خ — والتسليم لك والتصديق بكتابك واتباع سنة رسولك صلواتك
عليه وآله اللهم ما كان في قلبي من شك أو ريبة أو جحود أو قنوط
أو فرح أو مرح أو بذخ أو بطر أو فخر أو خيلاء أو رياء أو سمعة
كفر خ — أو شقاق أو نفاق أو كفر أو فسوق أو عصيان أو عظمة أو شيء
لا تحب فأسألك يا رب أن تبدلني مكانه إيماناً بوعدك ووفاءً بعهدك
ورضاً بقضائك وزهداً في الدنيا ورغبة فيما عندك وأثرة وطمأنينة

وتوبة

وتوبة نصوحاً أسألك ذلك يا رب بمنك ورحمتك يا أرحم الراحمين ويا رب
العالمين إلهي أنت من حلمك تعصى فكأنك لم تر ومن كرمك وجودك
تعص خ — تطاع فكأنك لم تعص وأنا ومن لم يعصك سكان أرضك فكن علينا
وصلى الله على محمد وآله خ — جواداً وبالخير عواداً يا أرحم الراحمين وصل على محمد صلاة دائمة لا
تحصى ولا تعد ولا يقدر قدرها غيرك يا أرحم الراحمين مؤلف گوید که
احوط آنست که
این دعا در شب ... وهم نیز خوانده شود چون ممکن است که ماه ناقص باشد و آن شب شب آخر ماه
باشد روز سیم این روز چون از جمله سه روز آخر ماه است روزه آن فضیلت عظیم دارد و
خصوص این روز نیز ثواب عظیم وارد شده چنانچه ابن بابویه ره در کتاب امالی و ثواب الاعمال
از حضرت رسالت صلعم روایت کرده است که هر که روز سیم ماه شعبان را روزه بدارد جبرئیل
ع از پیش عرش ندا کند که عمل را از سر گیر که گناهان گذشته اش همه آمرزیده شد و خداوند
جلیل میفرماید که اگر گناهان تو بعدد ستارههای آسمان و قطرههای باران و برگ درختان و
ریگ روان و ذرتهای خاک و عدد روزهای دنیا باشد که هر آینه بیامرزم آنها را و این بر خدا و
عالمیان دشوار نیست بعد از آنکه ماه شعبان را روزه داشته باشی ختم بدانکه شیخ بزرگوار
ابو جعفر محمد بن بابویه ره در کتاب عیون اخبار الرضا ع بسند خود از عبد السلام بن صالح روایت کرده
که داخل شدم بر حضرت ابی الحسن علی بن موسی الرضا صلوات الله علیهما در جمعه آخر ماه شعبان
پس آنحضرت فرمود که ای ابو الصلت بدرستی که اکثر ماه شعبان گذشته و این جمعه آخر آنست
پس تدارک کن در بقیه این ماه تقصیری را که کرده در آنچه گذشته از این ماه و بر تو باد باقبال نمودن
و نیکو شو ... بر آنچه ترا اعانت ... کند از طاعات و عبادات بسیار بکن و بسیار کن در
این ماه از دعا و استغفار و تلاوت قرآن و توبه کن از همه گناهان تا آنکه داخل شود بر تو ماه
رمضان در حالتی که خود را از برای حق تعالی خالص کرده باشی و مگذار ... باشد بر گردن تو امانتی
مگر آنکه ادا کنی و مگذار در دل خود کینه مؤمنی مگر آنکه از سینه خود
بیرون کرده باشی و مباش ... گناهی که آنرا مرتکب بوده مگر آنکه از آن استغفار نموده باشی و پرهیزکار
باش ای ابو الصلت و توکل کن بر حق تعالی در امور پنهان و آشکار خود زیرا که هر که بر خدا توکل کند

بی‌ ... است او را خدا بدرستی که حق تعالی امر خود را کامل و تمام میکرد اند و برای هر چیز قدری و اندازه قرار
داده و بسیار بگو ای اَللّٰهُمَّ اِنْ لَمْ تَكُنْ غَفَرْتَ لَنَا فِيمَا مَضَىٰ مِنْ شَعْبَانَ فَاغْفِرْ
ابو الصلت و بقیه اینها
لَنَا فِيمَا بَقِيَ مِنْهُ بدرستی که حق تعالی در این ماه بسیاری را از آتش جهنم آزاد میکرد اند برای حق
ماه مبارک رمضان مؤلف گوید که از فحوای این حدیث چنانچه بر متأمل خبیر
پوشیده نیست مفهوم میشود که اینها غالبا در اکثر اوقات نصف آخر ماه شعبان را توان خواند که قبل از جمعه آخر
بوده باشد **خزینه سیم از کتاب خزاین الجواهر اللطایف** در بیان
فضایل و اعمال ماه مبارک رمضان است و این خزینه بچند باب مفتوح میشود **باب اول**
در بیان حقیقت روزه و شرایط آن و در آن دو مقصد است **مقصد اول** در بیان حقیقت
صوم بدانکه روزه عبارت است از باز داشتن خود از چیزی چند که روزه را باطل میکند از صبح
تا شام از برای خدا و مراد از صبح صبح صادق است نه صبح کاذب باجماع علمای شیعه و حقیقت
صبح کاذب و صبح صادق آنست که اولا سفیدی از جانب مشرق ظاهر میشود که شبیه بدم گرگ
و طولانی و دراز است و این را صبح کاذب میگویند زیرا که در واقع هنوز صبح نشده است و آدمی را
بخیال صبح می‌اندازد و بعد از اندک زمانی این سفیدی پهن میشود و عرض افق را فرو میگیرد و این را
صبح صادق میگویند و در این وقت واقعا صبح شده است و در باب وقت شام میان علمای شیعه
رضوان الله تعالی علیهم خلاف است مشهور میان ایشان آنست که وقتی که سرخی آفتاب از جانب
مشرق بالا رود بمنتها الرأس و بجانب مغرب برسد شام شده است و بعضی از علما گفته اند که وقتی
که قرص آفتاب غروب کند شام شده است و غروب قرص باین معلوم میشود که شعاع آفتاب از کوهها
و عمارات مرتفعه زایل و برطرف شود و قول اول احوط است و چیزهایی که روزه را باطل میکند چند
چیز است **اول** داخل شدن چیزی در جوف و این بر چهار نوع است **نوع اول** خوردن و آشامیدن
چیزی چند که حلال باشد و عادت بخوردن آنها شده باشد مثل نان و گوشت و میوه‌ها و امثال
آن و آب و گلاب و سایر عرقها و امثال آن و در این باب در میان علما خلافی نیست که اینها روزه
را باطل میکند و بفعل آن عمدا قضا و کفاره واجب میشود و این نوع فروع بسیار دارد که تنبیه بر
آنها ضرور است **اول** جایز است خوردن و آشامیدن تا صبح مشخص شود و اگر معلوم شود که آن وقت
که خورده یا آشامیده صبح بوده است اگر ملاحظه کرده باشد و خورده باشد قضا واجب نیست
و اگر ملاحظه نکرده بگمان اینکه شب باقی است خورده باشد قضا واجب است و کفاره واجب نیست
موافق مشهور میان اصحاب و اگر دیگری خبر دهد که صبح نشده و چیزی بخورد و در واقع صبح شده
باشد در این صورت نیز موافق مشهور قضا واجب است و کفاره لازم نیست و بعضی از علما حکم کرده اند

که اگر

که اگر وقتی دیگر خبر دهند قضا ساقط است و بعضی سقوط قضا را بقول یک عادل نیز قوی دانسته اند و هرگاه
معلوم شود که صبح طالع است و در دهان او چیزی باشد واجب است که بیندازد و اگر فرو برد عمدا
قضا و کفاره هر دو واجب است **دویم** آنچه بعد از چیزی خوردن در میان دندانها باقی مانده باشد
اگر کسی آنرا بخلال یا بغیر آن بیرون آورد و عمدا بخورد قضا و کفاره هر دو واجب میشود و بعضی بحکم
قضا تنها قایل شده اند و اگر خود بخود فرو رود و تقصیر در ضبط آن کرده باشد بعضی قضا و کفاره
را هر دو واجب دانسته اند **سیم** چشیدن مرق طعام و مضغ نمودن چیزی و نرم نمودن بجهة طفل
که چیزی بحلق فرو نرود اکثر علما جایز دانسته اند و شیخ طوسی چشیدن مرق طعام را نسبت بطباخ که خوف
فساد طعام داشته باشد و نرم کردن طعام را بجهة مادر یا دایه طفل که تربیت مینماید آنرا
یا کسی که [illegible] بجوید و مرغی هست و خوف هلاک آنرا داشته باشد اگر نرم نکند تجویز نموده و غیر
آنرا در صورت منع نموده است و قول شیخ احوط است و اگر بی اختیار بحلق فرو رود بعضی گفته اند
که مطلقا ضرر ندارد و بعضی گفته اند که اگر غرض صحیحی در چشیدن و مضغ کردن داشته ضرر ندارد
و اگر عبث چشیده یا مضغ کرده قضا واجب است نه کفاره و قول آخر احوط است خصوصا اگر تقصیر
در ضبط آن کرده باشد **چهارم** خاییدن انگشتر و امثال آن که جزوی از آن جدا نشود جایز است
و خاییدن قند دان و مصطکی و امثال آن اگر آب آنرا فرو نبرد مکروه است و اگر فرو برد بعضی حرام
دانسته اند و بعضی موجب قضا دانسته اند و اقوی نزد جمعی از محققین جواز است و احوط آنست
تا ضرورت نباشد بعمل نیاورد و در باب خاییدن [illegible] مشهور کراهت است و احوط ترک است چنانچه
در روایتی وارد شده است **پنجم** مضمضه و استنشاق در حال روزه جایز است و مبالغه نمودن در
آنها مکروه است چنانچه از حضرت صادق ع منقولست که از آنحضرت سؤال نمودند از مضمضه و
استنشاق برای روزه دار فرمودند جایز است و لیکن مبالغه در آنها ننماید و در روایتی وارد شده که
افضل برای صایم ترک مضمضه است و علما باین حدیث عمل ننموده اند زیرا که در چند حدیث
آن وارد شده و کمال احتیاط آنست که در وضوی نماز واجب اکتفا بمضمضه و استنشاق حقیقی بکند
و مبالغه ننماید و بعد از مضمضه سه مرتبه آب دهان را بیندازد چنانچه در روایتی مذکور است یا [illegible]
چنانچه در روایتی دیگر مذکور است بیندازد و در غیر وضوی نماز واجب خواه نماز سنت یا بقصد
تبرید یا غیر آن اصلا مضمضه و استنشاق نکند و اگر بکند مبالغه نکند و در مضمضه سه مرتبه
آب دهان را بیندازد و اگر بی اختیار در مضمضه آب بحلق فرو رود اقوی نزد جمعی از محققین
آنست که اگر مضمضه را برای وضوی نماز واجب کرده قضا بر او لازم نیست و اگر برای وضوی نماز سنت
است بعضی قضا را واجب دانسته اند و اگر عبث مضمضه کرده باشد جمعی قضا را واجب دانسته اند
و احوط در دو صورت آخر قضا است **ششم** مشهور میان فقها آنست که مسواک کردن بچوب

خشك و تر در او كه فرو آخورد فرو برد جایز است و در بعضی از روایات نهی از چوب تر وارد شده
و جمعی از علما حمل بر كراهت نموده اند و احوط ترك است و اگر آب دهان را بیندازد بد نیست
و باید ملاحظه نماید كه مسواك تر را كه از دهان بیرون آورده باز داخل دهان نكند كه اگر آب
آنرا فرو برد در غیر عمد قضا و كفاره جمع می شود زیرا كه آب دهان چون از دهان بیرون آید
حرام است موافق مشهور میان فقها نوع دویم خوردن و آشامیدن چیزی چند است كه حرام باشد
مانند شراب انگور و امثال آن و فعل اینها عمدا موجب قضا و كفاره جمع است نوع سیم خوردن
و آشامیدن چیزهای غیر معتاد است مانند سنگ و چوب و گیاههای غیر معتاد و آب فشرده شده از
آنها و امثال آن و در این باب خلاف است مشهور میان علما آنست كه مبطل و موجب قضا و كفاره
است و بعضی موجب قضای تنها دانسته اند و بعضی گفته اند كه مبطل نیست و لیكن باعث نقص
روزه می شود و قول مشهور اقوی و احوط است و این نوع نیز چند فرع دارد كه تعبیر از آنها ضرور است
اول رسانیدن غبار غلیظ بحلق و در آن خلاف است جمعی آنرا مفسد روزه و موجب قضا و كفاره
میدانند و جمعی موجب قضای تنها میدانند و ظاهر كلام محقق ره در كتاب شرایع آنست كه مطلق
غبار خواه غلیظ و خواه رقیق موجب قضاست و جمعی از محققین اصلا مبطل نمیدانند و قول اول
احوط است و مشهور آنست كه رفتن بمكانی كه در آن غبار غلیظ بوده باشد عمدا جایز است و بعضی
موجب قضا دانسته اند و احوط ترك است دویم جمعی از متاخرین علما ملحق ساخته اند بغبار غلیظ
دود غلیظ و بخار غلیظ را كه اجزا از آن منفصل شود مانند دود تنور و بخار دیك و امثال
آن منتشر شود و دود عود و امثال آن كه رقیق باشد و در این مسئله نیز مانند مسئله سابق رسانیدن
آن بحلق احوط قضا و كفاره است و در رفتن بچنین مكانی احوط ترك است و با فعل احتیاط
در قضاست سیم بلغمی كه از سینه كنده شود یا از دماغ فرود آید و در آن سه قول است قول اول حرام
است فرو بردن آنچه از سینه بدهان آید مادام كه از فضای دهن بیرون نرفته باشد و حرام نیست
فرو بردن آنچه از دماغ فرود آید هر چند باصل دهان نیز رسیده باشد قول دویم حرام است فرو
بردن هر دو مادام كه از دهان منفصل نشده باشد و جمعی كه حكم بفساد كرده اند بعضی قضای تنها
و بعضی كفاره را نیز واجب دانسته اند و بعضی بكفاره جمع قایل شده اند و احتیاط آنست كه بعد از
آنكه بفضای دهان آمده باشد فرو نبرد چهارم فرو بردن آب دهان مادام كه در دهان است ضرر
ندارد و اگر از دهان جدا شود خوردن آن حرام و مفسد است بلكه در غیر عمد كفاره جمع می شود و هرگاه
باز بدهان برگردد و مانند دوخت برد و بخورد ظاهرا ضرر نداشته باشد و احوط ترك است و همچنین
خوردن آب دهان دیگری حرام و مفسد است و در روایتی جواز مكیدن شوهر زبان زن را
وارد شده است و علما حمل بر صورت فرو نرفتن آب دهان نموده اند و در روایت دیگر جواز فرو

حكم خوردن و آشامیدن چیزهای غیر معتاد

حكم غبار غلیظ

حكم دود غلیظ و بخار غلیظ

شدن آب دهان دختر كوچك در جوف پدر در هنگام بوسیدن او وارد شده و علما حمل بر حالت عدم اختیار
نموده اند و احوط ترك است پنجم اگر پشه و مگس و امثال آن بی اختیار و بدون تقصیر بحلق رود ضرر
ندارد و روزه اش صحیح است نوع چهارم داخل شدن چیزی در جوف از غیر راه دهان و این نوع
اقسام بسیار دارد اول چكانیدن دوا در گوش و بینی هرگاه تعدی بحلق نكند اقوی نزد جمعی از محققین
كراهت و عدم افساد است و بعضی موجب قضا و كفاره دانسته اند و احوط ترك است با عدم
ضرورت و با وجود ضرورت و تعدی بحلق احتیاط در قضاست دویم در باب بوئیدن رایحه غلیظه
اشهر میان علما و اقوی نزد جمعی از محققین آنست كه مفطر نیست و بعضی گفته اند كه بوئیدن رایحه
غلیظی كه طعم آن بدماغ رسد موجب قضا و كفاره است و احتیاط در ترك است و همچنین بوی خوشی
كه سائیده باشد و بدماغ بالا رود احتیاط در ترك آنست چنانچه در روایتی وارد شده است سیم
چشم كشیدن چیزی كه طعمی داشته باشد كه بحلق برسد یا مشك داخل آن باشد مشهور در این
باب كراهت است بلكه قول بحرمت یا افساد بنظر نمیرسد و لیكن در بعضی از روایات نهی از آن وارد
شده بلكه نهی از مطلق سرمه كشیدن وارد شده است و باین جهت احتیاط در ترك است چهارم
هرگاه جراحتی در بدن و دوا در آن بریزد و داخل جوف شود اكثر قایل بعدم فساد شده اند و بعضی
مفسد روزه دانسته اند و در اینجا نیز مانند سابق احوط با عدم ضرورت ترك است و با وجود ضرورت
قضاست پنجم حقنه و بعضی موجب قضا و كفاره هر دو و بعضی موجب قضای تنها دانسته اند
و بعضی گفته اند كه حرام است و موجب هیچیك نیست و بعضی حقنه مایع را موجب قضا و حقنه
جامد را مانند شیاف مكروه دانسته اند و بعضی مطلقا بكراهت قایل شده اند و اقوی نزد
جمعی از محققین قول اخیر است و احوط در این باب نیز ترك است با عدم ضرورت و با وجود ضرورت
احتیاط در قضاست ششم اگر دوا بذكر بچكانند و داخل جوف شود اشهر و اقوی نزد جمعی از محققین
قول اخیر است و احوط با عدم ضرورت ترك و با ضرورت قضا نوع پنجم از مبطلات روزه و هی [illegible]
جماع در قبل زن مطلقا خواه انزال بشود و خواه نه مبطل روزه است و فعل آن موجب قضا و كفاره
است باجماع اصحاب و همچنین جماع در دبر خواه مرد و خواه زن هرگاه انزال شود مفسد و موجب قضا
و كفاره است و اگر انزال نشود خلاف است بعضی مبطل نمیدانند و مشهور میان علما در این صورت
نیز ابطال روزه و وجوب قضا و كفاره است و این قول نزد جمعی از محققین اقوی است و رعایت آن
احوط است و باین مسئله نیز بعضی از فروع متفرع می شود اول جایز است جماع كردن از اول شب تا
آنقدر كه چون از جماع فارغ شود و غسل كند صبح نشده باشد و اگر گمانش این باشد كه وقت وفا
بجماع و غسل هر دو میكند و در واقع اتفاق بصبح نمانده باشد غسل میكند و روزه اش صحیح است
اگر خود ملاحظه وقت كرده باشد و اگر خود ملاحظه نكرده باشد و چون از جماع فارغ شود

حكم چكانیدن دوا در گوش و بینی

حكم سرمه كشیدن

حقنه نمودن

صبح شود احوط قضاست و اگر گمان کند که شب باقیست و در واقع صبح شده باشد چنانچه تمام
زنان جماع بعد از صبح باشد موافق مشهور میان علما قضا واجب است و احوط نیز در این است
دویم اگر جماع برضا و خواهش مرد و زن هر دو واقع شود بر هر دو کفاره واجب است و هر یک را
بیست و پنج تازیانه نیز میزنند و اگر مرد زن را جبر نماید بر جماع کفاره زن را نیز مرد میدهد
پنجاه تازیانه بر مرد میزنند موافق مشهور میان علما و احتیاط نیز در این است و اگر زن اول مجبور
باشد و در اثنای جماع راضی شود مرد دو کفاره و زن یک کفاره میدهد و احوط تعدد است
و در جمیع صورتها اگر روزه زن صحیح است مگر در صورتی که زن در اثنای جماع راضی شود سیم
اگر جاهل مسئله باشد و مجامعت نماید اولی آنست که قضا و کفاره را هر دو بر نیت احتیاط بعمل آورد
چهارم وطی کردن بهایم با انزال موجب قضا و کفاره است باجماع علما و با عدم انزال اختلافست
بعضی موجب قضا و کفاره هر دو و بعضی موجب قضای تنها تنها دانسته اند و قول اول احوط است
سیم از مبطلات روزه استمناست یعنی طلب نزول منی کردن بغیر طریق جماع تا حصول آنست
و خلافی در این باب بنظر نرسیده که این مفسد روزه و موجب قضا و کفاره است و بر این بعضی
از فروع متفرع میشود اول مشهور میان علما آنست که هرگاه ملامسه و ملاعبه کند و قصد انزال
نداشته باشد و انزال شود قضا و کفاره لازم میشود و بعضی در این باب تامل نموده اند خصوصا
وقتی که نسبت بحلال خود باشد و عادت او انزال نباشد و اقوی نزد جمعی از محققین قضا و
کفاره است مطلقا و این احوط است دویم در نظر کردن بزن حلال یا حرام یا پسر امرد یا صدا
ایشان را شنیدن یا عجیبا بخود در آوردن هرگاه باعث آمدن منی شود و قصد انزال داشته باشد
و یا آن معتاد باشد و انزال شود خلافست بعضی قضا و کفاره لازم دانسته اند و اظهر نزد
جمعی از محققین عدم وجوب قضا و کفاره است و احوط رعایت قول اول است سیم اگر با زن
ملاعبه کند و مذی بیاید در روایتی وارد شده که استغفار نماید و روزه را قضا کند
و بعضی این حدیث را طرح کرده اند و بعضی بر استحباب و بعضی بر تقیه حمل نموده اند و عمل
بآن چنانچه بعضی از متاخرین گفته اند احوط است چهارم جمعی از علما اصل بوسیدن زنان
و ملامسه و ملاعبه با ایشان را مطلقا مکروه دانسته اند و اظهر آنست که کراهت مخصوص
در صورتی است که این باعث تحریک شهوت او و خوف وقوع در جماع باشد و کراهت در باب
جوانان باین جهت اشد است پنجم اگر کسی روز محتلم شود روزه او باطل نمیشود و در روز
غسل میکند و بعضی استبرا ببول میکند و اگر منی در مجرای بول بوده باشد و بسبب بول
کردن دفع شود بروزه ضرر ندارد و این را استمنا در عرف نمیگویند و اگر گویند دلیلی قائم
نیست بر آنکه هر استمنائی مفسد روزه است و اگر مشکل باشد و بول را تا شام تاخیر نماید

وطی کردن بهایم

احکام استمنا

شاید احوط باشد چنانچه از فاضل متقی مولانا احمد اردبیلی قدس الله روحه منقولست که در
ماه مبارک رمضان هرگاه محتلم میشده بول نکرده غسل مینموده و بعد از شام بول میکرده
و غسل را احتیاطا اعاده میکرده است و این نهایت احتیاط در این باب است ششم بعد از احتلام
خواه در روز و خواه در شب مستحب است که خواب نکند تا غسل کند چهارم از مبطلات
باقی ماندن بر جنابت است تا صبح و اشهر میان علما و اقوی نزد جمعی از محققین آنست که موجب
قضا و کفاره است و بعضی قضای تنها را واجب دانسته اند و بعضی مبطل ندانسته اند و
قول اول احوط است و این مسئله نیز بعضی از فروع دارد اول خوابیدن بعد از جنابت جایز
است اگر نیت غسل داشته باشد و احتمال بیدار شدن قبل از صبح در حق خود دهد
اگر تا صبح بیدار نشود مشهور آنست که قضای آن روز بر او واجب نیست و بعضی واجب دانسته
اند و این احوط است و اگر بعد از جنابت بخوابد و نیت غسل نداشته باشد و تا صبح در خواب
باشد موافق مشهور قضا و کفاره هر دو لازم میشود و محقق علامه مولانا محمد باقر مجلسی
روحه در این باب تامل نموده و احوط رعایت مشهور است و اگر نیت غسل داشته باشد بعد
بیدار شدن از خواب اول مرتبه دویم باز بخواب رود و تا صبح بیدار نشود مشهور وجوب قضاست
ملکم خلاف در آن ظاهر نیست و اگر از خواب دویم بیدار شود و مرتبه سیم نیز بخوابد تا صبح
با نیت غسل جمعی قضا و کفاره را هر دو واجب دانسته اند و بعضی قضای تنها را و قول اول
احوط است دویم در خواب بعد از بیدار شدن از خوابی که در آن خواب احتلام واقع شده
است خلافست جمعی در حکم خواب اول و بعضی از متاخرین در حکم خواب ثانی میدانند و احوط
قول دویم است سیم اگر جنب را غسل میسر نشود احوط آنست که تیمم کند و تیمم را نشکند تا صبح
طالع شود چهارم احوط آنست که اگر زن حایض پاک شود پیش از صبح غسل کند و اگر نکند
احوط آنست که بعد از صبح غسل کند و آن روز را روزه بدارد و قضا نیز بکند پنجم در روزه
غیر ماه رمضان خلافست که آیا تا بصبح باید پاک شد و یا نباید و اقوی نزد جمعی از محققین اینست که در
قضای ماه مبارک رمضان می باید صبح جنب نباشد و در غیر قضا اگر صبح جنب باشد خواه
عمدا بر جنابت باقی مانده باشد تا صبح یا غیر آن اگر آن روزه واجب معین نباشد احوط آنست که
آن روزه را روزه ندارد و اگر واجب معین باشد و تعمد بقاء بر جنابت نموده باشد احوط آنست
که آن روز را روزه بدارد و قضا نیز بکند و اگر عمدا بر جنابت باقی مانده باشد تا صبح بعضی از
محققین کفاره را در کار ندانسته اند و اگر بدهد احوط است و اگر روزه مستحب باشد و عمدا بر جنابت
باقی بماند تا صبح و قبل از زوال غسل کند و نیت روزه بکند بزعم جمعی از محققین روزه اش صحیح است
ششم از مبطلات ارتماس است یعنی سر فرو بردن در آب و جمعی آنرا موجب قضا و کفاره و بعضی

احکام بقاء بر جنابت تا صبح

مباشرت در رمضان

احکام ارتماس در آب

موجب قضا تنها میدانند و بعضی گفته اند حرام است و موجب هیچ یک نیست و بعضی مکروه دانسته اند و اظهر نزد جمعی از محققین حرمت است و قول اول احوط است و بر این مسئله نیز بعضی از فروع متفرع می شود اول آنکه اگر منافذ سر مانند دهان و گوش و چشم را دفعة بآب فرو برد و منابت مو که اصل کاسه سر است بیرون باشد آیا حکم ارتماس دارد یا نه جمعی آنرا در حکم ارتماس میدانند و بعضی نمیدانند و قول اخیر احوط است دویم اگر سر را فرو برد تا کردن و بدن بیرون آب باشد این نیز مانند سابق جمعی در حکم ارتماس میدانند و بعضی نمیدانند و این احوط است سیم در روزه سنت بعضی ارتماس را تجویز نموده اند و احوط ترک است چهارم مشهور میان علما آنست که مکروه است که زنان در میان آب بنشینند و بعضی گفته اند که هرگاه زن در آب بنشیند قضا لازم است و بعضی کفاره را نیز واجب دانسته اند و جمعی از محققین اول را اقوی میدانند و قول اخیر احوط و احتیاط در ترک است ششم از مبطلات قی کردن است از روی عمد و اکثر اصحاب موجب قضای تنها و بعضی کفاره را نیز لازم دانسته اند و بعضی موجب هیچ یک نمیدانند و مسئله محل اشکال است و نزد جمعی از محققین قول مشهور قوی است و احوط ترک است و اگر بی اختیار قی کند موافق مشهور قضا لازم نیست و بعضی قضا را ضرور دانسته اند و این قول اگرچه ضعیف است ولیکن احوط است هفتم از مبطلات دروغ گفتن بر خدا و رسول خدا و ائمه هدی علیه و علیهم التحیة والثنا است بآنکه حدیث دروغی نقل کند یا مسئله غلطی بگوید بلکه اگر درست بگوید و اهلیت مسئله گفتن نداشته باشد و در حرمت آن شکی نیست و بعضی در حالت روزه موجب قضا و کفاره میدانند و بعضی مفسد روزه اصلا نمیدانند و مسئله خالی از اشکال نیست و احوط رعایت قول اول است و بدانکه احادیث ضعیفه بلکه احادیث صحیحه نیز ممکن است که از معصوم صادر نشده باشد و مضمون آن خلاف واقع باشد و همچنین فتوای اکثر مجتهدین هم ممکن است که مطابق حکم الله واقعی نباشد ولیکن این معنی داخل کذب بر خدا و ائمه علیهم السلام نیست زیرا که بعنوان جزم و قطع احادیث را نقل نمیکنند بلکه حقیقت دو احادیث خصوصا در این از منکر که نهایت بعید و میان ما و ائمه علیهم السلام فاصله شده بآن راجع میشود که محتمل است که امام علیه السلام این حدیث را فرموده باشد و فتوای مجتهد اگرچه در بعضی از موارد بعنوان جزم و قطع است ولیکن حقیقت آن نیز وا میگردد بآن که ظاهر میشود که من از ادله شرعیه این مسئله را چنین میفهمم و ممکن است که حکم الله در واقع و نفس الامر چنین نباشد و غیر این باشد و باین جهت نقل احادیث و گفتن فتاوی از دروغ است و احتیاط ضرر ندارد والله تعالی یعلم حقایق الامور تتمیم بدانکه بسیاری از مکروهات روزه بمقتضای مناسبت در این باب مذکور شد و بقیه مکروهات که اشاره بآن نشده چند امر است اول بوییدن گلها خصوصا نرگس و در روایات نهی از آن وارد شده و علت کراهت چند نموده اند و جهت کراهت چنانچه از اخبار ظاهر میشود دو چیز است اول لذت بردن

ششم قی کردن

هفتم دروغ گفتن بر خدا و رسول و ائمه

حکم بوییدن گلها

چنانچه ابن بابویه رحمه الله بسند خود از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که آنحضرت در حالت روزه هیچ گلی را نمی بویید پس جهت این را از آنحضرت پرسیدند فرمود که من کراهت دارم که روزه خود را مخلوط بلذت بسازم دویم در خصوص نرگس ایضا ابن بابویه رحمه الله از ابن رئاب روایت کرده است که گفت شنیدم از حضرت صادق علیه السلام که نهی میفرمود بوییدن نرگس را برای روزه دار پس من عرض کردم که فدای تو شوم جهت این چیست فرمود بجهت آنکه نرگس گل عجمان است مؤلف گوید که آنچه حضرت فرموده که نرگس گل عجمان است اشاره است برسم قدیمی که در میان عجم شایع بوده است چنانچه شیخ مفید قدس الله روحه در کتاب مقنعه ذکر نموده که پادشاهان عجم در سالی یک روز مخصوصی را روزه میداشته اند و در آن روز نرگس بسیار مهیا مینموده اند و میبوییده اند و میگفته اند که بوییدن نرگس دفع گرسنگی و تشنگی میکند پس شیخ مفید گفته که این معنی چون در میان ایشان سنت گردیده بود لهذا آل محمد صلی الله علیه و علیهم نهی از آن فرموده اند که مشابهت با ایشان هرچند مقصود نباشد دویم پوشیدن رخت تر و ممکن است که مکروه بودن این باب لذت باشد چنانچه در باب بوییدن گلها مذکور شد و بعضی نقل نموده اند و مانند بوی خوش مالیدن ضرر بقاره ندارد مکروه است است چنانچه بعد از این انشاء الله تعالی مذکور میشود سیم شعر خواندن هرچند مضمون آن حق باشد یا در مدح ائمه علیهم السلام بوده باشد چنانچه شیخ طوسی رحمه الله بسند خود از حماد بن عثمان روایت کرده است که از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که مکروه است خواندن شعر برای روزه دار و محرم و در حرم و در روز جمعه و در شب مطلقا پس عرض کردم که اگرچه شعر حق باشد فرمود بلی اگرچه آن شعر حق باشد و ایضا از حماد بن عثمان و غیر او روایت کرده است که آنحضرت فرموده که انشاد شعر نکنید در شب و در روز ماه رمضان نیز در شب آن و نیز در روز آن پس اسمعیل فرزند آنحضرت عرض کرد که ای پدر هرچند در شان شما اهل بیت بوده باشد حضرت فرمود بلی هرچند در شان ما بوده باشد مؤلف گوید که از این دو حدیث مفهوم میشود که کراهت شعر خواندن در شبهای ماه رمضان زیاده از روزها باشد زیرا که از دو جهت کراهت بهم رسانیده بلکه در روز جمعهای آنماه نیز از دو جهت کراهت دارد و در شبهای جمعه آنماه از سه جهت و اگر کسی در مکه معظمه بوده باشد از چهار جهت کراهت خواهد داشت والله تعالی یعلم چهارم حجامت کردن و در روایات بسیار نهی از آن وارد شده و بعضی از روایات دلالت بر جواز آن میکند بلکه در روایتی وارد شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالت روزه حجامت فرموده و جمع میان الاخبار چنانچه از بعضی روایات نیز ظاهر میشود آنست که هرگاه خوف ضعف باشد مکروه است زیرا که ممکن است که باعث آزار شود و افطار نماید و اگر خوف ضعف نباشد کراهت ندارد خصوصا هرگاه احتیاج بآن شده باشد و از بعضی روایات ظاهر میشود که در ماه رمضان بهتر آنست که در شب حجامت واقع شود و ائمه علیهم السلام هرگاه در آنماه محتاج میشده اند در شب حجامت میکرده اند و این

حکم پوشیدن جامه تر

حکم شعر خواندن

حکم حجامت کردن

حکم دندان کندن

حکم حمام رفتن روزه دار

در باب کفارهٔ افطار ماه مبارک رمضان

روایات محمول است بر صورتی که اگر تأخیر واقع شود ناشتا ضرر بکند و اگر فوراً ضرور شود و تأخیر آن ضرر رسانده
باشد البته در روز باید واقع شود والله تعالی یعلم بحکم دندان کندن چنانچه کلینی رضی الله عنه بسند موثق از
عمار بن موسی ساباطی روایت کرده است که از حضرت صادق سؤال نمود از آنکه صایم دندان
خود را میتواند کند حضرت فرمود که نه و همان خون در آنچه بیرون نیاید و سواک بچوب تر نیز نکند
و علما این حدیث را حمل نموده اند بر صورتی که کندن دندان باعث ضعف شود و تعمیم این حکم
نموده اند در هر چیزی که از بدن بیرون آید و باعث ضعف شود مانند فصد کردن و غیر آن و در
قایل بکراهت شده اند بشتم حمام رفتن که باعث ضعف شود چنانچه کلینی رضی الله عنه از حضرت امام محمد
روایت کرده است از مردی که داخل حمام میشود در حالت روزه فرمود که باکی نیست تا ایام که خوف ضعف
نداشته باشد و در بعضی از روایات تجویز آن وارد شده و آن محمول است بر صورت اباحت یا
صورتی که خوف ضعف نباشد یا ضرور شده باشد والله تعالی یعلم **تذنیب** بدانکه اشهر
میان علمای شیعه رضوان الله علیهم در باب کفارهٔ افطار روزهٔ ماه مبارک رمضان آنست که
مخیرست میان بنده آزاد کردن و دو ماه روزه داشتن و شصت مسکین طعام دادن و بعضی
ترتیب قایل شده اند یعنی واجبست اولا بنده آزاد کردن و اگر قادر بر آن نباشد دو ماه روزه
بگیرد و اگر بر آن نیز قدرت نداشته باشد شصت مسکین را طعام دهد و قول اول نزد جمعی از
محققین اقوی و احتیاط در مراعات قول ثانی است و مراد از بنده آزاد کردن مطلق بنده است و شامل
غلام و کنیز و بالغ و نابالغ هر دو هست و آیا ایمان در او شرط هست یا آزاد کردن بندهٔ غیر مؤمن
نیز مجزیست درین باب خلافست و احوط رعایت ایمانست و مشهور آنست که غلام و کنیز گریخته
را آزاد میتوان کرد تا علم بمرگش بهم نرسد و بعضی شرط کرده اند که باید خبری از او برسد و بعضی
ظن حیات را شرط کرده اند و باید که آن بنده کور و قطاع خورده و پیسی و زمینگیر نباشد و نوعی
جراحتی که موجب عتق او باشد با او نرسانیده باشد و بعضی گفته اند که باید خصی و [illegible] نکرده
نباشد و ولد الزنا نیز نباشد و مراد از دو ماه روزه داشتن آنست که متوالی و پی در پی باشد
و توالی بیکماه و یکروز که متصل بگیرد حاصل میآید یعنی که اگر بعد از آن بی عذر افطار
نماید باید از سر بگیرد و آیا تفریق بعد از سی و یکروز بدون عذر جایز است یا حرام درین باب
خلافست و احوط رعایت توالی در مجموع است بعدد و اگر پیش از یکماه و یکروز بی عذری
افطار کند از سر میگیرد و اگر بجهة عذری باشد مانند حیض و نفاس و بیهوشی و دیوانگی
و بیماری و سفر ضروری بعد از زایل شدن عذر بنا میگذارد و تمام میکند و مراد از طعام دادن
شصت مسکین موافق مشهور میان علما آنست که بهریک آنقدر طعام بخورانند که سیر شود و
ظاهر اینست که نان گندم و جو و خرما و طعام برنج همه مجزی باشد و احوط آنست که نان خورشی با

نان

نان ضم کند مانند خرما یا گوشت یا سرکه و بعضی گفته اند که چاشت و شام هر دو باید مسکین بخورانند
آنقدر که سیر شود و این احوطست و اگر خواهد طعام را بمسکین میتواند داد و در مقدار آن خلاف
است بعضی یک مد گفته اند و بعضی دو مد و احوط دو مد است و احوط آنست که با آن نان خورشی
بدهد چنانچه بعضی واجب دانسته اند و در طعام دادن کوچک و بزرگ تفاوت نمیکند و احوط
آنست که حصهٔ اطفال را بولی شرعی ایشان بدهد و اگر طعام خورانند ظاهرا صغیر و کبیر را با هم
توان ضم کرد و اگر دو طفل را بجای یکی حساب کند احوطست و در یک کفاره دو حصه را بیک
مسکین نمیتوان داد مگر آنکه مستحق باقی نشود و احوط آنست که تا ممکن باشد بغیر مؤمن ندهد و
بر ایشان بسیار پریشان ندهد که مسکین را وصادق باشد و مد چهار یک صاع است و صاع
یکمن تبریزی و چهارده مثقال و ربعیست بنا بر مشهور و چون در احادیث در تحدید صاع و مد
اختلاف هست احوط آنست که بجای دو مد نیم من شاه تقریبا بدهد و بدانکه اگر کسی از این سه امر
یعنی بنده آزاد کردن و دو ماه پی در پی روزه داشتن و شصت مسکین طعام دادن عاجز
باشد هجده روز روزه میگیرد و احوط آنست که پی در پی بگیرد و اگر از این عاجز باشد مشهور اینست
که استغفار نماید از روی توبه بقصد وجوب و در استغفار لفظ استغفر الله کافیست
و اگر بعد از عجز و اتیان بدل قدرت بر یکی از کفارات ثلث بهم رساند احوط آنست که آنرا نیز بعمل
آورد و در باب افطار قضای ماه رمضان اگر پیش از ظهر افطار نماید جایز است و کفاره ندارد
و اگر زمان بسیار قلیلی بظهر مانده باشد افطار حرام است ولیکن کفاره ندارد بنا بر مشهور و
اگر بعد از ظهر افطار نماید مشهور میان اصحاب حرمت و وجوب کفاره است و کفارهٔ آن آنست
که ده مسکین را طعام بدهد و اگر عاجز شود سه روز روزه بگیرد و اگر از آن نیز عاجز شود استغفار
نماید بنا بر مشهور والله تعالی یعلم حقایق الامور **مقصد دویم** در بیان شرایط صحت روزهٔ
ماه مبارک رمضان است بدانکه شرایط روزه چند امرست **اول** بلوغ و بلوغ پسر بچند چیز
حاصل میشود اول تمام شدن پانزده سال دویم باحتلام سیم بروئیدن موی درشت در پیش زهار
و بلوغ دختر بدو علامت آخر پسر حاصل میشود و بچند چیز دیگر اول تمام شدن نه سال دویم
دیدن خون حیض سیم حامله شدن و سنت است که ولی طفل هفت سالگی او را بروزه داشتن
بازدارد بهر قدری که تواند گرفت اگر بعضی از روز باشد و در باب پسر در نه سالگی بالعزم بیشتر
بکند و در سیزده سالگی بیشتر و احوط در سیزده سالگی آنست که تکلیف روزه نماید بانکه تمام را بگیرد
دویم عقلست پس صحیح نیست روزهٔ دیوانه و مغمی علیه یعنی کسی که بیهوش شده باشد بلکه بر ایشان
واجب نیست و بعد از آنکه دیوانه عاقل شود یا مغمی علیه بهوش آید قضا هم بر ایشان واجب نیست
و بر مغمی علیه مستحب است که روزهٔ ایام اغما را قضا کند اگر باختیار بیهوش شده باشد و اگر

در بیان شرایط صحت روزه ماه مبارک رمضان

علامات بلوغ پسر

علامات بلوغ دختر

عمداً چیزی خورده باشد و بیهوش شده باشد قضا بر او لازم است سیم اسلام پس صحیح نیست روزهٔ
کافر هر چند بر او واجب است ولیکن بعد از اسلام قضا بر او واجب نیست ببرکت اسلام چهارم
آنکه صحیح باشد پس صحیح نیست روزهٔ بیمار هرگاه روزه ضرر رساند به بیماری او یا آنکه سبب زیادتی
مرض او شود یا سبب آن شود که طول بهم رساند ولیکن واجب است که بعد از صحت روزهٔ ایام مرض را
قضا نماید و در ضرر رجوع بنفس خود میکند اگر خود یابد که روزه مضر است افطار میکند
و اگر خود نیابد رجوع با طبیبان حاذق عادل میکند پس اگر دو طبیب عادل بتصدیق ضرر نمایند
افطار میکند و اگر ایشان اختلاف نمایند یا حاذق نباشند یا عادل نباشند احوط آنست که
روزه را بگیرد و اگر ضرری بیابد افطار کند والا روزه را بگیرد و قضا نیز بکند و اگر یک طبیب حاذق
عادل بتصدیق ضرر نماید جمعی گفته اند که افطار میکند و احوط در این صورت گرفتن روزه و
قضا است پنجم آنکه مسافر سفر شرعی نباشد پس اگر سفر واجب یا مستحب یا مباح رفته باشد
افطار مینماید و بعد از انقضای سفر قضا میکند ولیکن سنت است که چیزهای بسیار نخورد و آب بسیار
نیاشامد و با زنان در روز مقاربت ننماید و بعضی جماع را حرام دانسته اند و اگر سفر او سفر
معصیت باشد یا برای صید لهو باشد یا کثیر السفر باشد مانند مکاری و ملاح و صحرا نشین
که طالب آب و علف اند روزه را میگیرد و جمعی از علما گفته اند که هرگاه بر شخصی طلب علم واجب
باشد و در سفر ممکن نباشد هرگاه این شخص سفر رود و اگر چه بقصد زیارت قبور ائمه معصومین
علیهم السلام باشد میباید که نماز را تمام کند و روزه را بگیرد و منقولست که فاضل جلیل مولانا احمد
اردبیلی قدس الله روحه هرگاه از نجف اشرف بکربلای معلی بعزم زیارت میآمد در اثنای سواری مطالعه
میکرده و مع هذا جمع میان قصر و تمام مینموده که مبادا سفر معصیت باشد چون در حضر مطالعه
بیشتر میتوان کرد و این نهایت احتیاط است در این باب و بدانکه مسافر سفر شرعی اگر جاهل مسئله
باشد و روزه بدارد روزه اش صحیح است و قضا نمیکند بنا بر مشهور میان علما و اگر در اثنای روز
عالم بمسئله و وجوب افطار شود افطار میکند و قضا میکند و اگر بعضی مسئله را دانند و فراموش
کنند و روزه بگیرند احوط آنست که قضا کنند ششم خالی بودن از جنابت و حیض و نفاس بلکه
بودن استحاضه با اخلال باعمال استحاضه بنا بر بعضی از اقوال معتمد است چنانچه مذکور شد
بدانکه حکم جنابت بتفصیل در مقصد اول مذکور شد و حایض و نفسا در حالت حیض و
نفاس روزهٔ ایشان صحیح نیست و افطار میکنند و بعد از ماه رمضان قضا میکنند و اگر پیش از صبح
پاک شوند واجب است که آن روز را روزه بدارند و احوط آنست که اگر ممکن شود پیش از صبح غسل
کنند والا تیمم کنند احتیاطاً و بیدار باشند تا صبح و اما مستحاضه پس اگر استحاضهٔ او قلیله باشد
از برای هر نمازی وضو میسازد و احوط آنست که در نیت وضو قصد صحت روزه نیز بکند بآنکه

قصد کند که وضو میسازم برای مباح بودن نماز و هر چه مباح میشود بوضو قربة الی الله تعالی
و اگر مستحاضه متوسطه باشد احوط آنست که برای هر نمازی وضو بقصدی که مذکور شد
بسازد و پیش از صبح قریب بصبح غسل را واقع سازد اگر ممکن باشد والا تیمم کند و بیدار
باشد تا صبح را به تیمم دریابد و برای نماز صبح نیز غسلی احتیاطاً بکند و اگر ممکن نشود
تیمم بکند و اگر کثیره باشد اعمال قلیله و متوسطه را بنحوی که مقتضی احتیاط باشد
چنانچه مذکور شد میکند و غسلی را که برای نماز ظهر و عصر میکند احوط آنست که در
نیت غسلی که برای نماز شام و خفتن میکند صحت روزه را بطریقی که در غسل نماز ظهر و
عصر مذکور شد ضم کند و نهایت احتیاط در آنست که متوسطه نیز غسل کثیره را بطریق
مذکور بکند و چون این مسئله در غایت اشکال است و اقوال منتشره در آن هست و بنا بر بعضی
از اقوال اگر اخلال نماید بآنچه مذکور شد روزه اش فاسد بلکه موجب قضا و کفاره
شود لهذا نهایت احتیاط در این باب را مذکور کردیم والله تعالی یعلم و بدانکه اگر طفل
بالغ شود یا دیوانه عاقل شود یا مغمی علیه بهوش آید یا کافر مسلمان شود پیش از صبح آن روز
را واجب است که روزه بدارند و اگر بعد از صبح واقع شود پس اگر قبل از ظهر واقع شده و هنوز
فعل مفطری بجا نیاورده است احوط آنست که بقیهٔ آن روز را امساک نماید و نیت اگر
چنین بکند که امساک میکنم این روز را اگر بعنوان صوم مطلوب شارع بوده باشد صوم
باشد والا امساک مستحب قربة الی الله تعالی و اگر بعد از ظهر موانع ایشان رفع شود یا قبل
از ظهر و مفطری بعمل آمده باشد مستحب است امساک بقیهٔ آن روز و همچنین هرگاه مریض
صحت یابد بعد از ظهر یا قبل از ظهر و افطار کرده باشد سنت است که بقیهٔ آن روز را
امساک نماید و اگر پیش از ظهر صحیح شود و چیزی نخورده باشد واجب است که روزه
بدارد و همچنین اگر مسافر قبل از ظهر بحد ترخص خانهٔ خود رسد یا بحد ترخص شهری
که قصد اقامت ده روز در آن شهر داشته برسد یا بحد ترخص ملکی که در آنجا شش ماه
اقامت داشته برسد و مفطری بعمل نیاورده باشد واجب است که آن روز را روزه بدارد و
اگر بعد از ظهر باشد یا قبل از آن و افطار کرده باشد امساک میکند استحباباً و همچنین
حایض و نفسا هرگاه پاک شوند در اثنای روز امساک میکنند بقیهٔ آن روز را استحباباً
اگر چه بعد از صبح پیش از ظهر پاک شوند و روزهٔ ایشان جایز نیست بلکه قضا میکنند والله
تعالی یعلم باب دویم در بیان آداب روزه و بعضی از فضایل آن شیخ بزرگوار عالی
مقدار محمد بن یعقوب کلینی و شیخ طوسی رضی الله عنهما و دیگران بسندهای معتبر از محمد بن مسلم روایت کرده اند که
حضرت صادق علیه السلام فرمودند که هرگاه روزه داشته باشی باید که روزه باشد گوش تو و چشم تو و

موی تو و پوست تو سفر و چیزهای چند غیر اینها او فرمود که نباید روز روزه تو مانند روز افطار تو باشد

و ایضا از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت نموده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله بجابر بن عبد الله

انصاری فرمود که ای جابر اینک ماه مبارک رمضان است هر که روزه دارد روز آنرا و

بر پا دارد قدری از شب آنرا بعبادت و بعفت نگاه دارد شکم و فرج خود را و زبان خود را

نگاه دارد بیرون آید از گناهان خود مانند بیرون آمدن او از مادر پس جابر عرض نمود که یا

رسول الله چه نیکو حدیثی است این حدیث پس حضرت فرمود که چه بسیار شدید است این شرطها

و از ابن بابویه ره در کتاب مجالس از حضرت صادق از پدران بزرگوارش از رسول خدا صلی الله علیه و آله

روایت کرده است که آن بزرگوار فرمود که هر که ماه رمضان را روزه بدارد و حفظ

نماید فرج و زبان خود را و ترک نماید اذیت مردم را حق تعالی گناهان گذشته و آینده او را

بیامرزد و آزاد کند او را از آتش جهنم و او را در دار القرار ساکن گرداند و قبول شفاعت

او کند در باره گناهکاران که خدا را بیگانگی پرستیده باشند بعدد ریگ بیابان عالج

و در کتاب عقاب الاعمال بسند خود روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در خطبه فرمود که

هر که ماه رمضان را روزه دارد با خاموشی و سکوت و گوش و چشم و زبان و فرج و سایر

جوارح خود را از دروغ و حرام و غیبت نگاه دارد برای رضای الهی حق تعالی او را مقرب

درگاه خود گرداند در بهشت تا آنکه زانوهای او بزانوهای حضرت ابرهیم علیه السلام برسد و شیخ

جلیل سعید شیخ مفید ره در کتاب مقنعه از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت

نموده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر که روزه دارد ماه رمضان را از روی ایمان و توقع

اجر و ثواب و نگاه دارد گوش خود و چشم خود و زبان خود را از مردم حق تعالی روزه او

را قبول نماید و بیامرزد گناهان گذشته و آینده او را و عطا کند با او ثواب صابرین را پس

فرمود که آنحضرت فرمود که بدرستی که کمترین چیزی که حق تعالی بر صایم در روزه اش واجب نموده

ترک طعام و شراب است و سید بن طاوس ره در کتاب اقبال از محمد بن عجلان روایت کرده

است که حضرت صادق علیه السلام فرمود که روزه همین از طعام و شراب نیست که انسان همین چیزی نخورد

و نیاشامد و لیکن هرگاه روزه بدارید باید که روزه باشد گوش و چشم و زبان و شکم

و فرج تو و دست خود را از محارم الهی محافظت نما و اکثر اوقات ساکت باش مگر از حرف

خیر و با خادم خود مدارا کن و احمد بن محمد بن عیسی در کتاب نوادر از آنحضرت روایت

کرده است که جراح مدائنی فرمود که هرگاه روزه بداری باید که گوش و چشم تو از حرام و جمیع

اعضا و جوارح تو از قبیح روزه باشد و ترک کن هرزه و اذیت رسانیدن بخادم را و باید

با تو وقار باشد و قار روزه و مرخود را لازم گردان هر قدر توانی از صمت و سکوت مگر از ذکر

الهی

الهی مکروه اند و روزه او را مانند روز افطار و روز نهار که باز نان مباشرت مکن و مبوس

ایشان را و خنده و قهقهه مکن که اینها حق تعالی را بغضب می آورد و کلینی ره از حضرت امام

جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود که صایم همین امساک از طعام و شراب تنها نمیکند

بدرستی که مریم دختر عمران علیها السلام فرمود انی نذرت للرحمن صوما یعنی بدرستی که من نذر کرده

ام که برای حق تعالی روزه بدارم فرمود که مراد او از روزه سکوت بود پس نگاه دارید زبانهای خود

را و بپوشید چشمهای خود را و بر یکدیگر حسد مبرید و با هم نزاع مکنید بدرستی که حسد ایمان را میخورد

چنانچه آتش هیزم را میخورد و ایضا از آنحضرت روایت نموده اند که فرمود که صایم همین از طعام و

شراب روزه نمیدارد پس فرمود که مریم دختر عمران علیها السلام گفت انی نذرت للرحمن صوما و مراد

او از روزه سکوت بود پس هرگاه روزه بدارید پس حفظ کنید زبانهای خود را و بپوشانید چشمهای

خود را و منازعه مکنید و حسد بر هم مبرید پس فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی شنید زنی را که دشنام

بکنیز خود میداد پس طعام طلب فرمود و بآن زن گفت بخور این طعام را زن گفت که روزه ام حضرت

فرمود که چگونه روزه و حال آنکه دشنام دادی کنیز خود را بدرستی که روزه از طعام و شراب تنها

نیباشد راوی گوید که پس حضرت صادق علیه السلام فرمود که هرگاه روزه بگیری پس باید که گوش و چشم تو از

حرام و قبیح روزه باشد و ترک کن جدال و اذیت رسانیدن بمردم را و باید که وقار تو باشد وقار روزه و خادم خود را

و مکروهات روزه در روز روزه ات را مانند روز افطارت و احمد بن محمد بن عیسی در کتاب نوادر از آنحضرت

روایت نموده است که فرمود صایم از طعام و شراب تنها روزه نمیدارد بلکه از برای روزه شرط

دیگر هست که باید آنرا محافظت نمود تا روزه تمام شود و آن صمت است که داخل در حقیقت

صوم است آیا نشنیده قول مریم دختر عمران را که گفت انی نذرت للرحمن صوما فلن اکلم

الیوم انسیا یعنی من برای خدا نذر کرده ام که روزه بدارم پس با هیچ انسانی سخن نگویم و مراد

او از روزه سکوت بود پس هرگاه روزه بدارید حفظ کنید زبانهای خود را از دروغ و بپوشانید

چشمهای خود را و منازعه مکنید و حسد بر هم مبرید و غیبت مکنید و مراء و جدال مکنید و

دروغ مگوئید و مباشرت با زنان مکنید و قسم یاد مکنید و بر یکدیگر غضب مکنید و دشنام

و فحش مگوئید و با قهرها بد با یکدیگر خطاب مکنید و مجادله با هم منمائید و اذیت بیکدیگر

مرسانید و ظلم مکنید و در لغت مشوید و غافل مشوید از ذکر الهی و از نماز و مداومت خود را

بصمت و سکوت و بردباری و صبر و راست گوئی و از اهل شر دوری کنید و اجتناب کنید

از گفتن ناحق و دروغ و افترا و خصومت و گمان بد بردن و غیبت کردن و سخن چینی کردن

و مشرف بر آخرت باشید در حالتی که مشتاق روزها خود باشید که آن آخرت است و

انتظار برید آن چیزهائی را که خدا وعده فرموده است شما را و خواهش ملاقات حق تعالی داشته باشید

و بر شما باد به آرام دل و آرام تن و خشوع و خضوع و تن ذلیل باشند بنده که از آقای خود خائف باشد
حال کوئی که خوف و رجا و رغبت و رهبت داشته باشید و پاک کرده باشید دلهای خود
را از عیوب و سینهای خود را از غل و غش و حسدهای خود را از نجاسات و باید که بری
جسته باشی از دشمنان خدا و دوست داشته باشی خدا و دوستان خدا را در حالت روزه
و ساکت و صامت باشی از جمیع جهات از چیزها که حق تعالی نهی فرموده است از کردن آنها
در پنهان و آشکار و در بدو و حالت کمال خشیت الهی در دل تو باشد و نفس خود را بحق تعالی
بخشیده باشی در ایام روزه و خاطر خود را برای خدا فارغ کرده باشی و تصفیه کرده باشی دل
خود را در آنچه خدا بآن امر فرموده و ترا بآن خوانده است پس هرگاه همه اینها را بجا آوری
روزه حقیقی را برای خدا گرفته خواهی بود و با امر الهی عمل کرده و هرقدر که خلل رسانی باینها
روزه تو بآن قدر ناقص شده است پس فرمود که روزه همین از طعام و شراب نیست که
حق تعالی امساک از طعام و شراب را حجابی برای سایر منهیات کرده است پس فرمود که
چه کمند روزه داران و بسیارند گرسنگان و محمد بن یعقوب کلینی بسند خود از حضرت صادق
ع روایت کرده است که رسول خدا ص فرمود که صائم پیوسته در عبادت الهی است هرچند در
فراش خود خوابیده باشد مادام که غیبت مسلمانی نکند و ایضا کلینی و ابن بابویه رحمهما الله
از آنحضرت روایت کرده اند که آنحضرت از پدران بزرگوارش روایت فرمود که رسول خدا ص
فرمود که هر که روزه باشد و با او دشنام دهند پس او گوید که سلام علیک من روزه ام بفرمود حق تعالی
بنده ام چنانچه تو دشنام داده بودن حق تعالی فرماید که بنده من پناه آورده به روزه من از
شر بنده دیگر من بدرستی که امین ساختم او را از آتش جهنم و ایضا کلینی و شیخ طوسی طاب
ثراهما بسند خود از آنحضرت روایت کرده اند که فرمود که هرگاه یکی از شما صبح کرد و از هر ناهی
روزه بدارد پس جهاد لم با کسی نکند و تحمل بورزد و دشنام دهد نگوید بجدا و بفحاش
نکند و اگر کسی با او جدال کند و جهل بورزد پس متحمل شود و حلم کند و سید بن طاوس ره در
کتاب اقبال از حضرت امام محمد باقر ع روایت کرده است که بلیت دروغ و نظر بعد از نظر ها
محرم و ظلم کردن خواه اندک و خواه بسیار مفطر صوم اند و روزه را می‌شکند مؤلف گوید که
مراد از نظر بعد از نظر نظر دوم است در وقتی که نظر اول از روی عمد نباشد و عیب الشان
نظر اول بر حرام افتاده باشد و آنچه وارد شده که اینها روزه را می‌شکند بر سبیل مبالغه است
و مراد این است که از بسکه ثواب روزه را ناقص میکنند گویا میشکنند آنرا والله تعالی یعلم و بعضی
از این آداب در ضمن روایات دیگر نیز مذکور است و در ابواب آینده مذکور خواهد شد انشاء الله
باب سیم در بیان سر تکلیف صوم و سبب تعیین عدد آن و بعضی از فضایل آن

در بیان سر تکلیف صوم و سبب تعیین عدد آن و بعضی از فضائل

بدانکه از اخبار و احادیث در باب علت و سبب تکلیف باصل عبادت صوم چند وجه ظاهر
می‌شود چنانچه شیخ بزرگوار ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی رفع الله درجته از حمزة بن محمد
روایت کرده است که او عریضه بخدمت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام نوشت که چرا حق
تعالی روزه را بر مردم واجب کرده است حضرت در جواب نوشت که از برای آنکه غنی و مالدار
الم گرسنگی را بیابد و بر فقیر رحم و مهربانی نماید و ابن بابویه رحمه الله در کتاب من لا یحضره الفقیه
بسند صحیح روایت کرده است که هشام بن الحکم از حضرت امام جعفر صادق ع سؤال نمود از
علت واجب شدن روزه حضرت فرمود که حق تعالی روزه را واجب کرد است برای آنکه بسبب آن
غنی و فقیر با یکدیگر مساوی شوند زیرا که اغنیا چون هرچه خواهند بر آن قدرت دارند
برای ایشان میسر است نمی‌یابند الم گرسنگی را که ترحم بر فقرا کنند پس حق تعالی خواست که همه
خلایق را با یکدیگر مساوی کند و الم گرسنگی بتوانگران بچشاند تا رقت کنند بر ضعیفان و
ترحم کنند بر گرسنگان و ایضا در کتاب مذکور بسند خود از حضرت امام رضا ع روایت کرده
است که آنحضرت در جواب مسائل محمد بن سنان نوشت که علت روزه داشتن آنست که آدمی
تعب گرسنگی و تشنگی را بیابد تا ذلیل و خاکسار و محتاج در نزد پروردگار و تضرع کننده و بر مشقت
و آزار باشد و این فعل او را راهنمائی باشد او را بر سختیهای آخرت با آنکه بسبب روزه داشتن
سورت شهوات و خواهشهای نفسانی شکسته می‌شود و روزه پند دهنده او است در دنیا
که شدت و گرسنگی فقرا را بداند و راهنمائی است بر گرسنگی روز قیامت و شیخ طوسی طیب الله
تربته در کتاب تهذیب بسند خود از عثمان بن مظعون روایت کرده است که گفت عرض کردم بخدمت
رسول خدا صلی الله علیه و آله که یا رسول الله میخواهم که چند چیز را از حضرت تو سؤال نمایم فرمود
چه چیز است آنها ای عثمان عرض کردم که میخواهم رهبانیت را اختیار کنم فرمود مکن ای عثمان
بدرستی که رهبانیت امت من آنست که در مساجد بنشینند و انتظار نماز بکشند بعد از آنکه
نماز پیش را کرده باشند پس عرض کردم که یا رسول الله میخواهم خود را خصی کنم فرمود مکن ای
عثمان بدرستی که خصی کردن امت من در روزه است مؤلف گوید که چون روزه باعث کسر شهوات
می‌شود چنانچه در حدیث سابق اشاره بآن شده بود پس عبارت اینست که آدمی خود را خصی نماید
و چنانچه بعضی از امم سابقه مردم مکلف بوده اند که برای دفع قوت شهوت خود را خصی نمایند
حق تعالی از راه تفضل و مرحمت باین امت تسهیل امر بر ایشان بعوض اختصا روزه را
برای کسر قوای شهوانی بایشان تکلیف فرموده است و ایضا شیخ در کتاب مذکور بسند خود
از حضرت امام جعفر صادق ع از پدر بزرگوارش از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیهم
روایت کرده است که آنحضرت فرمود که سه چیز است که بلغم را برطرف میکند و حافظه را زیاد

میکند مسواک کردن و روزه داشتن و قرائت قرآن مؤلف گوید که چون روزه باعث تخفیف
رطوبات بدن میشود لهذا بلغم را برطرف میکند و برطرف شدن بلغم باعث زیادتی حافظه
میشود و اما سبب تعیین عدد آن پس ابن بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه بسند خود
از حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام روایت کرده است که جماعتی از یهود بخدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمدند
پس داناترین ایشان از آنحضرت سؤال نمود از مسئله چند و از جمله آنها این بود که چرا حق تعالی
بر امت تو روزه سی روز را واجب کرده است و حال آنکه بر امتهای دیگر زیاده از این را واجب کرده
است حضرت فرمود بدرستی که آدم علیه السلام چون از شجره منهیه تناول نمود سی روز در شکم او باقی
ماند پس حق تعالی بر فرزندان او گرسنگی و تشنگی سی روز را واجب کرده است و آنچه را در شب
تناول مینمایند تفضلی است از جانب حق تعالی بر ایشان و بر آدم نیز سی روز واجب بود
پس حق تعالی همان سی روز را بر امت من واجب کرده است پس حضرت این آیه را تلاوت فرمود
کُتِبَ عَلَیْکُمُ الصِّیَامُ کَمَا کُتِبَ عَلَی الَّذِینَ مِنْ قَبْلِکُمْ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ اَیَّاماً مَعْدُودَاتٍ
که ترجمه ظاهرش اینست که نوشته شده و واجب کرده اند بر شما روزه چنانچه واجب شده بود
بر جماعتی که پیش از شما بودند شاید که پرهیزکار شوید روزه در چند روز معدوده بر شما واجب
شده است یهودی گفت راست گفتی ای محمد پس چه چیز است جزای کسی که این سی روز را روزه بدارد
فرمود که هیچ مؤمنی نیست که روزه دارد ماه رمضان را با نیت خالص مگر آنکه حق تعالی برای او
هفت خصلت را واجب میگرداند اول میگدازد گوشت حرامی که در جسد او روئیده است
دویم آنکه نزدیک میشود برحمت الهی سیم کفاره گناه پدر خود آدم علیه السلام را داده است چهارم سکرات
مرگ را براو آسان میسازد پنجم از گرسنگی و تشنگی روز قیامت ایمن میشود ششم حق تعالی
برات نجات از آتش جهنم را باو عطا میفرماید هفتم اطعام مینماید او را از طیبات بهشت یهودی
گفت راست فرمودی ای محمد مؤلف گوید که از این حدیث شریف بعضی از وجوه دیگر بغیر حکمت
سابقه برای تکلیف اصل روزه ظاهر میشود چنانچه بر متأمل خبیر پوشیده نیست و ایضا در
کتاب مذکور بسند خود از حفص بن غیاث روایت کرده است که گفت شنیدم از حضرت صادق
علیه السلام که میفرمود حق تعالی روزه ماه مبارک رمضان را بر هیچ امتی قبل از ما واجب نکرده
است من عرض کردم پس چه میفرماید در این آیه کریمه یا ایها الذین امنوا کتب علیکم الصیام
کما کتب علی الذین من قبلکم فرمود که حق تعالی روزه را بر پیغمبران گذشته واجب کرده بود
نه امتهای ایشان و این امت را بر امتهای دیگر فضیلت داد و روزه ماه رمضان را بر رسول
خدا صلی الله علیه و آله و امت او واجب کرده است چنانچه بر پیغمبران گذشته واجب کرده بود و شیخ طوسی ره
در کتاب تهذیب بسند خود از آنحضرت روایت کرده است که حق تعالی به بندگان خود زیاده

از

در بیان فضیلت روزه و ثواب آن

از طاقت ایشان تکلیف نفرموده است پس حضرت هدایای الهی را بیان فرمود و فرمود که سالی
روزه یکماه را بر ایشان واجب ساخت و حال آنکه ایشان زیاده از آنرا طاقت داشتند باب
چهارم در بیان فضیلت صوم و ثواب آن شیخ بزرگوار ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی احله الله فی
غرف الجنان بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود بنا گذاشته شده
است اسلام بر پنج چیز اول نماز دویم زکوة سیم حج چهارم روزه پنجم ولایت ما اهل بیت
و ایضا بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق از پدران بزرگوارش صلوات الله علیهم روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله
با اصحاب خود فرمود که آیا میخواهید خبر دهم شما را بچیزی که اگر آنرا بجا آورید شیطان از شما
دوری کند چنانچه دوری مشرق از مغرب ایشان گفتند بلی فرمود که روزه روی شیطان را
سیاه میکند و صدقه پشت او را میشکند و محبت در راه خدا و مداومت بر عمل صالح عقب او را
قطع میکند و استغفار بقتل میرساند او را و از برای هر چیزی زکوتی است و زکوة بدنها روزه
است و ایضا از آنحضرت روایت کرده است که بمعلی بن عبد العزیز فرمود که آیا میخواهی ترا
خبر دهم بدرهای خیر بدرستی که روزه سپری است از آتش جهنم و ایضا از آنحضرت
روایت کرده است که فرمود که پدرم میفرمود که گاه هست که کسی روزه سنت میگیرد برای آنچه
نزد حق تعالی هست از ثواب پس حق تعالی باین سبب او را داخل بهشت میکند و ابن بابویه ره
در کتاب مجالس از آنحضرت از پدر بزرگوارش روایت نموده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که
هر که یکروزه سنت بگیرد برای طلب ثواب الهی واجب شود برای او مغفرت و کلینی ره بسند خود
از آنحضرت روایت کرده است که هر که از برای خدا یک روز را در وقت شدت گرما روزه دارد
و برسد باو تشنگی حق تعالی موکل فرماید باو هزار ملک را که روی او را پاک کنند و بشارت
دهند او را تا چون افطار کند حق تعالی باو فرماید که چه طیب و پاکیزه است بوی تو و نسیم
تو ای ملائکه من گواه باشید که من آمرزیدم او را و شیخ مفید ره در کتاب مقنعه بسند خود
از پدر بزرگوارش علیهم السلام روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که خوشا حال کسی که
تشنه یا گرسنه شود در راه خدا ایشانند که در روز قیامت سیر میگردند و کلینی ره از آنحضرت
روایت کرده است که هر که روزه خود را پنهان کند و اظهار ننماید حق تعالی ملائکه فرماید که بنده من
پناه آورده است بما از عذاب من پس پناه دهید او را و موکل فرموده است ملائکه خود را بدعا
کردن برای روزه داران و حق تعالی امر نفرموده است ملائکه را بدعا کردن برای کسی مگر آنکه مستجاب
میفرماید و ابن بابویه ره در کتاب فضایل شهر رمضان بسند خود از حضرت امام رضا علیه السلام
که از برای خدا ملکی چند هست که موکلند بصائمین و صائمات و بالهای خود را بر ایشان میمالند
و گناهان را از ایشان فرو میریزند و از برای خدا ملکی چند هست که ایشان را موکل نموده است

بدعا برای صائمین و صائمات که عدد ایشان نزد کسی معلوم نیست بغیر خدا و کلینی ره از حضرت صادق ع از
پدران بزرگوارش صلوات الله علیهم روایت نموده که رسول خدا ص فرمود که حق تعالی جمعی از ملائکه را
موکل فرموده است بدعا کردن برای صائمین و فرمود که جبرئیل مرا خبر داد از جانب حق تعالی که فرموده
است که من امر نکرده ام ملائکه خود را بدعا کردن از برای احدی از خلق مگر آنکه دعای ایشان را در
باره او مستجاب نموده ام و ایضا از آنحضرت روایت نموده است که خواب صائم عبادت است و
نفس او تسبیح است و ابن بابویه ره در کتاب ثواب الاعمال از آنحضرت روایت کرده است که خواب
صائم عبادت است و سکوت او تسبیح است و عمل او مقبول است و دعای او مستجاب است و کلینی ره
بسند خود از آنحضرت روایت نموده است که حق تعالی وحی فرمود بحضرت موسی ع که چه چیز مانع
شده است ترا از مناجات من گفت که پروردگارا ترا بزرگ میدانم از آنکه مناجات کنم با وجود
بوی بد دهان روزه دار پس حق تعالی وحی فرمود که ای موسی بوی بد دهان روزه دار خوشتر است نزد من
از بوی مشک و ایضا از آنحضرت روایت نموده است که صائم هرگاه ببیند جماعتی را که چیزی
میآشامند تسبیح مینماید برای او هر موئی که در بدن اوست مؤلف گوید که ظاهر مراد اینست که
بعدد هر موئی که در بدن او هست ثواب تسبیح میدهند و الله یعلم و ابن بابویه ره در کتاب مجالس بسند خود
از زید پسر حضرت امام زین العابدین از پدر بزرگوارش از جدش صلوات الله علیهم روایت کرده
است که حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود که در بهشت درختی هست که از بالای آن
بیرون میآید حلها و حلل و از پایین آن بیرون میآید اسبهای ابلق زین کرده لجام کرده صاحب بال که
سرگین نمیاندازند و بول نمیکنند پس سوار میشوند بر این اسبها دوستان خدا و طیران میکنند در بهشت
بهر جا که خواهند پس جمعی که در جزء ایشان نیست تراست میگویند پروردگارا چه چیز این بندگان
ترا باین کرامت رسانید حق تعالی میفرماید که ایشان شبها را بعبادت برپا میداشتند و خواب
نمیکردند و روزها را روزه میداشتند و چیزی نمیخوردند و با دشمنان خدا جهاد میکردند و از
نمیترسیدند و تصدق میکردند و بخل نمیورزیدند و صاحب کتاب صفات الشیعه بسند خود
از حضرت صادق از پدران بزرگوارش علیهم الصلوة والسلام روایت کرده است که حضرت رسالت ص
فرمود که قوت مؤمن در دل اوست آیا نمیبینید که شما بدن مؤمن را ضعیف و جسد او را لاغر
و نحیف مییابید و اوست که عبادت برپا داشته است و روز را روزه داشته است و ابن
بابویه ره در کتاب فضایل شهر شعبان بسند خود از حضرت امام رضا ع روایت کرده است که
قلم بر صائم جاری نمیشود تا افطار نماید و شیخ مفید ره در کتاب مقنعه از حضرت صادق علیه السلام
روایت کرده است که صائم سیر میکند در باغهای بهشت و ملائکه برای او استغفار میکنند
تا افطار کند مؤلف گوید که ظاهر عبارت حدیث آنست که سیر کردن در باغهای بهشت در حالت

روزه

روزه باشد و مراد این باشد که آنقدر ثواب باو میدهند که گویا در باغهای بهشت سیر میکند و
محتمل است که سیر کردن در باغهای بهشت در آخرت باشد و استغفار ملائکه در دنیا باشد
و کلینی ره بسند مرسل از حضرت امام جعفر صادق ع روایت کرده است که هرگاه حادثه
عظیمی نازل شود روزه بدارید بدرستی که حق تعالی میفرماید و استعینوا بالصبر و الصلوة
یعنی استعانت جوئید بصبر و نماز و مراد از صبر روزه است و ایضا علی بن سوید روایت نموده
است که گفت شکایت کردم بحضرت امام موسی کاظم ع از شکی حضرت فرمود که روزه بدار و
تصدق بکن و کلینی ره بسند خود از حضرت امام محمد باقر ع روایت کرده است که رسول خدا ص
فرمود که حق تعالی میفرماید روزه از برای من است و من جزا میدهم آنرا و ابن بابویه در کتاب خصال بسند خود
از ابن عباس روایت کرده است که حضرت رسالت پناه ص فرمود که حق تعالی میفرماید که هر عملی که
فرزند آدم برای اوست مگر روزه که از برای من است و من جزا میدهم آنرا و روزه سپر بنده مؤمن است
از آتش جهنم در روز قیامت چنانچه سلاح در دار دنیا نگاه میدارد شما را و بوی دهن صائم نزد خدا
خوشتر است از بوی مشک و از برای صائم دو مسرت و خوشحالی هست یکی در وقت افطار که طعام
شراب تناول میکند و دیگری وقتی که مرا ملاقات میکند پس او را داخل بهشت میکنم تحقیق
بدانکه آنچه در بسیاری روایت وارد شده که روزه از برای من است و من جزا میدهم آنرا در روایات بسیار باسانید
معتبره وارد شده است و در بعضی از آنها چنانچه در روایت ثانی مذکور است اینست که هر عملی که
فرزند آدم برای اوست بغیر روزه که برای من است و در این مقام دو اشکال متوجه میشود اشکال اول آنکه
هر عملها از حیثیت نفع و ثواب و جزای در دنیا و آخرت از برای صاحب عمل است و از جهت خلوص حقیقت
و خلق از شوائب ریا از برای خدا است پس چگونه میفرماید که همه اعمال فرزند آدم برای اوست بغیر روزه
که آن از برای من است و جواب حق از این اشکال اینست که روزه از جمله اعمال باطنیه است محتاج
باستعمال الجوارح و اعضا نیست و باین سبب مخفی و مستور از نظرهاست و بغیر جناب مقدس حق تعالی
احدی را بر او اطلاع حاصل نیست چه حقیقت روزه عبارت است از کف نفس از مفطرات و این
امر قلبی است و اکل و شرب و سایر مفطرات چیزی چند است که در خلوات میتوان مرتکب آنها شد که احدی
بر آن مطلع نگردد و سایر اعمال چون باستعمال الجوارح و آلات بدنی و افعال و اعمال الظاهری موقوف است
البته جمعی را اطلاع بر آنها حاصل میشود و باین سبب سایر اعمال از طاعات و عبادات اگرچه
بحسب باطن و خلوص نیت نیز مخصوص حق تعالی است ولیکن بحسب ظاهر و استعمال الجوارح و اعضاء
بصاحب عمل منسوبست بغیر روزه که جهت اول در آن مفقود و جهت ثانی نیز نهان و موجود است
و باین جهت حق تعالی فرموده که همه اعمال فرزند آدم برای اوست یعنی بحسب ظاهر بغیر عمل روزه که آن از
برای من است اشکال دوم آنکه جزای همه اعمال الخیر بلکه اعمال الشر را نیز حق تعالی میدهد پس چگونه مخصوص

روزه میفرماید که من جزای آنرا خود میدهم و جواب این اشکال آنست که مراد از جزا دادن حق تعالی آنست که
جزای عمل روزه را بملک نمیگذاریم بلکه خود جزای آنرا میدهد زیرا که این عمل مستحق جزای بسیار است
که ملک را اطلاع بر کیفیت آن نباشد چنانچه ابن بابویه در کتاب معانی الاخبار بسند خود از حضرت
رسالت پناه روایت نموده است که حق تعالی فرموده که هر جزای اعمال فرزند آدم را بملائکه گذاشتم و ده اضعاف آنها
از ده برابر تا هفتصد برابر مگر صبر که آن از برای من است و من جزا میدهم آنرا پس ثواب صبر در علم الهی
مخزون است و مراد از صبر روزه است و محقق ثانی گفته که این معنی باعتبار مزید شرافت و کرامت روزه است
در میان اعمال و بعضی از علما در بیان وجه شرافت آن گفته اند که چون روزه مخفی و مستور از خلایق
است چنانچه مذکور شد باین جهت از ریا دورتر از سایر اعمال است و باین جهت مزید کرامت عنایت
و جمعی وجوه دیگر گفته اند اول آنکه روزه متضمن ترک مشتهیات و مستلذات نفسانی است از
اکل و شرب و مباشرت زنان و سایر محرمات و مکروهات و باین جهت مزید کرامت عنایت است
دویم آنکه روزه متضمن خلاء جوف از کثافات و فضلات ظاهری و صفای باطن از صفات
ذمیمه نفسانی است و این صفت شبیه است بصفت صمدیت حق تعالی است سیم آنکه بسبب روزه
قوای شهوی ضعیف و منکسر میگردد و قوت عاقله غالب و مستقل میشود و باین جهت استعداد
ادراک حقایق و معارف و حکم بیشتر بهم میرسد و لهذا در حدیث وارد شده که حکمت داخل
نمیشود در دلی که پر از طعام باشد چهارم آنکه جماعت مشرکین سایر اعمال را برای غیر خدا از
آلهه که آنها را میپرستیدند میکردند بغیر روزه که هیچ فرقه از فرق کفار این عبادت را برای خدایان
خود بجا نیاوردند مگر طایفه قلیلی از جماعتی که کواکب را عبادت میکردند و بعضی از متاخرین
کرامت روزه را منشأ جمیع وجوه مذکوره نموده اند و کمال فقیر آنست که این وجوه اگر چه که
امتیاز روزه و مزید کرامت آن هست لیکن علت زیاده بودن ثواب آن از سایر اعمال آنست
که روزه متضمن صبر است و ثواب صبر در نظر حق تعالی عظیم است و لهذا ثواب آنرا زیاده
از ده برابر تا هفتصد برابر میدهد در قرآن مجید میفرماید انما یوفی الصابرون اجرهم
بغیر حساب یعنی اجر و ثواب صبر کنندگان داده میشود بی حساب و این معنی از حدیثی که از — جزای
معانی الاخبار نقل شده ظاهر میشود چنانچه بر متامل پوشیده نیست بلکه ظاهر میشود که در
آیه کریمه نیز مراد این است که جزای صابرون بی حساب است یعنی زیاده از ده برابر و هفتصد برابر است
و کسی بغیر حق تعالی آنرا نمیداند و الله تعالی یعلم و شیخ مفید در کتاب مقنعه بسند خود از حضرت امام — مقدار
محمد باقر علیه السلام روایت نموده است که مؤمن هر گاه شب را بعبادت بر پا دارد و روز آنرا روزه بدارد کتابت حسنه
برا و نوشته نمیشود و گناهی بر او نمینویسد مگر آنکه حق تعالی برای او حسنه مینویسد و بکلمه تکلم نمیکند
مگر آنکه برای او حسنه ثبت میفرماید و اگر روح او را بعلیین بالا میبرد و اگر زنده باشد تا افطار نماید

او را در زمره

در بیان فضایل ماه رمضان

او را در زمره اوابین مینویسند و بدانکه بعضی از فضایل روزه و ثواب آن در ضمن احادیث باب سابق
مذکور شد و بعضی در ضمن اخبار ابواب آینده مذکور میشود انشاء الله تعالی و الله تعالی هو الموفق
باب پنجم در بیان فضایل ماه مبارک رمضان بدانکه این ماه در میان ماههای سال افضل
و اشرف و اکمل از همه است و باین جهت حق تعالی روزه آنرا واجب کردانیده و آنرا محل عبادت و مناجات
و ثنای خود قرار داده و بیان سر این معنی بر سبیل اجمال آنست که چون غرض اصلی و مقصد کلی از ایجاد عالم امکان
و تکلیف بنی نوع انسان معرفت حق تعالی و عبادت او است و علاوه برین تمام اوقات زندگانی که سرمایه
تجارت معارف ربانی است باید در تحصیل این موهبت عظمی مصروف کردد و چون حکیم علی
الاطلاق و مصلحتی شامله معبود باستحقاق چنان اقتضا مینماید که هر فردی از افراد این نوع در امور
معاش بدیگری محتاج و سرانجام زندگانی هر یکی منوط به تلاش باقی افراد منوط باشد لاجرم صرف تمام
اوقات عمر در تحصیل معرفت و اشتغال بعبادت متعذر است لهذا در میان ماههای سال چند ماه
ممتاز و در میان آنها یکی را اشرف و افضل از همه کردانیده روزه آنرا واجب کردانیده و ثواب عبادت
در آن مضاعف نموده و ماه قبل از آن که ماه رجب و شعبان است نیز بمزید کرامت ممتاز و مربوط
بماه مبارک رمضان نموده از قبیل ربطی که نوافل را با فرایض هست قرار داده و ماه گویا از مقدمات
ماه مبارک رمضان و بمنزله نافله آن ماه است و بسبب عبادت در آن دو ماه صفای باطن و خلوص
نیتی حاصل میشود و استعداد عبادت ماه رمضان تمام میشود و اگر مسامحه و مساهله در اعمال ماه
رمضان واقع شود جبر آن بعبادات این دو ماه واقع میشود و چنانچه نوافل رفع ضعف موارد
فرایض میباشد همچنین این دو ماه که در حکم نافله ماه رمضان است ضعف ماه مبارک رمضان است
و سر این باب در سبب آخر نیز اول مذکور شد و از این تحقیق ظاهر میشود سر آنکه حق تعالی
میان اوقات ماه لیالی بعضی و ایام بعضی را بمزید امتیاز فضیلت داده و همچنین در میان اوقات
هفته شب جمعه و روز آنرا ممتاز و در میان اجزاء شبانه روز اوقات صلوات را امتیاز داده
است و این تحقیق از جمله افادات والد ماجد علامه مرام ادام الله تعالی ایامه است که در بعضی از
مؤلفات خود ذکر نموده و بدانکه تسمیه این ماه مبارک برمضان بجهة آنست که رمضان مشتق
از رمض است و رمض بمعنی شدت گرمی و حرارت است و چون روزه باعث گرمی و حرارت در احشای
صائمین از آتش جوع و عطش میشود باین جهت باین نام نامیده اند و بعضی گفته اند که بجهت سوختن
گناهان روزه داران و برطرف شدن آنها باین نام نامیده اند و بعضی دیگر گفته اند که در وقت
تسمیه این ماه باین اسم عین شدت گرما واقع بوده و باین جهت باین اسم نامیده اند و از احادیث
و اخبار ظاهر میشود که رمضان اسم جناب مقدس الهی است و باین جهت نهی از گفتن رمضان بی ضم شهر
وارد شده است چنانچه کلینی رحمه الله از سعد روایت کرده است که گفت ما هشت نفر در خدمت حضرت امام محمد باقر

بیان وجه تسمیه ماه مبارک برمضان



بوده و رمضان نزد آمد کو در سا ختیم حضرت فرموده که مگوئید این رمضان است و شد رمضان و نیز رمضان آمد
زیرا که رمضان اسمی از اسماء مقدسه خداست و ایضا از حضرت صادق از پدر بزرگوارش روایت
کرده است که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرموده که رمضان مگوئید ولیکن ماه
رمضان بگوئید بدرستی که شما نمیدانید که رمضان چه چیز است و اکثر علما این نهی را بر کراهت
حمل نموده اند زیرا که در روایات بسیار لفظ رمضان به تنهائی بدون لفظ شهر مستعمل شده است
واحوط رعایت این معنی است و ممکن است که استعمال لفظ رمضان به تنهائی در اخبار از
عدم ضبط و اهتمام روات حدیث ناشی شده باشد والله تعالی یعلم و بدانکه احادیث و روایات
در باب فضیلت و ثواب عبادت در این ماه زیاده از حد عد و احصاست چنانچه بعضی از آنها در
ابواب سابقه مذکور شد و بعضی بتقریبات اعمال در ابواب آینده مذکور میشود انشاء الله
تعالی و معظم آنها را بجهت مزید رغبت مؤمنان در این ماه بطاعات و قربات در این باب مذکور
میسازیم شیخ جلیل نبیل محمد بن بابویه قمی رحمه در کتاب عیون اخبار الرضا بسند خود از
حضرت امام رضا از آبای طاهرین آنحضرت از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله و سلامه علیهم
اجمعین روایت کرده است که رسول خدا صلعم روزی برای ما خطبه ادا نمود و فرمود ایها الناس
بدرستیکه رو کرده است بجانب شما ماه خدا با برکت و رحمت و مغفرت ماهی که نزد حق تعالی افضل
ماههاست و روزهای آن افضل روزها و شبهای آن افضل شبها و ساعات آن
افضل ساعات است ماهی که خوانده شده اید در این ماه بضیافت خدا و کردیده اید از اهل
کرامت خدا نفسهای شما در این ماه تسبیح است و خواب شما در این ماه عبادت است و عمل شما
در این ماه مقبول است و دعای شما در این ماه مستجاب است پس سؤال کنید از حق تعالی
با نیتهای صادق و دلهای پاکیزه آنکه توفیق دهد شما را برای روزه داشتن این ماه و
تلاوت نمودن قرآن در این ماه بدرستیکه شقی کسی است که محروم باشد از آمرزش حق تعالی
در این ماه بزرگ و بیاد آورید بگرسنگی و تشنگی خود در این ماه گرسنگی و تشنگی روز قیامت را
و تصدق کنید بر فقرا و مساکین خود و توقیر و تعظیم نمائید بزرگان خود را و ترحم کنید بر
خورد سالان خود و با ارحام و خویشان صله و مهربانی کنید و نگاه دارید زبانهای خود
را از آنچه روا نباشد گفتن آن و بپوشید دیدهای خود را از آنچه حلال نباشد نظر کردن
بسوی آن و محافظت کنید گوشهای خود را از آنچه جایز نباشد شنیدن آن و ترحم کنید بر
یتیمان تا حق تعالی بر یتیمان شما ترحم کند و توبه کنید در درگاه حق تعالی از گناهان خود و
بلند کنید دستهای خود را بدعا در اوقات نمازها بدرستیکه اوقات صلوات بهترین
ساعات است و حق تعالی در آن اوقات نظر رحمت میکند بر بندگان خود و جواب میگوید

ایشان

ایشان را هرگاه مناجات کنند او را و لبیک میگوید هرگاه ندا کنند او را و اجابت دعای
ایشان میکند هرگاه بخوانند او را ایها الناس بدرستیکه جانهای شما در گرو عملهای
شماست پس آزاد کنید آورید جانهای خود را باستغفار نمودن و پشتهای شما گران است از
بار گناهان شما پس سبک کنید پشتهای خود را بطول دادن سجود و بدانید که حق تعالی بعزت خود
سوگند یاد نموده که عذاب نکند نمازکنندگان و سجودکنندگان را و نترساند ایشان را
با آتش جهنم در روزی که ایستاده باشند بندگان در برابر پروردگار عالمیان ایها الناس
هر که افطار فرماید از شما مؤمن روزه داری را در این ماه او را ثواب آزاد کردن بنده باشد
و آمرزشی برای گناهان گذشته او و صحابه گفتند یا رسول الله همه کس از ما چنین نیست که
قدرت براین داشته باشد فرمود که بپرهیزید از خدا و اگرچه بنصف خرما باشد بپرهیزید
از خدا و اگرچه بشربت آبی باشد ایها الناس هر که در این ماه خلق خود را نیکو کند آسان
گذرد از صراط در روزی که بلغزد از آن قدمها و هر که در این ماه تخفیف نماید بر بندگان خود
خدمت را حق تعالی تخفیف نماید حساب او را و هر که در این ماه بازدارد از مردمان شر
خود را حق تعالی از او بازدارد غضب خود را در روزی که ملاقات نماید خدا را و هر که
در این ماه یتیمی را بنوازد حق تعالی او را بنوازد در روزی که ملاقات کند او را و هر که در این ماه
صله کند رحم خود را حق تعالی صله کند با او در روزی که ملاقات کند او را و هر که در این ماه
قطع کند رحم خود را حق تعالی قطع نماید از او رحمت خود را و هر که در این ماه سنتی بجا
آورد حق تعالی برات و برائی از آتش جهنم بنویسد و هر که در این ماه فریضه ادا کند او را
ثواب کسی باشد که در غیر این ماه هفتاد فریضه ادا کرده باشد و هر که در این ماه بسیار
صلوات بفرستد بر من حق تعالی میزان عمل صالح او را گران کند در روزی که میزانها سبک
باشد و هر که در این ماه آیه از قرآن مجید بخواند او را ثواب کسی باشد که ختم قرآن در غیر این ماه
کرده باشد ایها الناس بدرستیکه درهای بهشت در این ماه گشوده است پس از حق تعالی سؤال
کنید که نبندد آن درها را بر روی شما و درهای جهنم در این ماه بسته است پس از پروردگار
خود طلب کنید که نگشاید آن درها را بر شما و شیاطین در این ماه غل کرده شده اند پس از خدای
خود مسئلت نمائید که مسلط نکرداند آنها را بر شما پس حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
برخاست و گفت یا رسول الله افضل اعمال در این ماه چیست فرمود که یا ابا الحسن بهترین اعمال
در این ماه پرهیزکاری از محرمات خداست و کلینی رحمه بسند معتبر از امام محمد باقر ع روایت کرده
است که رسول خدا صلعم چون نظر میکرد بهلال ماه رمضان رو بجانب قبله میکرد و دعائی میخواند
خواند پس رو بمردم میکرد و میفرمود ای گروه مسلمانان بدانید که هرگاه طلوع میکند هلال

ماه رمضان غل کرده میشوند متمردان شیاطین وگشوده میشود درهای آسمان ودرهای بهشت
ودرهای رحمت وبسته میشود درهای جهنم ومستجاب میشود دعا وحق تعالی را در هر شب
آزاد کردها از آتش جهنم میباشد وهر شب منادی ندا میکند که آیا هست سؤال کننده تا
حاجتش را برآورم آیا هست استغفار کننده تا گناهانش را بیامرزم بار خدایا عطا کن هر که را
انفاق کند در راه تو خلف وعوض وهر که را امساک کند وانفاق نکند [illegible] را تلف کن و
پیوسته این ندا در هر شب میکند تا طلوع صبح ماه شوال وچون ندا میکنند در شب عید مؤمنان را
که صباح زود بیائید بسوی جایزهای خود که آن روز جایزه است پس حضرت امام محمد باقر ع
فرمود که بحق آن خداوندی که جان من در قبضه قدرت اوست که نیست آن جایزه مانند
جایزه دینار ودرهم وابن بابویه ره در کتاب ثواب الاعمال از آنحضرت روایت کرده است که
رسول خدا ص در جمعه آخر ماه شعبان خطبه فرمود وفضایل بسیار برای ماه مبارک رمضان
ذکر نمود پس فرمود که این ماهی است که اولش رحمت است ووسطش مغفرت گناهان است وآخرش
اجابت دعوات است وآزادی از جهنم وشما در این ماه ناچار است از چهار خصلت دو خصلت
که خداوند خود را بآن راضی کنید ودو خصلت که خود محتاجید بآن اما آن دو خصلت اول
پس آنکه گواهی دهید که خداوندی نیست بجز خداوند یگانه وآنکه من رسول وفرستاده اویم
واما دو خصلت دیگر پس آنکه از حق تعالی حاجات خود را وبهشت وعافیت را طلب کنید واز جهنم و
عقوبات آن بخدا پناه برید وایضا در کتاب مذکور از آنحضرت روایت کرده است که حضرت امیر
المؤمنین صلوات الله علیه فرموده که چون ماه رمضان میشد رسول خدا ص برمیخواست
وحمد وثنای الهی بجا میآورد ومیفرمود ایها الناس حق تعالی کفایت کرده است از شما شر
دشمن شما از جن وانس وفرموده است ادعونی استجب لکم یعنی دعا کنید تا مستجاب کنم
برای شما ووعده اجابت دعا بشما داده است وبدرستی که بر هر شیطانی مریدی هفت ملک موکل
ساخته که رها نمیکنند اورا تا این ماه تمام شود ودرهای آسمان گشوده است در شب اول این ماه
تا آخر آن ودعا در آن مقبول است ودر کتاب عیون اخبار الرضا از حضرت امام رضا علیه السلام
روایت کرده است که حضرت رسالت ص فرمود که ماه رمضان ماه بزرگی است حسنات در آن
مضاعف میشود وسیئات در آن محو میشود ودرجات در آن بلند میشود هر که تصدق کند در
این ماه بتصدقی حق تعالی اورا بیامرزد وهر که ببنده خود نیکی کند خدا اورا بیامرزد وکسی که
خلق خود را در آن نیکو کند اورا بیامرزد وکسی که خشم خود را در آن فرو خورد اورا بیامرزد
وکسی که صله رحم کند در آن خدا اورا بیامرزد پس فرمود که این ماه شما مانند سایر ماهها
نیست هرگاه رو میکند بشما رو میکند با برکت ورحمت وهرگاه پشت میکند پشت میکند با آمرزش

گناهان

گناهان این ماهی است که حسنات در آن مضاعف است واعمال خیر در آن مقبول هر که از شما در این ماه
نماز کند وگناهان او آمرزیده نشود زیان کار خواهد بود در هنگامی که نیکوکاران بجایزهای
پروردگار کریم خود فایز شده باشند مؤلف گوید که نماز گذارد در آخر حدیث کنایه از اسلام و
ایمانست یعنی کسی که مؤمن باشد ونماز گذار نباشد وآمرزیده نشود زیان کار است واحتمال
دارد که مراد نماز عید باشد یعنی کسی که تمام ماه را دریابد ونماز عید را نکند وگناهان او آمرزیده
نشود زیان کار وخاسر خواهد بود والله یعلم ودر کتاب امالی وثواب الاعمال از ابن عباس
روایت کرده است که حضرت رسالت پناه ص چون ماه رمضان داخل میشد همگی اسیران را از
حبس رهائی میداد وهر سائلی که از آنحضرت سؤال مینمود چیزی باو عطا میفرمود وکلینی ره
بسند خود از حضرت رسالت ص روایت کرده است که ماه رمضان ماه خداست وروزه آن بر
شما واجب است پس هر که آنرا روزه بدارد با ایمان ونیت صحیح از گناهان خود بیرون رود مانند
روزی که از مادر متولد شده باشد وابن بابویه ره در کتاب مجالس از ابن عباس روایت کرده است
که رسول خدا ص فرمود که اگر بدانید آنچه را برای شما مقرر شده در ماه رمضان هر آینه شکر حق
تعالی را زیاده میکردید پس فرمود که چون شب اول ماه رمضان شود بیامرزد حق تعالی همه گناهان
امتم را گناهان پنهان وآشکار ایشانرا وبلند کرد اند برای شما دو هزار هزار درجه وبنا
کند برای شما پنجاه هزار هزار مدینه ودر روز دوم بنویسد برای شما بهر گامی که بردارید
در آن روز عبادت یکساله را با ثواب پیغمبری وبنویسد برای شما روزه یکساله را ودر
روز سیم عطا فرماید بهر موئی که بر بدنهای شما باشد قبه در فردوس از در سفید که در بالای
آن قبه دوازده هزار خانه باشد از نور ودر هر خانه هزار سریر باشد وبر هر سریری حوری
نشسته باشد وبر شما داخل شود در هر روز هزار ملک وبا هر ملکی هدیه باشد برای شما ودر
روز چهارم عطا نماید بشما در جنة الخلد هفتاد هزار قصر ودر هر قصری هفتاد هزار خانه و
در هر خانه پنجاه هزار سریر که بر هر سریری حوری باشد وبا هر حوری کنیزک باشد که یکی از آنها بهتر
باشد از دنیا وآنچه در دنیاست ودر روز پنجم عطا کند بشما در جنة المأوی هزار هزار مدینه
در هر مدینه هفتاد هزار خانه ودر هر خانه هفتاد هزار مائده بر هر مائده هفتاد هزار ظرف ودر هر
ظرف شصت هزار لون طعام که بعضی به بعضی شبیه نباشد ودر روز ششم کرامت فرماید بشما در دار
السلام صد هزار مدینه در هر مدینه صد هزار سرا در هر سرائی صد هزار خانه ودر هر خانه
صد هزار سریر طلا که طول هر سریری هزار ذراع باشد وبر هر سریری زنی نشسته باشد از حور عین
که سی هزار گیسو باشد بافته شده بدر ویاقوت وهر گیسوئی را صد کنیزک برداشته باشد و
در روز هفتم عطا فرماید بشما در جنة النعیم ثواب چهل هزار شهید وچهل هزار صدیق ودر روز

هشتم عطا نماید بشما ثواب عمل شصت هزار عابد و شصت هزار زاهد را و در روز نهم عطا کند بشما
آنچه عطا فرماید بهزار عالم و هزار معتکف و هزار مرابط و در روز دهم برآورد هفتاد هزار حاجت
شما را و استغفار کنند برای شما آفتاب و ماه و ستارگان و چهارپایان و مرغان و درندگان و هر
سنگی و کلوخی و هر تر و خشکی و همه ماهیان در دریا و برگهای درختان و در روز یازدهم کرامت فرماید
بشما ثواب چهار حج و چهار عمره هر حجی با پیغمبری از پیغمبران و هر عمره با صدیقی و یا شهیدی و
در روز دوازدهم سیئات شما را بحسنات مبدل سازد و حسنات شما را باضعاف مضاعف گرداند
و بهر حسنه برای شما هزار هزار حسنه بنویسد و در روز سیزدهم بنویسد برای شما مثل عبادت
اهل مکه و مدینه و عطا کند بشما بعدد هر سنگ و کلوخی که در ما بین مکه و مدینه است شفاعت
و در روز چهاردهم چنان باشید که گویا ملاقات کرده باشید آدم و نوح و ابراهیم و موسی و داود
و سلیمان را و گویا عبادت کرده باشید حق تعالی را با هر پیغمبری دویست ساله و در روز پانزدهم
قضا نماید حق تعالی پانزده حاجت از حوائج دنیا و آخرت شما را و عطا فرماید بشما آنچه عطا
نموده باشد بایوب علیه السلام و دعای شما را مستجاب کرده اند و حاملان عرش برای شما استغفار کنند
و در روز قیامت عطا فرماید بشما چهل نور ده نور از جانب راست و ده نور از جانب چپ و ده نور
از پیش روی و ده نور از پشت سر شما و در روز شانزدهم عطا کند بشما شصت حله که چون از قبر
بیرون آئید بپوشید و ناقه که سوار شوید و ابری بفرستد برای شما تا سایه افکند بر سر شما از حرارت آن
روز و در روز هفدهم فرماید که بدرستی که آمرزیدم شما و پدران شما را و دفع کردم از شما شدائد
روز قیامت را و در روز هجدهم امر نماید جبرئیل و میکائیل و اسرافیل علیهم السلام را و حاملان عرش و
کروبیان را که استغفار کنند برای امت محمد صلی الله علیه و آله تا سال آینده و عطا کند بشما در روز قیامت ثواب
اهل بدر را و در روز نوزدهم این کرامت را بشما عطا کند که چون از دنیا بروید هیچ ملکی در
آسمانها و زمین نماند مگر آنکه هر روز طلب رخصت کنند از پروردگار عالمیان در زیارت
کردن قبور شما و چون بزیارت شما آیند هر ملکی با خود هدیه و شرابی برای شما آورده باشد
و در روز بیستم بفرستد برای شما هفتاد هزار ملک که محافظت کنند شما را از شیطان رجیم
و بنویسد برای شما بهر روزی که روزه داشته باشید روزه صد ساله و بگرداند میان
شما و آتش جهنم خندقی و عطا کند بشما ثواب کسی که خوانده باشد تورات و انجیل و زبور و
فرقان را و بنویسد برای شما بعدد هر پری که جبرئیل راست عبادت سالی و عطا کند بشما ثواب
تسبیح عرش و کرسی را و تزویج نماید بشما بعدد هر آیه از قرآن هزار حوری و در روز بیست و یکم
این کرامت فرماید که چون در قبر قرار گیرید فراخ کرده اند برای شما هزار فرسخ را و دفع کند از
شما ظلمت و وحشت آن را و بگرداند قبور شما را مانند قبور شهدا و بگرداند روهای شما را مانند

روی

روی حضرت یوسف علیه السلام و در روز بیست و دوم تفضل کند بر شما که چون ملک موت را بقبض
روح شما بفرستد بیاید او چنانچه برای قبض روح پیغمبران می آمده و دفع کند از شما هول منکر
و نکیر را و دفع نماید از شما هم دنیا و عذاب آخرت را و در روز بیست و سیم تفضل نماید بر شما
آنکه عبور کنید از صراط با پیغمبران و صدیقان و شهدا و چنان باشید که سیر کرده باشید
هر یتیمی از امت مرا و پوشانیده باشید هر عریانی از امت مرا و در روز بیست و چهارم کرامت
فرماید بشما آنکه بیرون نروید از دنیا تا ببینید مکان خود را در بهشت و عطا کند هر یک از
شما را ثواب هزار مریض و هزار غریب که در طاعت خدا از منزل خود بیرون رفته باشد و عطا
کند بشما ثواب آزاد کردن هزار بنده از فرزندان اسمعیل را و در روز بیست و پنجم بنا کند حق تعالی
برای شما در زیر عرش خود هزار قبه سبز و بر سر هر قبه خیمه از نور و حق تعالی فرماید که ای امت احمد
من پروردگار شمایم و شما بندگان و کنیزان منید در سایه عرش من فرود آئید در این قبه ها و بخورید
و بیاشامید گوارا باد بر شما که نیست خوفی بر شما و نه اندوهی ای امت احمد بعزت و جلال خودم
سوگند که شما را ببوی بهشت بفرستم که تعجب کنند از شما اولین و آخرین و بهر یک از شما تاجی از نور
عطا فرمایم و سوار کنم هر یک از شما را بر ناقه که آن را از نور خلق کرده باشم و افسار آن ناقه از نور
باشد و در آن افسار هزار حلقه از طلا و بر هر حلقه ملکی از ملائکه ایستاده باشد بدست هر
ملکی عمودی از نور باشد تا آنکه داخل بهشت شوید بی حساب و در روز بیست و ششم حق تعالی
نظر رحمت کند بسوی شما و بیامرزد همه گناهان شما را مگر خون ناحقی که در ذمه شما باشد و نگاه
دارد شما را هر روز هفتاد مرتبه از غیبت و دروغ و بهتان و در روز بیست و هفتم چنان باشید
که گویا هر مؤمن و مؤمنه را نصرت و یاری نموده باشید و هفتاد هزار عریان را کسوه داده باشید
و هزار مرابط را خدمت کرده باشید و خوانده باشید هر کتابی را که حق تعالی فرستاده است بر پیغمبران خود
و در روز بیست و هشتم کرامت فرماید در جنت الخلد صد هزار مدینه از نور و در جنت المأوی
صد هزار قصر از نقره و در جنة النعیم صد هزار خانه از عنبر خوشبو و در جنة الفردوس صد
هزار شهر و در هر شهری صد هزار حجره و در جنة الخلد صد هزار منبر از مشک و در جوف هر منبری
هزار خانه از زعفران و در هر خانه هزار سریر از در و یاقوت که بر هر سریری زنی باشد از حور العین
و در روز بیست و نهم عطا فرماید بشما هزار هزار محله که در جوف هر محله قبه سفیدی باشد از نور
و در هر قبه سریری باشد از کافور سفید و بر هر سریری هزار فرش سبز گسترده باشد از سندس سبز و بر بالای
هر فرشی حوری باشد و آن حوری هفتاد هزار حله پوشیده باشد و هشتاد هزار گیسو داشته
باشد که هر گیسو مکلل بدر و یاقوت باشد پس چون روز سی ام شود بنویسد برای شما بعدد هر روزی
که گذشته است بر شما ثواب هزار شهید و هزار صدیق و بنویسد برای شما عبادت پنجاه ساله را

یا مالکی

وباز نمیرسید برای شما بعید هر روزی روزه دو هزار روز را و بلند کرده اند درجات شما را بعدد
آنچه روییده است در زمین از آب نیل و میرسید برای شما خلاصی از آتش جهنم و گذشتن بر صراط
را با آسانی و ایمن بودن از عذاب الهی و برای بهشت دری است که آنرا ریان گویند و آن گشوده نمیشود
تا روز قیامت و آنرا بگشایند برای مردان و زنان روزه دار امت محمد و رضوان خازن بهشت
گوید که ای امت محمد بیائید بسوی ریان پس امت من داخل شوند از آن در بسوی بهشت و ابن بابویه
در کتاب من لا یحضره الفقیه از حضرت صادق ع روایت کرده است که برای حق تعالی در هر شب از شبهای
ماه رمضان آزاد کرده هاست از آتش جهنم مگر کسی که بمسکری افطار کرده باشد یا عداوت با خدا و
رسول داشته باشد یا صاحب شاهین باشد یعنی شطرنج بازی کند و چون شب آخر ماه شود بقدر
آنچه در تمام ماه آزاد کرده در آن شب آزاد کند و سید ابن طاوس ره در کتاب اقبال از آنحضرت روایت
کرده است که چون شب اول ماه رمضان شود حق تعالی بیامرزد هر که را خواهد از خلایق و چون
شب دویم شود دو مثل شب گذشته را بیامرزد و همچنین هر شب آنرا مضاعف نماید تا چون شب آخر ماه
شود برابر تمام شبهای گذشته در آن شب بیامرزد و ابن بابویه در کتاب ثواب الاعمال از آنحضرت
روایت نموده است که هر که آمرزیده نشود در ماه رمضان آمرزیده نشود تا سال آینده مگر آنکه حضور
عرفات را دریابد و ایضا در کتاب مذکور از حضرت امام محمد باقر ع روایت کرده است که از برای
خدا ملکی چند هست موکل بروزه داران و استغفار میکنند برای ایشان در روزهای ماه رمضان
تا آخر آن و در هر وقت افطار ندا میکنند ایشان را که ای بندگان خدا بشارت باد شما را بدرستی که
گرسنه شدید اندکی و زود باشد که بسیار سیر شوید با برکت شدید و برکت در میان شما بهم رسید
و چون شب آخر شود ندا کنند ایشان را که ای بندگان خدا حق تعالی گناهان شما را آمرزید و توبه
شما را قبول نمود پس نظر کنید که چگونه خواهید بود و احمد بن عیسی ره در کتاب نوادر از حضرت امام بعد از این
جعفر صادق ع در حدیث طویلی روایت کرده است که ماه رمضان ماه خداست و تهلیل و تکبیر و
تحمید و تسبیح در این ماه بسیار بکنید و این ماه بهار فقراست چنانچه حق تعالی عید قربان را برای
سیری مساکین از گوشت مقرر فرموده است پس اطعام کنید از آنچه زیاد آید از نعمتهای الهی بر عیال
خود و همسایگان خود و نیکویی بجا آورید نمائید با نعمتهای الهی و با برادران خود صله و مهربانی کنید
و فقرا و مساکین از برادران خود را اطعام کنید بدرستی که هر که افطار فرماید صائمی را برای او
ثواب روزه آن صائم هست بی آنکه از ثواب او چیزی کم شود و ماه رمضان ماه عتق نامیده میشود
زیرا که برای خدا در هر شبانه روزی ششصد عتیق از آتش جهنم هست و در آخر ماه بقدر آنچه
در تمام ماه آزاد کرده آزاد مینماید و شیخ طوسی ره در کتاب امالی از حضرت امام محمد باقر ع روایت
کرده است که حق تعالی بغیر از نماز واجب از هیچ نمازی سؤال نمیکند و بغیر از دادن زکوة از هیچ صدقه

سؤال نمیکند و بغیر از گرفتن روزه ماه رمضان از هیچ روزه سؤال نمیکند و ابن بابویه در کتاب
خصال از حضرت امام حسن مجتبی ع روایت کرده است که هر که ده ماه رمضان شوالی را روزه دارد
داخل بهشت میشود و در این مقام چند فایده را که تنبیه بر آنها ضرور است مذکور میسازیم فایده
اول بدانکه در بسیاری از روایات سابقه مذکور است که شیاطین را در این ماه در غل و زنجیر میکنند و
بر این اشکالی متوجه میشود که فایده حبس شیاطین آنست که مردم ترک متابعت شیاطین کنند و
معاصی را مرتکب نشوند و خلاف این معنی بحسب ظاهر از احوال بعضی از مردم مشاهده میشود چه معصیت
کفار و ارباب ملل فاسده و عقاید باطله ثابت و محکوم بر است و همچنین متابعت شهوات نفسانی
فسق بعضی از فرقه ناجیه امامیه معلوم است بلکه از غیر معصومین صلوات الله علیهم اجمعین
معصیت و خطا در این ماه صادر میشود و از معصوم اگرچه صادر نمیشود لیکن اختصاص باین ماه
ندارد و سید ابن طاوس ره در کتاب اقبال بعد از ذکر اخبار در این مطلب گفته است که یکی از اهل
دین این شبهه را از من پرسید و گفت من تفاوتی در حال خود در ماه رمضان و پیش از آن نمیابم
مگر همان عادتی که قبل از ماه رمضان برای من بود در ماه رمضان نیز در خود می بینم پس سید
گفته که من چند جواب گفتم اول آنکه ممکن است که در حق تو نیز قدری از اذیت ایشان برسد
و اگر شیاطین محبوس و مغلول نباشند ضرر اخروی و دنیوی ایشان بیشتر باشد پس ثمره
حبس ایشان دفع زیادتی ضرر ایشان است نه اصل ضرر دویم آنکه ممکن است که هر ماهی
طایفه از شیاطین اختصاص داشته باشند و شیاطین این ماه را غل کنند و شیاطین
ماههای دیگر مطلق العنان باشند و اذیت ایشان بمردم رسد سیم آنکه ممکن است که
شیاطین را از اذیت و اغوای مومنین منع کرده باشند و از اغوای کفار و فسقه ممنوع نباشند
چهارم آنکه ممکن است که شیاطین را همگی در غل کرده باشند بغیر ابلیس که شیطان بزرگ و پدر همه
است و اغوائی که بمردم میرسد از او باشد پنجم آنکه همگی شیاطین محبوس و مغلول باشند
و نفس اماره و شیاطین انس باعث اغوای مردم شوند ششم آنکه همگی شیاطین محبوس
باشند و گناهانی که میرسد که از قبل از ماه رمضان کرده اند باعث غفلت ایشان شود و بر
مشتبه فطن پوشیده نیست که بعضی از این جوابها دفع اشکال اصلا نمیکند و بعضی در
نهایت ضعف است بغیر جواب پنجم که بحسب ظاهر صحیح و اشکال را نیز دفع مینماید و حضرت
علامه امام مولانا محمد باقر مجلسی ره نیز آنرا در دفع این شبهه اختیار نموده است و آنچه در دفع این
اشکال بخاطر این حقیر شکسته میرسد آنست که الطاف خاصه حق تعالی و توفیقات و تاییدات
که بر جل و علا در این ماه زیاده از ماههای دیگر است چنانچه در هر شب چندین هزار کس را از آتش
جهنم آزاد میکند و ثواب طاعات و عبادات در این ماه نیز چندین برابر مضاعف است

و هر که توفیق یابد عمل صالح در این ماه بیابد هر چند بسیار قلیل باشد البته آمرزیده می شود و جزای معاصی نیز اگرچه در این ماه مضاعف است ولیکن بسیار نادر است که عمل خیری از اهل معاصی صادر نشود و بسبب آن آمرزیده نشود لااقل توفیق اصل روزه را می یابد و باین سبب مستحق ثوابهای نامتناهی می شود و اذیت و اغوای شیاطین اگرچه بندگان را بمعصیت میاندازد لیکن ثمره بر آن مترتب نمی شود چه خصوصیات خاصه الهی و الطاف مخصوصه غیر متناهی تدارک آن را میکند زیرا که باین سبب توفیق اعمال خیر می یابد هر چند بسیار قلیل باشد و آمرزیده می شود پس غل کردن شیاطین کنایه است از عدم تاثیر آن و قطع از حصول ثمره اغوای ایشان و الله تعالی یعلم

فایده دویم بدانکه در روایات بسیار وارد شده است که ماه مبارک رمضان اول سال است چنانچه بعضی از آنها گذشت و بعضی بعد از این بمناسبت که بعضی اعمال مذکور می شود و ایضا سید بن طاوس ره در کتاب اقبال بسند خود از حضرت امام جعفر صادق عم روایت کرده است که ماه رمضان اول سال است و در بعضی از روایات وارد شده است که اول سال شب قدر است چنانچه بعد از این مذکور می شود ان شاء الله تعالی و در بعضی از روایات مذکور است که روز عید رمضان اول سال است چنانچه در حدیث چهارم ان شاء الله تعالی مذکور خواهد شد و مشهور میان عرب و مفهوم از بعضی روایات آنست که اول سال محرم است و وجه جمع میان این روایات آنست که این امور باختلاف اعتبارات مختلف می شود پس اول سال شرعی از حیثیت اشتغال بطاعات و عبادات ماه مبارک رمضان است و ممکن است که نکته در این باب چنانچه سید بن طاوس ره در کتاب اقبال ذکر نموده این باشد که شواهد عقلی و نقلی شهادت میدهد باینکه ابتدای دخول در هر کاری نمونه آن کار است چنانچه اگر اول آن شغل در ساعت نیک اتفاق افتد و بخیر و خوبی مقرون باشد آن شغل بنیکوئی بتمام میرسد و بقیه آن بخیر و خوبی بسر میکرد و چون ماه مبارک رمضان اشرف و افضل ماههای سال و محل عبادت خداوند کریم متعال است و فیوضات الهی در آن ماه آناً فآناً بر مردم افاضه می شود لهذا آنرا اول سال عبادات کرده است که اول سال بخیر و خوبی و عبادت و طاعت مقرون باشد و این معنی باعث آن شود که بقیه سال نیز بطاعت و عبادت خداوند واجب التعظیم طی شود و اول سال تقدیرات ارزاق و آجال و وقایع سال در آن سال شب قدر است و اول سال جواز اکل و شرب روز عید ماه مبارک رمضان است و اول سال عرفی بجهت تشخیص آجال معاملات و ضبط تواریخ و وقایع سال و امثال اینها محرم است و الله تعالی یعلم

فایده سیم بدانکه این ماه چنانچه در میان ماهها افضل از همه است همچنین در میان اوقات این ماه بعضی نسبت بسایر اوقات اشرف و اکمل میباشد مانند شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم و مانند عشر آخر نظر بعشر اول و مانند شبهای طاق نسبت بشبهای

جفت

جفت و تفصیل هر یک در محل مناسب ان شاء الله تعالی مذکور می شود و مانند جمعهای این ماه نظر بسایر اوقات چنانچه ابن بابویه ره در کتاب ثواب الاعمال از حضرت امام محمد باقر عم روایت کرده بسند صحیح که برای جمعهای ماه مبارک رمضان فضیلت و زیادتی هست بر جمعهای ماههای دیگر مانند فضیلت ماه رمضان بر ماههای دیگر و در نسخه دیگر چنین است که مانند فضیلت حضرت رسالت پناه بر پیغمبران دیگر

ختام شیخ جلیل نبیل قطب راوندی ره در کتاب قصص الانبیاء بسند خود از رئیس المحدثین شیخ صدوق ابن بابویه روایت کرده و سند خود را متصل نموده به مفاتیح حقایق حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه و علی آبائه الطاهرین و ابنائه المطهرین که آنحضرت فرمود که در کتاب دانیال نبی عم نوشته است که هر سالی که در ماه مبارک رمضان آفتاب بگیرد مردمان بهم کی پادشاه فارس را اطاعت کنند و روم را بر عرب اولا غلبه عظیم بهم رسد و ثانیا ایشان بر روم غالب شوند و غنیمت و اسیران بسیار از ایشان بگیرند و هر سالی که در ماه رمضان ماه بگیرد در بلاد جبل سرمای سخت شود و برف و بارانات بسیار ببارد و آب بسیار باشد و در میان فارس و ترک کار دنیا بهم رسد و در شهرها مرگ اطفال و زنان بسیار باشد والله تعالی یعلم حقایق الامور

باب ششم در بیان بعضی از فواید و احکام متعلقه بماه مبارک رمضان و در آن چند لمعه است

لمعه اول در بیان کیفیت دخول ماه مبارک رمضان بدانکه مشهور میان علمای شیعه رضوان الله علیهم آنست که مناط دخول ماه مبارک رمضان و خروج آن مانند سایر ماهها رؤیت هلال است و هر شب که هلال ماه مبارک رمضان مرئی شود روز آن شب غره ماه مبارک رمضان است خواه از غره ماه شعبان بیست و نه روز گذشته باشد یا سی روز و همچنین هر شب که هلال شوال مرئی شود روز آن عید و غره ماه شوال است خواه از غره ماه رمضان بیست و نه روز گذشته باشد یا سی روز و بر این مذهب شواهد بسیار هست مثل ظاهر آیات کریمه و صریح اخبار متکثره متظافره و کلام لغویین و ارباب محاورات و اهل لسان نیز بر این قول دلالت دارد و جمعی دیگر از قدمای علما مانند شیخ جعفر بن محمد بن قولویه و علی بن بابویه و شیخ سعید شیخ مفید قدس الله ارواحهم و بعضی دیگر از قدما قایل شده اند که ماه شعبان همیشه ناقص و بیست و نه روز است و ماه رمضان همیشه تمام و سی روز است و میگویند که ابتدای سال قمری از ماه محرم است و بماه ذی الحجه تمام می شود و ماه اول سال تمام است و ماه دویم ناقص است و سیم تمام و چهارم ناقص و همچنین یک در میان تمام و ناقص میباشد تا اینکه ماه آخر که ذی الحجه است ناقص است پس شش ماه تمام است که آن محرم و ربیع الاول و جمادی الاولی و رجب و ماه رمضان و ذی القعده است و شش ماه همیشه ناقص است که آن صفر و ربیع الثانی و جمادی الثانی و شعبان و شوال و ذی الحجه است و این طایفه را اصحاب عدد میگویند و ظاهر بسیاری از احادیث

اخبار برین قول نیز دلالت میکنند ولیکن بعضی از آنها مقدوح السند و برخی مقدوح الدلالة اند چنانچه شیخ طایفه شیخ طوسی ره در کتاب تهذیب اکثر آنها را تاویل نموده و بعضی را بالمره طرح کرده است و ذکر روایات طرفین و جرح و تعدیل آنها مناسب این کتاب نیست و قول اول اشهر و اقوی بلکه مجمع علیه میان متاخرین علما است حتی آنکه شیخ طوسی ره در کتاب تهذیب گفته که اصحاب عدد قومی از شذاذ اند و قریب به پنجاه حدیث بر رد آن که هر یك از آنها صریح در مذهب مشهور است ذکر نموده و گفته است که اخبار این مطلب زیاده از آنست و آنچه در کتابها ثبت شد مستغنی مینماید و سید بن طاووس ره در کتاب اقبال گفته که این اختلاف قبل از زمان ما بوده و الحال اصلا در میان شیعه نیست و جماعتی از علما را که من دیده ام یا قول ایشان را شنیده ام قایل بمذهب مشهوراند و گفته که کتابی تالیف محمد بن علی کراجکی دیدم که او نیز در اول الحال از جمله اصحاب عدد بوده و بعد از آن کتابی دیگر تالیف نموده مسمی بکافی و در آن کتاب رجوع از قول اول نموده بمذهب مشهور قایل شده و در آن کتاب گفته که شیخ مفید ره در کتاب لمح البرهان از جمله اصحاب عدد بوده و مبالغه زیاد در آن باب نموده و ثانیا کتابی تالیف نموده مسمی بمصابیح النور و در آن کتاب رجوع از مذهب اهل عدد نموده قایل بمذهب مشهور شده است و از غرایب آنست که ابن بابویه ره در کتاب من لا یحضره الفقیه اولا بابی عقد نموده و احادیث دال بر مذهب مشهور را نقل نموده و تاویل نکرده است و بعد از آن در ابواب بعد از آن دو سه حدیث که دلالت بر عدد میکند ذکر نموده و نهایت مبالغه در حقیت عدد نموده است و بالجمله متابعت قول مشهور متحتم و لازم است و مناط روزه داشتن و افطار نمودن بر دیدن هلال است یا گذشتن سی روز تمام از غره ماه شعبان یا ماه رمضان پس اگر خود دیده باشد هر چند تنها باشد اگر ماه رمضان باشد روزه واجب شود و اگر ماه شوال باشد افطار واجب است و آن روز عید است و اگر خود ندیده باشد شرعا باید رویت دیگران ثابت شود پس اگر شهادت شهود بحد شیاع رسد و علم از شهادت ایشان حاصل شود بلا خلاف رویت شرعا ثابت است و اگر بحد شیاع نتواند رسید جمعی از علما بشهادت دو عادل اکتفا نموده اند خواه ایشان از اهل آن بلد باشند یا خارج آن و خواه هوا ابر باشد یا صاف و بعضی گفته اند که اگر هوا صاف باشد و ابر و غبار و بخاری نباشد بکمتر از پنجاه شاهد یا دو شاهد عادل از خارج بلد ثابت نمیشود و قول اول اقوی و موافق روایات معتبره صحیحه است و اگر نزد حاکم شرع بثبوت شرعی برسد آیا برای دیگران کافی است و بحکم حاکم شرع عمل میتوانند نمود یا نزد هر کس باید ثابت شود و حکم حاکم شرع بی فایده است و در این باب خلاف است شیخ شهید ره و بعضی از اعاظم متاخرین قول

اول را اختیار نموده اند و والد العلامه ادام الله ظلاله قول ثانی را ترجیح نموده و در آن باب رساله مبسوط مشتمل بر تحقیقات جلیله تالیف فرموده است و این قول اقوی و احوط است و اگر کسی ماه را قبل از ظهر ببیند یا نزد او بثبوت رسد آیا آن روز غره ماه است یا آن رویت اعتبار ندارد و این روز سلخ ماه سابق است در این باب خلاف است و اقوی نزد جمهور محققین قول اول است و مسئله محل تامل و اشکال است و الله تعالی و بدانکه بعضی از قراین و امارات برای دانستن غره ماه در کتب علما مسطور است که اکثر علما بآنها عمل ننموده اند ولیکن چون بعضی از آنها در روایات وارد شده و نادری از علما به برخی از اینها عمل نموده اند لهذا در این کتاب بذکر آنها مبادرت مینماییم اول اعتبار منجمین بآنکه اول ماه فلان روز است چنانچه در تقاویم مینویسند و علمای شیعه بآن عمل ننموده اند مگر نادر شاذی که اسم قایل آن نیز معلوم نیست چنانچه شیخ طوسی ره در کتاب خلاف از شاذ نادری از شیعه و علامه در منتهی از بعضی از اهل سنت قول بثبوت ماه از تقویم را نقل نموده و این قول بسیار ضعیف و فاسد است دوم غایب شدن هلال بعد از زوال شفق سیم طوق زدن هلال و این دو علامت در روایات وارد شده است چنانچه بسند ضعیف از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که هلال هرگاه پیش از شفق غایب شود یکشبه است و اگر بعد از شفق غایب شود دو شبه است و ایضا بسند معتبر از آنحضرت مرویست که هرگاه هلال طوق زند دو شبه است و هرگاه سایه سر خود را در روشنایی آن ببینی پس آن سه شبه است و ابن بابویه ره در کتاب مقنع بعلامت اول عمل نموده و شیخ طوسی ره در کتاب تهذیب در حالتی که هوا صاف نباشد و ابر یا غباری باشد بهر دو علامت عمل نموده و باقی علما هیچیک از این دو علامت را اصلا مناط اعتبار ندانسته اند و روایت را طرح نموده اند و بگمان فقیر طرح این دو حدیث ضرور نیست و ممکن است که این دو علامت علامت دخول ماه در واقع و نفس الامر باشد ولیکن شارع آنرا اعتبار ننموده بلکه مناط تکلیف بروزه و افطار بر رویت هلال است نه علامات واقعیه والله تعالی یعلم چهارم سید بن طاووس ره در کتاب اقبال بسند خود از ابو الهیثم محمد بن ابرهیم روایت کرده است که او از پدرش روایت نموده که داخل شدم بر حضرت امام حسن عسکری صلوات الله علیه در روزی که مردم شك داشتند که آن روز از ماه مبارك رمضان بود یا نه پس چون نظر حضرت بر من افتاد فرمود که ای ابرهیم تو از کدام طایفه امروز را روزه داشته یا نه عرض کردم که فدای تو شوم برای تحقیق این معنی بخدمت تو آمده ام فرمود که من بتو تعلیم مینمایم اصلی را که هرگاه ضبط نمایی آنرا هرگز شك برای تو حاصل نشود

عرض کردم که ای مولای من صفت کدار برمن یا بی ضابطه فرمود که هرگاه روز اول ماه محرم را بدانی
کافیست برای تو از دانستن اول ماه رمضان عرض کردم که چگونه روز اول ماه رمضان را
از اول ماه محرم طلب نمایم فرمود که اول ماه محرم را ببین که چه روز است پس اگر یکشنبه اول
محرم باشد یکی را ضبط کن و اگر دوشنبه باشد دو تا را ضبط کن و اگر سه شنبه باشد سه و همچنین
تا اگر شنبه باشد هفت را ضبط کن و عدد ایام ماهای خود را که دوازده است بر او زیاد کن و از
مجموع این عدد هفت هفت طرح کن و ببین چه قدر باقی میماند اگر هفت باقی ماند شنبه را روزه
بدار و اگر شش باقی ماند جمعه را روزه بدار و علما باین روایت عمل ننموده اند و سید بن طاوس گفته که
شاید این روایت مخصوص قومی بوده یا وقتی و حالی بوده که اتفاقی بوده باشد
و ظاهر است که نخواسته است که روایت را بالمره طرح نماید لهذا این کلام مجمل مبهم را ذکر نموده و
مراد او ظاهر این است که شاید این روایت مخصوص بعضی اوقات یا بعضی احوال یا بعضی
اشخاص باشد و حقیقت آن بر ما معلوم نباشد و جد علامه ام مولانا محمد تقی رفع الله درجته
گفته که ضابطه که در این روایت مذکور است با طریقه اصحاب عدد که یکماه از سال را تمام و یکی
را ناقص میدانند چنانچه در صدد مقصد اشاره بآن شد موافق است زیرا که موافق این قاعده
هرگاه اول ماه محرم روز یکشنبه باشد عدد یک را ضبط مینمائیم و دوازده را بر آن اضافه
میکنیم سیزده می شود و چون هفت را از او اسقاط نمائیم شش باقی میماند و روز غره ماه مبارک
رمضان جمعه خواهد بود و این قاعده با قاعده اصحاب عدد که ابتدا از ماه محرم مینمایند
و آن را تمام و صفر را ناقص و همچنین یکی را تمام و یکی را ناقص حساب میکنند مطابق است زیرا که
اول محرم هرگاه یکشنبه باشد و ماه محرم را سی تمام حساب کنیم اول ماه صفر روز سه شنبه می شود
و ماه صفر چون ناقص است و بیست و نه است اول ماه ربیع الاول چهارشنبه می شود و ماه
ربیع الاول چون تمام است اول ماه ربیع الثانی جمعه می شود و چون ماه ربیع الثانی ناقص است
اول ماه جمادی الاولی شنبه می شود و ماه جمادی الاولی چون تمام است اول ماه جمادی الثانیه
دوشنبه میشود و چون ماه جمادی الثانیه ناقص است اول ماه رجب سه شنبه می شود و ماه
رجب چون تمام است اول ماه شعبان پنجشنبه می شود و ماه شعبان چون ناقص است اول
ماه رمضان جمعه می شود و همچنین اول محرم اگر دوشنبه باشد موافق ضابطه که در روایت مذکور
است اول ماه رمضان شنبه می شود و مطابق ضابطه اصحاب عدد نیز چنین است و همچنین سایر
ایام هفته هر روزی که اول محرم باشد مطابق این دو ضابطه اول ماه رمضان استخراج
شود و هر دو قاعده با یکدیگر مطابق است الا و ضابطه آسان تر در این باب آنست
که هر روزی که اول محرم است اول ماه رمضان قبل از آن روز بیک روز خواهد بود پس اگر اول محرم

یکشنبه

ضابطه ماه رمضان

یکشنبه باشد اول رمضان جمعه است و علی هذا القیاس و مخفی نماند که این روایت موافق این تحقیق
اگرچه صحیح است لیکن مانند سایر روایات دالّه بر مذهب اصحاب عدد اند و این روایت نیز دلالت بر مذهب ایشان
میکند و لهذا علما بآن عمل ننموده اند والله تعالی یعلم پنجم کلینی رحمه و سید بن طاوس قدس الله روحه
در کتاب اقبال از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده اند که ابو بصیر فرمود که هرگاه روز
اول ماه رجب را بدانی پس آن روز نجاه و نه روز را بشمار و روز شصتم را روزه بدار و سید گفته که این
روایت مبنی است بر آنکه ماه رجب یا شعبان یکی کدام ناقص باشد و ممکن است که در آن سالی که حضرت
این حدیث را با بو بصیر فرموده چنین اتفاق افتاده باشد و منظور حضرت خصوص آن سال باشد
نه ضابطه کلیه که در جمیع سنوات جاری شود و جد علامه ام مولانا محمد تقی رفع الله درجته این
روایت را نیز مانند روایت سابق بر طریقه اصحاب عدد حمل نموده زیرا که موافق طریقه ایشان ماه
رجب از شهور تامه و ماه شعبان از شهور ناقصه است پس البته روز شصتم از اول ماه رجب
غره ماه رمضان خواهد بود پس این روایت نیز دلالت بر مذهب اصحاب عدد میکند و باین جهت علما
بآن عمل نکرده اند ششم کلینی و شیخ طوسی قدس الله روحهما و دیگران از عمران زعفرانی روایت
نموده اند که گفت بخدمت حضرت صادق عم عرض کردم که در عراق گاه هست که یکروز و دو روز و سه روز
ابر میشود و آسمان گرفته می شود و هلال ظاهر نمیگردد پس ما چه روز را روزه بداریم فرمود که
ملاحظه کن که در سال گذشته چه روز را روزه داشته و از آن روز بشمار و روز پنجم را روزه
بدار و باین مضمون چند حدیث دیگر نیز وارد شده است چنانچه سید بن طاوس ره در کتاب اقبال
ذکر نموده و شیخ طوسی ره در کتاب تهذیب این حدیث را حمل نموده بر آنکه روز پنجم را بنیت سنت
روزه میداریم و اگر آخر ظاهر شود که از ماه رمضان بوده آن روز از ماه رمضان حساب می شود و اگر
از ماه رمضان نبوده ثواب روزه سنت برای او خواهد بود زیرا که این روز یوم الشک است و روزه
یوم الشک مستحب است نه واجب و اگر آخر ظاهر شود که ماه رمضان بوده بر روزه واجب محسوب می
شود چنانچه بعد از این حکم آن بتفصیل مذکور می شود و عبارت حدیث نیز آبا از این معنی ندارد
زیرا که در حدیث مذکور نیست که روز پنجم ماه از رمضان است بلکه فرموده است که آن روز را روزه
بدار و مخفی نماند که این تاویل در روایت سابق نیز جاری میشود چنانچه بر متامل خبیر پوشیده
نیست و جد علامه ام مولانا محمد تقی قدس سره این حدیث را نیز مانند دو روایت سابق بر طریقه
اصحاب عدد حمل نموده اند زیرا که هرگاه فرض کنیم که غره ماه رمضان گذشته شنبه باشد و ماه
رمضان بر طریقه ایشان از شهور تامه است پس اول شوال دوشنبه می شود و چون شوال از شهور
ناقصه است اول ذی قعده سه شنبه میشود و ذی القعده از شهور تامه و اول ذی الحجه پنجشنبه
و ذی الحجه ناقص و اول محرم جمعه و محرم تام و اول صفر یکشنبه و صفر ناقص و اول ربیع الاول دوشنبه و ربیع الاول

تمام و اول ربیع الثانی چهارشنبه و ربیع الثانی ناقص و اول جمادی الاولی پنجشنبه و جمادی الاولی تمام
و اول جمادی الثانیه شنبه و جمادی الثانیه ناقص و اول رجب یکشنبه و رجب تمام و اول
شعبان سه شنبه و شعبان ناقص و اول ماه مبارک رمضان چهارشنبه می شود و چون اول
ماه رمضان گذشته شنبه بوده چون از آن روز شمار می کنیم آن چهارشنبه می شود پس این حدیث
نیز مناسب سایر احادیث آله بر طریقه اصحاب عدد و دلالت بر مذهب ایشان میکند و باین جهت
علما تضعیف آن عمل نموده اند و بدانکه ماه ذی الحجه موافق طریقه اصحاب عدد در اکثر سنوات
شهور ناقصه است مگر در بعضی از سنوات که بعضی از جهات آنرا از شهور تامه و سی روز
تمام اعتبار میکنند و آن سال را سال کبیسه مینامند و تحقیق معنی کبیسه و ذکر جهت اعتبار
آن در بعضی از سنوات تفصیلی میخواهد که مناسب این کتاب نیست و این علامت که در این حدیث
مذکور است در سال غیر کبیسه بنا بر طریقه ارباب عدد مستقیم است چنانچه دانستی و در
سال کبیسه صحیح نیست زیرا که ماه ذی الحجه در آن سال تمام است بلکه در سال کبیسه روز
ششم از غره ماه رمضان گذشته غره ماه رمضان آن سال خواهد بود چنانچه بعد از تامل
حساب ظاهر می شود والله تعالی یعلم تحقیق انیق بدانکه سید بن طاوس ره در کتاب اقبال گفته
که مذاکره از شیوخ منزهین است و سند آنرا مذیع ام که او یکی از ائمه علیهم السلام روایت کرده فرموده
که روز روزه شمار روز نحر شماست یعنی روز غره ماه رمضان و روز عید قربان یکی روز است و جد
علامه امام مولانا محمد تقی قدس الله روحه این حدیث را نیز بطریقه اصحاب عدد تنزیل نموده است زیرا که هرگاه
غره ماه رمضان روز شنبه باشد بر طریقه اصحاب عدد روز اول ماه ذی الحجه پنجشنبه می شود چنانچه
در شرح حدیث سابق مذکور شد و هرگاه پنجشنبه غره ذی الحجه باشد عید قربان روز شنبه می شود
و با غره ماه رمضان موافق می شود و جد علامه امام مولانا محمد باقر مجلسی قدس الله روحه در مجلد سیزدهم
بحار از کتاب بحار الانوار ذکر نموده که در روایت دیگر نیز برای این حدیث مذکور است که روز عاشورا
و روز عید رمضان یکی است و این معنی در سال غیر کبیسه صحیح نیست زیرا که در صورت مذکوره
هرگاه اول ذی الحجه پنجشنبه و ذی الحجه از شهور ناقصه در غیر سال کبیسه است غره محرم جمعه می شود
و عاشورا روز یکشنبه می شود و چون غره ماه رمضان در این سال شنبه بود و ماه رمضان از
شهور تامه است پس روز عید دوشنبه می شود و با عاشورا مطابق نمی شود و در سال کبیسه
صحیح است زیرا که ذی الحجه در آن سال تمام است و غره محرم شنبه می شود و عاشورا دوشنبه می شود
و با عاشورا مطابق می شود و در سال کبیسه صحیح است و بدانکه سید بن طاوس ره در مقام اشتباه
عجیب نموده است زیرا که این حدیث را از جمله امارات و علامات غره ماه مبارک رمضان نقل
نموده است و بر متفکر خبیر مستور نیست که علامت غره ماه رمضان از این حدیث معلوم نمی شود

روز عید رمضان

بیان اشتباه سید بن طاوس

بلکه

بلکه علامت غره ماه ذی الحجه و عید قربان از آن مفهوم می شود و لهذا امام ع فرموده که روز روزه
شما روز نحر شماست و نفرموده که روز نحر شما روز روزه شماست و بیان این معنی آنست که هرگاه
اول ماه رمضان شنبه باشد اول ذی الحجه پنجشنبه می شود چنانچه دانستی پس از غره ماه
رمضان غره ذی الحجه و عید قربان معلوم می شود اما از غره ذی الحجه غره ماه رمضان باین طریق
معلوم نمی تواند شد زیرا که هرگاه غره ذی الحجه پنجشنبه باشد و عید قربان شنبه باشد غره ماه
رمضان آینده چهارشنبه می شود چنانچه در شرح حدیث سابق بتفصیل مذکور شد و روز
عید قربان با روز غره ماه رمضان مطابق نمی شود والله تعالی یعلم حقایق احکامه همه
سید بن طاوس ره در کتاب اقبال گفته که بعد از تالیف کتاب اقبال کتابی دیدم که در
پشت آن کتاب ضابطه برای معرفت غره هلال هر ماه نوشته بود و ضابطه مذکوره اینست
که هرگاه خواهی که معرفت کنی که روز نهم ذی الحجه است و روز اول ماه رمضان از هر سال مطابقه
پس ملاحظه کن هلال ماه محرم را و غره ماه محرم را ضبط کن و از آن روز شمار پنجم آن روز عرفه
و ششم آن روز غره ماه رمضان است مثلا هرگاه غره ماه محرم شنبه باشد چهارشنبه عرفه و
پنجشنبه غره ماه رمضان خواهد بود و اگر هلال ماه محرم از تو مخفی و مستور شود پس ملاحظه
هلال ماه صفر کن و از غره ماه صفر شمار سیم آن عرفه و چهارم آن غره ماه رمضان است پس
هرگاه غره صفر شنبه باشد دوشنبه عرفه و سه شنبه غره ماه رمضان است و اگر هلال
صفر بر تو مشتبه شود هلال ماه ربیع الاول را ضبط کن و از روز اول آن شمار دو روز و دوم
عرفه و سیم آن غره ماه رمضان است و اگر هلال ربیع الاول را نفهمی اول ماه ربیع الثانی را
ضبط کن و از آن روز شمار هفتم آن عرفه و هشتم آن غره ماه رمضان است و اگر اول ربیع الثانی
را نفهمی از اول جمادی الاولی شمار ششم آن عرفه و هفتم آن غره ماه رمضان است و اگر اول
جمادی الاولی را نفهمی از اول جمادی الثانیه شمار چهارم آن عرفه و پنجم آن غره ماه رمضان است
و اگر اول جمادی الثانیه را نفهمی از اول ماه رجب شمار سیم آن عرفه و چهارم آن ماه رمضان است
و اگر اول ماه رجب را نفهمی از اول ماه شعبان شمار اول آن عرفه و دوم آن غره ماه رمضان
است و اگر اول ماه شعبان را نفهمی هلال ماه مبارک رمضان را ببین و از آن روز شمار هفتم
آن عرفه و پنجم آن غره ماه مبارک رمضان آینده است و اگر غره ماه رمضان بر تو مشتبه شود
هلال شوال را ببین و از آن روز شمار پنجم آن عرفه و سیم آن غره ماه رمضان است و اگر اول
شوال مشتبه شود از اول ذی القعده شمار چهارم آن عرفه و پنجم آن اول ماه رمضان است
و اگر اول ذی القعده را نفهمی از اول ذی الحجه شمار دوم آن عرفه و هفتم آن غره ماه مبارک رمضان
است و جد علامه امام مولانا محمد تقی قدس الله روحه این ضابطه را نیز بر طریقه اصحاب عدد تنزیل

حکم روزه یوم الشک

نموده است و ذکر حساب آن موجب اطناب و از کلمات سابقه بر مستبصر پوشیده و مستور نیست
والله تعالی هو الموفق للحق والصواب فی کل باب **لمعهٔ دویم** در بیان حکم روزهٔ یوم الشک
بدانکه یوم الشک روز سی‌ام ماه شعبان است هرگاه در شب سی‌ام ماه دیده نشود و برای مردم
شک حاصل شود که این روز سلخ ماه شعبان است یا غرهٔ ماه مبارک رمضان و موافق
طریقهٔ اصحاب عدد و طریقهٔ جمعی که باشارات سابقه عمل نموده اند چنانچه در لمعهٔ سابق
مذکور شد روزهٔ این روز واجب است و موافق طریقهٔ مشهور میان علما که من حیث الدلیل
اقوی و معمول به اعاظم علما و اکثر اعصار است که مدار وجوب صوم و افطار رؤیت
هلال است چنانچه تفصیل این قول نیز در صدد لمعهٔ سابق مذکور شد روزهٔ این
روز واجب نیست و در میان ایشان خلافی نیست که اگر این روز را به نیت ماه شعبان
روزه بدارد و آخر ثابت شود که از ماه رمضان بوده است این روزه هرچند به نیت
واقع شده از روزهٔ ماه رمضان مجزی است و قضا در کار نیست و بر طبق این روایات
بسیار وارد شده است چنانچه بسند صحیح از سعید اعرج منقول است که گفت بخدمت
حضرت صادق عم عرض کردم که من یوم الشک را روزه داشتم و ظاهر شد که از ماه رمضان
بوده آیا آن روز را قضا کنم حضرت فرمود که نه بلکه روزیست که توفیق یافته به روزه
داشتن آن و در روایت دیگر از محمد بن حکیم منقول است که گفت سؤال کردم از حضرت ابو
الحسن عم از روزهٔ یوم الشک و گفتم که مردم یعنی اهل سنت میگویند که هر که روزه با شد
در این روز بمنزلهٔ کسی است که افطار کرده باشد در ماه مبارک رمضان فرمود که دروغ
میگویند اگر از ماه رمضان است پس روزیست که توفیق یافته به روزه داشتن آن و
اگر از ماه رمضان نیست بمنزلهٔ روزهای گذشتهٔ ماه شعبان است و در روایت دیگر
از حضرت امام جعفر صادق عم منقول است که روز یوم الشک را باید روزه داشت به
نیت ماه شعبان نه به نیت ماه رمضان زیرا که نهی از آن وارد شده است پس اگر آخر
ظاهر شود که از ماه رمضان بوده است مجزیست از روزهٔ ماه رمضان بتفضل حق تعالی
و احادیث بر این مضمون بسیار و معمول به است و بالجمله در باب اجزاء روزهٔ این روز
به نیت شعبان از روزهٔ ماه رمضان اگر ظاهر شود که از ماه رمضان بوده خلافی
بنظر نرسید ولیکن آیا مستحب است روزه داشتن این روز به نیت ماه شعبان یا نه
درین باب خلاف است اکثر علما باستحباب مطلقا قایل شده اند و محقق در معتبر از شیخ
مفید نقل نموده است که مستحب است روزهٔ این روز هرگاه هوا ابر باشد و شک
در دیدن هلال بهم رسد و اگر هوا صاف باشد و ماه دیده نشود و شکی حاصل نشود

کفتیم

مستحب نیست بلکه مکروه است مگر کسی که قبل از این روز را روزه داشته باشد که روزه
مستحب است و این قول بسیار ضعیف و مستند ظاهری برای آن بنظر نرسید و اگر این
روز را به نیت واجب و اینکه از ماه رمضان است روزه بدارد مشهور میان علما آنست که
مجزی نیست آن روزه نه از ماه شعبان و نه از ماه رمضان و اگر ظاهر شود که از ماه رمضان
بوده واجب است که آن روز را قضا کند و ابن ابی عقیل و ابن جنید و شیخ طوسی در بعضی از
کتبش در این صورت مجزی دانسته اند و قضا را لازم ندانسته اند و قول اول اقوی و احوط
و موافق روایات معتبره است چنانچه بسند صحیح از حضرت امام محمد باقر عم منقول است که فرمود
در باب کسی که یوم الشک را روزه دارد بقصد ماه رمضان آنکه قضا بر او لازم است هرچند
ظاهر شود که از ماه رمضان بوده و از حضرت امام زین العابدین علیه السلم منقول است که
ما شما را در باب روزهٔ یوم الشک امر میکنیم و نهی میکنیم امر میکنیم که روزه بدارید آنرا
بقصد ماه شعبان و نهی میکنیم که روزه بدارید آنرا به نیت ماه رمضان و اگر کسی قضای
ماه رمضان یا روزهٔ نذر یا عهد یا یمین بر او لازم شده باشد و این روز را به نیت یکی
از آنها روزه دارد مشهور میان اصحاب آنست که مجزی نیست نه از روزهٔ ماه رمضان و
نه از آن واجبی که نیت کرده هرچند آخر ظاهر شود که از ماه رمضان بوده و اگر کسی روز را
در نیت تردید کند که اگر از ماه رمضان باشد روزهٔ واجب داشته باشد و الا
سنت بعضی گفته اند مجزیست و مشهور عدم اجزاست بلکه اگر ظاهر شود که از ماه رمضان
بوده واجب است که قضا کند والله تعالی یعلم حقایق الاحکام و حججه الکرام علیهم التحیة والاکرام
لمعهٔ سیم در بیان نیت روزه ماه مبارک رمضان بدانکه در هر عبادتی واجب است
که نیت مقارن جزو اول آن عبادت واقع شود بغیر از روزه که مقارنت نیت با جزو اول
آن شرط نیست بلکه هر جزوی از اجزاء شب میش صلاحیت دارد که نیت در آن واقع شود
و خلاف واضحی درین باب بنظر نرسید مگر آنکه جمعی از سید مرتضی ره نقل کرده اند که او
گفته وقت نیت روزهٔ واجب قبل از طلوع صبح تا زوال آفتاب است و علما کلام او را بر
حالت اضطرار حمل نموده اند نه حالت اختیار چنانچه بعد از این انشاء الله تعالی مذکور
خواهد شد پس اگر کسی در اول شب نیت روزه بکند و بخواب رود و بعد از طلوع صبح
بیدار شود روزه اش صحیح است و سر در این باب دو چیز میتواند بود **اول** آنکه چون
اول وقت روزه ابتدای طلوع صبح است و آن معلوم نمیتواند شد مگر بعد از انقضای
قدری از زمان طلوع پس دانستن جزو اول حقیقی از اجزاء زمان روزه متعذر است لهذا
شارع در روزه مقارنت نیت را با جزو اول آن اعتبار نفرموده است بخلاف سایر عبادات

که مقارنت با جزء اول آن نهایت سهولت دارد دویم آنکه وقت نیت روزه شب است
و شب محل استراحت و خواب است و اگر مردم ممکن است که در آخر شب در خواب باشند
لهذا از راه تسهیل امر بر مردم شارع ظرف نیت روزه را تمام شب قرار داده که در هر
جزوی از اجزاء آن توانند نیت کنند و اگر در زمان مقارنت طلوع در خواب بوده باشند
ضرری نداشته باشد و در این باب نیز خلافی نیست که اگر بعد از نیت در شب فعلی منافی روزه
از او صادر شود مانند اکل و شرب و مباشرت زنان آن نیت فاسد نمیشود و احتیاج
بتجدید نیت بعد از آن فعل نیست مگر شیخ شهید که در کتاب بیان در مباشرت زنان و
امثال آن مانند استمنا و احتلام که موجب جنابت است تأمل نموده و احتمال وجوب تجدید
نیت بعد از آن داده و این احتمال هر چند بسیار ضعیف و لیکن تجدید نیت بعد از عمد
در این صورت احوط است و همچنین خلافی نیست در آنکه جایز نیست تاخیر نیت از جزء آخر
شب در حالت اختیار مگر ظاهر کلام سید مرتضی چنانچه مذکور شد و ابن جنید که گفته
است که در روزه واجب و سنت تجدید نیت بعد از زوال نیز میتوان کرد خواه در شب
بخاطرش باشد یا فراموش کرده باشد و اگر نیت را در شب فراموش کند مشهور میان علما
آنست که تا قبل از زوال میتواند نیت کرد اگر مفطری بعمل نیاورده باشد و لیکن در هر وقت
که بخاطرش آید واجب است که فی الفور نیت کند و تاخیر ننماید بلکه ظاهر کلام محقق در معتبر
و علامه در منتهی و تذکره آنست که اجماع علما بر این معنی منعقد شده است و لیکن بعضی از
علما از ابن ابی عقیل نقل کرده اند که در میان عامد و ناسی فرقی نکرده و در هر دو صورت
اگر نیت در شب واقع نشده باشد بطلان روزه قایل شده و بعضی از محققین متاخرین نیز
در این مقام تأمل نموده اند لهذا احوط در این صورت قضاست و اگر عمداً نیت را در شب
ترک نماید و بعد از طلوع صبح قبل از زوال نیت کند پس اگر واجب معین است مانند
ماه رمضان یا نذر معین مشهور میان علما آنست که روزه اش باطل است و قضا میکند و
کفاره لازم نیست و بعضی کفاره را نیز لازم دانسته اند و این احوط است و اگر واجب غیر معین است
مانند قضای ماه مبارک رمضان و نذر مطلق پس بالاجماع ضرر ندارد و آن روزه صحیح است
و تا قبل از ظهر نیت میتواند کرد و در ظهر و بعد از ظهر خلاف است و مشهور میان علما آنست
که وقت نیت گذشته است و آن روزه صحیح نیست و ظاهر کلام ابن جنید استمرار وقت نیت است
تا دام که قدری از روز باقی مانده در این صورت و این قول نزد بعضی از محققین متاخرین
قوی و قول مشهور احوط است و اگر روزه سنت باشد پس خلافی نیست که تا اول زوال نیت میتواند
کرد و در ما بعد از زوال خلاف است بعضی گفته اند که تا نزدیک شام نیت میتوان کرد

و این قول مختار جمعی است مانند امام مولانا محمد باقر مجلسی رفع الله درجته و جمعی از محققین است و بعضی
گفته اند که اگر قبل از زوال نیت کند ثواب روزه بعد از نیت تا شام را دارد و بدانکه روزه
هر روزی از روزهای ماه مبارک رمضان بتنهائی عبادت مستقلی است و محتاج به نیت جداگانه
است و لیکن سید مرتضی و شیخ مفید و شیخ طوسی قدس الله ارواحهم و جمعی دیگر از فقها قایل
شده اند که یک نیت برای تمام ماه رمضان در اول آن کافی است و سید بر این معنی دعوی اجماع
نموده است و احوط تجدید نیت است برای هر روزی بتنهائی و اگر قبل از ماه رمضان نیت روزه
تمام ماه را بکند و بعد از دخول ماه سهواً تجدید نیت نکند موافق مشهور مجزی نیست و شیخ
طوسی به اجزا قایل شده است و این قول ضعیف و از احتیاط بعید است و اما کیفیت نیت روزه
پس در ماه رمضان نیت میکند که فردا روزه میدارم قربةً الی الله تعالی و اکثر محققین همین قدر را
کافی دانسته اند و تقیید بوجوب و خصوص روزه معین را در کار ندانسته اند و بعضی باستحباب
قید تعیین و وجوب قایل شده اند و در روزه نذر معین خلاف است جمعی از فقها خصوصاً
بعضی از متاخرین در این صورت نیز مانند روزه ماه رمضان تعیین و وجوب را لازم ندانسته
و شیخ طوسی و جماعتی قید تعیین را و بعضی قید وجوب را نیز ضرور دانسته اند و قول اول
اقوی و قول دویم احوط است و در روزه واجب غیر معین اکثر فقها بلکه همگی قصد تعیین را واجب
میدانند و در قصد وجوب خلاف است و اقوی آنست که در کار نیست و احتیاط در تقیید است
و همچنین در روزهای سنتی قصد تعیین لازم است و تقیید باستحباب علی الاقوی ضرور نیست
و احوط تقیید است والله تعالی العالم و اما تحقیق حقیقت نیت و بیان معنی آن پس در این باب
اشتباه بسیار واقع شده و اکثر حقیقت آن را حسب الواقع نفهمیده اند و چون تحقیق این مسئله
از مهمات است زیرا که نیت بمنزله روح عبادت است و عبادات بنیت از عادات امتیاز می
یابد و شرط عمده همگی نیت است لهذا در این کتاب کشف قناع از حقیقت آن مینمائیم بدانکه مقصود
قول ما در این باب آنست که در هنگام شروع در اعمال مانند وضو و نماز و غیر آن بآن تلفظ مینمایند
هر چند در خاطر ایشان معنی نیت نباشد و این باجماع علما و شهادت عقل باطل و لغو است و
بعضی که از این مرتبه ترقی نموده اند نیت را اخطار کردن ببال آن الفاظ و تصور معانی آنها
میدانند و این نیز خطا است زیرا که ثمره نیت اخلاص در عمل است و عمل را از ریا و شرک جدا
بدر میبرد و ظاهر است که این تصور و تعقل این ثمره را نمی‌بخشد زیرا اگر کسی تارک الصلوة باشد و
هرگز نماز نکند و روزی بشنود که بزرگی بمسجد آمده و در پی او صلوة قصد مینماید و از برای همین غرض
وضو ساز دو بمسجد آید و برابر آن بزرگ بهمین قصد متوجه نماز شود و لیکن در خاطر
بگذراند که نماز واجب میکنم قربةً الی الله قطعاً و هرگاه اعمال او از ریا آورد البته نماز

باطل است با آنکه معانی آن الفاظ را تعقل و تصور نموده است پس معلوم شد که تعقل و
تخیل آن الفاظ و احضار معانی آنها در خاطر نیز نیت نیست بلکه تحقیق در این باب آنست
که نیت بر دو معنی اطلاق میشود دویم آنکه مقارن فعل قصد و عزم بر اتیان آن فعل
داشته باشد و آن فعل از روی غفلت و سهو از او صادر نشود مثلا هرگاه کسی بقصد
غسل جنابت داخل حمام شود و جنابت را فراموش کند و بقصد تطهیر و تنظیف سر آب
فرو برد و بیرون آید آن شخص نیت غسل نکرده و این فرو رفتن او در آب بغسل او محسوب نیست
بالاجماع و باید مرتبه دیگر نیت کند و غسل نماید و اگر جنابت را در خاطر داشته و باین جهت
با آب فرو برد غسل کرده و نیت داشته هرچند بلفظ تلفظ نکند و آن معانی را نیز در خاطر
نگذراند و تحصیل نیت باین معنی در نهایت آسانی است و بسیار نادر است که کسی از آن خالی
باشد و لهذا بعضی از محققین گفته اند که اگر ما را تکلیف مینمودند که عبادت را بی نیت بجا
آوریم این تکلیف ما لا یطاق بود سیم علت غائی و محرک و باعث بر ارتکاب آن عمل
چه افعال اختیاریه عقلا خالی از غرض و داعی نمیباشد و این معنی غیر معنی اول است
مثلا هرگاه شخصی متوجه بازار شود و از او سؤال کنی که بکجا میروی در جواب میگوید که بازار
میروم این بمعنی اول است که در نفس اوست و اگر بگوید که بجای دیگر میروم دروغ گفته است — نیت
و از خلاف نیت خود خبر داده است و اگر از او بپرسی که چرا ببازار میروی میگوید که میروم متاع بگیرم
این نیت بمعنی دویم است زیرا که باعث حرکت او همین امر شده است و چون هیچ فعل بدون
باعثی و محرکی نمیباشد لاجرم عبادات و طاعات را نیز محرکی و سببی در نفس میباشد که
آن نیت بمعنی دویم است و اصل این نیت مشکل نیست و لیکن اخلاص در آن در نهایت
اشکال است و مدار کمال و سبکی عبادت بر اخلاص در این نیت است و این اخلاص را
وقت نماز بچشم بر هم گذاشتن و حرکات و سواس نکردن تحصیل نمیتوان نمود بلکه
مدتهای مدید بریاضات و مجاهدات و تفکرات صحیح بعد از توفیق الهی فی الجمله از آن
ممکن است تحصیل شود زیرا که این نیت تابع حالت آدمی است و تا حال خود را مبدل نسازد
این نیت مبدل نمیشود و توضیح و تفصیل این معنی موقوف بر ذکر بعضی از مراتب نیات است
بدانکه بنای این عالم بر عشق و محبت است و هر کس را معشوقی و مقصودی میباشد که مطمح
نظر اوست و باقی چیزها را بتبعیت آن طلب میکند و در جمیع اعمال و افعال و طاعات و
عبادات نیت او تحصیل آن مطلوب میباشد و آن مطلوب بر دو قسم است قسم اول
مطلوب فاسد و این قسم افراد بسیار دارد و ما تمام آنها را ذکر نکرده و فرد که غالب مردم مفتون — باعث نیت
آنها گردیده اند اکتفا مینمائیم دویم محبت مال و چنین کسی پیوسته فکر و خیال او متوجه

تحصیل

تحصیل مال است و در میان عبادات هر عبادتی که موجب زیادتی مال شود بر آن مواظبت
مینماید و نهایت اهتمام در باره آن میکند و عباداتی که ثمرات اخرویه مانند رفع درجات
و قرب درگاه قاضی الحاجات داشته باشد اصلا متوجه نمیشود و اقدام بآنها نمیکند
و عبادات واجبه را مانند نمازهای شبانه روزی و امثال آن که بجا میآورد نیز باین قصد
میکند که مبادا مردم بی اعتقاد شوند و مال او را بگیرند یا حق تعالی مال را از او سلب
نماید و فقیر شود و چنین کسی تا این حالت با اوست مال پرست است و معبود حقیقی او مال
است و نیت او در جمیع افعال و اعمال و عبادات و طاعات تحصیل و ابقای مال است
و باین مرتبه در حدیث نبوی اشاره شده که ملعون ملعون من عبد الدینار و الدرهم
یعنی ملعون و دور از رحمت الهی است هر که دینار و درهم را بپرستد زیرا که هیچکس دینار
و درهم را خدای خود قرار نداده و آنها را سجده نکرده است بلکه مراد از پرستیدن همین معنی
است که بیان شد سیم محبت جاه و اعتبار و چنین شخصی را چندان در نظر اعتبار
نماید و چون طالب جاه و اعتبار میباشد در جمیع اعمال خود ملاحظه مینماید که اگر موجب — نیّه
اعتبار و جاه او هست میکند و الا ترک میکند و در میان عبادات هر عبادتی که در ثواب
آن نوشته اند که در نظرها عزیز میشود تفحص مینماید و آنرا بجا میآورد و باقی عباداتی که
ثواب آن رفع درجات اخروی است هرچند بحسب سند صحیحتر باشد اصلا رغبت نمیکند
و لهذا اگر صاحب منصبی را ببیند باو میل مینماید و آن صاحب منصب نیز فریب میخورد و گمان
میکند که این شخص دلداده کمالات او است و با او محشور و مختلط است و اگر اعتبار او زایل شود
و بدیگری پیوندد بجانب آن میل میکند و مطلوب و معشوق خود را با هر که ببیند با او
مربوط میگردد و این فرد منشعب بشعبهای بسیار میشود مثل آنکه یکی مجرد عزت میان مردم
را خواهش دارد و دیگری حب ریاست و سرکردگی دارد و دیگری میخواهد که میان مردم
معروف بصلاح و سداد باشد و هریک مطلب باطلی را پیش نهاد خاطر خود کرده و در
میان عبادات آنچه معین بر آن باشد اختیار میکند و باقی را ترک مینمایند و افراد دیگر
نیز برای مطلوب فاسد هست که حال آنها از حال اینها ظاهر میشود و شکی نیست که اگر
غرض و باعث او بر عبادت محض این اغراض فاسده مذکوره باشد عبادت او باطل است
و اگر اغراض مذکوره استقلال تمامی در نفس او بهم نرسانیده و مطلب اخروی نیز منظور او
هست مرائی است و در بطلان عبادت این اشکالی هست و مشهور بطلان است و بالجمله
اعظم آفات عبادات این نیات فاسده است و در مرتبه شرک خفی است چنانچه ابن
بابویه بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت رسالت صلعم فرمود که

اجتناب کنید از ریا بدرستی که آن شرک بخداست و مرائی را در روز قیامت بچهار نام ندا می‌کنند که ای کافر ای فاجر ای غادر ای خاسر عملت باطل شد و مزدت باطل شد و ترا درین روز بهره نیست برو و مزد خود را از آنکسی که برای او کار کرده طلب کن و ایضا بسند صحیح از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که روز قیامت حق تعالی جماعتی را امر فرماید که بجهنم برند پس خطاب فرماید بمالک که بگو با آتش که قدمهای ایشان را نسوزاند که ایشان بپای خود بمساجد میرفتند و روهای ایشان را نسوزاند که وضو را تمام و کامل میساختند و دستهای ایشان را نسوزاند که بدعا بر میداشتند و زبانهای ایشان را نسوزاند که قرآن بسیار میخواندند پس خازن جهنم بایشان گوید که ای اشقیا چه کرده اید که با وجود این اعمال مستحق جهنم شده اید ایشان در جواب گویند که ما عبادات را برای غیر خدا میکردیم در این روز بما گفتند که مزد خود را از کسی بگیرید که عبادت برای او میکردید و ایضا بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که لقمان پسر خود را وصیت نمود که مرائی را سه علامت است چون تنهاست در عبادت سستی میکند و در حضور مردم در امر عبادت قیام مینماید و هر کار میکند توقع دارد که او را بر آن کار ستایش کنند و علی بن ابراهیم از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر که برای مردم نماز کند مشرک است و هر که زکوة برای مردم دهد مشرک است و هر که برای مردم حج کند مشرک است و هر که امر الهی را برای مردم بجا آورد مشرک است و خدا قبول نمیفرماید عمل ریاکننده را و آیات و اخبار در این باب بسیار است و مطلب ما بیان تحقیق شود که شجره ملعونه حب دنیا را که منشا اغراض فاسده و مطالب باطله است از زمین دل بکلی قطع ننماید نمیشود که آن را از دل بیرون آورد که مبادا شعبه از آن دیگر سبز شود چنانچه نقل کرده‌اند که شخصی در پای درختی نشسته بود و میخواست مشغول ذکر باشد و با حضور قلب عبادت کند جانوران چند بر درخت نشسته بودند و آوازها بلند کرده او را از حضور قلب باز میداشتند برخاست و ایشان را دفع کرد و نشست و چون مشغول شد باز جمع شدند و آوازها بلند کردند چند آنکه آنها را میراند فایده نمیکرد شخصی رسید و گفت ای برادر تا این درخت باقی است از آن جانوران خلاصی ممکن نیست اگر میخواهی درخت را برکن چنین کرد و فارغ شد و این سخن فی الحقیقة تشبیهی است باین معنی که تا در دل آدمی درخت محبت دنیا ریشه دارد مرغان خواهشها و خیالها را دفع نمیتوان کرد و برای خلاصی از آنها قطع و قلع آن درخت ضرور است و قلع آن بریاضات مشروعه و تفکرات صحیحه میشود که تفصیل آنها از اخبار و احادیث مفهوم میشود و سرمایه توسل بجناب اقدس باری و تفکر در فنای این نشاه فانی

مثال حب دنیا

و به اعتبار

و به اعتبار جاه و مال و سرعت زوال مشتهیات و آمال و تامل در عدم حصول نفع و ضرر از اهل دنیا بدون اعانت و مشیت خالق البرایا و تفکر در عظمت عقوبات و وسعت رحمت و مثوبات خداوند مفیض الخیرات و البرکات است تا آنکه آن مطالب در نظر عزیز شود و مطالب سهل دنیا و حقارت آنها بر او منکشف گردد قسم دوم مطلوب صحیح و این قسم نیز افراد بسیار دارد اول درجه اوساط که از راه خوف از عقاب یا طمع در ثواب عبادت میکنند و این جماعت عمل خود را از اغراض فاسده مذکوره و نیات باطله مذمومه که تفصیل یافت مبرا ساخته اند و غرض ایشان تحصیل آخرت است و گاه خوف عظیم بر ایشان غالب و عبادات را از ترس جهنم بجا می‌آورند و گاه رجا بر ایشان غالب و برای طمع بهشت عبادت میکنند و بعضی از علما اگرچه گفته اند که عبادات با این نیت نیز صحیح نیست اما اکثر تصحیح آن قایل شده اند و خوف هم نیز صحت آنست چه اگر صحیح نباشد عبادات غالب مردم صحیح نخواهد بود که نسبت بایشان تکلیف ما لا یطاق خواهد بود و ظاهر آیات کریمه بسیار که تخویف از عقوبات و تطمیع در مثوبات است با اخباری که متضمن شرح فواید اعمال از رفع درجات و صور بهشت و تخلص از شداید و اهوال قبر و محشر و جهنم است شاهد صدق این معنی است ولیکن این عبادت در درجه نقص و ادنی مراتب نیات صحیحه است زیرا که این مرد فی الحقیقه خود را پرستیده نه خدا را چه مطلب او دفع ضرر از خود و جلب نفع بسوی خود است لهذا چنین کسی با عمالی که باعث قرب و خوشنودی خداست رغبت زیادی نمیکند و اگر بشنود که فلان عمل باعث آنست که حق تعالی در بهشت باو حوریه عطا میفرماید یا کاسه باو عطا میکند که چندین هزار لون طعام در او هست از روی حرص و اهتمام تمام متوجه آن عمل میشود دوم عبادت شاکران که از راه شکر منعم عبادت میکنند چه عقل حکم میکند که شکر منعم واجب است خصوصا چنین منعمی که نعمای او غیر متناهی و نعمتهای او بکرات و مرات منتهی میشود و اصل نعمتها که وجود است از او و جمیع قوی و جوارح و اعضا از عطایای اوست و در هر نفسی بر بدن هر فردی از افراد از حفظ و تربیت و تغذیه و تنمیه چندین هزار نعمت دارد و بر ارواح مخلصان در هر لحظه صد هزار نوع لطف و مرحمت از افاضات و هدایات و توفیقات میفرماید و در عین کفران این نعمای غیر متناهی منع لطف خود نمی فرماید چنانچه در حدیث وارد شده است که حق تعالی با هر یک از بندگان نوعی لطف میفرماید که گویا بغیر این بنده بنده دیگر ندارد و هزار گونه احتیاج باو دارد با آنکه خالق بندگان و بی نیاز از عالمیان است و بنده با خدا و نخود بنوعی سلوک مینماید که گویا خدایان دیگر دارد و با وی هیچ احتیاج ندارد با آنکه خدای بجز او ندارد و مالک ضر و نفع بغیر او

تحقیق نیات صحیحه

نیت واین مرتبه اکمل از درجه سابق و خلاف در صحت و کمال آن نیت و مستلزم حصول درجات
آتیه که بعد از این مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی نیز میشود چنانچه بسند معتبر از حضرت امام
رضا علیه التحیة والثناء منقولست که اگر خدا مردم را امید و ارمیکرد انید به بهشت و نمیترسانید
از دوزخ هر آینه بر مردم واجب بود که او را اطاعت کنند و عصیان ننمایند بجهة تفضل و
احسانها که نسبت با ایشان کرده است و نعمتها که قبل از استحقاق با ایشان کرامت فرموده
است و تفکر در آلاء و نعماء الهی نهایت ندارد چنانچه حق تعالی میفرماید فَاِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ
اللهِ لاٰ تُحْصُوهٰا یعنی اگر خواهید که شماره در آورید نعمتهای الهی را نمیتوانید که همه را
شمارید و این تفکر از اعظم عبادات است چنانچه وارد شده است که تَفَکُّرُ سٰاعَةٍ خَیْرٌ
مِنْ عِبٰادَةِ سَنَةٍ یعنی تامل نمودن در نعمتهای خدا و تفکر در آیات آفاقی و انفسی در ظرف
یکساعت بهتر است از عبادت یکساله و این معنی موجب مزید قرب و محبت و باعث حصول
درجات آتیه می شود و بکمال این مرتبه و قصور مرتبه سابق حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
اشاره فرموده است در حدیثی که فرموده است که جمعی عبادت الهی کردند برای رغبت در ثواب
و این عبادت تاجران است و جمعی عبادت الهی کردند از ترس عذاب و این عبادت غلامان است
و جمعی عبادت الهی کردند برای شکر او و این عبادت آزادان است **سیم** عبادت مقربان
یعنی جمعی که باعث ایشان بر عبادت تحصیل قرب حضرت باری جل شانه است و مراد از
قرب نزدیکی مکانی و زمانی نیست زیرا که خداوند عالمیان از زمان و مکان منزه است
بلکه قرب حق تعالی معانی بسیار دارد و در این مقام مذکور معنی از آنها اکتفا مینمائیم **چهارم**
تشبه بجناب مقدس حق تعالی که تعبیر از آن تَخَلَّقُوا بِاَخْلاٰقِ اللهِ میکنند و این معنی
عبارت از آنست که پیوسته آدمی در مقام تخلیه نفس از اوصاف رذیله و تحلیه آن باخلاق
جمیله باشد و چون جناب حق تعالی کامل بالذات است و نقص در ذات و صفات او
راه ندارد بالضروره همه اوصاف او صفات کمال است و ممکن تمام نقص و عجز و احتیاج
پس نهایت تباین میان ممکن و واجب میباشد و هرچند ممکن نقصی از نقایص خود را
ازاله میکند و از فیاض مطلق صفت کمالی برا و فایض میگردد او را فی الجمله قرب و نزدیکی
بهم میرسد و این مانند آنست که دو کس هرگاه با یکدیگر در اخلاق تباین و تضاد داشته
باشند میگویند که از یکدیگر بسیار دورند و اگر یکی از ایشان اخلاق دیگری را کسب نماید میگویند
که قدری باو نزدیک شده است و اگرچه صفات ممکن و واجب بیکدیگر ربطی نیست و ممکن
هرچند تحصیل کمال نماید صد هزار نقص آمیخته است ولیکن بکنوع آشنائی و ارتباطی بهم میرساند
که از او بقرب تعبیر میتوان نمود و چون عبادات را در تصفیه باطن تاثیری میباشد و هر عبادتی

معانی قرب حق تعالی

موجب تکمیل کمال و خلقتی در نفس بهم میرسد است که منظور و مقصود از عبادت تحصیل این مرتبه
و درجات و مراتب این قرب غیر متناهی است و بیان آنها علی التفصیل مناسب این مقام نیست
دوم محبت و دوستی معنوی و قرب را براین معنی اطلاق میکنند و هذا اگر کسی در مشرق باشد
و دوستی او در مغرب پیوسته در فکر و خیال او باشد و بزبان نشر محامد و کمالات او نماید
و با عضا و جوارح مشغول کارهای او باشد میگویند که این شخص بدوست خود نزدیک
تر است از بیگانه یا دشمنی که در پهلوی او نشسته باشد و ظاهر است که از کثرت عبادت و
ذکر این معنی حاصل میشود **چهارم** عبادت جمعی است که باعث ایشان حیای از حق تعالی است
و تحصیل این معنی باین میشود که تصدیق نماید باینکه خداوند او در همه جا حاضر و در پنهان و
آشکار بر حال او مطلع است و حسن طاعات و قبح سیئات کما هی برا و ظاهر و دل او بنور ایمان
منور شود و در مقام معرفت به درجه کمال رسیده پیوسته در یاد خدا باشد و متذکر این
معنی باشد که خداوند عالم السرائر به فایق ضمایر و نیات هر خلایق مطلع است و عظمت
و جلال الهی و نعماء و آلاء غیر متناهی او همیشه در ساحت دل او جلوه نماید و چنین کسی در
آشکار و نهان از خداوند عالمیان شرم و حیا میکند و طبع او از معاصی متنفر میگردد
و پیوسته در یاد خدا می باشد و هذا در حضور مردم و پنهانی عبادت او اصلا تفاوت
نمیکند و باین جهت عبادت او نهایت خلوص بهم میرساند و دیگری را اصلا با خدای خود
در عبادت شریک نمیکند چه اگر کسی غلامی و ملازمی داشته باشد در حضور او از ارتکاب
قبایح احتراز مینماید پس هرگاه از خداوند خود با این همه نعمتها شرم نکند البته می پندارد که
خدا برا و مطلع نمیشود و هذا در حدیث وارد شده است که حضرت لقمان بفرزند خود وصیت
فرمود که او فرزند اگر خواهی معصیت خدا کنی مکانی پیدا کن که خدا در آنجا نباشد و بسند
معتبر از حضرت رسالت منقولست که از خداوند خود حیا بدارید چنانچه حق شرم و حیا است
صحابه گفتند که چه کار کنیم که حیا بعمل آمده باشد فرمود اگر خواهید که چنین باشید باید که
اجل شما در برابر دیده های شما باشد و سر و چشم و گوش و زبان و غیر آنها را از معصیت الهی
باز دارید و شکمها از حرام و فرج را از محرمات نگاه دارید و یاد کنید قبر و پوسیدن و خاک شدن
در قبر را و کسی که آخرت را خواهد باید زینت زندگانی دنیا را ترک نماید و این مرتبه درجه بزرگان
و هذا رسول خدا صلی الله علیه و آله در وصیت ابوذر با او امر میفرماید که اُعْبُدِ اللهَ کَاَنَّکَ تَرٰاهُ فَاِنْ لَمْ تَکُنْ
تَرٰاهُ فَاِنَّهُ یَرٰاکَ یعنی ای ابوذر عبادت کن خدا را که گویا تو او را می بینی و اگر تو او را نمی بینی
او ترا می بیند **پنجم** عبادت جمعی است که لذت عبادت را چشیده اند و عبادت بمنزله
معشوق و محبوب ایشان است و اطاعت و فرمانبرداری الهی را دوست میدارند و معصیت

الهی در نظر ایشان تیره کرده و باین جهت طبع ایشان از معاصی منزجر و پیوسته در مقام اطاعت
و انقیاد حق تعالی میباشند و مشقت عبادت بر ایشان نمیباشد بلکه نهایت لذت از عبادت
میبرند و هر قطره اشکی چندین بهره می یابند از قطره لذت شوق و از قطره لذت ذوق و از
قطره لذت خوف و از قطره لذت رجا و امید بی انتها میبرند و کاملان فهمیده اند و هیچ لذتی
را بطاعت و عبادت ترجیح نمیدهند و هیچ المی نزد ایشان بدتر از ارتکاب معصیت نیست
و باین جهت قوای شهوانی ایشان منکسر و قوت عاقله مستقل گردیده است و مدح این درجه
در روایات بسیار وارد شده است چنانچه بسند معتبر منقولست که حضرت امام جعفر صادق
ع منقولست که حضرت رسالت ص فرمود که بهترین مردم کسی است که عاشق عبادت شده باشد
و دست در گردن آن در آورده باشد و محبتش آنرا در بر گرفته باشد و محبت بندگی در
دل او جا گرفته باشد و بجمیع بدن و اعضا و جوارح مباشر آن شده باشد و بسبب
عبادت خود را از مشاغل دنیا فارغ کرده باشد و پروا نکند که روزگار او با آسانی
گذرد یا بدشواری و صاحب این درجه را از لذت جسمانی چندان لذتی نباشد بلکه
بهشت نیز عمده لذت او از عبادت و قرب رب العزة باشد چنانچه از آنحضرت منقول
مرویست که خداوند عالم میفرماید که ای بندگان من بسیار تصدیق کننده که تصدیق پیغمبران
من چنانچه باید کرده اید و فرمانهای مرا قبول نموده اید نعمتهای مرا و لذت ببرید از عبادت
من در دنیا بدرستی که بعبادت تنعم خواهید کرد در آخرت ششم عبادت محبان است
یعنی جمعی که محبت الهی در دل ایشان جا کرده و هرگاه محبت کسی در دل قرار گرفت و کار
فرمای بدن او شد دیگر باعث او در افعال و اعمال بغیر از محبت چیزی نیست و بغیر رضای
محبوب مطلبی ندارد و چنانچه جاهلان در عشق مجاز بمرتبه میرسند که اگر عبادت میکنند
معشوق را میخواهد و اگر معصیت میکنند برای معشوق میکنند و اگر ببازار میروند برای
این میروند که شاید او را ببینند و اگر بباغ و بستان میروند بیاد او میروند و در خدمت معشوق
هرگز بخاطرش نمیرسد که از او نفعی بمن خواهد رسید یا زری بمن خواهد بخشید و تمام
او در جمیع کارها همان محبت فاسد است همچنین محبت محبوب حقیقی که غالب شد جمیع
کارهای او منوط بهمان محبت است و بهشت و دوزخ در آن مقام منظور نیست بلکه
بهشت را برای آن میخواهد که دوست او را میخواهد و جهنم را برای آن دشمن دارد که
دوست او را نمیخواهد و باین جهت او را نمیخواهد و این درجه اعظم از درجات سابقه
در رتبه انبیا و اوصیا علیهم التحیة و الثنا است چنانچه حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله
و سلامه علیه در دعای کمیل فقره چند میفرماید که مضمون آنها اینست که الهی اگر مرا

بجهنم

بجهنم در آوری و از دوستان خود جدا کنی اگر بر عذاب صبر کنم چگونه بر فراق تو صبر نمایم و اگر بر گرمی
آتش شکیبائی نمایم چگونه تاب آورم جدائی از کرامتها و لطفهای ترا و صاحب این مرتبه مرتکب
معصیت نمیشود که ببیند که محبوبش نیست و طاعت را بجا برای محبوب میکند و منظورش
نیست و محبت خواب و غفلت را بر او حرام میکرد اند حضرت صادق ع منقولست که دروغ است
چنانکه راه
آنکه معصیت خدا میکند بعد از آن شعری خواند که مضمونش اینست که تو معصیت الهی میکنی
و محبت او را اظهار مینمائی بجان خودم این بسیار دور است کار تو اگر در دعوای محبت او صادق بودی
اطاعت او را ترک نمیکردی بدرستی که دوست مطیع دوست خود میباشد و ایضا بسند معتبر
منقولست از آنحضرت که فرمود که مردم عبادت الهی را بر سه وجه میکنند جمعی عبادت را
برای طمع ثواب میکنند و این عبادت حریصان است که حرص و خواهش لذات موجب بندگی
ایشان شده و طایفه دیگر عبادت را از ترس آتش میکنند این عبادت غلامان است که از خوف
سیاست آقا کار میکنند و لیکن من عبادت را برای محبت او میکنم و این عبادت کرام و بزرگواران
است و این مرتبه ایمنی است چنانچه حق تعالی میفرماید وَهُم مِّن فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ
یعنی ایشان از ترس روز قیامت ایمن اند و میفرماید که بگو ای محمد که اگر خدا را دوست
دارید پیروی من کنید تا خدا شما را دوست دارد و گناهان شما را بیامرزد پس فرمود که
کسی که خدا را دوست میدارد خدا او را دوست میدارد و هر که خدا او را دوست دارد
او از ایمنان است یعنی از شر شیاطین و هواهای نفسانی ایمن بود در قیامت از خوف و بیم
عذاب الهی نجات دارد و ایضا از آنحضرت مرویست که خدا وحی نمود بحضرت موسی بن
عمران علی نبینا و آله و علیه السلام وحی فرمود که ای پسر عمران دروغ میگوید کسی که گمان میکند که
مرا دوست میدارد و چون شب شد بخواب میرود و از من غافل میشود آخر هر دوستی میخواهد که
با محبوب خود خلوت کند اینک منم ای پسر عمران مطلع بر احوال دوستان خود و نظر لطف
بسوی ایشان دارم چون پرده شب ایشان را فرو گرفت دیدهای دل ایشان را میگشایم و عقوبتهای
خود را در برابر دیدهای ایشان میدارم و با من مخاطبه میکنند که گویا رو برو با من سخن میگویند
و گویا مرا می بینند و حاضرند با من سخن میگویند ای پسر عمران از دل خود خشوع و رقت
برای من بیاور و بدن خود را برای من شکسته و خاضع گردان و از دیدهای خود در تاریکی
شب آب بریز و مرا بخوان که من ترا نزدیکم و بدانکه از احادیث مذکوره چند معنی مفهوم
میشود که از لوازم این درجه است اول آنکه محبت خدا و رضای الهیان سبب محبت حق تعالی نیز
بآن شخص میشود چنانچه در این احادیث مذکور است و هذا حق تعالی در وصف حضرت
امیرالمؤمنین و اولاد اطهار او علیهم السلام میفرماید که يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ یعنی خدا ایشان را

دوست میدارد و ایشان نیز خدا را دوست میدارند دوم آنکه محب الهی منزل محبت دوستان او
نیز هست زیرا که دوستی مقتضی آنست که دوست دوست دوست دوست را نیز دوست
داشته باشی و همچنین قطعا رسول خدا ص در شان امیر المؤمنین ع فرمود که خدا و رسول را
دوست میدارد و خدا و رسول نیز او را دوست میدارند و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که
رسول خدا ص با صحاب خود فرمود که خدا را دوست دارید برای نعمتهائی که بر شما کرده است
و مرا دوست دارید از برای خدا و اهل بیت مرا دوست دارید برای من بلکه باید دشمنان دوست
دوستان و دشمنان دوست را نیز دشمن داشت و این معنی نیز در روایات بسیار وارد شده است
سیم آنکه این درجه هرگاه برای کسی حاصل شد گویا حق تعالی را برای العین مشاهده مینماید و
این مرتبه اعظم است از آنکه بداند که حق تعالی او را می بیند چنانچه در درجه ایمان ابوذر رض
لهذا حضرت رسالت ص اولا این درجه را با بوذر رض تعلیم فرمود که عبادت الهی کن بنوعی که
گویا تو او را می بینی و چون تحصیل این رتبه در نهایت اشکال و غالبا برای غیر انبیا و اوصیا
حاصل نمیشود لهذا ثانیا فرمود که اگر تو او را نمی بینی او ترا می بیند و بدانکه تحصیل این مرتبه
بتفکر در آلاء و نعماء غیر متناهی حاصل میشود چه محبتهای بشری چنانچه بتجربه رسیده بر بسیاری
الطاف و مهربانی محبوب چنانچه در تزاید میباشد همچنین عشق حقیقی نیز تابع کثرت نعمتها و
لطفهای معشوق حقیقی که در هر لحظه صد هزار نوع از آن بر هر فردی از افراد مخلوقات
دارد زیاده میگردد چنانچه بسند معتبر از حضرت امام رضا علیه التحیة والثنا مرویست که حضرت
رسول ص فرمود که خداوند عالمیان بموسی بن عمران فرمود که ای موسی مرا دوست دار
و مردم را دوست من گردان موسی گفت خداوندا من ترا محبت و بدوستی تو قایل گردیده ام ولیکن
مردم را چگونه دوست تو گردانم فرمود که نعمتهای مرا بایشان بخاطر آور و احسانهای نامتناهی مرا
بیاد ایشان بیاور چون بدانند که جمیع نعمتها و کمالات از من است و از جانب من بایشان
رسیده است غیر مرا یاد نکنند و پیوسته در یاد من باشند هفتم عبادت عارفان است که
باعتقاد ایشان بر عبادت کمال معبود است و آنکه او سزاوار عبادتست چنانچه حضرت امیر المؤمنین
ع فرموده که ما عبدتک خوفا من نارک ولا طمعا فی جنتک ولکن وجدتک اهلا
للعبادة فعبدتک یعنی پرستیدم ترا از ترس آتش تو و نه از برای طمع در بهشت تو ولیکن ترا
سزاوار پرستیدن یافتم پس عبادت کردم ترا و این درجه اعلای درجات مقربانست و کسی که
دعوی این مرتبه نمود که فریب از نفس خود نخورده باشد و یقین داند که اگر نام بهشت و دوزخ
نشنیده بود هم عبادت را چنین که الحال میکند میکرد بلکه اگر العیاذ بالله عبادت کننده را بجهنم
برند چون معبود را سزاوار عبادت میداند ترک نمیکرد تذنیب بدانکه بالاتر از مرتبه آخر

در حجر نمیباشد و نیت ترازه درجه اولی مرتبه نمیباشد و درجاتی که ذکر نمودیم متوسط است هر یک فوق
دیگری و مشتمل بر مراتب غیر متناهیست و صاحب هر مرتبه در خور مرتبه خود نیتی دارد که اعمالش منوط
بآن نیت است و هر فرد در حد شاهد نکواهی چند از اطوار و اخلاق دارد که دعوی مدعی و کمال واقعی بآنها ممتاز
میشود لهذا مرتبه هر عملی بمرتبه نیت آن است و لهذا در حدیث وارد شده است که انما الاعمال
بالنیات یعنی بدرستیکه هر عملی منوط بنیت است اگر نیت آن مشوب بریا و فاسد است آن عمل
نیز فاسد است و اگر نیت صحیح است در هر مرتبه که هست عمل نیز آن رتبه را دارد و کلینی بسند
معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده است که رسول خدا ص فرمود که نیت مؤمن بهتر است
از عمل او و نیت کافر بدتر است از عمل او و هر عمل کننده موافق نیت خود عمل میکند و ایضا
از آنحضرت روایت نموده که در تفسیر آیه لیبلوکم ایکم احسن عملا یعنی تا
بیازماید که کدام یک از شما نیکوکارترید حضرت فرمود مراد این نیست که هر که بیشتر عمل کرده
باشد بلکه مراد اینست که هر که عملش درست تر و صواب و حق تر نزدیکتر باشد و عمل صواب
آنست که با خوف الهی و نیت صادق درست باشد و ابقا بر نیت عمل و سعی نمودن که از
برای خدا خالص گردد بهتر است از اصل عمل و عمل خالص آنست که نخواهی که کسی غیر خدا ترا در آن
کار مدح و ستایش نماید و نیت بهتر است از عمل بلکه همین نیت عمل است و پس بعد از این فرمود
که قل کل یعمل علی شاکلته یعنی بگو ای محمد که هر کس کار میکند بر شاکله خود حضرت
فرمود که شاکله بمعنی نیت است پس معلوم شد که در نیت تلفظ بلفظی و اخطار معنی در
خاطر در کار نیست و وسواس در نیت از عدم معرفت بمعنی نیت ناشی میباشد و این همه
زحمتها و مشقتها که اهل وسواس در وقت شروع بعبادت میکشند لغو و بی ثمر است
و آنچه ضرور است آنست که آدمی سعی در خلوص نیت آن عبادت نماید و یکی از درجات
غائیه را که مذکور شد تحصیل نماید و نیز معلوم شد که در نیت روزه ماه رمضان همین
قدر کافی است که بداند که ماه رمضان داخل شده است و قصد روزه داشته باشد
و دیگر احتیاج بتلفظ بلفظی نیست و لیکن سعی در خلوص این نیت بکند و برای تحصیل مال
و جاه یا آنکه مردم او را صالح و متقی بشناسند و سایر اغراض باطله روزه ندارد بلکه
او از روزه داشتن تحصیل یکی از درجات غائیه سابقه بوده باشد والله تعالی هو الموفق
والمعین للوصول الی اعلی درجات السالکین باب هفتم در بیان فضائل
شب قدر و در آن نیز چند معراج است معراج اول در بیان وجه تسمیه این شب بشب قدر
بدانکه از کلام علماء خاصه و عامه برای تسمیه این شب باین اسم چند وجه ظاهر میشود
اول آنکه قدر بمعنی تقدیر باشد و چون حق تعالی در این شب آجال و ارزاق و سایر سوانح



این [redacted] پیغمبر شاید لهذا این شب را باین اسم نامیده اند **دویم** بعضی گفته اند که لفظ قدر بمعنی
جاه و منزلت است چنانچه نزد عرب شایع است که فلان صاحب قدر و منزلت است و چون هر که
این شب را بعبادت احیا کند نزد حق تعالی صاحب قدر و منزلت میگردد هر چند بی قدر و منزلت باشد
لهذا این شب را اضافه بلفظ قدر نموده باین اسم مسمی نموده اند و بعضی بنا بر آن تقدیر
گفته اند که چون عبادت در این شب قدر و منزلت عظیم دارد مسمی باین اسم گردیده است
و بعضی دیگر گفته اند که چون کتاب با قدر و منزلت که قرآن مجید است بسوی پیغمبر با قدر و
منزلت که امت آن بزرگوار است بدست ملک با قدر و منزلت که جبرئیل امین است در این شب
نازل شده لهذا باین اسم مسمی شده است **سیم** بعضی دیگر گفته اند که لفظ قدر بمعنی تنگی
و چون افواج ملائکه بسیار در این شب بر امام زمان نازل می شوند و عرصه زمین بر ایشان
تنگی میشاید لهذا آنرا باین اسم نامیده اند و الله تعالی اعلم **معراج دویم** در بیان شرافت
و فضیلت این شب بدانکه این شب در میان شبها و روزهای سال اشرف و افضل و اکمل از همه
است و قرآن مجید و احادیث متکثره متظافره بر این معنی دلالت دارد **اما** قرآن مجید
پس در چند موضع از آن فضیلت این شب وارد شده است چنانچه میفرماید إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ
الْقَدْرِ یعنی بدرستی که ما نازل کرده ایدیم قرآن مجید را در شب قدر وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ
الْقَدْرِ و چه چیز فهمانیده است ترا که چه چیز است شب قدر لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ
یعنی شب قدر بهتر است از هزار ماه تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ
نازل میشوند ملائکه و روح باذن پروردگار ایشان در این شب از برای تقدیر هر امری که
در آن سال واقع می شود و در حقیقت روح چند قول است بعضی گفته اند که مراد جبرئیل
است و بعضی دیگر گفته اند که ملکی است اعظم از جبرئیل و سایر ملائکه و بعضی دیگر
گفته اند که از جنس ملک نیست بلکه خلقی است اعظم از ملک و این قول اقوی است و روایات
بسیار از طریق ما بر این مضمون وارد شده است که ائمه علیهم السلام در آیه کریمه یَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ
وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا استدلال بمغایرت روح و ملک نموده اند زیرا که واو عطف در این
دو آیه میان ملک و روح فاصله شده و عطف دلالت بر مغایرت میان معطوف علیه و معطوف
میکند و بدانکه از احادیث بسیار که بعد از این مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی مفهوم
شود که ملائکه و روح در این شب بخدمت امام زمان نازل می شوند و سلام و ثنا و سلام
میکنند تا صبح و تقدیرات سال را باو معروض میدارند و این یکی از طرق ائمه علیهم السلام است
سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ سالم است این شب از جمیع آفات و شرور و با برکت و فضیلت
است از اول آن تا آخر آن که وقت طلوع فجر است و بعضی از علماء عامه که شب بیست و هفتم

ماه مبارک

ماه مبارک را شب قدر دانسته متمسک شده است بآنکه حق تعالی کلمات این سوره مبارکه را بر شبهای
ماه مبارک رمضان تقسیم نموده چنانچه باز آنکه هر شبی کلمه از این سوره افتاده و بازای شب
بیست و هفتم کلمه ضمیر هی افتاده که راجع بشب قدر می شود و باین جهت این شب قدر است
و گویا تقسیم این سوره ببی کلمه باین عنوان نموده است انا ۱ انزلناه ۲ فی ۳ لیلة ۴ القدر ۵
وما ۶ ادریک ۷ ما ۸ لیلة ۹ القدر ۱۰ لیلة ۱۱ القدر ۱۲ خیر ۱۳ من ۱۴ الف ۱۵ شهر ۱۶
تنزل ۱۷ الملائکة ۱۸ والروح ۱۹ فیها ۲۰ باذن ۲۱ ربهم ۲۲ من ۲۳ کل ۲۴ امر ۲۵ سلام ۲۶
هی ۲۷ حتی ۲۸ مطلع ۲۹ الفجر و این خیال خالی از غرابت نیست و ضعف و وهن آن بسیار
ظاهر است و بدانکه در این مقام ذکر بعضی از تحقیقات و دفع اشکالات ضرور است و چون
فهم آنها موقوف بر بعضی از تحقیقات مذکوره در معراج آینده است لهذا در این مقام بذکر
ترجمه ظاهر این سوره اکتفا نمودیم و تفصیل آن در معراج آخر این باب بیان خواهیم نمود ان شاء
الله تعالی **دویم** در سوره حم والکتاب المبین میفرماید انا انزلناه فی لیلة مبارکة انا کنا
منذرین فیها یفرق کل امر حکیم یعنی بدرستی که ما نازل کرده ایدیم قرآن مجید را در
شبی که با برکت است بدرستی که ما ترسانندیم بندگان خود را از عذاب خود در این شب
جدا می شود و تقدیر میشود هر امر محکمی و بدانکه از این آیه و آیه تنزل الملائکة والروح فیها باذن
ربهم من کل امر استدلال بر مذهب شیعه میتوان نمود که در هر عصری از اعصار حجتی حق تعالی
بر روی زمین باید باشد و باید عالم بعلوم ما یحتاج امت و معصوم از سهو و خطا و معصیت
بوده باشد و بیان این معنی آنست که کلمه تنزل که در آیه اولی و کلمه یفرق در آیه ثانیه صیغه مضارع
استقبالی است که دلالت بر استمرار و تجدد میشاید پس باید در هر سال در شب قدر تا آخر دهر
ملائکه و روح برای تقدیرات سال از آسمان بزمین نزول نمایند و اگر در زمین کسی نباشد که
ملائکه و روح بر او نازل شوند و تقدیرات را باو عرض نمایند پس نزول ایشان از آسمان
بزمین بی فایده خواهد بود و معلوم است که بر خلفای جور که باعتقاد اهل سنت اولی الامر
ملائکه و روح نازل نمیشوند و ایشان نیز در هیچ عصری از اعصار این ادعا را نکرده اند که مبادا
احدی از ایشان امری را سؤال نماید و ایشان در جواب عاجز شوند زیرا که بر هیچ امری از امور
واقعه علم و اطلاع نداشتند چه جای امور مستقبله که در ظرف تمام سال واقع خواهد شد پس باید
که در هر عصری امام زمانی که حجت خدا و تعالی بر عالمیان است بر روی زمین باشد و معصوم از جمیع
خطایا و گناهان باشد که قابلیت نزول ملائکه و روح را داشته باشد و ملائکه و روح بر او نازل
شوند و تقدیرات و وقایع سال را بخدمت او معروض دارند و هر که از ایشان از هر کسی از وقایع سال
در آن سال سؤال نماید از عهده جواب آن بیرون تواند آمد و ائمه ما علیهم السلام این سؤال نموده اند ایشان

چنانچه از تتبع احوال و اقوال ایشان که در کتب احادیث و سیر مضبوط است معلوم میشود و باین جهت است که
در احادیث ما وارد شده است که شب نیمه شعبان امر فرموده اند که مخاصمه کنید با اهل سنت بسوره کریمه
إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ و بآیه کریمه إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ
که بر ایشان ظفر می یابید واما اخبار دالّه بر فضیلت این شب پس بر دو نوع است نوع اول روایاتی
که مشتمل است بر فضیلت این شب و تعیین شب مخصوصی با ذکر عمل مخصوصی برای آن شب و آنها بعد
از این در باب اعمال شبها و روزها مذکور میشود انشاء الله تعالی نوع دویم روایاتی که تعیین شب مخصوصی
یا عملی در آنها مذکور نیست بلکه اصل فضیلت شب قدر در آنها مذکور است و بعضی از آنها در ضمن
روایات دالّه بر فضیلت این ماه مذکور شد و شیخ طبرسی رحمه الله در تفسیر مجمع البیان از ابن عباس روایت
کرده است که رسول خدا صلعم فرمود که چون شب قدر در آید ملئکه سکان سدرة المنتهی فرود آیند
و از جمله ایشان جبرئیل ع است و با جبرئیل لواها چند باشد پس یک لوا را بر قبر من نصب کند و
لوای دیگر را در بیت المقدس و لوای دیگر را در مسجد الحرام و لوای دیگر را در طور سینا نصب کند و
هیچ مؤمن و مؤمنه را در این مواضع نگذارند مگر آنکه سلام بر وی کنند مگر کسی که شراب خوار باشد
یا گوشت خوک خورده یا زعفران بر بدن خود مالد و ایضا در کتاب مذکور از رسول خدا صلعم روایت
کرده است که در شب قدر شیطان لعین بیرون نمی آید تا صبح و قادر نیست بر آنکه مبتلا سازد احدی
را بدیوانگی یا آزاری یا فسادی در زمین بکند و سحر هیچ ساحری در او اثر نمیکند و ابن بابویه رحمه
در کتاب من لا یحضره الفقیه از حضرت صادق ع روایت کرده است که آنحضرت بفرزندان خود
وصیت میکرد و میفرمود که هرگاه ماه مبارک رمضان داخل شود پس بتعب اندازید نفسهای
خود را بعبادت بدرستی که در این ماه روزیها قسمت میشود و اجلها نوشته میشود و در این ماه
حجاج بیت الله الحرام که مهمانان خدا و متعالیان اند و نجات ایشان نیز و ایضا ایشان نوشته میشوند
و در این ماه شبی هست که عمل در آن بهتر است از هزار ماه نوع دیگر بدانکه از آیات مذکوره مستفاد
میگردد که حق تعالی برای شب قدر دو وظیفه مقرر فرموده اول آنکه در این شب تقدیر اعمال و ارزاق و سایر
وقایع سالیانه که در ظرف آن سال واقع میشود و ملئکه و روح در این شب بخدمت امام زمان نازل میشوند
و آن تقدیرات را بر او عرض مینمایند و لهذا فرموده تنزل الملئکة والروح فیها باذن ربهم من کل امر و در آیه
دیگر فرموده فیها یفرق کل امر حکیم دویم آنکه عبادت این شب بهتر است از هزار ماه چنانچه فرموده
لیلة القدر خیر من الف شهر معراج دویم در بیان تعیین این شب بدانکه قاطبه علمای شیعه رضوان
الله علیهم قایل شده اند باینکه شب قدر بزمان حیات ابرکات حضرت سید کاینات علیه و آله اکمل الصلوات و
التحیات اختصاص نداشته بلکه تا انقطاع زمان دنیا مستمر و در هر سالی یک شب از شبهای آن
شب قدر است و علمای عامه نیز در این معنی با شیعه موافقت نموده اند مگر نادری از ایشان که

شب قدر

شب قدر را مخصوص زمان حیوة حضرت رسول خدا صلعم میدانند و میگویند که بعد از ارتحال آن بزرگوار
بعالم بقا برطرف شد و این قول بسیار ضعیف و فاسد است حتی آنکه بعضی از اعاظم علمای ایشان
گفته اند که جماعتی که اعتنا بشان ایشان هست اجماع نموده اند بر وجود شب قدر و دوام آن تا آخر
دهر بنا بر آنکه احادیث بسیار دلالت بر آن میکند و صالحان هر عصر آنرا مشاهده نموده اند و از جمله
روایات داله بر این معنی از طریق اهل سنت حدیثی است که از ابوذر رحمه الله منقولست که گفت
بخدمت حضرت رسول خدا صلعم عرض نمودم که شب قدر آیا مخصوص زمان پیغمبران است و بعد از
رحلت ایشان بعالم بقا آنرا بالا میبرند پس حضرت فرمود که نه بلکه شب قدر تا روز قیامت هست
و در طریق شیعه نیز احادیث داله بر این معنی وارد شده است چنانچه کلینی رحمه الله بسند خود از حضرت
امام جعفر صادق ع روایت کرده است که شخصی از آنحضرت سؤال نمود که شب قدر آیا پیشتر بود
و برطرف شد یا بعد از این نیز در هر سالی خواهد بود حضرت فرمود که اگر شب قدر رفع شده باشد
باید که قرآن مجید نیز رفع شده باشد و گویا مراد آنحضرت آنست که نص قرآن مجید چنانچه در معراج دویم
مذکور میشود که ملئکه و روح در این شب نازل میشوند چنانچه فرموده تنزل الملئکة والروح فیها
باذن ربهم من کل امر و در آیه دیگر فرموده فیها یفرق کل امر حکیم و کلمه تنزل در آیه اولی و کلمه یفرق
در آیه ثانیه دلالت بر استمرار و تجدد میکند چنانچه سابق بر این مذکور شد پس این دو آیه کریمه دلالت
بر استمرار شب قدر میکند و اگر شب قدر رفع شده باشد باید که آیه نیز رفع شده باشد والله تعالی
یعلم و از آنچه گفتیم معلوم شد که استمرار این شب تا آخر زمان تکلیف امری محکوم به و ثابت و
لیکن در تعیین آن میان علمای عامه و خاصه خلافست اما علمای عامه پس بعضی از ایشان گفته
اند که این شب شب مخصوصی نیست بلکه در هر سالی یکی از شبهای آن سال را شب قدر
میگردانند و این طایفه احادیث مختلفه را که در باب خصوص شب قدر وارد شده بر این معنی
تنزیل مینمایند و ابو حنیفه گفته که شب مخصوصی است و لیکن در میان شبهای سال مشتبه است
و بعضی گفته اند که در میان شبهای ماه شعبان و ماه مبارک رمضان مشتبه است و از بعضی
روایات وارده در طریق شیعه معلوم میشود که بعضی از اهل سنت شب پانزدهم شعبان را
شب قدر میدانسته اند و اکثر محققین ایشان قایل شده اند که از ماه مبارک رمضان بیرون نیست
چنانچه بعضی از این طایفه شب اول ماه رمضان را و بعضی دیگر شب هفدهم و بعضی دیگر شب
بیست و هفتم را گفته اند و اکثر گفته اند که از شب نوزدهم و شب بیست و یکم و بیست و سیم بیرون نیست
و بعضی منحصر در دو شب آخر دانسته اند و بعضی از اقوال نادره و شاذه دیگر نیز میان ایشان
هست و هر یک بر طبق مدعای خود بروایتی یا اثری و علامتی مستند گردیده اند چنانچه بعضی از
آنها قبل از این مذکور شد و اما علمای شیعه رضوان الله علیهم پس خلافی در ظاهر در میان ایشان

اقوال علمای عامه در باب [illegible]

بیان وظیفه شب قدر

نیست که از این سه شب بیرون نیست و از کلام شیخ طوسی ره در کتاب تبیان اجماع علما بر دو شب آخر
ظاهر میشود و احادیث طرق شیعه نیز نهایت اختلاف دارد چنانچه در بعضی ابهام و اجمال
شده هر چند سایل نهایت الحاح در باب تعیین آن نموده تصریح نفرموده اند و در بعضی دیگر
وارد شده که از ماه مبارک رمضان یا عشر اخیر آن ماه بیرون نیست و در بعضی دیگر انحصار در
شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم وارد شده و بعضی از روایات بر خصوص شب اول از این
سه شب و بعضی بر شب ثانی و بعضی بر شب ثالث دلالت میکند و لیکن روایات شب ثالث زیاده
از روایات شب ثانی و روایات شب ثانی زیاده از روایات شب اول است و در روایتی شب بیست و
چهارم نیز مذکور است و فقرات ادعیه لیالی عشر اخیر ماه مبارک رمضان دلالت بر همین [illegible]
لیالی عشر اخیر میکند زیرا که هر یک از آن دعاها مشتمل بر این فقره هست ان کنت قضیت فی هذه
اللیلة تنزل الملائکة والروح فیها من کل امر حکیم فصل علی محمد و آل محمد واجعل اسمی فی السعداء
وروحی مع الشهداء تا آخر دعا یعنی خداوندا اگر تقدیر کرده در این شب نزول ملائکه و روح را
برای هر امر محکمی پس صلوات بفرست بر محمد و آل او و بگردان نام مرا در زمره سعدا و روح مرا در
جمله شهدا و در آخر این ادعیه این فقره نیز هست وفقنی لیلة القدر علی افضل ما رآها احد
یعنی که توفیق ده مرا در یافتن شب قدر را بر نیکوترین وضعی که دریافته باشد آنرا احدی بلکه
دعای هر روز ماه مبارک رمضان نیز بر این فقره مشتمل است و دلالت بر احتمال شب قدر در
شبها میکند [illegible] در این باب ابهام و اجمال و تشویش و اختلاف زیاده وارد و حکمت و
سر این اختلاف چنانچه از تتبع اقوال علمای شیعه ظاهر میشود چند چیز میتواند بود اول
شیخ جلیل نبیل شیخ ابو علی طبرسی ره در تفسیر مجمع البیان گفته که ممکن است که غرض از اختلاف
و اجمال روایات اخفای این شب باشد جهت آنکه تا مکلفان شبهای بسیار را بعبادت احیا نمایند
تا شب قدر را دریابند تا آنها بیقین دریابند و بثواب آن فایز شوند و تفصیل این سخن آنست که هر گاه
کسی شب قدر در نظر او در تمام ماه رمضان محتمل باشد چون خواهد که بیقین شب قدر را دریابد
باید تمام این شبهای ماه مبارک را بعبادت بر پا دارد تا برو معلوم شود که شب قدر را دریافته
و بثواب آن فایز گشته است و کسی که در نظر او عشر اخیر این ماه محتمل باشد تمام لیالی این عشر را
برای دریافتن شب قدر احیا مینماید و کسی که شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم را احتمال دهد
هر یک از این سه شب را احیا مینماید و چون طبقات و اصناف مردم بحسب استعداد و مواد
و قوت ایمان و یقین با یکدیگر نهایت اختلاف دارند لهذا ائمه علیهم السلام در این باب در مقام
جواب رعایت حال سایل نموده اند چنانچه سایل اگر مردی بوده که اگر تخصیص میدانسته در شبی
دیگر اصلا عبادت نمینموده و اقتصار بر شب قدر میکرده بچنین مردی اصل ماه را مبهم فرموده اند

تا انکه

تا آنکه تمام ماه را برای دریافتن این سعادت عظمی عبادت کند و کسی که قوت ایمان و یقینش زیاده
بوده و گاهی اوقات خود را بعبادت صرف مینموده در جواب او فرموده اند که از عشر اخیر بیرون نیست
تا آنکه اهتمام در عبادت بیشتر نماید و اگر یقینش زیاده بوده سه شب را باو فرموده اند و اگر در
مراتب ایمان و یقین بحد کمال رسیده بود و دانستن خصوص شب قدر در باره او نقصان و خللی نمیکرد خصوص
یک شب مبهم فرموده اند و لهذا بخواص اصحاب شب بیست و سیم و بجمعی که از ایشان در مرتبه پست تر بوده
اند سه شب را فرموده اند و اگر ایشان الحاح در سؤال تعیین یکی از این سه شب بخصوص نموده اند
در جواب فرموده اند که چه سهل است که کسی سه شب یا دو شب را احیا نماید برای دریافتن چنین
فضیلتی دویم حضرت علامه مولانا محمد باقر مجلسی رفع الله درجته در بعضی از مؤلفات خود در
بیان سر اخفای این شب گفته که اگر شب قدر بخصوص معلوم باشد ممکن است که اکثر مردم خصوصا
اوسط ناس که معرفت زیاده ندارند برای مطالب دنیویه که مصلحت در انجام آنها نیست و
عداوتها و خصومتهای بیجا که حصول آنها منافی حکمت کامله باری تعالی است در آن شب دعا
کنند و بالضروره مستجاب شود و مفاسد عظیمه بر آن مترتب شود و این معنی باعث اختلال
نظام عالم شود و چون الحال در میان چند شب مشتبه است و احیای همه متعسر است لهذا جمعی که
معرفت ایشان کم باشد آن قدر اهتمام در عبادت نمینمایند و جمعی که اهتمام ایشان در عبادت بسیار
است غالبا ایشان در مراتب معرفت کامل اند و برای امور دنیویه تا طلب دعا نمینمایند بلکه مطمح نظر
ایشان امور آخرت است و از امور دنیا آنچه معین بر تحصیل آخرت باشد آنرا مسئلت مینمایند
و لهذا این شب مستور و مخفی مانده است و مؤید این وجه نیز میشود آنچه در وجه سابق مذکور شد
که ائمه علیهم السلام در تعیین این شب نظر بحال سایل میفرموده اند و هر چند معرفت سایل بیشتر بوده
کمتر ابهام مینموده اند لهذا برای جمعی که معرفت ایشان کامل بوده خصوص شب بیست و سیم را تعیین
فرموده اند و بجمعی که معرفتشان کمتر بوده سه شب یا دو شب را و بجمعی که دیگر پست تر بوده اند عشر
اخیر یا تمام ماه را فرموده اند و بنابر آنکه این وجه در اخفا و بعضی دیگر از مخفیات مانند اخفای
اسم اعظم الهی در میان اسمای حسنی و اخفای ساعت استجابت دعا در میان ساعات روز جمعه
و شب آن ملاحظه در هر شبی چنانچه در بعضی از روایات جاری میشود چنانچه بر متتبع بصیر پوشیده نیست
سیم ایضا حضرت علامه مشار الیه در بعضی از مؤلفات گفته که ممکن است که هر یک از این سه شب
که شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم است در شب قدر دخلی باشد چنانچه از بعضی روایات ظاهر
میشود که تقدیر در شب اول و ابرام در شب دویم و امضا در شب سیم است چنانچه بسند معتبر از [illegible]
بزرگوار منقول است که جمعی در خدمت حضرت صادق علیه السلام بودند پس یکی از ایشان گفت که قسمت ارزاق
شب نیمه شعبان واقع میشود حضرت فرمود که نه والله این واقع نمیشود مگر در شب نوزدهم و بیست و یکم

خاص

وبیست وسیم ماه رمضان تقدیر میشود که در شب نوزدهم التقاء الجمعین میشود و در شب بیست و یکم هر امر حکیمی مفروق
میگردد و در شب بیست و سیم آنچه را حق تعالی اراده نموده امضا مینماید و این شب قدری است که فرموده که
بهتر از هزار ماه است و در حدیث دیگر پرسیدم از اسحق بن عمار که مراد از التقاء الجمعین که در شب نوزدهم
واقع میشود چیست گفت یعنی آنکه حق تعالی جمع مینماید در این شب آنچه را اراده نموده از تقدیم و تاخیر
و اراده و قضای خود پرسیدم که مراد از امضا نمودن در شب بیست و سیم چیست گفت آنچه در شب بیست و
یکم مفروق شده در آن احتمال بدا می باشد و چون شب بیست و سیم شود بحد امضا میرسد و محتوم میگردد
و بعد از آن در آن بدا راه نمی یابد و توضیح این معنی آنست که چنانچه بلا تشبیه در افعال و احکام ملوک
و پادشاهان که ظل الله‌اند بحسب ظاهر مراتب بحضور گشت اشیا در کمال اهتمام و بعد امر و نهی ایشان
قرار گرفته چندین مرتبه می باشد اولا تعلیقه نوشته میشود و ثانیا بر طبق تعلیقه رقم صادر میگردد
و ثالثا بمهر ایشان مزین میگردد و تغییر آن حکم در حالت اولی که تعلیقه است سهل و آسان ممکن است
و چون رقم نوشته شود از تغییرش دورتر و چون بمهر رسد تغییر آن در نهایت اشکال است همچنین تعالی الله
سبحانه عن المشاکلة والمشابهة در تقدیرات الهی نیز مراتب بسیار میباشد زیرا که حکمتش اقتضا نموده
آنست که پیوسته بندگان بجناب مقدس او متوجه باشند و بدرگاه او تضرع نمایند و در همه امور
باو توسل جویند لهذا برای هر امری اسباب و تقدیرات چند قرار داده و برای تقدیرات مراتب مختلفه
مقرر فرموده و تغییر مرتبه اولی که مرتبه تقدیر و وظیفه شب اول است بدعا و تضرع میتوان نمود و چون
بمرتبه ابرام رسد که وظیفه شب دوم است باز تغییر آن بدعوات و تضرعات و عبادات و صدقات هم
توان نمود و لیکن این تغییر اصعب است از مرتبه اولی و چون بمرتبه امضا رسد که وظیفه شب سیم است
محتوم و مختوم میشود و مخفی نماند که باین وجه توفیق میان روایات این سه شب بحسب وظیفه اولی
شب قدر که حکایت تقدیرات است میشود و لیکن تعارض روایات بحسب وظیفه دوم که افضلیت
عبادات آن از هزار ماه است باقی میماند چنانچه بر متدبر پوشیده نیست و والد علامه ام ادام الله ظلاله
در بعضی از مولفات خود در مقام جمع بین الروایات بحسب وظیفه دوم بتحقیق لطیفی متفطن شده
و گفته است که اما وظیفه دوم که فضیلت عبادات است پس ممکن است که گوئیم که شب قدر حقیقت
شب بیست و سیم است و شب نوزدهم و شب بیست و یکم را ارتباطی باین شب قدر هست مانند ارتباط نافله
بفریضه و متمم و مکمل شب قدر است چنانچه نافله متمم و مکمل فریضه است و غرض از اینکه حق تعالی این دو
شب را بمنزله نافله برای شب قدر قرار داده اینست که اگر تقصیری در عبادات یا در شرایط آنها
از حضور قلب و سایر شرایط در آن شب واقع شود و باین سبب عبادات شب قدر ناقص باشد تدارک
آن نقص حاصل شود بعبادات با شرایط که در این دو شب واقع شود و از اینجاست که هر نافله را
ضعف فریضه قرار داده اند زیرا که اکثر مکلفین حال ایشان چنین است که بعد از مجاهده و سعی تمام

یک ثلث

یک ثلث عبادت را با شرایط و حضور قلب بجای آورند پس هرگاه نافله که مربوط است بآن فریضه ضعف
فریضه باشد و در آن نیز مراعات حضور قلب واقع شود از مجموع فریضه و نافله عبادتی در فریضه
که یک ثلث مجموع است عبادتی مستجمع شرایط قبول و خالی از حرمان نقص بعمل می آید و از این
تحقیق معلوم میشود که این دو شب نیز حکم شب قدر دارد و عبادات در آنها مرجو و مطلوب است مانند شب
قدر و مؤید این است که بعضی از نوافل که مؤکد و مربوط بفریضه بیشتر میباشد و بعضی دیگر نیز چنین است و
لهذا تجویز ترک آن وارد شده مانند نافله ظهر که هشت رکعت است و چهار رکعت از آن هشت رکعت
مؤکد است و ترکش روا نیست و چهار رکعت دیگر اگرچه از جمله نافله ظهر است اما در مرتبه چهار رکعت
نیست و ترکش روا است و لهذا در بعضی احادیث نافله ظهر چهار رکعت وارد شده است هرگاه این مقدمه
معلوم شد گوئیم که شب بیست و یکم در حکم نافله مؤکده است و شب نوزدهم در حکم نافله غیر مؤکده
و از آنچه گفتیم ظاهر میشود سر اختلاف روایات در شب قدر و آنکه در بعضی روایات خصوص شب
بیست و سیم و در بعضی این شب یا شب بیست و یکم و در بعضی این دو شب یا شب نوزدهم وارد شده است و
پوشیده نماند که این تحقیق در نهایت متانت و اکثر روایات متعارضه این مطلب با این تحقیق با یکدیگر متوافق
و ملایم میگردد و لیکن بعضی از اشکال میماند زیرا که در روایتی که دلالت بر شب بیست و چهارم میکند و
عبارات ادعیه لیالی عشر اخیر که دلالت بر نزول ملائکه و روح بسوی امام زمان در هر یک از شبهای
عشر اخیر میکند و فقره دعای هر روزه ایما کرده دلالت بر هر یک از شبهای ایما میکند بر اشکال باقی
با این تحقیق رفع نمیشود و تمام تحقیق این مدعا موضعی که جمیع ادله با یکدیگر موافقت نماید چنانچه بخاطر
قاصر این شکسته میرسد آنست که چنانچه برای هر عبادت نافله مقرر کرده که اگر نقصی را در
آن عبادت از حضور قلب و غیر آن واقع شده باشد جبر آن نقص بفعل آن نافله بشود همچنین
حق تعالی برای هر عبادت مقدماتی که قبل از نافله و فریضه باید بعمل آید و متمماتی که بعد از آنها
باید بعمل آید نیز مقرر فرموده که آنها نیز مانند نافله باعث تکمیل آن عمل میگردد مثلا نماز که اشرف
عبادات است فریضه آن در شبانروزی هفده رکعت است و نافله آن سی و چهار رکعت مقدمات آن
اذان و اقامه و تکبیرات است قبل از تکبیرة الافتتاح و ادعیه وارده در خلال آنهاست بلکه ادعیه
وارده در وقت برخاستن از خواب برای نماز و در وقت خلا رفتن و مسواک کردن و وضو ساختن
و امثال آنها نیز از جمله مقدمات نماز است و متممات آن تعقیبات و اذکار و تسبیحات وارده بعد از آن
است که مشتمل بر دعا و تضرع و توسل بجناب حق تعالی و مسئلت حوایج دینیه و دنیویه است و چنانچه ترغیب
و تحریص در نماز مقدمه و متممه نیز در روایات و احادیث بسیار وارد شده است و چنانچه روزه واجب
در سالی یکماه است و نافله آن دو ماه دیگر که ماه شعبان و رجب است و از ده ماه بقیه ماهی سه روز است همچنین
ماه رجب از مقدمات و باقی روزهای مستحب … الارض

[illegible]

و نیز روزها و کذی الحجه و غدیر و مباهله و مولود با ایام متبرکه بمنزله متمم و مکمل و زینه واجبات و گویا سر
این باب آنست که چون مجموع انسانی مرکب از قوی حکمت کامله ربانی مبتلا بقوای شهویه و غضبیه کرد و بمیل
و عقل که سرمایه تحصیل سعادات است و دانایان با این سبب در تحصیل معارف بآن استقلال ندارد
و لهذا غالب افراد این نوع پیوسته بزخارف دنیای فانی چشم دوخته و اکثر احوال در فکر و خیال
تحصیل جاه و اعتبار و اولاد و اموال یا کسب لذات جسمانی که مقتضای قوای شهوانیست یا در
مقام انتقام از احدی که مقتضای قوای غضبی است میباشند و باین جهت در وقت اشتغال بعبادات
از شرط عمده آن که حضور قلب است غافل و از روح آن عبادت که توجه تام بجناب احدیت
و انقطاع از ما سوی و توسل بجناب عالم السر و الخفایاست ذاهل میباشند و این قسم عمل
بی ثمره و خالی از فایده است چه این صورت عمل است نه اصل عمل و چون جناب اقدس باری تعالی
فیاض مطلق و رحمتش بر غضبش سبقت گرفته و سفره مائده انعام عامش بر روی خواص و عوام
گسترده است لهذا وقت هر عملی را عرض عریض و زمان طویل گردانیده و برای هر عبادتی مقدمه
و نافله و متمم قرار داده پس اگر کسی برهنمائی قاید توفیق الهی ایشان مقدمه و نافله و فریضه
همگی کما هی نموده از یاد خدا غافل نباشد و توسل و توکلش بخدا و بخود تمام و کامل باشد
و از ما سوای او قطع تعلق بالمره نموده باشد و آنچه را بزبان گوید در دل آنرا نیز بفهمد
و بداند که با که سخن میگوید و چه حاجت از او طلب میکند البته چنین کسی بمجرد این عبادت مقرب
درگاه رب العزه میگردد و این حالت در همه اوقات بیشتر نمیشود مگر برای انبیا و اوصیا و
صدیقان که آتش قوای شهویه و غضبیه را از نسیم لطف خاص الهی فرو نشانیده اند و در مرتبه
قوت ایمان بمرتبه حق الیقین رسیده و لهذا در حدیث وارد شده است که دو رکعت نماز
که حضرت رسالت پناه بجا میآورد از تمام عبادت ثقلین افضل بود و اگر این حالت برای کسی میسر
نشود و همگی اجزای آن عبادت را از مقدمه و نافله و فریضه و متمم نتواند با حضور قلب
بجا آورد بلکه در بعضی از اجزای آن با حضور قلب باشد بالمره از ثمره آن عبادت محروم
نمیگردد بلکه مرحمت الهی شامل حال او میشود مثلا در نماز هرگاه کسی در جزوی از اجزای
مقدمات یا نوافل آن یا اصل فریضه یا در متمم آن که تعقیبات است با حضور قلب باشد
و معرفت بکنه ما انچه خود بوده متوجه درگاه حق تعالی کرده البته لطف و رحمت بی انتهای
ارحم الراحمین شامل حال او میگردد و بسبب این قدر از تیقظ و آگاهی هرچند بسیار کم باشد
آمرزیده میشود و بهره خود را از آن نماز می یابد گو در سایر اجزای آن نماز غافل و خالی از حضور قلب
بوده باشد پس اگر در جزوی از اجزای مقدمه ستنبه و متیقظ و آگاه باشد و از روی اخلاص
آن دعا را بجا آورد اصل نماز یا نوافل و تعقیبات را و همگی بدرجه قبول میرسد و اگر در مقدمه و نافله

و فریضه

و فریضه غافل باشد و در تعقیب تنبیهی برای او بهم رسد و بآن دعا را از روی اخلاص و توجه تمام بخواند نیز
مرحمت الهی شامل حال او میشود و این معنی باعث آن میشود که افعال سابقه او از فریضه و نافله
و سایر مقدمات نیز مقبول میشود و لیکن این عبادت بحسب مرتبه پست تر است از عبادت کسی که
مقدمات و نوافل و فرایض و متمم را همگی با آداب و شرایط بعمل آورده باشد و موید این سخن
در روایات و اخبار بسیار است و بعد از تمهید این مقدمه گوئیم که شب قدر در واقع شب بیست و سیم
ماه مبارک رمضان است و شب نوزدهم و بیست و یکم بمنزله نافله آن شب است چنانچه سابق
تفصیل یافت و لیکن تمام ایندو چون با برکت و فضیلت است گویا هر دو فی الجمله مدخلیتی در شب
قدر هست پس گویا شب اول بمنزله مقدمات شب قدر است و شب نوزدهم و بیست و یکم
بمنزله نافله شب قدر است و شب بیست و دویم شب استراحت است و هفت شب
بعد از شب بیست و سیم متمم و مکمل شب قدر است و در شب بیست و سیم ملئکه و روح بخدمت
امام زمان نازل میشوند و تقدیرات را بعرض حضرت او معروض میدارند و لیکن چون محتمل است
که احدی در شب قدر تکاهل در باب عبادت نموده باشد و اسم او در دیوان سعدا مرقوم
نگشته باشد و لیکن بعد از آن شب متیقظ و آگاه شود و تدارک مافات را در باقی لیالی عشر
اخیر نماید و حق تعالی اجل و اکرم از آنست که چنین شخصی را نا امید و او را در زمره سعدا داخل
نکند پس ممکن است که ملئکه و روح در هر شب از لیالی عشر اخیر بخدمت امام زمان نازل
شوند و اسم چنین شخصی را از دیوان اشقیا محو نمایند و در زمره سعدا بنویسند و اگر کسی
گوید که در شب قدر جمیع امور از سعادت و شقاوت بندگان و غیر آن تقدیر میشود و بحد
امضا میرسد و مختوم و محتوم میگردد چنانچه از روایات اسحق بن عمار که سابق مذکور شد مفهوم
میشود جواب گوئیم که از بعضی روایات دیگر ظاهر میشود که تغییر آن متعسر است نه متعذر و
و بعد از این مرتبه کما هو بر وفق حکمت کامله الهی در بعضی از امور تغییر واقع میشود با آنکه لیالی
عشر اخیر چنانکه گفتیم متمم و مکمل شب قدر است و میتواند بود که در شب قدر ملئکه و روح
بخدمت امام عرض نمایند که فلان شخص است از عبادت تکاهل ورزیده و اسم او الحال
در دیوان اشقیاست و لیکن در فلان شب مرحمت الهی شامل حال او خواهد شد و تدارک
مافات را خواهد نمود و اسم او از دیوان اشقیا محو خواهد شد و در دیوان سعدا ثبت
خواهد شد و چون آن شب در آید و این شخص تدارک تقصیر خود را بکند باز ملئکه و روح
نازل شوند و اسم او را از دیوان اشقیا محو و در دیوان سعدا ثبت نمایند و لهذا در ادعیه
هر یک از لیالی عشر اخیر واقع شده که اگر در این شب تقدیر فرموده نزول ملئکه و روح را بی
اسم مرا در دیوان سعدا ثبت فرما و همچنین اگر کسی در سجده شب اول ایندو که بمنزله مقدمه شب قدر است

توفیق عبادت کاملی یافته از روی تیقظ و آگاهی بدرگاه الهی متوجه شود مرحمت حق تعالی شامل
حال او میشود و در همان شب ملئکه و روح بخدمت امام زمان نازل میشوند و عرض
مینمایند که فلان شخص امشب توفیق چنین عبادتی یافته و حق تعالی اسم او را از جملهٔ
سعداء در شب قدر خواهد نوشت و چون شب قدر در آید هرچند این مرد آن شب را بغفلت
بسر برده که نزد ملئکه و روح باعتبار عمل سابقی که از او صادر شده اسم او وارد در دیوان سعداء
ثبت مینمایند و بدانکه چنانچه نوافل بعضی مؤکد و افضل از بعضی میباشد چنانچه قبل از
این مذکور شد همچنین معقبات و متمم نیز بعضی مؤکد و افضل از بعضی میباشند و لهذا
شبهای طاق همه شب اول افضل از شبهای زوج است و در میان شبهای طاق نیز بعضی
افضل است از بعضی دیگر مانند شب نوزدهم و شب هفدهم و همچنین بعضی از شبهای هفت شب آخر
بعضی از بعضی افضل است مانند شب بیست و چهارم زیرا که این شب شب اول از شبهای هفتم
و اقرب بشب قدر از سایر شبهاست و مانند شب بیست و هفتم بجهتی که بعد از این مذکور
خواهد شد انشاء الله تعالی و مانند شب آخر زیرا که بعد از آن اثر شب قدر منقطع میشود
و لهذا در بعضی از روایات خصوص شب بیست و چهارم و شب آخر نیز مذکور است و همچنین
عبادات ادعیهٔ شب بیست و هفتم زیاده از سایر شبهای عشر اخیره دلالت بر خواص شب
قدر میکند و از آنچه گفتیم معلوم میشود که تمام ماه رمضان را فی الجمله مدخلیتی در شب
قدر هست و اگر کسی خواهد که بثواب شب قدر حسب الواقع فایز شود باید که تمام ایام را
با خلوص نیت و اعتقاد و مراعات آداب و شرایط بعبادت پروردگار قیام نماید و مؤید
این معنی است حدیثی که ابن بابویه رضی الله عنه در کتاب من لا یحضره الفقیه بسند خود از حضرت
امام محمد باقر ع روایت کرده است که رسول خدا صلعم چون از عرفات مراجعت فرمود بجانب
منی داخل مسجد شد پس گروه مردم بر گرد آن بزرگوار در آمدند و از شب قدر مسئلت نمودند
پس حضرت برخواست و خطبه ادا فرمود و بعد از حمد و ثناء الهی فرمود که بدرستی که شما از من
از شب قدر مسئلت نمودید و من آنرا برای شما بیان ننمودم نه از راه آنکه علم بآن نداشتم بلکه
بدانید ای گروه مردم که هر که ماه مبارک رمضان برای درک کند و بدن او صحیح و سالم باشد و
دو طرفهای آن ماه را روزه بدارد و قدری از شبهای آنرا بعبادت برپا دارد و بر نمازهای مواظبت
نماید و در جمعه های آن بنماز جمعه مبادرت نماید و صبح عید بنماز عید حاضر شود پیش قبله
را دریافته و بجایزهٔ پروردگار خود فایز شده است و دلالت این حدیث شریف بر آنچه
مذکور شد ظاهر و واضح است بلکه دلالت میکند بر آنکه شب عید و روز عید را نیز
در باب شب قدر مدخلیتی هست چنانچه پوشیده نیست و لهذا در فضیلت شب عید وارد شده است

که در آن

که در آن شب نیز جمع کثیری آمرزیده می شوند و از آتش جهنم آزاد میشوند و مخفی نماند که باین معنی جمیع احادیث
متعارضهٔ وارده در باب شب قدر با یکدیگر ملایم میشود و عبارات ادعیهٔ عشر اخیره و حدیثی
که دلالت بر شب بیست و چهارم میکند و عبارت دعای هر روزه هیچیک محتاج بتاویل نیست
بلکه ممکن است که گوئیم ماه رجب که از مقدمات ماه رمضان است و ماه شعبان که از جملهٔ نوافل
آنست آنها را نیز دخل در شب قدر هست و لهذا بعضی از روایات دلالت میکند بر آنکه در شب
نیمهٔ شعبان از تقدیرات واقع میشود و مراد آنست که آن شب را فی الجمله دخلی در باب تقدیرات هست چنانچه
شیخ طبرسی ره در تفسیر مجمع البیان از ابن عباس روایت کرده است که حق تعالی در شب نیمهٔ شعبان
قضایا و وقایع سال آینده را قضا میفرماید و در شب قدر آنها را بارباب آنها تسلیم مینماید
و گویا مراد ابن عباس آنست که در شب نیمهٔ شعبان حق تعالی در علم کامل خود تقدیر امور میفرماید
و ملئکه و روح که ارباب تقدیرات اند اطلاع از آنها ندارند و در شب قدر مطلع میشوند و
بخدمت امام زمان نازل میشوند و همگی آنها را بخدمت او عرض مینمایند و همچنین شهور متبرکه
که بعد از ماه رمضان است چون بمنزلهٔ متمم و مکمل ماه رمضان است ایام و لیالی متبرکهٔ آنها
را نیز فی الجمله دخلی در باب شب قدر هست و گاه هست که جمعی که در ماه مبارک رمضان اصلا
توفیق عمل خالصی نیافته اند در ایام و لیالی متبرکه و بعد از ماه مبارک رمضان توفیق عمل مشکوری
مانند حج مبروری مثلا می یابند البته آمرزیده میشوند و لهذا در حدیث وارد شده است که
هر که در ماه مبارک رمضان آمرزیده نشود دیگر آمرزیده نمیشود مگر آنکه در موقف عرفات حاضر شود
پس حقیقة همه لیالی و ایام متبرکهٔ تمام سال را در شب قدر فی الجمله مدخلیتی هست و ابتداء آن
از شب غرهٔ ماه رجب است و در آن شب شروع بتمهید شب قدر میشود و هرچند بماه رمضان
نزدیکتر میشود دخل آن بیشتر میشود و چون ماه مبارک رمضان داخل میشود مدخلیت
آن زیاده میشود تا شب بیست و سیم و بعد از آن شروع بمتمم میشود تا آخر ماه رمضان
و بعد از ماه رمضان نیز متمم ماه رمضان است و لیالی و ایام متبرکهٔ آنها را نیز اندک دخلی هست
بتفصیلی که مذکور شد والله تعالی یعلم و بدانکه در باب آنکه چرا خصوص شب بیست و سیم
شب قدر کرده اند نکته بخاطر میرسد و بیان آن نکته موقوف بر تمهید مقدمه ایست و آن مقدمه
آنست که بعضی از افراد عدد را بر سایر افراد مزیتی و امتیازی میباشد و لهذا اکثر ادعیه و اذکار
در احادیث و اخبار بعدد های خاصی وارد شده و بعضی گفته اند که اگر دعا یا ذکری که بعدد
خاصی وارد شده اگر از آن عدد تجاوز نماید اثری که برای آن وارد شده بر آن مترتب نمیشود
و تمثیلی برای این مطلب زده اند که این بمنزلهٔ آنست که گنجی را کسی نشان داده باشد که از
فلان موضع مثلا چهل گام بفلان جانب که بروید آن گنج میرسید اگر کسی او را مخالفت نماید

وهوکام یا پنجاه کام بردارد بگنج ظفر خواهی یافت همچنین در تاثیر دعا آن عدد مخصوص معتبر است
واگر از آن تجاوز کند از آن کذشته است و بر آن ظفر نیافته است و از جملهٔ عددهای ممتاز
عدد چهل است که اکثر احوال مولود از حالت نطفه بودن و علقه بودن و مضغه بودن و غیر
آنها در مدت چهل روز حاصل می‌شود و علما در تفسیر حدیث مَنْ اَخْلَصَ لِلّهِ اَرْبَعِینَ صَبَاحاً
تفجرت ینابیع الحکمة من قلبه الی لسانه خواص و مزایای بسیار برای عدد چهل گفته اند و عدد
دوازده نیز از آنجمله است و لهذا عدد ائمه علیهم السلام و عدد نقبای بنی اسرائیل و عدد بروج
آسمانی و بعضی امور دیگر که به تتبع معلوم می‌شود نیز دوازده گذاشته شده و همچنین عدد
هفت نیز از جملهٔ عددهای ممتاز است و لهذا عدد ایام هفته و سموات و طبقات ارض و
اقالیم روی زمین و مساجد سبعه در حالت نماز و غیر اینها چنانچه بعد از تتبع معلوم میکردد
باین عدد مقرر کردیده و شیخ جلیل نبیل شیخ بهاء الدین محمد عاملی قدس الله روحه الشریف در بعض
از مؤلفات خود گفته که در میان اعداد آحاد عددی اکمل از عدد هفت نیست زیرا که طاق است
و عدد طاق اکمل است از عدد زوج و لهذا در حدیث وارد شده است که اِنَّ اللّهَ وِتْرٌ یُحِبُّ
الْوِتْرَ یعنی بدرستی که حق تعالی طاق است و دوست میدارد طاق هر چیزی را و ایضا عدد هفت
اول عدد طاق است که مشتمل است بر اکثر انواع عدد زیرا که عدد یا زوج است یا فرد و اول یا
فرد غیر اول و یا منطق است یا اصم و یا مجذور است یا غیر مجذور و یا تام است یا زاید است یا
ناقص و یا زوج زوج است یا زوج فرد فرد و عدد هفت بر جمیع این اقسام مشتمل است مگر
عدد زاید و بیان معانی این اعداد مناسب این مقام نیست و بالجمله عدد هفت اکمل اعداد آحاد
و بهترین مرتبه در میان جمیع اعداد ممتاز است و چون این مقدمه تمهید یافت گوئیم که بیست و
یک شب که مشتمل بر سه هفت شب است مظنهٔ شب قدر است و شب بیست و یکم که منزلهٔ
نافلهٔ مهمه شب قدر است در آخر مقدمه و اقرب از سایر اجزاء مقدمه بذی المقدمه است
و چون این نافلهٔ مهمه نیز در شرافت تالی شب قدر است و حسب المقدور بعبادت و احیاء
آن باید قیام نمود لهذا شب بیست و دویم شب استراحت کردیده و بعد از حصول این استراحت
چون بعد از مقدمات و عبادت دو شب نافله شب قدر را استعداد دخول شب قدر بکمال
رسیده شب بیست و سیم را شب قدر کردانیده و بعد از شب قدر هفت شب دیگر را متمم و
مکمل شب قدر کردانیده بلکه هفت شب از ماه شوال که آن شب عید و شش شب بعد از آن
که لیالی ایام سته تشییع است نیز متمم دیگر است برای شب قدر پس در مقدمه و متمم هر دو
رعایت عدد هفت که اکمل اعداد است واقع شده است و مؤید این معنی چند حدیث وارد
شده است اول شیخ بزرگوار ابو علی طبرسی در تفسیر مجمع البیان روایت کرده است که روزی عمر بن

اسرار عدد هفت و بیان عددها

الخطاب جمعی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال نمود که شما میدانید که حضرت رسالت پناه در باب شب قدر
فرمود که طلب کنید آنرا در شبهای طاق عشر آخر ماه مبارک رمضان پس شما آنرا در کدام یک
از شبهای طاق می‌یابید پس هر یک از ایشان سخنی گفتند ابن عباس گوید که من نیز در میان
ایشان بودم پس عمر بمن گفت که تو چرا درین باب سخن نمیگوئی من گفتم که من چنین دیده
ام که حق تعالی در قرآن مجید عدد هفت را بسیار ذکر نموده چنانچه آسمانها را هفت و زمینها را
هفت و عدد شوطهای طواف را هفت و عدد رمی جمار را هفت مقرر فرموده و از آن
چیزهائی که حق تعالی آنها را بعدد هفت بنا کذاشته انسان است که خلقت آنرا در هفت
چیز قرار داده و روزی آنرا نیز در هفت چیز قرار داده پس عمر گفت که هنوز نفهمیدم بقرارهٔ
خلقت و روزی انسان که چگونه آنها نیز بهفت مقرر کردیده پس گفتم که حق تعالی میفرماید
وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْاِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِینٍ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِی قَرَارٍ مَکِینٍ ثُمَّ خَلَقْنَا
النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَاماً فَکَسَوْنَا الْعِظَامَ
لَحْماً ثُمَّ اَنْشَأْنَاهُ خَلْقاً یعنی بدرستی که خلق کرده ایم از طعام و شراب پاکیزه که اصل آن از
خاک است پس کردانیدیم آنرا در نطفه که در رحم قرار کرفته است پس خلق کردیم نطفه را
علقه یعنی خون غلیظ منجمد پس خلق کردیم علقه را مضغه یعنی قطعهٔ کوشت پس خلق
کردیم مضغه را استخوان پس پوشانیدیم بر روی استخوان کوشت را پس آنرا کردانیدیم
خلق دیگر که روح در آن دمانیدیم پس معلوم شد که خلقت انسان در هفت حالت است
و در جای دیگر میفرماید اَنَّا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبّاً ثُمَّ شَقَقْنَا الْاَرْضَ شَقّاً فَاَنْبَتْنَا فِیهَا حَبّاً
وَعِنَباً وَقَضْباً وَزَیْتُوناً وَنَخْلاً وَحَدَائِقَ غُلْباً وَفَاکِهَةً وَاَبّاً مَتَاعاً لَکُمْ وَلِاَنْعَامِکُمْ یعنی بدرستی
که فرو ریختیم ما آب را یعنی باران را فرو ریختنی پس شکافتیم زمین را براعد و رستن و بیرون آمدن
کیاه شکافتنی پس رویانیدیم در زمین آنها را که کندم و جو و سایر حبوبات است و انکور
و یونجه و زیتون و درخت خرما و باغستانهای عظیم و میوه و علف را از برای تمتع شما و چهار
پایان شما پس روزی انسان نیز در هفت چیز است که آنها حبوبات و انکور و یونجه و زیتون و خرما
و میوه و علف است پس ابن عباس گفت که من چنین میدانم که شب قدر در شب بیست و سیم که هفت شب از
ماه مبارک رمضان باقی مانده است پس عمر بصحابه گفت که شما عاجز شدید از آنچه
فهمیده بود آنرا این جوانی که هنوز موهای پیش سر او بیرون نیامده است پس عمر گفت که
رای من نیز با رای تو مطابق است و دست بر منکب من زد و گفت که علم تو کمتر از علم قوم نیست
دوم ایضا شیخ طبرسی ره در کتاب مذکور از عبدالله بن عمر روایت کرده است که مردی
بخدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض نمود که من در خواب دیدم که شب قدر شبی است که بعد از آن شب

هفت شب از ماه رمضان باقی مانده باشد پس حضرت فرمود که خواب تو دلالت میکند که شب قدر
شب بیست وسیم بوده باشد پس هر یک از شما که خواهد شبی از ماه رمضان را احیا نماید باید
شب بیست وسیم را احیا کند و دلالت این حدیث بر آنچه مذکور شد ظاهر و واضح است
وبدانکه بعد از بیان شرافت عدد هفت در میان اعداد آحاد شب بیست وهفتم فی الجمله
در میان هفت شب آخر ظاهر میشود و لهذا بعضی از روایات و ادعیه دلالت میکند
بر انکه آن شب شب قدر است چنانچه سابق بر این مذکور شد والله تعالی ورسوله وعترته
الکرام اعلم بحقایق الاحکام تذنیب بدانکه در بعضی از روایات بعضی از علامات برای
شب قدر وارد شده است و بعضی از آنها بعد از این ان شاء الله تعالی در ضمن اعمال بیان خواهد
شد وبقیه را در این مقام مذکور مینمائیم محمد بن یعقوب کلینی رض از محمد بن مسلم روایت
نموده است که از حضرت امام محمد باقر یا امام جعفر صادق صلوات الله علیهما سؤال نمودم
از علامت شب قدر فرمود علامت آن اینست که هوای آن شب طیب وخوشبو است واگر
در فصل زمستان باشد گرم است واگر در تابستان باشد سرد وخوش هواست و شیخ طبرسی
رض در کتاب مجمع البیان از طریق اهل سنت از حضرت رسالت پناه صلعم روایت کرده است که
فرمود که شب قدر شبی است با برکت وعطا نه بسیار گرم است و نه بسیار سرد و طلوع میکند
آفتاب در صبح آن در حالتی که گویا شعاع ندارد منهاج چهارم در بیان جواب اشکالات وارده
در این مقام بدانکه در این مقام چند اشکال بحسب ظاهر متوجه میشود اشکال اول آنکه در
آیات سابقه واحادیث ماضیه وارد شده که قرآن مجید در شب قدر نازل شده است چه
آیه کریمه انا انزلناه فی لیلة القدر صریح در این معنی است با آنکه ظاهر است که آیات وسور قرآن
بر وفق مصالح ووقایع متفرقا نازل میشده چنانچه اکثر مفسرین گفته اند که در مدت بیست سال
تمام قرآن مجید نازل شد وبعضی بیست وسه سال گفته اند وعلما از این اشکال چند جواب گفته اند
اول آنکه بعضی گفته اند که ابتدای نزول قرآن مجید در این شب بوده است دوم آنکه بعضی گفته اند که آیات
نازله در هر سالی اول در شب قدر بر حضرت رسالت صلعم نازل میشد وبعد از آن در ظرف سال
بر طبق وقایع ومصالح نازل میشد سیم فاضل جلیل مولانا محسن کاشانی طاب ثراه در
تفسیر صافی گفته که از بعضی روایات مستفاد میشود که قرآن در هر سالی در شب قدر از
حق تعالی در زمین که رسول خدا وائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین اند نازل میشود
ومراد از این آنست که در هر سالی ملائکه وروح در این شب بر امام نازل میشوند وآنچه از
آیات قرآن که متعلق بوقایع وسوانح آن سال است برای او بیان مینمایند ومجملات آن آیات
را تفصیل ومتشابهات را تاویل ومطلقات را مقید میسازند ومحکمات را از متشابهات



خدا میکند ولهذا حق تعالی میفرماید شهر رمضان الذی انزل فیه القرآن هدی للناس و
بینات من الهدی والفرقان یعنی ماه رمضانی که نازل شده است در آن قرآن یعنی در شب قدر
از آن ماه حالکونی که راهنمائی میکند مردم را براه راست وظاهر وهویدا میکند هدایت وفرقان را
ومراد از فرقان آیات محکمات است که عمل بآنها واجب است ودر آیه دیگر میفرماید فیها یفرق کل
امر حکیم یعنی جدا میشود در شب قدر هر امر حکیمی یعنی هر آیه محکمه از آیه متشابهه ودر موضع
دیگر خطاب برسول خدا صلعم میفرماید که ان علینا جمعه وقرآنه یعنی بدرستی که بر ماست جمع
قرآن در سینه تو واثبات قرائت آن بر زبان تو یعنی در ازمنه متفرقه نزول آیات فاذا قرأناه
فاتبع قرآنه پس هرگاه خواندیم آیات را بر تو در حین نزول آیات پس پیروی کن همه آنها را
ثم ان علینا بیانه پس بدرستی که بر ماست بیان آن یعنی در هر شب قدری ملائکه و روح
را میفرستیم بسوی تو واهل بیت تو بعد از تو که محکمات را از متشابهات جدا کنند وتقدیر
اشیا واحکام خصوص وقایعی که در هر سالی واقع میشود بیان نمایند پس مراد از نزول قرآن
در شب قدر آنست که اکمال واتمام نزول آن در شب قدر است اینست کلام این فاضل ومراد
از حدیثی که دلالت بر تکرر نزول قرآن در شب قدر میکند حدیثی است که از حمران بن اعین منقول
است که گفت از حضرت امام محمد باقر عم سؤال نمودم از قول حق تعالی انا انزلناه فی لیلة
مبارکة حضرت فرمود که لیلة مبارکه شب قدر است وآن در هر سالی در عشر آخر ماه
مبارک رمضان است ونازل نشده است قرآن مگر در شب قدر وحق تعالی میفرماید فیها
یفرق کل امر حکیم یعنی تقدیر میشود در این شب هر چه در آن سال تا آخر واقع
میشود از خیر وشر وطاعت ومعصیت وولادت موالید وآجال وارزاق مردم [illegible]
چه بحسب ظاهر دلالت بر اینها نمی کند لیکن صریح در این معنی نیست چنانچه بعد از تأمل
در عبارت حدیث معلوم میشود والله تعالی یعلم چهارم جد علامه ام مولانا محمد باقر مجلسی
طاب ثراه در بعضی از مؤلفات خود گفته که ممکن است که تمام قرآن مجید اولا برسول خدا صلعم
نازل شده باشد وثانیا بر طبق وقایع متفرقا نیز نازل شده باشد پنجم بعضی گفته اند که در
شب قدر از لوح محفوظ بر ملائکه سفره که کاتبان [illegible] نازل شد وبعد از
آن منجما نازل شد ششم بعضی دیگر گفته اند که در شب قدر به بیت المعمور نازل شد
وبعد از آن منجما نازل شد و این معنی در بعضی از روایات نیز وارد شده است چنانچه
کلینی رض از حفص بن غیاث روایت کرده است که گفت بحضرت صادق عم عرض نمودم
که چگونه حق تعالی میفرماید شهر رمضان الذی انزل فیه القرآن با آنکه قرآن مجید
در مدت بیست سال نازل شد حضرت فرمود که تمام قرآن مجید در ماه مبارک رمضان به بیت

المعمور نازل شد و بعد از آن در مدت بیست سال متفرق نازل شد پس حضرت فرمود که رسول خدا صلعم
فرمود که در شب اول ماه مبارک رمضان صحف بر حضرت ابرهیم عم نازل شد و در ششم
ماه رمضان تورات بر حضرت موسی عم نازل شد و در چهاردهم آن انجیل بر حضرت عیسی عم نازل
شد و در نوزدهم آن زبور نازل شد و در شب بیست و سیم آن قرآن مجید نازل شد و مولانا
محسن کاشانی ره گفته که مراد از بیت المعمور در این حدیث قلب مطهر رسول خدا صلعم است و
پوشیده نیست که ضرورتی داعی بر این معنی نیست و قرینه که بر آن دلالت میکند در عبارات
احادیث نیز مذکور نیست همچنین بعضی دیگر گفته اند که در شب قدر از بیت المعمور
بسماء دنیا که فلک قمر است نازل شد و بعد از آن نجوماً نازل شد و این وجه در بعضی روایات
وارد شده است ایضا و وجهی که علما در دفع این اشکال گفته اند و ابن بابویه ره در کتاب
من لا یحضره الفقیه اول حدیثی بسند مرسل از حضرت صادق عم روایت کرده است که
فرمود که عدد ماهها نزد حق تعالی دوازده ماه است در کتاب خدا روزی که آسمانها و زمین
را خلق کرد پس بهترین ماهها ماه خدا عز و جل و آن ماه رمضان است و قلب ماه
رمضان شب قدر است و قرآن در شب اول ماه رمضان نازل شد و باستقبال آن
ماه قرآن آمد و بعد از ذکر این روایت گفته است که کامل شد نزول قرآن در شب قدر و
این کلام نهایت ابهام و اجمال دارد و مولانا محسن کاشانی ره آن را بر وجهی که در دفع
اشکال گفته و تفصیل آن مذکور شد تنزیل نموده است و صاحب کتاب فواید مدنیه مولانا
محمد امین استرابادی ره گفته که چون از احادیث دیگر مفهوم می شود که قرآن در شب قدر از
لوح محفوظ بسماء دنیا و از آنجا بزمین در مدت بیست و سه سال تدریجاً نازل شد لهذا
صدوق ره در مقام رفع تناقض در میان احادیث این کلام را ذکر نموده است و مراد
او از کامل شدن نزول وصول بسماء دنیا است و ظاهر این توجیه آنست که تمام قرآن مجید در شب
اول ماه از لوح محفوظ فرود آمده و در شب قدر بسماء دنیا رسیده باشد و این معنی
بسیار بعید است چنانچه بر متدبر پوشیده نیست و جد علامه مرحوم مولانا محمد تقی طاب ثراه
در مقام جمع میان روایات مختلفه این مطلب تصحیح قول صدوق ره گفته است که در شب
اول ماه از لوح محفوظ به بیت المعمور و در شب قدر از بیت المعمور بسماء دنیا نازل شد
و بعد از آن متفرقاً نازل شد و این سخن نیز بعید است زیرا که در روایت حفص بن غیاث که
مذکور شد اگرچه مذکور نیست که در شب قدر تمام قرآن به بیت المعمور نازل شده باشد و محتمل
است که در شب اول ماه نازل شده باشد ولیکن جزو آخر روایت دلالت میکند بر آنکه نزول
به بیت المعمور در شب قدر است و ظاهر آنست که مراد صدوق ره چنانچه فاضل مرحوم خلیفه سلطان

گفته است

گفته است آن باشد که ابتداء نزول قرآن مجید بسماء دنیا در شب اول ماه و انتهاء آن در
شب قدر بوده است پس تمام نزول قرآن بسماء دنیا و کمال آن در شب قدر است و تحقیق این مقام
بوضوحی که جمیع روایات متعارضه با یکدیگر ملائم شود چنانچه بخاطر فاتر این شکسته قاصر رسیده
آنست که نزول قرآن مجید بر دو قسم متصور باشد اول آنکه معانی و مضامین قرآن مجید
بر قلب مطهر رسید کائنات صلی الله علیه و آله افضل التحیات و الصلوات القا شود و آن
حضرت را علم بجمیع آنها از راه الهام ربانی و وحی سبحانی حاصل شود دوم آنکه الفاظ
و کلمات آیات بر آنحضرت خوانده شود بنا بر این ممکن است که گوییم در شب اول ماه رمضان
تمام قرآن مجید بطریق اول بر آنحضرت نازل شده چنانچه مستفاد میشود از آیه نزل به الروح الامین
علی قلبک یعنی نازل شده است بقرآن مجید روح الامین بر قلب تو و در شب قدر بطریق دوم
مجموع الفاظ قرآن مجید از لوح محفوظ اولا به بیت المعمور و از بیت المعمور بسماء دنیا نازل
شده باشد و بعد از آن تدریجاً در مدت بیست و سه سال نیز بطریق دوم نازل شده باشد
و بعد از آن متفرق نیز نازل شده باشد پس مراد از نزول در آیه کریمه نزل به الروح الامین
علی قلبک نزول معنی اول است و در آیه انا انزلناه فی لیلة مبارکة و آیه انا انزلناه فی
لیلة القدر نزول معنی دوم و در آیه شهر رمضان الذی انزل فیه القرآن اگرچه هر دو محتمل
است ولیکن حدیث حفص بن غیاث دلالت بر معنی ثانی میکند و سر در این باب ممکن است این
باشد که چون تمام ماه مبارک رمضان با برکت و فضیلت و محل عبادت است لهذا در شب اول
ماه رمضان از سال بعثت معانی و مضامین قرآن مجید بر آنحضرت الهام و القا شد که از
اول آن ماه تا آخر آن معرفت آن جناب و علم او بما کان و یکون الی یوم القیام کامل و تمام
باشد و در شب قدر که اشرف اوقات آن ماه است تمام قرآن بطریق ثانی با مکنه شریفه که
آن بیت المعمور که معبد ملائکه مقربان است و سماء دنیا که محل نجوم و کواکب شریفه است
نازل شده باشد و اگر تا انتها در آن شب بزمین فرود آمده باشد ممکن است که در مسجد الحرام
که اشرف بقاع روی زمین است بر رسول خدا صلعم فرود آمده باشد و محتمل است که گوییم بنا بر این
چهار مرتبه قرآن مجید نازل شده و حکایت نزول هم در چهار موضع از قرآن مذکور است و
محتمل است که هر آیه اشاره بنزولی بوده باشد چنانچه آیه نزل به الروح الامین علی قلبک
اشاره بنزول بطریق اول در شب اول ماه باشد و آیه شهر رمضان الذی انزل فیه القرآن
اشاره بنزول به بیت المعمور و آیه فیها یفرق کل امر حکیم و آیه انا انزلناه فی لیلة القدر
اشاره به نزول دیگر باشد و الله تعالی یعلم حقایق الامور اشکال دوم آنکه وظیفه و لی
شب قدر چنانچه در معراج دیگر مذکور شد آنست که عبادت در آن شب بهتر است از هزار ماه

بیان تفضیل شب قدر بر هزار ماه

چنانچه میفرماید لیلة القدر خیر من الف شهر و هزار ماه هشتاد و سه سال و چهار ماه است و در هر
سالی یک شب قدر است و این معنی مستلزم تفضیل شب قدر است بر هشتاد و سه شب قدر
و علما در مقام جواب این اشکال دو مسلک اختیار نموده اند مسلک اول شیخ طبرسی رحمه الله در
کتاب مجمع البیان که از طریق اهل سنت از ابن عباس روایت نموده است که روزی در خدمت رسول خدا
مذکور شد که شخصی از بنی اسرائیل در مدت هزار ماه شمشیر بر دوش خود گرفته در راه خدا جهاد
نموده آنحضرت تعجب عظیم نمود و آرزو کرد که کاش این سعادت در امت آنحضرت نیز میبود پس در
مقام مناجات فرمود که یا رب خدایا عمرهای امت مرا از سایر امتها کوتاه تر و عملهای ایشان را باین سبب
کمتر کردانیدی پس حق تعالی شب قدر را باو کرامت فرمود و فرمود که شب قدر بهتر است از هزار ماه که
آن اسرائیلی سلاح بر دوش گرفته در راه خدا جهاد کرده است و این شب را برای تو و امت تو مقرر
فرموده ام در هر ماه رمضان تا روز قیامت و خلاصه جواب بنابراین راجع میشود که مراد از هزار ماه
خصوص هزار ماه زمان حیوة اسرائیلی است و شب قدر در آن نبود و ملکرت شب قدر در زمان رسالت
پیغمبر آخر الزمان صلی الله علیه و آله رسید و مستمر خواهد بود تا آخر زمان دنیا مسلک دویم مسلک جمعی از
علما که گفته اند مراد از هزار ماه مدت پادشاهی خلفای بنی امیه لعنهم الله تعالی است و این معنی
در روایات بسیار وارد شده است چنانچه در حدیث سند صحیفهٔ کاملهٔ سجادیه صلوات الله
علیه و علیهم مذکور است و ایضا کلینی رحمه الله از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که رسول خدا
در خواب دید که بنی امیه لعنهم الله تعالی بعد از آنحضرت بر منبر آنحضرت بالا رفته اند و مردم
را از راه راست بقهقرا میکردانند و آنحضرت صبح کرد با حزن و اندوه پس جبرئیل فرود آمد و
عرض نمود که یا رسول الله چه میشود مرا که ترا اندوهناک و حزین می بینم حضرت فرمود که ای
جبرئیل در خواب دیدم دیشب که بنی امیه بعد از من بر منبر من بالا رفته اند و مردم را از راه
راست بقهقرا گمراه میکنند جبرئیل عرض نمود که سوگند بآن خدائی که ترا بحق بنبوت مبعوث
نموده است که من بر این مطلع نگردیده ام و بآسمان عروج نمود و زمانی نگذشت که فرود آمد و
آیه را آورد که آنحضرت را از اندوه و غم برهاند افرایت ان متعناهم سنین ثم جاءهم ما
کانوا یوعدون ما اغنی عنهم ما کانوا یمتعون یعنی آیا دیدی که ما بهره ور کردانیده ایم بنی
امیه را در چند سال پس در خواهد یافت ایشان را آن چیزهائی که با ایشان وعده شده
یعنی در آخرت از عذابهای الیم و سورهٔ انا انزلناه را نیز آورد پس حضرت صادق علیه السلام فرمود که
حق تعالی شب قدر را از برای پیغمبرش بهتر کردانید از هزار ماه ملک بنی امیه لعنهم الله و علی بن
ابراهیم قمی رحمه الله در تفسیر و دیگران روایت کرده اند که رسول خدا در خواب دید که میمونهای
بسیار بر منبر آنحضرت بالا میروند و باین سبب غمگین شد پس حق تعالی برای تسلی آنحضرت سوره

انا انزلناه

انا انزلناه را فرستاد و شب قدر را بآنحضرت عطا فرمود و شب قدر بهتر است از هزار ماه
پادشاهی بنی امیه که در آن مدت شب قدر نباشد و از طریق اهل سنت قاضی میر حسین میبدی
در شرح دیوان از ترمذی روایت نموده است که حضرت امام حسن علیه السلام چون با معویه ملعون
مصالحه فرمود شخصی برخواست و گفت روهای مؤمنان را سیاه کردی پس حضرت فرمود که
رسول خدا صلعم در خواب دید که بنی امیه بر منبر او بر آمده اند و آنحضرت اندوهناک گردید
پس این آیه نازل شد انا اعطیناک الکوثر یعنی عطا کردیم ما بتو کوثر را و کوثر نهریست در
بهشت و سورهٔ انا انزلناه فی لیلة القدر نیز نازل شد و مراد از هزار ماه هزار ماه پادشاهی
بنی امیه است و غیر این احادیث از طریق خاصه و عامه روایات دیگر نیز در این باب وارد
شده است و بنابراین مسلک جواب این شبهه بچند وجه تقریر میتوان نمود اول آنکه ممکن
است که حق تعالی بسبب ظلم و طغیان ملاعین بنی امیه بر ایشان غضب فرموده فضیلت شب
قدر را در مدت پادشاهی ایشان از همه کس سلب فرموده باشد بغیر ائمه علیهم السلام پس مراد
اینست که عبادت این شب قبل از پادشاهی ایشان و بعد از پادشاهی ایشان بهتر است از
عبادت هزار ماه سلطنت ایشان و این وجه خالی از بعدی نیست دویم محتمل است که شب قدر
در آن مدت از شیعیان نیز سلب نشده باشد بلکه از اعداء و اتباع ایشان بر تنهائی منکر
شده باشد بنابراین مراد اینست که اگر بالفرض عبادتهای ایشان صحیح باشد باز عبادت یک
شب قدر که احدی از شیعیان بعمل آورد بهتر است از عبادت هزار ماه مدت ملک آن ملاعین
اگر عبادت میکردند و صحیح میبود و این وجه اظهر وجوه است سیم ممکن است که مراد این باشد
که ثواب عبادت شب قدر بهتر است از پادشاهی بنی امیه در مدت هزار ماه و اگر کسی گوید که این
معنی خصوصیت شب قدر ندارد بلکه همه عبادات هرچند بسیار قلیل باشد بهتر است از
پادشاهی بنی امیه بلکه پادشاهی تمام روی زمین در همه اوقات دنیا چه ثواب عمل آخرت
ابدیست دائمی و پادشاهی دنیا هرچند زمان آن بسیار طویل باشد منقطع است و امر قلیل دائم
بهتر از کثیر منقطع است جواب گوئیم که مراد اینست که امتیاز ثواب عبادت شب قدر در میان
مثوبات اخرویه زیاده از امتیاز پادشاهی بنی امیه است نسبت بسایر ملکها و سلطنتهای دنیا
و این وجه اگرچه بلفظ آیهٔ کریمه نهایت موافقت دارد لیکن با احادیث سابقه مخالفاست چنانچه
بعد از تامل ظاهر میشود والله تعالی یعلم اشکال سیم آنکه وظیفهٔ ثانی شب قدر چنانچه سابق
برین معلوم شد آنست که ملائکه و روح در این شب بخدمت امام زمان نازل میشوند و تقدیرات
سال را بخدمت او عرض مینمایند چنانچه میفرماید تنزل الملائکة والروح فیها باذن ربهم من
کل امر و در اخبار بسیار و احادیث بیشمار وارد شده که رسول خدا و ائمه هدی علیه و علیهم التحیة

التحیة والثناء در همه اوقات امامت وخلافت بما کان وما یکون الی یوم القیمة عالم بوده اند وبا
وجود علم ایشان بوقایع وتقدیرات نزول ملائکه وروح بی فایده وخالی از ثمره است وجمعی
علماء اعلام مولانا محمد باقر مجلسی طاب ثراه در بعضی از مؤلفات خود چند جواب از این اشکال
گفته است اول آنکه ممکن است که علم ایشان بوقایع وتقدیرات تجویزی باشد که در لوح
محو واثبات مثبت شده واحتمال بدا در آنها بوده وآنچه در شب قدر بایشان عرض میشود
مطابق لوح محفوظ است وبدا در آن راه ندارد واین وجه مخالف است با آنچه سابق بر این
مذکور شد که بعد از تقدیر شب قدر نیز تغییر محتمل است هرچند متعسر باشد دویم
محتمل است که علم ایشان بما کان وما یکون بطریق اجمال باشد ودر شب قدر وقایع وتقدیرات
سال را بعنوان تفصیل بایشان عرض نمایند واگر کسی گوید که بنابراین لازم می آید که تفاصیل
وقایع سالهای بعد از آن سال را نتوانند اخبار نمود جواب گوئیم که نزول ملائکه در این شب
واخبار ایشان یکی از طرق علم آن بزرگواران است وبغیر این طریق طرق دیگر برای علم ایشان
بسیار است مثل الهام ودیدن مصحف فاطمه وکتاب علی صلوات الله علیهما وغیر آنها
که از احادیث واخبار ظاهر میشود وتفصیل آنها در کتاب حدایق المقربین تالیف والد
فقیر علامه اعلام ادام الله ظلاله الی یوم القیام مذکور است پس هرگاه قدری از وقایع از جهتی لا محاله
که ایشان خبر میدادند بیکی از این طرق علم بهم میرسانیده اند سیم احتمال دارد که در علم ایشان
اختلاف زیاده ونقصان واقع نشود ولیکن ایشان در اظهار واخبار آنها ماذون نباشند و
چون در این شب باز آن علوم تازه برایشان عرض شود در اظهار واخبار مرخص باشند و
این وجه بعید ومنافی با روایات بسیار است که ایشان بوقایع ازمنه بعیده اخبار نموده اند
چهارم ممکن است که غرض از نزول ملائکه تعلیم ورخصت نباشد بلکه برای تعظیم وتکریم امام
عصر نازل شوند وبرای آنکه بخدمت آن بزرگواران مشرف شوند واقتباس از انوار ایشان
نمایند وعهد ولایت وامامت ومودت ایشان را تجدید نمایند واین معنی اگرچه خوبست چنانچه
روایت بسیار دلالت بر آن میکند ولیکن اظهر در جواب اشکال وجه ثانی است والله تعالی یعلم
اشکال چهارم آنکه بسبب اختلاف اقالیم وبلدان هلال ماهها مختلف میشود وبا این سبب شب قدر
نیز مختلف میشود ودر این صورت خواص ووظایف شب قدر آیا در هر دو شب است یا یکی
جواب این اشکال آنست که وظیفه اول شب قدر که فضیلت عبادتست در هر بلدی تابع
شب قدر آن بلد است ودر هر افقی وناحیه آن فضیلت برای شب قدر آن ناحیه میباشد و
اما وظیفه ثانی که نزول ملائکه وروح است پس محتمل است که در شب قدر بلد امام عصر باشد
یا آنکه امام زمان در شب قدر هر بلدی در آن بلد حاضر شود وتقدیرات آن بلد را اعنی شب را

اشکال اختلاف شب قدر باختلاف اقالیم

عرض نمایند یا با وجود آنکه در بلد خود باشند در شب قدر هر بلدی احکام آن بلد را با او عرض نمایند
والله تعالی یعلم حقایق الاحکام ورسوله وخلفائه علیه وعلیهم السلام

باب هشتم

در بیان ادعیه وآداب هلال ماه مبارک رمضان وآنها چنانچه از تتبع روایات ظاهر میشود
چند امر است اول سید ابن طاوس ره در کتاب اقبال از محمد بن حنفیه رحمه الله روایت کرده است
که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که حضرت رسالت صلعم چون هلال ماه مبارک
رمضان را میدید روی مبارک خود را بقبله میکرد واین دعا را میخواند
اَللّهُمَّ اَهِلَّهُ عَلَیْنا بِالْاَمْنِ وَالْاِیمانِ وَالسَّلامَةِ وَالْاِسْلامِ وَالْعافِیَةِ الْمُجَلِّلَةِ وَدِفاعِ الْاَسْقامِ وَالْعَوْنِ
عَلَی الصَّلوٰةِ وَالصِّیامِ وَالْقِیامِ وَتِلاوَةِ اَللّهُمَّ سَلِّمْنا لِشَهْرِ
رَمَضانَ وَتَسَلَّمْهُ مِنّا وَسَلِّمْنا فِیهِ حَتّی یَنْقَضِیَ عَنّا شَهْرُ رَمَضانَ
وَقَدْ عَفَوْتَ عَنّا وَغَفَرْتَ لَنا وَرَحِمْتَنا مؤلف گوید که کلینی ره در کافی
وشیخ طوسی ره در تهذیب بسند خود
از حضرت امام محمد باقر عم وابن بابویه ره در کتاب من لا یحضره الفقیه مرسلا از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام روایت کرده اند که رسول خدا صلعم چون هلال ماه مبارک رمضان را میدید روی مبارک
خود را بجانب قبله میکرد ومیفرمود اَللّهُمَّ اَهِلَّهُ عَلَیْنا بِالْاَمْنِ وَالْاِیمانِ وَ
السَّلامَةِ وَالْاِسْلامِ وَالْعافِیَةِ الْمُجَلِّلَةِ وَالرِّزْقِ الْواسِعِ وَدَفْعِ
الْاَسْقامِ اَللّهُمَّ ارْزُقْنا صِیامَهُ وَقِیامَهُ وَتِلاوَةَ الْقُرْآنِ
فِیهِ اَللّهُمَّ سَلِّمْهُ لَنا وَتَسَلَّمْهُ مِنّا وَسَلِّمْنا فِیهِ کلینی وشیخ طوسی
طاب ثراهما نیز از حضرت صادق عم روایت کرده اند که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
هرگاه هلال ماه رمضان را میدید رو بقبله میکرد واین دعا را میخواند وهمین دعا را نقل
نموده اند ولیکن در این روایت کلمه والرزق الواسع ودفع الاسقام موجود نیست وابن بابویه

و در موضع دیگر از کتاب مزبور یعنی در کتاب اقبال و ثواب الاعمال از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله چون هلال ماه رمضان را میدید روی مبارک خود بجانب قبله میکرد و این دعا میخواند

اَللّٰهُمَّ اَهِلَّهُ عَلَيْنَا بِالْاَمْنِ وَالْاِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْاِسْلَامِ وَالْعَافِيَةِ الْمُجَلَّلَةِ وَالرِّزْقِ الْوَاسِعِ وَدَفْعِ الْاَسْقَامِ وَتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَالْعَوْنِ عَلَى الصَّلٰوةِ وَالصِّيَامِ اَللّٰهُمَّ سَلِّمْنَا لِشَهْرِ رَمَضَانَ وَسَلِّمْهُ لَنَا وَتَسَلَّمْهُ مِنَّا حَتّٰى يَنْقَضِيَ شَهْرُ رَمَضَانَ وَقَدْ غَفَرْتَ لَنَا

و ظاهر است که عادت همه روایات متحد باشد و اختلاف کلمات و زیاده و نقصان فقرات از عدم ضبط نساخ و رواة ناشی شده است و اگر جمع میان همه بشود شاید اولی باشد والله تعالی یعلم

دوم ایضا سید در کتاب اقبال از حضرت صادق علیه السلام روایت نموده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگاه هلال را میدید

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي خَلَقَكَ وَقَدَّرَكَ وَجَعَلَكَ مَوَاقِيتَ لِلنَّاسِ

این دعا را میخواند

اَللّٰهُمَّ اَهِلَّهُ عَلَيْنَا اِهْلَالًا مُبَارَكًا

مولف گوید که در این دعا خصوص ماه رمضان مذکور نیست و ظاهر است که در دیدن هلال هر ماهی توان خواند والله یعلم

سیم ایضا سید در کتاب مذکور از حضرت صادق صلوات الله علیه روایت نموده است که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه در وقتی که متکفل هرگاه از خانه بیرون میآمد برای دیدن هلال ماه مبارک رمضان و هم نیز آنحضرت میآمدند و چون هلال را میدید این دعا را میخواندند

اَللّٰهُمَّ اَهِلَّهُ عَلَيْنَا بِالْاَمْنِ وَالْاِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْاِسْلَامِ وَصِحَّةٍ مِنَ السَّقَمِ وَفَرَاغٍ لِطَاعَتِكَ مِنَ الشُّغُلِ وَاكْفِنَا بِالْقَلِيلِ مِنَ النَّوْمِ يَا رَحِيمُ

چهارم ایضا سید در کتاب مذکور از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت کرده است که هرگاه هلال را میدید پس از جای خود حرکت نکرده این دعا را میخواند

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ خَيْرَ هٰذَا الشَّهْرِ وَفَتْحَهُ وَنُورَهُ وَنَصْرَهُ وَبَرَكَتَهُ وَطَهُورَهُ وَرِزْقَهُ اَسْاَلُكَ خَيْرَ مَا فِيهِ وَخَيْرَ مَا بَعْدَهُ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِيهِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهُ اَللّٰهُمَّ

اَللّٰهُمَّ

اَدْخِلْهُ

اَدْخِلْهُ عَلَيْنَا بِالْاَمْنِ وَالْاِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْاِسْلَامِ وَالْبَرَكَةِ وَالتَّقْوٰى وَالتَّوْفِيقِ لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضٰى

مولف گوید که کلینی و شیخ طوسی قدس الله روحهما در کافی و تهذیب نیز این روایت را در باب ادعیه هلال ماه رمضان نقل نموده اند و در روایت خصوص ماه رمضان مذکور نیست بنا بر این در وقت دیدن هلال هر ماهی این دعا را میتوان خواند والله تعالی یعلم

پنجم ابن بابویه رحمه الله در کتاب من لا یحضره الفقیه در باب ادعیه هلال ماه رمضان ذکر نموده که از دعا حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه در وقت دیدن هلال این دعاست

اَيُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِيعُ الدَّائِبُ السَّرِيعُ الْمُتَرَدِّدُ فِي فَلَكِ التَّدْبِيرِ الْمُتَصَرِّفُ فِي مَنَازِلِ التَّقْدِيرِ آمَنْتُ بِمَنْ نَوَّرَ بِكَ الظُّلَمَ وَاَضَاءَ بِكَ الْبُهَمَ وَجَعَلَكَ آيَةً مِنْ آيَاتِ سُلْطَانِهِ وَامْتَحَنَكَ بِالزِّيَادَةِ وَالنُّقْصَانِ وَالطُّلُوعِ وَالْاُفُولِ وَالْاِنَارَةِ وَالْكُسُوفِ فِي كُلِّ ذٰلِكَ اَنْتَ لَهُ مُطِيعٌ وَاِلٰى اِرَادَتِهِ سَرِيعٌ سُبْحَانَهُ مَا اَحْسَنَ مَا دَبَّرَ وَاَتْقَنَ مَا صَنَعَ فِي مُلْكِهِ وَجَعَلَكَ اللّٰهُ هِلَالَ شَهْرٍ حَادِثٍ لِاَمْرٍ حَادِثٍ جَعَلَكَ اللّٰهُ هِلَالَ اَمْنٍ وَاِيمَانٍ وَسَلَامَةٍ وَاِسْلَامٍ هِلَالَ اَمْنٍ مِنَ الْعَاهَاتِ وَسَلَامَةٍ مِنَ السَّيِّئَاتِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا اَهْدٰى مَنْ طَلَعَ عَلَيْهِ وَاَزْكٰى مَنْ نَظَرَ اِلَيْهِ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

و بجای افعل بی کذا و کذا حاجات خود را طلب میکند

ششم سید طاب ثراه در کتاب اقبال از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

روایت کرده است که آنحضرت از پدر بزرگوارش از جدّ امجدش علیهم السلام روایت فرمود که حضرت سید الساجدین صلوات الله علیه روزی با هم میرفت نظرش بر هلال ماه مبارک رمضان افتاد پس ایستاد

اَیُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِیعُ الدَّآئِبُ السَّرِیعُ الْمُتَرَدِّدُ فِی مَنَازِلِ

و این دعا را خواند

التَّقْدِیرِ الْمُتَصَرِّفُ فِی مَنَازِلِ التَّدْبِیرِ اٰمَنْتُ بِمَنْ نَوَّرَ بِکَ الظُّلَمَ وَ

اَوْضَحَ بِکَ الْبُهَمَ وَجَعَلَکَ اٰیَةً مِنْ اٰیَاتِ مُلْکِهِ وَعَلَامَةً مِنْ

عَلَامَاتِ سُلْطَانِهِ وَامْتَهَنَکَ بِالْکَمَالِ وَالنُّقْصَانِ وَ

الطُّلُوعِ وَالْاُفُولِ وَالْاِنَارَةِ وَالْکُسُوفِ فِی کُلِّ ذٰلِکَ اَنْتَ لَهُ

مُطِیعٌ وَاِلٰی اِرَادَتِهِ سُبْحَانَهُ مَا اَعْجَبَ مَا دَبَّرَ فِی اَمْرِکَ وَاَلْطَفَ مَا

صَنَعَ فِی شَاْنِکَ جَعَلَکَ مِفْتَاحَ شَهْرٍ حَادِثٍ لِاَمْرٍ حَادِثٍ جَعَلَکَ

هِلَالَ بَرَکَةٍ لَا تَمْحَقُهَا الْاَیَّامُ وَطَهَارَةٍ لَا تُدَنِّسُهَا الْاٰثَامُ

هِلَالَ اَمْنٍ مِنَ الْاٰفَاتِ وَسَلَامَةٍ مِنَ السَّیِّئَاتِ هِلَالَ سَعْدٍ لَا

نَحْسَ فِیهِ وَیُمْنٍ لَا نَکَدَ فِیهِ وَیُسْرٍ لَا یُمَازِجُهُ عُسْرٌ وَخَیْرٍ

لَا یَشُوبُهُ شَرٌّ هِلَالَ اَمْنٍ وَاِیمَانٍ وَنِعْمَةٍ وَاِحْسَانٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنَا مِنْ اَرْضٰی مَنْ طَلَعَ عَلَیْهِ وَاَزْکٰی

مَنْ نَظَرَ اِلَیْهِ وَاَسْعَدَ مَنْ تَعَبَّدَ لَکَ فِیهِ وَوَفِّقْنَا اللّٰهُمَّ فِیهِ

ضیاء [illegible]

اظهر بامر حادث

للطاعة

لِلطَّاعَةِ وَالتَّوْبَةِ وَاعْصِمْنَا مِنَ الْاٰثَامِ وَاَوْزِعْنَا فِیهِ شُکْرَ النِّعْمَةِ

وَاَلْبِسْنَا فِیهِ جُنَنَ الْعَافِیَةِ وَاَتْمِمْ عَلَیْنَا بِاسْتِکْمَالِ الطَّاعَةِ

فِیهِ الْمِنَّةَ اِنَّکَ الْمَنَّانُ الْحَمِیدُ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ

الطَّیِّبِینَ وَاجْعَلْ لَنَا فِیهِ عَوْنًا عَلٰی مَا نَدَبْتَنَا اِلَیْهِ مِنْ مُفْتَرَضِ

طَاعَتِکَ وَتَقَبَّلْهَا اِنَّکَ الْاَکْرَمُ مِنْ کُلِّ کَرِیمٍ وَالْاَرْحَمُ

مِنْ کُلِّ رَحِیمٍ اٰمِینَ رَبَّ الْعَالَمِینَ مؤلف گوید که ظاهر آنست که این دعا و دعای سابق با دعای هلال صحیفهٔ کامله متحد باشد

و اختلاف بعضی از کلمات و زیاده و نقصان بعضی از فقرات از عدم ضبط نساخ یا روات باشد بنابراین از ادعیهٔ مطلقه است و در وقت دیدن هلال هر ماه می توان خواند زیرا که عنوان این دعا در صحیفهٔ کامله مطلق است و مقید بماه رمضان نیست و تخصیص و استثنای بعض کرده جدا از عنوان باب آن ظاهر میشود که این دعا مانند سایر ادعیه مخصوص هلال ماه رمضان باشد لیکن کلام صدوق در مقام ذکر دعا مطلق است و مقید بماه رمضان نیست و در روایت سید اکرم مشتمل است بر آنکه حضرت سید الساجدین چون هلال ماه رمضان را دید این دعا را خواند و لیکن این معنی منافات ندارد با آنکه این دعا را در هلال ماههای دیگر نیز توان خواند و علی ای تقدیر اگر این دعا در هلال هر ماهی بهر سه طریق خوانده شود بهتر است هفتم کلینی بسند خود از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت نموده است که هر گاه هلال ماه مبارک رمضان طالع میشد آنحضرت این دعا را میخواند

اَللّٰهُمَّ اَدْخِلْهُ عَلَیْنَا بِالسَّلَامَةِ وَالْاِسْلَامِ وَالْیَقِینِ وَالْاِیمَانِ

وَالْبِرِّ وَالتَّوْفِیقِ لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضٰی هشتم سید طاب ثراه در کتاب اقبال گفته که ابن بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که هر گاه هلال ماه رمضان را ببینی پس اشاره بآن مکن و رو بقبله کن و دستهای خود را بجانب حق تعالی بلند کن و با هلال خطاب کن و بگو رَبِّی وَ رَبُّکَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِینَ اَللّٰهُمَّ

اهله علينا بالسلامة والاسلام والمسارعة الى ما تحب وترضى اللهم

بارك لنا في شهرنا هذا وارزقنا خيره وعونه واصرف عنا ضره عونه وخيره فقيه

وشره وبلاءه وفتنته مولف كويد كه سيد رحمه الله بنقام اشباه در نقل نموده است

زيرا كه اين دعا در كتاب من لا يحضره الفقيه از حضرت صادق عليه السلام

منقول نيست بلكه نسبت برساله والد شيخ علي بن بابويه رحمه الله داده چنانچه از ملاحظه كتاب

مذكور ظاهر ميشود ششم ايضا سيد در كتاب مذكور از حضرت امام موسى كاظم عليه السلام

روايت نموده است كه هر گاه هلال اللهم قد حضر شهر رمضان وقد افترضت

ماه رمضان را ببيني بكو

علينا صيامه وقيامه فاعنا على صيامه وقيامه وتقبله منا

وسلمنا فيه وسلمه لنا في يسر منك وعافية انك على كل شيء

قدير يا ارحم الراحمين دهم ايضا سيد ره در كتاب مذكور ذكر نموده كه پس اين دعا

را در كتاب كهنه از كتب اصول شيعه يافتم بخوان

ربي وربك الله رب العالمين اللهم صل على محمد وال محمد و

اهله علينا وعلى اهل بيوتنا واشياعنا بامن وايمان وسلامة

واسلام وبر وتقوى وعافية مجللة ورزق واسع حسن وفراغ

من الشغل واكفنا بالقليل من النوم والمسارعة فيما تحب وترضى

وثبتنا عليه اللهم بارك لنا في شهرنا هذا وارزقنا بركته

وخيره وعونه وغنمه ونوره ويمنه ورحمته ومغفرته

واصرف عنا شره وضره وبلاءه وفتنته اللهم ما قسمت فيه

من رزق او خير او عافية او فضل او مغفرة او رحمة فاجعل نصيبنا

فيه الاكثر وحظنا فيه الاوفر مولف كويد كه از عبارت سيد ظاهر مى

شود كه اين دعا مخصوص هلال ماه رمضان

باشد ليكن از الفاظ دعا ظاهر ميشود كه مخصوص ماه رمضان است يازدهم ايضا سيد

در كتاب مذكور ذكر نموده است كه در كتاب كهنه كه مشتمل بر دعوات بسيار منقوله از

طريق شيعه بود وگويا آن كتاب از كتب اصول الله اكبر الله اكبر الله اكبر

شيعه است ديدم كه هر گاه ماه را ببيني اين دعا را بخوان

ربي وربك الله رب العالمين الحمد لله الذي خلقني وخلقك

وقدر لك منازل وجعلك اية للعالمين يباهي الله بك الملائكة

اللهم اهله علينا بالامن والايمان والسلامة والاسلام و

الغبطة والسرور والبهجة والحبور وثبتنا على طاعتك و

المسارعة فيما يرضيك اللهم بارك لنا في شهرنا هذا وارزقنا

خيره وبركته ويمنه وعونه وقوته واصرف عنا شره و

بلاءه وفتنته برحمتك يا ارحم الراحمين مولف كويد كه در اين مقام

نيز از عنوان دعا ظاهر مى

شود كه مخصوص ماه مبارك رمضان باشد وظاهر آنست كه در هر ماهي اين دعا را توان

خواند دوازدهم ايضا سيد طاب ثراه در كتاب مذكور ذكر نموده كه پس بخوان اين دعا را كه يافتم در

نسخه كهنه كه بعضي ميكفتند كه بخط سيد رضي موسوي رحمه الله است اللهم اني اسالك

يا مبدئ البرايا ويا خالق الارض والسماء ويا اله من بقي وما له

مَن مضى ويا من رفع السماء وسطح الارض الهى اسألك بانك
تبعث ارواح اهل البلى بقدرتك وامرك وسلطانك على عبادك
واماتك الاذلاء الهى اسألك بانك تبعث الموتى وتحيا الاحياء
وانت رب الشعرى ومناة الثالثة الاخرى ان تصلى على محمد
وعلى اهل بيت محمد عدد الحصى والثرى وصل على محمد وعلى
اهل بيت محمد صلوة تكون لك رضا وارزقنى فى هذا الشهر التقى و
النهى والصبر على البلاء والعون عند القضاء واجعلنى الهى
من اهل العافية والمعافاة وهب لى يقين اهل التقى واعمال
اهل النهى وصبر اهل البلوى فانك تعلم يا الهى ضعفى
عند البلاء وقلة صبرى فى الشدة والرخاء لا تغشنى بلاء لاتقنطنی لاتعیبنی
ارحم ضعفى واكشف كربى وفرج همى وارحمنى رحمة تطفى
بها سخطك عنى واعف عنى وجد على بفضلك وجودك يسعنى
واستجب لى فى شهرك المبارك الذى عظمت حرمته وبركته
واجعلنى الهى ممن امن واتقى فى الدين والدنيا والاخرة

مع

مع من اتوالى واتولى ولا تلحقنى بمن مضى من اهل الجحود فى هذه الدنيا
واجعلنى الهى مع محمد واهل بيت محمد عليه وعليهم السلام
فى كل عافية وبلاء وكل شدة ورخاء واحشرنى معهم
لا مع غيرهم فى الدين والدنيا ابدا وفى الاخرة غدا يوم يحشر
الناس ضحى واجعل الاخرة خيرا لى من الاولى واصرف عنى بمنزلتهم
عذاب الاخرة وخزى الدنيا وفقرها ومسكنتها وما فيها يا ربا
يا رباه يا مولاياه يا ولى نعمتاه امين امين اختم لى ذلك على ما اقول یا رباه
يا رباه پس صلوات فرست بر رسول خدا و آل او صلوات الله عليه وعليهم اجمعين و حاجات
خود را سؤال كن كه برآورده مى شود ان شاء الله تعالى مؤلف گويد كه از عنوان اين دعا
نيز ظاهر مى شود كه مخصوص ماه رمضان باشد ليكن از بعضى فقرات آن اختصاص به ماه مبارك
رمضان ظاهر مى شود سيد جليل ابن ابى عقيل ره كه از قدماى علماى شيعه است گفته كه واجب است
در وقت ديدن هلال ماه رمضان خواندن اين دعا
الحمد لله الذى خلقنى وخلقك وقدر منازلك
وجعلك مواقيت للناس اللهم اهله علينا اهلالا مباركا اللهم
ادخله علينا بالسلامة والاسلام واليقين والايمان والبر
والتقوى والتوفيق لما تحب وترضى مؤلف گويد كه سيد جليل ابن طاوس
باقرو انا دقة بن القرد و حرد در بعضى از مؤلفات
اين دعا را از ابن ابى عقيل نقل نموده و گفته كه وجوب آن قايل شده است
بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذى خلقنى وخلقك وقدر

مَنَازِلَكَ اَللّٰهُمَّ [illegible] لَنَا وَسَلِّمْنَا فِيهِ وَتَسَلَّمْهُ مِنَّا اللّٰهُ أَكْبَرُ اللّٰهُ أَكْبَرُ

اللّٰهُ أَكْبَرُ رَبِّي وَرَبُّكَ اللّٰهُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي ذَهَبَ بِشَهْرِ شَعْبَانَ

وَجَاءَ بِشَهْرِ رَمَضَانَ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنَا صِيَامَهُ وَقِيَامَهُ وَتِلَاوَةَ الْقُرْآنِ

فِيهِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وظاهر استید اشباه در نقل نموده است زیرا که اکثر علما که این قول را از ابن ابی عقیل

نموده اند دعای اول را ذکر نموده اند و بنا بر آنکه ابن ابی عقیل در این قول منفرد است و دیگری از علما با او موافقت ننموده است و شیخ بهاء الدین محمد عاملی ره در بعضی از مؤلفات گفته است که ظاهرا ابن ابی عقیل حدیثی دیده است که امر بخواندن این دعا در آن شده است و امر را بر وجوب حمل نموده است و بعضی از علما وجوب را در کلام او بر استحباب حمل نموده اند علامه سید جلیل امیر محمد باقر داماد ره در بعضی از مؤلفات گفته که هلال ماه رمضان را در روی اهل و عیال خود باید دید مؤلف گوید که این معنی در روایتی و حدیثی بنظر نرسید والله تعالی یعلم

باب هفتم در بیان اداب و اعمالی که در همه اوقات ماه می توان بجا آورد و اختصاص بروز و شب مخصوصی ندارد بدانکه بعضی از آداب و اعمال مانند تصدق و غیر آن در ماه ثواب عظیم دارد و در روایات در اکثر آن در ابواب سابقه مذکور شد و بقیه اعمال مذکوره چنانچه از تتبع احادیث و روایات ظاهر می شود چند چیز است اول تلاوت قرآن مجید بدانکه قرآن مجید حبل المتین رحمت بیکران و عروة الوثقی فیض و احسان خداوند عالمیان است که گم گشتگان بوادی ضلالت و تایهان بیابانهای غوایت بدلالت و راهنمائی تلاوت و تدبر و خواص و آیات طریق قویم دین و امری و صراط مستقیم اطاعت [illegible] بردا امری میرسند و لهذا جناب مقدس خاتم الانبیاء علیه و آله التحیة و الثناء آنرا ثانی عترت اطهار و ثانی اثنین اهل بیت اخیار خود کرد است چنانچه در هنگام وداع امت فرمود که انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی لن یفترقا حتی یردا علی الحوض یعنی بدرستی که من میگذارم در میان شما دو چیز عظیم بزرگ که آن کتاب خداوند و عترت من که اهل بیت منند و از یکدیگر جدا نمیشوند تا به پیش من آیند نزد حوض کوثر و از آنجا که خوان این انعام برروی خواص و عوام گسترده در حدیث صحیح مروی است از نبوی علی الله علیه و آله الصلاة و السلام وارد شده است که القرآن مأدبة الله یعنی قرآن مجید مائده خداوند

حمید است که هر یک از بندگان از سفره بی پایان در خور استعداد و بقدر قابلیت مواد بهره می برند جمعی بتلاوت قرائت و بعضی بتفکر در آیات و برخی باستنباط علوم و احکام و جمعی بعبرت گرفتن از احوال امم ماضیه هلاکت نجام و چون برای تلاوت آن در اخبار مرویه مثوبات جزیله و آداب حمیده وارد شده لاجرم مطالب آنها در ضمن سه سوره بیان می شود سوره اول

در بیان ثواب تلاوت قرآن عموما شیخ بزرگوار امین الاسلام ابو علی طبرسی ره در کتاب مجمع البیان از رسول خدا صلعم روایت کرده است که فرمود هر که قرائت قرآن نماید گویا که نبوت در میان جبین او جا گرفته است لیکن فرق که هست اینست که وحی باو نرسیده است و کلینی ره بسند خود از رسول خدا صلعم روایت نموده است که آنحضرت فرمود که منور کنید خانهای خود را بتلاوت قرآن و مسازید مانند یهود و نصاری که همه عبادات را در بیع و کنایس میکنند و خانهای خود را معطل میگذارند بدرستی که خانه هرگاه تلاوت قرآن در آن بسیار شود خیر آن بسیار میشود و اهل آن خانه را بهره او از نعمت فرزندگانی میکنند و آن خانه در نظر اهل آسمان میدرخشد چنانچه ستارههای آسمان برای اهل زمین میدرخشد و ایضا از حضرت صادق ع روایت کرده است که حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که خانه که قرآن در آن خانه خوانده شود و ذکر حق تعالی در آن بشود برکت آن بسیار می شود و ملائکه حاضر می شوند در آن و شیاطین بیرون میروند از آن و ایضا از آنحضرت روایت نموده است که فرمود که پدرم حضرت امام محمد باقر ع کثیر الذکر بود و جمع میکرد ما را و امر میکرد که میگفتیم تا طلوع آفتاب و هر یک از ما که قرآن می توانست بخواند او را امر بخواندن قرآن میفرمود و هر کدام که قرآن را نمی توانست بخواند او را امر بذکر میفرمود و میگفت که خانه که قرآن در آن خوانده می شود و ذکر حق تعالی بسیار می شود برکت آن خانه زیاد می شود و ملائکه در آن حاضر می شوند و شیاطین از آن بیرون میروند و شیخ جلیل نبیل احمد بن فهد حلی ره در کتاب عدة الداعی از حضرت امام رضا صلوات الله علیه روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که بگردانید برای خانهای خود نصیبی از قرآن بدرستی که هر خانه که قرآن در آن خوانده شود اهل آن خانه غنی شوند و خیر آن خانه بسیار شود و زود برود در زیادتی باشند و خانه که قرآن در آن خوانده نشود تنگ گردد بر اهل آن و خیر آن کم شود و در زود برود در کمی باشند و شیخ کشی ره در کتاب رجال از ابی [illegible] روایت کرده است که گفت مرد مرجیئه [illegible] نموده بودم و او میدانست که من از دوستان و محبان حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام [illegible] مرا از خانه خود بیرون کرد پس بحضرت صادق ع رسید و فرمود که ای ابو هرون مرا رسیده است که این مرد ترا از خانه خود بیرون کرده است عرض کردم که بلی فرمود که مرا رسیده است که نمود

آن خانه تلاوت کتاب خدا بسیار میشود و هر خانه که در آن کتاب خدا تلاوت کرده میشود برای او نور
هست که در بهشت پیدا باشد در آسمان و در میان سایر خانها معروفست و کلینی بسند خود از
حضرت [illegible] روایت کرده است که حضرت رسالت پناه صلعم فرمود که اهل قرآن در اعلای
درجات بهشتند بعد از پیغمبران پس سهل مشمارید حقوق ایشان را که رتبه ایشان نزد حق تعالی
بلند است و ایضاً از آنحضرت روایت نموده است که فرمود قرآن را یاد گیرید زیرا که قرآن در
روز قیامت بصورت جوان خوش روی بهترین آید نزد حامل خود و میگوید که منم قرآن که در
شبها بیدار بودی و روزها از روزه خود را به تشنگی میداشتی و بسبب کثرت تلاوت من
آب دهانت خشک میشد و آب دیده ات جاری میشد امروز من با توام هر کجا که میروی و هر که
تجارتی کرده امروز از پی تجارت خود میرود و من بعوض تجارت همه تاجرانم برای تو و بزودی کرامت پروردگار
بتو میرسد پس خوشحال باش پس تاجی میآورند و بر سر او میگذارند و نامه امان از عذاب را بدست
راستش میدهند و نامه مخلد بودن در بهشت را بدست چپش میدهند و دو حله با او میپوشانند
و میگویند که قرآن بخوان و بالا رو پس هر آیه که میخواند یک درجه بالا میرود و به پدر و مادر او دو حله
میپوشانند اگر مؤمن باشند و میگویند با ایشان که این برای آنست که فرزند خود را قرآن تعلیم نموده اید
وایضاً از آنحضرت روایت نموده است که هر مؤمنی که در جوانی قرآن بخواند قرآن با گوشت و خون او
مخلوط شود و حق تعالی او را با رسولان نیکوکار محشور کرده اند و قرآن مانع از عذاب او شود در قیامت
زیرا که میگوید پروردگارا هر عمل کننده اجر خود را گرفت بغیر این شخص که بمن عمل کرده است پس بهترین
کرامتها و عطاهای خود را به او برسان حق تعالی و حله از حلههای بهشت بپوشاند او را و تاج کرامت بر سر او
بگذارد و بقرآن خطاب کند که آیا راضی شدی قرآن گوید پروردگارا زیاده از این میخواهم پس برات امان از
جهنم را بدست راستش دهند و برات مخلد بودن در بهشت را بدست چپش دهند و او را داخل
بهشت کنند و با او گویند که آیه بخوان و بالا رو پس بقرآن خطاب رسد که آیا راضی شدی جواب گوید که
بلی پس حضرت فرمود که هر که قرآن را بسیار بخواند و بمشقت آن را حفظ کند حق تعالی اجر او را دو مرتبه
کرامت فرماید و ایضاً از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام روایت کرده است که قرآن در روز
قیامت به بهترین صورتی میآید و بگروه مسلمین میرسد ایشان میگویند که این شخص از ما است پس میگذرد
از ایشان میگذرد تا بنزد خدای عالمیان میرسد و میگوید پروردگارا فلان پسر فلان را در روز تشنگی
دادم و در شب بیداری دادم در دنیا و فلان پسر فلان را در روز تشنگی و در شب
[illegible] پس حق تعالی باو فرماید که داخل کن ایشان را در بهشت و بنما منازل ایشان [illegible]
و ... پس هر یک از ایشان که مؤمن باشد گوید که بخوان و بالا رو پس او قرآن
بخواند و بالا رود تا هر یک بمنازل خود برسند و در آن ساکن گردند و ایضاً از حضرت صادق ع روایت کرده

است که دیوانهای قیامت سه دیوان است دیوان نعمتها و دیوان حسنات و دیوان سیئات پس دیوان نعمت
و دیوان حسنات را با یکدیگر مقابله مینمایند و دیوان نعمت زیادتی میکند بر دیوان حسنات و دیوان
سیئات میماند پس فرزند آدم را بحساب میطلبند در این حال قرآن به بهترین صورتی میآید و در پیش روی
او میایستد و میگوید پروردگارا منم قرآن و این بنده مؤمن تست که خود را بتعب انداخت
و در شبها و روزها بترتیل میخواند و چون مرا در وقت تهجد میخواند آب از دیده اش میریخت پس او را
راضی کن چنانچه مرا راضی کرد پس خداوند عزیز جبار میفرماید که ای بنده من دست راست خود را بگشا
پس پر میکند حق تعالی آن را از رضای خود و خوشنودی جاوید و دست چپش را پر میکند از رحمت الهی پس با او گویند
که اینک بهشت برای تو مباح است پس بخوان قرآن را و بالا رو پس هر آیه که میخواند یک درجه بالا رود
و از حضرت امام زین العابدین صلوات الله علیه منقولست که فرمود که مرحبا بقرآن بدرستی که حق تعالی
بهشت را آفریده از طلا و نقره خلق فرموده و بجای گل مشک خوشبو و بجای سنگ زعفران
و بعوض سنگریزه مروارید مقرر کرده است و درجات آن را بعدد آیات قرآن قرار داده پس کسیکه قرآن خوانده
باشد با او گویند بخوان و بالا رو و از او هیچکس در درجات بهشت بالاتر نیست مگر پیغمبران و صدیقان
وایضاً از آنحضرت روایت کرده است که رسول خدا صلعم فرمود که کسی را که حق تعالی با او قرآن عطا
فرموده باشد و گمان کند که حق تعالی به دیگری زیاده از او عطا فرموده است پس بدرستی که حقیر
شمرده است چیزی را که حق تعالی آن را عظیم شمرده و عظیم شمرده آنچه را خدا حقیر شمرده است و از حضرت
امام محمد باقر ع روایت کرده است که هر که قرآن را در نماز ایستاده بخواند حق تعالی بعوض هر حرفی
از آن صد حسنه برای او بنویسد و هر که در نماز نشسته بخواند بعوض هر حرفی پنجاه حسنه برای او
بنویسد و هر که در غیر نماز بخواند بهر حرفی ده حسنه برای او بنویسد و از حضرت امام حسن صلوات الله
علیه روایت کرده است که هر که یک آیه از قرآن مجید در نماز ایستاده بخواند حق تعالی بهر حرفی از آن برای
او صد حسنه بنویسد و اگر در غیر نماز بخواند بهر حرفی ده حسنه برای او بنویسد و اگر بشنود از کسی
قرآن گوش دهد بهر حرفی یک حسنه برای او بنویسد و اگر قرآن را در شب ختم نماید ملائکه تا صبح
بر او صلوات فرستند و اگر در روز ختم کند ملائکه کاتبان اعمال بر او صلوات فرستند تا شام
و برای او بعد از ختم قرآن یک دعا مستجاب باشد و این عمل برای او بهتر است از آنچه میان آسمان و زمین
راوی گوید که عرض کردم که این ثوابها که فرمودی برای کسی میسر است که قرآن تواند خواند پس کسی که
نتواند بخواند چه کند فرمود که حق تعالی بخشنده و کریم است هر که بخواند از قرآن مجید آنچه را داند
حق تعالی این ثوابها را باو کرامت فرماید و از حضرت صادق ع روایت کرده است که بضاعت ملائکه
کسی که ذاکر باشد راوی گوید که از آنحضرت پرسیدم که ذاکر چه کس است فرمود کسی که صد آیه بخواند
و از حضرت امام زین العابدین ع روایت نموده است که هر که گوش دهد بحرفی از کتاب خدا بی آنکه از او خواند

بخواند برای او [illegible] بنویسد و یک سیئه او را محو فرماید و یک درجه برای او بلند کرده اند و هر که
حرفی از قرآن را بشنود حق تعالی برای او ده حسنه بنویسد و ده سیئه او را محو فرماید و ده درجه
بلند [illegible] سازد پس فرمود که نمیگویم هر آیه بلکه ثواب ها را میدهند بلکه بهر حرفی مانند با و
تا و امثال آنها و هر که حرفی از قرآن را در نماز نشسته بخواند حق تعالی برای او پنجاه حسنه
بنویسد و پنجاه سیئه محو فرماید و پنجاه درجه بلند سازد و هر که حرفی از آنرا در نماز
ایستاده بخواند حق تعالی برای او صد حسنه بنویسد و صد سیئه محو فرماید و صد درجه
بلند کرده اند و کسی که قرآن را ختم نماید برای او یک دعا مستجاب باشد یا در دنیا یا در آخرت
و شیخ طبرسی ره در مجمع البیان از حضرت رسالت ص روایت کرده است که قرآن مجید حبل
الله است و آن نور مبین و شفاء نافع است پس فرمود که تلاوت کنید آنرا بدرستی که حق تعالی
بعوض هر حرفی از آن ده حسنه بشما کرامت میفرماید و نمیگویم که الم حرفیست بلکه الف
ده حسنه و لام ده حسنه و میم ده حسنه عطا میفرماید و احادیث این مطلب بسیار است
و این مقام گنجایش زیاده از آن ندارد و بعضی در ضمن مطالب لاحقه نیز مذکور خواهد
شد ان شاء الله تعالی [illegible] بدانکه از روایات و اخبار ظاهر میشود که در هر شب و هر روز
قدری از قرآن باید خوانده شود اما هر شب پس کلینی از حضرت امام محمد باقر ع روایت کرده
است که هر که در هر شب ده آیه از قرآن مجید بخواند از جمله غافلان نوشته نشود و اگر
پنجاه آیه بخواند در زمره ذاکران نوشته شود و اگر صد آیه بخواند در زمره قانتان نوشته
شود و اگر دویست آیه بخواند از جمله خاشعان نوشته شود و اگر سیصد آیه بخواند در
زمره فائزان نوشته شود و اگر پانصد آیه بخواند از جمله مجتهدان نوشته شود و اگر هزار
آیه بخواند نوشته شود برای او قنطاری که پانزده هزار مثقال طلاست و هر مثقالی
بیست و چهار قیراط است و کوچکتر آنها مثل کوه احد و بزرگتر آنها ما بین آسمان و زمین است
و ایضا از حضرت امام جعفر صادق ع روایت کرده است که بفضیل بن یسار فرمود که
چه مانع است تاجر شما را و کسی که در بازار مشغول کسبی باشد از شما و بخانه مراجعت
نماید اینکه نخوابد تا سوره از قرآن مجید را بخواند تا آنکه بنویسد حق تعالی برای او بعوض
هر آیه ده حسنه و ده سیئه او را محو فرماید و از این حدیث ظاهر میشود که کمتر از ده
آیه نیز مجزیست زیرا که سوره گاهی کمتر از ده آیه میباشد مانند سوره انا اعطیناک
الکوثر که سه آیه است و ممکن است که روایت اول نسبت بکسی باشد که شغلی و عملی
و کسبی نداشته باشد و روایت ثانی نظر بتجار و اهل کسب باشد که در روز با تعب
گذرانیده باشد و در شب خواب بر ایشان غالب شود در این صورت باید که قبل از خوابیدن

[illegible]

سوره

سوره از سور قرآنی را بخواند هر چند سوره کوچکی مثل سوره قل هو الله احد یا انا اعطیناک
الکوثر باشد و محتمل است که روایت محمول بر اختلاف مراتب [illegible] و ثواب باشد بلکه اقل سوره
کافی باشد و ده آیه افضل باشد اگر کسی از ابتدای قرآن شروع بتلاوت نموده باشد در هر شبی
بهتر آنست که ده آیه بخواند و اگر از ابتدا شروع نکرده باشد چون که اراده تلاوت نماید که سوره
از سور قرآنی را تلاوت نماید بهتر آنست که در هر شبی یک سوره تلاوت نماید و الله تعالی یعلم
و اما هر روز پس [illegible] روایات و اخبار ظاهر میشود که کمتر از پنجاه آیه نخوانند چنانچه کلینی بسند معتبر از
حضرت امام جعفر صادق ع روایت کرده است که فرمود که قرآن عهد و پیمان خداوند عالمیان است
بسوی بندگان و برای مرد مسلمان سزاوار آنست که نظر کند در عهد خدا و بخواند از قرآن هر روز
پنجاه آیه و شیخ [illegible] بسند معتبر از حضرت امام رضا ع روایت کرده است که فرمود
سزاوار آنست [illegible] صبح کند بعد از تعقیب نماز پنجاه آیه از قرآن بخواند و ایضا ابن بابویه
در کتاب [illegible] بسند خود از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت نموده
است که بفرزند خود محمد بن الحنفیه وصیت طولانی فرمود از آنجمله است که ای فرزند قرآن
و عمل کردن بمضامین آن و ملازمت فرایض و شرایع آن و حلال و حرام آن و امر و نهی آن …
آن و تهجد بآن و تلاوت آن در شب و در روز زیرا که قرآن عهد و پیمان خداوند عالمیان است بسوی
بندگان پس بر هر مسلمانی واجب است که هر روز در این عهد نظر کند هر چند پنجاه آیه
از آن باشد و پوشیده نماناد که از این حدیث شریف نهایت تاکید [illegible] ظاهر میشود زیرا که
بلفظ وجوب وارد شده است و لهذا بعضی از اخیار بر اعتبار این حدیث بوجوب آن قایل شده
اند و این معنی اگر چه خلاف تحقیق است و لفظ وجوب محمول بر تاکید استحبابست چنانچه اکثر علما
بر آن حمل نموده اند لکن مراعات آن اولی است فصل دوم در بیان روایات وارده در فضیلت تلاوت
در خصوص ماه مبارک رمضان کلینی ره بسند خود از حضرت امام محمد باقر ع روایت کرده است
که برای هر چیزی بهاری هست و بهار قرآن ماه مبارک رمضان است و ابن بابویه ره در کتاب
عیون اخبار الرضا بسند خود از حضرت امام رضا از پدران بزرگوارش صلوات الله علیهم اجمعین
روایت کرده است که رسول خدا ص روزی خطبه طولانی در وصف ماه مبارک رمضان ادا فرمود و
از آنجمله این بود که پس سؤال کنید از حق تعالی با نیتهای صادقه و دلهای پاکیزه اینکه توفیق دهد شما را
برای روزه داشتن او و تلاوت نمودن قرآن در او [illegible] کسی است که محروم گشته از
آمرزش حق تعالی در این ماه و ایضا آنحضرت در این حدیث فرمود که هر که در این ماه آیه از قرآن مجید بخواند
او را ثواب کسی باشد که تمام قرآن را در غیر این ماه ختم نموده باشد و ایضا در کتاب امالی بسند خود
از ابن عباس روایت کرده است که حضرت رسالت پناه ص در حدیث طویلی فضیلت بسیار برای روزه

[illegible]

هر روزی از روزهای ماه مبارک رمضان بیان فرمود و در ثواب روزه روز بیستم فرمود که حق تعالی
در روز بیستم این ماه میفرستد بسوی شما هفتاد هزار ملک را که محافظت نمایند شما را از شر
هر شیطان رجیم و مینویسند برای شما بهر روزی که روزه داشته باشید روزه صد سال را
و بگرداند میان شما و آتش جهنم خندقی و عطا کند بشما ثواب کسی که خوانده باشد توریة و انجیل
و زبور و فرقان را و مینویسند برای شما بعدد هر پری که جبرئیل دارد عبادت سالی و عطا فرماید
بشما ثواب تسبیح عرش و کرسی را و تزویج نماید بشما بعدد هر آیه از قرآن مجید هزار حوری را و کلینی و
ابن بابویه رحمهم الله بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده اند که بدرستی که عدد
ماهها نزد حق تعالی دوازده ماه است در کتاب خدا از آن روزی که آسمانها و زمین را خلق
کرده و اول ماهها یا بهترین ماهها ماه خداست که آن ماه مبارک رمضان است و قلب آن شب
قدر است و قرآن در شب اول ماه رمضان نازل شده است پس استقبال کنید ماه رمضان را
بتلاوت قرآن و لیکن باید که بترتیل بخوانی و چون بآیه بگذری که در آن یاد بهشت باشد توقف
کن و از خدا بهشت را سؤال کن و چون بآیه بگذری که در آن ذکر آتش باشد توقف کن و پناه ببر
بخدا از آتش جهنم افاده بدانکه از این حدیث شریف ظاهر میشود که در شب اول ماه رمضان
بلکه در ابتدای این شب شروع بتلاوت میشود و ایضا از این روایت ظاهر میشود اول آنکه قرآن
مجید را چون در ماه نازل شده است پس تلاوت در این ماه افضل است از سایر ماهها است دویم آنکه چون این ماه
اشرف و افضل است از سایر ماهها بمطلق عبادات در این ماه افضل است و با این جهت تلاوت
قرآن نیز در این ماه افضل از سایر ماههاست و بدانکه چون فضیلت تلاوت در این ماه بیشتر است و
تاکید بیشتر زیاده از سایر ماههاست پس باید که اکثر اوقات این ماه بتلاوت مصروف کرده و با این جهت
اگر تند تر خوانده شود ضرر ندارد و لیکن بحدی نرسد که حروف و کلمات از یکدیگر ممتاز نشود
و لهذا در حدیث سابق مذکور است که باید بترتیل بخوانی و در نزد آیه رحمت سؤال رحمت و نزد
آیه عذاب استعاذه از عذاب بکنی و بعد از این در ضمن آداب و شرایط تلاوت بعلم آوردن
تحقیق معنی ترتیل بتفصیل و بیان سؤال رحمت و استعاذه از عذاب و سایر آنچه در حسن
تلاوت آن معتبر است مذکور میشود انشاء الله تعالی و لیکن در قدر تلاوت در ماه رمضان
ظواهر احادیث اختلاف دارد چنانچه سید بن طاوس ره در کتاب اقبال از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام روایت نموده است که فرمود خوش نمی آید مرا که خوانده شود قرآن در کمتر از یکماه و کلینی
ره بسند خود از آنحضرت روایت نموده است که راوی بعد از آنحضرت پرسید که قرآن را در یکشب بخوانم
فرمود که مرا خوش نمی آید که کمتر از یکماه خوانده شود و ایضا بسند خود از حسین بن خالد روایت
کرده است که گفت بخدمت آنحضرت عرض نمودم که در چند روز قرآن را ختم نمایم فرمود که در

فضیلت تلاوت قرآن در ماه رمضان

پنج روز

پنج روز یا هفت روز بخوان بدرستی که قرآن نزد من که بچهارده حصه قسمت شده است
مؤلف گوید که این حدیث دلالت میکند بر آنکه آنحضرت گاهی که از این قرآن تلاوت میفرمود
در چهارده روز یک ختم مینموده است و ابن طاوس ره در کتاب اقبال بسند خود از وهب بن
حفص روایت نموده است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدیم که در چند روز قرآن را بخوانم فرمود
فرمود که در شش روز و بیشتر عرض نمودم که در ماه مبارک رمضان در چند روز بخوانم فرمود که
در سه روز و بیشتر و کلینی ره بسند خود از علی بن ابی حمزه روایت کرده است که گفت ابو بصیر از حضرت
صادق علیه السلام پرسید و من حاضر بودم که فدای تو شوم قرآن را در یکشب بخوانم فرمود نه پس گفت در
دو شب بخوانم فرمود نه تا آنکه بشش شب رسید پس بدست مبارک اشاره فرمود که بلی پس فرمود
که ای ابو محمد بدرستی که جماعتی که پیش از شما بودند از اصحاب رسول الله صلعم قرآن را در یکماه
یا کمتر ختم می نمودند و بدرستی که قرآن را تند نباید خواند کلمات و حروف آنرا در هم نباید کرد
نباید کرد بلکه باید بترتیل باید خوانده شود و هرگاه بآیه بگذری که در آن ذکر آتش شده باشد در نزد آن
توقف کن و پناه بر بخدا از آتش پس ابو بصیر پرسید که در ماه رمضان در یکشب قرآن را بخوانم فرمود
نه گفت دو شب را پرسید فرمود نه پس سه شب را پرسید فرمود بلی پس فرمود ماه رمضان ماهی است
که شبیه نیست بآن ماهی دیگر بدرستی که از برای آن حق و حرمت زیادی است پس بسیار نماز کن و اوقات
ماه بکن و ابن بابویه ره در کتاب عیون اخبار الرضا از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است
که آنحضرت قرآن مجید را در هر سه روز ختم میکرد و میفرمود که اگر خواهم در کمتر از سه روز نیز می
توانم ختم کرد و لیکن نمیکذرم بآیه هرگز مگر آنکه فکر میکنم در آن و در اینکه در چه چیز و چه وقت
نازل شده پس با این جهت در هر سه روز یک ختم مینمایم و کلینی و دیگران از علی بن مغیره روایت کرده اند
که گفت بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام عرض نمودم که پدرم از جد تو سؤال نموده بود از ختم
کردن قرآن در هر شب آنحضرت فرموده بود که بلی پدرم در ماه مبارک رمضان چهل ختم میکرد
و من گاهی چهل ختم و گاهی زیاده و گاهی کمتر میکنم بقدر فراغ و شغل و نشاط و کسالت خود و
چون روز عید میشود یک ختم را برای رسول خدا صلعم و یکی برای حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و یکی برای
حضرت فاطمه صلوات الله علیها و برای هر یک از ائمه یکی تا بشما رسید برای شما یکی قرار میدهم و
سؤال کرد چنین کرده ام تا حال چه ثواب برای من خواهد بود فرمود که ثواب این عمل که
آنکه چنین خواهد کرد که در روز قیامت با ایشان باشی گفتم الله اکبر چنین ثوابی برای من خواهد
بود حضرت سه مرتبه فرمود بلی مؤلف گوید این مخالفة از مطلب و سبب این اختلاف چند چیز
تواند بود اول اختلاف احوال فراغ بال و وفور اشغال و حالت تعب انسان و کسالت و
نشاط و رغبت و میل بعبادت و امثال اینها زیرا که در حالت فراغ و نشاط و میل بعبادت تلاوت

بیشتر میسر است و ثواب آن نیز مضاعف است و در حالت تعب و اندوه رغبت کمتر و ثواب آن اندک است
و همچنین در احادیث وارد شده است که هرگاه کسالت داشته باشی و در خود اقبال بعبادت
نیابی متوجه آن مشو دوم اختلاف اشخاص زیرا که اشخاص نیز بحسب بعضی از اوصاف در این باب
متفاوت میباشند چه بسیار است که کسی باعتبار طلاقت لسان یا حفظ داشتن در مدت قلیلی قدر
زیاده تلاوت میکند و دیگری باعتبار ثقل لسان یا عدم ربط تام بقرآن که بآن سبب در خواندن کلمات
محتاج بتامل است و امثال آنها در مدت زیادی قلیلی تلاوت میکند و ظاهر آنست که تجویز حضرت
امام رضا ع نسبت بمعقل بن مغیره و رخصت حضرت امام محمد باقر ع نسبت بسعد بن طریف مذکور
بوده باشد و آنچه از خواص اصحاب ائمه علیهم السلام در این باب نقل نموده اند نیز از این قبیل است چنانچه
از ابو اسحق سبیعی که از خواص اصحاب حضرت سید الساجدین صلوات الله علیه است نقل نموده اند
که در مدت چهل سال روزها روزه داشت و شبها قرآن را ختم نمود و چندی قبل از این نیز مرد معتقد
زاهدی بود که این حقیر نیز او را مشاهده نموده بودم که در ماه مبارک رمضان هر روزی یکختم می نمود
و این معنی برای کسی میسر است و بغیر تایید الهی و توفیق غیر متناهی میسر نیست و ذلک فضل الله یؤتیه
من یشاء سوم در بیان وظایف و آداب تلاوت و آنچه از تتبع روایات و اخبار ظاهر
میشود چند چیز است اول آنکه با طهارت باشد چنانچه ابن بابویه ره در کتاب خصال از حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت نموده است که فرمود قرائت نکند جنب قرآن را الا آنکه حرفی
نباشد و حمیری در کتاب قرب الاسناد بسند معتبر از محمد بن الفضیل روایت کرده است که گفت بخدمت
حضرت امام رضا علیه التحیة والثنا عرض نمودم که گاه هست که قرآن میخوانم و بول بر من غلبه میکند بر میخیزم
و بول میکنم و استنجا مینمایم و بر میگردم و مشغول تلاوت میشوم فرمود چنین مکن تا وضو نسازی
گویم که نهی در این روایت بر کراهت محمول است و مراد اینست که وضو در حال تلاوت سنت
و بدون آن مکروه است و مؤید این معنی است آنچه ابن فهد ره در کتاب عدة الداعی از ائمه طاهرین
صلوات الله علیهم اجمعین روایت نموده که فرمودند برای قاری قرآن هر حرفی که میخواند در نماز ایستاده
صد حسنه و نشسته پنجاه حسنه مینویسند و چون در غیر نماز بخواند با وضو بیست و پنج حسنه و
بی وضو ده حسنه مینویسند نیز فرمود که نمیگویم که الم یک حرف است بلکه بالف ده ثواب و بلام ده ثواب
و بمیم ده ثواب و براء ده ثواب باو میدهند و در این مقام تنبیه بر چند امر ضرور است اول آنکه
ظاهر آنست که در حین تلاوت قاری باید که با طهارت باشد پس اگر وضو داشته باشد تجدید آن
ضرور نیست هر چند موافق مشهور میان علما است و غسل جنابت در این باب نیز حکم وضو دارد
بلکه با اغسال دیگر نیز خواه واجب و خواه مستحب موافق احادیث معتبره وضو ساختن ضرور نیست دوم
مشهور میان علما آنست که حرام است بر جنب و حایض خواندن چهار سوره سجده واجب و جایز است

در بیان آداب تلاوت قرآن

خواندن

خواندن سورهای دیگر خواه اصلا سجده نداشته باشد یا سجده مستحبی داشته باشد و لیکن زیاده
از هفت آیه مکروه است تا هفتاد آیه و چون بهفتاد آیه رسد کراهت شدیدتر میشود و محقق
حلّی و علامه قدس الله سرهما و جمعی دیگر و بعضی از فقها و ایشان ملاحظه شده کردن در
حالت حیض و نفاس مطلق غیر جمیع اذکار و ادعیه و قرآن مجید را مستثنی دانسته اند مگر چهار
سوره که سجده واجب دارد یعنی الم سجده و حم سجده و النجم و اقرأ که این چهار سوره را حرام است
ایشان خواندن و سایر قرآن را میتوانند خواند و بهتر آنست که در وقت خواندن دست بحاشیه قرآن
و جلد آن نگذارند و بدستمال یا جامه بگیرند و موافق مشهور دست بر روی نوشته قرآن و نام خدا
و رسول و ائمه علیهم السلام نگذارند و والد علامه مرحوم ادام الله ظلاله در رساله وظایف تلاوت
ذکر نموده که احادیث صحیحه دلالت میکند بر آنکه غیر سوره سجده را میتوانند خواند هر قدر خواهند
و سنت است و کراهت ندارد دوم آنکه رو بقبله باشد چنانچه در حدیث وارد شده است که بهترین
مجالس آنست که رو بقبله باشد و این شرط در صورتی است که در محل معتبر قرار داشته باشد خواه
ایستاده و خواه نشسته پس اگر در راهی رود سواره یا پیاده این شرط مرعی و معتبر نیست سوم آنکه
مادام که مشغول تلاوت باشد حرامی نیاشامد چنانچه از حضرت رسالت پناه صلعم منقول است که فرمود
هر که قرآن بخواند و یا خواندن قرآن حرامی بیاشامد یا محبت دنیا و زینتهای دنیا را بر قرآن اختیار نماید
مستوجب غضب الهی گردد مگر توبه کند و اگر بی توبه بمیرد قرآن حجت خود را بر او تمام نماید و او را هیچ
عذری نباشد چهارم آنکه از مصحف تلاوت نماید هر چند در حفظ داشته باشد چنانچه
کلینی و ابن بابویه باسانید بسیار از حضرت امام جعفر صادق ع روایت کرده اند که فرمود هر که قرائت
کند قرآن را از مصحف از دیده خود متمتع و بهره برد و تخفیف دهند عذاب را از پدر و مادر او هر چند
کافر باشند و ابن بابویه بسند دیگر از اسحق بن عمار روایت نموده است که گفت عرض نمودم بخدمت
آنحضرت که فدای تو شوم من قرآن را حفظ کردم آیا افضل آنست که از حفظ بخوانم یا از روی مصحف
فرمود بلکه از روی مصحف افضل است آیا نمیدانی که نظر کردن بمصحف عبادت است و در حدیث
دیگر وارد شده است که سه چیز است که شکایت خواهند کرد بخدا و بدرگاه جبار مسجد خرابی که در
آن نماز نکنند و عالمی که در میان جهال باشد و حرمت او را نگاه ندارند و مصحفی که گرد و
غبار بر آن نشسته باشد و از آن تلاوت ننمایند پنجم خواندن ادعیه ماثوره در حین تلاوت است
و آنها بر دو نوع است نوع اول دعائی که قبل از شروع باید خواند شود و آنچه از این باب در
روایات بنظر رسیده چند دعا است اول کلینی ره بسند مرسل از حضرت امام جعفر صادق ع
روایت نموده است که آنحضرت نزد اَللّٰهُمَّ رَبَّنا لَکَ الْحَمْدُ وَ اَنْتَ الْمُتَوَحِّدُ بِالْقُدْرَةِ
قرائت قرآن مجید این دعا میخواندند

دعاهای قبل از تلاوت

والسلطان المبين ولك الحمد انت المتعالي بالعزة والكبرياء وفوق السموات
والعرش العظيم ربنا ولك الحمد انت المكتفي بعلمك والمحتاج اليك كل
ذي علم علم ربنا ولك الحمد يا منزل الآيات والذكر العظيم ربنا فلك الحمد
بما علمتنا من الحكمة والقرآن العظيم المبين اللهم انت علمتناه قبل
تعلمه — رغبتنا في تعلمه واختصصتنا به قبل رغبتنا بنفعه اللهم فاذا كان
ذلك منا منك وفضلا وجودا ولطفا بنا ورحمة لنا وامتنانا
فهب لنا — علينا من غير حولنا ولا حيلتنا ولا قوتنا اللهم حبب الينا حسن
سببا — تلاوته وحفظ آياته وايمانا بمتشابهه وعملا بمحكمه وسببا
في تأويله وهدى في تدبيره وبصيرة بنوره اللهم وكما انزلته شفاء
لأوليائك وشقاء على اعدائك وعمى على اهل معصيتك ونورا لاهل
طاعتك اللهم فاجعله لنا حصنا من عذابك وحرزا من غضبك
وحاجزا عن معصيتك وعصمة من سخطك ودليلا على طاعتك
ونورا يوم نلقاك نستضيء به في خلقك ونجوز به على صراطك و
نهتدي به الى جنتك اللهم انا نعوذ بك من الشقوة في حمله والعمى

عن علمه

عمله
عن علمه والجور عن حكمه والعلو عن قصده والتقصير دون حقه
اللهم احمل عنا ثقله واوجب لنا اجره واوزعنا شكره واجعلنا
نراعيه ونحفظه اللهم اجعلنا نتبع حلاله ونجتنب حرامه ونقيم
حدوده ونؤدي فرائضه اللهم ارزقنا حلاوة في تلاوته ونشاطا
في قيامه ووجلا في ترتيله وقوة في استعماله في آناء الليل والنهار
اللهم واشفنا من النوم باليسير وايقظنا في ساعة الليل من رقاد
الراقدين ونبهنا عند الاحايين التي يستجاب فيها الدعاء من سنة
الوسنانين اللهم اجعل لقلوبنا ذكاء عند عجائبه التي لا تنقضي
ولذاذة عند ترديده وعبرة عند ترجيعه ونفعا بينا عند استفهامه
اللهم انا نعوذ بك من تخلفه في قلوبنا وتوسده عند رقادنا ونبذه
وراء ظهورنا ونعوذ بك من قساوة قلوبنا لما به وعظتنا اللهم
انفعنا بما صرفت فيه من الآيات وذكرنا بما ضربت فيه من الامثال — المثلات
وكفر عنا بتلاوته السيئات وضاعف لنا به جزاء في الحسنات — من
وارفعنا به ثوابا في الدرجات ولقنا به البشرى بعد الممات اللهم اجعله — عليه

لنا زادا تقوينا به في الموقف وفي الوقوف بين يديك وطريقا واضحا نسلك به اليك وعلما نافعا نشكر به نعماءك وتخشعا صادقا نسبح به اسماءك اللهم فانك اتخذت به علينا حجة قطعت به عذرنا واصطنعت به عندنا نعمة قصر عنها شكرنا اللهم اجعله لنا وليا يثبتنا من الزلل ودليلا يهدينا لصالح العمل وعونا هاديا يقومنا من الميل وعونا يقوينا من الملل حتى يبلغ بنا افضل الامل اللهم اجعله لنا شافعا يوم اللقاء وسلاحا يوم الارتقاء وحجيجا يوم القضاء ونورا يوم الظلماء يوم لا ارض ولا سماء يوم يجزى كل ساع بما سعى اللهم اجعله لنا ريا يوم الظماء وفوزا يوم الجزاء من نار حامية قليلة البقيا على من بها اصطلى وبحرها تلظى اللهم اجعله لنا برهانا على رؤس الملا يوم يجمع فيه اهل الارض واهل السماء اللهم ارزقنا منازل الشهداء وعيش السعداء ومرافقة الانبياء انك سميع الدعاء

للموقف ن‌ل

نورا ن‌ل

مؤلف گويد كه ظاهر لفظ اين روايت آنست كه دعا قبل از تلاوت بايد خوانده شود ومحتمل است كه مراد خواندن آن بعد از تلاوت باشد واگر در هر دو وقت خوانده شود اولى است دوم سيد ابن طاوس ره در كتاب اقبال بسند معتبر روايت كرده كه چون

حضرت

حضرت امام جعفر صادق عليه السلام اراده تلاوت ميفرمود مصحف را بدست مبارك ميگرفت وپيش از آنكه بگشايد اين دعا را ميخواند بسم الله اللهم اني اشهد ان هذا كتابك المنزل من عندك على رسولك محمد بن عبد الله صلى الله عليه وآله وكتابك الناطق على لسان رسولك وفيه حكمك وشرائع دينك انزلته على نبيك وجعلته عهدا منك الى خلقك وحبلا متصلا فيما بينك وبين عبادك اللهم اني نشرت عهدك وكتابك اللهم فاجعل نظري عبادة وقراءتي تفكرا وفكري اعتبارا واجعلني ممن اتعظ ببيان مواعظك فيه واجتنب معاصيك ولا تطبع عند قراءتي كتابك على قلبي ولا على سمعي ولا تجعل على بصري غشاوة ولا تجعل قراءتي قراءة لا تدبر فيها بل اجعلني اتدبر آياته واحكامه آخذا بشرائع دينك ولا تجعل نظري فيه غفلة ولا قراءتي هذرمة انك انت الرؤف الرحيم

كلامك ن‌ل

فيه جميعا ن‌ل

مؤلف گويد كه ظاهر عبارت حديث بلكه ظاهر فقرات دعا آنست كه اين دعا مخصوص كسى باشد كه از روى مصحف تلاوت نمايد نه آنكه از حفظ بخواند واگر مطلقا قبل از تلاوت اين دعا خوانده شود شايد بهتر باشد سيم از رسول خدا صلى الله عليه وآله منقولست كه هر كه مصحف را در دست گيرد با اراده تلاوت واول اين دعا را بخواند حق تعالى بعوض هر حرفى پنجاه هزار حسنه باو عطا فرمايد ودعا اينست اللهم بالحق انزلته وبالحق نزل اللهم عظم فيه رغبتي واجعله نورا لبصري وشفاء لصدري وذهابا لهمي وحزني اللهم زين به لساني

وَجَمِّلْ بِهِ وَجْهِي وَقَوِّ بِهِ جَسَدِي وَارْزُقْنِي حَقَّ تِلَاوَتِهِ عَلَى طَاعَتِكَ آنَاءَ

اللَّيْلِ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ وَاحْشُرْنِي مَعَ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَخْيَارِ موقف کویکه این دعا فیما بین

قرآء مشهور و معروفست ولیکن در کتب شیعه تا حال بنظر نرسیده و چون بحضرت رسالت صلعم منسوب

است و در اعمال مستحبه باحادیث ضعیفه عمل میتوان نمود لهذا عمل نمودن بآن نیکوست نوع دوم

دعاهائیکه بعد از فراغ از تلاوت بعضی از قرآن باید خوانده شود و در این باب نیز چند دعا بنظر رسیده

اول سید بن طاوس ره در کتاب اقبال ذکر نموده که در روایت سابق که از حضرت امام جعفر صادق

صلوات الله علیه در باب دعای قبل از تلاوت منقولست اللّٰهُمَّ إِنِّي قَرَأْتُ مَا قَضَيْتَ

مذکورست که آنحضرت چون از تلاوت فارغ میشد این دعا را میخواند

لِي مِنْ كِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَرَحْمَتُكَ

فَلَكَ الْحَمْدُ رَبَّنَا وَلَكَ الشُّكْرُ وَالْمِنَّةُ عَلَى مَا قَدَّرْتَ وَوَفَّقْتَ اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي

مِمَّنْ يُحِلُّ حَلَالَكَ وَيُحَرِّمُ حَرَامَكَ وَيَجْتَنِبُ مَعَاصِيَكَ وَيُؤْمِنُ بِمُحْكَمِهِ

وَمُتَشَابِهِهِ وَنَاسِخِهِ وَمَنْسُوخِهِ اللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لِي شِفَاءً وَرَحْمَةً وَحِرْزاً

اللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لِي أُنْساً فِي قَبْرِي وَأُنْساً فِي حَشْرِي وَأُنْساً فِي نَشْرِي وَاجْعَلْ

لِي بَرَكَةً بِكُلِّ آيَةٍ قَرَأْتُهَا وَارْفَعْ لِي بِكُلِّ حَرْفٍ دَرَسْتُهُ دَرَجَةً فِي

أَعْلَى عِلِّيِّينَ آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَصَفِيِّكَ

وَنَجِيِّكَ وَدَلِيلِكَ وَالدَّاعِي إِلَى سَبِيلِكَ وَعَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَلِيِّكَ وَ

خَلِيفَتِكَ مِنْ بَعْدِ رَسُولِكَ وَعَلَى أَوْصِيَائِهِمَا الْمُسْتَحْفِظِينَ دِينَكَ الْمُسْتَوْدَعِينَ

المستودعین

حقك

حَقَّكَ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ دوم در کتاب مکارم الاخلاق این دعا را برای بعد از فراغ از تلاوت

اللّٰهُمَّ إِنِّي قَدْ قَرَأْتُ مَا قَضَيْتَ مِنْ كِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ عَلَى نَبِيِّكَ الصَّادِقِ

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَلَكَ الْحَمْدُ رَبَّنَا اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يُحِلُّ حَلَالَهُ وَ

يُحَرِّمُ حَرَامَهُ وَيُؤْمِنُ بِمُحْكَمِهِ وَمُتَشَابِهِهِ وَاجْعَلْهُ أُنْساً فِي قَبْرِي وَ

أُنْساً فِي حَشْرِي وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ تُرَقِّيهِ بِكُلِّ آيَةٍ قَرَأَهَا دَرَجَةً فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ

آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ و بدانکه اگر تلاوت قاری قرآن تمام شود مستحب است که این دعای ختم قرآن را بخواند و آنها بعد از این مذکور میشود ان شاء الله تعالی

ششم آنکه در ابتدای قرآت تلفظ باستعاذه نماید تا خداوند عالمیان او را از شر شیطان و وساوس آن پناه دهد و از شر آن ملعون ایمن کرده و با حضور قلب متوجه تلاوت شود چنانچه حقتعالی میفرماید

فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ یعنی هرگاه اراده کنی قرآت قرآن را پس پناه بر بخدا از شر شیطان رجیم و کیفیت آن در روایات مختلف وارد شده است اول أَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ

الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ دوم أَعُوذُ بِاللّٰهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ سیم أَعُوذُ بِاللّٰهِ

مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ إِنَّ اللّٰهَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ چهارم أَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

إِنَّ اللّٰهَ هُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ پنجم أَعُوذُ بِاللّٰهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

وَأَعُوذُ بِاللّٰهِ أَنْ يَحْضُرُونِ ششم أَسْتَعِيذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ إِنَّ اللّٰهَ هُوَ السَّمِيعُ

الْعَلِيمُ و اظهر و اولی بحسب روایات دو قسم اول است و بدانکه اولی و افضل آنست که در اثنای قرائت

اگر با کسی سخن گوید یا سکوت طویلی کند استعاذه را اعاده نماید بلکه در حال تلاوت نیز هرگاه آیه

از قرآن خواند بدون استعاذه نباشد هفتم آنکه در قرآت رعایت ترتیل نماید چنانچه حقتعالی

میفرماید وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً یعنی ترتیل کن ای محمد صلعم در قراءت قرآن ترتیل کردنی و علما برای ترتیل

دو معنی گفته‌اند اول ادای حروف از مخارج و محافظت احکام وقف و وصل یعنی هر حرفی را

از مخرج خود ادا کند و ثاء را از مخرج سین و سین را از مخرج صاد و ضاد را از مخرج ظاء ادا

ننماید و بالجمله حروفی که مخارج آنها با هم متقارب است در ادای آن حروف احتیاط تمام نماید

و در باب وقف و وصل این ضابطه را مرعی دارد که اگر وصل کند و کلمه را با یکدیگر متصل خواند



و قاصد نماید مقطع نفس یا سکت طویل کلمات را با حرکات بخواند و وصل بسکون ننماید و اگر وقف کند
بقطع نفس یا سکت طویل کلمه را که بر آن وقف مینماید ساکن کرده اند و وقف بحرکت ننماید و ترتیل
باین معنی موافق مشهور میان علما واجب است و دویم بتانی و شمرده خواندن کلمات بر وجهی که
حروف آنها از یکدیگر ممتاز شوند و لیکن بحدی نرسد که از یکدیگر جدا باشند و کلام از اتصال بیفتد
و همچنین صفات حروف و مدها و ادغام و غیرها که قراء ضبط نموده اند همگی را مرعی دارد و ترتیل باین معنی
مستحب است و واجب نیست و در حدیث وارد شده است که از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله و سلامه
علیه پرسیدند که ترتیل چه معنی دارد فرمود که حروف را نیکو ظاهر و هویدا کردن و از هم مپاشانید مانند
ریگی که پاشیده شود و تند مخوان چون که عرب ان شعر را میخوانند بلکه بخوف و فزع آورید یا بگوئید بخوانید
قرآن دلهای سخت را و چنان مباشید که همت بر آخر سوره گماشته باشید و تند بخوانید که زود تمام شود
و در حدیث دیگر از آنحضرت مرویست که سؤال نمودند از معنی ترتیل فرمود که ترتیل حفظ وقفهاست و
اداء حروفهاست از مخارج و پوشیده نماند که حدیث اول اشاره است بمعنی ثانی و ظاهر حدیث ثانی
معنی اول است و محتمل است که ناظر بهر دو معنی باشد والله تعالی یعلم و بدانکه از اخبار و احادیث
مفهوم میشود که ترتیل در قرائت بمعنی اول و ثانی در صورتی مرعی و منظور است که قدرت بر آن داشته
باشد و بوضع ترتیل نتواند خواند لیکن اگر قادر نباشد و طبع او بحوی باشد که خوب نتواند و نتواند از مخارج تلفظ
نماید ترتیل از او ساقط است و هر وقت مقدور او شد تلاوت و قوانین نموده و حق تعالی بکرم خود ثواب تمام و کامل
باو عطا میفرماید و در حدیث وارد شده است که حضرت رسول صلعم فرمود نیست از ما کسیکه از امت من قرآن
بخواند بروش عجمی خود نه بروش عرب و ملکها بالا برند تلاوت او را بروش عربان هشتم آنکه بخضوع و
خشوع و رقت و حزن داخل شده قرائت نماید چنانچه از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه
منقولست که فرمود قرآن بحزن نازل شده است پس آنرا بحزن داخل شده بخوانید و در حدیث دیگر از حفص
مرویست که حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه بشخصی فرمود که در دنیا میخواهی باشی گفت
بلی فرمود برای چه چیز میخواهی گفت برای آنکه سوره قل هو الله احد را بسیار بخوانم پس آنحضرت لحظه
زمانی خطاب نکرد و فرمود ای حفص هر که از دوستان و شیعیان ما بمیرد و قرآن نداند حق تعالی
در قبر قرآن را باو تعلیم میفرماید تا درجات او را باین سبب بلند کرد اند زیرا که درجات بهشت بقدر
آیات قرآنی است و بقاری قرآن میگویند بخوان و بالا رو و هر آیه که میخواند [illegible] بالا میرود پس حفص
گفت کسی را ندیدم که خوفش از امید بیشتر باشد از آنحضرت باشد و چون قرآن میخواندند بخوبی میخواندند
که گویا با کسی مشافهه خطاب میفرماید نهم آنکه بصوت حسن و آواز خوش بخواند چنانچه
بسند معتبر منقولست که حضرت رسول صلعم فرمود که برای هر چیز زینتی است و زینت قرآن آواز خوش
است و در حدیث دیگر مرویست که آنحضرت فرمود که قرآن را با آواز خوش بخوانید که آواز خوش زیاده

میکند

خواندن قرآن با حزن و رقت

میکند حسن قرآن را و در حدیث معتبر دیگر مرویست که ابو بصیر گفت پرسیدم از حضرت امام
جعفر صادق ع از تفسیر آیه کریمه و رتل القرآن ترتیلا فرمود یعنی قرآن را بتانی بخوان
و با آواز خوش بخوان و در حدیث دیگر وارد شده است که نوفلی گفت عرض کردم بخدمت حضرت امام
موسی کاظم صلوات الله علیه آواز خوش را فرمود بدرستی که حضرت امام زین العابدین علیه السلام
قرائت قرآن میفرمود و گاه بود که راه گذران میگذشتند و از حسن صدای آنحضرت بیهوش می
گشتند و بدرستی که امام زمان ظاهر سازد چیزی از خوش آوازی خود را هر آینه تاب نیاورند
آنرا مردم از زیادتی حسن آن راوی گفت عرض کردم که حضرت رسول صلعم چون نماز میکرد از برای
با مردم آواز را بلند میکرد بخواندن قرآن فرمود بدرستی که آنحضرت تحمیل میکرد بر مردم آنچه را
طاقت داشتند و تاب میآوردند مؤلف گوید که والد محقق علامه ام رفع الله درجته در
رساله وظایف الیوم و اللیله ذکر نموده که احادیث در باب تحسین صوت و تزیین آن در تلاوت
قرآن بسیار است و لهذا بعضی از متاخرین علما غنا را در قرائت قرآن تجویز نموده اند زیرا که تحسین
صوت و کشیدن آواز و تزیین و تحزین آن در غالب اوقات چنانچه از کلام اهل لغت و غیر ایشان
مستفاد میشود بدون غنا نمیباشد و شیخ طبرسی ره در تفسیر مجمع البیان در بیان آداب قرائت قرآن
گفته فن التاج در بیان آنچه سنت است از برای قاری از تحسین لفظ و تزیین صوت در قرائت
قرآن و احادیث بسیار از طرق عامه در این باب نقل نموده و از جمله آنها حدیث عبد الرحمن بن
سایب است که گفت بنزد سعد بن ابی وقاص رفتم و سلام کردم گفت مرحبا برادرزاده من شنیدم که گفت بمن رسیده
است که تو خوش آوازی در خواندن قرآن گفتم بلی الحمد لله گفت من شنیدم از رسول خدا صلعم که می
فرمود قرآن بحزن نازل شده است چون قرآن بخوانید بگریید و اگر گریه نیاید خود را بگریه
بدارید و تغنی کنید بقرآن بدرستی که هر که تغنی نکند بقرآن از ما نیست و شیخ ره بعد از ایراد
این حدیث گفته که بعضی از علما تاویل کرده اند این حدیث را و گفته اند که تغنی بمعنی استغنا
یعنی هر که مستغنی نشود بقرآن از ما نیست و اکثر علما را اعتقاد آنست که تغنی بمعنی ترجیع دادن
آواز و بحزن خواندن قرآن است و پوشیده نماند که ظاهر از کلام آن که غنا در قرآن نزد او جایز
حکم شیخ بوده است و بحکمان او اکثر علمای سلف نیز سنت میدانسته اند و کلام سید مرتضی علم الهدی
ره در کتاب غرر و درر نیز اشعاری باین معنی دارد و کلینی ره در کتاب کافی بابی عقد کرده است در باب
ترتیل قرآن بصوت حسن و اکثر احادیث گذشته را در آن باب ایراد کرده است انتهی اقول و المولی
مقدس اردبیلی قدس الله روحه در باب استثنای غنا در تلاوت قرآن و لیکن شیخ ابو القاسم محقق و جمع
کثیر از علمای متاخرین اتفاق نموده اند بر حرمت غنا مطلقا هر چند در قرآن بعید بوده باشد
انتهی کلام والد علامه ام ادام الله ظلاله العالی الی یوم القیمة و آنچه در این باب بخاطر این شکسته قاصر میرسد

تحقیق خواندن قرآن با غنا

آنست که اغلب چون غنا مطلقا بیاراست و روایات در باب خواندن قرآن مجید بصوت حسن بسیار
وبعضی از آنها نیز بلفظ غنا وارد شده است و در جمع بین الروایات میتوان گفت که صوت حسن غیر
غناست زیرا که غنا آنست که غنا از مخرج طبیعی بیرون رود و تحریرات بسیار دران آواز بهمرسد
و حروف و کلمات باعتبار کششهای بسیار که درمیان آنها در آمده از هم بپاشد و صوت حسن عبارت
از آنست که صدا از وضع خلقی اصلی بیرون نرود و حروف و کلمات از هم نپاشد ولیکن بنوعی قرائت و
تلاوت نماید که حسن صوت او ظاهر شود و مستمعان از طور خواندن او محظوظ شوند و اگر تحریر
و کشش زیاده در صدا بهم رسد که حروف و کلمات از هم بپاشد و مراد از غنا در احادیث حرمت غنا
معنی اول و مراد از صوت حسن در احادیث جواز تغنی در قرآن معنی دوم است و مؤید این معنی آنست
که اگر مراد از تغنی در قرآن معنی اول باشد مخالف می شود با روایاتی که در باب ترتیل قرآن وارد شده
است چنانچه مذکور شد و اگر کسی گوید که معنی حسن صوت نیز مستلزم غناست زیرا که خارج از مقامات
نخواهد بود بلکه بالضرورة با یکی از مقامات دوازده گانه مطابق خواهد بود جواب گوئیم که در علم
موسیقی ثابت شده است که دوازده مقام و بیست و چهار گوشه و چهل و هشت شعبه میانند که
هیچ صدائی و آوازی از آنها بیرون نیست بلکه اصوات حیوانات نیز بالضروره با یکی از آنها موافق
است و در این صورت نهی از تغنی و استماع غنا مستلزم نهی از جمیع انواع تکلم و نطق و استماع آن
خواهد بود و فساد آن ظاهر و لایح است پس معلوم می شود که مراد از غنا صدائی است که تحریرات
زیاد و مد و کشش بسیار داشته باشد و حسن صوت لازم ندارد که چنین بوده باشد و بالجمله
شکی نیست که ترک غنا بمعنی که مذکور شد در قرآن مجید احوط است والله تعالی اعلم دهم آنکه
متوسط بخواند نه بسیار آهسته و نه بلند بخواند چنانچه بسند معتبر از ابو بصیر منقولست که گفت بخدمت
حضرت امام محمد باقر علیه السلام عرض کردم که هرگاه قرآن میخوانم و آواز خود را بلند میکنم شیطان میاید نزد من و
میگوید که ریا آن برای اهل خانه خود و برای مردم پس آن حضرت فرمود ای ابو محمد بوضعی بخوان که میانه
قرائت بلند و قرائت آهسته باشد که اهل خانه تو بشنوند و ترجیع کن بخواندن قرآن آواز خود را
زیرا که حق تعالی دوست میدارد آواز خوشی را که ترجیع کنند در آواز ترجیع کردنی و بسند صحیح از
معویة بن عمار مرویست که گفت عرض نمودم بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که آدمی چنین می
پندارد که هیچ کاری نکرده است در وقت خواندن دعا و وقت خواندن قرآن تا آنکه صدای خود را بلند
ننماید فرمود که باکی نیست که صدا بلند سازی بدرستی که حضرت امام زین العابدین علیه السلام
خوش آوازترین مردم بود بقرائت و آواز خود را بلند میکرد و میخواند قرآن را بحدی که هر که از اهل خانه
می شنیدند و حضرت امام محمد باقر علیه السلام نیز خوش آوازترین مردم بود بقرآن و چون آخر شب بعبادت
بر میخواست و قرآن تلاوت میفرمود آواز خود را بلند میکرد و راه گذران از سقایان و غیر ایشان

متوسط بخواند نه بسیار بلند

بخوانند

میایستادند

میایستادند و گوش بقرائت آنحضرت میدادند و در روایت دیگر فرمود که هرگاه حضرت امام زین العابدین
تلاوت میفرمود سقایان در در خانه آنحضرت می ایستادند و گوش بقرائت آنحضرت میدادند
و در روایت دیگر از حسن صوت آنحضرت مدهوش میشدند مؤلف گوید که اول دال بر قراءت وسط
و احادیث اخیره شاهد بلند خواندن است و وجهش آنست که مراتب قرائت نسبت بحال مردم متفاوت
باشد و میانه نظر بحال کسی باشد که در بلند خواندن ریا کند و بلند خواندن نسبت بکسی که ایمن باشد
از ریا مثل ائمه هدی علیهم السلام و گروهی از اهل تقوی که جهاد نفس نموده خود را از ریا که تنزل شرک است
با جناب مقدس حق تعالی است بری و عری ساخته باشند والله تعالی یعلم یازدهم آنکه بتدبر و تفکر
قرائت نماید و متوجه معانی و مضامین الفاظ و عبارات آن باشد چنانچه با سانید بسیار از
حضرت امیرالمؤمنین و سایر ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین منقولست که فرمودند خیری
نیست در قرائتی که در آن تدبر نباشد و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام مرویست که فرمود که آیات قرآن
خزینهای حکمت ربانی است پس در هر خزینه را که میگشائی باید که در آن نظر نمائی و متفکر جواهر
معانی حکمتهای آن شوی که از آن خزائن بیرون آوری مؤلف گوید که حقیقت تدبر در قرائت آنست که قاری
اقتصار ننماید بر قرائت الفاظ و عبارات قرآن بلکه هر آیه که خواند در آن آیه تدبر و تفکر نماید
و بداند که خداوند کریم مهربان در قرآن مجید و فرقان حمید چراغهای هدایت برای او افروخته
است و انوار حکمت در آن هویدا کرده است و چنانچه دیده ظاهر را در آن بجولان میاورد دیده
دل را نیز عطا انوار آن میگشاید و بداند که با خدا و خود در مقام مناجات است و سخن
میگوید و راز و نیاز و میان دارد و گاهی خدا با او خطاب میفرماید باید که از دل و جان لبیک و
جواب گوید و گاهی پیغمبران خدا با او سخن میگویند چنان داند که او مخاطب خطاب ایشان است
و گاهی حق تعالی او را بوعده حور و قصور و طعام و شراب تطمیع مینماید باید که آنها را طلب نماید
و گاهی بوعید انواع زجر و عذاب تهدید میفرماید باید که از آنها اباء جوید و گاهی مانند پدر
مشفق و ادیب مهربان او را موعظه و نصیحت مینماید باید که از آنها پند گیرد و گاهی برای او قصص
احوال گذشتگان نقل مینماید باید که از آنها عبرت گیرد و گاهی جوانهای الوان نعیم بهشت را برا
او میکشد و گاهی اوصاف جمال و جلال خود را او بیان میفرماید و او را در گلستان و بوستان
صفات کمالیه خود سیر میفرماید و گاهی ابواب کنوز علوم و معارف نامتناهی را بر روی او
میگشاید و از انواع جواهر حقایق آنچه دیده اش تاب آورد در نظرش جلوه میدهد و گاهی
احوال دوستان خود و کالا ایشان را برای او نقل مینماید و نصیحتهائی که با ایشان عطا فرموده
ایشان را با آنها میستاید و مشقتها که در راه او کشیده اند و بلاها که تدارک خود را که نسبت باینها
بعمل آورده بیان میفرماید و از بیان وسعت حلم و مزید کرم خود در حق گذشتگان دستگاه امید و

رحمت برای مؤمنان وسیع میگرداند و بالجمله هرکه از روی غفلت و آگاهی و تفکر در قرآن نظر نماید و در هر
گلستان فیوض یزدانی بر روی عقل او مفتوح و دیده دلش بانوار ادراک حقایق و معارف منور
باشد در هر صفحه از صفحات قرآن گلستانی از شقایق حقایق بنظرش می‌آید و چراغانی از الوان انوار
معارف پیش دیده‌اش جلوه مینماید و [illegible] با ایشان انس و الفت
میگیرد و مجلسی شاهد مینماید اهل مجلس پیغمبران و اوصیا و صدیقان با ایشان همنشینی و مصاحبت
مینماید سفره [illegible] سبحانی نعمت
بالوان نعمتهای روحانی و انعام لذتهای عقلانی و از اختیاف کرده حدیث وارد شده است که حضرت
امام الزاهدین و سید الساجدین امام زین العابدین سلام الله علیه و علی آبائه و اولاده الطاهرین
میفرمود که اگر جمیع آنچه که در میان مشرق و مغرب است هلاک گردد و من تنها بمانم بعد از آنکه
قرآن با من باشد وحشت بهم نمیرسانم دوازدهم آنکه بعد از آیات رحمت طلب رحمت و بعد از آیات
عذاب طلب نجات از عذاب نماید و در هنگام خواندن بعضی از آیات الفاظ و اذکاری که در روایات
وارد شده با آنها اتیان نماید چنانچه بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق منقول است که
فرمود که سزاوار آنست کسی که قرآن خواند چون بگذرد بآیه که در آن آیه سؤالی یا بیمی باشد
سؤال کند از خدا بهترین آنچه امید دارد و سؤال نماید عافیت از آتش جهنم و عذاب را و در حدیث
دیگر از رجاء بن ابی الضحاک که در سفر خراسان ملازم رکاب حضرت امام رضا علیه السلام بود و طریقه
سلوک آنحضرت را در آن سفر در حدیث طولانی نقل نموده مرویست که چون آنحضرت [illegible]
خواب میرفت تلاوت بسیار میفرمود و چون بآیه میرسید که یاد بهشت و دوزخ بود میگریست و از حق
تعالی طلب بهشت و استعاذه از جهنم مینمود و چون سوره قل هو الله احد را میخواند بعد از
آهسته میفرمود الله احد و بعد از فراغ از سوره سه مرتبه میفرمود کذلک الله ربنا
و چون سوره قل یا ایها الکافرون را میخواند بعد از لفظ الکافرون آهسته میفرمود ربی الله
و دینی الاسلام و چون از سوره والتین فارغ میشد میفرمود بلی و انا علی ذلک من الشاهدین
و چون سوره لا اقسم را میخواند بعد از تمام سوره میفرمود سبحانک اللهم بلی و چون از سوره
حمد فارغ میشد میفرمود الحمد لله رب العالمین و چون سوره سبح اسم ربک الاعلی را
میخواند بعد از اعلی آهسته میفرمود سبحان ربی الاعلی و هرجا در قرآن یا ایها الذین
آمنوا میخواند آهسته میفرمود لبیک اللهم لبیک مؤلف گوید که این حدیث شریف بعد از
خواندن سوره توحید سه مرتبه کذلک الله ربنا وارد شده و در حدیث دیگر کذلک الله ربی
یا کذلک الله ربی مکرر شده واقع شده و بهر یک [illegible] خوب است و در باب سوره قل یا
ایها الکافرون در حدیث منقول است که حضرت امام جعفر صادق [illegible] فرمود که چون

طلب رحمت بعد از آیات رحمت و استعاذه بعد از آیات عذاب

بخوانی قل یا ایها الکافرون بگو یا ایها الکافرون و چون بخوانی لا اعبد ما تعبدون بگو اعبد الله وحده
و چون بخوانی لکم دینکم ولی دین بگو ربی الله و دینی الاسلام و در حدیث دیگر وارد شده که چون
آنحضرت این سوره مبارکه را میخواندند بعد از لا اعبد ما تعبدون میفرمود اعبد ربی و بعد
اتمام سوره میفرمود دینی الاسلام علیه احیا و علیه اموت ان شاء الله و در حدیث دیگر از
آنحضرت مرویست که فرمود هرکه سوره الرحمن را بخواند و چون آیه کریمه فبای آلاء ربکما تکذبان
را تمام کند بگوید لا بشیء من آلائک رب اکذب اگر در شب خوانده باشد و در آن شب بمیرد
شهید مرده باشد و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه بخوانید سوره تبت را نفرین کنید بر ابو
لهب که او از گروهی بود که تکذیب کرد پیغمبر را و تکذیب کرد آنچه را آنحضرت از جانب حق تعالی
آورده بود و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقول است که فرمود
چون سوره مسبحات را بخوانید بگوئید سبحان الله الاعلی و چون بخوانید ان الله و ملائکته
یصلون علی النبی صلوات بفرستید خواه در نماز و خواه در غیر نماز و چون سوره والتین را
بخوانید در آخرش بگوئید و نحن علی ذلک من الشاهدین و چون بخوانید قولوا آمنا بگوئید
آمنا بالله واشهد بانا مسلمون مؤلف گوید که مراد از مسبحات سورها است که در اول آنها
تسبیح واقع است یا بلفظ سبح مانند سوره حدید و حشر و سوره صف یا بلفظ یسبح مانند
سوره جمعه و تغابن یا بلفظ سبح مانند سوره اعلی و بسند معتبر دیگر از حضرت امام
جعفر صادق منقول است که فرمود چون کسی سوره والشمس را بخواند بعد از تمام سوره بگوید
صدق الله و صدق رسوله و چون بخواند الله خیر اما یشرکون بگوید الله خیر
الله خیر الله اکبر و چون بخواند ثم الذین کفروا بربهم یعدلون بگوید کذب العادلون
بالله و چون بخواند الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن
له ولی من الذل و کبره تکبیرا بگوید سه مرتبه الله اکبر راوی سؤال نمود که اگر چیزی از
اینها اگر فرو گذارد نگوید چون است فرمود که بر او چیزی نیست و قصوری ندارد و در حدیث دیگر از
آنحضرت مرویست که فرمود که هرکه آیه شهد الله بخواند و بعد از آن بگوید و انا اشهد بما شهد
الله به و استودع الله هذه الشهادة و هی لی عند الله ودیعة چون روز قیامت شود
حق تعالی گوید که صاحب این آیه را از من عهدی هست او را داخل بهشت کنید سیزدهم آنکه هرگاه
بآیه سجده رسد واجبست که سجده کند اگر از سجده‌های عزائم باشد و سنت است اگر از غیر عزائم
باشد و مراد از عزائم چهار سجده واجب است که در چهار سوره است اول سوره الم سجده دوم حم
سجده سیم والنجم چهارم اقرأ باسم ربک و سجده‌های سنت موافق مشهور میان علما ده سوره است
اول سوره اعراف و آیه سجده آخر آنست دوم سوره رعد و آیه سجده آیه و ظلالهم بالغدو و

الانصال است سیم سورهٔ نحل و آیهٔ سجده آیهٔ و یفعلون ما یؤمرون است چهارم سورهٔ بنی اسرائیل
و آیهٔ سجده آیهٔ و یزیدهم خشوعا است پنجم سورهٔ مریم و آیهٔ سجده آیهٔ خرّوا سجّدا و بکیّا است
ششم سورهٔ حج و آیهٔ سجده در آن سوره دو آیه است یکی الم تر ان الله یسجد له ... و دیگری و افعلوا
الخیر لعلکم تفلحون است هفتم سورهٔ فرقان و آیهٔ سجده آیهٔ و زادهم نفورا است هشتم سورهٔ
نمل و آیهٔ سجده آیهٔ رب العرش العظیم است نهم سورهٔ ص و آیهٔ سجده آیهٔ و خرّ راکعا و اناب است
دهم سورهٔ اذا السماء انشقت و آیهٔ سجده آیهٔ و اذا قرئ علیهم القرآن لا یسجدون است و
ابن بابویه ره گفته است که سنت است که سجده کند در هر سوره که در آن سجده باشد و در کتاب علل
الشرایع از جابر روایت نموده که حضرت امام محمد باقر ع میفرمود که پدرم حضرت امام زین العابدین ع
یاد نمینمود نعمتی از نعمتهای حق تعالی را مگر آنکه سجده میکرد و نمیخواند آیه از کتاب خدا را
که در آن آیه حرف سجده بود مگر آنکه سجده مینمود پس فرمود بعد از کلامی که از این جهت آنحضرت را سجّاد
مینامیدند و ابن ادریس در کتاب سرائر بسند صحیح روایت کرده است که حضرت امام زین العابدین ع را
خوش میآمد که سجده کند در هر سوره که در آن سوره سجده باشد و بنا بر این قول و این حدیث
شریف استحباب سجده بیازده آیهٔ سابق که مذکور شد اختصاص ندارد بلکه در هر آیه که سجده مذکور
باشد سجده کردن سنت است مانند آیهٔ یا مریم اقنتی لربک و اسجدی در سورهٔ آل عمران و امثال
آن از آیات دیگر ولیکن شیخ شهید ره نقل اجماع نموده است بر آنکه سجدات واجبه و مستحبهٔ قرآن یازده
است و محتمل است که مراد شیخ شهید و سایر علما از استحباب سجده در ده موضع مذکور تاکد
استحباب باشد و مراد صدوق ره مطلق استحباب باشد چنانچه در روایت وارد شده است
بنا بر این دعوای اجماع با قول صدوق و مضمون دو روایت مذکور منافات ندارد و الله تعالی یعلم

باب آداب و وظایف سجده

و بدانکه آداب و وظایف این سجده چند چیز است اول مشهور میان علما آنست که این سجده واجب
فوری است باین معنی که بعد از تمام آیهٔ سجده بی فاصله باید بسجود رود و ظاهر آنست که اتصال
عرفی کافی است و اتصال حقیقی در کار نیست و اگر تاخیر کند معاقب است و قضا میشود بمذهب
محققان و ادا است بقول شیخ شهید و اولی در این صورت ترک تعیین ادا و قضا است در نیت دوم
وقت نیت هنگام رفتن بسجود است و نزد بعضی وقت گذاشتن پیشانی بر موضع سجود است سیم
احوط آنست که در این سجده مانند سجود نماز پیشانی را بگذارد بر مهر یا بر خاک یا غیر خاک از چیزهایی
که سجود بر آنها صحیح است و بعضی از علما در این سجده سجود بر هر چیز را تجویز نموده اند چهارم احوط
آنست که شش عضو دیگر از اعضای سبعه را که کف دستها و زانوها و انگشتان پاهاست چنانچه
در سجود نماز بر زمین میگذارد در این سجده نیز بر زمین گذارد هر چند دلیلی بر وجوب آن ثابت نیست
پنجم اشهر میان علما آنست که ستر عورت و طهارت بدن و لباس و استقبال قبله در این سجده شرط نیست

و والد علامه ابقاه الله ظله در رسالهٔ وظایف الصلاة گفته که این قول اقوی است بلکه اقرب بظاهر
حدیث معتبر آنست که وضو و طهارت نیز در این سجده شرط نیست ولیکن بعضی از علما شرط دانسته
اند و در باب سجدهٔ حایض اختلاف شدید میان علما وارد شده است و احوط آنست که سجده کند و بعد از آنکه
از حیض پاک شود غسل کند و باز سجده را قضا کند ششم بعضی گفته اند که واجب است که چون
از سجده بردارد الله اکبر بگوید و بعضی باستحباب آن قایل شده اند و احوط آنست که ترک نکند هفتم
مشهور میان علما آنست که در این سجده ذکری و دعائی بشرط واجب نیست بلکه سنت است که ذکری در آن بخواند
و خصوصیت ذکری بکتب علما و ثبوت احادیث چند مذکور است اول ابن جنید ره گفته و در حدیث
موثق از حضرت امام جعفر صادق ع نیز مرویست و آن اینست که بگوید سبحان ربی الاعلی یعنی
چیزی که در سجود نماز میگوید دوم کلینی ره بسند صحیح از آنحضرت روایت کرده است که فرمود هر گاه
یکی از آیه‌های سجده از سوره‌های عزایم را بخوانید در سجدهٔ آن این ذکر را بخوانید سجدت لک تعبّدا
و رقّا لا مستکبرا عن عبادتک و لا مستنکفا و لا متعظّما بل انا عبد ذلیل خائف مستجیر
سیم ابن بابویه ره بسند مرسل روایت کرده که در سجدهٔ عزایم این ذکر را بخوانند لا اله الا الله حقّا
حقّا لا اله الا الله ایمانا و تصدیقا لا اله الا الله عبودیّة و رقّا سجدت لک یا ربّ تعبّدا
و رقّا لا مستنکفا و لا مستکبرا بل انا عبد ذلیل خائف مستجیر و شیخ شهید ره در کتاب
بیان نیز بسند مرسل این روایت را ذکر نموده ولیکن فقرهٔ لا مستنکفا را آخر در روایت او مذکور نیست
چهارم ابن جمهور احسائی ره در کتاب عوالی اللآلی بسند مرسل روایت کرده که چون آیهٔ آخر سورهٔ
اقرأ نازل شد حضرت رسول ص بسجود در آمد و این ذکر را خواند اعوذ برضاک من سخطک و
بمعافاتک من عقوبتک و اعوذ بک منک و احصی ثناء علیک انت کما اثنیت علی نفسک
پنجم ایضا شیخ شهید ره در کتاب بیان از کتاب معتبر راوندی بسند مرسل نقل نموده که هر که در نماز
نافله سورهٔ اقرأ بخواند سجده کند و این ذکر را بگوید الهی آمنا بما کفروا و عرفنا منک ما انکروا
و اجبناک الی ما دعوا الهی العفو العفو و شهید ثانی طاب ثراه در کتاب نفلیه همین ذکر را
نیز بسند مرسل روایت کرده است ولیکن در روایت و حکایت نماز نافله مذکور نیست بلکه چنین
است که در سجدهٔ سورهٔ اقرأ این ذکر را بخوانند و علامه ره در کتاب منتهی گفته که مستحب است در این سجده
این ذکر را نقل نموده ولیکن فالعفو العفو بجای العفو العفو نقل نموده است و آنچه از اختلاف
روایات در این باب مفهوم میشود آنست که در این سجده ذکر مخصوصی لازم نیست بلکه مطلق ذکر و
دعا مجزیست و لهذا ائمه علیهم السلام در هر وقتی ذکری را در این سجود اختیار فرموده اند و جمعی
از فقها ثبت نموده اند اذکار مختلفه و ولیکن شکی نیست که متابعت ... بانچه
اولی و احوط است و چون در روایت ثانی کلینی ره نقل نموده بسند صحیح است متابعت آن اولی است

انظار روایات واکرده سجدهٔ سورهٔ اقرا و ذکری اکه در روایت چهارم و پنجم مذکور است با ذکر روایت تا
ختم نماید بهتر است واگر خواهد که بجمیع روایات مذکوره عمل کرده باشد باین طریق بخواند سُبحانَ
رَبِّيَ الأعلى وَبِحَمدِهِ لا إلهَ إلّا اللهُ حَقّاً حَقّاً لا إلهَ إلّا اللهُ إيماناً وَتَصديقاً لا إلهَ إلّا
اللهُ عُبُودِيَّةً وَرِقّاً سَجَدتُ لَكَ يا رَبِّ تَعَبُّداً وَرِقّاً لا مُستَنكِفاً وَلا مُستَكبِراً بَل أنا
عَبدٌ ذَليلٌ خائِفٌ مُستَجيرٌ سَجَدتُ لَكَ تَعَبُّداً وَرِقّاً لا مُستَكبِراً عَن عِبادَتِكَ وَلا مُستَنكِفاً
وَلا مُتَعَظِّماً بَل أنا عَبدٌ ذَليلٌ خائِفٌ مُستَجيرٌ أعُوذُ بِرِضاكَ مِن سَخَطِكَ وَبِمُعافاتِكَ مِن
عُقُوبَتِكَ وَأعُوذُ بِكَ مِنكَ لا أُحصي ثَناءً عَلَيكَ أنتَ كَما أثنَيتَ عَلى نَفسِكَ إلهي
آمَنّا بِما كَفَرُوا وَعَرَفنا مِنكَ ما أنكَرُوا وَأجَبناكَ إلى ما دَعَوا إلهي فَالعَفوَ العَفوَ ششم آنکه
سجدهٔ چهارگانه واجب است بر کسی که آیهٔ سجده را بخواند پس بر خواننده واجب است و بر مستمع نیز که گوش
نهد واگر سجده را بشنود در باب سامع یعنی کسی که قصد شنیدن نداشته باشد واین مسئله
بکوشش رسید خلاف است شیخ طوسی ره گفته که درین سجده واجب نیست و ابن ادریس ره بوجوب
قایل شده است و هر یک دعوی اجماع بر مذهب خود نموده اند و روایات و اخبار نیز در این باب
مختلف است وده در بیان شیخ جمع بین الروایات دو وجه میتوان گفت اول آنکه روایات دالّه بر
عدم وجوب محمول بر جواز و روایات دالّه بر وجوب محمول بر استحباب باشد دوم آنکه چون
غالب بعدم وجوب قایلند روایات عدم وجوب محمول بر تقیّه یا اتقا باشد واحوط سجده کردن
است بلکه قریب هفتم بعضی از علما موافق بعضی از روایات گفته اند که هرگاه کسی سواره
یا پیاده براهی رود و سجده کردن ممکن و میسّر باشد واجب است واگر ممکن نباشد عوض سجود ایما و
اشاره کند هشتم بعضی از علما گفته اند که واجب است تکرار سجده بتکرار خواندن یا شنیدن آیه
سجده هرچند که یک مجلس باشد و والد محققم خلّد الله ظلاله در رسالهٔ وظایف التلاوه ذکر
نموده که اقرب و اقوی نظر بعموم ادلّه آنست که هرگاه بخواند یا بشنود یک سجده
کافیست لیکن احتیاط در تکرار سجده است والله تعالی یعلم حقایق الاحکام چهاردهم در احادیث
بسیار وارد شده که بسیار ثوابست متصل کردانیدن ختم قرآن بافتتاح قرآن و ظاهر مراد اینست که
فاصلهٔ عرفیه در میان واقع نشود پس خواندن دعاهای ختم قرآن که بعد از این انشاء الله تعالی ذکر
میشود در ما بین اختتام و افتتاح ضرر ندارد پانزدهم در حدیث وارد شده که هرگاه ترا حاجتی
باشد ختم نما قرآن را بعد از نماز عصر و قرآن را بدست خود بگیر و از اول تا آخر آنرا بازکن
و بعد از آن هر دو دست خود را بلند کن بسوی آسمان بعد رو کن بقبله و بخوان این دعا را
اللّهُمَّ إنّي أتَوَجَّهُ إلَيكَ بِالقُرآنِ العَظيمِ مِن فاتِحَتِهِ إلى خاتِمَتِهِ وَفيهِ

اسمُكَ الأكبَرُ وَكَلِماتُكَ التّامّاتُ كُلُّها وَأسألُكَ بِما نَخافُهُ مِنهُ وَنَرجُو
يا سامِعَ كُلِّ صَوتٍ يا بارِئَ النُّفُوسِ بَعدَ المَوتِ يا مَن لا تَغشاهُ الظُّلُماتُ
وَلا تَشتَبِهُ عَلَيهِ الأصواتُ أن تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأن تُعطِيَ مُحَمَّداً
أفضَلَ ما سُئِلتَ لَهُ وَأفضَلَ ما أنتَ مَسؤُولٌ لَهُ إلى يَومِ القِيامَةِ يا ذَا الجَلالِ
وَالإكرامِ أن تَغفِرَ لي وَتَرحَمَني وَتَرزُقَنِي الجَنَّةَ و حوایج خود را بخواهد
شانزدهم
که بعد از تمام شدن کل قرآن بخصیص ادعیه بعد از فراغ از تلاوت که سابق مذکور شد ادعیهٔ ختم
قرآن نیز بخواند و آنچه از آنها بنظر رسیده چند دعاست هفدهم دعای ختم قرآن صحیفهٔ کامله
که دعای چهل و دوم است و چون سید بن طاوس قدس الله روحه این دعا را در کتاب اقبال ذکر نموده
در روایت سید با روایت صحیفه فی الجمله مخالفتی دارد لهذا روایت سید را مذکور میسازیم سید
بسند صحیح از ابی المفضّل محمد بن عبد الله بن المطّلب الشیبانی روایت نموده است که او بسند خود از
حضرت سید الساجدین صلوات الله علیه و علی آبائه و ابنائه روایت کرده که از جمله دعاهای آن
حضرت این دعاست که اللّهُمَّ إنَّكَ أعَنتَنا عَلى خَتمِ كِتابِكَ الَّذي أنزَلتَهُ
بعد از ختم قرآن میخواندند
نُوراً وَجَعَلتَهُ مُهَيمِناً عَلى كُلِّ كِتابٍ أنزَلتَهُ وَفَضَّلتَهُ عَلى كُلِّ
حَديثٍ قَصَصتَهُ وَفُرقاناً فَرَقتَ بِهِ بَينَ حَلالِكَ وَحَرامِكَ وَقُرآناً أعرَبتَ
بِهِ عَن شَرائِعِ أحكامِكَ وَكِتاباً فَصَّلتَهُ لِعِبادِكَ تَفصيلاً وَوَحياً
أنزَلتَهُ عَلى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَآلِهِ تَنزيلاً وَجَعَلتَهُ
نُوراً نَهتَدي مِن ظُلَمِ الضَّلالَةِ وَالجَهالَةِ بِاتِّباعِهِ وَشِفاءً لِمَن

أنصت بفهم التصديق إلى استماعه وميزان قسط لا يحيف على الحق
لسانه ونور هدى لا يطفى على الشاهدين برهانه وعلم نجاة لا
يضل من أم قصد سنته ولا تنال أيدي الهلكات من تعلق بعروة
عصمته اللهم وإذ قد أفدتنا المعونة على تلاوته وسهلت حواشي
ألسنتنا بحسن عبارته فاجعلنا ممن يرعاه حق رعايته ويدين
لك باعتقاد التسليم لمحكم آياته ويفزع إلى الإقرار بمتشابهه
وموضحات بيناته اللهم إنك أنزلته على نبيك محمد صلى الله
عليه وآله مجملا وألهمته علم عجائبه مكملا وورثتنا علمه
مفسرا وفضلتنا على من جهل علمه وقويتنا عليه لترفعنا فوق
من لم يطق حمله اللهم فإذ قد جعلت قلوبنا له حملة وعرفتنا
برحمتك شرفه وفضله فصل على محمد الخطيب به وعلى آله الخزان
له واجعلنا ممن يعترف بأنه من عندك حتى لا يعارضنا الشك
في تصديقه ولا يختلجنا الزيغ عن قصد طريقه اللهم واجعلنا
ممن يعتصم بحبله ويأوي من المتشابهات إلى حرز معقله ويسكن

في ظل

في ظل جناحه ويهتدي بضوء صباحه ولا يلتمس الهدى في غيره اللهم
وكما نصبت به محمدا صلى الله عليه وآله علما للدلالة عليك و
أنهجت بآله عليهم السلام سبل الرضا إليك فصل على محمد وآله
واجعل القرآن وسيلة لنا إلى أشرف منازل الكرامة وسلما
نعرج فيه إلى محل السلامة وسببا نجزى به النجاة في عرصة القيامة
وذريعة نقدم بها على نعيم دار المقامة اللهم صل على محمد و
آله واحطط بالقرآن عنا ثقل الأوزار وهب لنا حسن شمائل
الأبرار واقف بنا آثار الذين قاموا لك به آناء الليل وأطراف النهار
حتى تطهرنا من كل دنس بتطهيره وتقفو بنا آثار الذين استضاؤوا
بنوره ولم يلههم الأمل عن العمل فيقطعهم بخدع غروره اللهم
صل على محمد وآل محمد واجعل القرآن لنا في ظلم الليالي مونسا ومن نزغات
الشيطان وخطرات الوساوس حارسا ولأقدامنا عن نقلها إلى المعاصي
حابسا ولألسنتنا عن الخوض في الباطل من غير ما آفة مخرسا ولجوارحنا
عن اقتراف الآثام زاجرا ولما طوت الغفلة عنا من تصفح الاعتبار

تأثيرا حتى توصل الى قلوبنا فهم عجائبه وزواجر امثاله التي ضعفت
الجبال الرواسي على صلابتها عن احتماله اللهم صل على محمد وآله
وادم بالقرآن صلاح ظاهرنا واحجب به خطرات الوساوس عن صحة
ضمائرنا واغسل به درن قلوبنا وعلائق اوزارنا واجمع به منتشر
امورنا واروِ به في موقف العرض عليك ظمأ هواجرنا واكسنا به
حلل الامان يوم الفزع الاكبر في نشورنا اللهم صل على محمد وآله
واجبر بالقرآن خلتنا من عدم الاملاق وسق الينا به رغد العيش و
خصب سعة الارزاق وجنبنا به من الضرائب المذمومة ومداني
الاخلاق واعصمنا به من هوة الكفر ودواعي النفاق حتى يكون لنا
في القيمة الى رضوانك وجنانك قائدا ولنا في الدنيا عن سخطك
وتعدي حدودك ذائدا ولما عندك بتحليل حلاله وتحريم حرامه
شاهدا اللهم صل على محمد وآله وهون بالقرآن عند الموت
على انفسنا كرب السياق وجهد الانين وترادف الحشارج اذا بلغت
النفوس التراقي وقيل من راق وتجلى ملك الموت لقبضها من حجب

الغيوب

الغيوب ورماها عن قوس المنايا باسهم وحشة الفراق ودنا منا الى الآخرة
رحيل وانطلاق وكانت القبور هي المأوى الى ميعاد يوم التلاق
اللهم صل على محمد وآله وبارك لنا في حلول دار البلى وطول المقامة
بين اطباق الثرى واجعل القبور بعد فراق الدنيا خير منازلنا وافسح
لنا برحمتك في ضيق ملاحدنا ولا تفضحنا في حاضري القيمة بموبقات
آثامنا وارحم بالقرآن في موقف العرض عليك ذل مقامنا وثبت
عند اضطراب جسر جهنم يوم المجاز عليها زلل اقدامنا ونجنا
به من كل كرب يوم القيمة وشدائد اهوال يوم الطامة و
بيض وجوهنا يوم تسود وجوه الظلمة في يوم الحسرة والندامة
واجعل لنا في صدور المؤمنين ودا ولا تجعل الحيوة علينا نكدا
اللهم صل على محمد عبدك ورسولك كما بلغ رسالتك وصدع بامرك
ونصح لعبادك اللهم اجعل نبينا صلواتك عليه يوم القيمة اقرب وآله
النبيين منك مجلسا وامكنهم منك شفاعة واجلهم عندك
قدرا واوجههم عندك جاها اللهم صل على محمد وآل محمد

وَشَرِّفْ بُنْيانَهُ وَعَظِّمْ بُرْهانَهُ وَثَقِّلْ مِيزانَهُ وَتَقَبَّلْ شَفاعَتَهُ وَقَرِّبْ وَسِيلَتَهُ

وَبَيِّضْ وَجْهَهُ وَأَتِمَّ نُورَهُ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ وَأَحْيِنا عَلَى سُنَّتِهِ وَتَوَفَّنا

عَلَى مِلَّتِهِ وَخُذْ بِنا مِنْهاجَهُ وَاسْلُكْ بِنا سَبِيلَهُ وَاجْعَلْنا مِنْ أَهْلِ

طاعَتِهِ وَاحْشُرْنا فِي زُمْرَتِهِ وَأَوْرِدْنا حَوْضَهُ وَاسْقِنا بِكَأْسِهِ وَصَلِّ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَوةً تُبَلِّغُهُ بِها أَفْضَلَ ما يَأْمُلُ مِنْ خَيْرِكَ وَفَضْلِكَ

وَكَرامَتِكَ إِنَّكَ ذُو رَحْمَةٍ واسِعَةٍ وَفَضْلٍ كَرِيمٍ اَللّٰهُمَّ اجْزِهِ بِما

بَلَّغَ مِنْ رِسالاتِكَ وَأَدّى مِنْ آياتِكَ وَنَصَحَ لِعِبادِكَ وَجاهَدَ فِي سَبِيلِكَ

أَفْضَلَ ما جَزَيْتَ أَحَداً مِنْ مَلائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيائِكَ الْمُرْسَلِينَ

الْمُصْطَفَيْنَ وَالسَّلامُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطّاهِرِينَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ

مؤلف گوید که سید در کتاب اقبال گفته است که فقره و ورثتنا علمه مفسّراً تا فقره فضّلتَ علی محمّد الخطیب به حضرت سید الساجدین و آباء طاهرین و اولاد طیبین آنحضرت اختصاص دارد و هرگاه شیعیان خواهند این دعا را بخوانند باید این فقرات را تغییر دهند بچیزی که مناسب حال ایشان باشد مثل آنکه باین عنوان بخوانند و ورّثتَ أئمتنا علمه مفسّراً وفضّلتهم علی من جهل علمه وقوّیتهم علیه لترفعهم فوق من لم یطق حمله اللهم فاذ قد جعلت قلوبهم له حملة وعرّفتهم برأفتک شرفه وفضله فصلّ علی محمد الخطیب به تا آخر دعا والله تعالی یعلم دعوی

شیخ طوسی رفع الله درجته در مصباح مرسلاً از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت کرده است که آنحضرت میخواند اللّٰهُمَّ اشْرَحْ بِالْقُرْآنِ صَدْرِي وَاسْتَعْمِلْ قرآن مجید را ختم میفرمود این دعا را میخواند

بِالْقُرْآنِ بَدَنِي وَنَوِّرْ بِالْقُرْآنِ بَصَرِي وَأَطْلِقْ بِالْقُرْآنِ لِسانِي وَأَعِنِّي عَلَيْهِ ما

أَبْقَيْتَنِي فَإِنَّهُ لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِكَ سیم از طریق عامه در کتاب مناقب خوارزمی از عاصم قاری منقولست که از زرّ بن حبیش روایت کرده است که گفت در مسجد جامع کوفه قرآن مجید را از اول تا آخر نزد حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه خواندم و چون خواستم میرسیدم بمن فرمود که بعد از پیش قرآن رسیده و چون باول عشر دوم از سوره حمعسق باین آیه رسیدم والَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ فِي رَوْضاتِ الْجَنّاتِ لَهُمْ ما يَشاؤُنَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ حضرت گریان شدند تا صدای او بگریه بلند شد پس سر مبارک بآسمان بلند کرد و فرمود که ای زرّ آمین بر دعای من بگو و این دعا را خواند اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِخْباتَ الْمُخْبِتِينَ وَإِخْلاصَ الْمُوقِنِينَ وَمُرافَقَةَ الْأَبْرارِ

وَاسْتِحْقاقَ حَقائِقِ الْإِيمانِ وَالْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ وَالسَّلامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ وَ

وُجُوبَ رَحْمَتِكَ وَعَزائِمَ مَغْفِرَتِكَ وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَالنَّجاةَ مِنَ النّارِ

پس فرمود ای زرّ هرگاه قرآن را ختم نمائی این دعا را بخوان که حبیب من رسول خدا مرا امر فرمود که این دعا را نزد ختم قرآن بخوانم مؤلف گوید که خواندن آنحضرت این دعا را نزد این آیه کریمه ظاهرا از جهت مناسبت معنی یا مضمون آیه است و منافاتی نیست میان آنکه این دعا بعد از ختم قرآن و نزد این آیه هر دو خوانده شود نیکو باشد خبر در بعضی از روایات مذکور است که آیه که مذکور میشود کفاره مجالس است بیعنی هرگاه در آخر مجلس خوانده شود کفاره گناهان آن مجلس خواهد بود و ختم تعقیب نماز نیز باین آیات وارد شده چنانچه ابن بابویه و شیخ طوسی و کفعمی و دیگران از حضرت امیر المؤمنین ع روایت کرده اند که هر که خواهد بود ثواب دهد بمکیالی که از آن تمامتر مکیالی نباشد پس بعد از تعقیب نماز این آیات را بخواند و در روایتی و حدیثی بنظر نرسیده که بعد از تلاوت قرآن نیز باید خوانده شود ولیکن چون مشهور میان خواص و عوام بلکه دایر بر السنه سلف و خلف از علمای اعلام چنین بوده که بعد از فراغ از تلاوت خواه بعضی از قرآن یا کل آن بوده این آیات را میخوانده اند اگر خوانده شود نیکوست و آیات اینست سُبْحانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمّا يَصِفُونَ وَسَلامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِينَ تکمله بدانکه در بعضی از کتب حفظ بعضی از علما و ثقات ملاحظه شد طریقی ختم قرآن مجید که منقول است از ابن عباس از رسول

خدا ختم کیفیتی که بعد از این مذکور میشود و مشهور است بختم احزاب و این حقیر بخط والد علامه ام
طاب ثراه دیدم مروی از حضرت امام جعفر صادق ع که هر گاه کسی را حاجت شرعی باشد
از حوائج دنیا و آخرت ابتدا کند از روز جمعه تا روز پنجشنبه و بخواند در هر روز از ایام هفته
سورها که در آن روز مقرر است و مذکور خواهد شد و بعد از تمام شدن هر سوره این
دعا بخواند اللهم لک الحمد و الیک المشتکی و بک المستغاث و انت المستعان
و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و کیفیت تقسیم سورها در ایام هفته و ترتیب
آنها باین نحو است در روز جمعه از سوره حمد تا سوره انعام تلاوت نماید و در روز شنبه از سوره
انعام تا سوره یونس و در روز یکشنبه از سوره یونس تا سوره طه و در روز دوشنبه از سوره
طه تا سوره عنکبوت و در روز سه شنبه از سوره عنکبوت تا سوره زمر و در روز چهارشنبه
از سوره زمر تا سوره واقعه و در روز پنجشنبه از سوره واقعه تا آخر قرآن قرائت نماید و بعد از
آن حوائج خود را از حق تعالی مسئلت نماید که برآورده میشود انشاء الله تعالی تحقیق بدانکه
ثواب تلاوت قرآن مجید را هدیه ارواح مقدسه رسول خدا و ائمه هدی و فاطمه زهرا صلوات الله
علیهم نمودن ثواب عظیم دارد چنانچه گذشت و در روایت علی بن مغیره از حضرت امام رضا صلوات
الله علیه که در ماه رمضان چهل ختم یا زیاده یا کمتر میکرده و ثواب آنرا در روز عید بارواح مطهره
هر یک از حضرت رسول و اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین هدیه مینموده و حضرت
فرموده که فایده بخشیدن ثواب بایشان آنست که در روز قیامت با ایشان محشور خواهی بود
بلکه بخشیدن ثواب مطلق عبادات بائمه معصومین ظاهرا خوب باشد چنانچه در باب حج
و غیره وارد شده هر چند ایشان را احتیاج بعبادت ما نباشد و فی الحقیقه مثل صلوات بر
ایشان است که ثوابش بما عاید میشود نه بایشان چنانچه در موضعش بیان شده و همچنین
جایز است تلاوت قرآن و سایر عبادات و خیرات و مبرات برای مردگان و زندگان خصوصا
والدین و خویشان و صاحب حقوق یا ثواب اعمال خیر دیگر دعوه و ثواب بر والدین با احسان
بایشان و مؤمنان و ثواب صله رحم و سایر امور خیر را بر اعمال آنها قرار میتوان داد بلکه بعضی از
ملک عمل میتوان قرض نمود و از حضرت امام موسی کاظم ع مرویست که اسحق بن عمار از آنحضرت
سؤال کرد از شخصی که حج کند و حج خود یا عمره خود را یا بعضی از طواف را یا نکه نصف یا ثلث مراد
باشد یا طواف عمره یا طواف حج را از برای بعضی از اهل خود قرار دهد و آن شخص در شهری
دیگر باشد خوب است حضرت فرمودند که بلی اسحق عرض کرد که از اجر او چیزی کم میشود حضرت
فرمودند که نه هم از برای او خواهد بود و هم از برای شخصی که از برای او قرار داده است و ثواب دیگر
دارد که احسان بسیار در مؤمن کرده است اسحق عرض کرد که اگر شخصی که از برای او میکند مرده باشد
آیا این باو میرسد حضرت فرمودند که بلی تا آنکه گاه باشد که مستوجب عذاب الهی شده باشد او را

بیامرزد

بیامرزد یا در تنگی باشد از او برطرف میشود عرض کرد که میت میداند که این عمل را برای او کرده اند فرمودند
بلی عرض کرد اگر چه ناصبی باشد نفع باو میرسد حضرت فرمودند که عذابش سبک میشود و معلوم است که
شریک در عمل یا ثواب میتوان قرار داد چنانچه از حضرت امام رضا ع در حدیث صحیح مرویست که
راوی عرض کرد که چند کس میتوانم شریک کرد در حج یا ثواب حج حضرت فرمودند هر چند که خواهی
و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که اگر هزار کس را شریک کرد ای در حج خود حق تعالی هر یک
را ثواب حج میدهد بی آنکه از ثواب تو چیزی کم شود و فرقی نیست میان اعمال خیر در شریک کردن
یا زیاده جهت غیر یا نیابت است یا تشریک یا ثواب را دادن و آن غیر یا حی یا میت و تفصیل این
مطلب و ذکر اخبار مناسب این مقام نیست و ختم کردن را در ابتدای فعل شریک میکنند و در نیت
تشریک ثواب اعمال خواه واجب و خواه سنت قصد میکند که مثلا این نماز یا روزه یا حج یا ختم
قرآن را میکنم و پدرم یا مادرم در آن مثلا شریک میکنم قربة الی الله اما بهتر آنست که امثال این
عبادات را در ابتدای فعل شریک نکنند بلکه بعد از فعل شریک کنند مثل [illegible] بعد از نماز
مثلا بگوید که خدایا ثواب نصف نماز خود را یا نصف این قرآن که ختم نمودم بپدر یا مادر
خود یا غیر ایشان بخشیدم خوب است و اگر همه را ببخشد نیز ظاهرا اصح و اولی بهتر باشد اما
بهتر آنست که در سنتها هر چه خواهد ببخشد و در واجبها همه را ببخشد و هر گاه ثواب تلاوت
قرآن را اولا بارواح مقدسه چهارده معصوم یا یکی از ایشان هدیه نماید و بعد از آن این ثواب
عظیم را برای پدر یا مادر یا غیر ایشان هر که را خواهد قرار نماید بهتر و ثوابش بیشتر خواهد بود
و الله تعالی یعلم و حججه الکرام علیهم السلام دویم بسیار خواندن سوره انا انزلناه فی لیلة القدر
بسیار احتمال چنانچه شیخ طوسی ره در کتاب تهذیب بسند خود روایت کرده است که مردی از حضرت
حضرت صادق صلوات الله علیه عریضه نوشت که فدای تو گردم آیا ماه مبارک رمضان زیاده بر سایر ماهها
سؤال نمود پس حضرت در جواب او نوشت که در بیست شب از شبهای ماه رمضان در هر شبی بیست رکعت
نماز بکن هشت رکعت بعد از نماز شام و خفتن و دوازده رکعت بعد از نماز خفتن و در هر یک از ده شب
آخر سی رکعت بعد از نماز خفتن مگر در شب بیست و یکم که در آن شب صد رکعت نماز کرد
آن باید کرده شود تا آنکه تمام است و این نمازها غیر چهار رکعت نماز است که در هر شب [illegible] باید کرده
شود و بسیار بخواند سوره انا انزلناه را تحقیق گویم که این حدیث از جمله دلایل است که در باب
هزار رکعت نافله ماه رمضان وارد شده است و تفصیل آن بعد از این مذکور خواهد شد انشاء
الله تعالی و آنچه در آخر این حدیث وارد شده است از بسیار خواندن سوره انا انزلناه ممکن است
که مراد خواندن آن در تمام ماه باشد و محتمل است که در خصوص شب بیست و یکم بوده باشد و الله تعالی
یعلم سیم دعای معروف بدعای جوشن کبیر چنانچه شیخ عظیم الشان ابراهیم بن علی کفعمی علیه الرحمه

در کتاب بلد الامین از حضرت سید الساجدین امام زین العابدین صلوات الله علیه از پدر بزرگوارش سید شهدا از جدش علی المرتضی از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیهما روایت کرده است که حضرت سید انبیا محمد مصطفی صلی الله علیه و آله در یکی از جنگها زره سنگینی پوشیده بود و ثقل آن زره آن جناب را رنجور کرده بود در آنجا حضرت جبرئیل علیه السلام بر آنحضرت نازل شد و گفت یا محمد پروردگارت سلام میرساند و میفرماید که این جوشن گران را بکن و این دعای عظیم الشأن را بخوان که این دعا امانی است از برای تو و امت تو از کشتنها و شدتها و هر که در هنگام بیرون آمدن از خانه خود این دعا را بخواند حق تعالی او را از بلاها حفظ نماید و بهشت را برای او واجب کرده اند و او را توفیق اعمال شایسته کرامت فرماید و چنان باشد که قرآن مجید و توریة و انجیل و زبور را خوانده باشد و بعدد هر حرفی خداوند کریم دو خانه و دو حوری در بهشت باو عطا فرماید و باو ثواب بعضی از اعمال ابرهیم و موسی و عیسی علیهم السلام و ثواب جمعی که در عقب مغرب آفتاب شاکر اند و یک چشم زدن معصیت خدا نکرده اند و چندان از بیم عذاب الهی گریسته اند که رودهای ایشان پاره پاره شده است و عدد ایشان را بغیر از خدا کسی نمیداند باو تفضل نماید و بدرستیکه بیت المعمور در آسمان چهارم است و هر روز هفتاد هزار ملک بزیارتش میروند و داخل میشوند و بیرون می آیند که دیگر هرگز آنها عود نمیکنند و در روز دیگر گروه دیگر میروند و داخل میشوند و بیرون می آیند حق تعالی ثواب آن ملکها را بخواننده این دعا عطا کند و ثواب مؤمنان و مؤمنات را باو کرامت فرماید و هر که این دعا را بنویسد و در خانه خود بگذارد دزد در آن خانه چیزی نبرد و آتش در آن خانه نیفتد و هر که این دعا را بر پوست آهو یا بر کاغذی بنویسد و با خود نگاه دارد از همه خطرها ایمن گردد و هر که این دعا را بخواند و در آن روز و در آن شب بمیرد شهید مرده باشد و ثواب شهیدی از شهدای حنین برای او نوشته شود و بعد از خواندن این دعا هر حاجتی که از حق تعالی بطلبد برآورده شود و هر که هفتاد مرتبه بر نیت خالص بر بیماری بخواند البته شفا یابد اگرچه بیماری او دیوانگی یا خوره یا پیسی بوده باشد و هر که این دعا را بکافور در جامی بنویسد و بآب بشوید و آب آن را بر کفن مرده بپاشد حق تعالی بر قبر او هزار نور فرستد و او را از هول منکر و نکیر که در قبر از او سؤال میکنند ایمن گرداند و عذاب قبر را از او بردارد و هر روز هفتاد هزار ملک در قبر بسوی او آیند و او را بشارت دهند به بهشت و در قبر مونس او باشند و دری از بهشت بسوی قبر او بگشایند و قبرش را گشاده کرده اند و هر که این دعا را بر کفن خود بنویسد خدا شرم کند از آنکه او را در آتش جهنم عذاب کند و خداوند عالم این دعا را بر ستونهای عرش نقش کرده پنجاه هزار سال پیش از آنکه دنیا را بیافریند و هر که این دعا را با نیت خالص در ماه مبارک رمضان بخواند حق تعالی هفتاد هزار فرشته بیافریند که تسبیح و تقدیس خداوند نمایند و ثوابش برای او باشد یا محمد هر که این دعا را بخواند میان او و خدا حجابی نماند هر حاجتی طلبد عطا

اوله

کرد و چون از قبر خود بیرون آید خداوند بسوی هفتاد هزار ملک نزد قبر او فرستد و هر یک از ایشان مهار شتری از نور در دست داشته باشد که شکم آن شتر از مروارید باشد و پشتش از زبرجد و پاهایش از یاقوت و بر پشت هر شتر قبه از نور باشد که آن قبه چهار صد درگاه داشته باشد که شکم آن شتر از مروارید باشد و پشتش از زبرجد و پاهایش از یاقوت و بر پشت هر شتر قبه از نور باشد که آن قبه چهار صد درگاه داشته باشد و بر هر درگاهی پرده از سندس و استبرق بهشت آویخته باشد و در هر قبه هزار کنیز از کنیزان بهشت بوده باشد و هر کنیزی تاجی از طلا بر سر داشته باشد و از ایشان بوی مشک نا بسا طع باشد و حق تعالی همه اینها را باو عطا فرماید پس پروردگار رحیم هفتاد هزار ملک دیگر باستقبال او فرستد که هر یک کاسه از مروارید سفید در کف داشته باشند مملو از شراب بهشت و بر هر یک از آن کاسه ها بقلم قدرت سبحانی نوشته باشد لا اله الا الله وحده لا شریک له این هدیه ایست از فرستنده عالم عز و جل برای فلان پسر فلان و خداوند مهربان او را ندا کند که ای بنده من داخل شو در بهشت بی حساب یا محمد هر که این دعا را در ماه مبارک رمضان سه مرتبه یا یکمرتبه بخواند خداوند آمرزنده بدن او را بر آتش جهنم حرام کرده اند و بهشت را برای او واجب کرده اند و موکل کرده اند برا و دو ملک که حفظ نمایند او را از شر معاصی در ایام حیات و بعد از وفات در امان خالق ارضین و سموات بوده باشد یا محمد این دعا را تعلیم مکن مگر بمؤمن پرهیزکاری و بکافران میاموز که اگر آنها بخوانند این دعا را در دنیا حاجت ایشان برآورده میشود پس حضرت امام حسین صلوات الله علیه فرمود که پدرم مرا وصیت کرد که این دعا را حفظ نمایم و تعظیم کنم او را و در کفنش بنویسم و مخصوصان از خویشان و شیعیان خود تعلیم نمایم و این دعا مشتمل بر هزار نام است از نامهای جلیل پروردگار جلیل و اسم اعظم خدا در آنها داخل است و این صد فصل است و هر فصلی ده نام است بعد از هر فصلی میگوید سُبْحَانَکَ یَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ خَلِّصْنَا مِنَ النَّارِ یَا رَبِّ و بروایت دیگر در اول هر فصل بسم الله الرحمن الرحیم بگوید و در آخر فصل این دعا را بخواند سُبْحَانَکَ یَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ خَلِّصْنَا مِنَ النَّارِ یَا رَبِّ یَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْاِکْرَامِ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ و اگر بخواهد خلاصی از جهنم که اعظم مهمات و حاجات است اگر حاجتی داشته باشد و بعد از هر فصل آنرا یاد کند بهتر است و اگر بعد از تمام دعا حاجت خود را یاد کند نیز خوبست و آن اینست بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ

دعا اینست

دعای جوشن کبیر

يا الله يا رحمن يا رحيم يا كريم يا مقيم يا عظيم يا قديم يا عليم يا حليم يا حكيم
ب يا سيد السادات يا مجيب الدعوات يا رافع الدرجات يا ولي الحسنات
يا غافر الخطيئات يا معطي المسئلات يا قابل التوبات يا سامع الأصوات
يا عالم الخفيات يا دافع البليات ج يا خير الغافرين يا خير الفاتحين
يا خير الناصرين يا خير الحاكمين يا خير الرازقين يا خير الوارثين
يا خير الحامدين يا خير الذاكرين يا خير المنزلين يا خير المحسنين
د يا من له العزة والجمال يا من له القدرة والكمال يا من
له الملك والجلال يا من هو الكبير المتعال يا منشئ السحاب
الثقال يا من هو شديد المحال يا من هو سريع الحساب يا من
هو شديد العقاب يا من هو عنده حسن الثواب يا من هو عنده
أم الكتاب ه اللهم إني أسألك باسمك يا حنان يا منان يا
ديان يا برهان يا سلطان يا رضوان يا غفران يا سبحان يا مستعان
يا ذا المن والبيان و يا من تواضع كل شيء لعظمته يا من استسلم
كل شيء لقدرته يا من ذل كل شيء لعزته يا من خضع كل شيء

لهيبته يا من انقاد كل شيء من خشيته يا من تشققت الجبال من مخافته
يا من قامت السموات بأمره يا من استقرت الأرضون بإذنه يا من يسبح
الرعد بحمده يا من لا يعتدي على أهل مملكته ز يا غافر الخطايا يا كاشف
البلايا يا منتهى الرجايا يا مجزل العطايا يا واهب الهدايا يا رازق البرايا
يا قاضي المنايا يا سامع الشكايا يا باعث البرايا يا مطلق الأسارى ح
يا ذا الحمد والثناء يا ذا الفخر والبهاء يا ذا المجد والسناء يا ذا العهد
والوفاء يا ذا العفو والرضاء يا ذا المن والعطاء يا ذا الفضل والقضاء
يا ذا العز والبقاء يا ذا الجود والسخاء يا ذا الآلاء والنعماء ط اللهم
إني أسألك باسمك يا مانع يا دافع يا رافع يا صانع يا نافع يا سامع يا جامع
يا شافع يا واسع يا موسع ي يا صانع كل مصنوع يا خالق كل مخلوق
يا رازق كل مرزوق يا مالك كل مملوك يا كاشف كل مكروب
يا فارج كل مهموم يا راحم كل مرحوم يا ناصر كل مخذول يا
ساتر كل معيوب يا ملجأ كل مطرود يا يا عدتي عند شدتي يا رجائي
عند مصيبتي يا مونسي عند وحشتي يا صاحبي عند غربتي يا ولي

عِنْدَ نِعْمَتِي يَا غِيَاثِي عِنْدَ كُرْبَتِي يَا دَلِيلِي عِنْدَ حَيْرَتِي يَا غَنَائِي عِنْدَ افْتِقَارِي
يَا مَلْجَأِي عِنْدَ اضْطِرَارِي يَا مُعِينِي عِنْدَ مَفْزَعِي ب يَا عَلَّامَ الْغُيُوبِ يَا
غَفَّارَ الذُّنُوبِ يَا سَتَّارَ الْعُيُوبِ يَا كَاشِفَ الْكُرُوبِ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ
يَا طَبِيبَ الْقُلُوبِ يَا مُنَوِّرَ الْقُلُوبِ يَا أَنِيسَ الْقُلُوبِ يَا مُفَرِّجَ الْهُمُومِ
يَا مُنَفِّسَ الْغُمُومِ ج اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا جَلِيلُ يَا جَمِيلُ يَا
وَكِيلُ يَا دَلِيلُ يَا قَبِيلُ يَا مُدِيلُ يَا مُنِيلُ يَا مُقِيلُ يَا مُحِيلُ د يَا دَلِيلَ
الْمُتَحَيِّرِينَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ يَا صَرِيخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ يَا جَارَ الْمُسْتَجِيرِينَ
يَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ يَا عَوْنَ الْمُؤْمِنِينَ يَا رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ يَا مَلْجَأَ الْعَاصِينَ
يَا غَافِرَ الْمُذْنِبِينَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ ه يَا ذَا الْجُودِ وَالْإِحْسَانِ
يَا ذَا الْفَضْلِ وَالْإِمْتِنَانِ يَا ذَا الْأَمْنِ وَالْأَمَانِ يَا ذَا الْقُدْسِ وَالسُّبْحَانِ
يَا ذَا الْحِكْمَةِ وَالْبَيَانِ يَا ذَا الرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ يَا ذَا الْحُجَّةِ وَالْبُرْهَانِ
يَا ذَا الْعَظَمَةِ وَالسُّلْطَانِ يَا ذَا الرَّأْفَةِ وَالْمُسْتَعَانِ يَا ذَا الْعَفْوِ وَالْغُفْرَانِ
و يَا مَنْ هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ إِلٰهُ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ خَالِقُ
كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ صَانِعُ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ

يا مهو

يَا مَنْ هُوَ فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ عَالِمٌ بِكُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ قَادِرٌ عَلَى
كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ يَبْقَى وَيَفْنَى كُلُّ شَيْءٍ ز اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ
يَا مُؤْمِنُ يَا مُهَيْمِنُ يَا مُكَوِّنُ يَا مُلَقِّنُ يَا مُبَيِّنُ يَا مُهَوِّنُ يَا مُمَكِّنُ
يَا مُزَيِّنُ يَا مُعْلِنُ يَا مُقَسِّمُ ح يَا مَنْ هُوَ فِي مُلْكِهِ مُقِيمٌ يَا مَنْ هُوَ فِي سُلْطَانِهِ
قَدِيمٌ يَا مَنْ هُوَ فِي جَلَالِهِ عَظِيمٌ يَا مَنْ هُوَ عَلَى عِبَادِهِ رَحِيمٌ يَا مَنْ هُوَ
بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ عَصَاهُ حَلِيمٌ يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ رَجَاهُ كَرِيمٌ
يَا مَنْ هُوَ فِي صُنْعِهِ حَكِيمٌ يَا مَنْ هُوَ فِي حِكْمَتِهِ لَطِيفٌ يَا مَنْ هُوَ فِي لُطْفِهِ
قَدِيمٌ ط يَا مَنْ لَا يُرْجَى إِلَّا فَضْلُهُ يَا مَنْ لَا يُسْأَلُ إِلَّا عَفْوُهُ يَا مَنْ لَا يُنْظَرُ
إِلَّا بِرُّهُ يَا مَنْ لَا يُخَافُ إِلَّا عَدْلُهُ يَا مَنْ لَا يَدُومُ إِلَّا مُلْكُهُ يَا مَنْ
لَا سُلْطَانَ إِلَّا سُلْطَانُهُ يَا مَنْ وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَتُهُ يَا مَنْ سَبَقَتْ
رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمُهُ يَا مَنْ لَيْسَ أَحَدٌ مِثْلَهُ
ي يَا فَارِجَ الْهَمِّ يَا كَاشِفَ الْغَمِّ يَا غَافِرَ الذَّنْبِ يَا قَابِلَ التَّوْبِ يَا خَالِقَ
الْخَلْقِ يَا صَادِقَ الْوَعْدِ يَا مُوفِيَ الْعَهْدِ يَا عَالِمَ السِّرِّ يَا فَالِقَ الْحَبِّ
يَا رَازِقَ الْأَنَامِ يا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا عَلِيُّ يَا وَفِيُّ يَا غَنِيُّ يَا

مليُّ يا حفيُّ يا رضيُّ يا زكيُّ يا بديُّ يا قويُّ يا وليُّ كب يا من اظهر الجميل يا
من ستر القبيح يا من لم يؤاخذ بالجريرة يا من لم يهتك الستر يا عظيم
العفو يا حسن التجاوز يا واسع المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة
يا صاحب كل نجوى يا منتهى كل شكوى كج يا ذا النعمة السابغة
يا ذا الرحمة الواسعة يا ذا المنة السابقة يا ذا الحكمة البالغة
يا ذا القدرة الكاملة يا ذا الحجة القاطعة يا ذا الكرامة الظاهرة
يا ذا العزة الدائمة يا ذا القوة المتينة يا ذا العظمة المنيعة كد
يا بديع السموات يا جاعل الظلمات يا راحم العبرات يا مقيل العثرات
يا ساتر العورات يا محيي الاموات يا منزل الآيات يا مضعف الحسنات
يا ماحي السيئات يا شديد النقمات كه اللهم اني اسألك يا مصور يا مقدر
يا مدبر يا مطهر يا منور يا ميسر يا مبشر يا منذر يا مقدم يا مؤخر كو
يا رب البيت الحرام يا رب الشهر الحرام يا رب البلد الحرام يا رب الركن
والمقام يا رب المشعر الحرام يا رب المسجد الحرام يا رب الحل والحرام يا
رب النور والظلام يا رب التحية والسلام يا رب القدرة في الانام كز

يا احكم

يا احكم الحاكمين يا اعدل العادلين يا اصدق الصادقين يا اطهر
الطاهرين يا احسن الخالقين يا اسرع الحاسبين يا اسمع السامعين
يا ابصر الناظرين يا اشفع الشافعين يا اكرم الاكرمين كح يا
عماد من لا عماد له يا سند من لا سند له يا ذخر من لا ذخر له يا حرز
من لا حرز له يا غياث من لا غياث له يا فخر من لا فخر له يا عز من
لا عز له يا معين من لا معين له يا انيس من لا انيس له يا امان من لا امان
له كط اللهم اني اسألك باسمك يا عاصم يا قائم يا دائم يا راحم يا سالم يا
حاكم يا عالم يا قاسم يا قابض يا باسط ل يا عاصم من استعصمه يا
راحم من استرحمه يا غافر من استغفره يا ناصر من استنصره يا
حافظ من استحفظه يا مكرم من استكرمه يا مرشد من استرشده
يا صريخ من استصرخه يا معين من استعانه يا مغيث من استغاثه
لا يا عزيزا لا يضام يا لطيفا لا يرام يا قيوما لا ينام يا دائما لا يفوت يا
حيا لا يموت يا ملكا لا يزول يا باقيا لا يفنى يا عالما لا يجهل يا
صمدا لا يطعم يا قويا لا يضعف لب اللهم اني اسألك باسمك يا

احد يا واحد يا شاهد يا ماجد يا حامد يا راشد يا باعث يا وارث يا ضار
يا نافع لج يا اعظم من كل عظيم يا اكرم من كل كريم يا ارحم
من كل رحيم يا اعلم من كل عليم يا احكم من كل حكيم يا اقدم من
كل قديم يا اكبر من كل كبير يا الطف من كل لطيف يا اجل
من كل جليل يا اعز من كل عزيز لد يا كريم الصفح يا عظيم المن يا
كثير الخير يا قديم الفضل يا دائم اللطف يا لطيف الصنع يا منفس
الكرب يا كاشف الضر يا مالك الملك يا قاضي الحق له يا من هو في عهده
وفي يا من هو في وفائه قوي يا من هو في قوته علي يا من هو في علوه
قريب يا من هو في قربه لطيف يا من هو في لطفه شريف يا من هو في شرفه
عزيز يا من هو في عزه عظيم يا من هو في عظمته مجيد يا من هو في مجده حميد
لو اللهم اني اسألك باسمك يا كافي يا شافي يا وافي يا معافي يا هادي يا داعي يا
قاضي يا راضي يا عالي يا باقي لز يا من كل شيء خاضع له يا من كل شيء خاشع
له يا من كل شيء كائن له يا من كل شيء موجود به يا من كل شيء منيب
اليه يا من كل شيء خائف منه يا من كل شيء قائم به يا من كل شيء

صائر اليه يا من كل شيء يسبح بحمده يا من كل شيء هالك الا وجهه لح
يا من لا مفر الا اليه يا من لا مفزع الا اليه يا من لا مقصد الا اليه
يا من لا منجى منه الا اليه يا من لا يرغب الا اليه يا من لا حول ولا قوة
الا به يا من لا يستعان الا به يا من لا يتوكل الا عليه يا من لا يرجى الا هو
يا من لا يعبد الا اياه لط يا خير المرهوبين يا خير المرغوبين يا خير المطلوبين
يا خير المسؤولين يا خير المقصودين يا خير المذكورين يا خير المشكورين
يا خير المحبوبين يا خير المدعوين يا خير المستأنسين م اللهم اني اسألك
باسمك يا غافر يا ساتر يا قادر يا قاهر يا فاطر يا كاسر يا جابر يا ذاكر يا ناظر
يا ناصر ما يا من خلق فسوى يا من قدر فهدى يا من يكشف البلوى يا من
يسمع النجوى يا من ينقذ الغرقى يا من ينجي الهلكى يا من يشفي المرضى يا من
اضحك وابكى يا من امات واحيى يا من خلق الزوجين الذكر والانثى
مب يا من في البر والبحر سبيله يا من في الآفاق آياته يا من في الآيات برهانه
يا من في الممات قدرته يا من في القبور عبرته يا من في القيامة ملكه
يا من في الحساب هيبته يا من في الميزان قضاؤه يا من في الجنة ثوابه يا من في

النار عقابه مج يا من اليه يهرب الخائفون يا من اليه يفزع المذنبون
يا من اليه يقصد المنيبون يا من اليه يرغب الزاهدون يا
من اليه يلجأ المتحيرون يا من به يستأنس المريدون يا من به يفتخر
المحبون يا من في عفوه يطمع الخاطئون يا من اليه يسكن الموقنون
يا من عليه يتوكل المتوكلون مد اللهم اني اسئلك
باسمك يا حبيب يا طبيب يا قريب يا رقيب يا حسيب يا مهيب يا مثيب
يا مجيب يا خبير يا بصير مه يا اقرب من كل قريب يا احب
من كل حبيب يا ابصر من كل بصير يا اخبر من كل خبير يا اشرف
من كل شريف يا ارفع من كل رفيع يا اقوى من كل قوي يا اغنى
من كل غني يا اجود من كل جواد يا ارأف من كل رؤف مو
يا غالبا غير مغلوب يا صانعا غير مصنوع يا خالقا غير مخلوق يا
مالكا غير مملوك يا قاهرا غير مقهور يا رافعا غير مرفوع يا حافظا غير
محفوظ يا ناصرا غير منصور يا شاهدا غير غائب يا قريبا غير بعيد مز
يا نور النور يا منور النور يا خالق النور يا مدبر النور يا مقدر النور

يا نور كل نور يا نورا قبل كل نور يا نورا بعد كل نور يا نورا فوق كل
نور يا نورا ليس كمثله نور مح يا من عطاؤه شريف يا من فعله لطيف
يا من لطفه مقيم يا من احسانه قديم يا من قوله حق يا من وعده صدق
يا من عفوه فضل يا من عذابه عدل يا من ذكره حلو يا من فضله عميم
مط اللهم اني اسئلك باسمك يا مسهل يا مفصل يا مبدل يا مذلل
يا منزل يا منول يا مفضل يا مجزل يا ممهل يا مجمل ن يا من يرى ولا
يرى يا من يخلق ولا يخلق يا من يهدي ولا يهدى يا من يحيي ولا يحيى يا من
يسئل ولا يسئل يا من يطعم ولا يطعم يا من يجير ولا يجار عليه يا من يقضي
ولا يقضى عليه يا من يحكم ولا يحكم عليه يا من لم يلد ولم
يولد ولم يكن له كفوا احد نا يا نعم الحسيب يا نعم الطبيب يا نعم
الرقيب يا نعم القريب يا نعم المجيب يا نعم الحبيب يا نعم الكفيل يا نعم المولى يا نعم
النصير نب يا سرور العارفين يا منى المحبين يا انيس المريدين يا حبيب
التوابين يا رازق المقلين يا رجاء المذنبين يا قرة عين العابدين
يا منفس عن المكروبين يا مفرج عن المغمومين يا اله الاولين والآخرين

نج اللهم اني اسألك يا ربنا يا الهنا يا سيدنا يا مولانا يا ناصرنا يا حافظنا
يا دليلنا يا معيننا يا حبيبنا يا طبيبنا ند يا رب النبيين والابرار يا رب
الصديقين والاخيار يا رب الجنة والنار يا رب الصغار والكبار
يا رب الحبوب والثمار يا رب الانهار والاشجار يا رب الصحارى و
القفار يا رب البراري والبحار يا رب الليل والنهار يا رب الاعلان و
الاسرار نه يا من نفذ في كل شيء امره يا من لحق بكل شيء
علمه يا من بلغت الى كل شيء قدرته يا من لا تحصي العباد نعمه
يا من لا تبلغ الخلائق شكره يا من لا تدرك الافهام جلاله يا
من لا تنال الاوهام كنهه يا من العظمة والكبرياء رداؤه
يا من لا ترد العباد قضاءه يا من لا ملك الا ملكه يا من لا عطاء
الا عطاؤه نو يا من له المثل الاعلى يا من له الصفات العليا يا من
له الآخرة والاولى يا من له الجنة المأوى يا من له الآيات الكبرى
يا من له الاسماء الحسنى يا من له الحكم والقضاء يا من له الهواء
والفضاء يا من له العرش والثرى يا من له السموات العلى نز

اللهم اني اسألك باسمك يا عفو يا غفور يا صبور يا شكور يا رؤوف
يا عطوف يا مسؤول يا ودود يا سبوح يا قدوس نح يا من في السماء
عظمته يا من في الارض آياته يا من في كل شيء دلائله يا من في البحار
عجائبه يا من في الجبال خزائنه يا من يبدؤ الخلق ثم يعيده يا من
اليه يرجع الامر كله يا من اظهر في كل شيء لطفه يا من احسن
كل شيء خلقه يا من تصرف في الخلائق قدرته نط يا حبيب من لا
حبيب له يا طبيب من لا طبيب له يا مجيب من لا مجيب له يا شفيق
من لا شفيق له يا رفيق من لا رفيق له يا مغيث من لا مغيث له يا
دليل من لا دليل له يا انيس من لا انيس له يا راحم من لا راحم له
يا صاحب من لا صاحب له س يا كافي من استكفاه يا هادي من
استهداه يا كالي من استكلاه يا راعي من استرعاه يا شافي من
استشفاه يا قاضي من استقضاه يا مغني من استغناه يا موفي
من استوفاه يا مقوي من استقواه يا ولي من استولاه سا اللهم
اني اسألك باسمك يا خالق يا رازق يا ناطق يا صادق يا فالق يا فارق

يا فاتق يا راتق يا سابق يا سامق يا من يقلب الليل والنهار يا من
جعل الظلمات والانوار يا من خلق الظل والحرور يا من سخر
الشمس والقمر يا من قدر الخير والشر يا من خلق الموت والحياة
يا من لم يتخذ ولدا يا من ليس له شريك في الملك يا من لم يكن له ولي
من الذل يا من يعلم مراد المريدين يا من يعلم ضمير الصامتين يا
من يسمع انين الواهنين يا من يرى بكاء الخائفين يا من يملك
حوائج السائلين يا من يقبل عذر التائبين يا من لا يصلح اعمال
المفسدين يا من لا يضيع اجر المحسنين يا من لا يبعد عن قلوب
العارفين يا اجود الاجودين يا دائم البقاء يا سامع الدعاء يا
واسع العطاء يا غافر الخطاء يا بديع السماء يا حسن البلاء يا جميل
الثناء يا قديم السناء يا شريف الجزاء اللهم اني اسالك باسمك
يا ستار يا غفار يا قهار يا جبار يا صبار يا بار يا مختار يا فتاح
يا نفاح يا مرتاح يا من خلقني وسواني يا من رزقني ورباني
يا من اطعمني وسقاني يا من قربني وادناني يا من عصمني وكفاني

يا من

يا من حفظني وكلاني يا من اعزني واغناني يا من وفقني وهداني يا من
آنسني وآواني يا من اماتني واحياني يا من يحق الحق بكلماته
يا من يقبل التوبة عن عباده يا من يحول بين المرء وقلبه يا من لا
تنفع الشفاعة الا باذنه يا من هو اعلم بمن ضل عن سبيله يا
من لا معقب لحكمه يا من لا راد لقضائه يا من انقاد كل
شيء لامره يا من السموات مطويات بيمينه يا من يرسل الرياح
بشرا بين يدي رحمته يا من جعل الارض مهادا يا من جعل
الجبال اوتادا يا من جعل الشمس سراجا يا من جعل القمر نورا
يا من جعل الليل لباسا يا من جعل النهار معاشا يا من جعل النوم
سباتا يا من جعل السماء بناء يا من جعل الاشياء ازواجا يا
من جعل النار مرصادا اللهم اني اسالك باسمك يا سميع يا
شفيع يا رفيع يا منيع يا سريع يا بديع يا كبير يا قدير يا خبير يا
مجير يا حيا قبل كل حي يا حيا بعد كل حي يا حي الذي
ليس كمثله حي يا حي الذي لا يشاركه حي يا حي الذي لا

يحتاج الى حيّ يا حيّ الذي يميت كلّ حيّ يا حيّ الذي يرزق كلّ حيّ
يا حيّاً لم يرث الحيوة من حيّ يا حيّ الذي يحيي الموتى يا حيّ يا قيّوم
لا تأخذه سنة ولا نوم عا يا من له ذكر لا ينسى يا من له نور
لا يطفى يا من له نعم لا تعدّ يا من له ملك لا يزول يا من له ثناء
لا يحصى يا من له جلال لا يكيّف يا من له كمال لا يدرك
يا من له قضاء لا يردّ يا من له صفات لا تبدّل يا من له
نعوت لا تغيّر عب يا ربّ العالمين يا مالك يوم الدين يا غاية
الطالبين يا ظهر اللاجين يا مدرك الهاربين يا من يحبّ الصابرين
يا من يحبّ التوّابين يا من يحبّ المتطهّرين يا من يحبّ المحسنين
يا من هو اعلم بالمهتدين عج اللهمّ انّي اسئلك باسمك يا شفيق
يا رفيق يا حفيظ يا محيط يا مقيت يا مغيث يا معزّ يا مذلّ يا مبدئ
يا معيد عد يا من هو احد بلا ضدّ يا من هو فرد بلا ندّ يا من هو
صمد بلا عيب يا من هو وتر بلا كيف يا من هو قاض بلا حيف
يا من هو ربّ بلا وزير يا من هو عزيز بلا ذلّ يا من هو غنيّ بلا

فقر يا من هو ملك بلا عزل يا من هو موصوف بلا شبيه عه يا من شبيه
ذكره شرف للذاكرين يا من شكره فوز للشاكرين يا من حمده
عزّ للحامدين يا من طاعته نجاة للمطيعين يا من بابه مفتوح للطا لبين
يا من سبيله واضح للمنيبين يا من آياته برهان للناظرين يا من
كتابه تذكرة للمتّقين يا من رزقه عموم للطائعين والعاصين
يا من رحمته قريب من المحسنين عو يا من تبارك اسمه يا من تعالى
جدّه يا من لا اله غيره يا من جلّ ثناؤه يا من تقدّست اسماؤه
يا من يدوم بقاؤه يا من العظمة بهاؤه يا من الكبرياء رداؤه
يا من لا تحصى آلاؤه يا من لا تعدّ نعماؤه عز اللهمّ انّي اسئلك
باسمك يا معين يا امين يا مبين يا متين يا مكين يا رشيد يا حميد
يا مجيد يا شديد يا شهيد عح يا ذا العرش المجيد يا ذا القول السديد
يا ذا الفعل الرشيد يا ذا البطش الشديد يا ذا الوعد والوعيد
يا من هو الوليّ الحميد يا من هو فعّال لما يريد يا من هو قريب
غير بعيد يا من هو على كلّ شيء شهيد يا من هو ليس بظلّام للعبيد عط

يا من لا شريك له ولا وزير يا من لا شبيه له ولا نظير يا خالق الشمس و شبيه
القمر المنير يا مغني البائس الفقير يا رازق الطفل الصغير يا راحم
الشيخ الكبير يا جابر العظم الكسير يا عصمة الخائف المستجير يا من هو
بعباده خبير بصير يا من هو على كل شيء قدير ف يا ذا الجود والنعم
يا ذا الفضل والكرم يا خالق اللوح والقلم يا بارئ الذر والنسم
يا ذا البأس والنقم يا ملهم العرب والعجم يا كاشف الضر والألم يا
عالم السر والهمم يا رب البيت والحرم يا من خلق الأشياء من العدم فا
اللهم إني أسألك باسمك يا فاعل يا جاعل يا قابل يا كامل يا فاصل
يا واصل يا عادل يا غالب يا طالب يا واهب فب يا من أنعم بطوله يا
من أكرم بجوده يا من جاد بلطفه يا من تعزز بقدرته يا من دبر
بعلمه يا من تجاوز بحلمه يا من دنا في علوه يا من علا في دنوه فج
يا من يخلق ما يشاء يا من يفعل ما يشاء يا من يهدي من يشاء يا من
يضل من يشاء يا من يعذب من يشاء يا من يغفر لمن يشاء يا من
يعز من يشاء يا من يذل من يشاء يا من يصور في الأرحام ما يشاء يا

من

من يختص برحمته من يشاء فد يا من لم يتخذ صاحبة ولا ولدا يا من يختص
جعل لكل شيء قدرا يا من لا يشرك في حكمه أحدا يا من جعل
الملائكة رسلا يا من جعل في السماء بروجا يا من جعل الأرض قرارا
يا من خلق من الماء بشرا يا من جعل لكل شيء أمدا يا من أحاط بكل
شيء علما يا من أحصى كل شيء عددا فه اللهم إني أسألك باسمك
يا أول يا آخر يا باطن يا ظاهر يا حق يا فرد يا وتر يا صمد يا سرمد فو يا بر
يا خير معروف عرف يا أفضل معبود عبد يا أجل مشكور شكر يا أعز
مذكور ذكر يا أعلى محمود حمد يا أقدم موجود طلب يا أرفع
موصوف وصف يا أكبر مقصود قصد يا أكرم مسؤول سئل
يا أشرف محبوب علم فز يا حبيب الباكين يا سيد المتوكلين
يا هادي المضلين يا ولي المؤمنين يا أنيس الذاكرين يا مفزع
الملهوفين يا منجي الصادقين يا أقدر القادرين يا أعلم العالمين يا
إله الخلق أجمعين فح يا من علا فقهر يا من ملك فقدر يا من بطن فخبر
يا من عبد فشكر يا من عصي فغفر يا من لا تحويه الفكر يا من لا يدركه

بصر يا من لا يخفى عليه أثر يا رازق البشر يا مقدر كل قدر ط
اللهم إني أسألك باسمك يا حافظ يا بارئ يا ذارئ يا باذخ يا فارج
يا فاتح يا كاشف يا ضامن يا آمر يا ناهي صب يا من لا يعلم الغيب إلا
هو يا من لا يصرف السوء إلا هو يا من لا يخلق الخلق إلا هو يا من
لا يغفر الذنب إلا هو يا من لا يتم النعمة إلا هو يا من لا يقلب
القلوب إلا هو يا من لا يدبر الأمر إلا هو يا من لا ينزل الغيث
إلا هو يا من لا يبسط الرزق إلا هو يا من لا يحيي الموتى إلا هو
صا يا معين الضعفاء يا صاحب الغرباء يا ناصر الأولياء يا قاهر
الأعداء يا رافع السماء يا أنيس الأصفياء يا حبيب الأتقياء يا كنز
الفقراء يا إله الأغنياء يا أكرم الكرماء صب يا كافيا من كل
شيء يا قائما على كل شيء يا من لا يشبهه شيء يا من لا يزيد في ملكه
ما يشاء يا من لا يخفى عليه شيء يا من لا ينقص من خزائنه شيء
يا من ليس كمثله شيء يا من لا يعزب عن علمه شيء يا من هو خبير
بكل شيء يا من وسعت رحمته كل شيء صج اللهم إني

اسألك

أسألك باسمك يا مكرم يا مطعم يا منعم يا معطي يا مغني يا
مقني يا مفني يا محيي يا مرضي يا منجي صد يا أول كل شيء وآخره
يا إله كل شيء ومليكه يا رب كل شيء وصانعه يا بارئ
كل شيء وخالقه يا قابض كل شيء وباسطه يا مبدئ كل شيء
ومعيده يا منشئ كل شيء ومقدره يا مكون كل شيء ومحوله
يا محيي كل شيء ومميته يا خالق كل شيء ووارثه صه يا خير ذاكر
ومذكور يا خير شاكر ومشكور يا خير حامد ومحمود يا خير
شاهد ومشهود يا خير داع ومدعو يا خير مجيب ومجاب يا
خير مؤنس وأنيس يا خير صاحب وجليس يا خير مقصود ومطلوب
يا خير حبيب ومحبوب صو يا من هو لمن دعاه مجيب يا من هو لمن
أطاعه حبيب يا من هو إلى من أحبه قريب يا من هو بمن استحفظه
رقيب يا من هو بمن رجاه كريم يا من هو بمن عصاه حليم يا من
هو في عظمته رحيم يا من هو في حكمته عظيم يا من هو في إحسانه
قديم يا من هو بمن أراده عليم صز اللهم إني أسألك يا مسبب يا

مُرَغِّبُ يا مُقَلِّبُ يا مُعَقِّبُ يا مُرَتِّبُ يا مُخَوِّفُ يا مُحَذِّرُ يا مُذَكِّرُ يا
مُسَخِّرُ يا مُغَيِّرُ صح يا مَنْ عِلْمُهُ سابِقٌ يا مَنْ وَعْدُهُ صادِقٌ يا مَنْ لُطْفُهُ
ظاهِرٌ يا مَنْ أَمْرُهُ غالِبٌ يا مَنْ كِتابُهُ مُحْكَمٌ يا مَنْ قَضاؤُهُ كائِنٌ
يا مَنْ قُرْآنُهُ مَجِيدٌ يا مَنْ مُلْكُهُ قَدِيمٌ يا مَنْ فَضْلُهُ عَمِيمٌ يا مَنْ عَرْشُهُ
عَظِيمٌ صح يا مَنْ لا يَشْغَلُهُ سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ يا مَنْ لا يَمْنَعُهُ فِعْلٌ عَنْ
فِعْلٍ يا مَنْ لا يُلْهِيهِ قَوْلٌ عَنْ قَوْلٍ يا مَنْ لا يُغَلِّطُهُ سُؤالٌ عَنْ
سُؤالٍ يا مَنْ لا يَحْجُبُهُ شَيْءٌ عَنْ شَيْءٍ يا مَنْ لا يُبْرِمُهُ إِلْحاحُ الْمُلِحِّينَ
يا مَنْ هُوَ غايَةُ مُرادِ الْمُرِيدِينَ يا مَنْ هُوَ مُنْتَهى هِمَمِ الْعارِفِينَ يا مَنْ
هُوَ مُنْتَهى طَلَبِ الطّالِبِينَ يا مَنْ لا يَخْفى عَلَيْهِ ذَرَّةٌ فِي الْعالَمِينَ
ن يا حَلِيماً لا يَعْجَلُ يا جَواداً لا يَبْخَلُ يا صادِقاً لا يُخْلِفُ يا وَهّاباً
لا يَمَلُّ يا قاهِراً لا يُغْلَبُ يا عَظِيماً لا يُوصَفُ يا عَدْلاً لا يَحِيفُ يا غَنِيّاً
لا يَفْتَقِرُ يا كَبِيراً لا يَصْغُرُ يا حافِظاً لا يَغْفُلُ مؤلف گوید که کفعمی ره در
کتاب جنة الامان نیز این روایت
را با اختصار قلیلی و تغییر یسیری نقل نموده است و آنرا ثواب بسیار عظیم است و جلیل القدر است
و در اکثر اعصار روات و اکابر علما و اتقیا بر آن مداومت مینموده اند و آثار استجابت بزودی
می یافته اند و اکثر علما آنرا از ادعیه مطلقه که اختصاص بوقت معینی ندارد ایراد نموده
اند و چون این روایت که مذکور شد در خصوص ایام ماه مبارک خواندن آن ثواب عظیم دارد

لهذا

لهذا آنرا درین مقام مذکور نمودیم و آنچه در این روایت وارد شده که در اول ایام خوانده شود
شامل شب اول و روز اول هر دو هست و اگر در هر دو وقت خوانده شود اولی است
چهارم دعای جوشن صغیر است سید بن طاوس ره در کتاب مهج الدعوات این دعا را با روایت
مشهور آن ذکر نموده و بعد از آن در اکثر نسخهای آن کتاب مذکور است که شیخ جلیل
ابو طالب بن رجب گفته که یافتم در کتابی از کتب جدم تقی الدین حسن بن داود روایتی دیگر
در باب جوشن صغیر و روایتی که در باب جوشن کبیر مذکور شد با اندک تغییری از حضرت
امام موسی کاظم صلوات الله علیه روایت نموده است و این تتمه از کلام ابن طاوس
نیست بلکه ابو طالب بن رجب ره آنرا الحاق نموده و ممکن است که باعتبار اطلاق لفظ
جوشن بر هر یک از این دو دعا سهوی از کفعمی یا از ابو طالب بن رجب واقع شده یا
یا آنکه این دو دعا هر دو یکمرتبه بر رسول خدا صلعم نازل شده باشد و بر هر تقدیر خواندن
این دعا نیز در شب اول و روز اول و سایر اوقات ایام سه مرتبه یا یکمرتبه مانند دعای
سابق اولی و افضل است و دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم
إِلهِي كَمْ مِنْ عَدُوٍّ انْتَضى عَلَيَّ سَيْفَ عَداوَتِهِ وَشَحَذَ لِي ظُبَةَ مُدْيَتِهِ
وَأَرْهَفَ لِي شَبا حَدِّهِ وَدافَ لِي قَواتِلَ سُمُومِهِ وَسَدَّدَ نَحْوِي
صَوائِبَ سِهامِهِ وَلَمْ تَنَمْ عَنِّي عَيْنُ حِراسَتِهِ وَأَضْمَرَ أَنْ يَسُومَنِي
الْمَكْرُوهَ وَيُجَرِّعَنِي ذُعافَ مَرارَتِهِ فَنَظَرْتَ إِلى ضَعْفِي عَنِ احْتِمالِ
الْفَوادِحِ وَعَجْزِي عَنِ الانْتِصارِ مِمَّنْ قَصَدَنِي بِمُحارَبَتِهِ وَوَحْدَتِي
فِي كَثِيرٍ مِمَّنْ ناواني وَإِرْصادِهِمْ لِي فِيما لَمْ أُعْمِلْ فِكْرِي فِي الْإِرْصادِ
لَهُمْ بِمِثْلِهِ فَأَيَّدْتَنِي بِقُوَّتِكَ وَشَدَدْتَ أَزْرِي بِنُصْرَتِكَ وَفَلَلْتَ
لِي شَبا حَدِّهِ وَخَذَلْتَهُ بَعْدَ جَمْعِ عَدِيدِهِ وَحَشْدِهِ وَأَعْلَيْتَ كَعْبِي

وحدتی

جمع عدیده

عليه ووجّهت ما سدّد إليّ من مكائده إليه ورددته ولم يشف
غليله ولم تبرد حزازات غيظه وقد عضّ عليّ أنامله وأدبر على أنامله
مولّياً قد أخفقت سراياه فلك الحمد يا ربّ من مقتدر لا يُغلب و أخلفت
ذي أناة لا يعجل صلّ على محمد وآل محمد واجعلني لنعمائك من
الشاكرين ولآلائك من الذاكرين إلهي وكم من باغ بغاني
بمكائده ونصب لي شرك مصائده ووكّل بي تفقّد رعايته
وأضبأ إليّ إضباء السبع لطريدته انتظاراً لانتهاز فرصته لي
وهو يظهر لي بشاشة الملق ويبسط لي وجهاً غير طلق فلمّا رأيت
دغل سريرته وقبح ما انطوى عليه لشريكه في ملّته وأصبح
مجلباً إليّ في بغيه أركسته لأمّ رأسه وأتيت بنيانه من أساسه
فصرعته في زبيته وأرديته في مهوى حفرته وجعلت خدّه حفيرته
طبقاً لتراب رجله وشغلته في بدنه ورزقه ورميته بحجره و
خنقته بوتره وذكّيته بمشاقصه وكببته لمنخره و
رددت كيده في نحره وربقته بندامته وفتّأته بحسرته فتّنته

فاستخذل

فاستخذل واستخذأ وتضاءل بعد نخوته وانقمع بعد استطالته ذ ليلاً
مأسوراً في ربق حبائله التي كان يؤمّل أن يراني فيها يوم
سطوته وقد كدت يا ربّ لولا رحمتك يحلّ بي ما حلّ بسا حته
فلك الحمد يا ربّ من مقتدر لا يُغلب وذي أناة لا يعجل صلّ
على محمد وآل محمد واجعلني لنعمائك من الشاكرين ولآلائك من
الذاكرين إلهي وكم من حاسد شرق بحسده وشجي بغيظه
وسلقني بحدّ لسانه ووخزني بموق عينه وجعل عرضي
غرضاً لمراميه وقلّدني خلالاً لم تزل فيه فناديتك يا ربّ
مستجيراً بك واثقاً بسرعة إجابتك متوكّلاً على ما لم أزل
أعرفه من حسن دفاعك عالماً أنّه لن يضطهد من أوى أتعرّفه
إلى ظلّ كنفك وأن لا تقرع الحوادث من لجأ إلى معقل
الانتصار بك فحصّنتني من بأسه بقدرتك فلك الحمد يا ربّ
من مقتدر لا يغلب وذي أناة لا يعجل صلّ على محمد وآل محمد و
اجعلني لنعمائك من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين

الهي وكم من سحائب مكروه جلّيتها وسماء نعمة امطرتها وجداول
كرامة اجريتها واعين احداث طمستها وناشئة رحمة
نشرتها وجنّة عافية البستها وغوامر كربات كشفتها
وامور جارية قدّرتها لم تعجزك اذ طلبتها ولم تمتنع عليك منك خ
اذ اردتها فلك الحمد يا ربّ من مقتدر لا يغلب وذي اناة لا يعجل
صلّ على محمد وآل محمد واجعلني لنعمك من الشاكرين ولآلائك
من الذاكرين الهي وكم من ظنّ حسن حقّقت ومن عدم كسر خ
املاق جبرت ومن مسكنة فادحة حوّلت ومن صرعة مهلكة
انعشت ومن مشقّة ازحت لا تسئل يا سيّدي عمّا تفعل
وهم يسئلون ولا ينقصك ما انفقت ولقد سئلت فاعطيت
ولم تسئل فابتدأت واستميح باب فضلك فما اكديت
ابيت الّا انعاما وامتنانا والّا تطوّلا يا ربّ واحسانا وابيت
يا ربّ الّا انتهاك حرماتك واجتراء على معاصيك وتعدّيا
لحدودك وغفلة عن وعيدك وطاعة لعدوّي وعدوّك

لم يمنعك

لم يمنعك يا الهي وناصري اخلالي بالشكر عن اتمام احسانك ولا
حجزني ذلك عن ارتكاب مساخطك اللهم وهذا مقام عبد
ذليل اعترف لك بالتوحيد واقرّ على نفسه بالتقصير في اداء حقّك
وشهد لك بسبوغ نعمتك عليه وجميل عاداتك عنده واحسانك
اليه فهب لي يا الهي وسيّدي من فضلك ما اريد الى رحمتك اريده خ
واتّخذه سلّما اعرج فيه الى مرضاتك وآمن به من سخطك
بعزّتك وطولك وبحقّ محمد نبيّك والائمة صلوات الله عليه
وعليهم فلك الحمد يا ربّ من مقتدر لا يغلب وذي اناة لا يعجل اجمعين خ
صلّ على محمد وآل محمد واجعلني لنعمك من الشاكرين ولآلائك
من الذاكرين الهي وكم من عبد امسى واصبح في كرب
الموت وحشرجة الصدر والنظر الى ما تقشعرّ منه الجلود و
تفزع اليه القلوب وانا في عافية من ذلك كلّه فلك الحمد
يا ربّ من مقتدر لا يغلب وذي اناة لا يعجل صلّ على محمد وآل
محمد واجعلني لنعمك من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين

الهي وكم من عبد امسى واصبح سقيما موجعا مدنفا في انين وعويل
يتقلب في غمه ولا يجد محيصا ولا يسيغ طعاما ولا يستعذب
شرابا وانا في صحة من البدن وسلامة من العيش كل ذلك
منك فلك الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب وذي اناة لا يعجل
صل على محمد وال محمد واجعلني لانعمك من الشاكرين ولالائك
من الذاكرين الهي وكم من عبد امسى واصبح خائفا مرعوبا
مسهدا مشفقا وحيدا وجلا هاربا طريدا او منجحرا في مضيق او
مخباة من المخابي قد ضاقت عليه الارض برحبها لا يجد حيلة
ولا منجى ولا ماوى ولا مهربا وانا في امن وطمانينة وعافية
من ذلك كله فلك الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب وذي
اناة لا يعجل صل على محمد وال محمد واجعلني لانعمك من
الشاكرين ولالائك من الذاكرين الهي وسيدي وكم
من عبد امسى واصبح مغلولا مكبلا بايدي العداة لا
يرحمونه فقيدا من اهله وولده منقطعا عن اخوانه وبلده

يتوقع

يتوقع كل ساعة باية قتلة يقتل وباي مثلة يمثل به وانا في
عافية من ذلك كله فلك الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب
وذي اناة لا يعجل صل على محمد وال محمد واجعلني لانعمك من
الشاكرين ولالائك من الذاكرين الهي وسيدي وكم من عبد
امسى واصبح يقاسي الحرب ومباشرة القتال بنفسه قد غشيته
الاعداء من كل جانب والسيوف والة الحرب يتقعقع في
الحديد مبلغ مجهوده ولا يعرف حيلة ولا يجد مهربا قد ادنف
بالجراحات او متشحطا بدمه تحت السنابك والارجل يتمنى شربة
من ماء او نظرة الى اهله وولده ولا يقدر عليها وانا في عافية
من ذلك كله فلك الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب وذي اناة
لا يعجل صل على محمد وال محمد واجعلني لانعمك من الشاكرين
ولالائك من الذاكرين الهي وكم من عبد امسى واصبح
في ظلمات البحار وعواصف الرياح والاهوال والامواج يتوقع
الغرق والهلاك لا يقدر على حيلة او مبتلى بصاعقة او هدم

اَوْ غَرَقٍ اَوْ شَرَقٍ اَوْ حَرَقٍ اَوْ خَسْفٍ اَوْ مَسْخٍ اَوْ قَذْفٍ وَاَنَا فِى عَافِيَةٍ مِنْ ذٰلِكَ
كُلِّهِ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِى اَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ
عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِى لِاَنْعُمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلِاٰلَائِكَ مِنَ
الذَّاكِرِينَ اِلٰهِى وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ اَمْسٰى وَاَصْبَحَ مُسَافِرًا شَاخِصًا عَنْ اَهْلِهِ
وَوَطَنِهِ وَوَلَدِهِ مُتَحَيِّرًا فِى الْمَفَاوِزِ تَائِهًا مَعَ الْوُحُوشِ وَالْبَهَائِمِ وَ
الْهَوَامِّ وَحِيدًا فَرِيدًا لَا يَعْرِفُ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدِى سَبِيلًا اَوْ مُتَاَذِّيًا
بِبَرْدٍ اَوْ حَرٍّ اَوْ جُوعٍ اَوْ عُرْيٍ اَوْ غَيْرِهِ مِنَ الشَّدَائِدِ مِمَّا اَنَا مِنْهُ خِلْوٌ وَ اَوْ عَطَشٍ
اَنَا فِى عَافِيَةٍ مِنْ ذٰلِكَ كُلِّهِ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا
يُغْلَبُ وَذِى اَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِى لِاَنْعُمِكَ
مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلِاٰلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ اِلٰهِى وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ اَمْسٰى وَاَصْبَحَ
فَقِيرًا عَائِلًا عَارِيًا مُمْلِقًا مُخْفِقًا مَجْهُودًا خَائِفًا جَائِعًا ظَمْاٰنًا يَنْتَظِرُ مَهْجُورًا
مَنْ يَعُودُ عَلَيْهِ بِفَضْلٍ اَوْ عَبْدٍ وَجِيهٍ هُوَ اَوْجَهُ مِنِّى عِنْدَكَ وَاَشَدُّ
عِبَادَةً لَكَ مَغْلُولًا مَقْهُورًا قَدْ حُمِّلَ ثِقْلًا مِنْ تَعَبِ الْعَنَاءِ وَشِدَّةِ
الْعُبُودِيَّةِ وَكُلْفَةِ الرِّقِّ وَثِقْلِ الضَّرِيبَةِ اَوْ مُبْتَلًى بِبَلَاءٍ شَدِيدٍ
لاقبل

لَا قِبَلَ لَهُ اِلَّا بِمَنِّكَ عَلَيْهِ وَاَنَا الْمَخْدُومُ الْمُنَعَّمُ الْمُعَافَى الْمُكَرَّمُ فِى
عَافِيَةٍ مِمَّا هُوَ فِيهِ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِى
اَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِى لِاَنْعُمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ
وَلِاٰلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ مَوْلَاىَ وَسَيِّدِى وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ اِلٰهِى وَ
اَمْسٰى وَاَصْبَحَ شَرِيدًا طَرِيدًا حَيْرَانًا مُتَحَيِّرًا جَائِعًا خَائِفًا خَاسِرًا فِى الصَّحَارِى
وَالْبَرَارِى قَدْ اَحْرَقَهُ الْحَرُّ وَالْبَرْدُ وَهُوَ فِى ضُرٍّ مِنَ الْعَيْشِ وَ
ضَنْكٍ مِنَ الْحَيٰوةِ وَذُلٍّ مِنَ الْمَقَامِ يَنْظُرُ اِلٰى نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا
يَقْدِرُ لَهَا عَلٰى ضَرٍّ وَلَا نَفْعٍ وَاَنَا خِلْوٌ مِنْ ذٰلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ
وَكَرَمِكَ فَلَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ
وَذِى اَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِى لِاَنْعُمِكَ
مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلِاٰلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ وَارْحَمْنِى بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ مَا للك...
الرَّاحِمِينَ مَوْلَاىَ وَسَيِّدِى وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ اَمْسٰى وَاَصْبَحَ
عَلِيلًا مَرِيضًا سَقِيمًا مُدْنِفًا عَلٰى فُرُشِ الْعِلَّةِ وَفِى لِبَاسِهَا يَتَقَلَّبُ
يَمِينًا وَشِمَالًا لَا يَعْرِفُ شَيْئًا مِنْ لَذَّةِ الطَّعَامِ وَلَا مِنْ لَذَّةِ الشَّرَابِ

ينظر الى نفسه حسرة لا يستطيع لها ضرا ولا نفعا وانا خلو من
ذلك كله بجودك وكرمك فلا اله الا انت سبحانك من
مقتدر لا يغلب وذى اناة لا يعجل صل على محمد وال محمد و
اجعلنى لك من العابدين ولنعمك من الشاكرين ولآلائك
من الذاكرين وارحمنى برحمتك يا ارحم الراحمين مولاى وسيدى — مالك
وكم من عبد امسى واصبح قد دنا يومه من حتفه وقد احدق
به ملك الموت فى اعوانه يعالج سكرات الموت وحياضه تدور
عيناه يمينا وشمالا ينظر الى احبائه واودائه واخلائه قد منع
من الكلام وحجب عن الخطاب ينظر الى نفسه حسرة فلا
يستطيع لها ضرا ولا نفعا وانا خلو من ذلك كله بجودك
وكرمك فلا اله الا انت سبحانك من مقتدر لا يغلب وذى
اناة لا يعجل صل على محمد وال محمد واجعلنى لك من العابدين
ولنعمائك من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين وارحمنى
برحمتك يا ارحم الراحمين مولاى وسيدى وكم من عبد امسى و — مالك

اصبح

كربتها — اصبح فى مضايق الحبوس والسجون وكربها وذلها وحديدها يتداوله
اعوانها وزبانيتها فلا يدرى اى حال يفعل به واى مثلة يمثل
به فهو فى ضر من العيش وضنك من الحيوة ينظر الى نفسه حسرة
لا يستطيع لها ضرا ولا نفعا وانا خلو من ذلك كله بجودك
وكرمك فلا اله الا انت سبحانك من مقتدر لا يغلب
وذى اناة لا يعجل صل على محمد وال محمد واجعلنى لك من العابدين
لنعمائك — ولنعمك من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين وارحمنى برحمتك
مالك — يا ارحم الراحمين مولاى وسيدى وكم من عبد امسى واصبح
قد استمر عليه القضاء واحدق به البلاء وفارق اوداءه
واحباءه واخلاءه وامسى حقيرا اسيرا ذليلا فى ايدى الكفار و
الاعداء يتداولونه يمينا وشمالا قد حصر فى المطامير وثقل
بالحديد لا يرى شيئا من ضياء الدنيا ولا من روحها ينظر الى
نفسه حسرة لا يستطيع لها ضرا ولا نفعا وانا خلو من ذلك كله
بجودك وكرمك فلا اله الا انت سبحانك من مقتدر لا يغلب

وذي أناةٍ لا يعجل صلّ على محمدٍ وآل محمدٍ واجعلني لك من العابدين ولنعمائك
من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين وارحمني برحمتك يا أرحم الراحمين
مولاي وسيدي وكم من عبدٍ أمسى وأصبح قد اشتاق إلى
الدنيا للرغبة فيها إلى أن خاطر بنفسه وماله حرصاً منه عليها
قد ركب الفلك وكسرت به وهو في آفاق البحار ينظر إلى نفسه
حسرةً لا يقدر لها على ضرٍّ ولا نفعٍ وأنا خلوٌ من ذلك كله بجودك
وكرمك فلا إله إلا أنت سبحانك من مقتدرٍ لا يغلب وذي أناةٍ
لا يعجل صلّ على محمدٍ وآل محمدٍ واجعلني لك من العابدين و
لنعمائك من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين وارحمني برحمتك
يا أرحم الراحمين مولاي وسيدي وكم من عبدٍ أمسى وأصبح
قد استمرّ عليه القضاء وأحدق به البلاء والكفار والأعداء
وأخذته الرماح والسيوف والسهام وجُدّل صريعاً وقد
شربت الأرض من دمه وأكلت السباع والطير من لحمه وأنا
خلوٌ من ذلك كله بجودك وكرمك فلا إله إلا أنت سبحانك

من مقتدرٍ لا يغلب وذي أناةٍ لا يعجل صلّ على محمدٍ وآل محمدٍ واجعلني لنعمائك
من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين وارحمني برحمتك يا أرحم الراحمين
وعزتك يا كريم لأطلبنّ مما لديك ولألحّنّ عليك ولألجأنّ
إليك ولأمدّنّ يدي نحوك مع جرمها إليك فبمن أعوذ يا ربّ و
بمن ألوذ لا أحد لي إلا أنت أفتردّني وأنت معوّلي وعليك متّكلي
أسألك باسمك الذي وضعته على السماء فاستقلّت وعلى الأرض
فاستقرّت وعلى الجبال فرست وعلى الليل فأظلم وعلى النهار فاستنار
أن تصلّي على محمدٍ وآل محمدٍ وأن تقضي لي جميع حوائجي وتغفر لي
ذنوبي كلها صغيرها وكبيرها وتوسّع عليّ من الرزق ما
تبلّغني به شرف الدنيا والآخرة يا أرحم الراحمين مولاي بك استعنت
فصلّ على محمدٍ وآل محمدٍ وأعنّي وبك استجرت فصلّ على محمدٍ وآل محمدٍ
وأجرني وأغنني بطاعتك عن طاعة عبادك وبمسألتك عن مسألة
خلقك وانقلني من ذلّ الفقر إلى عزّ الغنى ومن ذلّ المعاصي إلى
عزّ الطاعة فقد فضّلتني على كثيرٍ من خلقك جوداً منك وكرماً

لا باستحقاق مني الهي فلك الحمد على ذلك كله صل على محمد و آل محمد
واجعلني لنعمائك من الشاكرين و لآلائك من الذاكرين وارحمني
برحمتك يا ارحم الراحمين مؤلف گوید که کفعمی ره در کتاب بلد الامین این زیاده
را نقل نموده که پس بسجده میروی و میگوئی
سجد وجهي الذليل لوجهك العزيز الجليل سجد وجهي البالي
الفاني لوجهك الدائم الباقي سجد وجهي الفقير لوجهك الغني الكبير
سجد وجهي و سمعي و بصري و لحمي و دمي و جلدي و عظمي و ما اقلت
الارض مني لله رب العالمين اللهم عد على جهلي بحلمك و على
فقري بغناك و على ذلي بعزك و سلطانك و على ضعفي بقوتك و على
خوفي بامنك و على ذنوبي و خطاياي بعفوك و رحمتك يا رحمن يا
رحيم اللهم اني ادرأ بك في نحر فلان بن فلان و اعوذ بك من شره
فاكفنيه بما كفيت به انبياءك و اولياءك من خلقك و صالحي
عبادك من فراعنة خلقك و طغاة عداتك و شر جميع خلقك
برحمتك يا ارحم الراحمين انك على كل شيء قدير و حسبنا الله و
نعم الوكيل نعم المولى و نعم النصير ختم خواندن دعای هیکل یمانی
کفعمی ره در کتاب بلد الامین از

رسول خدا صلعم روایت کرده است که فرمود که جبرئیل عم این دعا را از جانب خداوند جلیل برای
من آورد و گفت این دعا بر قوائم عرش نوشته شده است پیش از خلق مخلوقات بصد هزار سال
و کسی که این دعا را بخواند حق تعالی همه مطالب او برساند کارهای او را و قضا کند و هر که بنویسد آن را
بر جام شسته و بیاشامد آن را زیاد شود فهم و حفظ او و شفا یابد از بیماری و کسی که بنویسد
آن را بر کفن خود با کافور حق تعالی قبر او را و ضمهای بهشت کرده اند و مونس او
باشد در قبر و آسان گرداند قبر او و سوال منکر و نکیر را و بسوی قبر او هفتاد هزار ملک فرستد
که با هر ملکی طبقی باشد از میوهای بهشت و او را بشارت دهند به بهشت و برای او در بهشت
... بهشت و قبر او را وسیع و فراخ گرداند چندانکه چشم او تواند دید و او را عذاب نفرماید
و هر که او را با نیت صحیح در شبهای ماه رمضان بخواند شب قدر را دریابد و خلق کند حق
تعالی برای او در هر آسمانی هزار ملک و در مکه معظمه هفتاد هزار ملک و در روضه
حضرت رسالت صلعم هفتاد هزار ملک و در مشرق هفتاد هزار ملک و همچنین در مغرب
هفتاد هزار ملک که تسبیح حق تعالی کنند بلغتهای مختلفه و حق تعالی ثواب همه را بخواننده
این دعا کرامت فرماید و حوائج او را بر آورد و عطا فرماید باو در بهشت چیزی چند را که
چشمی ندیده و گوشی نشنیده و بر دل بشری خطور نکرده باشد و استغفار کنند او را
وقت بیرون آمدن از قبر هفتاد هزار ملک که با هر ملکی غلامی از نور باشد و بدست هر
غلامی شربتی از نصیبی باشد که شکمهای آنها از مروارید سفید و پشتهای آنها از زمرد سبز
و چشمهای آنها از یاقوت سرخ باشد و بر هر یک از آنها قبه باشد و بر هر قبه چهار صد کرسی
از سندس و استبرق باشد و در هر قبه حوری باشد و هر حوریه هزار گیسو از مشک
... آن از کافور ... باشد و در دست هر ملکی ظرفی از مروارید سفید باشد
و بر هر قدحی چهار چیز باشد آب و عسل و شیر و شراب که لذت برند آشامندگان از آنها
و بر هر قدحی نوشته باشد لا اله الا الله این تحفه از فلان بن فلان است و محشور شود
حال آنکه روی او مانند ماه بدر درخشد تا آنکه کار کنند اهل موقف که او از جمله ... است
و هر که در عمر خود یکمرتبه این دعا را بخواند بهشت برای او واجب شود و کسی که صبح آن را
بخواند دو ملک را حق تعالی موکل کرده اند باو که او را محافظت نمایند تا شام و
همچنین اگر در شام بخواند تا صبح او را محافظت نمایند و کسی که این دعا را در ماه رمضان
سه نوبت بخواند درهای بهشت برای او گشوده شود و درهای جهنم بر روی او بسته شود
و در امان الهی باشد تا سال آینده و عطا کند باو ثواب هفتاد ضعف از عبادت
ملائکه را که هر ضعفی بقدر صد هزار سال است و صرف میکند حق تعالی از خواندن این دعا

و شد چون این دعا بگو تهلیل لا اله الا الله لا اله الا الله لا اله الا الله
نامیده می شود در دعا است
بعدد كل تهليل هلله المهللون والله اكبر والله اكبر
والله اكبر بعدد كل تكبير كبره المكبرون والحمد لله
والحمد لله والحمد لله بعدد كل تحميد حمده الحامدون
وسبحان الله وسبحان الله وسبحان الله بعدد كل تسبيح
سبحه المسبحون واستغفر الله واستغفر الله واستغفر الله
بعدد كل استغفار استغفره المستغفرون ولا حول ولا قوة
الا بالله العلي العظيم ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم بعدد ما قاله القائلون
اللهم صل على محمد وآل محمد اللهم صل على محمد وآل محمد اللهم
صل على محمد وآل محمد بعدد ما صلى عليه المصلون وحسبنا الله
ونعم الوكيل ما شاء الله كان وما لم يشأ لم يكن اشهد
ان الله على كل شيء قدير وان الله قد احاط بكل شيء علما
واحصى كل شيء عددا والحمد لله على كل حال والحمد لله عدد

انقطاع الاحوال والحمد لله بعدد كل من حمده والحمد لله
بعدد من لم يحمده وسبحان من ليس كمثله شيء سبحان من
لا يغادره شيء سبحان الله الحكيم الكبير الخالق سبحان الحنان
المنان سبحان الحليم الكريم سبحان الخالق البارئ سبحان
الصادق البادي سبحان المصور الكافي سبحان الشافي المعافي
سبحان من لا يعادله شيء سبحان من لا يحاده شيء سبحان من
لا يعدله شيء سبحان من لا يعتريه شيء سبحان من لا يقهره شيء في
ملكه سبحان من لا يحده الحادون سبحان من لا يصفه
الواصفون سبحان من لا يشبهه المشبهون سبحان من لا اب
له سبحان من لا قرين له سبحان من لا شبيه له سبحان القادر
المقتدر سبحان العلي المتعال سبحان من لا يفوته شيء سبحان
من لا يخفى عليه شيء سبحان من لا تدركه العيون سبحان من لا
تخالطه الظنون سبحان منشئ الاشياء بمشيته سبحان المدبر
بتدبيره سبحان من جل عن الاشياء والعرش باثاره سبحان من

انشا الليل والنهار بقدرته سبحان من انشا السموات العلى
سبحان من قدر الحجب من غير ان يستعين باحد سبحان خالق
سور قوا النور سبحان من اقام السموات بغير عمد ولا معين
سبحان من خلق العرش وانفرد بتقدير الاشياء سبحان من
خلق عجائب خلقه من غير شريك معه جل عن الاشياء
فلا يدركه شيء سبحان الخالق المصور له الاسماء
الحسنى يسبح له ما في السموات والارض وهو العزيز الحكيم
سبحان من اثبت الارض بقدرته سبحان من خلق الخلق
بعظمته سبحان من انشا الرياح ويرسلها حيث شاء
سبحان من لم يقطع رزقه عن احد من خلقه سبحان
من يسبح له الملئكة بانواع اللغات سبحان من تسبح له
الجنة بغرائب التسبيح سبحان من تسبح له النيران باغلالها
سبحان من تسبح له الجبال باكنافها سبحان من تسبح
له الاشجار عند توريد اوراقها سبحانه وتعالى عما

يشركون يا رب يا رب يا رب يا رب الارباب ويا مسبب الاسباب
يا معتق الرقاب من العذاب سبحان من يسبح له البحار عند
تلاطم امواجها سبحان من يسبح له الذر في مساكنها سبحان
من تسبح له الرياح عند هبوب جريانها سبحان من تسبح
له الحيتان في قرار بحارها سبحان من تسبح له الجن بلغاتها
سبحان من تسبح له بنوادم على اختلاف لغاتها سبحان
القائم الدائم سبحان الجليل الجميل يا غفار الذنوب يا
ستار العيوب يا من لا يخفى عليه مكان يا من هو كل
يوم في شان يا عظيم الشان يا من لا يشغله شان عن شان
يا ذا الجلال والاكرام يا دائم يا قائم يا قديم يا ملك يا
قدوس يا سلام يا مؤمن يا مهيمن يا عزيز يا جبار يا متكبر
يا خالق يا بارئ يا مصور يا من ليس كمثله شيء وهو السميع
البصير لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين

ششم سید ابن طاوس ره در کتاب اقبال از کتاب ابن ابی قره نقل نموده که ائمه طاهرین
صلوات الله علیهم اجمعین روایت کرده اند که مکرر در شب بیست و سیم ماه مبارک

رمضان بیاده ونشده وبرهر حالی از احوال ودر تمام اوقات این ماه مبارک ودر غیر این
ماه از سایر اوقات عمر بعد از تحمید الهی وصلوات بر حضرت رسالت پناهی وآل امجاد
او این دعا را بخوان اَللّٰهُمَّ کُنْ لِوَلِیِّكَ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ
الْمَهْدِیِّ عَلَیْهِ وَعَلیٰ آبَائِهِ أَفْضَلُ الصَّلوٰةِ وَالسَّلَامِ فِی هٰذِهِ
السَّاعَةِ وَفِی کُلِّ سَاعَةٍ وَلِیّاً وَحَافِظاً وَقَائِداً وَنَاصِراً وَدَلِیلاً
وَمُؤَیِّداً حَتّیٰ تُسْکِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً وَتُمَتِّعَهُ فِیهَا طُولاً وَعَرْضاً
وَتَجْعَلَهُ وَذُرِّیَّتَهُ مِنَ الْأَئِمَّةِ الْوَارِثِینَ اَللّٰهُمَّ انْصُرْهُ وَ
انْتَصِرْ بِهِ وَاجْعَلِ النَّصْرَ مِنْكَ لَهُ وَعَلیٰ یَدِهِ وَاجْعَلِ النَّصْرَ
لَهُ وَالْفَتْحَ عَلیٰ وَجْهِهِ وَلَا تُوَجِّهِ الْأَمْرَ إِلیٰ غَیْرِهِ اَللّٰهُمَّ أَظْهِرْ
بِهِ دِینَكَ وَسُنَّةَ نَبِیِّكَ حَتّیٰ لَا یَسْتَخْفِیَ بِشَیْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ
أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ اَللّٰهُمَّ إِنِّی أَرْغَبُ إِلَیْكَ فِی دَوْلَةٍ کَرِیمَةٍ تُعِزُّ
بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَتُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ وَتَجْعَلُنَا فِیهَا
مِنَ الدُّعَاةِ إِلیٰ طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ إِلیٰ سَبِیلِكَ وَآتِنَا فِی الدُّنْیَا
حَسَنَةً وَفِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ وَاجْمَعْ لَنَا خَیْرَ
الدَّارَیْنِ وَاقْضِ عَنَّا جَمِیعَ مَا تُحِبُّ فِیهِمَا وَاجْعَلْ لَنَا فِی ذٰلِكَ

الخیرة

الْخِیَرَةَ بِرَحْمَتِكَ وَمَنِّكَ فِی عَافِیَةٍ آمِینَ رَبَّ الْعَالَمِینَ وَزِدْنَا مِنْ فَضْلِكَ
وَیَدِكَ الْمَلْأیٰ فَإِنَّ کُلَّ مُعْطٍ یَنْقُصُ مِنْ مُلْکِهِ وَعَطَاؤُكَ
یَزِیدُ فِی مُلْکِكَ باب دوم در بیان ادعیهٔ دخول ماه مبارک رمضان
بدانکه مراد از ادعیهٔ دخول دعای چند است که در روایات آن
وارد شده باشد که چون ماه رمضان داخل شود یا حاضر شود این دعا را بخوان یا در
اوّل ماه رمضان این دعا را بخوان یا امثال آن از عبارات که مفاد آن این باشد که در ابتدا
ماه رمضان [illegible] خوانده شود و اکثر علما مانند ابن بابویه و شیخ طوسی قدس الله روحهما
و بعضی دیگر از این عبارات چنین فهمیده اند که در روز اول باید خوانده شود و سید بن
طاوس ره در کتاب اقبال گفته که در شب اول باید خوانده شود زیرا که شب غرهٔ هر ماهی
اوّل آن ماه است و دخول در آن ماه بداخل شدن شب اول محقق می شود و بنا بر این
خواندن این ادعیه در ابتداء شب اوّل اولی خواهد بود از اواخر آن و اگر در شب و روز
هر دو خوانده شود اولی است و این ادعیه چنانچه از تتبع روایات ظاهر میشود چند دعا است
اوّل دعای حضرت سید الساجدین صلوات الله علیه و آن دعای چهل و چهارم از
صحیفهٔ کامله است و چون شیخ طوسی در مصباح و کفعمی در جنة الامان و بلد الامین
و سید در اقبال نیز نقل نموده اند به روایت ایشان اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی هَدَانَا
با روایت صحیفهٔ کامله اختلاف دارد و ما آنرا ایراد نمیکنیم
لِحَمْدِهِ وَجَعَلَنَا مِنْ أَهْلِهِ لِنَکُونَ لِإِحْسَانِهِ مِنَ الشَّاکِرِینَ وَلِیَجْزِیَنَا
عَلیٰ ذٰلِكَ جَزَاءَ الْمُحْسِنِینَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی حَبَانَا بِدِینِهِ وَاخْتَصَّنَا
بِمِلَّتِهِ وَسَبَّلَنَا فِی سُبُلِ إِحْسَانِهِ لِنَسْلُکَهَا بِمَنِّهِ إِلیٰ رِضْوَانِهِ
حَمْداً یَتَقَبَّلُهُ مِنَّا وَیَرْضیٰ بِهِ عَنَّا وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی جَعَلَ
مِنْ تِلْكَ السُّبُلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ شَهْرَ الصِّیَامِ وَشَهْرَ الطَّهُورِ

وشهر الاسلام وشهر التمحيص وشهر القيام الذي انزل فيه القرآن
هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان فابان فضيلته على سائر
الشهور بما جعل له من الحرمات الموفورة والفضائل المشهورة
فحرم فيه ما احل في غيره اعظاما له وحجر فيه المطاعم والمشارب
اكراما له وجعل له وقتا بينا لا يجوز ان يقدم ولا يجوز ان
يؤخر عنه ثم فضل ليلة واحدة من لياليه على الف شهر
وسماها ليلة القدر تنزل الملائكة والروح فيها باذن
ربهم من كل امر سلام هي دائم البركة الى طلوع الفجر
على من يشاء من عباده بما احكم من قضائه اللهم صل
على محمد وآله والهمنا فضل معرفته واجلال حرمته و
التحفظ بما حظرت فيه واعنا على صيامه بكف الجوارح
عن معاصيك واستعملنا فيه بما يرضيك حتى لا نصغي — معصيتك خ ل
باسماعنا الى لغو ولا نسرع بابصارنا الى لهو ولا نبسط
ايدينا الى محظور ولا نخطو باقدامنا الى محجور وحتى لا تعي

بطوننا

بطوننا الا ما احللت ولا تنطق السنتنا الا ما قلت ولا نتكلف
الا ما يدني من ثوابك ولا نتعاطى الا الذي يقي من عقابك
ثم خلص ذلك كله من رياء المرائين وسمعة المستمعين — المسمعين خ ل
لا نشرك فيه احدا دونك ولا نبتغي به مرادا سواك اللهم
وقفنا فيه على مواقيت الصلوات الخمس بحدودها التي — وقفنا خ ل
حددت وفرائضها التي فرضت واوقاتها التي وقت وانزلنا
فيها منزلة المصيبين لاوقاتها على سنة محمد عبدك و
رسولك صلى الله عليه وآله في ركوعها وسجودها و
جميع فواضلها على اتم الطهور واسبغه وابين الخشوع
وابلغه ووفقنا فيه لان نصل ارحامنا بالبر والصلة وان
نتعاهد جيراننا بالافضال والعطية وان نخلص اموالنا
من التبعات وان نطهرها باخراج الزكوات وان تميل بنا
الى ان نراجع من هجرنا وان ننصف من ظلمنا وان نسالم من عادانا
حاشا من عودي فيك ولك فانه العدو الذي لا نواليه والحزب

الذي لا نفاد به وأن نتقرب إليك فيه من الأعمال الزاكية
بما تطهرنا من الذنوب وتعصمنا فيما نستأنف من العيوب حتى
لا يورد عليك أحد من ملائكتك إلا دون ما نورد من أنواع القربة
وأبواب الطاعة لك اللهم إني أسألك بحق هذا الشهر وبحق
من تعبد لك فيه من ابتدائه إلى وقت فنائه من ملك قربته
أو نبي أرسلته أو عبد صالح اختصصته أن تجنبنا الإلحاد
في دينك والتقصير في تمجيدك والشك في توحيدك والعمى عن
سبيلك والكسل عن خدمتك والتواني في العمل بمحبتك
والمسارعة إلى سخطك والانخداع لعدوك الشيطان الرجيم
اللهم أهلنا فيه لما وعدت أولياءك من كرامتك وأوجب
لنا ما توجب لأهل الاستقصاء لطاعتك واجعلنا في نظم
من استحق الرفيع الأعلى برحمتك اللهم وإن لك في كل ليلة
من ليالي شهرنا هذا رقابا يعتقها عفوك ويهبها صفحك
فاجعل رقابنا من تلك الرقاب واجعلنا لشهرنا من خير أهل و

اصحاب

أصحاب وامح ذنوبنا مع امحاق هلاله واسلخ عنا تبعاتنا مع
انسلاخ أيامه حتى ينقضي عنا وقد صفيتنا من الخطيئات
وخلصتنا من السيئات اللهم وإن ملنا فيه فعدلنا وإن زغنا
عنه فقومنا وإن اشتمل علينا عدوك الشيطان الرجيم فاستنقذنا
منه اللهم صل على محمد وآله واشحنه بعبادتنا وزين
أوقاته بطاعتنا وأعنا في نهاره على صيامه وفي ليله على
قيامه بالصلاة لك والتضرع إليك والخشوع والذلة
بين يديك حتى لا يشهد نهاره علينا بغفلة ولا ليله بتفريط
اللهم واجعلنا في سائر الشهور والأيام ما يتألف من السنين
والأعوام كذلك ما عمرتنا واجعلنا من عبادك المخلصين الصالحين خ ل
الذين يؤتون ما أتوا وقلوبهم وجلة أنهم إلى ربهم راجعون
أولئك يسارعون في الخيرات وهم لها سابقون الذين يرثون
الفردوس هم فيها خالدون اللهم صل على محمد وآله الطيبين
وسلم كثيرا سيد بن طاوس رحمه در كتاب اقبال از حضرت صادق صلوات الله عليه
روايت نموده است كه فرمود رسول خدا صلى الله عليه وآله چون ماه رمضان داخل ميشد اين دعا

اللهم انه قد دخل شهر رمضان اللهم رب شهر رمضان الذی
انزلت فیه القرآن وجعلته بیناتٍ من الهدی والفرقان اللهم
فبارک لنا فی شهر رمضان واعنا علی صیامه وصلواته وتقبله منا

سیم محمد بن یعقوب کلینی طاب ثراه در کتاب کافی بسند خود از حضرت صادق علیه السلام روایت
نموده است که چون ماه رمضان داخل شود این دعا را بخوان اللهم قد حضر شهر رمضان وقد افترضت خاصره
علینا صیامه وانزلت فیه القرآن هدی للناس وبیناتٍ من
الهدی والفرقان اللهم اعنا علی صیامه اللهم تقبله
منا وسلمنا فیه وتسلمه منا فی یسرٍ منک وعافیةٍ انک
علی کل شیء قدیر یا ارحم الراحمین چهارم سید در کتاب اقبال گفته
که یافتم در کتابی که در آن دعاهای
بسیار نوشته شده بود و نوشته شده بود که کاتب آن سید رضی موسوی رحمه الله است
و از جمله دعاهای آن این دعا بود که چون ماه رمضان داخل شود بخوان اللهم ان هذا شهر رمضان الذی
انزلت فیه القرآن هدی للناس وبیناتٍ من الهدی والفرقان
قد حضر یا رب اعوذ بک فیه من الشیطان الرجیم ومن مکره
وحیله وخدعه وحبائله وجنوده وخیله ورجله وحبائلهم
ووساوسه ومن الضلال بعد الهدی ومن الکفر بعد الایمان ومن النفاق

والریاء

والریاء والجنایات ومن شر الوسواس الخناس الذی یوسوس فی صدور
الناس من الجنة والناس اللهم وارزقنی صیامه و[illegible]
فیه بطاعتک وطاعة رسولک واولی الامر علیه وعلیهم السلام
وما قرب منک وجنبنی معاصیک وارزقنی فیه التوبة و
الانابة والاجابة واعذنی فیه من الغیبة والکسل والفشل
واستجب لی فیه الدعاء واصح لی فیه جسمی وعقلی وفرغنی
فیه لطاعتک وما قرب منک یا کریم یا جواد یا کریم صل علی
محمد وعلی اهل بیت محمد علیه وعلیهم السلام وکذلک
فافعل بنا یا ارحم الراحمین پنجم سید ابن باقی طاب ثراه در کتاب اختیار از جمله
دعاهای شب اول ماه این دعا است از حضرت صادق
علیه السلام روایت کرده و از لفظ دعا ظاهر میشود که اللهم قد حضر شهر رمضان
که از اداء عمره دخول ماه باشد و دعا اینست
فاذا ابلغتنیه فاعنی علی صیامه وتقبله منی فی یسرٍ منک
وعافیةٍ یا کریم ششم کلینی ره در کتاب کافی و ابن بابویه ره در کتاب من لا یحضره
الفقیه و دیگران بسند صحیح با خلاف از حضرت امام موسی
کاظم علیه السلام روایت نموده اند که آن حضرت بعلی بن رئاب فرمود که بخوان این دعا را در ماه مبارک
رمضان در اول سال و هر که این دعا را برای رضای حق تعالی از روی اخلاص بخواند در آن
سال نرسد باو فتنه و آفتی در دین او و نرسد در دنیای او و حق تعالی اللهم انی اسألک
حفظ نماید او را از شر آنچه در آن سال واقع شود از بلاها و دعا اینست

بِاسْمِكَ الَّذِي دَانَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَبِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ
وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي قَهَرَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَبِعَظَمَتِكَ الَّتِي تَوَاضَعَ لَهَا
كُلُّ شَيْءٍ وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي خَضَعَ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ وَبِجَبَرُوتِكَ الَّتِي
غَلَبَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَبِعِلْمِكَ الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ
يَا أَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَيَا بَاقِي بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ يَا اللهُ يَا رَحْمٰنُ صَلِّ عَلَى فيا
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ
الَّتِي تُنْزِلُ النِّقَمَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَقْطَعُ الرَّجَاءَ وَاغْفِرْ لِيَ
الذُّنُوبَ الَّتِي تُدِيلُ الْأَعْدَاءَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ الْبَلَاءَ يستحق بها نزول البلاء
وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ غَيْثَ السَّمَاءِ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي
تَكْشِفُ الْغِطَاءَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ وَاغْفِرْ لِيَ
الذُّنُوبَ الَّتِي تُورِثُ النَّدَمَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصَمَ
وَأَلْبِسْنِي دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ الَّتِي لَا تُرَامُ وَعَافِنِي مِنْ شَرِّ مَا أُحَاذِرُ
بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي هٰذِهِ اللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ
وَرَبَّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

وربّ

وَرَبَّ السَّبْعِ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ إِسْرَافِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَجَبْرَئِيلَ
وَرَبَّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ خاتم النبيين وسيد المرسلين
أَسْأَلُكَ بِكَ وَبِمَا سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ يَا عَظِيمُ أَنْتَ الَّذِي تَمُنُّ بِالْعَظِيمِ تسمّيت
وَتَدْفَعُ كُلَّ مَحْذُورٍ وَتُعْطِي كُلَّ جَزِيلٍ وَتُضَاعِفُ مِنَ الْحَسَنَاتِ
الْكَثِيرَ بِالْقَلِيلِ وَتَفْعَلُ مَا تَشَاءُ يَا قَدِيرُ يَا اللهُ يَا رَحْمٰنُ صَلِّ عَلَى بالقليل وبالكثير
مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَلْبِسْنِي فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي هٰذِهِ سِتْرَكَ وَأَضِئْ المجد
وَجْهِي بِنُورِكَ وَأَحِبَّنِي بِمَحَبَّتِكَ وَبَلِّغْنِي رِضْوَانَكَ وَشَرِيفَ كَرَامَتِكَ شرف كرامتك
وَجَسِيمَ عَطِيَّتِكَ وَأَعْطِنِي مِنْ خَيْرِ مَا عِنْدَكَ وَمِنْ خَيْرِ مَا أَنْتَ مُعْطِيهِ جزيل عطائك
أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ وَأَلْبِسْنِي مَعَ ذٰلِكَ عَافِيَتَكَ يَا مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوَى
وَيَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَى وَعَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ وَيَا دَافِعَ مَا تَشَاءُ مِنْ
بَلِيَّةٍ يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ تَوَفَّنِي عَلَى مِلَّةِ إِبْرٰهِيمَ وَفِطْرَتِهِ
وَعَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسُنَّتِهِ وَعَلَى خَيْرِ الْوَفَاةِ فَتَوَفَّنِي
مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكَ وَمُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ اللّٰهُمَّ وَجَنِّبْنِي فِي هٰذِهِ السَّنَةِ وامنعني من
كُلَّ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ يُبَاعِدُنِي مِنْكَ وَاجْلِبْنِي إِلَى كُلِّ عَمَلٍ

او قول او فعل يقربني منك في هذه السنة يا ارحم الراحمين و
امنعني من كل عمل او قول او فعل يكون مني اخاف ضرر عاقبته
واخاف مقتك اياي عليه حذار ان تصرف وجهك الكريم عني
فاستوجب به نقصا من حظ لي عندك يا رؤف يا رحيم اللهم
اجعلني في مستقبل سنتي هذه في حفظك وفي جوارك وفي
كنفك وجللني ستر عافيتك وهب لي كرامتك عز جارك
وجل ثناؤك ولا اله غيرك اللهم اجعلني تابعا لصالح من
من مضى من اوليائك والحقني بهم واجعلني مسلما لمن قال
بالصدق عليك منهم واعوذ بك اللهم ان تحيط بي خطيئتي
وظلمي واسرافي على نفسي واتباعي لهواي واشتغالي بشهواتي
فيحول ذلك بيني وبين رحمتك ورضوانك فاكون منسيا عندك
متعرضا لسخطك ونقمتك اللهم وفقني لكل عمل صالح ترضى به
عني وقربني اليك زلفى اللهم كما كفيت نبيك محمدا صلى الله
عليه واله هول عدوه وفرجت همه وكشفت غمه وصدقته

او فعل او قول
عني وجهك الكريم
يا الهي
واشتغالي بالشهوات
كرسه

وعدك

وعدك وانجزت له عهدك اللهم بذلك فاكفني هول هذه
السنة وآفاتها واسقامها وفتنتها وشرورها واحزانها وضيق
المعاش فيها وبلغني برحمتك كمال العافية بتمام دوام النعمة
عندي الى منتهى اجلي اسالك سؤال من ظلم واستكان و
اعترف ان تغفر لي ما مضى من الذنوب التي حصرتها حفظتك و
احصتها كرام ملائكتك علي وان تعصمني الهي من الذنوب فيما بقي
من عمري الى منتهى اجلي يا الله يا رحمن صل على محمد واهل بيت محمد
وآتني كل ما سالتك ورغبت اليك فيه فانك امرتني بالدعاء
تكفلت لي بالاجابة يا ارحم الراحمين مؤلف گويد كه ممكن است كه مراد حضرت
امام موسى كاظم ع در شرح اين دعا اين
باشد كه اين دعا را در ماه مبارك رمضان كه اول سال است بخوان بنابر اين اختصاص
به اول وروز اول ندارد بلكه در همه اوقات اين ماه خوانده ميشود ومحتمل است كه
هر شب وهر روز اين ماه بايد خوانده شود ليكن اين احتمال بعيد است فقط سيد بن طاوس
طاب ثراه در كتاب اقبال از حضرت صادق عليه السلام روايت كرده است كه چون ماه رمضان حاضر شود اين
دعا را بخوان اللهم قد حضر شهر رمضان وقد افترضت علينا صيامه وانزلت
فيه القرآن هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان اللهم صل
على محمد وآله واعنا على صيامه وتقبله منا وسلمنا فيه وتسلمه

احصيتها
اللهم
فيه اليك

بنا في يسر منك وعافية إنك على كل شيء قدير يا أرحم الراحمين مؤلف گوید که

سید این دعا را از دعیرش اول ایام نقل نموده و ظاهر لفظ روایت آنست که از دعیه دخول باشد والله یعلم شیخ سید بن طاوس رحمه الله در کتاب اقبال از حضرت صادق عم روایت

کرده است که آنحضرت فرمود که در روز اللهم هذا شهر رمضان المبارك الذي

حضور ماه مبارک رمضان این دعا را بخوان

أنزلت فيه القرآن وجعلته هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان

قد حضر فسلمنا فيه وسلمه لنا وتسلمه منا في يسر منك وعافية

وأسألك اللهم أن تغفر لي في شهري هذا وترحمني فيه وتعتق رقبتي

من النار وتعطيني فيه خير ما أعطيت أحدا من خلقك وخير ما أنت

معطيه ولا تجعله آخر شهر رمضان صمته لك منذ أسكنتني

أرضك إلى يومي هذا اجعله علي أتمه نعمة وأعمه عافية و

أوسعه رزقا وأجزله وأهنأه اللهم إني أعوذ بك وبوجهك الكريم

وملكك العظيم أن تغرب الشمس من يومي هذا أو ينقضي بقية

هذا اليوم أو يطلع الفجر من ليلتي هذه أو يخرج هذا الشهر ولك

قبلي معه تبعة أو ذنب أو خطيئة تريد أن تقايسني بذلك أو تؤاخذني يسني خ

به أو توقفني به موقف خزي في الدنيا والآخرة أو تعذبني به يوم

القاك

ألقاك يا أرحم الراحمين اللهم إني أدعوك لهم لا يفرجه غيرك

ولرحمة لا تنال إلا بك ولكرب لا يكشفه إلا أنت ولرغبة لا تبلغ

إلا بك ولحاجة لا تقضى دونك اللهم فكما كان من شأنك ما أردتني

به من مسألتك ورحمتني به من ذكرك فليكن من شأنك سيدي

الإجابة لي فيما دعوتك والنجاة لي فيما فزعت إليك منه اللهم

صل على محمد وآل محمد وافتح لي من خزائن رحمتك رحمة لا

تعذبني بعدها أبدا في الدنيا والآخرة وارزقني من فضلك

الواسع رزقا واسعا طيبا لا تفقرني بعده إلى أحد سواك أبدا

تزيدني بذلك لك شكرا وإليك فاقة وفقرا وبك عمن سواك غنى و

تعففا اللهم إني أعوذ بك أن يكون جزاء إحسانك الإساءة مني

اللهم إني أعوذ بك أن أصلح عملي فيما بيني وبين الناس و

أفسده فيما بيني وبينك اللهم إني أعوذ بك أن تحول سريرتي بيني و

بينك أو تكون مخالفة لطاعتك اللهم إني أعوذ بك أن يكون شيء

من الأشياء آثر عندي من طاعتك اللهم إني أعوذ بك أن أعمل

من طاعتك قليلا او كثيرا او اريد به احدا غيرك او اعمل عملا يخالطه
رياء اللهم اني اعوذ بك من هوى يردي من يركبه اللهم اني
اعوذ بك ان اجعل شيئا من شكري فيما انعمت به علي لغيرك اطلب به
رضا خلقك اللهم اني اعوذ بك ان اتعدى حدا من حدودك ازين
بذلك للناس واركن به الى الدنيا اللهم اني اعوذ بعفوك من
عقوبتك واعوذ برضاك من سخطك واعوذ بطاعتك من معصيتك
واعوذ بك منك جل ثناؤه وجهك لا احصي الثناء عليك ولو
حرصت وانت كما اثنيت على نفسك سبحانك وبحمدك اللهم
اني استغفرك واتوب اليك من مظالم كثيرة لعبادك
عندي فايما عبد من عبادك او امة من امائك كانت له قبلي
مظلمة ظلمته اياها في ماله او بدنه او عرضه لا استطيع اداء
ذلك اليه ولا اتحللها منه فصل على محمد وآل محمد وارضه انت
عني بما شئت وكيف شئت وهبها لي وما تصنع يا سيدي بعذابي
وقد وسعت رحمتك كل شيء وما عليك يا رب ان تكرمني برحمتك

ولا

ولا تهيني بعذابك ولا ينقصك يا رب ان تفعل بي ما سألتك فانت
واجد لكل شيء لك اللهم اني استغفرك واتوب اليك من
كل ذنب تبت اليك منه ثم عدت فيه ومما ضيعت من
فرائضك واداء حقك من الصلوة والزكوة والصيام و
الجهاد والحج والعمرة او اسباغ الوضوء والغسل من الجنابة
وقيام الليل وكثرة الذكر وكفارة اليمين والاسترجاع
في المعصية والصدود من كل شيء قصرت فيه من فريضة او
سنة فاني استغفرك واتوب اليك منه ومما ركبت من الكبائر
واتيت من المعاصي وعملت من الذنوب واجترحت من السيئات مت خ ل
واصبت من الشهوات وباشرت من الخطايا مما عملته من ذلك عمدا
او خطأ سرا او علانية فاني اتوب اليك منه ومن سفك الدم
وعقوق الوالدين وقطيعة الرحم والفرار من الزحف وقذف
المحصنات واكل اموال اليتامى ظلما وشهادة الزور وكتمان
الشهادة وان اشتري بعهدك في نفسي ثمنا قليلا واكل الربوا والغلول

وَالنَّجْمِ وَالسِّحْرِ وَالِاكْتِهَانِ وَالطِّيَرَةِ وَالشِّرْكِ وَالرِّيَاءِ وَالسَّرِقَةِ
وَشُرْبِ الْخَمْرِ وَنَقْصِ الْمِكْيَالِ وَبَخْسِ الْمِيزَانِ وَالشِّقَاقِ وَالنِّفَاقِ
وَنَقْضِ الْعَهْدِ وَالْفِرْيَةِ وَالْخِيَانَةِ وَالْغَدْرِ وَإِخْفَارِ الذِّمَّةِ وَالْحَلْفِ
وَالْغِيبَةِ وَالنَّمِيمَةِ وَالْبُهْتَانِ وَالْهَمْزِ وَاللَّمْزِ وَالتَّنَابُزِ بِالْأَلْقَابِ وَ
أَذَى الْجَارِ وَدُخُولِ بَيْتٍ بِغَيْرِ إِذْنٍ وَالْفَخْرِ وَالْكِبْرِ وَالْإِشْرَاكِ وَ
الْإِصْرَارِ وَالِاسْتِكْبَارِ وَالْمَشْيِ فِي الْأَرْضِ مَرَحاً وَالْجَوْرِ فِي الْحُكْمِ وَ
الِاعْتِدَاءِ فِي الْغَضَبِ وَرُكُوبِ الْحَمِيَّةِ وَتَعَضُّدِ الظَّالِمِ وَعَوْنٍ عَلَى
الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَقِلَّةِ الْعَدَدِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ وَرُكُوبِ الظَّنِّ
وَاتِّبَاعِ الْهَوَى وَالْعَمَلِ بِالشَّهْوَةِ وَالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ
وَفَسَادٍ فِي الْأَرْضِ وَجُحُودِ الْحَقِّ وَالْإِدْلَاءِ إِلَى الْحُكَّامِ بِغَيْرِ حَقٍّ وَ
الْمَكْرِ وَالْخَدِيعَةِ وَالْبُخْلِ وَقَوْلٍ فِيمَا لَا أَعْلَمُ وَأَكْلِ الْمَيْتَةِ وَالدَّمِ
وَلَحْمِ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللهِ بِهِ وَالْحَسَدِ وَالْبَغْيِ وَالدُّعَاءِ إِلَى
الْفَاحِشَةِ وَالتَّمَنِّي بِمَا فَضَّلَ اللهُ وَالْإِعْجَابِ بِالنَّفْسِ وَالْمَنِّ بِالْعَطِيَّةِ
وَالِارْتِكَانِ إِلَى الظُّلْمِ وَجُحُودِ الْفُرْقَانِ وَقَهْرِ الْيَتِيمِ وَانْتِهَارِ السَّائِلِ القرآن نـ

وَالْحِنْثِ فِي الْأَيْمَانِ وَكُلِّ يَمِينٍ كَاذِبَةٍ فَاجِرَةٍ وَظُلْمِ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فِي
أَمْوَالِهِمْ وَأَشْعَارِهِمْ وَأَبْشَارِهِمْ وَأَعْرَاضِهِمْ وَمَا رَآهُ بَصَرِي وَسَمِعَهُ
سَمْعِي وَنَطَقَ بِهِ لِسَانِي وَبَسَطْتُ إِلَيْهِ يَدِي وَنَقَلْتُ إِلَيْهِ قَدَمِي
وَبَاشَرَهُ جِلْدِي وَحَدَّثْتُ بِهِ نَفْسِي مِمَّا هُوَ لَكَ مَعْصِيَةٌ وَكُلِّ يَمِينٍ
زُورٍ وَمِنْ كُلِّ فَاحِشَةٍ وَذَنْبٍ وَخَطِيئَةٍ عَمِلْتُهَا فِي سَوَادِ اللَّيْلِ
وَبَيَاضِ النَّهَارِ فِي مَلَإٍ أَوْ خَلَاءٍ مِمَّا عَلِمْتُهُ أَوْ لَمْ أَعْلَمْهُ ذَكَرْتُهُ أَوْ
لَمْ أَذْكُرْهُ سَمِعْتُهُ أَوْ لَمْ أَسْمَعْهُ عَصَيْتُكَ فِيهِ رَبِّي طَرْفَةَ
عَيْنٍ وَفِيمَا سِوَاهَا مِنْ حِلٍّ أَوْ حَرَامٍ تَعَدَّيْتُ فِيهِ أَوْ قَصَّرْتُ عَنْهُ
مُنْذُ يَوْمِ خَلَقْتَنِي إِلَى يَوْمِ جَلَسْتُ مَجْلِسِي هَذَا فَإِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ
وَأَنْتَ يَا كَرِيمُ تَوَّابٌ رَحِيمٌ اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمَنِّ وَالْفَضْلِ وَالْمَحَامِدِ
الَّتِي لَا تُحْصَى صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْبَلْ تَوْبَتِي وَلَا تَرُدَّهَا
لِكَثْرَةِ ذُنُوبِي وَمَا أَسْرَفْتُ عَلَى نَفْسِي حَتَّى أَرْجِعَ فِي ذَنْبٍ تُبْتُ إِلَيْكَ
مِنْهُ فَاجْعَلْهَا يَا عَزِيزُ تَوْبَةً نَصُوحاً صَادِقَةً مَبْرُورَةً لَدَيْكَ مَقْبُولَةً
مَرْفُوعَةً عِنْدَكَ فِي خَزَائِنِكَ الَّتِي ذَخَرْتَهَا لِأَوْلِيَائِكَ حِينَ قَبِلْتَهَا

منهم ورضيت بها عنهم اللهم ان هذه النفس نفس عبدك وانا اسالك
ان تصلي على محمد وال محمد وان تحصنها من الذنوب وتمنعها
من الخطايا وتحرزها من السيئات وتجعلها في حصن حصين منيع
لا يصل اليها ذنب ولا خطيئة ولا يفسدها عيب ولا معصية
حتى القاك يوم القيمة وانت عني راض وانا مسرور تغبطني
ملائكتك وانبياؤك وجميع خلقك وقد قبلتني وجعلتني درسلك
تائبا طاهرا زاكيا من الصادقين اللهم اني اعترف لك بذنوبي
فصل على محمد واله واجعلها ذنوبا لا تغفرها لاحد من خلقك
يا غفار الذنوب يا ارحم الراحمين سبحانك اللهم وبحمدك
عملت سوء وظلمت نفسي فصل على محمد وال محمد واغفر لي انك
انت الغفور الرحيم اللهم ان كان من عطائك ومنك وفضلك
وفي علمك وقضائك ان ترزقني التوبة فصل على محمد واله واعصمني
بقية عمري واحسن معونتي في الجد والاجتهاد والمسارعة الى
ما تحب وترضى والنشاط والفرح والصحة حتى ابلغ في عبادتك

وطاعتك

وطاعتك التي تحق لك على رضاك وان ترزقني برحمتك ما اقيم حدود بدها
دينك وحتى اعمل في ذلك بسنن نبيك صلوات الله عليه واله وتفعل
ذلك لجميع المؤمنين والمؤمنات في مشارق الارض ومغاربها
اللهم انك تشكر اليسير وتغفر الكثير وانت الغفور الرحيم

بكوى اين فقرة آخر را يعنى اللهم انك تشكر تا آخر يا وانت الغفور الرحيم را سه مرتبه پس بگوى
[illegible]
اللهم اقسم لي كلما تطفئ به عني نائرة كل جاهل وتخمد عني
شعلة كل قائل واعطني هدى عن كل ضلالة وغنى من كل
فقر وقوة من كل ضعف وعزا من كل ذل ورفعة من كل ضعة
وامنا من كل خوف وعافية من كل بلاء اللهم ارزقني عملا يفتح
لي باب كل يقين ويقينا يسد عني باب كل شبهة ودعاء
تنبسط به الاجابة وخوفا تيسر لي كل رحمة وعصمة تحول بيني
يا من نهاني عن المعصية فعصيته فلم يفضحني عند معصيته
يا من البسني عافيته فعصيته ولم يسلبني عنده العافية يا من
اكرمني واسبغ على نعمه فعصيته فلم يزل عني نعمته يا من
نصح لي فتركت نصيحته فلم يستدرجني عند تركي نصيحته

يا من أوصاني بوصايا كثيرة لا تحصى إشفاقاً منه عليّ ورحمة
منه لي فتركت وصيته يا من كتم سيئتي وأظهر محاسني حتى
كأني لم أزل أعمل بطاعته يا من أرضيت عباده بسخطه فلم
يكلني إليهم ورزقني من سعته يا من دعاني إلى جنته فاخترت
النار فلم يمنعه ذلك أن فتح لي باب توبته يا من أقالني عظيم
العثرات وأمرني بالدعاء وضمن لي إجابته يا من أعصيه فيستر
عليّ ويغضب لي أن عيّرت بمعصيته يا من نهاني خلقه عن انتهاك
محارمي وأنا معتكف على انتهاك محارمه يا من أفنيت ما أعطاني
في معصيته فلم يحبس عني عطيته يا من قويت على المعاصي بكفايته
فلم يخذلني ولم يخرجني من كفايته يا من بارزته بالخطايا
فلم يمثّل بي عند جرأتي على مبارزته يا من أمهلني حتى استغنيت
من لذاتي ثم وعدني على تركها مغفرته يا من أدعوه وأنا على
معصيته فيجيبني ويقضي حاجتي بقدرته يا من عصيته بالليل و
النهار وقد وكّل بالاستغفار لي ملائكته يا من عصيته في

الشباب

الشباب والمشيب وهو يتأنّاني ويفتح لي باب رحمته يا من يشكر
اليسير من عملي وينسى الكثير من كرامته يا من خلّصني بقدرته و
نجّاني بلطفه يا من استدرجني حتى جاءت محبته يا من فرض الكثير
لي من إجابته على طول إساءتي وتضييعي فريضته يغفر ظلمنا وحوبنا
وجرأتنا وهو لا يجور علينا في قضيته يا من يظالم فلا يؤاخذ بعلمه
ويمهل حتى يحضر المظلوم بيّنته يا من يشرك به عبده وهو خلقه بيّنة ظ
فلا يتعاظمه أن يغفر له جريرته يا من منّ عليّ بتوحيده وحضّني
على الذنوب وأرجو أن يغفرها لي بمشيته يا من أعذر وأنذر
ثم عدت بعد الإعذار والإنذار في معصيته يا من يعلم أن حسناتي
لا تكون ثمناً لأصغر نعمه يا من أفنيت عمري في معصيته فلم يغلق عني
باب توبته يا ويلي ما أقل حيائي ويا سبحان هذا الرب ما أعظم هيبته هيبة ظ
ويا ويلي ما أقطع لساني عند الاعتذار وما عذري وقد ظهرت عليّ حجته
ما أنا إذا بحت بجرمي معترف بذنبي إن لم يرحمني ويتغمدني بمغفرته يا من
الأرضون والسموات جميعاً في قبضته يا من استحقت عقوبته

ها انا ذا عبدك الحسير الخاطئ اغفر له خطيئته يا من يجيرني في محياي ومماتي
يا من هو عدتي لظلمة القبر ووحشته يا من هو ثقتي ورجائي وعدتي
لعذاب القبر وضغطته يا من هو غياثي ومفزعي وعدتي للحساب ودقته
يا من عظم عفوه وكرم صفحه واشتدت نقمته الهي لا تعذبني
يوم القيمة فانك عدتي للميزان وخفته ها انا ذا ابوء بجرمي مقر
بذنبي معترف بخطيئتي الهي خالقي ومولاي صل على محمد وال محمد
واختم لي بالشهادة والرحمة اللهم اني اسالك بكل اسم هو لك
يحق عليك فيه اجابة الدعاء اذا دعيت به واسالك بحق كل ذي
حق عليك وبحقك على جميع من دونك ان تصلي على محمد
عبدك ورسولك وال محمد عبيدك النجباء الميامين ومن ارادني
فخذه بسمعه وبصره ومن بين يديه ومن خلفه وامنعه عني بحولك
وقوتك انك على كل شيء قدير اللهم انا نرغب اليك في دولة
كريمة تعز بها الاسلام واهله وتذل بها النفاق واهله
وتجعلنا فيها من الدعاة الى طاعتك والقادة الى سبيلك وترزقنا

بها كرامة الدنيا والاخرة برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم
انا نشكو اليك غيبة نبينا وكثرة عدونا وقلة عددنا وشدة
الفتن بنا وتظاهر الزمان علينا صل على محمد وال محمد واعنا على
ذلك بفتح منك تعجله ونصر تعزه وسلطان حق تظهره ورحمة
منك تجللناها وعافيتك فالبسناها برحمتك يا ارحم الراحمين
اللهم اني لم اعمل الحسنة حتى اعطيتنيها ولم اعمل السيئة الا بعد
ان زينها الشيطان الرجيم اللهم فصل على محمد واله وعد علي
بعطائك وداو دائي بدوائك فان دائي الذنوب القبيحة ودواؤك
وعد عفوك وحلاوة رحمتك اللهم ولا تهتك ستري ولا تبد عورتي
وامن روعتي واقلني عثرتي ونفس كربي واقض عني ديني
وامانتي واخز عدوك وعدو ال محمد وعدوي وعدو المؤمنين
من الجن والانس في مشارق الارض ومغاربها اللهم حاجتي حاجتي
حاجتي التي ان اعطيتنيها لم يضرني ما منعتني وان منعتنيها
لم ينفعني ما اعطيتني وهي فكاك رقبتي من النار فصل على

محمد وآل محمد وارض عني وارض عني وارض عني وفقره وارض عني اكثر ميگويد تا نفس منقطع شود پس ميگويد
اللهم اياك تعهدت بحاجتي وبك انزلت مسكنتي فلتسعني رحمتك
يا وهاب الجنة يا وهاب المغفرة لا حول ولا قوة الا بك اين
اطلبك يا موجودا في كل مكان لعلك في الفيافي مرة وفي القفار اخرى
لعلك تسمع مني النداء فقد عظم جرمي وقل حيائي مع تقلقل
قلقي وبعد مطلبي وكثرة اهوالي اتذكر وايها انسى فلو لم
يكن الا الموت لكفى فكيف وما بعد الموت اعظم وادهى يا
تقلي ودماري وسوء سلفي وقلة نظري لنفسي حتى متى والى متى
اقول لك العتبى مرة بعد اخرى ثم لا تجد عندي صدقا ولا وفاء
اسئلك بحق الذين كنت انيسا في الظلمات وبحق الذين لم يرضوا [illegible]
بصيام النهار ومكابدة الليل حتى مضوا على الاسنة قدما فخضبوا
اللحاء بالدماء ورملوا الوجوه بالثرى الا عفوت عمن ظلم
واساء يا غوثاه يا الله يا رباه اعوذ بك من هوى قد غلبني و
من عدو قد استكلب علي ومن دنيا قد تزينت لي ومن نفس امارة

بالسوء

بالسوء الا ما رحم ربي فان كنت سيدي قد قبلت مثلي فاقبلني
يا من قبل السحرة اقبلني يا من يغذيني بالنعم صباحا ومساء قد
تراني فريدا وحيدا شاخصا بصري مقلدا عملي قد تبرا جميع
الخلق مني نعم وابي وامي ومن كان له سعيي الهي فمن يقبلني
وليسمع ندائي ومن يونس وحشتي ومن ينطق لساني اذا غيبت
في الثرى وحدي ثم سالتني بما انت اعلم به مني فان قلت نعم عائذ [illegible]
فاين المهرب من عدلك وان قلت لم افعل قلت لم اكن شاهدك
واراك يا الله يا كريم العفو من لي غيرك ان سالت غيرك لم يعطني
وان دعوت غيرك لم يجبني رضاك يا رب قبل لقائك رضاك يا
رب قبل نزول النيران رضاك يا رب قبل ان تغل الايدي الى
الاعناق رضاك يا رب قبل ان انادي فلا اجاب النداء يا
احق من تجاوز وعفى وعزتك لا اقطع منك الرجاء وان
عظم جرمي وقل حيائي فقد لزق بالقلب داء ليس له
دواء يا من لم يلذ اللائذون بمثله يا من لم يتعرض المتعرضون

لاكرم منه ويا من لم تشد الرحال الى مثله صل على محمد وال محمد
واشغل قلبي بعظيم شانك وارسل محبتك اليه حتى القاك
واوداجي تشخب دما يا واحد يا اجود المنعمين المتكبر المتعال
صل على محمد وال محمد وافكك رقبتي من النار برحمتك يا
ارحم الراحمين الهي قل شكري سيدي فلم تحرمني وعظمت
خطيئتي سيدي فلم تفضحني ورايتني على المعاصي سيدي فلم
تمنعني ولم تهتك ستري وامرتني سيدي بالطاعة فضيعت ما
به امرتني فاي فقير افقر مني سيدي ان لم تغنني فاي شقي اشقى
مني ان لم ترحمني فنعم الرب انت يا سيدي ونعم المولى وبئس
العبد انا يا سيدي وجدتني اي ربّاه ها انا ذا بين يديك معترف
بذنوبي مقر بالاساءة والظلم على نفسي من انا يا رب فتقصد
لعذابي ام من يدخل في مسالتك ان انت رحمتني اللهم اني
اسالك من الدنيا ما اسد به لساني واحصن به فرجي واؤدي
به عن امانتي واصل به رحمي واتجر به لاخرتي ويكون لي عونا

على

على الحج والعمرة فانه لا حول ولا قوة الا بك وعزتك يا كريم ولالحن
عليك ولاطلبن اليك ولاتضرعن اليك ولابسطنها اليك (لابسطن يدي)
مع ما اقترفنا من الاثام يا سيدي فبمن اعوذ وبمن الوذ
كل من اتيته في حاجة وسالته فائدة فاليك يرشد
وعليك يدلني وفيما عندك يرغبني فاسئلك بحق محمد وعلي
وفاطمة والحسن والحسين وعلي بن الحسين ومحمد بن علي
وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلي بن موسى ومحمد بن علي
وعلي بن محمد والحسن بن علي والحجة القائم بالحق صلوات الله
يا رب عليهم اجمعين وبالشان الذي لهم عندك فان لهم عندك
شانا من الشان ان تصلي على محمد وال محمد وان تفعل بي
كذا وكذا وحاجتي كذا او كذا حوائج دنيا واخرت اللهم ربنا ورب كل شيء
خودرا سؤال كن کر بر آورده می شود ان شاء الله (تعالى ميكويد)
منزل التورية والانجيل والزبور والفرقان العظيم فالق
الحب والنوى اعوذ بك من شر كل دابة انت اخذ بناصيتها
انت الاول فليس قبلك شيء وانت الاخر فليس بعدك شيء و

أنت الظاهر فليس فوقك شيء وأنت الباطن فليس دونك شيء فصل
على محمد وآله واقض عني الدين وأغنني من الفقر يا خير
من عبد ويا أشكر من حمد ويا أحلم من قهر ويا أكرم من
قدر ويا أسمع من نودي ويا أقرب من نوجي ويا آمن من
استجير ويا أرأف من استغيث ويا أكرم من سئل ويا أجود
من أعطى ويا أرحم من استرحم صل على محمد وآل محمد
وارحمهم فلك حيلتي وامنن علي بالجنة طولا منك وفك رقبتي
من النار تفضلا اللهم إني أطعتك في أحب الأشياء إليك و
هو التوحيد ولم أعصك في أكره الأشياء إليك وهو
الشرك فصل على محمد وآل محمد واكفني أمر عدوي اللهم
إن لك عدوا لا يألوني خبالا بصيرا بعيوبي حريصا على غوايتي يراني بي ن
هو وقبيله من حيث لا أراهم اللهم صل على محمد وآل محمد و قبله
أعذ من شر شياطين الجن والإنس أنفسنا وأموالنا وأهالينا
وأولادنا وما أغلقت عليه أبوابنا وما أحاطت به عوراتنا

اللهم

اللهم وحرمني عليه كما حرمت عليه الجنة وباعد بيني وبينه
كما باعدت بين السماء والأرض وأبعد من ذلك اللهم إني
أعوذ بك من الشيطان الرجيم ومن رجسه ونصبه وهمزه
ولمزه ونفخه وكيده ومكره وسحره ونزغه وفتنه
وغوائله اللهم إني أعوذ بك منهم في الدنيا والآخرة وفي
المحيا والممات يا مسمي نفسه بالاسم الذي قضى أن حاجة
من يدعوه به مقضية أسألك به إذ لا شفيع لي عندك أوثق
منه أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تفعل بي كذا وكذا
وبجای کذا وکذا حاجات خود را سؤال کن اللهم إن أدخلتني الجنة فأنت محمود
که برآورده می شود انشاء الله تعالی بگو
يا من هو محمود في كل حال صل على محمد وآل محمد وافعل
بي ما تشاء وأنت محمود إلهي أتراك معذبي وقد عفرت لك في
التراب خدي أتراك معذبي وحبك في قلبي أما إنك إن فعلت
ذلك بي جمعت بيني وبين قوم طال ما عاديتهم فيك اللهم
إني أسألك بكل اسم هو لك يحق عليك فيه الإجابة للدعاء

اذا دعيت به واسألك بكل ذي حق عليك وبحقك على جميع
من هو دونك ان تصلي على محمد عبدك ورسولك وآله الطاهرين
ومن ارادني او اراد احدا من اخواني بسوء فخذ بسمعه وبصره
ومن بين يديه ومن خلفه وامنعني منه بحولك وقوتك اللهم
ما غاب عني من امري او حضرني ولم ينطق به لساني ولم تبلغه
مسئلتي انت اعلم به مني فصل على محمد وآل محمد واصلحه
لي وسهله يا رب العالمين ربنا لا تؤاخذنا ان نسينا او اخطأنا
ربنا ولا تحمل علينا اصرا كما حملته على الذين من قبلنا ربنا
ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف عنا واغفر لنا وارحمنا
انت مولينا فانصرنا على القوم الكافرين ماذا عليك يا رب لو
ارضيت عني كل من له قبلي تبعة وادخلتني الجنة برحمتك
وغفرت لي ذنوبي فان مغفرتك للخاطئين وانا منهم فاغفر لي
خطاياي يا رب العالمين اللهم تحلم عن المذنبين وتعفوا عن
الخاطئين وانا عبدك الخاطئ المذنب الحقير الشقي الذي قد

افزع

افزعتني ذنوبي واوبقتني خطاياي ولم اجد لها سادا ولا
غافرا غيرك يا ذا الجلال والاكرام الهي استعبدتني الدنيا
واستخدمتني فصرت حيران بين اطباقها فيا من احصى القليل
فشكره وتجاوز عن الكثير في معصيته فاغفره فانه لا
يغفر العظيم الا العظيم يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد
وآل محمد واعني على صلوة الليل وصيام النهار وارزقني
من الورع ما يحجزني عن معاصيك واجعل عبادتي لك ايام
حيوتي واستعملني ايام عمري بعمل ترضى به عني وزودني من
الدنيا التقوى واجعل لي في لقائك خلفا من جميع الدنيا
واجعل ما بقي من عمري دركا لما مضى من اجلي انت انك
انت ارحم الراحمين في موضع العفو والرحمة واشد المعاقبين
في موضع النكال والنقمة واعظم المتجبرين في موضع الكبرياء مواضع
والعظمة فاسمع يا سميع مدحتي واجب يا رحيم دعوتي واقل يا
غفور عثرتي فكم يا الهي من كربة قد فرجتها وغمة قد كشفتها

وَعَثْرَةٍ قَدْ اَقَلْتَهَا وَرَحْمَةٍ قَدْ نَشَرْتَهَا وَحَلْقَةِ بَلاءٍ قَدْ فَكَكْتَهَا
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي هَدَانَا لِهٰذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا اَنْ هَدَانَا
اللّٰهُ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اُشْهِدُكَ وَكَفَى بِكَ شَهِيدًا فَاشْهَدْ لِي بِاَنِّي
اَشْهَدُ اَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ رَبِّي وَاَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُكَ
نَبِيِّي وَاَنَّ الدِّينَ الَّذِي شَرَعْتَ لَهُ دِينِي وَاَنَّ الْكِتَابَ الَّذِي اَنْزَلْتَ
عَلَيْهِ كِتَابِي وَاَنَّ عَلِيَّ بْنَ اَبِي طَالِبٍ اِمَامِي وَاَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ
صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ اَئِمَّتِي اَللّٰهُمَّ اِنِّي اُشْهِدُكَ وَكَفَى بِكَ شَهِيدًا
فَاشْهَدْ لِي بِاَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ الْمُنْعِمُ عَلَيَّ لَا غَيْرُكَ لَكَ الْحَمْدُ بِنِعْمَتِكَ
تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ وَبِحَمْدِهِ
وَتَبَارَكَ اللّٰهُ وَتَعَالَى وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
وَلَا مَلْجَاَ وَلَا مَنْجَا مِنَ اللّٰهِ اِلَّا اِلَيْهِ عَدَدَ الشَّفْعِ وَالْوَتْرِ وَعَدَدَ
كَلِمَاتِ رَبِّيَ الطَّيِّبَاتِ الْمُبَارَكَاتِ صَدَقَ اللّٰهُ وَبَلَّغَ الْمُرْسَلُونَ
وَنَحْنُ عَلَى ذٰلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَاجْعَلِ النُّورَ فِي بَصَرِي وَالنَّصِيحَةَ فِي صَدْرِي وَذِكْرَكَ بِاللَّيْلِ

والنهار

وَالنَّهَارِ عَلَى لِسَانِي وَمِنْ طَيِّبِ رِزْقِكَ الْحَلَالِ غَيْرَ مَمْنُونٍ وَلَا مَحْظُورٍ فَارْ زُقْنِي
اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ خَيْرَ الْمَعِيشَةِ مَعِيشَةً اَقْوَى بِهَا عَلَى جَمِيعِ
حَاجَاتِي وَاَتَوَسَّلُ بِهَا فِي الْحَيٰوةِ اِلَى آخِرَتِي مِنْ غَيْرِ اَنْ تُتْرِفَنِي فِيهَا فَاَشْقَى
وَاَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ حَلَالِ رِزْقِكَ وَاَفِضْ عَلَيَّ مِنْ سَيْبِ فَضْلِكَ نِعْمَةً
مِنْكَ سَابِغَةً وَعَطَاءً غَيْرَ مَمْنُونٍ وَلَا تَشْغَلْنِي فِيهَا عَنْ شُكْرِ نِعْمَتِكَ
عَلَيَّ بِاِكْثَارٍ مِنْهَا فَتُلْهِيَنِي عَجَائِبُ بَهْجَتِهِ وَتَفْتِنَنِي زَهَرَاتُ
زِينَتِهِ وَلَا بِاِقْلَالٍ مِنْهَا فَيَقْصُرُ بِعَمَلِي كَدُّهُ وَيَمْلَاُ صَدْرِي هَمُّهُ
بَلْ اَعْطِنِي مِنْ ذٰلِكَ غِنًى عَنْ شِرَارِ خَلْقِكَ وَبَلَاغًا اَنَالُ بِهِ رِضْوَانَكَ
يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَشَرِّ اَهْلِهَا
وَشَرِّ مَا فِيهَا وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا عَلَيَّ سِجْنًا وَلَا تَجْعَلْ فِرَاقَهَا لِي حُزْنًا
اَجِرْنِي مِنْ فِتْنَتِهَا وَاجْعَلْ عَمَلِي فِيهَا مَقْبُولًا وَسَعْيِي فِيهَا مَشْكُورًا
حَتَّى اَصِلَ بِذٰلِكَ اِلَى دَارِ الْحَيَوَانِ وَمَسَاكِنِ الْاَخْيَارِ اَللّٰهُمَّ
وَاِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنْ اَزْلِهَا وَزِلْزَالِهَا وَسَطَوَاتِ سُلْطَانِهَا وَمِنْ
شَرِّ شَيَاطِينِهَا وَبَغْيِ مَنْ بَغَى عَلَيَّ فِيهَا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ

اعصمني بالسكينة والبسني درعك الحصينة واحبني في سترك
الواقي واصلح لي وبارك لي في اهلي وولدي ومالي اللهم صل
على محمد واله وطهر قلبي وجسدي وزك عملي واقبل سعيي
واجعل ما عندك خيرا لي سيدي انا من حبك جائع لا اشبع انا
من حبك ظمآن لا اروى واشوقاه الى من يراني ولا اراه يا حبيب
من تحبب اليه يا قرة عين من لاذ به وانقطع اليه قد ترى وحدتي
من الادميين ووحشتي فصل على محمد واله واغفر لي وانس وحشتي
وارحم وحدتي وغربتي اللهم انك عالم بحوائجي غير معلم وواسع
لها غير متكلف فصل على محمد واله وافعل بي ما انت اعلم به
مني من امر دنياي واخرتي اللهم عظم الذنب من عبدك فليحسن
العفو من عندك يا اهل التقوى واهل المغفرة اللهم ان
عفوك عن ذنبي وتجاوزك عن خطيئتي وصفحك عن ظلمي
وسترك على قبيح عملي وحلمك عن كبير جرمي عند ما كان من
خطاي وعمدي اطمعني في ان اسالك ما لا استوجبه منك

الذي

الذي رزقتني من رحمتك واريتني من قدرتك وعرفتني من اجابتك
فصرت ادعوك امنا واسالك مستانسا لا خائفا ولا وجلا
مدلا عليك فيما قصدت فيه اليك فان ابطا عني عتبت
بجهلي ولعل الذي ابطا عني هو خير لي لعلمك بعاقبة الامور فلم
ار مولى كريما اصبر على عبد لئيم منك علي يا رب انك
تدعوني فاولي عنك وتتحبب الي فاتبغض اليك وتتودد
الي فلا اقبل منك كان لي التطول عليك ولم يمنعك ذلك
من الرحمة لي والاحسان الي والتفضل علي بجودك وكرمك
فصل على محمد واله وارحم عبدك الجاهل وجد عليه بفضل
احسانك انك جواد كريم اي جواد اي كريم بعد ان بسم الله
الرحمن الرحيم بسم الله وبسم الله بسم عالم الغيب بسم من لم يزل وحدا
نيته شك ولا ريب بسم من لا فوت عليه ولا رغبة الا اليه
بسم المعلوم غير المحدود والمعروف غير الموصوف بسم من امات
واحيا بسم من له الاخرة والاولى بسم العزيز الاعز بسم الجليل

الاجل بسم المحمود غير المحدود المستحق له على السراء والضراء بسم
المذكور في الشدة والرخاء بسم المهيمن الجبار بسم
الحنان المنان بسم العزيز من غير تعزز والقدير من غير اقتدار
بسم من لم يزل ولا يزول بسم الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم
لا تاخذه سنة ولا نوم بعدا اللهم صل على محمد واله واصلحني
آن بکو
قبل الموت وارحمني عند الموت واغفر لي بعد الموت اللهم
صل على محمد واله واحطط عنا اوزارنا بالرحمة وارجع
بمسيئنا الى التوبة اللهم ان ذنوبي قد كثرت وجلت عن
الصفة وانها صغيرة في جنب عفوك فصل على محمد واله واعف عني
اللهم ان كنت ابتليتني فصبرني والعافية احب الي اللهم
صل على محمد واله وحسن ظني بك وحققه وبصر فعلي يسرة
واعطني من عفوك بمقدار املي ولا تجازني بسوء عملي فتهلكني
فان كرمك يجل عن مجازاة من اذنب وقصر وعاند وانا لك
عائذ بفضلك هارب منك اليك متنجز اما وعدت من الصفح

عمن

عمن احسن بك ظنا اللهم صل على محمد واله واغفر لي والجلد
بارك والنفس دائرة واللسان منطلق والصحف منشرة والاقلام
جارية والتوبة مقبولة والتضرع مرجو قبل ان لا اقدر
على استغفارك حين يفنى الاجل وينقطع العمل اللهم صل على محمد
واله وتولنا ولا تول لنا غيرك استغفر الله استغفارا لا يقدر قدره
ولا ينظر امده الا الله المستغفر به ولا يدري ما وراءه ولا وراء ماورا
والمراد به احد سواه اللهم صل على محمد واله اللهم اني استغفرك
لما وعدتك من نفسي ثم اخلفتك واستغفرك لما تبت اليك منه
ثم عدت فيه واستغفرك لكل خير اردت به وجهك ثم خالطني
فيه ما ليس لك واستغفرك لكل نعمة انعمت بها علي ثم قويت
بها على معصيتك مؤلف گويد كه اين دعا را سيد از ابو محمد هرون بن موسى تلعكبري روايت
نموده است وظاهر آنست كه از كتاب او نقل نموده باشد واين مجموع
يك دعا نباشد بلكه چند دعا بروايات مختلف باشد وتلعكبري سند آنها را نقل نموده
مجموع را متصل بيكديگر نقل نموده باشد وبنا بر اين سيد در انعقاد گفته كه اين دعا را اگر
روز اول بخواني بخوبي كرده دعا مذكور را است بخواني واگر شب اول بخواني بجاي يوم هذا ليلتي
هذه بخواني و سيد گفته كه آنچه در خاطر من ترجيح يافته آنست كه اين دعا در روز بايد
خوانده شود اولى است وسبب اين ترجيح ظاهرا عدم احتياج لفظ دعا بتغيير است بنا بر اين تقدير
واگر در روز وشب هر دو خوانده شود اولى است ونبايد دانست كه در اين شب وروز دعاهاي

وهر روز بود دعاهای مخصوصه شب اول و روز اول که بعد از این در ابواب آتیه مذکور خواهد شد
انشاء الله تعالی با دعای جوشن کبیر که سابق مذکور شد نیز باید خوانده شود والله الموفق

باب یازدهم در بیان اعمال هر شب ایام ماه است و در آن چند مقصد است **مقصد اول**

در بیان نمازهای هر شب و در روایات و اخبار آنچه مذکور است چند نماز است **اول** مشهور میان علمای شیعه رضوان الله علیهم آنست که در ماه مبارک رمضان هزار رکعت نافله سنت است و احادیث متعدده بلکه مستفیضه نیز بر آن دلالت میکند و اکثر این روایات را شیخ طوسی ره در کتاب تهذیب ذکر نموده و ما بجهت خوف اطناب ایراد ننمودیم ولیکن سند اکثر آن روایات ضعیف است و از بعضی اخبار دیگر خلاف آن نیز ظاهر میشود چنانچه شیخ طوسی ره بسند صحیح از حلبی روایت نموده است که از حضرت صادق ع سؤال نمود از نافله ماه رمضان حضرت فرمود که سیزده رکعت است یازده رکعت نافله شب و دو رکعت نافله صبح و رسول خدا صلعم چنین میکرد و من نیز چنین میکنم و اگر غیر این نیکو بود و فضیلتی میداشت رسول خدا صلعم آنرا ترک نمیفرمود و بروایت صحیح دیگر نیز همین مضمون را از آنحضرت روایت نموده و این تتمه در آخر آن مذکور است که اگر فضیلتی میداشت رسول خدا صلعم زیاده از سیزده رکعت نماز نافله میگذارد ولیکن و آن کلاً بقیه و سزاوارتر بود و شیخ این دو روایت را حمل بر این نموده که که مراد اینست که آنحضرت این نافله را بجماعت ادا نکرد و من نیز بجماعت ادا نمیکنم و مقصود رد بر اهل سنت است که این نافله را بجماعت میکنند و علامه ره گفته که مراد اینست که نافله راتبه در ایام ماه زیاده نمیباشد و اگر زیاده می بود آنحضرت ترک آن نمیکرد پس منافات ندارد که نافله غیر راتبه در ایام ماه زیاده از سایر اوقات باشد و این هر دو وجه خالی از بعدی نیست الا که چون روایات دالّه بر آن زیاده از حدّ عدد و احصاست طرح همه آنها جرأت و در نهایت اشکال است بنا بر این اقوی استحباب آنست و چون این دو روایت بر خلاف آن ظاهر دلالت دارد و بعضی از علما نیز بعدم شرعیت آن قایل شده اند احوط آنست که این نماز را به نیت قربت بر سبیل تنها بی واقع سازد که اگر نافله در خصوص ایام ماه سنت باشد بآن محسوب شود والا نافله مطلقا محسوب خواهد شد زیرا که نماز نافله مطلقا مطلوب شارع است و لهذا در حدیث وارد شده است که نماز خیر موضوعی است هر که خواهد کم بجا آورد و هر که خواهد بیشتر بکند و بنا بر این معنی برای نماز مترتب نیست و در ضعف بعضی اصلا ندارد و نزاع بین الفریقین باین معنی مرتفع میگردد والله تعالی یعلم و کیفیت تقسیم این نماز بر شبهای ایام ماه موافق مشهور میان علما و مطابق اکثر روایات و اخبار آنست که هر شب از ایام بیست رکعت نماز بکند هشت رکعت بعد از نماز مغرب و دوازده رکعت بعد از نماز عشا موافق

هزار رکعت نافله رمضان

اکثر روایات یا بر عکس موافق بعضی از روایات و در هر یک از شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم صد رکعت اضافه نماید که در شب نوزدهم صد و بیست رکعت و در هر یک از بیست و یکم و بیست و سیم صد و سی رکعت بکند تا هزار رکعت تمام شود و از روایت مفضل بن عمر ظاهر میشود که در این صورت فقط زاید بر صد رکعت آنکه آن بیست رکعت شب نوزدهم و سی رکعت شب بیست و یکم و بیست و سیم است که مجموع هشتاد رکعت بوده باشد توزیع و تقسیم نماید بر جمعه های ایام ماه باین طریق که در هر روز جمعه ده رکعت بکند چهار رکعت بطریق نماز حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و دو رکعت بطریق نماز حضرت فاطمه صلوات الله علیها و چهار رکعت بطریق نماز جعفر طیار ع و در شب جمعه که در عشر آخر ایام اتفاق افتد بیست رکعت بطریق نماز حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و بیست رکعت دیگر که بنماید در عشیه همین جمعه که شب شنبه بوده باشد بعنوان نماز حضرت فاطمه صلوات الله علیها بکند و در این مقام تنبیه بر چند امر ضرور و لازم است **اول** آنکه مقتضی ظاهر لفظ این روایت مفضل آنست که اگر در عشر آخر دو جمعه اتفاق افتد مخیر است در میان این دو جمعه هر یک را که اختیار نماید در شب آن و عشیه آن این چهل رکعت را بکند و شیخ جلیل نبیل شیخ زین الدین ره مضمون این روایت را نقل نموده و در نقل او چنین است که این چهل رکعت را در شب جمعه آخر ایام و عشیه آن بکند و این اشتباه است بلکه در روایت چنانچه در کتاب تهذیب مذکور است جمعه عشر آخر و عشیه آن وارد شده است و بنا بر این اگر دو جمعه اتفاق افتد میان این دو جمعه مخیر خواهد بود چنانچه دانستی **دوم** اگر در اصل ماه مبارک رمضان پنج جمعه اتفاق افتد بنا بر مقتضای ظاهر لفظ این روایت نیز باید که در تعیین چهار جمعه در میان پنج جمعه مخیر باشد و یک جمعه خالی از این نماز بماند و قسط برای آن نخواهد بود و شیخ زین الدین ره گفته است که محتمل است که برای جمعه آخر قسطی قرار ندهد بلکه اکتفا نماید برکعت که در شب و بیست رکعت که در عشیه آن بجای آورد میکند و محتمل است که ده رکعت از آن چهل رکعت را در روز جمعه آخر و سی رکعت دیگر را در شب آن و عشیه آن بکند باین طریق که چهارده رکعت در شب آن و شانزده رکعت در عشیه آن یا بر عکس بکند و مخفی نماند که مبنای کلام شیخ ره در این مقام نیز بر اشتباه سابق است که در روایت شب جمعه آخر و عشیه آن مذکور باشد و چنین نیست بلکه شب جمعه عشر آخر وارد شده چنانچه دانستی با آنکه مستند بر آنچه شیخ ذکر نموده اصلا مذکور نیست نه در این روایت و نه در غیر آن **سیم** آنکه مقتضای جمیع این روایت و روایات دیگر آنست که آدمی مخیر باشد در این هشتاد رکعت که در این سه شب باضافه صد رکعت بکند یا توزیع بر جمعات نماید بتفصیل مذکور و شق ثانی ظاهراً افضل است

نیز اگر از روایت جابر ظاهر میشود که رسول خدا ص در هر شب از سه شب آخر بصد رکعت میفرمود
چهار مجموع این هزار رکعت هر دو رکعت بیک سلام است چنانچه مجموع هزار فقط چنین است که مکرر موضع
مخصوص چند و در هر رکعتی بعد از حمد سوره قل هو الله احد اقلا یک نوبت است و اگر زیاده از
یک نوبت بخوانند تا ده نوبت افضل است و لیکن بطریقی که در روایت مفضل بن عمر وارد شده است که
حضرت صادق ع با او فرمود که در هر این شبها یعنی تا آخر ماه رمضان میخوانی در هر رکعت قل هو الله
احد اگر خواهی یک نوبت و اگر خواهی سه نوبت و اگر خواهی پنج نوبت و اگر خواهی هفت نوبت و اگر
خواهی ده نوبت و اگر هشتاد رکعت را توزیع بر جمعات نماید بطریق مسطور مضمون این روایت
مخصوص خواهد بود و هشتاد رکعت مذکور نیز اگر آنها بطریق نماز حضرت امیرالمؤمنین
و حضرت فاطمه و حضرت جعفر صلوات الله علیهم بجا آورده شود و در بعضی از آنها سورهای
دیگر غیر قل هو الله احد باید خوانده شود و در بعضی قل هو الله احد زیاده بر ده بار خوانده شود
و چون طریق نماز جعفر در اعمال ماه شعبان بتفصیل مذکور شده در این مقام ذکر کیفیت نماز
حضرت حضرت فاطمه صلوات الله علیها اکتفا مینماید اما کیفیت نماز حضرت امیرالمؤمنین
صلوات الله علیه پس ابن بابویه و عیاشی و شیخ طوسی و دیگران رضی الله عنهم بسند صحیح و
حسن و معتبر بسیار از حضرت صادق ع روایت کرده اند که هر که چهار رکعت نماز بگذارد یعنی بدو
سلام و در هر رکعت بعد از سوره فاتحه پنجاه مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند چون فارغ گردد
میان او و حق تعالی گناهی نماند مگر آنکه آمرزیده شده باشد و سید و شیخ از حضرت صادق ع روایت
کرده اند که هر که چهار رکعت نماز امیرالمؤمنین علیه السلام بجا آورد از گناهان بیرون آید مانند روزی که
از مادر متولد شده باشد و حاجتهای او برآورده شود و در هر رکعتی یک نوبت سوره حمد و پنجاه مرتبه
سوره توحید بخواند و چون فارغ شود سُبْحَانَ مَنْ لَا تَبِيدُ مَعَالِمُهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا
این دعا را بخواند که تسبیح آن حضرت است
تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا اضْمِحْلَالَ لِفَخْرِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْفَدُ
مَا عِنْدَهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا انْقِطَاعَ لِمُدَّتِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يُشَارِكُ أَحَداً
فِي أَمْرِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ پس این دعا را بخواند يَا مَنْ عَفَا عَنِ السَّيِّئَاتِ وَ
لَمْ يُجَازِ بِهَا ارْحَمْ عَبْدَكَ يَا اللَّهُ نَفْسِي نَفْسِي أَنَا عَبْدُكَ يَا سَيِّدَاهُ

امیرالمؤمنین ع م



أَنَا عَبْدُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ يَا رَبَّاهُ إِلَهِي بِكَيْنُونَتِكَ يَا أَمَلَاهُ يَا رَحْمَانَاهُ يَا
غِيَاثَاهُ عَبْدُكَ عَبْدُكَ لَا حِيلَةَ لَهُ يَا مُنْتَهَى رَغْبَتَاهُ يَا مُجْرِيَ الدَّمِ فِي غایتاه خ م
عُرُوقِ عَبْدِكَ يَا سَيِّدَاهُ يَا مَالِكَاهُ أَيَا هُوَ أَيَا هُوَ أَيَا هُوَ يَا رَبَّاهُ
عَبْدُكَ لَا حِيلَةَ لِي وَ لَا غِنَى بِي عَنْ نَفْسِي وَ لَا أَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرّاً وَ لَا
نَفْعاً وَ لَا أَجِدُ مَنْ أُصَانِعُهُ تَقَطَّعَتْ أَسْبَابُ الْخَدَائِعِ عَنِّي وَ اضْمَحَلَّ
كُلُّ مَظْنُونٍ عَنِّي أَفْرَدَنِي الدَّهْرُ إِلَيْكَ فَقُمْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ هَذَا
الْمَقَامَ يَا إِلَهِي بِعِلْمِكَ هَذَا كَانَ كُلُّهُ فَكَيْفَ أَنْتَ صَانِعٌ بِي وَ
لَيْتَ شِعْرِي كَيْفَ تَقُولُ لِدُعَائِي أَتَقُولُ نَعَمْ أَمْ تَقُولُ لَا فَإِنْ قُلْتَ لَا
فَيَا وَيْلِي يَا وَيْلِي يَا وَيْلِي يَا عَوْلِي يَا عَوْلِي يَا عَوْلِي يَا شِقْوَتِي يَا شِقْوَتِي
يَا شِقْوَتِي يَا ذُلِّي يَا ذُلِّي يَا ذُلِّي إِلَى مَنْ وَ مِمَّنْ أَوْ عِنْدَ مَنْ أَوْ كَيْفَ
أَوْ مَا ذَا أَوْ إِلَى أَيِّ شَيْءٍ أَلْجَأُ وَ مَنْ أَرْجُو أَوْ مَنْ يَجُودُ عَلَيَّ بِفَضْلِهِ حِينَ
تَرْفُضُنِي يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ وَ إِنْ قُلْتَ نَعَمْ كَمَا هُوَ الظَّنُّ وَ الرَّجَاءُ
لَكَ فَطُوبَى لِي أَنَا السَّعِيدُ وَ أَنَا الْمَسْعُودُ فَطُوبَى لِي وَ أَنَا الْمَرْحُومُ
يَا مُتَرَحِّمُ يَا مُتَرَئِّفُ يَا مُتَعَطِّفُ يَا مُتَجَبِّرُ يَا مُتَمَلِّكُ يَا مُقْسِطُ لَا

عملك لي مع نجاح حاجتي اسألك باسمك الذي جعلته في مكنون غيبك
واستقر عندك فلا يخرج منك الى شيء سواك اللهم به و
بك وبه فانه اجل واشرف اسمائك لا شيء لي غير هذا
ولا احد اعود علي منك يا كينون يا مكون يا من عرفني نفسه
يا من امرني بطاعته يا من نهاني عن معصيته ويا مدعو ويا مسؤول
يا مطلوبا اليه رفضت وصيتك التي اوصيتني بها ولم اطعك
ولو اطعتك فيما امرتني لكفيتني ما قمت اليك فيه وانا مع
معصيتي لك راج فلا تحل بيني وبين ما رجوت يا مترحما لي اعذني
من بين يدي ومن خلفي ومن فوقي ومن تحتي ومن كل جهات
الاحاطة بي اللهم بمحمد سيدي وبعلي وليي وبالائمة الراشدين
عليهم السلام اجعل علينا صلواتك ورأفتك ورحمتك واوسع
علينا من رزقك واقض عنا الدين وجميع حوائجنا يا الله يا
الله يا الله انك على كل شيء قدير پس حضرت فرمود که هر که این نماز را بکند
و این دعا را بخواند هیچ گناهی میان او
و حق تعالی نماند مگر آنکه آمرزیده شود و بدانکه در روایت مفضل بن عمر که توزیع هشتاد
رکعت بر جمعها دارد کیفیت این نماز چنین مذکور است و این دعا هست ولیکن چون در روایات دیگر

مذکور

کیفیت نماز حضرت فاطمه علیها

مذکور است بهتر آنست که خوانده شود و اما کیفیت نماز حضرت فاطمه صلوات الله علیها پس سید بن
طاوس قدس سره بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود مادرم فاطمه صلوات الله
علیها دو رکعت نماز میکرد که جبرئیل تعلیم او کرده بود و در رکعت اول بعد از حمد صد مرتبه
سورهٔ قدر و در رکعت دوم صد مرتبه سورهٔ توحید میخواند و چون سلام میگفت این دعا را میخواند
سبحان ذي العز الشامخ المنيف سبحان ذي الجلال الباذخ العظيم
سبحان ذي الملك الفاخر القديم سبحان من لبس البهجة و
الجمال سبحان من تردى بالنور والوقار سبحان من يرى
اثر النمل في الصفا سبحان من يرى وقع الطير في الهواء
سبحان من هو هكذا لا هكذا غيره و سید گفته است که در روایت دیگر
وارد شده است که بعد از این نماز
تسبیح مشهور حضرت فاطمه علیها السلام را که بعد از هر نماز خوانده میشود بخواند و بعد از آن
صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و شیخ ره در مصباح این نماز را مرسل روایت کرده
و گفته است که چون سلام بگوید تسبیح فاطمه را بخواند و این دعا را بخواند ...
پس گفته است که سزاوار است برای کسی که این نماز را بکند و از این دعا فارغ شود که زانوها و ذراعها
خود را برهنه کند و بچسباند و جمیع مساجد خود را ... و میان ... دعا کند و حاجت خود را از خدا یا من ليس غيره رب يدعى يا من ليس له اله
طلب نماید و در سجده این دعا را بخواند
يخشى يا من ليس دونه ملك يتقى يا من ليس له وزير يؤتى يا من ليس
له حاجب يرشى يا من ليس له بواب يغشى يا من لا يزداد على كثرة السؤال
الا كرما وجودا وعلى كثرة الذنوب الا عفوا وصفحا صل على محمد وآل محمد
وافعل بي كذا وكذا و بجای وافعل بی کذا و کذا حاجت خود را یاد کند و در روایت مفضل نیز کیفیت

این نماز مذکور است و بعد از نماز تسبیح فاطمه صلوات الله علیها چیزی دیگر مذکور نیست و حق تعالی

و کیفیت تسبیح در آن روایت این نحو است الله اکبر سی و چهار مرتبه و سبحان الله سی و سه

مرتبه و الحمد لله سی و سه مرتبه و ظاهر این عبارت مقتضی آنست که ترتیب به این نحو باشد

و این مخالف ترتیب مشهوری است که بعد از فرایض خوانده میشود و بهتر آنست که همه

آنچه در این روایات و کلام سید و شیخ مذکور است بعمل آورد و بدانکه بیست رکعتی که در

شب جمعه عشر آخر بطریق نماز حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه میکند بر نیت نماز

آنحضرت میکرده و بیست رکعت دیگر را که در عشر آخر جمعه بعنوان نماز حضرت فاطمه

صلوات الله علیها میکند به نیت نماز آنحضرت میکرده و باید بعد از هر یک از آنها

ادعیه و سایر اعمال مذکوره را بجا آورد و الله تعالی هو الموفق بدانکه تاکید در باب

سیصد رکعت که در سه شب کرده میشود زیاده از باقی در روایات وارد شده است و همچنین

تاکید در بیست رکعت دو شب آخر زیاده از صد رکعت شب اول است چنانچه بعد از این

در اعمال آن شبها و روایات آن مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی ششم شیخ شهید طاب ثراه

در کتاب ذکری گفته است که اگر چیزی از این نوافل در شب فوت شود مستحب است که آنرا در روز

قضا کنند و ظاهر آنست که دو ایراد در این باب بنظر نرسیده باشد هفتم ظاهر اقوال علما

اینست که این نافله مستحب است مطلقا نسبت بهر کس خواه روزه باشد و خواه بعذری

افطار کرده باشد و مسافر باشد یا حاضر اگرچه بنظر نرسیده و لیکن اگر بقصد قربت واقع

سازد مثاب و ماجور خواهد بود هشتم بدانکه این نماز را بعنوان قرائت باید کرد و جماعت

کردن بدعت است و اهل سنت آنرا بجماعت میکنند و آنرا صلوة تراویح مینامند و تمام

قرآن مجید را تقسیم بر این نماز میکنند چنانچه تمام قرآن در این نماز ختم میشود و این بدعت

و حرام است چنانچه شیخ طوسی ره در حدیث طولانی از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده

است که چون شب اول ماه مبارک رمضان داخل شد رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز مغرب را که ادا

پس چهار رکعتی که هر شب بعد از مغرب میکرد ادا فرمود پس بعد از نماز دیگر کرد و بعد از

فراغ داخل خانه مقدسه گردید پس مردم چون این را دیدند از آنحضرت سؤال نمودند

از این نماز حضرت فرمود که این نماز را بجهت فضیلت ماه مبارک رمضان بر سایر ماهها کرده

پس چون شب دیگر شد و حضرت مشغول این نماز گردید مردم در عقب سر آنحضرت صف کشیدند

که این نماز را با آنحضرت بجماعت بکنند پس حضرت در روی مبارک بجانب ایشان کرد و فرمود

ایها الناس این نماز نافله است و جماعت نباید کرد آنرا پس هر یک از شما این نماز را به تنهائی بکند

و بدانید که جماعت در نافله نمیباشد پس مردم متفرق شدند و هر یک به تنهائی این نماز را کرد

بر این مضمون بیان رفت هشتم از حدیث سابق مفهوم میشود که دوازده رکعت بعد از عشا باید

بعد از نماز وتیره باشد و این معنی مخالف است با آنچه شیخ ره در کتاب مصباح ذکر نموده

که در بیست شب اول که اکتفا باین بیست رکعت میکنی بعد از آن دو رکعت نشسته بکن و نسبت

این روایت شاید اولی باشد و بدانکه این حدیث منافی است با روایات دیگر که دلالت میکند بر

آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله وتیره را میکرده و بنا بر شب اکتفا میفرموده است و شاید که وجه منافات

جمع آنها این باشد که گاهی آنحضرت وتیره را ترک میفرموده باشد و ایضا از این حدیث مفهوم

میشود که کردن این نوافل در مسجد افضل باشد و الله تعالی یعلم دهم بدانکه بعد از

هر دو رکعت از این نماز دعای مختصری و دعاهای طولانی در اخبار وارد شده است اما

دعای مختصر پس سید بن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال از رجاء بن یحیی بن سامان

نقل نموده است که گفت بیرون آمد از خانه سید ما امام حسن عسکری علیه السلام دعائی که در

ماه رمضان این دعا را بخوان بعد از هر دو رکعت از نافله

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَ تُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ

الْمَحْتُومِ وَ فِيمَا تَفْرُقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ اَنْ

تَجْعَلَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمُ

الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمْ وَ اَسْئَلُكَ اَنْ تُطِيلَ عُمْرِي فِي طَاعَتِكَ وَ تُوَسِّعَ لِي

فِي رِزْقِي يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اما دعاهای طولانی پس در این مقام ادعیه بیست رکعت هر شب را

مذکور میسازیم شیخ طوسی قدس الله روحه در کتاب تهذیب الاحکام

بسند خود از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که در دو رکعت اول اکثر و بعد از آن دعا را بخوان

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْاَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ

شَيْءٌ وَ اَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ وَ اَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ

وَ اَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ وَ اَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَدْخِلْنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ اَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ

دعاهای طولانی بیست رکعت

اخرجني من كل سوء اخرجت منه محمدا وال محمد عليه وعليهم السلم و
رحمة الله وبركاته سید بن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال از کتاب عمل شهر رمضان
ابن ابی قره رحمه نقل نموده که بعد از این دعا هرکه خواهد این دعا بخواند
اللهم هذا شهر رمضان وهذا شهر الصيام وهذا شهر القيام
وهذا شهر الانابة وهذا شهر التوبة وهذا شهر الرحمة وهذا
شهر المغفرة وهذا شهر الفوز بالجنة وهذا شهر العتق من النار
وهذا شهر رمضان الذي انزلت فيه القرآن اللهم صل على
محمد وال محمد واعني على صيامه وقيامه وسلمه لي وتسلمه مني
وسلمني فيه واعني عليه بافضل عونك ووفقني فيه لطاعتك وطاعة
رسولك عليه السلم وفرغني فيه لعبادتك ودعائك وتلاوة كتابك
واعظم لي فيه البركة وارزقني فيه العافية واصح فيه بدني
اوسع فيه رزقي واكفني فيه ما اهمني واستجب فيه دعائي
وبلغني فيه رجائي اللهم صل على محمد وال محمد واذهب عني فيه
النعاس والكسل والسامة والفترة والقسوة والغفلة والغرة
اللهم صل على محمد وال محمد وجنبني فيه العلل والاسقام والاوجاع

والهموم والاحزان والاعراض والامراض والخطايا والذنوب و
اصرف عني فيه السوء والفحشاء والجهد والبلاء والتعب و
العناء انك سميع الدعاء اللهم صل على محمد وال محمد واعذني
فيه من الشيطان وهمزه ولمزه ونفثه ونفخه ووسوسته و وتفثاته
تثبيطه ومكره وحيله وخدعه وامانيه وغروره وخيله حبائله
ورجله وشركائه واعوانه واخوانه واشياعه واتباعه و
اوليائه وجميع مكائده اللهم صل على محمد وال محمد وارزقني فيه
قيامه وصيامه وبلوغ الامل فيه وفي قيامه واستكمال ما
يرضيك عني صبرا واحتسابا ويقينا وايمانا ثم تتقبل ذلك
مني بالاضعاف الكثيرة والاجر العظيم اللهم صل على محمد
وال محمد وارزقني فيه الصحة والفراغ والحج والعمرة و
الجد والاجتهاد والتوبة والقوة والنشاط والانابة والر غبة
والرهبة والرقة والخشوع والتضرع وصدق النية والوجل
منك والرجاء لك والتوكل عليك والثقة بك والورع

مع صالح الد

عن محارمك وصلاح القول ومقبول السعي ومرفوع العمل ومستجاب الدعاء
ولا تحل بيني وبين شيء من ذلك بعرض ولا مرض ولا سقم ولا غفلة
ولا نسيان بل بالتعهد والتحفظ لك وفيك والرعاية لحقك
والوفاء بعهدك ووعدك يا ارحم الراحمين اللهم صل
على محمد وآل محمد واقسم لي فيه افضل ما تقسمه لعبادك الصالحين
واعطني فيه افضل ما تعطي اولياءك المؤمنين من الهدى
والمغفرة والخير والحنان والاجابة والعونة والغنم و
العمر والعافية والمعافاة الدائمة والعتق من النار والفوز
بالجنة وخير الدنيا والآخرة واصرف عني شر الدنيا والآخرة
برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد وآل محمد و
اجعل دعائي اليك فيه واصلا وخيرك الي فيه نازلا وعملي
فيه مقبولا وسعيي فيه مشكورا وذنبي فيه مغفورا حتى
يكون نصيبي فيه الاكثر وحظي فيه الاوفر اللهم صل
على محمد وآل محمد ووفقني فيه لليلة القدر على افضل

حال

حال يحب ان يكون عليها احد من اوليائك وارضاها لك ثم
اجعلها لي خيرا من الف شهر وارزقني فيها افضل ما رزقت
احدا ممن بلغته اياها واكرمته بها واجعلني فيها من عتقائك
وطلقائك من النار وسعداء خلقك الذين اغنيتهم واوسعت
عليهم في الرزق وصنتهم من بين خلقك ولم تبتلهم ومن
مننت عليهم برحمتك ومغفرتك ورافتك وتحننك و
اجابتك ورضاك ومحبتك وعفوك وعافيتك وطولك
وقدرتك لا اله الا انت برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم
رب الفجر وليال عشر ورب شهر رمضان وما انزلت فيه
من القرآن ورب جبرئيل وميكائيل واسرافيل ورب ابراهيم و
اسمعيل واسحق ويعقوب ورب موسى وعيسى ورب محمد
خاتم النبيين صل على محمد وآل محمد واجعلهم ائمة يهدون
بالحق وبه يعدلون وانصرهم وانتصر بهم واجعلني من انصار
رسولك عليه وعليهم السلام واتباعهم في الدنيا والآخرة

أسألك بحقهم عليك وبحقك العظيم لما نظرت إلي نظرة منك
رحيمة ترضى بها عني رضا لا تسخط علي بعده أبدا وأعطني
جميع سؤلي ورغبتي وأمنيتي وإرادتي واصرف عني جميع
ما أكره وأحذر وأخاف على نفسي وما لا أخاف وعن أهلي
ومالي وذريتي إلهي إليك فررت من ذنوبي فآوني تائبا وتب علي
مستغفرا فاغفر لي متعوذا فأعذني مستجيرا فأجرني مستسلما فلا
تخذلني راهبا فآمني راغبا فشفعني سائلا فأعطني مصدقا
فصدقني متضرعا إليك فلا تخيبني يا قريب يا مجيب عظمت
ذنوبي وجلت فصل على محمد وآل محمد وافعل بي ما أنت أهله
اللهم صل على محمد وآل محمد وأنزل علي وعلى والدي وأهل بيتي و
أهل حزانتي وإخواني المؤمنين من رزقك ورحمتك وسكينتك
ومحبتك وتحننك ورزقك الواسع الهنيء المريء ما تجعله
صلاحا لدنيانا وآخرتنا يا أرحم الراحمين اللهم وما كانت لي
إليك من حاجة أنا في طلبها والتماسها شرعت فيها أو لم أشرع

سألتكها

سألتكها أو لم أسألكها نطقت أنا بها أو لم أنطق وأنت أعلم
بها مني فأسألك بحق نبيك محمد وعترته إلا توليت قضاءها
الساعة الساعة وقضاء جميع حوائجي كلها صغيرها وكبيرها
إنك على كل شيء قدير وأسألك يا الله بعزتك التي أنت أهلها
أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تغفر لي ذنوبي كلها قديمها
وحديثها ومن أرادني بخير فأرده بخير ومن أرادني بسوء فأرده
بالسوء في نحره وأعوذ بك من شره وأستعين بك عليه اللهم
احفظني من بين يدي ومن خلفي وعن يميني وعن شمالي واجعلني
في حفظك وفي جوارك وكنفك عز جارك سيدي وجل
ثناؤك ولا إله غيرك پس دو رکعت دیگر بکن و شیخ طوسی ره در کتاب مذکور از
امام جعفر صادق ع روایت کرده است که بعد از این دو رکعت این دعا بخوا
الحمد لله الذي علا فقهر والحمد لله الذي ملك فقدر والحمد لله
الذي بطن فخبر والحمد لله الذي يحيي الموتى وهو على كل شيء قدير
والحمد لله الذي تواضع كل شيء لعظمته والحمد لله الذي
ذل كل شيء لعزته والحمد لله الذي استسلم كل شيء لقدرته

والحمد لله الذي خضع كل شيء لملكه والحمد لله الذي
يفعل ما يشاء ولا يفعل ما يشاء غيره اللهم صل على محمد وآل
محمد وأدخلني في كل خير أدخلت فيه محمدا وآل محمد وأخرجني
من كل سوء أخرجت منه محمدا وآل محمد صلى الله عليه وعليهم
وعليهم السلام ورحمة الله وبركاته وسلم كثيرا وسيد در كتاب مذكور از كتاب ابن ابي قره
نقل نموده است كه بعد از يا موضع كل شكوى السائلين ويا منتهى رغبة
اين دو ركعت اين دعا را بخوانَد
الراغبين ويا غياث المستغيثين ويا جار المستجيرين ويا خير من
رفعت إليه أيدي السائلين ومدت إليه أعناق الطالبين
أنت مولاي وأنا عبدك وأحق من سأل العبد ربه ولم يسأل
العباد مثلك كرما وجودا أنت غايتي في رغبتي وكالئي في
وحدتي وحافظي في غربتي وثقتي في طلبتي وناجحي في حاجتي و
مجيبي في دعوتي ومصرخي في ورطتي وملجاي عند انقطاع حيلتي
أسألك أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تعزني وتنصرني و
ترفعني ولا تضعني وعلى طاعتك فقوني وبالقول الثابت فثبتني

وقربني

وقربني إليك وأدنني وأحبني واستصفني واستخلصني وامنعني
واصطنعني وزكني وارزقني من فضلك ورحمتك فإنه لا يملكهما
غيرك واجعلني غنيا فيما رزقتني وما ليس لي بحق فلا تذهب إليه واجعل غناي في
نفسي وكفلني من رحمتك وأتني ولا تحرمني ولا تذلني ولا تبتل
بغيري وخير السرائر فاجعل سريرتي وخير المعاد فاجعل معادي
ونظرة من وجهك الكريم فأنلني ومن ثياب الجنة فألبسني ومن
الحور العين فزوجني وتولني يا سيدي ولا تولني غيرك واعف
عني كل ما سلف مني واعصمني فيما بقي من عمري واستر علي وعلى
والدي وقرابتي ومن كان مني بسبيل في الدنيا والآخرة فإن
ذلك كله بيدك وأنت واسع المغفرة ولا تخيبني يا سيدي
ولا ترد يدي إلى نحري حتى تفعل ذلك بي وتستجيب لي ما سألتك و
صل على محمد عبدك ورسولك وآل محمد إلهي أنت رب شهر
رمضان الذي أنزلت فيه القرآن وافترضت فيه على عبادك
الصيام فصل على محمد وآل محمد وارزقني حج بيتك الحرام في عامنا

هذا وفي كل عام واغفر لي تلك الامور العظام فانه لا يغفرها
غيرك يا رحمن يا علام نيز دو ركعت ديگر را بكن وشيخ طوسي ره در كتاب مذكور از حضرت امام جعفر صادق ع روايت كرده است كه بعد از اين دو ركعت اين دعا بخوان
اللهم اني اسالك بمعاني جميع ما دعاك به عبادك الذين اصطفيتهم
لنفسك المامونون على سرك المحتجبون بغيبك المستترون بدينك
المنزهون — المعلنون به الواصفون لعظمتك المنزهون عن معاصيك الدا
عون الى سبيلك السابقون في علمك الفائزون بكرامتك ادعوك
على مواضع حدودك وكمال طاعتك وبما يدعوك به ولاة امرك
ان تصلي على محمد وال محمد وان تفعل بي ما انت اهله ولا تفعل بي ما
انا اهله وسيد در كتاب مذكور از كتاب عمل شهر رمضان از ابن ابي قره [illegible] بعد از دو ركعت نفل [illegible] اللهم اني اسالك برحمتك
التي وسعت كل شيء وبعزتك التي قهرت كل شيء وبجبروتك التي
غلبت كل شيء وبقدرتك التي لا يقوم لها شيء وبعظمتك التي ملأت
كل شيء وبعلمك الذي احاط بكل شيء وبنور وجهك الذي
اضاء له كل شيء يا اقدم قديم في العز والجبروت يا رحيم كل مسترحم
باسمائك — ويا راحة كل محزون ومفرج كل ملهوف اسالك باسمائك التي

دعاك بها حملة عرشك ومن حول عرشك وباسمائك التي دعاك بها
جبرئيل وميكائيل واسرافيل ان تصلي على محمد وال محمد وان
ترضى عني رضا لا تسخط علي من بعده ابدا وان تمد لي في عمري
وان توسع لي في رزقي وان تصح لي جسمي وان تبلغني املي وتقويني
على طاعتك وعبادتك وتلهمني شكرك فقد ضعف عن نعمائك
شكري وقل على بلواك صبري وضعف عن اداء حقك عملي
وانا من قد عرفت سيدي الضعيف عن اداء حقك المقصر في
عبادتك الراكب لمعصيتك فان تعذبني فاهل ذلك انا وان
تعف عني فاهل العفو انت الهي ظلمت نفسي وعظم عليها اسرافي — الهي
وطال لمعاصيك انتهاكي وتكاثفت ذنوبي وتظاهرت سيئاتي و
طال بك اغتراري ودام لشهواتي اتباعي الهي غرتني الدنيا
بغرورها فاغتررت ودعتني الى الغي بشهواتها فاجبت وصرفتني
عن رشدي فانصرفت الى الهلاك بتقلبي حلاوتها وزينت لي
الركون اليها فركنت الهي قد اقترفت ذنوبا عظاما موبقات

وجنيت على نفسي بالذنوب المهلكات وتتابعت مني السيئات و
وقلت مني الحسنات وركبت من الامور عظيما واخطات خطأ
جسيما واسات الى نفسي حديثا وقديما وكنت في معاصيك ساهيا
ولاهيا وعن طاعتك نواما ناسيا فقد طال عن ذكرك سهوي
وقد اسرعت الى ما كرهت بجميع جوارحي الهي قد انعمت علي فلم
اشكر وبصرتني فلم ابصر واريتني العبر فلم اعتبر واقلتني
العثرات فلم اقصر وسترت مني العورات فلم استتر وابتليتني
فلم اصبر وعصمتني فلم اعتصم ودعوتني الى النجاة فلم اجب
وحذرتني المهالك فلم احذر الهي خلقتني سميعا فطال لما
كرهت سماعي وانطقتني فكثر في معاصيك منطقي وبصرتني
فعمي عن الرشد بصري وجعلتني سميعا بصيرا فكثر فيما يرديني
سمعي وبصري وجعلتني قويا سويا فاقدم فيما نهيتني عنه
قبضي وبسطي وجعلتني ساعيا متقلبا فطال فيما يرديني سعيي و
تقلبي وغلب على شهواتي وعصيتك بجميع جوارحي فقد

اشتدت اليك فاقتي وعظمت اليك حاجتي واشتد اليك فقري
فباي وجه اشكو اليك امري وباي لسان اسالك حوائجي وباي
يد ارفع اليك رغبتي وباية نفس انزل اليك فاقتي وباي عمل
الب اليك حزني وفقري ابوجهي الذي قل حياؤه منك يا سيدي
ام بقلبي الذي قل اكتراثه منك مولاي ام بلساني الناطق
كثيرا بما كرهت يا رب ام بيدي الشاكي فيه حب معاصيك يا الهي
ام بعملي المخالف لمحبتك يا خالقي ام بنفسي التاركة لطاعتك يا
رازقي فانا الهالك ان لم ترحمني وانا الهالك ان كنت قضيت علي
يا وليي العول لي من ذنوبي وخطيئتي واسرافي على نفسي فمن استغيث
فيغيثني ان لم تغثني يا سيدي ومن ادعوا فيشفع لي ان صرفت
وجهك الكريم عني يا سيدي والى من اتضرع فيجيبني ان
كنت سخطت علي فلم تجبني يا سيدي ومن اسال فيعطيني ان لم
تعطني ومنعتني يا سيدي وبمن استجير فيجيرني ان خذلتني يا
سيدي ولم تجرني وبمن اعتصم فيعصمني يا سيدي ان لم تعصمني

وعلى من أتوكل فيحفظني ويكفيني إن خذلتني يا سيدي من أستشفع
فيشفع لي إن كنت قد أبغضتني يا سيدي وإلى من ألتجئ وإلى أين
أفر إن كنت قد غضبت علي يا سيدي إلهي إلهي ليس إلا إليك
منك فراري وليس إلا إليك منك منجاي وإليك ملجاي وليس
إلا بك اعتصامي وليس إلا عليك توكلي ومنك رجائي وليس
إلا رحمتك وعفوك يستنقذني وليس إلا رأفتك ومغفرتك
تنجيني أنت يا سيدي أماني مما أخاف ومما لا أخاف برحمتك
فأمني وأنت يا سيدي رجائي مما أحذر ومما لا أحذر بمغفرتك
فنجني وأنت سيدي مستغاثي مما تورطت فيه من ذنوبي فأغثني
فأنت يا سيدي مشتكاي مما تضرعت إليك فارحمني وأنت يا
سيدي مستجاري من عذابك الأليم فبعزتك يا سيدي كهفي وناصري فأجرني أنت
ووارثي فلا تضيعني وأنت يا سيدي الحافظ لي والذاب عني و
الرحيم بي فلا تبتليني سيدي فمنك أطلب حاجتي فأعطني سيدي
وإياك أسأل رزقاً واسعاً فلا تحرمني سيدي ومنك أستهدي

فاهدني ولا تضلني سيدي ومنك أستقبل فأقلني عثرتي سيدي
وإياك أستغفر فاغفر لي ذنوبي سيدي وقد رجوت غناك لي
برحمتك فأغنني سيدي وقد رجوت رحمتك لي بمنك فارحمني
سيدي وقد رجوت عطاياك بفضلك فأعطني سيدي وقد
رجوت إجارتك لي بفضلك فأجرني سيدي وقد رجوت عفوك
عني وقد رجوت تجاوزك عني برحمتك فتجاوز عني سيدي
وقد رجوت تخليصك إياي من النار فخلصني سيدي وقد رجوت
إدخالك إياي الجنة بجودك وأدخلني سيدي وقد رجوت
إعطاءك أملي ورغبتي وطلبتي في أمر دنياي وآخرتي بكرمك
وجودك فلا تخيبني إلهي إن لم أكن أهل ذلك منك فإنك
أهله وأنت لا تخيب من دعاك ولا تضيع من وثق بك ولا تخذل
من توكل عليك فلا تجعلني أخيب من سألك في هذه الليلة
ولا تجعلني أخسر من سألك في هذا الشهر ومن علي بالإجابة
والقبول والعتق من النار والفوز بالجنة واجمع لي خير الدنيا والآخرة

واغفر لي ذنوبي وعيوبي واسائتي وظلمي وتفريطي واسرافي على نفسي

واحبسني عن كل ذنب تحبس عني الرزق او تحجب دعائي عنك

او ترد مسألتي دونك او تقصر بي عن بلوغ املي او تعرض بوجهك

الكريم عني فقد اشتدت بك ثقتي واشتد لك دعائي وانطلق

بدعائك لساني فاشرح لمسألتك صدري لما رحمتني ووعدتني

على لسان نبيك الصادق عليه السلم وفي كتابك فلا تحرمني يا سيدي

لقلة شكري ولا تضيعني يا سيدي لقلة صبري واعطني يا سيدي

لفاقتي وفقري فارحمني يا سيدي لذلي وضعفي وتمم يا سيدي

باحسانك لي نعمك علي يا سيدي الكثير من خزائنك وادخلني

يا سيدي الجنة برحمتك واسكني يا سيدي الارض بخشيتك

وادفع عني يا سيدي بمنك فارزقني يا سيدي ودك ومحبتك

ومودتك والراحة عند الموت والمعافاة عند الحساب وارزقني

الغناء العفو والعافية وحسن الخلق واداء الامانة وتقبل

صومي وصلوتي واستجب دعائي وارزقني الحج والعمرة من عامي هذا

ولي

وابدا ما ابقيتني فصل على خير خلقك محمد وال محمد وطلب كن حاجات خود را

ببرد و دو ركعت ديگر را كن

وشيخ طوسي قدس الله روحه در كتاب مذكور از حضرت صادق عليه السلام روايت نموده است كه بعد از اين دو ركعت اين دعا را بخوان يا ذا المن لا من عليك

يا ذا الطول لا اله الا انت ظهر اللاجين ومامن الخائفين وجار

المستجيرين ان كان في ام الكتاب عندك اني شقي او محروم او مقتر

علي رزقي فامح من ام الكتاب شقاي وحرماني واقتار رزقي واكتبني

عندك سعيدا موفقا للخير موسعا على رزقك فانك قلت في كتابك

المنزل على نبيك المرسل صلواتك عليه وآله يمحوا الله ما يشاء ويثبت

وعنده ام الكتاب وقلت ورحمتي وسعت كل شيء وانا شيء فلتسعني

برحمتك يا ارحم الراحمين صل على محمد وال محمد ودعا كن بهر چه خواهي و شيخ

در كتاب مذكور از كتاب ...

... اين دعا را بعد از اين دو ركعت نقل نموده است الهي الهي او حلتني ذنوبي وانهت بعملي وابتليت

بخطيئتي فيا ويلي والعولاه مما جنت علي مما ارتكبت جوارحي والويل

والعول لي ام كيف امنت عقوبة ربي فيما اجترات به على خالقي فيا ويلي

والعول لي عصيت ربي بجميع جوارحي ويا ويلي العول لي اسرفت

على نفسي واثقلت ظهري بجرائري ويا ويلي بغضت نفسي الى خالقي

ذُنُوبِي وَيَا وَيْلِي صِرْتُ كَأَنِّي لَا عَقْلَ لِي بَلْ لَيْسَ لِي عَقْلٌ يَنْفَعُنِي وَيَا وَيْلِي

أَمَا تَفَكَّرْتُ فِيمَا اكْتَسَبْتُ وَخِفْتُ مِمَّا عَمِلَتْ يَدَيَّ وَيَا وَيْلِي عَمِيتُ عَنِ

النَّظَرِ فِي أَمْرِي وَعَنِ التَّفَكُّرِ فِي ظُلْمِي يَا وَيْلِي إِنْ كَانَ عِقَابِي مَذْخُوراً

لِي إِلَى آخِرَتِي وَيَا وَيْلِي وَيَا عَوْلِي إِنْ أُوتِيَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مَغْلُولَةً يَدَيَّ إِلَى

عُنُقِي يَا وَيْلِي يَا عَوْلِي إِنْ تَذُوبَ النَّارُ جَسَدِي وَعَرَكَتْ مَفَاصِلِي وَ

يَا وَيْلِي إِنْ فُعِلَ بِي مَا اسْتَوْجَبَهُ بِذُنُوبِي لَسَاخَتْ بِي يَا وَيْلِي لَوْ عَلِمَتِ

الْبِحَارُ بِذُنُوبِي لَغَرَّقَتْنِي وَيَا وَيْلِي لَوْ عَلِمَتِ الْجِبَالُ بِذُنُوبِي لَدَهْدَهَتْنِي

وَيَا وَيْلِي مِنْ فِعْلِي الْقَبِيحِ وَعَمَلِي الْخَبِيثِ وَفَضَائِحِ جَرَائِرِي وَيَا وَيْلِي لَوْ ذُكِرَتْ

لِلْأَرْضِ ذُنُوبِي لَابْتَلَعَتْنِي وَيَا وَيْلِي لَيْتَ الَّذِي كَانَ خَفِيَ نَزَلَ بِي وَلَمْ أَسْخَطِ

الْحَقَّ وَيَا وَيْلِي إِنِّي مُفْتَضَحٌ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ بِعَظِيمِ ذُنُوبِي وَيَا وَيْلِي إِنِ اسْوَدَّ

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فِي الْمَوْقِفِ وَجْهِي وَيَا وَيْلِي إِنْ تُضَعُ عَلَىٰ رُؤُوسِ الْخَلَائِقِ

ظَهْرِي وَيَا وَيْلِي إِنْ قُوبِلْتُ أَوْ حُوسِبْتُ أَوْ جُوزِيتُ بِعَمَلِي وَيَا وَيْلِي وَالْعَوْلُ

لِي إِنْ لَمْ يَرْحَمْنِي رَبِّي يَا مَوْلَايَ قَدْ حَسُنَ ظَنِّي بِكَ لِمَا أَخَّرْتَ مِنْ عِقَابِي

يَا مَوْلَايَ فَاعْفُ عَنِّي فَاغْفِرْ لِي وَتُبْ عَلَيَّ وَأَصْلِحْنِي يَا مَوْلَايَ وَتَقَبَّلْ

صوى

صَوْمِي وَصَلَوَاتِي وَاسْتَجِبْ لِي دُعَائِي يَا مَوْلَايَ وَارْحَمْ تَضَرُّعِي وَتَلَوُّذِي

وَمَسْكَنَتِي يَا مَوْلَايَ وَلَا تُخَيِّبْنِي وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي وَلَا تَضْرِبْ بِدُعَائِي

وَجْهِي وَصَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِي الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ فِي عَامِي هٰذَا وَأَبَداً

مَا أَبْقَيْتَنِي وَشيخ طوسيره دركتاب مذكور كفته كه اَللّٰهُمَّ أَغْنِنِي بِالْعِلْمِ وَزَيِّنِّي بِالْحِلْمِ

پس بجده كن ودر سجده اين دعا را بخوان

وَكَرِّمْنِي بِالتَّقْوَىٰ وَجَمِّلْنِي بِالْعَافِيَةِ عَفْوَكَ عَفْوَكَ مِنَ النَّارِ وچون سر از سجده

بردار اين دعا را بخوان

يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ أَسْأَلُكَ بِلَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

يَا رَحْمٰنُ يَا اللّٰهُ يَا رَبِّ يَا قَرِيبُ يَا مُجِيبُ يَا بَدِيعَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا ذَا

الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ أَسْأَلُكَ بِكُلِّ

اسْمٍ هُوَ لَكَ تُحِبُّ أَنْ تُدْعَىٰ بِهِ وَبِكُلِّ دَعْوَةٍ دَعَاكَ بِهَا أَحَدٌ مِنَ

الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

وَأَنْ تَصْرِفَ قَلْبِي إِلَىٰ خَشْيَتِكَ وَرَهْبَتِكَ وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِنَ الْمُخْلَصِينَ

وَتُقَوِّيَ أَرْكَانِي كُلَّهَا لِعِبَادَتِكَ وَتَشْرَحَ صَدْرِي لِلْخَيْرِ وَالتُّقَىٰ وَ

تُطْلِقَ لِسَانِي لِتِلَاوَةِ كِتَابِكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

ودعا كن بانچه خواهى بعد از آن دعا را كن وچون فارغ شدى از آن دو ركعت نماز بكن

وشيخ طوسيره دركتاب مذكور كفته كه بعد از اين دو ركعت اين دعا را بخوان

اللهم إني أسألك ببهائك وجلالك وجمالك وعظمتك ونورك و
سعة رحمتك وبأسمائك وعزتك وقدرتك ومشيتك ونفاذ
أمرك ومنتهى رضاك وشرفك وكرمك ودوام عزك و
سلطانك وفخرك وعلو شأنك وقديم منك وعجيب آياتك وفضلك
وجودك وعموم رزقك وعطائك وخيرك وإحسانك وتفضلك
وامتنانك وشأنك وجبروتك وأسألك بجميع مسائلك أن
تصلي على محمد وآل محمد وتنجيني من النار وتمن علي بالجنة
وتوسع علي من الرزق الحلال الطيب وتدرأ عني شر فسقة
العرب والعجم وتمنع لساني من الكذب و[قلبي من] الحسد وعيني من
الخيانة فإنك تعلم خائنة الأعين وما تخفي الصدور وترزقني
في عامي هذا وفي كل عام الحج والعمرة وتغض بصري وتحصن
فرجي وتوسع رزقي وتعصمني من كل سوء يا أرحم الراحمين

وسید در کتاب مذکور از کتاب ابن ابی قره بعد از این دو رکعت این دعا را نقل نموده
اللهم إني أسألك من بهائك بأبهاه
وكل بهائك بهي اللهم وأسألك ببهائك كله اللهم

إني أسألك من جمالك بأجمله وكل جمالك جميل اللهم وأسألك
بجمالك كله اللهم إني أسألك من جلالك بأجله وكل
جلالك جليل اللهم وأسألك بجلالك كله اللهم إني أسألك
من عظمتك بأعظمها وكل عظمتك عظيمة اللهم وأسألك
بعظمتك كلها اللهم إني أسألك من نورك بأنوره وكل نورك
نير اللهم وأسألك بنورك كله اللهم إني أسألك من
رحمتك بأوسعها وكل رحمتك واسعة اللهم وأسألك
برحمتك كلها اللهم وأسألك من كمالك بأكمله و
كل كمالك كامل اللهم وأسألك بكمالك كله اللهم
إني أسألك من كلماتك بأتمها وكل كلماتك تامة اللهم
وأسألك بكلماتك كلها اللهم إني أسألك من أسمائك بأكبرها
وكل أسمائك كبيرة اللهم وأسألك بأسمائك كلها
اللهم إني أسألك من عزتك بأعزها وكل عزتك عزيزة
اللهم وأسألك بعزتك كلها اللهم إني أسألك من مشيتك

بِأَمْضاها وَكُلُّ مَشِيَّتِكَ ماضِيَةٌ اَللّهُمَّ وَاَسْأَلُكَ بِمَشِيَّتِكَ
كُلِّها اَللّهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ مِنْ قُدْرَتِكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي اسْتَطَلْتَ
عَلى كُلِّ شَيْءٍ وَكُلُّ قُدْرَتِكَ مُسْتَطِيلَةٌ اَللّهُمَّ وَاَسْأَلُكَ
بِقُدْرَتِكَ كُلِّها اَللّهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ مِنْ عِلْمِكَ بِاَنْفَذِهِ
وَكُلُّ عِلْمِكَ نافِذٌ اَللّهُمَّ وَاَسْأَلُكَ بِعِلْمِكَ كُلِّهِ اَللّهُمَّ
اَللّهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ بِاَرْضاهُ وَكُلُّ قَوْلِكَ رَضِيٌّ اَللّهُمَّ
وَاَسْأَلُكَ بِقَوْلِكَ كُلِّهِ اَللّهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ مِنْ مَسائِلِكَ بِاَحَبِّها
اِلَيْكَ وَكُلُّ مَسائِلِكَ اِلَيْكَ حَبِيبَةٌ اَللّهُمَّ وَاَسْأَلُكَ كُلُّها اِلَيْكَ
بِمَسائِلِكَ كُلِّها اَللّهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ مِنْ شَرَفِكَ بِاَشْرَفِهِ وَكُلُّ
شَرَفِكَ شَرِيفٌ اَللّهُمَّ وَاَسْأَلُكَ بِشَرَفِكَ كُلِّهِ اَللّهُمَّ اِنّي
اَسْأَلُكَ مِنْ سُلْطانِكَ بِاَدْوَمِهِ وَكُلُّ سُلْطانِكَ دائِمٌ اَللّهُمَّ
وَاَسْأَلُكَ بِسُلْطانِكَ كُلِّهِ اَللّهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ مِنْ مُلْكِكَ
بِاَفْخَرِهِ وَكُلُّ مُلْكِكَ فاخِرٌ اَللّهُمَّ وَاَسْأَلُكَ بِمُلْكِكَ كُلِّهِ
اَللّهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ مِنْ مَنِّكَ بِاَقْدَمِهِ وَكُلُّ مَنِّكَ قَدِيمٌ

اللهم

اَللّهُمَّ وَاَسْأَلُكَ بِمَنِّكَ كُلِّهِ اَللّهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ مِنْ آياتِكَ
بِاَعْجَبِها وَكُلُّ آياتِكَ عَجِيبَةٌ اَللّهُمَّ وَاَسْأَلُكَ بِآياتِكَ كُلِّها
اَللّهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ بِاَفْضَلِهِ وَكُلُّ فَضْلِكَ فاضِلٌ
اَللّهُمَّ وَاَسْأَلُكَ بِفَضْلِكَ كُلِّهِ اَللّهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ
بِاَرْزاقِهِ بِاَعَمِّهِ وَكُلُّ رِزْقِكَ عامٌّ اَللّهُمَّ وَاَسْأَلُكَ بِرِزْقِكَ كُلِّهِ
اَللّهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ مِنْ عَطاياكَ بِاَهْناها وَكُلُّ عَطاياكَ هَنِيئَةٌ
اَللّهُمَّ وَاَسْأَلُكَ بِعَطاياكَ كُلِّها اَللّهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِكَ بعطائك كله
بِاَعْجَلِهِ وَكُلُّ خَيْرِكَ عاجِلٌ اَللّهُمَّ وَاَسْأَلُكَ بِخَيْرِكَ كُلِّهِ اَللّهُمَّ
اِنّي اَسْأَلُكَ مِنْ اِحْسانِكَ بِاَحْسَنِهِ وَكُلُّ اِحْسانِكَ حَسَنٌ اَللّهُمَّ
وَاَسْأَلُكَ بِاِحْسانِكَ كُلِّهِ اَللّهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ بِما اَنْتَ فِيهِ مِنَ الشُّؤُنِ
وَالْجَبَرُوتِ اَللّهُمَّ وَاَسْأَلُكَ بِكُلِّ شَأْنٍ وَبِكُلِّ جَبَرُوتٍ اَللّهُمَّ
اِنّي اَسْأَلُكَ بِما تُجِيبُنِي بِهِ حِينَ اَسْأَلُكَ يا اَللهُ يا اَللهُ يا اَللهُ يا رَحْمنُ
يا رَحِيمُ يا ذَا الْجَلالِ وَالْاِكْرامِ اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَاَنْ تَرْزُقَنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرامِ فِي عامِي هذا وَفِي كُلِّ عامٍ وَزِيارَةَ

من نبيك عليه السلام وتختم لي بخير يا ارحم الراحمين اللهم اني
اسألك ان تصلي على محمد عبدك المجتبى وامينك المصفى
ورسولك المصطفى ونجيبك دون خلقك ونجيك من عبادك
ونبيك بالصدق وحبيبك المفضل على رسلك وخيرتك
من العالمين النذير البشير السراج المنير وعلى اهل بيته الابرار
المطهرين الاخيار وعلى ملئكتك الذين استخلصتهم لنفسك
وحجبتهم عن خلقك وعلى انبيائك الذين ينبئون بالصدق
عنك وعلى رسلك الذين خصصتهم بوحيك وفضلتهم
على العالمين برسالاتك وعلى عبادك الصالحين الذين ادخلتهم
في رحمتك وعلى جبرئيل وميكائيل واسرافيل وملك الموت
ومالك خازن النار ورضوان خازن الجنة وروح القدس و
الروح الامين وحملة عرشك المقربين وعلى منكر ونكير
وعلى الملكين الحافظين علي وعلى الكرام الكاتبين
بالصلوة التي تحب ان يصلي بها عليهم اهل السموات والارضين

صلوة

صلوة كثيرة طيبة مباركة زاكية طاهرة نامية كريمة
فاضلة تبين بها فضائلهم على الاولين والاخرين اللهم
واعط محمدا صلى الله عليه وآله واهل بيته الطيبين الوسيلة
والشرف والدرجة الكبيرة واجزه مع كل زلفة زلفة
ومع كل كرامة كرامة ومع كل وسيلة وسيلة ومع كل
فضيلة فضيلة ومع كل شرف شرفا حتى لا تعطي ملكا مقربا
ولا نبيا مرسلا الا دون ما تعطي محمدا وآل محمد يوم القيمة اللهم
اجعل محمدا ادنى المرسلين منك مجلسا وافسحهم في الجنة منزلا
واقربهم وسيلة وابينهم فضيلة واجعله اول شافع ومشفع و
اول قائل وانجح سائل وابعثه المقام المحمود الذي يغبطه به
الاولون والاخرون يا ارحم الراحمين اللهم اني اسألك ان
تصلي على محمد وآل محمد وان تسمع صوتي وتجيب دعوتي وتنجح
طلبتي وتقضي حاجتي وتقبل توبتي وتنجز لي ما وعدتني وتقيلني
عثرتي وتغفر ذنبي وتتجاوز عن خطيئتي وتصفح عن ظلمي وتعفو

عن جرمي وتقبل علي ولا تعرض عني وترحمني ولا تعذبني وتعافيني
ولا تبتليني وترزقني من اطيب الرزق واوسعه ولا تحرمني
وتقضي عني ديني وتقر عيني وتضع عني وزري ولا تحملني
ما لا طاقة لي به سيدي وتدخلني في كل خير ادخلت فيه محمدا
وآل محمد وتخرجني من كل سوء اخرجت منه محمدا وآل محمد
وتجعلني في اهل بيتي وذريتي واخواني معهم في الدنيا والآخرة
اللهم اني ادعوك كما امرتني فصل على محمد وآل محمد واستجب
لي كما وعدتني انك سميع الدعاء قريب مجيب اللهم اني
اسألك يا الله يا الله يا الله يا رحمن يا رحيم يا ذا الجلال والاكرام
ان تصلي على محمد وآل محمد وتجعلني من حجاج بيتك الحرام و
زوار قبر نبيك عليه السلام في عامي هذا وفي كل عام وتختم لي بخير
يا ارحم الراحمين اللهم اني اسألك ان تصلي على محمد وآل محمد
وان تجمع لي في مقعدي هذا ما اوملّه في هذا الشهر للدين و
الدنيا وتمن علي بالزيادة من فضلك مما لا يخطر ببالي ولا ارجوه

مما تصلح به امر ديني ودنياي وتجعل ذلك كله في عافية و
تصرف عني انواع البلاء يا ارحم الراحمين وحوائج خود را سؤال
میکنی پس دو رکعت دیگر را
میکنی و شیخ طوسی ره در کتاب مذکور از حضرت صادق اللهم اني اسألك حسن
علیه السلام روایت کرده است که بعد از این دو رکعت این دعا را بخوان
الظن بك والصدق في التوكل عليك واعوذ بك ان تبتليني
ببلية تحملني ضرورتها على التعوذ بشيء من معاصيك واعوذ
صيك
بك ان تدخلني في حال كنت اكون فيها في عسر او يسر اظن ان معا
انجح لي من طاعتك واعوذ بك ان اقول قولاً حقاً من طاعتك التمس
به سواك واعوذ بك ان تجعلني عظة لغيري واعوذ بك ان يكون
احد اسعد بما آتيتني به مني واعوذ بك ان اتكلف طلب ما لم
تقسم لي وما قسمت لي من قسم او رزقتني من رزق فأتني به في
يسر منك وعافية حلالا طيبا واعوذ بك من كل شيء زحزح
بيني وبينك او باعد بيني وبينك او نقص به حظي عندك او صرف
بوجهك الكريم عني واعوذ بك ان تحول خطيئتي او ظلمي او
جرمي او اسرافي على نفسي واتباع هواي واستعجال شهوتي دون

مَغْفِرَتِكَ وَرِضْوانِكَ وَثَوابِكَ وَنائِلِكَ وَبَرَكاتِكَ وَمَوْعِدِكَ الْحَسَنِ

الْجَمِيلِ عَلى نَفْسِكَ وسيد در كتاب مذكور از كتاب ابن ابو قره اللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
اين دعا را بعد از زد و ركعت نقل نموده است

بِلا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَسْأَلُكَ بِجَلالِ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ يا لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ

وَأَسْأَلُكَ بِجَمالِ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ يا لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْأَلُكَ بِعَظَمَةِ

لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ يا لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَسْأَلُكَ بِنُورِ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ يا لا

إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَسْأَلُكَ بِرَحْمَةِ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ يا لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ

وَأَسْأَلُكَ بِكَمالِ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ يا لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَسْأَلُكَ بِكَلِماتِ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ

يا لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَسْأَلُكَ بِأَسْماءِ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ يا لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ

وَأَسْأَلُكَ بِعِزَّةِ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ يا لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَسْأَلُكَ بِقُدْرَةِ

لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ يا لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَسْأَلُكَ بِسُلْطانِ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ

يا لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَسْأَلُكَ بِعُلُوِّ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ يا لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ

وَأَسْأَلُكَ بِآياتِ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ يا لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَسْأَلُكَ بِمَشِيَّةِ لا

إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ يا لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَسْأَلُكَ بِعِزِّ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ يا لا

إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَسْأَلُكَ بِشَرَفِ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ يا لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ وَ

أَسْأَلُكَ بِمُلْكِ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ يا لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَسْأَلُكَ بِفَضْلِ لا

إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ يا لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَسْأَلُكَ بِكَرَمِ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ يا

لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَسْأَلُكَ بِرِفْعَةِ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ يا لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ

أَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَمُدَّ لِي في عُمْرِي وَتُوَسِّعَ عَلَيَّ

في رِزْقِي وَتُصِحَّ لِي جِسْمِي وَتُبَلِّغَنِي أَمَلِي اللّهُمَّ إِنْ كُنْتُ عِنْدَكَ مِنَ

الْأَشْقِياءِ فَامْحُنِي مِنَ الْأَشْقِياءِ وَاكْتُبْنِي مِنَ السُّعَداءِ فَإِنَّكَ قُلْتَ

يَمْحُوا اللهُ ما يَشاءُ وَيُثْبِتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتابِ وحوائج خود را مطلبي پس
دو ركعت ديگر را ميكني

وشيخ طوسي رحمه در كتاب مذكور گفته اللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَزائِمِ مَغْفِرَتِكَ
كه بعد از يزد و ركعت اين دعا را بخوان

[illegible]

وَبِواجِبِ رَحْمَتِكَ السَّلامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ وَالْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ

وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَالنَّجاةَ مِنَ النّارِ اللّهُمَّ دَعاكَ الدّاعُونَ

وَدَعَوْتُكَ وَسَأَلَكَ السّائِلُونَ وَسَأَلْتُكَ وَطَلَبَ الطّالِبُونَ

وَطَلَبْتُ إِلَيْكَ اللّهُمَّ أَنْتَ الثِّقَةُ وَالرَّجاءُ وَإِلَيْكَ مُنْتَهَى

الرَّغْبَةِ وَالدُّعاءِ فِي الشِّدَّةِ وَالرَّخاءِ اللّهُمَّ فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ

فَارْزُقْنِي وَبارِكْ لِي فِيما رَزَقْتَنِي وَاجْعَلْ غِنايَ في نَفْسِي وَرَغْبَتِي

فيما عندك برحمتك يا ارحم الراحمين وسيد در كتاب مذكور از كتاب ابن
ابي قرة اين دعا را بعد از زيارت دو ركعة نقل نموده
يا لا اله الا انت رب كل شيء ووارثه يا اله الالهة الرفيع جلاله
يا الله المعبود المحمود في كل فعاله يا الله الرحمن بكل شيء
ولا يؤوده يا الله الواحد الاحد انت قبل كل شيء وآخره يا الله
الدائم بلا زوال ولا يفنى ملكه الصمد في غير شبه ولا شيء
كمثله يا الله البارئ لكل شيء فلا شيء يكون كفوه يا
الله الكبير الذي لا تهتدي القلوب لكنه عظمته يا
الله البديع المنشئ الخالق لكل شيء على غير مثال
امتثله يا الله الزاكي الطاهر من كل آفة بقدسه يا الله
الكافي الرازق لكل ما خلق من عطايا فضله يا الله النقي من
كل جور لم يرضه ولم يخالطه فعاله يا الله المنان ذو الاحسان
والجود وقد عم الخلائق منه يا الله الحنان الذي وسعت كل
شيء رحمته يا الله الذي خضع العباد كلهم رهبة منه
يا الله الخالق لمن في السموات والارض وكل اليه معاده

يا الله الرحمن بكل مستصرخ ومكروب ومغيثه يا الله لا تصف
الالسن كنه جلاله وعزه يا الله المبدئ الاشياء لم يستعن
في انشائها باحد من خلقه يا الله العلام الغيوب الذي لا يؤوده
شيء من خلقه يا الله المعيد الباعث الوارث لجميع خلائقه
يا الله الحكيم ذو الآلاء فلا شيء يعدله من خلقه يا الله
الفعال لما يريد العواد بفضله على جميع خلقه يا الله العزيز
المنيع الغالب على خلقه فلا شيء يفوته يا الله العزيز ذو
البطش الشديد الذي لا يطاق انتقامه يا الله القريب في ارتفاعه
العالي في دنوه الذي ذل كل شيء لعظمته يا الله نور كل
شيء وهداه الذي فلق الظلمات نوره يا الله القدوس الطاهر
من كل شيء فلا شيء يعادله يا الله القريب المجيب المتعالي المتداني
دون كل شيء قربه يا الله الشامخ فوق كل شيء علوه وارتفاعه
يا الله المبدئ للاشياء ومعيدها ولا يبلغ الاقاويل شانه
يا الله الماجد الكريم العفو الذي وسع كل شيء عدله

المبدع بلا آلة

يا الله العظيم ذو العزة والكبرياء فلا يدرك استكباره يا الله
ذا السلطان الفاخر الذي لا يطيق الالسن وصف الائه وثنائه
صل على محمد وآل محمد واجعل فيما تقضي وتقدر من الامر المحتوم
وفيما تفرق من الامر الحكيم في ليلة القدر من القضاء الذي لا
يرد ولا يبدل ان تجعلني من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم
المكفر عنهم سيئاتهم المغفور ذنوبهم المشكور سعيهم
واجعل فيما تقضي وتقدر ان تطيل عمري وتوسع في رزقي وان
تؤدي عني اماناتي اللهم ارزقني حج بيتك الحرام وزيارة قبر نبيك
عليه السلام في عامي هذا في يسر منك وعافية و حوائج خود را سؤال کن
پس دو رکعت دیگر را بکن و شیخ
طوسی ره در کتاب مذکور گفته اللهم صل على محمد وآل محمد وفرغني
که بعد از این دو رکعت این دعا را بخوان
لما خلقتني له ولا تشغلني بما قد تكفلت لي به اللهم اني اسالك
ايمانا لا يرتد ونعيما لا ينفد ومرافقة نبيك صلواتك عليه و
آله في اعلى جنة الخلد اللهم اني اسالك رزق يوم بيوم لا قليلا
فاشقى ولا كثيرا فاطغى اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقني

الفوز

من فضلك ما ترزقني به الحج والعمرة في عامي هذا وتقويني به على الصوم
والصلوة فانك انت ربي ورجائي وعصمتي ليس لي معتصم الا انت
ولا رجاء غيرك ولا منجا منك الا اليك فصل على محمد وآل محمد وآتني
في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقني برحمتك عذاب النار
و سید در کتاب مذکور از کتاب ابن ابی قره ره اللهم اني بك ومنك اطلب حاجتي
بعد از این دو رکعت این دعا را نقل نموده است
ومن طلب حاجة الى احد فاني لا اطلب حاجتي الا منك وحدك
لا شريك لك واسالك بفضلك ورحمتك ورضوانك ان تصلي على
محمد وآل محمد واهل بيته وان تجعل لي في عامي هذا الى بيتك
الحرام سبيلا حجة مبرورة متقبلة زاكية خالصة لك تقر بها
عيني وترفع بها درجتي وتكفر بها سيئاتي وترزقني ان اغض
بصري وان احفظ فرجي عن جميع محارمك ومعاصيك حتى لا يكون
شيء آثر عندي من طاعتك وخشيتك والعمل بما احببت والترك
لما كرهت ونهيت عنه فاجعل ذلك في يسر ويسار وعافية في ديني و
جسدي ومالي وولدي واهل بيتي واخواني وما انعمت به على

وخولني فاسئلك ان تجعل وفاتي قتلا في سبيلك مع اوليائك
تحت راية نبيك واسالك ان تقتل بي اعداءك واعداء رسولك
واسئلك ان تكرمني بهوان من شئت من خلقك ولا تهني
بكرامة احد من اوليائك واجعل لي مع الرسول سبيلا حسبي
الله ما شاء الله توكلت على الله ولا حول ولا قوة الا بالله

پس دو رکعت دیگر بکن و شیخ طوسی (ره) در کتاب مذکور گفته که بعد از آن این دعا (را) اللهم لك الحمد كله ولك الملك
كله واليك يرجع الامر كله علانيته وسره وانت منتهى
الشان كله وبيدك الخير كله اللهم اني اسئلك من الخير
كله واعوذ بك من الشر كله اللهم صل على محمد وال
محمد ورضني بقضائك وبارك لي في قدرك حتى لا احب تعجيل
ما اخرت ولا تاخير ما عجلت اللهم واوسع علي من فضلك و
ارزقني بركتك واستعملني في طاعتك وتوفني عند انقضاء
اجلي على سبيلك ولا تول امري غيرك ولا تزغ قلبي بعد اذ هديتني
وهب لي من لدنك رحمة انك انت الوهاب وسید در کتاب مذکور از
کتاب ابن ابی قره این دعا را

بعد از

بعد از این دو رکعت نفل بوده است اللهم رب شهر رمضان الذي انزلت فيه القرآن و
افترضت على عبادك فيه الصيام صل على محمد واهل بيته
وارزقني حج بيتك الحرام في عامي هذا وفي كل عام واغفر لي
الذنوب العظام فانه لا يغفرها غيرك يا رحمن يا علام اللهم
صل على محمد واهل بيته وافتح مسامع قلبي لذكرك و
اجعلني اصدق بكتابك واومن بوعدك واوفي بعهدك و
ارزقني من خشيتك ما اقرب به منك اليك اللهم صل على
محمد واهل بيته وارحمني رحمة تسعني وعافني عافية تجللني و
ارزقني رزقا يغنيني وفرج عني فرجا يعمني يا اجود من سئل و
يا اكرم من دعي ويا ارحم من استرحم ويا ارأف من عفى
ويا خير من اعتمد ادعوك لهم لا يفرجه غيرك ولكرب لا يكشفه
سواك ولغم لا ينفسه الا انت ولرحمة لا تنال الا منك ولحاجة
لا تقضى الا بك اللهم فكما كان من شانك ما اذنت لي فيه من
مسالتك ورحمتني به من ذكرك فصل على محمد وال محمد وفرج

عني الساعة الساعة وتخلصني من كل ما اخاف على نفسي فانك
ان لم تدركني منك برحمة تخلصني بها لم اجد احدا غيرك
يخلصني ومن لي سواك انت انت لي انت يا مولاي العواد
بالمغفرة وانا العواد بالمعصية وانا الذي لم اراقبك قبل
معصيتي ولم اوثرك على شهوتي فلا يمنعك من اجابتي شر
عملي وقبيح فعلي وعظيم جرمي بل تفضل علي برحمتك ومن علي
بمغفرتك وتجاوز عني بعفوك واستجب دعائي وعرفني الاجا
بة في جميع ذلك برحمتك واسئلك سيدي السداد في امري والنجح
طلبتي والصلاح لنفسي والفلاح لديني والسعة في رزقي و
ادرار عيالي والافضال علي والقنوع بما قسمت لي اللهم
اتم لي الكثير من فضلك واجر لي الخير على يدي ورضني بما
قضيت علي واقض لي بالحسنى وقوني على صيام شهري وقيامه
انك على كل شيء قدير يا ارحم الراحمين وصلى الله على خير خلقه
محمد وال محمد وحوائج خود را سؤال كن پس دو ركعت ديگر بكن و شيخ طوسی رحمه
در كتاب مذكور گفته است كه بعد از اين دو ركعت اين دعا را بخوان كه از ابو

حمزه

حمزه ثمالی منقول است كه گفت اين دعا از حضرت امام محمد باقر ع بسم الله الرحمن الرحيم
اخذ نموده و آنحضرت اين دعا را بدعای جامع مينامند و دعا اين است
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد ان محمدا عبده ورسوله
امنت بالله وبجميع رسل الله وبجميع ما انزلت به جميع رسل الله
وان وعد الله حق ولقائه حق وصدق الله وبلغ المرسلون
والحمد لله رب العالمين وسبحان الله كلما سبح الله شيء وكما
يحب الله ان يسبح والحمد لله كلما حمد الله شيء وكما يحب
الله ان يحمد ولا اله الا الله كلما هلل الله شيء وكما يحب
الله ان يهلل والله اكبر كلما كبر الله شيء وكما يحب الله
ان يكبر اللهم اني اسألك مفاتيح الخير وخواتيمه وسوابغه
وفوائده وبركاته مما بلغ علمه علمي وما قصر عن احصائه
حفظي اللهم صل على محمد وال محمد وانهج لي اسباب
معرفته وافتح لي ابوابه وغشني بركات رحمتك ومن علي
بعصمة عن الازالة عن دينك وطهر قلبي بدنياي عاجل معاشي
عن اجل ثواب اخرتي واشغل قلبي بحفظ ما لا تقبل مني جهله

وذلل لكل خير لساني وطهر قلبي من الرياء في مفاصلي واجعل عملي
خالصا لك اللهم إني أعوذ بك من الشر وأنواع الفواحش
كلها ظاهرها وباطنها وغفلاتها وجميع ما يريدني به الشيطان
الرجيم وما يريدني به السلطان العنيد مما أحطت بعلمه و
أنت القادر على صرفه عني اللهم إني أعوذ بك من طوارق
الجن والإنس وزوابعهم وبوائقهم ومكائدهم ومشاهد
الفسقة من الجن والإنس وأن أستزل عن ديني فتفسد علي
آخرتي وأن يكون ذلك منهم ضررا علي في معاشي أو يعرض بلاء
يصيبني منهم لا قوة لي به ولا صبر لي على احتماله فلا تبتليني بمقا
ساته فيمنعني ذلك من ذكرك وتشغلني عن عبادتك أنت العاصم
المانع والدافع الواقي من ذلك كله أسألك اللهم الرفاهية
في معيشتي ما أبقيتني معيشة أقوى بها على طاعتك وأبلغ بها رضوانك
وأصير بها منك إلى دار الحيوان ولا ترزقني رزقا يطغيني ولا
تبتليني بفقر أشقى به مضيقا علي أعطني حظا وافرا في آخرتي

ومعاشا

ومعاشا واسعا هنيئا مريئا في دنياي ولا تجعل الدنيا علي سجنا
ولا تجعل فراقها علي حزنا أجرني من فتنتها سليما واجعل عملي
فيها مقبولا وسعيي فيها مشكورا اللهم من أرادني بسوء فأرده
ومن كادني فكده واصرف عني هم من أدخل علي همه وامكر
بمن مكر بي فإنك خير الماكرين وافقأ عني عيون الكفرة الظلمة
الطغاة الحسدة اللهم صل على محمد وآله وأنزل علي منك
سكينة وألبسني درعك الحصينة واحفظني بسترك
الواقي وجللني عافيتك النافعة وصدق قولي وفعالي وبارك لي
في أهلي وولدي ومالي وما قدمت وما أخرت وما أغفلت وما تعمدت
وما توانيت وما أعلنت وما أسررت فاغفر لي يا أرحم الراحمين
وصل على محمد وآله الطيبين الطاهرين كما أنت أهله يا ولي المؤ منين
وسید در کتاب مذکور از کتاب ابن ابی قره اللهم إني أسألك مسألة المسكين
از دعا [illegible] نقل نموده است
المستكين وأبتغي إليك ابتغاء البائس الفقير وأتضرع إليك
تضرع المظلوم الضرير وأبتهل إليك ابتهال المذنب الذليل

الضَّعِيفِ وَاَسْئَلُكَ مَسْئَلَةَ مَنْ خَضَعَتْ لَكَ نَفْسُهُ وَذَلَّتْ لَكَ رَقَبَتُهُ
وَرَغِمَ لَكَ اَنْفُهُ وَعَفَّرَ لَكَ وَجْهَهُ وَسَقَطَتْ لَكَ نَاصِيَتُهُ وَهَمَلَتْ
لَكَ دُمُوعُهُ وَاضْمَحَلَّتْ عَنْهُ حِيلَتُهُ وَانْقَطَعَتْ عَنْهُ حُجَّتُهُ وَضَعُفَتْ
قُوَّتُهُ وَاشْتَدَّتْ حَسْرَتُهُ وَعَظُمَتْ نَدَامَتُهُ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَارْحَمِ الْمُضْطَرَّ اِلَيْكَ الْمُحْتَاجَ اِلَى رَحْمَتِكَ بِحَقِّكَ الْعَظِيمِ
يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ
وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاَعْطِنِي فِي مَجْلِسِي هَذَا فَكَاكَ رَقَبَتِي
مِنَ النَّارِ وَاَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الْمُفَضَّلِ وَاَعْطِنِي مِنْ خَزَائِنِكَ
وَبَارِكْ لِي فِي اَهْلِي وَمَالِي وَوُلْدِي وَجَمِيعِ مَا رَزَقْتَنِي وَارْزُقْنِي الْحَجَّ وَ
الْعُمْرَةَ فِي عَامِي هَذَا فِي اَسْبَغِ النَّفَقَةِ وَاَوْسَعِ السَّعَةِ وَاجْعَلْ ذَلِكَ
مَقْبُولاً مَبْرُوراً خَالِصاً لِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ اِكْفِنِي مَؤُنَةَ اَهْلِي
وَنَفْسِي وَعِيَالِي وَغُرَمَائِي فِي تِجَارَتِي وَجَمِيعَ مَا اَخَافُ عُسْرَهُ وَمَؤُنَةَ خَلْقِكَ
اَجْمَعِينَ وَاكْفِنِي شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَشَرَّ الصَّوَاعِقِ وَالْبَرَدِ
وَشَرَّ كُلِّ دَابَّةٍ اَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا اِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ يَا كَرِيمُ

يَا كَرِيمُ

يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ وَافْعَلْ بِي ذَلِكَ بِرَحْمَتِكَ وَهَبْ لِي حَقَّكَ وَتَغَمَّدْ ذُنُوبِي بِمَغْفِرَتِكَ
وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنِي وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ
الْوَهَّابُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وطلب کن حوائج خود را وشیخ طوسی در کتاب مذکور
گفته که پس سجده کن و در سجده بخوان از دعائی که
در سجدهٔ سابق مذکور شد مؤلف گوید که در این مقام تنبیه بر چند امر ضرور است اول سید
در کتاب مذکور گفته که چون سر از سجده بر میداری آن دعائی که سابق مذکور شد نیز بخوان
و شیخ طوسی در تهذیب و مصباح بر دعای سجده اقتصار نموده است و محتمل است که مراد شیخ
نیز هر دو دعا باشد چنانچه سید نقل نموده است و از راه اختصار اکتفا بیکی نموده باشد
دوم شیخ طاب ثراه در مصباح بعد از دو رکعت اول و دو رکعت دوم گفته که بعد از سلام تسبیح
فاطمهٔ زهرا صلوات الله علیها را بگو و بعد از آن دعا را بخوان و سید را قابل گفته است که شیخ
طوسی در کتاب تهذیب از حضرت صادق روایت کرده است که بعد از سلام هر دو رکعت تسبیح
فاطمه صلوات الله علیها را بخوان و محقق نماند که در احادیث تهذیب اصلا این تسبیح مذکور
نیست مگر در فقره از هشت رکعت که بطریق نماز حضرت فاطمه صلوات الله علیها کرده
میشود که در روایت مفضل بن عمر وارد شده که بعد از سلام تسبیح آنحضرت را بگو بلکه
غیر فرایض یومیه و این نماز لیلهٔ تسع تعقیب برای تسبیح آنحضرت اصلا بنظر نرسیده
لیکن علما در بعضی مواضع مانند نماز شب و غیر آن ذکر نموده اند و شاید ترک آن احوط باشد
والله تعالی یعلم سیم کفعمی رحمه الله در حواشی جنة الامان گفته که در هر شب از شبهای ماه رمضان
مستحب است که دو رکعت نماز بگذارد در هر رکعتی بعد از حمد سورهٔ قل هو الله احد سه مرتبه و چون
سلام گوید این سُبْحَانَ مَنْ هُوَ حَفِيظٌ لَا يَغْفُلُ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ رَحِيمٌ لَا يَعْجَلُ
دعا را بخوان
سُبْحَانَ مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَسْهُو سُبْحَانَ مَنْ هُوَ دَائِمٌ لَا يَلْهُو پس تسبیحات
اربع را هفت
نوبت بگوید بعد از آن این سُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ يَا عَظِيمُ اغْفِرْ لِيَ
دعا را ده مرتبه بخوان
الذَّنْبَ الْعَظِيمَ پس ده مرتبه صلوات بر محمد و آل او صلی الله علیه و علیهم بفرستد
پس گفته که هر که این نماز را بکند حق تعالی هفتاد گناه او را بیامرزد

سید بن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال گفته که غازها‌ی بسیار در هر شب از شبهای این ماه وارد شده است و چون اعتماد و وثوق بر سند آنها نداشتم ذکر نمودم **تتمه** شیخ طوسی ره در کتاب تهذیب از حضرت امام جعفر صادق عم روایت کرده است که آنحضرت بجمیل بن صالح فرمود که اگر توانی که ماه رمضان و غیر آن از ماهها بدیکر در هر شبانه روزی هزار رکعت نماز بجا آوری بکن بدرستی که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه در هر شبانه روزی هزار رکعت نماز میکرد و ایضاً از آنحضرت روایت کرده است که با ابو بصیر فرمود که ماه رمضان را حرمتی زیادتی هست که ماههای دیگر با آن شباهت ندارد پس هر قدر که توانی نماز تطوع در شب و روز آن بکن و اگر توانی در هر شبانه روزی هزار رکعت نماز بکن بدرستی که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه در آخر عمر شریفش در هر شبانه روزی هزار رکعت نماز میگذارد و الله تعالی هو الموفق **مقصد دوم** در بیان ادعیه هر شب این ماه است و آنها چند چیز است **اول** سید بن طاوس ره در کتاب اقبال از بعضی از آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین روایت کرده است که هر که این دعا را در هر شب از ماه رمضان بخواند گناهان چهل ساله او آمرزیده شود و دعا اینست

اَللّٰهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضٰانَ الَّذِي اَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْاٰنَ وَ افْتَرَضْتَ عَلٰى عِبٰادِكَ فِيهِ الصِّيٰامَ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرٰامِ فِي عٰامِي هٰذٰا وَ فِي كُلِّ عٰامٍ وَ اغْفِرْ لِي تِلْكَ الذُّنُوبَ الْعِظٰامَ فَاِنَّهُ لاٰ يَغْفِرُهٰا غَيْرُكَ يٰا رَحْمٰنُ يٰا عَلاّٰمُ **دوم** از ابو بصیر ره چنانچه سید از او در کتاب اقبال نقل نموده از حضرت صادق عم روایت کرده است که از دعاهای هر شب ماه رمضان این دعا است

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ فِيمٰا تَقْضِي وَ تُقَدِّرُ مِنَ الْاَمْرِ الْمَحْتُومِ فِي الْاَمْرِ الْحَكِيمِ فِي الْقَضٰاءِ الَّذِي لاٰ يُرَدُّ وَ لاٰ يُبَدَّلُ اَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجّٰاجِ بَيْتِكَ الْحَرٰامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئٰاتُهُمْ وَ اجْعَلْ فِيمٰا تَقْضِي وَ تُقَدِّرُ مِنَ الْاَمْرِ الْحَكِيمِ فِي الْقَضٰاءِ الَّذِي لاٰ يُرَدُّ وَ لاٰ يُبَدَّلُ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تُطِيلَ عُمْرِي **سیم** ایضاً سید در کتاب مذکور بسند خود از حضرت صادق عم روایت کرده است که از جمله دعاها در هر شب ماه رمضان این دعا است اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ اَنْ تَجْعَلَ فِيمٰا تَقْضِي وَ تُقَدِّرُ مِنَ الْاَمْرِ الْمَحْتُومِ فِي الْاَمْرِ الْحَكِيمِ مِنَ الْقَضٰاءِ الَّذِي لاٰ يُرَدُّ وَ لاٰ يُبَدَّلُ اَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجّٰاجِ بَيْتِكَ الْحَرٰامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ الْمُكَفَّرِ عَنْ سَيِّئٰاتِهِمْ وَ اَنْ تَجْعَلَ فِيمٰا تَقْضِي وَ تُقَدِّرُ اَنْ تُطِيلَ عُمْرِي فِي خَيْرٍ وَ عٰافِيَةٍ وَ تُوَسِّعَ فِي رِزْقِي وَ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ وَ لاٰ تَسْتَبْدِلْ بِي غَيْرِي **مؤلف** گوید که ممکن است که این دعا با دعای سابق متحد باشد و اختلاف از نقل رواة ناشی شده باشد و الله تعالی یعلم **چهارم** ایضاً سید در کتاب مذکور گفته که از جمله دعاهای هر شب این ماه این دعا است

اَللّٰهُمَّ بِرَحْمَتِكَ فِي الصّٰالِحِينَ فَاَدْخِلْنٰا وَ فِي عِلِّيِّينَ فَارْفَعْنٰا وَ بِكَاْسٍ مِنْ مَعِينٍ مِنْ عَيْنٍ سَلْسَبِيلٍ فَاسْقِنٰا وَ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ بِرَحْمَتِكَ فَزَوِّجْنٰا وَ مِنَ الْوِلْدٰانِ الْمُخَلَّدِينَ كَاَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ فَاَخْدِمْنٰا وَ مِنْ ثِمٰارِ الْجَنَّةِ وَ لُحُومِ الطَّيْرِ فَاَطْعِمْنٰا وَ مِنْ ثِيٰابِ السُّنْدُسِ وَ الْحَرِيرِ وَ الْاِسْتَبْرَقِ فَاَلْبِسْنٰا وَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَ حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرٰامِ وَ قَتْلاً فِي سَبِيلِكَ فَوَفِّقْ لَنٰا وَ صٰالِحَ الدُّعٰاءِ وَ الْمَسْاَلَةِ فَاسْتَجِبْ لَنٰا يٰا خٰالِقَنٰا اسْمَعْ وَ اسْتَجِبْ لَنٰا وَ اِذٰا جَمَعْتَ

الأولين والآخرين يوم القيامة فارحمنا وبراءة من النار فاكتب لنا وفي
جهنم فلا تغلنا وفي عذابك وهوانك فلا تبتلنا ومن الزقوم والضريع
فلا تطعمنا ومع الشياطين فلا تجعلنا وفي النار على وجوهنا فلا تكبنا
ومن ثياب النار وسرابيل القطران فلا تلبسنا ومن كل سوء يا لا إله إلا أنت
بحق لا إله إلا أنت فنجنا

ایضا سید در کتاب مذکور از محمد بن ابی قره نقل نموده که او بسند خود از ابو عمرو روایت کرده است که گفت از ابو جعفر محمد بن عثمان بغدادی سؤال کردم که بمن بنماید کتاب ادعیه ماه رمضان که عموی او محمد بن عثمان عمری رض که از نواب حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه است میخوانده پس او کتابی که جلدش سرخ بود نزد من آورد و من دعاهای بسیار از آن نوشتم از آن جمله این دعا بود و در عنوان آن دعا چنین بود که بخوان این دعا را در هر شبی از شبهای ماه رمضان بدرستیکه دعا در این ماه را ملائکه میشنوند و استغفار مینمایند برای صاحب آن و دعا اینست

اللهم إني أفتتح الثناء بحمدك وأنت مسدد
للصواب بمنك وأيقنت أنك أنت أرحم الراحمين في موضع العفو
والرحمة وأشد المعاقبين في موضع النكال والنقمة وأعظم المتجبرين
في موضع الكبرياء والعظمة اللهم أذنت لي في دعائك ومسألتك
فاسمع يا سميع مدحتي وأجب يا رحيم دعوتي وأقل يا غفور عثرتي
فكم يا إلهي من كربة قد فرجتها وهموم قد كشفتها وعثرة
قد أقلتها ورحمة قد نشرتها وحلقة بلاء قد فككتها الحمد لله

الذي لم يتخذ صاحبة ولا ولدا ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن له
ولي من الذل وكبره تكبيرا الحمد لله بجميع محامده كلها على جميع
نعمه كلها الحمد لله الذي لا مضاد له في ملكه ولا منازع له
في أمره الحمد لله الذي لا شريك له في خلقه ولا شبه له في عظمته
الحمد لله الفاشي في الخلق أمره وحمده الظاهر بالكرم مجده
الباسط بالجود يده الذي لا تنقص خزائنه ولا يزيده كثرة العطاء
إلا جودا وكرما إنه هو العزيز الوهاب اللهم إني أسألك
قليلا من كثير مع حاجة بي إليه عظيمة وغناك عنه قديم وهو
عندي كثير وهو عليك سهل يسير اللهم إن عفوك عن ذنبي و
تجاوزك عن خطيئتي وصفحك عن ظلمي وسترك على قبيح عملي وحلمك
عن كثير جرمي عند ما كان من خطاي وعمدي أطمعني في أن أسألك
ما لا أستوجبه منك الذي رزقتني من رحمتك وأريتني من
قدرتك وعرفتني من إجابتك فصرت أدعوك آمنا وأسألك
مستأنسا لا خائفا ولا وجلا مدلا عليك فيما قصدت فيه إليك

شبيه

فان ابطا عني عتبت بجهلي ولعل الذي ابطا عني هو خير لي لعلمك
بعاقبة الامور فلم ار مولى كريما اصبر على عبد لئيم منك علي
يا رب انك تدعوني فاولي عنك وتحبب الي فاتبغض اليك و
تتودد الي فلا اقبل منك كان لي التطول عليك فلم يمنعك ذلك (تؤلى)
من الرحمة بي والاحسان الي والتفضل علي بجودك وكرمك
فارحم عبدك الجاهل وجد عليه بفضل احسانك انك جواد كريم
الحمد لله مالك الملك مجري الفلك مسخر الرياح فالق الاصباح ديان
الدين رب العالمين الحمد لله على حلمه بعد علمه والحمد لله على عفوه بعد
قدرته والحمد لله على طول اناته في غضبه وهو قادر على ما يريد
الحمد لله خالق الخلق باسط الرزق فالق الاصباح ذي الجلال والاكرام
(الاحسان) والفضل والانعام الذي بعد فلا يرى وقرب فشهد النجوى تبارك
وتعالى الحمد لله الذي ليس له منازع يعادله ولا شبيه يشاكله
ولا ظهير يعاضده قهر بعزته الاعزاء وتواضع لعظمته العظماء
فبلغ بقدرته ما يشاء الحمد لله الذي يجيبني حين اناديه ويستر

على كل عورة وانا اعصيه ويعظم النعمة علي فلا اجازيه
وكم من موهبة هنيئة قد اعطاني وعظيمة مخوفة قد كفاني
وبهجة مونقة قد اراني فاثني عليه حامدا واذكره مسبحا
الحمد لله الذي لا يهتك حجابه ولا يغلق بابه ولا يرد سائله ولا
يخيب امله الحمد لله الذي يؤمن الخائفين وينجي الصالحين ويرفع
المستضعفين ويضع المستكبرين ويهلك ملوكا ويستخلف اخرين
(الظلمة) والحمد لله قاصم الجبارين مبير الظالمين مدرك الهاربين نكال الظالمين
صريخ المستصرخين موضع حاجات الطالبين معتمد المؤمنين الحمد
(رعا) لله الذي من خشيته ترعد السماء وسكانها وترجف الارض وعمارها
وتموج البحار ومن يسبح في غمراتها الحمد لله الذي هدانا لهذا وما
كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله الحمد لله الذي يخلق ولم يخلق
ويرزق ولا يرزق ويطعم ولا يطعم ويميت الاحياء ويحيي الموتى و
هو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير اللهم صل
على محمد عبدك ورسولك وامينك وصفيك وحبيبك وخيرتك

مِن خلقك وحافظ سرّك ومبلّغ رسالاتك أفضل وأحسن وأجمل
وأكمل وأزكى وأنمى وأطيب وأطهر وأسنى وأكثر ما
صلّيت وباركت وترحّمت وتحنّنت وسلّمت على أحدٍ من عبادك
وأنبيائك ورسلك وصفوتك وأهل الكرامة عليك من
خلقك اللهمّ صلّ على عليٍّ أمير المؤمنين ووصيّ رسول ربّ
العالمين عبدك ووليّك وأخي رسولك وحجّتك على خلقك
وآيتك الكبرى والنبأ العظيم وصلّ على الصدّيقة الطاهرة
فاطمة الزهراء سيّدة نساء العالمين وصلّ على سبطي الرحمة
وإمامي الهدى الحسن والحسين سيّدي شباب أهل الجنّة و
صلّ على أئمّة المسلمين عليّ بن الحسين ومحمّد بن عليّ وجعفر بن
محمّد وموسى بن جعفر وعليّ بن موسى ومحمّد بن عليّ وعليّ بن
محمّد والحسن بن عليّ والخلف الصالح الهادي المهديّ حججك
على عبادك وأمنائك في بلادك صلوةً كثيرةً دائمةً اللهمّ
وصلّ على وليّ أمرك القائم المؤمّل والعدل المنتظر وحفّه

بملئكتك

بملئكتك المقرّبين وأيّده بروح القدس يا ربّ العالمين اللهمّ
اجعله الداعي إلى كتابك والقائم بدينك استخلفه في الأرض
كما استخلفت الذين من قبله مكّن له دينه الذي ارتضيته له
أبدله من بعد خوفه أمناً يعبدك لا يشرك بك شيئاً اللهمّ
أعزّه وأعزز به وانصره وانتصر به وانصره نصراً عزيزاً وافتح له
فتحاً يسيراً واجعل له من لدنك سلطاناً نصيراً اللهمّ أظهر به
دينك وسنّة نبيّك حتّى لا يستخفي بشيءٍ من الحقّ مخافة أحدٍ ملّة
من الخلق اللهمّ إنّا نرغب إليك في دولةٍ كريمةٍ تعزّ بها الإسلام
وأهله وتذلّ بها النفاق وأهله وتجعلنا فيها من الدعاة إلى
طاعتك والقادة إلى سبيلك وترزقنا بها كرامة الدنيا والآخرة
اللهمّ ما عرّفتنا من الحقّ فحمّلناه وما قصرنا عنه فبلّغناه
اللهمّ المم به شعثنا واشعب به صدعنا وارتق به فتقنا
وكثّر به قلّتنا وأعزز به ذلّتنا وأغن به عائلنا واقض به عن أعزّ
مغرمنا واجبر به فقرنا وسدّ به خلّتنا ويسّر به عسرنا وبيّض به

وجوهنا وفك به اسرنا وانجح به طلبتنا وانجز به مواعيدنا و
استجب به دعوتنا واعطنا به سؤلنا وبلغنا به من الدنيا و
الاخرة امالنا واعطنا به فوق رغبتنا يا خير المسؤولين واوسع
المعطين اشف به صدورنا واذهب به غيظ قلوبنا واهدنا
به لما اختلف فيه من الحق باذنك انك تهدي من تشاء الى صراط
مستقيم وانصرنا به على عدوك وعدونا اله الحق امين
اللهم انا نشكو اليك فقد نبينا صلواتك عليه واله وغيبة
ولينا وكثرة عدونا وقلة عددنا وشدة الفتن وتظاهر
الزمان علينا فصل على محمد واله واعنا على ذلك كله بفتح تعجله
وبضر تكشفه ونصر تعزه وسلطان حق تظهره ورحمة منك
تجللناها وعافية منك تلبسناها برحمتك يا ارحم الراحمين

امامنا خ ل

الحميد خ ل

ششم کلینی وابن بابویه وسید بن طاوس قدس الله ارواحهم ودیگران بسندهای معتبر از
حضرت امام محمد تقی علیه السلام روایت نموده اند که یکی از اصحاب آنحضرت بخدمت او عرض نمود که
... بفرمائید که شب قدر در هر سالی میباشد فرمود که چون ماه مبارک رمضان داخل شود
در هر شب سوره دخان را صد نوبت بخوان ... چون شب بیست وسیم شود نظر خواهی کرد
بسوی ... وتصدیق آنچه ... خواهی نمود هفتم ایضا از حضرت صادق علیه السلام روایت
... که هرگاه ماه رمضان داخل شود هر شب سوره انا انزلناه را هزار

مرتبه بخوان وچون شب بیست وسیم داخل شود دل خود را محکم کن وگوشهای خود را بگشا
تا عجایب بسیار بشنوی مؤلف گوید که سید وبعضی دیگر از علما ازین حدیث چنین فهمیده اند
که این دو سوره بعد از شب بیست وسیم نیز تا آخر ماه در هر شبی باید خوانده شود ومحتمل است
که مراد این باشد که تا شب بیست وسیم خوانده شود وبعد از آن ضرور نباشد والله تعالی یعلم
وهو الموفق ترتیب ثامن ذکر بعضی از ادعیه هر شبه چیزی چند است که در هر شب وهر روز باید
کرده شود وآنها چند چیز است اول سید بن طاوس ره در اقبال از حضرت امام جعفر صادق
وامام موسی کاظم صلوات الله علیهما روایت کرده که ایشان فرمودند که در تمام ماه مبارک رمضان
بعد از هر نماز واجب اللهم ارزقني حج بيتك الحرام في عامي هذا وفي كل عام
از زیادتها بخوانند
ما ابقيتني في يسر منك وعافية وسعة رزق ولا تخلني من تلك المواقف
الكريمة والمشاهد الشريفة وزيارة قبر نبيك صلواتك عليه
واله وفي جميع حوائج الدنيا والاخرة فكن لي اللهم اني اسالك
فيما تقضي وتقدر من الامر المحتوم في ليلة القدر من القضاء الذي
لا يرد ولا يبدل ان تكتبني من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم
المشكور سعيهم المغفور ذنوبهم المكفر عنهم سيئاتهم واجعل
فيما تقضي وتقدر ان تطيل عمري وتوسع علي رزقي وتؤدي عني
امانتي وديني امين رب العالمين دوم ايضا سید در کتاب مذکور گفته که مکرر
در عقب هر نمازی خواه نافله ...
يا علي يا عظيم يا غفور يا رحيم انت الرب العظيم الذي ليس كمثله
شيء وهو السميع البصير وهذا شهر عظمته وشرفته وفضلته
وكرمته

عَلَى الشُّهُورِ وَهُوَ الشَّهْرُ الَّذِي فَرَضْتَ صِيَامَهُ عَلَيَّ وَهُوَ شَهْرُ رَمَضَانَ

الَّذِي اَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ

وَجَعَلْتَ فِيهِ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَجَعَلْتَهَا خَيْراً مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ فَيَا ذَا الْمَنِّ

وَلَا يُمَنُّ عَلَيْكَ مُنَّ عَلَيَّ بِفَكَاكِ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ فِيمَنْ تَمُنُّ عَلَيْهِ وَ

اَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ مؤلف گويد که کفعمی ره در کتاب جنة الامان اين دعا را از کتاب فردوس برای هر روز اينماه نقل نموده و چون ضبط سيد زياده از کفعمی است اعتماد بر نقل سيد بيشتر است والله تعالی يعلم شيخ کفعمی در جنة الامان از رسول خدا صلعم روايت کرده است که هر که در ماه رمضان بعد از نماز فريضه اين دعا را بخواند حق تعالی گناهان او را بيامرزد تا روز قيامت ودعا اينست

اَللّٰهُمَّ اَدْخِلْ عَلَى اَهْلِ الْقُبُورِ السُّرُورَ اَللّٰهُمَّ اَغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ اَللّٰهُمَّ اَشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ اَللّٰهُمَّ اكْسُ كُلَّ عُرْيَانٍ اَللّٰهُمَّ

اقْضِ دَيْنَ كُلِّ مَدِينٍ اَللّٰهُمَّ فَرِّجْ عَنْ كُلِّ مَكْرُوبٍ اَللّٰهُمَّ رُدَّ كُلَّ

غَرِيبٍ اَللّٰهُمَّ فُكَّ كُلَّ اَسِيرٍ اَللّٰهُمَّ اَصْلِحْ كُلَّ فَاسِدٍ مِنْ اُمُورِ الْمُسْلِمِينَ

اَللّٰهُمَّ اشْفِ كُلَّ مَرِيضٍ اَللّٰهُمَّ سُدَّ فَقْرَنَا بِغِنَاكَ اَللّٰهُمَّ غَيِّرْ سُوءَ

حَالِنَا بِحُسْنِ حَالِكَ اَللّٰهُمَّ اقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ وَاَغْنِنَا مِنَ الْفَقْرِ اِنَّكَ

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ کلينی ره بسند معتبر از ابو بصير روايت کرده است که حضرت صادق عليه السلام در ماه مبارک رمضان اين دعا را ميخواند اَللّٰهُمَّ بِكَ وَ

مِنْكَ اَطْلُبُ حَاجَتِي وَمَنْ طَلَبَ حَاجَةً اِلَى النَّاسِ فَاِنِّي لَا اَطْلُبُ حَاجَتِي اِلَّا

مِنْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَاَسْاَلُكَ بِفَضْلِكَ وَرِضْوَانِكَ اَنْ

تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى اَهْلِ بَيْتِهِ وَاَنْ تَجْعَلَ لِي فِي عَامِي هٰذَا اِلَى

بَيْتِكَ الْحَرَامِ سَبِيلاً حَجَّةً مَبْرُورَةً مُتَقَبَّلَةً زَاكِيَةً خَالِصَةً لَكَ

تُقِرُّ بِهَا عَيْنِي وَتَرْفَعُ بِهَا دَرَجَتِي وَتَرْزُقُنِي اَنْ اَغُضَّ بَصَرِي

وَاَنْ اَحْفَظَ فَرْجِي وَاَنْ اَكُفَّ بِهَا عَنْ جَمِيعِ مَحَارِمِكَ حَتَّى لَا

يَكُونَ شَيْءٌ آثَرَ عِنْدِي مِنْ طَاعَتِكَ وَخَشْيَتِكَ وَالْعَمَلِ بِمَا اَحْبَبْتَ

وَالتَّرْكِ لِمَا كَرِهْتَ وَنَهَيْتَ عَنْهُ وَاجْعَلْ ذٰلِكَ فِي يُسْرٍ وَيَسَارٍ

وَعَافِيَةٍ وَمَا اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ وَاَسْاَلُكَ اَنْ تَجْعَلَ وَفَاتِي قَتْلاً

فِي سَبِيلِكَ تَحْتَ رَايَةِ نَبِيِّكَ مَعَ اَوْلِيَائِكَ وَاَسْاَلُكَ اَنْ تَقْتُلَ بِي

اَعْدَاءَكَ وَاَعْدَاءَ رَسُولِكَ وَاَسْاَلُكَ اَنْ تُكْرِمَنِي بِهَوَانِ مَنْ

شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ وَلَا تُهِنِّي بِكَرَامَةِ اَحَدٍ مِنْ اَوْلِيَائِكَ اَللّٰهُمَّ

اجْعَلْ لِي مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلاً حَسْبِيَ اللّٰهُ وَمَا شَاءَ اللّٰهُ

مؤلف گويد که سيد در اقبال اين دعا را از آنحضرت روايت کرده است که ابو بصير [illegible] ماه مبارک رمضان بعد از مغرب [illegible] شيخ کفعمی در جنة الامان [illegible] [illegible]

بما احببته

وان تكرمني

چون در روایت کلینی معتبر بوقت خاصی نیست پس اگر در غاز هر روز و هر شب بعد از مغرب
خوانده شود عمل بهر دو روایت شده است والله تعالی یعلم. پنجم در هر روز و هر شب این ماه
هر یک از سوره حمد و آیة الکرسی و قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد و معوذتین را سه
نوبت بخوان پس سه نوبت بگو سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ
أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و سه نوبت
اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و سه نوبت اللّٰهُمَّ اغْفِرْ
اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ و چهار صد نوبت أَسْتَغْفِرُ اللهَ
وَأَتُوبُ إِلَيْهِ بگو و این عمل فضیلت عظیم و ثواب بسیار دارد چنانچه در باب سیم
از اعمال ماه رجب که در بیان اعمال مشترکه میان ماه رجب و ماه شعبان و ماه رمضان است
مذکور شد روایت این عمل چنانچه در خزینه اول سبق ذکرها منه حدیثی است که دیلمی ره در
کتاب اعلام الدین و کفعمی ره در کتاب بلد الامین از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت
کرده اند که رسول خدا صلعم فرمود که هر که در هر روز و هر شب از ماه رجب و ماه شعبان و ماه
مبارک رمضان این عمل را بجا آورد بحق آنکه نفس من در قبضه قدرت اوست که هر گاه این عمل را
بجا آورد و چیزی از اینها فوت نشود حق تعالی گناهان او را بیامرزد اگر چه مانند قطرهای باران و برگ
درختان و کف دریاها باشد و در روز عید فطر از جانب حق تعالی منادی ندا کند که ای بنده من
تو بحق ولی من و دوست منی حقا و از برای توهست نزد من بزرگ کرامت تو چیزی من بهر چیزی شفاعت
در ماهیان و خواهران خود بحق آنکه مرا بحق و راستی مبعوث گردانیده است که هر که بخواند این سورها
را و بعمل آورد این اعمال را در روزها و شبهای این سه ماه اگر چه در تمام عمر یکمرتبه باشد حق تعالی باو عطا
فرماید بهر حرفی هفتاد هزار حسنه که هر حسنه سنگین تر باشد نزد خدا از کوههای دنیا و بر
آورد برای او هفتصد حاجت در وقت قبض روح او و هفتصد حاجت در وقت پرواز نمودن نامهای
عمل و هفتصد حاجت در وقت گذشتن از صراط و هفتصد حاجت در وقت بر پا شدن میزان و
او را در سایه عرش خود جا دهد و حساب او را آسان کند و او را هفتاد هزار ملک مشایعت
نمایند تا بهشت داخل شود و مقام او مهیا شده باشد برای او چیزی چند که هیچ دیده ندیده باشد
هیچ گوشی نشنیده باشد. فصل سیم در بیان آداب سحور و مطالب آن بترتیب ما یلی بیان میشود
مطلب اول در بیان فضیلت سحور محمد بن یعقوب کلینی و ابن بابویه و شیخ طوسی رضی الله عنهم از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام روایت کرده اند که مستحب است برای روزه دار که سحور را ترک نکند و ایضا از آنحضرت
روایت کرده اند که رسول خدا صلعم فرمود که یاری کنید بخوردن سحور بر روزه داشتن روز و بخواب
قیلوله بر عبادت شب و ایضا از آنحضرت از پدران بزرگوارش روایت کرده اند که رسول خدا صلعم

فرمود که سحور در شب برکت است پس فرمود که آن بزرگوار میفرمود که امت من ترک نکنند سحور را هر چند بخرمای
خشکی باشد و کلینی و شیخ مفید و شیخ طوسی رحمهم الله از آنحضرت روایت کرده اند که حضرت رسالتپناه صلعم
فرمود که سحور کنید هر چند بشربت آبی باشد بدرستی که صلوات الهی بر سحور کنندگان است و ابن بابویه
و شیخ مفید رحمهما الله از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده اند که رسول خدا صلعم
فرمود که بدرستی که حق تعالی و ملئکه صلوات میفرستند بر سحور کنندگان و استغفار کنندگان در
سحرها پس باید که از شما سحور کنند هر چند بشربت آبی باشد و ایضا از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند
که اگر مردم سحور کنند و بغیر آب چیزی دیگر افطار ننمایند حتم بخدا اگر قادر میباشند بروزه تمام عمر
تنبیه بدانکه فضیلت سحور در ماه مبارک رمضان زیاده از سایر اوقات است و ترک آن مکروه است
و در غیر این ماه جایز است و قصوری ندارد چنانچه کلینی ره از ابو بصیر (?) روایت کرده است که
گفت پرسیدم از حضرت صادق علیه السلام از سحور کردن برای کسی که اراده روزه داشته باشد که آیا
او واجب است یا نه فرمود باکی نیست که سحور نخورد اگر خواهد اما در ماه مبارک رمضان
افضل آنست که سحور بخورد و من دوست میدارم که آنرا ترک نکند و ایضا از سماعه روایت کرده
است که گفت از آنحضرت پرسیدم از سحور کردن کسی که روزه خواهد بدارد فرمود که اما در ماه
رمضان پس فضیلت در خوردن سحور است هر چند بشربت آبی باشد و در روزه تطوع پس
که خواهد سحور بخورد و هر که خواهد سحور نکند باکی نیست مؤلف گوید که [illegible] ازین باب
ظاهر اینست که در ماه مبارک رمضان چون سی روز متعاقب روزه گرفته میشود ضعف در
مزاج بیشتر بهم میرسد لهذا تأکید زیاده در باب سحور که باعث تقویت مزاج و بدن است وارد شده
و روزه تطوع چون غالب آنست که یکروز یا دو روز بیشتر نیست و بآن آنقدر ضعف بهم
نمیرسد اگر سحور نخورد قصوری ندارد و در بعضی که روزه متصل باشد مانند ماه شعبان هر گاه کسی تمام آنرا
روزه بدارد تأکید خوردن سحور زیاده از تطوعات باشد والله یعلم. مطلب دویم در بیان
سحورهائی که در آنها چنانچه از روایات ظاهر میشود چند چیز است اول آنچه در اعاده (?)
سابقه مذکور شد دویم خرما چنانچه سابق مذکور شد و بعد از این نیز مذکور میشود سیم قاوت
چنانچه شیخ طوسی ره از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که بهترین سحور شما خرما و قاوت است
و شیخ مفید ره در کتاب مقنعه گفته است که در روایت وارد شده است که بهترین سحورها خرما و قاوت
است برای آنکه رسول خدا صلعم با آنها سحور میفرموده است [illegible] از احادیث مذکوره ظاهر میشود
که خرما از همه افضل است و بعد از آن قاوت و بعد از آن آب و اگر همه اینها [illegible] افضل است
مطلب چهارم در بیان اداء وقت سحور و آنها چنانچه از تتبع روایات ظاهر میشود چند [illegible]
اول سید بن طاوس ره در کتاب [illegible] از کتاب علی بن حسن بن فضال [illegible]

کرده است که ابو الحسن یقطین عرض نمود بحضرت امام رضا ع ... و الناس نمود که آنحضرت
این دعا را برای او بنویسد حضرت قبول فرمود و دعا را نوشت ... در جواب نوشت که این دعای حضرت
امام محمد باقر علیه السلام است در سحرهای ماه مبارک رمضان و بدیع بن حزم او که آنحضرت میفرمود
که اگر مردم بدانند عظمت این دعا را نزد حق تعالی و سرعت اجابت آن را هر آینه برسر این دعا با یکدیگر
... نمایند بشمشیرها ... تعالی مخصوص میکرد از برای خود هر که را میخواهد و حضرت
میفرمود که اگر سوگند یاد نمایم که اسم اعظم الهی در این دعا داخل است هر آینه راست گفته ام
پس هرگاه این دعا را بخواهید سعی کنید در پنهان کردن که این دعا از مکنون علم ماست و کتمان کنید
آن را از اهلش که منافقین و مکذبین و جاحدین از اهل این دعا نیستند و این دعا مشتمل بر
مباهله است بدعای مباهله و دعا اینست

اللّهمّ إنّي أسألك من بهائك بأبهاه وكلّ بهائك
بهيّ اللّهمّ إنّي أسألك ببهائك كلّه اللّهمّ إنّي أسألك
من جمالك بأجمله وكلّ جمالك جميل اللّهمّ إنّي أسألك
بجمالك كلّه اللّهمّ إنّي أسألك من جلالك بأجلّه وكلّ
جلالك جليل اللّهمّ إنّي أسألك بجلالك كلّه اللّهمّ إنّي
أسألك من عظمتك بأعظمها وكلّ عظمتك عظيمة اللّهمّ
إنّي أسألك بعظمتك كلّها اللّهمّ إنّي أسألك من نورك بأنوره
وكلّ نورك نيّر اللّهمّ إنّي أسألك بنورك كلّه اللّهمّ إنّي
أسألك من رحمتك بأوسعها وكلّ رحمتك واسعة اللّهمّ
إنّي أسألك برحمتك كلّها اللّهمّ إنّي أسألك من كلماتك بأتمّها
وكلّ كلماتك تامّة اللّهمّ إنّي أسألك بكلماتك كلّها

اللّهمّ إنّي أسألك من كمالك بأكمله وكلّ كمالك كامل اللّهمّ
إنّي أسألك بكمالك كلّه اللّهمّ إنّي أسألك من أسمائك
بأكبرها وكلّ أسمائك كبيرة اللّهمّ إنّي أسألك بأسمائك
كلّها اللّهمّ إنّي أسألك من عزّتك بأعزّها وكلّ عزّتك
عزيزة اللّهمّ إنّي أسألك بعزّتك كلّها اللّهمّ إنّي أسألك من
مشيّتك بأمضاها وكلّ مشيّتك ماضية اللّهمّ إنّي
أسألك بمشيّتك كلّها اللّهمّ إنّي أسألك من قدرتك بالقدرة
التي استطلت بها على كلّ شيء وكلّ قدرتك مستطيلة اللّهمّ
إنّي أسألك بقدرتك كلّها اللّهمّ إنّي أسألك من علمك بأنفذه
وكلّ علمك نافذ اللّهمّ إنّي أسألك بعلمك كلّه اللّهمّ
إنّي أسألك من قولك بأرضاه وكلّ قولك رضيّ اللّهمّ إنّي
أسألك بقولك كلّه اللّهمّ إنّي أسألك من مسائلك بأحبّها
إليك وكلّ مسائلك إليك حبيبة اللّهمّ إنّي أسألك
بمسائلك كلّها اللّهمّ إنّي أسألك من شرفك بأشرفه وكلّ

شرفك شريف اللهم إني أسألك بشرفك كله اللهم إني أسألك
أسألك
من سلطانك بأدومه وكل سلطانك دائم اللهم إني
بسلطانك كله اللهم إني أسألك من ملكك بأفخره وكل
ملكك فاخر اللهم إني أسألك بملكك كله اللهم إني
أسألك من علوك بأعلاه وكل علوك عال اللهم إني
أسألك بعلوك كله اللهم إني أسألك من منك بأقدمه
وكل منك قديم اللهم إني أسألك بمنك كله اللهم
إني أسألك من آياتك بأكرمها وكل آياتك كريمة
اللهم إني أسألك بآياتك كلها اللهم إني أسألك بما أنت
فيه من الشأن والجبروت وأسألك بكل شأن وحده وجبروت
وحدها اللهم إني أسألك بما تجيبني حين أسألك فأجبني
يا الله وافعل بي كذا وكذا و بجای کذا و کذا حاجات خود را طلب کند بر آورده
میشود انشاء الله تعالی سید بن طاوس
رحمه در کتاب اقبال گفته که در اصل کهنه از اصول اصحاب ما يا مفزعي عند كربتي
رضوان الله علیهم این دعا را برای سحرهای ماه مبارک رمضان دیدم
ويا غوثي عند شدتي إليك فزعت وبك استغثت وبك لذت

لا ألوذ بسواك ولا أطلب الفرج إلا منك فأغثني وفرج عني
يا من يقبل اليسير ويعفو عن الكثير اقبل مني اليسير
واعف عني الكثير إنك أنت الغفور الرحيم اللهم إني
أسألك إيمانا تباشر به قلبي ويقينا حتى أعلم أنه لن يصيبني
إلا ما كتبت لي ورضني من العيش بما قسمت لي يا أرحم الراحمين
يا عدتي في كربتي ويا صاحبي في شدتي ويا وليي في نعمتي أنت يا غايتي في رغبتي
الساتر عورتي والآمن روعتي والمقيل عثرتي فاغفر لي خطيئتي
يا أرحم الراحمين ایضا سید در کتاب اقبال از آن اصل عتیق این دعا
را برای سحرهای ماه مبارک رمضان نقل نموده است
سبحان من يعلم جوارح القلوب سبحان من يحصي عدد لا
الذنوب سبحان من لا يخفى عليه خافية في السماوات
والأرضين سبحان الرب الودود سبحان الفرد الوتر سبحان
العظيم الأعظم سبحان من لا يعتدي على أهل مملكته
سبحان من لا يؤاخذ أهل الأرض بألوان العذاب سبحان
الحنان المنان سبحان الرؤوف الرحيم سبحان الجبار الجواد

سبحان الكريم الحليم سبحان البصير العليم سبحان البصير
الواسع سبحان الله على اقبال النهار سبحان الله على ادبار
النهار سبحان الله على ادبار الليل واقبال النهار وله الحمد
والمجد والعظمة والكبرياء مع كل نفس وكل طرفة عين و
كل لمحة سبق في علمه سبحانك ملء ما احصى كتابك سبحانك
زنة عرشك سبحانك سبحانك جهار شیخ طوسی در کتاب
مصباح و سید بن طاوس
در کتاب اقبال سند خود از ابی حمزهٔ ثمالی روایت کرده اند که حضرت سید الساجدین
صلوات الله وسلامه علیه در اکثر اوقات شبهای ماه مبارک رمضان مشغول نماز بود
و چون سحر میشد این دعا را میخواند و دیگران نیز این دعا را الهی لا تؤدبني بعقوبتك روات
از آنحضرت برای سحر ماه مبارک رمضان نقل نموده اند و دعا این است
ولا تمكر بي في حيلتك من اين لي الخير يا رب ولا يوجد الا من
عندك ومن اين لي النجاة ولا تستطاع الا بك لا الذي
احسن استغنى عن عونك ورحمتك ولا الذي اساء واجترأ ورحمتك
عليك ولم يرضك خرج عن قدرتك يا رب يا رب يا رب
بك عرفتك وانت دللتني عليك ودعوتني اليك ولو
لا انت لم ادر ما انت الحمد لله الذي ادعوه فيجيبني وان

كنت بطيئا حين يدعوني والحمد لله الذي اسأله فيعطيني وان كنت بخيلا
حين يستقرضني والحمد لله الذي اناديه كلما شئت لحاجتي واخلو به حيث
شئت لسري بغير شفيع فيقضي لي حاجتي الحمد لله الذي ادعوه ولا
ادعو غيره ولو دعوت غيره لم يستجب لي دعائي والحمد لله الذي ارجوه
ولا ارجو غيره ولو رجوت غيره لاخلف رجائي والحمد لله الذي وكلني
اليه فاكرمني ولم يكلني الى الناس فيهينوني والحمد لله الذي تحبب
الي وهو غني عني والحمد لله الذي يحلم عني حتى كاني لا ذنب لي
فربي احمد شيء عندي واحق بحمدي اللهم اني اجد سبل المطالب
اليك مشرعة ومناهل الرجاء اليك مترعة والاستعانة بفضلك
لمن املك مباحة وابواب الدعاء اليك للصارخين مفتوحة و
اعلم انك للراجي بموضع اجابة وللملهوفين بمرصد اغاثة وان في
اللهف الى جودك والرضا بقضائك عوضا من منع الباخلين و
مندوحة عما في ايدي المستأثرين وان الراحل اليك قريب المسافة
وانك لا تحتجب عن خلقك الا ان تحجبهم الآمال دونك وقد قصدت الاعمال

كنت

إليك بطلبتي وتوجهت إليك بحاجتي وجعلت بك استغاثتي وبدعائك
توسلي من غير استحقاق لاستماعك مني ولا استيجاب لعفوك عني بل لثقتي
بكرمك وسكوني إلى صدق وعدك ولجائي إلى الإيمان بتوحيدك وثقتي — يقيني
بمعرفتك مني أن لا رب لي غيرك ولا إله إلا أنت وحدك لا شريك لك
اللهم أنت القائل وقولك حق ووعدك صدق واسألوا الله
من فضله إن الله كان بكم رحيما وليس من صفاتك يا سيدي أن
تأمر بالسؤال وتمنع العطية وأنت المنان بالعطايا على أهل مملكتك — العطيات
والعائد عليهم بتحنن رأفتك إلهي ربيتني في نعمك وإحسانك
صغيرا ونوهت باسمي كبيرا فيا من رباني في الدنيا بإحسانه وتفضله
ونعمه وأشار لي في الآخرة إلى عفوه وكرمه معرفتي يا مولاي
دليلي عليك وحبي لك شفيعي إليك وأنا واثق من دليلي بدلالتك — دليلي
وساكن من شفيعي إلى شفاعتك أدعوك يا سيدي قد أخرسه ذنبه — بلسان
رب أناجيك بقلب قد أوبقه جرمه أدعوك يا رب راهبا
راغبا راجيا خائفا إذا رأيت مولاي ذنوبي فزعت وإذا رأيت

عفوك

عفوك طمعت فإن غفرت فخير راحم وإن عذبت فغير ظالم حجتي يا الله
في جرأتي على مسألتك مع إتياني ما تكره جودك وكرمك وعدتي في
شدتي مع قلة حيائي رأفتك ورحمتك وقد رجوت أن لا
تخيب بين ذين وذين منيتي فحقق رجائي واسمع ندائي يا خير
من دعاه داع وأفضل من رجاه راج عظم يا سيدي أملي وساء
عملي فأعطني من عفوك بمقدار أملي ولا تؤاخذني بأسوء عملي — بلؤم
فإن كرمك يجل عن مجازاة المذنبين وحلمك يكبر عن مكافاة
المقصرين وأنا يا سيدي عائذ بفضلك هارب منك إليك متنجز — منتجز
ما وعدت من الصفح عمن أحسن بك ظنا وما أنا يا رب وما خطري
هبني بفضلك وتصدق علي بعفوك أي رب جللني بسترك واعف — بسترك
عن توبيخي بكرم وجهك فلو اطلع اليوم على ذنبي غيرك ما فعلته
ولو خفت تعجيل العقوبة لاجتنبته لا لأنك أهون الناظرين
إلي وأخف المطلعين علي بل لأنك خير الساترين وأحلم الأحلمين
وأكرم الأكرمين ستار العيوب غفار الذنوب علام الغيوب

تَسْتُرُ الذَّنْبَ بِكَرَمِكَ وَتُؤَخِّرُ الْعُقُوبَةَ بِحِلْمِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى حِلْمِكَ
بَعْدَ عِلْمِكَ وَعَلَى عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ وَيَحْمِلُنِي وَيُجَرِّئُنِي عَلَى
مَعْصِيَتِكَ حِلْمُكَ عَنِّي وَيَدْعُونِي إِلَى قِلَّةِ الْحَيَاءِ سِتْرُكَ عَلَيَّ وَيُسْرِعُنِي
إِلَى التَّوَثُّبِ عَلَى مَحَارِمِكَ مَعْرِفَتِي بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ وَعَظِيمِ عَفْوِكَ يَا
حَلِيمُ يَا كَرِيمُ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا غَافِرَ الذَّنْبِ يَا قَابِلَ التَّوْبِ يَا عَظِيمَ
الْمَنِّ يَا قَدِيمَ الْإِحْسَانِ أَيْنَ سِتْرُكَ الْجَمِيلُ أَيْنَ عَفْوُكَ الْجَلِيلُ أَيْنَ
فَرَجُكَ الْقَرِيبُ أَيْنَ غِيَاثُكَ السَّرِيعُ أَيْنَ رَحْمَتُكَ الْوَاسِعَةُ أَيْنَ عَطَايَاكَ
الْفَاضِلَةُ أَيْنَ مَوَاهِبُكَ الْهَنِيئَةُ أَيْنَ صَنَائِعُكَ السَّنِيَّةُ أَيْنَ
فَضْلُكَ الْعَظِيمُ أَيْنَ مَنُّكَ الْجَسِيمُ أَيْنَ إِحْسَانُكَ الْقَدِيمُ أَيْنَ
كَرَمُكَ يَا كَرِيمُ بِهِ وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَاسْتَنْقِذْنِي وَبِرَحْمَتِكَ
فَخَلِّصْنِي يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ لَسْنَا نَتَّكِلُ فِي النَّجَاةِ مِنْ
عِقَابِكَ عَلَى أَعْمَالِنَا بَلْ بِفَضْلِكَ عَلَيْنَا لِأَنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى
وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ تُبْدِئُ بِالْإِحْسَانِ نِعَماً وَتَعْفُو عَنِ الذَّنْبِ كَرَماً
فَمَا نَدْرِي مَا نَشْكُرُ أَجَمِيلَ مَا تَنْشُرُ أَمْ قَبِيحَ مَا تَسْتُرُ أَمْ عَظِيمَ

ما أبليت

مَا أَبْلَيْتَ وَأَوْلَيْتَ أَمْ كَثِيرَ مَا مِنْهُ نَجَّيْتَ وَعَافَيْتَ يَا حَبِيبَ مَنْ
تَحَبَّبَ إِلَيْكَ وَيَا قُرَّةَ عَيْنِ مَنْ لَاذَ بِكَ وَانْقَطَعَ إِلَيْكَ أَنْتَ الْمُحْسِنُ
وَنَحْنُ الْمُسِيئُونَ فَتَجَاوَزْ يَا رَبِّ عَنْ قَبِيحِ مَا عِنْدَنَا بِجَمِيلِ مَا عِنْدَكَ
وَأَيُّ جَهْلٍ يَا رَبِّ لَا يَسَعُهُ جُودُكَ أَوْ أَيُّ زَمَانٍ أَطْوَلُ مِنْ
أَنَاتِكَ وَمَا قَدْرُ أَعْمَالِنَا فِي جَنْبِ نِعَمِكَ وَكَيْفَ نَسْتَكْثِرُ أَعْمَالاً
نُقَابِلُ بِهَا كَرَمَكَ بَلْ كَيْفَ يَضِيقُ عَلَى الْمُذْنِبِينَ مَا وَسِعَهُمْ مِنْ
رَحْمَتِكَ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ فَوَعِزَّتِكَ
يَا سَيِّدِي لَوِ انْتَهَرْتَنِي مَا بَرِحْتُ مِنْ بَابِكَ وَلَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ
لِمَا انْتَهَى إِلَيَّ مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَأَنْتَ الْفَاعِلُ لِمَا تَشَاءُ
تُعَذِّبُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ وَتَرْحَمُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ
كَيْفَ تَشَاءُ وَلَا تُسْأَلُ عَنْ فِعْلِكَ وَلَا تُنَازَعُ فِي مُلْكِكَ وَلَا تُشَارَكُ
فِي أَمْرِكَ وَلَا تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ وَلَا يَعْتَرِضُ عَلَيْكَ أَحَدٌ فِي تَدْبِيرِكَ لَكَ
الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ يَا رَبِّ هَذَا مَقَامُ مَنْ لَاذَ
بِكَ وَاسْتَجَارَ بِكَرَمِكَ وَأَلِفَ إِحْسَانَكَ وَنِعَمَكَ وَأَنْتَ الْجَوَادُ الَّذِي

لو نهرتني

لا يضيق عفوك ولا ينقص فضلك ولا تقل رحمتك وقد توثقنا منك

بالصفح القديم والفضل العظيم والرحمة الواسعة افتراك يا رب

تخلف ظنوننا او تخيب امالنا كلا يا كريم فليس هذا ظننا بك

ولا هذا طمعنا فيك يا رب ان لنا فيك املا طويلا كثيرا ان لنا

فيك رجاء عظيما عصيناك ونحن نرجو ان تستر علينا ودعوناك

ونحن نرجو ان تستجيب لنا فحقق رجاءنا يا مولنا فقد علمنا ما نستوجب

باعمالنا ولكن علمك فينا وعلمنا بانك لا تصرفنا عنك حثنا على

الرغبة اليك وان كنا غير مستوجبين لرحمتك فانت اهل

ان تجود علينا وعلى المذنبين بفضل سعتك فامنن علينا بما انت بسعة فضلك

اهله وجد علينا فانا محتاجون الى نيلك يا غفار بنورك اهتدينا

وبفضلك استغنينا وبنعمتك اصبحنا وامسينا ذنوبنا بين يديك

نستغفرك اللهم منها ونتوب اليك تتحبب الينا بالنعم و

نعارضك بالذنوب خيرك الينا نازل وشرنا اليك صاعد ولم

يزل ولا يزال ملك كريم ياتيك عنا في كل يوم بعمل قبيح فلا يمنعك

ذلك

ذلك من ان تحوطنا بنعمك وتتفضل علينا بالائك فسبحانك ما احلمك

واعظمك واكرمك مبدئا ومعيدا تقدست اسماؤك وجل

ثناؤك وكرم صنائعك وفعالك انت الهي اوسع فضلا واعظم

حلما من ان تقايسني بفعلي وخطيئتي فالعفو العفو العفو سيدي

سيدي سيدي اللهم اشغلنا بذكرك واعذنا من سخطك و

اجرنا من عذابك وارزقنا من مواهبك وانعم علينا من فضلك

وارزقنا حج بيتك وزيارة قبر نبيك صلواتك ومغفرتك ورحمتك

ورضوانك عليه وعلى اهل بيته انك قريب مجيب وارزقنا عملا بطاعتك

وتوفنا على ملتك وسنة نبيك صلى الله عليه واله اللهم صل

على محمد واله واغفر لي ولوالدي وارحمهما كما ربياني صغيرا و

اجزهما بالاحسان احسانا وبالسيئات غفرانا اللهم اغفر

للمؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات الاحياء منهم

والاموات تابع بيننا وبينهم بالخيرات اللهم اغفر لحينا وميتنا

انثانا وشاهدنا وغائبنا ذكرنا وانثانا صغيرنا وكبيرنا حرنا ومملوكنا

كذب العادلون بالله وضلوا ضلالا بعيدا وخسروا خسرانا مبينا
اللهم صل على محمد وآل محمد واختم لي بخير واكفني ما اهمني من
امر دنياي وآخرتي ولا تسلط علي من لا يرحمني واجعل علي منك
واقية باقية ولا تسلبني صالح ما انعمت به علي وارزقني من فضلك
رزقا واسعا حلالا طيبا اللهم واحرسني بحراستك واحفظني بحفظك
واكلأني بكلائتك وارزقني حج بيتك الحرام في عامنا هذا وفي كل
عام وزيارة قبر نبيك والائمة عليهم السلام ولا تخلني يا رب من تلك المشاهد
الشريفة والمواقف الكريمة اللهم تب علي حتى لا اعصيك والهمني
الخير والعمل به وخشيتك بالليل والنهار ابدا ما ابقيتني يا رب العالمين
اللهم اني كلما قلت قد تهيأت وتعبأت وقمت للصلوة بين يديك
وناجيتك القيت علي نعاسا اذا انا صليت وسلبتني مناجاتك
اذا انا ناجيتك ما لي كلما قلت قد صلحت سريرتي وقرب من مجالس التوابين
مجلسي عرضت لي بلية ازالت قدمي وحالت بيني وبين خدمتك سيدي
لعلك عن بابك طردتني وعن خدمتك نحيتني او لعلك رأيتني مستخفا

بحقك

بحقك فاقصيتني او لعلك رأيتني معرضا عنك فقليتني او لعلك
وجدتني في مقام الكاذبين فرفضتني او لعلك رأيتني غير شاكر
لنعمائك فحرمتني او لعلك فقدتني من مجالس العلماء فخذلتني او
لعلك رأيتني في الغافلين فمن رحمتك آيستني او لعلك رأيتني آلف
مجالس البطالين فبيني وبينهم خليتني او لعلك لم تحب ان تسمع
دعائي فباعدتني او لعلك بجرمي وجريرتي كافيتني او لعلك بقلة
حيائي منك جازيتني فان عفوت يا رب فطالما عفوت عن المذنبين
قبلي لان كرمك اي رب يجل عن مجازاة المذنبين وحلمك يكبر
عن مكافاة المقصرين وانا عائذ بفضلك هارب منك اليك متنجز
ما وعدت من الصفح عمن احسن بك ظنا الهي انت اوسع فضلا و
اعظم حلما من ان تقايسني بعملي او ان تستزلني بخطيئتي وما انا
يا سيدي وما خطري هبني بفضلك يا سيدي وتصدق علي بعفوك
وجللني بسترك واعف عن توبيخي بكرم وجهك سيدي انا الصغير
الذي ربيته وانا الجاهل الذي علمته وانا الضال الذي هديته

وأنا الوضيع الذي رفعته وأنا الخائف الذي آمنته وأنا الجائع
الذي أشبعته والعطشان الذي أرويته والعاري الذي كسوته و
الفقير الذي أغنيته والضعيف الذي قويته والذليل الذي أعززته
والسقيم الذي شفيته والسائل الذي أعطيته والمذنب الذي سترته
والخاطئ الذي أقلته وأنا القليل الذي كثرته والمستضعف الذي
نصرته وأنا الطريد الذي آويته أنا يا رب الذي لم أستحيك في الخلاء
ولم أراقبك في الملاء أنا صاحب الدواهي العظمى أنا الذي على سيده
اجترى أنا الذي عصيت جبار السماء أنا الذي أعطيت على معاصي
الجليل الرشى أنا الذي حين بشرت بها خرجت إليها أسعى أنا الذي
أمهلتني فما ارعويت وسترت علي فما استحييت وعملت بالمعاصي
فتعديت وأسقطتني من عينك فما باليت فبحلمك أمهلتني و
بسترك سترتني حتى كأنك أغفلتني ومن عقوبات المعاصي جنبتني
حتى كأنك استحييتني إلهي لم أعصك حين عصيتك وأنا بربوبيتك
جاحد ولا بأمرك مستخف ولا لعقوبتك متعرض ولا لوعيدك

متهاون

متهاون ولكن خطيئة عرضت وسولت لي نفسي وغلبني هواي وأعانني
عليها شقوتي وغرني سترك المرخى علي فقد عصيتك وخالفتك
بجهدي فالآن من عذابك من يستنقذني ومن أيدي الخصماء
غدا من يخلصني وبحبل من أتصل إن أنت قطعت حبلك عني
فواسوأتا على ما أحصى كتابك من عملي الذي لولا ما أرجو من كرمك
وسعة رحمتك ونهيك إياي عن القنوط لقنطت عندما
أتذكرها يا خير من دعاه داع وأفضل من رجاه راج اللهم
بذمة الإسلام أتوسل إليك وبحرمة القرآن أعتمد عليك و
بحبي للنبي الأمي القرشي الهاشمي العربي التهامي المكي
المدني أرجو الزلفة لديك فلا توحش استيناس إيماني ولا تجعل
ثوابي ثواب من عبد سواك فإن قوما آمنوا بألسنتهم ليحقنوا
به دماءهم فأدركوا ما أملوا وإنا آمنا بك بألسنتنا
وقلوبنا لتعفو عنا فأدرك بنا ما أملنا وثبت رجاءك في فأدركنا ما
صدورنا ولا تزغ قلوبنا بعد إذ هديتنا وهب لنا من لدنك

رحمة إنك أنت الوهاب فوعزتك لو انتهرتني ما برحت من بابك و
لا كففت عن تملقك لما ألهم قلبي من المعرفة بكرمك وسعة
رحمتك إلى من يذهب العبد إلا إلى مولاه وإلى من يلتجئ المخلوق
إلا إلى خالقه إلهي لو قرنتني بالأصفاد ومنعتني سيبك من بين
الأشهاد ودللت على فضائحي عيون العباد وأمرت بي إلى النار
وحلت بيني وبين الأبرار ما قطعت رجائي منك وما صرفت وجه
تأميلي للعفو عنك ولا خرج حبك من قلبي أنا لا أنسى أياديك عندي
وسترك علي في دار الدنيا يا سيدي صل على محمد وآل محمد وأخرج
حب الدنيا من قلبي واجمع بيني وبين المصطفى وآله خيرتك من
خلقك وخاتم النبيين محمد صلى الله عليه وآله وانقلني إلى درجة
التوبة إليك وأعني بالبكاء على نفسي فقد أفنيت بالتسويف
والآمال عمري وقد نزلت منزلة الآيسين من خيري فمن يكون
أسوأ حالا مني إن أنا نقلت على مثل حالي إلى قبر لم أمهده لرقدتي
ولم أفرشه بالعمل الصالح لضجعتي وما لي لا أبكي ولا أدري إلى ما يكون
مصيري

مصيري وأرى نفسي تخادعني وأيامي تخاتلني وقد خفقت عند رأسي فوق
أجنحة الموت فما لي لا أبكي أبكي لخروج نفسي أبكي لظلمة قبري أبكي
لضيق لحدي أبكي لسؤال منكر ونكير إياي أبكي لخروجي من قبري
عريانا ذليلا حاملا ثقلي على ظهري أنظر مرة عن يميني وأخرى عن
شمالي إذ الخلائق في شأن غير شأني لكل امرئ منهم يومئذ
شأن يغنيه وجوه يومئذ مسفرة ضاحكة مستبشرة ووجوه
يومئذ عليها غبرة ترهقها قترة وذلة سيدي عليك معولي القترة والذلة
ومعتمدي ورجائي وتوكلي وبرحمتك تعلقي تصيب برحمتك
من تشاء وتهدي بكرامتك من تحب فلك الحمد على ما نقيت برحمتك
من الشرك قلبي ولك الحمد على بسط لساني أفبلساني هذا الكال
أشكرك أم بغاية جهدي في عملي أرضيك وما قدر لساني
يا رب في جنب شكرك وما قدر عملي في جنب نعمك وإحسانك
إلهي إن جودك بسط أملي وشكرك قبل عملي سيدي
إليك رغبتي ومنك رهبتي وإليك تأميلي وقد ساقني إليك

املي وعليك يا واحدي عكفت همتي وفيما عندك انبسطت رغبتي
ولك خالص رجائي وخوفي وبك انست محبتي واليك القيت
بيدي وبحبل طاعتك مددت رهبتي يا مولاي بذكرك عاش
قلبي وبمناجاتك بردت الم الخوف عني فيا مولاي ويا مؤملي
ويا منتهى سؤلي صل على محمد وآل محمد وفرق بيني وبين ذنبي المانع
لي من لزوم طاعتك فانما اسئلك لقديم الرجاء فيك وخوفي
اليك وعظيم الطمع منك الذي اوجبته على نفسك من
الرأفة والرحمة والأمر لك وحدك لا شريك لك والخلق كلهم
عيالك وفي قبضتك وكل شيء خاضع لك تباركت يا رب
العالمين الهي ارحمني اذا انقطعت حجتي وكل عن جوابك
لساني وطاش عند سؤالك اياي لبي فيا عظيم رجائي ولا
تخيبني اذا اشتدت فاقتي اليك ولا تردني لجهلي ولا تمنعني
لقلة صبري اعطني لفقري وارحمني لضعفي سيدي عليك
معتمدي ومعولي ورجائي وتوكلي وبرحمتك تعلقي و

عظيما رجواكل عظيم انت رجائي

بفنائك

بفنائك احط رحلي وبجودك اقصد طلبتي وبكرمك اي رب استفتح
دعائي ولديك ارجو فاقتي وبغناك اجبر عيلتي وتحت ظل عفوك
قيامي والى جودك وكرمك ارفع بصري والى معروفك اديم نظري
فلا تحرقني بالنار وانت موضع املي ولا تسكني الهاوية فانك قرة
عيني يا سيدي لا تكذب ظني باحسانك ومعروفك فانك
ثقتي ورجائي ولا تحرمني ثوابك فانك العارف بفقري الهي ان
كان قد دنا اجلي ولم يقربني منك عملي فقد جعلت الاعتراف
اليك بذنبي وسائل عللي الهي ان عفوت فمن اولى منك بالعفو
وان عذبت فمن اعدل منك في الحكم ارحم في هذه الدنيا
غربتي وعند الموت كربتي وفي القبر وحدتي وفي اللحد وحشتي و
اذا نشرت للحساب بين يديك ذل موقفي واغفر لي ما خفي على الآد
من عملي وادم لي ما به سترتني وارحمني صريعا على الفراش
تقلبني ايدي احبتي وتفضل علي ممدودا على المغتسل يغسلني
صالح جيراني وتحنن علي محمولا قد تناول الاقرباء اطراف

قيامي خ

اللهم فارحم خ

ميين

يقلبني خ

جنازتي وجُد على منقولاً قد نزلتُ بك وحيداً في حفرتي وارحم
في ذلك البيت الجديد غربتي حتى لا استأنس بغيرك يا سيدي
فانك ان وكلتني الى نفسي هلكتُ سيدي فبمن استغيث
ان لم تقلني عثرتي والى من افزع ان فقدتُ عنايتك في ضجعتي
والى من التجي ان لم تنفّس كربتي سيدي من لي ومن يرحمني
ان لم ترحمني وفضل من اؤمّل ان عدمتُ فضلك يوم فاقتي
والى من الفرار من الذنوب اذا انقضى اجلي سيدي لا تعذّبني و
انا ارجوك اللهمّ حقّق رجائي وآمن خوفي فان كثرة ذنوبي
لا ارجو فيها الا عفوك سيدي انا اسألك ما لا استحقّ وانت
اهل التقوى واهل المغفرة فاغفر لي والبسني من نظرك
ثوباً يغطّي على التبعات وتغفرها لي ولا اطالب بها انك الذنوب ؛
ذو منّ قديم وصفح عظيم وتجاوز كريم الهي انت الذي تفيض
سيبك على من لا يسألك وعلى الجاحدين بربوبيتك فكيف سيدي
بمن سألك وايقن ان الخلق لك والامر اليك تباركت وتعاليت

يا رب

يا ربّ العالمين الهي وسيدي عبدك ببابك اقامته الخصاصة
بين يديك يقرع باب احسانك بدعائه ويستعطف جميل
نظرك بمكنون رجائه فلا تعرض بوجهك الكريم عني واقبل
ثك ؛ مني ما اقول فقد دعوتُ بهذا الدعاء وانا ارجو ان لا تردّني
معرفة مني برأفتك ورحمتك الهي انت الذي لا يحفيك سائل
يقول القائلون ولا ينقصك نائل انت كما تقول وفوق ما نقول اللهمّ اني
اسألك صبراً جميلاً وفرجاً قريباً وقولاً صادقاً واجراً عظيماً
ما علمت ؛ اسألك يا ربّ من الخير كلّه ما علمتُ وما لم اعلم اسألك اللهمّ
من خير ما سألك منه عبادك الصالحون يا خير من سُئل واجود
من اعطى اعطني سؤلي في نفسي واهلي وولدي ووالديّ و
اهل حزانتي واخواني فيك وارغد عيشي واظهر مروّتي و
اصلح جميع احوالي واجعلني ممن اطلت عمره وحسّنت عمله
واتممت عليه نعمتك ورضيت عنه واحييته حيوة
طيبة في ادوم السرور واسبغ الكرامة واتمّ العيش انك

تفعل ما تشاء ولا يفعل ما يشاء غيرك اللهم وخصني منك
بخاصة ذكرك ولا تجعل شيئا مما أتقرب به في آناء الليل
وأطراف النهار رياء ولا سمعة ولا أشرا ولا بطرا واجعلني
لك من الخاشعين اللهم أعطني السعة في الرزق والأمن
في الوطن وقرة العين في الأهل والمال والولد والمقام
في نعمك عندي والصحة في الجسم والقوة في البدن و
السلامة في الدين واستعملني في طاعتك وطاعة رسولك
محمد وأهل بيته صلى الله عليه وآله أبدا ما استعمرتني
واجعلني من أوفر عبادك عندك نصيبا في كل خير أنزلته
وتنزله في شهر رمضان في ليلة القدر وما أنت منزله
في كل سنة من رحمة تنشرها وعافية تلبسها وبلية تدفعها
وحسنات تتقبلها وسيئات تتجاوز عنها وارزقني حج
بيتك الحرام في عامنا هذا وفي كل عام وارزقني رزقا واسعا
من فضلك الواسع واصرف عني يا سيدي الأسواء واقض

عني الدين والظلامات حتى لا أتأذى بشيء منه وخذ عني
بأسماع وأبصار أعدائي وحسادي والباغين علي وانصرني
عليهم وأقر عيني وفرج قلبي واجعل لي من همي وكربي فرجا و وحقق ظني
مخرجا واجعل من أرادني بسوء من جميع خلقك تحت قدمي
واكفني شر الشيطان وشر السلطان وسيئات عملي
وطهرني من الذنوب كلها وأجرني من النار بعفوك وأدخلني
الجنة برحمتك وزوجني من الحور العين بفضلك وألحقني
بأوليائك الصالحين محمد وآله الأبرار الطيبين الطاهرين
الأخيار صلوات الله عليهم وعلى أرواحهم وأجسادهم ورحمة
الله وبركاته إلهي وسيدي وعزتك وجلالك لئن طالبتني
بذنوبي لأطالبنك بعفوك ولئن طالبتني بلؤمي لأطالبنك بكرمك بجرمي
ولئن أدخلتني النار لأخبرن أهل النار بحبي لك إلهي وسيدي
إن كنت لا تغفر إلا لأوليائك وأهل طاعتك فإلى من يفزع
المذنبون وإن كنت لا تكرم إلا أهل الوفاء بك فبمن يستغيث

المسيئون الهي ان ادخلتني النار ففي ذلك سرور عدوك وان
ادخلتني النار ففي ذلك سرور نبيك وانا والله اعلم ان سرور الجنة
نبيك احب اليك من سرور عدوك اللهم اني اسالك ان تملا
قلبي حبا لك وخشية منك وتصديقا بكتابك وايمانا بك وفرقا
منك وشوقا اليك يا ذا الجلال والاكرام حبب الي لقاءك
واحبب لقائي واجعل لي في لقائك الراحة والفرج والكرامة
اللهم الحقني بصالح من مضى واجعلني من صالح من بقي
وخذ بي سبيل الصالحين واعني على نفسي بما تعين به الصالحين
على انفسهم واختم عملي باحسنه واجعل ثوابي منه الجنة عليه
برحمتك يا رب العالمين واعني على صالح ما اعطيتني وثبتني ارحم الراحمين
يا رب ولا تردني في سوء استنقذتني منه اللهم اني اسالك
ايمانا لا اجل له دون لقائك احيني ما احييتني عليه وتوفني
اذا توفيتني عليه وابعثني اذا بعثتني عليه وابرئ قلبي من
الرياء والشك والسمعة في دينك حتى يكون عملي خالصا لك

اللهم

اللهم اعطني بصيرة في دينك وفهما في حكمك وفقها في علمك
وكفلين من رحمتك وورعا يحجزني عن معصيتك وبيض وجهي معاصيك
بنورك واجعل رغبتي فيما عندك وتوفني في سبيلك و
على ملة رسولك صلى الله عليه وآله اللهم اني اعوذ
بك من الكسل والفشل والهم والجبن والبخل والغفلة و والفقر
القسوة والذلة والمسكنة والفقر والفاقة وكل بلية
والفواحش ما ظهر منها وما بطن واعوذ بك من نفس لا تقنع
وبطن لا يشبع وقلب لا يخشع ودعاء لا يسمع وعمل لا ينفع
وصلوة لا ترفع واعوذ بك يا رب على نفسي وولدي وديني
ومالي وعلى جميع ما رزقتني من الشيطان الرجيم انك
انت السميع العليم اللهم انه لا يجيرني منك احد ولا اجد لن يجيرني
من دونك ملتحدا فلا تجعل نفسي في شيء من عذابك ولا تردني
بهلكة ولا تردني بعذاب اليم اللهم تقبل مني واعل
ذكري وارفع درجتي وحط وزري ولا تذكرني بخطيئتي

واجعل ثواب مجلسي وثواب منطقي وثواب دعائي رضاك والجنة
واعطني يا رب جميع ما سألتك وزدني من فضلك اني اليك
راغب يا رب العالمين اللهم انك انزلت في كتابك العفو
وامرتنا ان نعفو عمن ظلمنا وقد ظلمنا انفسنا فاعف عنا
فانك اولى بذلك منا وامرتنا ان لا نرد سائلا عن ابوابنا
وقد جئتك سائلا فلا تردني الا بقضاء حاجتي وامرتنا
بالاحسان الى ما ملكت ايماننا ونحن ارقاؤك فاعتق رقابنا
من النار يا مفزعي عند كربتي ويا غوثي عند شدتي اليك
فزعت وبك استغثت ولذت لا الوذ بسواك ولا اطلب الفرج
الا منك فاغثني وفرج عني يا من يقبل اليسير ويعفو عن
الكثير اقبل مني اليسير واعف عن الكثير انك انت الرحيم عني الكثير
الغفور اللهم اني اسألك ايمانا تباشر به قلبي ويقينا صادقا
حتى اعلم انه لن يصيبني الا ما كتبت لي ورضني من العيش
بما قسمت لي يا ارحم الراحمين سحر شيخ طوسی ره در مصباح و سید بن طاوس ره
در اقبال و دیگران در کتب ادعیه گفته اند که در سحر

ماه مبارک رمضان این دعا را بخوان
یا عدتي عند كربتي ويا صاحبي في شدتي ويا وليي
في نعمتي ويا غايتي في رغبتي انت الساتر عورتي والمؤمن روعتي
والمقيل عثرتي فاغفر لي خطيئتي اللهم اني اسألك خشوع
الايمان قبل خشوع الذل في النار يا واحد يا احد يا صمد يا
من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد يا من يعطي من
سأله تحننا منه ورحمة ويبتدئ بالخير من لم يسأله بالنعم
تفضلا منه وكرما بكرمك الدائم صل على محمد واهل بيته
وهب لي رحمة واسعة جامعة ابلغ بها خير الدنيا والآخرة
اللهم اني استغفرك لما تبت اليك منه ثم عدت فيه و
استغفرك لكل خير اردت به وجهك فخالطني فيه ما ليس
لك اللهم صل على محمد وآل محمد واعف عن ظلمي وجرمي
بحلمك وجودك يا كريم يا من لا يخيب سائله ولا ينفد نائله
يا من علا فلا شيء فوقه ودنا فلا شيء دونه صل على محمد وآل
محمد وارحمني يا فالق البحر لموسى الليلة الليلة الليلة

الساعة اللهم طهر قلبي من النفاق وعملي من الرياء ولساني
من الكذب وعيني من الخيانة فإنك تعلم خائنة الأعين و
ما تخفي الصدور يا رب هذا مقام العائذ بك من النار هذا
مقام المستجير بك من النار هذا مقام المستغيث بك من النار
هذا مقام الهارب إليك من النار هذا مقام من يبوء بخطيئته مقام
ويعترف بذنبه ويتوب إلى ربه هذا مقام البائس الفقير هذا
مقام الخائف المستجير هذا مقام المحزون المكروب هذا
مقام المحزون المغموم هذا مقام الغريب الغريق هذا مقام
المستوحش الفرق هذا مقام من لا يجد لذنبه غافرا غيرك
ولا لهمه مفرجا سواك يا الله يا كريم لا تحرق وجهي بالنار
بعد سجودي وتعفيري بغير من مني عليك بل لك الحمد والمن
والفضل علي ارحم أي رب أي رب انقص ضعفي وقلة حيلتي
تقطع شؤون
ورقة جلدي وتبدد أوصالي وتناثر لحمي وجسمي وجسدي
ووحدتي ووحشتي في قبري وجزعي من صغير البلاء أسألك يا رب
قرة

قرة العين والاغتباط يوم الحسرة والندامة بيض وجهي يا رب
يوم تسود فيه الوجوه وآمني من الفزع الأكبر أسألك
البشرى يوم تقلب فيه القلوب والأبصار والبشرى عند
فراق الدنيا الحمد لله الذي أرجوه عونا في حياتي وأعده فراغ
ذخرا ليوم فاقتي الحمد لله الذي أدعوه ولا أدعو غيره
ولو دعوت غيره لخيب دعائي الحمد لله الذي أرجوه
ولا أرجو غيره ولو رجوت غيره لأخلف رجائي الحمد لله
المنعم المحسن المجمل المفضل ذي الجلال والإكرام ولي كل نعمة
وصاحب كل حسنة ومنتهى كل رغبة وقاضي كل حاجة اللهم صل
على محمد وآل محمد وارزقني اليقين وحسن الظن بك وأثبت رجاءك
في قلبي واقطع رجائي عمن سواك حتى لا أرجو غيرك ولا أثق إلا بك
يا لطيفا لما يشاء الطف لي في جميع أحوالي بما تحب وترضى يا رب
إني ضعيف على النار فلا تعذبني بالنار يا رب ارحم دعائي وتضرعي عجي
وخوفي وذلي ومسكنتي وتعويذي وتلوذي يا رب إني ضعيف عن

طلب الدنيا وانت واسع كريم اسألك يا رب بقوتك على ذلك وقدرتك
عليه وغناك عنه وحاجتي اليه ان ترزقني في عامي هذا وشهري
ويومي وساعتي هذه رزقا تغنيني به عن تكلف ما في ايدي الناس
من رزقك الحلال الطيب اي رب منك اطلب واليك ارغب و
اياك ارجو وانت اهل ذلك لا ارجو غيرك ولا اثق الا بك يا ارحم
الراحمين اي رب اني ظلمت نفسي فاغفر لي وارحمني وعافني يا سامع كل
صوت ويا جامع كل فوت ويا بارئ النفوس بعد الموت يا من لا تغشاه
الظلمات ولا تشتبه عليه الاصوات ولا يشغله شيء عن شيء اعط
محمدا صلى الله عليه وآله افضل ما سألك وافضل ما سئلت له وافضل
ما انت مسؤول له الى يوم القيمة وهب لي العافية حتى تهنئني المعيشة
واختم لي بخير حتى لا تضرني الذنوب اللهم رضني بما قسمت لي حتى لا
اسأل احدا شيئا اللهم صل على محمد وآل محمد وافتح لي خزائن رحمتك و
ارحمني رحمة لا تعذبني بعدها ابدا في الدنيا والآخرة وارزقني من فضلك رزقك
الواسع رزقا حلالا طيبا لا تفقرني الى احد بعدها سواك تزيدني بذلك

شكرا واليك فاقة وفقرا وبك عمن سواك غنى وتعففا يا محسن يا مجمل
يا منعم يا مفضل يا مليك يا مقتدر صل على محمد وآل محمد واكفني
المهم كله واقض لي بالحسنى وبارك لي في جميع اموري واقض لي
جميع حوائجي اللهم يسر لي ما اخاف تعسره فان تيسير ما اخاف
تعسره عليك يسير وسهل لي ما اخاف حزونته ونفس عني ما اخاف
ضيقه وكف عني ما اخاف غمه واصرف عني ما اخاف بليته
يا ارحم الراحمين اللهم املأ قلبي حبا لك وخشية منك وتصديقا
بكتابك وايمانا بك وفرقا منك وشوقا اليك يا ذا الجلال والاكرام
اللهم ان لك حقوقا فتصدق بها علي وللناس قبلي تبعات فتحملها
عني وقد اوجبت لكل ضيف قرى وانا ضيفك فاجعل قراي
الليلة الجنة يا وهاب الجنة يا وهاب المغفرة ولا حول ولا قوة
الا بك ششم شیخ طوسی رض در کتاب مصباح گفته که [illegible] دعای ادریس ع را و سید
طاوس رض در کتاب اقبال گفته که در شرح سند [illegible] است که حق
تعالی حضرت ادریس ع را [illegible] بوده سبحانك لا اله الا انت يا رب كل شيء ووارثه
و این دعا افضل دعاهاست و دعا این است
يا اله الآلهة الرفيع جلاله يا الله المحمود في كل فعاله يا رحمن

كُلِّ شَيْءٍ وَرَاحِمَهُ يَا حَيُّ حِينَ لَا حَيَّ فِي دَيْمُومَةِ مُلْكِهِ وَبَقَائِهِ يَا قَيُّومُ
فَلَا يَفُوتُ شَيْئاً عِلْمُهُ وَلَا يَؤُودُهُ يَا وَاحِدُ الْبَاقِي أَوَّلَ كُلِّ شَيْءٍ وَآخِرَهُ
يَا دَائِمُ بِغَيْرِ فَنَاءٍ وَلَا زَوَالَ لِمُلْكِهِ يَا صَمَدُ فِي غَيْرِ شِبْهٍ وَلَا شَيْءَ كَمِثْلِهِ
يَا بَارُّ فَلَا شَيْءَ كُفْوُهُ وَلَا مُدَانِيَ لِوَصْفِهِ يَا كَبِيرُ أَنْتَ الَّذِي لَا تَهْتَدِي
الْقُلُوبُ لِعَظَمَتِهِ يَا بَارِئُ الْمُنْشِئُ بِلَا مِثَالٍ خَلَا مِنْ غَيْرِهِ يَا زَاكِي
الطَّاهِرُ مِنْ كُلِّ آفَةٍ بِقُدْسِهِ يَا كَافِي الْمُوَسِّعُ لِمَا خَلَقَ مِنْ عَطَايَا
فَضْلِهِ يَا نَقِيُّ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ لَمْ يَرْضَهُ وَلَمْ يُخَالِطْهُ فِعَالُهُ يَا حَنَّانُ
الَّذِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَتُهُ يَا مَنَّانُ ذَا الْإِحْسَانِ قَدْ عَمَّ الْخَلَائِقَ
مِنَّتُهُ يَا دَيَّانَ الْعِبَادِ فَكُلٌّ يَقُومُ خَاضِعاً لِرَهْبَتِهِ يَا خَالِقَ مَنْ فِي
السَّمٰوَاتِ وَالْأَرَضِينَ وَكُلٌّ إِلَيْهِ مَعَادُهُ يَا رَحْمٰنُ وَرَاحِمَ كُلِّ
صَرِيخٍ وَمَكْرُوبٍ وَغِيَاثَهُ وَمَعَاذَهُ يَا بَارُّ فَلَا تَصِفُ الْأَلْسُنُ كُنْهَ
جَلَالِ مُلْكِهِ وَعِزِّهِ يَا مُبْدِعَ الْبَدَايَا لَمْ يَبْغِ فِي إِنْشَائِهَا أَعْوَاناً
مِنْ خَلْقِهِ يَا عَلَّامَ الْغُيُوبِ فَلَا يَؤُودُهُ مِنْ شَيْءٍ حِفْظُهُ يَا مُعِيداً إِذَا أَفْنَى
إِذَا بَرَزَ الْخَلَائِقُ لِدَعْوَتِهِ مِنْ مَخَافَتِهِ يَا حَلِيمُ ذَا الْأَنَاةِ فَلَا شَيْءَ يَعْدِلُهُ

مِنْ خَلْقِهِ يَا مَحْمُودَ الْفِعَالِ ذَا الْمَنِّ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ بِلُطْفِهِ يَا عَزِيزُ
الْمَنِيعُ الْغَالِبُ عَلَى أَمْرِهِ وَلَا شَيْءَ يَعْدِلُهُ يَا قَاهِرُ ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ
أَنْتَ الَّذِي لَا يُطَاقُ انْتِقَامُهُ يَا مُتَعَالِي الْقَرِيبُ فِي عُلُوِّ ارْتِفَاعِ دُنُوِّهِ
يَا جَبَّارُ الْمُذَلِّلُ كُلَّ شَيْءٍ بِقَهْرِ عَزِيزِ سُلْطَانِهِ يَا نُورَ كُلِّ شَيْءٍ
أَنْتَ الَّذِي فَلَقَ الظُّلُمَاتِ نُورُهُ يَا قُدُّوسُ الطَّاهِرُ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَلَا
شَيْءَ يَعْدِلُهُ يَا قَرِيبُ الْمُجِيبُ الْمُتَدَانِي دُونَ كُلِّ شَيْءٍ قُرْبُهُ يَا عَالِي الشَّامِخُ
فِي السَّمَاءِ فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ عُلُوُّ ارْتِفَاعِهِ يَا بَدِيعَ الْبَدَايِعِ وَمُعِيدَهَا
بَعْدَ فَنَائِهَا بِقُدْرَتِهِ يَا جَلِيلُ الْمُتَكَبِّرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ فَالْعَدْلُ أَمْرُهُ وَ
الصِّدْقُ وَعْدُهُ يَا مَجِيدُ فَلَا يَبْلُغُ الْأَوْهَامُ كُلَّ ثَنَائِهِ وَمَجْدِهِ يَا كَرِيمَ
الْعَفْوِ وَالْعَدْلِ أَنْتَ الَّذِي مَلَأَ كُلَّ شَيْءٍ عَدْلُهُ يَا عَظِيمُ ذَا الثَّنَاءِ
الْفَاخِرِ وَالْعِزِّ وَالْكِبْرِيَاءِ فَلَا يَذِلُّ عِزُّهُ يَا عَجِيبُ فَلَا تَنْطِقُ الْأَلْسُنُ
بِكُلِّ آلَائِهِ وَثَنَائِهِ أَسْأَلُكَ يَا مُعْتَمَدِي عِنْدَ كُلِّ كُرْبَةٍ وَغِيَاثِي
عِنْدَ كُلِّ شِدَّةٍ بِهٰذِهِ الْأَسْمَاءِ أَمَاناً مِنْ عُقُوبَاتِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَصْرِفَ عَنِّي بِهِنَّ كُلَّ سُوءٍ وَمَخُوفٍ وَمَحْذُورٍ

تصرف عني ابصار الظلمة المريدين بي السوء الذي نهيت عنه
من شر ما يضمرون الى خير ما لا يملكون و لا يملكه غيرك يا كريم
اللهم لا تكلني الى نفسي فاعجز عنها ولا الى الناس فيرفضوني فيظفروا بي
ولا تخيبني وانا ارجوك ولا تعذبني وانا ادعوك اللهم اني
ادعوك كما امرتني فاجبني كما وعدتني اللهم اجعل خير عمري
ما ولي اجلي اللهم لا تغير جسدي ولا ترسل حظي ولا تسوء صديقي
اعوذ بك من سقم مضرع وفقر مدقع ومن الذل وبئس
الخلل اللهم سل قلبي عن كل شيء لا اتزوده اليك و لا
انتفع به يوم القاك من حلال او حرام ثم اعطني قوة عليه و
عزا وقناعة ومقتا له ورضاك فيه يا ارحم الراحمين
اللهم لك الحمد على عطاياك الجزيلة ولك الحمد على منك
المتواترة التي بها دافعت عني مكاره الامور وبها اتيتني مواهب
السرور مع تمادي في الغفلة وما بقي في من القسوة فلم يمنعك
ذلك من فعلي ان عفوت عني وسترت ذلك علي وسوغتني ما في

يدي

يدي من نعمك و تابعت علي احسانك وصفحت لي عن قبيح ما افضت
به اليك و انتهكته من معاصيك اللهم اني اسالك بكل اسم
هو لك يحق عليك فيه اجابة الدعاء اذا دعيت به واسالك
بكل ذي حق عليك وبحقك على جميع من هو دونك ان
تصلي على محمد عبدك ورسولك وال محمد ومن اراد بي
بسوء فخذ بسمعه وبصره ومن بين يديه ومن خلفه وعن يمينه
وعن شماله وامنعه عني بحولك وقوتك يا من ليس معه رب
يدعى ويا من ليس فوقه خالق يخشى ويا من ليس دونه اله يتقى
ويا من ليس له وزير يؤتى ويا من ليس له حاجب يرشى ويا من
ليس له بواب ينادى ويا من لا يزداد على كثرة العطاء الا
كرما وجودا وعلى تتابع الذنوب الا مغفرة وعفوا صل
على محمد وال محمد وافعل بي ما انت اهله ولا تفعل بي ما انا
اهله فانك اهل التقوى واهل المغفرة

باب دوازدهم در بيان اعمال متكرره هر روزه ماه مبارك رمضان وآنها چند چيزاند از تتبع احاديث و اخبار ظاهر ميشود چند امر است اول قيلوله كردن و آن عبارت است از خواب كردن در چاشت قريب بظهر محمد بن يعقوب كليني ره

بوی خوش مالیدن در روزهای ماه رمضان

و دیگران از حضرت ابی الحسن ع روایت کرده است که فرمود قیلوله کنید بدرستی که حق تعالی اطعام
میکند صایم را و سیراب میفرماید او را در خواب مؤلف گوید که مراد از اطعام صایم در خواب
آنست که چون بسبب خواب قوتی برای صایم بهم میرسد چنانچه از طعام و شراب نیز بهم میرسد پس
گویا طعام و شراب خورده است دویم بوی خوش بکار بردن ابن بابویه ره در کتاب علل الشرایع
و ثواب الاعمال از حضرت صادق ع روایت کرده است که هر که بوی خوش بکار برد در اول روز در
حالت روزه عقل او هرگز زایل نشود و کلینی ره بسند خود از حسن بن راشد روایت
کرده است که از حضرت امام جعفر صادق ع هرگاه روزه میداشت خود را خوشبو میکرد
و میفرمود بوی خوش تحفه صایم است و ایضا در کتاب خصال از محمد بن میمون روایت کرده
است که حضرت امام حسین ع نیز در حالت روزه بوی خوش بکار میبرد و میفرمود بوی خوش
تحفه صایم است مؤلف گوید که دو حدیث آخر چون مقید بوقتی خاص نیست دلالت میکند
بر آنکه بکار بردن بوی خوش در همه اوقات روزه نیکوست و حدیث اول دلالت بر خصوص اول روز
میکند و شاید مراعات حدیث اول افضل باشد زیرا که اثر آن تا شب باقی میماند و در تمام
اوقات روزه با بوی خوش میباشد و بدانکه در این مقام اشکالی متوجه میشود که به چه جهت
بوی خوش سنت کردیده و بوییدن گلها و ریاحین خصوصا نرگس مکروه شده با آنکه هر دو از
یک باب است و بوییدن ریاحین نیز آدمی را خوشبو میکند و جواب این شبهه چنانچه بخاطر
این قاصر میرسد آنست که چون بسبب روزه دهان صایم بدبو میشود باین سبب بوی خوش سنت
کردیده تا آنکه مردم از ملاقات او تنفر ننمایند و بوییدن ریاحین و گلها آنقدر تاثیر در دفع این
ندارد و اثر آن در آدمی باقی نمیماند و بغیر لذات عاجلی که از آن حاصل میشود دیگر ثمری ندارد و
اجتناب از اکثر لذات در حالت روزه مطلوبست چنانچه در باب اول از این خزینه مذکور شد
که حضرت صادق ع در حالت روزه هیچ گلی را نمی بوئید و میفرمود که کراهت دارم که روزه خود
را بلذت مخلوط سازم و در خصوص نرگس در حدیث وارد شده است که آن گل عجمان است و شیخ
مفید ره گفته است که پادشاهان عجم در هر سال روز مخصوصی روزه میداشتند و در آن روز
نرگس بسیار میبوئیدند و میگفتند که دفع گرسنگی و تشنگی میکند لهذا آل محمد صلی الله علیه و
علیهم بجهت رد بر ایشان نهی از آن فرموده اند با آنکه ممکن است که بعضی از اجزاء صغیره از
آنها جدا شود و بدماغ بالا رود پس بنا بر این جهات بوئیدن ریاحین مکروه و تطیب و غیرها
و امثال آن سنت کردیده است والله تعالی یعلم و بدانکه بهتر در تطیب آنست که روغن خوشبو را
بر محاسن بمالند و جامها را نیز خوشبو کنند و برای زنان سنت است که گیسوی خود را شانه کنند
چنانچه ابن بابویه ره در کتاب خصال از محمد بن میمون روایت کرده است که حضرت امام حسن ع



دعاهای روزهای ماه مبارک رمضان

میفرمود که تحفه صایم آنست که ریش خود را بروغن خوشبو معطر سازد و جامهای خود را بجمر باز
دارد که خوشبو شود و تحفه زن صایمه آنست که گیسوی خود را شانه کند سیم تصدق
چنانچه سید بن طاوس ره در کتاب اقبال از علی بن اسمعیل میثمی نقل نموده است که او از حضرت
سید الساجدین صلوات الله و سلامه علیه روایت کرده است که چون ماه رمضان داخل
میشد آنحضرت هر روز از روزهای آن ماه یک درهم تصدق میفرمود چهارم در هر روز ما بین
نماز عصر و نماز شام این دعا را بخوانند أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ غَفَّارُ
الذُّنُوبِ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ تَوْبَةَ عَبْدٍ ظَالِمٍ لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ مَوْتًا وَلَا حَيٰوةً
وَلَا نُشُورًا و این دعا در روزهای ماه رجب و شعبان نیز میباید خوانده شود و روایت آن در
خزینه اول در اعمال مشترکه ماه رجب و شعبان و ماه رمضان گذشت پنجم
سید بن طاوس ره در کتاب اقبال گفته است که از جمله دعاها هر روز ماه این دعا است
اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ بِأَفْضَلِهِ وَكُلُّ فَضْلِكَ فَاضِلٌ
اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِفَضْلِكَ كُلِّهِ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ
بِأَعَمِّهِ وَكُلُّ رِزْقِكَ عَامٌّ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرِزْقِكَ كُلِّهِ اللّٰهُمَّ
إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَطَايَاكَ بِأَهْنَاهَا وَكُلُّ عَطَايَاكَ هَنِيئَةٌ اللّٰهُمَّ
إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَطَايَاكَ كُلِّهَا اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِكَ بِأَعْجَلِهِ
وَكُلُّ خَيْرِكَ عَاجِلٌ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِخَيْرِكَ كُلِّهِ اللّٰهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ مِنْ إِحْسَانِكَ بِأَحْسَنِهِ وَكُلُّ إِحْسَانِكَ حَسَنٌ اللّٰهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ بِإِحْسَانِكَ كُلِّهِ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا تُجِيبُنِي بِهِ حِينَ أَسْأَلُكَ

فاجبني يا الله وصل على محمد عبدك المرتضى ورسولك المصطفى و
امينك دون خلقك ونجيك من عبادك ونبيك ومن جاء وحبيبك م
بالصدق من عندك وحبيبك المفضل على رسلك وخيرتك من
العالمين البشير النذير السراج المنير وعلى اهل بيته الابرار الطاهرين
وعلى ملئكتك الذين استخلصتهم لنفسك وحجبتهم عن خلقك و
على انبيائك الذين ينبؤن بالصدق وعلى رسلك الذين اختصصتهم عنك م
لوحيك وفضلتهم على العالمين برسالاتك وعلى عبادك الصالحين
الذين ادخلتهم في رحمتك الائمة المهتدين الراشدين واوليائك
المطهرين وعلى جبرئيل وميكائيل واسرافيل وملك الموت ورضوان
خازن الجنان ومالك خازن النيران وروح القدس والروح الامين
وحملة عرشك المقربين وعلى الملئكتين الحافظين علي بالصلوة
التي تحب ان يصلي بها عليهم اهل السموات واهل الارضين صلوة
طيبة كثيرة زاكية مباركة نامية ظاهرة باطنة شريفة
فاضلة تبين بها فضلهم على الاولين والاخرين اللهم اعط محمدا

٢٨٧

الوسيلة والشرف والفضيلة واجزه عنا خير ما جزيت نبيا عن امته
اللهم اعط محمدا صلى الله عليه واله مع كل زلفة زلفة
ومع كل وسيلة وسيلة ومع كل فضيلة فضيلة ومع
كل شرف شرفا اللهم اعط محمدا واله يوم القيمة افضل ما اعطيت
احدا من الاولين والاخرين اللهم اجعل محمدا صلى الله عليه واله
ادنى المرسلين منك مجلسا وافسحهم في الجنة عندك منزلا و
اقربهم اليك وسيلة واجعله اول شافع واول مشفع واول
قائل وانجح سائل وابعثه المقام المحمود الذي يغبطه به الاولون
والاخرون يا ارحم الراحمين واسئلك ان تصلي على محمد وال محمد
وان تسمع صوتي وتجيب دعوتي وتجاوز عن خطيئتي وتصفح
عن ظلمي وتنجح طلبتي وتقضي حاجتي وتنجز لي ما وعدتني وتقيل
عثرتي وتقبل مني وتغفر ذنوبي وتعفو عن جرمي وتقبل علي و
لا تعرض عني وترحمني ولا تعذبني وتعافيني ولا تبتليني و
ترزقني الجنة يا ارحم الراحمين من اطيب رزقك واوسعه ولا

جنتك ...

تحرمني خيرك يا رب واقض عني ديني وضع عني وزري ولا تحملني ما لا طاقة

لي به يا مولاي وادخلني في كل خير ادخلت فيه محمدا وآل محمد و

اخرجني من كل سوء اخرجت منه محمدا وآل محمد صلواتك عليه

وعليهم اجمعين والسلام عليهم ورحمة الله وبركاته اللهم اني

ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني وفقرهٔ آخر را سه مرتبه
بگو بعد از آن بگو

اللهم اني اسألك قليلا من كثير مع حاجة بي اليه عظيمة و

غناك عنه قديم وهو عليك سهل يسير فامنن علي به انك

على كل شيء قدير مؤلف گوید که این دعا را شیخ طوسی ره در مصباح و سید بن
باقی در کتاب اختیار و کفعمی در کتاب جنة الامان نیز ذکر
نموده اند لیکن کفعمی در حواشی جنة الامان ذکر نموده که سید بن طاوس این دعا را
در کتاب عمل شهر رمضان نیز ذکر نموده و گفته است که در هر شبی از اوقات ایام خوا
ب و خواه در روز اگر خواهی این دعا را بخوان و این مخالف است با آنچه خود در اقبال و
دیگران در کتب خود مذکور نموده اند والله تعالی یعلم ششم سید بن باقی ره در
کتاب اختیار گفته که در روایتی وارد شده که هر که این دعا را در هر روز از ماه مبارک بخواند حق تعالی
گناهان چهل ساله او را بیامرزد اللهم رب شهر رمضان الذي انزلت فيه
و دعا اینست

القرآن وافترضت على عبادك فيه الصيام ارزقني حج بيتك الحرام

في هذا العام وفي كل عام واغفر لي الذنوب العظام فانه لا يغفرها

غيرك يا ذا الجلال والاكرام مؤلف گوید که در غیر کتاب اختیار از کتب ادعیه علما این دعا

برای

برای روزها علی نیاه منظور نمیشود و سید بن طاوس این دعا را برای هر شب ماه رمضان ثواب روایت کرده و چنانچه
سابق مذکور شد و ظاهرا این باقی شب را روز نیز ادعا نموده باشد والله تعالی یعلم هفتم علامه
ره در کتاب منهاج الصلاح گفته که مستحب است که در هر روز سبحان الضار النافع سبحان القابض
از ماه مبارک رمضان هفتاد نوبت این دعا خوانده شود

الباسط سبحان القاضي بالحق سبحان ربي الودود سبحان الفرد الوتر

سبحان العلي الاعلى سبحانه وبحمده وتعالى مؤلف گوید که اگر چه این دعا را
بروایت نسبت نداده ولیکن ظاهر
حال آنست که حدیثی در این باب منظور او میبوده باشد هشتم سید بن طاوس ره در کتاب اقبال گفته
که این دعا را با فقره در میان ادعیه هر روز ماه
مبارک رمضان بخواند و ترغیب عظیم الشان در آن کرده و گفته که این ادعیه در آن بوده و نوشته بود که این دعا
از اسرار دعوات و مضمون اجابات است و دعا اینست اللهم اني ادعوك كما امرتني
فاستجب لي كما وعدتني سه مرتبه اللهم اني اسألك من بهائك بابهاه وكل

بهائك بهي اللهم اني اسألك ببهائك كله اللهم اني اسألك

من جلالك باجله وكل جلالك جليل اللهم اني اسألك

بجلالك كله اللهم اني اسألك من جمالك باجمله وكل

جمالك جميل اللهم اني اسألك بجمالك كله اللهم اني ادعوك

كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني سه نوبت اللهم اني اسألك من

عظمتك باعظمها وكل عظمتك عظيمة اللهم اني اسألك

بعظمتك كلها اللهم اني اسألك من نورك بانوره وكل نورك

نيّر اللهم إني أسألك بنورك كله اللهم إني أسألك من رحمتك
بأوسعها وكل رحمتك واسعة اللهم إني أسألك برحمتك كلها
اللهم إني أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني سه نوبت اللهم
إني أسألك من كمالك بأكمله وكل كمالك كامل اللهم إني
أسألك بكمالك كله اللهم إني أسألك من كلماتك بأتمها و
كل كلماتك تامة اللهم إني أسألك بكلماتك كلها اللهم
إني أسألك من أسمائك بأكبرها وكل أسمائك كبيرة اللهم إني
أسألك بأسمائك كلها اللهم إني أدعوك كما أمرتني فاستجب لي
كما وعدتني سه نوبت اللهم إني أسألك من عزتك بأعزها وكل
عزتك عزيزة اللهم إني أسألك بعزتك كلها اللهم إني أسألك
من مشيتك بأمضاها وكل مشيتك ماضية اللهم إني أسألك
بمشيتك كلها اللهم إني أسألك بقدرتك التي استطلت بها على
كل شيء وكل قدرتك مستطيلة اللهم إني أسألك بقدرتك كلها
اللهم إني أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني سه نوبت اللهم

إني أسألك من علمك بأنفذه وكل علمك نافذ اللهم إني أسألك
بعلمك كله اللهم إني أسألك من قولك بأرضاه وكل قولك رضي
اللهم إني أسألك بقولك كله اللهم إني أسألك من مسائلك
بأحبها إليك وكل مسائلك حبيبة اللهم إني أسألك بمسائلك كلها
اللهم إني أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني سه نوبت اللهم إني
أسألك من شرفك بأشرفه وكل شرفك شريف اللهم إني أسألك بشرفك
كله اللهم إني أسألك من سلطانك بأدومه وكل سلطانك دائم
اللهم إني أسألك بسلطانك كله اللهم إني أسألك من ملكك بأفخره
وكل ملكك فاخر اللهم إني أسألك بملكك كله اللهم إني أدعوك
كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني سه نوبت اللهم إني أسألك من علائك
بأعلاه وكل علائك عال اللهم إني أسألك بعلائك كله اللهم
إني أسألك من منك بأقدمه وكل منك قديم اللهم إني أسألك
بمنك كله اللهم إني أسألك من آياتك بأعجبها وكل آياتك عجيبة
اللهم إني أسألك بآياتك كلها اللهم إني أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما

وَعَدتَنِي سه نوبت اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ بِاَفْضَلِهِ وَكُلُّ فَضْلِكَ فَاضِلٌ
اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ بِفَضْلِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ بِاَعَمِّهِ
وَكُلُّ رِزْقِكَ عَامٌّ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ بِرِزْقِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ
مِنْ عَطَائِكَ بِاَهْنَاهُ وَكُلُّ عَطَائِكَ هَنِيٌّ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ بِعَطَائِكَ
كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ مِنْ خَيْرِكَ بِاَعْجَلِهِ وَكُلُّ خَيْرِكَ عَاجِلٌ اَللّٰهُمَّ
اِنِّي اَسْاَلُكَ بِخَيْرِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ مِنْ اِحْسَانِكَ بِاَحْسَنِهِ
وَكُلُّ اِحْسَانِكَ حَسَنٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ بِاِحْسَانِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ
اِنِّي اَسْاَلُكَ بِمَا تُجِيبُنِي بِهِ حِينَ اَدْعُوكَ فَاَجِبْنِي يَا اَللّٰهُ نَعَمْ دَعَوْتُكَ
يَا اَللّٰهُ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ بِمَا اَنْتَ فِيهِ مِنَ الشُّؤُونِ وَالْجَبَرُوتِ اَللّٰهُمَّ
اِنِّي اَسْاَلُكَ بِمَا تُجِيبُنِي بِهِ حِينَ اَسْاَلُكَ فَاَجِبْنِي يَا اَللّٰهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وطلب کن هر حاجتی اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَابْعَثْنِي عَلَى
کرداری پس بگو
الْاِيمَانِ بِكَ وَالتَّصْدِيقِ بِرَسُولِكَ وَالْوِلَايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ
وَالْاِئْتِمَامِ بِالْوِلَايَةِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَالْبَرَاءَةِ مِنْ اَعْدَائِهِمْ فَاِنِّي قَدْ رَضِيتُ
بِذَلِكَ يَا رَبِّ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَسْاَلُكَ خَيْرَ الْخَيْرِ رِضْوَانَكَ

[illegible]

الخ

وَالْجَنَّةَ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الشَّرِّ سَخَطِكَ وَالنَّارِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
آلِ مُحَمَّدٍ وَاحْفَظْنِي مِنْ كُلِّ مُصِيبَةٍ وَمِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ وَمِنْ كُلِّ عُقُوبَةٍ وَ
مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ وَمِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَمِنْ كُلِّ شَرٍّ وَمِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ وَمِنْ كُلِّ
مُصِيبَةٍ وَمِنْ كُلِّ آفَةٍ نَزَلَتْ اَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ اِلَى الْاَرْضِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ
وَفِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هَذَا الشَّهْرِ وَفِي هَذِهِ السَّنَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْسِمْ لِي مِنْ كُلِّ سُرُورٍ وَمِنْ كُلِّ بَهْجَةٍ وَمِنْ كُلِّ اسْتِقَامَةٍ
وَمِنْ كُلِّ فَرَجٍ وَمِنْ كُلِّ عَافِيَةٍ وَمِنْ كُلِّ سَلَامَةٍ وَمِنْ كُلِّ كَرَامَةٍ
وَمِنْ كُلِّ رِزْقٍ وَاسِعٍ حَلَالٍ طَيِّبٍ وَمِنْ كُلِّ نِعْمَةٍ وَمِنْ كُلِّ حَسَنَةٍ
نَزَلَتْ اَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ اِلَى الْاَرْضِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي هَذِهِ
اللَّيْلَةِ وَفِي هَذَا الشَّهْرِ وَفِي هَذِهِ السَّنَةِ اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَتْ ذُنُوبِي
قَدْ اَخْلَقَتْ وَجْهِي عِنْدَكَ وَحَالَتْ بَيْنِي وَبَيْنَكَ اَوْ غَيَّرَتْ حَالِي عِنْدَكَ
فَاِنِّي اَسْاَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ الَّذِي لَمْ يُطْفَأْ وَبِوَجْهِ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ
الْمُصْطَفَى وَبِوَجْهِ وَلِيِّكَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى وَبِحَقِّ اَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ انْتَجَبْتَهُمْ
اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَغْفِرَ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَمَا وَلَدَا وَلِلْمُؤْمِنِينَ

وَالْمُؤْمِنَاتِ وَمَا تَوَالَدُوا ذُنُوبَنَا كُلَّهَا صَغِيرَهَا وَكَبِيرَهَا وَاَنْ تَخْتِمَ لَنَا
بِالصَّالِحَاتِ وَاَنْ تَقْضِيَ لَنَا الْحَاجَاتِ وَالْمُهِمَّاتِ وَصَالِحَ الدُّعَاءِ
وَالْمَسْئَلَةِ فَاسْتَجِبْ لَنَا بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
آمِينَ آمِينَ آمِينَ مَا شَاءَ اللّٰهُ كَانَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ سُبْحَانَ
رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
ودست خود را دراز کن و گردن را بطرف دوش چپ بگذار يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْأَلُكَ
وگریه کن واگر گریه نیاید خود را بگریستن بدار و بگو
بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عَلَيْكَ عَظِيمٌ يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْأَلُكَ بِبَهَائِكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا
اَنْتَ يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْأَلُكَ بِجَلَالِكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ
اَسْأَلُكَ بِجَمَالِكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْأَلُكَ بِنُورِكَ لَا اِلٰهَ
اِلَّا اَنْتَ يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْأَلُكَ بِكَمَالِكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ يَا لَا اِلٰهَ
اِلَّا اَنْتَ اَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْأَلُكَ بِعِظَمِ (بِعَظَمَتِكَ)
لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْأَلُكَ بِقَوْلِكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ يَا لَا
اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْأَلُكَ بِشَرَفِكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْأَلُكَ
بِعَلَائِكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْأَلُكَ بِلَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ يَا لَا

اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ ده کرت یا رباه را مکرر بگوید تا نفس منقطع شود پس دستهای خود
را دراز کن و گردن را بدوش چپ بگذار و بگو اَسْأَلُكَ
يَا سَيِّدِي يَا اللّٰهُ يَا رَبَّاهُ ده کرت يَا اللّٰهُ يَا سَيِّدَاهُ يَا مَوْلَايَاهُ يَا غِيَاثَاهُ يَا مَلْجَاهُ
يا رباه را مکرر بگو تا نفس منقطع شود پس بگو
يَا مُنْتَهٰى غَايَةِ رَغْبَتَاهُ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَسْأَلُكَ فَلَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ
وَاَسْأَلُكَ بِكُلِّ دَعْوَةٍ مُسْتَجَابَةٍ دَعَاكَ بِهَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ اَوْ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ
اَوْ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ امْتَحَنْتَ قَلْبَهُ لِلْاِيمَانِ وَاسْتَجَبْتَ دَعْوَتَهُ مِنْهُ وَ
اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَاُقَدِّمُهُ بَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي يَا مُحَمَّدُ
يَا رَسُولَ اللّٰهِ بِاَبِي اَنْتَ وَاُمِّي اَتَوَجَّهُ بِكَ اِلٰى رَبِّكَ وَرَبِّي وَاُقَدِّمُكَ
بَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ اَسْأَلُكَ بِكَ فَلَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ وَاَتَوَجَّهُ
اِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ حَبِيبِكَ وَبِعِتْرَتِهِ الْهَادِيَةِ وَاُقَدِّمُهُمْ بَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي وَ
اَسْأَلُكَ اللّٰهُمَّ بِحَيَاتِكَ الَّتِي لَا تَمُوتُ وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي لَا يُطْفَأُ
وَبِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ وَاَسْأَلُكَ بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عَلَيْكَ عَظِيمٌ اَنْ
تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَبَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ وَعَدَدَ
كُلِّ شَيْءٍ وَزِنَةَ كُلِّ شَيْءٍ وَمِلْءَ كُلِّ شَيْءٍ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ
اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ الْمُصْطَفٰى وَرَسُولِكَ الْمُرْتَضٰى وَاَمِينِكَ

المصطفى ونجيك دون خلقك وحبيبك وخيرتك من خلقك اجمعين
النذير البشير السراج المنير وعلى اهل بيته الطيبين الطاهرين
المطهرين الابرار وعلى ملائكتك الذين استخلصتهم لنفسك و
حجبتهم عن خلقك وعلى انبيائك الذين ينبئون بالصدق عنك
وعلى عبادك الصالحين الذين ادخلتهم في رحمتك الائمة المهتدين
الراشدين المطهرين وعلى جبرئيل وميكائيل واسرافيل وملك الموت
ورضوان خازن الجنة ومالك خازن النار والروح القدس وحملة
العرش ومنكر ونكير وعلى الملكين الحافظين علي بالصلوة التي
تحب ان تصلي بها عليهم صلوة كثيرة طيبة مباركة زاكية
نامية ظاهرة شريفة فاضلة تبين بها فضلهم على الاولين والاخرين تبين ظ
اللهم اني اسئلك ان تسمع صوتي وتجيب دعوتي وتغفر ذنبي
وتنجح طلبتي وتقضي حاجتي وتقبل قصتي وتنجز لي ما وعدتني و
تقيلني عثرتي وتتجاوز عن خطيئتي وتصفح عن ظلمي وتعفو عن
جرمي وتقبل علي ولا تعرض عني وترحمني ولا تعذبني وتعافيني و

لاتبتليني

لا تبتليني وترزقني من اطيب الرزق واوسعه واهنأه وامرأه و
اسبغه واكثره ولا تحرمني يا رب النظر الى وجهك الكريم و
الفوز بالجنة والعتق من النار واقض عني يا رب ديني وامانتي
وضع عني وزري ولا تحملني ما لا طاقة لي به يا مولاي وادخلني
في كل خير ادخلت فيه محمدا وآل محمد واخرجني من كل سوء اخرجتهم
منه ولا تفرق بيني وبينهم طرفة عين ابدا في الدنيا والآخرة اللهم
اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني سرنوب اللهم اني اسئلك
قليلا من كثير مع حاجة بي اليه عظيمة وغناك عنه قديم وهو
عندي كثير وهو عليك سهل يسير فامنن به علي انك على كل
شيء قدير اللهم برحمتك في الصالحين فادخلنا وفي عليين فارفعنا
وبكاس من معين من عين سلسبيل فاسقنا ومن الحور العين برحمتك
فزوجنا ومن الولدان المخلدين كانهم لؤلؤ مكنون فاخدمنا ومن
ثمار الجنة ولحوم الطير فاطعمنا ومن ثياب السندس والحرير والاستبرق
فالبسنا وليلة القدر وحج بيتك الحرام في سبيلك مع وليك فوفقنا

وصالح الدعاء والمسألة فاستجب لنا يا خالقنا اسمع واستجب لنا وإذا
جمعت الأولين والآخرين يوم القيمة فارحمنا وبراءة من النار
وأمانًا من العذاب فاكتب لنا وفي جهنم فلا تجعلنا ومع الشياطين
في النار فلا تقرنا وفي عذابك وهوانك فلا تقلبنا ومن الزقوم
والضريع فلا تطعمنا وفي النار على وجوهنا فلا تكبنا ومن
ثياب النار وسرابيل القطران فلا تلبسنا ومن كل سوء يا لا
إله إلا أنت بحق لا إله إلا أنت فنجنا اللهم إني أسألك ولم
يسأل مثلك وأرغب إليك ولم يرغب إلى مثلك أنت موضع
مسألة السائلين ومنتهى رغبة الراغبين أسألك اللهم
بأفضل أسمائك كلها وأنجحها يا الله يا رحمن وبأسمائك المخزون
المصون الأعز الأجل الأعظم الذي تحبه وتهواه وترضى عمن
دعاك به وتستجيب له دعاءه وحق عليك يا رب أن لا تحرم سائلك
اللهم إني أسألك بكل اسم هو لك دعاك به عبد هو لك في بر
أو بحر أو سهل أو جبل أو عند بيتك الحرام أو في شيء من سبلك

فادعوك

فأدعوك يا رب دعاء من قد اشتدت فاقته وعظم جرمه وضعف
كدحه فأشرفت على الهلكة نفسه ولم يثق بشيء من عمله ولم
يجد لما هو فيه سادًّا ولا لذنبه غافرًا ولا لعثرته مقيلًا غيرك
هاربًا إليك متعبدًا لك غير مستنكف ولا مستكبر ولا متحير و
لا متجبر ولا متعظم بل بائس فقير خائف مستجير أسألك يا الله
يا رحمن يا حنان يا منان يا بديع السموات والأرض يا ذا الجلال
والإكرام أن تصلي على محمد وآل محمد صلوة كثيرة طيبة مبا ركة
نامية ذاكية شريفة أسألك اللهم أن تغفر لي في شهري هذا
وترحمني وتعتق رقبتي من النار وتعطيني فيه خير ما أعطيت أحدًا
من خلقك وخير ما أنت معطيه ولا تجعله آخر شهر رمضان
صمته لك منذ أسكنتني أرضك إلى يومي هذا بل اجعله علي
أتمه نعمة وأعمه عافية وأوسعه رزقًا وأجزله وأهناه
اللهم إني أعوذ بك وبوجهك الكريم وملكك العظيم أن
تغرب الشمس من يومي هذا أو ينقضي بقية هذا اليوم أو يطلع

الفجر من ليلتي هذه او يخرج هذا الشهر ولك قبلي تبعة او ذنب او
خطيئة تريد ان تقايسني بها او تؤاخذني بها او توقفني بها موقف
خزي في الدنيا والآخرة او تعذبني يوم ألقاك يا ارحم الراحمين
اللهم اني ادعوك لهم لا يفرجه غيرك ولرحمة لا تنال الا بك
ولكرب لا يكشفه الا انت ولرغبة لا تبلغ الا بك ولحاجة لا تقضى
دونك اللهم فكما كان من شأنك ما اردتني به من مسألتك ورحمتني اردتني
به من ذكرك فليكن من شأنك الاستجابة لي فيما دعوتك به والنجاة
لي فيما فزعت اليك منه يا ملين الحديد لداود يا كاشف الضر
والكرب العظام عن ايوب ومفرج غم يعقوب ومنفس كرب
يوسف صل على محمد وآل محمد وافعل بي ما انت اهله فانك
اهل التقوى واهل المغفرة اللهم انت ثقتي في كل كرب و
رجائي في كل شدة وانت لي في كل امر نزل بي ثقة وعدة كم
من كرب يضعف منه الفؤاد وتقل فيه الحيلة ويخذل فيه
الصديق ويشمت فيه العدو انزلته بك وشكوته اليك

رغبة

رغبة مني فيه اليك عمن سواك ففرجته وكشفته وكفيتنيه فانت
ولي كل نعمة وصاحب كل حسنة ومنتهى كل رغبة اعوذ
بكلمات الله التامات من شر ما خلق من شيء اللهم عافني في
يومي هذا حتى امسي اللهم اني اسألك بركة يومي هذا وما
نزل فيه من عافية ومغفرة ورضوان ورزق واسع حلال تبسطه
علي وعلى والدي وولدي واهلي وعيالي واهل حزانتي ومن
احببت واحبني وولدت وولدني اللهم اني اعوذ بك من
الشك والشرك والحسد والبغي والحمية والغضب اللهم
رب السموات السبع ورب الارضين السبع وما فيهن وما بينهن
ورب العرش العظيم صل على محمد وآله واكفني المهم من امري بما
شئت وكيف شئت ثم يقرأ سورة حمد وآية الكرسي [illegible] اللهم انك قلت لنبيك صلى
الله عليه وآله ولسوف يعطيك ربك فترضى اللهم ان نبيك
ورسولك وحبيبك وخيرتك من خلقك لا يرضى بان تعذب احدا
من امته دان لك بموالاته وموالاة الائمة من اهل بيته وان كان

مُذْنِبًا خَاطِئًا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَاَجِرْنِي يَا رَبِّ مِنْ جَهَنَّمَ وَ عَذَابِهَا وَهَبْنِي لِمُحَمَّدٍ

وَ آلِ مُحَمَّدٍ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا جَامِعًا بَيْنَ اَهْلِ الْجَنَّةِ عَلَى تَأَلُّفٍ مِنَ الْقُلُوبِ

وَشِدَّةِ الْمَحَبَّةِ وَنَازِعَ الْغِلِّ مِنْ صُدُورِهِمْ وَجَاعِلَهُمْ اِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ

مُتَقَابِلِينَ يَا جَامِعًا بَيْنَ اَهْلِ طَاعَتِهِ وَ بَيْنَ مَنْ خَلَقَهَا لَهُ وَ يَا مُفَرِّجَ

حُزْنِ كُلِّ مَحْزُونٍ وَ يَا مُنْهِلَ كُلِّ غَرِيبٍ يَا رَاحِمِي فِي غُرْبَتِي وَ فِي كُلِّ اَحْوَالِي

بِحُسْنِ الْحِفْظِ وَ الْكِلَاءَةِ لِي يَا مُفَرِّجَ مَا بِي مِنَ الضِّيقِ وَ الْخَوْفِ صَلِّ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْمَعْ بَيْنِي وَ بَيْنَ اَحِبَّتِي وَ قَادَتِي وَ سَادَتِي وَ هُدَاتِي

وَ مَوَالِيَّ يَا مُؤَلِّفًا بَيْنَ الْاَحِبَّاءِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَا تَفْجَعْنِي

بِانْقِطَاعِ رُؤْيَةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَنِّي وَ لَا بِانْقِطَاعِ رُؤْيَتِي عَنْهُمْ فَبِكَلِّ

مَا سَأَلْتُكَ يَا رَبِّ اَدْعُوكَ اِلَهِي فَاسْتَجِبْ دُعَائِي اِلَيْكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

اَللَّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِانْقِطَاعِ حُجَّتِي وَ وُجُوبِ حُجَّتِكَ اَنْ تَغْفِرَ لِي اَللَّهُمَّ

اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ يَوْمِ الْمَحْشَرِ وَ مِنْ شَرِّ مَا بَقِيَ مِنَ الدَّهْرِ وَ مِنْ شَرِّ

الْاَعْدَاءِ وَ صَغِيرِ الْفَنَاءِ وَ عُضَالِ الدَّاءِ وَ خَيْبَةِ الرَّجَاءِ وَ زَوَالِ النِّعْمَةِ

وَ فُجَاءَةِ النِّقْمَةِ اَللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي قَلْبًا يَخْشَاكَ كَاَنَّهُ يَرَاكَ اِلَى يَوْمِ يَلْقَاكَ

نهم

نهم سید بن طاوس ره در کتاب اقبال بسند خود از حضرت صادق ع روایت کرده است که آنحضرت
با ابو بصیر فرمود که در هر روز از روزهای ماه مبارک رمضان این تسبیح را بخوان و شیخ طوسی ره
در کتاب مصباح و سید بن باقی طاب ثراه در کتاب اختیار و کفعمی ره در جنة الامان نیز این
تسبیح را برای هر روز این ماه نقل نموده اند و لیکن سید در اقبال گفته که در روایت شیخ طوسی ره در مصباح
مشتمل بر بعضی از زیادتیها هست که در روایت ابو بصیر
مذکور نیست و روایت ابن باقی و کفعمی با روایت شیخ مطابق است

سُبْحَانَ اللهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ الْاَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ

وَ النُّورِ سُبْحَانَ اللهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَ النَّوَى سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ

سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَ مَا لَا يُرَى سُبْحَانَ اللهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ

اللهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللهِ السَّمِيعِ الَّذِي لَيْسَ شَيْءٌ اَسْمَعَ مِنْهُ

يَسْمَعُ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ مَا تَحْتَ سَبْعِ اَرَضِينَ وَ يَسْمَعُ مَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ

وَ الْبَحْرِ وَ يَسْمَعُ الْاَنِينَ وَ الشَّكْوَى وَ يَسْمَعُ السِّرَّ وَ اَخْفَى وَ يَسْمَعُ وَسَاوِسَ

الصُّدُورِ وَ لَا يُصِمُّ سَمْعَهُ صَوْتٌ سُبْحَانَ اللهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللهِ

الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ الْاَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ

وَ النُّورِ سُبْحَانَ اللهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَ النَّوَى سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ

اللهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَ مَا لَا يُرَى سُبْحَانَ اللهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ

الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللهِ الْبَصِيرِ الَّذِي لَيْسَ شَيْءٌ اَبْصَرَ مِنْهُ يُبْصِرُ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ

ما تحت سبع أرضين ويبصر ما في ظلمات البر والبحر لا تدركه الأبصار
وهو يدرك الأبصار وهو اللطيف الخبير لا تغشى بصره الظلمات و
لا يستتر منه بستر ولا يواري منه جدار ولا يغيب عنه بر ولا بحر
ولا يكن منه جبل ما في أصله ولا قلب ما فيه ولا جنب ما في قلبه
ولا يستتر منه صغير ولا كبير لا يخفى عليه شيء في الأرض ولا في السماء
هو الذي يصوركم في الأرحام كيف يشاء لا إله إلا هو العزيز الحكيم
سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الأزوا
كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى
سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى
سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله الذي
ينشئ السحاب الثقال ويسبح الرعد بحمده والملائكة من خيفته
ويرسل الصواعق فيصيب بها من يشاء ويرسل الرياح بشرا
بين يدي رحمته ويرسل الماء من السماء بكلمته وينبت النبات
بقدرته ويسقط الورق بعلمه سبحان الله الذي لا يعزب عنه

مثقال

مثقال ذرة في الأرض ولا في السماء ولا أصغر من ذلك ولا أكبر إلا في كتاب مبين
سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق
الأزواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله
فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق
ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين
سبحان الله الذي يعلم ما تحمل كل أنثى وما تغيض الأرحام و
ما تزداد وكل شيء عنده بمقدار عالم الغيب والشهادة الكبير
المتعال سواء منكم من أسر القول ومن جهر به ومن هو مستخف
بالليل وسارب بالنهار له معقبات من بين يديه ومن خلفه يحفظونه
من أمر الله سبحان الله الذي يميت الأحياء ويحيي الموتى ويعلم ما تنقص
الأرض منهم ويقر في الأرحام ما يشاء إلى أجل مسمى سبحان الله
بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الأزواج كلها
سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى
سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى

سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله مالك
الملك تؤتي الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من تشاء
وتذل من تشاء بيدك الخير إنك على كل شيء قدير تولج الليل في النهار
وتولج النهار في الليل وتخرج الحي من الميت وتخرج الميت من الحي و
ترزق من تشاء بغير حساب سبحان الله البارئ النسم سبحان الله المصور
سبحان الله خالق الأزواج كلها سبحان الله فالق الحب والنوى
سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى
سبحان الله رب العالمين سبحان الله الذي عنده مفاتح الغيب
لا يعلمها إلا هو ويعلم ما في البر والبحر وما تسقط من ورقة إلا يعلمها
ولا حبة في ظلمات الأرض ولا رطب ولا يابس إلا في كتاب مبين سبحان
الله البارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الأزواج كلها
سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى
سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى
سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله الذي

لا يحصى

لا يحصي مدحته القائلون ولا تجزي بآلائه الشاكرون العابدون وهو
كما قال وفوق ما نقول والله سبحانه كما أثنى على نفسه ولا يحيطون
بشيء من علمه إلا بما شاء وسع كرسيه السموات والأرض ولا يؤده
حفظهما وهو العلي العظيم سبحان الله البارئ النسم سبحان الله
المصور سبحان الله خالق الأزواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات
والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء
سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان
الله رب العالمين سبحان الله الذي يعلم ما يلج في الأرض وما يخرج
منها وما ينزل من السماء وما يعرج فيها ولا يشغله علم شيء عن علم
شيء ولا يشغله خلق شيء عن خلق شيء ولا حفظ شيء عن حفظ شيء
ولا يساويه شيء ولا يعدله شيء ليس كمثله شيء وهو السميع العليم
سبحان الله البارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق
الأزواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله
فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى

وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان
الله فاطر السموات والارض جاعل الملائكة رسلا اولى اجنحة
مثنى وثلث ورباع يزيد في الخلق ما يشاء ان الله على كل شيء قدير
ما يفتح الله للناس من رحمة فلا ممسك لها وما يمسك فلا مرسل
له من بعده وهو العزيز الحكيم سبحان الله بارئ النسم
سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان الله
جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان
الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله
رب العالمين سبحان الله الذي يعلم ما في السموات وما في الارض
ما يكون من نجوى ثلثة الا هو رابعهم ولا خمسة الا هو سادسهم
ولا ادنى من ذلك ولا اكثر الا هو معهم اينما كانوا ثم ينبئهم
بما عملوا يوم القيمة ان الله بكل شيء عليم سبحان الله الذي بنعمته
تتم الصالحات

دهم ایضا سید در کتاب اقبال گفته که صلوات بر رسول خدا و اهل
بیت طاهرین او صلوات الله علیه و علیهم اجمعین در هر روز
از ماه مبارک رمضان است و شیخ طوسی در کتاب مصباح و سید بن باقی در کتاب ...
و کفعمی در جنة الامان گفته اند که در عقب تسبیحاتی که در شبها مذکور شد این صلوات را بخوانند و صلوات اینست

ان الله وملائكته يصلون على النبي يا ايها الذين امنوا صلوا عليه وسلموا
تسليما لبيك يا رب وسعديك اللهم صل على محمد وال محمد وبارك سبحانك ...
على محمد وال محمد كما صليت وباركت على ابرهيم وال ابرهيم انك
حميد مجيد اللهم ارحم محمدا وال محمد كما رحمت على ابرهيم وال ابرهيم
انك حميد مجيد اللهم سلم على محمد وال محمد كما سلمت على نوح
في العالمين اللهم امنن على محمد وال محمد كما مننت على موسى وهرون
اللهم صل على محمد وال محمد كما هديتنا به اللهم صل على محمد و
ال محمد وابعثه مقاما محمودا يغبطه به الاولون والاخرون
على محمد واله السلم كلما طلعت شمس او غربت على محمد واله السلم
كلما طرفت عين او برقت على محمد واله السلم كلما طرفت عين
او ذرفت على محمد واله السلم كلما ذكر السلم على محمد واله السلم
كلما سبح الله ملك او قدسه السلم على محمد واله في الاولين
السلم على محمد واله في الاخرين السلم على محمد واله في الدنيا والاخرة
السلم على محمد واله ورحمة الله وبركاته اللهم رب البلد الحرام

وَرَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَرَبَّ الْحِلِّ وَالْحَرَامِ اَبْلِغْ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا وَآلَهُ
وَالسُّرُورِ عَنَّا السَّلَامَ اَللّٰهُمَّ اَعْطِ مُحَمَّدًا مِنَ الْبَهَاءِ وَالنَّضْرَةِ وَالشَّرَفِ وَالْكَرَامَةِ
وَالْغِبْطَةِ وَالْوَسِيلَةِ وَالْمَنْزِلَةِ وَالْمَقَامِ وَالرِّفْعَةِ وَالشَّفَاعَةِ عِنْدَكَ
يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اَفْضَلَ مَا تُعْطِي اَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ وَاَعْطِ مُحَمَّدًا وَآلَهُ فَوْقَ مَا
تُعْطِي الْخَلَائِقَ مِنَ الْخَيْرِ اَضْعَافًا كَثِيرَةً لَا يُحْصِيهَا غَيْرُكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَطْيَبَ وَاَطْهَرَ وَاَزْكٰى وَاَنْمٰى وَاَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ
اَحَدٍ مِنَ عَلَى الْاَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَعَلٰى اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلٰى عَلِيٍّ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ
مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابَ عَلٰى مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
عَلَيْهَا السَّلَامُ عَلٰى فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَالْعَنْ مَنْ اٰذٰى نَبِيَّكَ فِيهَا اَللّٰهُمَّ صَلِّ
عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ اِمَامَيِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالَاهُمَا وَعَادِ مَنْ عَادَاهُمَا
وَضَاعِفِ الْعَذَابَ عَلٰى مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِمَا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ
اِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابَ
شَرِكَ فِي دَمِهِ عَلٰى مَنْ قَتَلَهُ وَهُوَ الْوَلِيدُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ اِمَامِ الْمُسْلِمِينَ

ووا

وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابَ عَلٰى مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِ ظَلَمَهُ
وَهُوَ اِبْرٰهِيمُ بْنُ الْوَلِيدِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ اِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَ
وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابَ عَلٰى مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِ ظَلَمَهُ
وَهُوَ الْمَنْصُورُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ اِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ
مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابَ عَلٰى مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِ ظَلَمَهُ
وَهُوَ الرَّشِيدُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا اِمَامِ الْمُسْلِمِينَ
وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابَ عَلٰى مَنْ شَرِكَ
فِي دَمِهِ وَهُوَ الْمَامُونُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ اِمَامِ الْمُسْلِمِينَ
وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابَ عَلٰى مَنْ شَرِكَ ظَلَمَهُ
فِي دَمِهِ وَهُوَ الْمُعْتَصِمُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ اِمَامِ الْمُسْلِمِينَ
وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابَ عَلٰى مَنْ شَرِكَ
فِي دَمِهِ وَهُوَ الْمُتَوَكِّلُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ اِمَامِ
الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابَ
عَلٰى مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِ وَهُوَ الْمُعْتَمِدُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْخَلَفِ مِنْ الْمُعْتَمِدُ

عَبْدِهِ اِمامِ الْمُسْلِمينَ وَوالِ مَنْ والاهُ وَعادِ مَنْ عاداهُ وَعَجِّلْ فَرَجَهُ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْقاسِمِ وَالطّاهِرِ ابْنَيْ نَبِيِّكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى اُمِّ

كُلْثُومَ ابْنَةِ نَبِيِّكَ وَالْعَنْ مَنْ اذى نَبِيَّكَ فيها اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى

رُقَيَّةَ ابْنَةِ نَبِيِّكَ وَالْعَنْ مَنْ اذى نَبِيَّكَ فيها اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى بنت ن

ذُرِّيَّةِ نَبِيِّكَ اَللّٰهُمَّ اخْلُفْ نَبِيَّكَ في اَهْلِ بَيْتِهِ اَللّٰهُمَّ مَكِّنْ لَهُمْ

فِي الْاَرْضِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنا مِنْ عَدَدِهِمْ وَمَدَدِهِمْ وَاَنْصارِهِمْ

عَلَى الْحَقِّ فِي السِّرِّ وَالْعَلانِيَةِ اَللّٰهُمَّ اطْلُبْ بِذَحْلِهِمْ وَوِتْرِهِمْ

وَدِمائِهِمْ وَكُفَّ عَنّا وَعَنْهُمْ وَعَنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ

بَأْسَ كُلِّ باغٍ وَطاغٍ وَكُلِّ دابَّةٍ اَنْتَ اخِذٌ بِناصِيَتِها اِنَّكَ اَنْتَ

اَشَدُّ بَأْساً وَاَشَدُّ تَنْكيلاً وبعد از آن يا عُدَّتي في كُرْبَتي وَيا صاحِبي في

میگوئی

شِدَّتي وَيا وَلِيّي في نِعْمَتي وَيا غايَتي في رَغْبَتي اَنْتَ السّاتِرُ عَوْرَتي

وَالْمُؤْمِنُ رَوْعَتي وَالْمُقيلُ عَثْرَتي فَاغْفِرْ لي خَطيئَتي يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ

و بعد از آن اَللّٰهُمَّ اِنّي اَدْعُوكَ لِهَمٍّ لا يُفَرِّجُهُ غَيْرُكَ وَلِرَحْمَةٍ لا تُنالُ

نیز میگوئی

اِلّا بِكَ وَلِكَرْبٍ لا يَكْشِفُهُ اِلّا اَنْتَ وَلِرَغْبَةٍ لا تُبْلَغُ اِلّا بِكَ وَلِحاجَةٍ

لا يَقْضيها اِلّا اَنْتَ

لا يَقْضيها دُونَكَ اَللّٰهُمَّ فَكَما كانَ مِنْ شَأْنِكَ ما اَذِنْتَ لي بِهِ مِنْ مَسْأَلَتِكَ

وَرَحِمْتَني بِهِ مِنْ ذِكْرِكَ فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ سَيِّدي الْاِسْتِجابَةُ لي الاجابة ن

فيما دَعَوْتُكَ وَعَوائِدُ الْاِفْضالِ فيما رَجَوْتُكَ وَالنَّجاةُ مِمّا

فَزِعْتُ اِلَيْكَ فَاِنْ لَمْ اَكُنْ اَهْلاً اَنْ اَبْلُغَ رَحْمَتَكَ فَاِنَّ رَحْمَتَكَ

اَهْلٌ اَنْ تَبْلُغَني وَتَسَعَني وَاِنْ لا اَكُنْ لِلْاِجابَةِ اَهْلاً فَاَنْتَ

اَهْلُ الْفَضْلِ وَرَحْمَتُكَ وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَلْتَسَعْني رَحْمَتُكَ يا

اِلٰهي يا كَريمُ اَسْاَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَريمِ اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ

وَاَنْ تُفَرِّجَ هَمّي وَتَكْشِفَ كَرْبي وَغَمّي وَتَرْحَمَني بِرَحْمَتِكَ وَتَرْزُقَني

مِنْ فَضْلِكَ اِنَّكَ سَميعُ الدُّعاءِ قَريبٌ مُجيبٌ يا ارحم سیدبن [illegible]

کتاب اقبال گفته که محمد بن یعقوب

کلینی و علی بن عبد الواحد نهدی رحمه از حضرت سید الساجدین روایت نموده اند که آنحضرت این دعا را میخوانده و حضرت امام محمد باقر در هر روز از ماه مبارک رمضان این دعا را میخوانده اند سید گفته که در بعضی از روایات این دعا بعضی از الفاظ و فقرات زیاده و در بعضی کم است و ما ذکر نمودیم یکی از آن روایات را حیث کلام سید درین باب و تفصیل این مقام آنست که بعضی کلینی و سید بن طاوس این دعا را دیگران نیز نقل نموده اند مثل ابن بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه شیخ طوسی ره در کتاب مصباح و سید بن باقی ره در کتاب اختیار و کفعمی ره در جنة الامان و کلینی ... قبل از این دعا ذکر نموده و مع ذلک با روایت دیگران الموضع مخالفت و ابن بابویه اگر چه ... روایت نموده لیکن در هر چند موضع با روایت کلینی مخالفت است و روایت ابن باقی و کفعمی با روایت شیخ مطابق است چون اکثر ادعیه را از مصباح شیخ نقل نموده لیکن روایت ایشان با روایت سید نهایت مخالفت دارد و چون روایت شیخ بنظر سید نرسیده و مع ذلک از آن بود ...

آنحضرت ع

ذکر عدول نموده باین جهت ظاهر آنست که روایت سید اصح باشد اَللّٰهُمَّ هٰذا شَهرُ رَمَضانَ
هٰذا ما نجز در این کتاب روایت سید مذکور معیار بود آن است
وَهٰذا شَهرُ الصِّيامِ وَهٰذا شَهرُ القِيامِ وَهٰذا شَهرُ الإنابَةِ وَهٰذا
شَهرُ التَّوبَةِ وَهٰذا شَهرُ المَغفِرَةِ وَالرَّحمَةِ وَهٰذا شَهرُ العِتقِ مِنَ النّارِ
وَالفَوزِ بِالجَنَّةِ وَهٰذا شَهرٌ فيهِ لَيلَةُ القَدرِ الَّتي هِيَ خَيرٌ مِن اَلفِ شَهرٍ
اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَسَلِّمهُ لي وَتَسَلَّمهُ مِنّي وَاَعِنّي عَلَيهِ
بِاَفضَلِ عَونِكَ وَوَفِّقني فيهِ لِطاعَتِكَ وَفَرِّغني فيهِ لِعِبادَتِكَ وَ
دُعائِكَ وَتِلاوَةِ كِتابِكَ وَاَعظِم لي فيهِ البَرَكَةَ وَاَحرِز لي فيهِ التَّوبَةَ
وَاَحسِن لي فيهِ العافِيَةَ وَاَصِحَّ فيهِ بَدَني وَاَوسِع لي فيهِ رِزقي وَاكفِني
فيهِ ما اَهَمَّني وَاستَجِب فيهِ دُعائي وَبَلِّغني فيهِ رَجائي اَللّٰهُمَّ صَلِّ
عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَذهِب عَنّي فيهِ النُّعاسَ وَالكَسَلَ وَالسَّأمَةَ وَ
الفَترَةَ وَالقَسوَةَ وَالغَفلَةَ وَالغِرَّةَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ
جَنِّبني فيهِ العِلَلَ وَالأسقامَ وَالهُمومَ وَالأحزانَ وَالأعراضَ وَ
الأمراضَ وَالخَطايا وَالذُّنوبَ وَاصرِف عَنّي فيهِ السّوءَ وَالفَحشاءَ وَ
الجَهدَ وَالبَلاءَ وَالتَّعَبَ وَالعَناءَ اِنَّكَ سَميعُ الدُّعاءِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَعِذني فيهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ وَهَمزِهِ وَلَمزِهِ وَنَفثِهِ وَنَفخِهِ
عم وَوَسواسِهِ وَتَثبيطِهِ وَبَطشِهِ وَكَيدِهِ وَمَكرِهِ وَحِيَلِهِ وَخُدَعِ
وَاَمانِيِّهِ وَغُرورِهِ وَفِتنَتِهِ وَخَيلِهِ وَرَجِلِهِ وَاَعوانِهِ وَشِركِهِ
وَاَتباعِهِ وَاِخوانِهِ وَاَحزابِهِ وَاَشياعِهِ وَاَولِيائِهِ وَجَميعِ شُرَكائِهِ
وَكَيدِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارزُقني تَمامَ صِيامِهِ وَبُلوغَ
الأمَلِ فيهِ وَفي قِيامِهِ وَاستِكمالَ ما يُرضيكَ عَنّي صَبراً وَاِيماناً
وَيَقيناً وَاحتِساباً ثُمَّ تَقَبَّل ذٰلِكَ مِنّي بِالأضعافِ الكَثيرَةِ وَالأجرِ
العَظيمِ آمينَ رَبَّ العالَمينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارزُقنا فيهِ
الحَجَّ وَالعُمرَةَ وَالاِجتِهادَ وَالقُوَّةَ وَالنَّشاطَ وَالإنابَةَ وَالتَّوفيقَ
وَالقُربَةَ وَالخَيرَ المَقبولَ وَالرَّغبَةَ وَالرَّهبَةَ وَالتَّضَرُّعَ وَالخُشوعَ وَ
الرِّقَّةَ وَالنِّيَّةَ الصّادِقَةَ وَصِدقَ اللِّسانِ وَالوَجَلَ مِنكَ وَالرَّجاءَ
لَكَ وَالتَّوَكُّلَ عَلَيكَ وَالثِّقَةَ بِكَ وَالوَرَعَ عَن مَحارِمِكَ مَعَ صالِحِ
القَولِ وَمَقبولِ السَّعيِ وَمَرفوعِ العَمَلِ وَمُستَجابِ الدُّعاءِ وَلا تَحُل بَيني
وَبَينَ شَيءٍ مِن ذٰلِكَ بِمَرَضٍ وَلا هَمٍّ وَلا سُقمٍ وَلا غَفلَةٍ وَلا نِسيانٍ بَل

بالتعاهد والتحفظ فيك ولك والرعاية لحقك والوفاء بعهدك و
وعدك برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد وآل محمد
واقسم لي فيه افضل ما تقسمه لعبادك الصالحين واعطني فيه
افضل ما تعطي اولياءك المقربين من الرحمة والمغفرة والتحنن
والاجابة والعفو والمغفرة الدائمة والعافية والمعافاة والعتق
من النار والفوز بالجنة وخير الدنيا والآخرة اللهم صل على محمد
وآله واجعل دعائي فيه اليك واصلا ورحمتك وخيرك الي فيه
نازلا وعملي فيه مقبولا وسعيي فيه مشكورا وذنبي فيه مغفورا
حتى يكون نصيبي فيه الاكثر وحظي فيه الاوفر اللهم صل على
محمد وآله ووفقني فيه لليلة القدر على افضل حال تحب ان يكون
عليها احد من اوليائك وارضاها لك ثم اجعلها لي خيرا من الف شهر
وارزقني فيه افضل ما رزقت احدا ممن بلغته اياها واكرمته
بها واجعلني فيها من عتقائك وطلقائك من النار وسعداء خلقك
بمغفرتك ورضوانك يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد وآله و

ارزقنا

ارزقنا في شهرنا هذا الجد والاجتهاد والقوة والنشاط وما تحب و
ترضى اللهم رب الفجر والليالي العشر والشفع والوتر ورب شهر رمضان
وما انزلت فيه من القرآن ورب جبرئيل وميكائيل واسرافيل وجميع
الملائكة المقربين ورب ابرهيم واسمعيل واسحق ويعقوب و
رب موسى وعيسى وجميع النبيين والمرسلين ورب محمد خاتم النبيين
صلواتك عليه وعليهم اجمعين واسألك بحقك عليهم وبحقهم
عليك وبحقك العظيم لما صليت عليه وعليهم اجمعين ونظرت
الي نظرة رحيمة ترضى بها عني رضا لا تسخط علي بعده ابدا واعطيتني
جميع سؤلي ورغبتي وامنيتي وارادتي وصرفت عني ما اكره واحذر
واخاف على نفسي وما لا اخاف وعن اهلي ومالي واخواني وذريتي
اللهم اليك فررنا من ذنوبنا فصل على محمد وآل محمد وآونا
تائبين وتب علينا مستغفرين وصل على محمد وآل محمد واغفر لنا
متعوذين وصل على محمد وآل محمد واعذنا مستجيرين وصل على محمد
وآل محمد واجرنا مستسلمين وصل على محمد وآل محمد ولا تخذلنا راهبين

سقلبين

وصل على محمد وآل محمد وامنا راغبين وصل على محمد وآل محمد
وشفعنا سائلين وصل على محمد وآل محمد واعطنا انك سميع
قريب اللهم انت ربي وانا عبدك واحق من سأل العبد ربه و
لم يسأل العباد مثلك كرما وجودا يا موضع شكوى السائلين
ويا منتهى حاجة الراغبين ويا غياث المستغيثين ويا مجيب دعوة
المضطرين ويا كاشف كرب المكروبين ويا كاشف الكرب
العظيم يا الله يا رحمن يا رحيم يا ارحم الراحمين ويا الله المكنون
من كل عين المرتدي بالكبرياء صل على محمد وآل محمد واغفر
لي ذنوبي وعيوبي واسائتي وظلمي وجرمي واسرافي على نفسي و
ارزقني من فضلك ورحمتك فانه لا يملكهما واعف عني واغفر
لي كلما قد سلف من ذنوبي واعصمني فيما بقي من عمري واستر
علي وعلى والدي وولدي وقراباتي واهل حزانتي ومن كان
مني بسبيل من المؤمنين والمؤمنات في الدنيا والآخرة في الد
والآخرة فان جميع ذلك كله بيدك وانت واسع المغفرة

فلا

فلا تخيبني يا سيدي ولا ترد دعائي ولا ترد يدي الى نحري حتى تفعل
ذلك بي وتستجيب لي جميع ما سألتك وتزيدني من فضلك انك
على كل شيء قدير ونحن اليك راغبون اللهم لك الاسماء الحسنى
والامثال العليا والكبرياء والآلاء اسألك باسمك بسم الله
الرحمن الرحيم ان كنت قضيت في هذه الليلة تنزل الملائكة والروح
فيها فاسألك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل اسمي في السعداء
وروحي مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي مغفورة وان
تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا لا يشوبه شك ورضا بما قسمت لي
وآتني في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقني عذاب النار وان
لم تكن قضيت في هذه الليلة تنزل الملائكة والروح فيها فصل على
محمد وآل محمد واخرني الى ذلك وارزقني فيها ذكرك وشكرك وطاعتك
وحسن عبادتك وصل على محمد وآل محمد بافضل صلواتك يا
ارحم الراحمين يا احد يا صمد يا رب محمد وآل محمد اغضب اليوم لمحمد
ولابرار عترته واقتل اعداءهم بددا واحصهم عددا ولا تدع على

الارض منهم احدا ولا تغفر لهم ابدا يا حسن الصحبة يا خليفة النبيين
انت ارحم الراحمين البدئ البديع الذي ليس كمثلك شيء
ولا قبلك شيء والدائم غير الغافل والحي الذي لا يموت وانت كل
يوم في شان انت خليفة محمد وناصر محمد ومفضل محمد اسالك
ان تصلي على محمد وال محمد وان تنصر خليفة محمد والقائم
بالقسط من اوصياء محمد عليهم السلم اعطف عليهم نصرك يا
لا اله الا انت بحق لا اله الا انت واجعلني معهم وجيها في الدنيا
والاخرة واجعل عاقبة امري الى غفرانك ورحمتك يا ارحم
الراحمين وكذلك تنسب يا سيدي باللطيف بلى انك لطيف باللطف
فصل على محمد واله والطف لي انك لطيف لما تشاء اللهم
صل على محمد واله وارزقني الحج والعمرة في عامي هذا وتطول
علي بقضاء حوائجي للاخرة والدنيا استغفر الله ربي واتوب
اليه ان ربي رحيم ودود استغفر الله ربي واتوب اليه ان
ربي قريب مجيب استغفر الله ربي واتوب اليه انه كان غفارا

رب

رب اغفر لي وارحمني وانت ارحم الراحمين رب اني عملت سوءا و
ظلمت نفسي فصل على محمد وال محمد واغفر لي انه لا يغفر الذنوب واله
الا انت استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم واتوب
اليه واستغفار اخر استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي
سه نوبت ميكويى
القيوم العظيم الغافر للذنب العظيم واتوب اليه وايضا استغفار
نيز سه نوبت ميكويى
استغفر الله ان الله كان غفورا رحيما اللهم صل على محمد وال
محمد واجعل فيما تقضي وتقدر في الامر الحكيم في ليلة القدر
من القضاء الذي لا يرد ولا يبدل ان تصلي على محمد وال محمد
وان تكتبني من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم المشكور سعيهم
المغفور ذنوبهم المكفر عنهم سيئاتهم ان تجعل فيما تقضي و
تقدر ان تصلي على محمد وال محمد وان تطيل عمري وتوسع رزقي
وتؤدي عني امانتي وديني امين يا رب العالمين اللهم اجعل لي
في امري فرجا ومخرجا وارزقني من حيث احتسب ومن حيث لا احتسب
واحرسني من حيث احترس ومن حيث لا احترس اللهم صل على محمد و

الی محمد وسلم تسلیما کثیرا مؤلف گوید که سید بن باقی رحمه در کتاب اختیار
و کفعمی در کتاب جنة الامان بعد از آنکه این دعا
را ذکر کرده اند یا ذا الذی کان قبل کل شیء و خلق کل شیء ثم یبقی
گفته اند و یبقی
ویفنی کل شیء یا ذا الذی لیس فی السموات العلی ولا فی الارضین
السفلی ولا فوقهن ولا بینهن ولا تحتهن اله یعبد غیره لک الحمد
حمدا لا یقوی علی احصائها الا انت صل علی محمد وآل محمد صلوة
لا یقوی علی احصائها الا انت ومعلوم نیست که این تتمه از بعضی از روایات
تتمه این دعا یافته اند یا دعای علیحده است که در هر
روز باید خوانده شود والله تعالی یعلم وهو الموفق باب سیزدهم در بیان احکام
متعلقه بافطار والوان نعمتهای آن به بسط چهار سفره می شود سفره اول در بیان
وقت افطار بدانکه پیشتر این جزئیه مذکور شد که وقت افطار مغرب است و دخول مغرب
بنابر اقوی پنهان شدن قرص آفتاب است و بنابر مشهور زوال حمره از طرف مشرق و ظهور آن
در سمت مغرب واحوط رعایت قول مشهور است و بهتر آنست که نماز را مقدم دارد مگر در دو
صورت اول اگر کسی انتظار او را کشد چنانچه کلینی و ابن بابویه و شیخ طوسی قدس الله
اسرارهم بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق عم روایت کرده اند که شخصی از آن حضرت از وقت
افطار پرسید که پیش از نماز است یا بعد از آن فرمود که اگر جمعی انتظار او برند و ترسد که مانع
افطار ایشان شود با ایشان افطار کند واگر نه اول نماز کند و بعد از آن افطار کند و شیخ
طوسی بسند خود از حضرت امام محمد باقر عم روایت کرده است که اول نماز کن و بعد از آن افطار کن
واگر با جمعی از اهل افطار داشته باشی مخالفت ایشان مکن و اول افطار کن و آخر نماز کن و الا
ابتدا بنماز کن راوی گفت که از سبب این پرسیدم فرمود برای آنکه دو واجب در یک وقت جمع شده
پس ابتدا کن بآنچه که افضل است ابتدا کن بنماز که اگر نماز کنی و بحال روزه باشی ثواب آن برای تو
نوشته شود و عمل تو بروزه ختم شود نزد من بهتر است دوم اگر گرسنگی یا تشنگی بر او غالب شده
باشد و مانع حضور قلب او در نماز باشد چنانچه شیخ طوسی بسند معتبر و سید بن طاوس ره
از حضرت صادق عم روایت کرده اند که مستحب است برای صائم که اول نماز کند اگر قدرت بر آن داشته

باشد و شیخ مفید ره در کتاب مقنعه ذکر نموده که بعضی از روایات وارد شده است که اگر متمکن از نماز
باشی و توانی که نماز را با حدود آن از روی حضور قلب ادا نمائی نماز را بر افطار مقدم دار واگر نفس
تو معارضه کند و خواهش با افطار مانع حضور قلب تو گردد اول افطار کن مؤلف گوید که شیخ
مفید بعد از ذکر این حدیث گفته که مقدم داشتن افطار بر نماز در این صورت مشروط است بآنکه افطار
طول نکشد که وقت نماز بگذرد و پوشیده نماند که در صورت اولی هرگاه موافقت رفقا با کردن نماز
در وقت فضیلت جمع شود بهتر آنست که تعجیل در نماز کند واگر در هر دو صورت بدون انقضای وقت
فضیلت میسر نشود افضل تاخیر نماز است از وقت فضیلت و بدانکه مراد از نماز نماز مغرب است
و تقدیم نماز عشا ضرور نیست زیرا که وقت آن وسیع است و نوافل مغرب را نیز اگر با حضور قلب
تواند کرد و انتظار رفقا مانع نباشد نیز مقدم میدارد و الا بعد از افطار اگر وقت باقی است میکند
و الا قضا میکند والله تعالی یعلم سفره دوم در بیان چیزی که افطار بآن کنند بدانکه در افطار
خرما — ابتدا نمودن بچند چیز فضیلت دارد اول خرما چنانچه سید بن طاوس ره در کتاب اقبال از حضرت
رسول خدا صلعم روایت کرده است که هر که بر خرمای حلالی افطار کند ثواب نمازش چهار صد برابر
مضاعف شود و کلینی ره و دیگران بسندهای بسیار از حضرت امام جعفر صادق عم روایت
کرده اند که رسول خدا صلعم در فصل رطب بر رطب و در فصل خرما بخرما افطار میفرمود و احادیث
حلوا — دیگر نیز در باب فضیلت افطار بخرما وارد شده و بعد از این مذکور میشود انشاء الله تعالی دوم
حلوا و مراد از حلوا چیزیست که با شیرینی پخته شده باشد شیخ مفید ره در کتاب مقنعه از حضرت
صادق عم روایت نموده است که آدمی چون روزه میدارد چشمهایش از جای خود حرکت میکند و چون
افطار میکند بحلوا بجای خود عود میکند و بعضی از دعاها بعد از این مذکور میشود انشاء الله
سیم مویز چنانچه شیخ طوسی ره از جابر انصاری روایت کرده است که گفت از حضرت امام
شکر — محمد باقر عم شنیدم که رسول خدا صلعم افطار میفرمود بسه چیز که آن خرما و مویز و آب است چهارم
شکر چنانچه شیخ طبرسی ره در کتاب مکارم الاخلاق گفته است که در حدیث وارد شده است که رسول
شیر — خدا صلعم بخرما افطار میفرمود و اگر شکر یافت میشد بر او نیز افطار میفرمود و بعضی از احادیث دیگر
بعد از این مذکور میشود انشاء الله تعالی پنجم شیر چنانچه شیخ طوسی و دیگران بسندهای بسیار
آب نیم گرم — از حضرت صادق عم از پدران بزرگوارش صلوات الله علیهم اجمعین روایت کرده اند که حضرت
امیرالمؤمنین عم را خوش میآمد و سنت بوده افطار فرمودن بشیر ششم آب نیم گرم چنانچه
ابن بابویه ره در کتاب ثواب الاعمال بسند خود از حضرت صادق عم روایت کرده است که رسول خدا
صلعم در وقت افطار ابتدا بحلوا میفرمود اگر آنرا نمی یافت بشکر یا خرما ابتدا میفرمود و اگر هیچیک
نمی یافت به آب نیم گرم افطار میکرد و میفرمود که آب نیم گرم پاک میکند معده و جگر را و دهان را

خوشبو و دندانها را محکم میکند و قوت میدهد و حدت نظر را و بینائی را زیاد میکند و گناهان را زایل میگرداند
و عروق را ساکن میگرداند و صفرای غالب را فرو مینشاند و قطع میکند بلغم را و اطفای حرارت معده
میکند و صداع را برطرف میکند و ایضا سندهای بسیار از آنحضرت منقولست که افطار کردن با آب
گناهان را زایل میشوید و شیخ مفید رحمه در کتاب مقنعه از حضرت امام محمد باقر عم روایت کرده است
که آنحضرت تحضیض فرموده که تعجیل افطار کن و اگر آنرا نیابی بآب که آب پاک کننده است و از حضرت صادق — باب افطار کردن
عم روایت کرده است که اگر مردم سحور بخورند و بعضی آب بجوشی افطار نکنند تمام عمر را روزه
میتوانستند داشت و ابن طاوس ره در کتاب اقبال از جابر انصاری روایت کرده است که حضرت
امام محمد باقر عم فرمود که رسول خدا صلعم بر رطب و سیاه افطار میفرمود راوی گوید که پرسیدم که دو سیاه
کدام است فرمود که خرما و آب و رطب و آب است هفتم آب سرد چنانچه شیخ مفید ره در کتاب — آب سرد
مقنعه ذکر نموده که در روایتی وارد شده است که در افطار نمودن با آب سرد فضیلت بسیاری هست
زیرا که صفرا را ساکن میگرداند هشتم قاووت چنانچه از حضرت صادق عم منقولست که
فرمود روزی قنبر غلام حضرت امیرالمؤمنین عم برای افطار آنحضرت انبان سربسته آورده که در میان — قاووت
آن قاووت بود پس مهر و عرض نمود که یا امیرالمؤمنین این بخل است که طعام خود مهر میزنی حضرت تبسم
فرمود و گفت دوست نمیدارم که در شکم من داخل شود طعامی که ندانم از کجا بهم رسیده است مؤلف
گوید که از روایات مذکوره ظاهر میشود که افطار نمودن بخرما و حلوا افضل از سایر چیزها است و تفضیل
خرما بر حلوا یا حلوا بر خرما محل اشکال است چه بعضی از روایات بر اول و بعضی بر ثانی دلالت دارد
چنانچه بر متامل پوشیده نیست و همچنین ظاهر میشود که افطار نمودن بشیرینی مطلقا افضل است از غیر آن
و بعد از آن آب نیم گرم و شیر شاید که آب نیم گرم افضل از شیر باشد و بعد از آن آب سرد و قاووت محتمل
است که اختلاف روایات باعتبار اختلاف احوال امزجه بوده باشد چه هرگاه صفرا مستولی بر مزاج
غالب بوده باشد افطار بآب گرم اولی باشد و اگر صفرای غالب نباشد افطار بشیرینی افضل باشد
آنکه صفرا وی مزاج نیز در اول افطار بشیرینی قلیلی که ضرری بر آن مترتب نشود ابتدا نماید و بعد از
آن آب گرم را بیاشامد شاید بهتر باشد و الله تعالی یعلم تتمه ... وقت افطار
ثواب عظیم دارد چنانچه از حضرت امام رضا عم منقولست که هر که در وقت افطار ... کرده ...
کند ... حق تعالی گناهان او را بیامرزد و ثواب یکصد بنده آزاد کردن از فرزندان اسمعیل در نامه
عمل او نوشته شود و از حضرت امام زین العابدین منقولست که روزی که آنحضرت روزه میداشت
مقرر میفرمود که گوسفندی را در دیگها بپزند و چون شام میشد روزه مبارک را بر آن دیگها میگذاشت
و از بوی آن قوت می یافت پس کاسه ها و نانها می طلبید و میفرمود که بکشید برای آل فلان و آل فلان
دیگر تا فقرا و همسایگان تمام میشد و خود نان و خرما می طلبید و بآن افطار میفرمود و با آنکه

... ثواب افطار فرمودن مؤمنین احادیث بسیار وارد شده است و در مقصد چهارم از این باب انشاء الله تعالی
مذکور خواهد شد مقصد سیم در بیان ادعیه افطار و آنها چند دعاست اول سید ابن
طاوس ره در کتاب اقبال الاعمال از حضرت صادق عم روایت کرده است که رسول خدا صلعم بحضرت امیر
المؤمنین عم فرمود که ای ابا الحسن اینک ماه مبارک رمضان رو کرده است پس پیش از افطار این دعا را
بخوان که جبرئیل ... بمن نازل شد و گفت ای محمد هر که در ماه مبارک رمضان پیش از آنکه افطار
کند این دعا را بخواند حق تعالی دعای او را مستجاب کند و روزه و نماز او را قبول کند و ده دعای
او را بمرتبه اجابت مقرون سازد و گناه او را بیامرزد و اندوه او را برطرف ... و حوائج
او را بر آورد و او را عطا فرماید ... و عمل او را با اعمال پیغمبران و صدیقان بالا برد و در روز قیامت
... روی او نورانی تر از ماه شب چهارده بوده باشد اللّهمّ ربّ النّور العظیم و
پس از جبرئیل ... پرسیدم که آن دعا کدام است فرمود که بگو
ربّ الکرسیّ الرّفیع وربّ البحر المسجور وربّ الشّفع الکبیر والنّور
العزیز وربّ التّوراة والانجیل والزّبور والفرقان العظیم انت اله
من فی السّموات ومن فی الارض لا اله فیهما غیرک وانت جبّار من
فی السّموات وجبّار من فی الارض لا جبّار فیهما غیرک وانت ملک
من فی السّموات وملک من فی الارض لا ملک فیهما غیرک اسئلک باسمک
الکبیر ونور وجهک المنیر وبملکک القدیم یا حیّ یا قیّوم یا حیّ یا قیّوم
یا حیّ یا قیّوم اسئلک باسمک الّذی اشرق به کلّ شیء وباسمک الّذی اشرقت
به السّموات والارض وباسمک الّذی صلح به الاوّلون وبه یصلح الآخرون
یا حیّ قبل کلّ حیّ ویا حیّ بعد کلّ حیّ یا حیّ لا اله الّا انت صلّ

حیّا

على محمد وآل محمد واغفر لي ذنوبي واجعل لي من امري يسرا وفرجا قريبا وثبتني
على دين محمد وآل محمد وعلى هدى محمد وآل محمد وعلى سنة محمد وآل
محمد عليه وعليهم السلام واجعل عملي في المرفوع المتقبل وهب
لي كما وهبت لاوليائك واهل طاعتك فاني مؤمن بك ومتوكل
عليك منيب اليك مع مصيري اليك وتجمع لي ولاهلي وولدي — والدي
الخير كله انت الحنان المنان بديع السموات والارض تعطي الخير
من تشاء وتصرفه عمن تشاء فامنن علي برحمتك يا ارحم الراحمين

دوم ایضا است در کتاب مذکور از حضرت امام زین العابدین ع روایت کرده است که هر که
سورهٔ انا انزلناه را نزد افطار و نزد سحور بخواند از برای او ما بین شام و سحور ثواب باشد مانند
ثواب کسی که در خون خود غلطیده باشد در راه خدا سیم ایضا است در کتاب مذکور که گفته
که در بعضی از کتب اصحاب ما یافتیم این حدیث را که از حضرت رسالت ص منقولست که هیچ بنده
نیست که روزه بدارد و در نزد افطار این دعا را بخواند مگر آنکه بیرون آید از گناهان مانند
روزی که از مادر متولد شده باشد و دعا اینست یا عظیم یا عظیم انت الهی لا اله غیرک اغفر لی — انت الذی لا اله غیرک
الذنب العظیم انه لا یغفر الذنب العظیم الا العظیم چهارم ایضا است
در کتاب مذکور از حضرت صادق ع از پدران بزرگوارش علیهم السلام روایت نموده است
که رسول خدا ص در هنگام افطار این دعا را میخواند اللهم لک صمنا وعلی رزقک افطرنا فتقبله منا
ذهب الظمأ وابتلت العروق وبقی الاجر پنجم ایضا است در کتاب مذکور
از آنحضرت روایت کرده است

که رسول خدا ص با ابو بصیر فرمود که هر روزی از ماه مبارک رمضان را که روزه داری نزد افطار این دعا را بخوان
الحمد لله الذي اعاننا فصمنا ورزقنا فافطرنا اللهم فتقبله منا واعنا
عليه وسلمنا فيه وتسلمه منا في يسر منك وعافية الحمد لله الذي
قضى عنا يوما من شهر رمضان ششم ایضا است در کتاب مذکور از حضرت امام موسی کاظم
صلوات الله علیهم روایت کرده است که چون روزه با شب و شام
شود بگو اللهم لک صمت وعلی رزقک افطرت وعلیک توکلت که ثوابش
افطار بکن می شود
برای تو ثواب هر که این روز را روزه داشته باشد هفتم ایضا است در کتاب مذکور از حضرت امام
محمد باقر ع روایت کرده است که حضرت امیر المؤمنین ع هر گاه خوان طعام را نزد آنحضرت میگذاشتند و روزه
میداشت این دعا را میخواند
اللهم لک صمنا وعلی رزقک افطرنا فتقبله منا انک انت السمیع العلیم

هشتم ایضا است در کتاب مذکور از حضرت امام محمد باقر ع از پدر بزرگوارش از جد عالی
مقدارش از حضرت امام حسن صلوات الله علیهم اجمعین روایت کرده است که از برای هر صائمی نزد
افطار دعائی هست پس چون بسم الله یا واسع المغفرة اغفر لی
لقمهٔ اول ... دیگر چنین وارد شده
بسم الله الرحمن الرحیم یا واسع المغفرة اغفر لی ...
نهم ایضا است در کتاب مذکور از حضرت رسالت ص روایت نموده است که آنحضرت هر گاه
... این دعا را اللهم لک الحمد اطعمت وسقیت وارویت فلک الحمد
غیر مکفور ولا مودع ولا مستغنی عنک دهم ایضا است در کتاب مذکور از یکی
ائمه علیهم السلام روایت کرده است که ... از
طعام این دعا الحمد لله الذی اطعمنی فاشبعنی واسقانی فاروانی وصانی وحمانی
الحمد لله الذی عرفنی البرکة والیمن مما اصبته وترکته منه اللهم اجعله
هنیئا مریئا لا وبیا ولا دویا وابقنی بعده سویا قائما بشکرک محافظا علی

طَاعَتِكَ وَارْزُقْنِي رِزْقاً دَارّاً وَأَحْيِنِي عَيْشاً قَارّاً وَاجْعَلْنِي بَارّاً وَاجْعَلْ مَا تَلَقَّانِي

فِي الْمَعَادِ مُبْهِجاً سَارّاً بِرَحْمَتِكَ مؤلف گوید که در دو روایت آخر اگر چه عطای اکل آورده [و] خصوص افطار مذکور نیست لیکن از ظاهر عبارت دعا اختصاص

آن با فطار ظاهر میشود و با آنکه سید در کتاب مذکور گفته که لفظ دعای چهارم و پنجم و ششم و هفتم اقتضا

میکند که آنها بعد از افطار خوانده شود و گویا از لفظ لک صمنا و امثال آن از الفاظی که بصیغهٔ ماضی در این

چهار دعا وارد شده و دلالت بر انقضای روزه و افطار و اکل و شرب میکند این معنی را استنباط نموده

و بنا بر این حقیر نگاشته است که این ادعیه نیز قبل از افطار باید خوانده شود و الفاظ مذکوره دلالت

بر تأخر آنها از وقت افطار نمیکند چه لفظ صمنا و امثال آن بر انقضاء زمان صوم دلالت

میکند نه انقضاء افطار و لفظ افطرنا و امثال آن محمول بر مجاز مشارفه است و چون وقت افطار

بسیار نزدیک شده است فرموده است که بر روزی تو افطار نمودیم و تشنگی رفت و رگها تر شده

اجرها ثابت ماند و باقی فقرات دال بر تحقق افطار هم بر این معنی محمول است و حکم چنین باشد

و حال آنکه در روایت اول این چهار دعا فرموده که چون حضرت رسول صلعم افطار میفرمود این دعا

را میخواندند و در روایت دویم و سیم فرموده که در نزد افطار این دعا را بخوان و این عبارت ظاهر

در آنست که این ادعیه قبل از افطار متصل با فطار خوانده شود و در روایت آخر در این معنی ظاهر

تر است چه در آن مذکور است که چون خوان طعام را میگذاشتند حضرت بدو زانو می‌نشستند

و این دعا را میخواندند و این معنی مقتضی آنست که آنحضرت قبل از افطار متصل به آن این دعا را میخواندند

است و مؤید اینست آنکه در روایت آخر را شیخ طوسی بسند خود از حضرت صادق از پدر بزرگوار آنحضرت

علیهما السلم روایت کرده است که قنبر آزاد کردهٔ حضرت امیر المؤمنین عم اسبابی که رفاه و تنعم را آن بود

برای افطار آنحضرت آورد پس چون حضرت اراده فرمود که از آن تناول نماید این دعا را خواند و دعای

آخر را ذکر نموده و بر خبیر بصیر پوشیده نیست که لفظ این روایت صریح است در آنکه این دعا باید قبل از افطار

متصل به آن خوانده شود و تحقیق این مقام آنست که الفاظ روایات ادعیهٔ افطار مختلف است در بعضی

صریحا مذکور است که قبل از افطار خوانده شود مانند دعای اول از ادعیهٔ افطار پس آن باید که البته

قبل از نماز ادعیه خوانده شود و اگر قدری فاصله واقع شود ضرر ندارد و در بعضی وارد شده که در نزد

افطار یا وقت افطار خوانده شود مانند این چهار دعا و دو دعای قبل از آنها و این قسم باید متصل با فطار

قبل از آن خوانده شود و فاصلهٔ معتد به واقع نشود لیکن اگر دعای دیگر بعد از آن خوانده شود مخصوصا

هرگاه کوچک باشد ضرر ندارد و در دعای هشتم وارد شده که چون لقمهٔ اول را خواهی تناول نمائی این

دعا را بخوان پس باید این دعا بعد از همهٔ ادعیه خوانده شود و فاصله اصلا واقع نشود و اما دعای نهم

پس بعد از خوردن لقمه دعای آخر بعد از فراغ از مجموع طعام باید خوانده شود چنانچه در

روایت آنها صریحا مذکور است و ان شاء الله تعالی بعلم تتمیم بدانکه آداب وادعیه بسیار

برای مطلق چیزی خوردن در روایات و اخبار وارد شده است چنانچه اکثر آنها در کتاب

حلیة المتقین تألیف جد علامه ام مولانا محمد باقر مجلسی قدس الله روحه مذکور است و

سید بن طاوس ره در این موضع از کتاب اقبال نیز بعضی از آنها را ذکر نموده و آنها اگر چه

مخصوص افطار نیست لیکن ماه مبارک رمضان چون بمزید فضیلت ممتاز است و مراعات

آداب حسنه و اعمال مستحسنه در آن ثوابش زیاده از سایر ماههاست و ما نیز در این مقام

آنچه را سید ذکر نموده ذکر مینمائیم سید بسند خود از حضرت امام حسن مجتبی عم روایت

کرده است که در مائده دوازده خصلت است که بر هر مسلمانی واجب است که آنها را بداند

چهار از آنها واجب است و چهار سنت و چهار تأدیب اما آن چهار واجب پس دانستن آنکه

این طعام از نعم حلال است و راضی بودن بقسمت حق تعالی و گفتن بسم الله و شکر حق تعالی

بر آنست و آن چهار سنت وضو ساختن قبل از اکل و نشستن بر جانب چپ و چیزی خوردن

به سه انگشت و پاک کردن انگشتان بدهان است و اما چهار تأدیب پس چیزی خوردن از پیش

خود و کوچک بر داشتن لقمه و نیکو خاییدن آن و کم نظر کردن بروی اهل مجلس است و ایضا

بسند خود از یکی از ائمه علیهم السلم روایت کرده است که در نزد تناول طعام این دعا بخوان

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ وَيُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ وَيَسْتَغْنِي وَ

يُفْتَقَرُ إِلَيْهِ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ مَا رَزَقْتَنِي مِنَ الطَّعَامِ وَالْإِدَامِ فِي

طعام و ادام در

يُسْرٍ وَعَافِيَةٍ مِنْ غَيْرِ كَدٍّ مِنِّي وَمَشَقَّةٍ بِسْمِ اللَّهِ خَيْرِ الْأَسْمَاءِ

بِسْمِ اللَّهِ رَبِّ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ

شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ اللَّهُمَّ أَسْعِدْنِي مِنْ

مَطْعَمِي هَذَا بِخَيْرِهِ وَأَعِذْنِي مِنْ شَرِّهِ وَأَمْتِعْنِي بِنَفْعِهِ وَسَلِّمْنِي مِنْ ضَرِّهِ

و بدانکه سید برای تناول نمودن طعام دعائی دیگر تألیف نموده و در کتاب اقبال ذکر کرده است

و چون ادعیه منقوله درین باب بسیار است نا آنرا مذکور نساختیم فصل چهارم در بیان
ثواب افطار فرمودن روزه داران کلینی و ابن بابویه و شیخ طوسی قدس الله ارواحهم و دیگران
بسندهای بسیار روایت کرده اند که رسول خدا صلعم فرمود که هر که افطار فرماید در ماه مبارک
رمضان مؤمن روزه داری را برای او نزد حق تعالی باشد ثواب آزاد کردن بنده و آمرزش گناهان
گذشته او پس شخصی عرض نمود که یا رسول الله همه ما بر آن قادر نیستیم فرمود که حق تعالی کریم است
و این ثواب را عطا میفرماید بکسی که قادر نباشد مگر برچیزی اندک شیری که آن صایم را
افطار فرماید یا شربتی از آب شیرین یا چند دانه خرما که هرگاه قادر بر زیاده از آن نباشد و در
حدیث دیگر وارد شده که هر که در ماه مبارک رمضان خوراند روزه داری را تا سیر شود حق
تعالی از حوض کوثر شربت آبی باو بیاشاماند که بعد از آن تشنه نشود تا داخل بهشت شود و مانند
کسی باشد که بنده آزاد کرده باشد و کلینی و ابن بابویه و شیخ مفید و شیخ طوسی رضوان الله علیهم
و دیگران و ایضا از حضرت امام جعفر صادق از پدر بزرگوارش صلوات الله علیهما روایت کرده اند
که آنحضرت سدیر فرمود که آیا میدانی چه شبهاست این شبها گفت بلی فدای تو باد پدرم این شبهای ماه
مبارک رمضان است پس در آنها چه باید کرد فرمود که آیا میتوانی در هر شب از شبهای این ماه ده بنده
از فرزندان اسمعیل آزاد کنی گفت پدر و مادرم فدای تو باد مال من تاب آن وفا نمیکند پس آنحضرت
کم میفرمود تا بیک بنده رسید و در هر مرتبه سدیر میگفت که قادر نیستم پس حضرت فرمود که
آیا قادر نیستی که افطار فرمائی هر شب مرد مسلمانی را عرض نمود که بلی میتوانم و بر ده کس نیز قادرم
فرمود که من هم ترا بآن امر مینمودم ای سدیر افطار فرمودن تو برادر مسلم را برابری میکند با آزاد
کردن بنده از فرزندان اسمعیل عم و شیخ مفید و ابن بابویه رح از حضرت صادق عم روایت
نموده اند که ثواب افطار فرمودن برادر مؤمن و خوشحال ساختن او عظیم تر است از ثواب روزه
تو پس فرمود که حضرت امام محمد باقر عم میفرمود که هر بنده مؤمنی که افطار فرماید مؤمن دیگر را
در ماه مبارک رمضان حق تعالی بسبب این مینویسد برای او ثواب کسی را که سی بنده آزاد کرده
باشد و کسیکه در تمام این ماه هر شب مؤمنی را افطار فرماید مینویسد حق تعالی برای او ثواب
کسی را که سی بنده آزاد کرده باشد و باین سبب برای او نزد خدا دعای مستجاب باشد و کلینی و شیخ
طوسی رح و دیگران از حضرت امام موسی کاظم عم روایت کرده اند که افطار فرمودن برادر مؤمن
روزه دار افضل است از آنکه خود روزه بدارد و شیخ طوسی رح بسند خود از حضرت صادق عم روایت
کرده است که حضرت رسالت صلعم فرمود که هر که افطار فرماید روزه داری را برای او مانند ثواب
آن صایم باشد بی آنکه از ثواب او چیزی کم شود و ثواب اعمال خیری بسبب قوت آن طعام کند
برای او نیز باشد و ابن بابویه رح از حضرت امام محمد باقر عم روایت کرده است که افطار فرمودن

مرد مؤمنی را در خانه خود محبوبتر است بسوی من از آنکه آزاد کنم چنین و چنین بنده از فرزندان
اسمعیل و ایضا از حضرت صادق عم روایت کرده است که رسول خدا صلعم بحضرت امیرالمؤمنین
عم فرمود که یا علی برای مؤمن در دنیا سه فرح و شادی هست ملاقات نمودن برادران مؤمن
و افطار فرمودن روزه داران و مشغول تهجد بودن در آخر شب والله تعالی هو الموفق

باب چهاردهم در بیان اعمال شبها و روزهای این ماه است شب اول این شبی
در نهایت برکت و فضیلت است و در روایت معتبر وارد شده است که صحف ابرهیم عم در این شب نازل
شده و بهمان که در اوایل این شب شروع شد و قرآن مجید شود چنانچه در احکام تلاوت
قرآن مذکور شد و اعمال این شب چند چیز است اول مقاربت نمودن با زنان ابن بابویه
در کتاب من لا یحضره الفقیه از حضرت امیرالمؤمنین عم روایت کرده است که مستحب است برای مرد
که در شب اول ماه رمضان با اهل خود مقاربت نماید مؤلف گوید که سید نیز این روایت را
در اقبال نقل نموده و گفته است که حکمت درین باب ممکن است که این باشد که در اول ماه قوت
شهوانی منکسر شود و خلوص نیت کامل شود تا از روی فراغ بال متوجه طاعات و عبادات تواند
شد یا از برای آن باشد که در صدر اسلام مقاربت با زنان در روز و شب ماه رمضان نهی و حرام
بود و بعد از چند وقت که بدین منوال بود حق تعالی از روی لطف و مرحمت باین امت مقاربت در
شبها را با زنان حلال کرده است و حق تعالی دوست میدارد که بندگان مباحات و رخص را بجا آرند و تعجیل نمایند
در چیزهائی که حق تعالی رخصت در آنها داده چنانچه دوست میدارد عمل بعزایم و واجبات
لهذا در شب اول این معنی مستحب گردید تا از راه آنکه این شب چون شب شهوت است در مقاربت
با زنان از سنن رسول خدا صلعم است پس بهتر آنست که احیای سنت آنحضرت درین شب بعمل
واقع شود و مخفی نماند که وجه آخر بسیار بعید است و وجه اول انسب است و وجه وسط اقرب است
والله تعالی یعلم دوم غسل کردن چنانچه سید بن طاوس رح در کتاب اقبال از حضرت صادق عم
روایت کرده است که فرمود غسل مستحب است در شب اول و شب نیمه ماه رمضان و ایضا سید
در کتاب اقبال گفته که دیدم در کتابی که تصنیف جعفر بن احمد قمی رح است حدیثی منقول
از حضرت صادق عم که هر که غسل کند در شب اول ماه رمضان در نهر جاری و سه کف آب بر سر
بریزد پاک شود و ... باطنها مرض معنوی باشد تا ماه رمضان آینده و ایضا گفته که دیدم که
در کتاب ... از حضرت صادق عم که هر که خواهد از حکه و خارش بدن محفوظ باشد
در شب اول این ماه غسل کند تا آنکه تا ماه رمضان آینده ایمن گردد از آن و ایضا سید در کتاب
... نقل نموده که در حدیث وارد شده که در هر شب از شبهای طاق ماه رمضان غسل مستحب است
و در بعضی از آنها بخصوص نیز غسل وارد شده چنانچه در این شب مذکور شد و در موضع خود بیاید

مذکور میشود انشاء الله و در دهه آخر ماه در شبهای جفت نیز غسل سنت اولی است و روایت آن در
حدیث دیگر مذکور است و در شبهای طاق این دهه نیز غسل سنت مؤکد است چنانچه والد علامه
طاب ثراه در ذیل حدیث اثنا عشر نقل نموده و در بعضی از آنها بخصوص تاکید واقع شده است و انشاء الله
اشاره بآن خواهد شد و حق علامه امام قدس الله روحه در زاد المعاد ذکر نموده که در روایتی
وارد شده که در جمیع ایام ماه در هر شب غسل مستحب است مؤلف گوید که سید در کتاب مذکور گفته
است که وقت این غسل اول شب است یا قبل از نماز مغرب چنانچه در روایت دیگر وارد شده یا
یا میان نماز مغرب و عشا چنانچه در روایت دیگر وارد شده و کافی است این غسل برای تمام شب
و شیخ مفید ره در کتاب مسار الشیعه گفته است که بعد از غروب آفتاب و نزدیک بان این غسل
کرده شود سیم شیخ شهید ره در کتاب ذکری از رسول خدا صلعم روایت کرده است که هر که
در این شب چهار رکعت نماز کند هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی حمد یکمرتبه و سوره قل هو الله
احد پانزده نوبت حق تعالی ثواب صدیقان و شهیدان را باو عطا فرماید و گناهان او را بیامرزد
و در روز قیامت از فائزان شود مؤلف گوید که این حدیث حدیث طولانی است مشتمل بر بسی نماز
برای هر شبی نمازی و کفعمی در جنة الامان نیز تمام این حدیث را نقل نموده و در بعضی از مواضع
سهو نقل نموده است و ما اشاره بمواضع سهو او مینمائیم ان شاء الله در این موضع کفعمی سوره قل
هو الله احد را بیست و پنج نوبت نقل نموده و این سهو است چنانچه از رجوع بکتاب ذکری ظاهر میشود
و از غرایب آنست که در حواشی جنة الامان از رسول خدا صلعم روایت نموده که هر که در شب اول ماه
رمضان چهار رکعت نماز کند هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی حمد یکمرتبه و سوره قل هو الله احد
پانزده نوبت ثواب آنرا احصا نکند مگر حق تعالی و مخفی نماناد که این همان نماز است که در ذکری مذکور
است و لیکن کفعمی چون سوره توحید را بیست و پنج نوبت یافته این نماز را مغایر آن نماز دانسته
ثانیا نقل نموده است چهارم سید بن طاوس ره در کتاب اقبال بسند خود از امام زاده عبد العظیم
روایت کرده است که گفت در شبی که هلال ماه مبارک رمضان را دیدیم با حضرت امام محمد تقی ع
نماز کردیم و چون آنحضرت از نماز فارغ شد و نیت روزه کرده دستهای مبارک را بلند کرد و این دعا را خواند
اللهم یا من یملک التدبیر و هو علی کل شیء قدیر یا من یعلم
خائنة الاعین و ما تخفی الصدور و تجن الضمیر و هو اللطیف
الخبیر اللهم اجعلنا ممن نوی فعمل و لا تجعلنا ممن شقی فکسل

و لا ممن هو علی غیر عمل یتکل اللهم صحح ابداننا من العلل و اعنا
علی ما افترضت علینا من العمل حتی ینقضی عنا شهرک هذا و قد — و لا ممن هو علی غیره
ادینا [illegible] فیه و علینا اللهم اعنا علی صیامه و وفقنا
لقیامه [illegible] الصلوة و لا تحجبنا من القراءة و سهل لنا
ایتاء الزکوة اللهم لا تسلط علینا وصبا و لا تعبا و لا سقما
و لا عطبا اللهم ارزقنا الافطار من رزقک الحلال اللهم
سهل لنا ما قسمته من رزقک و یسر ما قدرته من امرک و
اجعله حلالا طیبا نقیا من الآثام خالصا من الآصار و الاجرام
اللهم لا تطعمنا الا طیبا غیر خبیث و لا حرام و اجعل
رزقک لنا حلالا لا یشوبه دنس و لا اسقام یا من علمه بالسر
کعلمه بالاعلان یا متفضلا علی عباده بالاحسان یا من هو علی کل
شیء قدیر و بکل شیء علیم خبیر الهمنا ذکرک و جنبنا عسرک — غیرک خ
و انلنا یسرک و اهدنا للرشاد و وفقنا للسداد و اعصمنا من
البلایا و صنا من الاوزار و الخطایا یا من لا یغفر عظیم الذنوب

غيره ولا يكشف السوء الا هو يا ارحم الراحمين واكرم الاكرمين

صل على محمد واهل بيته الطيبين واجعل صيامنا مقبولا و

بالبر والتقوى موصولا وكذلك فاجعل سعينا مشكورا وقيامنا

مبرورا وقراءتنا مرفوعا ودعاءنا مسموعا واهدنا للحسنى وجنبنا

العسرى ويسرنا لليسرى واعل لنا الدرجات وضاعف لنا الحسنات

واقبل منا الصوم والصلوة واسمع منا الدعوات واغفر لنا

الخطيئات وتجاوز عنا السيئات واجعلنا من العاملين الفائزين

ولا تجعلنا من المغضوب عليهم ولا الضالين حتى ينقضي شهر رمضان

عنا وقد قبلت فيه صيامنا وقيامنا وزكيت فيه اعمالنا

وغفرت فيه ذنوبنا واجزلت فيه من كل خير نصيبنا فانك الاله

المجيب والرب الرقيب وانت بكل شيء محيط مؤلف گوید که ظاهر آنست که

آنحضرت این دعا را بعد از

نماز شام در فاصله خوانده باشد یا بعد از تعقیبات و نوافل خوانده باشد و شاید احتمال

ثانی اظهر باشد بجهت شیخ طوسی و ابن طاوس طاب ثراهما در کتاب مصباح و اقبال از حضرت

امام جعفر صادق روایت کرده اند اللهم ان هذا الشهر المبارك الذي

که آنحضرت در شب اول ماه رمضان این دعا را میخواند

انزلت فيه القرآن وجعلته هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان

دعائی که در شب اول ماه رمضان ... میخواند

فقد حضر فسلمنا فيه وسلمه لنا وتسلمه منا في يسر منك وعافية يا وسلمنا له

من اخذ القليل وشكره وستر الكثير وغفره اغفر لي الكثير من

معصيتك واقبل مني اليسير من طاعتك اللهم اني اسئلك

ان تجعل لي الى كل خير سبيلا ومن كل ما لا تحب مانعا يا ارحم الراحمين

يا من عفى عني وعما خلوت به من السيئات يا من لا يؤاخذني

بارتكاب المعاصي عفوك عفوك عفوك يا كريم الهي وعظتني فلم اتعظ

وزجرتني عن المعاصي فلم انزجر فما عذري فاعف عني يا كريم عن محارمك

عفوك عفوك اللهم اني اسئلك الراحة عند الموت والعفو

عند الحساب عظم الذنب من عبدك فليحسن العفو من عندك

يا اهل التقوى ويا اهل المغفرة عفوك عفوك اللهم اني عبدك

وابن عبدك ابن امتك ضعيف فقير الى رحمتك وانت منزل

الغنى والبركة على العباد قاهر قادر مقتدر احصيت اعمالهم

وقسمت ارزاقهم وجعلتهم مختلفة السنتهم والوانهم خلقا من

بعد خلق لا يعلم العباد علمك ولا يقدر العباد قدرك وكلنا فقير

إلى رحمتك فلا تصرف عني وجهك واجعلني من صالح خلقك في العمل والأمل

والقضاء والقدر اللهم أبقني خير البقاء وأفنني خير الفناء على — الحي

موالاة أوليائك ومعاداة أعدائك والرغبة إليك والرهبة

منك والخشوع والوفاء والتسليم لك والتصديق بكتابك واتباع

سنة نبيك صلواتك عليه وآله اللهم ما كان في قلبي من شك أو — رسولك

ريبة أو جحود أو قنوط أو فرح أو مرح أو بذخ أو بطر أو فخر أو خيلاء

أو رياء أو سمعة أو شقاق أو نفاق أو كفر أو فسوق أو عصيان

أو عظمة أو شيء لا تحب فأسألك يا رب أن تبدلني مكانه إيمانا

بوعدك ووفاء بعهدك ورضا بقضائك وزهدا في الدنيا ورغبة فيما

عندك أسألك ذلك يا رب بمنك ورحمتك يا أرحم الراحمين

ويا رب العالمين إلهي أنت من حلمك تعصى فكأنك لم تر ومن كرمك و

جودك تطاع فكأنك لم تعص وأنا ومن لم يعصك سكان أرضك — تعص

فكن علينا بالفضل جوادا وبالخير عوادا يا أرحم الراحمين وصل

على محمد صلاة دائمة لا تحصى ولا تعد ولا يقدر قدرها غيرك يا أرحم

الراحمين

دعای شب اول ماه رمضان

الراحمين ششم كليني ره در كافي و سيد طاب ثراه در كتاب اقبال از حضرت صادق عليه السلام روايت كرده اند كه چون شب اول ماه رمضان داخل شود اين دعا را بخوان

اللهم رب شهر رمضان منزل القرآن هذا شهر رمضان الذي — القرآن

أنزلت فيه القرآن وأنزلت فيه آيات بينات من الهدى والفرقان — وجعلت فيه بينات

اللهم ارزقنا صيامه وأعنا على قيامه اللهم سلمه لنا و

سلمنا منه وتسلمه منا في يسر منك وعافية ومعافاة واجعل

فيما تقضي وتقدر من الأمر المحتوم وفيما تفرق من الأمر الحكيم في — تقدر

ليلة القدر من القضاء الذي لا يرد ولا يبدل أن تكتبني من حجاج — في القضاء المبرم الذي

بيتك الحرام المبرور حجهم المشكور سعيهم المغفور ذنوبهم المكفر — تغفر عنهم

عنهم سيئاتهم واجعل فيما تقضي وتقدر أن تطيل عمري وتوسع علي — لي

من الرزق الحلال هفتم أيضا سيد در كتاب اقبال از حضرت رسالت پناه روايت كرده است كه آنحضرت در شب اول ماه مبارك رمضان اين دعا ميخواندند

الحمد لله الذي أكرمنا بك أيها الشهر المبارك اللهم فقونا

على صيامنا وقيامنا وثبت أقدامنا وانصرنا على القوم الكافرين

اللهم أنت الواحد فلا ولد لك وأنت الصمد فلا شبه لك وأنت

العزيز فلا يعزك شيء وأنت الغني وأنا الفقير وأنت المولى

وَاَنَا الْعَبْدُ وَاَنْتَ الْعَفُوُّ وَاَنَا الْمُذْنِبُ وَاَنْتَ الرَّحِيمُ وَاَنَا الْخَطِئُ
وَاَنْتَ الْخَالِقُ وَاَنَا الْمَخْلُوقُ وَاَنْتَ الْحَيُّ وَاَنَا الْمَيِّتُ اَسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ
اَنْ تَغْفِرَ لِي وَتَرْحَمَنِي وَتَجَاوَزَ عَنِّي اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

فصل [illegible] در کتاب ... گفته اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ سُؤَالَ الْمِسْكِينِ
در بعضی از کتب دعوات این دعا را یافتم
الْمُسْتَكِينِ وَاَبْتَغِي اِلَيْكَ ابْتِغَاءَ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ وَاَتَضَرَّعُ اِلَيْكَ
تَضَرُّعَ الضَّعِيفِ الضَّرِيرِ وَاَبْتَهِلُ اِلَيْكَ ابْتِهَالَ الْمُذْنِبِ الذَّلِيلِ
الضَّعِيفِ وَاَسْئَلُكَ مَسْئَلَةَ مَنْ خَضَعَتْ لَكَ نَفْسُهُ وَذَلَّتْ لَكَ رَقَبَتُهُ
وَرَغِمَ لَكَ اَنْفُهُ وَعَفَّرَ لَكَ وَجْهَهُ وَسَقَطَتْ لَكَ نَاصِيَتُهُ وَهَمَلَتْ
لَكَ دُمُوعُهُ وَاضْمَحَلَّتْ عَنْهُ حِيلَتُهُ وَانْقَطَعَتْ حُجَّتُهُ وَضَعُفَتْ
عَنْهُ قُوَّتُهُ وَاشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ وَعَظُمَتْ نَدَامَتُهُ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَالِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمِ الْمُضْطَرَّ اِلَيْكَ الْمُحْتَاجَ اِلَى رَحْمَتِكَ بِحَقِّكَ
الْعَظِيمِ يَا عَظِيمُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ
لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِكَافَّةِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاَعْطِنِي فِي
مَجْلِسِي هٰذَا فَكَاكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَاَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ

المفضل

الْمُفَضَّلِ وَاَعْطِنِي مِنْ خَزَائِنِكَ وَبَارِكْ لِي فِي اَهْلِي وَمَالِي وَجَمِيعِ مَا رَزَقْتَنِي
وَارْزُقْنِي الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ فِي عَامِي هٰذَا فِي اَوْسَعِ السَّعَةِ وَاَسْبَغِ النَّفَقَةِ
وَاجْعَلْ ذٰلِكَ مَبْرُورًا مَقْبُولًا خَالِصًا لِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ
ثُمَّ ارْزُقْنِي الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ فِي كُلِّ عَامٍ مَا اَبْقَيْتَنِي وَاَدِرَّ عَلَيَّ مِنْ
رِزْقِكَ الْحَلَالِ فِي سَعَةٍ مِنْ فَضْلِكَ وَزِيَادَةٍ مِنْ رَحْمَتِكَ وَتَمَامٍ مِنْ نِعْمَتِكَ
وَكَمَالٍ مِنْ مُعَافَاتِكَ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ اكْفِنِي مُؤْنَةَ نَفْسِي
وَاَهْلِي وَعِيَالِي وَمُؤْنَةَ مَنْ يُؤْذِينِي وَتُجَارِي وَغُرَمَائِي وَجَمِيعِ مَا اُحَاذِرُ
وَاكْفِنِي مُؤْنَةَ خَلْقِكَ اَجْمَعِينَ وَاكْفِنِي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ
وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَشَرَّ الصَّوَاعِقِ وَالْبَرَدِ وَشَرَّ كُلِّ
دَابَّةٍ اَنْتَ اٰخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا اِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ
يَا كَرِيمُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ وَهَبْ لِي حَقَّكَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالِ
مُحَمَّدٍ وَهَبْ لِي حَقَّكَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ لِي فِيمَا اٰتَيْتَنِي وَ
هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى اَهْلِ
بَيْتِهِ وَسَلَّمَ فصل كفعمی در کتاب جنة الامان گفته که در هر روز و شب اول ماه این دعا را
باید خواند و دعای اَللّٰهُمَّ مِنْكَ اَطْلُبُ حَاجَتِي که از جملهٔ دعاهای هر روزه و هر شب

مذکور شد نقل نموده است و سید بن باقی ره از کتاب بلغة المقیم و زاد المسافر من معالم الدین که تالیف ابو عبدالله صفوانی است نقل نموده که رسول خدا این دعا را در شب اول ماه میخواند

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْواحِدُ فَلا وَلَدَ لَكَ وَاَنْتَ الصَّمَدُ فَلا شِبْهَ لَكَ وَاَنْتَ

الْعَزيزُ فَلا اَعَزَّ مِنْكَ وَاَنْتَ الْغَفُورُ فَلا شِبْهَ لَكَ وَاَنْتَ الرَّحيمُ وَاَنَا

الْمُخْطِئُ اَنْتَ الْخالِقُ وَاَنَا الْمَخْلُوقُ وَاَنْتَ الْحَيُّ وَاَنَا الْمَيِّتُ اَسْاَلُكَ

بِرَحْمَتِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاَنْ تَغْفِرَ لي وَتَرْحَمَني وَتَجاوَزَ عَنّي

اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ مؤلف گوید که این حدیث حدیث طویل است مشتمل بر سی دعا برای سی

روز ماه مخصوص چنانچه هر یک در محل خود مذکور خواهد شد

و سید بن طاوس نیز در بعضی از شبها این دعا را در اقبال نیز ذکر نموده است چنانچه اشاره بآن نیز خواهد شد

یازدهم زیارت حضرت امام حسین ع سید بن طاوس ره در کتاب اقبال بسند خود از حضرت صادق روایت کرده است که از آنحضرت پرسیدند که از برای زیارت حضرت امام حسین وقتی هست که افضل از سایر اوقات باشد فرمود که زیارت کنید آن حضرت را در هر وقتی بدرستی که زیارت آنحضرت خیریست بهترین هر که بسیار زیارت کند خیر بسیار دریافته است و هر که کم کند کم یافته است و قصد کنید زیارت آنحضرت را در اوقات شریفه بدرستی که ثواب عمال صالحه در آنها مضاعف است و در آن اوقات شریفه ملکها از آسمان نازل میشوند برای زیارت آنحضرت پس پرسید از فضیلت زیارت آنحضرت در ماه مبارک رمضان فرمود کسی که از روی خشوع و پشیمانی از گناهان و استغفار و توقع اجر و ثواب نزد قبر آنحضرت حاضر شود در یکی از سه شب از شبهای ماه مبارک رمضان که آن شب اول و شب نیمه و شب آخر است گناهان و عطایای او بریزد چنانچه برگ خشک بباد شدید از درخت فرو ریزد و مانند روزی شود که از مادر متولد شده باشد و با وجود این مانند ثواب کسی که در آن سال حج و عمره کرده باشد و دو ملک که صدا آنها را هر صاحب حیوتی بغیر انس و جن میشنوند او را ندا کنند یکی گوید ای بنده خدا پاک شدی عملت از سر گیر و دیگری گوید ای بنده خدا اجابت دعوت خدا کردی پس بشارت باد ترا بمغفرت و بهشت الهی مؤلف گوید که اگر چه این روایت مخصوص کسی است که نزد مرقد مطهر آن بزرگوار باشد لیکن بهتر آنست که اگر کسی در بلاد بعیده باشد نیز از آن فضیلت عظیم محروم نگردد

فضیلت زیارت امام حسین علیه

دعم

وچون زیارت مخصوصه درین شب وارد نشده پس اگر کسی توفیق حضور مشهد مشرف آنحضرت را درین شب بیابد بزیارات مطلقه زیارت نماید و بدانکه درین شب ادعیه دخول و دعای جوشن کبیر و صغیر و اعمال هر شب و هر روزه که در محل خود مذکور شد باید خوانده شود والله تعالی هو الموفق روز اول و اعمال این روز چند امر است اول شیخ مفید ره در کتاب مقنعه و سید در اقبال از او نقل نموده است گفته که چون فجر اول ماه رمضان طالع شود این دعا را بخوان

اَللّٰهُمَّ قَدْ حَضَرَ شَهْرُ رَمَضانَ وَقَدِ افْتَرَضْتَ عَلَيْنا صِيامَهُ وَاَنْزَلْتَ

فيهِ الْقُرْآنَ هُدىً لِلنّاسِ وَبَيِّناتٍ مِنَ الْهُدى وَالْفُرْقانِ اَللّٰهُمَّ

اَعِنّا عَلى صِيامِهِ وَتَقَبَّلْهُ مِنّا وَتَسَلَّمْهُ مِنّا وَسَلِّمْهُ لَنا في يُسْرٍ مِنْكَ

وَعافِيَةٍ اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ مؤلف گوید که شیخ مفید ره در کتاب مسار الشیعه گفته است که در روز اول ماه رمضان بعد از نماز صبح دعای مخصوص موثق مشهوری که از ائمه آل محمد علیهم السلام روایت شده باید خوانده شود و دعا را ذکر نموده و ظاهر آنست که مراد این دعای مذکور باشد والله تعالی یعلم دوم ایضا سید در کتاب مذکور نقل نموده است که در روز اول ایضا این دعا را بخوان اَللّٰهُمَّ

يا رَبِّ اَصْبَحْتُ لا اَرْجُو غَيْرَكَ وَلا اَدْعُو سِواكَ وَلا اَرْغَبُ اِلّا اِلَيْكَ

وَلا اَتَضَرَّعُ اِلّا عِنْدَكَ وَلا اَلُوذُ اِلّا بِفِناءِكَ اِذْ لَوْ دَعَوْتُ غَيْرَكَ

لَمْ يُجِبْني وَلَوْ رَجَوْتُ غَيْرَكَ لَاَخْلَفَ رَجائي وَاَنْتَ ثِقَتي وَرَجائي وَ

مَوْلايَ وَخالِقي وَبارِئي وَمُصَوِّري ناصِيَتي بِيَدِكَ تَحْكُمُ فِيَّ كَيْفَ

تَشاءُ لا اَمْلِكُ لِنَفْسي ما اَرْجُو وَلا اَسْتَطيعُ دَفْعَ ما اَحْذَرُ اَصْبَحْتُ

مُرْتَهَناً بِعَمَلي وَاَصْبَحَ الْاَمْرُ بِيَدِ غَيْري اَللّٰهُمَّ اِنّي اَصْبَحْتُ اُشْهِدُكَ

وكفى بك شهيدا وأشهد ملائكتك وحملة عرشك وأنبياءك و
رسلك على أن أتولى من توليته وأتبرأ ممن تبرأت منه
وأومن بما أنزلت على أنبيائك ورسلك فافتح مسامع قلبي لذكرك
حتى أتبع كتابك وأصدق رسلك وأومن بوعدك وأوفي بعهدك رسولك ن
فإن أمر القلب بيدك اللهم إني أعوذ من القنوط من رحمتك
واليأس من رأفتك فأعذني من الشك والشرك والريب والنفاق
والرياء والسمعة واجعلني في جوارك الذي لا يرام واحفظني
من الشك الذي صاحبه تيهان اللهم وكل ما قصر عنه تيهان ن [illegible]
استغفاري من سوء لا يعلمه غيرك فعافني منه واغفره لي فإنك
كاشف الغم مفرج الهم رحمن الدنيا والآخرة ورحيمهما
فامنن علي بالرحمة التي رحمت بها ملائكتك ورسلك وأولياءك
من المؤمنين والمؤمنات اللهم رب هذا اليوم وما أنزلت فيه
من بلاء أو مصيبة أو غم أو هم فاصرفه عني وعن أهل بيتي وولدي
وإخواني ومعارفي ومن كان مني بسبيل من المؤمنين والمؤمنات

اللهم

اللهم إني أصبحت على كلمة الإخلاص وفطرة الإسلام وملة إبراهيم
ودين محمد صلواتك عليه وآله اللهم احفظني وأحيني على ذلك
وتوفني عليه وابعثني يوم تبعث الخلائق فيه واجعل أول يومي
هذا فلاحا وآخره نجاحا برحمتك فإني أسألك خيره وخير أهله و صلاحا وأوسطه ن
أعوذ بك من شره وشر أهله ومن سمعه وبصره ويده ورجله
كن لي منه حاجزا عز جارك وجل ثناؤك ولا إله غيرك
اللهم إني أسألك أن ترزقني مواهب الدعاء في دبر كل صلاة
وأسألك خير يومي هذا وفتحه ونصره ونوره وهداه ورشده
وبشراه أصبحت بالله الذي ليس كمثله شيء ممتنعا وبعزة
الله التي لا ترام ولا تضام معتصما وبسلطان الله الذي لا يقهر
لا يغلب عائذا من شر ما خلق وذرأ وبرأ ومن شر ما يكمن بالليل يكمن ن
ويخرج بالنهار ومن شر ما يخرج بالليل والنهار ومن شر الجن و
الإنس ومن شر كل ذي سلطان أو غيره ومن شر كل دابة أنت
آخذ بناصيتها إن ربي على صراط مستقيم مؤلف گوید که [illegible]
[illegible]

دعا از جلد سی تصل دعائی است که برای هر روزه دعائیست و اگرچه روایت نسبت نداده
و لیکن ظاهر آنست که منقول باشد و ما هر یک را در محل خود مذکور میسازیم سیم [illegible]
دعایی که دعا برای روز اول ابتدا نقل نموده است — اللهم انی اسألک یا من لیس کمثله شیء و یا
من لیس فی السموات العلی ولا فی الارضین السفلی ولا فوقهن
ولا تحتهن ولا بینهن اله یعبد غیرک وحدک لا شریک لک یا
واحد بغیر تشبیه یا باقیا الی غیر غایة یا جبارا فی سلطانه یا کبیرا
فی کبریائه یا قدوسا فی اسمائه یا کریما فی عطائه یا جلیلا فی
بهائه یا حمیدا فی فعاله یا ملکا فی ابتدائه و اقتداره یا عالما — فعاله د
فی احصائه یا غالبا فی ارتفاعه یا عزیزا فی امتناعه یا جوادا فی
افضاله یا ذا السلطان الشامخ یا ذا العز الباذخ العالی یا ذا
الملک الفاخر یا ذا البهاء الزاهر یا من به تحسن الظنون یا ذا
الجود والکرم والمن والکبریاء یا باقیا لا یموت یا صمدا لا یطعم
یا قیوما لا ینام یا بصیر الارباب یا حافظا لا یجهل یا واسعا لا یتکلف
یا غنیا لا یفتقر یا منیعا لا یرام یا عزیزا لا یضام یا قویا لا یغلب یا جبارا — قیوما د
لا یکلم یا محتجبا لا یری یا جبار السموات والارض یا نور السموات

والارض

والارض یا بدیع السموات والارض یا اکرم الاکرمین یا ارحم الراحمین یا
غیاث المستغیثین یا ولی المؤمنین یا عز الناصرین والذاکرین یا
سبیل الصالحین یا مفرجا عن المکروبین یا کنز الراغبین الیه یا
غوث الملهوفین یا خیر من دعاه الداعون اسألک ان تصلی علی
محمد و ان تجعل عبدک من اعظم عبادک الیوم فیما تقسمه من نور — تجعلنی عندک د
تهدی به و رحمة تنشرها و رزق تبسطه و ضر تکشفه و بلاء تصرفه
و فتنة تکفها و ثواب تکتبه و امر تسهله انک علی کل شیء قدیر یا ارحم — برحمتک د
الراحمین مؤلف گوید که سید ابن باقی در عنوان این دعا گفته است که این دعا از جلد سی فصل
دعاست که برای هر روزی دعای علیحده هست و او نیز اگرچه روایت
نسبت نداده و لیکن ظاهر آنست منقول باشد و ما هر یک را در محل خود مذکور میسازیم دعای روز
صاحب کتاب ذخیره ذکر نموده که ابن عباس از رسول خدا روایت نموده است که هر که در روز
اول ماه رمضان این دعا را بخواند حق تعالی او را هزار هزار حسنه عطا فرماید و هزار هزار درجه
برای او بلند کرداند و هزار هزار گناه — دعای روز اول — اللهم اجعل صیامی صیام الصائمین
از او محو فرماید و دعا اینست
وقیامی قیام القائمین ونبهنی فیه عن نومة الغافلین وهب لی جرمی
فیه یا اله العالمین مؤلف گوید که این حدیث حدیث طویلی است مشتمل بر دعا برای
هر روزی دعای مخصوصی چنانچه هر یک مذکور میشود و سند آن
غیر معتبر و از تالیف و ترصیف فقراتش ظاهر میشود که از معصوم منقول نباشد و لیکن چون ماه
مبارک رمضان وقت دعا و آدمی خود نیز در تالیف ادعیه مرخص است خواندن آن بد نیست
غسل نمودن سید بن طاوس ره در کتاب اقبال از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام — استحباب غسل [illegible]

روایت نموده است که آنحضرت از پدران بزرگوارش از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه

روایت فرموده که هر که در روز اول ماه در آب جاری غسل کند و سی کف آب بر سر بریزد

دوای دردهای آن سال او باشد و سید رحمه الله گفته که اول هر سالی روز اول از ماه مبارک رمضان است

مؤلف گوید که آنچه در آخر مذکور شده که اول هر سال روز اول ماه مبارک رمضان است

اگر از تتمه حدیث باشد دلالت بر مدعا دارد ولیکن محتمل است که این کلام سید باشد بنا بر

محتمل است که این عمل در روز اول محرم یا در روز نوروز باید واقع شود و اگر در هر سه روز کرده شود

بهتر است و بعد از آنکه سید در این مقام گفته که ممکن است که بخاطر کسی خطور کند و استبعاد

نماید که چگونه ریختن آب بر سر این ثمره میتواند بخشید که در تمام آن سال آن شخص مبتلا

بآزاری نشود و گفته که جواب این اشکال آنست که در لطف و کرم خداوندی حق تعالی چنان اقتضا

میکند که جزاهای عظیم مانند خلود بهشت و لذات عظیمه آنرا بر اعمال قلیل میدهد کما ذکر آن

فرماید پس ممکن است که در دار دنیا نیز جزای این عمل قلیل را عافیت در تمام سال کرامت فرموده باشد

والله تعالی یعلم **ششم** استعمال گلاب سید در کتاب مذکور از حضرت صادق علیه السلام روایت

کرده است که هر که یک کف از گلاب بر صورت خود بزند در آن روز از مذلت و فقر ایمن باشد

پس ترک مکنید آنچه را من وصیت نمودم شما را **مؤلف** گوید که سید ره و اکثر علما این حدیث را بر

استعمال گلاب در روز اول ماه رمضان حمل نموده اند و بنا بر این شکسته شد و جرأت بجهة

آنکه روز اول ماه رمضان در روایت اصلا مذکور نیست بنا بر این ظاهر آنست که مراد این باشد

که در هر روزی هر که گلاب بر صورت زند از مذلت و فقر ایمن باشد و اگر بر سر بریزد در بقیة

آن سال یا آن روز یا مثل آن از سال آینده که مجموع یک سال شود از مرض برسام ایمن باشد

والله تعالی یعلم **شب دویم** و اعمال آن چند چیز است **اول** شیخ شهید ره در کتاب ربیع از

رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده که هر که در این شب چهار رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام در هر

رکعتی حمد یکنوبت و سوره انا انزلناه در لیلة القدر بیست نوبت حق تعالی جمیع گناهان او را

بیامرزد و روزی او را وسیع کرد اند و کفایت کند او را از بدیهای آن سال را **دویم** سید بن طاوس ره

از کتاب عمل الشهر رمضان ابن ابی قره اللهم انت الرب انا العبد قضیت علی نفسک

این دعا را بر این شب نقل نموده

الرحمة وقد لکتبی وانت الصادق البار یداک مبسوطتان تنفق

کیف تشاء لا یلحقک سائل ولا ینقصک نائل ولا یزیدک کثرة

سی کف آب

استحباب استعمال الکلاب در غرة شهر رمضان

نماز دو رکعت

السؤال الا عطاء وجودا اسألک قلبا وجلا من مخافتک اذرک

به جنة رضوانک وامضی به فی سبیل من احببت وارضاک

عمله وارضیته فی ثوابک حتی تبلغنی بذلک ثقة المؤمنین

بک وامان الخائفین منک اللهم وما اعطیتنی من عطاء فاجعله

شغلا فیما تحب وما زویت عنی فاجعله فراغا لی فیما تحب اللهم

انک قصمت الجبابرة بجبروتک وبسطت کنفک علی الخلائق و

اقمت انک حی قیوم وکذلک انت تقطع حیل المبطلین

ومکرهم دونک اللهم صل علی محمد وآله وارزقنی موالاة

من والیت ومعاداة من عادیت وحبا لمن احببت وبغضا لمن

ابغضت حتی لا اوالی لک عدوا ولا اعادی لک ولیا اشکو الیک

یا رب خطیئة اعشت بصری واظلمت علی قلبی وفی طریق الخاطئین

صرعتنی فهذه یدی رهینة فی وثاقک بما جنیت علی نفسی وهذه

رجلی موثقة فی حبالک باکتسابی فلو کان مهرب الی جبل لجئنی او

مغارة تواریني او بحر یحجبنی لکنت العائذ بک من ذنوبی استعیذک

حزين

عبادة مهموم كئيب يرقب نار السموم اللهم يا مجلي عظائم الهموم
جل عني همة الهموم واجرني من نار تقصم عظامي وتحرق احشائي
وتفرق قواي اللهم ارزقني صبرا لمحمد وآل محمد واجعلني ممن انتظر
امرهم واجعلني من انصارهم واعوانهم في الدنيا والآخرة اللهم
احيني محياهم وامتني مماتهم اللهم اعطهم سؤلهم في
وليهم وعدوهم اللهم رب السبع المثاني والقرآن العظيم و
رب جبرئيل وميكائيل اسالك ان تصلي على محمد وآل محمد وان
تقبل صومي وصلواتي پس حاجت خود را اللهم اني اعوذ بك في هذا
سؤال کن و بگو
الشهر العظيم من كل ذنب يحبس رزقي او يحجب مسألتي او يبطل
صومي او يصدني بوجهك الكريم عني اللهم صل على محمد وآل محمد و
اغفر لي ما لا يضرك واعطني ما لا ينقصك في هذه الليلة فاني فقير
الى رحمتك ستم ايضا سيد در اقبال روايت کرده اللهم رب السموات
السبع ومن فيهن فالق الاصباح وجاعل الليل سكنا والشمس والقمر
حسبانا لك الحمد ولك الشكر ولك المن ولك الطول وانت

الواحد الاحد الصمد اسألك بجلالك سيدي وجمالك مولاي ان
تصلي على محمد وآل محمد وان تغفر لي وترحمني وتتجاوز عني انك
انت العفو الرحيم روز دويم دعائی که سید ... اول سید بن طاوس در اقبال گفته
که از جمله دعاهای روز دوم ماه مبارک رمضان این دعاست
اللهم اليك غدوت بحاجتي وبك انزلت اليوم فقري ومسكنتي فاني
بمغفرتك ورحمتك ارجى مني لعملي ومغفرتك ورحمتك اوسع لي
من ذنوبي كلها اللهم فصل على محمد وآل محمد وتول قضاء كل حاجة
لي بقدرتك عليها وتيسيرها عليك وفقري اليك فاني لم اصب خيرا قط
الا منك ولم يصرف عني سوء قط غيرك ولا ارجو لامر آخرتي ودنياي
سواك يوم يفردني الناس في حفرتي وافضي اليك يا كريم اللهم من تهيا
وتعبا واعد واستعد لوفادة الى مخلوق رجاء رفده وطلب نائله
وجائزته فاليك يا رب تعبيتي واستعدادي رجاء رفدك وطلب
نائلك وجائزتك فلا تخيب دعائي يا من لا يخيب عليه السائل ولا
ينقصه نائل فاني لم آتك ثقة بعمل صالح عملته ولا لوفادة الى
مخلوق رجوته اتيتك مقرا بالاساءة على نفسي والظلم لها معترفا

بِأَنْ لَا حُجَّةَ لِي وَلَا عُذْرَ أَتَيْتُكَ أَرْجُو عَظِيمَ عَفْوِكَ الَّذِي عَلَوْتَ بِهِ عَلَى (عفوت ن)
الْخَاطِئِينَ فَلَمْ يَمْنَعْكَ طُولُ عُكُوفِهِمْ عَلَى عَظِيمِ الْجُرْمِ أَنْ عُدْتَ
عَلَيْهِمْ بِالرَّحْمَةِ فَيَا مَنْ رَحْمَتُهُ وَاسِعَةٌ وَعَفْوُهُ عَظِيمٌ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ
يَا رَبِّ لَيْسَ يَرُدُّ غَضَبَكَ إِلَّا حِلْمُكَ وَلَا يُنْجِي مِنْ سَخَطِكَ إِلَّا التَّضَرُّعُ إِلَيْكَ (يُجِيني ن)
فَهَبْ لِي يَا إِلٰهِي فَرَجًا بِالْقُدْرَةِ الَّتِي تُحْيِي بِهَا مَيْتَ الْبِلَادِ وَلَا تُهْلِكْنِي غَمًّا
حَتَّى تَسْتَجِيبَ لِي دُعَائِي وَتُعَرِّفَنِي الْإِجَابَةَ وَأَذِقْنِي طَعْمَ الْعَافِيَةِ إِلَى
مُنْتَهَى أَجَلِي وَلَا تُشْمِتْ بِي عَدُوِّي وَلَا تُسَلِّطْهُ عَلَيَّ وَلَا تُمَكِّنْهُ مِنْ
عُنُقِي إِلٰهِي إِنْ وَضَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْفَعُنِي وَإِنْ رَفَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي
يَضَعُنِي وَإِنْ أَهْلَكْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَعْرِضُ لَكَ فِي عَبْدِكَ أَوْ يَسْأَلُكَ
عَنْ أَمْرِهِ وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّهُ لَيْسَ فِي حُكْمِكَ ظُلْمٌ وَلَا فِي نَقِمَتِكَ عَجَلَةٌ وَ
إِنَّمَا يَعْجَلُ مَنْ يَخَافُ الْفَوْتَ وَإِنَّمَا يَحْتَاجُ إِلَى الظُّلْمِ الضَّعِيفُ وَقَدْ
تَعَالَيْتَ عَنْ ذٰلِكَ عُلُوًّا كَبِيرًا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَانْصُرْنِي وَ
اهْدِنِي وَارْحَمْنِي وَأَثِرْنِي وَارْزُقْنِي وَعَافِنِي وَاغْفِرْ لِي وَتُبْ عَلَيَّ وَاعْصِمْنِي
وَاسْتَجِبْ لِي فِي جَمِيعِ مَا سَأَلْتُكَ وَأَرَدْتُهُ بِي وَقَدِّرْهُ لِي وَيَسِّرْهُ وَأَمْضِهِ

وبارك

وَبَارِكْ لِي فِيهِ وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ بِهِ وَأَسْعِدْنِي بِمَا تُعْطِينِي مِنْهُ وَزِدْنِي
مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ سَعَةً مِنْ نِعَمِكَ الدَّائِمَةِ وَوَاصِلْ لِي ذٰلِكَ كُلَّهُ
بِخَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَنَعِيمِهَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ دُعَاؤُهُ لِسَيِّدِنَا أَبِي عَبْدِ اللّٰهِ
دوحه در اخبار ن دعا
اِعْلَمُوا أَنَّ اللّٰهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ رَبُّ الْعَرْشِ (أَعْلَمُ ن)
الْعَظِيمِ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي يَوْمِي هٰذَا وَفِيمَا قَبْلَهُ وَفِيمَا بَعْدَهُ
الْعَفْوَ يَا خَيْرَ مَنِ اعْتَمَدَ عَلَيْهِ الْمُعْتَمِدُونَ وَيَا خَيْرَ مَنْ قَصَدَهُ
الْقَاصِدُونَ وَيَا خَيْرَ مَنْ هَرَبَ إِلَيْهِ الْهَارِبُونَ يَا خَيْرَ مَنْ سَأَلَهُ
السَّائِلُونَ يَا خَيْرَ مَنْ جَادَ فِي الْمُجْتَهِدِينَ يَا خَيْرَ الرَّازِقِينَ يَا ذَا الْقُوَّةِ وَ (الْمُجْتَدِينَ ن)
الْمَتِينِ يَا وَلِيَّ الذَّاكِرِينَ يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ يَا مُنْقِذَ الْغَرْقَى يَا
مُنْجِيَ الْهَلْكَى يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ وَيَا أَبْصَرَ النَّاظِرِينَ يَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ (الْهَلَكَةِ ن)
يَا صَرِيخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ يَا مَلْجَأَ اللَّاجِينَ يَا رَازِقَ الْمُقِلِّينَ يَا غَافِرَ ذُنُوبِ
الْمُذْنِبِينَ يَا مُطْلِقَ الْمَسْجُونِينَ يَا مَنْ يَعْفُو عَنِ الْمُسِيئِينَ يَا زَائِدَ الْمَنَاكِرِ
يَا مُعَذِّبَ الْكَافِرِينَ يَا سَبِيلَ الصَّالِحِينَ يَا أَعْلَمَ الْعَالِمِينَ يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ
يَا مَنْ لَا تُغَيِّرُهُ الدُّهُورُ وَالسِّنُونَ يَا بَارًّا بِالْمُؤْمِنِينَ يَا جَبَّارَ الْمُتَوَكِّلِينَ (يا ذا المؤمنين)

يا قدوساً في السموات ويا قدوساً في الارضين يا عظيماً في العالمين يا من

يصرف البليات يا من هو عالم الخفيات يا من يأتي بالحسنات يا منزل

البركات يا رب السموات يا مفرج الكربات يا محيي الاموات يا بارئ

النسمات يا من لا تشتبه عليه اللغات يا معطي المسألات يا قابل

التوبات يا رافع الدرجات يا من خضعت لامره الامواج المتلاطمات

يا من تسبحه الحيتان السابحات يا من اطاعته الرياح العاصفات

يا من بقدرته تجري الجوار المنشآت يا من يسمع ويرى المناجاة

يا من بنعمته تتم الصالحات يا ذا المن والعطيات يا من جل

عن الصفات وعظم وتعالى عن الشبهات يا من يعلم ما في البر و

البحر والفلوات يا ذا الفضل والكرامات اسئلك ان تصلي على محمد

وآل محمد الطاهرين وتغفر لي مغفرة عزماً جزماً لا تغادر لي ذنباً و

لا تكتب بعدها علي حساباً وان ترضى عني في يومي هذا رضاً لا تغضب

علي بعده وان تغفر لي ذنبي ما تقدم من ذنبي وما تأخر وان تقيني

من العذاب الادنى ومن العذاب الاكبر وان تعطيني قوة في عبادتك

وبصراً في كتابك وفقهاً في حكمتك وتبيض وجهي بنورك وتجعل رغبتي

في ما لديك وغناي في عطائك ورغبتي فيما عندك انك على كل

شيء قدير وصلى الله على محمد وآله الطاهرين وسلم

صاحب كتاب [illegible]

[illegible] از ابن عباس روایت نموده است که رسول خدا فرمود که هرکه این دعا را در روز دهم

ماه مبارک رمضان بخواند حق تعالی عطا فرماید باو بعدد هر کاهی که در تمام عمر خود دیده

باشد ثواب عبادت یکساله که در روزهای آن روزه باشد و شبهای آنرا بعبادت بپا داشته

باشد و دعا اللهم قربني الى مرضاتك وجنبني فيه من سخطك ونقماتك

[illegible]

ووفقني فيه لقراءة كتابك برحمتك يا ارحم الراحمين شب سیم

[illegible]

اول احیاء است آن عبادت چنانچه بعد از حدیث آن مذکور میشود دوم غسل زیرا که از

شبهای طاق است [illegible] در کتاب اقبال گفته که در حدیث وارد شده است که در هر شب

طاق ماه رمضان غسل مستحب است سیم شیخ شهید ره در کتاب اربعین از رسول

خدا روایت کرده است که هرکه در این شب ده رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت

حمد یکمرتبه و سوره قل هو الله احد [illegible] منادی از جانب حق تعالی او را ندا کند که

[illegible] خدا از آتش جهنم و درهای آسمان برای او گشوده شود و هرکه

این شب را بعبادت احیا کند حق تعالی جمیع گناهان او را بیامرزد چهارم سید بن طاوس

در کتاب اقبال از کتاب [illegible] رمضان [illegible] اللهم صل على محمد وآل محمد وافتح قلبي

[illegible]

لذكرك واجعلني اتبع كتابك واومن برسولك واوفي بعهدك والبسني

رحمتك وتقبل صومي اللهم اني اتقرب اليك في هذا الشهر الشريف

العظيم بجودك وكرمك واتقرب اليك بملائكتك وانبيائك ورسلك

وَأَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِالْمُسْتَحْفَظِينَ أَوْصِيَائِهِمْ وَأَخْيَرِهِمْ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَغْفِرَ لِيَ الذُّنُوبَ جَمِيعاً السَّاعَةَ السَّاعَةَ

و دستهای خود را بلند کن و سعی کن که اشک از چشمهایت جاری شود تحفه سید در اقبال از ابن بابویه
دو رکعت ... این دعا را از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله برای این شب روایت کرده اند

يَا إِلٰهَ إِبْرٰهِيمَ وَإِلٰهَ إِسْحٰقَ وَإِلٰهَ يَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ رَبَّ الْمَلَائِكَةِ وَ
الرُّوحِ السَّمِيعَ الْعَلِيمَ الْحَلِيمَ الْكَرِيمَ الْعَلِيَّ الْعَظِيمَ لَكَ صُمْتُ وَعَلَى
رِزْقِكَ أَفْطَرْتُ وَإِلَى كَنَفِكَ أَوَيْتُ وَإِلَيْكَ أَنَبْتُ وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ
وَأَنْتَ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ قَوِّنِي عَلَى الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ
الْقِيٰمَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ روز سیم سید بن طاوس ره در اقبال گفته که در
روایتی وارد شده که در این روز ابراهیم خلیل بر ...
غیبی نازل شد و این معتبر بر زیادتی اجر آن میگردد و اعمال آن چند امر است اول
سید در کتاب مذکور از جمله دعاهای این روز این دعا را نقل نموده است

يَا مَنْ تُحَلُّ بِهِ عُقَدُ الْمَكَارِهِ وَيَا مَنْ يُفْثَأُ بِهِ حَدُّ الشَّدَائِدِ وَيَا مَنْ
يُلْتَمَسُ مِنْهُ الْمَخْرَجُ إِلَى مَحَلِّ الْفَرَجِ ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ الصِّعَابُ وَتَسَبَّبَتْ
بِلُطْفِكَ الْأَسْبَابُ وَجَرَى بِطَاعَتِكَ الْقَضَاءُ وَمَضَتْ عَلَى إِرَادَتِكَ
الْأَشْيَاءُ فَهِيَ بِمَشِيَّتِكَ دُونَ قَوْلِكَ مُؤْتَمِرَةٌ وَبِإِرَادَتِكَ دُونَ نَهْيِكَ
مُنْزَجِرَةٌ أَنْتَ الْمَدْعُوُّ لِلْمُهِمَّاتِ وَأَنْتَ الْمَفْزَعُ فِي الْمُلِمَّاتِ لَا يَنْدَفِعُ

منها

مِنْهَا إِلَّا مَا دَفَعْتَ وَلَا يَنْكَشِفُ مِنْهَا إِلَّا مَا كَشَفْتَ وَقَدْ نَزَلَ بِي يَا رَبِّ مَا قَدْ
تَكَأَّدَنِي ثِقْلُهُ وَأَلَمَّ بِي مَا قَدْ بَهَظَنِي حَمْلُهُ وَبِقُدْرَتِكَ أَوْرَدْتَهُ
عَلَيَّ وَبِسُلْطَانِكَ وَجَّهْتَهُ إِلَيَّ وَلَا مُصْدِرَ لِمَا أَوْرَدْتَ وَلَا مُورِدَ
لِمَا أَصْدَرْتَ وَلَا صَارِفَ لِمَا وَجَّهْتَ وَلَا فَاتِحَ لِمَا أَغْلَقْتَ وَلَا مُغْلِقَ
لِمَا فَتَحْتَ وَلَا مُيَسِّرَ لِمَا عَسَّرْتَ وَلَا مُعَسِّرَ لِمَا يَسَّرْتَ وَلَا نَاصِرَ لِمَنْ
خَذَلْتَ وَلَا خَاذِلَ لِمَنْ نَصَرْتَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْتَحْ لِي يَا رَبِّ
بَابَ الْفَرَجِ بِطَوْلِكَ وَاكْسِرْ عَنِّي سُلْطَانَ الْهَمِّ بِحَوْلِكَ وَأَنِلْنِي حُسْنَ
النَّظَرِ فِيمَا شَكَوْتُ وَأَذِقْنِي حَلَاوَةَ الصُّنْعِ فِيمَا سَأَلْتُ وَهَبْ لِي مِنْ
لَدُنْكَ فَرَجاً هَنِيئاً وَاجْعَلْ لِي مِنْ عِنْدِكَ مَخْرَجاً وَحِيّاً وَلَا تَشْغَلْنِي
بِالْاِهْتِمَامِ عَنْ تَعَاهُدِ فُرُوضِكَ وَاسْتِعْمَالِ سُنَّتِكَ فَقَدْ ضِقْتُ لِمَا
نَزَلَ بِي ذَرْعاً وَامْتَلَأْتُ بِمَا حَدَثَ عَلَيَّ هَمّاً وَأَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى كَشْفِ
مَا مُنِيتُ بِهِ وَدَفْعِ مَا وَقَعْتُ فِيهِ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي
ذَلِكَ وَإِنْ لَمْ أَسْتَوْجِبْهُ مِنْكَ يَا ذَا الْعَرْشِ الْكَرِيمِ وَالسُّلْطَانِ
الْعَظِيمِ يَا خَيْرَ مَنْ خَلَوْنَا بِهِ وَ[illegible] يَا خَيْرَ مَنْ أَشَرْنَا إِلَيْهِ بِكَفِّنَا

نسألك اللهمّ أن تلهمنا الخير وتعطيناه وأن تصرف عنّا الشرّ
وتكفيناه وأن تدحر عنّا الشيطان وتبعده وأن ترزقنا الفردوس
وتحلّناه وأن تسقينا من حوض محمّد وآل محمّد صلواتك عليه و
آله وتوردناه ندعوك يا ربّنا تضرّعاً وخيفةً ورغبةً ورهبةً
وخوفاً وطمعاً إنّك سميع الدعاء وصلّى الله على محمّد وآله اللهمّ
إنّي أسألك بحرمة من عاذ بك منك ولجأ إلى عزّك واستظلّ بفيئك
واعتصم بحبلك ولم يثق إلّا بك يا جزيل العطايا ويا فكّاك الأسارى
أنت المفزع في الملمّات وأنت المدعوّ للمهمّات صلّ على محمّد وآل
ارزقني محمّد واجعل لي فرجاً ومخرجاً ورزقاً واسعاً بما شئت إذا شئت كيف شئت
يا أرحم الراحمين دعاء سيّدنا باقر در اختيار اللهمّ إنّي أسألك يا
دعا از ابراهيم ادهم نقل نموده است
ميسّر كلّ عسير ويا من هو حسن التدبير ويا من لا يحتاج إلى
تقبيح التفسير ويا من هو أكبر من كلّ كبير يا من لا شريك له ولا وزير
يا من لا صاحبة له ولا ضدّ ولا ندّ ولا معين يا جابر العظم الكسير
يا مغني البائس الفقير يا خالق الشمس والقمر المنير يا سالك الفلك

المدبر

المدبر يا رازق الطفل الصغير أسألك أن تفتح مسامع قلبي لذكرك
واتّباع كتبك والتصديق بأنبيائك والوفاء بعهدك والإيمان
بوعدك فإنّي يا إلهي بنورك اهتديت وبفضلك استغنيت و
بك أصبحت وأمسيت إلهي ذنوبي بين يديك أستغفرك منها وأتوب
إليك اللهمّ لا تؤخّرني في الأشرار ولا تكثّرني بأهل النار وأحيني
حيوةً طيّبةً وتوفّني وفاةً طيّبةً كريمةً وألحقني بالأبرار اللهمّ
إنّي أستغفرك لذنوبي وأعرض عليك حوائجي وأسألك فوق رغبتي
وأرغب إلى كرمك في النجاة وعن ظلمي لنفسي وأن تجعل غناي وهداي
في نفسي وأن تتقبّل منّي وتبلّغني تمامه وتسلّمني من الإثم بعزّك
العظيم برحمتك يا أرحم الراحمين وصلّى الله على محمّد وآله الطاهرين
ستيم صاحب كتاب جيه از ابن عبّاس روايت كرده است كه حضرت رسالت فرمود كه هر كه در روز
سيّم ماه رمضان اين دعا را بخواند حقّ تعالى در جنّة الفردوس براى او خانه بنا كند از در سفيد
كه در بالاى آن هفتاد هزار غرفه باشد از نور ساطع و در پائين آن خانه نيز باشد از
باشد و در بالاى هر غرفه هزار حور باشد و بر هر سرى حوريه اللهمّ ارزقني فيه
... باشد و داخل شود ... از جانب خدا با هر يك عطاى ... دعا
الذهن والتنبيه وأبعدني فيه عن السفاهة والتمويه واجعل لي نصيباً
من كلّ خير تنزل فيه يا أجود الأجودين سبحانه واعطال التحميد
اول شيخ شهيد قدس الله روحه

شب بیست و سیم

در کتاب اربعین از رسول خدا صلعم روایت کرده است که هر که هشت رکعت نماز کند هر دو رکعت
بیک سلام و در هر رکعتی حمد یکمرتبه و سوره انا انزلناه بیست مرتبه حق تعالی عمل او را در
شب بالا برد با عمل هفت ... که تسلیح ... پروردگار خود بوده باشد دعای شب
در اقبال از کتاب عمل شهر رمضان ابن ابی قره این دعا را برای این شب نقل نموده است
إلهي ما عملت من حسنة فلا حمد لي فيه وما ارتكبت من سوء فلا عذر
لي فيه الهي اعوذ بك ان اتكل على ما لا حمد لي فيه او ارتكب ما لا عذر
لي فيه الهي استغفرك مما تبت اليك منه ثم عدت فيه واستغفرك
مما وعدتك من نفسي ثم اخلفتك فيه واستغفرك مما اردت به
وجهك الكريم فخالطني ما ليس لك رضا واستغفرك لكل نعمة
انعمت بها علي فتقويت بها على معاصيك واستغفرك لكل ذنب اتيته
ولكل خطيئة ارتكبتها ولكل سوء اتيته يا الهي واسألك ان
تصلي على محمد وآل محمد وتهب لي برحمتك كل ذنب فيما بيني وبينك
وان تستوهبني من خلقك وتستنقذني منهم ولا تجعل حسناتي في موازين
من ظلمته واسأت اليه فانك على ذلك قادر يا عزيز وكل ذنب
انا عليه مقيم فانقلني عنه الى طاعتك يا الهي وكل ذنب اريد
ان اعمله فاصرفه عني وردني الى طاعتك يا ارحم الراحمين

اللهم

اللهم اني اسألك باسمائك التي ليس فوقها شيء يا الله الرحمن الرحيم
الذي لا يعلم كنهه ما هو الا انت ان تصلي على محمد وآل محمد وان
تغفر لي ما سلف من ذنوبي وتعصمني فيما بقي من عمري وتعطيني جميع سؤ لي
في ديني ودنياي وآخرتي ومثواي يا ارحم الراحمين سيم ايضا سيد بن طاوس
در باقی علیه الرحمه دو دعا در اقبال
اختیار این دعا برای این شب يا رحمن الدنيا والآخرة ورحيمهما يا جبار الدنيا
از رسول خدا صلعم روایت نموده است
ويا مالك الملوك ويا رازق العباد هذا شهر التوبة وهذا شهر الثواب
وشهر الرجاء وانت السميع العليم اسألك ان تجعلني في عبادك الصالحين محسنين
الذين لا خوف عليهم ولا هم يحزنون وان تسترني بالستر الذي لا يهتك
وتجللني بعافيتك التي لا ترام وتعطيني سؤلي وتدخلني الجنة برحمتك
وان لا تدع لي ذنبا الا غفرته ولا هما الا فرجته ولا كربة الا كشفتها
ولا حاجة الا قضيتها بحق محمد وآل محمد انك انت الاجل الاعظم روز چهارم
و اعمال آن چند چیز است اول سید بن طاوس ره يا كهفي حين تعييني المذاهب و
در اقبال این دعا را برای این روز نقل نموده است
ملجأي حين تضيق بي الحيل ويا بارئ خلقي رحمة بي وكنت عن خلقي غنيا
يا مؤيدي بالنصر على اعدائي ولولا نصرك اياي لكنت من المغلوبين ويا مديل

عثرتي ولولا سترك عورتي لكنت من المفضوحين ويا مرسل الرياح من معادنها
ويا ناشر البركات من مواضعها ويا من خص نفسه بشموخ الرفعة
فأولياؤه بعزه يتعززون ويا من وضع نير المذلة على أعناق الملوك قهر ن د
فهم من سطواته خائفون أسألك باسمك الذي هو من نورك وأسألك
بنورك الذي هو من كينونتك وأسألك بكينونتك التي هي من
كبريائك وأسألك بكبريائك التي هي من عظمتك وأسألك
بعظمتك التي هي من عزتك وأسألك بعزتك التي لا ترام و
بقدرتك التي خلقت بها خلقك فهم لك مذعنون وباسمك
الأجل الأعظم المبين أن تصلي على محمد وآله وأن تقضي عني ديني
وتغنيني من الفقر وتمتعني بسمعي وبصري وتجعلهما الوارثين
مني وأن ترزقني من فضلك الواسع من حيث أحتسب ومن حيث لا
أحتسب فإنه لا حول ولا قوة إلا بك يا الله يا رب صل على محمد و
آل محمد واغفر لي ولكل مؤمن ومؤمنة يا أرحم الراحمين
دعا سيد ابن باقي در اختيار اللهم إني أسألك يا من هو أكبر وأبصر اصبر ن د
اين دعا را براى [illegible]

وأخبر وأقدم وأقدر وأطهر وأنور وأشكر وأستر وأفخر وأنصر
وأعز وأكبر وأسمع وأقنع وأعلا وأرفع وأخلف وأعطف
وأرأف وأمجد وأحمد وأكمل وأفضل وأشفق وأرفق و
أصدق وأرحم وأجل وأعظم وأحكم وأقوم وأقدم وأملك
وأرزق وأقبض وأبسط وأسبغ وأحفظ وأغنى وأمنى وأعلى
وأوفى وأبلى وأعطى وأنمى وأكلى وأسخى وأهدى وأرشد
وأعز وأجل وأقرب وأغلب وأدب وبحقك الواجب على مرضات
فرضيته ن د لوجهك الكريم في هذا اليوم وفي هذا الشهر منذ فرضته وعلى
نبيك ن د محمد صلى الله عليه وآله وسلم وعلى أمته أن لا تدع لي ذنبا إلا
غفرته ولا هما إلا فرجته ولا غما إلا نفسته ولا عسرا إلا يسرته
ولا فسادا إلا أصلحته ولا دينا إلا قضيته ولا مرضا إلا شفيته
فيه ن د ولا عيبا إلا سترته اللهم اصرف عني فتنة الآفات والعاهات
والبلوى والبليات واغفر لي الموبقات وأنجح لي الطلبات وارفع
لي الدرجات ووفقني للصالحات وأدخلني الجنات مع المؤمنين والمؤمنات

وَالْقَائِلِينَ عَدَدَ لَا مُخْلِصاً لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ اَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

يَا مَنْ آلَاؤُهُ لَا تُحْصَى وَيَا مَنْ ذِكْرُهُ لَا يُنْسَى وَيَا مَنْ نِعَمُهُ لَا تَفْنَى يَا مَنْ

عَلَا فَاسْتَعْلَى يَا مَنْ عَلَا فَتَعَالَى يَا أَهْلَ الْفَضْلِ وَالْآلَاءِ يَا مَنِ الْعَرْشُ

يَتَلَأْلَأُ أَسْأَلُكَ بِمَا مَدَحْتُكَ بِهِ مِنْ أَسْمَائِكَ فِي يَوْمِي هَذَا وَنَاجَيْتُكَ

بِهِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْمَيْمُونِ الْمَفْرُوضِ الْمُبَارَكِ وَبِمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَى أَوْلِيَائِكَ

وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ أَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ

وَتُصْلِحَ لِيَ الشَّأْنَ وَتَهَبَ لِي حَوَائِجَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأَمْنَ وَ

الْعَافِيَةَ وَالْغِنَى وَالْمَغْفِرَةَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ سیم صاحب کتاب ... از ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا ص

فرمود که هر که در روز چهارم ماه رمضان این دعا را بخواند حق تعالی در جنة

الخلد هفتاد هزار سریر با وعطا فرماید که بر هر سریری حوریه نشسته باشد و دعا این است

اَللَّهُمَّ قَوِّنِي فِيهِ عَلَى إِقَامَةِ أَمْرِكَ وَارْزُقْنِي فِيهِ حَلَاوَةَ ذِكْرِكَ وَأَوْزِعْنِي

فِيهِ أَدَاءَ شُكْرِكَ يَا خَيْرَ النَّاصِرِينَ شب پنجم واعمال آن چند چیز است اول غسل

زیرا که از شبهای طاق است دوم شیخ شهید در ...

کتاب ... از رسول خدا ص روایت کرده است که هر که در این شب دو رکعت نماز کند و در هر رکعتی حمد یک مرتبه

و سوره قل هو الله احد پانصد مرتبه ... چون فارغ شود صد مرتبه اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

بگوید ... مؤلف گوید که کفعمی در جنة الامان در ... سهو ... نقل نموده

و صلوات ... سیم سید بن طاوس ره در کتاب ... از عمل شهر رمضان ... بن ... فرموده

این دعا را برای این شب نقل نموده است اَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ خَيْرِ الْأَسْمَاءِ

الَّتِي تُنْزِلُ بِهَا الشِّفَاءَ وَتَكْشِفُ بِهَا الْأَدْوَاءَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُنْزِلَ مِنْكَ عَافِيَةً وَشِفَاءً وَتَدْفَعَ عَنِّي بِاسْمِكَ

كُلَّ سُقْمٍ وَبَلَاءٍ وَتَتَقَبَّلَ صَوْمِي وَتَجْعَلَنِي مِمَّنْ صَامَ وَقَامَ وَزَكَّيْتَ

عَمَلَهُ وَتَجْعَلَنِي مِمَّنْ صَامَتْ جَوَارِحُهُ وَحَفِظَ لِسَانَهُ وَفَرْجَهُ وَتَرْزُقَنِي

عَمَلاً تَرْضَاهُ وَتَمُنَّ عَلَيَّ بِالصَّمْتِ وَالسَّكِينَةِ وَوَرَعاً يَحْجُزُنِي عَنْ مَعْصِيَتِكَ

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ چهارم سید بن طاوس در اقبال و شیخ ... در اختیار این دعا

را برای این شب از رسول خدا صلعم روایت نموده است

يَا صَانِعَ كُلِّ مَصْنُوعٍ وَيَا جَابِرَ كُلِّ كَسِيرٍ وَيَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَى وَيَا رَبَّنَا

وَيَا سَيِّدَنَا أَنْتَ النُّورُ فَوْقَ النُّورِ وَنُورُ كُلِّ نُورٍ فَيَا نُورَ كُلِّ نُورٍ

أَسْأَلُكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبَ اللَّيْلِ وَذُنُوبَ النَّهَارِ وَذُنُوبَ السِّرِّ وَ

ذُنُوبَ الْعَلَانِيَةِ يَا قَادِرُ يَا قَدِيرُ يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ يَا وَدُودُ يَا

غَفُورُ يَا رَحِيمُ يَا غَافِرَ الذَّنْبِ وَقَابِلَ التَّوْبِ شَدِيدَ الْعِقَابِ ذَا

الطَّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ تُحْيِي وَتُمِيتُ وَتُمِيتُ

وَتُحْيِي وَأَنْتَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اغْفِرْ

لِي وَارْحَمْنِي وَاعْفُ عَنِّي وَارْحَمْنِي إِنَّكَ أَنْتَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

مودة است
روز چهارم دعا كه آنچه جزء است اول سيد بن طاوس در اقبال آورده دعا برای این روز نقل
اللهم صل على محمد وآل محمد وانزع ما في قلبي من حسد أو غل أو غش
أو فسق أو فرح أو مرح أو بطر أو أشر أو خيلاء أو شك أو ريبة أو نفاق
أو شقاق أو غفلة أو قطيعة أو جفاء أو ما تكرهه مما هو في قلبي
اللهم ارزقني التثبت في أمري والمشاورة مع أهل النصيحة والمودة
لي والتواضع في قلبي والتماس البركة فيما أنعمت به علي اللهم
ارزقني سلامة الصدر والسكينة إلى ما تحب وترضى اللهم ارزقني
شرح الصدر وانفتاحه لما تحب وترضى وذكاء القلب وتسمعه
لما تحب وترضى وضياء القلب وتوقده فيما تحب وترضى وحسن الأمن
والإيمان بما تحب وترضى يا من بيده صلاح القلب أصلحه لي يا من بيده
سلامة القلب فاجعله سالما لي وارزقني ما سألتك وتفضل علي
بما لم أسأل اللهم ارزقني من فضلك وسعتك وجودك وكثرة
نائلك ما أنت أهله اللهم اعصمني عن طلب ما لم تقدره لي وسهل
سبيل ما رزقتني منه وسقه إلي في عافية ويسر ورحمة ولطف
ولا تعسره لي اللهم لا تنزع مني صالحا أعطيتنيه ولا توقفني

في شر ما استعذتك منه واكفني برزقك من جميع خلقك اللهم صل
على محمد وآل محمد ومتعنا بأسماعنا وأبصارنا واجعلهما الوارثين
منا فإنه لا حول ولا قوة إلا بك روز دويم سيد بن باقي ره در اختيار این
دعا را برای این روز نقل نموده است
اللهم إني أسألك بلا إله إلا أنت يا لا إله إلا أنت أن تصلي على
محمد وآل بيته الأخيار وأن تتوب علي في هذا الشهر كما تبت على
أبينا آدم عليه السلام وأن تنجيني من كربات الدنيا كما نجيت نوحا عليه السلام
من الكرب العظيم وأن تبارك لي في هذا الشهر كما باركت على إبراهيم وآل إبراهيم
إنك حميد مجيد وأن ترضى عني فيه كما رضيت عن إسماعيل عليه السلام
وأن تصرف عني الفحشاء كما صرفت عن يوسف عليه السلام وأن تمن علي
بالفضل كما مننت على موسى عليه السلام وأن تتقبل مني كما تقبلت من
داود عليه السلام وأن تستجيب دعائي كما استجبت لزكريا عليه السلام
وأن تكشف عني الضر كما كشفته عن أيوب عليه السلام وأن تنجيني من تكشف
الآفات كما نجيت ذا النون من بطن الحوت وأن ترفع لي منزلا مباركا كما
رفعت لإدريس عليه السلام مكانا عليا وأن توفقني للصالحات كما وفقت
وفقته

شُعَيْبًا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَاَنْ تُسَلِّمَهُ لِي كَمَا سَلَّمْتَ اِلْيَاسَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَاَنْ تَهَبَ

لِي بَرَكَتَهُ وَيُمْنَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا كَمَا وَهَبْتَ لِسُلَيْمَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

مُلْكًا عَظِيمًا وَاَنْ تُكْرِمَنِي كَمَا اَكْرَمْتَ عِيسَى بْنَ مَرْيَمَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَاَنْ — عليهما

تَهْدِيَنِي كَمَا هَدَيْتَ نَبِيَّنَا مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَاَنْ تُعْتِقَنِي فِيهِ

مِنَ النَّارِ بِمَسْئَلَتِي اِيَّاكَ بِرَحْمَتِكَ وَاَنْ تَجْعَلَنِي كَمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى فِي

جَمِيعِ الْاُمُورِ اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ الطَّاهِرِينَ

سیم صاحب کتاب فی خبر از ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا صلعم فرمود که هرکه این دعا را در روز پنجم ماه رمضان بخواند حق تعالی در جنة الماوی هزار هزار کاسه باد عطا فرماید که در هرکاسه هزار رنگ از طعام اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ عِبَادِكَ باشد و دعا اینست

الصَّالِحِينَ الْقَانِتِينَ وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ اَوْلِيَائِكَ الْمُقَرَّبِينَ بِرَاْفَتِكَ يَا اَكْرَمَ

الْاَكْرَمِينَ شب ششم والحال آن چند چیز است اول شیخ شهید ره در کتاب اربعین از رسول خدا صلعم روایت کرده است که هرکه در این شب چهار رکعت نماز کند در هر رکعت یکسلام در هر رکعتی حمد یکنوبت و سوره تبارک الذی بیده الملک یکنوبت ثوابش چنان باشد که گویا شب قدر را دریافته باشد دوم سید بن طاوس ره در اقبال از کتاب عمل شهر رمضان این دعا را برای این شب نقل نموده است — نماز این شب

اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَاِلَيْكَ الْمُشْتَكَى اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْوَاحِدُ الْقَدِيمُ وَالْاٰخِرُ الدَّائِمُ

وَالرَّبُّ الْخَالِقُ وَالدَّيَّانُ يَوْمَ الدِّينِ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ بِلَا مُغَالَبَةٍ وَتُعْطِي مَنْ

تَشَاءُ بِلَا مَنٍّ وَتَصْنَعُ مَا تَشَاءُ بِلَا ظُلْمٍ وَتُدَاوِلُ الْاَيَّامَ بَيْنَ النَّاسِ يَرْكَبُونَ

طبقا

طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ اَسْئَلُكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ وَالْعِزَّةِ الَّتِي لَا تُرَامُ

وَاَسْئَلُكَ يَا اَللّٰهُ وَاَسْئَلُكَ يَا رَحْمٰنُ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ

مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَفَرِّجْنَا بِفَرَجِهِمْ وَتَقَبَّلْ صَوْمِي وَ

اَسْئَلُكَ خَيْرَ مَا اَرْجُو وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا اَحْذَرُ اِنْ اَنْتَ خَذَلْتَ

فَبَعْدَ الْحُجَّةِ وَاِنْ اَنْتَ عَصَمْتَ فَبِتَمَامِ النِّعْمَةِ يَا صَاحِبَ مُحَمَّدٍ يَوْمَ

حُنَيْنٍ وَصَاحِبَهُ وَمُؤَيِّدَهُ يَوْمَ بَدْرٍ وَخَيْبَرَ وَالْمَوَاطِنِ الَّتِي نَصَرْتَ

فِيهَا نَبِيَّكَ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ السَّلَامُ يَا مُبِيرَ الْجَبَّارِينَ وَيَا عَاصِمَ النَّبِيِّينَ

اَسْئَلُكَ وَاُقْسِمُ عَلَيْكَ بِحَقِّ يٰسٓ وَالْقُرْاٰنِ الْحَكِيمِ وَبِحَقِّ طٰهٰ وَسَائِرِ

الْقُرْاٰنِ الْعَظِيمِ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَحْصُرَ فِي عَنِّي

الذُّنُوبَ وَالْخَطَايَا وَاَنْ تَزِيدَنِي فِي هٰذَا الشَّهْرِ الْعَظِيمِ تَاْيِيدًا تَرْبُطُ

بِهِ عَلَى جَاْشِي وَتَسُدُّ بِهِ عَلَى خَلَّتِي اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَدْرَاُ بِكَ فِي نُحُورِ اَعْدَائِي

لَا اَجِدُ لِي غَيْرَكَ هَا اَنَا بَيْنَ يَدَيْكَ فَاصْنَعْ بِي مَا شِئْتَ لَا يُصِيبُنِي اِلَّا مَا

كَتَبْتَ لِي اَنْتَ حَسْبِي وَنِعْمَ الْوَكِيلُ سیم سید بن طاوس ره در اقبال دعا را برای این شب از حضرت صادق علیه السلام روایت اَللّٰهُمَّ اَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَاَنْتَ الْوَاحِدُ الْكَرِيمُ وَاَنْتَ الْاِلٰهُ

نموده است

الصمد رفعت السموات بعد ذلك و دحوت الارض بعزتك و انشأت

السحاب بوحدانيتك و اجريت البحار بسلطانك يا من سبحت له

الحيتان في البحور و السباع في الفلوات يا من لا يخفى عليه خافية

في السموات السبع و الارضين السبع يا من تسبح له السموات

السبع و الارضون السبع و من فيهن يا من لا يموت و لا يبقى الا

وجهه الجليل الجبار صل على محمد و آله و اغفر لي و ارحمني و

اعف عني انك انت الغفور الرحيم روز ششم شيخ مفيد ره در كتاب مسار

الشيعة گفته كه درين روز در سال دويست

و يك هجري مامون ملعون با حضرت امام رضا ع بخلافت بيعت نمود و اين روز شريفي است كه

سرور مومنين در آن متجدد شده و مستحب است در آن صدقه و اعانت مساكين و بجا

آوردن شكر حق تعالى بجهة آنكه حق آل محمد عليهم السلام را درين روز ظاهر كرد اسيد و بيني منافقين

را بر خاك ماليد و در كتاب فوايد شرعيه بيعت آنحضرت را بر تنهائي درين روز نقل نموده

و ظاهر آنست كه در باب صدقه حديثي مخصوص وارد نشده باشد و چون تصدق و شكر

الهي در ايام متبركه عموما فضيلت دارد و شيخ نيز درين روز آنرا ذكر نموده و چون اين روز

را مزيد اختصاصي بآنحضرت هست زيارت آنحضرت از نزديك و دور نيز مناسب است

و اعمال آن چند امر است اول سيد در اقبال گفته كه در روايتي وارد شده كه درين

روز دو ركعت نماز بايد كرده شود و در هر ركعتي حمد يكنوبت و سوره قل هو الله احد بيست و

پنج نوبت بجهة آنكه درين روز تفضيل حضرت امام رضا ع ظاهر شده است دوم سيد در

اقبال اين دعا را براي يا خير من وجهت اليه وجهي يا خير من شكوت اليه

اين روز نقل نموده است

وحدتي يا خير من شخصت اليه بصري يا خير من ناجيته في سري يا خير

من بسطت

من بسطت اليه يدي يا خير من رجوته في حاجتي يا خير من فكرت

فيه بقلبي يا خير من اشرت اليه بكفي اجعل افضل صلواتك

على افضل خلقك محمد و آله عليه و عليهم السلام و اجعلهم و

ايانا و ما تفضلت به عليهم و علينا في كنفك و حرزك و كفايتك

و كلائتك و سترك الواقي من كل سوء و مخوف في الدنيا و الاخرة فانا

قد استغنينا و اعتصمنا و تعززنا بك و انت الغالب غير المغلوب

و رمينا كل من اراد اهل بيت محمد و اشياعهم و احباءهم

بسوء او مخوف او باذى بلا اله الا الله الحليم الكريم و بلا اله الا

الله العلي العظيم و بلا اله الا الله رب السموات السبع و ما فيهن

و رب الارضين السبع و ما بينهن و رب العرش العظيم سوم سيد

بن باقي ره دعا

اختيار اين دعا را براي اين روز نقل نموده است اللهم ربي و الهي و سيدي و ثقتي و رجائي

و املي و موضع شكواي و من اليه ملجاي و من هو ثقتي في كل

احوالي اني اصبحت و بي اليك فاقة و بي اليك حاجات و لك عندي

طلبات و انا من تهوري بما اجترات فيها و ادنتك به من المعاصي قد

مخالفة ما امرتني به وتبت اليك منها فاغفرها لي من لدنك بعظيم عفوك

وبسعة رزقك ورحمتك وجودك وكرمك ومغفرتك كلها قديمها

وحديثها سرها وعلانيتها خطاها وعمدها مغفرة عزما جزما

لا اكتب بعدها خطأ ولا تكتب علي بعدها ذنبا ولا اثما يا تقيتي في

وحدتي — شدتي ومؤنسي في وحشتي وكالئي في وحدتي يا قديم العفو يا حسن

الذليل — البلاء يا الهي واله الخلق اجمعين اللهم اني عبدك القليل الذليل

الخائف المستجير المحتاج اليك المضطر في كل احواله الى خالقه

باحتمال الخطاء سرا وعلانية انا شر عبد وانت خير رب ومولى

انت العواد بالمغفرة وانا العواد بالمعصية انا المستوجب لبوائق

سخطك ولزوال نعمتك اسالك يا الهي بصفاتك وبهائك والائك و

كلها — كبريائك واسمائك الحسنى وكلماتك التامات كلها واياديك القديمة

عندي ان تصلي على محمد وآل محمد الاخيار وان تعتق رقبتي

من النار انك على كل شيء قدير وصلى الله على محمد وآله الطاهرين وسلم

چهارم صاحب کتاب فی خبر از ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود که هر که در این روز این دعا را بخواند حق تعالی در قیامت هزار شهر او عطا فرماید و دعا این است

اللهم لا تجعل لي فيه تعرضا لمعصيتك ولا تضربني بسياط نقمتك وزحزحني

فيه من موجبات سخطك بمنك واياديك يا منتهى رغبة الراغبين

شب هفتم

غسل — واعمال آن چند چیز است اول غسل زیرا که از شبهای طاق است دوم شیخ شهید ره در کتاب اربعین از رسول خدا روایت کرده است که هر که در این شب چهار رکعت نماز کند هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی حمد یکنوبت و سوره انا انزلناه سیزده نوبت حق تعالی در جنت عدن قصری از طلا برای او بنا کند و در امان الهی باشد تا رمضان آینده سیم سید ابن طاوس ره در اقبال از کتاب شهر رمضان ابن ابی قره این دعا را برای این شب نقل نموده است

یا صریخ المستصرخین ویا مفرج کرب المکروبین ویا مجیب

دعوة المضطرين ويا كاشف الكرب العظيم يا ارحم الراحمين صل على محمد

وآل محمد واكشف كربي وهمي وغمي فانه لا يكشف ذلك غيرك وتقبل

صومي واقض لي حوائجي وابعثني على الايمان بك والتصديق بكتابك ورسولك

وحب الائمة المهديين اولي الامر الذين امرت بطاعتهم فاني قد رضيت

بهم ائمة اللهم صل على محمد وآل محمد وادخلني في كل خير ادخلت

فيه محمدا وآل محمد واجعلني معهم في الدنيا والآخرة ومن المقربين

اللهم صل على محمد وآل محمد وتقبل صومي وصلوتي ونسكي في هذا

الشهر المفترض علينا صيامه وارزقني فيه مغفرتك ورحمتك

يا ارحم الراحمين چهارم ایضا سید ابن طاوس ره در اقبال و ابن بابویه ره در اخبار از رسول خدا این دعا را برای این شب روایت کرده اند یا من كان ويكون

وليس كمثله شيء يا من لا يموت ولا يبقى الا وجهه الجبار يا من يسبح
الرعد بحمده والملائكة من خيفته يا من اذا دعي اجاب يا من اذا
استرحم رحم يا من لا يدرك الواصفون صفته من عظمته يا من لا
تدركه الابصار وهو يدرك الابصار وهو اللطيف الخبير يا من
يرى ولا يرى وهو بالمنظر الاعلى يا من لا يعجزه شيء ولا فوقه احد يا من يعجزه
بيده نواصي العباد اسألك بحق محمد عليك وحقك ان تصلي على
محمد وال محمد وان ترحم محمدا وال محمد كما صليت وباركت وترحمت رحمت د
على ابرهيم وال ابرهيم في العالمين انك حميد مجيد مؤلف گويد كه بعضى از
فقرات اين دعا را اختيار
اين با فى موجود نيست و ظاهر آنست كه ساقط شده باشد روز هفتم و اعمال آن چند چيز است
اول سيد در اقبال اين دعا را براى اين روز نقل كرده است اللهم انت ثقتي
حين يسوء ظني باعمالي وانت املي عند انقطاع الحيل مني وانت
رجائي عند تضايق حلول البلاء علي وانت عدتي في كل شديدة
نزلت بي وفي كل مصيبة دخلت علي وفي كل كلفة
صارت علي وانت موضع كل شكوى ومفرج كل بلوى
انت لكل عظيمة ترجى ولكل شديدة تدعى اليك المشتكى و

انت

وانت المرتجى للاخرة والاولى اللهم ما اكبر همي ان لم تفرجه
واطول حزني ان لم تخلصني واعز حسناتي ان لم تثبتها واخف اعظم د
ميزاني ان لم تثقله وازل لساني ان لم تثبته واوضع جدي ان
لم تقل عثرتي انا صاحب الذنب الكبير والجرم العظيم انا الذي
لعبت بي سوءتي وكشف قناعي ولم تكن بيني وبينك حجاب يواريني
منك فلو عاقبتني على قدر جرمي لما فرجت عني طرفة عين
ابدا اللهم انا الذليل الذي اعززت وانا الضعيف الذي
قويت وانا المغتر الذي سترت فما شكرت نعمتك ولا اديت
حقك ولا تركت معصيتك يا كاشف كرب ايوب وسامع
صوت يونس المكروب وفالق البحر لبني اسرائيل ومنجي موسى
ومن معه اجمعين اسالك ان تصلي على محمد وال محمد وان
تجعل لي من امري فرجا ومخرجا ويسرا برحمتك يا ارحم الراحمين
دوم سيد بن باقى ودو اختيار لا اله الا الله وحده لا شريك له له
اين دعا را براى اين روز نقل نموده است
الملك وله الحمد يحيي ويميت ويميت ويحيي وهو حي لا يموت بيده

انت الخير وهو على كل شيء قدير لا اله الا الله وحده لا شريك له ولا نعبد
الا الله وحده لا شريك له وسبحان الله وبحمده لا اله الا الله
الها واحدا ونحن له مسلمون اللهم انت العالم بما ظهر مني و
خفي عن خلقك ولولا سترك لي وتحننك علي لكنت من
المفضوحين سيدي او قرنتني بالنعم واوقرت صحيفتي
ذنوبا نظرت لي بكرمك ولم انظر لنفسي بسوء رأيي فكم من ذنب
عظيم وخطيئة موبقة احصيت علي في سواد الليل وضوء
النهار استحيي من ذكرها تسمية بين يديك فبئس العبد انا
لنفسي ونعم الرب انت لي تدعوني فاولي عنك كان لي التطول
عليك فاسئلك يا الهي بالقدرة التي قدرت بها على ذنوبي احصيتها
وبالرحمة التي سترت بها ما قبح من ذنوبي ان تصلي على محمد
واهل بيته الاخيار وتعتقني من النار في يومي هذا من شهرك
الميمون المعصوم وان تختم لي في هذا اليوم بخير مع المؤمنين
والمؤمنات الاحياء منهم والاموات بما انت اهله حتى امور

يا مولاي

يا مولاي بحسن توكلي عليك ولما جرت عادتك مع امثالي
من خلقك وان ترزقني الامن والعافية والغنى والمغفرة
انك على كل شيء قدير وصلى الله على محمد وآله الطاهرين
وسلم كثيرا سيم صاحب كتاب ذخيره از ابن عباس روايت كرده است كه
رسول خدا فرمود كه هر كه در روز هفتم ماه رمضان اين دعا
را بخواند حق تعالى او را در بهشت عطا كند آنچه را ببيند و بشنود و اوليا عطا فرمايد دعا
اللهم اعني على صيامه وقيامه واجنبني فيه من هفواته
وآثامه وارزقني فيه ذكرك بدوامه بتوفيقك يا ولي المؤمنين
شب هشتم واعمال آن چند امر است اول شيخ شهيد ره در كتاب اربعين از رسول
خدا روايت نموده است كه هر كه در اين شب دو ركعت نماز كند در هر ركعتي حمد يكنوبت
وسوره قل هو الله احد ده نوبت و بعد از نماز هزار مرتبه سبحان الله بگويد هشت
در بهشت بر روى او مفتوح شود و داخل بهشت شود از هر درى كه خواهد مؤلف
گويد كه در اين موضع نيز كفعمى در جنة الامان سهو نموده و سوره قل هو الله احد را
يازده نوبت نقل نموده است و گويا جهت سهو آنست كه لفظ احد در قل هو الله احد را
متصل بلفظ عشر خوانده و احد عشر گمان نموده است و نظير اين سهو از او در
صلوات ليالى رجب در خزينه اول گذشت والله تعالى يعلم دويم سيد ابن طاوس
رحمه الله در اقبال از كتاب عمل شهر رمضان ابن ابى قره اين دعا را براى اين شب نقل نموده
اللهم اني اسألك الصلوة على محمد وآل محمد والغناء من
العيلة والامن من الخوف اللهم اني اسألك النعيم المقيم
الذي لا يحول ولا يزول يا الله يا نور النور لك التسبيح سبحانك

لا إله إلا أنت لك الكبرياء سبحانك بسم الله الرحمن الرحيم
سبحان الله وبحمده محمد رسول الله صلى الله عليه وآله
اللهم صل على محمد وآل محمد وتقبل صومي ولا تنكس رأسي
بين يدي محمد وآله صلواتك عليهم فقد بلغوا ونصحوا
اللهم صل على محمد وآل محمد وانعشني على الإيمان بك والتصديق
بكتابك وبرسولك اللهم إني أسألك بركة شهرنا هذا وليلتنا
هذه وأسألك من كل خير أنزلته وأنت منزل فيها مغفرة و
رضوانا ورزقا واسعا وابسط علي وعلى عيالي وولدي وأهلي
وجميع المؤمنين والمؤمنات إنك على كل شيء قدير اللهم
إني أعوذ بك من زوال نعمتك وأعوذ بك من شر كتاب قد سبق
سیم سید بن طاوس و سید بن باقی طاب ثراهما در اقبال و اختیار از رسول
خدا صلی الله علیه وآله این دعا را برای این شب روایت نموده اند
اللهم هذا شهرك الذي أمرت فيه عبادك بالدعاء وضمنت لهم — الشهر
الاستجابة والرحمة وقلت وإذا سألك عبادي عني فإني قريب — الإجابة
أجيب دعوة الداع إذا دعان فادعوك يا مجيب دعوة المضطرين

ويا كا

ويا كاشف السوء عن المكروب ويا جاعل الليل سكنا ويا من لا
يموت اغفر لمن يموت قدرت وخلقت وسويت فلك الحمد أطعمت
وسقيت وآويت ورزقت فلك الحمد أسألك أن تصلي على محمد و
آل محمد في الليل إذا يغشى وفي النهار إذا تجلى وفي الآخرة والأولى
وأن تكفيني ما أهمني وتغفر لي إنك أنت الغفور الرحيم باب
که روایت ابن باقی انداز نقاوۀ بار روایت ابن طاوس دارد و بعضی از فقرات نیز در آن موجود
نیست و ظاهرا ساقط شده باشد روز هشتم و اعمال آن چند امر است اول سید
در اقبال این دعا را برای این روز نقل نموده اللهم إني لا أجد من أعمالي عملا أعتمد عليه و
أتقرب به إليك أفضل من ولايتك وولاية رسولك وآل رسولك
الطيبين صلواتك عليه وعليهم أجمعين اللهم إني أتقرب إليك
بمحمد وآل محمد وأتقرب بهم إليك فاجعلني عندك يا إلهي بك
وبهم وجيها في الدنيا والآخرة ومن المقربين فإني قد رضيت بك لك
منك تحفة وكرامة فإنه لا تحفة ولا كرامة أفضل من
رضوانك والتنعم في دارك مع أوليائك وأهل طاعتك اللهم
اجعلني بودائعك التي لا تضيع ولا ترد بي خائبا وحق من أوجبت

حقّه عليك واسألك ان تصلّي على محمد وآل محمد وتعجّل فرج آل
محمد وفرجي معهم وفرج كل مؤمن ومؤمنة برحمتك يا ارحم الراحمين
دوم سيد بن باقي دعا اختيار اين دعا الحمد لله الفاشي في الخلق حمده الظاهر
را براي اين روز نقل نموده است
بالكرم مجده الباسط بالجود يده الذي لا ينقص خزائنه لسعة
فضله وكرم عطاياه ولا يزيده العطاء الا جوداً وكرماً
وتفضّلاً واحساناً وهو العزيز الحكيم الكريم الوهّاب العظيم
اللهم لك الحمد كنت ربّاً كائناً غير مكوّن وحدك لا احد
معك يبقى كما انت بل تبقى ابداً وتفنى ما سواك ولك الخلق
والامر تبارك الله رب العالمين الحمد لله الذي لا مضادّ له في
ملكه ولا شبيه له في صفته ولا منازع له في امره ولا نظير له
في سلطانه ولا شريك له في خلقه يرث الارض ومن عليها بيده
الخير وهو على كل شيء قدير الهي انا الذي بارزتك بسيّئاتي
وكشفت قناعي ولم يكن بيني وبينك ستر يواريني ولا حجاب
يحجبني الهي فما احسن بلاءك عندي وما اظهر نعماءك عليّ واكثر

آياديك لديّ ان شكرتها عرفت واجب حقّها الهي خلقتني بتقدير وصوّرتني
فاحسنت وانعمت فاسبغت ورزقتني فوفّرت واعطيت فاجزلت
بلا استحقاق منّي لذلك ولكن ابتدأت بالكرم والجود فلك الحمد
لا اله الا انت سبحانك انّي كنت من الظالمين يا عفوّ اللهم انّك
عفوّ تحبّ العفو فاعف عنّي يا عفوّ في هذه الدنيا وتكرّم عليّ
وارزقني الامن والعافية والغنى والمغفرة انّك على كل شيء قدير
وصلّى الله على محمد وآله الطاهرين سيم صاحب كتاب ... از ابن عباس
روايت كرده است كه رسول خدا فرمود
كه هركه اين دعا را در اين روز بخواند ... اللهم ارزقني فيه رحمة الايتام واطعام
اعمال هزار صديق بالا رود ودعا اينست
الطعام وافشاء السلام ومجانبة اللئام وصحبة الكرام بطولك
يا ملجأ الآملين شب هفتم واعمال آن چند امر است اول غسل است ... ذكر از اشتهار ... امل ...
طاووس دوم شيخ شهيد ره در كتاب اربعين از رسول خدا روايت
كرده است كه هركه در اين شب ميان نماز شام وخفتن شش ركعت نماز بكند هر دو ركعت نماز در اين شب
بسلام در هر ركعتي حمد يكنوبت وآية الكرسي هفت نوبت وبعد از نماز پنجاه نوبت اللهم
صلّ على محمد وآل محمد بگويد عملش با اعمال صديقان وشهدا وصالحان بالا برند
سيم سيد بن طاوس ره در كتاب ... از كتاب عمل شهر رمضان ابن ابي قره اين دعا را
براي اين شب نقل نموده است اللهم لك الحمد لا اله الا انت ربّي وانا عبدك آمنت
بك مخلصاً لك ديني اصبحت على عهدك ووعدك ما استطعت اتوب

إليك من سوء عملي واستغفرك لذنوبي التي لا يغفرها إلا أنت صل
على محمد وآل محمد وتقبل صومي وتفضل علي وبلغني انسلاخ
هذا الشهر يا خير المولى يا موضع كل شكوى ويا سامع
كل نجوى ويا شاهد كل ملأ ويا عالم كل خفية
ويا كاشف ما يشاء من بلية خليل ابرهيم ونجي موسى و
مصطفى محمد صلى الله عليهم أدعوك دعاء من اشتدت
فاقته وضعفت قوته وقلت حيلته دعاء الغريب
الغريق المضطر البائس الفقير الذي لا يجد لكشف ما هو من
الذنوب إلا أنت فصل على محمد وآل محمد وفرج عني واكشف
ما بي من ضر وتقبل صومي وصلواتي في هذا الشهر العظيم وصلى الله
على محمد وآله الطاهرين جمادی سید بن طاوس نقل کرده در کتاب اقبال و سید باقی در کتاب
اختیار از رسول خدا این دعا را برای این شب روایت نموده
يا سيداه ويا رباه يا ذا الجلال والإكرام يا ذا العرش الذي لا ينام و
يا ذا العز الذي لا يرام ويا قاضي الأمور يا شافي الصدور اجعل
لي من أمري فرجا ومخرجا واقذف رجاءك في قلبي حتى لا أرجو أحدا سواك

عليك

عليك سيدي توكلت وإليك مولاي أنبت وإليك المصير أسألك
يا إله الآلهة ويا جبار الجبابرة ويا كبير الأكابر الذي من توكل
عليه كفاه وكان حسبه وبالغ أمره عليك توكلت فاكفني
وإليك أنبت فارحمني وإليك المصير فاغفر لي ولا تسود وجهي
يوم تسود وجوه وتبيض وجوه إنك أنت العزيز الحكيم وصل
اللهم على محمد وآل محمد وارحمني وتجاوز عني إنك أنت الغفور
الرحيم روز هفتم و اعمال آن چند امر است اول سید بن طاوس روایت کرده در کتاب اقبال که این دعا را
این روز نقل نموده است اللهم اغفر ذنبي واعصم عملي واهد قلبي
واشرح صدري ويسر لي أمري وجود فهمي وخفف وزري
وامنح في وثبت حجتي واربط جأشي وبيض وجهي وارفع جاهي
وصدق قولي وبلغ حديثي وعافني في عمري وبارك لي في منقلبي و
اعصمني في جميع أحوالي وأوسع علي في رزقي وسهل علي مطالبي
وأعطني من جزيل عطائك وأفضل ما أعطيت أحدا من خلقك
وتجاوز عن جميع ما عندي بحسن لطفك الذي عندك اللهم
لا تشمت بي عدوي ولا تمكنه من عنقي ولا تفضحني في نفسي

وَلَا تَجْعَلْنِي فِي جَارِي وَهَبْ لِي يَا إِلٰهِي عَطِيَّةً كَرِيمَةً رَحِيمَةً مِنْ عَطَايَاكَ
الَّذِي لَا فَقْرَ بَعْدَهُ فَقَدْ ضَعُفَتْ قُوَّتِي وَانْقَطَعَ عَنِ الْخَلْقِ رَجَائِي فَقَدْ
ذُلُّكَ يَا رَبِّ إِنْ تَرْحَمْنِي وَتُعَافِنِي كَكَفْدِكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَذِّبَنِي وَتَبْتَلِيَنِي
فَاجْعَلْ يَا مَوْلَايَ فِيمَا قَضَيْتَ تَعْجِيلَ خَلَاصِي مِنْ جَمِيعِ مَا أَنَا فِيهِ مِنَ
الْمَكْرُوهِ وَالْمَحْذُورِ وَالْمَشَقَّةِ وَعَافِنِي مِنْهُ كُلِّهِ إِلٰهِي لَا أَرْجُو
لِدَفْعِ ذٰلِكَ عَنِّي أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ فَكُنْ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ عِنْدَ
أَحْسَنِ ظَنِّي بِكَ وَامْنُنْ عَلَيَّ بِذٰلِكَ وَعَلَىٰ كُلِّ دَاعٍ دَعَاكَ بِرٍّ يَا مُؤ
مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْتَ سَيِّدِي أَمَرْتَ بِالدُّعَاءِ وَضَمِنْتَ لِمَنْ شِئْتَ الْإِجَا
وَوَعْدُكَ الْحَقُّ الَّذِي لَا خُلْفَ لَهُ دوم سید بن باقی در کتاب اختیار دعا
را برای این روز نقل نموده است
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَافْتَحْ لِي فِي يَوْمِي هٰذَا مِنْكَ أَبْوَابَ
الرَّحْمَةِ اللّٰهُمَّ فَإِنَّكَ تَسْتَحِبُّ الصَّلَاةَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَقَدْ سَأَلْتُكَ الصَّلَاةَ
عَلَيْهِ فِي يَوْمِي هٰذَا فَاسْتَجِبْ لِي فِيهِ وَتَسْتَجِيبُ لِي فِي نَفْسِي صَالِحَ مَا أَدْعُو
بِهِ فِي يَوْمِي هٰذَا وَمَا قَبْلَهُ وَمَا بَعْدَهُ وَفِي شَهْرِي هٰذَا كَمَا اسْتَجَبْتَ لِي
مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللّٰهُمَّ أَعْلِ عَلَى الْبُنْيَانِ بُنْيَانَهُ وَأَنْزِلْهُ

مَنْزِلَتَهُ وَزَكِّهِ وَاجْعَلْهُ مَقْبُولَ الشَّهَادَةِ مَرْضِيَّ الْمَقَالَةِ
كَمَا حَكَمَ وَعَدَلَ وَجَهَدَ وَلَمْ يُقَصِّرْ وَنَصَحَ لِأُمَّتِهِ وَجَاهَدَ فِي
سَبِيلِكَ وَصَبَرَ عَلَىٰ حُسْنِ بَلَائِكَ حَتَّىٰ أَتَاهُ الْيَقِينُ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
وَآلِهِ إِلٰهِي أَنَا الَّذِي لَمْ أَزَلْ أُذْنِبُ وَتَغْفِرُ لِي وَأُخْطِئُ وَتُحْسِنُ إِلَيَّ
أَنَا الَّذِي حَمَلْتُ الذُّنُوبَ أَنَا الْأَسِيرُ بِبَلِيَّتِي أَنَا الْمُجِدُّ بِخَطِيئَتِي
أَنَا الْمُنْقَطِعُ بِي وَقَدْ وَقَفْتُ نَفْسِي بَيْنَ يَدَيْكَ مَوْقِفَ الْأَذِلَّاءِ مَوْقِفَ
الْمُذْنِبِينَ الْمُتَجَرِّئِينَ عَلَيْكَ الْمُسْتَخِفِّينَ بِحَقِّكَ وَوَعْدِكَ النَّاقِضِينَ
لِعَهْدِكَ مَوْقِفَ مَنْ أَسْلَمَتْهُ ذُنُوبُهُ وَتَبَرَّءَ مِنْهُ خَلِيلُهُ وَقَرِيبُهُ إِلٰهِي
فَارْحَمِ الْيَوْمَ ضَرْعَتِي وَعَبْرَتِي وَأَقِلْنِي عَثْرَتِي وَاجْعَلْنِي بَعْدَ الْيَأْسِ وَ
سُوءِ الْمُنْقَلَبِ حَسَنَ الظَّنِّ بِكَ حِينَ وُقُوفِي بَيْنَ يَدَيْكَ يَا مَالِكَ وَ
ارْحَمْنِي إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَىٰ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ
سیم صاحب کتاب خیره از ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا فرمود که هر که این دعا را در
روز بخواند ثواب پیغمبر از بنی اسرائیل اَللّٰهُمَّ أَحْظِنِي فِيهِ مِنْ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ وَ
با کرامت شود و دعا این است
اهْدِنِي لِبَرَاهِينِكَ السَّاطِعَةِ وَخُذْ بِنَاصِيَتِي إِلَىٰ مَرْضَاتِكَ الْجَامِعَةِ
بِمَحَبَّتِكَ يَا أَمَلَ الْمُشْتَاقِينَ شب دوم و اعمال آن چند چیز است اول نماز شهیده

نماز در این شب

درکتاب اربعین از رسول خدا صلّی الله علیه و آله روایت نموده است که هرکه در این شب بیست رکعت نماز کند هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی حمد یکنوبت و سورهٔ قل هو الله احد سی نوبت حق تعالی درهای اورا وسیع کرداند و از مرستگاران شود مؤلف گوید که کفعمی ره در جنة الامان در این موضع نیز سهو در نقل کرده و سورهٔ قل هو الله احد را سی و یکمرتبه نقل نموده و منشا اشتباه همان معنی است که مکرر گذشت که لفظ احد در قل هو الله احد را متصل بلفظ ثلثین خوانده است والله تعالی یعلم دوم سید بن طاوس ره درکتاب اقبال از کتاب عمل شهر رمضان ابن ابی قره

این دعا را برای این شب نقل نموده است

یَا خَیْرَ مَنْ سُئِلَ وَ یَا اَوْسَعَ مَنْ اَعْطیٰ وَ یَا خَیْرَ مُرْتَجیً صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ فَضْلِكَ وَ افْتَحْ لی بابَ رِزْقٍ مِنْ عِنْدِكَ اِنَّكَ عَلیٰ كُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ وَ تَقَبَّلْ صَوْمی وَ تَفَضَّلْ عَلَیَّ اَللّٰهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضانَ وَ ما اَنْزَلْتَ فیهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَ الْبَرَكاتِ اَسْاَلُكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَرْزُقَنی حُبَّ الصَّلٰوةِ وَ الصِّیامِ وَ الْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ وَ صِلَةِ الرَّحِمِ وَ تُحَبِّبَ اِلَیَّ كُلَّما اَحْبَبْتَ وَ تُبَغِّضَ اِلَیَّ كُلَّما سَخِطْتَ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَكَفَّلْتَ بِرِزْقی وَ رِزْقِ كُلِّ دابَّةٍ یا خَیْرَ مَدْعُوٍّ وَ یا خَیْرَ مَسْئُولٍ وَ خَیْرَ مُرْتَجیً وَ اَوْسَعَ مَنْ اَعْطیٰ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْزُقْنِی السَّعَةَ وَ الدَّعَةَ وَ السَّعادَةَ فی هٰذَا الشَّهْرِ الْعَظیمِ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ سیم سید بن طاوس ره در کتاب اقبال و سید بن باقی ره در کتاب اختیار

این دعا را از رسول خدا صلّی الله علیه و آله برای این شب روایت کرده‌اند

اَللّٰهُمَّ یا سَلامُ یا مُؤْمِنُ یا مُهَیْمِنُ یا جَبّارُ یا مُتَكَبِّرُ

یا احد

یا اَحَدُ یا صَمَدُ یا واحِدُ یا فَرْدُ یا غَفُورُ یا رَحیمُ یا وَدُودُ یا حَلیمُ مَضیٰ مِنَ الشَّهْرِ الْمُبارَكِ الثُّلُثُ وَ لَسْتُ اَدْری سَیِّدی ما صَنَعْتَ فی حاجَتی هَلْ غَفَرْتَ لی اِنْ اَنْتَ غَفَرْتَ لی فَطُوبیٰ لی وَ اِنْ لَمْ تَكُنْ غَفَرْتَ لی فَوا سَوْاَتاهُ فَمِنَ الْآنِ سَیِّدی فَاغْفِرْ لی وَ ارْحَمْنی وَ تُبْ عَلَیَّ وَ لا تَخْذُلْنی وَ اَقِلْنی عَثْرَتی وَ اسْتُرْنی بِسِتْرِكَ وَ اعْفُ عَنّی بِعَفْوِكَ وَ تَجاوَزْ عَنّی بَعْدَ ذٰلِكَ اِنَّكَ تَقْضی وَ لا یُقْضیٰ عَلَیْكَ وَ اَنْتَ عَلیٰ كُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ

روز دهم شیخ مفید ره درکتاب مسار الشیعه ذکر نموده که در این روز از سال دهم بعثت سه سال پیش از هجرت خدیجهٔ کبری رحلت نموده و اعمال آن چند امر است اوّل سید بن طاوس ره درکتاب اقبال این دعا را برای این روز نقل نموده

اَللّٰهُمَّ یا مَنْ بَطْشُهُ شَدیدٌ وَ عَفْوُهُ قَدیمٌ وَ مُلْكُهُ مُسْتَقیمٌ وَ لُطْفُهُ شَدیدٌ یا مَنْ سَتَرَ عَلَی الْقَبیحِ وَ اَظْهَرَ الْجَمیلَ وَ لَمْ یُعَجِّلْ بِالْعُقُوبَةِ وَ یا مَنْ اَذِنَ لِلْعِبادِ بِالتَّوْبَةِ یا مَنْ لَمْ یَهْتِكِ السِّتْرَ لِذِی الْفَضیحَةِ یا مَنْ لا یَعْلَمُ ما فی غَدٍ غَیْرُهُ یا جابِرَ كُلِّ كَسیرٍ یا مَاْویٰ كُلِّ هارِبٍ یا غاذِیَ ما فی بُطُونِ الْاُمَّهاتِ یا سَیِّدی اَنْتَ لی فی كُلِّ حاجَةٍ نَزَلَتْ بی صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اكْفِنی ما اَهَمَّنی وَ ارْزُقْنی مِنْ رِزْقِكَ الْواسِعِ رِزْقاً حَلالاً طَیِّباً یا حَیُّ یا قَیُّومُ بِرَحْمَتِكَ

اسْتَغْفَفْتُ فَكَّ أَسْرِي وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ
عَيْنٍ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ دعای سیم سید بن باقی رہ در
کتاب اختیار این دعا را برای
این روز نقل نموده است
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ كَفَاهُ إِلٰهِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ
فَلَمْ أَشْكُرْ وَبَصَّرْتَنِي فَلَمْ أَتَبَصَّرْ وَوَعَظْتَنِي فَلَمْ أَذَّكَّرْ وَأَقَلْتَ الْعَثَرَاتِ
فَلَمْ أُقْصِرْ وَسَتَرْتَ الْعَوْرَاتِ فَلَمْ أَرْعَوِ وَهٰذَا شَهْرُ رَمَضَانَ شَهْرُ الصِّيَامِ
فَيَا مَنْ عَجَّتْ إِلَيْهِ الْأَصْوَاتُ فِي الْمَحَافِلِ بِصُنُوفِ اللُّغَاتِ يَسْأَلُونَكَ الْعَفْوَ
بِالْمُنَاجَاتِ اللّٰهُمَّ وَحَاجَتِي الْيَوْمَ إِلَيْكَ عِتْقُ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَنْ
تَقْبَلَنِي عَلَى مَا كَانَ مِنِّي يَا مَلْجَأَ كُلِّ لَاجٍ مَنْ أَحْسَنَ يَا مَوْلَايَ فَبِرَحْمَتِكَ
فَازَ وَمَنْ أَسَاءَ فَبِخَطِيئَتِهِ هَلَكَ إِلٰهِي فَلَا تُهْلِكْنِي وَأَنْتَ مَوْلَايَ وَمَنْ
كَانَ رَجَائِي يَا مَلْجَأِي إِلٰهِي قَدْ يَرْحَمُ عَبْدٌ مَخْلُوقٌ لِمَخْلُوقٍ مِثْلِهِ فَأَنَا عَبْدُكَ
وَأَنْتَ مَوْلَايَ وَخَالِقِي فَارْحَمْنِي يَا إِلٰهِي كَمَا رَحِمَ مَخْلُوقٌ لِمَخْلُوقٍ
اللّٰهُمَّ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَنْ تَحْمِلَ خَطِيئَتِي وَتَأْخُذَ
إِلَى الْخَيْرِ بِنَاصِيَتِي اللّٰهُمَّ أَعْطِنِي فِي يَوْمِي هٰذَا أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ أَحَدًا
مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَحُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَالْمُعْتَمِرِينَ إِلَى آخِرِهِ

إِلٰهِي وَسَيِّدِي إِنِّي مِنْكَ أَحْسَنَ الثَّنَاءِ لِأَنَّ بَلَاءَكَ عِنْدِي أَحْسَنُ الْبَلَاءِ
إِلٰهِي كَانِي بِنَفْسِي وَأَنَا وَاقِفٌ بَيْنَ يَدَيْكَ وَقَدْ أَظَلَّنِي حُسْنُ التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ
فَانْظُرْ إِلَيَّ بِرَحْمَتِكَ فِي ذٰلِكَ الْوَقْتِ نَظْرَةً أَفُوزُ بِهَا بَيْنَ يَدَيْكَ مَغْفُورًا لِي
اللّٰهُمَّ وَهٰذَا الدُّعَاءُ الَّذِي أَمَرْتَنَا بِهِ وَعَلَيْكَ الْإِجَابَةُ كَمَا ضَمِنْتَ
يَا أَهْلَ الْوَفَاءِ عَلَيْنَا الْمَسْأَلَةُ وَعَلَيْكَ الْعَطِيَّةُ وَهٰذَا الطَّلَبُ وَعَلَيْكَ
النَّجَاحُ وَهٰذَا الْجُهْدُ وَعَلَيْكَ التُّكْلَانُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا أَكْرَمَ
الْأَكْرَمِينَ يَا مُنْتَهَى رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ وَالطَّالِبِينَ وَالْمُنِيبِينَ إِنَّكَ
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ سیم دعا در کتاب خود
از ابن عباس روایت نموده
است که رسول خدا صلعم فرمود که هر که در این روز این دعا را بخواند هر چه از برای او استغفار نماید و دعا این
اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْفَائِزِينَ إِلَيْكَ
وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُقَرَّبِينَ لَدَيْكَ بِإِحْسَانِكَ يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ بِ
یا ارحم
واعمال آن چند چیز است اول غسل زیرا که از شبهای طاق است دویم شیخ شهید رہ در کتاب
اربعین از رسول خدا صلعم روایت نموده است که هر که در این شب دو رکعت نماز بکند در هر رکعتی
حمد یک نوبت و سوره انا اعطیناک الکوثر بیست نوبت گناه آن روز را برای او نمی نویسند
سیم سید بن طاوس رہ در کتاب اقبال گفته که در کتب عتیقه اصحاب ما رضوان الله علیهم
ادعیه شبهای ماه رمضان را دیدم و چند دعا از آن ساقط شده بود و بعضی را نقل نمودم و از
آنجمله دعای شب است سُبْحَانَكَ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْبَارِئُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ الَّذِي
است و آن این است

خلقتني ولم اك شيئا بمشيته واراني في نفسي وفي كل شيء من مخلوقاته وصنعه
الدلائل البينة النيرة على قدرته فرض الصيام علي تعبدا يصلح
به شأني وتغسل عني اوزاري وتذكرني بما الهوت عنه من ذكره وتوجب
لي الزلفى بطاعة امره اللهم سيدي انت مولاي ان كنت جدت علي
بصالح فيما مضى منه ارتضيته فزدني وان كنت اقترفت ما اسخطك
فاقلني اللهم ملكني من نفسي في الهدى ما انت له املك وقدرني من
العدول بها الى ارادتك على ما انت عليه اقدر وكن مختارا
لعبدك ما يسعده بطاعتك وتجنبه الشقوة بمعصيتك حتى يفوز	نفوز ن
في المعصومين وينجو في المقبولين ويرافق الفائزين الذين لا خوف عليهم
ولا هم يحزنون وصلى الله على محمد وآله وسلم تسليما كثيرا ايضا
سيد در كتاب مذكور از كتاب عمل شهر رمضان ابن ابي قره رحمه الله روايت نقل نموده است
يا من يكفي كل مؤنة بلا مؤنة
يا جواد يا ماجد يا احد يا واحد يا صمد يا من لم يتخذ صاحبة ولا ولدا
ولم يكن له كفوا احد يا من لم يلد ولم يولد صل على محمد وآل محمد
وتقبل صومي واعني عليه وعلى ما بقي من شهري اللهم اني امسيت

لا املك ما ارجو ولا استطيع دفع ما احاذر الا بك واصبحت مرتهنا
بعملي وامسى الامر والقضاء بيدك يا رب فلا فقير افقر مني فصل
على محمد وآل محمد واغفر لي يا رب ظلمي وجرمي وجهلي وجدي
وهزلي وكل ذنب ارتكبته وبلغني وارزقني خير الدنيا والاخرة
في هذا الشهر العظيم في غير مشقة مني ولا تهلك روحي وجسدي في
طلبها لم تقدر لي برحمتك يا ارحم الراحمين ختم سيد در كتاب اقبال
از ابن ابي قره در كتاب اختيار از رسول خدا
صلى الله عليه و آله روايت نقل نموده است
اللهم اني استانف العمل وارجو العفو وهذه اول
ليلة من ليالي الثلثين ادعوك باسمائك الحسنى واستجيرك من
نارك التي لا تطفا واسالك ان تقويني على قيامه وصيامه وان تغفر
لي وترحمني انك لا تخلف الميعاد اللهم برحمتك التي وسعت كل
شيء تتم الصالحات وعليها اتكلت وانت الصمد الذي لم يلد ولم
يولد ولم يكن له كفوا احد صل على محمد وآل محمد واغفر لي وارحمني
وتجاوز عني انك انت التواب الرحيم روز بيست و دوم اعمال آن چند امر است اول
سيد بن طاوس ره در كتاب اقبال از ابن ابي قره روايت نقل نموده است
اللهم بيدك مقادير الدنيا والاخرة وبيدك مقادير الغنى

وَالْقَدَرِ وَبِيَدِكَ مَقَادِيرُ الْخِذْلَانِ وَالنَّصْرِ اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ
وَبَارِكْ لِي فِي آخِرَتِي وَأُولَايَ وَبَارِكْ لِي فِي أَهْلِي وَمَالِي وَوُلْدِي وَبَارِكْ لِي
فِي سَمْعِي وَبَصَرِي وَيَدِي وَرِجْلِي وَجَمِيعِ جَسَدِي وَبَارِكْ لِي فِي عَقْلِي وَذِهْنِي
وَفَهْمِي وَعَمَلِي وَجَمِيعِ مَا خَوَّلْتَنِي اَللّٰهُمَّ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ
وَفُكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ دَارَ الْقَرَارِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ
بِكَ مِنْ أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَبَوَائِقِ الدَّهْرِ وَمُصِيبَاتِ اللَّيَالِي وَ
الْأَيَّامِ اَللّٰهُمَّ إِنْ كُنْتَ غَضِبْتَ عَلَيَّ وَأَنْتَ رَبِّي فَلَا تُحِلَّهُ بِي يَا رَبِّ
الْمُسْتَضْعَفِينَ وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ فَسَلِّمْنِي وَأَنْتَ رَبِّي فَلَا تَكِلْنِي
إِلَى عَدُوِّي وَلَا إِلَى صَدِيقِي وَإِنْ لَمْ تَكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ فَمَا أُبَالِي غَيْرَ
أَنَّ عَافِيَتَكَ أَوْسَعُ لِي وَأَهْنَأُ لِي إِلٰهِي أَعُوذُ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ
بِهِ السَّمٰوَاتُ وَالْأَرَضُونَ وَكَشَفْتَ بِهِ الظُّلْمَةَ عَنْ عِبَادِكَ مِنْ أَنْ
يَحُلَّ بِي سَخَطُكَ لَكَ الْعُتْبَى حَتَّى تَرْضَى وَإِذَا رَضِيتَ وَبَعْدَ الرِّضَا
وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ ذكره سيد بن باقي ره در كتاب اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ
اختيار ابن عار ابراي ابن و بر نقل نموده است
الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ

سمّيت

سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ
وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْعَظِيمِ الَّذِي حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ تَسْتَجِيبَ
لِمَنْ دَعَاكَ بِهِ وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ حَرْفٍ أَنْزَلْتَهُ عَلَى مُوسَى كَلِيمِكَ وَبِكُلِّ حَرْفٍ
أَنْزَلْتَهُ عَلَى عِيسَى رُوحِكَ وَكَلِمَتِكَ وَبِكُلِّ حَرْفٍ أَنْزَلْتَهُ عَلَى مُحَمَّدٍ
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ صَفِيِّكَ وَبِكُلِّ دَعْوَةٍ دَعَاكَ بِهَا أَحَدٌ
مِنْ مَلٰئِكَتِكَ وَرُسُلِكَ وَسَائِرِ خَلْقِكَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُمْ أَنْ تَجْعَلَ
قُوَّتِي وَنَشَاطِي وَإِدْلَاجِي وَغُدُوِّي وَرَوَاحِي وَمُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ قولي خ وصحتي خ
وَصَبَاحِي وَمَسَائِي فِيمَا تُحِبُّ مِنْ قَوْلٍ وَعَمَلٍ وَأَسْأَلُكَ اللّٰهُمَّ يَا رَبِّ
أَنْ تَجْعَلَ فِي قَلْبِي خُشُوعَ الْمُتَقَبِّلِينَ وَخَوْفَ الْخَائِفِينَ وَرَهْبَةَ الْمنقلبين خ ل
الرَّاهِبِينَ وَصِدْقَ الصَّادِقِينَ وَيَقِينَ الْمُؤْمِنِينَ حَتَّى تُبَلِّغَنِي بها خ م
دَرَجَةَ الْأَحْيَاءِ الْمَرْزُوقِينَ فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلَى مِنْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ
اَللّٰهُمَّ وَكَمَا رَضِيتَ هٰذَا الشَّهْرَ الشَّرِيفَ عَلَيَّ فَتَقَبَّلْهُ مِنِّي يَا
مَوْلَايَ بِأَحْسَنِ قَبُولٍ وَزَيِّنِّي فِيهِ بِزِينَةِ الْإِيمَانِ وَاجْعَلْنِي فِيهِ
مِنَ الْأَتْقِيَاءِ الْأَخْيَارِ الْهُدَاةِ الْأَبْرَارِ وَفُكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ

وارزقني رضاك والجنة وجنبني سخطك والنار وارحمني فانت اهل

الرحمة وتفضل علي فانت اهل الفضل والتفضل واعطني خير الدنيا والآخرة والامن والعافية والغنى والمغفرة وخلصني — اعتق [margin: خير]

من مظالم العباد واجعلني من الزهاد والعباد الكارهين

للدنيا الراغبين في الآخرة انك على كل شيء قدير وانت ارحم

الراحمين وصلى الله على محمد وآله اجمعين — الطاهرين [margin]

سيم صاحب كتاب ذخيره از ابن عباس روايت كرده است كه رسول خدا فرمود كه هركه اين دعا را در اين روز بخواند نوشته شود براى او ثواب حج مقبولى كه با رسول خدا كرده باشد و دعا اينست

اللهم حبب الي فيه الاحسان وكره الي فيه الفسوق

والعصيان وحرم علي فيه السخط والنيران بعونك يا غوث — بعفوك [margin]

المستغيثين اللهم صل على محمد وآل محمد

شب دوازدهم واعمال آن

چند چيز است اول شيخ شهيد ره در كتاب اربعين از رسول خدا روايت كرده است كه هركه در اين شب هشت ركعت نماز بكند هر دو ركعت بيك سلام در هر ركعت حمد يكنوبت و سوره انا انزلناه في ليلة القدر بيست نوبت حق تعالى ثواب شاكرين را باو عطا فرمايد و در روز قيامت در زمره صابرين محشور شود دويم سيد طاوس ره در اقبال از آن كتاب بعينه كه بعضى از دعاى آن ساقط شده اين دعا را براى اين شب نقل نموده است

سبحانك يا ايها الملك القدير

الذي بيده الامور ولا يعجزه ما يريد ولا ينقصه العطاء والمزيد اللهم

ان كانت

ان كانت صحيفتي مسودة بالذنوب اليك فاني اعول في محوها في هذه

الليالي البيض عليك وارجو من الغفران والعفو ما هو بيدك فان

جدت به علي لم ينقصك وفزت وان حرمتنيه لم يزدك وعطب

اللهم فوفقني بما سبق لي من الحسنى شهادة الاخلاص بك وبما

جدت به علي من ذلك وما كنت لاعرفه لولا تفضلك سخطك و

انلني به رضاك وعصمتك ووفقني لاستيناف ما يذكو لديك — كرداد [margin]

من العمل وجنبني الهفوات والزلل فانك تمحو ما تشاء وتثبت وعندك

ام الكتاب وصلى الله على محمد النبي وآله وسلم كثيرا سيم ايضا

سيد در كتاب اقبال از كتاب عمل شهر رمضان ابن ابي قره اسناد دعا را براى اين شب روايت كرده است

اللهم اني اسألك بمعاقد العز

من عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك وباسمك الاعظم وكلماتك التامة

التي لا يجاوزهن بر ولا فاجر فانك لا تبيد ولا تنفد ان تصلي على

محمد وآل محمد وتقبل منى ومن جميع المؤمنين والمؤمنات

صيام شهر رمضان وقيامه وتعتق رقابنا من النار اللهم

صل على محمد وآل محمد واجعل قلبي بارا وعملي سارا ورزقي دارا

وعوض نبيك عليه وآله السلام لي قرارا ومستقرا وتعجل فرج آل محمد في
عافية يا ارحم الراحمين چهارم ایضاً سید در کتاب اقبال روایت نموده در اختیار این دعا را برای ایشان از رسول خدا ص اللهم
انت العزيز الحكيم وانت الغفور الرحيم وانت العلي العظيم لك
الحمد حمدا يبقى ولا يفنى ولك الشكر شكرا يبقى ولا يفنى و
وانت الحي الحليم اسألك بنور وجهك الكريم وبجلالك الذي لا يرام
وبعزتك التي لا تقهر ان تصلي على محمد وآل محمد وان تغفر لي وترحمني
انك انت ارحم الراحمين روز دوم شیخ مفید ره در کتاب مسار الشیعه نقل نموده است که در این روز انجیل بر حضرت عیسی ع نازل شد
و در این روز رسول خدا عقد اخوت فیما بین مهاجرین و انصار از صحابه بر بست و خود با حضرت امیر المؤمنین ع صیغه اخوت خواندند و اعمال آن چند چیز است اول سید بن طاوس ره در کتاب اقبال این دعا را برای این اللهم غارت نجوم سمائك تا آخر اللهم اني استودعك بدون نقل نموده است
واستحفظك بان لا اله الا انت الحي القيوم والنور القدوس
نفسي وديني ورزقي ومحياي ومماتي وانفس اهل بيت محمد و
انفس اشياع محمد وجميع ما تفضلت به علي وعليهم حيا
وميتا وشاهدا وغائبا ونائما ويقظانا وقائما وقاعدا ومضطجعا
ومتنبها وناسيا بنور وجهك الكريم الجليل الرفيع العظيم القائم

بالقد

القسط لا اله الا انت العزيز الحكيم وبمحمد وآله الطيبين
الطاهرين صلواتك عليه وعليهم اجمعين يا ولي النبيين
والمرسلين وملائكتك المقربين صلواتك عليهم يا رب وببيتك نبيك م
المعمور والسبع المثاني والقرآن العظيم وبكل من يكرم
عليك من جميع خلقك يا سيدي مع ما تفضلت عليهم وعلينا
فاجعلنا في حماك الذي لا يستباح برحمتك يا ارحم الراحمين
مؤلف گوید که ظاهر مراد سید از دعای اللهم غارت نجوم سمائك دعائی است که حضرت سید الساجدین صلوات الله علیه آن را در جوف شبها میخواندند و آن دعا اینست
الهي غارت نجوم سمائك ونامت عيون انامك وهدأت اصوات
عبادك وانعامك وغلقت الملوك عليها ابوابها وطاف عليها
حراسها واحتجبوا عمن يسألهم حاجة او ينتجع منهم فائدة
وانت الهي حي قيوم لا تأخذك سنة ولا نوم ولا يشغلك شيء
عن شيء ابواب سمائك لمن دعاك مفتحات وخزائنك غير مغلقة
وابواب رحمتك غير محجوبة وفوائدك لمن سألك غير محظورة لكنها
بل هي مبذولة وانت الهي الكريم الذي لا ترد سائلا من المؤمنين

سَأَلَكَ وَلَا تَحْتَجِبُ عَنْ أَحَدٍ مِنْهُمْ أَرَادَكَ لَا وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ وَلَا تَخْتَزِلُ

حَوَائِجَهُمْ دُونَكَ وَلَا يَقْضِيهَا أَحَدٌ غَيْرُكَ اَللّٰهُمَّ وَقَدْ تَرَانِي وَوُقُوفِي

وَذُلَّ مَقَامِي بَيْنَ يَدَيْكَ وَتَعْلَمُ سَرِيرَتِي وَتَطَّلِعُ عَلَى مَا فِي قَلْبِي وَمَا يَصْلُحُ

بِهِ أَمْرُ آخِرَتِي وَدُنْيَايَ اَللّٰهُمَّ إِنَّ ذِكْرَ الْمَوْتِ وَأَهْوَالِ الْمُطَّلَعِ وَالْوُقُوفِ

بَيْنَ يَدَيْكَ نَغَّصَنِي مَطْعَمِي وَمَشْرَبِي وَأَغَصَّنِي بِرِيقِي وَأَقْلَقَنِي عَنْ وِسَادِي

وَمَنَعَنِي رُقَادِي كَيْفَ يَنَامُ مَنْ يَخَافُ مَلَكَ الْمَوْتِ فِي طَوَارِقِ اللَّيْلِ

وَطَوَارِقِ النَّهَارِ بَلْ كَيْفَ يَنَامُ الْعَاقِلُ وَمَلَكُ الْمَوْتِ لَا يَنَامُ

لَا بِاللَّيْلِ وَلَا بِالنَّهَارِ وَيَطْلُبُ رُوحَهُ بِالْبَيَاتِ وَفِي آنَاءِ السَّاعَاتِ دعاء

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَأَرْغَبُ إِلَيْكَ أَنْ تَرْزُقَنِي الثَّبَاتَ

عَلَى دِينِكَ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ وَتُبَصِّرَنِي وَتُوَفِّقَنِي لَهُ وَتَأْخُذَ بِقَلْبِي إِلَيْهِ

وَتُعِدَّنِي عَمَّا سِوَاهُ وَتَعْصِمَنِي عِصْمَةَ الْأَبْرَارِ وَتَجْعَلَنِي مِنَ الْمُصَدِّقِينَ

بِكِتَابِكَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِسُنَّةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْ لِي أَبَداً وَلَا تُشْمِتْ

بِي عَدُوّاً وَلَا حَاسِداً وَلَا تَنْزِعْ مِنِّي صَالِحاً أَعْطَيْتَنِي وَافْتَحْ مَسَامِعَ قَلْبِي

لِذِكْرِكَ وَاجْعَلْنِي أُومِنُ بِوَعْدِكَ وَأُوفِي بِعَهْدِكَ وَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ قَبُولَهُ

وَالْوَفَاءَ بِهِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بَرَكَتَهُ وَيُمْنَهُ وَخَوَاتِيمَ الْخَيْرِ فِيهِ

وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُهَيِّئَ لِي مِنْ أَمْرِي يُسْراً وَرُشْداً وَمِرْفَقاً وَأَنْ تَهْدِيَنِي

إِلَى الَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَخَيْرٌ ثَوَاباً وَخَيْرٌ عُقْباً وَخَيْرٌ مَرَدّاً وَخَيْرٌ أَمَلاً

وَخَيْرٌ آجِلاً وَخَيْرٌ عَاجِلاً وَأَنْ تَخْتِمَ لِي بِالْخَيْرِ وَتَرْزُقَنِي رِضَاكَ

وَالْجَنَّةَ وَتُعِيذَنِي مِنْ سَخَطِكَ وَالنَّارِ وَتُعْطِيَنِي حَوَائِجَ الدُّنْيَا وَ

الْآخِرَةِ وَالْأَمْنَ وَالْعَافِيَةَ وَالْغِنَى وَالْمَغْفِرَةَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

قَدِيرٌ وَأَنَا إِلَى ذٰلِكَ يَا رَبِّ فَقِيرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ حَقِيرٌ وَعِنْدَكَ يَسِيرٌ

فَتَفَضَّلْ بِهِ عَلَيَّ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَبِهِ أَسْتَعِينُ وَهُوَ ثِقَتِي وَنِعْمَ الْمُعِينُ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى

سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ سيم

اَللّٰهُمَّ زَيِّنْ لِي فِيهِ السِّتْرَ وَالْعَفَافَ

وَاسْتُرْنِي فِيهِ بِلِبَاسِ الْقُنُوعِ وَالْكَفَافِ وَحَلِّنِي فِيهِ بِحُلِيِّ الْفَضْلِ وَالْإِنْصَافِ

بِرَحْمَتِكَ يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِينَ

غسل کند در شبهای طاق است دو یمن دو رکعت نماز کند و در هر رکعتی بعد از حمد سوره تبرک ساده ذلک و قل هو الله احد را خواند و این عمل ثواب عظیم دارد و روایت آن در باب سیم از خزینه اول کرده در بیان اعمال مشترکه ماه رجب و شعبان و ماه مبارک رمضان است مذکور شد سیم شیخ شهید ره در کتاب اربعین از حضرت رسالت صلعم روایت نموده است که هر که در شب جمعه ابر رکعت نماز کند هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی حمد یکمرتبه و سوره قل هو الله احد بیست و پنج مرتبه بکذرد بر صراط مانند برق جهنده چهارم سید بن طاوس ره در کتاب اقبال از آن کتاب عتیق بعضی از اصحاب که ادعیه بعضی شبها الحمد لله الذی یجود فلا یبخل از آن ساقط شده استغفار برای این شب نقل نموده است

وَيُحْلَمُ فَلا يَعْجَلُ الَّذِي مَنَّ عَلَيَّ مِنْ تَوْحِيدِهِ بِأَعْظَمِ الْمِنَّةِ وَنَدَبَنِي مِنْ صالِحِ الْعَمَلِ الْخَيْرِ الْمِهْنَةِ وَأَمَرَنِي بِالدُّعاءِ فَدَعَوْتُهُ فَوَجَدْتُهُ رَغِباً تاعِدَ شَدائِدِي وَاَدْرَكْتُهُ لَمْ يُبْعِدْنِي بِالْإِجابَةِ حِينَ تَعَمَّدْتُ وَلا حَرَمَنِي الْإِنْتِياشَ لِما عَمِلْتُ ما لا يَرْضاهُ اَقالَنِي عَثْرَتِي وَقَضا لِي حاجَتِي وَتَدارَكَ قِيامِي وَعَجَّلَ مَعُونَتِي فَزادَنِي خِبْرَةً بِقُدْرَتِهِ وَعِلْماً بِنُفُوذِ مَشِيَّتِهِ اِنَّ كُلَّما جُدْتَ بِهِ عَلَيَّ بَعْدَ التَّوْحِيدِ دُونَهُ وَاِنْ كَثُرَ وَغَيْرُ مُوازٍ لَهُ وَاِنْ كَبُرَ لِاَنَّ جَمِيعَهُ نِعَمُ دارِ الْفَناءِ الْمُرْتَجَعَةُ وَهُوَ النِّعْمَةُ لِدارِ الْبَقاءِ الَّتِي لَيْسَتْ بِمُنْقَطِعَةٍ فَيا مَنْ جادَ بِذلِكَ عَلَيَّ مُخْتَصّاً لِي بِرَحْمَتِهِ وَوَفَّقَنِي الْعَمَلَ بِما يَقْتَضِي حَقَّ يَدِكَ فِي هذِهِ اللّٰهُمَّ بَيِّضْ اَعْمالِي بِنُورِ الْهُدىٰ وَلا تُسَوِّدْها بِتَخْلِيَتِي وَرُكُوبِ الْهَوىٰ فَاَطْغىٰ فِيمَنْ طَغىٰ وَاُفارِقَ

ما يسخطك

ما يُسْخِطُكَ بَعْدَ الرِّضا وَاَنْتَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً كَثِيراً پنجم ایضا سید در کتاب مذکور این دعا را برای این شب ذکر نموده یا اَللّٰهُ یا رَحْمٰنُ یا رَبِّ یا اَللّٰهُ یا مُهَیْمِنُ یا اَللّٰهُ یا رَبِّ یا مُتَکَبِّرُ یا اَللّٰهُ یا رَبِّ یا مُتَعالُ یا اَللّٰهُ یا رَبِّ یا مُعِیدُ یا اَللّٰهُ یا رَبِّ یا ذَا الطَّوْلِ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ یا اَللّٰهُ یا رَبِّ یا ذَا الْجَلالِ وَالْاِکْرامِ یا اَللّٰهُ یا رَبِّ یا مَنْ اَظْهَرَ الْجَمِیلَ وَسَتَرَ الْقَبِیحَ یا مَنْ لَمْ یُؤاخِذْ بِالْجَرِیرَةِ وَلَمْ یَهْتِکِ السِّتْرَ یا کَرِیمَ الْعَفْوِ یا حَسَنَ التَّجاوُزِ یا واسِعَ الْمَغْفِرَةِ یا باسِطَ الْیَدَیْنِ بِالرَّحْمَةِ یا خَلِیلَ اِبْرٰهِیمَ وَنَجِیَّ مُوسیٰ وَمُصْطَفیٰ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاَعْتِقْنِی مِنَ النّارِ فِی هٰذَا الشَّهْرِ الْعَظِیمِ وَلا تَجْعَلْهُ آخِرَ شَهْرِ رَمَضانَ صُمْتُهُ لَکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمِینَ

و سؤال کن هرچه خواهی و کمان داشته باش که حق تعالی برای تو مستجاب میکرداند آنرا انشاء الله تعالی مؤلف گوید که ظاهر آنست که این دعا را نیز سید از کتاب عمل شهر رمضان ابن ابی قره ره نقل نموده باشد و لیکن در این مقام تصریح باین معنی نکرده است و الله تعالی یعلم ششم ایضا سید در کتاب مذکور روایت از کتاب اختیار از رسول خدا صلعم این دعا را برای این شب روایت نموده است یا جَبّارَ السَّمٰواتِ وَجَبّارَ الْاَرَضِینَ وَمَلَکُوتَ السَّمٰواتِ وَمَلَکُوتَ الْاَرَضِینَ وَغَفّارَ الذُّنُوبِ وَالسَّمِیعَ الْعَلِیمَ الْغَفُورَ الْحَلِیمَ الرَّحِیمَ الصَّمَدَ الْفَرْدَ الَّذِی لا شِبْهَ

لَكَ وَلا وَلِيَّ لَكَ اَنتَ العَلِيُّ الاَعلى وَالقَديرُ القادِرُ وَاَنتَ التَّوّابُ
الرَّحيمُ اَسئَلُكَ اَن تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَن تَغفِرَ لي وَتَرحَمَني
اِنَّكَ اَنتَ اَرحَمُ الرّاحِمينَ روز سیزدهم این روز چون اول ایام بیض است مزید
فضیلت ممتاز است و اعمال آن چند چیز است اول
سید بن طاوس ره در کتاب اقبال این دعا را برای این روز ذکر کرده اَللّهُمَّ اِنّي اَدينُكَ بِطاعَتِكَ وَوِلايَتِكَ وَ
وِلايَةِ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَوِلايَةِ اَميرِ المُؤمِنينَ حَبيبِ نَبِيِّكَ وَوِلايَةِ الحَسَنِ
وَالحُسَينِ سِبطَي نَبِيِّكَ وَسَيِّدَي شَبابِ اَهلِ جَنَّتِكَ وَاَدينُكَ
يا رَبِّ بِوِلايَةِ عَلِيِّ بنِ الحُسَينِ وَمُحَمَّدِ بنِ عَلِيٍّ وَجَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ وَموسَى بنِ
جَعفَرٍ وَعَلِيِّ بنِ موسى وَعَلِيِّ بنِ مُحَمَّدٍ وَالحَسَنِ بنِ عَلِيٍّ وَسَيِّدي وَمَولايَ
صاحِبِ الزَّمانِ اَدينُكَ يا رَبِّ بِطاعَتِهِم وَوِلايَتِهِم وَبِالتَّسليمِ بِما
فَضَّلتَهُم راضِياً غَيرَ مُنكِرٍ وَلا مُستَكبِرٍ عَلى مَعنى ما اَنزَلتَ في كِتابِكَ
اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَادفَع عَن وَلِيِّكَ وَخَليفَتِكَ وَلِسانِكَ
وَالقائِمِ بِقِسطِكَ وَالمُعَظِّمِ لِحُرمَتِكَ وَالمُعَبِّرِ عَنكَ وَالنّاطِقِ بِحُكمِكَ
وَعَينِكَ النّاظِرَةِ وَاُذُنِكَ السّامِعَةِ وَشاهِدِ عِبادِكَ وَحُجَّتِكَ عَلى
خَلقِكَ وَالمُجاهِدِ في سَبيلِكَ وَالمُجتَهِدِ في طاعَتِكَ وَاجعَلهُ في وَديعَتِكَ

الّتي

الَّتي لا تَضيعُ وَاَيِّدهُ بِجُندِكَ الغالِبِ وَاَعِنهُ وَاَعِن عَنهُ وَاجعَلني وَوالِدَيَّ
وَما وَلَدا وَوَلَدي مِنَ الَّذينَ يَنصُرونَهُ وَيَنتَصِرونَ بِهِ فِي الدُّنيا وَالآخِرَةِ
اِشعَب بِهِ صَدعَنا وَارتُق بِهِ فَتقَنا اَللّهُمَّ اَمِت بِهِ الجَورَ وَدَمدِم
بِمَن نَصَبَ لَهُ وَاقصِم رُؤُسَ الضَّلالَةِ حَتّى لا تَدَعَ عَلَى الاَرضِ مِنهُم
دَيّاراً مؤلف گوید که این دعا چون مشتمل بر اسامی مبارکه همه ائمه علیهم السلام است
پر ظاهر است که این دعا و سایر ادعیه که سید در این سیاق ایراد نموده است از
حضرت صاحب الامر منقول باشد و محتمل است که تالیف یکی از علما رضوان الله علیهم
بوده باشد چنانچه عادت ایشان بوده که ادعیه را خود تالیف مینموده اند والله تعالی یعلم
دوم سید بن باقی ره در کتاب اختیار این دعا را برای این روز ذکر نموده بسم الله الرحمن الرحیم
وَالحَمدُ لِلّهِ رَبِّ العالَمينَ وَصَلَّى اللّهُ عَلى اَنبِيائِهِ وَمَلائِكَتِهِ اَللّهُمَّ رَبَّ
هذَا اليَومِ الكَريمِ مِنَ الشَّهرِ المُشَرَّفِ العَظيمِ اِنّي اَسئَلُكَ اَن تَعودَ عَلى اِسائَتي
بِاِحسانِكَ وَعَلى سَفَهي بِرَحمَتِكَ وَعَلى ذُنوبي بِمَغفِرَتِكَ وَعَلى سَيِّئاتي
بِتَجاوُزِكَ وَعَلى اِفراطي بِصَفحِكَ وَعَلى ضَعفي بِمَعونَتِكَ وَعَلى فَقري بِغِناكَ
وَسَعَتِكَ وَعَلى يَأسي بِفَضلِكَ وَعَلى قُنوطي بِعِبادَتِكَ وَعَلى عُسري عُسري بِتَيسيرِكَ
بِيُسرِكَ فَاِنَّكَ يا رَبِّ ذُو الفَضلِ العَظيمِ وَالبَلاءِ الحَسَنِ الجَميلِ وَالفِعلِ
الكَريمِ يا اَرحَمَ الرّاحِمينَ وَصَلَّى اللّهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرينَ سوم سَيِّئاتي
كتاب ذخيره از ابن عباس روایت نموده که حضرت رسالت پناه صلعم فرمود که هر که در این روز این دعا

خوشحالی بعدد هر سنگ و هر کلوخی حسنه بود و درجه در بهشت باو عطا فرماید و دعا اینست
اَللّٰهُمَّ طَهِّرْنِی فِیهِ مِنَ الدَّنَسِ وَ الْأَقْذَارِ وَ صَبِّرْنِی فِیهِ عَلَى کَائِنَاتِ الْأَقْدَارِ وَ وَفِّقْنِی فِیهِ عَلَى التُّقَى وَ صُحْبَةِ الْأَبْرَارِ بِعَوْنِکَ یَا قُرَّةَ عَیْنِ الْمَسَاکِینِ

چهارم خواندن دعاء مجیر کفعمی رحمه الله در کتاب جُنّة الامان و بلد الامین روایت نموده است که جبرئیل نازل شد بر رسول خدا صلی الله علیه و آله در وقتی که آنحضرت در مقام ابراهیم علیه السلام مشغول نماز بود و این دعا را برای آنحضرت آورد و گفت هر که این دعا را در روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه مبارک رمضان بخواند گناهان او آمرزیده شود هر چند بعدد قطرهای باران و برگ درختان و ریگ بیابان بوده باشد و این دعا بر حجره‌ها و منازل بهشت نوشته شده است و سبب فضیلت این دعا و قوت آن تیزی آسمان بالا میرود و بزمین فرود می‌آید و هر که محافظت نماید بر خواندن این دعا ایمن خواهد بود از هر آفتی و در روز قیامت رفیق تو خواهد بود در بهشت و روی او مانند ماه شب چهارده نورانی خواهد بود و کسی که نعوذ و وقه بیارد و این دعا را هفت نوبت بخواند بر نیت بخواند تا در خواب می‌بیند و کسی که ده نوبت این دعا را بخواند مبعوث می‌شود در روز قیامت در حالتی که سوار باشد بر براقی از نور که زین از جواهر سرخ و یا قوت زرده باشد و میآید تا آنکه پیش حق تعالی می‌ایستد و اهل عرصات نگاه میکنند که او یکی از پیغمبران است و اگر هر دریاها مداد شود و درختان قلم شود و هر آدمی و ملکی بنویسند کاتبان کردند احصا نمیتوانند نمود ثواب این دعا را و خواندن این دعا بیمار را شفا می‌بخشد و قرض را ادا مینماید و فقیر را غنی میکرداند و بنده را آزادی می‌سازد و غم را زایل میکند و اندوه را می‌برد و از جور سلطان و مکر شیطان ایمن میگرداند و هر که چیزی از او گم شود یا مال او را دزد برد پس چهار رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی حمد یک نوبت و سورهٔ قل هو الله احد یازده نوبت بخواند و بعد از فراغ این دعا را بخواند و در زیر سر خود بگذارد حق تعالی آن گم شده را باو برگرداند و مال او پیدا شود و اگر سورهٔ این دعا را از روی اخلاص بر مرده بخواند زنده شود یا بر کوهی بخواند از هم بپاشد و کسی که این دعا را برای حاجتی بخواند برآورده میشود یا بر دشمنی بخواند منکوب و مخذول میگردد و در خصومتی برای کسی که این دعا را ده نوبت بخواند حق تعالی او را با آتش جهنم عذاب نکند پس حفظ کن این دعا را و بخوان که اسم اعظم الهی در این دعا است و تعلیم مکن این دعا را بکسی که تقوی و پرهیزکاری نداشته باشد که مبادا این دعا را برای مطلب باطلی بخواند

مستجاب شود پس حضرت فرمود که ای برادر جبرئیل بدرستی که من تعجب نمودم از بسیاری فضیلت این دعا پس کفعمی گفته که این دعا دعای مجیر نامیده میشود و اسمای حسنای الهی که خلایق با آنها خوانده شده اند در این دعا داخلست و دعا اینست بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ سُبْحَانَکَ یَا اَللّٰهُ تَعَالَیْتَ یَا رَحْمٰنُ أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ یَا رَحِیمُ تَعَالَیْتَ یَا کَرِیمُ أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ یَا مَلِکُ تَعَالَیْتَ یَا مَالِکُ أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ یَا قُدُّوسُ تَعَالَیْتَ یَا سَلَامُ أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ یَا مُؤْمِنُ تَعَالَیْتَ یَا مُهَیْمِنُ أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ یَا عَزِیزُ تَعَالَیْتَ یَا جَبَّارُ أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ یَا مُتَکَبِّرُ تَعَالَیْتَ یَا مُتَجَبِّرُ أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ یَا خَالِقُ تَعَالَیْتَ یَا بَارِئُ أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ یَا مُصَوِّرُ تَعَالَیْتَ یَا مُقَدِّرُ أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ یَا هَادِی تَعَالَیْتَ یَا بَاقِی أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ یَا وَهَّابُ تَعَالَیْتَ یَا تَوَّابُ أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ یَا فَتَّاحُ تَعَالَیْتَ یَا مُرْتَاحُ أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ یَا سَیِّدِی تَعَالَیْتَ یَا مَوْلَایَ أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ یَا قَرِیبُ تَعَالَیْتَ یَا رَقِیبُ أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ یَا مُبْدِئُ تَعَالَیْتَ یَا

تعاليت يا مجيد اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا قدير تعاليت يا عظيم
اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا غفور تعاليت يا شكور اجرنا من
النار يا مجير سبحانك يا شاهد تعاليت يا شهيد اجرنا من النار
يا مجير سبحانك يا حنان تعاليت يا منان اجرنا من النار يا مجير
سبحانك يا باعث تعاليت يا وارث اجرنا من النار يا مجير سبحانك
يا محيي تعاليت يا مميت اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا شفيق
تعاليت يا رفيق اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا انيس تعاليت يا
مونس اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا جليل تعاليت يا جميل
اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا خبير تعاليت يا بصير اجرنا من
النار يا مجير سبحانك يا حفي تعاليت يا ملي اجرنا من النار يا
مجير سبحانك يا معبود تعاليت يا موجود اجرنا من النار يا مجير
سبحانك يا غفار تعاليت يا قهار اجرنا من النار يا مجير
[illegible] يا شكور اجرنا من النار يا مجير
النار يا مجير سبحانك

جمال

جمال تعاليت يا جلال اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا سابق تعاليت
يا رازق اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا صادق تعاليت يا فالق اجرنا
من النار يا مجير سبحانك يا سميع تعاليت يا سريع اجرنا من النار يا
مجير سبحانك يا رفيع تعاليت يا بديع اجرنا من النار يا مجير سبحانك
يا فعال تعاليت يا متعال اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا قاضي
تعاليت يا راضي اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا قاهر تعاليت يا
ظاهر اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا عالم تعاليت يا حاكم
اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا دائم تعاليت يا قائم اجرنا من
النار يا مجير سبحانك يا عاصم تعاليت يا قاسم اجرنا من النار يا
مجير سبحانك يا غني تعاليت يا مغني اجرنا من النار يا مجير
سبحانك يا وفي تعاليت يا قوي اجرنا من النار يا مجير سبحانك
يا كافي تعاليت يا شافي اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا مقدم
تعاليت يا مؤخر اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا اول تعاليت
يا آخر اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا ظاهر تعاليت يا باطن

اَجِرْنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ سُبْحانَكَ يا رَجا تَعالَيْتَ يا مُرْتَجى اَجِرْنا مِنَ النّارِ
يا مُجيرُ سُبْحانَكَ يا ذَا الْمَنِّ تَعالَيْتَ يا ذَا الطَّوْلِ اَجِرْنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ يا رَبُّ نخ
سُبْحانَكَ يا حَيُّ تَعالَيْتَ يا قَيُّومُ اَجِرْنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ سُبْحانَكَ يا
واحِدُ تَعالَيْتَ يا اَحَدُ اَجِرْنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ سُبْحانَكَ يا سَيِّدُ تَعالَيْتَ
يا صَمَدُ اَجِرْنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ سُبْحانَكَ يا قَديرُ تَعالَيْتَ يا كَبيرُ اَجِرْنا مِنَ
النّارِ يا مُجيرُ سُبْحانَكَ يا والي تَعالَيْتَ يا مُتَعالي اَجِرْنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ عالي نخ
سُبْحانَكَ يا عَلِيُّ تَعالَيْتَ يا اَعْلى اَجِرْنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ سُبْحانَكَ
يا وَلِيُّ تَعالَيْتَ يا مَوْلى اَجِرْنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ سُبْحانَكَ يا ذارِئُ
تَعالَيْتَ يا بارِئُ اَجِرْنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ سُبْحانَكَ يا خافِضُ تَعالَيْتَ
يا رافِعُ اَجِرْنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ سُبْحانَكَ يا مُقْسِطُ تَعالَيْتَ يا جامِعُ
اَجِرْنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ سُبْحانَكَ يا مُعِزُّ تَعالَيْتَ يا مُذِلُّ اَجِرْنا
مِنَ النّارِ يا مُجيرُ سُبْحانَكَ يا حافِظُ تَعالَيْتَ يا حَفيظُ اَجِرْنا مِنَ النّارِ
يا مُجيرُ سُبْحانَكَ يا قادِرُ تَعالَيْتَ يا مُقْتَدِرُ اَجِرْنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ
سُبْحانَكَ يا عَليمُ تَعالَيْتَ يا حَليمُ اَجِرْنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ سُبْحانَكَ يا حَكَمُ

تعاليت

تَعالَيْتَ يا حَكيمُ اَجِرْنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ سُبْحانَكَ يا مُعْطي تَعالَيْتَ يا
مانِعُ اَجِرْنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ سُبْحانَكَ يا ضارُّ تَعالَيْتَ يا نافِعُ اَجِرْنا مِنَ
النّارِ يا مُجيرُ سُبْحانَكَ يا مُجيبُ تَعالَيْتَ يا حَسيبُ اَجِرْنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ
سُبْحانَكَ يا عادِلُ تَعالَيْتَ يا فاصِلُ اَجِرْنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ سُبْحانَكَ
يا لَطيفُ تَعالَيْتَ يا شَريفُ اَجِرْنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ سُبْحانَكَ يا رَبُّ
تَعالَيْتَ يا حَقُّ اَجِرْنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ سُبْحانَكَ يا ماجِدُ تَعالَيْتَ يا
واجِدُ اَجِرْنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ سُبْحانَكَ يا عَفُوُّ تَعالَيْتَ يا مُنْتَقِمُ اَجِرْنا
مِنَ النّارِ يا مُجيرُ سُبْحانَكَ يا واسِعُ تَعالَيْتَ يا مُوَسِّعُ اَجِرْنا مِنَ النّارِ
يا مُجيرُ سُبْحانَكَ يا رَؤُفُ تَعالَيْتَ يا عَطُوفُ اَجِرْنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ سُبْحانَكَ
يا فَرْدُ تَعالَيْتَ يا وِتْرُ اَجِرْنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ سُبْحانَكَ يا مُقيتُ تَعالَيْتَ
يا مُحيطُ اَجِرْنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ سُبْحانَكَ يا وَكيلُ تَعالَيْتَ يا عَدْلُ اَجِرْنا
مِنَ النّارِ يا مُجيرُ سُبْحانَكَ يا مُبينُ تَعالَيْتَ يا مَتينُ اَجِرْنا مِنَ النّارِ يا
مُجيرُ سُبْحانَكَ يا بَرُّ تَعالَيْتَ يا وَدُودُ اَجِرْنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ سُبْحانَكَ
يا رَشيدُ تَعالَيْتَ يا مُرْشِدُ اَجِرْنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ سُبْحانَكَ يا نُورُ

يا مُنَوِّرُ اَجِرْنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ سُبْحانَكَ يا نَصيرُ تَعالَيْتَ يا ناصِرُ اَجِرْنا مِنَ

النّارِ يا مُجيرُ سُبْحانَكَ يا صَبُورُ تَعالَيْتَ يا صابِرُ اَجِرْنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ

سُبْحانَكَ يا مُحْصي تَعالَيْتَ يا مُنْشِئُ اَجِرْنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ سُبْحانَكَ يا

سُبْحانُ تَعالَيْتَ يا دَيّانُ اَجِرْنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ سُبْحانَكَ يا مُغيثُ

تَعالَيْتَ يا غِياثُ اَجِرْنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ سُبْحانَكَ يا فاطِرُ تَعالَيْتَ يا

حاضِرُ اَجِرْنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ سُبْحانَكَ يا ذَا الْعِزِّ وَالْجَمالِ تَبارَكْتَ

يا ذَا الْجَبَرُوتِ وَالْجَلالِ سُبْحانَكَ يا لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ سُبْحانَكَ اِنّي كُنْتُ

مِنَ الظّالِمينَ فَاسْتَجَبْنا لَهُ وَنَجَّيْناهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذٰلِكَ نُنْجِي

الْمُؤْمِنينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَجْمَعينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ — سيدنا ء

الْعالَمينَ وَحَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكيلُ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰهِ

الْعَلِيِّ الْعَظيمِ روایت کرده که طاهر را از زیر سر کنار شتن این دعا در وقت خواب آیت که کاغذی که این دعا را نوشته باشد در زیر سر گذارند و بخوابند شب

تمام این شب و ترا زلیالی جمعه و افضل از شب سابق است و اعمال آن چند چیز است اول

چهار رکعت نماز هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی بعد از حمد سوره یس و تبارک و قل هو

الله احد و روایت آن در باب چهارم از خزینه اول مذکور شد دوم شیخ شهید ره در

کتاب اربعین از رسول خدا صلعم روایت نموده است که هر که در این شب شش رکعت نماز بگذارد هر دو

سلام و در هر رکعتی حمد یکبار و سوره اذا زلزلت پس حق تعالی سکرات مرگ و هول

او را آسان نماید سیوم سید بن طاوس ره در کتاب اقبال از کتاب عتیقی که بعضی از علما آن

سلطان

شا قطعه این دعا سُبْحانَ مَنْ يَجُودُ عَلىٰ بَرَحْمَتِهِ فَيُوَسِّعُها بِمَشِيَّتِهِ ثُمَّ يَقْبِضُها

برای این شب نقل نموده است

اِلىٰ نِعَمِهِ وَآيادِيهِ وَلِيُبَيِّنَ فيها لِلنّاظِرينَ آثارَ صَنيعِهِ وَالْمُتَأَمِّلينَ

وَقائِقَ حِكْمَتِهِ اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ مُنْفَرِدًا

بِخَلْقِهِ بِغَيْرِ مُعينٍ وَجاعِلًا جَميعَ اَفْعالِهِ واحِدًا بِلا ظَهيرٍ عَرَفَتْهُ الْقُلُوبُ

بِضَمائِرِها وَالْاَفْكارُ بِخَواطِرِها وَالنُّفُوسُ بِسَرائِرِها وَطَلَبَتْهُ التَّحْصيلاتُ

فَفاتَها وَاعْتَرَضَتْهُ الْمَعْقُولاتُ فَاَطاحَها فَهُوَ الْقَريبُ السَّميعُ وَ

الْحاضِرُ الْمُرْتَفِعُ اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ اَضْوَءُ وَاَنْوَرُ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِكَ وَ

اَزْيَنُها وَاَخْصاها بِضَوْءِ بَدْرِكَ بَسَطْتَ فيها لَوامِعَهُ وَاَزْعَجْتَ

اَرْضَكَ شُعاعَهُ وَهِيَ لَيْلَةُ سَبْعَ عَشْرَةَ مَضَيا مِنَ الصِّيامِ وَاَوَّلُ سَبْعٍ

بَقيا مِنْ عَدَدِ الْاَيّامِ اَللّٰهُمَّ فَوَسِّعْ لي فيها نُورَ عَفْوِكَ وَابْسُطْهُ

نعمتك ء — وَامْحَصْ عَنّي ظُلَمَ سَخَطِكَ وَاقْبِضْهُ اَللّٰهُمَّ اِنَّ جُودَكَ وَنِعَمَكَ

يُصْلِحانِ رَجائي وَاِنَّ صِيانَتَكَ وَمُخاصَمَتَكَ يَكْشِفانِ بَلائي وَما

اَنْتَ بِضُرّي مُنْتَفِعٌ فَاَتَّهِمُكَ بِالتَّوَفُّرِ عَلىٰ مَنْفَعَتِكَ وَلا بِما يَنْفَعُني

مَضْرُورٌ فَاَسْتَخْفيكَ مِنَ النّاسِ مَضَرَّتِكَ فَكَيْفَ تَبْخَلُ مَنْ لا حاجَةَ بِهِ

إلى عفو معبود على عبده مضطر إلى عفوه أم كيف يسمح وقد
جاد له بهدايته أن يخليه ويقحم سبل ضلالته كلا إنك الأكرم
يا مولاي من ذلك وأرءف وأحنى وأعطف اللهم اطو هذه
الليلة بعمل لي صالح ترضى مطاويه ويبهجني في آخرتي بمناشره
وامضها بالعفو عني في أول الشهر وآخره يا أرحم الراحمين
يا رحمن يا رحيم وصلى الله على محمد النبي وآله وسلم كثيرا
چهارم أيضا سيد در كتاب مذكور از كتاب عمل شهر رمضان ابن ابي قره اين دعا را براى اين شب نقل نموده است يا الله يا رحمن يا رحيم يا عليم
يا حي يا قيوم اللهم إني لا أسألك بعملي شيئا إني من عملي خائف
إنما أسألك برحمتك ما أسألك فصل على محمد وآله وهب لي من
طاعتك ما يرضيك عني وتقبل صومي وتفضل علي برحمتك و يا أرحم الراحمين
ارحمني برحمتك اللهم إني أدعوك وأسألك بأسمائك الحسنى
وباسمك العظيم ووجهك الكريم وروحك القدوس وكلامك
الطيب وملكك الدائم العظيم وسلطانك المنير وقرآنك
الحكيم وعطائك الجليل المجيد وباسمك الذي إذا دعيت به أجبت

وإذا سئلت به أعطيت أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تعتقني من
النار في هذا الشهر المبارك فإني فقير مسكين إلى رحمتك يا أرحم الراحمين
پنجم أيضا سيد در كتاب مذكور و سيد ابن باقي در كتاب اختيار اين دعا را از رسول خدا صلى الله عليه وآله براى اين شب روايت نموده يا ولي الأولياء وجبار
الجبابرة ويا إله الأولين أنت خلقتني ولم أك شيئا وأنت أمرتني
بالطاعة فأطعت سيدي جهدي فإن كنت توانيت أو أخطأت
أو نسيت فتفضل على سيدي ولا تقطع رجائي وامنن علي
بالرحمة واجمع بيني وبين نبي الرحمة محمد بن عبد الله صلى الله
عليه وآله واغفر لي إنك أنت التواب الرحيم روز بيست و چهارم روز دوم در مصباح ابن عياش بر بلد
فضيلت اختصاص بافعاله واعمال آن چند امر است اول سيد بن طاوس در كتاب اقبال اين دعا را براى اين روز ذكر نموده است اللهم لا تؤدبني بعقوبتك
ولا تمكر بي في حيلتك من أين لي الخير ولا يوجد إلا من عندك و
من أين لي النجاة ولا تستطاع إلا بك ولا الذي أحسن استغنى عن
ولا الذي أساء خرج من قدرتك يا رب بك عرفتك وأنت دللتني
ولولا أنت ما دريت من أنت الحمد لله الذي أدعوه فيجيبني وإن
كنت بطيئا حين يدعوني والحمد لله الذي أسأله فيعطيني وإن كنت

بخيلا حين يستقرضني والحمد لله الذي وكلني اليه فاكرمني
ولم يكلني الى الناس فيهينوني والحمد لله الذي تحبب الي وهو غني
عني اللهم لا اجد شافعا اليك الا معرفتي بانك افضل من قصد
اليه المضطرون اسألك مقرا بان لك الطول والقوة والحول و
القدرة ان تحط عني وزري الذي قد حنى ظهري وتعصمني من الهوى
المسلط على عقلي وتجعلني من الذين انتجبتهم لطاعتك دعاء سيد
بن طاووس در
كتاب اختيار الدعا اللهم ان رحمتك خير من عملي وعطيتك افضل
براى اين روز ذكر نموده
من مسألتي فبرحمتك يا الهي وبكرمك وعزتك وارتفاع مكانك و
جلالك وجمالك وقدرتك وعظمتك وسعة فضلك اعطني خير
الدنيا والآخرة في هذا الشهر المكرم وارزقني فيه شكرا و
استعملني فيه بطاعتك حتى اكون يوم فاقتي غنيا في لحدي اذا
افردت فيه آمنا من هول المطلع واكون قبل موتي المغبوط في دار
الدنيا بسعة الرزق وصلاح الشأن اللهم بك ارجو بلوغ رضاك
لا بعملي وانت يا الهي من كل شيء حسبي فانت يا الهي لا شريك لك

وانت

وانت يا الهي بي رؤوف يا رب فلك اسلمت وجهي فلك الحمد والشكر
على ذلك اللهم انت ثقتي ورجائي واليك رغبتي ودعائي
وانت بحاجتي عالم غير معلم اسألك يا الله ان تجعلني في هذا
اليوم من عتقائك من النار وان تجعل اسمي في اسماء الابرار واجعلني
والاخيار انك على كل شيء قدير وذلك عليك سهل يسير يا ارحم
الراحمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين سيم
صاحب كتاب
ذخيره از ابن عباس روايت نموده است كه رسول خدا فرمود كه هر كه [illegible] اللهم لا تؤاخذني
در اين روز اين دعا را بخواند گويا با پيغمبران وشهيدان وصالحان روزه داشته است
فيه بالعثرات واقلني فيه من الخطايا والهفوات ولا تجعلني غرضا
للبلايا والآفات بعزتك يا عز المرسلين المسلمين چهارم خوانند دعاى سحر [illegible]
نيز در سحر مذكور شد شب [illegible]
اين شب آخر ليالى بيض وشب نيمه ماه رجب است واين شب بمزيد فضيلت وبركت ممتاز وافضل از دو شب
سابق است واعمال وارده در آن چنانچه از تتبع روايات ظاهر ميشود چند چيز است اوّل
غسل زيرا كه از شبهاى طاق است وبخصوص در اين شب نيز وارد شده چنانچه در شب اوّل گذشت
وايضا سيد بن طاووس ره در كتاب اقبال از حضرت صادق عم روايت كرده است كه در اين شب
غسل مستحب است وشيخ مفيد ره وديگران نيز گفته اند كه در اين شب غسل مستحب است دوم [illegible] شش
ركعت نماز هر دو ركعت بيك سلام در هر ركعتى بعد از حمد سوره يس وتبارك الملك وقل هو الله احد
هر يك يكمرتبه بخواند روايت آن در مفتتح جزئيه اوّل مذكور شد سوم آنكه سيد بن طاووس ره
در كتاب اقبال [illegible] وسوره تبارك را در ليالى [illegible] اين ماه نقل نموده [illegible]
[illegible] نقل نموده است [illegible] سيم ايضا سيد در كتاب مذكور گفته
[illegible] از اصول اصحاب رضوان الله عليهم ديدم كه از حضرت صادق عم [illegible]



از حضرت امير المؤمنين صلوات الله عليه و عليهم اجمعين روايت نموده كه رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود
كه هر كه در شب نيمه ماه مبارك رمضان صد ركعت نماز بكند هر دو ركعت بيك سلام در هر
ركعتى حمد يكنوبت و سورهٔ قل هو الله احد ده نوبت حق تعالى ده ملك را فرو فرستد
كه دشمنان او را از جن و انس از او دفع نمايند و سى ملك فرو فرستد در هنگام وفات او
كه او را بشارت به بهشت دهند و سى ملك را كه او را از آتش جهنم ايمن كرده اند پس سيد گفته
كه اين نماز را ابن ابى قره نيز در كتاب خود ذكر نموده و در روايت او چنين است كه هر كه اين نماز را
بكند نميرد تا در خواب به بيند صد ملك را كه سى نفر از ايشان او را بشارت به بهشت دهند
و سى نفر ايمن كرده باشند او را از آتش جهنم و سى نفر او را نگاه دارند از خطا و معصيت و ده نفر دفع
كيد اعادى از او بكنند و شيخ طوسى ره در كتاب تهذيب نيز هر دو روايت را نقل نموده
است چهارم شيخ شهيد ره در كتاب اربعين از رسول خدا صلى الله عليه و آله روايت نموده است كه هر كه
در اين شب چهار ركعت نماز بكند هر دو ركعت بيك سلام و در دو ركعت اول بعد از حمد سورهٔ قل
هو الله احد را صد نوبت و در دو ركعت آخر بعد از حمد سورهٔ قل هو الله احد را پنجاه نوبت
بخواند حق تعالى گناهان او را بيامرزد هر چند بعدد كف دريا و ريگ بيابان و عالج و ستارهاى آسمان
و برگ درختان باشد پنجم سيد بن طاوس ره در كتاب اقبال از كتاب عتيقى كه بعضى از ادعيهٔ
آن ساقط شده اين دعا را براى اين شب نقل نموده سُبْحَانَ مُقَلِّبِ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ سُبْحَانَ مُقَلِّبِ
اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَخَالِقِ الْأَزْمِنَةِ وَالْأَعْصَارِ الْمُجْرِي عَلَى مَشِيَّتِهِ الْأَقْدَارِ
الَّذِي لَا بَقَاءَ لِشَيْءٍ سِوَاهُ وَكُلُّ شَيْءٍ يَعْتَوِرُهُ الْفَنَاءُ غَيْرُهُ فَهُوَ الْحَيُّ
الْبَاقِي الدَّائِمُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ قَدِ انْتَصَفَ شَهْرُ
الصِّيَامِ بِمَا مَضَى مِنْ أَيَّامِهِ وَانْجَذَبَ إِلَى تَمَامِهِ وَاخْتِتَامِهِ وَمَا لِي عُدَّةٌ
أَعْتَدُّ بِهَا وَلَا أَعْمَالٌ مِنَ الصَّالِحَاتِ أُعَوِّلُ عَلَيْهَا سِوَى إِيمَانِي بِكَ وَ
رَجَائِي لَكَ فَأَمَّا رَجَائِي فَيُكَدِّرُهُ عَلَيَّ صَفْوَةُ الْخَوْفِ مِنْكَ وَأَمَّا إِيمَانِي

فلا يضيع

چهارم نماز

فَلَا يَضِيعُ عِنْدَكَ وَهُوَ بِتَوْفِيقِكَ اللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ حِينَ لَمْ تَقْتُلْ
يَدِي عِنْدَ التَّمَاسُكِ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَلَمْ تَشْفِنِي بِمُفَارَقَتِهَا فِيمَنِ
اعْتَوَرَهُ الشَّقَاءُ اللَّهُمَّ فَأَنْصِفْنِي مِنْ شَهَوَاتِي فَإِلَيْكَ مِنْهَا الشَّكْوَى
وَمِنْكَ عَلَيْهَا الْعَدْوَى فَإِنَّكَ تَشَاءُ وَتَقْدِرُ وَأَشَاءُ وَلَا
أَقْدِرُ وَلَسْتَ إِلَهِي وَسَيِّدِي مَحْجُوجاً وَلَكِنْ مَسْئُولاً تُرْجَى وَمَحْواً فَاسْتَقِي
تَحْصِي تَمَنِّياً وَبَدِّلْ حُلْوَ وَمُرَّ الْقَضَاءِ اللَّهُمَّ فَأَذِقْنِي حَلَاوَةَ
عَفْوِكَ وَلَا تُجَرِّعْنِي غُصَصَ سَخَطِكَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ششم ايضا سيد در كتاب مذكور از كتاب عمل شهر رمضان
ابن ابى قره ره اين دعا را براى اين شب نقل نموده است
يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَسَتَرَ الْقَبِيحَ يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ وَلَمْ
يَهْتِكِ السِّتْرَ يَا عَظِيمَ الْعَفْوِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ يَا
بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ يَا صَاحِبَ كُلِّ نَجْوَى وَمُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى
يَا مُقِيلَ الْعَثَرَاتِ يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ يَا مُبْتَدِئاً بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا
يَا رَبَّاهُ يَا سَيِّدَاهُ يَا مَوْلَاهُ يَا غَايَةَ رَغْبَتَاهُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تُشَوِّهْ خَلْقِي بِالنَّارِ پس حاجت خود را سؤال كن كه برآورده
ميشود ان شاء الله پس سيد گفته زياده

وابن بابویه اَللّٰهُمَّ یا مُفَرِّجَ کُلِّ هَمٍّ یا مُنَفِّسَ کُلِّ کَرْبٍ وَیا صاحِبَ
نقل نموده
کُلِّ وَحیدٍ وَیا کاشِفَ ضُرِّ اَیُّوبَ وَسامِعَ صَوْتِ یُونُسَ الْمَکْرُوبِ فِی
فالِقَ الْبَحْرِ لِمُوسیٰ وَبَنی اِسْرائیلَ وَمُنْجِیَ مُوسیٰ وَمَنْ مَعَهُ اَجْمَعینَ اَسْئَلُکَ اَنْ
تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُیَسِّرَ لی فی هٰذَا الشَّهْرِ الْعَظیمِ الَّذی
تُعْتَقُ فیهِ الرِّقابُ وَتُغْفَرُ فیهِ الذُّنُوبُ ما اَخافُ عُسْرَهُ وَتُسَهِّلَ لی
ما اَخافُ حُزُونَتَهُ یا غِیاثی عِنْدَ کُلِّ کُرْبَتی وَیا صاحِبی عِنْدَ شِدَّتی
یا عِصْمَةَ الْخائِفِ الْمُسْتَجیرِ یا رازِقَ الْبائِسِ الْفَقیرِ یا مُغیثَ الْمَقْهُورِ الضَّریرِ
یا مُطْلِقَ الْکَبْلِ عَنِ الْاَسیرِ وَمُخَلِّصَ الْمَسْجُونِ الْمَکْرُوبِ اَسْئَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ
عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَجْعَلَ لی مِنْ جَمیعِ اَمْری فَرَجاً وَمَخْرَجاً وَیُسْراً عاجِلاً بِرَحْمَتِکَ
یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ مؤلف گوید که معلوم نمیشود از کلام سید که این زیاده در روایت ابن بابویه
فرموده که این زیاده تتمه دعای سابق باشد یا آنکه این زیاده دعای دیگر
است و بر هر تقدیر بهتر آنست که بعد از دعای سابق این دعا خوانده شود هفتم سید ابن طاوس
در کتاب اقبال و شیخ
طوسی در کتاب اختیار این دعا را برای این شب اَلْمَنّانُ اَنْتَ سَیِّدِیَ الْمَنّانُ اَنْتَ مَوْلایَ
از رسول خدا روایت نموده اند
الْکَریمُ اَنْتَ سَیِّدِیَ الْعَفُوُّ اَنْتَ مَوْلایَ الْحَلیمُ اَنْتَ سَیِّدِیَ الْوَهّابُ
اَنْتَ مَوْلایَ الْعَزیزُ اَنْتَ سَیِّدِیَ الْغَریبُ اَنْتَ مَوْلایَ الْواحِدُ اَنْتَ سَیِّدِیَ

الْقاهِرُ

الْقاهِرُ اَنْتَ مَوْلایَ الصَّمَدُ اَنْتَ سَیِّدِیَ الْعَزیزُ اَنْتَ مَوْلایَ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ وَاغْفِرْ لی وَارْحَمْنی وَتَجاوَزْ عَنّی اِنَّکَ اَنْتَ الْاَجَلُّ الْاَعْظَمُ
هشتم زیارت حضرت امام حسین علیه السلام و روایت آن در اعمال شب اول مذکور شد و آن زیارت
اگر چه مخصوص کسی است که نزد مرقد منور آن امام مطهر حاضر باشد ولیکن بهتر آنست که ساکنین
بلاد بعیده نیز از فضیلت محروم نباشند و چون زیارت مخصوصی در روایت ذکر نشده از نزدیک
و دور زیارات مطلقه منقوله زیارت نمایند نهم سید ابن طاوس ره در کتاب اقبال سند خود از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام در حدیث طویلی روایت کرده است که کسی بخدمت آن بزرگوار عرض نمود که
چه میفرمائی درباره کسی که در نزد قبر شریف حضرت امام حسین علیه السلام حاضر باشد در شب نیمه
ماه مبارک رمضان پس حضرت فرمود به به کسی که نزد قبر مبارک آن امام رفیع الشان در شب
نیمه ماه رمضان بعد از نماز عشا غیر از نماز شب ده رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و
هر رکعتی حمد یکمرتبه و سوره قل هو الله احد ده مرتبه و پناه برد بحق تعالی از آتش حق تعالی او را
از جمله آزاد شدگان از آتش جهنم نویسد و نمیرد تا در خواب ببیند ملکی چند را که او را
به بهشت بشارت میدهند و ملکی چند را که از آتش جهنم او را ایمن کرداند مؤلف گوید که
این عمل مخصوص کسی است که در کربلای معلی حاضر باشد روز بیستم مؤلف گوید که این روز آخرا یام بیض
و روز نیمه ماه و بانی جهت فضیلت عظیم دارد و شیخ مفید ره در کتاب مسار الشیعه
ذکر نموده است که در این روز در سال سیم از هجرت حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام متولد شده و در
سال بود و پنج از هجرت حضرت امام محمد تقی علیه السلام متولد شد و این دو روز سرور مؤمنان است
و مستحب است در آن تصدق کردن و بعمل آوردن خیرات و بسیار شکر حق تعالی بجهت
ظاهر شدن حجت خدا و نمایان شدن خلیفه مؤمنات و فرزند پیغمبر آخر الزمان و ظاهر
آنست که در واقع در این باب بنظر او نرسیده باشد هر که بجهت برکت این دو فهم اعمال خیر
در آن فضیلت دارد و چون این دو زیارت دو بزرگوار منسوب است زیارت ایشان نیز در آن مناسب
است و اعمال آن چند امر است اول سید ابن طاوس ره یا ذَا الْمَنِّ وَالْاِحْسانِ یا ذَا
در کتاب اقبال این دعا را برای این روز ذکر نموده است
الْجَلالِ وَالْاِکْرامِ یا ذَا الْجُودِ وَالْاِفْضالِ یا ذَا الطَّوْلِ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ
ظَهْرُ اللّاجینَ وَاَمانُ الْخائِفینَ اِنْ کُنْتَ کَتَبْتَنی فی اُمِّ الْکِتابِ شَقِیّاً

فاكتبني عندك سعيدا موفقا للخير وامح اسم الشقاء عني فانك
قلت في الكتاب الذي انزلت على نبيك صلواتك عليه وآله يمحوا الله
ما يشاء ويثبت وعنده ام الكتاب اللهم ارزقني طيبا واستعملني
صالحا اللهم امنن علي بالرزق الواسع الحلال الطيب برحمتك
تكون لك المنة علي وتكون لي غنى عن خلقك خالصا ليس لاحد
من خلقك منه من غيرك واجعلنا فيه من الشاكرين ولا تفضحني
يوم التلاقي اللهم اني اسئلك السعة في الدنيا واعوذ بك من الرغبة
فيها واسئلك الزهد في الدنيا واعوذ بك من الحرص عليها واسئلك
الغنى في الدنيا واعوذ بك من الفقر فيها اللهم ان تبسط علي في
الدنيا فزهدني فيها وان قترت علي رزقي فلا ترغبني فيها دعا سيد
ابن طاوس در
کتاب اختیار این دعا را برای اللهم يا واهب الخيرات وهب لي شوقا الى لقائك
این روز ذکر نموده است
من عذابك وحبا لك واجلالا لذكرك وتوفيقا لوجهك الى ما كان
من امر هو اقرب الى طاعتك وابعد من معصيتك وارضى لنفسك
واقضى بحقك واوفى بعهدك وابلغ لمحبتك واقرب للخلود في جنتك
وخير

وخير في المعاد اليك وامن لي من فزع يوم القيمة فانفعه لي بخير منك
واعني عليه واذللني اليه ووفقني له وخذ بناصيتي ويدي و
قلبي اليه اللهم وهذا يوم النصف من شهرك المكرم المشرف
المعظم فخص نبينا محمدا صلى الله عليه وآله بكرامة الدنيا و
الاخرة واعتقني فيه من النار واعط نفسي تقواها في كل يوم
ما يرضيك عني واعط محمدا وآل محمد وشيعتهم والمسلمين و
المسلمات خير الدنيا والاخرة اللهم اغفر لي وارحمني وتب علي و
اقبله مني واعصمني وفكني فيه عن عظيم الاوزار وسيئات
الاعمال ووسع علي من فضلك وجملني وزيني وحببني واصلح
كل فاسد مني وصل على ملئكتك المقربين وانبيائك المرسلين
واغفر لي ولوالدي وولدي والمؤمنين من عبادك الصالحين
والمسلمين والمسلمات الاحياء منهم والاموات واختم لنا في هذا
اليوم بما ختمت به لاهل طاعتك وانبيائك ورسلك وخيار خلقك
ونجنا من النار بعفوك ورأفتك ورحمتك التي وسعت كل شيء وارزقني

حوائج [illegible] الآخرة والأمن والعافية والغنى والمغفرة
وأصلح لي ديني كما تحبّ وترضى وخلّصني من مظالم الدنيا
وأهلها إنّك على كلّ شيء قدير وصلّى الله على محمّد وآله الطاهرين

سیم صاحب کتاب ذخیره از ابن عباس روایت نموده است که هر که در این روز این دعا را بخواند حق تعالی
شصت حاجت از حوائج دنیا و بیست حاجت از حوائج آخرت او را برآورد و در جنة الفردوس هزار شهر
در جوار پیغمبر از نور درخشنده برای او بنا کند که در هر شهری هزار غرفه باشد و در هر غرفه هزار
حجره باشد و در هر حجره چیزی چند که نفسها آن خواهش داشته باشد و چشمها از آنها لذت برد و آن
شخص در آن شهرها مخلّد باشد اللّهمّ ارزقني فيه طاعة الخاشعين واشرح فيه قلبي
و دعا این است
إنابة المخبتين بأمانك يا أمان الخائفين چهارم خواندن دعای مجیر در روز سیزدهم مذکور
شد شب پانزدهم و اعمال آن چند امر است
اوّل شیخ شهید ره در کتاب اربعین از حضرت رسالت صلعم روایت نموده است که هر که در این شب دوازده
رکعت نماز بگذارد هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی حمد یک نوبت و سورهٔ الهیکم التکاثر یک نوبت و از
فراغت آید ده نوبت و آواز بلند ندا کند که أشهد أن لا إله إلّا الله وأنّ محمّدا رسول الله نازل
بهشت شود بی حساب مؤلف گوید که کفعمی ره در موضع در جنة الأمان نیز سهو در نقل نموده بهشت
و سورهٔ الهیکم التکاثر را ده نوبت نقل نموده است دوم سید بن طاوس ره در کتاب اقبال
از کتاب عتیقی که دعا بعضی از شبها نیاورده از آن ساقط شده این دعا را برای این شب نقل نموده است
اللّهمّ سبحانك لا إله إلّا أنت تعبد بتوفيقك وتحمد بجلالك أريت
عبرك وظهرت غيرك وبقيت آثار الماضين عظة للباقين والشهوات
غالية واللذّات مجاذبة تعرّض أمرك ونهيك لسوء الاختيار و
العمى عن الاستبصار وميل عن الرشاد وتنافر طرق السداد فلو خلّد

لا استقصيت وما ظلمت لكنّك تمهل عودا على بدء بالإحسان وتنظر
تعمّدا للتراقة والإمساك فكم من أنعمت عليه ومكّنته أن يتوب
كفر الحوب وأرشدته الطريق بعد أن توغّل في المضيق فكان رضا
لو لا هدايتك وطاعة حتّى خلّصته دلائلك وكم من وسعت
له ظلمي وأحييت له فاستشرى فأخذته أخذة الانتقام وحدّدته
جداد الصرام اللّهمّ فاجعلني في هذه الليلة ممّن رضيت عمله
وغفرت له ورحمت غفلته واهديت إلى طاعتك ناصيته
وجعلت إلى جنّتك أوبته وإلى جوارك رجعته وصلّى الله على
محمّد وآله وسلّم يا أرحم الراحمين سیم ایضا سید ره در کتاب اقبال از کتاب
عمل شهر رمضان ابن ابی قرّه این دعا را برای این شب نقل نموده
اللّهمّ أنت إلهي وبك إليك حاجتي وبه إليك فاقتي ولا أجد إليك شافعا
ولا مستقربا أوجه في نفسي ولا أعظم رجاء عندي منك في تعظيم ذكرك
وتفخيم أسمائك وإنّي أقدم إليك بين يدي حوائجي بعد ذكري نعمائك
عليّ بإقراري لك ومدحي إيّاك وثنائي عليك وتقديسي مجدك وتسبيحي
قدسك الحمد لك بما أوجبت عليّ من شكرك وعرّفتني من نعمائك

وَأَلْبَسْتَنِي مِنْ عَافِيَتِكَ وَأَفْضَلْتَ عَلَيَّ مِنْ جَزِيلِ عَطِيَّتِكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ
سَيِّدِي أَنْتَ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ
وَقَوْلُكَ صِدْقٌ وَوَعْدُكَ حَقٌّ وَقُلْتَ سَيِّدِي وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ
لَا تُحْصُوهَا وَقُلْتَ ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً وَقُلْتَ ادْعُوهُ
خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ مَعَ حَاجَةٍ بِي إِلَيْهِ عَظِيمَةٍ وَغِنَاكَ عَنْهُ قَدِيمٌ وَ
هُوَ عِنْدِي كَثِيرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ اللَّهُمَّ إِنَّ عَفْوَكَ
عَنْ ذَنْبِي وَتَجَاوُزَكَ عَنْ خَطِيئَتِي وَصَفْحَكَ عَنْ ظُلْمِي وَسَتْرَكَ عَلَى قَبِيحِ
عَمَلِي وَحِلْمَكَ عَنْ كَبِيرِ جُرْمِي عِنْدَ مَا كَانَ مِنْ خَطَائِي وَعَمْدِي أَطْمَعَنِي
فِي أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَا أَسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ فَصِرْتُ أَدْعُوكَ آمِنًا وَأَسْأَلُكَ
مُسْتَأْنِسًا لَا خَائِفًا وَلَا وَجِلًا مُدِلًّا عَلَيْكَ فِيمَا قَصَدْتُ فِيهِ إِلَيْكَ
فَإِنْ أَبْطَأَ عَنِّي عَتَبْتُ بِجَهْلِي وَلَعَلَّ الَّذِي أَبْطَأَ عَنِّي هُوَ خَيْرٌ لِي لِعِلْمِكَ
بِعَاقِبَةِ الْأُمُورِ فَلَمْ أَرَ مَوْلًى كَرِيمًا أَصْبَرَ عَلَى عَبْدٍ لَئِيمٍ مِنْكَ عَلَيَّ
يَا رَبِّ إِنَّكَ تَدْعُونِي فَأُوَلِّي عَنْكَ وَتَتَحَبَّبُ إِلَيَّ فَأَتَبَغَّضُ إِلَيْكَ وَتَتَوَدَّدُ

الی

إِلَيَّ فَلَا أَقْبَلُ مِنْكَ كَأَنَّ لِيَ التَّطَوُّلَ عَلَيْكَ ثُمَّ لَمْ يَمْنَعْكَ ذَلِكَ مِنَ
الرَّحْمَةِ بِي وَالْإِحْسَانِ إِلَيَّ وَالتَّفَضُّلِ عَلَيَّ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ
فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْحَمْ عَبْدَكَ الْجَاهِلَ وَجُدْ عَلَيْهِ
بِفَضْلِ إِحْسَانِكَ وَجُودِكَ إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ [illegible] سید بن طاوس ره
در کتاب اقبال و سید بن باقی
در کتاب اختیار این دعا را برای رجب يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ
از رسول خدا صلعم روایت نموده اند
يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحْمٰنُ
يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا غَفُورُ يَا غَفُورُ يَا
غَفُورُ يَا غَفُورُ يَا غَفُورُ يَا غَفُورُ يَا غَفُورُ يَا غَفُورُ يَا رَؤُوفُ يَا رَؤُوفُ يَا
رَؤُوفُ يَا رَؤُوفُ يَا رَؤُوفُ يَا رَؤُوفُ يَا رَؤُوفُ يَا حَنَّانُ يَا حَنَّانُ
يَا حَنَّانُ يَا حَنَّانُ يَا حَنَّانُ يَا حَنَّانُ يَا حَنَّانُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ
يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ إِنَّكَ
أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ روز شانزدهم و اعمال آن چند امر است اول سید بن طاوس ره
در کتاب اقبال این دعا را برای این روز ذکر نموده است
اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَأَوْسِعْ عَلَيَّ رِزْقِي وَبَارِكْ لِي فِيمَا رَزَقْتَنِي وَلَا تُحْوِجْنِي
إِلَى أَحَدٍ سِوَاكَ اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا مِنْ فَضْلِكَ وَبَارِكْ لَنَا فِي رِزْقِكَ وَأَغْنِنَا

عَنْ خَلْقِكَ وَلَا تَحْرِمْنَا رِفْدَكَ اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَسْأَلُكَ السَّعَةَ مِنْ طَيِّبِ

رِزْقِكَ وَالْعَوْنَ عَلَى طَاعَتِكَ وَالْقُوَّةَ عَلَى عِبَادَتِكَ اَللّٰهُمَّ

عَافِنَا مِنْ بَلَائِكَ وَارْزُقْنَا مِنْ فَضْلِكَ وَاكْفِنَا شَرَّ خَلْقِكَ

دویم سید ابن باقی ره در کتاب اختیار اَللّٰهُمَّ يَا مَنْ اَنْزَلَ الْقُرْآنَ مُصَدِّقًا لِمَا

این دعا را برای این روز ذکر نموده اند

بَيْنَ يَدَيْهِ وَاَنْزَلَ التَّوْرٰيةَ وَالْاِنْجِيلَ مِنْ قَبْلُ هُدًى لِلنَّاسِ وَاَنْزَلَ

الْفُرْقَانَ يَا مَنْ يُصَوِّرُ فِي الْاَرْحَامِ مَا يَشَاءُ كَيْفَ يَشَاءُ لَا اِلٰهَ اِلَّا

هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ يَا مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ

الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ

اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ

وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ

حِسَابٍ يَا مَنِ اصْطَفٰى آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ اِبْرٰهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى

الْعَالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللّٰهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ يَا مَنْ تَكُنْ حَسَنَةً

يُضَاعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ اَجْرًا عَظِيمًا يَا مَنْ لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا

فِي الْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرٰى وَكَانَ اللّٰهُ غَنِيًّا حَمِيدًا

ان تد [illegible]

يا من

يَا مَنْ يَشْهَدُ بِمَا اَنْزَلَ اَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ وَالْمَلٰئِكَةُ يَشْهَدُونَ وَكَفٰى بِاللّٰهِ شَهِيدًا

يَا مَنْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِمَا مَدَحْتَ بِهِ نَفْسَكَ وَبِعَظِيمِ اَسْمَائِكَ اَنْ تَتَقَبَّلَ

صَلٰوتِي وَنُسُكِي وَقِيَامِي وَصَدَقَتِي وَتَضَرُّعِي اِلَيْكَ وَخُضُوعِي بَيْنَ

يَدَيْكَ فِي يَوْمِي هٰذَا وَفِي شَهْرِي هٰذَا وَفِيمَا قَبْلَهُ وَفِيمَا بَعْدَهُ وَتَرْزُقَنِي

خَيْرَ مَا رَزَقْتَ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ

عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ سیم صاحب کتاب فی جزو از ابن عباس روایت

نموده است که رسول خدا صلعم فرمود که هر که در این روز

این دعا را بخواند حق تعالی با و عطا کند در روزی که از قبر خود بیرون آید نوری در خشنده که بروشنی آن

راه رود و محشر گردد و شتری که سوار شود و از شراب بهشت سیراب شود و دعا این است

اَللّٰهُمَّ وَفِّقْنِي فِيهِ لِعَمَلِ الْاَبْرَارِ وَجَنِّبْنِي فِيهِ مُوَافَقَةَ الْاَشْرَارِ وَاَوِنِي بِرَحْمَتِكَ

افضل نیة

فِي دَارِ الْقَرَارِ بِاُلُوهِيَّتِكَ يَا اِلٰهَ الْاَوَّلِينَ وَالْاٰخِرِينَ ششم ابن شهر آشوب تعیین فضیلت

مخصوصه این روز را کرده را بی شب سلمان

عشر

و گفته است که روز بیست و پنجم و در صبح بعد از آن در میان ایشان جنگ واقع شد و حق تعالی پیغمبر را فتح و نصرت

کرامت فرموده و اعمال آن چند امر است اول غسل زیرا که از شبهای مبارک است و مخصوص است به شیخ فضیلت و امر

دویم شیخ شهید ره در کتاب اربعین از رسول خدا صلعم روایت نموده است که هر که در این شب دو رکعت نماز بکند

و در رکعت اول حمد و هر سوره که خواهد بخواند و در رکعت دویم حمد و سوره قل هو الله احد صد مرتبه

بخواند و بعد از سلام گوید صد مرتبه لا اله الا الله حق تعالی ثواب هزار هزار حج و هزار هزار عمره

و هزار هزار جهاد با و کرامت فرماید سیم سید ابن طاوس در کتاب اقبال از حضرت امام علیه السلام

روایت کرده است که فرموده در این شب که در آن مصلیانات و گفتار در میان باشد بگو بپرسید نزد حق

تعالی شبهای عظیمه خود را در باره دوستان خود ظاهر کرده اید و دعا در این شب این دعا

عاشر ذی [illegible]

يا صاحب محمد صلى الله عليه وآله يوم حنين ويا مبير الجبابرة ويا عاصم
النبيين أسألك بيس والقرآن الحكيم وبطه وسائر القرآن
العظيم أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تهب لي الليلة تأييداً
تشد به عضدي وتسد به خلتي يا كريم أنا المقر بالذنوب
فافعل بي ما تشاء لن يصيبني إلا ما كتبت لي عليك توكلت
وأنت حسبي وأنت رب العرش الكريم اللهم إني أسألك
خير المعيشة أبداً ما أبقيتني بلغة إلى انقضاء أجلي أتقوى بها على
جميع حوائجي وأتوسل بها إليك من غير أن تفتنني بإكثار فأطغى
أو تقتير علي فأشقى ولا تشغلني عن شكر نعمتك وأعطني غنى
عن شرار خلقك وأعوذ بك من شر الدنيا وشر ما فيها اللهم
لا تجعل الدنيا لي سجناً ولا تجعل فراقها لي حزناً أخرجني عن فتنتها
إذا كانت الوفاة خيراً لي من حياتي مقبولاً عملي إلى دار الحيوان ومساكن
الأخيار وأعوذ بك من أزلها وسطوات سلطانها وبغي بغاتها اللهم
من أرادني فأرده ومن كادني فكده واكفني هم من أدخل علي بسوء

همه وصدق قولي بفعلي وأصلح لي حالي وبارك لي في أهلي و
مالي وولدي وإخواني اللهم اغفر لي ما مضى من ذنوبي و
اعصمني فيما بقي من عمري حتى ألقاك وأنت عني راض [حاجت خود را]
[سوال کن و بعد از آن بسجده] سجد وجهي الفاني البالي للوقوف المحاسب
[برو و در سجده این را بخوان] المذنب الخاطئ لوجهك الكريم الباقي الدائم الغفور الرحيم
سبحان ربي الأعلى وبحمده أستغفر الله وأتوب إليه سه بار
اللهم رب هذه الليلة العظيمة لك الحمد كما عصمتني
من مهاوي الهلكة والتمسك بحبال الظلمة والجحود لطاعتك و
الرد عليك أمرك والتوجه إلى غيرك والزهد فيما عندك والر غبة
فيما عند غيرك مما مننت به علي ورحمة رحمتني بها من
غير عمل سالف مني ولا استخفاف لما صنعت بي واستوجب
مني الحمد على الدلالة على الحمد واتباع أهل الفضل والمعرفة
والتبصر بأبواب الهدى ولولاك ما اهتديت إلى طاعتك ولا
عرفت أمرك ولا سلكت سبيلك فلك الحمد كثيراً ولك المن فاضلاً

وبنعمتك تتم الصالحات مؤلف گوید که از کلام سید معلوم نمیشود که این دعا در نیمه
روایت سابق با دعای دیگر است که در روایت دیگر وارد شده
یا آنکه سید با غیر از او اطلاع نیافته و نیز معلوم نمیشود که در سجده باید خوانده شود یا در غیر آن لیکن
که در سجده بعد از دعای سابق خوانده شود اولی بجمیع احتمالات شده باشد چهارم ایضا
سید در کتاب
اقبال از کتاب ... که ادعیه بعضی از آنها از آن سبحان العزیز بقدرته المالک بعلمه
ساقط شده این دعا را برای این شب نقل نموده است
الذي لا يخرج عنه شيء عن قبضته ولا امر الابد الذي يجود مبتدئا
ومسئولا وينعم معيدا هو الحميد المجيد نحمده بتوفيقه
فنعمه بذلك حمد لا تحصى ونمجده بآلائه ونبذل لآلائه فاياديه لا تكافى
والحمد لله الذي يملك المالكين ويعز الاعزاء ويذل الاذلين
اللهم ان هذه الليلة ليلة سبع عشرة وهي اول عقود الاعداد وسبع
وهي شريفة الآحاد لاحقة بنعت سابقه وويل لمن امضاهن بغير
حق لك يا مولاه قضاك ولا يقرب اليك ارضاك وانا احد
اهل الوبال صدتني عنك بطنة المآكل والمشارب وغرتني بطنة
بك ام المسارب وسعة المذاهب واجتذبتني الى لذاتها
سنتي وركبت الوطأة اللذيذة من غفلتي فاطرد عني الاغرار
وانقذني وايقظني على الاستبصار واحفظني من يد الغفلة

بخير

وسلمني الى اليقظة بعادة منك تمضيها وتقضيها لي في بعض وجهي
لديك ويزلفني عندك يا ارحم الراحمين وصلى الله على محمد النبي وآله
وسلم پنجم سید بن طاوس ره در کتاب اقبال و سید بن باقی در کتاب اختیار این دعا را برای این شب
از حضرت رسالت صلی الله علیه وآله روایت نموده اند اللهم هذا شهر
رمضان الذي انزلت فيه القرآن وامرت بعمارة المساجد والدعاء
حتمت والصيام والقيام وحتمت لنا فيه الاستجابة فقد اجتهدنا وانت
اعنتنا فاغفر لنا فيه ولا تجعله آخر العهد منا واعف عنا
فانك ربنا وارحمنا فانك سيدنا واجعلنا ممن ينقلب الى مغفرتك
ورضوانك انك انت الاجل الاعظم روز هفدهم و اعمال آن چند امر است
اول سید بن طاوس ره در کتاب اقبال
این دعا را برای این روز اللهم لا تكلني الى نفسي طرفة عين ابدا ولا تحوجني
نقل نموده است
الى احد من خلقك واثبت قلبي على طاعتك اللهم اعصمني بحبلك
وارزقني من فضلك ونجني من النار بعفوك اللهم اني اسئلك
قتني تعجيل ما تعجيله خير لي وتأخير ما تأخيره خير لي اللهم ما رز
من رزق فاجعله حلالا طيبا في يسر منك وعافية اللهم سد
فقري في الدنيا واجعل غناي في نفسي واجعل رغبتي فيما عندك

اللهم ثبت رجاءك في قلبي واقطع رجائي عن خلقك حتى لا ارجو
احدا غيرك يا رب العالمين اللهم وفي سفري وفي اهلي فاخلفني
وفيما رزقتني فبارك لي وفي نفسي فذللني وفي اعين الناس فعظمني
واليك يا رب فحببني وفي صالح الاعمال فقوني وبسوء عملي
فلا تبسلني وبسريرتي فلا تفضحني وبقدر ذنوبي فلا تخذلني واليك
يا رب اشكو غربتي وبعد داري وقلة معرفتي وهواني على الناس يا
ارحم الراحمين دویم سید بن باقی ره در کتاب اختیار این دعا را برای این روز نقل نموده است اللهم قني عذابك يوم
تبعث عبادك واعذني من عقابك وسوء حسابك اللهم اني اسألك
حسن المآب وحسن الثواب والامن يوم العقاب في التاج يوم
الحساب يا من خلق السموات والارض وجعل الظلمات والنور يا من
يعلم السر والجهر ويعلم ما تكسبون يا من سكن له في الليل والنهار
وهو السميع العليم يا من يقضي بالحق وهو خير الفاصلين يا من عنده
مفاتح الغيب لا يعلمها الا هو ويعلم ما في البر والبحر ويا من له الملك
هو اسرع الحاسبين اللهم اني اسألك بما مدحت به نفسك و

سألتك

سألتك به ان لا تدع لي ذنبا الا غفرته ولا عيبا الا سترته ولا غما الا فرجته
ولا هما الا كشفته ولا امرا الا اصلحته ولا حزنا الا اذهبته ولا
سقما الا شفيته ولا حاجة الا قضيتها ولا امانة الا اديتها و
لا فاقة الا سددتها ولا عورة الا سترتها ولا ضيعة الا حفظتها
ولا كربة الا فرجتها ولا عثرة الا اقلتها واجعلني من عتقائك
في هذا اليوم من النار برحمتك يا ارحم الراحمين وصلى الله على
سيدنا محمد وآله الطاهرين سیم صاحب کتاب ذخیره از ابن عباس روایت نموده است که رسول خدا فرمود که هر که در این روز
این دعا بخواند امرها بر او آسان شود هر چند از زیان کاران باشد و دعا اینست اللهم واهدني فيه لصالح الاعمال واقض
لي فيه الحوائج والآمال يا من لا يحتاج الى التفسير والسؤال يا عالما بما في
صدور العالمين صل على محمد وآله الطاهرين چهارم واعمال آن چند چیز است اول
شیخ شهید ره در کتاب اربعین از رسول خدا روایت نموده است که هر که در این شب چهار رکعت
نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعتی حمد یکنوبت و سوره انا اعطیناک الکوثر
بیست و پنج نوبت ملک موت در هنگام قبض روح او را بشارت دهد که حق تعالی از او راضی
دویم سید بن طاوس ره در کتاب اقبال از کتاب عتیق که ادعیه بعضی از شبها از آن ساقط شده است
این دعا را برای این شب نقل نموده است لا اله الا الله وحده لا شريك له في ملكه ولا منازع له
في قدرته احصى كل شيء عددا وخلقه وجعل له امدا فكل

العالمين

ما يرى وما لا يرى ما لك الا وجهه له الحكم واليه ترجعون وسبحان
الله الذي قهر كل شيء بجبروته واستولى عليه بقدرته وملكه
بعزته سبحان خالقي ولم اك شيئا الذي كفلني برحمته وغذاني
بنعمته وفسح لي في عطيته ومنّ علي بهدايته بما الهمني من
وحدانيته والتصديق بانبيائه وحاملي رسالاته وكتبه المنزلة
على بريته الموجبة بحجته الذي لم يجحد لي بجوده ولم يسلمني
الى عنوده وجعل من اكارم انبيائه صلى الله عليهم ارومتي
ومن افاضلهم نبيي وخاتمهم صلى الله عليه وآله عوني اللهم لا
تذللني بعد ما اعززتني ولا تضعني بعد ان رفعتني ولا تخذلني بعد
ان نصرتني واطو في مطاوي هذه الليلة ذنوبي مغفورة وادعيتي
مسموعة وقرباني مقبولة انك على كل شيء قدير وصلى الله على محمد
النبي وآله وسلم تسليما سيم ايضا است در كتاب مذكور از كتاب عمل شهر رمضان
ابن ابي قره اين دعا را براى اين شب نقل نموده است
اللهم لك الحمد كما حمدت نفسك وافضل ما حمدك الحامدون
من خلقك حمدا يكون ارضى الحمد لك واحق الحمد عندك و

اوجب

اوجب الحمد اليك وافضل الحمد لديك واقرب الحمد منك و
اوجب الحمد جزاء عليك حمدا لا يبلغه وصف واصف ولا
يدركه نعت ناعت ولا وهم متوهم ولا فكر متفكر
حمدا يضعف عنه كل ابد ممن في السموات والارضين
ويقصر عنه وعن حدوده ومنتهاه جميع المعصومين المؤيدين
الذين اخذت ميثاقهم في كتابك الذي لا يغير ولا يبدل لحمدا
ينبغي لك ويدوم معك ولا يصلح الا لك حمدا يعلو حمد كل
حامد وشكرا يحيط بشكر كل شاكر حمدا يبقى مع بقائه
يزيد اذا رضيت وينمي كلما شئت حمدا خالدا مع خلودك
ودائما مع دوامك كما فضلتنا على كثير من خلقك ولما
وهبتنا من معرفتك وصيام شهر رمضان اللهم اني اسألك
بمقام محمد وبمقام انبيائك عليه وعليهم السلام ان تصلي
على محمد وآل محمد وتقبل صومي وتصرفني الى اهلي وولدي
واهل بيتي ومن يعنيني امره والى جميع المؤمنين والمؤمنات

من فضلك ورحمتك وعافيتك ونعمك ورزقك الهنيء المريء لما
تجعله صلاحا لديننا وقواما لآخرتنا دعای دوم سید بن طاوس ره در کتاب
اقبال و سید بن باقی ره در کتاب اختیار
این دعا را برای ... از حضرت الحمد لله الذي أكرمنا بشهرنا هذا وأنزل
رسول صلعم روایت نموده اند
علينا فيه القرآن وعرفنا حقه والحمد لله على البصيرة فبنور
وجهك يا إلهنا وإله آبائنا الأولين أمرتنا فيه بالتوبة ولا تخذلنا
ولا تخلف ظننا إنك الجليل الجبار دعای سیم و علمای آن چند امرات
اول سید بن طاوس ره این دعا را برای این
روز ذکر اللهم إن الظلمة كفروا بآياتك وجحدوا آياتك فكذبوا
نموده است
رسلك وشرعوا غير دينك وسعوا بالفساد في أرضك وتعاونوا
على إطفاء نورك وشاقوا أولاة أمرك ووالوا أعداءك وعادوا
أولياءك وظلموا أهل بيت نبيك اللهم فانتقم منهم واصبب
عليهم عذابك واستأصل شأفتهم اللهم إنهم اتخذوا دينك
دغلا ومالك دولا وعبادك خولا فاكفف بأسهم وأوهن كيدهم
واشف منهم صدور المؤمنين وخالف بين قلوبهم وشتت أمرهم
واجعل بأسهم بينهم واسفك بأيدي المؤمنين دماءهم وخذهم

من حيث لا يشعرون اللهم صل على محمد وآل محمد اللهم إنا نشهد يوم
القيمة ويوم حلول الطامة أنهم لم يذنبوا لك ذنبا ولم يرتكبوا
لك معصية ولم يضيعوا لك طاعة وأن مولانا وسيدنا صاحب
الزمان الهادي المهتدي النقي التقي الزكي الرضي
فاسلك بنا على يديه منهاج الهدى والمحجة العظمى وقونا على
متابعته وأداء حقه واحشرنا في أعوانه وأنصاره إنك سميع
الدعاء دعای دوم سید بن باقی ره در کتاب اختیار اللهم إني أسألك إذ وفقتنا
این دعا را برای این روز ذکر نموده است
لصيام هذا الشهر فأطعناك ودعوتنا فأجبناك بتوفيق منك
لنا وأمرتنا بالصلاة على نبيك فقلت إن الله وملائكته يصلون
على النبي يا أيها الذين آمنوا صلوا عليه وسلموا تسليما اللهم
فصل عليه إذ هديتنا به من الضلالة وأنقذتنا به من الهلكة
اللهم اجزه خير ما جزيت نبيا عن أمته وخير ما جزيت راعيا
عن رعيته وصل اللهم عليه أنت وملائكتك وأنبياؤك و
رسلك وعبادك وأهل طاعتك من أهل السموات والأرض

والارض اللهم ابعثه مقاما محمودا يغبطه به الاولون والآخرون
اللهم بيض وجهه واوضح حجته وتقبل شفاعته وعظم
برهانه اللهم اقر في القيمة عينه وعين ذريته واهل بيته
وامته اللهم وارزقني في سنتي هذه النظر الى بيتك الحرام
وارني الركن والمقام وآثار انبيائك عليهم السلم والزيارة
الى قبر نبيك محمد المصطفى عليه وآله السلم اللهم اجعله اقرب — اجعل محمدا
النبيين منك منزلا واعظمهم عندك درجا وشرفا واعلاهم
لديك درجة وغرفا اللهم ارني في القيمة وجهه النضر الازهر
سيد المرسلين وولي المؤمنين وامام المتقين نبي الرحمة
بشيرا ونذيرا وداعيا الى الله باذنه وسراجا منيرا اللهم استعملني
على طاعتك في سنته وتوفني مغفورا لي على ملته وابعثني على
شريعته واحشرني في زمرته وارزقني مرافقته وادخلني الجنة
في شفاعته اللهم وكما جعلتني من امته ولم تضلني و
مننت علي بدينه دين ابرهيم خليلك وعلى ملته صلى الله عليه وآله

وسلم

وسلم وبلغتني هذا الشهر وفرضته علي رافة ورحمة منك فاسالك
بتشريفك محمدا صلى الله عليه وآله يوم تجمع الخلائق لفصل
القضاء ان تعتقني في يومي هذا من النار وتغفر لي مغفرة عزما
جزما وترزقني خير الدنيا والآخرة والامن والعافية والغنى
والمغفرة برحمتك يا ارحم الراحمين انك على كل شيء قدير
وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين سيم صاحب كتاب ذخيره از ابن عباس
روايت نموده است كه رسول خدا صلعم فرمود كه هركه در اين روز اين دعا را بخواند حق تعالى ثواب هزار
[illegible] ببخشد او را و كرامت دهد و دعا اينست اللهم نبهني فيه لبركات اسحاره ونور
قلبي فيه بضياء انواره وخذ بكل اعضائي الى اتباع آثاره
يا نور قلوب العارفين شب نوزدهم اول ليالي قدر و بعد از شب بيست و
يكم و بيست و سيم اشرف از ساير شبهاست و در ابواب سابقه مذكور شد كه شب قدر از
اين سه شب بيرون نيست و احاديث بسيار در باب فضيلت شب [illegible] عموما و فضيلت هر
يك از ليالي ثلثه خصوصا وارد شده است اما احاديث عامه پس بعضي از آنها در ابواب
سابقه مذكور شد و برخي بعد از اين در ضمن اعمال مذكور ميشود انشاء الله تعالى و ايضا
سيد بن طاوس ره در كتاب اقبال از حضرت امام جعفر صادق عليه السلم روايت نموده كه [illegible] در آن
شب هر امر حكيمي مقرر ميكردد و [illegible] ميشود و در آن شب نازل ميشود آنچه در آن سال تا
مثل آن شب واقع خواهد شد از خير و شر و روزي و موت و حيوة و در آن شب نوشته
ميشود حاجيان از مكه پس هر كه در آن شب نوشته شود البته حج ميرود هرچند فقير و بيمار باشد
و كسي كه نوشته نشده است نميتواند كه بحج رود هرچند مالدار و صحيح باشد اما احاديث وارد
در خصوص اين شب پس بعضي از آنها در ابواب سابقه كذشت و بعضي بعد از اين مذكور ميشود انشا

الله تعالی و ایضا سید ابن طاوس ره در کتاب مذکور بسند خود از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت
کرده است که چون شب نوزدهم ماه رمضان درآید نوشته شود حاجیان و نوشته شود
اجلها و روزیهای خلایق و حق تعالی مشرف شود بر بندگان پس بیامرزد هر مؤمنی را مگر
کسی را که مسکری آشامیده باشد یا رحم مؤمنی را قطع نموده باشد و ایضا در کتاب مذکور
از عبد الله بن سنان روایت کرده است که گفت از حضرت صادق ع سؤال نمودم
شب نیمه شعبان را حضرت فرمود که چیزی درین باب نزد من نیست و لیکن هرگاه شب نوزدهم
ماه رمضان شود در آن شب روزیها قسمت می‌شود و اجلها نوشته می‌شود و نوشتهای حاجیان
بیت الله بیرون می‌آید و حق تعالی مشرف می‌شود بر حال بندگان پس بیامرزد هر که را میخواهد مگر
شرابخواران را پس چون شب بیست و سیم داخل شود جدا می‌شود هر امر محکمی و منتهی می‌شود
راوی گوید عرض کردم که این امور بسوی که نازل میشود فرمود که بسوی صاحب شما نازل می‌شود
و اگر نبوده بود این شب صاحب شما این امور را خبر نمیداد مؤلف گوید که بسیاری
از علما این دو روایت گفته‌اند که این حدیث مخالف است با حدیثی که در باب شب نیمه
شعبان وارد شده است که تقدیرات در آن شب واقع میشود و در بیان رفع منافات وجوه
است اول آنکه بشارت تقدیرات در شب نیمه شعبان و اصل تقدیرات در آن شب واقع شود
دویم آنکه تقدیرات امور بعضی از مردم در شب نیمه شعبان و تقدیرات همه مردم در این شب
واقع شود و این دو وجه بعید است و تحقیق این مقام و رفع این اشکال و سایر اشکالات
وارده در این مقام در معارج متعلقه به شب قدر بتفصیل مذکور خواهد شد و شیخ طبرسی ره
در کتاب مجمع البیان از حسان بن ابی علی روایت کرده است که گفت از آن حضرت پرسیدم
از شب قدر فرمود طلب کن آن را در شب نوزدهم و شب بیست و یکم و شب بیست و سیم و اما
اعمال این شب پس بر دو قسم است قسم اول اعمال مشترکه فیما بین لیالی ثلثه یا اعمال شب قدر عموما احیاء
که آنها را در هر سه شب باید کرد و آنها چند چیز است اول احیا است سید بن طاوس
ره در کتاب اقبال از کتاب کنز الیواقیت که تألیف ابو الفضل ... است نقل نموده که او از رسول
خدا ص روایت کرده است که هر که شب قدر را احیا کند حق تعالی بگرداند او را عذاب ...
و ایضا از کتاب مذکور نقل نموده که از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که هر که شب قدر را احیا نماید
حق تعالی گناهان او را بیامرزد هر چند بعدد ستارگان آسمان و سنگینی کوهها و کیل دریاها باشد و بعضی
از احادیث این مطلب بعد از این مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی دویم غسل است که هر یک از لیالی غسل
از او است و در این سه شب تاکید بیشتر است چون غسل در شب قدر فضیلت بسیار دارد و در هر یک
از این سه شب احادیث ... است چنانچه ابن بابویه ره در کتاب فضائل شهر رمضان بسند خود از حضرت امام

موسی

موسی کاظم ع روایت کرده است که هر که غسل کند در شب قدر و احیا بدارد آن را تا طلوع فجر از گناهان خود بیرون آید
و بخصوص در هر یک از این سه شب غسل وارد شده چنانچه حمیری در قرب الاسناد از عبد الله بن بکیر روایت
کرده است که گفت سؤال کردم از حضرت صادق ع از غسل در ماه مبارک رمضان در اول شب فرمود غسل
بکن در شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم این ماه مبارک و در این روایت مذکور است که اول وقت غسل
اول شب است و از بعضی تفصیل در شب اول ماه که گذشت و ایضا سید بن طاوس ره در کتاب اقبال بسند خود
از حضرت امام جعفر صادق ع روایت کرده است که آن حضرت فرمود که پدرم صلوات الله علیه غسل میکرد
در شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم و بیست و پنجم و ایضا سید در کتاب مذکور بسند خود از
ابی یعفور روایت کرده است که گفت از حضرت صادق ع پرسیدم از غسل در ماه مبارک رمضان فرمود که غسل
بکن در شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم و بیست و هفتم و بیست و نهم سیم تصدق کردن و بعضی
احادیث آن در ابواب سابقه مذکور شد و ایضا سید در کتاب اقبال از کتاب کنز الیواقیت نقل
نموده که از حضرت رسالت ص منقول است که حضرت موسی ع با جناب حق تعالی مناجات نمود که خداوندا قرب
نزدیکی ترا میخواهم حق تعالی فرمود که قرب من برای کسی حاصل است که در شب قدر بیدار باشد پس حضرت
موسی گفت خداوندا رحمت ترا میخواهم فرمود که رحمت من برای کسی است که رحم بمسکین نماید در شب قدر
حضرت موسی گفت خداوندا گذر کردن بر صراط را میخواهم فرمود که این برای کسی است که تصدق کند
تصدقی در شب قدر حضرت موسی گفت که بار خدایا درختهای بهشت و میوه‌های آن را میخواهم فرمود که
این برای کسی است که سبحان الله در شب قدر بگوید موسی گفت پروردگارا نجات از آتش جهنم را
میخواهم فرمود این برای کسی است که در شب قدر استغفار نماید موسی گفت رضا و خوشنودی ترا
میخواهم فرمود که این برای کسی است که دو رکعت نماز کند در شب قدر چهارم صد رکعت نماز از
جمله هزار رکعت نافله ماه رمضان که در هر یک از این سه شب باید کرده شود چنانچه در باب یازدهم
این کتاب مذکور شد و در باب خصوص صد رکعت در هر یک از این سه شب تاکید زیاده از سایر
شبها وارد شده بلکه باید اگر ایستاده نتواند نشسته بکند و اگر نشسته نتواند خوابیده
بکند چنانچه شیخ طوسی ره در کتاب تهذیب از حضرت امام جعفر صادق ع روایت کرده است که
با ابو بصیر فرمود که در بیست شب از ماه مبارک رمضان هر شبی هشت رکعت بعد از نماز مغرب و
دوازده رکعت بعد از نماز عشا بکن پس چون درآید شبی که در آن امید هست آنچه امید هست یعنی
شب قدر پس صد رکعت نماز بکن و در هر رکعتی بعد از حمد سوره قل هو الله احد ده نوبت بخوان
و یکمرتبه قل هو الله احد اکتفا نتوان کرد ... و هفت مرتبه وارد شده چنانچه
روایت آن در اول باب یازدهم در بیان نماز هزار رکعت و کیفیت تقسیم آن بر شبها مذکور شد
ابو بصیر گفت که فدای تو شوم اگر ایستاده نتوانم چه کنم فرمود که نشسته بکن فرمود که بر پشت خوابیده

در فراش خود بكن و دعا نكرد و سابق مذكور شد كه آدمی مخير است ميان آنكه هشتاد ركعت وظيفه اين شب
در اين سه شب تا صد را تمام كند يكصد ركعت بكند چنانچه در شب نوزدهم صد و بيست ركعت و در هريك از
بيست و يكم و بيست و سيم صد و سی ركعت بكند يا در اين سه شب اكتفا بصد ركعت نمايد و هشتاد
ركعت را توزيع بر جمعها نمايد بتفصيل مذكور در سابق و نيز گذشت كه شق ثانی افضل است پس
اگر شق ثانی را اختيار نمايد تمام اين صد ركعت را بعد از فراغ از نماز عشا و وتيره ميكند و بعد
از هر دو ركعت از بيست ركعت اول دعاها كه شيخ طوسی ره برای بيست ركعت هر شب روايت كرده
است و در باب يازدهم بتفصيل گذشت ميخواند و بعد از هر دو ركعت از هشتاد ركعت ديگر آن دعا
كه شيخ نيز روايت كرده و مذكور خواهد شد ان شاء الله تعالی ميخواند و اگر شق اول را اختيار نمايد
كه در شب نوزدهم صد و بيست ركعت و در هريك از بيست و يكم و بيست و سيم صد و سی ركعت بكند
پس از احاديث و اخبار ظاهر نميشود كه بيست ركعت شب اول و سی ركعت دو شب ديگر در اين صورت
چه وقت بايد كرده شود آيا بعد از مغرب و عشا متفرقا بر سبيل [illegible] بايد كرده شود يا آن نيز مانند
صد ركعت بعد از فراغ از عشا بايد كرده شود و دعا نيز برای اين بيست در روايات مذكور نيست
سوای دعای مختصری كه بعد از هر دو ركعت از مجموع هزار ركعت بايد خوانده شود و پيشتر گذشت لهذا
اولی اختيار شق ثانی است كه افضل نيز هست و اما دعاهای هشتاد ركعت پس بعد از فراغ از نماز
عشا و وتيره بر صغيری و بيست ركعت را با دعاهای كه سابق گذشت بجا مياورد پس دو ركعت ديگر را ميكند
و بعد از آن اين دعا را كه شيخ طوسی ره در كتاب تهذيب نقل نموده است ميخواند
يَا حَسَنَ الْبَلَاءِ عِنْدِي يَا قَدِيمَ الْعَفْوِ عَنِّي يَا مَنْ لَا غِنَاءَ لِشَيْءٍ عَنْهُ
يَا مَنْ لَا بُدَّ لِشَيْءٍ مِنْهُ يَا مَنْ مَرَدُّ كُلِّ شَيْءٍ إِلَيْهِ يَا مَنْ مَصِيرُ كُلِّ شَيْءٍ
إِلَيْهِ تَوَلَّنِي سَيِّدِي وَلَا تُوَلِّ أَمْرِي شِرَارَ خَلْقِكَ أَنْتَ خَالِقِي وَرَازِقِي يَا
مَوْلَايَ فَلَا تُضَيِّعْنِي پس دو ركعت ديگر را ميكند و بعد از آن اين دعا را كه شيخ طوسی در كتاب تهذيب ذكر نموده است ميخواند اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَوْفَرِ عِبَادِكَ نَصِيباً مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ فِي
هٰذِهِ اللَّيْلَةِ وَأَنْتَ مُنْزِلُهُ مِنْ نُورٍ تَهْدِي بِهِ أَوْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا أَوْ رِزْقٍ

تبسطه

تَبْسُطُهُ وَمِنْ ضُرٍّ تَكْشِفُهُ وَمِنْ بَلَاءٍ تَرْفَعُهُ وَمِنْ سُوءٍ تَدْفَعُهُ وَمِنْ فِتْنَةٍ تَصْرِفُهَا
وَاكْتُبْ لِي مَا كَتَبْتَ لِأَوْلِيَائِكَ الصَّالِحِينَ الَّذِينَ اسْتَوْجَبُوا مِنْكَ الثَّوَابَ وَ
أَمِنُوا بِرِضَاكَ عَنْهُمْ مِنْكَ الْعَذَابَ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَبَارِكْ لِي فِي كَسْبِي وَ
قَنِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَلَا تَفْتِنِّي بِمَا زَوَيْتَ عَنِّي پس دو ركعت ديگر را ميكند و بعد از آن
اين دعا كه شيخ طوسی ره در كتاب تهذيب نقل نموده ميخواند اَللّٰهُمَّ إِلَيْكَ نَصَبْتُ يَدِي وَفِيمَا عِنْدَكَ عَظُمَتْ رَغْبَتِي (رغبتي)
فَاقْبَلْ سَيِّدِي تَوْبَتِي وَارْحَمْ ضَعْفِي وَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَاجْعَلْ لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ
نَصِيباً وَإِلَى كُلِّ خَيْرٍ سَبِيلاً اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكِبْرِ وَمَوَاقِفِ
الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي
مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي وَاعْصِمْنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي وَأَوْرِدْ عَلَيَّ أَسْبَابَ
طَاعَتِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي بِهَا وَاصْرِفْ عَنِّي أَسْبَابَ مَعْصِيَتِكَ وَحُلْ بَيْنِي وَ
بَيْنَهَا وَاجْعَلْنِي وَأَهْلِي وَوُلْدِي فِي وَدَائِعِكَ الَّتِي لَا تَضِيعُ وَاعْصِمْنِي
مِنَ النَّارِ وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ كُلِّ ذِي شَرٍّ
وَشَرَّ كُلِّ ضَعِيفٍ أَوْ شَدِيدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَشَرَّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ

اخذ بناصيتها انك على كل شيء قدير پس در ركعت ديگر را ميگوئى و بعد از آن اين دعا
كه شيخ طوسى رحمه در كتاب تهذيب ذكر نموده است ميرزانى
اللهم انت متعالى الشان عظيم الجبروت شديد المحال عظيم الكبرياء قادر قاهر
قريب الرحمة صادق الوعد وفي العهد قريب مجيب سامع الدعاء وقابل
التوبة محص لما خلقت قادر على ما اردت مدرك من طلبت رازق من
خلقت شكور ان شكرت ذاكر ان ذكرت فاسئلك يا الهي محتاجا
وارغب اليك فقيرا واتضرع اليك خائفا وابكي لك مكروبا وارجوك
ناصرا واستغفرك ضعيفا واتوكل عليك محتسبا واسترزقك متوسعا
واسئلك يا الهي ان تصلي على محمد وآل محمد وان تغفر لي ذنوبي وتتقبل
علي وتيسر منقلبي وتفرج قلبي اسئلك ان تصدق ظني وتعفو
عن خطيئتي وتعصمني من المعاصي الهي ضعفت فلا قوة لي وعجزت
فلا حول لي الهي جئتك مسرفا على نفسي مقرا بسوء عملي وقد ذكرت
غفلتي واشفقت مما كان مني فصل على محمد وآل محمد وارض عني
واقض جميع حوائجي من حوائج الدنيا والآخرة يا ارحم الراحمين
پس در ركعت ديگر را ميگذارى و بعد از آن اين دعا اللهم اني اسئلك العافية من
كه شيخ طوسى ره در تهذيب نقل نموده است ميرزانى

جهد البلاء وشماتة الاعداء وسوء القضاء ودرك الشقاء ومن الضرر
في المعيشة وان تبتليني ببلاء لا طاقة لي به او تسلط علي طاغيا
او تهتك لي سترا او تبدي لي عورة او تحاسبني يوم القيمة مقاصا
احوج ما اكون الى عفوك وتجاوزك عني فاسئلك بوجهك الكريم
وكلماتك التامة ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعلني من
عتقائك من النار اللهم صل على محمد وآله وادخلني الجنة واجعلني وطلقائك م
من سكانها وعمادها اللهم اعوذ بك من سفعات النار اللهم صل
على محمد وآله وارزقني الحج والعمرة والصيام والصدقة لوجهك
پس سجده ميروى و در سجود اين دعا را كه شيخ يا سامع كل صوت ويا بارئ النفوس
طوسى ره در تهذيب ذكر نموده است ميرزانى
بعد الموت ويا من لا تغشاه الظلمات ويا من لا تشتبه عليه الاصوات
ويا من لا يشغله شيء عن شيء اعط محمدا افضل ما سألك وافضل
ما سئلت له وافضل ما انت مسئول له واسألك ان تجعلني من
عتقائك وطلقائك من النار اللهم صل على محمد وآله واجعل
العافية شعاري ودثاري ونجاة لي من كل سوء يوم القيمة

پس دو رکعت دیگر را میگزاری و بعد از آن این دعا را که شیخ طوسی ره در کتاب تهذیب ذکر نموده است بخوانی أَنْتَ اللهُ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ رَبُّ الْعالَمِينَ
وَأَنْتَ اللهُ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ وَأَنْتَ اللهُ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ
الْحَكِيمُ وَأَنْتَ اللهُ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ وَأَنْتَ اللهُ لا إِلٰهَ
إِلَّا أَنْتَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ وَأَنْتَ اللهُ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ مالِكُ يَوْمِ الدِّينِ وَأَنْتَ
اللهُ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ مِنْكَ بَدَأَ الْخَلْقُ وَإِلَيْكَ يَعُودُ وَأَنْتَ اللهُ لا إِلٰهَ
إِلَّا أَنْتَ خالِقُ الْجَنَّةِ وَالنّارِ وَأَنْتَ اللهُ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ خالِقُ الْخَيْرِ
وَالشَّرِّ وَأَنْتَ اللهُ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ لَمْ تَزَلْ وَلا تَزالُ وَأَنْتَ اللهُ لا
إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْواحِدُ الصَّمَدُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً
أَحَدٌ وَأَنْتَ اللهُ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ عالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ وَأَنْتَ اللهُ لا إِلٰهَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ
إِلَّا أَنْتَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبّارُ الْمُتَكَبِّرُ
سُبْحانَ اللهِ عَمّا يُشْرِكُونَ وَأَنْتَ اللهُ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْخالِقُ الْبارِئُ
الْمُصَوِّرُ لَكَ الْأَسْماءُ الْحُسْنىٰ يُسَبِّحُ لَكَ ما فِي السَّماواتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْتَ
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَأَنْتَ اللهُ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ وَالْكِبْرِياءُ رِداؤُكَ

پس صلوات میفرستی بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و علیهم و دعا میکنی با جد [illegible] بر شیخ گفته است که این از حضرت صادق ع منقولست و آنحضرت فرموده که هیچ مؤمنی نیست

که این

که این بخواند و حاجت خود را سؤال کند و روی دل خود را بحق تعالی نماید مگر آنکه حق تعالی حاجت او را بر میآورد و اگر شقی باشد امید است که سعید شود و این کلام شیخ دو احتمال دارد اول آنکه دعای آخر از آنحضرت منقول باشد و سابق بر آن دعاهای پیش از این دعا باین روایت منقول نخواهد بود دوم آنکه همه دعاها و سابق از آنحضرت منقول باشد و احتمال اول اظهر است و سید ابن طاوس ره در کتاب اقبال نیز این دعا را از شیخ نقل نموده و در شرح این دعا گفته که من دیده ام در روایت دیگر از غیر دهه عشر ماه رمضان این دعا را دیدم و در آن دو روایت [illegible] خالق الخیر والشر بود پس دو رکعت دیگر را میگزاری و بعد از آن این دعا که شیخ طوسی ره در کتاب تهذیب از حضرت امام محمد باقر ع روایت نموده است بخوانی لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ
سُبْحانَ اللهِ رَبِّ السَّماواتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَرَبِّ الْعَرْشِ
الْعَظِيمِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِينَ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِدِرْعِكَ الْحَصِينَةِ
وَبِقُوَّتِكَ وَعَظَمَتِكَ وَسُلْطانِكَ أَنْ تُجِيرَنِي مِنَ الشَّيْطانِ الرَّجِيمِ
وَمِنْ شَرِّ كُلِّ جَبّارٍ عَنِيدٍ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحُبِّي إِيّاكَ وَحُبِّي [illegible]
رَسُولَكَ وَحُبِّي أَهْلَ بَيْتِ رَسُولِكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ يا خَيْراً
لِي مِنْ أَبِي وَأُمِّي وَمِنَ النّاسِ جَمِيعاً أَقْدِرْ بِمَنْ قَدَّرَنِي لِنَفْسِي وَخَيْراً لِي مِمّا
يُقَدِّرُ لِي أَبِي وَأُمِّي أَنْتَ جَوادٌ لا تَبْخَلُ وَحَلِيمٌ لا تَجْهَلُ وَعَزِيزٌ لا تُسْتَذَلُّ
اللّٰهُمَّ مَنْ كانَ النّاسُ ثِقَتَهُ وَرَجاءَهُ فَأَنْتَ ثِقَتِي وَرَجائِي فَقَدِّرْ لِي
خَيْرَها عاقِبَةً وَرَضِّنِي بِما قَضَيْتَ لِي اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعْطِنِي
عافِيَتَكَ الْحَصِينَةَ وَإِنِ ابْتَلَيْتَنِي فَصَبِّرْنِي وَالْعافِيَةُ أَحَبُّ إِلَيَّ

و سید بن طاوس ره در کتاب اقبال این دعا را بروایت شیخ نقل نموده و بعد از آن گفته است که من در
کتاب عتیقی از مؤلفات بعضی از علما دیدم که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در دعای خود میفرمود که
اَللّٰهُمَّ اِنِ ابْتَلَیْتَنِی فَصَبِّرْنِی وَ الْعَافِیَةُ اَحَبُّ اِلَیَّ و ظاهر اینست که در اینجا اشکالی
که در فقرهٔ آخر دعا متوجه می شود زیرا که معنی فقرهٔ وان ابتلیتنی تا آخر آنست که اگر مرا مبتلا بی
بلائی فرمائی پس صبر بمن کرامت فرما و لیکن عافیت را دوست تر میدارم و این معنی منافات دارد
با رضا داشتن بقضاء الهی زیرا که رضا بقضاء حق تعالی مقتضی آنست که اگر حق تعالی بلا را برای
آدمی خواهد آدمی نیز بلا را دوست تر از عافیت بدارد و جواب این اشکال آنست که رضا
بقضاء الهی مقتضی آنست که آدمی دست از خواهش طبع بدارد و خواهش الهی را بر خواهش
خود ترجیح دهد و این معنی منافات ندارد با آنکه عافیت بالذات محبوب آدمی بوده باشد
و هذا این فقرهٔ شریفه در کلام حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه که در تمام اوقات شریفه
دست از عافیت و خواهش نفس خود برداشته بود نیز وارد شده والله تعالی یعلم پس دو رکعت دیگر
میکنی و بعد از آن این دعا را که شیخ طوسی ره در کتاب تهذیب از حضرت صادق از پدران بزرگوار
از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت کرده است میخوانی اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَعْلَمْتَ سَبِیلاً مِنْ سُبُلِكَ فَجَعَلْتَ
فِیهِ رِضَاكَ وَ نَدَبْتَ اِلَیْهِ اَوْلِیَاءَكَ وَ جَعَلْتَهُ اَشْرَفَ سُبُلِكَ عِنْدَكَ
ثَوَاباً وَ اَكْرَمَهَا لَدَیْكَ مَاٰباً وَ اَحَبَّهَا اِلَیْكَ مَسْلَكاً ثُمَّ اشْتَرَیْتَ
فِیهِ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ اَنْفُسَهُمْ وَ اَمْوَالَهُمْ بِاَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ یُقَاتِلُونَ
فِی سَبِیلِكَ فَیَقْتُلُونَ وَ یُقْتَلُونَ وَعْداً عَلَیْكَ حَقّاً فَاجْعَلْنِی مِمَّنِ
اشْتَرَی فِیهِ مِنْكَ نَفْسَهُ ثُمَّ وَفَی لَكَ بِبَیْعَتِهِ الَّذِی بَایَعَكَ عَلَیْهِ
غَیْرَ نَاكِثٍ وَ لَا مُبَدِّلٍ تَبْدِیلاً اِلَّا اسْتِنْجَازاً لِوَعْدِكَ وَ اسْتِیجَاباً
لِمَحَبَّتِكَ وَ تَقَرُّباً بِهِ اِلَیْكَ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ وَ اجْعَلْهُ خَاتِمَةَ

عملی

عَمَلِی وَ ارْزُقْنِی فِیهِ لَكَ وَ بِكَ مَشْهَداً تُوجِبُ لِی بِهِ الرِّضَا وَ تَحُطُّ عَنِّی
بِهِ الْخَطَایَا فِی الْاَحْیَاءِ الْمَرْزُوقِینَ بِاَیْدِی الْعُدَاةِ الْعُصَاةِ تَحْتَ
لِوَاءِ الْحَقِّ وَ رَایَةِ الْهُدَی مَاضٍ عَلَی نُصْرَتِهِمْ قُدُماً غَیْرَ مُوَلٍّ دُبُراً
وَ لَا مُحْدِثٍ شَكّاً اَعُوذُ بِكَ عِنْدَ ذَلِكَ مِنَ الذَّنْبِ الْمُحْبِطِ لِلْاَعْمَالِ
پس دو رکعت دیگر میکنی و بعد از آن این دعا را که شیخ طوسی ره در کتاب تهذیب از حضرت
صادق از پدران بزرگوارش صلوات الله علیهم روایت کرده میخوانی
اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْاَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِی لَا تُنَالُ مِنْكَ اِلَّا بِالرِّضَا وَ
الْخُرُوجِ مِنْ مَعَاصِیكَ وَ الدُّخُولِ فِی كُلِّ مَا یُرْضِیكَ نَجَاةً مِنْ كُلِّ
وَرْطَةٍ وَ الْمَخْرَجَ مِنْ كُلِّ كَبِیرٍ وَ الْعَفْوَ عَنْ كُلِّ سَیِّئَةٍ یَاْتِی
بِهَا مِنِّی عَمْدٌ اَوْ زَلَّ بِهَا مِنِّی خَطَاٌ اَوْ خَطَرَاتٌ نِسْیَانٍ اَسْاَلُكَ خَوْفاً
تُعِینُنِی بِهِ عَلَی حُدُودِ رِضَاكَ وَ اَسْاَلُكَ الْاَخْذَ بِاَحْسَنِ مَا اَعْلَمُ
وَ التَّرْكَ لِشَرِّ مَا اَعْلَمُ وَ اُحْطَیَ مِنْ حَیْثُ لَا اَعْلَمُ وَ اَسْاَلُكَ السَّعَةَ
فِی الرِّزْقِ وَ الزُّهْدَ فِیمَا هُوَ وَبَالٌ وَ اَسْاَلُكَ الْمَخْرَجَ بِالْبَیَانِ مِنْ
كُلِّ شُبْهَةٍ وَ الْفَلْجَ بِالصَّوَابِ فِی كُلِّ حُجَّةٍ وَ الصِّدْقَ فِیمَا
عَلَیَّ وَ لِی وَ ذُلَّ بِاِعْطَاءِ النَّصَفِ مِنْ نَفْسِی فِی جَمِیعِ الْمَوَاطِنِ فِی

الرضا والتحفظ والتواضع والقصد وترك قليل البغي وكثيره في

القول مني والفعل وتمام النعمة في جميع الأشياء والشكر

بها حتى ترضى وبعد الرضا والخيرة فيما يكون فيه الخيرة

بميسور جميع الأمور لا بمعسورها يا كريم

بين دو ركعت ديگر امسكين وبعد از آن اين دعا را كه شيخ طوسى ره در كتاب تهذيب از حضرت امام حسن از حضرت امير المؤمنين صلوات الله عليهما روايت كرده بخواند

الحمد لله رب العالمين

وصلى الله على أطيب المرسلين محمد بن عبد الله المنتجب الفاتق

الراتق اللهم فخص محمدا صلى الله عليه وآله بالذكر المحمود

والحوض المورود اللهم أعط محمدا صلواتك عليه وآله الوسيلة

والرفعة والفضيلة وفي المصطفين محبته وفي المقربين

كرامته اللهم أعط محمدا صلواتك عليه وآله من كل كرامة

أفضل تلك الكرامة ومن كل نعيم أوسع ذلك النعيم و

من كل عطاء أجزل ذلك العطاء ومن كل يسر أنضر ذلك اليسر

ومن كل قسم أوفر ذلك القسم حتى لا يكون أحد من خلقك

أقرب منه مجلسا ولا أرفع منه ذكرا ومنزلة ولا أعظم عليك

حقا

حقا ولا أقرب وسيلة من محمد صلواتك عليه وآله إمام الخير و

قائده والداعي إليه والبركة على جميع العباد والبلاد

ورحمة للعالمين اللهم اجمع بيننا وبين محمد وآله في

برد العيش وبرد الروح وقرار النعمة وشهوة الأنفس و

منى الشهوات ونعيم اللذات ورجاء الفضيلة وشهود

الطمأنينة وسودد الكرامة وقرة العين ونضرة

النعيم وبهجة لا تشبه بهجات الدنيا نشهد أنه قد بلغ

الرسالة وأدى النصيحة واجتهد للأمة وأوذي في جنبك و

جاهد في سبيلك وعبدك حتى أتاه اليقين فصل اللهم

عليه وآله الطيبين اللهم رب البلد الحرام ورب الركن

والمقام ورب المشعر الحرام ورب الحل والحرام بلغ روح

محمد صلواتك عليه وآله عنا السلام اللهم صل

على ملائكتك المقربين وعلى أنبيائك ورسلك أجمعين

وصل اللهم على الحفظة الكرام الكاتبين وعلى أهل

طاعتك من اهل السموات السبع واهل الارضين اجمعين السبع من المؤمنين

وچون از این دعا فارغ شدی بسجده برو و در سجود این دعا را که شیخ طوسی در کتاب تهذیب نقل نموده بخوان اللهم الیک توجهت

وبك اعتصمت وعليك توكلت اللهم انت ثقتي وانت

رجائي اللهم فاكفني ما اهمني وما لا يهمني وما انت اعلم

به مني عز جارك وجل ثناؤك ولا اله غيرك صل على محمد

وال محمد وعجل فرجهم پس سر از سجده بردار و این دعا را که شیخ طوسی در کتاب تهذیب نقل نموده بخوان اللهم اني

اعوذ بك من كل شيء زحزح بيني وبينك او صرف به عني وجهك

الكريم او نقص من حظي عندك اللهم فصل على محمد وال

محمد ووفقني لكل شيء يرضيك عني ويقربني اليك

وارفع درجتي عندك واعظم حظي واحسن مثواي وثبتني

بالقول الثابت في الحيوة الدنيا وفي الاخرة ووفقني لكل

مقام محمود تحب ان تدعى فيه باسمائك وتسئل فيه من

عطائك رب لا تكشف عني سترك ولا تبد عورتي للعالمين

وصل على محمد وال محمد واجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء

ءوادعا

ودعا را تمام میکنی تتمه این دعا را که در دعاهای شبهای عشر آخر وارد شده است بخوان و آن اینست وروحي مع الشهداء واحساني

في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي

وايمانا يذهب بالشك عني وترضيني بما قسمت لي واتني في الدنيا

حسنة وفي الاخرة حسنة وقني عذاب النار وارزقني يا رب

فيها ذكرك وشكرك والرغبة والانابة اليك والتوبة والتوفيق

لما وفقت له شيعة ال محمد يا ارحم الراحمين ولا تفتني بطلب

ما زويت عني بحولك وقوتك واغنني يا رب برزق منك واسع حلال

عن حرامك وارزقني العفة في بطني وفرجي وفرج عني كل هم و

غم ولا تشمت بي عدوي ووفق لي ليلة القدر على افضل ما راها احد

ووفقني لما وفقت له محمدا وال محمد عليه وعليهم السلم

وافعل بي كذا وكذا وبجای وافعل بي كذا وكذا حاجات خود را طلب میکنی پس بگو یا الساعة الساعة تا نفس منقطع شود پس دو رکعت دیگر را میکنی و

بعد از آن این دعا را که شیخ طوسی ره در کتاب تهذیب از حضرت صادق ع روایت کرده میخوانی اللهم انت ثقتي في كل كرب وانت

لي في كل امر نزل بي ثقة وعدة كم من كرب يضعف عنه الفؤاد

وتقل فيه الحيلة ويخذل عنه القريب ويشمت به العدو وتعييني

فِيهِ الأُمُورَ أَنْزَلْتُهُ بِكَ وَشَكَوْتُهُ إِلَيْكَ رَاغِباً إِلَيْكَ فِيهِ عَمَّنْ سِوَاكَ

فَفَرَّجْتَهُ وَكَشَفْتَهُ وَكَفَيْتَنِيهِ فَأَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ نِعْمَةٍ وَ

صَاحِبُ كُلِّ حَاجَةٍ وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ لَكَ الْحَمْدُ كَثِيراً وَ

لَكَ الْمَنُّ فَاضِلاً پس شیخ کفته که این دعا از حضرت صادق عم منقولست و آنحضرت
فرمود که حضرت رسالت پناه صلعم در روز جنگ احزاب این دعا را خواند

پس دو رکعت دیگر را میکنی و بعد از آن این دعا را که شیخ طوسی ره در کتاب تهذیب از حضرت
صادق عم روایت کرده است میخوانی یَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَسَتَرَ الْقَبِيحَ يَا مَنْ لَمْ يَهْتِكِ السِّتْرَ

يَا عَظِيمَ الْعَفْوِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ

يَا صَاحِبَ كُلِّ نَجْوَى وَمُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى يَا مُقِيلَ الْعَثَرَاتِ يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ يَا

عَظِيمَ الْمَنِّ يَا مُبْتَدِئاً بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا يَا رَبَّاهُ يَا سَيِّدَاهُ يَا غَايَةَ يا أملاه م

رَغْبَتَاهُ أَسْأَلُكَ بِكَ يَا اللهُ أَلاَّ تُشَوِّهَ خَلْقِي بِالنَّارِ وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَوَائِجَ آخِرَتِي

وَدُنْيَايَ وَتَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا بجای کذا وکذا حوائج خود را طلب کن پس صلوات بفرست بر محمد
و آل محمد صلی الله علیه و علیهم و دعا کن بهرچه خواهی پس

دو رکعت دیگر را میکنی و بعد از آن این دعا را که شیخ طوسی رض در کتاب تهذیب از حضرت صادق
عم روایت کرده اَللّٰهُمَّ خَلَقْتَنِي فَأَمَرْتَنِي وَرَغَّبْتَنِي فِي ثَوَابِ مَا أَمَرْتَنِي وَرَهَّبْتَنِي
است میخوانی

عِقَابَ مَا عَنْهُ نَهَيْتَنِي وَجَعَلْتَ لِي عَدُوّاً يَكِيدُنِي وَسَلَّطْتَهُ مِنِّي

عَلَى مَا لَمْ تُسَلِّطْنِي عَلَيْهِ مِنْهُ وَيُجْرِي فِي بِغَيْرِكَ إِنْ هَمَمْتُ بِفَاحِشَةٍ شَجَّعَنِي وَ

إِنْ هَمَمْتُ بِصَالِحٍ ثَبَّطَنِي يَنْصِبُ لِي بِالشَّهَوَاتِ وَيَعْرِضُ لِي بِهَا إِنْ وَعَدَنِي

کذبنی

كَذَبَنِي وَإِنْ مَنَّانِي قَنَّطَنِي وَإِنِ اتَّبَعْتُ هَوَاهُ أَضَلَّنِي وَإِلاَّ تَصْرِفْ عَنِّي

كَيْدَهُ يَسْتَزِلَّنِي وَأَنْ لاَ تُفْلِتْنِي مِنْ حَبَائِلِهِ يَصِيدُنِي وَإِلاَّ تَعْصِمْنِي

مِنْهُ يَفْتِنِّي اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْهَرْ سُلْطَانَهُ

عَنِّي بِسُلْطَانِكَ عَلَيْهِ حَتَّى تَحْبِسَهُ عَنِّي بِكَثْرَةِ الدُّعَاءِ لَكَ مِنِّي فَأَفُوزَ

فِي الْمَعْصُومِينَ مِنْهُ بِكَ وَلاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِكَ پس دو رکعت دیگر را میکنی
و بعد از آن این دعا را که

شیخ طوسی ره در کتاب تهذیب از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است میخوانی يَا أَجْوَدَ مَنْ أَعْطَى وَيَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ

وَيَا أَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ

يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ يَا مَنْ لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلاَ وَلَداً يَا مَنْ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ

وَيَحْكُمُ مَا يُرِيدُ وَيَقْضِي مَا أَحَبَّ يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ يَا مَنْ

هُوَ بِالْمَنْظَرِ الأَعْلَى يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ يَا سَمِيعُ يَا بَصِيرُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

وَآلِهِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلاَلِ مَا أَكُفُّ بِهِ وَجْهِي وَأُؤَدِّي بِهِ

عَنْ أَمَانَتِي وَأَصِلُ بِهِ رَحِمِي وَيَكُونُ عَوْناً لِي عَلَى الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ پس دو رکعت
دیگر را میکنی

و بعد از آن این دعا را که شیخ طوسی ره در کتاب تهذیب از حضرت امام جعفر صادق از پدران
بزرگوارش از رسول خدا صلی الله علیه و علیهم روایت کرده است میخوانی

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الأَوَّلِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الآخِرِينَ

وصل على محمد وآله في الملأ الأعلى وصل على محمد وآله في النبيين
والمرسلين اللهم أعط محمداً صلى الله عليه وآله الوسيلة
والشرف والفضيلة والدرجة الكبيرة اللهم إني آمنت
بمحمد صلى الله عليه وآله وسلم ولم أره فلا تحرمني يوم القيمة
رؤيته وارزقني صحبته وتوفني على ملته واسقني من حوضه
مشرباً روياً لا أظمأ بعده أبداً إنك على كل شيء قدير اللهم
كما آمنت بمحمد صلواتك عليه وآله ولم أره فعرفني في الجنان
وجهه اللهم بلغ روح محمد عني تحية كثيرة وسلاماً پس دعا کن بانچه خواهی
پس بسجده برو و در سجود این دعا را که شیخ طوسی ره در کتاب تهذیب نقل نموده است بخوان اللهم إني أسألك يا سامع كل
صوت ويا بارئ النفوس بعد الموت يا من لا تغشاه الظلمات ولا
تتشابه عليه الأصوات ولا تغلطه الحاجات يا من لا ينسى شيئاً لشيء
ولا يشغله شيء عن شيء أعط محمداً صلواتك عليه وعليهم أفضل ما سألوا وآل محمد
وخير ما سألوك وخير ما أنت مسؤول لهم إلى يوم القيمة پس سر از سجده بردار و دعا کن بانچه خواهی
پس دو رکعت دیگر را بکن و بعد از آن این دعا را که شیخ طوسی ره در کتاب تهذیب از حضرت صادق از پدرش از پدران بزرگوارش از رسول خدا صلی الله علیه وعلیهم روایت کرده است بخوان

اللهم

اللهم لك الحمد كله اللهم لا هادي لمن أضللت ولا مضل لما هديت اللهم
لا مانع لما أعطيت ولا معطي لما منعت اللهم لا قابض لما بسطت ولا باسط
لما قبضت اللهم لا مقدم لما أخرت ولا مؤخر لما قدمت اللهم أنت الحليم
فلا ترام اللهم أنت ذو الجلال والإكرام صل على محمد وآل محمد
پس دعا کن بانچه خواهی پس دو رکعت دیگر را بکن و بعد از آن این دعا را که شیخ طوسی رفع الله درجته در کتاب تهذیب از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است بخوان
اللهم إني أسألك العافية من جهد البلاء وشماتة الأعداء وسوء
القضاء ودرك الشقاء ومن الضرر في المعيشة وأن تبتليني ببلاء لا طاقة
لي به أو تسلط علي طاغياً أو تهتك لي ستراً أو تبدي لي عورة أو تحاسبني
يوم القيمة مناقشاً أحوج ما أكون إلى عفوك وتجاوزك عني فيما سلف
اللهم إني أسألك باسمك الكريم وكلماتك التامة أن تصلي على
محمد وآل محمد وأن تجعلني من عتقائك وطلقائك من النار پس دو رکعت دیگر را بکن و بعد از آن این دعا را که
شیخ طوسی ره در کتاب تهذیب از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه روایت کرده است بخوان اللهم لا إله إلا أنت ولا أعبد إلا إياك
ولا أشرك بك شيئاً اللهم إني ظلمت نفسي فاغفر وارحم إنه لا يغفر الذنوب
إلا أنت اللهم صل على محمد وآل محمد واغفر لي ما قدمت وما أخرت وأعلنت

وَأَسْرَفْتُ وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي وَأَنْتَ الْمُؤَخِّرُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَدُلَّنِي عَلَى الْعَدْلِ وَالْهُدَى وَالصَّوَابِ وَقِوَامِ الدِّينِ اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنِي
هَادِيًا مَهْدِيًّا رَاضِيًا مَرْضِيًّا غَيْرَ ضَالٍّ وَلَا مُضِلٍّ اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَوَاتِ
السَّبْعِ وَرَبَّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ اكْفِنِي الْمُهِمَّ
مِنْ أَمْرِي بِمَا شِئْتَ وَكَيْفَ شِئْتَ وصلوات فرست بر محمد و آل او صلى الله عليه وعليهم
و دعا کن با چیز دوست میداری پس دو رکعت دیگر میکنی
و بعد از آن این دعا که شیخ طوسی ره یَا أَللهُ لَيْسَ يَرُدُّ غَضَبَكَ إِلَّا حِلْمُكَ وَلَا
در کتاب تهذیب ذکر نموده آ میخوانی
يُنْجِي مِنْ نِقْمَتِكَ إِلَّا التَّضَرُّعُ إِلَيْكَ فَهَبْ لِي يَا إِلَهِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً تُغْنِينِي
بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي بِهَا تُحْيِي مَيْتَ الْبِلَادِ وَبِهَا
تَنْشُرُ مَيْتَ الْعِبَادِ وَلَا تُهْلِكْنِي غَمًّا حَتَّى تَغْفِرَ لِي وَتَرْحَمَنِي وَتُعَرِّفَنِي
الْإِجَابَةَ فِي دُعَائِي وَأَذِقْنِي طَعْمَ الْعَافِيَةِ إِلَى مُنْتَهَى أَجَلِي وَلَا تُشْمِتْ بِي
عَدُوِّي وَلَا تُمَكِّنْهُ مِنْ رَقَبَتِي إِلَهِي إِنْ وَضَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْفَعُنِي
وَإِنْ رَفَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَضَعُنِي وَإِنْ أَهْلَكْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَحُولُ
بَيْنَكَ وَبَيْنِي أَوْ يَتَعَرَّضُ لَكَ فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِي وَقَدْ عَلِمْتُ يَا إِلَهِي أَنْ لَيْسَ فِي
حُكْمِكَ ظُلْمٌ وَلَا فِي نِقْمَتِكَ عَجَلَةٌ إِنَّمَا يَعْجَلُ مَنْ يَخَافُ الْفَوْتَ وَإِنَّمَا يَحْتَاجُ

الى الظلم

إِلَى الظُّلْمِ الضَّعِيفُ وَقَدْ تَعَالَيْتَ يَا إِلَهِي عَنْ ذَلِكَ عُلُوًّا كَبِيرًا فَلَا تَجْعَلْنِي
لِلْبَلَاءِ غَرَضًا وَلَا لِنِقْمَتِكَ نَصَبًا وَمَهِّلْنِي وَأَقِلْنِي عَثْرَتِي وَلَا تَبْتَلِنِي تبتليني
بِبَلَاءٍ عَلَى أَثَرِ بَلَاءٍ فَقَدْ تَرَى ضَعْفِي وَقِلَّةَ حِيلَتِي أَسْتَجِيرُ بِكَ يَا أَللهُ فَأَجِرْنِي
وَأَسْتَعِيذُ بِكَ مِنَ النَّارِ فَأَعِذْنِي وَأَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ فَلَا تَحْرِمْنِي و شیخ ذکرها
مصباح المتهجد
این دو رکعت دعا سابق بر آن دعا اللَّهُمَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ تا آخر است نقل نموده و این دعا را بعد از
دو رکعت سابق بر این دو رکعت نقل نموده است و بالجمله ترتیب مصباح در این مقام بر عکس ترتیب کتاب
تهذیب است و سید در اقبال و علامه در کتاب منهاج الصلاح و ابن بابویه در کتاب اختیار ...
موافقت کتاب مصباح نموده اند بجهة آنکه ایشان اعمال را از کتاب مصباح نقل نموده اند و ظاهر آنست که شیخ
در مصباح سهو در نقل نموده باشد زیرا که ظاهر آنست که شیخ این اعمال را در مصباح از کتاب تهذیب
نقل نموده باشد و بالجمله متابعت کتاب تهذیب اولی است و اگر کسی بعد از هر یک از دو رکعت
یک از این دو دعا را بخواند تا عمل بهر دو کتاب کرده باشد بهتر است والله تعالى يعلم پس دو رکعت دیگر
میکنی و بعد از آن این دعا که شیخ طوسی ره در کتاب تهذیب نقل نموده است میخوانی
اللَّهُمَّ إِنَّ عَفْوَكَ عَنْ ذَنْبِي وَتَجَاوُزَكَ عَنْ خَطِيئَتِي وَصَفْحَكَ عَنْ
ظُلْمِي وَسَتْرَكَ عَلَى قَبِيحِ عَمَلِي وَحِلْمَكَ عَنْ كَثِيرِ جُرْمِي عِنْدَ مَا كَانَ
مِنْ خَطَايَ وَعَمْدِي أَطْمَعَنِي فِي أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَا أَسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ الَّذِي
رَزَقْتَنِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَأَرَيْتَنِي مِنْ قُدْرَتِكَ وَعَرَّفْتَنِي مِنْ إِجَابَتِكَ فَصِرْتُ
أَدْعُوكَ آمِنًا وَأَسْأَلُكَ مُسْتَأْنِسًا لَا خَائِفًا وَلَا وَجِلًا مُدِلًّا عَلَيْكَ فِيمَا
قَصَدْتُ فِيهِ إِلَيْكَ فَإِنْ أَبْطَأَ عَنِّي عَتَبْتُ بِجَهْلِي عَلَيْكَ وَلَعَلَّ

الذي ابطأ عني هو خير لي لعلمك بعاقبة الامور فلم ار مولى كريما اصبر
على عبد لئيم منك علي يا رب انك تدعوني فاولي عنك وتحبب الي
فلا اقبل منك كأن لي التطول عليك ثم لم يمنعك ذلك من
الرحمة لي والاحسان الي والتفضل علي بجودك وكرمك
فارحم عبدك الجاهل وجد عليه بفضل احسانك انك جواد كريم
پس چون از این دعا فارغ شدی ابجبه برو و در سجده بگو يا كائنا قبل كل شيء ويا
این دعا را که شیخ طوسی ره در کتاب تهذیب نقل نموده است
كائنا بعد كل شيء ويا مكون كل شيء لا تفضحني فانك بي عالم
ولا تعذبني فانك علي قادر اللهم اني اعوذ بك من العديلة عند
الموت ومن سوء المرجع في القبور ومن الندامة يوم القيمة اللهم
اني اسألك عيشة هنية وميتة سوية ومنقلبا كريما غير مخز ولا
فاضح پس سر از سجده بردار و دعا کن بآنچه خواهی پس دو رکعت دیگر را بگذار و بعد از آن این دعا را
که شیخ طوسی ره در کتاب تهذیب از حضرت امام محمد باقر یا امام جعفر صادق علیهما السلام روایت کرده بخوان
اللهم اني اسألك بان لك الحمد لا اله الا انت المنان بديع السموات
والارض ذو الجلال والاكرام اني سائل فقير وخائف مستجير وتائب
مستغفر اللهم صل على محمد وآل محمد واغفر لي ذنوبي كلها قديمها

وحديثها وكل ذنب اذنبته اللهم لا تجهد بلائي ولا تشمت بي
اعدائي فانه لا دافع ولا مانع الا انت پس دو رکعت دیگر را بجا بیاور و بعد از آن
این دعا را که شیخ طوسی ره در کتاب تهذیب از
حضرت صادق ع روایت کرده است بخوان اللهم اني اسألك ايمانا تباشر به قلبي ويقينا حتى
اعلم انه لن يصيبني الا ما كتبت لي والرضا بما قسمت لي اللهم اني
اسألك نفسا طيبة تؤمن بلقائك وتقنع بعطائك وترضى بقضائك اللهم
اني اسألك ايمانا لا اجل له دون لقائك تتوفاني ما ابقيتني عليه وتحييني
ما احييتني عليه وتوفني اذا توفيتني عليه وتبعثني اذا بعثتني عليه
وتبرئ به صدري من الشك والريب في ديني پس دو رکعت دیگر را بگذار و بعد از
آن این دعا را که شیخ طوسی ره در کتاب
تهذیب از حضرت صادق ع یا حليم يا كريم يا عالم يا عليم يا قادر يا قاهر يا خبير
روایت کرده است بخوان
يا لطيف يا الله يا رباه يا سيداه يا مولاياه يا رجاياه فاسألك ان
تصلي على محمد وآل محمد واسألك نفحة من نفحاتك كريمة رحيمة
تلم بها شعثي وتصلح بها شأني وتقضي بها ديني وتغنيني بها
عيالي وتغنيني بها عن من سواك يا من هو خير لي من ابي وامي ومن الناس
اجمعين صل على محمد وآل محمد وافعل ذلك بي الساعة انك على كل شيء

قدیر پس دو رکعت دیگر را بکنی و بعد از آن این دعا را که شیخ طوسی رحمه در کتاب تهذیب نقل نموده است اللهم ان الاستغفار
مع الاصرار لوم و ترکی الاستغفار مع معرفتی بکرمک عجز
فلم تحبب الی بالنعم مع غناک عنی و ابغض الیک بالمعاصی
مع فقری الیک یا من اذا وعد وفی و اذا اوعد عفا صل علی محمد
و آل محمد و افعل بی اولی الامرین بک فانک من شانک العفو و انت
ارحم الراحمین اللهم انی اسالک بحرمة من عاذ بک منک و لجا
الی عزک و استظل بفیئک و اعتصم بحبلک یا جزیل العطایا یا فکاک عندک
الاساری یا من سمی نفسه من جوده الوهاب صل علی محمد و آل محمد
و اجعل یا مولای من امری فرجا و مخرجا و رزقا واسعا کیف شئت و انی
شئت و بما شئت و حیث شئت فانه یکون ما شئت اذا شئت کیف شئت
پس دو رکعت دیگر را میگذاری و بعد از آن این دعا را که شیخ طوسی رحمه در کتاب تهذیب از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است اللهم انی اسالک باسمک
المکتوب فی سرادق المجد و اسالک باسمک المکتوب فی سرادق
البهاء و اسالک باسمک المکتوب فی سرادق العظمة و اسالک
باسمک المکتوب فی سرادق الجلال و اسالک باسمک المکتوب

فی سرادق

فی سرادق العزة و اسالک باسمک المکتوب فی سرادق السرائر السابق
الفائق الحسن النضیر و رب الملائکة الثمانیة و رب العرش العظیم
و بالعین التی لا تنام و بالاسم الذی اشرقت له السموات و الارض
و بالاسم الاعظم المحیط بملکوت السموات و الارض و بالاسم
الذی اشرقت به الشمس و اضاء به القمر و سجرت به البحار و نصبت
به الجبال و بالاسم الذی قام به العرش و الکرسی و باسمائک
المکرمات المقدسات المکنونات المخزونات فی علم الغیب
عندک و اسالک بذلک کله ان تصلی علی محمد و آل محمد و دعا
میکنی با آنچه میخواهی پس چون از دعا فارغ شدی بسجده برو و در سجود این دعا را که شیخ طوسی رحمه در کتاب تهذیب نقل نموده سجد وجهی اللئیم
لربی الکریم سجد وجهی الحقیر لوجه ربی العزیز الکریم
بکرمک و جودک اغفر لی ظلمی و جرمی و اسرافی علی نفسی پس سر از سجده بردار
و دعا کن با آنچه دوست میداری پس دو رکعت دیگر را میکنی و بعد از آن این دعا را که شیخ طوسی رحمه در کتاب تهذیب از حضرت صادق و امام محمد باقر صلوات الله علیهما روایت کرده میخوانی
اللهم لک الحمد بمحامدک کلها علی نعمائک کلها حتی ینتهی
الحمد الی ما تحب و ترضی اللهم انی اسالک خیر ما ارجو و اعوذ

بك من شر ما أحذر اللهم صل على محمد وآل محمد وأوسع لي في رزقي
وامدد لي في عمري واغفر ذنبي واجعلني ممن تنتصر به لدينك ولا تستبدل
بي غيري پس دو رکعت دیگر میکنی و بعد از آن این دعا را که شیخ طوسی ره در کتاب تهذیب نقل نموده میخوانی اللهم صل على محمد وآل محمد
واقسم لنا من خشيتك ما يحول بيننا وبين معاصيك ومن طاعتك ما
تبلغنا به جنتك ومن اليقين ما تهون علينا مصيبات الدنيا ومتعنا
بأسماعنا وأبصارنا وانصرنا على من عادانا ولا تجعل مصيبتنا في
ديننا ولا تجعل الدنيا أكبر همنا ولا تسلط علينا من لا يرحمنا
پس دو رکعت دیگر میکنی و بعد از آن این دعا را که شیخ طوسی ره در کتاب تهذیب نقل نموده میخوانی إلهي ذنوبي تخوفني منك وجودك يبشرني
عنك فأخرجني بالخوف من الخطايا وأوصلني بجودك إلى العطايا
حتى أكون غدا في القيامة عتيق كرمك كما كنت في الدنيا ربيب
نعمك فليس ما تبذله غدا بأعظم مما قد منحته اليوم من الرجاء
ومتى خاب في فنائك أمل أم متى انصرف بالرد عنك سائل إلهي ما
دعاك من لم تجبه لأنك قلت ادعوني أستجب لكم وأنت لا تخلف الميعاد
فصل على محمد وآل محمد يا إلهي واستجب دعائي پس دو رکعت دیگر میکنی و بعد از آن این دعا را که شیخ طوسی ره در تهذیب از امام جعفر صادق ع روایت نموده میخوانی

اللهم بارك لي في الموت اللهم أعني على سكرات الموت اللهم أعني
على غم القبر اللهم أعني على ضيق القبر اللهم أعني على ظلمة
القبر اللهم أعني على وحشة القبر اللهم أعني على أهوال يوم القيامة
اللهم بارك لي في طول يوم القيامة اللهم زوجني من الحور العين
پس دو رکعت دیگر میکنی و بعد از آن این دعا را که شیخ طوسی ره در کتاب تهذیب نقل نموده میخوانی اللهم لا بد من أمرك ولا بد
من قدرك ولا بد من قضائك ولا حول ولا قوة إلا بك اللهم
فما قضيت علينا من قضاء أو قدرت علينا من قدر فأعطنا معه
صبرا يقهره ويدمغه واجعله لنا صاعدا في رضوانك ينمي في حسناتنا
وتفضيلنا وسؤددنا ومجدنا ونعمائنا وكرامتنا في الدنيا و
الآخرة ولا تنقص من حسناتنا اللهم وما أعطيتنا من عطاء أو
فضلتنا به من فضيلة أو أكرمتنا به من كرامة فأعطنا
معه شكرا يقهره ويدمغه واجعله لنا صاعدا في رضوانك
وفي حسناتنا وسؤددنا وشرفنا ونعمائك وكرامتك في
الدنيا والآخرة اللهم لا تجعله لنا أشرا ولا بطرا ولا فتنة

ولا مقتا ولا عذابا ولا خزيا في الدنيا والآخرة اللهم انا نعوذ بك من
عثرة اللسان وسوء المقام وخفة الميزان اللهم صل على محمد و
آل محمد ولقنا حسناتنا في الممات ولا ترنا اعمالنا علينا حسرات
ولا تخزنا عند قضائك ولا تفضحنا بسيئاتنا يوم نلقاك و
اجعل قلوبنا تذكرك ولا تنساك وتخشاك كانا نراك
حتى نلقاك وصل على محمد وآله وبدل سيئاتنا حسنات
واجعل درجاتنا غرفات واجعل غرفاتنا عاليات اللهم اوسع
لفقيرنا من سعة ما قضيت على نفسك اللهم صل على محمد وآل
محمد ومن علينا بالهدى ما ابقيتنا والكرامة ما احييتنا
والكرامة اذا توفيتنا والحفظ فيما يبقى من عمرنا والبركة فيما
رزقتنا والعون على ما حملتنا والثبات على ما طوقتنا ولا
تؤاخذنا بظلمنا ولا تقايسنا بجهلنا ولا تستدرجنا بخطايانا
واجعل احسن ما نقول ثابتا في قلوبنا واجعلنا عظماء عندك
وفي انفسنا اذلة وانفعنا بما علمتنا وزدنا علما نافعا اعوذ

بك

بك من قلب لا يخشع ومن عين لا تدمع وصلوة لا تقبل اجرنا من سوء
الفتن يا ولي الدنيا والآخرة پس هرگاه از این دعا فارغ شدی بسجده برو و در
سجود این دعا را که شیخ طوسی ره در کتاب تهذیب
از حضرت امام جعفر صادق ع سجد وجهي لك تعبدا ورقا لا اله الا انت
روایت کرده است میخوانی
حقا حقا الاول قبل كل شيء والآخر بعد كل شيء ها
انا ذا بين يديك ناصيتي بيدك فاغفر لي انه لا يغفر الذنوب
الا انت فاغفر لي فاني مقر بذنوبي على نفسي ولا يدفع الذنب العظيم
غيرك پس سر از سجده بردار و برخیز و چون درست ایستادی دعا کن با خیزد و سنت سیدار
ببر و در رکعت دیگر را بسکنی و بعد از آن این دعا را که شیخ طوسی ره در کتاب تهذیب از حضرت صادق ع
روایت کرده اللهم انت ثقتي في كل كرب وانت رجائي في كل
است میخوانی
شدة وانت لي في كل امر نزل بي ثقة وعدة كم من كرب يضعف
عنه الفؤاد وتقل فيه الحيلة ويخذل عنه القريب ويشمت به
العدو وتعييني فيه الامور انزلته بك وشكوته اليك فيه
عمن سواك ففرجته وكشفته وكفيتنيه فانت ولي
كل نعمة وصاحب كل حاجة ومنتهى كل رغبة لك الحمد
كثيرا ولك المن فاضلا پس برو در رکعت دیگر را بسکنی و بعد از آن این دعا که شیخ طوسی
در کتاب تهذیب از حضرت صادق ع روایت کرده است و اختصر

[illegible] این دعا اللهم إنك تنزل في الليل والنهار ما شئت فصل على محمد وآله
فرموده است میخوانی
وأنزل علي وعلى إخواني وأهلي وجيراني بركاتك ومغفرتك والرزق
الواسع واكفنا المؤن اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقنا
من حيث نحتسب ومن حيث لا نحتسب واحفظنا من حيث نحتفظ و
من حيث لا نحتفظ اللهم صل على محمد وآل محمد واجعلنا في جوارك
وحرزك عز جارك وجل ثناؤك ولا إله غيرك پس دو رکعت دیگر ا
میکنی و بعد از آن
این دعا که شیخ طوسی ره در کتاب تهذیب از حضرت امام رضا ع یا الله یا ولي العافية
روایت نموده است و آنحضرت فرموده که این دعا عافیت است میخوانی
والمنان بالعافية ورازق العافية والمنعم بالعافية والمتفضل بالعافية
علي وعلى جميع خلقه رحمن الدنيا والآخرة ورحيمهما صل على محمد و
آل محمد وعجل لنا فرجا ومخرجا وارزقنا العافية في الدنيا والآخرة
يا أرحم الراحمين پس دو رکعت دیگر ا میکنی و بعد از آن این دعا که شیخ طوسی ره اللهم إني أسألك
در کتاب تهذیب از ائمه علیهم السلام روایت کرده است میخوانی
برحمتك التي وسعت كل شيء وبجبروتك التي غلبت كل شيء وبقوتك
التي لا يقوم لها شيء وبعظمتك التي ملأت كل شيء وبعلمك الذي أحاط
بكل شيء وبوجهك الباقي بعد فناء كل شيء وبنور وجهك الذي أضاء

له كل شيء يا نور يا نور يا أول الأولين ويا آخر الآخرين ويا الله يا رحمن
يا الله يا رحيم يا الله أعوذ بك من الذنوب التي تحدث النقم وأعوذ
بك من الذنوب التي تورث الندم وأعوذ بك من الذنوب التي تحبس
القسم وأعوذ بك من الذنوب التي تهتك العصم وأعوذ بك من
الذنوب التي تمنع القضاء وأعوذ بك من الذنوب التي تنزل البلاء
وأعوذ بك من الذنوب التي تديل الأعداء وأعوذ بك من الذنوب التي
تحبس الدعاء وأعوذ بك من الذنوب التي تعجل الفناء وأعوذ بك
من الذنوب التي تقطع الرجاء وأعوذ بك من الذنوب التي تورث
الشقاء وأعوذ بك من الذنوب التي تظلم الهواء وأعوذ بك من الذنوب
التي تكشف الغطاء وأعوذ بك من الذنوب التي تحبس غيث السماء
پس دو رکعت دیگر ا میکنی و بعد از آن این دعا که شیخ طوسی ره اللهم أنت حفظت الغلامين
در کتاب تهذیب از ائمه علیهم السلام روایت کرده است میخوانی
لصلاح أبويهما ودعاك المؤمنون فقالوا ربنا لا تجعلنا فتنة للقوم
الظالمين اللهم إني أنشدك برحمتك وأنشدك بنبيك نبي الرحمة
وأنشدك بعلي وفاطمة وأنشدك باسمك الأعظم الأعظم

الذي اذا دعيت لم ترد ما كان اقرب من طاعتك واتعبد من معصيتك
واوفى بعهدك واقضى لحقك فاسئلك ان تصلي على محمد وال محمد
وان تنشطني له وان تجعلني لك عبدا شاكرا تجد من خلقك من
تعذبه غيري ولا احد من يغفر لي الا انت انت عن عذابي غني وانا
الى رحمتك فقير انت موضع كل شكوى وشاهد كل نجوى
ومنتهى كل حاجة ومنجي من كل عثرة وغوث كل مستغيث
فاسئلك ان تصلي على محمد وال محمد وان تعصمني بطاعتك
من معصيتك وبما احببت عما كرهت وبالايمان عن الكفر
وبالهدى عن الضلالة وباليقين عن الريبة وبالامانة عن الخيانة
وبالصدق عن الكذب وبالحق عن الباطل وبالتقوى عن الاثم
وبالمعروف عن المنكر وبالذكر عن النسيان اللهم صل
على محمد وال محمد وعافني ما احييتني والهمني الشكر على ما
اعطيتني وكن بي رحيما پس چون فارغ شدی از این دعا بسجده برو و در سجده این
دعا را که شیخ طوسی ره در کتاب تهذیب نقل نموده است بخوان
اللهم صل على محمد وال محمد واعف عن جرمي بحلمك وجودك يا رب يا كريم

يا من لا يخيب سائله ولا ينفد نائله يا من علا فلا شيء فوقه يا من دنا
فلا شيء دونه صل على محمد وال محمد دعائی که بخواند وقت میدارد و بر
ترکت دیگر را میکنی و بعد از آن این
دعا را که شیخ طوسی ره در کتاب تهذیب ذکر نموده است بخوان اللهم اني اسئلك باسمائك الحميدة
الكريمة التي اذا وضعت على الاشياء ذلت لها واذا طلبت
بها الحسنات ادركت واذا اريد بها صرف السيئات صرفت
اسئلك بكلماتك التي لو ان ما في الارض من شجرة اقلام والبحر
يمده من بعده سبعة ابحر ما نفدت كلمات الله ان الله عزيز حكيم
يا حي يا قيوم يا كريم يا علي يا عظيم يا ابصر المبصرين ويا اسمع السا
معين يا اسرع الحاسبين ويا احكم الحاكمين ويا ارحم الراحمين
اسئلك بعزتك واسئلك بقدرتك على ما تشاء واسئلك بكل شيء
احاط به علمك واسئلك بكل حرف انزلته في كتاب من كتبك
وبكل اسم دعاك به احد من ملائكتك وانبيائك ان تصلي
على محمد وال محمد و دعا کن بآنچه خاطرت میرسد پس در کعبه بکن را میکنی
بعد از آن این دعا را که شیخ طوسی در کتاب تهذیب نقل نموده بخوان
سبحان من اكرم محمدا صلى الله عليه واله سبحان من انتجب

يا عماد من لا عماد له يا ذخر من لا ذخر له يا سند من لا سند له يا غياث من لا غياث له يا كريم العفو يا حسن البلاء يا عظيم الرجاء [illegible]

محمداً سبحان من انتجب علياً سبحان من خص الحسن والحسين
سبحان من فطم بفاطمة من احبها من النار سبحان من خلق
السموات والارض باذنه سبحان من استعبد اهل السموات والارضين
بولاية محمد وآل محمد سبحان من خلق الجنة لمحمد وآل محمد
سبحان من يورثها محمداً وآل محمد وشيعتهم سبحان من خلق
النار لاجل اعداء محمد وآل محمد سبحان من يملكها محمداً وآل
محمد سبحان من خلق الدنيا والآخرة وما سكن في الليل والنهار
لمحمد وآل محمد الحمد لله كما ينبغي لله وصلى الله على محمد وآله
وعلى جميع المرسلين حتى يرضى الله اللهم من اياديك و
هي اكثر من ان تحصى ومن نعمك وهي اجل من ان تعاد ان
يكون عدوي عدوك ولا صبر لي على اناتك فعجل هلاكهم
وبوارهم ودمارهم پس دو رکعت دیگر را بجا میآوری و بعد از آن این دعا را که
شیخ طوسی ره در کتاب تهذیب نقل نموده است میخوانی
بسم الله الرحمن الرحيم اللهم فاطر السموات والارض عالم الغيب والشهادة
الرحمن الرحيم اني اعهد اليك في دار الدنيا اني اشهد ان لا اله الا انت

وحدك

وحدك لا شريك لك وان الدين كما شرعت والاسلام كما وصفت و
الكتاب كما انزلت وانك انت الله الحق المبين
جزى الله محمداً خير الجزاء وحيا الله محمداً وآل محمد بالسلام پس دو
رکعت
دیگر را میکنی و بعد از آن این دعا را که شیخ طوسی ره در کتاب تهذیب از حضرت صادق ع
روایت کرده است که آنحضرت میفرمود که هرگاه فارغ شوی از این نمازها این دعا را بخوان
اللهم اني ادينك بطاعتك وولايتك وولاية رسولك وولاية
الائمة من اولهم الى آخرهم علي وفاطمة والحسن والحسين وعلي بن
الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلي
بن موسى ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن بن علي والحجة بن الحسن
امين ادينك بطاعتهم وولايتهم والرضا بما فضلتهم به غير منكر
ولا مستكبر على حدود ما اتانا به وما لم يأتنا مفوض بذلك مسلم راض
عنا رضيت به يا رب اريد به وجهك والدار الآخرة مرهوباً ومرغوباً
اليك فيه فاحيني ما احييتني عليه وامتني اذا امتني عليه
وابعثني اذا بعثتني على ذلك وان كان مني تقصير فيما مضى
فاني اتوب اليك منه وارغب اليك فيما عندك ان تعصمني

مِنْ مَعَاصِيكَ وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا مَا أَحْيَيْتَنِي لَا أَقَلَّ مِنْ

ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمْتَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَعْصِمَنِي بِطَاعَتِكَ حَتَّى تَتَوَفَّانِي عَلَيْهَا وَأَنْتَ عَنِّي رَاضٍ

وَأَنْ تَخْتِمَ لِي بِالسَّعَادَةِ وَلَا تُحَوِّلَنِي عَنْهَا أَبَدًا وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ پس دعا کن
بانچه دوست

میداری و چون از دعا فارغ شوی بسجده برو و در سجود (...) سَجَدَ وَجْهِيَ الْبَالِي
این دعا را که شیخ طوسی ره در تهذیب از حضرت صادق ع نقل کرده است

الْفَانِي لِوَجْهِكَ الدَّائِمِ الْعَظِيمِ سَجَدَ وَجْهِيَ الذَّلِيلُ لِوَجْهِكَ الْعَظِيمِ

الْعَزِيزِ سَجَدَ وَجْهِيَ الْفَقِيرُ لِوَجْهِكَ الْغَنِيِّ الْكَرِيمِ رَبِّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ

مِمَّا كَانَ وَأَسْتَغْفِرُكَ مِمَّا يَكُونُ رَبِّ لَا تُجْهِدْ بَلَائِي رَبِّ لَا تُسِئْ قَضَائِي رَبِّ

لَا تُشْمِتْ أَعْدَائِي رَبِّ إِنَّهُ لَا دَافِعَ وَلَا مَانِعَ إِلَّا أَنْتَ رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

وَآلِ مُحَمَّدٍ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ سَطَوَاتِكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَقِمَاتِكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ

جَمِيعِ غَضَبِكَ وَسَخَطِكَ سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ پس شیخ ره
گفته که اگر

میسر نشود ترا که بعد از هر دو رکعت دعای آنرا بخوانی پس بعد از هر ده رکعت دعای آنرا بخوان
والله تعالی هو الموفق **پنجم** سید بن طاوس ره در کتاب اقبال از کتاب کنز الیواقیت نقل
نموده که از رسول خدا ص منقول است که هر که در شب قدر دو رکعت نماز بگذارد در هر رکعتی بعد از حمد
سوره قل هو الله احد هفت نوبت و چون فارغ شود هفتاد مرتبه استغفار نماید از جای خود برنخیزد

تا آنکه حق تعالی بیامرزد او را و پدر و مادر او را و ملکی چند را فرو فرستد که از برای او حسنات
بنویسند تا سال آینده و به بهشت ملکی چند را بفرستد که اشجار برای او غرس نمایند و قصرها
برای او بنا کنند و نهرها برای او جاری سازند و از دنیا بیرون نرود تا همه اینها را ببیند
ششم ایضا سید در کتاب مذکور از حضرت امام حسن مجتبی ع این دعا را برای شب قدر
روایت نموده است يَا بَاطِنًا فِي ظُهُورِهِ وَيَا ظَاهِرًا فِي بُطُونِهِ يَا بَاطِنًا لَيْسَ يَخْفَى يَا

ظَاهِرًا لَيْسَ يُرَى يَا مَوْصُوفًا لَا يَبْلُغُ بِكَيْنُونَتِهِ مَوْصُوفٌ وَلَا حَدٌّ

مَحْدُودٌ يَا غَائِبًا غَيْرَ مَفْقُودٍ وَيَا شَاهِدًا غَيْرَ مَشْهُودٍ يُطْلَبُ فَيُصَابُ

لَمْ يَخْلُ مِنْهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَا بَيْنَهُمَا طَرْفَةَ عَيْنٍ لَا يُدْرَكُ

بِكَيْفٍ وَلَا يُؤَيَّنُ بِأَيْنٍ وَلَا بِحَيْثُ أَنْتَ نُورُ النُّورِ وَرَبُّ الْأَرْبَابِ أَحَطْتَ

بِجَمِيعِ الْأُمُورِ سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا وَلَا هَكَذَا غَيْرُهُ پس دعا کن بهر چه خواهی **مؤلف** گوید که
سید این دعا را از جمله اعمال مختص شب
بیست و سیم نقل نموده و لیکن چون در سند آن وارد شده که در شب قدر خوانده شود و احتمال
قدر بودن هر یک از این سه شب میرود لهذا ما در اعمال آن ذکر نمودیم **هفتم** دعای توسل
بقرآن مجید و طریق آن در روایات مختلف شده است **اول** سید بن طاوس ره در کتاب
اقبال بسند خود از حریز بن عبد الله سجستانی روایت کرده است که حضرت امام محمد باقر ع فرمود که
در هر شب ماه رمضان مصحف را بر میداری اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكِتَابِكَ الْمُنْزَلِ
و میگشائی و در برابر روی خود میگذاری و میگوئی
وَمَا فِيهِ وَفِيهِ اسْمُكَ الْأَكْبَرُ وَأَسْمَاؤُكَ الْحُسْنَى وَمَا يُخَافُ وَ

يُرْجَى أَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ عُتَقَائِكَ مِنَ النَّارِ و دعا میکنی بانچه میخواهی **دوم** ایضا
سید در کتاب [illegible] مذکور از کتاب اغاثه

الداعی نقل نموده که از حضرت صادق ع منقولست که بردار مصحف را و بر سر بگذار و بگو
اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هٰذَا الْقُرْاٰنِ وَ بِحَقِّ مَنْ اَرْسَلْتَهُ بِهِ وَ بِحَقِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ
مَدَحْتَهُ فِيهِ وَ بِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ فَلَا اَحَدَ اَعْرَفُ بِحَقِّكَ مِنْكَ بِكَ
يَا اَللّٰهُ ده نوبت بِمُحَمَّدٍ ده نوبت بِعَلِيٍّ ده نوبت بِفَاطِمَةَ ده نوبت بِالْحَسَنِ
ده نوبت بِالْحُسَيْنِ ده نوبت بِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ده نوبت بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ
ده نوبت بِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ده نوبت بِمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ده نوبت بِعَلِيِّ بْنِ مُوسَى ده نوبت
بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ده نوبت بِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ ده نوبت بِالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ده نوبت
بِالْحُجَّةِ ده نوبت پس حوایج خود را بطلبی سیم ایضا از کتاب مذکور نقل نموده از حضرت
امام موسی کاظم ع منقولست که مصحف را اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ مَنْ اَرْسَلْتَهُ اِلٰى خَلْقِكَ
بدست بگیر و بلند کن بالای سر خود و بگو
وَ بِكُلِّ آيَةٍ هِيَ فِيهِ وَ بِحَقِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ مَدَحْتَهُ فِيهِ وَ بِحَقِّهِ عَلَيْكَ
وَلَا اَحَدَ اَعْرَفُ بِحَقِّهِ مِنْكَ يَا سَيِّدِي يَا سَيِّدِي يَا سَيِّدِي يَا
اَللّٰهُ ده نوبت وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ ده نوبت و بحق هر امامی ده نوبت تا با امام زمان تو منتهی شود
پس به هیچ کار از جای خود بر نخواستی مگر آنکه حاجت تو بر آورده می شود و آسان می شود کار تو
مؤلف گوید که کلینی ره طریق اول را از حریز روایت کرده که او از زراره روایت کرده است و زراره
نسبت با امام ع نداده و ظاهر آنست که زراره از حضرت امام محمد باقر ع شنیده باشد ولیکن در روز
او چنانست که در ثلث ثانی ماه رمضان این عمل را بجا بیاورد و از غرایب آنست که کفعمی ره در جنة
جنة الامان و بلد الامین هر این طریق را از کتاب عدة الداعی ابن فهد ره نقل نموده و در روایتها و ثلث
سیم ماه رمضان مذکور است و در کتاب عده ثلث سیم مذکور نیست بلکه این سرشب مطابق
اقبال مذکور است و پوشیده نیست که بنا بر روایت کلینی و در هر او قات عشر دوم و بنا بر نقل کفعمی ره عشر
سیم این طریق مستحب خواهد بود بلکه ممکن است که دعای توسل بقرآن مجید از ادعیه مطلقه باشد که خصوصیت
بوقت مخصوصی نداشته باشد و سوای اینست آنچه علامه ... در کتاب منهاج الصلاح از حضرت صادق ع روایت

کرده است که شخصی بخدمت آنحضرت عرض کرد که ای سید من شکایت میکنم بسوی تو از قرضی که
دارم و از پادشاهی که بر من ظلم مینماید و دعائی میخواهم که بمن تعلیم فرمائی که غنیمتی بیابم که
قرض خود را ادا کنم و کفایت شر پادشاه را از من نمائی پس حضرت فرمود که هر گاه شب تار فرو گیرد
دو رکعت نماز بکن و در رکعت اول بعد از حمد آیة الکرسی و در دوم بعد از حمد آیات آخر سوره
حشر را بخوان پس مصحف را بردار بِحَقِّ هٰذَا الْقُرْاٰنِ وَ بِحَقِّ مَنْ اَنْزَلْتَهُ وَ بِحَقِّ مَنْ
و بر سر بگذار و بگو
مَدَحْتَهُ فِيهِ وَ بِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ فَلَا اَحَدَ اَعْرَفُ بِحَقِّكَ مِنْكُمْ يَا اَللّٰهُ
ده نوبت يَا مُحَمَّدُ ده نوبت يَا عَلِيُّ ده نوبت يَا فَاطِمَةُ ده نوبت و هر یک از باقی
ائمه را ده نوبت ندا بکن و حاجت خود را سؤال کن راوی گوید که از خدمت آنحضرت رفتم و این
عمل را بجا آوردم و بعد از اندک زمانی قرض ادا شد و پادشاه با او با صلاح آمد و مخفی نماند
که جزو آخر این عمل نزدیک بطریق ثانی و ثالث مقید بوقت خاصی نیست و بر هر تقدیر در شب
این سر شب نهایت اهتمام در این عمل لازم است و بهتر جمع نمودن طریق اول با یکی از دو
طریق آخر است والله تعالی هو الموفق هشتم زیارت حضرت امام حسین ع صاحب
کامل الزیارة و سید بن طاوس ره در کتاب اقبال بسند خود از حضرت امام جعفر صادق ع
روایت کرده اند که چون شب قدر میشود که جدا کرده می شود در آن هر امر محکمی منادی از بطنان
عرش ندا کند که بدرستی که حق تعالی آمرزیده است هر کس را که در این شب بزیارت قبر حضرت امام
حسین ع و اما کیفیت زیارت آنحضرت در شب قدر پس شیخ مفید و سید بن طاوس و شیخ
شهید قدس الله ارواحهم در کتابهای مزار خود گفته اند که از جمله زیارات مخصوصه آنحضرت
زیارت شب قدر و عید فطر ماه رمضان و روز عید قربانست پس هر گاه در یکی از اوقات اراده
زیارت آنحضرت نمائی پس برو نزد مشهد مقدس آنحضرت بعد از آنکه غسل کرده باشی و پاکیزه ترین
جامهای خود را پوشیده باشی چون نزد قبر مبارک بایستی رو بجانب قبر کن و قبله را در پشت
دوش کن و بگو اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
بگیر و بگو
اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الصِّدِّيقَةِ الطَّاهِرَةِ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ
اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهُ

اشهد انك قد اقمت الصلوة و آتيت الزكوة و امرت بالمعروف
و نهيت عن المنكر و تلوت الكتاب حق تلاوته و جاهدت
في الله حق جهاده و صبرت على الاذى في جنبه محتسبا حتى
اتاك اليقين اشهد ان الذين خالفوك و حاربوك و الذين
خذلوك و الذين قتلوك ملعونون على لسان النبي الامي
و قد خاب من افترى لعن الله الظالمين لكم من
الاولين و الآخرين و ضاعف عليهم العذاب الاليم اتيتك
يا مولاي يا ابن رسول الله زائرا عارفا بحقك مواليا
لاوليائك معاديا لاعدائك مستبصرا بالهدى الذي
انت عليه عارفا بضلالة من خالفك فاشفع لي عند ربك
پس برو روی قبر خود را بچسبان و گونه صورت خود را بر آن و برگرد بنزد سر مبارک و بگو
السلام عليك يا حجة الله في ارضه و سمائه صلى الله على
روحك الطيب و جسدك الطاهر و عليك السلام يا مولاي
و رحمة الله و بركاته پس باز خود را بر روی قبر بچسبان و گونه خود را بر آن
بگذار و متوجه شو بنزد سر مبارک و دو رکعت نماز بکن
و بعد از آن هر قدر نماز که خواهی بکن پس برو بنزد السلام عليك يا مولاي و ابن
پاهای قبر و علی بن الحسین علیهما السلام را زیارت کن باین نحو

مولاي و رحمة الله و بركاته لعن الله من ظلمك و لعن الله
من قتلك و ضاعف عليهم العذاب الاليم و دعا کن بانچه خواهی پس
زیارت کن شهدا را در جانب
که مدفون شده اند نزد السلام عليكم ايها الصديقون السلام عليكم
پاها رو بجانب قبله کرده بگو
ايها الشهداء الصابرون اشهد انكم جاهدتم في سبيل الله
و صبرتم على الاذى في جنب الله و نصحتم لله و رسوله حتى اتاكم
اليقين اشهد انكم احياء عند ربكم ترزقون فجزاكم الله
عن الاسلام و اهله افضل جزاء المحسنين و جمع الله بيننا
و بينكم في محل النعيم پس برو نزد قبر عباس بن امیر المؤمنین علیه السلام و بگو السلام عليك
و چون نزد قبر رسیدی بایست و بگو
يا ابن امير المؤمنين السلام عليك ايها العبد الصالح المطيع لله و
لرسوله اشهد انك قد جاهدت و نصحت و صبرت حتى اتاك اليقين
لعن الله الظالمين لكم من الاولين و الآخرين و الحقهم بدرك الجحيم

مؤلف گوید که مؤلف مزار کبیر روایتی که در باب این زیارت از حضرت صادق علیه السلام نقل نموده و از آن
روایت ظاهر میشود که این زیارت از جمله زیارات مطلقه و اختصاص باوقات مذکوره ندارد
و لیکن چون سید و شیخ مفید و شیخ شهید از جمله زیارات مخصوصه نقل نموده اند تبعیت
ایشان مستحسن و بهتر آنست که در این اوقات زایر باین زیارت عمل نماید و هرگاه که در بلاد بعیده باشد
بزیارات مطلقه بعیده زیارت نماید فصل دوم در بیان اعمال مخصوصه باین شب و آنها چنانچه
از تتبع روایات ظاهر میشود چند چیز است اول سید ابن طاوس رحمه الله در کتاب اقبال ذکر نموده است

کرده روایتی وارد شده است که در شب نوزدهم ماه مبارک رمضان صد نوبت استغفار و صد
نوبت لعن بر قاتل حضرت امیر المؤمنین فضیلت عظیم دارد مؤلف گوید که در استغفار صد نوبت استغفار
أستغفر الله ربي وأتوب إليه کافی است و اگر وأتوب إليه را ضم کند اولی است و در لعن
عبارت اللهم العن قاتل أمير المؤمنين کافی است دوم شیخ شهید ره در کتاب صد نوبت لعن
اربعین از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده است که هر که در این شب پنجاه رکعت نماز بکند هر دو
رکعت بیک سلام و در هر رکعتی حمد یک نوبت و سوره اذا زلزلت پنجاه نوبت مثل کسی باشد که نماز در این شب
صد حج و صد عمره کرده باشد و حق تعالی سایر اعمال او را نیز از او قبول فرماید سیم سید
ابن طاوس ره در کتاب اقبال از کتاب عتیقی که ادعیه بعضی اللهم لك الحمد على ما وهبت
از شبها از آن ساقط شده این دعا را برای این شب نقل نموده است
لي من انطواء ما طويت من شهري و أنك لم تخترمني فيه أجلي و تقطع عمري
و لم تبتلني بمرض يضطرني إلى ترك الصيام و لا بسفر يحل لي فيه الإفطار
فأنا أصومه في كفايتك و وقايتك أطيع أمرك و أقتات رزقك
و أرجو و أؤمل تجاوزك فأتمم اللهم علي في ذلك نعمتك و أجزل
به منتك و اسلخه عني بكمال الصيام و تمحيص الآثام و بلغني آخره
بخاتمة خير و خيرة يا أجود المسؤولين و يا أسمح الواهبين و صلى
الله على محمد و آله الطاهرين چهارم ایضا سید در کتاب مذکور از کتاب عمل شهر
رمضان این دعا را برای این شب نقل نموده است
يا ذا الذي كان قبل كل شيء و يا ذا الذي ليس في السموات العلى
و لا في الأرضين السفلى و لا فوقهن و لا بينهن و لا تحتهن إله يعبد غيره
لك الحمد حمدا لا يقدر على إحصائه إلا أنت فصل على محمد و آل محمد

صلوة

صلوة لا يقدر على إحصائها إلا أنت پنجم ایضا در کتاب مذکور این دعا
از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام برای این
شب روایت نموده است
اللهم اجعل فيما تقضي و تقدر من الأمر المحتوم و فيما
تفرق من الأمر الحكيم في ليلة القدر و في القضاء الذي لا
يرد و لا يبدل أن تكتبني من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم
المشكور سعيهم المغفور ذنوبهم المكفر عنهم سيئاتهم
و اجعل فيما تقضي و تقدر أن تطيل عمري و توسع علي في رزقي
و تفعل بي كذا و كذا و بجای کذا و کذا حاجات خود را بطلبد مؤلف گوید که سید بعد از ذکر این
دعا گفته که این دعا از جمله دعاهای هر شب این ماه است چنانچه در محل خود
مذکور شد لیکن چون الفاظ دعا تفاوتی در میان آنها هست بهتر آنست که بهر دو طریق خوانده شود
ششم ایضا سید در کتاب مذکور این دعا را برای این شب نقل نموده است
اللهم إني أمسيت لك عبدا داخرا لا أملك لنفسي ضرا و لا نفعا
و لا أصرف عنها سوءا أشهد بذلك على نفسي و أعترف لك بضعف
قوتي و قلة حيلتي فصل على محمد و آل محمد و أنجز لي ما وعدتني
و جميع المؤمنين و المؤمنات من المغفرة في هذه الليلة و أتمم
علي ما آتيتني فإني عبدك المسكين المستكين الضعيف الفقير
المهين اللهم لا تجعلني ناسيا لذكرك فيما أوليتني و لا غافلا

لِإِجَابَتِكَ فِيمَا أَعْطَيْتَنِي وَلَا أَيْأَسَ مِنْ إِجَابَتِكَ وَإِنْ أَبْطَأَتْ عَنِّي

فِي سَرَّاءَ كُنْتُ أَوْ ضَرَّاءَ أَوْ شِدَّةٍ أَوْ رَخَاءٍ أَوْ عَافِيَةٍ أَوْ بَلَاءٍ أَوْ

بُؤْسٍ أَوْ نَعْمَاءَ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ هفتم ايضا سيد در كتاب مذكور از رسول خدا ص ايندعا را براى اين شب روايت نموده

سُبْحَانَ مَنْ لَا يَمُوتُ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَزُولُ مُلْكُهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا تَخْفَى

عَلَيْهِ خَافِيَةٌ سُبْحَانَ مَنْ لَا تَسْقُطُ وَرَقَةٌ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَلَا حَبَّةٌ فِي

ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَقُدْرَتِهِ

فَسُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ و سيد بن باقى طاب ثراه در كتاب اختيار نيز

اين دعا را براى اين شب نقل نموده و ليكن چون اختلاف زيادى با روايت سيد دارد آنرا نيز نقل ميكنيم سُبْحَانَ مَنْ لَا يَمُوتُ سُبْحَانَ

مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَةٌ سُبْحَانَ مَنْ لَا تَسْقُطُ وَرَقَةٌ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا

حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَقُدْرَتِهِ فَسُبْحَانَهُ

فَسُبْحَانَهُ فَسُبْحَانَهُ مَا أَعْظَمَ شَأْنَهُ وَأَجَلَّ سُلْطَانَهُ اللَّهُمَّ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنَا مِنْ عُتَقَائِكَ وَسُعَدَاءِ خَلْقِكَ بِمَغْفِرَتِكَ

إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ روز نوزدهم اينروز نيز بمزيد فضيلت ممتاز است زيرا كه روز قدر نيز فضيلت شب قدر را دارد چنانچه سيد بن طاوس ره در كتاب اقبال بحذف سند از حضرت امام جعفر صادق ع روايت كرده است كه روز قدر مانند شب قدر است در فضيلت و اعمال آن چنانچه از تتبع كتب اخبار ظاهر ميشود چند

امرست اول سيد بن طاوس ره در كتاب اقبال اين دعا را براى اين روز نقل نموده است اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَأَنَّ مُحَمَّداً صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ

عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَبِأَنَّكَ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ

كُفُواً أَحَدٌ وَبِأَنَّكَ جَوَادٌ مَاجِدٌ رَحْمَنُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تُعْطِي مَنْ تَشَاءُ

وَتَرْحَمُ مَنْ تَشَاءُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ فِيمَا تَقْضِي

وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُومِ أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ

الْمَبْسُوطِ رِزْقُهُمُ الْمَحْفُوظِينَ فِي أَنْفُسِهِمْ وَأَدْيَانِهِمْ وَأَهَالِيهِمْ

وَأَوْلَادِهِمْ وَأَنْ تَجْعَلَ ذَلِكَ فِي عَامِي هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ أَبَداً مَا أَبْقَيْتَنِي

فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ وَصِحَّةٍ مِنْ جِسْمِي وَنِيَّةٍ خَالِصَةٍ لَكَ وَسَعَةٍ

فِي ذَاتِ يَدِي وَقُوَّةٍ فِي بَدَنِي عَلَى جَمِيعِ أُمُورِي اللَّهُمَّ مَنْ طَلَبَ

حَاجَتَهُ إِلَى أَحَدٍ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ فَإِنِّي لَا أَطْلُبُ حَاجَتِي إِلَّا مِنْكَ

وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ لِي أَنْ أَغُضَّ بَصَرِي وَأَنْ أَحْفَظَ فَرْجِي وَأَنْ أَكُفَّ

عَنْ مَحَارِمِكَ وَأَنْ أَعْمَلَ بِمَا أَحْبَبْتَ وَأَنْ أَدَعَ مَا سَخِطْتَ دوم سيد بن ع

خواندن دعا در کتاب اختیار این دعا را برای این روز نقل نموده است اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْاَلُكَ یا مَنْ قَوْلُهُ الْحَقُّ یَوْمَ یُنْفَخُ
فِی الصُّوْرِ عالِمُ الْغَیْبِ وَالشَّهادَةِ وَهُوَ اللّٰهُ الْعَلیمُ الْخَبیرُ فالِقُ
الْاِصْباحِ وَجَعَلَ اللَّیْلَ سَکَناً وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْباناً ذٰلِكَ
تَقْدیرُ الْعَزیزِ الْعَلیمِ یا مَنْ حَرَّمَ الْفَواحِشَ ما ظَهَرَ مِنْها وَما بَطَنَ
وَالْاِثْمَ وَالْبَغْیَ بِغَیْرِ الْحَقِّ یا مَنْ خَلَقَ السَّمٰواتِ وَالْاَرْضَ ثُمَّ اسْتَوٰی
عَلَی الْعَرْشِ یا مَنْ لَهُ الْخَلْقُ وَالْاَمْرُ تَبارَكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعالَمینَ یا مَنْ
تَجَلّٰی لِلْجَبَلِ فَجَعَلَهُ دَکّاً اَسْئَلُكَ اللّٰهُمَّ بِما ناجَیْتُكَ بِهِ مِنْ مِدْحَتِكَ
وَدَعَوْتُكَ بِهِ اَنْ تَرْزُقَنِی الْقَبُولَ وَالرَّحْمَةَ فی هٰذَا الْیَوْمِ وَفیما
قَبْلَهُ وَفیما بَعْدَهُ وَتَجْعَلَ عَمَلی صالِحاً مَقْبُولاً راضِیاً زاکِیاً تُبَیِّضُ
بِهِ وَجْهی وَتُکْرِمُ بِهِ مَنْزِلَتی وَتُحَسِّنُ بِهِ مَثْوایَ وَبِهِ تُتِمُّ فَوْزی وَ
تُلَقِّنُنی بِهِ حُجَّتی وَتُعْطینی بِهِ مَسْئَلَتی وَتَشْفی بِهِ نَفْسی وَتَنْصُرُنی بِهِ تُلَقِّنُنی
عَلٰی عَدُوّی وَتَجْمَعُ بِهِ شَمْلی وَتَلُمُّ بِهِ شَعَثی وَتَرُدُّ بِهِ اُلْفَتی وَتُصْلِحُ
بِهِ اَمْری وَتَرْفَعُ بِهِ شَهادَتی وَتُزَکّی بِهِ عَمَلی وَتُلْهِمُنی بِهِ رُشْدی وَ
تَعْصِمُنی بِهِ مِنْ کُلِّ سُوءٍ فِی الدُّنْیا وَالْاٰخِرَةِ وَتَرْزُقُنی بِهِ الْجَنَّةَ وَ
تعلّ

تُعْلِقُ بِهِ رَقَبَتی مِنَ النّارِ اِنَّكَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ وَهُوَ عَلَیْكَ یَسیرٌ وَعِنْدَكَ
حَقیرٌ یَسیرٌ بِرَحْمَتِكَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی سَیِّدِنا مُحَمَّدٍ وَ
اٰلِهِ الطّاهِرینَ سیم صاحب کتاب ذخیره از ابن عباس روایت نموده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله
فرمود که هر که در این روز این دعا را بخواند ملائکه آسمانها و زمین برای او استغفار
نمایند و دعا اینست اَللّٰهُمَّ وَفِّرْ حَظّی مِنْ بَرَکاتِهِ وَسَهِّلْ سَبیلی اِلٰی حِیازَةِ
خَیْراتِهِ وَلا تَحْرِمْنی قَبُولَ حَسَناتِهِ یا هادِیاً اِلَی الْحَقِّ الْمُبینِ قبول حسناته
سیم واعمال آن چند چیز است اول شیخ شهید در کتاب اربعین از رسول خدا روایت
نموده است که هر که در این شب هشت رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعتی بعد از
حمد هر سوره که خواهد بخواند گناهان گذشته و آینده او آمرزیده شود دویم سید ابن طاوس
ره در کتاب اقبال از کتاب عتیق که ادعیه بعضی از شبها از آن حافظ شده این دعا را برای این شب نقل نموده
اَللّٰهُمَّ اَنْتَ رَبّی لا اِلٰهَ لی غَیْرُكَ اُوَحِّدُهُ وَلا رَبَّ لی سِواكَ اَعْبُدُهُ
اَنْتَ الْواحِدُ الْاَحَدُ الصَّمَدُ لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً اللّٰه
اَحَدٌ وَکَیْفَ یَکُونُ کُفُواً مِنَ الْمَخْلُوقینَ وَمِنَ الْمَرْزُوقینَ لِلرّازِقِ وَمَنْ لا الخالق
یَسْتَطیعُونَ نَفْعاً وَلا ضَرّاً وَلا یَمْلِکُونَ مَوْتاً وَلا حَیٰوةً وَلا نُشُوراً
هُوَ مالِكُ ذٰلِكَ کُلِّهِ یُعْطیهِ وَیَحْرِمُهُ وَیَبْتَلی بِهِ وَیُعافی مِنْهُ
لا یُسْئَلُ عَمّا یَفْعَلُ وَهُمْ یُسْئَلُونَ اِلٰهی وَسَیِّدی ما اَعْجَبَهُمْ
الصِّیامُ اِلٰی جانِبِ الْفَناءِ وَاَنْتَ الْباقی وَاَذِنَ بِالْاِنْقِضاءِ وَاَنْتَ

الدائم وهو الذي عظمت حقه فعظم وكرّمنه فكرم وانّ
لي فيه الزلات كثيرة والهفوات عظيمة ان فاصصتني بها كان
شهر شقاوتي وان سمحت لي بها كان شهر سعادتي اللهم وكما
اسعدتني بالاقرار بربوبيتك مبتدئا فاسعدني برحمتك ورافتك مبتدئا نـ
وتخصيصك وسماحتك معيدا فانك على كل شيء قدير وصلى
الله على محمد وآله وسلم كثيرا سيم ايضا سيد در كتاب مذكور از كتاب
عمل شهر رمضان ابن ابى قره رحمه الله اين دعا را براى
اين شب نقل نموده است اللهم كلفتني من نفسي انت املك به مني وقدرتك
اغلب من قدرتي فصل على محمد وآل محمد واعطني من نفسي ما يرضيك
عني وخذ لنفسك رضاها من نفسي الحي لا طاقة لي بالجهد ولا صبر لي
على البلاء ولا قوة لي على الفقر فصل على محمد وآل محمد ولا تحظر علي
رزقك في هذا الشهر المبارك ولا تلجئني الى خلقك بل تفرد يا سيدي
بحاجتي وتول كفايتي وانظر في اموري فانك ان وكلتني الى
خلقك تجهموني وان الجأتني الى اهلي حرموني ومقتوني وان اعطوا
اعطوا قليلا نكدا ومنوا علي كثيرا وذموا طويلا فبفضلك

يامولى

يا سيدي فاغنني بعظمتك فانعشني بسعتك فابسط يدي
وبما عندك فاكفني يا ارحم الراحمين چهارم ايضا سيد در كتاب مذكور
از رسول خدا صلعم اين دعا را در
اين شب روايت كرده است استغفر الله مما مضى من ذنوبي فانسيتها وهي مثبتة
علي يحصيها علي الكرام الكاتبون يعلمون ما افعل واستغفر الله تفعلون نـ
من موبقات الذنوب واستغفره من مفظعات الذنوب واستغفره
مما فرض علي فتوانيت واستغفره من نسيان الشيء الذي باعدني من
ربي واستغفره من الزلات والضلالات ومما كسبت يداي وآمن
به واتوكل عليه كثيرا واستغفره واستغفره واستغفره و
استغفره واستغفره واستغفره واستغفره روز ششم واعمال
آن چند چيز است اول
سيد بن طاوس ره اين دعا را براى اين روز نقل نموده است اللهم اني اسئلك باسمك المخزون الطاهر
المطهر يا من استجاب لابغض خلقه اليه اذ قال انظرني الى يوم يبعثون
فانني لا اكون اسوء حالا منه فيما سالتك فاستجب لي دعوتي واعطني
يا رب ما سالتك اني اسئلك يا سيدي ان تصلي على محمد وآل محمد
وان تجعلني ممن تنتصر به لدينك ويقاتل به عدوك في الصف الذي

ذكرت في كتابك كأنهم بنيان مرصوص مع أحب خلقك إليك في أحب
المواطن لديك اللهم وفي صدور الكافرين فعظمني وفي أعين المؤمنين
فجللني وفي نفسي وأهل بيتي فذللني وحبب إلي من أحببت وبغض
إلي من أبغضت ووفقني لأحب الأمور إليك وأرضاها لديك
اللهم إني منك إليك أفر وليس ذلك إلا من خوفي عدلك و
إياك أسأل بك لأنه ليس أحد إلا دونك ولا أقدر أن أستتر
منك في ليل ولا نهار وأنا عارف بربوبيتك مقر بوحدانيتك أحطت
يا إلهي بأهل السموات وأهل الأرض لا يشغلك شيء عن شيء لا
إله إلا أنت إنك على كل شيء قدير دويم سيد بن طاووس ره در كتاب اختيار
اين دعا را براي اين روز نقل نموده است
اللهم إني أسألك يا من أحق الحق بكلماته وقطع دابر الكافرين
يا من يحول بين المرء وقلبه يا من يقبل التوبة عن عباده ويأخذ
الصدقات يا من اشترى من المؤمنين أنفسهم وأموالهم بأن
لهم الجنة يا من من على النبي والمهاجرين والأنصار والذين
اتبعوه بإحسان يا من جعل الشمس ضياء والقمر نورا وقدره

منازل

منازل يا من له العزة جميعا وهو السميع العليم يا من يحكم بالحق
وهو خير الحاكمين يا من يعلم ما يسرون وما يعلنون وهو عليم
بذات الصدور يا من أقام السموات والأرض في ستة أيام وكان
عرشه على الماء يا قريب يا مجيب يا من هو على كل شيء حفيظ يا رحيم
يا ودود يا من له غيب السموات والأرض وإليه يرجع الأمر كله
يا من لا ييأس من رحمته وروحه إلا القوم الكافرون أسألك بما
ناجيتك به من مدحتك يا من لا يخلف الميعاد يا من لا تضره الذنوب
يا من لا تنقصه المغفرة أعطني خير ما سألت وخير ما قلت وخير ما
ظهر وخير ما بطن وخير ما غاب وخير ما شهد وخير ما تعلم وخير ما
تقضي في العلم والأجل والأمل وخير الحياة وخير الممات وخير القضاء
وخير القدر وخير المسألة وخير الإجابة وخير الثواب وخير العطاء و
خير الليل وخير النهار وخير الدنيا والآخرة واجعل ذلك في يسر منك خيرا
وعافية فإنه لا مانع لما أعطيت ولا معطي لما منعت اللهم واجعلني
أطلب بما عندي رضوانك والنعيم المقيم الذي لا يزول واحشرني على

ولابن نبيك واهل بيته الطاهرين يا ارحم الراحمين انك على كل شيء قدير
وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين سیم صاحب کتاب ذخیره
از ابن عباس روایت کرده
است که رسول خدا صلعم فرمود که هر که در این روز این دعا را بخواند برای او بعدد هر که ماه رمضان
را روزه داشته باشد ثواب عبادت شصت سال مقبول نوشته شود و دعا اینست
اللهم افتح علی فیه ابواب الجنان واغلق فیه ابواب النیران و — عنی
وفقنی فیه لتلاوة القرآن یا منزل السکینة فی قلوب المؤمنین

شب بیست و یکم این شب افضل از شب نوزدهم است و احتمال شب قدر در این شب زیاده از شب نوزدهم
است چنانچه سید بن طاوس ره در کتاب اقبال بسند خود از جهنی روایت کرده است که گفت
سؤال نمودم از حضرت امام جعفر صادق عم از شب قدر فرمود که شب قدر در شب بیست و یکم
ماه رمضان است و ایضا از عبد الواحد بن مختار انصاری روایت کرده است که گفت
خدمت حضرت امام محمد باقر عم عرض کردم که خبر ده مرا از شب قدر فرمود که طلب کن آن را در
شب بیست و یکم و بیست و سیم ماه رمضان پس عرض نمودم که تعیین کن آن را برای من فرمود که
چه میشود ترا اگر مشقت بیندازی خود را در دو شب و اعمال آن بر سه قسم است قسم
اول اعمال مشترکه میان سه شب و آنها بتفصیل در شب نوزدهم مذکور شد و اما غسل در این شب — غسل
تاکیدش زیاده از شب نوزدهم است زیرا که از جمله شبهای عشر آخر این ماه است و غسل در هر شب
از آنها سنت است چنانچه در قسم سیم مذکور میشود انشاء الله تعالی و بخصوص این شب وارد
شده چنانچه سید بن طاوس در کتاب اقبال از حضرت صادق عم روایت کرده که غسل در شب بیست
و یکم سنت است و در روایتی دیگر در شب نوزدهم هم گذشت قسم دویم اعمال مختصه باین شب و آنها
چنانچه از تتبع ظاهر میشود چند چیز است اول شیخ شهید ره در کتاب اربعین از حضرت
رسالت پناه صلعم روایت کرده است که هر که در این شب هشت رکعت نماز کند هر دو رکعت بیک سلام در هر — هشت رکعت نماز درین شب
رکعتی حمد یک نوبت و هر سوره که میسر شود آسمانهای هفتگانه برای او گشوده شود و دعای او مستجاب
گردد دویم سید بن طاوس ره در کتاب اقبال از کتاب عتیقی که اسم بعضی از شیعیان از آن ساقط
شده است این دعا را برای لا اله الا الله مدبرا لامور و مصرف الدهور و خالق
این شب نقل نموده است

الاشياء جميعا بحكمته الدال على ازليته وقدمه جاعل الحقوق لواجبة
لما يشاء رافة منه ورحمة لينال بها سائل ويامل اجابة دعائه
بها آمل فسبحان من خلق الاسباب اليه كثيرة والوسائل اليه
موجودة وسبحان الله الذي لا تعتوره فاقة ولا تستدل له حاجة
ولا تطيف به ضرورة ولا يحذر ابطاء رزق رازق ولا سخط خالق
فانه القدير على رحمة من هو بهذه الحال مقهور وفي مضائقها
محصور يخاف ويرجى بيده الامور واليه المصير وهو على ما يشاء
قدير اللهم صل على محمد عبدك ورسولك ونبيك مؤدي
الرسالة وموضح الدلالة اوصل كتابك واستحق ثوابك و
انهج سبيل حلالك وحرامك وكشف عن شعائرك واعلامك
فان هذه الليلة التي سميتها بالقدر وانزلت فيها محكم الذكر
وفضلتها على الف شهر وهي ليلة مواهب المقبولين ومصائب
المردودين فيا خسران من باء فيها بسخطه ويا ويح من خطئ عنها
برحمته اللهم فارزقني قيامها والنظر الى ما عظمت منها من

غير حضور اجل ولا قربه ولا انقطاع امل ولا فوته ووفقني فيها لعمل
ترفعه ودعاء تسمعه وتضرع ترحمه وشر تصرفه وخير تهبه
وغفران توجبه ورزق توسعه ودين تطهره واثم تغسله ودين
تقضيه وحق تحمله وتؤديه وصحة تتمها وعافية تنميها واشغال
تسهلها وامراض تكشفها وضيعة تكفيها ومواهب تكيفها ومصائب
تصرفها واولاد واهل تصلحهم واعداء تغلبهم وتقهرهم و
تكفي ما اهم من امرهم وتقيد على قدرتهم وتسطو بسطواتهم
وتصول على صولاتهم وتغل ايديهم الى صدورهم وتخرس
عن مكارهي السنتهم وترد سهمهم على صدورهم اللهم
سيدي ومولاي اكفني البغي ومصادر الغدر ومعاطبه
واكفني سيدي شر عبادك واكف شر جميع عبادك
وانشر عليهم الخيرات مني حتى تنزل علي في الاخرين واذكر
والدي وجميع المؤمنين والمؤمنات برحمتك يا ارحم الراحمين
ومغفرتك ذكرى سيد قريب لعبيد وإماء فارقوا الاحباء

وخرسوا عن النجوى وصموا عن النداء وحلوا اطباق الثرى وتمزقهم البلى
اللهم انك اوجبت لوالدي علي حقا وقد اديته بالاستغفار
لهما اليك اذ لا قدرة لي على قضائه الا من جهتك وفرضت لهما
في دعائي فرضا قد اوفدتهم عليك اذ حلت بي القدرة على واجبها
وانت تقدر وكنت لا املك وانت تملك اللهم لا تخل بي
فيما اوجبت ولا تسلبني فيما فرضت واشركني في كل صالح
دعاء اوجبته واشرك في صالح دعائي جميع المؤمنين والمؤمنات
الا من عادى اولياءك وحارب اصفياءك واعقب بسوء الخلافة
انبياءك ومات على ضلالته وانطوى في غوايته فاني ابرء اليك
من دعائي لهم انت القائم على كل نفس بما كسبت غفار الصغائر
والموبق بالكبائر لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين فانشر
على رافتك يا ارحم الراحمين وصلى الله على محمد النبي وآله وسلم كثيرا
سيم سيد بن طاوس ره در كتاب اقبال وسيد بن باقي در كتاب اشهد ان لا اله الا الله
اختيار از حضرت رسالت صلى الله... روايت نموده‌اند
وحده لا شريك له واشهد ان محمدا عبده ورسوله واشهد ان الجنة

حقٌّ والنار حقٌّ وانّ الساعة آتية لا ريب فيها وانّ الله يبعث من في القبور
واشهد انّ الربّ ربّي لا شريك له ولا ولد له ولا والد له واشهد انّه
الفعّال لما يريد والقادر على كلّ شيءٍ والصانع لما يريد والقاهر قديرٌ
من يشاء والرافع من يشاء مالك الملك ورازق العباد الغفور الرحيم
العليم الحليم اشهد اشهد اشهد اشهد اشهد اشهد

چهارم محمد بن یعقوب کلینی و شیخ طوسی و علامهٔ حلّی و سید بن طاوس قدّس الله ارواحهم و جمعی دیگر از علما
در شبهای عشر آخر ماه مبارک رمضان روایت نموده‌اند در هر شب دعای مخصوصی و سید در
کتاب اقبال گفته که این دعا را عید سطرلی معتمده از ائمه علیهم السلام بسند خود و ارسال روایت است
که ابن ابی قره در کتاب عمل شهر رمضان نقل نموده است و آن اقوی و اکمل است بر طرق دیگر و مشتمل
بر زیادتیهای بسیار هست و ابن جنید در کتاب اقبال این طریق را ذکر نموده لهذا ما نیز در این
کتاب این طریق را اختیار نمودیم ابن ابی قره در کتاب خود بسند خود از عمر بن یزید روایت
کرده که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود یا مولج اللیل فی النهار و مولج
که در شب اول از شبهای عشر آخر ماه رمضان این دعا را بخوان

النهار في الليل ومخرج الحيّ من الميّت ومخرج الميّت من الحيّ يا رازق من دعای شب اول از عشر آخر
يشاء بغير حساب يا الله يا رحمن يا الله يا رحيم يا الله يا الله يا الله
يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء
والآلاء اسألك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم ان كنت قضيت في
هذه الليلة تنزّل الملائكة والروح من كلّ امرٍ حكيمٍ فصلّ على محمّد

وآل

وآل محمّد واجعل اسمي في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في
علّيين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقيناً تباشر به قلبي وايماناً
يذهب بالشكّ عنّي وآتني في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة
وقني عذاب النار وارزقني يا ربّ فيها ذكرك وشكرك والرغبة
والانابة اليك والتوبة والتوفيق لما تحبّه وترضاه ولما
وفّقت له شيعة آل محمّد عليه وعليهم السلام يا ارحم الراحمين
ولا تفتنّي بطلب ما زويت عنّي بحولك وقوّتك واغنني يا ربّ برزقٍ
منك واسعٍ بحلالك عن حرامك وارزقني العفّة في بطني وفرجي
وفرّج عنّي كلّ همٍّ وغمٍّ ولا تشمت بي عدوّي ووفّقني ليلة
القدر على افضل ما رآها احدٌ ووفّقني لما وفّقت له محمّداً وآل
محمّد صلواتك عليه وعليهم وافعل بي كذا وكذا بجای کذا وکذا
حوائج خود را طلب
نماید پس بگوید لساعة الساعة تا نفس تنگ شود اللهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد
پس سید گفته که این زیادتی بغیر روایت است و این عبارت
واقسم لي كلّما تبدّد على باب الجهل هدىً تمنّ به عليّ من كلّ
ضلالةٍ وغنىً تسدّ به عنّي باب كلّ فقرٍ وقوّةً تردّ بها عنّي كلّ ضعفٍ

وعتق تكرمني به عن كل ذلة ورفعة ترفعني بها عن كل ضعة وامناً

تردّ به عنّي كل خوف وعافية تسترني بها من كل بلاء وعلماً

تفتح لي به كل يقين ويقيناً تذهب به عنّي كل شكّ ودعاءً

تبسط لي الاجابة في هذه الليلة وفي هذه الساعة الساعة الساعة

يا كريم وخوفاً تيسّر لي به كل رحمة وعظمة تحول بها بيني عصمة ل

وبين الذنوب حتى افلح بها بين المعصومين عندك برحمتك يا ارحم

الراحمين مؤلف گويد كه محتمل است كه دعاى آخر تأليف سيد نباشد ومراد او اين باشد

كه مطالب خود را كه بجاى وافعل بي كذا وكذا طلب ميكند باين عبارت طلب نمايد

ممكن است كه مراد اين باشد كه در روايات ديگر غير روايت ابن ابي قره اين تتمه نيز براى اين

دعا وارد شده است و احتمال اول اظهر است وبنا بر دگر از كلام سيد ره در اين مقام

ظاهر ميشود كه دعاها ئى كه از كتاب ابن ابي قره ره در شبهاى دهه عشر اول اين ماه نقل

نموده تا اينجا منقطع شد و در عشر سيم اين دعا غير كه بقيه آنها مذكور خواهد شد

ان شاء الله تعالى بروايت ديگر وارد شده است فصل سيم چيزى چند كه در هر شب از

شبهاى عشر سيم بايد كرده شود وآنها چند چيز است اول غسل چنانچه سيد بن

طاوس ره در كتاب اقبال از حضرت امام جعفر صادق ع روايت كرده كه حضرت رسول ص

در هر شب از شبهاى آخر اين ماه غسل ميفرمود ندوم سيد بن طاوس ره در كتاب اقبال

بسند خود از حضرت صادق ع روايت نموده است اللهم انك قلت في كتابك شهر

كه آنحضرت در هر شب از شبهاى عشر آخر اين دعا را ميخواندند

رمضان الذي انزل فيه القرآن هدى للناس وبينات من الهدى

والفرقان فعظمت حرمة شهر رمضان بما انزلت فيه القرآن وخصصته

بليلة

بليلة القدر وجعلتها خيراً من الف شهر اللهم وهذه ايام شهر رمضان

قد انقضت ولياليه قد تصرّمت وقد صرت يا الهي منه الى ما انت

اعلم به منّي واحصى لعدده من الخلق اجمعين فاسئلك بما

سألك به ملائكتك المقربون وانبياؤك المرسلون وعبادك

الصالحون ان تصلّي على محمد وآل محمد وان تفكّ رقبتي من

النار وتدخلني الجنة برحمتك وان تتفضّل عليّ بالامن يوم

الخوف من كل هول اعددته ليوم القيمة الهي واعوذ بوجهك

الكريم وبجلالك العظيم ان تنقضي ايام شهر رمضان ولياليه

ولك قبلي تبعة او ذنب تؤاخذني به او خطيئة تريد ان تقتصّها

منّي لم تغفرها لي سيّدي سيّدي سيّدي اسئلك يا لا اله الا انت

اذ لا اله الا انت ان كنت رضيت عنّي في هذا الشهر فازدد عنّي

رضاً وان لم تكن رضيت عنّي فمن الآن فارض عنّي يا ارحم الراحمين

يا الله يا احد يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفواً احد

وبسيار بگو يا ملين الحديد لداود عليه السلم يا كاشف الضر والكرب العظام

عن ایوب علیه السلام ای مفرج هم یعقوب علیه السلام ای منفس غم
یوسف علیه السلام صل علی محمد وآل محمد کما انت اهله ان تصلی علیهم
اجمعین وافعل بی ما انت اهله ولا تفعل بی ما انا اهله سؤال کوید
کرا کرا ملین

الحمد لله تا آخر سه مرتبه بگوید شاید کافی باشد و اگر زیاده بگوید بهتر است سیم ایضا
سید در کتاب مذکور از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که آنحضرت در
هر شب از شبهای عشر آخر ماه اعوذ بجلال وجهک الکریم ان ینقضی عنی
رمضان باید دعا را میخواند
شهر رمضان او یطلع الفجر من لیلتی هذه وبقی لک عندی تبعة او ذنب
تعذبنی علیه یوم القاک چهارم سید بن باقی ره در کتاب اختیار از حضرت صادق
علیه السلام روایت کرده است که در هر شب از شبهای عشر آخر ماه رمضان
بعد از هر رکعت از نماز هر رکعت از اللهم اد عنا حق ما مضی من شهر رمضان
نمازهای واجب و سنتی باید دعا بخواند
واغفر لنا تقصیرنا فیه وتسلمه منا مقبولا ولا تؤاخذنا باسرافنا علی — تقصیرنا فیه
انفسنا ولا تجعلنا من المحرومین پس بدرستی که هر که این عمل را بجا آورد حق تعالی بیامرزد — واجعلنا من المرحومین نسخه
هر گناهی که در این ماه کرده باشد و او را در این ماه از گناهان
نگاه دارد فایده بدانکه بهتر آنست که در این شب و شب بیست و سیم اول شب شروع بخواندن دعاها
مشغول کنند تا نصف شب و بعد از نصف شب بنمازها و غیر آنها را بجا آورد چنانچه کلینی ره در کتاب
فضیلت بنیاد روایت کرده است که حضرت امام محمد باقر ع چون شب بیست و یکم و بیست و سیم
ماه رمضان می شد مشغول دعا می شد تا نصف شب و چون شب نصف می شد مشغول نماز می
روز بیست و یکم این دو روز در فضیلت مانند شب است چنانچه در روز نوزدهم مذکور شد و اعمال آن
چند چیز است اول سید بن طاوس ره در کتاب اقبال بسند خود از حماد بن عثمان روایت کرده است
که گفت داخل شدم در شب بیست و یکم ماه رمضان بر حضرت صادق ع پس حضرت بمن فرمود
که ای حماد آیا غسل کرده گفتم بلی فدای تو شوم پس حصیری طلبید و بمن فرمود که نماز کن پس

نماز کرد و من نماز کردم تا از جمیع نمازها فارغ شدیم پس شروع بدعا کرد و ما آمین میگفتیم تا صبح
طالع شد پس اذان و اقامه گفت و بعضی از غلامان خود را طلبید و خود پیش ایستاد و
ما در عقب او ایستادیم و نماز صبح را ادا فرمود و در رکعت اول حمد و سوره انا انزلناه و در
رکعت ثانیه حمد و سوره قل هو الله احد خواند پس چون از تسبیح و تحمید و تقدیس و ثنای بر
حق تعالی و صلوات بر رسول خدا ص و دعا برای جمیع مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات
از اولین و آخرین فارغ شد پس آنحضرت بسجده افتاد و یکساعت طولانی صدای نفس حضرت
را نشنیدیم و نفهمیدیم که چه چیز میفرمود لا اله الا انت مقلب القلوب والابصار
بعد از آن شنیدیم که این دعا را در سجده میخواند
لا اله الا انت خالق الخلق بلا حاجة فیک الیهم لا اله الا انت مبدئ
الخلق لا ینقص من ملکک شیء لا اله الا انت باعث من فی القبور لا اله
الا انت مدبر الامور لا اله الا انت دیان الدین وجبار الجبابرة ولا اله — لا اله الا انت
الا انت مجری الماء فی النبات لا اله الا انت مکون طعم الثمار
لا اله الا انت محصی عدد القطر وما تحمله السحاب لا اله الا انت محصی
عدد ما تجری الریاح فی الهواء لا اله الا انت محصی ما فی البحار من رطب
ویابس لا اله الا انت محصی ما یدب فی ظلمات البحار وفی اطباق الثری
اسئلک باسمک الذی سمیت به نفسک او استأثرت به فی علم الغیب عندک
واسئلک بکل اسم سماک به احد من خلقک من نبی او صدیق
او شهید او احد من ملائکتک واسئلک باسمک الذی اذا دعیت به اجبت

وإذا سئلت به أعطيت وأسألك بحقك على محمد وأهل بيته صلوات

عليهم وبركاتك وبحقهم الذي أوجبته على نفسك وأنلتهم

به فضلك أن تصلي على محمد عبدك ورسولك الداعي إليك بإذنك

وسراجك الساطع بين عبادك في أرضك وسمائك وجعلته رحمة

للعالمين ونورا استضاء به المؤمنون فبشرنا بجزيل ثوابك وأنذرنا

الأليم من عقابك أشهد أنه قد جاء بالحق من عند الحق وصدق

المرسلين وأشهد أن الذين كذبوه ذائقوا العذاب الأليم أسألك

يا الله يا الله يا الله يا رباه يا رباه يا رباه يا سيدي يا سيدي يا سيدي

يا مولاي يا مولاي يا مولاي أسألك في هذه الغداة أن تصلي على محمد

وآل محمد وأن تجعلني من أوفر عبادك وسائليك نصيبا وأن تمن علي

بفكاك رقبتي من النار يا أرحم الراحمين وأسألك بجميع ما سألتك

وما لم أسألك من عظيم جلالك ما لو علمته لسألتك به أن تصلي على

محمد وأهل بيته وأن تأذن لفرج من بفرجه فرج أوليائك وأصفيائك

من خلقك وبه تبيد الظالمين وتهلكهم عجل ذلك يا رب العالمين

واعطني

وأعطني سؤلي يا ذا الجلال والإكرام في جميع ما سألتك لعاجل

الدنيا وآجل الآخرة يا من هو أقرب إلي من حبل الوريد أقلني عثرتي

واقلبني بقضاء حوائجي يا خالقي ويا رازقي ويا باعثي ويا محيي عظامي

وهي رميم صل على محمد وآل محمد واستجب لي دعائي يا أرحم الراحمين

پس چون فارغ شد سر از سجده برداشت پس من عرض کردم که فدای تو شوم در این دعا
خواستی فرج کسی را که بفرج او برگزیدگان حق تعالی و دوستان او خلاصی شود
آیا آن کس تو نیستی فرمود که نه آن شخص قائم آل محمد علیهم السلام است پس عرض
نمودم که آیا برای خروج او علامتی هست فرمود بلی از جمله علامات خروج او گرفتن
آفتاب است در وقت طلوع آن بمقدار ثلث ساعت از روز و گرفتن ماه در بیست
و سیم ماه و فتنه که بر اهل مصر نازل شود و راه ایشان بسته می‌شود و باین علامات
اکتفا کن و منتظر صاحب خود باش هر شب و روز پس بدرستی که حق تعالی در هر روزی
کاری است و هیچ کاری او را باز نمی‌دارد از کار دیگر زیرا که او پروردگار عالمیان است
و دوستان خود را از همه چیز نگاه می‌دارد و ایشان از او خایف و ترسانند مؤلف گوید که
از شرح این حدیث شریف چند چیز ظاهر می‌شود که ذکر او ضرور و لازم است اول
آنکه استماع قرائت مصلّی بر غیر ماموم واجب نباشد و کلیه وجوب استماع که از آیه کریمه
فاذا قرئ القرآن فاستمعوا له وانصتوا ظاهر می‌شود بعموم باقی نباشد زیرا که حضرت
حماد را امر فرمود که در عقب آنحضرت مشغول نماز گردید و چون نماز درشکرده شد
ظاهر آنست که قرائت آن جهریه باشد لیکن این معنی نظر بعموم آیه کریمه و بعضی از
روایات دیگر خلاف احتیاط است و احوط استماع قرائت است در هر حال دویم آنکه
دعای این شبها بعد از نماز مقدم بر دعای آنها باشد و این معنی مخالف است با حدیثی که در اعمال
این روز مذکور شد که حضرت امام محمد باقر ع در این شب دعاها را در اول شب می‌خواندند
تعقیب از نصف شب مشغول نماز می‌شدند و محتمل است که بعضی از دعاها باید در اول

ش تا نصف شب خوانده شود و بعد از نصف نماز قضا کرده شود تا حوالی صبح و بعضی از دعاها
دیگر کم مانده باشد خصوصا دعاهای سحر که وقت آنها بعد از نصف شب است قریب
بصبح خوانده شود و در این صورت رفع تنافی میان این حدیث می‌شود و عمل بهر دو میسر می‌شود
سیم اگر هرگاه احدی دعاهای این شب را بلکه هر دعائی را بخواند و دیگران آمین بگویند از
ایشان مجزی باشد چهارم اگر بعد از اقامه نماز حرف زدن تصور نداشته باشد هرگاه
متعلق بامر نماز باشد زیرا که حضرت بعد از اقامه غلامان خود را برای نماز طلبید و دور
نیست که حضرت باشاره و ایماء غلامان را طلبیده باشد پنجم اگر در این روز خواندن سوره
انا انزلناه در رکعت اول نماز صبح اولی باشد هرچند در آن روز بحسب ایام هفته سوره
مخصوصه مستحب باشد مانند دوشنبه و پنجشنبه که سوره هل اتی در آنها مستحب است بلکه
جمعه که سوره جمعه در صبح آن روز بنهایت تاکید دارد و محتمل است که سر این مخصوص مناسبت
این سوره شریفه با این روز بوده باشد والله تعالی یعلم حقایق الامور دعاء ایضا سید در
کتاب مذکور این دعا را برای این روز نقل نموده سبحان الله السميع الذي ليس شيء أسمع منه يسمع
من فوق عرشه ما تحت سبع أرضين ويسمع ما في ظلمات البر والبحر ويسمع
الأنين ويسمع السر وأخفى ويسمع وساوس الصدور ويعلم خائنة
الأعين وما تخفي الصدور ولا يصم سمعه صوت سبحان الله بارئ النسم
سبحان الله المصور سبحان الله خالق الأزواج كلها سبحان الله
جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله
خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد
كلماته سبحان الله رب العالمين سیم سید بن باقی در کتاب اختیار
این دعا را برای این روز نقل نموده است
يا من دفع السماء بغير عمد ترونها ثم استوى على العرش يدبر الأمر

مامن

ما من شفيع إلا من بعد إذنه يا من يعلم ما تحمل كل أنثى وما تغيض الأرحام باذنه
وما تزداد وكل شيء عنده بمقدار عالم الغيب والشهادة الكبير
المتعال يا من يسبح الرعد بحمده والملائكة من خيفته يا من بذكره
تطمئن القلوب يا من يمحو ما يشاء ويثبت وعنده أم الكتاب يا من لا
معقب لحكمه وهو سريع الحساب يا من يعلم ما نخفي وما نعلن و
ما يخفى على الله من شيء في الأرض ولا في السماء يا من جعل في السماء
بروجا وزينها للناظرين يا من خلق الإنسان من نطفة فإذا هو خصيم
مبين يا من جعل الليل والنهار خلفة لمن أراد أن يذكر أو أراد
شكورا يا من يسجد له ما في السماوات والأرض من دابة وهم لا يستكبرون
يا من يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى وينهى عن الفحشاء و
المنكر والبغي يا من هو مع الذين اتقوا والذين هم محسنون اللهم
إني أسألك بما ناجيتك به من مدحتك في يومي هذا وفيما قبله وفيما بعده
بما لو علمه لسألتك به من أسمائك العظام ارزقني خوف العاملين
وعمل الخائفين وخشوع العابدين وعبادة الخاشعين ويقين المتوكلين

وتوكل المؤمنين وإنابة المخبتين وسائر ما سألك عبادك الصالحون
وما أعطيته النبيين والأئمة الطاهرين والملائكة المقربين
وأصلح لي نفسي القاسية وقلبي الفاسد وعقلي الناقص وفك
عنقي من النار وارزقني الجنة والأمن في الدنيا والآخرة وأغنني
عن خلقك كلهم بفضلك يا أرحم الراحمين وصلى الله على سيدنا
محمد وآله الطاهرين جابر رض صاحب کتاب خرج از ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا
صلعم فرموده که هر که در این روز این دعا بخواند حق تعالی دل او را نورانی
کرداند و روی او را سفید کند و بر روی صراط بکذرد مانند برق جهنده و دعا اینست
اللهم اجعل لي إلى مرضاتك دليلا ولا تجعل للشيطان فيه علي سبيلا فیه
واجعل الجنة لي منزلا ومقيلا يا قاضي حوائج الطالبين شیخ محمد بن
یعقوب کلینی ره
در کافی بسند خود از اسید بن صفوان که از جمله صحابه رسول خدا صلعم است روایت نموده است که روزی
که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه از دنیا رحلت فرمود همه جا را گریه فرو گرفت و مردم همکی
دهشت نمودند مانند روزی که رسول خدا صلعم رحلت فرموده بود پس مردی آمد گریان و بشتاب
شتافت و میگفت انا لله وانا اليه راجعون امروز خلافت پیغمبری منقطع کردید تا آنکه
بر در حجره که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در آن حجره بود ایستاد و گفت
رحمك الله يا أبا الحسن كنت أول القوم إسلاما وأخلصهم إيمانا
وأشدهم يقينا وأخوفهم لله وأعظمهم عناء وأحوطهم على رسول
الله صلى الله عليه وآله وأشبههم به هديا وخلقا وسمتا وفعلا

واشرفهم

وأشرفهم منزلة وأكرمهم عليه فجزاك الله عن الإسلام وعن رسوله
وعن المسلمين خيرا قويت حين ضعف أصحابه وبرزت حين استكانوا
ونهضت حين وهنوا ولزمت منهاج رسول الله صلى الله عليه وآله
إذ هم أصحابه وكنت خليفته حقا لم تنازع ولم تضرع برغم
المنافقين وغيظ الكافرين وكره الحاسدين وصغر الفاسقين
فقمت بالأمر حين فشلوا ونطقت حين تتعتعوا ومضيت بنور الله إذ
وقفوا فاتبعوك فهدوا وكنت أخفضهم صوتا وأعلاهم قنوتا و ولو اتبعوك ن د
أقلهم كلاما وأصوبهم نطقا وأكبرهم رأيا وأشجعهم قلبا و
أشدهم يقينا وأحسنهم عملا وأعرفهم بالأمور كنت والله
يعسوبا للدين أولا وآخرا الأول حين تفرق الناس والآخر حين
فشلوا كنت للمؤمنين أبا رحيما إذ صاروا عليك عيالا فحملت
أثقال ما عنه ضعفوا وحفظت ما أضاعوا ورعيت ما أهملوا و
شمرت إذا اجتمعوا وعلوت إذ هلعوا وصبرت إذ أسرعوا وأدركت إذا جتمعوا ن د
أوتار ما طلبوا ونالوا بك ما لم يحتسبوا كنت للكافرين عذابا صبا

عمادا غمائها

وَنَهْيًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ عَمَدًا وَحِصْنًا فَطِرْتَ وَاللهِ بِعَنَانِهَا وَفُزْتَ بِحِبَائِهَا
وَأَحْرَزْتَ سَوَابِقَهَا وَذَهَبْتَ بِفَضَائِلِهَا لَمْ تُفْلَلْ حُجَّتُكَ وَلَمْ يَزِغْ قَلْبُكَ
وَلَمْ تَضْعُفْ بَصِيرَتُكَ لَمْ تَجْبُنْ نَفْسُكَ وَلَمْ تَخُنْ كُنْتَ كَالْجَبَلِ لَا تُحَرِّكُهُ
الْعَوَاصِفُ وَكُنْتَ كَمَا قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ آمَنَ النَّاسِ فِي صُحْبَتِكَ وَ
ذَاتِ يَدِكَ وَكُنْتَ كَمَا قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ضَعِيفًا فِي بَدَنِكَ قَوِيًّا فِي أَمْرِ اللهِ
مُتَوَاضِعًا فِي نَفْسِكَ عَظِيمًا عِنْدَ اللهِ كَبِيرًا فِي الْأَرْضِ جَلِيلًا عِنْدَ
الْمُؤْمِنِينَ لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ فِيكَ مَهْمَزٌ وَلَا لِقَائِلٍ فِيكَ مَغْمَزٌ وَلَا
لِأَحَدٍ مِنْكَ مَطْمَعٌ وَلَا لِأَحَدٍ عِنْدَكَ هَوَادَةٌ الضَّعِيفُ الذَّلِيلُ
عِنْدَكَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ حَتَّى تَأْخُذَ لَهُ بِحَقِّهِ وَالْقَوِيُّ الْعَزِيزُ عِنْدَكَ
ضَعِيفٌ ذَلِيلٌ حَتَّى تَأْخُذَ مِنْهُ الْحَقَّ وَالْقَرِيبُ وَالْبَعِيدُ عِنْدَكَ فِي
ذَلِكَ سَوَاءٌ شَأْنُكَ الْحَقُّ وَالصِّدْقُ وَالرِّفْقُ وَقَوْلُكَ حُكْمٌ وَحَتْمٌ
وَأَمْرُكَ حِلْمٌ وَحَزْمٌ وَرَأْيُكَ عِلْمٌ وَعَزْمٌ فِيمَا فَعَلْتَ وَقَدْ نَهَجَ السَّبِيلُ
وَسَهُلَ الْعَسِيرُ وَأُطْفِئَتِ النِّيرَانُ وَاعْتَدَلَ بِكَ الدِّينُ وَقَوِيَ بِكَ الْإِسْلَامُ
وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَبَقْتَ سَبْقًا بَعِيدًا وَأَتْعَبْتَ مَنْ بَعْدَكَ تَعَبًا شَدِيدًا

فجللت

فَجَلَلْتَ عَنِ الْبُكَاءِ وَعَظُمَتْ رَزِيَّتُكَ فِي السَّمَاءِ وَهَدَّتْ مُصِيبَتُكَ الْأَنَامَ
فَإِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ رَضِينَا عَنِ اللهِ قَضَاءَهُ وَسَلَّمْنَا لِلّٰهِ أَمْرَهُ
فَوَاللهِ لَنْ يُصَابَ الْمُسْلِمُونَ بِمِثْلِكَ أَبَدًا كُنْتَ لِلْمُؤْمِنِينَ كَهْفًا وَحِصْنًا
وَفِئَةً وَأُنْسًا وَعَلَى الْكَافِرِينَ غِلْظَةً وَغَيْظًا فَأَلْحَقَكَ اللهُ بِنَبِيِّهِ
وَلَا أَحْرَمَنَا أَجْرَكَ وَلَا أَضَلَّنَا بَعْدَكَ شب بيست وسوم واعمال مخصوصه
آن بعض آنچه در لیالی عشر آخر وارد شده
و کذشت چند چیز است اول غسل چنانچه کذشت که در هر شب از شبهای دهه آخر اینها
غسل مستحب است دوم شیخ شهید ره در کتاب اربعین از رسول خدا صلعم روایت نموده است
که هر که در این شب هشت رکعت نماز کند در هر رکعت بعد سلام در هر رکعتی حمد و هر سوره که میسر شود
داخل بهشت شود از هر دری که خواهد سیم سید بن طاوس ره در کتاب اقبال از کتاب عتیقی که
ادعیه بعضی از شبها از آن یافته سُبْحَانَ مَنْ تَبْهَرُ قُدْرَتُهُ الْأَفْكَارَ وَتَمْلَأُ عَجَائِبُهُ
شده این دعا را در این شب نقل نموده
الْأَبْصَارَ الَّذِي لَا يَنْقُصُهُ الْعَطَاءُ وَلَا يَتَغَيَّرُ جُودُهُ الذَّكَاءُ الَّذِي
أَنْطَقَ الْأَلْسُنَ بِصِفَاتِهِ وَاقْتَدَرَ بِالْفِعْلِ عَلَى مَفْعُولَاتِهِ وَأَدْخَلَ فِي
صَلَاحِهَا الْفَسَادَ وَعَلَى مُجْتَمِعِهَا الشَّتَاتَ وَعَلَى مُنْتَظِمِهَا الْانْفِصَامَ
لِيَدُلَّ الْمُبْصِرِينَ عَلَى أَنَّهَا فَانِيَةٌ مِنْ صَنْعَةِ بَاقٍ مَخْلُوقَةٌ مِنْ إِنْشَاءِ خَالِقٍ
لَا يَفْنَى وَلَا يَبِيدُ وَلَا مَعْبُودَ إِلَّا هُوَ الْوَاحِدُ الْغَالِبُ الَّذِي لَا يُغْلَبُ وَالْمَالِكُ الَّذِي
لَا يُمْلَكُ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي بَلَّغَنِي لَيْلَةً طُوِيَتْ يَوْمُهَا عَلَى صِيَامٍ وَرِزْقٍ

تعبني

اليقظة من المنام وقصدت رب العزة بالقيام برحمة منه تخصني
ونعمة البستني وحتى تغشتني واسأله اتمام ابتدائه وزيادة
لي من اجتبائه فانه الملك القدير وصلى الله على محمد وآله وسلم
كثيرا چهارم ايضا سيد در كتاب مذكور ذكر نموده كه ابن ابي قره در كتاب عمل شهر رمضان
بسند خود از عمرو بن يزيد روايت كرده است كه حضرت صادق ع با او فرمود كه در شب دوم
از شبهای عشر آخر ماه مبارك يا سالخ الليل من النهار فاذا نحن مظلمون ومجري
رمضان اين دعا را بخوان
الشمس لمستقرها ذلك بتقديرك يا عزيز يا عليم ومقدر القمر
منازل حتى عاد كالعرجون القديم يا نور كل نور ومنتهى كل
رغبة وولي كل نعمة يا الله يا رحمن يا رحيم يا قدوس يا واحد يا
يا صمد يا فرد يا مدبر الامور ومجري البحور وباعث من في القبور يا
ملين الحديد لداود عليه السلام يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله يا
الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والآلاء و
النعماء اسألك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم ان كنت قضيت
في هذه الليلة تنزل الملائكة والروح من كل امر حكيم فصل
على محمد وآل محمد واجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي

مع

مع الشهداء واحساني في عليين واساءتي مغفورة وان تهب لي يقينا
تباشر به قلبي وايمانا يذهب الشك عني وترضيني بما قسمت لي وآتني
في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقني عذاب النار وارزقني يا رب
فيها ذكرك وشكرك والرغبة والانابة اليك والتوبة والتوفيق لما
وفقت له شيعة آل محمد يا ارحم الراحمين ولا تفتني بطلب ما زويت
عني بحولك وقوتك واغنني يا رب برزق منك واسع بحلالك عن
حرامك وارزقني العفة في بطني وفرجي وفرج عني كل هم وغم
ولا تشمت بي عدوي ووفق لي ليلة القدر على افضل ما رآها احد
ووفقني لما وفقت له محمدا وآل محمد عليه وعليهم السلام وافعل بي
كذا وكذا و بجای افعل بی كذا وكذا حاجت خود را طلب نمايد پس بگويد الساعة الساعة يا ظهر اللاجين صل
تا نفس يك شود پس سيد گفته كه ابن زياد ... بغير روايت اين دعا را نقل نموده
على محمد وآل محمد وكن لي حصنا وحرزا يا كهف المستجيرين صل على
محمد وآل محمد وكن لي كهفا وعضدا وناصرا ويا غياث المستغيثين
صل على محمد وآل محمد وكن لي غياثا ومجيرا ويا ولي المؤمنين
صل على محمد وآل محمد وكن لي وليا ويا مجري غصص المؤمنين

صلّ على محمد وآل محمد وآجر غصّتي وتغيّر هيئتي وأسعدني في هذا

الشهر العظيم سعادةً لا أشقى بعدها يا أرحم الراحمين مؤلف

گوید کراین

زیادتی محتمل است که از تالیف سید باشد یا در روایت دیگر دعا بیابی موجود باشد چنانچه

در شب بیست ویکم نظیر این مذکور شد شیخ ایضا سید در کتاب مذکور و این باز در کتاب

اختیار از رسول خدا این دعا را جبّارٌ غفّارٌ قاهرٌ سميعٌ عليمٌ غفورٌ رحيمٌ

برای این شب روایت نموده اند

غافر الذنب وقابل التوب شديد العقاب فالق الحبّ مولج الليل

في النهار ومولج النهار في الليل ومخرج الحيّ من الميت ومخرج الميت

من الحيّ ورازق العباد بغير حساب يا جبّار يا جبّار يا جبّار يا جبّار

يا جبّار يا جبّار يا جبّار روز بیست و دوم واعمال آن چند چیز است اول سید بن

طاوس در کتاب اقبال این دعا را برای این روز نقل نموده است

سبحان الله البصير الذي ليس شيء أبصر منه يبصر من فوق عرشه ما

تحت سبع أرضين ويبصر ما في ظلمات البرّ والبحر لا تدركه الأبصار

وهو يدرك الأبصار وهو اللطيف الخبير لا تغشى بصره الظلمات

ولا يستتر عنه بستر ولا يواري منه جدار ولا يغيب منه بحر ولا

يكنّ منه جبل ما في أصله ولا قلب ما فيه ولا يستتر منه صغير

ولا كبير ولا يستخفي منه صغير لصغره ولا يخفى عليه شيء في الأرض

ولا في السماء هو الذي يصوّركم في الأرحام كيف يشاء لا إله

إلا هو العزيز الحكيم سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصوّر

سبحان الله خالق الأزواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات و

النور سبحان الله فالق الحبّ والنوى سبحان الله خالق كل شيء

سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته

سبحان الله ربّ العالمين دوم سید بن باقی در کتاب اختیار اللهم إنّي

این دعا را برای این روز نقل نموده است

أسألك يا من يسبّح له الأرضون السبع وما فيهنّ وما بينهنّ

وما تحتهنّ يا من لم يتّخذ صاحبةً ولا ولداً ولم يكن له شريك

في الملك ولم يكن له وليّ من الذلّ وكبّره تكبيراً يا من أنزل

على عبده الكتاب ولم يجعل له عوجاً قيّماً يا من لا يشرك في حكمه أحداً

يا من نادى موسى من جانب الطور الأيمن وقرّبه نجيّاً يا من رفع

إدريس مكاناً عليّاً يا من له ما في السماوات وما في الأرض وما بينهما

وما تحت الثرى يا من يعلم السرّ وأخفى وأنت الله لا إله إلا أنت

لك الأسماء الحسنى يا من أعطى كل شيء خلقه ثم هدى

يا مَنْ خَشَعَتْ لَهُ الْاَصْواتُ فَلا تَسْمَعُ اِلّا هَمْساً اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ

ما اَحاطَ بِما اَنَا جِئْتُكَ بِهِ مِنْ مِدْحَتِكَ في يَوْمي هٰذا طَلَباً لِعَفْوِكَ وَخَوْفاً

مِنْ عَذابِكَ وَرَجاءً لِما عِنْدَكَ وَطَمَعاً في اِحْسانِكَ وَرَغْبَةً في

الرزق رِضاكَ وَسَعَةً في رِزْقِكَ وَتَفَضُّلِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ

بَيْتِهِ الطّاهِرينَ وَتُؤْنِسَ وَحْشَتي وَتَصِلَ وَحْدَتي وَتُعِزَّ ذِلَّتي

وَتَسْتُرَ عَوْرَتي وَتَجْبُرَ فاقَتي اَللّٰهُمَّ اَنْتَ رَجائي وَثِقَتي فَاَعِنّي

عَلى مَنْ ظَلَمَني وَانْصُرْني عَلى مَنْ بَغى عَلَيَّ وَاَرادَ اَذِيَّتي وَاحْفَظْني

في نَفْسي وَمالي وَديني وَاَهْلي وَوُلْدي وَاَعْتِقْني مِنَ النّارِ وَارْزُقْنِي

الْجَنَّةَ وَالْاَمْنَ فِي الدُّنْيا وَالْاٰخِرَةِ وَلا تُحْوِجْني اِلى غَيْرِكَ بِفَضْلِكَ

الْمَبْذُولِ وَاِحْسانِكَ الْمَأْمُولِ اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ

يَسيرٌ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلى سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرينَ سيم صاحب كتاب

ذخيره از ابن عبّاس روايت نموده است كه رسول خدا صلعم فرمود كه هر كه اين دعا را در اين روز بخواند حق تعالى سكرات مرگ و سؤال منكر و نكير را بر او آسان كند و او را ثابت بدارد بر قول ثابت و دعا اينست

على نا اَللّٰهُمَّ اَنْزِلْ عَلَيَّ فيهِ بَرَكاتِكَ وَوَفِّقْني فيهِ لِمُوجِباتِ مَرْضاتِكَ

وَاَسْكِنّي بُرْكَتِهِ بُحْبُوحَةَ جِنانِكَ يا مُجيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرّينَ

شب بيست و سيم اين شب افضل از دو شب سابق و مدخليّت آن در شب قدر زياده از آن دو شب است و روايات بسيار دلالت ميكند بر آنكه اين شب واقعاً شب قدر است چنانچه سيّد بن طاوس رح در كتاب اقبال بسند خود از سفيان بن السمط روايت كرده است كه گفت بخدمت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه عرض نمودم كه در ميان شبها شب قدر را براى من جدا كن فرمود كه شب بيست و سيم است و ايضاً در كتاب مذكور از ابو حمزهٔ انصارى روايت كرده است كه او از رسول خدا صلعم شنيد كه ميفرمود كه شب قدر كه شب قدر شب بيست و سيم است و بدانكه اين شب ليلة الجهنى مينامند و ابن جهنى حديثى است كه سيّد در كتاب اقبال بسند خود از حضرت امام محمّد باقر عم روايت نموده است كه فرمود كه يكى از صحابهٔ رسول خدا صلّى الله عليه و آله كه در حوالى مدينهٔ طيّبه سكنى داشت و بجهنى معروف بود بخدمت آنحضرت آمد و عرض نمود كه يا رسول الله بدرستيكه من شتر و گوسفند فراوان و غلامان بسيار دارم و با ين جهت اشغال من بسيار و هميشه براى عبادت بمدينه نميتوانم آمد و ميخواهم كه يك شب را براى من در ماه رمضان تعيين نمائى كه در آن شب بمدينه بيايم و بنماز حاضر شوم پس حضرت او را بنزديك خود طلبيد و سخنى آهسته در گوش او گفت پس حضرت امام محمّد باقر عم فرمود كه جهنى هر سال چون شب بيست و سيم ماه رمضان ميشد با اهل و اولاد و غلامان و شتران و گوسفندان خود داخل مدينه ميشد و در آن شب در مدينه بعبادت الهى مشغول بود و چون صبح ميشد با اهل و متعلّقان بجاى خود معاودت مينمود پس حضرت فرمود كه اسم جهنى عبد الرحمن بن انيس انصارى بود و بدانكه بهتر آنست كه اين شب را در مسجد احيا بدارند و اعمال وارده در آن را در مسجد بعمل آورند چنانچه سيّد بن طاوس رح در كتاب مذكور بسند خود از جميلة هشام روايت كرده است كه گفت بود و سالى از سالها حضرت صادق صلوات الله عليه را بيمارى شديدى عارض شد پس چون شب بيست و سيم شد غلامان خود را امر كرد تا آنحضرت را بمسجد بردند و تمام آن شب را در مسجد گذرانيد و امّا اعمال اين شب پس آن نيز بر سه قسم است و دو قسم آن كه اعمال مشتركه ميان سه شب و اعمال مشتركه ليالى عشر اخيرست بتفصيل سابق مذكور شد لهذا در اين مقام بذكر يك قسم كه آن اعمال مخصوصهٔ اين شب است اكتفا مينمائيم و آنها چنانچه از تتبّع كتب اخبار ظاهر ميشود چند چيز است اوّل غسل بدانكه در اين شب دو غسل مستحبّ است يكى در اوّل شب و يكى در آخر شب و اين غسل آن از اعمال مشتركه سه شب است چنانكه در شب نوزدهم بيان روايات آن بتفصيل گذشت و اين غسل دويم آن از اعمال مخصوصهٔ اين شب است چنانچه سيّد رح در كتاب اقبال بسند خود

دو غسل در اين شب

ازبريد بن معويهٔ عجلى روايت كرده كه گفت كه حضرت امام جعفر صادق عم را ديدم در شب بيست وسيم
ودر غسل ميفرمودند يكى در اول شب ويكى در آخر شب دويم تلاوت سورهٔ عنكبوت وروم
چنانچه سيد بن طاوس ره در كتاب اقبال بطرق متعدده از حضرت امام جعفر صادق عم
روايت كرده است كه آنحضرت بابى بصير فرمود كه هر كه سورهٔ عنكبوت وروم را در شب بيست و
سيم بخواند بخدا سوگند كه او از اهل بهشت است واستثنا نميكنم هرگز از آنچه قسم
بر آن ياد نمودم ونميترسم كه حق تعالى بر من گناهى بنويسد وبدرستى كه براى اين دو سوره نزد حق
تعالى منزلت عظيم هست سيم خواندن سورهٔ انا انزلناه هزار نوبت چنانچه سيد نيز در كتاب
مذكور بطرق بسيار از حضرت صادق عم روايت كرده است كه اگر مردى در شب بيست وسيم ماه
رمضان سورهٔ انا انزلناه را هزار مرتبه بخواند هر آينه صبح ميكند در حالتى كه سخت باشد
يقين او باعتراف نمودن بآنچه مخصوص ماست ونميباشد اين معنى مگر از براى چيزى كه آنرا
در خواب ببيند مؤلف گويد كه خواندن اين سوره هزار نوبت در هر شب نيز وارد شده چنانچه
در اعمال هر شب ايماء سابق مذكور شد ودور نيست كه لفظ هر شب از اين حديث ساقط شده
باشد زيرا كه حكايت ديدن خواب تا تاكيد استحباب احياى اين شب منافات دارد چنانچه
بر متامل خبير پوشيده نيست مگر آنكه مراد اين باشد كه بعد از اين شب خوابى خواهد
ديد كه موجب شدت يقين او گردد والله تعالى يعلم چهارم شيخ شهيد ره در كتاب اربعين از
حضرت سيد المرسلين صلعم روايت نموده است كه هر كه در اين شب هشت ركعت نماز بكند هر دو ركعت
بيك سلام در هر ركعتى بعد از حمد هر سوره كه ميسر شود درهاى آسمانها وهفت زمين براى او
گشوده شود ودعاى او مستجاب گردد پنجم ايضا سيد در كتاب مذكور از كتاب عتيقى
كه از علماى بعضى از شيعيان است نقل نموده اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَ الشَّكُّ فِى اَنَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ
است اين دعا را براى اين شب نقل نموده
فِيهَا اَوْ فِيمَا تَقَدَّمَ مِنْهَا وَاقِعٌ فَاِنَّهُ مِنْكَ وَفِى وَحْدَانِيَّتِكَ وَتَزْكِيَتِكَ
زَائِلٌ وَفِى اَىِّ اللَّيَالِى يَقْرُبُ مِنْكَ الْعَبْدُ لَمْ تُبْعِدْهُ وَقَبِلْتَهُ وَ
اَخْلَصَ فِى سُؤَالِكَ لَمْ تَرُدَّهُ وَاَجَبْتَهُ وَعَمِلَ الصَّالِحَاتِ شَكَرْتَهُ وَ
رَفَعَ اِلَيْكَ مَا يُرْضِيكَ ذَخَرْتَهُ اَللّٰهُمَّ فَامْدُدْنِى فِيهَا بِالْعَوْنِ عَلَى مَا

قرائت سوره عنكبوت وروم

خواندن سوره انا انزلناه هزار مرتبه

هشت ركعت نماز

دعاى اين شب

يزلف

يُزْلِفُ لَدَيْكَ وَخُذْ بِنَاصِيَتِى اِلَى مَا فِيهِ الْقُرْبُ اِلَيْكَ وَاَسْبِغْ
مِنَ الْعُدَّةِ فِى الدَّارَيْنِ سَعْيِى وَرُقَّ لِى مِنْ جُودِكَ لِى بِخَيْرِهِمَا عَطِيَّتِى
وَانْبِرْ عَلَىَّ مِنْ ذُنُوبِى بِالتَّوْبَةِ وَمِنْ خَطَايَاىَ بِسَعَةِ الرَّحْمَةِ وَغَفْرِ
لِى فِى هٰذِهِ اللَّيْلَةِ وَلِوَالِدَىَّ وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
غُفْرَانَ مُتَنَزِّهٍ عَنْ عُقُوبَةِ الضُّعَفَاءِ رَحِيمٍ بِذَوِى الْفَاقَةِ وَ
الْفُقَرَاءِ جَارٍ عَلَى عَبِيدٍ شَفِيقٍ بِخُضُوعِهِمْ وَذِلَّتِهِمْ رَفِيقٍ لَا تَنْقُصُهُ
الصَّدَقَةُ عَلَيْهِمْ وَلَا يُفْقِرُهُ مَا يُغْنِيهِمْ مِنْ صَنِيعِهِ اِلَيْهِمْ اَللّٰهُمَّ
اقْضِ دَيْنِى وَدَيْنَ كُلِّ مَدْيُونٍ وَفَرِّجْ عَنِّى وَعَنْ كُلِّ مَكْرُوبٍ
وَاَصْلِحْنِى وَوَلَدِى وَاَصْلِحْ كُلَّ فَاسِدٍ وَانْفَعْ مِنِّى وَاجْعَلْ فِى
الْحَلَالِ الطَّيِّبِ الْهَنِىءِ الْكَثِيرِ السَّائِغِ مِنْ رِزْقِكَ عَيْشِى وَمِنْهُ
لِبَاسِى وَفِيهِ مُنْقَلَبِى وَاقْبِضْ عَنِ الْمَحَارِمِ يَدِى مِنْ غَيْرِ قَطْعٍ وَلَا شَلَلٍ
وَلِسَانِى مِنْ غَيْرِ خَرَسٍ وَاُذُنِى مِنْ غَيْرِ صَمَمٍ وَعَيْنِى مِنْ غَيْرِ عَمًى وَرِجْلِى
مِنْ غَيْرِ زَمَانَةٍ وَفَرْجِى مِنْ غَيْرِ اَخْبَالٍ وَبَطْنِى مِنْ غَيْرِ وَجَعٍ وَسَائِرَ
اَعْضَائِى مِنْ غَيْرِ خَلَلٍ اَرِدْنِى عَلَيْكَ يَوْمَ وُقُوفِى بَيْنَ يَدَيْكَ خَالِصًا

عيشى
شلل
اخبال

مِنَ الذُّنُوبِ نَقِيًّا مِنَ الْعُيُوبِ لا أَسْتَحِي مِنْكَ بِكُفْرَانِ نِعْمَةٍ وَلا إِقْرَارٍ

بِشَرِيكٍ لَهُ فِي الْقُدْرَةِ وَلا بِانْهَاجٍ فِي فِتْنَةٍ وَلا تَوَرُّطٍ فِي دِمَاءٍ مُحَرَّمَةٍ

وَلا بَيْعَةٍ أُطَوِّقُهَا عُنُقِي لِأَحَدٍ مِمَّنْ فَضَّلْتَهُ بِعَضِيلَةٍ وَلا وُقُوفٍ

تَحْتَ رَايَةِ غَدْرَةٍ وَلا أَسْوَدَ الْوَجْهِ بِالْأَيْمَانِ الْفَاجِرَةِ وَالْعُهُودِ

الْخَائِنَةِ وَالَّتِي مِنْ تَوْفِيقِكَ وَهَذَا مَا نَسْأَلُكَ بِهِ سُبُلَ طَاعَتِكَ

وَرِضَاكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ششم سيد در كتاب مذكور و سيد بن باقي در

كتاب اختيار از رسول خدا ايضاً از براى اين شب

روايت سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ

كرده اند

رَبُّ الرُّوحِ وَالْعَرْشِ سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرَضِينَ

سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْبِحَارِ وَالْجِبَالِ سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ يُسَبِّحُ لَهُ الْحِيتَانُ

وَالْهَوَامُّ وَالسِّبَاعُ وَالْآكَامُ سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ سَبَّحَتْ لَهُ الْمَلَائِكَةُ

الْمُقَرَّبُونَ سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ عَلا فَقَهَرَ وَخَلَقَ فَقَدَّرَ سُبُّوحٌ سُبُّوحٌ

سُبُّوحٌ سُبُّوحٌ سُبُّوحٌ سُبُّوحٌ سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ

قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ هفتم ايضاً سيد در كتاب مذكور ذكر نموده

كه ابن ابى قره در كتاب عمل شهر رمضان

سند خود از عمر بن يزيد روايت نموده كه حضرت صادق فرمود يَا رَبَّ لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَجَاعِلَهَا

با وضو كرده در شب از شبهاى عشر آخر ماه رمضان اين دعا را بخوان

خَيْراً مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ رَبَّ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْجِبَالِ وَالْبِحَارِ وَالظُّلَمِ وَالْأَنْوَارِ

وَالْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ يَا بَارِئُ يَا مُصَوِّرُ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا اللهُ يَا رَحْمَنُ

يَا قَيُّومُ يَا بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ

يَا اللهُ يَا اللهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ

وَالْآلَاءُ وَالنَّعْمَاءُ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنْ كُنْتَ

قَضَيْتَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ تَنَزُّلَ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ حَكِيمٍ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلِ اسْمِي فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ

وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِيناً تُبَاشِرُ

بِهِ قَلْبِي وَإِيمَاناً يَذْهَبُ بِالشَّكِّ عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنِي فِي

الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنِي عَذَابَ النَّارِ وَارْزُقْنِي

يَا رَبِّ فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ

لَهُ شِيعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَلا تَفْتِنِّي بِطَلَبِ مَا زَوَيْتَ عَنِّي بِحَوْلِكَ

وَقُوَّتِكَ وَأَغْنِنِي يَا رَبِّ بِرِزْقٍ مِنْكَ وَاسِعٍ بِحَلالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَارْزُقْنِي

الْعِفَّةَ فِي بَطْنِي وَفَرْجِي وَفَرِّجْ عَنِّي كُلَّ هَمٍّ وَغَمٍّ وَلا تُشْمِتْ بِي عَدُوِّي

وَوَفِّقْ لِي لَيْلَةَ الْقَدْرِ عَلَى أَفْضَلِ مَا رَآهَا أَحَدٌ وَوَفِّقْنِي لِمَا وَفَّقْتَ
لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا اللَّيْلَةَ
اللَّيْلَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ تا نفس تنگ شود مؤلف گوید که بجای وافعل بی کذا وکذا حوایج خود را مطلبد و کلمهٔ الساعة را
مکرر گوید تا نفس تنگ شود و محتمل است که کلمهٔ اللیلة و الساعة را هر یک را مکرر گوید تا نفس تنگ شود و احتمال آخر اظهر است هشتم ایضاً سید در کتاب مذکور این
دعای نهم
دعا را برای این شب نقل نموده است اللَّهُمَّ امْدُدْ لِي فِي عُمْرِي وَأَوْسِعْ لِي فِي رِزْقِي وَ
أَصِحَّ جِسْمِي وَبَلِّغْنِي أَمَلِي وَإِنْ كُنْتُ مِنَ الْأَشْقِيَاءِ فَامْحُنِي مِنَ
الْأَشْقِيَاءِ وَاكْتُبْنِي مِنَ السُّعَدَاءِ فَإِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ
عَلَى نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثْبِتُ وَعِنْدَهُ
أُمُّ الْكِتَابِ نهم ایضاً سید در کتاب مذکور این دعا را برای این شب نقل نموده است اللَّهُمَّ إِيَّاكَ تَعَمَّدْتُ
اللَّيْلَةَ بِحَاجَتِي وَبِكَ أَنْزَلْتُ فَقْرِي وَمَسْكَنَتِي تَسَعُنِي اللَّيْلَةَ رَحْمَتُكَ
وَعَفْوُكَ فَأَنَا لِرَحْمَتِكَ أَرْجَى مِنِّي لِعَمَلِي وَرَحْمَتُكَ وَمَغْفِرَتُكَ
أَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِي وَاقْضِ لِي كُلَّ حَاجَةٍ هِيَ لِي بِقُدْرَتِكَ عَلَى ذَلِكَ
وَتَيْسِيرِهِ عَلَيْكَ فَإِنِّي لَمْ أُصِبْ خَيْراً إِلَّا مِنْكَ وَلَمْ يَصْرِفْ عَنِّي أَحَدٌ
سُوءاً قَطُّ غَيْرُكَ وَلَيْسَ لِي رَجَاءٌ لِدِينِي وَدُنْيَايَ وَلَا لِآخِرَتِي وَلَا

لیوم

دعای دهم
لِيَوْمِ فَقْرِي يَوْمَ أُدْلَى فِي حُفْرَتِي وَتَفَرُّدِي فِي النَّاسِ بِعَمَلِي غَيْرُكَ يَا رَبِّ دهم
ایضاً سید در کتاب مذکور این دعا را برای این شب نقل نموده است اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَوْفَرِ عِبَادِكَ نَصِيباً مِنْ
كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَأَنْتَ مُنْزِلُهُ مِنْ نُورٍ تَهْدِي بِهِ
أَوْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا أَوْ رِزْقٍ تَقْسِمُهُ أَوْ بَلَاءٍ تَدْفَعُهُ أَوْ ضُرٍّ تَكْشِفُهُ
وَاكْتُبْ لِي مَا كَتَبْتَ لِأَوْلِيَائِكَ الصَّالِحِينَ الَّذِينَ اسْتَوْجَبُوا
مِنْكَ الثَّوَابَ وَأَمِنُوا بِرِضَاكَ عَنْهُمْ مِنْكَ الْعِقَابَ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي ذَلِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
یازدهم ایضاً سید در کتاب مذکور این دعا را برای این شب نقل نموده است أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمِسْكِينِ الْمُسْتَكِينِ وَأَبْتَهِلُ
إِلَيْكَ ابْتِهَالَ الْمُذْنِبِ الْبَائِسِ الذَّلِيلِ مَسْأَلَةَ مَنْ خَضَعَتْ لَكَ نَاصِيَتُهُ
وَاعْتَرَفَ بِخَطِيئَتِهِ فَفَاضَتْ لَكَ عَبْرَتُهُ وَهَمَلَتْ لَكَ دُمُوعُهُ وَضَلَّتْ
حِيلَتُهُ وَانْقَطَعَتْ حُجَّتُهُ أَنْ تُعْطِيَنِي فِي لَيْلَتِي هَذِهِ مَغْفِرَةَ مَا مَضَى
مِنْ ذُنُوبِي وَاعْصِمْنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي وَارْزُقْنِي الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ فِي
عَامِي هَذَا وَاجْعَلْهَا حَجَّةً مَبْرُورَةً خَالِصَةً لِوَجْهِكَ وَارْزُقْنِيهِ أَبَداً
مَا أَبْقَيْتَنِي وَلَا تُخْلِفْنِي عَنْ زِيَارَتِكَ وَزِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ

عَلَيْهِ وَآلِهِ اِلٰهِي وَاَسْاَلُكَ اَنْ تَكْفِيَنِي مَؤُنَةَ خَلْقِكَ مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ وَالْعَرَبِ

وَالْعَجَمِ وَمِنْ كُلِّ دَابَّةٍ اَنْتَ اٰخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ

قَدِيرٌ وَبِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ دعاء دوم ایضا سید در کتاب مذکور این دعا را برای این شب نقل نموده است اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ

سُؤَالَ الْمِسْكِينِ الْمُسْتَكِينِ وَاَبْتَغِي اِلَيْكَ ابْتِغَاءَ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ وَاَتَضَرَّعُ

اِلَيْكَ تَضَرُّعَ الضَّعِيفِ الضَّرِيرِ وَاَبْتَهِلُ اِلَيْكَ ابْتِهَالَ الْمُذْنِبِ

الذَّلِيلِ وَاَسْاَلُكَ مَسْاَلَةَ مَنْ خَضَعَ لَكَ نَفْسُهُ وَرَغِمَ لَكَ اَنْفُهُ

وَعَفَّرَ لَكَ وَجْهَهُ وَخَضَعَتْ لَكَ نَاصِيَتُهُ وَاعْتَرَفَ بِخَطِيئَتِهِ وَفَاضَتْ

لَكَ عَبْرَتُهُ وَانْهَمَلَتْ لَكَ دُمُوعُهُ وَضَلَّتْ عَنْهُ حِيلَتُهُ وَانْقَطَعَتْ

عَنْهُ حُجَّتُهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْكَ وَبِحَقِّكَ الْعَظِيمِ عَلَيْهِمْ

اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِمْ كَمَا اَنْتَ اَهْلُهُ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى نَبِيِّكَ وَآلِ نَبِيِّكَ

وَاَنْ تُعْطِيَنِي اَفْضَلَ مَا اَعْطَيْتَ السَّائِلِينَ مِنْ عِبَادِكَ الْمَاضِينَ مِنَ

الْمُؤْمِنِينَ وَاَفْضَلَ مَا تُعْطِي الْبَاقِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَاَفْضَلَ مَا تُخَلِّفُهُ

مِنْ اَوْلِيَائِكَ اِلٰى يَوْمِ الدِّينِ مِمَّنْ جَعَلْتَ لَهُ خَيْرَ الدُّنْيَا وَخَيْرَ الْآخِرَةِ

يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ وَاَعْطِنِي فِي مَجْلِسِي هٰذَا مَغْفِرَةَ مَا مَضٰى مِنْ

ذنوبي

[illegible]

ذُنُوبِي وَاعْصِمْنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي وَارْزُقْنِيَ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ فِي عَامِي هٰذَا

مُتَقَبَّلًا مَبْرُورًا خَالِصًا لِوَجْهِكَ يَا كَرِيمُ وَارْزُقْنِيهِ اَبَدًا مَا اَبْقَيْتَنِي يَا كَرِيمُ

يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ وَاكْفِنِي مَؤُنَةَ عِيَالِي وَاكْفِنِي مَؤُنَةَ خَلْقِكَ وَاكْفِنِي

شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَاكْفِنِي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ وَاكْفِنِي

شَرَّ كُلِّ دَابَّةٍ اَنْتَ اٰخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا اِنَّ رَبِّي عَلٰى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

سیوم ایضا سید در کتاب مذکور نقل نموده که ابن ابی قره در کتاب عمل شهر رمضان

به سند خود از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت میخوانده است و میگفت که این دعا از جملهٔ دعاهای شب قدر است

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَفِيمَا تُقَدِّرُ مِنَ الْاَمْرِ الْمَحْتُومِ وَفِيمَا تَفْرُقُ مِنَ الْاَمْرِ الْحَكِيمِ

فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ اَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ

بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِي هٰذَا الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمُ الْمَغْفُورِ

ذُنُوبُهُمُ الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتُهُمْ وَاجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي اَنْ تُطِيلَ عُمْرِي فيما تقدّر و ...

وَتُوَسِّعَ لِي فِي رِزْقِي مؤلف گوید که این دعا در هر شب از شبهای این ماه و در خصوص شب

نوزدهم نیز به سندها مکرر وارد شده و سابق مذکور شد و

لیکن فی الجمله اختلافی در عبارات هر یک از دعاها است پس بهتر آنست که در این شب نیز

بهر دو طریق خوانده شود دعای چهارم و پنجم این دو دعا در فضیلت مانند شب آینده اعمال

آن چند چیز است اول سید بن طاوس در کتاب اقبال سُبْحَانَ الَّذِي يُنْشِئُ السَّحَابَ

این دعا را برای این روز نقل نموده است

الثِّقَالَ وَيُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلٰئِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ وَيُرْسِلُ

الصواعق فيصيب بها من يشاء ويرسل الرياح بشراً بين يدي رحمته
وينزل الماء من السماء بكلماته وينبت النبات بقدرته ويسقط
الورق بأمره سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان
الله خالق الأزواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان
الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله
خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين
دويم سيد بن باقي ره در كتاب اختيار اللهم إني أسألك يا من جعل الليل لباساً
اين دعا را براي اين روز نقل نموده است
والنوم سباتاً وجعل النهار نشوراً يا من أرسل الرياح بشراً بين
يدي رحمته وأنزل من السماء ماءً طهوراً يا من جعل في السماء بروجاً
وجعل فيها سراجاً وقمراً منيراً يا من مرج البحرين وجعل بينهما برزخاً
وحجراً محجوراً يا من جعل الليل والنهار خلفة لمن أراد أن يذكر
أو أراد شكوراً يا من أوحى إلى موسى أن اضرب بعصاك البحر فانفلق
فكان كل فرق كالطود العظيم يا من جعل الأرض قراراً وجعل
خلالها أنهاراً وجعل لها رواسي وجعل بين البحرين حاجزاً يا مجيب

المضطر إذا دعاه ويكشف السوء أسألك يا الله بما ناجيتك به في
يومي هذا أن تصلي على محمد وآله الطاهرين واجعل لي مخرجاً من
أمري يسراً ومن همي فرجاً وارزقني من حيث أحتسب ومن حيث لا
أحتسب فإنك تأتي باليسر بعد العسر وبالرخاء بعد الشدة وبالعافية
بعد البلاء وبالرحمة بعد القنوط وبالغنى بعد الفقر وأسألك
يا رب حبك وحب من أحبك وأحب عملاً يقرب إلى حبك برحمتك
يا أرحم الراحمين إنك على كل شيء قدير وصلى الله على سيدنا محمد
وآله الطاهرين سيم صاحب كتاب [illegible] از ابن عباس روايت كرده است كه رسول خدا فرمود كه
هركه در اين روز اين دعا را بخواند بر روى صراط بگذرد مانند برق جهنده و شهيد و صالح
دعا اللهم اغسلني فيه من الذنوب وطهرني فيه من العيوب وامتحن
فيه قلبي بتقوى القلوب يا مقيل عثرات المذنبين شب بيست وچهارم
واعمال آن چند چيز است
اول غسل و غسل اگرچه از جمله اعمال مشتركه ليالى عشر آخر است ليكن در اين شب بخصوص مؤكد
است چنانچه سيد بن طاوس ره در كتاب اقبال بسند خود از حضرت صادق عم روايت نموده است
كه آن حضرت بعبد الرحمن بن ابي عبد الله فرمود كه در شب بيست وچهارم ماه رمضان غسل
كن چه ميشود كه تو در دو شب غسل كرده باشي مؤلف گويد كه دو شب در كلام حضرت ظاهراً
اشاره بشب بيست وسيم و بيست وچهارم است دويم شيخ شهيد ره در كتاب اربعين
از حضرت رسول صلعم روايت كرده است كه هركه در اين شب هشت ركعت نماز كند هر دو ركعت
بيك سلام در هر ركعتي بعد از حمد هر سوره كه ميسر شود مانند كسي باشد كه حج و عمره كرده باشد
سيم سيد بن طاوس ره در كتاب اقبال از كتاب علي كه ادعيه بعضي از شبها [illegible] آن ساقط شده اين دعا را براي اين شب

الحمد لله شفعاً ووتراً الشفع والوتر من هذه الليالي المباركات وعلى ما منحني و
أعطاني فيهن من الخيرات وتصدق به علي ووهبه لي من الباقيات الصالحات
الذي صومني لما أجرني وفطرني على ما رزقني فضلاً من عنده وبمنه
وحسن اختياره ونظره بعبيده سبحانه سيداً أخذ بيدي من الورطات
وخلصني من الخطيئات وكفاني المهمات وأغناني عن المخلوقين ولم يجعل
رزقي إلى المرزوقين وشهر ذكري في العالمين وجعل اسمي في المذكورين
ولم يشقني بعجب يحطني عن درجات رفيعة فيهوي بي إلى ظلم غضبه و
نقمته ولا ابتلاني باستحلال ينزع عني لباس رحمته ويعوضني لبوس الذل
من سخطه إياه أشكر وله أعبد ومنه أرجو لتمام المزيد ولا حول
ولا قوة إلا بالله العلي العظيم وصلى الله على محمد النبي وآله و
سلم تسليماً چهارم ايضاً سيد در كتاب مذكور ذكر نموده كه ابا بن قرشي در كتاب عمل شهر رمضان
بسند خود از عمر بن يزيد روايت نموده است كه حضرت صادق عليه السلام با او فرموده كه در اين شب اين دعا را بخوان
يا فالق الإصباح يا جاعل الليل سكناً والشمس والقمر حسباناً يا عزيز يا عليم
يا ذا المن والطول والقوة والحول والفضل والإنعام والجلال والإكرام
يا الله يا رحمن يا الله يا فرد يا الله يا وتر يا الله يا ظاهر يا الله يا باطن

يا حي لا إله إلا أنت يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله
لك الأسماء الحسنى والأمثال العليا والكبرياء والآلاء
النعماء أسألك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم إن كنت قضيت
في هذه الليلة تنزل الملائكة والروح من كل أمر حكيم فصل
على محمد وآل محمد واجعل اسمي في السعداء وروحي مع الشهداء
وإحساني في عليين وإساءتي مغفورة وأن تهب لي يقيناً تباشر
به قلبي وإيماناً يذهب بالشك عني وترضيني بما قسمت لي وآتني
في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقني عذاب النار وارزقني يا
رب فيها ذكرك وشكرك والرغبة إليك والإنابة و
التوبة والتوفيق لما وفقت له شيعة آل محمد يا أرحم الراحمين
ولا تفتني بطلب ما زويت عني بحولك وقوتك وأغنني يا رب برزق
منك واسع بحلالك عن حرامك وارزقني العفة في بطني وفرجي
وفرج عني كل هم وغم ولا تشمت بي عدوي ووفق لي ليلة القدر
على أفضل ما رآها أحد ووفقني لما وفقت له محمداً وآل محمد عليه و

عليهم سلامك و افعل بي كذا و كذا الساعة الساعة تا نفس منقطع شود دعا
و افعل بي كذا و كذا خواند
خود را طلب کن سید گفته که این زیادتی اللهم اني اسألك يا سيدي سؤال
بغیر روایتست و این دعا را ذکر نموده
مسكين فقير اليك خائف مستجير اسألك يا سيدي ان تصلي على
محمد و آل محمد و ان تجيرني من خزي الدنيا و من عذاب الآخرة و
تضاعف لي في هذه الليلة و في هذا الشهر العظيم عملي و ترحم
مسكنتي و تتجاوز عما احصيته علي و خفي عن خلقك و
سترته علي منا منك و تسلمني من شينه و فضيحته و عاره
في عاجل الدنيا فلك الحمد على ذلك و على كل حال و اسألك
يا رب ان تصلي على محمد و آل محمد و تتم علي بستره لي في
الآخرة و تسلمني من فضيحته و عاره بمنك و احسانك يا ارحم
الراحمين مؤلف گوید که نظیر این تأویل آن در لیالی سابقه مذکور شد پنجم ایضا
سید در کتاب مذکور و ابن بابویه در کتاب خصال از حضرت رسالت صلعم این
دعا را برای این شب اللهم انت امرت بالدعاء و ضمنت الاجابة فدعوناك
روایت نموده است
و نحن عبادك و بنو امائك نواصينا بيدك و انت ربنا و نحن عبادك
و لم يسأل العباد مثلك و لم يرغب اليك و لم يرغب الخلائق الى

مثلك

مثلك يا موضع شكوى السائلين و منتهى حاجة الراغبين و يا ذا الجبروت
و الملكوت و يا ذا السلطان و العز يا حي يا قيوم يا بار يا رحيم يا حنان
يا منان يا بديع السماوات و الارض يا ذا الجلال و الاكرام يا ذا
النعم و الطول الذي لا يرام صل على محمد و على آله و اغفر لي
انك انت الغفور الرحيم روز بیست و چهارم اعمال آن چند چیز است اول سید
ابن طاوس در کتاب اقبال این دعا را برای این روز نقل نموده است
سبحان الذي يعلم ما تحمل كل انثى و ما تغيض الارحام و ما تزداد
و كل شيء عنده بمقدار عالم الغيب و الشهادة الكبير المتعال سواء
منكم من اسر القول و من جهر به و من هو مستخف بالليل و سارب
بالنهار له معقبات من بين يديه و من خلفه يحفظونه من امر الله يميت
الاحياء و يحيي الموتى و يعلم ما تنقص الارض منهم و يقر في الارحام
ما يشاء الى اجل مسمى سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور
سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات
و النور سبحان الله فالق الحب و النوى سبحان الله خالق كل شيء
سبحان الله خالق ما يرى و ما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان

اللهِ رَبِّ الْعالَمینَ دویم سید ابن باقی در کتاب اختیار اللّهُمَّ اِنّی اَسْاَلُکَ یا مَنْ
از دعا [illegible] نقل نموده است

لَهُ الْحَمْدُ فِی الْاُولی وَالْاخِرَةِ وَلَهُ الْحُکْمُ وَاِلَیْهِ یُرْجَعُ الْاَمْرُ کُلُّهُ

بذات الصدور یا مَنْ هُوَ اَعْلَمُ بِما فِی الصُّدُورِ مِنَ الْعالَمینَ یا مَنْ یَبْدَءُ الْخَلْقَ ثُمَّ یُعیدُهُ

وَهُوَ اَهْوَنُ عَلَیْهِ وَلَهُ الْمَثَلُ الْاَعْلی فِی السَّمواتِ وَالْاَرْضِ وَهُوَ الْعَزیزُ

الْحَکیمُ یا مَنْ اَحْسَنَ کُلَّ شَیْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَءَ خَلْقَ الْاِنْسانِ مِنْ طینٍ

یا مَنْ هُوَ الْحَقُّ وَهُوَ یَهْدِی السَّبیلَ یا مَنْ رَدَّ الَّذینَ کَفَرُوا بِغَیْظِهِمْ

لَمْ یَنالُوا خَیْراً وَکَفَی اللهُ الْمُؤْمِنینَ الْقِتالَ وَکانَ اللهُ قَوِیّاً عَزیزاً

یا مَنْ یَعْلَمُ ما فِی الْاَرْضِ وَما یَخْرُجُ مِنْها وَما یَنْزِلُ مِنَ السَّماءِ وَما

یَعْرُجُ فیها وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحیمُ اَسْئَلُکَ بِما اَوْجَبْتَ عَلی نَفْسِکَ لِمَنْ

سَاَلَکَ وَبِاَسْمائِکَ کُلِّها وَبِما ناجَیْتُکَ بِهِ فی یَوْمی هذا اَنْ تُثَبِّتَنی

حَتّی لا اَزِلَّ وَاَنْ تَهْدِیَنی حَتّی لا اَضِلَّ وَاَنْ تَمْنَعَنی اَنْ اَجْهَلَ اَوْ

یُجْهَلَ عَلَیَّ وَاَنْ اُشایِعَ فی سَفْکِ دَمٍ وَلا تُقَوِّیَنی عَلی ظُلْمِ اَحَدٍ وَلا تَجْعَلْنی

من القوم مَعَ الظّالِمینَ وَلا تَجْعَلْنی اُوالی لَکَ عَدُوّاً اَوْ اُعادی لَکَ وَلِیّاً اَوْ اَرْضی

لَکَ بِسَخَطٍ اَوْ اَسْخَطُ لَکَ بِرِضاً وَاَقْضی لَکَ طالِباً اَوْ اُجیبُ داعِیاً اِلی

ظلا

ظَلالٍ اَوْ اُکَذِّبَ داعِیاً اِلی حَقٍّ وَاَجْحَدَ بِآیاتِکَ اَوْ یُحِلَّ بی سَخَطُکَ

اَوْ اَتَّبِعَ هَوایَ بِغَیْرِ هُدیً مِنْکَ اَوْ اَقُولَ لِلَّذینَ کَفَرُوا هؤُلاءِ

اَهْدی مِنَ الَّذینَ آمَنُوا سَبیلاً وَاَسْاَلُکَ یا رَبِّ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی

[illegible] الیه مرد مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْاَخْیارِ وَتُحَرِّمَ جَسَدی عَلَی النّارِ وَتَجْعَلَنی یا

رَبِّ مِنَ الْاَبْرارِ اِنَّکَ رَؤُفٌ رَحیمٌ بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ

اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ وَصَلَّی اللهُ عَلی سَیِّدِنا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرینَ

سیم صاحب کتاب خیره از ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا فرمود که هر که روز بیست و چهارم ماه رمضان را روزه مبارک دارد و این دعا را بخواند حق تعالی باو عطا فرماید بعدد هر موئی که در سر و جسد او هست هزار خادم و هزار غلام که آنها مانند یاقوت و مرجان باشد اللّهُمَّ اِنّی اَسْاَلُکَ فیهِ ما یُرْضیکَ وَاَعُوذُ
و دعا اینست
بِکَ فیهِ مِمّا یُؤْذیکَ وَاَسْاَلُکَ التَّوْفیقَ اَنْ اُطیعَکَ وَلا اَعْصیکَ یا عالِماً

یا عالِماً بِما فی صُدُورِ الْعالَمینَ
یا جَوادَ السّائِلینَ شب بیست و پنجم و اعمال آن چند چیز است اول غسل در این شب نیز مخصوص موکد است چنانچه سید ابن طاوس ره در کتاب اقبال بسند خود از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که آنحضرت فرمود که پدرم صلوات الله علیه غسل میکرد در شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم و بیست و پنجم

دویم شیخ شهید ره در کتاب اربعین از رسول خدا روایت نموده است که هر که در این شب هشت رکعت نماز کند هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی بعد از حمد سوره قل هو الله احد ده نوبت حق تعالی برای او ثواب عبادت کنندگان را بنویسد سیم ایضا سید در کتاب مذکور از کتاب عمل شهر رمضان ابن ابی قره نقل نموده است که او بسند خود از حضرت روایت نموده است که حضرت صادق علیه السلام فرمود که در شب بیست و پنجم از شبهای عشر آخر ماه رمضان این دعا را بخوا

يا جاعل الليل لباسا والنهار معاشا والارض مهادا والجبال اوتادا
يا قاهر يا الله يا جبار يا الله يا سميع يا قريب يا مجيب يا الله يا الله
يا الله يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال
العليا والكبرياء والآلاء والنعماء اسألك باسمك بسم الله
الرحمن الرحيم ان كنت قضيت في هذه الليلة تنزل الملائكة والروح
من كل امر حكيم ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل اسمي في
السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي مغفورة
وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب بالشك عني وترضيني
بما قسمت لي وآتني في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقني عذاب
النار وارزقني يا رب فيها ذكرك وشكرك والرغبة والانابة
اليك والتوبة والتوفيق لما وفقت له شيعة آل محمد يا ارحم
الراحمين ولا تفتني بطلب ما زويت عني بحولك وقوتك واغنني
يا رب برزق منك واسع بحلالك عن حرامك وارزقني العفة في بطني
وفرجي وفرج عني كل هم وغم ولا تشمت بي عدوي ووفق لي ليلة

القدر

القدر على افضل ما رآها احد ووفقني لما وفقت له محمدا وآل محمد
عليهم السلام وافعل بي كذا وكذا الساعة الساعة تا نفس [illegible] شود وبعوض
وافعل بي كذا وكذا حوائج خود
واطلب نمايد [illegible] گفته [illegible] اسألك ان تكمل لي الثواب بافضل ما ارجو
بطلبد [illegible]
من رحمتك وتصرف عني كل سوء فاني لا استطيع دفع ما احا ذر
الا بك فقد امسيت مرتهنا بعملي وامسى الامر والقضاء في
يديك فلا فقير افقر مني فصل على محمد وآل محمد واغفر لي ظلمي
جرمي وجهلي وجدي وهزلي كل ذنب ارتكبته وبلغني برزقي
بغير مشقة مني ولا تهلك روحي وجسدي في طلبه لم تعقد لي يا
ارحم الراحمين مولف گوید که نظیر این ادعیه در لیالی سابقه مذکور شد چهارم
ایضا [illegible] در کتاب مذکور [illegible] در کتاب اختیار [illegible] ابن عباس
[illegible] تبارك الله احسن الخالقين خالق الخلق ومنشئ
روایت کرده
السحاب وامر الرعد ان يسبح له تبارك الذي بيده الملك وهو على
كل شيء قدير الذي خلق الموت والحيوة ليبلوكم ايكم احسن
عملا تبارك الذي نزل الفرقان ليكون للعالمين نذيرا تبارك على عبده
الذي ان شاء جعل لك خيرا من ذلك جنات تجري من تحتها الانهار

وَيَجْعَلَكَ فُضُولًا تَبارَكَ اللّٰهُ اَحْسَنُ الْخالِقِينَ روز بیست و نهم
و اعمال آن چند چیز است
اول سید ابن طاوس روایت کرده در کتاب اقبال سُبْحانَ الَّذِى يَعْلَمُ مَنْ فِى السَّمٰواتِ وَما فِى الْاَرْضِ
ابن طاوس از برای این روز نقل نموده
ما يَكُونُ مِنْ نَجْوى ثَلٰثَةٍ اِلّا هُوَ رابِعُهُمْ وَلا خَمْسَةٍ اِلّا هُوَ سادِسُهُمْ وَلا
اَدْنى مِنْ ذٰلِكَ وَلا اَكْثَرَ اِلّا هُوَ مَعَهُمْ اَيْنَما كانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِما
عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اِنَّ اللّٰهَ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمٌ سُبْحانَ اللّٰهِ بارِئِ النَّسَمِ
سُبْحانَ اللّٰهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحانَ اللّٰهِ خالِقِ الْاَزْواجِ كُلِّها سُبْحانَ اللّٰهِ جاعِلِ
الظُّلُماتِ وَالنُّورِ سُبْحانَ اللّٰهِ فالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوى سُبْحانَ اللّٰهِ خالِقِ كُلِّ
شَىْءٍ سُبْحانَ اللّٰهِ خالِقِ ما يُرى وَما لا يُرى سُبْحانَ اللّٰهِ مِدادَ كَلِماتِهِ سُبْحانَ
اللّٰهِ رَبِّ الْعالَمِينَ دوم سید باقی در کتاب اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَسْاَلُكَ يا مَنْ سَخَّرَ
اختیار ابن باقی از برای این روز نقل کرده
لِداوُدَ الْجِبالَ وَاَلانَ لَهُ الْحَدِيدَ يا مَنْ يُمْسِكُ السَّماءَ اَنْ تَقَعَ عَلَى الْاَرْضِ
اِلّا بِاِذْنِهِ يا مَنْ يُمْسِكُ السَّمٰواتِ وَالْاَرْضَ اَنْ تَزُولا يا مُحْيِىَ الْمَوْتى وَنَكْتُبُ
ما قَدَّمُوا وَآثارَهُمْ وَكُلَّ شَىْءٍ اَحْصَيْناهُ فِى اِمامٍ مُبِينٍ يا مَنْ خَلَقَ
الْاَزْواجَ كُلَّها مِمّا تُنْبِتُ الْاَرْضُ وَمِنْ اَنْفُسِهِمْ وَمِمّا لا يَعْلَمُونَ يا مَنْ
يُحْيِى الْعِظامَ وَهِىَ رَمِيمٌ يا مَنْ مَنَّ عَلى مُوسى وَهٰرُونَ وَنَجّاهُما مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

يا من

يا مَنْ سَبَقَتْ كَلِمَتُهُ لِعِبادِهِ الْمُرْسَلِينَ وَالْمُؤْمِنِينَ يا مَنْ آتى داوُدَ الْحِكْمَةَ
وَفَصْلَ الْخِطابِ يا مَنْ سَخَّرَ لِسُلَيْمٰنَ الرِّيحَ تَجْرِى بِاَمْرِهِ رُخاءً حَيْثُ اَصابَ
يا غافِرَ الذَّنْبِ وَقابِلَ التَّوْبِ شَدِيدَ الْعِقابِ يا ذَا الطَّوْلِ لا اِلٰهَ اِلّا
هُوَ اِلَيْهِ الْمَصِيرُ يا مَنْ يَعْلَمُ خائِنَةَ الْاَعْيُنِ وَما تُخْفِى الصُّدُورُ اَللّٰهُمَّ
اِنِّى اَسْاَلُكَ بِما اَنَا جِئْتُكَ بِهِ فِى يَوْمِى هٰذا رَجاءَ عَفْوِكَ اَنْ تَعْفُوَ عَنِّى
وَتَفْتَحَ لِى اَبْوابَ الْخَيْرِ بِكَرَمِكَ وَالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِجُودِكَ وَاَنْ كلها
تُوَفِّقَنِى لِاَحَبِّ الْاَعْمالِ اِلَيْكَ وَاَنْ تُرْشِدَنِى اِلى ما يُزْلِفُنِى عِنْدَكَ الى احب
وَتُكْسِبَنِى رِضاكَ وَاَنْ تُسَدِّدَنِى اِلى اَطْيَبِ الْقَوْلِ عِنْدَكَ وَاَنْ لاطيب
تَحْشُرَنِى يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مَعَ خَيْرِ خَلْقِكَ وَتَجْعَلَ مُحَمَّداً وَاَهْلَ بَيْتِهِ
الطّاهِرِينَ شُفَعائِى وَتَجْعَلَنِى مِنْ حِزْبِهِمْ وَمَوالِيهِمْ وَتَرْزُقَنِى خَيْرَ
الدّارَيْنِ وَتَصْرِفَ عَنِّى شَرَّ نَفْسِى وَسائِرَ ما تَكْرَهُهُ مِنْ اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ تکره
اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلى
سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرِينَ سیم صاحب کتاب ذخیره از ابن عباس روایت
کرده است که رسول خدا صلعم فرمود که هر که این روز
را روزه بدارد و این دعا را بخواند حق تعالی بنا کند برای او در سایهٔ عرش خود صد برج که
بر سر هر برجی خیمه باشد و با او میگوید که ای بندهٔ من ساکن شو در عرش من و مجاور باش ...

اعمالی که کرده در ایام گذشته بود دعا اینست
اللهم اجعل سعيي فيه مشكوراً وذنبي بعفوك فيه مغفوراً وعيبي بجودك فيه مستوراً يا سامع اصوات المبتهلين

سامع اصوات المبتهلين

عمل

شب بیست و ششم را اعمال آن چند چیز است اول عمل چنانچه گذشت کرده در هر شب از شبهای دهه آخر این ماه عمل مستحب است دوم شیخ شهید ره در کتاب اربعین از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده است که هر که در این شب هشت رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعتی بعد از حمد سوره قل هو الله احد را صد نوبت بخواند آسمانها و هفت در بهشت از برای او مفتوح شود با آنچه برای او هست نزد حق تعالی از زیادتیهای ثواب سیم سید بن طاوس ره در کتاب اقبال از کتاب عمل شهر رمضان ابن ابی قره ره نقل نموده که او بسند خود از عمر بن یزید روایت کرده که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود یا جاعل الليل والنهار آيتين

نماز در شب

کرد در شب ششم از شبهای عشر آخر ماه رمضان این دعا را بخوان

يا من محى آية الليل وجعل آية النهار مبصرة لتبتغوا فضلاً منه ورضواناً يا مفصل كل شيء تفصيلاً يا الله يا واحد يا الله يا وهاب يا الله يا جواد يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والآلاء اسئلك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم ان كنت قضيت في هذه الليلة تنزل الملائكة والروح من كل امر حكيم فصل على محمد وآله واجعل اسمي في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقيناً تباشر به قلبي وايماناً يذهب بالشك عني وان

ترضيني

ترضيني بما قسمت لي وآتني في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقني عذاب النار وارزقني يا رب فيها ذكرك وشكرك والرغبة والانابة اليك والتوبة والتوفيق لما وفقت له محمداً وآل محمد عليه وعليهم السلام وافعل بي كذا وكذا الساعة الساعة الساعة نفس بنگشود وبجای وافعل بی کذا
وکذا حاجات خود را طلب کند پس سید گفته است اللهم انك عيرت اقواماً على لسان نبيك که این دعا زیاده است و این دعا را نقل نموده
صلى الله عليه وآله فقلت ادعوا الذين زعمتم من دونه لا يملكون كشف الضر عنكم ولا تحويلاً لا غيره صل على محمد وآل محمد واكشف ما بي من مرض وحوله عني وانقلني في هذا الشهر العظيم من ذل المعاصي الى عز طاعتك يا ارحم الراحمين مؤلف گوید که نظیر این با توجیه آن سابقاً مذکور شد چهارم ایضاً سید ره در کتاب مذکور روایت از ابی در کتاب اختیار از رسول خدا صلی الله علیه و آله این دعا را ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا وهب لنا در این شب روایت نموده اند
من لدنك رحمة انك انت الوهاب ربنا اننا سمعنا منادياً ينادي للايمان ان آمنوا بربكم فآمنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا وآتنا ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا يوم القيمة انك لا تخلف الميعاد ربنا لا تؤاخذنا ان

نسينا او اخطانا ربنا ولا تحمل علينا اصرا كما حملته على الذين
من قبلنا ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف عنا واغفر لنا
وارحمنا انت مولانا فانصرنا على القوم الكافرين دو معقب دوشنبه
واعمال آن چند چیز است
اول آنست سید بن طاوس ره در کتاب اقبال سبحان الله مالك الملك تؤتي الملك
این دعا را برای این روز ذکر نموده است
من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء
بيدك الخير انك على كل شيء قدير تولج الليل في النهار وتولج
النهار في الليل وتخرج الحي من الميت وتخرج الميت من الحي و
ترزق من تشاء بغير حساب سبحان الله بارئ النسم سبحان الله
المصور سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات
والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء
سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته
سبحان الله رب العالمين دوم آنست سید بن باقی ره در کتاب اللهم
اختیار این دعا را برای این روز نقل نموده است
اني اسالك يا من قضى سبع سموات طباقا واوحى في كل سماء
امرها يا من ينزل الغيث من بعد ما قنطوا وينشر رحمته وهو

الولي الحميد يا من يعلم سر عباده ونجويهم ورسله لديهم يكتبون
يا من له الكبرياء في السموات والارض وهو العزيز الحكيم يا من
يحيي ويميت ربنا ورب ابائنا الاولين يا من اهلك القرى وصرف
الايات لعلهم يرجعون يا من رضي عن المؤمنين اذ يبايعونك
رسوله تحت الشجرة فعلم ما في قلوبهم فانزل السكينة عليهم واثابهم
فتحا قريبا يا من ارسل رسوله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله
وكفى بالله شهيدا اسالك يا الهي بما مدحتك به ان تصلي على
فهم خيرتك من خلقك واهل بيته الاطهار الاخيار ومن امن به وصدق
وعمل بطاعتهم وان تعطف علي ببركاتك وتوسع علي من رزقك
وفضلك وتتمم علي نعمتك وتهنئني بكرامتك وتجعلني من
الشاكرين لك فهواي اليك وحسبي وتوكلي عليك وذلي لك وخضوعي
بين يديك وحوائجي كلها اليك ومقضية عندك ولديك فلا ملجا
ولا منجا منك الا اليك وان تتمم احسانك الي بفك رقبتي من النار
وان تحشرني مع اهل بيت النبي الاخيار الابرار انك على كل شيء قدير

وهو عندك يسير وانا الى احسانك فقير وصلى الله على سيدنا محمد واله

الطاهرين سیم صاحب کتاب خیر از ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا صلعم فرمود که هر که این دعا را در روز مبارک بخواند در روز قیامت به او سخن گوید در روز قیامت و بگوید که ای بنده من هر چه خواهی بخواه که تو امروز از بندگان خاص منی اللهم اجعلني محبا لاوليائك و معاديا لاعدائك مستنا بسنة خاتم انبيائك يا عاصم قلوب النبيين

عطشا في قلوب

شب بیست و هفتم و اعمال آن چند چیز است اول غسل بخصوص این شب زیاده از آنکه در هر شب از شبهای عشر آخر وارد شده مؤکد است چنانچه سید بن طاوس ره در کتاب اقبال به سند خود از ابی یعفور روایت کرده است که گفت از حضرت امام جعفر صادق ع پرسیدم از غسل ماه مبارک رمضان فرمود که غسل کن در شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم و بیست و هفتم و بیست و نهم دوم ایضا سید در کتاب مذکور به سند خود از زید بن علی بن الحسین علیهم السلام روایت کرده است که شنیدم از پدرم حضرت سید الساجدین صلوات الله علیه که در شب بیست و هفتم اللهم ارزقني التجافي عن ماه رمضان از اولش تا آخرش مکرر این کلمات را میخواند دار الغرور والانابة الى دار الخلود والاستعداد للموت قبل حلول الفوت

غسل

سیم شیخ شهید ره در کتاب اربعین از حضرت خاتم النبیین صلعم روایت کرده است که هر که در این شب چهار رکعت نماز کند هر دو رکعت به یک سلام و در هر رکعتی بعد از حمد سوره تبارک الذي بيده الملك یکنوبت بخواند و اگر این سوره در حفظ نداشته باشد سوره قل هو الله احد را پانزده نوبت بخواند حق تعالی او را و پدر و مادر او را بیامرزد چهارم سید بن طاوس ره در کتاب اقبال از کتاب علی بن عبد الواحد اخرج این دعا را برای این شب نقل نموده الحمد لله الذي خلق بدايعه بقدرته وملك الامور بعزته وعدل فلا يجور

حیث یحوت

واتصف فلا يحيف وكيف يجور ويحيف على من سماه بالضعف وقرعه بالفقر ونبهه على الغناء الاكبر من رضوانه ودعاه الى الحظ الاوفر من غفرانه واسرع له الى ذلك السبيل وامره ان يلجها بصالح العمل لانهم بالتقوى

من امر بالرحمة وبالجور على العبيد بل اوجب العقاب على فاسقهم والثواب لمن نهاهم من هو اشفق عليهم من ام الفروخ على فرخها تعالى الله عما يقول الظالمون علوا كبيرا سبحان من صومني من الطعام والشراب ومن فرقه بما يورطني في اليم العذاب الخاصني من العقاب بصيام واجب لي الثواب بصيام له الحمد لله على ان هداني وعافاني وكفاني كما يستحق الجواد الكريم يا ارحم الراحمين صل على محمد وعلى اهل بيته الطيبين الطاهرين وسلم تسليما كثيرا پنجم ایضا سید در کتاب مذکور از کتاب عمل شهر رمضان ابن ابی قره رحمه الله نقل نموده که او به سند خود از عمر بن یزید روایت نموده است که حضرت صادق ع فرمود که در شب بیست و هفتم از شبهای عشر آخر ماه رمضان این دعا را بخوانند يا ماد الظل ولو شئت جعلته ساكنا ثم جعلت الشمس عليه دليلا ثم قبضته اليك قبضا يسيرا يا ذا الحول والطول والكبرياء والآلاء لا اله الا انت عالم الغيب والشهادة يا رحمن يا رحيم يا لا اله الا انت يا ملك يا قدوس يا سلام يا مؤمن يا مهيمن يا عزيز يا جبار يا متكبر يا خالق يا بارئ يا مصور يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله

يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والالاء
والنعماء اسالك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم ان كنت قضيت
في هذه الليلة تنزل الملائكة والروح من كل امر حكيم فصل
على محمد وآل محمد واجعل اسمي في السعداء وروحي مع الشهداء
واحساني في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر
به قلبي وايمانا يذهب بالشك عني وترضيني بما قسمت لي وآتني
في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقني عذاب النار وارزقني
يا رب فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك والتوبة والتوفيق والانابة
لما وفقت له شيعة آل محمد يا ارحم الراحمين ولا تفتني بطلب
ما زويت عني بحولك وقوتك واغنني يا رب برزق منك واسع
بحلالك عن حرامك وارزقني العفة في بطني وفرجي وفرج عني
كل هم وغم ولا تشمت بي عدوي ووفق لي ليلة القدر على
افضل ما راها احد ووفقني لما وفقت له محمدا وآل محمد عليه
وعليهم السلام وافعل بي كذا وكذا الساعة الساعة نفس نفس ... پس سید گفته
که این دعا زیادتی است و این دعا افضل نموده

اللهم

اللهم اني اسالك واقسم عليك بكل اسم هو لك سماك احد من خلقك
او استاثرت به في علم الغيب عندك واسالك باسمك الاعظم الذي هو
حق عليك ان تجيب من دعاك به وتصلي على محمد وآل محمد وتسعدني
في هذه الليلة سعادة لا اشقى بعدها ابدا يا ارحم الراحمين مؤلف گوید که
نظر این با توجیه آن گذشت ... سید در کتاب مذکور از بابی ربنا آمنا فاغفر لنا
در کتاب اختیار این دعا را از حضرت رسول صلعم برای این شب روایت نموده است
ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا وآتنا ما وعدتنا
على رسلك ولا تخزنا يوم القيامة انك لا تخلف الميعاد ربنا امتنا اثنتين
واحييتنا اثنتين فاعترفنا بذنوبنا فهل الى خروج من سبيل ربنا
اصرف عنا عذاب جهنم ان عذابها كان غراما ربنا هب لنا من ازواجنا
وذرياتنا قرة اعين واجعلنا للمتقين اماما ربنا عليك توكلنا
واليك انبنا واليك المصير ربنا لا تجعلنا فتنة للذين كفروا ربنا
اغفر لنا ولاخواننا الذين سبقونا بالايمان ولا تجعل في قلوبنا غلا
للذين آمنوا ربنا انك رؤوف رحيم ... و اعمال آنچه ... سید ابن طاوس ره در کتاب اقبال این دعا را ابتدای
روز نقل سبحان الذي بيده مفاتح الغيب لا يعلمها الا هو ويعلم ما في
نموده است

البر والبحر وما تسقط من ورقة الا يعلمها ولا حبة في ظلمات الارض ولا
رطب ولا يابس الا في كتاب مبين سبحان الله بارئ النسم سبحان
الله المصور سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل
الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله
خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد
كلماته سبحان الله رب العالمين سرنوبت دوم ابن باقي ره در كتاب اختيار
اين دعا را براى اين روز نقل نموده است
اللهم اني اسألك يا من خلق الزوجين الذكر والانثى من نطفة
اذا تمنى يا من اهلك عادا الاولى وثمود فما ابقى وقوم نوح من قبل
انهم كانوا هم اظلم واطغى يا من فتح ابواب السماء بماء منهمر و
فجر الارض عيونا فالتقى الماء على امر قد قدر يا من يسر القرآن
للذكر فهل من مدكر يا من نجى آل لوط بسحر نعمة من عندنا يا من
خلق كل شيء بقدر يا من اخذ آل فرعون اخذ عزيز مقتدر يا من
رفع السماء ووضع الميزان يا من وضع الارض للانام يا من يسبح له
ما في السموات والارض وهو العزيز الحكيم يا من هو الاول والآخر

والظاهر

والظاهر والباطن وهو بكل شيء عليم اللهم اني اسألك بما انا جيتك به
من مدحتك في يومي هذا ان تصلي على محمد وعترته الطاهرين
وان تفك رقبتي من النار يا من اياديه ونعمه لا تحصى بعدد ولا
تكافى بعمل والحمد لله الذي خلقني ولم اك شيئا مذكورا
وفضلني على كثير ممن خلق تفضيلا والحمد لله الذي رزقني
ولم املك شيئا وفضلني على كثير ممن خلق في الرزق والحمد لله
واستغفر الله من كل ذنب واسأله في يومي هذا وساعتي هذه
وزماني ان يتكرم علي بالعفو من عذابه والاقالة من عقابه والقبول
لما افترض علي وان يرزقني خير الدنيا والآخرة والامن والعافية
والغنى والمغفرة انك على كل شيء قدير وصلى الله على سيدنا محمد وآله
الطاهرين سيم صاحب كتاب ... از ابن عباس روايت كرده است كه رسول خدا فرموده
كه هر كه اين روز را روزه بدارد و اين دعا را بخواند چنان است كه طعام نموده است هر گرسنه
را و سيراب نموده است هر تشنه را و در دار دنيا ... اللهم ارزقني فيه فضل
نموده است هر مرد مومن و زن مومنه را و دعا اينست
ليلة القدر وصير اموري فيه من العسر الى اليسر واقبل معاذيري
وحط عني الوزر يا رؤوفا بعباده الصالحين شب بيست و چهارم
آن چه جزا است او را عنده

چنانچه گذشت که در هر شب از شبهای دهه آخر این ماه غسل مستحب است و دوم شیخ شهید ره در کتاب العزیه
از حضرت رسالت صلعم روایت کرده است که هر که در این شب شش رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام
و در هر رکعتی بعد از حمد ده مرتبه آیة الکرسی و ده مرتبه سورة انا اعطیناک الکوثر و ده مرتبه
سورة قل هو الله احد را بخواند و چون سلام دهد صد نوبت صلوات بر رسول خدا و آل او
صلی الله علیهم اجمعین بفرستد حق تعالی او را بیامرزد مؤلف گوید که محتمل است که صلوات بعد
از هر دو رکعت باشد یا بعد از تمام شش رکعت سیم سید بن طاوس ره در کتاب اقبال از کتاب اعمال شهر
رمضان ابن ابی قره رحمه نقل نموده که او بسند خود از عمر بن یزید روایت کرده است یا خازن اللیل فی الهوا
که حضرت صادق علیه السلام فرمود که در شب هشتم از شبهای عشر آخر ماه رمضان این دعا را بخوان

نماز [illegible]

وخازن النور فی السماء ویا مانع السماء ان تقع علی الارض الا باذنه وحابسهما
ان تزولا یا حلیم یا علیم یا دائم یا الله یا قریب یا باعث من فی القبور یا الله
یا الله یا الله یا الله یا الله یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی والامثال
العلیا والکبریاء والعظمة والآلاء والنعماء اسألک باسمک بسم
الله الرحمن الرحیم ان کنت قضیت فی هذه اللیلة تنزل الملائکة
والروح من کل امر حکیم فصل علی محمد وآل محمد واجعل اسمی فی السعداء
وروحی مع الشهداء واحسانی فی علیین واسائتی مغفورة وان تهب لی
یقینا تباشر به قلبی وایمانا تذهب بالشک عنی وترضینی بما قسمت
لی وآتنی فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنی عذاب النار وارزقنی
یا رب فیها ذکرک وشکرک والرغبة والانابة الیک والتوفیق لما وفقت

له

له شیعة آل محمد یا ارحم الراحمین ولا تفتنی بطلب ما زویت عنی
بحولک وقوتک واغننی یا رب برزق منک واسع بحلالک عن حرامک
وارزقنی العفة فی بطنی وفرجی وفرج عنی کل هم وغم ولا تشمت
بی عدوی ووفق لی لیلة القدر علی افضل ما رآها احد ووفقنی لما
وفقت له محمدا وآل محمد علیه وعلیهم السلام وافعل بی کذا وکذا
و بجای وافعل بی کذا وکذا حاجات خود را طلب نماید پس بگوید الساعة الساعة تا نفس منقطع شود پس سید گفته که
این دعا زیاده است و این دعا را ذکر نموده
آمنا بالله وکفرنا بالطاغوت آمنا بمن لا یموت آمنا بمن خلق
الشمس والقمر والنجوم والجبال والشجر والدواب وخلق الجن والانس
آمنا بما انزل الینا وانزل الیکم والهنا والهکم واحد ونحن
له مسلمون آمنا برب هرون وموسی آمنا برب الملائکة والروح آمنا
بالله وحده لا شریک له آمنا بمن انشأ السحاب وخلق العذاب و
العقاب آمنا آمنا آمنا آمنا آمنا آمنا بالله روز بیست و هشتم و اعمال
آن چند چیز است اول
سید بن طاوس ره در کتاب اقبال سبحان الذی لا یحصی مدحته القائلون
این دعا را برای این روز نقل نموده
ولا یجزی بآلائه الشاکرون وهو کما قال وفوق ما نقول

[illegible]

وَاللهُ كَمَا اَثْنى عَلى نَفْسِهِ وَلا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ اِلّا بِما شاءَ وَسِعَ
كُرْسِيُّهُ السَّمواتِ وَالاَرْضَ وَلا يَؤُدُهُ حِفْظُهُما وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظيمُ
سُبْحانَ اللهِ بارِئِ النَّسَمِ سُبْحانَ اللهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحانَ اللهِ خالِقِ الاَزْواجِ
كُلِّها سُبْحانَ اللهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنُّورِ سُبْحانَ اللهِ فالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوى
سُبْحانَ اللهِ خالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحانَ اللهِ خالِقِ ما يُرى وَما لا يُرى
سُبْحانَ اللهِ مِدادَ كَلِماتِهِ سُبْحانَ اللهِ رَبِّ الْعالَمينَ سه نوبت دويم

سید بن باقی ره در کتاب اختیار این دعا را برای این روز نقل نموده

اَللّهُمَّ اِنّى اَسْأَلُكَ يا مَنْ كَتَبَ لَاَغْلِبَنَّ اَنَا وَرُسُلى اِنَّ
اللهَ قَوِيٌّ عَزيزٌ يا اَللهُ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزيزُ
الْجَبّارُ الْمُتَكَبِّرُ الْخالِقُ الْبارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الاَسْماءُ الْحُسْنى يُسَبِّحُ
لَكَ ما فِى السَّمواتِ وَالاَرْضِ وَاَنْتَ الْعَزيزُ الْحَكيمُ يا مَنْ اَيَّدَ
الَّذينَ آمَنُوا عَلى عَدُوِّهِمْ فَاَصْبَحُوا ظاهِرينَ يا مَنْ بَعَثَ فِى الاُمِّيّينَ
رَسُولاً مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آياتِهِ وَيُزَكّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتابَ وَالْحِكْمَةَ
يا خَيْرَ الرّازِقينَ يا مَنْ لَهُ الْمُلْكُ وَالْحَمْدُ وَهُوَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ
يا مَنْ خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيوةَ لِيَبْلُوَكُمْ اَيُّكُمْ اَحْسَنُ عَمَلاً وَهُوَ الْعَزيزُ

الْغَفُورُ اَللّهُمَّ اِنّى اَسْأَلُكَ بِما ناجَيْتُكَ بِهِ فى يَوْمى هذا وَشَهْرى هذَا الَّذى
عَظَّمْتَهُ وَشَرَّفْتَهُ وَكَرَّمْتَهُ اَنْ تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ الطّاهِرينَ الطَّيِّبينَ
الاَخْيارِ مِنْ خَلْقِكَ وَاَنْ تَقْبَلَنى عَلى ما كانَ مِنّى فَقَدْ تَعْلَمُ حاجَتى
وَاَعْطِنى سُؤْلى وَرَغْبَتى فَاَنْتَ عالِمٌ بِما فى نَفْسى فَاغْفِرْ لى ذُنُوبى وَ
اقْضِ لى سائِرَ حَوائِجى وَاَصْلِحْ لى شَأْنى وَارْزُقْنى خَيْرَ الدُّنْيا وَالآخِرَةِ
وَفُكَّ رَقَبَتى مِنَ النّارِ وَهَبْ لى رِضْوانَكَ وَالْجَنَّةَ وَذلِكَ عَلَيْكَ يَسيرٌ
وَاَنْتَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ وَاَنَا اِلَيْكَ فَقيرٌ وَصَلَّى اللهُ عَلى سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ الطّاهِرينَ سیم صاحب کتاب [illegible] از ابن عباس روایت کرده است که حضرت رسول صلعم
فرمود که هر که این روز را روزه بدارد و این دعا را بخواند حق تعالی او را نصیبه وافی
از ثواب عطا فرماید که آن [illegible] در برابر دنیا باشد و دعا این است
اَللّهُمَّ وَفِّرْ حَظّى مِنَ النَّوافِلِ وَاَكْرِمْنى بِاِحْضارِ الاَحْلامِ فِى الْمَسائِلِ
وَقَرِّبْ وَسيلَتى اِلَيْكَ مِنْ بَيْنِ الْوَسائِلِ يا مَنْ لا يَشْغَلُهُ اِلْحاحُ الْمُلِحّينَ

غسل
شب بیست و هفتم و اعمال آن چند چیز است اول غسل بخصوص این زیاده مانند که در هر
از شبهای عشر آخر وارد شده مؤکد است چنانچه در اعمال شب نوزدهم و بیست و هفتم
مذکور شد دویم شیخ شهید ره در کتاب اربعین از رسول خدا صلعم روایت نموده
است که هر که در این شب دو رکعت نماز بکند و در هر رکعتی بعد از حمد سوره قل هو الله
احد هفت نوبت بخواند از جمله مرحومان گردد و در کتاب اعمال او نوشته [illegible]
سیم سید بن طاوس ره در کتاب اقبال از کتاب عمل شهر رمضان ابن ابی قره ره
نقل نموده که او از عمر بن یزید روایت کرده است که حضرت صادق عم فرمود که

شب نهم از شبهای عشر آخر ماه رمضان این دعا را بخوا
يا مكور الليل على النهار ومكور النهار على الليل
يا عليم يا عظيم يا عظيم يا رب الارباب ويا سيد السادات لا اله
الا انت يا من هو اقرب الي من حبل الوريد يا الله يا الله يا الله
يا الله يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا
والكبرياء والآلاء والنعماء اسألك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم
ان كنت قضيت في هذه الليلة تنزل الملائكة والروح من
كل امر حكيم فصل على محمد وآله واجعل اسمي في السعداء و
روحي مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي مغفورة
وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب بالشك عني و
ترضيني بما قسمت لي وآتني في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة
وقني عذاب النار وارزقني يا رب فيها ذكرك وشكرك والرغبة
والانابة اليك والتوبة والتوفيق لما وفقت له شيعة آل محمد
يا ارحم الراحمين ولا تفتني بطلب ما زويت عني بحولك و
قوتك واغنني يا رب برزق منك واسع بحلالك عن حرامك

وارزقني

وارزقني العفة في بطني وفرجي وفرج عني كل هم وغم ولا
تشمت بي عدوي ووفق لي ليلة القدر على افضل ما راها احد
ووفقني لما وفقت له محمدا وآل محمد عليه وعليهم السلام وافعل
بي كذا وكذا بجای کذا وکذا حوائج خود را طلب کند پس بگوید الساعة الساعة
تا نفس منقطع شود مؤلف گوید که سید در تمام زیادتی بعضی روایات
نقل کرده [illegible] ایضا سید در کتاب مذکور وابن باقی در کتاب اختیار توكلت على
از حضرت رسول این دعا را برای این شب روایت کرده اند
الحي الذي لا يغلبه احد توكلت على الجبار الذي لا يقهره احد
توكلت على العزيز الرحيم الذي يراني حين اقوم وتقلبي في الساجدين
توكلت على الحي الذي لا يموت توكلت على من بيده نواصي العباد
توكلت على الحليم الذي لا يعجل توكلت على العدل الذي لا يجور
توكلت على الصمد الذي لم يلد ولم يولد توكلت على القادر القاهر
العلي الصمد توكلت توكلت توكلت توكلت توكلت توكلت توكلت
توكلت توكلت [illegible] واعمال آن چند چیز است اول سید بن طاوس
[illegible] در کتاب اقبال وسید ابن باقی در کتاب اختیار از حضرت رسول
این دعا را برای این شب روایت کرده اند سبحان الله الذي يعلم ما يلج في الارض وما يخرج منها
وما ينزل من السماء وما يعرج فيها ولا يشغله ما ينزل من السماء وما

يعرج فيها عما يلج في الارض وما يخرج منها وما ينزل من السماء وما يعرج فيها
ولا يشغله ما يلج في الارض وما يخرج منها عما ينزل من السماء وما
يعرج فيها ولا يشغله علم شيء عن علم شيء ولا يشغله خلق شيء عن
خلق شيء ولا حفظ شيء عن حفظ شيء ولا يساويه شيء ولا يعدله شيء
ليس كمثله شيء وهو السميع البصير سبحان الله بارئ النسم
سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان الله
جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله
خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله
مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سه نوبت دوتير سيد بن باقي ده كرتا
احيا و ابن عباس ازاين روز نقل نموده
اللهم اني اسألك يا من هو اعلم بمن اهتدى واسألك يا من خلق سبع
سموات طباقا وجعل القمر فيهن نورا وجعل الشمس سراجا يا من لا
يوجد من دونه ملتحدا يا من احاط بما لديه واحصى كل شيء عددا
يا اهل التقوى يا اهل المغفرة يا من هو قادر على ان يحيي الموتى
يا من اعد للكافرين سلاسل واغلالا وسعيرا يا مرسل المرسلات

والعاصفات

والعاصفات والناشرات والفارقات والملقيات ذكرا يا من خلق
الارض كفاتا احياء وامواتا وجعل فيها رواسي شامخات و
اسقى عباده ماء فراتا اسألك بانك انت الله الاول والاخر
والظاهر والباطن وانت على كل شيء عليم وبما سألك به
السائلون من عبادك الصالحون وارزقني فعل الخيرات و
العمل الصالح واجتناب الفواحش وما لا ترضى به يا من لا
يعجزه شيء اراده ويا من لا يتعاظمه غفران الذنوب العظام
يا من يقيل العاثرين ويعفو عن المذنبين ويتكرم على المسيئين
ويفتح باب التوبة للخاطئين ارحمني فانك ارحم الراحمين
واعتقني في يومي هذا من النار انك على كل شيء قدير وصلى الله
على سيدنا محمد النبي واله الطاهرين سيم صاحب كتاب ذخيره
از ابن عباس روايت نموده است
كه رسول خدا صلعم فرمود كه هركه اين روز را روزه بدارد و اين دعا را بخواند حق تعالى در بهشت
هزار قصر از طلا و نقره و زبرجد ... بدهد و عطا فرمايد و دعا اينست
اللهم غشني فيه من الرحمة وارزقني فيه التوفيق والعصمة
وطهر قلبي من غيابات التهمة يا رحيما بعباده المذنبين

غمامات
المؤمنين

شبهی امر این شب بسیار با برکت و فضیلت است سید بن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال باسناد
خود از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که آنحضرت فرمود
که حضرت سید الساجدین صلوات الله علیه چون ماه مبارک رمضان داخل میشد
نمیزد هیچ غلامی و کنیزی را بجهت تقصیراتی که از ایشان ظاهر میشد هر گناهی که میکردند
در کتابی ثبت میفرمود و مینوشت که فلان غلام یا فلان کنیز در فلان روز چنین گناهی کرد
تا چون شب آخر ماه رمضان میشد همگی ایشان را میطلبید و بر دور خود ایشان را
جمع میفرمود و آن کتاب را با ایشان مینمود و بهریک میفرمود که ای فلان تو فلان گناه
را کردی و ترا تادیب نمودم آیا بخاطر داری پس او میگفت بلی یا ابن رسول الله تا آنکه
بهمگی این سخن را میفرمود و ایشان اعتراف بگناهان خود میکردند پس آنحضرت در میان
ایشان می‌ایستاد و میفرمود که صداهای خود را بلند کنید و بگوئید که یا علی بن الحسین
بدرستی که پروردگار تو احصا فرموده است بر تو هر چه کرده چنانچه تو احصا کرده بر ما
هر گناهی را که کرده ایم و نزد حق تعالی کتابی هست که ناطق است بر تو بحق و هیچ صغیره و
کبیره نیست که تو آنرا کرده باشی مگر آنکه حق تعالی آنرا احصا فرموده و حاضر خواهی یافت
هر چه را کرده نزد حق تعالی چنانچه ما حاضر یافتیم هر چه را کرده ایم نزد تو پس عفو کن و
درگذر چنانچه امید عفو داری از پادشاه عفو کننده و چنانچه میخواهی که خداوند مالک
از تو عفو فرماید پس از ما عفو کن تا بیابی او را عفو کننده از تو و رحم کننده بتو و آمرزنده
برای تو و پروردگار تو هیچکس را ظلم نمیکند چنانچه نزد تو کتابی هست که ناطق بحق است
بر ما و هیچ صغیره و کبیره نیست که ما کرده ایم مگر آنکه کتاب تو آنرا احصا کرده است پس ای
علی بن الحسین بیاد آور خواری و مذلت خود را در برابر خداوند عادل که بقدر حبه خردلی
ظلم نمیکند و هر چه کرده هر چند بقدر ذره باشد آنرا در قیامت حاضر میگرداند و
حساب میکند و شاهد و گواه است بر آنها و بس است او برای حساب خلایق و گواه بودن بر
کرده های ایشان پس عفو کن و درگذر ای علی بن الحسین تا عفو کند و درگذرد مالک تو
بدرستی که پروردگار تو میفرماید وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ یعنی
باید که عفو کنید و درگذرید آیا دوست نمیدارید که خدا بیامرزد شما را و آنحضرت بآواز
بلند تلقین ایشان میفرمود و ایشان بآواز بلند و خود در میان ایشان ایستاده بود و می
گریست و نوحه میکرد و میفرمود که ... که خداوندا امر فرموده
ما را که عفو کنیم و درگذریم از کسی که بر ما ظلم کرده باشد و ما ظلم کرده ایم بر نفس خود و
عفو کرده ایم از کسی که بر ما ظلم کرده چنانچه امر کرده بودی پس تو نیز عفو کن از ما بدرستی که تو

بعفو اولی

بعفو کردن سزاوارتری از ما و از جماعتی که ایشان را امر کرده بعفو خداوندا امر فرموده ما را که
رد نکنیم سائلی را از در خانه خود و بدرستی که ما آمده ایم بدرگاه تو سؤال کننده و مسکین
و بیچاره و بدرگاه تو ایستاده ایم و در ساحت کرم تو فرود آمده ایم و طلب میکنیم از تو احسان
ترا و کرم و عطای ترا پس عطا کن بما و ما را ناامید مگردان بدرستی که تو اولائی بعطا کردن و
ناامید نکردن سائلان خداوندا پیوسته کرم کرده پس گرامی کن ما را چون از سؤال کنندگان
توایم و پیوسته احسان و نیکی کرده پس ما را مخلوط کن در زمره گروهی که بایشان عطا کرده
ای خداوند کریم پس رو بایشان میکرد و میفرمود که من از شما عفو کردم پس آیا عفو کردید شما
از من و درگذشتید از بدی که بشما کرده ام بدرستی که من بد مالکی ظالمی بودم برای
مالک من که کریم و بخشاینده و عادل و نیکوکار و صاحب تفضل است پس ایشان همگی می
گفتند که عفو کردیم از تو ای سید ما و هرگز بدی نسبت بما از تو صادر نگردیده پس میفرمود
که بگوئید خداوندا عفو کن از علی بن الحسین چنانچه او عفو کرد از ما و آزاد گردان او را از آتش
جهنم چنانچه او ما را از بندگی آزاد کرد و چون میگفتند خود آمین میفرمود پس بایشان میفر
مود بروید که عفو کردم از شما و آزاد کردم شما را امید آنکه حق تعالی عفو فرماید از من و
آزاد گرداند مرا از آتش جهنم و چون روز عید فطر میشد جایزه های بسیار بایشان عطا
میفرمود آنقدر که غنی میشدند و بدرستی که هیچ سالی نبود مگر آنکه در شب آخر ماه رمضان
بیست بنده یا بیشتر یا کمتر آزاد میکرد و میفرمود که حق تعالی در هر شب از ماه رمضان نزد
وقت افطار هفتاد هزار هزار کس که مستوجب جهنم شده باشند از آتش جهنم آزاد
میکند بدرستی که من میخواهم که حق تعالی به بیند مرا که در دنیا چند بنده آزاد کرده ام
شاید که مرا از آتش جهنم آزاد گرداند پس حضرت صادق فرمود که آنحضرت هرگز خادمی
زیاده از یکسال بخدمت نمیفرمود و هر خادمی که در اول سال یا در میان سال میخرید چون شب
عید میشد او را آزاد میگردانید و در سال دیگر خادمان دیگر میخرید و باز در شب عید فطر
آزاد میکرد و پیوسته چنین مینمود تا بعالم قدس رحلت فرمود و پیوسته غلامان سیاه میخرید
با آنکه احتیاج بایشان نداشت و ایشان را بعرفات حاضر میگردانید و چون از عرفات روانه
میشد همگی ایشان را آزاد میکرد و جایزه ها بایشان عطا میفرمود از مال خود مؤلف گوید که این
حدیث شریف دلالت میکند بر آنکه در این شب دعا و تضرع و استغفار و بنده
آزاد کردن ثواب عظیم و اجر جزیل دارد و بدانکه سید و سایر علما از این حدیث چنین فهمیده
اند که در شب آخر ماه رمضان حضرت بندگان خود را حاضر میساخت و ایشان را بکیفیت مذکوره
در این حدیث آزاد میفرموده و الله یعلم ... الطیبین الطاهرین و ...

خود نوشته که ظاهر آخر این حدیث دلالت میکند بر آنکه مراد شب عید بوده باشد والله تعالی اعلم

واما اعمال این شب چند چیز است اول سنت آزاد کردن چنانچه از حدیث سابق مفهوم میشود

وسایر علما مفهوم می شود دویم غسل چون شب آخر از عشر آخر این ماه است ودر هر شب از شبهای

آن غسل مستحب است سیم شیخ شهید ره در کتاب اربعین از رسول خدا ص روایت کرده است

که هر که در این شب دوازده رکعت نماز کند هر دو رکعت بیک سلام ودر هر رکعتی بعد از حمد سوره

قل هو الله احد بیست نوبت بخواند وصد نوبت صلوات بر رسول خدا وآل او صلی الله علیهم اجمعین

بفرستد حق تعالی خاتمه امور او را بخیر ختم نماید مولف گوید که محتمل است که صد نوبت صلوات بعد از

هر رکعتی بعد از اتمام سوره قل هو الله احد باید بخواند یا بعد از سلام هر دو رکعتی باید بخواند یا

بعد از تمام دوازده رکعت بخواند واحتمال آخر شاید اظهر باشد چهارم سید بن طاوس ره در کتاب

اقبال از کتاب حسن که تالیف جعفر بن محمد دوریستی است نقل نموده است که هر که در شب آخر ماه مبارک

رمضان ده رکعت نماز کند ودر هر رکعتی بعد از حمد سوره قل هو الله احد ده نوبت بخواند

ودر هر یک از رکوع وسجود سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ده نوبت بگوید

وبعد از هر دو رکعت تشهد بخواند وسلام بگوید وچون سلام رکعت آخر را بگوید هزار نوبت

استغفار کند وبعد از آن بسجده رود ودر سجود بگوید یا حی یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام یا

رحمن الدنیا والآخرة ورحیمهما یا ارحم الراحمین یا اله الاولین والآخرین اغفر لنا ذنوبنا وتقبل منا صلوتنا وقیامنا

پس آنحضرت فرمود که آن خدائی که مرا بحق به پیغمبری مبعوث کرده است که جبرئیل خبر داد مرا

از اسرافیل از خداوند عالمیان که این شخص سر از سجده بر نمیدارد تا آنکه بیامرزد او را حق تعالی

وقبول میفرماید از او ماه رمضان را ودر میگذرد از گناهان او وهر چند هفتاد گناه کرده باشد

که هر گناهی عظیم تر از جمیع گناهان هر بنده باشد وقبول میفرماید اعمال جمیع اهل کوره را که این مرد در

آن کوره ساکن بوده است پس حضرت جبرئیل ع فرمود که ای جبرئیل حق تعالی قبول میفرماید از او خصوص

ماه رمضان را واز اهل بلاد او عموما پس جبرئیل گفت بلی قسم بآن خدائی که ترا مبعوث کرده است که بحق

کرامت این شخص وزیادتی منزلت او نزد خدا حق تعالی قبول میفرماید از او واز ایشان نمازها وروزها

وعبادتهای ایشان را وگناهان ایشان را میآمرزد ودعای ایشان را مستجاب میکرداند پس حضرت فرمود

قسم بآن خدائی که مرا مبعوث کرده است که هر که این نماز را بکند ودر این استغفار را بکند

حق تعالی قبول میفرماید نماز او وروزه او را وعبادت او را ومیآمرزد او را ودعای او را مستجاب

کرداند زیرا که حق تعالی در کتاب خود میفرماید واستغفروا ربکم انه کان غفارا یعنی طلب

مغفرت نمائید از پروردگار خود بدرستی که او آمرزنده وغفار است ونیز در جای دیگر میفرماید

واستغفروا ربکم ثم توبوا الیه یعنی استغفار کنید پروردگار خود را پس توبه کنید بسوی او

ودر جای

ودر جای دیگر میفرماید والذین اذا فعلوا فاحشة او ظلموا انفسهم ذکروا الله

فاستغفروا لذنوبهم ومن یغفر الذنوب الا الله یعنی آنجماعتی که هر گاه فاحشه و

گناهی کردند یا ظلم بر نفس خود کردند بآنکه معصیتی مرتکب شدند خدا را بیاد بیاورند

پس استغفار مینمایند برای گناهان خود وکه میآمرزد گناه را بغیر خدا ودر جای دیگر میفرماید

واستغفروا ربکم ثم توبوا الیه یمتعکم متاعا حسنا الی اجل مسمی ویؤت کل ذی

فضل فضله یعنی استغفار نمائید پروردگار خود را پس توبه کنید بسوی او تا آنکه عطا فرماید

بشما متاع نیکوئی تا هنگام اجلی نام برده شده وبدهد بهر صاحب زیادتی فضلی فضل آنرا

ودر جای دیگر فرموده واستغفره انه کان توابا یعنی استغفار کنید حق تعالی را بدرستیکه

که او قبول کننده توبه است پس حضرت فرمود که این نماز هدیه ایست از جانب خداوند عالمیان

نسبت بمن بخصوص وامت من مردان وزنان وبه پیغمبری پیش از من وغیر ایشان اینرا عطا نفرموده است

پنجم ایضا سید در کتاب مذکور گفته که در روایتی وارد شده که در شب آخر ماه مبارک

رمضان سوره انعام وکهف ویس را بخواند وهزار نوبت استغفر الله ربی واتوب الیه بگوید

ششم ایضا سید در کتاب مذکور از کتاب عتیق بعضی الحمد لله الذی کمل صیامی

از اصحاب این دعا را برای شب سیام نقل نموده است

ایام شهره الشریف من غیر افطار واقبل بوجهی فیه الی طاعته من غیر ادبار

واستنهضنی الیه للاعتراف بذنوبی من غیر اصرار واوجب لی بانعامه

الافالة من العثار ووفقنی للقیام فی لیالیه الیه داعیا وله منادیا استوهب

واستمیح العیوب واتقرب باسمائه واستشفع بآلائه وانذر لکبریائه

وهو تبارک اسمه بکل ذلک یصرفنی بقوة الرجاء والتامیل

عن الشک فی رحمته لیصرعنی الی التسلیة بجوده ورافته و

تبغیا لاشفاقه وعطفه اللهم هذا شهرک وقد کمل ومضی

وهذا الصيام قد تقدم وانقضى قدم بكرمه وقدومه بمكر مانع
النفوس من لذاتها ونفورها من مفارقة عاداتها فما ورد حتى
ذللها بطاعته وأشخصها إلى طلب رحمته فكان نهار صيامنا
يزكى لديك وليلة قيامنا توقد عليك وأزهقت القلوب و
غادرت الذنوب وخضع الخدود ورفع إليك الراحات وأسندت
العبرات بالنحيب والزفرات أسفا على الزلات واعترافا بالهفوات
واستقالة للعثرات فرحمت وعطفت وسترت وغفرت و
وأقلت وأنعمت فعاد حبيبا ما لوثوا فيه وقاد ما يكره
فراقه فعلينا السلام من شهر ودعته بخيرا ودعنه وتعبد منك
قربه وغنم من فضلك استجلبه وفضائح لقدمت عندك هدرها
وقبائح محاها وسترها وخيرات نشرها ومنن منك وفرها و
عطايا كثرها وداع مفارق خلف خيراته وأسعد بركاته
وجاد بعطاياه اللهم فلك الحمد مني حمد من لا يخادع نفسه
من تقدم جزعها منه ولا يجحد نعمتك في الذي أقدرته ونحوته

عنه سائلك أن تعرض عما أعهده فيه ولم تعمه من الله إعراض المنجا
العظيم وأن تقبل على يسير ما تقربت به إقبال الراضي الكريم أن ينظر
بنظره البر الرؤوف الرحيم اللهم عقب علي بغفرانك في عقباه والحج
من عذابك ما أخشاه وقني من صنوفه ما أتوقاه واختم لي بخاتمه وقني: ن د
بخير يجزل عنه عطيتي وتشفع فيه مسألتي وتسد به فاقتي وتنفي
به شقوتي وتقرب به سعادتي وتملأ يدي من خيرات الدارين بأفضل
ما ملأت به يد سائل ورجعت به آمل أملي وتحيي في والدي وفي
جميع المؤمنين والمؤمنات الغفران والرضوان وتذكرهم
منك بإحسان تنيل أرواحهم مسرة رضوانك وتوصل إليها لذة مسرة
غفرانك وترعاها في رياض جنانك بين ظلال أشجارها وجداول
أنهارها وهني ثمارها وكثير خيراتها واستواء أفوانها وصنوف أو فاتها ن د
لذاتها وسابغ بركاتها وأحينا لورود هذا الشهر عاما في قابل عاما
بعد عام أوزارنا وآثامنا إلى القربات منك سبيلا وعليها دليلا وإليها
سبيلا يا أقدر القادرين ويا أجود المسؤولين اللهم إن كلها العفظ

به إليك حتى نتأوّل من تمجيده وتحميده ووصف لقدرتك وإقرار

بوحدانيتك وأرضاك من تصبّى اليك ومن إقبالي بالثناء عليك فهو

بتوفيقك فلك الحمد يا قاضي ما يرضيك وإن كان من أيسر نعمك لا

تكافئك ثم بهداية محمد نبيك صلى الله عليه وآله وسفارته وإرشاده

ودلالته فقد أوجبت له بذلك من الحق عندك وعلينا ما شرّفته

به وأوعزت فيه إلينا اللهم فكما جعلته لهدايتنا علماً وإليك

لنا طريقاً وسلّماً ومن سخطك ملجأً ومعتصماً وفينا شفيعاً مقدّماً

ومشفّعاً ومكرّماً وكان لا مكافاة له إلا منك ولا اتكال من مجازاته

إلا عليك وكنّا عن حقه بأنفسنا وأموالنا مقصّرين وكان فيها

من الزاهدين وعنها من الراغبين ولسنا إلى نائبته بواصلين و

لا عليها بقادرين فجزاه عنّا بأفضل صلواتك وأطيب تحيّاتك

اللهم صلّ عليه صلاة تمدّه منك بشرائف حبواتك وكرائم

عطيّاتك وموفور خيراتك وميسور هباتك صلاة تكثر وتكثف

حتى لا تنقطع ولا تضعف صلاة تتدارك وتتصل حتى لا تعجل

ولا تنقضي

ولا تنفصل صلاة تتوالى وتتسق حتى تتشعب ولا تفترق صلاة تدوم

وتتواتر وتتضاعف وتتكاثر تزين الجبال وتعادل الرمال الصلاة

مجاري النيران في أفلاكها والقدرة التي قامت بإمساكها

صلاة تبارى الرياح والنجوم والشموس والغيوم وورق الشجر

وألفاظ البشر وتسبيح جميع المخلوقين من الماضين والباقين

ومن تخلق إلى يوم الدين ثم استوعبها تعارف العاملين الذي

ليس له فناء ولا حدّ ولا انتهاء اللهم فأوصل ذلك إليه و

إلى أهل بيته الطاهرين وإلى آبائه وآباء إبراهيم وإسمعيل وإسحق

وإلى جميع النبيين والشهداء والصالحين وإلى جبرئيل وميكائيل

وحملة عرشك والملائكة صلى الله عليه وعليهم أجمعين

وحسبي الله لا إله إلا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم

هفتم ایضا سید در کتاب مذکور از کتاب عمل شهر رمضان ابن ابی قره نقل نموده که او بسند خود از عمر بن یزید روایت کرده است که حضرت صادق علیه السلام با او فرمود که در شب هر از شبهای عشر آخر ماه رمضان این دعا را بخوان

الحمد لله لا شريك له الحمد لله لا شريك له الحمد لله لا شريك له الحمد

لله كما ينبغي لكرم وجهه وعزّ جلاله وكما هو أهله يا قدّوس

يا سبوح يا منتهى التسبيح يا رحمن يا فاعل الرحمة يا الله يا عظيم يا الله
يا كبير يا الله يا جليل يا الله يا سميع يا الله يا بصير يا الله يا الله يا
الله يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى
والامثال العليا والكبرياء والآلاء والنعماء اسئلك باسمك
بسم الله الرحمن الرحيم ان كنت قضيت في هذه الليلة تنزل
الملئكة والروح من كل امر حكيم فصل على محمد وال محمد واجعل
اسمي في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي
مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا لا يشوبه الشك
مني وترضيني بما قسمت لي واتني في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة
وقني عذاب النار وارزقني يا رب فيها ذكرك وشكرك والرغبة و
الانابة اليك والتوبة والتوفيق لما تحبه وترضاه ولما
وفقت له شيعة ال محمد يا ارحم الراحمين ولا تفتني بطلب ما
زويت عني بحولك وقوتك واغنني يا رب برزق منك واسع
بحلالك عن حرامك وارزقني العفة في بطني وفرجي وفرج عني

كل هم وغم ولا تشمت بي عدوي ووفق لي ليلة القدر على افضل
ما راها احد ووفقني لما وفقت له محمدا وال محمد عليه وعليهم
السلم وافعل بي كذا وكذا وبجاي كذا وكذا حوائج خود را مسئلت نمايد پس بگويد الساعة
الساعة تا نفس منقطع شود پس بسيد كفته كه بيا و بگويد در پيش
در حالتى كه ايستاده باشى و در حالتى كه نشسته باشى يا مدبر الامور يا باعث من
و در حالتى كه در قيام و ركوع و سجود باشى
في القبور يا مجري البحور يا ملين الحديد لداود عليه السلم صل
على محمد وال محمد وافعل بي كذا وكذا وبجاي وافعل بي كذا وكذا حوائج خود را
طلب و بگويد الساعة الساعة الليلة الليلة
تا نفس منقطع شود پس بسيد كفته كه اين زيادتى اللهم صل على محمد وال محمد و
بغير روايت است و اين دعا را نقل نموده است
اجعلني من اوفر عبادك نصيبا من كل خير انزلته في هذه الليلة
او انت منزله من نور تهدي به او رحمة تنشرها او رزق تقسمه
او بلاء ترفعه او مرض تكشفه واكتب لي فيها ما كتبت لاوليائك
الصالحين الذين استوجبوا منك الثواب وامنوا برضاك عنهم
العذاب يا كريم صل على محمد وال محمد وافعل بي ذلك
برحمتك وارزقني بعد انقضاء شهر رمضان العصمة والتوبة
والانابة والتمسك بولاية محمد وال محمد ومن على ابدا ما ابقيتني

بذكرك وشكرك للرغبة للثبات والثبات على دينك والتوفيق لما
وفقت له محمدا وآل محمد عليه وعليهم السلام اللهم إنك قلت
في كتابك المنزل وقولك الحق شهر رمضان الذي أنزل فيه
القرآن وهذا شهر رمضان وقد تصرمت لياليه وأيامه فأسألك
بوجهك الكريم وكلماتك التامة وبحق محمد وآل محمد إن كان
بقي علي ذنب واحد لم تغفره لي أو تريد أن تحاسبني عليه أو تعاقبني
عليه أو تقايسني به أو يطلع فجر هذه الليلة أو يتصرم هذا الشهر
إلا وقد غفرته لي يا أرحم الراحمين يا من ألان الحديد لداود يا
كاشف الكرب صل على محمد وآل محمد واستجب دعائي وأعطني
سؤلي واجعل جميع هواي لي سخطا إلا ما رضيته واجعل جميع
طاعتك لي رضا وإن خالف ما هويت على ما أحببت أو كرهت
حتى أكون لك في جميع ما أمرتني متابعا مطيعا سامعا وعن كل
ما نهيتني عنه منتهيا وفي كل ما قضيت علي ولي راضيا
وعلى كل ما أنعمت علي شاكرا وفي كل حالاتي لك ذاكرا من

حال

حال عافية أو بلاء أو شدة أو رخاء أو سخط أو رضا إلهي فصل
على محمد وآل محمد وانظر إلي في جميع أموري نظرة رحيمة
شريفة كريمة تقويني بها على ما أمرتني بها وتسددني لها ولجميع
ما كلفتني فعله وتزيدني لها صبرا ويقينا في جميع ما عرفتني
من آلائك عندي وإنعامك علي وإحسانك إلي وتفضلك
إياي إلهي حاجتي العظمى التي إن قضيتها لم يضرني ما منعتني
وإن منعتنيها لم ينفعني ما أعطيتني أسألك فكاك رقبتي
من النار يا سيدي ارحمني من السلاسل والأغلال والسعير
ارحمني من الطعام الزقوم وشرب الحميم ارحمني من جهنم
إن عذابها كان غراما إنها ساءت مستقرا ومقاما لا تعذبني
وأنا أستغفرك ولا تحرمني وأنا أسألك أسألك الجنة وما فيها
وأعوذ بك من النار وما جمعت اللهم فزوجني من الحور
العين واجعلني ممن يأتي آمنا يوم القيامة إني لما أنزلت إلي من
خير فقير اللهم فصل على محمد وآل محمد وابدأ بمحمد وآل محمد في كل خير

مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مؤلف گوید که در این مقام تنبیه بر چند امر ضرور است اوّل
آنکه ظاهر آنست که دعای یا مدبّر الامور تا آخر جزو دعای اوّل
نباشد بلکه آن دعای علیحده باشد که در شب آخر وارد شده باشد و چون در آخر این دعا
نیز وافعل بی کذا و کذا واقع شده و طلب حوائج نیز در دعا وارد شده که به هر لفظی که خواهد
حوائج خود را طلب بود و در اصل حاجات تفصیل نیافته لهذا سیّد در این مقام تعبیر
اسلوب سابق نموده دعای زاید بغیر روایت تا بعد از دعای اوّل ذکر نموده بلکه این
هر دو دعا که قاری آنها محتاج نباشد دعائی برای حوائج است ذکر نموده و این معنی مؤیّد
احتمال دوّمی است که در امثال این مقام مذکور نمودیم دوّم آنچه سیّد در شرح دو فقره
ذکر نموده که در حالت قیام و رکوع و سجود این دعا را بخواند ظاهر آنست که مراد قیام
و رکوع و سجود نماز باشد و مخفی نماند که در نماز واجب خواندن آن محلّ اشکال است
و در نمازهای سنّت نیز تا نصّ مخصوصی وارد نشده باشد مشکل است و لیکن ظاهر
آنست که در این باب روایتی بنظر سیّد یا ابن ابی قرّه رسیده باشد سیّم آنکه در شرح
دعا و دو فقره مجمل است که اللّیلة باید مکرّر کنند شود تا نفس منقطع شود یا هر یک از الساعة
و اللّیلة باید مکرّر کنند شود و الله تعالی یعلم هشتم ایضاً سیّد در کتاب مذکور و سیّد بن
باقی در کتاب اختیار این دعا را از رَبَّنَا فَاتَنَا الشَّهْرُ الْمُبَارَكُ الَّذِي أَمَرْتَنَا فِيهِ
رسول خدا صلعم روایت نموده اند
بِالصِّيَامِ وَالْقِيَامِ فَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا مَا
تَقَدَّمَ مِنْ ذُنُوبِنَا وَمَا تَأَخَّرَ رَبَّنَا وَلَا تَخْذُلْنَا وَلَا تَحْرِمْنَا الْمَغْفِرَةَ
وَاعْفُ عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَتُبْ عَلَيْنَا وَارْزُقْنَا وَارْزُقْ مِنَّا
وَاجْعَلْنَا مِنْ أَوْلِيَائِكَ الْمُتَّقِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ روز سی ام
اعمال
آنچه در سحر است اوّل سیّد بن طاوس ره در کتاب اقبال از مخزن عتیق اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ
از کتب دعوات ائمه دعا را برای روز آخر ماه مبارک رمضان نقل نموده
لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ تَفَضَّلْتَ عَلَيْنَا فَهَدَيْتَنَا وَمَنَنْتَ عَلَيْنَا فَعَرَّفْتَنَا وَ

حسنة

وَأَحْسَنْتَ إِلَيْنَا فَأَعَنْتَنَا عَلَى أَدَاءِ مَا افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا مِنْ صِيَامِ شَهْرِكَ
شَهْرِ رَمَضَانَ فَلَكَ الْحَمْدُ بِمَحَامِدِكَ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ نَعْمَائِكَ
كُلِّهَا حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا تُحِبُّ وَتَرْضَاهُ وَهٰذَا آخِرُ يَوْمٍ مِنْ
شَهْرِ رَمَضَانَ فَإِذَا انْقَضَى فَاخْتِمْهُ لَنَا بِالسَّعَادَةِ وَالشَّهَادَةِ وَ
الرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ وَالرِّزْقِ الْوَاسِعِ الْكَثِيرِ الطَّيِّبِ الَّذِي لَا حِسَابَ فِيهِ وَلَا عَذَابَ
عَلَيْهِ وَالْبَرَكَةِ وَالْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ وَالْعِتْقِ مِنَ النَّارِ لَا تَجْعَلْهُ
آخِرَ الْعَهْدِ مِنْهُ وَأَهِلَّهُ عَلَيْنَا بِأَفْضَلِ الْخَيْرِ وَالْكَرَامَةِ وَالسُّرُورِ
عَلَيَّ وَعَلَى أَهْلِي وَوُلْدِي وَذُرِّيَّتِي يَا كَرِيمُ اللّٰهُمَّ هٰذَا شَهْرُ رَمَضَانَ
الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ
وَقَدْ تَصَرَّمَ فَأَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَنْ تَغِيبَ الشَّمْسُ مِنْ هٰذَا
الْيَوْمِ أَوْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ هٰذِهِ اللَّيْلَةِ وَلَكَ قِبَلِي ذَنْبٌ أَوْ تَبِعَةٌ
تُرِيدُ أَنْ تُعَذِّبَنِي عَلَيْهَا يَوْمَ أَلْقَاكَ أَيْ مُلَيِّنَ الْحَدِيدِ لِدَاوُدَ
عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيْ كَاشِفَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ
بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَهَبْ لِي فَكَاكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَكُلَّ تَبِعَةٍ وَذَنْبٍ لَكَ

تبلى واختم لي بالرضا عني والجنة يا الله يا ارحم الراحمين صلّ
على محمد وعلى اهل بيته المباركين الاخيار وسلم تسليما
ديگر ايضا سيد ... در كتاب مذكور گفته كه در ... سبحان الله رب السموات والارض
كتب عوات اين دعا را براى روز سوم ماه رمضان ...
جاعل الملائكة رسلا اولي اجنحة مثنى وثلاث ورباع يزيد
في الخلق ما يشاء ان الله على كل شيء قدير ما يفتح الله للناس
من رحمة فلا ممسك لها وما يمسك فلا مرسل له من بعده وهو
العزيز الحكيم سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور
سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات
والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق
كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله
مداد كلماته سبحان الله رب العالمين [illegible] سيد ابن طاوس در كتاب — سرنوشته
اختيار اين دعا را براى روز سيم ...
وسنت آنست اللهم اني اسألك بحق الاسم الذي قلت للسماء كوني
نموده است
به فقامت واسألك بحق الاسم الذي به تمسك السماء ان — الذي يمسك
تقع على الارض الا باذنك واسألك بحق الاسم الذي دعاك

به آدم

به آدم فاقلت عثرته ورحمت عبرته واسألك بالاسم الذي
دعتك به حواء على المروة فاستجبت لها واسألك بالاسم الذي
دعاك به نوح فنجيته ومن معه في الفلك العظيم واسألك
بالاسم الذي دعاك به شعيب فنجيته من الرجفة واسألك
بالاسم الذي دعاك به صالح فانجيته من الصيحة واسألك
بالاسم الذي جعلت به النار على ابرهيم بردا وسلاما واسألك
بالاسم الذي دعاك به اسمعيل فنجيته من الذبح واسألك
بالاسم الذي دعاك به موسى فكلمته على جبل طور سيناء
واسألك بالاسم الذي دعاك به ايوب فكشفت عنه البلاء
واسألك بالاسم الذي نجيت به يونس من بطن الحوت واسألك
بالاسم الذي دعاك به محمد صلى الله عليه وآله يوم الغار
واسألك بحق الكرام الكاتبين وبحق جبرئيل وميكائيل
واسرافيل ان تستجيب دعائي فيما سألتك به من اول الشهر
الى هذا اليوم وان تعتق رقبتي من النار وتحرم جسدي على النار

إنك أرحم الراحمين اللهم واقبلني بفضل منك على ما كان مني
منك تفضلاً علي اللهم لا تقطع فيه رجائي ولا تخيب فيه سعيي
ودعائي ولا تجهد فيه بلائي بعد صومي له ولا تشمت بي فيه
أعدائي إنك أنت الله لا إله إلا أنت سيدي ومولاي وغاية
طلبتي ورضائي اللهم ألهمني في ساعتي هذه الطمأنينة
بعفوك عني وقبولك لي على ما كان مني حتى أعلم أنك قد رحمتني
وغفرت لي وتكرمت وتفضلت وتطولت ومننت على عبدك الذي
خلقته وأنت مولاه ومنجاه وملجاه وغايته ومنتهى رغبته
اللهم اجعلني ممن فاز فيه من عبادك الصالحين بقولك
إياه اللهم لا تردني خائباً وأنت قادر على إجابتي وتقضي حاجتي
اللهم لا تجعله آخر العهد به مني اللهم وأحيني إلى مثله
سنين ودهوراً عليك السلام يا شهر رمضان اللهم يا صادق
الوعد لا تجعل شهر رمضان آخر العهد مني به أستودعك الله
يا شهر رمضان دعة راضية مرضية مقبولة اللهم يا رب

لا تخرجه

لا تخرجه عني بيأس من رحمتك لي وعفوك عني اللهم حقق ظني
الحسن فيك يا من لا تشتبه عليه الظنون يا من لا يغني من ذكره
يا جواداً في عظمته يا كريماً في جوائزه يا محسناً في عفوه يا واسعاً في عطيته
رحمته يا سمحاً في تجاوزه قد ناجيتك في أيامه كلها متوسلاً برحمتك
إلى عفوك وبجودك إلى كرمك وبطولك إلى إحسانك ارزقني
حلاوة الرحمة ولا تجعل عند انصرافه في قلبي منه حسرة
اللهم أذقني لذة القبول وطيب العفو اللهم أشرب قلبي
لذة الإجابة حتى أعلم أنك قد رحمتني تفضلاً منك علي وامتنانا
يا رباه يا سيداه يا مولاياه يا من إذا توكل العبد عليه توكل عليه العبد
كفاه يا قريباً إذا دعي يا مجيباً إذا نودي اللهم وأجز شهرك [illegible]
العظيم عنا ما أنت أهله اللهم زده شرفاً وبهجاً وتلألياً تلألؤاً
وكرامة وزلفى اللهم إنه قد فرج عن قلوبنا وأضاءت عنه قلوبنا
به أبصارنا وقلت به خطايانا اللهم فلك الحمد على حلوله ولك
الحمد عند قدومه وقفوله وتمامه وكماله ومعونتنا عليه

حَتّىٰ تُهَنِّئَنَا بِرِضَاكَ اَللّٰهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلىٰ ظَعْنِهِ اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلىٰ

خَيْرِ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَاَهْلِ بَيْتِهِ صَفْوَتِكَ وَ عبدك محمد صلى الله عليه وآله رسولك

خِيَرَتِكَ وَعَلىٰ جَمِيعِ اَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَحَمَلَةِ عَرْشِكَ كَمَا تَجِبُ

الصَّلٰوةُ عَلَيْهِمْ اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَاَنْتَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

غَفَرَ اللّٰهُ فِي هٰذَا الْعَامِ وَفِي هٰذَا الشَّهْرِ وَفِي هٰذَا الْيَوْمِ وَفِي هٰذِهِ

السَّاعَةِ لِصُوَّامِ شَهْرِ رَمَضَانَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ الْاَحْيَاءِ

مِنْهُمْ وَالْاَمْوَاتِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اَللّٰهُمَّ وَاَحْيِنَا اِلىٰ اَمْثَالِهِ حَيٰوةً طَيِّبَةً

وَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَتَقَبَّلْ مِنَّا صَالِحَ اَعْمَالِنَا وَقَابِحَ لَنَا وَتَكَرَّمْ

عَلَيْنَا وَتَجَاوَزْ عَنَّا وَهَبْ لَنَا رِضَاكَ وَالْجَنَّةَ وَاَعِذْنَا مِنْ سَخَطِكَ

وَالنَّارِ وَارْزُقْنَا الْحَجَّ اِلىٰ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَشَاهِدِ الْاَئِمَّةِ مِنْ اَهْلِ بَيْتِهِ وَاحْشُرْنَا من بعده

فِي زُمْرَتِهِمْ وَاجْعَلْنَا مِنْ شِيعَتِهِمْ وَوَفِّقْنَا لِطَاعَتِهِمْ وَاِنَّهُمُ الْبَابُ

اِلَيْكَ وَبِهِمْ يَا رَبِّ نَرْجُو عَفْوَكَ فَارْزُقْنَا الْاَمْنَ وَالْعَافِيَةَ وَالْغِنىٰ

والمغفرة

وَالْمَغْفِرَةَ اِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَاَنْتَ اَكْرَمُ الْاَكْرَمِينَ وَخُصَّ

النَّبِيَّ مُحَمَّدًا وَآلَهُ بِاَفْضَلِ الصَّلٰوةِ وَالتَّسْلِيمِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

چهارم صاحب کتاب حرز از ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا صلعم فرمود که هر که این دعا را در روز عید بخواند و این دعا را بخواند حق تعالی او را گرامی دارد و گرامی داشتن حق تعالی او را مستجاب شود دعا او را

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي بِالشُّكْرِ وَالْقَبُولِ عَلىٰ مَا تَرْضَاهُ وَيَرْضَاهُ

الرَّسُولُ مُحْكَمَةً فُرُوعُهُ بِالْاُصُولِ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

الْاَخْيَارِ الْاَبْرَارِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِمْ خاتم بدانکه تصدق کردن در آخر ماه مبارک رمضان فضیلت عظیم دارد چنانچه ابن بابویه رحمه

در کتاب ثواب الاعمال بسند خود از انس بن مالک روایت کرده است که گفت که رسول خدا صلعم فرمود که هر که ماه رمضان را روزه بدارد و ختم آن را بصدقه و تمر و شیر در روز عید بصدقه گردد روزه را غسل بر میکرده ... که آمرزیده شده است مؤلف گوید که اگر تصدق در آخر روز آخر واقع شود چنانچه متصل بغروب آفتاب باشد بهتر است و اگر در آخر دو شب و نهم نیز تصدق کند بحسب احتیاط نقصان ماه بهتر است والله تعالی اعلم باب پانزدهم در بیان دعاهای وداع ماه مبارک رمضان بدانکه وداع این ماه سنت مؤکد است برای اظهار آنکه روزه و عبادت این ماه مبارک بر ما گران و دشوار نبوده و پیوسته خواهان و مشتاق آن بوده‌ایم و از مفارقت آن دلتنگ آزرده و محزونیم و هر بنده که لذت عبادت الهی و فضل و رحمت غیر متناهی او را در یافته و از آلودگی دنیا و عقبی و لذات آن را که لا تعد و لا تحصی شناخته و چاشنی مناجات با قاضی الحاجات را چشیده و بعطاهای بی منتهای معطی السؤالات رسیده است تا به مقام عاشق عبادت و بندگی خدا باشد و عبودیت و عبادت خود را برای معبود و معشوق حقیقی خود خالص کرده اند تا بحصول درجات عالیات و وصول مثوبات بلا نهایات فائز و بوسیله محرم سرادقات قربات حضرت فایض الجود علی البریات گردد و نعم ما قال

چه داند قدر سرافکندگی اکر بعید از خدائی بود بندگی پس باید این ماه کثیر البرکات را عزیز وداع کند که عزیز تر بود و بسان دادر هنگام مفارقت وداع میکند و وداع او مانند وداع کسی باشد که از محبوب و معشوق خود جدا میشود و تبی از جدائی او

حزین و غمگین می‌باشد و معلوم است که غلامی که از خدمت آقای خود شاد و خوشحال باشد و از
ترک خدمت دلگیر باشد مثل غلامی نیست که از ترس خدمت کند و به آن راضی نباشد
و در وقت وداع و خواندن دعاهای وداع علما اختلاف کرده‌اند که آیا در شب آخر باید خوانده
شود یا در روز آخر یا که آخر روز آخر و اکثر در شب آخر را بهتر میدانند مانند سید بن طاوس
در کتاب اقبال و جد علامه مرحوم در زاد المعاد و والد علامه مرحوم در ذریعة النجاح قدس الله ارواحهم
الشریفه هر چند تجویز خواندن در روز آخر را نیز کرده‌اند و مستند ایشان حدیثی است که شیخ
طبرسی در کتاب احتجاج و شیخ طوسی ره در کتاب غیبت روایت کرده‌اند که محمد بن عبد الله
بن جعفر حمیری عریضه بخدمت مولای خود حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه نوشته و
از آن جناب از مسئله چند سؤال نموده از آنجمله اینکه وداع ماه مبارک رمضان در چه وقت
باید واقع شود بدرستی که اصحاب ما در این باب خلاف کرده‌اند بعضی میگویند در شب آخر
وداع کرده می‌شود و بعضی دیگر میگویند که در روز آخر چه میفرمایید آنحضرت در جواب
توقیع مبارک فرمودند که عمل در ماه رمضان در شبهای آن می‌باشد و وداع در شب آخر
واقع می‌شود و در توقیع آنحضرت این نکته نیز بود که اگر ترسد که ماه ناقص باشد وداع را
در دو شب بعمل آورید و مؤید فهمیدهٔ ایشان است آنچه در شرح دعای سیم مذکور است
که در شب آخر خوانده شود و در ضمن دعای سیم و بعضی از ادعیهٔ وداع نیز اشعاری بشب
دارد و حق این است که بهتر آنست که وداع را در شب و روز آخر هر دو بلکه عصر روز آخر بعمل
آورید و اگر ترسد که ماه ناقص باشد در دو شب و دو روز وداع نماید زیرا که حقیقت وداع
از بعضی اظهار ندامت از مفارقت و رغبت بمصاحبت اوست و این معنی چنانچه در شب آخر
حاصل است چون مکرر میشود در روز آخر نیز بعمل میآید و آنچه در حدیث وارد شده
که بنای اعمال این شب است پس باید وداع در شب واقع شود بنا بر زیادتی اهتمام و غلبه و
اکثریت است چون فراغ بال در شب زیادتر است اهتمام در آن بیشتر فرموده‌اند و لهذا نمازهای
نافله و احیا با ادعیه آن در شب واقع شده و الا در ایام نیز اعمال بسیار از ادعیه و غیره
وارد شده پس وداع اعمال ایام نیز در روز آخر مناسب است و لهذا وداع برای روز جمعه
آخر ایام نیز وارد شده بلکه هر چیز عزیز و بسیار دیگر است وداع در آن وقت مناسب‌تر است
چون قرب بزمان مفارقت و جدائی است و در بعضی از ادعیه فی الجمله اشعاری بشب
بوداع روز دارد و ممکن است که ادعا کنیم ظاهر بودن عنوان دعای صحیفهٔ کامله را در
وداع در روز چنانچه بعضی از محدثین از عنوان دعای دخول صحیفه ظهور خواندن آنرا
در روز فهمیده‌اند اما دعاهای وداع چنانچه از تتبع کتب ادعیه ظاهر میشود چند دعا است

اول

اول سید بن طاوس ره در کتاب اقبال از کتاب حسن ابی جعفر بن محمد [illegible] نقل نموده
که او بسند خود از جابر بن عبد الله انصاری روایت کرده است که گفت داخل شدم بر رسول
خدا در جمعهٔ آخر ماه مبارک پس چون نظر مبارک آنحضرت بر من افتاد فرمود که ای جابر
این جمعهٔ آخر ماه رمضان است پس آنرا وداع کن و بگو اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِیَامِنَا اِیَّاهُ
فَاِنْ جَعَلْتَهُ فَاجْعَلْنِی مَرْحُوماً وَلَا تَجْعَلْنِی مَحْرُوماً بدرستی که هر که این دعا
را بخواند ظفر یابد بیکی از
دو خوبی یا بماه رمضان آینده میرسد یا بمغفرت و رحمت الهی میرسد دوم دعای چهل و پنجم
صحیفهٔ کامله است و شیخ طوسی در مصباح و کفعمی در جنة الامان و بلد الامین و سید در
اقبال نیز این دعا را ایراد نموده‌اند و روایت ایشان با روایت صحیفهٔ کامله اختلافی دارد ما ایراد می‌نماییم
اَللّٰهُمَّ یَا مَنْ لَا یَرْغَبُ فِی الْجَزَاءِ وَلَا یَنْدَمُ عَلَی الْعَطَاءِ وَیَا مَنْ لَا یُکَافِئُ
عَبْدَهُ عَلَی السَّوَاءِ هِبَتُکَ ابْتِدَاءٌ وَعَطِیَّتُکَ تَفَضُّلٌ وَعُقُوبَتُکَ عَدْلٌ
وَقَضَاؤُکَ خِیَرَةٌ اِنْ اَعْطَیْتَ لَمْ تَشُبْ بِمَنٍّ وَاِنْ مَنَعْتَ لَمْ یَکُنْ مَنْعُکَ
تَعَدِّیاً تَشْکُرُ مَنْ شَکَرَکَ وَاَنْتَ اَلْهَمْتَهُ شُکْرَکَ وَتُکَافِئُ مَنْ حَمِدَکَ
وَاَنْتَ عَلَّمْتَهُ حَمْدَکَ تَسْتُرُ عَلَی مَنْ لَوْ شِئْتَ فَضَحْتَهُ وَتَجُودُ عَلَی مَنْ لَوْ
اَرَدْتَ مَنَعْتَهُ وَکِلَاهُمَا اَهْلٌ مِنْکَ لِلْفَضِیحَةِ وَالْمَنْعِ غَیْرَ اَنَّکَ بَنَیْتَ
اَفْعَالَکَ عَلَی التَّفَضُّلِ وَاَجْرَیْتَ قُدْرَتَکَ عَلَی التَّجَاوُزِ وَتَلَقَّیْتَ مَنْ عَصَاکَ
بِالْحِلْمِ وَاَمْهَلْتَ مَنْ قَصَدَ لِنَفْسِهِ بِالظُّلْمِ تَسْتَنْظِرُهُمْ بِاَنَاتِکَ اِلَی
الْاِنَابَةِ وَتَتْرُکُ مُعَاجَلَتَهُمْ اِلَی التَّوْبَةِ لِکَیْلَا یَهْلِکَ عَلَیْکَ هَالِکُهُمْ

ولئلا يشقى بنقمتك شقيهم إلا عن طول الإعذار إليه وبعد ترادف
الحجة عليه كرما من عفوك يا كريم وعائدة من عطفك يا حليم أنت
الذي فتحت لعبادك بابا إلى عفوك سميته التوبة وجعلت على ذلك
الباب دليلا من وحيك لئلا يضلوا عنه فقلت توبوا إلى الله توبة
نصوحا عسى ربكم أن يكفر عنكم سيئاتكم ويدخلكم
جنات تجري من تحتها الأنهار فما عذر من أغفل دخول ذلك
الباب يا سيدي بعد فتحه وإقامة الدليل عليه وأنت الذي زدت
في السوم على نفسك لعبادك تريد ربحهم في متاجرتك وفوزهم
بزيادتك فقلت من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها ومن جاء بالسيئة
فلا يجزى إلا مثلها وقلت مثل الذين ينفقون أموالهم في سبيل الله
كمثل حبة أنبتت سبع سنابل في كل سنبلة مائة حبة والله يضاعف
لمن يشاء وما أنزلت من نظائرهن في القرآن وأنت الذي دللتهم بقولك
من غيبك الذي فيه من حظهم على ما لو سترته عنهم لم تدركه
أبصارهم ولم تعه أسماعهم ولم تلحقه أوهامهم فقلت تباركت

تعاليت

وتعاليت اذكروني أذكركم ولئن شكرتم لأزيدنكم وادعوني
أستجب لكم وقلت من ذا الذي يقرض الله قرضا حسنا فيضاعفه له
فذكروك وشكروك ودعوك وتصدقوا لك وفيها كانت نجاتهم
من غضبك وفوزهم برضاك ولو دل مخلوق مخلوقا من نفسه
على مثل الذي دللت عليه عبادك منك كان محمودا فلك الحمد
ما وجد في حمدك مذهب وما بقي للحمد لفظ تحمد به ومعنى
ينصرف إليه يا من تحمد إلى عباده بالإحسان والفضل وغمرهم
بالمن والطول ما أفشى فينا نعمتك وأسبغ علينا منتك و
أخصنا ببرك هديتنا لدينك الذي اصطفيت وملتك التي
ارتضيت وسبيلك الذي سهلت وبصرتنا ما يوجب الزلفة
لديك والوصول إلى كرامتك اللهم وأنت جعلت من صفايا
تلك الوظائف وخصائص تلك الفروض شهر رمضان الذي
اختصصته من سائر الشهور وتخيرته من جميع الأزمنة و
الدهور وآثرته على جميع الأوقات بما أنزلت فيه من القرآن

فرضت فيه من الصيام، و اجللت فيه من ليلة القدر التي هي خير
من الف شهر، ثم آثرتنا به على سائر الامم، و اصطفيتنا بفضله
دون اهل الاديان، فصمنا بأمرك نهاره، و قمنا بعونك ليله،
متعرضين بصيامه و قيامه لما عرضتنا له من رحمتك، و تسببنا
اليه من مثوبتك، و انت الملي بما رغب فيه اليك، الجواد
بما سئلت من فضلك، القريب الى من حاول قربك، و قد اقام
فينا هذا الشهر مقام حمد، و صحبنا صحبة مبرور، و اربحنا
افضل ارباح العالمين، ثم قد فارقنا عند تمام وقته، و انقطاع
مدته، و وفاء عدده، فنحن مودعوه وداع من عز فراقه علينا
و غمنا و اوحشنا انصرافه عنا، و لزمنا له الذمام المحفوظ
و الحرمة المرعية، و الحق المقضي، فنحن قائلون السلام عليك يا
شهر الله الاكبر، و يا عيد اوليائه الاعظم، السلام عليك يا
اكرم مصحوب من الاوقات، و يا خير شهر في الايام و
الساعات، السلام عليك من شهر قربت فيه الآمال، و نشرت فيه

الاعمال

الاعمال، السلام عليك من قرين جل قدره موجوداً، و افجع فراقه
مفقوداً، السلام عليك من شهر اليف آنس مقبلاً فسر، و اوحش
منقضياً فمض، السلام عليك من ناصر اعان على الشيطان، و
صاحب سهل سبل الاحسان، السلام عليك ما اكثر عتقاء
الله فيك، و ما اسعد من رعى حرمته بك، السلام عليك ما كان
امحاك للذنوب، و استرك لانواع العيوب، السلام عليك ما كان
اطولك على المجرمين، و اهيبك في صدور المؤمنين، السلام عليك
من شهر لا تنافسه الايام، و من شهر هو من كل امر سلام،
السلام عليك غير كريه المصاحبة، و لا ذميم الملابسة، السلام
عليك كما وفدت علينا بالبركات، و غسلت عنا دنس الخطيئات،
السلام عليك غير مودع سأماً، و لا متروك صيامه برماً، السلام
عليك من مطلوب قبل وقته، و محزون عليه عند فوته، السلام
عليك كم من سوء صرف بك عنا، و كم من خير افيض بك
علينا، السلام عليك و على ليلة القدر التي جعلها الله خيراً

مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى فَضْلِكَ الَّذِي حُرِمْنَاهُ وَعَلَى مَا كَانَ
مِنْ بَرَكَاتِكَ سُلِبْنَاهُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ اَحْرَصَنَا بِالْاَمْسِ عَلَيْكَ
وَاَشَدَّ شَوْقَنَا غَدًا اِلَيْكَ اَللّٰهُمَّ اِنَّا اَهْلُ هٰذَا الشَّهْرِ الَّذِي
شَرَّفْتَنَا بِهِ وَوَفَّقْتَنَا بِمَنِّكَ لَهُ حِينَ جَهِلَ الْاَشْقِيَاءُ فَضْلَهُ وَ
حُرِمُوا لِشَقَائِهِمْ خَيْرَهُ وَاَنْتَ وَلِيُّ مَا اٰثَرْتَنَا بِهِ مِنْ مَعْرِفَتِهِ وَهَدَيْتَنَا
لَهُ مِنْ سُنَّتِهِ وَقَدْ تَوَلَّيْنَا بِتَوْفِيقِكَ صِيَامَهُ وَقِيَامَهُ عَلَى تَقْصِيرٍ وَ
اَدَّيْنَا مِنْ حَقِّكَ فِيهِ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ اَللّٰهُمَّ فَلَكَ اِقْرَارُنَا بِالْاِسَاءَةِ
وَاعْتِرَافُنَا بِالْاِضَاعَةِ وَلَكَ مِنْ قُلُوبِنَا عَقْدُ النَّدَمِ وَمِنْ اَلْسِنَتِنَا
صِدْقُ الْاِعْتِذَارِ فَاْجُرْنَا عَلَى مَا اُصِبْنَا بِهِ مِنَ التَّفْرِيطِ اَجْرًا نَسْتَدْرِكُ
بِهِ الْفَضْلَ الْمَرْغُوبَ فِيهِ وَنَعْتَاضُ بِهِ مِنْ اَحْرَازِ الذُّخْرِ الْمَحْرُوصِ
عَلَيْهِ وَاَوْجِبْ لَنَا عُذْرَكَ عَلَى مَا قَصَّرْنَا فِيهِ مِنْ حَقِّكَ وَابْلُغْ
بِاَعْمَارِنَا مَا بَيْنَ اَيْدِينَا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ الْمُقْبِلِ فَاِذَا بَلَّغْتَنَاهُ
فَاَعِنَّا عَلَى تَنَاوُلِ مَا اَنْتَ اَهْلُهُ مِنَ الْعِبَادَةِ وَاَدِّنَا اِلَى الْقِيَامِ
بِمَا يَسْتَحِقُّهُ مِنَ الطَّاعَةِ وَاَجْرِ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْعَمَلِ مَا يَكُونُ دَرَكًا

لِحَقِّكَ

لِحَقِّكَ فِي الشَّهْرَيْنِ مِنْ شُهُورِ الدَّهْرِ اَللّٰهُمَّ وَمَا اَلْمَمْنَا بِهِ فِي شَهْرِنَا هٰذَا
مِنْ اِثْمٍ اَوْ وَقَعْنَا فِيهِ مِنْ ذَنْبٍ وَاكْتَسَبْنَا فِيهِ مِنْ خَطِيئَةٍ عَنْ تَعَمُّدٍ
مِنَّا لَهُ اَوْ عَلَى نِسْيَانٍ مِنْ ظَلَمْنَا فِيهِ اَنْفُسَنَا اَوِ انْتَهَكْنَا فِيهِ حُرْمَةً
مِنْ غَيْرِنَا فَاسْتُرْنَا بِسِتْرِكَ وَاعْفُ بِعَفْوِكَ وَلَا تَنْصِبْنَا فِيهِ لِاَعْيُنِ
الشَّامِتِينَ وَلَا تَبْسُطْ عَلَيْنَا اَلْسِنَةَ الطَّاعِنِينَ وَاسْتَعْمِلْنَا بِمَا يَكُونُ
حِطَّةً وَكَفَّارَةً لِمَا اَنْكَرْتَ مِنَّا فِيهِ بِرَاْفَتِكَ الَّتِي لَا تَنْفَدُ وَ
فَضْلِكَ الَّذِي لَا يَنْقُصُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَاجْبُرْ مُصِيبَتَنَا
بِشَهْرِنَا وَبَارِكْ لَنَا فِي يَوْمِ عِيدِنَا وَاجْعَلْهُ مِنْ خَيْرِ يَوْمٍ مَرَّ عَلَيْنَا اَجْلَبِهِ
لِلْعَفْوِ وَاَمْحَاهُ لِلذَّنْبِ وَاغْفِرْ لَنَا مَا خَفِيَ مِنْ ذُنُوبِنَا وَمَا عَلَنَ اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاسْلَخْنَا بِانْسِلَاخِ هٰذَا الشَّهْرِ مِنْ خَطَايَانَا
وَاَخْرِجْنَا بِخُرُوجِهِ عَنْ سَيِّئَاتِنَا وَاجْعَلْنَا مِنْ اَسْعَدِ اَهْلِهِ بِهِ وَ
اَوْفَرِهِمْ قِسْمًا فِيهِ اَللّٰهُمَّ وَمَنْ رَعَى حُرْمَةَ هٰذَا الشَّهْرِ حَقَّ رِعَايَتِهَا
وَحَفِظَ حُدُودَهُ حَقَّ حِفْظِهَا وَاتَّقَى ذُنُوبَهُ حَقَّ تُقَاتِهَا اَوْ تَقَرَّبَ
اِلَيْكَ بِقُرْبَةٍ اَوْجَبَتْ رِضَاكَ عَنْهُ وَعَطَفَتْ رَحْمَتَكَ عَلَيْهِ

فهب لنا مثله من وجدك واحسانك واعطنا اضعافه من فضلك
فان فضلك لا يغيض وان خزائنك لا تنفد وان معادن احسانك
لا تفنى اللهم اكتب لنا مثل اجور من صامه بنية او تعبد
لك فيه الى يوم القيمة اللهم انا نتوب اليك في فطرنا الذي
جعلته للمسلمين عيدا وسرورا ولاهل ملتك مجمعا ومحتشدا
من كل ذنب اذنبناه او سوء اسلفناه او خطرة شر اضمرناه
او عقيدة سوء اعتقدناه توبة من لا ينطوي على رجوع الى
ذنب ولا عود في خطيئة توبة نصوحا خلصت من الشك والارتياب
فتقبلها منا وارض به عنا وثبتنا عليها اللهم ارزقنا خوف
غم الوعيد وشوق ثواب الموعود حتى نجد لذة ما ندعوك به
وكابة ما نستجيرك منه واجعلنا عندك من التوابين الذين
اوجبت لهم محبتك وقبلت منهم مراجعة طاعتك يا اعدل العا
دلين اللهم تجاوز عن ابائنا وامهاتنا واهل ديننا جميعا من
سلف منهم ومن غبر الى يوم القيمة وصل على نبينا واله كما صليت

على ملائكتك المقربين وانبيائك المطهرين وعبادك الصالحين
وسلم على اله كما سلمت على ال يس وصل عليهم اجمعين صلوة
تبلغنا بركتها وينالنا نفعها وتعمنا باسرها ويستجاب
دعاؤنا بها انك اكرم من رغب اليه واعطى من سئل من فضله
وانت على كل شيء قدير سيد بن طاوس ره در کتاب اقبال به سند خود از
حضرت امام جعفر صادق عم روایت نموده است
که هر که وداع کند ماه مبارک رمضان را در شب آخر آن باین دعا حق تعالی بیامرزد او را
پیش از آنکه صبح آن شب طالع شود و او را توبه داده روزی سیر نماید و دعا اینست
اللهم لا تجعله اخر العهد من صيامي لشهر رمضان واعوذ بك
ان يطلع فجر هذه الليلة الا وقد غفرت لي جاودم ایضا سید در کتاب
مذکور گفته این دعا را برای
وداع ماه مبارک رمضان الحمد لله على نعمه المتظاهرة واياديه الحسنة
در کتب دعوات یافتم
الجميلة على ما اولانا وخصنا بكرامته ايانا وفضله وعلى ما انعم
به علينا وتصرم شهرنا المبارك مقضيا عنا ما افترض علينا
من صيامه وقيامه اسالك ان تصلي على محمد وال الطاهرين
الطيبين الذين اذهبت عنهم الرجس وطهرتهم تطهيرا وان
تتقبل منا وان ترزقنا ما توعدنا فيه من الاجر وتعطينا ما

ما أمّلنا ورجونا فيه من الثواب وأن تزكّي أعمالنا وتتقبّل
إحساننا فإنّك وليّ النعمة كلّها وإليك الرغبة
بجودك وكرمك آمين ربّ العالمين بحمد اینجا سید در
کتاب مذکور گفته که این
نسخهٔ عتیقه که بخط رضی موسوی مرحوم بود اللهمّ إنّي أسألك بأحبّ ما
این وداع را برای ماه مبارک رمضان یافتم
دعيت به وأرضى ما رضيت به عن محمّد وعن أهل بيت محمّد
عليه وعليهم السلام أن تصلّي عليه وعليهم ولا تجعل آخر
وداع شهري هذا وداع خروجي من الدنيا ولا وداع آخر
عبادتك ووفّقني فيه لليلة القدر واجعلها لي خيراً
من ألف شهر مع تضاعف الأجر والإجابة والعفو عن الذنب
برضى الربّ پس سید گفته که در عقب این وداع اللهمّ إنّي أسألك يا مبدئ
این دعا یافت شد و این دعا را نقل نمودم
البرايا ويا مصوّر البرايا ويا خالق السماء ويا إله من بقي ومن
مضى ويا من رفع السماء وسطح الأرض وبأنّك تبعث أرواح
أهل البلاء بقدرتك وسلطانك على عبادك وإماتتك الأحياء
وبأنّك تبعث الموتى وتميت الأحياء وتحيي الموتى وأنت ربّ

الشعرى

الشّعرى ومنوة الثالثة الأخرى صلّ على محمّد وعلى أهل بيت محمّد
صلاة تكون لك رضاً وارزقني بمنزلته ومنزلتهم في هذا الشهر
المبارك النّهى والتقى والصبر عند البلاء والعون على القضاء
واجعلني من أهل العافية والمعافاة وهب لي يقين أهل التقى
وأعمال أهل النّهى فإنّك تعلم يا إلهي ضعفي عند البلاء فاستجب
لي في شهرك الذي عظّمت بركته الدعاء واجعلني إلى خير الدين
والدنيا والآخرة مع من أتوالى وأتولّى ولا تلحقني بمن مضى
من أهل الجحود في هذه الدنيا واجعلني مع محمّد وأهل بيته
عليه وعليهم السلام في كلّ عافية وبلاء وكلّ شدّة
ورخاء احشرني معهم يوم تحشر الناس ضحى واصرف عنّي بمنزلته
ومنزلتهم عذاب الآخرة وخزي الدنيا وفقرها وفاقتها و
البلاء يا مولاناه يا وليّ نعمتاه آمين آمين يا ربّاه پس صلوات
بر محمّد و بر
اهل بیت او صلّی الله علیه وعلیهم بفرست وحوایج خود را طلب کن برآورده می شود
ان شاء الله تعالی شیخ کفعمی رحمه در کتاب خیر الامان وبلد الامین این دعا را برای وداع نقل نموده است
الحمد لله الذي بلّغنا شهر رمضان وأعاننا على صيامه وقيامه

حتى نقصت اخر ليلة منه ولم ينلنا فيه بارتكاب محرم ولا
انتهاك حرمة ولا اكل ربا ولا بعقوق والدين ولا قطع
رحم ولا بشيء من البوائق والكبائر وانواع البلايا التي
قد بلي بها من هو خير مني اللهم فلك الحمد شكرا على ما عافيتني
وحسن ما ابليتني الهي اثني عليك احسن الثناء لان بلاءك
عندي احسن البلاء او قرتني نعما واوقرت نفسي ذنوبا
كم من نعمة لك يا سيدي اسبغتها على لم اؤد شكرها
وكم من خطيئة احصيتها على استحيي من ذكرها واخاف
جزاءها واحذر معرتها ان لم تعف لي عنها اكن من الخاسرين
الهي فاني اعترف لك بذنوبي واذكر لك حاجتي واشكو اليك
مسكنتي وفاقتي وقسوة قلبي وميل نفسي فانك قلت فما
استكانوا لربهم وما يتضرعون وها انا ذا قد استجرت بك و
قعدت بين يديك مستكينا متضرعا اليك راجيا لما ارشد
من الثواب بصيامي وصلوتي وقد عرفت حاجتي ومسكنتي

الى

الى رحمتك والثبات على هداك وقد هرب اليك هرب العبد
السوء الى المولى الكريم يا مولاي وتقربت اليك
فاسئلك بوحدانيتك لما صليت على محمد وال محمد صلوة كثيرة كريمة شريفة توجب لي بها شفاعتهم في القيمة عندك | لما بقي
وصليت على ملئكتك المقربين وانبيائك المرسلين واسئلك
بحقك عليهم اجمعين لما غفرت لي في هذا اليوم مغفرة لا
اشقى بعدها ابدا انك على كل شيء قدير وصلى الله على محمد
وآله كثيرا ورحمة الله وبركاته

ثقه محمد بن يعقوب كليني رحمه الله در كتاب كافی بسند خود از ابی بصير روايت كرده است كه او از حضرت امام جعفر صادق (ع) اين دعا را برای وداع ماه مبارك رمضان روايت نموده است

اللهم انك قلت
في كتابك المنزل على لسان نبيك المرسل صلواتك عليه وآله و
قولك حق شهر رمضان الذي انزل فيه القران هدى للناس
وبينات من الهدى والفرقان وهذا شهر رمضان قد تصرم | وانقضت ايامه ولياليه
فاسئلك بوجهك الكريم وكلماتك التامة ان كان بقي
على ذنب لم تغفره لي او تريد ان تعذبني عليه او تقايسني ان

يطلع فجر هذه الليلة او يتصرم هذا الشهر الا وقد غفرته لي
يا ارحم الراحمين اللهم لك الحمد بمحامدك كلها اولها و
اخرها ما قلت لنفسك منها وما قال لك الخلائق الحامدون
المجتهدون المعددون الموثرون في ذكرك والشكر لك
الذين اعنتهم على اداء حقك من اصناف خلقك من الملائكة
المقربين والنبيين والمرسلين واصناف الناطقين المسبحين
لك من جميع العالمين على انك قد بلغتنا شهر رمضان و
علينا من نعمك وعندنا من قسمك واحسانك وتظاهر امتنانك
فبذلك لك منتهى الحمد الخالد الدائم الراكد المخلد السرمدي
الذي لا ينفد طول الابد جل ثناؤك اعنتنا عليه حتى قضيت
عنا صيامه وقيامه من صلوة وما كان منا فيه من بر او شكر
او ذكر اللهم فتقبله منا باحسن قبولك وتجاوزك و
عفوك وصفحك وغفرانك وحقيقة رضوانك حتى تظفرنا
فيه بكل خير مطلوب وجزيل عطاء موهوب وتؤمننا فيه من

جزيل

كل

كل امر مرهوب وذنب مكسوب اللهم اني اسالك بعظيم ما سألك
احد من خلقك من كريم اسمائك وجزيل ثنائك وخاصة
دعائك ان تصلي على محمد وال محمد وان تجعل شهرنا هذا
اعظم شهر مر علينا منذ انزلتنا الى الدنيا بركة في
عصمة ديني وخلاص نفسي وقضاء حاجتي وتشفيعي في مسائلي
وتمام النعمة علي وصرف السوء عني ولباس العافية لي و
ان تجعلني برحمتك ممن حزت له ليلة القدر وجعلتها له خيرا
من الف شهر في اعظم الاجر وكرائم الذخر وطول العمر و
حسن الشكر ودوام اليسر اللهم واسالك برحمتك و
طولك وعفوك ونعمائك وجلالك وقديم احسانك وامتنانك
ان لا تجعله اخر العهد منا لشهر رمضان حتى تبلغناه من
قابل على احسن حال وتعرفني هلاله مع الناظرين اليه والمعتر
له في اعفى عافيتك وانعم نعمتك واوسع رحمتك واجزل قسمك
اللهم يا ربي الذي ليس لي رب غيره اسالك ان لا يكون هذا

شهر رمضان

فين

لا يكون

الوداع مني وداع فناء ولا اخر العهد من اللقاء حتى ترينيه من
قابل في اسبغ النعم وافضل الرجاء وانا لك على احسن الوفاء
انك سميع الدعاء اللهم اسمع دعائي وارحم تضرعي وتذللي
واستكانتي وتوكلي عليك وانا لك مسلم لا ارجو نجاحا ولا لك
معافاة ولا تشريفا ولا تبليغا الا بك ومنك فامنن على جل
ثناؤك وتقدست اسماؤك بتبليغي شهر رمضان وانا معافا
من كل مكروه ومحذور ومن جميع البوائق الحمد لله الذي
اعاننا على صيام هذا الشهر وقيامه حتى بلغنا اخر ليلة منه

وشيخ طوسی ره در کتاب تهذيب بسند ديگر نيز از ابی بصير از آنحضرت اللهم انی اسالك
همين دعا را روايت نموده و در روايتی اين زيادتی نيز موجود است

باحب ما دعيت وارضى ما رضيت به عن محمد صلى الله عليه واله
ان تصلي على محمد وال محمد ولا تجعل وداعي وداع شهر رمضان
وداع خروجي من الدنيا ولا وداع اخر عبادتك فيه ولا اخر صومي
لك وارزقني العود فيه ثم العود فيه برحمتك يا ولي المؤمنين
ووفقني فيه لليلة القدر واجعلها لي خيرا من الف شهر رب الليل

والنهار

والنهار والجبال والبحار والظلم والانوار والارض والسماء يا باري
يا مصور يا حنان يا منان يا الله يا رحمن يا رحيم يا قيوم يا بديع
لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والالاء
اسئلك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم ان تصلي على محمد وال
محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع
الشهداء واحساني في عليين واسائتي مغفورة وان تهب
لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا لا يشوبه شك ورضا بما قسمت لي
وان تؤتيني في الدنيا حسنة وفي الاخرة حسنة وان تقيني
عذاب النار اللهم اجعل فيما تقضي وتقدر من الامر المحتوم
وفيما تفرق من الامر الحكيم في ليلة القدر من القضاء الذي لا
يرد ولا يبدل ولا يغير ان تكتبني من حجاج بيتك الحرام المبرور
حجهم المشكور سعيهم المغفورة ذنوبهم المكفر عنهم سيئاتهم
واجعل فيما تقضي وتقدر ان تعتق رقبتي من النار يا ارحم الراحمين
اللهم اني اسالك ولم يسال العباد مثلك جودا وكرما وارغب

إليك ولم يرغب إلى مثلك أنت موضع مسألة السائلين ومنتهى
رغبة الراغبين أسألك بأعظم المسائل كلها وأنجحها (وأفضلها خ)
التي لا ينبغي للعباد أن يسألوك بها يا الله يا رحمن وبأسمائك
ما علمت منها وما لم أعلم وبأسمائك الحسنى وأمثالك العليا (فيها خ)
ونعمك التي لا تحصى وبأكرم أسمائك عليك وأحبها
إليك وأشرفها عندك منزلة وأقربها منك وسيلة و
أجزلها منك ثوابا وأسرعها لديك إجابة وباسمك المكنون
المخزون الحي القيوم الأكبر الأجل الذي تحبه وتهواه و
ترضى عمن دعاك به وتستجيب له دعاءه وحق عليك أن لا
تخيب سائلك وأسألك بكل اسم هو لك في التوراة والإنجيل
والزبور والفرقان وبكل اسم دعاك به حملة عرشك وملائكة
سمواتك وجميع الأصناف من خلقك من نبي أو صديق أو
شهيد وبحق الراغبين إليك الفرقين منك المتعوذين بك
وبحق مجاوري بيتك الحرام حجاجا ومعتمرين ومقدسين و (مقربين خ)

المجاهدين

المجاهدين في سبيلك وبحق كل عبد متعبد لك في بر أو بحر أو سهل
أو جبل أدعوك دعاء من قد اشتدت فاقته وكثرت ذنوبه
وعظم جرمه وضعفت كدحه دعاء من لا يجد لنفسه سادا و
لا لضعفه مقويا ولا لذنبه غافرا غيرك هاربا إليك متعوذا
بك متعبدا لك غير مستكبر ولا مستنكف خائفا بائسا فقيرا (متكبر خ)
مستجيرا بك وأسألك بعزتك وعظمتك وجبروتك وسلطانك
وبملكك وبهائك وجودك وكرمك وبآلائك وحسنك و
جمالك وبقوتك على ما أردت من خلقك أدعوك يا رب
خوفا وطمعا ورهبة ورغبة وتخشعا وتملقا وتضرعا و
إلحافا وإلحاحا خاضعا لك لا إله إلا أنت وحدك لا شريك
لك يا قدوس يا قدوس يا قدوس يا الله يا الله يا الله يا رحمن
يا رحمن يا رحمن يا رحيم يا رحيم يا رحيم يا رب يا رب يا رب أعوذ
بك وبأسمائك التي تملأ أركانك كلها أن تصلي على محمد وآل
محمد واغفر لي ذنبي وارحمني وأوسع علي من فضلك العظيم

وتقبّل منّي شهر رمضان وصيامه وقيامه وفرضه ونوافله واغفر
لي وارحمني واعف عنّي ولا تجعله آخر شهر رمضان صمته
لك وعبدتك فيه ولا تجعل وداعي إيّاه وداع خروجي من الدنيا خروجي
اللهمّ أوجب لي من رحمتك ومغفرتك ورضوانك وخشيتك
أفضل ما أعطيت أحدًا من عبادك فيه اللهمّ لا تجعلني آخر
من سألك فيه واجعلني ممّن أعتقته في هذا الشهر من النار
وغفرت له ما تقدّم من ذنبه وما تأخّر وأوجبت له أفضل
ما رجاك وأمّله منك يا أرحم الراحمين اللهمّ ارزقني العود في
صيامه لك وعبادتك فيه واجعلني ممّن كتبته في هذا الشهر من
حجّاج بيتك الحرام المبرور حجّهم المغفور لهم ذنبهم المتقبّل عملهم
آمين آمين آمين ربّ العالمين اللهمّ لا تدع لي فيه ذنبًا إلّا
غفرته ولا خطيئة إلّا محوتها ولا عثرة إلّا أقلتها ولا دينًا إلّا
قضيته ولا عيلة إلّا أغنيتها ولا همًّا إلّا فرّجته ولا فاقة
إلّا سددتها ولا عريانًا إلّا كسوته ولا مرضًا إلّا شفيته ولا

داء إلّا أذهبته ولا حاجة من حوائج الدنيا والآخرة إلّا قضيتها
على أفضل أملي ورجائي فيك يا أرحم الراحمين اللهمّ لا تزغ قلوبنا
بعد إذ هديتنا ولا تذلّنا بعد إذ أعززتنا ولا تضعنا بعد
إذ رفعتنا ولا تهنّا بعد إذ أكرمتنا ولا تفقرنا بعد إذ
أعطيتنا ولا تحرمنا بعد إذ رزقتنا ولا تغيّر شيئًا من نعمتك
علينا وإحسانك إلينا لشيء كان من ذنوبنا ولا لما هو كائن
منّا فإنّ في كرمك وعفوك وفضلك سعة لمغفرة ذنوبنا
فاغفر لنا وتجاوز عنّا ولا تعاقبنا عليها يا أرحم الراحمين
اللهمّ أكرمني في مجلسي هذا كرامة لا تهينني بعدها أبدًا
وأعزّني بعزّ لا تذلّني بعده أبدًا وعافني عافية لا تبتليني بعدها
أبدًا وارفعني رفعة لا تضعني بعدها أبدًا واصرف عنّي شرّ
كلّ شيطان مريد وشرّ كلّ جبّار عنيد وشرّ كلّ قريب أو
بعيد وشرّ كلّ صغير أو كبير وشرّ كلّ دابّة أنت آخذ بناصيتها
إنّ ربّي على صراط مستقيم اللهمّ ما كان في قلبي من شكّ أو

أو فسوق أو فرح مرح

رِيبَةٍ أَوْ جُحُودٍ أَوْ قُنُوطٍ أَوْ فَرَحٍ أَوْ مَرَحٍ أَوْ بَطَرٍ أَوْ بَذَخٍ أَوْ خُيَلَاءَ
أَوْ رِيَاءٍ أَوْ سُمْعَةٍ أَوْ شِقَاقٍ أَوْ نِفَاقٍ أَوْ كُفْرٍ أَوْ فُسُوقٍ أَوْ مَعْصِيَةٍ
أَوْ شَيْءٍ لَا تُحِبُّ عَلَيْهِ وَلِيًّا فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ (شرّ)
أَنْ تَمْحُوَهُ مِنْ قَلْبِي وَتُبَدِّلَنِي مَكَانَهُ إِيمَانًا بِوَعْدِكَ وَرِضًا بِقَضَائِكَ
وَوَفَاءً بِعَهْدِكَ وَوَجَلًا مِنْكَ وَزُهْدًا فِي الدُّنْيَا وَرَغْبَةً فِيمَا
عِنْدَكَ وَثِقَةً بِكَ وَطُمَأْنِينَةً إِلَيْكَ وَتَوْبَةً نَصُوحًا إِلَيْكَ اللَّهُمَّ
إِنْ كُنْتَ بَلَّغْتَنَاهُ وَإِلَّا فَأَخِّرْ آجَالَنَا إِلَى قَابِلٍ حَتَّى تُبَلِّغَنَاهُ
فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
كَثِيرًا وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ مؤلف گوید که محتمل است که دعای آخر جزء
دعای اول باشد و از روایت کلینی ره ساقط
شده باشد و در روایت شیخ ابو بصیر هر دو را روایت نموده باشد سید بن طاوس
در کتاب اقبال گفته که در کتب دعوات این دعا را برای وداع ماه مبارک رمضان یافتم
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُدْرِكُ الْعُلَمَاءُ عِلْمَهُ
وَلَا يَسْتَخِفُّ الْجُهَّالُ حِلْمَهُ وَلَا يُحْسِنُ الْخَلَائِقُ وَصْفَهُ وَلَا يَخْفَى
عَلَيْهِ مَا فِي الصُّدُورِ خَلَقَ خَلْقَهُ مِنْ غَيْرِ أَصْلٍ وَلَا مِثَالٍ بِلَا تَعَبٍ
وَلَا نَصَبٍ وَلَا تَعْلِيمٍ وَرَفَعَ السَّمَاوَاتِ الْمَوْطُودَاتِ بِلَا أَصْحَابٍ وَلَا أَعْوَانٍ

وبسط

وَبَسَطَ الْأَرْضَ عَلَى الْهَوَاءِ بِغَيْرِ أَرْكَانٍ عَلِمَ بِغَيْرِ تَعْلِيمٍ وَخَلَقَ بِلَا مِثَالٍ
عِلْمُهُ بِمَا كَانَ بِخَلْقِهِ قَبْلَ أَنْ يُكَوِّنَهُمْ كَعِلْمِهِ بِهِمْ بَعْدَ تَكْوِينِهِ لَهُمْ
لَمْ يَخْلُقِ الْخَلْقَ لِتَشْدِيدِ سُلْطَانٍ وَلَا لِخَوْفٍ مِنْ زَوَالٍ وَلَا نُقْصَانٍ
وَلَا اسْتَعَانَ بِخَلْقِهِ عَلَى ضِدٍّ مُكَابِرٍ وَلَا نِدٍّ مُثَاوِرٍ مَا لِسُلْطَانِهِ
حَدٌّ وَلَا لِمُلْكِهِ نَفَادٌ تَقَدَّسَ بِنُورِ قُدْسِهِ دَنَا فَعَلَا وَعَلَا فَدَنَا
فَلَهُ الْحَمْدُ حَمْدًا يَنْتَهِي مِنْ سَمَائِهِ إِلَى مَا لَا نِهَايَةَ فِي عَلَائِهِ حَسُنَ
فِعَالُهُ وَعَظُمَ جَلَالُهُ وَأَوْضَحَ بُرْهَانَهُ فَلَهُ الْحَمْدُ زِنَةَ الْجِبَالِ
ثِقْلًا وَعَدَدَ الْمَاءِ وَالثَّرَى وَعَدَدَ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى الْحَمْدُ لِلَّهِ
الَّذِي كَانَ إِذْ لَمْ تَكُنْ أَرْضٌ مَدْحِيَّةٌ وَلَا سَمَاءٌ مَبْنِيَّةٌ وَلَا
جِبَالٌ مُرْسِيَةٌ وَلَا شَمْسٌ تَجْرِي وَلَا قَمَرٌ يَسْرِي وَلَا لَيْلٌ يُدْجِي وَ
لَا نَهَارٌ يُضْحِي اكْتَفَى بِحَمْدِهِ عَنْ حَمْدِ غَيْرِهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
تَفَرَّدَ بِالْحَمْدِ وَعَطَائِهِ فَهُوَ وَلِيُّ الْحَمْدِ وَمُنْشِئُهُ وَخَالِقُهُ وَ
وَاهِبُهُ مَلَكَ فَقَهَرَ وَحَكَمَ فَعَدَلَ وَأَضَاءَ فَاسْتَنَارَ هُوَ كَهْفُ
الْحَمْدِ وَقَرَارُهُ وَمِنْهُ مُبْتَدَاهُ وَإِلَيْهِ مُنْتَهَاهُ اسْتَخْلَصَ الْحَمْدَ

لنفسه ورضي به ممن حمده فهو الواحد بلا نسبة الدائم بلا مدة
المنفرد بالقوة المتوحد بالقدرة لم يزل ملكه عظيما
ومنه قديما وقوله رحيما واسماؤه طاهرة رضي من
عباده بعد الصنع ان قالوا الحمد لله رب العالمين والحمد
لله مثل جميع ما خلق وزنته واضعاف ذلك اضعافا
لا تحصى على جميع نعمه وعلى ما هدانا وآتانا وقوانا بمنه
على صيام شهرنا هذا ومن علينا بقيام بعض لياليه وآتانا
ما لم نتناهله ولم نستوجبه باعمالنا فلك الحمد اللهم
ربنا فانت مننت علينا في شهرنا هذا بترك لذاتنا واجتناب
شهواتنا وذلك من منك علينا لا من منا عليك ربنا فليس
اعظم الامرين علينا نحول اجسامنا ونصب ابداننا ولكن
اعظم الامرين واجل المصائب عندنا ان خرجنا من شهرنا
هذا منقلبين بالخيبة محرومين قد خاب طمعنا وكذب
ظننا فيا من له صمنا ووعده صدقنا وامره اتبعنا

واليه رغبنا

واليه رغبنا لا تجعل الحرمان حظنا ولا الخيبة جزاءنا فانك ان حرمتنا
فاهل ذلك نحن لسوء صنيعنا وكثرة خطايانا وان تعف عنا
ربنا وتقض حوائجنا فانت اهل ذلك مولانا فطالما بالعفو
عند الذنوب استقبلتنا وبالرحمة لدى استيجاب عقوبتك
ادركتنا وبالتجاوز والستر عند ارتكاب معاصيك كافيتنا
وبالضعف والوهن وكثرة الذنوب والعود فيها عرفتنا
وبالتجاوز والعفو عرفناك ربنا فمن علينا بعفوك يا كريم
فقد عظمت مصيبتنا وكثر اسفنا على مفارقة شهر كثر
فيه املنا قد خفي علينا على اي الحالات فارقنا وباي الزاد
منه خرجنا باحتقاب الخيبة لسوء صنيعنا ام بجزيل عطائك
بمنك مولانا وسيدنا فعلى شهر صومنا العظيم فيه رجاؤنا
التام فلو عقلنا مصيبتنا لمفارقة شهر ايام صومنا على
ضعف اجتهادنا فيه لاشتد لذلك حزننا وعظم على ما
فاتنا فيه من الاجتهاد تلهفنا اللهم فاجعل عوضنا من

شهر صومنا مغفرتك ورحمتك ربنا وان كنت رحمتنا في شهرنا
هذا فذلك ظننا وأملنا وتلك حاجتنا فازدد عنا رضا و
ان كنا حرمنا ذلك بذنوبنا فمن الآن ربنا لا تفرق جماعتنا
حتى تشهد لنا بعتقنا وتعطينا فوق املنا وتزيد فوق طلبتنا
وتجعل شهرنا هذا امانا لنا من عذابك وعصمة لنا ما ابقيتنا
وان انت بلغتنا شهر رمضان ايضا فبلغنا غير عائدين في
شيء مما تكره ولا مخالفين لشيء مما تحبه ثم بارك لنا فيه
واجعلنا اسعد اهله به وان انت اجلتنا دون ذلك فاجعل
الجنة منقلبنا ومصيرنا واجعل شهرنا هذا امانا لنا من
اهوال ما نرد عليه واجعل خروجنا الى مصلانا ومجتمعنا
خروجا من جميع ذنوبنا وولوجا في سابغات رحمتك واجعلنا
اوجه من توجه اليك واقرب من تقرب اليك وانجح من
سالك فاعطيته ودعاك فاجبته واقلبنا من مصلانا
وقد غفرت لنا ما سلف من ذنوبنا وعصمتنا في بقية اعمارنا

واسعفنا

واسعفنا بحوائجنا واعطينا جميع خير الآخرة والدنيا ثم
لا تعدنا في ذنب ولا معصية ابدا ولا تطعمنا رزقا تكرهه
ابدا واجعل لنا في الحلال مفسحا ومتسعا اللهم ونبيك
الحبيب المكرم الراسخ له في قلوب امته خالص المحبة لصفو
نصيحته لهم وشدة شفقته عليهم ولتبليغه رسالاتك
وصبره في ذاتك وتحننه على المؤمنين من عبادك فاجزه
اللهم عنا افضل ما جزيت نبيا عن امته وصل عليه عدد
كلماتك التامات انت وملائكتك وارفعه الى اعلى الدرج
واشرف الغرف حيث يغبطه الاولون والآخرون وانضر
وجوهنا بالنظر اليه في جنانك واقرر اعيننا وانلنا من حوضه
ريا لا ظما بعده ولا شقاء وبلغ روحه منك تحية وسلاما
منا مستشهدا له بالبلاغ والنصيحة اللهم وصل على جميع
انبيائك ورسلك وبلغ ارواحهم منا السلام وشهادتنا
لهم بالنصيحة والبلاغ وصل على ملائكتك اجمعين واجز

بَيْنَنا عَنّا أفْضَلَ الْجَزاءِ اَللّهُمَّ اغْفِرْ لَنا وَلِمَنْ وَلَدَنا مِنَ الْمُؤْمِنينَ وَ
الْمُؤْمِناتِ الْأَحْياءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْواتِ وَأَدْخِلْ عَلى أَسْلافِنا مِنْ
أَهْلِ الْإيمانِ الرَّوْحَ وَالرَّحْمَةَ وَالضِّياءَ وَالْمَغْفِرَةَ اَللّهُمَّ
انْصُرْ جُيُوشَ الْمُسْلِمينَ وَاسْتَنْقِذْ أُسارَاهُمْ وَاجْعَلْ جائِزَتَكَ
لَهُمْ جَنّاتِ النَّعيمِ اَللّهُمَّ اطْوِ لِحُجّاجِ بَيْتِكَ الْحَرامِ وَعُمّارِهِ
الْبُعْدَ وَسَهِّلْ لَهُمُ الْحَزْنَ وَارْجِعْهُمْ غانِمينَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ مَغْفُوراً
لَهُمْ كُلُّ ذَنْبٍ وَمَنْ أَوْجَبْتَ عَلَيْهِ الْحَجَّ مِنْ أُمَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ فَيَسِّرْ لَهُ ذلِكَ وَاقْضِ عَنْهُ فَريضَتَكَ وَتَقَبَّلْها
مِنْهُ آمينَ يا رَبَّ الْعالَمينَ اَللّهُمَّ وَفَرِّجْ عَنْ مَكْرُوبِي أُمَّةِ
أَحْمَدَ وَمَنْ كانَ مِنْهُمْ في غَمٍّ أَوْ هَمٍّ أَوْ ضَنْكٍ أَوْ مَرَضٍ فَفَرِّجْ
عَنْهُ وَأَعْظِمْ أَجْرَهُ اَللّهُمَّ فَكَما سَأَلْتُكَ فَافْعَلْ ذلِكَ بِنا
وَبِجَميعِ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ وَأَشْرِكْنا في صالِحِ دُعائِهِمْ
وَأَشْرِكْهُمْ في صالِحِ دُعائِنا اَللّهُمَّ اجْعَلْ بَعْضَنا عَلى
بَعْضٍ بَرَكَةً اَللّهُمَّ وَما سَأَلْناكَ أَوْ لَمْ نَسْأَلْكَ مِنْ جَميعِ

الْخَيْرِ كُلِّهِ فَأَعْطِناهُ وَما نَعُوذُ بِكَ مِنْهُ أَوْ لَمْ نَعُذْ مِنْ جَميعِ
الشَّرِّ كُلِّهِ فَأَعِذْنا مِنْهُ بِرَحْمَتِكَ وَآتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَفِي
الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّارِ اَللّهُمَّ اجْمَعْ لَنا خَيْرَ الْآخِرَةِ
وَالدُّنْيا وَأَعِذْنا مِنْ شَرِّهِما يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ خزینهٔ
چهارم

آخر کتاب خزائن الجواهر السلطان در بیان اعمال ماه شوال و این خزینه نیز چند
باب مفتوح میگردد باب اول در بیان فضیلت این ماه بدانکه این ماه در میان دو ماه
متوسط اشرف از سایر ماههاست و اول ماه حج است و در بیان وجه تسمیه این ماه بشوال دو قول علما
دو وجه بنظر رسیده اول سید بن طاوس ره در کتاب اقبال از صاحب کتاب دستور المذکرین و منشور
المتعبدین نقل نموده که باسناد خود از رسول خدا صلعم روایت نموده است که بخدمت آن بزرگوار عرض
کردند که یا رسول الله شهر رمضان چه معنی دارد فرمود که حق تعالی گناه مؤمنین را در این ماه
گداخته و آمرزیده است هر دو برای ایشان پس عرض کردند که شوال چه معنی دارد فرمود که گناهان
ایشان برطرف شد پس باقی نماند گناهی مگر آنکه آمرزیده مؤلف گوید که سید بعد از ذکر این
روایت از صاحب کتاب مذکور نقل نموده است که بنا بر این شوال مشتق از شال بمعنی ارتفع است
و چون کسی که وظائف تمام ماه مبارک رمضان را از طاعات و عبادات بحسب الواقع بعمل
آورد گناهان او آمرزیده میشود پس بعد از انقضاء ماه رمضان که مستلزم دخول ماه شوال
است گناهان او همگی رفع شده است دوم صاحب کتاب صحاح گفته که شوال مشتق از شول
بمعنی خفت و سبکی است و چون اعمال این ماه قلیل و سبک است لهذا آنرا باین اسم نامید
ند والله تعالی اعلم و بدانکه روزه این ماه فضیلت دارد چنانچه سید بن طاوس ره در کتاب اقبال
از صاحب کتاب دستور المذکرین نقل نموده که او باسناد خود از رسول خدا صلعم روایت نموده
است که هر که روزه بدارد ماه رمضان و ماه شوال و چهارشنبه وسط و پنجشنبه اول و آخر
از ده ماه دیگر را داخل بهشت شود و ایضا بسند دیگر روایت کرده است که عبید فرضی از رسول
خدا صلعم سؤال نمود که یا رسول الله تمام دهر را روزه بدارم پس حضرت ساکت شد پس باز دیگر
همین سؤال را نمود حضرت ساکت و در مرتبه سیم فرمود که کیست سؤال را از من نمود عرض کرد
یا رسول الله من سؤال نمودم پس حضرت فرمود که بدرستی که برای اهل تو حقی هست روزه بدار

ماه رمضان و ماه بعد از آن و چهارشنبهٔ وسط و پنجشنبهٔ اول و آخر هر ماه دیگر را هرگاه
چنین کند تمام سال را روزه داشته مؤلف گوید که مراد از روزهٔ این ماه بغیر روز عید است
زیرا که روزهٔ آن حرام است باجماع مسلمانان و در باب روزهٔ شش روز بعد از عید خلاف
است و بعد از این مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی باب دویم در بیان آداب
دیدن هلال این ماه و آنچه درین باب در کتب علما بنظر رسیده دو چیز است اول سید بن طاوس
ره در کتاب اقبال برای دیدن هلال این ماه اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ قَدْ مَنَنْتَ عَلَیْنَا بِضِیَاءِ
این دعا را انشا نموده است
الْبَصَائِرِ وَ الْاَبْصَارِ حَتّٰی عَرَّفْتَنَا مَا بَلَّغْتَنَا اِلَیْهِ مِنَ الْاَسْرَارِ وَ
الْاِعْتِبَارِ وَ شَاهَدْنَا هِلَالَ شَوَّالَ وَ هُوَ مِنْ شُهُورِ التَّعْظِیمِ وَ
الْاِجْلَالِ فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ وَفِّقْنَا لِمُصَاحَبَتِهِ بِمَا یُقَرِّبُنَا
اِلَیْکَ وَ شَرِّفْنَا فِیهِ بِتَمَامِ اِقْبَالِنَا عَلَیْکَ وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ اَهْلِ
السُّعُودِ وَ الْاِقْبَالِ فِی جَمِیعِ الْاَحْوَالِ وَ الْاَعْمَالِ وَ الْاَقْوَالِ وَ
کَمَا خَلَعْتَ عَلَیْنَا خِلَعَ التَّوْفِیقِ لِلظَّفَرِ بِنَصْرِهِ وَ بِرِّهِ وَ خَیْرِهِ
وَ اجْعَلْ سَعَادَتَهُ وَارِدَةً عَلَیْنَا بِزِیَادَاتِ الْاِحْسَانِ اِلَیْنَا حَتّٰی نُدْرِکَ
بِتَأْیِیدِکَ وَ عِنَایَتِکَ اَفْضَلَ مَا اَدْرَکَهُ اَحَدٌ فِیهِ مِنْ مَزِیدِکَ وَ عَفْوِکَ
وَ عَافِیَتِکَ بِرَحْمَتِکَ وَ ابْدَأْ بِکُلِّ مَنْ تُرِیدُ الْبِدَاءَةَ بِهِ فِی الدَّعَوَاتِ
وَ اَشْرِکْ مَعَنَا مَنْ یَعِزُّ عَلَیْنَا مِنَ الْاَهْلِ وَ ذَوِی الْمَوَدَّاتِ وَ الْحُقُوقِ الْمَحْفُوظَاتِ
یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ دویم سید جلیل نبیل امیر محمد باقر داماد قدس الله روحه در مجموعهٔ خود نوشته

کرده وقت

کرده وقت دیدن هلال ماه شوال در انگشتری فیروزه نگاه کند مؤلف گوید که چون این امر هیچ
در روایتی و حدیثی وارد نشده و ادعیه و آداب که در هر ماهی بعمل توان آورد در روایات
معتبره وارد شده است بهتر است که با آنها عمل شود باب سیم در بیان اعمال شب عید فطر
بدانکه این شب در نهایت فضیلت و کمال حرمت است و یکی از لیالی اربعهٔ سال بلکه افضل
از همه است و بعد از شب قدر دیگر شبی بفضیلت این شب نیست و نماز و دعا و تضرع و
استغفار و عبادت در آن شب ثواب عظیم دارد و چنانچه در خزینه سابق مذکور شد
این شب متمم شب قدر است و باین جهت مدخلیت تمام و ربط عظیم بشب قدر دارد و حق
تعالی ثواب بندگان و روزه داران ماه مبارک رمضان را در این شب و روز آن عطا میفرماید
و احادیث و اخبار در فضیلت آن و ثواب عبادت آن بسیار است چنانچه اکثر آنها در
احیا ضمن اعمال مذکور میشود ان شاء الله تعالی و اعمال این شب چنانچه از تتبع روایات ظاهر
میشود چند امر است اول احیا داشتن آن بعبادت چنانچه شیخ طوسی ره از حضرت
امام جعفر صادق از پدر بزرگوار خود علیهما السلام روایت کرده است که حضرت امیر المؤمنین ع
را خوش میآمد که در سالی چهار شب خود را برای خدا فارغ سازد و بعبادت مشغول باشد
شب اول رجب و شب نیمهٔ شعبان و شب عید ماه رمضان و شب عید قربان و ایضا
سید بن باقی در کتاب اختیار و کفعمی در بلد الامین از حضرت صادق ع روایت کرده اند
که فرمود ده شب است که سزاوار است که بندگان نخوابند در آنها و مشغول عبادت
حق تعالی باشند عرض کردند که کدام است آن شبها فرمود شب بیست و سیم ماه رمضان
و شب عید فطر و شب مزدلفه و ایضا صدوق بن بابویه در ثواب الاعمال از رسول خدا ص
روایت کرده است که هر که احیا کند شب عید فطر را نمیرد دل او در روزی که دلها از ترس
بمیرند و در روایتی دیگر شب عید و شب نیمهٔ شعبان مذکور است و بعضی از روایات این مطلب
در شب اول رجب و شب نیمهٔ شعبان گذشت و بعد از این در شب عید قربان و در ضمن اعمال
نیز مذکور میشود ان شاء الله تعالی و بدانکه بهتر آنست که این شب را در مسجد بعبادت احیا نماید
چنانچه سید بن طاوس ره در کتاب اقبال از حضرت صادق از پدر بزرگوارش علیهما السلام روایت
کرده است که حضرت سید الساجدین ع شب عید رمضان را بنماز احیا میفرمود تا صبح و تمام
این شب را در مسجد بسر میبرد و حضرت امام محمد باقر ع میفرمود که ای فرزند این شب کمتر از
غسل شب قدر نیست دویم غسل در این شب دو غسل مستحب است یکی در اول شب و یکی در آخر آن
چنانچه سید بن باقی در کتاب اختیار و کفعمی در جنة الامان و بلد الامین و بعضی دیگر تصریح
بآن نموده اند و شیخ طوسی در مصباح و سید بن طاوس در اقبال و دیگران غسل درین شب

مرسلاً روایت کرده اند و از حضرت صادق ع مرویست که راوی عرض کرد که فدای تو شوم چه عمل سزاوار است که در شب عید بجا آوریم فرمود که چون آفتاب غروب کند غسل بکن و چون نماز شام و نافله آنرا بجا آوری چهار رکعت نماز بگزار و بگو و تتمه عمل و تفصیل روایت آن در عمل پنجم مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی مؤلف گوید که شیخ و ابن بابویه و کفعمی و دیگران همگی وقت این غسل را بعد از غروب آفتاب و قبل از نماز مغرب نقل کرده اند چنانچه در روایت مذکوره تصریح بآن شده است و ظاهرا سر این معنی آنست که تمام اعمال این شب حتی نماز مغرب را با غسل دریابد هر چند در تمام شب جایز باشد و جمعی که تصریح بوقت غسل کرده اند گفته اند که پیش غسلی بکن در آخر شب بکن و در جای نماز خود بنشین تا صبح و سر این معنی نیز آنست که تا صبح با غسل باشد و نماز صبح را نیز با غسل دریابد و سید در کتاب مذکور گفته که در روایتی وارد شده است که هر گاه شب عید معلوم باشد غسل را پیش از غروب باید کرد و در روایت مذکوره که گذشت این حکم است مقید بوقتی هست شاید حدیثی دیگر در این باب بسید رسیده باشد و بدانکه حدیثی که در آن تصریح بدو غسل شده باشد بنظر این بضاعت نرسیده و سید در کتاب مذکور گفته که در روایتی وارد شده است که در آخرهای این شب غسل بکنند و از این نقل سید چنانچه بعضی فهمیده اند معلوم میشود که در این شب دو غسل مستحب باشد یکی در اول شب و یکی در آخر شب و بجان این قاصر نقل سید دلالت بر دو غسل ندارد چه محتمل است که مراد سید آن باشد که در روایتی وقت غسل شب عید در آخر شب وارد شده و حدیثی در این باب بنظر سید رسیده باشد و هر گاه مراد سید دو غسل میبود مناسب بود که بگوید که در روایتی وارد شده که در آخر شب نیز غسل بکنند و مؤید این معنی آنکه سید استحباب غسل را نیز مطلقا نقل کرده و بعد از آن وقت آنرا منسوب بروایت داده که در روایتی اول شب وارد شده و در روایت دیگر آخر آن و جد علامه ام قدس الله سره نیز در کتاب زاد المعاد استحباب غسل را در مطلق نقل کرده و وقتی برای آن ذکر نکرده **سیم** آنکه تکبیرات مستحب مؤکد است و ظاهر بعضی وجوب است که این تکبیرات را بعد از نماز شام و نماز خفتن و نماز صبح روز عید و نماز عید بگویند و بعضی نماز ظهر و عصر را اضافه کرده اند چنانچه کلینی و ابن بابویه و شیخ طوسی رحمهم الله بسند کالصحیح از سعید نقاش روایت کرده اند که حضرت امام جعفر صادق ع بمن فرمودند که بتحقیق که در فطر تکبیر هست و لیکن مسنون است عرض نمودم که در کجاست است حضرت فرمودند که بعد از نماز شام و خفتن شب عید و صبح روز عید و نماز عید و بعد از آن قطع میشود عرض نمودم که چگونه بگویم فرمودند که میگوئی اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَللّٰهُ اَكْبَرُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ اللّٰهُ اَكْبَرُ اَللّٰهُ اَكْبَرُ وَ لِلّٰهِ الْحَمْدُ اَللّٰهُ اَكْبَرُ عَلٰى مَا هَدَانَا و در روایت ابن بابویه نیز این زیادتی هست وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰى مَا اَبْلَانَا اینست معنی قول الحق تعالی

تکبیرات بعد از نماز

آیة الکرسی تا العلی العظیم بخوانند و بعد از آن ایضاً دعا را سی و شش نوبت بخوانند اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ سَنَةٌ جَدِيدَةٌ وَ اَنْتَ مَلِكٌ قَدِيمٌ اَسْئَلُكَ خَيْرَهَا وَ خَيْرَ مَا فِيهَا ... يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ و ظاهرا در این نقل از لفظ دعا چیزی ساقط شده باشد و در مجموعه دیگر بنظر رسیده که از رسول خدا ص منقولست که هر که در اول سال این دعا را بخواند و بروایتی هفت نوبت بخواند حق تعالی دو ملک را بر او موکل کرده اند که محافظت نمایند او را تا آخر سال و دعا اینست بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْاَبَدِيُّ الْقَدِيمُ الْحَيُّ الْكَرِيمُ الْحَنَّانُ الْمَنَّانُ اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ سَنَةٌ جَدِيدَةٌ وَ اَنْتَ مَلِكٌ قَدِيمٌ اَسْئَلُكَ خَيْرَهَا وَ الْعِصْمَةَ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ النَّجَاةَ مِنَ النِّيرَانِ وَ الْعَوْنَ عَلٰى هٰذِهِ النَّفْسِ الْاَمَّارَةِ بِالسُّوءِ وَ الْاِشْتِغَالَ بِمَا يُقَرِّبُنِي لَدَيْكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **سیم** سید جلیل میر محمد باقر داماد نقل نموده که در وقت تحویل سی و هفت نوبت این دعا را بخوانند بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي هٰذِهِ السَّنَةِ وَ بَلِّغْنَا مِنْ اَوَّلِ هٰذِهِ السَّنَةِ اِلٰى آخِرِهَا سَالِمِينَ وَ احْفَظْنَا مِنْ شَرِّ الظَّالِمِينَ بِحَقِّ حَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ وَ بِحَقِّ سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبٍّ رَحِيمٍ وَ بِحَقِّ فَاللّٰهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَ هُوَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ الْاَئِمَّةِ الْمَعْصُومِينَ الْهَادِينَ الْمَهْدِيِّينَ يَا مُحَوِّلَ الْحَوْلِ وَ الْاَحْوَالِ حَوِّلْ حَالَنَا اِلٰى اَحْسَنِ الْحَالِ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَ الْاَبْصَارِ يَا دَلِيلَ الْمُتَحَيِّرِينَ وَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ اَغِثْنِي يَا مُغِيثُ يَا مُغِيثُ وَا غَوْثَاهُ وَا غَوْثَاهُ وَا غَوْثَاهُ اُفَوِّضُ اَمْرِي اِلَى اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ **چهارم** در مجموعه بنظر رسیده که هر که در اول صباح روز نوروز چهارده نوبت یا وهاب و نوبت یا ودود بگوید تا نوروز دیگر مطالب او موافق خواهش او میسر گردد **پنجم** امیر محمد باقر داماد نقل نموده که در وقت تحویل دو رکعت نماز بکنند و در هر رکعتی حمد و هر سوره که خواهند **ششم** بعضی از رسایل مذکور است که در بیست و یک سوره بنی اسرائیل و سوره نوح و سوره سبح لله و سوره تبارک و سوره سبح اسم و سوره انا انزلناه بخوانند تا آخر سال محفوظ مانند از بلایا امیر محمد باقر داماد نقل نموده و در مجموعه بنظر رسید که در وقت تحویل هفت نوبت سوره فاطر را **هفتم** ... و بعضی از رسایل مذکور است که چون روز نوروز شود بعد از جماعتی که در آن روز انار شیرین که بزرگ باشد بستانند و انار ترش نیز مجوز است و اگر انار یافت نشود ... بگیرند و چهل و یک نوبت سوره یس را بر آنها بخوانند و یک کس چهل نوبت را بخوانند و هر نوبت که میخوانند باد بر انارها بدمند و باید اندکی پیش از تحویل بخوانند و چون سال تحویل شود انار را پوست کنده تناول نمایند و نگذارند که یک دانه انار ضایع شود و پوست انار را در ... یا در آب روان اندازند و در وقت خواندن سوره یس اندکی سوراخ در انار کنند و بخواندن ...

شود و چون این عمل را بجا آورند بعده هر دانه از آن انار مرضی دفع شود و از هر که آنرا بخورد و تا سال
دیگر از آفات و بلیات در حفظ و امان حق تعالی بوده باشد از برکت سورهٔ کریمه و فواید بسیار بر آن
مترتب است و میر محمد باقر داماد ره نیز این عمل را نقل نموده و عدد خاصی برای انار و سوراخ کردن انار
و در وقت خواندن کریمه حسب نبات معوض انار را نقل نموده و ایضا خوردن انار در وقت تحویل
در کلام او مذکور نیست بلکه ظاهر حال آنست که بعد از تحویل هر وقت باشد میتوان خورد هشتم
ایضا در بعضی از رسایل مذکور است و میر محمد باقر داماد ره نیز نقل نموده که در وقت تحویل هفت
آیه را که اول آنها حرف سین است با مشک و زعفران بظرف چینی بنویسند و بگلاب یا بید مشک یا آب
بشویند هر کس از آن آب بخورد در آن سال از مرضها و رنجها محفوظ باشد و اگر کژدم او را بگزد زهر بر
وی کار نکند بقدرت حق تعالی و آیات سبعه اینست بسم الله الرحمن الرحیم ۱ سلام قولا من رب رحیم
۲ سلام علی نوح فی العالمین ۳ سلام علی ابرهیم ۴ سلام علی موسی و هرون ۵ سلام علی آل یاسین ۶ سلام
علیکم طبتم فادخلوها خالدین ۷ سلام هی حتی مطلع الفجر دهم امیر محمد باقر داماد ره نقل نموده
که این طلسم را با مشک و زعفران بر کاغذی نویسند و با خود دارند و طلسم اینست
١١١٩٤١ ١١١٦ ٨ ر ﻫﻫ ﻫ ح ط و در بعضی از مجموعه ها که بنظر رسیده طلسم باین نحو بود
بسم الله الرحمن الرحیم ﻫ ١١١٩ ٩ ٨ ١١١١١ ها یازدهم در مجموعه بنظر رسید که منقولست
در روز نوروز این نقش را بمشک و زعفران بر روی کاغذی بنویسند و آنرا در ظرفی که آب در آنجا
باشد اندازند هر که از آن آب بیاشامد تمام آن سال از بیمنی و سلامت و خوشوقتی گذراند و
از جمیع آفتها و بلایا و شداید و مکروهات در حفظ حق تعالی بوده باشد و دولت و حشمت
او روز بروز زیاده شود و ابواب فتوحات و خیرات بر روی او گشاده شود و کارهای او
بسهولت آماده گردد و بر اعدای خود نصرت و ظفر یابد و دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم
ربی الله ربی الواحد ربنا الحی القیوم ربی الذی یحیی و یمیت ربی الواحد القهار حسبنا ربی
حسبی ربی اللهم انا نعوذ بک من الطعن و الطاعون و الوباء و البلاء و سوء الفجاءة و
سوء القضاء و شماتة الاعداء و من شر ما سبق ربنا اصرف عنا العذاب انا مؤمنون
حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر فالله خیر حافظا و هو ارحم الراحمین
صلی الله علی خیر خلقه محمد و عترته الطاهرین دوازدهم در جامع ابن بیطار مذکور است
صاحب فلاحت نبطیه از قول حضرت آدم ع نقل کرده که هر که در روز تحویل نیم مثقال تخم
بابونه مثقال قند سعوف ساخته بخورد و بر این مداومت نماید تا روز تحویل آفتاب بسرطان
در آن سال هیچ تب کوفتی بهم نرساند و اگر هر سال این کار بکند عمر او نقصان نپذیرد و بیست سال برسد
و اصلا در قوای او سستی و ضعف بهم نرسد سیزدهم ایضا از صاحب فلاحت نبطیه

نقل کرده

نقل نموده که هر که در این روز یک مخلصه کوفته بخورد و تا سه روز بر آن مداومت نماید در آن
سال هیچ زهری در او کارگر نشود و گفته اند که این از مجربات است چنانچه شخصی در سالی باین
عمل نموده بود و در آن سال چند نوبت باو زهر داده اند که از آنجمله یکمرتبه ده دانگ و نیم الماس
و یکمرتبه یک زهرهٔ افعی بود و بر او کارگر نشد چهاردهم در بعضی از رسایل مذکور است که در
روز نوروز از پوشیدن جامهٔ زرد و سیاه و بنفش و عنابی حذر باید کرد که باعث مفلسی
و آزردگیست بلکه جامهٔ سفید یا سبز یا آل یا کبود باید پوشید که باعث توانگری و صحت بدنست
در آن سال چنانچه در این ابیات که منسوبست بسلطان المحققین خواجه نصیر طوسی ره نظم آمده
شعر بوقت گردش سال ای یگانهٔ دوران ٭ نصیحتی کنم ار بشنوی و در یابی ٭ چهار رنگ مپوش
و چهار رنگ بپوش ٭ کز آن چهار شوی خاک و زین چهار آبی ٭ بپوش جامهٔ سبز و سفید و آل و کبود ٭
مپوش زرد و بنفش و سیاه و عنابی ٭ کزین چهار شود قامت تو خم چو کمان ٭ وز آن چهار شود چهرهٔ
تو عنابی پانزدهم در مجموعه بنظر رسید که منقولست که هر که این کلمات را در روز شنبه
بعد از نوروز بنویسد و بآب پاک بشوید و بخورد در آن سال از درد چشم ایمن باشد و کلمات
اینست الم المص الر المر کهیعص طه طسم طس یس ص حم حمعسق ق ن تحقیق بدانکه
آنچه در این مقصد مذکور شد در کتب معتبره مسطور نیست و بعضی از آنها را بروایت نسبت داده
اند و بعضی را بدون نسبت بروایت نقل نموده اند و آنها بر سه نوع است نوع اول آنچه از قبیل ادعیه
و اذکار و نماز و نوشتن دعا و طلسم و آشامیدن آب آنهاست و این قسم را اگر چه بروایت نسبت نداده
اند لیکن ظاهر حال آنست که ماخوذ از روایتی و حدیثی باشد و حدیث آن از میان رفته باشد یا از
کتب عامه و اهل سنه اخذ نموده باشند بنابر این قسم از اعمال ممکن است که بمنزله روایت باشد و چون
در مستحبات عمل بروایات ضعیفه میتوان کرد ممکن است که بجا آوردن این اعمال تجویز باشد خصوصا آنچه
از آیات و سور قرآنی باشد و [illegible] محمد باقر داماد ره در باب خواندن سوره یس بر انار بحدیث صحیح
خذ من القرآن ما شئت لما شئت تمسک شده تجویز آن نموده است پس هر یک از این اعمال را
بهتر آنست که بقصد قرآن و دعا در هر وقت از جملهٔ آنهاست بعمل آورند نوع دویم چیزی چندست
که ظاهر حال آنست که روایتی در آن باب وارد شده بحسب طب نافع بدن نیز دارد مانند خوردن انار با نبات و قند
و مخلصه و بعمل آوردن این قسم نیز نیکوست لیکن احوط آنست که مراعات مناسبت با مزاج هر شخص بشود
که مبادا مناسب نباشد و ضرر نماید نوع سیوم چیزی چندست که ظاهر حال آنست که آن هم نیز مسند
بروایتی نباشد و مستند بعلم نجوم باشد مانند حذر کردن از جامهٔ زرد و سیاه و بنفش و عنابی و پوشیدن
جامهٔ سفید یا سبز یا آل یا کبود و مراعات این نوع تابع حقیقت و بطلان علم نجوم است و علمای ما قدس
مراعات آن ضرور ندارند والله تعالی اعلم